بسم الله الرحمن الرحیم

مقالات منتخب همایش
حلقه‌های میانی؛ پیشران جامعه‌پردازی
در نظام انقلابی

مجموعه مقالات همایش «حلقه‌های میانی؛ پیشران جامعه‌پردازی در نظام انقلابی»

فهرست مقالات

عنوان مقاله	صفحه
فضای مجازی، حلقه‌های میانی مجازی و جامعه‌پردازی مجازی در نظام انقلابی؛ نسبت‌ها و آسیب‌ها	۱
مفهوم‌شناسی حلقه‌های میانی در جامعه توحیدی به نسبت مفهوم ولایت در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای	۶۳
نقش و کارکرد حلقه‌های میانی در گفتمان‌سازی بر اساس الگوی گفتمان‌سازی آیت‌الله خامنه‌ای	۹۱
چگونگی جذب شوک اقتصادی سطح کلان با تعریف حلقه‌های میانی	۱۲۳
شورای همگرایی نیروهای انقلابی در شهرستان اسلامشهر و نقش آن در مدیریت مسائل اجتماعی و سیاسی منطقه	۱۵۷
ارائه مدل مدیریت جهادی با استفاده از حلقه‌های میانی بر اساس بیانات آیت‌الله خامنه‌ای مبتنی بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی	۱۷۹
امام جماعت طراز اسلامی: حلقه میانی در جامعه‌سازی محله‌محور از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای	۱۹۷
مجمع فعالین نوشت‌افزار ایرانی اسلامی شرح ساختار و فعالیت‌های ایران نوشت	۲۲۳

مجموعه مقالات همایش «حلقه‌های میانی؛ پیشران جامعه‌پردازی در نظام انقلابی»

عنوان مقاله	صفحه
تبیین الگوی بسیج کمک‌های مردمی در دفاع مقدس مبتنی بر مفهوم‌سازی جریان حلقه‌های میانی	۲۵۱
نقش و جایگاه حلقه‌های میانی در حکمرانی مردمی بر مبنای بیانیه گام دوم انقلاب	۲۸۵
نقش راهبردی حلقه‌های میانی در تحقق حکمرانی خوب و تمدن‌سازی	۳۰۷
تحلیل تعامل مؤثر حلقه‌های میانی با ساختارهای نظام انقلابی: نقش‌آفرینی حلقه‌های میانی در دستیابی به اهداف بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در چارچوب اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای	۳۲۹
خواص و حلقه‌های میانی در حکمرانی قرآنی؛ مصادیق و کارکردها	۳۵۵
تحلیل کارکرد حلقه‌های میانی در اصلاح نظام تربیتی – آموزشی انقلاب اسلامی	۳۸۹
تجربه موفق پژوهشکده رهینو در استفاده از حلقه میانی بانوان برای تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی با ارائه راهکارهای نوآورانه برای تلفیق نقش‌های مختلف آنان	٤٠٥
راه‌اندازی حسینیه تخصصی کودک و نوجوان، با پشتیبانی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوان، به‌منظور ایجاد الگوی تربیت دینی نسل آینده (یک تجربه نگاری)	٤٣٨

مجموعه مقالات همایش «حلقه‌های میانی؛ پیشران جامعه‌پردازی در نظام انقلابی»

عنوان مقاله	صفحه
بررسی چالش «عوام‌زدگیِ حلقه‌های میانی» در ایفای نقش جامعه‌پردازی مبتنی بر بیانات آیت‌الله خامنه‌ای	٤٦٢
نهادهای پیشرفت بنیاد علوی الگو و تجربه برآمده از نظریه «حلقه‌های میانی» در سطح منطقه‌ای (شهرستان)	٤٩٢
نقش «حلقه‌های میانی» در بازسازی انقلابی نظام‌های: اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، تربیتی، آموزشی و...	٥٢٤
حلقه‌های میانی و مقاومت فعال در مواجهه با جنگ شناختی با الگوبرداری از آموزه‌های مهدویت	٥٤٤
نقش شبکه تسهیلگری بنیاد برکت ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره) به‌مثابه حلقه میانی در تکمیل حکمرانی اشتغال در ایران	٥٦٩
بررسی آثار و پیامدهای فقدان جهاد سازندگی در قامتِ حلقه میانی در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و ارائه‌ی مدل «احیای سازمان جهاد سازندگی» به‌منظور برون‌رفت از بلاتکلیفی «حکمرانیِ روستا» در ایران	٥٨٩
بررسی عملکرد و ظرفیت‌های گروه علوم پزشکی انقلابی با ماهیت حلقه‌های میانی	٦١١
چالش‌های تعامل حلقه‌های میانی با مجموعه‌های رسمی نظام انقلابی	٦١٩
جایگاه و ضرورت‌های حلقه‌های میانی در جهاد تبیین (ارائه تجربه‌ای خودجوش و مردمی، چالش‌ها و راهکار)	٦٤٥

مجموعه مقالات همایش «حلقه‌های میانی؛ پیشران جامعه‌پردازی در نظام انقلابی»

عنوان مقاله	صفحه
نقش‌آفرینی زنان در حلقه‌های میانی: راهبردی برای تحقق بیانیه گام دوم انقلاب و پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی	٦٧٧
نقش جهاد دانشگاهی به‌مثابه حلقه میانی در تحقق بیانیه گام دوم انقلاب و تقویت همبستگی اجتماعی	٧١٥
حلقه میانی فرهنگ‌سازی در قوه قضائیه	٧٥٥

فضای مجازی، حلقه‌های میانی مجازی و جامعه‌پردازی مجازی در نظام انقلابی؛ نسبت‌ها و آسیب‌ها

علی کرمی[1]

چکیده

به نظر می‌رسد حلقه‌های میانی در نظام انقلاب اسلامی دچار نوعی خفگی - خفتگی فضایی ناشی از نبود یا نقصان بسترها و ابزارها (نرم‌افزاری و سخت‌افزاری) شده به‌نحوی‌که علیرغم تصریح قانون اساسی و نیز تأکیدات آیت‌الله خامنه‌ای نتوانسته نقش خود را به‌عنوان پیشران جامعه‌پردازی ایفا نماید. با توجه به این مسئله هدف این پژوهش آسیب‌شناسی نقش فضای مجازی در کنشگری حلقه‌های میانی و جامعه‌پردازی مجازی و نسبت آن با مدل واقعی و میدانی نقش‌آفرینی حلقه‌های میانی در سیر جامعه‌پردازی نظام انقلابی است. سؤال اصلی مقاله این است که فضای مجازی، حلقه‌های میانی مجازی و جامعه‌پردازی مجازی چه نسبتی با مدل واقعی و میدانی حلقه‌های میانی به‌عنوان پیشران جامعه‌پردازی در نظام انقلابی می‌تواند داشته باشد؟ روش این مقاله کیفی است. داده‌های مورد نیاز از متن بیانات امامین انقلاب اسلامی و نیز کتب و مقالات علمی پژوهشی معتبر جمع‌آوری می شود. روش تجزیه‌وتحلیل یافته‌ها نیز مقایسه‌ای خواهد بود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد هرچند نقش‌آفرینی حلقه‌های میانی در فضای مجازی و شکل‌گیری اجتماعات و حلقات مجازی می‌تواند به‌عنوان نمودی برای آن مدل میدانی و واقعی در نظر گرفته شود اما نمی‌تواند جایگزین تام و تمام آن در نظر گرفته شود و نیازمند متوقف نشدن در فضای مجازی است. نتایج مقاله نیز نشان می‌دهد فضای مجازی می‌تواند بسترها و ابزارهای ارتباطاتی مورد نیاز را برای عبور پیام‌ها و مطالبات از لایه‌های غیرقابل نفوذ بوروکراتیک و نیز موانع ناشی از ارتباطات سنتی فراهم کند اما خود گرفتار معضل بی‌عملی و نداشتن تأثیرات ملموس اجتماعی (اسلاکتیویسم) و نیز خطراتی از جنس آستروفینگ است.

واژگان کلیدی: حلقه‌های میانی مجازی، جامعه‌پردازی مجازی، خفگی - خفتگی فضایی، ارتباطات مجازی.

---

[1] دکترای مطالعات اروپای دانشگاه تهران/ پژوهشگر سابق موسسه پژوهشی معارف انقلاب اسلامی
alikarami598@ut.ac.ir

مقدمه

در بیانیه گام دوم، آیت‌الله خامنه‌ای تأکید جدی بر خودسازی، جامعه‌سازی، جامعه‌پردازی، نظام سازی و نهایتاً تمدن سازی دارند (پیغامی، ۱٤۰۰). جامعه‌پردازی در انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان فرایندی برای شکل‌دهی به نظم اجتماعی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی، نقش محوری در تحولات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی انقلاب اسلامی داشته است. این فرایند تحت تأثیر اهداف و ارزش‌های انقلاب، تاریخچه‌ای غنی و پیچیده دارد که از آموزه‌های دینی، فرهنگ ایثار و جهاد و مشارکت مردمی الهام گرفته است. این فرایند همواره در حال جدال با چالش‌های داخلی و بین‌المللی بوده و با تأکید بر ارزش‌های اسلامی به دنبال ایجاد الگویی نوین برای پیشرفت جامعه است.

جدول ۱. تاریخچه جامعه‌پردازی در انقلاب اسلامی

دوره	ویژگی‌های برجسته جامعه‌پردازی	اقدامات مهم
پیش از پیروزی انقلاب	-شکل‌گیری هویت اسلامی و انقلابی -مقابله با غرب‌گرایی و استبداد -تقویت فرهنگ دینی و سیاسی	-نقش مساجد و هیئت‌ها -سخنرانی‌های امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای اسلامی -انتشار آثار استاد مطهری و دکتر شریعتی
پیروزی انقلاب (۱۳٦۰–۱۳۵۷)	-ایجاد ساختارهای جدید نظام اسلامی -تدوین قانون اساسی -تأسیس نهادهای انقلابی	-شورای انقلاب -سپاه پاسداران و بسیج سازندگی -تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی
دوران دفاع مقدس (۱۳٦۷–۱۳٦۰)	-بسیج اجتماعی برای دفاع از کشور -گسترش فرهنگ ایثار و شهادت -تقویت همبستگی ملی	-مشارکت مردمی در جبهه‌ها -ترویج ارزش‌های انقلابی از طریق رسانه‌ها و هنر

دوره	ویژگی‌های برجسته جامعه‌پردازی	اقدامات مهم
بازسازی و تثبیت نظام (۱۳۶۸–۱۳۷۶)	-توسعه نهادهای مدنی -بازسازی اقتصادی و فرهنگی -ایجاد الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت	-تأسیس کمیته امداد و بنیاد شهید -بازسازی مناطق جنگ‌زده -برنامه‌های فرهنگی و تربیتی
دوران معاصر (۱۳۷۶ به بعد)	-مواجهه با چالش‌های جهانی و داخلی -گسترش رسانه‌های دیجیتال -توجه به عدالت اجتماعی و حقوق شهروندی	-حضور شبکه‌های اجتماعی و اینترنت -توجه به حقوق مردم در گفتمان عمومی -مقابله با جنگ نرم فرهنگی

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳

اما جامعه‌پردازی در انقلاب اسلامی ایران با وجود دستاوردهای مهم، با چالش‌ها و مشکلاتی نیز مواجه بوده است. این چالش‌ها، ناشی از عوامل داخلی و خارجی و همچنین پیچیدگی‌های تغییرات اجتماعی در یک نظام انقلابی هستند. در جدول زیر، مهم‌ترین مشکلات و چالش‌ها در حوزه جامعه‌پردازی انقلاب اسلامی مرور شده است.

جدول ۲. چالش‌ها و مشکلات جامعه‌پردازی در انقلاب اسلامی

حوزه چالش	مشکلات و چالش‌ها	توضیحات
فرهنگی و ارزشی	-تقابل سنت و مدرنیته -تهاجم فرهنگی -ضعف در نهادینه‌سازی فرهنگ اسلامی	-تضاد بین ارزش‌های اسلامی و جریان‌های مدرن -گسترش فرهنگ غرب از طریق رسانه‌ها -چالش جذابیت ارزش‌های اسلامی برای نسل جوان
اقتصادی	-فقر و نابرابری -وابستگی به منابع نفتی	-نابرابری اقتصادی و مشکلات معیشتی

حوزه چالش	مشکلات و چالش‌ها	توضیحات
		-اقتصاد نفتی و نبود توسعه اقتصادی متوازن
سیاسی و حکمرانی	-عدم هماهنگی بین نهادها -بوروکراسی پیچیده -فشارهای بین‌المللی	-ضعف در هماهنگی بین دستگاه‌های حکومتی -ناکارآمدی نظام اداری -تحریم‌ها و فشارهای خارجی
اجتماعی	-شکاف نسلی -افزایش آسیب‌های اجتماعی	-فاصله دیدگاه‌ها بین نسل‌های انقلاب و نسل‌های جدید -مشکلاتی مانند اعتیاد، طلاق و بزهکاری اجتماعی
علمی و آموزشی	-کیفیت پایین برخی نظام‌های آموزشی -فرار مغزها و مهاجرت	-ضعف در تربیت نیروی انسانی متناسب با نیازهای جامعه -مهاجرت نخبگان علمی به خارج
فناوری و فضای مجازی	-استفاده نامناسب از فضای مجازی -نبود استراتژی منسجم برای بهره‌گیری از فناوری	-استفاده فضای مجازی به‌عنوان ابزار تضعیف ارزش‌های اسلامی -سیاست‌گذاری نامناسب در حوزه فناوری
بین‌المللی	-فشارهای سیاسی و نظامی -رقابت ایدئولوژیک	-دشمنی قدرت‌های جهانی با انقلاب اسلامی -دشواری صدور پیام انقلاب به عرصه بین‌المللی

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳

تحت تأثیر چالش‌های فوق نقش‌آفرینی حلقات میانی در فرایند جامعه‌پردازی وضعیتی پیدا نموده که در این پژوهش از آن به خفگی–خفتگی فضایی تعبیر می‌شود. این وضعیت حالتی از رکود و خواب‌آلودگی است که در اثر کمبود بسترها و ابزارهای (نرم‌افزار و سخت‌افزار) تأثیرگذاری ایجاد می‌شود. این پدیده زمانی اتفاق

می‌افتد که افراد، نهادها یا جوامع به دلیل ناکافی بودن مجاری ارتباطی قادر به مشارکت، نوآوری یا نقش‌آفرینی و تأثیرگذاری نباشند که این وضعیت منجر به احساس قطع ارتباط، ناکارآمدی و انفعال می‌شود. هدف این پژوهش آسیب‌شناسی نقش فضای مجازی در کنشگری حلقه‌های میانی و جامعه‌پردازی مجازی در نظام انقلابی و نسبت آن با مدل واقعی و میدانی نقش‌آفرینی حلقه‌های میانی در سیر جامعه‌پردازی نظام انقلابی است.

نقش حلقه‌های میانی مجازی و شکل‌گیری جوامع مجازی در توانایی آن‌ها برای عمل به‌عنوان پل بین افراد و سیستم‌های بزرگ‌تر، تقویت تعامل، همکاری و انسجام اجتماعی نهفته است. این حلقه‌های مجازی نقش حلقه‌های میانی فیزیکی را بازتاب می‌دهند، جایی که حلقه‌ها بین جنبش‌های مردمی و ساختارهای اجتماعی فراگیر میانجیگری می‌کنند. بااین‌حال، موفقیت آن‌ها مستلزم رویکردی است که فراتر از تعامل منفعلانه یا تکیه صرف به فضای سایبری باشد و از تعامل فعال و پویا با زمینه‌های دنیای واقعی اطمینان حاصل کند. حلقه‌های میانی در فضای مجازی فضاهایی را ایجاد می‌کنند که در آن افراد می‌توانند ایده‌ها را تبادل کنند، در پروژه‌ها همکاری کنند و اعتمادآفرینی کنند و به‌عنوان قطب‌هایی برای اقدام جمعی و حل مشکلات عمل کنند. آن‌ها می‌توانند صداهای به حاشیه رانده شده را تقویت کنند، دسترسی به اطلاعات را مردمی‌تر کنند و به اشتراک‌گذاری منابع و تخصص را تسهیل کنند. حلقه‌های مجازی همچنین نقش حیاتی در رسیدگی به چالش‌های اجتماعی، ارائه راه‌حل‌های انعطاف‌پذیر و مقیاس‌پذیر از طریق پلتفرم‌های آنلاین دارند. بااین‌حال، اثربخشی این جوامع مجازی به توانایی آن‌ها در ارتباط با اقدامات و ساختارهای دنیای واقعی بستگی دارد. توقف صرفاً در فضای سایبری خطر کاهش تأثیر آن به تعامل سطحی را به همراه دارد، جایی که مشارکت محدود به حرکات آنلاین بدون نتایج ملموس است. برای جلوگیری از این امر، حلقه‌های میانی باید مسیرهایی را برای کنش در دنیای واقعی ایجاد کنند و فضاهای دیجیتال و فیزیکی

را به شیوه‌ای مکمل ترکیب کنند. روش‌های مؤثر شامل پرورش مدل‌های ترکیبی است که تلاش‌های آنلاین و آفلاین را ادغام می‌کند و از تداوم و ثبات در هر دو فضا اطمینان می‌دهد. پلتفرم‌ها باید طوری طراحی شوند که انتقال یکپارچه بین تعامل مجازی و دنیای واقعی را تسهیل کرده و افراد را قادر می‌سازد تا در هر دو زمینه به‌طور معناداری عمل کنند. ایجاد اعتماد و مسئولیت‌پذیری در حلقه‌های مجازی بسیار مهم است، زیرا این ارزش‌ها به اقدامات قوی‌تر و منسجم‌تر در دنیای فیزیکی تبدیل می‌شوند. درنهایت، نقش حلقه‌های میانی در فضای مجازی فقط در مورد تشکیل جوامع مجازی نیست، بلکه در مورد استفاده از پتانسیل آن‌ها برای ایجاد تغییرات در دنیای واقعی است. با اطمینان از رابطه پویا بین فضای مجازی و فضاهای فیزیکی، این حلقه‌ها می‌توانند تأثیر خود را به حداکثر برسانند و رشد جوامع پر جنب‌وجوش و به‌هم‌پیوسته را که بین دنیای دیجیتال و ملموس پل ارتباطی برقرار می‌کنند، تقویت کنند.

پیشینه پژوهش

الف- فارسی

جدول ۳. مروری بر برخی پژوهش‌های داخلی

عنوان پژوهش	نویسنده/نویسندگان	یافته اصلی
شاخصه‌ها، ابعاد و مؤلفه‌های جامعه‌پردازی جهادی در گام دوم انقلاب اسلامی	روح‌الله قاسمی و مهدی سیاوشی	جامعه‌پردازی را مساوی با کار جهادی دانسته و به مشخص کردن شاخصه‌ها و عوامل مؤثر بر جامعه‌پردازی جهادی در گام دوم انقلاب اسلامی می‌پردازد.
تبیین معنا و مفهوم جامعه‌پردازی و جامعه‌سازی با تأکید بر اندیشه امام خامنه‌ای	اصغر افتخاری و محمدباقر باباهادی	عمده نگاه آیت‌الله خامنه‌ای در حوزه جامعه‌پردازی ناظر بر ظاهر جامعه اسلامی است، زیرا بنیه

		مردم ایران را که ناظر بر جامعه‌سازی است، ایشان قوی و مستحکم می‌دانند که به‌راحتی قابل خدشه نیست. همچنین توجه به عناصر و مؤلفه‌های مهمی مانند تحول، کار جهادی و جوان‌گرایی و نظایر آن‌ها ناظر بر پوسته و ظاهر جامعه و از مؤلفه‌های جامعه‌پردازی است.
الگوی جامعه‌پردازی نظام مردم‌سالاری دینی بر اساس بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی	سید محمدرضا محمود پناهی	الگوی جامعه‌پردازی نظام مردم‌سالاری دینی در بیانیه گام دوم متفاوت از الگوی جامعه‌پردازی دولت- ملت غربی و در جهت الگوی جامعه‌پردازی ملت-امت اسلامی است
کتاب گام دوم انقلاب اسلامی در خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی در کلام امام خامنه‌ای	بی‌نام	تحلیل بیانات آیت‌الله خامنه‌ای درباره نقش خودسازی و جامعه‌پردازی در پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳

ب- خارجی

جدول ٤. برخی پژوهش‌های خارجی

نویسندگان	موضوع	یافته‌ها
رابرت پاتنام (۱۹۹۳)	سرمایه اجتماعی و جامعه‌سازی	سرمایه اجتماعی باعث تقویت جوامع قوی و منسجم، بهبود حکمرانی، کاهش جرم و جنایت و افزایش کیفیت زندگی می‌شود.

نویسندگان	موضوع	یافته‌ها
الکسیس دو توکویل، چارلز تیلی (۲۰۰۱)	نقش جامعه مدنی	سازمان‌های جامعه مدنی نهادهای دموکراتیک را شکل می‌دهند، اقدام جمعی را تقویت می‌کنند و از جوامع فراگیر حمایت می‌کنند، به‌ویژه در شرایط پس از جنگ.
امیل دورکیم (۱۸۹۳)، مانوئل کاستلز (۲۰۰۰)	انسجام اجتماعی و شکل‌گیری هویت	ارزش‌ها و هویت‌های مشترک انسجام اجتماعی را تقویت می‌کند. جوامع آنلاین بر شکل‌گیری هویت مدرن تأثیر می‌گذارند، اما می‌توانند تقسیم شوند.
ساسکیا ساسن (۲۰۰۷)	تأثیر جهانی شدن	جهانی شدن فرصت‌هایی را برای پیوستگی ایجاد می‌کند اما می‌تواند نابرابری‌ها را تشدید کند و ساختارهای سنتی را مختل کند.
جیمز مارچ و یوهان اولسن (۲۰۰۶)	حکمرانی و سیاست	حکمرانی مؤثر و سیاست‌های فراگیر، ثبات و انسجام اجتماعی را ارتقا می‌دهد.
مانوئل کاستلز (۲۰۱۲)	فناوری و جامعه‌پردازی	فن‌آوری‌های دیجیتال جنبش‌های اجتماعی جدید را ممکن می‌سازد، اما همچنین می‌تواند پیوندهای اجتماعی سنتی را قطبی کرده و فرسایش دهد.
مارتا نوسبام (۲۰۱۱)، آمارتیا سن (۱۹۹۹)	عدالت اجتماعی و برابری	پرداختن به نابرابری‌ها در ثروت، منابع و فرصت‌ها برای ساختن جوامع عادلانه ضروری است.
رابرت روتبرگ (۲۰۰٤)	جامعه‌پردازی پس از جنگ	بازسازی اعتماد اجتماعی، آشتی و ایجاد نهادهای باثبات در شرایط پس از جنگ حیاتی است.
پائولو فریره (۱۹۷۰)	توسعه و توانمندسازی جامعه	تلاش‌های مردمی و ابتکارات تحت هدایت جامعه، افراد را توانمند می‌سازد و تغییرات اجتماعی پایدار را هدایت می‌کند.

نویسندگان	موضوع	یافته‌ها
آمارتیا سن (۱۹۹۹)، الینور اوستروم (۱۹۹۰)	پایداری و جامعه‌پردازی	ایجاد تعادل بین عوامل اجتماعی، محیطی و اقتصادی، جوامعی برابر و تاب آور ایجاد می‌کند.

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳

با توجه به این مقدمه هدف این پژوهش آسیب‌شناسی نقش فضای مجازی در کنشگری حلقه‌های میانی و جامعه‌پردازی مجازی در نظام انقلابی و نسبت آن با مدل واقعی و میدانی نقش‌آفرینی حلقه‌های میانی در سیر جامعه‌پردازی نظام انقلابی است. سؤال اصلی مقاله این است که فضای مجازی، حلقه‌های میانی مجازی و جامعه‌پردازی مجازی در نظام انقلابی چه نسبتی با مدل واقعی و میدانی حلقه‌های میانی به‌عنوان پیشران جامعه‌پردازی در نظام انقلابی می‌تواند داشته باشد؟

رویکرد مفهومی و نظری

تعابیر مختلفی از جامعه‌پردازی وجود دارد (شکل ۱)؛

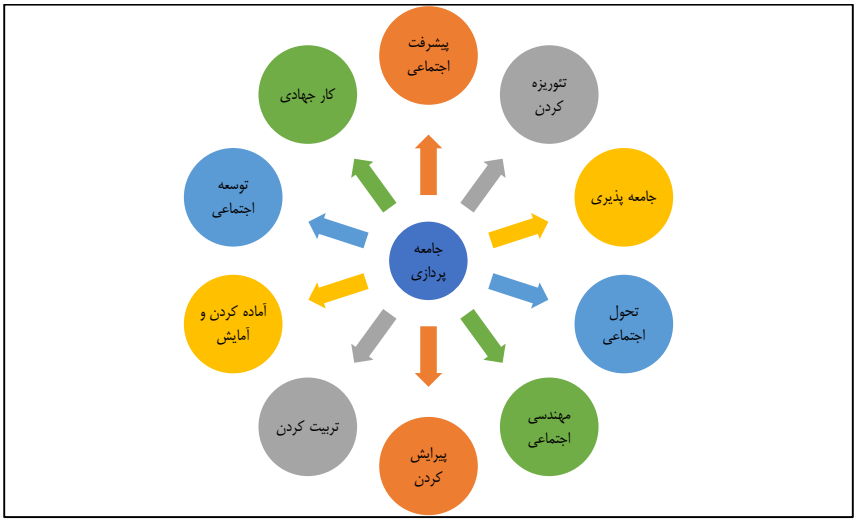

شکل ۱: تعابیر مختلف جامعه‌پردازی

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳

جامعه‌پردازی به معنی آماده‌سازی جامعه و ایجاد بستر اجتماعی برای ساختن جامعه گام اساسی در تقویت انسجام اجتماعی، پیشرفت و رفاه جمعی است. این فرآیند بخش‌های مختلف جامعه را درگیر می‌کند و مشارکت فعال، همکاری و توسعه ارزش‌های مشترک را ممکن می‌سازد. آماده‌سازی جامعه و فراهم کردن بستر اجتماعی فرآیندی چندوجهی است که نیازمند همکاری در بخش‌های مختلف ازجمله آموزش، حکومت، فناوری، فرهنگ و جامعه مدنی است. وقتی همه اقشار جامعه توانمند، درگیر و مرتبط شوند، نتیجه یک جامعه انعطاف‌پذیرتر، فراگیرتر و عادلانه‌تر است. فراهم کردن بستر اجتماعی یک تلاش جمعی است که طیف وسیعی از بازیگران و سازمان‌ها، هم در داخل دولت و هم در جامعه مدنی را در برمی‌گیرد. این بازیگران برای تقویت مشارکت اجتماعی، انسجام و توانمندسازی با یکدیگر همکاری می‌کنند. این سازمان‌ها و بازیگران باید برای تضمین توسعه یک جامعه اجتماعی منسجم، فراگیر و متعهد همکاری کنند. با ترکیب تلاش‌ها، آن‌ها می‌توانند بسترها و پشتیبانی لازم را برای ایجاد جوامع قوی‌تر فراهم کنند.

حلقات میانی کاتالیزورهای آماده‌سازی جامعه و ایجاد بستر اجتماعی برای ساختن جامعه، نیروهای پویایی هستند که اقدام، تعامل و انسجام اجتماعی را تحریک می‌کنند. این کاتالیزورها از بخش‌های مختلف می‌آیند و هم بر تمایل افراد برای مشارکت در فرآیندهای اجتماعی و هم بر ساختارهایی که از کنش جمعی حمایت می‌کنند، تأثیر می‌گذارند. کاتالیزورهای آماده‌سازی جامعه و ایجاد بستر اجتماعی برای توسعه جامعه چندوجهی و وابسته به یکدیگر هستند. آموزش، فناوری، جنبش‌های مردمی، رهبری سیاسی، فرصت‌های اقتصادی و رسانه‌ها همگی به ایجاد شرایط برای مشارکت اجتماعی کمک می‌کنند. با استفاده مؤثر از این کاتالیزورها، جامعه می‌تواند بسترهای فراگیر، انعطاف‌پذیر و مشارکتی برای پیشرفت جمعی ایجاد کند.

ارتباطات مجازی

ارتباطات مجازی شامل تبادل اطلاعات از طریق پلتفرم‌های دیجیتال به‌جای تعاملات حضوری است و شامل ارتباطات مبتنی بر متن از طریق ایمیل، برنامه‌های پیام‌رسانی و انجمن‌ها می‌شود. ارتباط مبتنی بر صدا با استفاده از تماس‌های صوتی، ارتباط مبتنی بر ویدئو از طریق ویدئو کنفرانس و پخش زنده و تعاملات در سیستم‌عامل‌های رسانه‌های اجتماعی و ابزارهای همکاری. این اشکال ارتباطی افراد را قادر می‌سازد تا در فواصل مختلف با هم ارتباط برقرار کنند و همکاری، اشتراک‌گذاری ایده‌ها و شرکت در مکالمات بی‌درنگ یا ناهم‌زمان را آسان‌تر می‌کنند (Baeva, 2019: 104-115).

حلقه‌های میانی مجازی

سازمان‌های رسانه‌ای ازجمله رسانه‌های خبری سنتی، روزنامه‌نگاری مستقل، بسترهای رسانه‌ای جایگزین، شبکه‌های اجتماعی و جوامع مجازی نقش مهمی در آماده‌سازی جامعه و ایجاد بستر اجتماعی برای ساختن جامعه‌ایفا می‌کنند. سازمان‌های رسانه‌ای – اعم از سنتی، مستقل، جایگزین، یا اجتماعی – برای آماده‌سازی جامعه برای تغییر، ایجاد فضاهای فراگیر برای بحث و ارائه بسترهایی برای اقدام مشترک که به ایجاد جوامع قوی‌تر و متعهدتر کمک می‌کند، مرکزی هستند.

جامعه‌پردازی مجازی

در زمان نگارش این مقاله جامعه‌پردازی مجازی یکی از مهم‌ترین ابعاد جامعه‌پردازی است. با ظهور اینترنت و فناوری‌های دیجیتال، جامعه‌پردازی مجازی به بخشی ضروری از تعاملات شخصی و حرف‌های تبدیل شده است و به افراد کمک می‌کند تا روابط خود را حفظ کنند، تجربیات خود را به اشتراک بگذارند و در فعالیت‌های جمعی شرکت کنند. آماده‌سازی جامعه و فراهم آوردن بستر اجتماعی برای جامعه‌پردازی عملاً شامل استفاده از ابزارهای دیجیتال، پلتفرم‌ها و فناوری‌ها برای

تسهیل تعامل، همکاری و تعامل بین افراد است. فضای مجازی انعطاف‌پذیری و دسترسی را اضافه می‌کند و به افراد امکان می‌دهد در مرزهای جغرافیایی، فرهنگی و زمانی با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. درنتیجه جامعه‌پردازی مجازی به فرآیند تعامل و ایجاد روابط در یک محیط آنلاین اشاره دارد که در آن افراد به‌جای فضاهای فیزیکی از طریق پلتفرم‌های دیجیتال به هم متصل می‌شوند. این فرایند شامل طیف گسترده‌ای از فعالیت‌ها مانند چت، اشتراک‌گذاری محتوا، همکاری در پروژه‌ها و شرکت در جوامع آنلاین است که اغلب از پلتفرم‌هایی مانند رسانه‌های اجتماعی، ابزار کنفرانس ویدیویی، انجمن‌های آنلاین و دنیای مجازی استفاده می‌کنند (Agostini & Mechant, 2019).

خفگی - خفتگی فضایی

با الهام از متن بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی خفگی - خفتگی فضایی به وضعیتی اشاره دارد که در آن یک فرد یا جامعه در یک موقعیت ثابت متوقف شده یا در فضا، زمان، یا مفهومی از محدودیت‌های اجتماعی، ذهنی یا حتی فیزیکی محصور شده است. این حالت می‌تواند به معنی احساس بی‌حرکتی، ناتوانی از اقدام یا عدم تغییر در یک شرایط اجتماعی، سیاسی یا فردی باشد. در برخی موارد، این اصطلاح ممکن است به وضعیت‌هایی از انفعال اجتماعی، محدودیت‌های اطلاعاتی یا فکری و حتی محدودیت‌های فیزیکی یا جغرافیایی اشاره داشته باشد که مانع از تحول و تحرک فرد یا گروه می‌شود. در چارچوب بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی مؤلفه‌های خفگی - خفتگی فضایی عبارت‌اند از (جدول ۵):

جدول ۵: مؤلفه‌های خفگی - خفتگی فضایی

جنگ شناختی (تقابل با اخلاق و قانون و ارزش‌های الهی و حقوق عمومی با اسم رمز آزادی)
بزک شدن مذاکره
زندانی شدن استقلال کشور
تحریف حقیقت و دروغ‌پردازی دشمن و پیاده‌نظامش

میدان ندادن به مدیران جوان
بی‌عدالتی
تبلیغات نارسا در داخل و محاصره‌ی تبلیغاتی خارجی
بی‌توجهی به شعارهای انقلاب و غفلت از جریان انقلابی
غفلت دست‌اندرکاران از ظرفیت‌های طبیعی و انسانی کشور
نومیدی بیجا و ترس کاذب
سبک زندگی تحمیلی غربی از کاروان علم
عقب‌ماندگی از قلّه‌های دانش جهان
فعالیت کانون‌های ضد معنویت و اخلاق
چالش بیرونی تحریم اقتصادی و وسوسه‌های دشمن
عیوب ساختاری و ضعف‌های مدیریتی درونی
وابستگی اقتصاد به نفت
دولتی بودن بخش‌هایی از اقتصاد که در حیطه‌ی وظایف دولت نیست
استفاده‌ی اندک از ظرفیت نیروی انسانی کشور
عدم ثبات سیاست‌های اجرائی اقتصاد
عدم رعایت اولویت‌ها
وجود هزینه‌های زائد و حتّی مسرفانه در بخش‌هایی از دستگاه‌های حکومتی
ادعای شجاعت و حکمت از جانب مدیران غیر جهادی
عدم مرزبندی با دشمنان

منبع: بیانیــه گام دوم انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷

رویکرد نظری

جامعه‌پردازی از نظر امام خمینی (ره) بر اساس اصول اسلامی و احکام دین مبین اسلام شکل می‌گیرد. امام خمینی (ره) بر این باور بودند که یک جامعه اسلامی باید بر پایه‌های معنوی و دینی بنا شود و هدف آن دستیابی به اهداف عالی انسانی و اسلامی باشد. از دیدگاه ایشان، جامعه باید از نظر فرهنگی، اخلاقی و اجتماعی

به‌گونه‌ای ساخته شود که انسان‌ها در آن به‌سوی تکامل معنوی و مادی حرکت کنند (مرتضوی، ۱٤۰۰: ۸۵–۳۱۱). اصول جامعه‌پردازی از نظر ایشان عبارت‌اند از:

۱. مردم‌سالاری دینی: امام خمینی ره همواره تأکید داشتند که در جامعه اسلامی، مردم باید در تعیین سرنوشت خود نقش اساسی داشته باشند، اما این نقش باید تحت چارچوب‌های دینی و اسلامی باشد. به‌عبارت‌دیگر، مردم از طریق مشارکت در فرآیندهای اجتماعی و سیاسی می‌توانند جامعه‌ای را بسازند که در آن اسلام به‌عنوان یک مرجع اصلی تصمیم‌گیری مورد توجه قرار گیرد.

۲. عدالت اجتماعی: امام خمینی (ره) بر اصل عدالت اجتماعی تأکید فراوان داشتند. به نظر ایشان، جامعه اسلامی باید از نظر اقتصادی و اجتماعی عادلانه باشد و افراد در آن از امکانات و منابع به‌طور مساوی بهره‌مند شوند. عدالت در توزیع ثروت و فرصت‌های برابر برای تمام اعضای جامعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود.

۳. حاکمیت اخلاق و معنویت: امام خمینی (ره) بر لزوم حاکمیت اخلاق و معنویت در جامعه تأکید داشتند. به نظر ایشان، افراد در جامعه باید بر اساس اصول اخلاقی اسلامی و ارزش‌های انسانی زندگی کنند. این اخلاق و معنویت باید در تمام حوزه‌ها، ازجمله سیاست، اقتصاد و فرهنگ، پیاده‌سازی شود.

٤. استقلال و آزادی: امام خمینی (ره) آزادی را در چارچوب اصول اسلامی و مستقل از نفوذ بیگانگان می‌دیدند. جامعه باید از نظر سیاسی و اقتصادی مستقل باشد و از هرگونه استعمار و سلطه خارجی دوری کند.

۵. نقش علم و آموزش: امام خمینی (ره) همچنین بر اهمیت علم و آموزش در شکل‌دهی به جامعه تأکید داشتند. جامعه باید به‌طور مداوم در جهت

ارتقاء دانش و آگاهی عمومی پیشرفت کند تا افراد قادر به درک مسائل پیچیده اجتماعی، سیاسی و دینی باشند.

بنابراین جامعه‌پردازی از دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) فرآیندی است که باید بر اساس اصول اسلامی، عدالت، اخلاق، استقلال و آزادی شکل بگیرد. حضرت امام خمینی (ره) معتقد بودند که برای ایجاد جامعه‌ای سالم و پویا، باید در کنار تأسیس نهادهای سیاسی و اجتماعی، فرهنگ و ارزش‌های اسلامی در همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی نهادینه شود.

جامعه‌پردازی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای هم به فرآیندی اشاره دارد که در آن با توجه به اصول اسلامی، ساختار و ویژگی‌های اجتماعی جامعه بر مبنای معنویت و اخلاق شکل می‌گیرد. این مفهوم به‌نوعی از تحول اجتماعی اشاره دارد که بر اساس دین، فرهنگ، اخلاق و ارزش‌های اسلامی پی‌ریزی شده است و هدف آن ایجاد جامعه‌ای است که هم از نظر معنوی و هم از نظر مادی به رشد و پیشرفت برسد (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷).

جدول ٦. جامعه‌پردازی در متن بیانیه گام دوم

موضوع	شرح
مفهوم جامعه‌پردازی	طراحی و ساختن جامعه‌ای بر مبنای آرمان‌های اسلامی و انقلابی، عدالت‌محور و معنویت‌محور. جامعه‌پردازی فرآیندی مستمر و پویا برای رسیدن به جامعه‌ای عادلانه، پیشرفته و معنویت‌محور است که الگویی برای سایر ملت‌ها باشد.
اهداف جامعه‌پردازی	– تحقق تمدن نوین اسلامی – تقویت هویت ملی و دینی – مبارزه با فساد و بی‌عدالتی – رشد علمی و فناوری – مشارکت مردم در حکمرانی

موضوع	شرح
ویژگی‌های جامعه مطلوب	– ایمان و معنویت – عدالت اجتماعی – پیشرفت علمی و فناوری – استقلال و آزادی – الگوی جهانی بودن
ابزارهای تحقق	– تقویت جوانان – توسعه علم و پژوهش – گسترش معنویت و اخلاق – عدالت‌محوری در سیاست‌ها و برنامه‌ها

منبع: (https://farsi.khamenei.ir)

آیت‌الله خامنه‌ای در سخنان خود بارها تأکید کرده‌اند که جامعه اسلامی باید از منظر اخلاقی و دینی پایه‌گذاری شود و نه‌تنها به دنبال بهبود شرایط مادی بلکه به تعالی روحی و معنوی انسان‌ها نیز پرداخته شود. از نظر ایشان، جامعه اسلامی باید بر اساس اصولی مانند عدالت، آزادی، استقلال و تقوی و درعین‌حال با محوریت خدمت به مردم و رفع مشکلات اجتماعی، شکل بگیرد. همچنین، ایشان بر اهمیت نقش مردم در ساخت جامعه تأکید دارند و معتقدند که این فرآیند باید از درون جامعه و با مشارکت فعال مردم، به‌ویژه در عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، به‌طور طبیعی شکل گیرد. از نظر آیت‌الله خامنه‌ای، جامعه‌پردازی درنهایت به ایجاد جامعه‌ای شایسته‌تر و مبتنی بر اصول اسلامی می‌انجامد که در آن عدالت اجتماعی، رفاه عمومی و کرامت انسانی به بهترین شکل ممکن تأمین می‌شود (اسفندیار و فتحی، ۱٤۰۰: ۲۳۵–۲۵۳).

تواصی و تبیین مفهوم حلقه‌های میانی

بی‌شک در مورد این‌که منظور از حلقه‌های میانی چه کسانی هستند و رسالت این حلقات میانی در جامعه‌پردازی چیست نظرات مختلفی وجود دارد؛ اما با توجه به

قواعد و شواهد موجود در فرایند جامعه‌پردازی می‌توان گفت مهم‌ترین خصلت حلقات میانی در جامعه‌پردازی اسلامی تواصی است. تواصی (هم‌دلی و توصیه به‌خوبی و حقیقت) یکی از مفاهیم اساسی در آموزه‌های اسلامی است که به‌ویژه در قرآن و احادیث مورد تأکید قرار گرفته است. این نظریه بر اصول اخلاقی و اجتماعی تأکید دارد و می‌گوید که مسلمانان باید همواره یکدیگر را به‌خوبی‌ها، عمل صالح و مسیر درست دعوت کنند و در برابر گناه و خطا از یکدیگر هشدار دهند. اصول اصلی نظریه تواصی شامل موارد زیر است:

۱. دعوت به‌خوبی و حق: افراد در جامعه باید یکدیگر را به انجام کارهای خوب و تقویت ارزش‌های اخلاقی دعوت کنند. این دعوت نه‌تنها در زمینه‌های مذهبی، بلکه در همه ابعاد زندگی اجتماعی و فردی می‌تواند اعمال شود.
۲. پرهیز از خطا: نظریه تواصی به مسلمانان توصیه می‌کند که در برابر اشتباهات و گناهان دیگران سکوت نکنند و در صورت لزوم آن‌ها را از انجام کارهای نادرست بازدارند.
۳. همدلی و همکاری اجتماعی: در این نظریه، توجه به یکدیگر و همدلی در مواجهه با مشکلات و چالش‌های اجتماعی از اهمیت بالایی برخوردار است. این همدلی می‌تواند در قالب مشاوره، حمایت‌های معنوی و اجتماعی و هدایت صحیح افراد در مسیر درست شکل گیرد (انصاری، ۱٤۰۱).

این اصل در قرآن کریم و حدیث نبوی و به‌طور خاص در سوره‌های مختلف ذکر شده است. به‌عنوان‌مثال، در آیه ۱۰۳ سوره العصر آمده است: و ﴿تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ (و یکدیگر را به حق و صبر سفارش کردند) (سوره مبارکه العصر، آیه ۳). در این آیه، تواصی به حق و صبر از ویژگی‌های جامعه‌ای است که بر اصول

اخلاقی و دینی تأکید دارد و به‌طور جمعی در مسیر رشد و تعالی حرکت می‌کند (خامنه‌ای، بیانات: ۱٤۰۰/۳/۱٤).

جامعه‌پردازی در اندیشه غرب

جامعه‌پردازی در اندیشه امامین انقلاب اسلامی و غرب دارای نقاط اشتراک و اختلافاتی اساسی هستند. هر چند هر دو به اهمیت پیوندهای اجتماعی و ارزش‌های اخلاقی اشاره دارند، اما نظریه غربی فاقد هدف‌گذاری معنوی و دینی است که در دیدگاه امامین انقلاب نقش محوری دارد. جامعه‌پردازی در اندیشه غرب بیشتر توصیف تغییرات اجتماعی و تحلیل ساختارهای اجتماعی است، درحالی‌که امامین انقلاب اسلامی بر پایه‌گذاری جامعه‌ای بر اساس اصول اسلامی و اخلاقی تأکید دارند. به‌عنوان‌مثال دیدگاه امامین نقدی عمیق بر مدرنیته گزلشافت‌گونه است و با ارائه الگویی از جامعه اسلامی، نشان می‌دهد که چگونه می‌توان ارزش‌های سنتی و معنوی را با پیشرفت‌های فناورانه تلفیق کرد؛

۱. فردیناند تونیس (گمانیشافت/ گزلشافت)

جامعه‌شناس آلمانی فردیناند تونیس نظریه مهمی را در مورد ساختار جوامع ارائه کرد و بر تضاد بین دو نوع ایدئال سازمان اجتماعی تأکید کرد؛ گمانیشافت/ گزلشافت (اجتماع / جامعه). گمانیشافت به یک جامعه سنتی اشاره دارد که در آن روابط مبتنی بر ارتباطات شخصی، پیوندهای خانوادگی و ارزش‌های مشترک است. در گمانیشافت، پیوندهای اجتماعی به‌صورت ارگانیک شکل می‌گیرد که اغلب ریشه در مکان، خویشاوندی و نظارت متقابل دارد. افراد در چنین جوامعی معمولاً با پیوندهای عاطفی قوی متحد می‌شوند و زندگی اجتماعی آن‌ها بیشتر حول تعاملات چهره به چهره متمرکز است. نمونه‌هایی از گمانیشافت را می‌توان در روستاها یا جوامع کوچکی که در آن فعالیت‌ها و هنجارهای اجتماعی افراد را هدایت می‌کند، مشاهده کرد (Bingyuan, 2011).

در مقابل گزلشافت نشان‌دهنده جوامع مدرن و غیرشخصی است که در آن روابط مبتنی بر منافع شخصی، هنجارهای قانونی و توافق‌نامه‌های مبتنی بر قرارداد است. مردم در گزلشافت معمولاً بیشتر به اهداف فردی توجه می‌کنند و در محیط‌هایی کار می‌کنند که نهادهای رسمی (مانند شرکت‌ها یا دولت‌ها) نقش کلیدی دارند. پیوندهای اجتماعی در گزلشافت اغلب ضعیف یا دور هستند و تعاملات بیشتر حالت معامله دارد تا روابط شخصی. جوامع شهری و صنعتی در مقیاس بزرگ نمونه‌هایی از گزلشافت هستند. نظریه تونیس تغییر اشکال سنتی سازمان‌دهی اجتماعی را برجسته می‌کند، جایی که مردم به سنت‌ها و ارزش‌های مشترک محدود می‌شوند، به اشکال مدرن‌تر و منطقی‌تر نظم اجتماعی که در آن تعاملات توسط اهداف فردی و چارچوب‌های قانونی هدایت می‌شوند تغییر می‌یابد (Tony, 2016).

۲. *جوامع ارگانیکی/ مکانیکی امیل دورکیم*

جوامع ارگانیک و مکانیک مفاهیمی هستند که امیل دورکیم، جامعه‌شناس فرانسوی در کار خود در مورد تقسیم کار و توسعه جوامع معرفی کرده است. جوامع مکانیکی جوامع سنتی هستند که با درجه بالایی از انسجام اجتماعی بر اساس شباهت بین افراد مشخص می‌شوند. در جوامع مکانیکی، مردم عقاید، ارزش‌ها و وظایف مشترکی دارند و تقسیم کار کمی وجود دارد. پیوندهای اجتماعی قوی هستند زیرا اعضای جامعه نقش‌ها، سبک زندگی و درک مشابهی از جهان دارند. این جوامع اغلب بر اساس اصل قانون سرکوبگر عمل می‌کنند، به این معنی که افراد از طریق قوانین و مجازات‌های سخت‌گیرانه در برابر جمع مسئول هستند. جوامع مکانیکی معمولاً جوامع کوچک و همگن هستند، مانند روستاهای ماقبل صنعتی یا جوامع قبیله‌ای (Hornsby, 2007).

در مقابل، جوامع ارگانیک در جوامع پیچیده‌تر و مدرن با درجه بالایی از تقسیم کار ظهور می‌کنند. در این جوامع، افراد وظایف تخصصی را انجام می‌دهند که به عملکرد کل جامعه کمک می‌کند. انسجام اجتماعی در جوامع ارگانیک از وابستگی متقابل

افراد ناشی می‌شود نه از ارزش‌ها یا نقش‌های مشترک. قوانین حقوقی و قضائی که بر بازگرداندن تعادل و همکاری متمرکز است، جایگزین قانون سرکوبگر می‌شود. جوامع ارگانیک معمولاً بزرگ، ناهمگون و شهری هستند، جایی که افراد بر نقش‌های تخصصی یکدیگر تکیه می‌کنند و به شیوه‌ای همکاری‌تر و کمتر اجباری با هم کار می‌کنند. جوامع صنعتی مدرن با ساختارهای پیچیده اقتصادی و اجتماعی نمونه‌هایی از جوامع ارگانیک هستند. نظریه دورکیم بر تغییر از همبستگی مکانیکی (بر اساس شباهت و تجربیات مشترک) به همبستگی ارگانیک (بر اساس تخصص و وابستگی متقابل) با پیچیده‌تر شدن و صنعتی شدن جوامع تأکید می‌کند (Khairulyadi et al. 2022).

فضای مجازی و جامعه‌پردازی: نظریه دو فضایی شدن

نظریه دوفضایی شدن یا دوگانگی فضا (Dual-spatiality Theory) به مطالعه نحوه تعامل میان فضای واقعی و مجازی می‌پردازد. این نظریه که در زمینه‌های مختلف مانند جامعه‌شناسی، ارتباطات و مطالعات شهری مورد استفاده قرار می‌گیرد، بر این اصل استوار است که فضای مجازی (مانند اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و دیگر ابزارهای دیجیتال) نه‌تنها مکمل فضای فیزیکی است، بلکه گاهی به‌نوعی با آن هم‌پوشانی و تعامل می‌یابد. این نظریه به‌ویژه در دنیای امروز که فناوری دیجیتال به بخش جدایی‌ناپذیر زندگی بشر تبدیل شده، اهمیت زیادی یافته و به درک بهتر از تأثیرات متقابل فضای فیزیکی و مجازی کمک می‌کند (Wu & Kraemer, 2016).

مدل مفهومی پژوهش

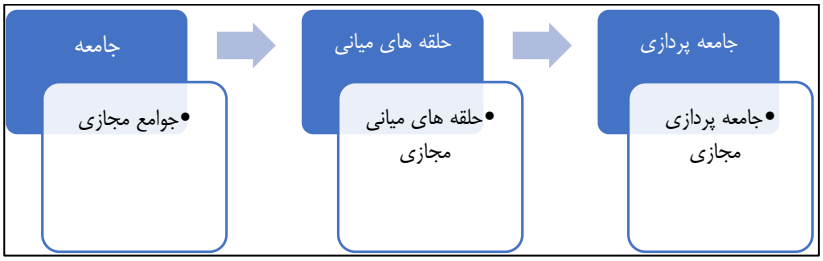

شکل ۲. مدل مفهومی پژوهش

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳

روش پژوهش

روش این پژوهش کیفی – مقایسه‌ای است. روش کیفی مقایسه‌ای یک رویکرد تحقیقاتی است که عمدتاً در علوم اجتماعی برای تجزیه‌وتحلیل سیستماتیک داده‌های کیفی در چندین مورد استفاده می‌شود و به محققان اجازه می‌دهد تا موارد مختلف را برای شناسایی الگوها یا روابط علی مقایسه کنند (Mello, 2021: 1-13).

حلقه‌های میانی مجازی و جامعه‌پردازی مجازی

منظور از حلقات میانی هم هویت‌های فردی است و هم جمعی و هم در معنای تواصی به‌نوعی می‌توان گفت حلقات میانی صفت است. حلقه‌های میانی، چه فردی و چه جمعی با عمل به‌عنوان پل بین افراد و ساختارهای اجتماعی بزرگ‌تر، نقشی حیاتی در جامعه‌پردازی بازی می‌کنند. با توجه به این معنا و نیز فراگیر شدن فضای مجازی ضروری است در مورد نقش حلقه‌های میانی مجازی و جامعه‌پردازی مجازی نیز بحث شود. طبیعتاً حلقه‌های میانی و جامعه‌سازی مجازی در فضاهای دیجیتالی اتفاق می‌افتد که در آن افراد با هم ارتباط برقرار می‌کنند، یاد می‌گیرند و تعامل دارند. پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی مانند فیس‌بوک، اینستاگرام و تیک‌تاک، ارتباطات جهانی را فعال می‌کنند و قرار گرفتن در معرض دیدگاه‌های متنوع را تقویت می‌کنند. انجمن‌های آنلاین مانند ردیت و دیسکورد به کاربران اجازه می‌دهند تا پیرامون علایق

مشترک جمع شوند و فضاهایی برای تبادل دانش و پشتیبانی همتا ایجاد کنند. مکان‌های کار مجازی و پلت‌فرم‌های حرف‌های مانند اسلک و لینکدین، محیط‌های اداری سنتی را تجسم می‌کنند و به افراد کمک می‌کنند تا شبکه‌سازی کنند و اشتغال ایجاد کنند. جوامع بازی، مانند آن‌هایی که در فورتنایت یا روبلوکس هستند، کار تیمی، ارتباطات و دوستی‌های جهانی را تشویق می‌کنند. پلتفرم‌های آموزشی مانند کورسرا و کلاس‌های مجازی، یادگیری و همکاری را ترویج می‌کنند، درحالی‌که گروه‌های مذهبی و فرهنگی آنلاین به افراد کمک می‌کنند پیرامون ارزش‌های مشترک ارتباط برقرار کنند (Omar & Ondimu, 2024: 96-106).

جامعه‌پردازی مجازی با استفاده از فناوری برای شکستن موانع جغرافیایی، ارائه انعطاف‌پذیری و امکان کاوش هویت، روش‌های سنتی را تکمیل می‌کند. جنبش‌های جهانی مانند زندگی سیاهان مهم است و جمعه‌ها برای آیندگان از پلتفرم‌های دیجیتالی برای بسیج افراد و ترویج جامعه‌سازی حول اهداف مشترک استفاده می‌کنند. اینفلوئنسرها به‌عنوان واسطه عمل می‌کنند و روندها، نگرش‌ها و ارزش‌ها را برای مخاطبان خود شکل می‌دهند. برنامه‌های مربیگری مجازی و گروه‌های همتایان دیجیتالی فضاهایی را برای رشد حرف‌های و پیوند شخصی فراهم می‌کنند (Kurt, 2024).

این محیط‌های مجازی، فراگیری و شمولیت، تبادل فرهنگی، توسعه مهارت‌ها و ایجاد اجتماع را ممکن می‌کنند، به‌ویژه برای کسانی که با موانعی برای جامعه‌پردازی سنتی مواجه هستند. بااین‌حال، چالش‌هایی نیز در این فرایند وجود دارد که شامل شکاف دیجیتال، ارتباطات سطحی، سوگیری‌های الگوریتمی و خطراتی برای امنیت سایبری و حریم خصوصی است. جامعه‌پردازی مجازی نحوه ارتباط افراد و سازگاری با هنجارهای اجتماعی را بازتعریف می‌کند و فرصت‌هایی را برای مشارکت ارائه می‌دهد و درعین‌حال برای رفع محدودیت‌های خود به تنظیم‌گری متفکرانه نیاز دارد (Shonfeld et al. 2021).

نسبت‌ها

آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار مسئولان دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم فرمودند که «دستگاه‌های مختلفی در فضای مجازی حضور دارند اما حضور در این فضا باید یک حضور جریان‌ساز باشد، ضمن اینکه بهترین راه شناسایی و ارتباط با گروه‌های مؤثر فرهنگی و یافتن سؤال‌ها و سرنخ‌های فکری آنان، استفاده از فضای مجازی است»(خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۷/۱۱/۷). همان‌طوری که گفته شد جوامع مجازی فضاهایی را برای همکاری، پشتیبانی و تبادل دانش فراهم می‌کنند؛ به‌عنوان‌مثال می‌توان به انجمن‌های آنلاین مانند ردیت که در آن کاربران در مورد موضوعات مختلف از فناوری گرفته تا سرگرمی‌ها بحث می‌کنند و گروه‌های رسانه‌های اجتماعی در پلتفرم‌هایی مانند اینستاگرام، فیس‌بوک یا تلگرام که افراد دارای علایق مشترک را به هم متصل می‌کنند، اشاره کرد. در بازی‌های چندنفره، پلتفرم‌هایی مانند دنیای وارکرفت یا فورتنایت کار تیمی و رفاقت را تقویت می‌کنند و تجربه‌های اجتماعی فراگیر را ایجاد می‌کنند. جوامع مجازی حرف‌های مانند گروه‌های لینکدین، به افراد امکان شبکه‌سازی، اشتراک‌گذاری تخصص و توسعه مشاغل را می‌دهند. پلتفرم‌های آموزشی، مانند کورسرا یا آکادمی خان، زبان آموزان را برای مطالعه مشترک و بازخورد همتایان گرد هم می‌آورد. این جوامع اغلب به‌عنوان سیستم‌های پشتیبانی عمل می‌کنند و فضاهایی را برای گروه‌های به حاشیه رانده شده یا کم نمایش داده شده برای اتصال و حمایت از اهداف مشترک فراهم می‌کنند (perry, 2024). به‌عنوان‌مثال گروه‌های پشتیبانی ال‌جی‌بی‌تی انجمن‌های سلامت روان آنلاین و جنبش‌های جهانی مانند من- هم یا می تو یا فعالیت‌های آب و هوایی در فضاهای مجازی رشد می‌کنند

جدای از رشد جوامع مجازی اما نسبت جامعه‌پردازی مجازی به جامعه‌پردازی میدانی بسته به شرایط فردی، هنجارهای اجتماعی، دسترسی تکنولوژیک و عوامل فرهنگی به‌طور قابل‌توجهی متفاوت است. بااین‌حال، چند ویژگی کلیدی وجود دارد

که به زمینه‌سازی رابطه بین تعاملات مجازی و دنیای واقعی کمک می‌کند. اولین ویژگی محو کردن مرزها است. جامعه‌سازی مجازی اغلب مکمل تعاملات دنیای واقعی است نه اینکه به‌طور کامل جایگزین آن‌ها شود. به‌عنوان‌مثال مردم از پلتفرم‌هایی مانند واتس آپ برای حفظ و تداوم روابط برقرار شده در دنیای فیزیکی استفاده می‌کنند. به‌طور مشابه، جوامع آنلاین اغلب به گردهمایی‌های زندگی واقعی مانند ملاقات طرفداران یا کنفرانس‌های حرف‌های سرایت می‌کنند. دومین ویژگی سلطه فضای مجازی است. در بسیاری از جوامع شهری و پیشرفته از نظر تکنولوژی، تعادل به سمت تعاملات مجازی تغییر می‌کند. کار از راه دور، آموزش آنلاین و سرگرمی‌های دیجیتال این روند را به‌ویژه در طول و پس از همه‌گیری کرونا تسریع کرده است. برای برخی، اکثریت تعاملات اجتماعی آن‌ها اکنون به‌صورت آنلاین انجام می‌شود. ویژگی سوم تفاوت‌های جمعیت شناختی است. نسل‌های جوان‌تر مانند نسل زد و هزاره‌ها به دلیل آشنایی با فناوری و فراگیر بودن رسانه‌های اجتماعی در زندگی خود، تمایل به جامعه‌سازی مجازی دارند. ممکن است نسل‌های قدیمی‌تر همچنان بیشتر به تعاملات چهره به چهره متکی باشند، اما به‌طور فزاینده‌ای از ابزارهای دیجیتال استفاده می‌کنند. ویژگی بعدی تغییرات فرهنگی و اجتماعی–اقتصادی است. در جوامعی که ضریب نفوذ اینترنت بالایی دارند، جامعه‌سازی مجازی رواج بیشتری دارد. بااین‌حال، در مناطقی با دسترسی محدود به فناوری، تعاملات دنیای واقعی همچنان غالب است. عوامل اجتماعی و اقتصادی مانند مقرون‌به‌صرفه بودن دستگاه‌ها و اتصال به اینترنت، نیز نقش مهمی در تعیین این نسبت دارند. تجارب انباشته مورد بعدی است. جامعه‌سازی مجازی و دنیای واقعی به‌طور فزاینده‌ای به هم مرتبط هستند. به‌عنوان‌مثال، فناوری‌های واقعیت افزوده[۱] و واقعیت مجازی[۲] تجربیات دیجیتال را در فضاهای فیزیکی ادغام می‌کنند، همان‌طور

---

۱. AR

۲. VR

که در رویدادهایی مانند کنفرانس‌های ترکیبی یا بازی‌های تقویت‌شده واقعیت افزوده دیده می‌شود. تأثیر سبک زندگی نیز بایستی مورد توجه قرار گیرد. افراد دارای سبک زندگی فیزیکی منزوی، مانند کارگران از راه دور، گیمرها یا افراد دارای معلولیت، ممکن است بیشتر به تعاملات مجازی متکی باشند. برعکس، کسانی که در مشاغلی که نیاز به تماس حضوری دارند مانند مراقبت‌های بهداشتی یا مهمان‌داری، ممکن است بیشتر درگیر جامعه‌سازی در دنیای واقعی باشند. در جوامع شهری جامعه‌سازی مجازی اغلب نسبت بیشتری از تعاملات را تشکیل می‌دهد که به‌طور بالقوه تا ۷۰ درصد برای برخی افراد می‌رسد؛ اما در مناطق روستایی یا درحال‌توسعه تعاملات دنیای واقعی غالب است و تعامل مجازی به‌عنوان یک راه تکمیلی یا در حال ظهور نقش دارد. پس از همه‌گیری کرونا در بسیاری از زمینه‌ها، به‌ویژه برای کار، تحصیل و اوقات فراغت، تعادل به سمت تعاملات مجازی تغییر کرده است. جامعه‌سازی مجازی انعطاف‌پذیری، فراگیری و فرصت‌هایی را برای ارتباط جهانی فراهم می‌کند. بااین‌حال، تسلط آن می‌تواند منجر به مسائلی مانند کاهش مهارت‌های ارتباطی چهره به چهره، انزوای اجتماعی و اتکای بیش‌ازحد به سیستم‌عامل‌های دیجیتال شود.

آیت‌الله خامنه‌ای، در بیانات مختلف خود به اهمیت فضای مجازی و تأثیرات مثبت آن در ارتباط با موضوع این پژوهش اشاره داشته‌اند. در ادامه، به برخی از مهم‌ترین نسبت‌های فضای مجازی با جامعه‌پردازی از دیدگاه ایشان می‌پردازیم:

۱. فضای مجازی، عرصه‌ای برای گسترش علم و پژوهش

در متن بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در مورد اهمیت علم و پژوهش آمده است که «دانش، آشکارترین وسیله‌ی عزت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است. دنیای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای خود ثروت و نفوذ و قدرت دویست‌ساله فراهم کند و با وجود تهیدستی در بنیان‌های اخلاقی و اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب‌مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آن‌ها را به دست گیرد» (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷).

آیت‌الله خامنه‌ای فضای مجازی را ابزار قدرتمندی برای ارتقای سواد عمومی، علمی و دینی معرفی کرده‌اند. به عقیده ایشان، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی می‌توانند به انتقال مفاهیم ارزشمند، تقویت فرهنگ مطالعه و یادگیری مهارت‌های جدید کمک کنند: «امروز شما ببینید وسایل تبلیغ در دنیا چقدر متنوع شده؛ این طرف دنیا یک نفر جوان پای دستگاه کوچکی می‌نشیند و افکار، تصورات، تخیلات، پیشنهادهای فکری و پیشنهادهای عملی را از سوی هر کسی ـ بلکه هر ناکسی ـ از آن طرف دنیا دریافت می‌کند. امروزه اینترنت و ماهواره و وسایل ارتباطی بسیار متنوعی وجود دارد و حرف، آسان به همه جای دنیا می‌رسد. میدان افکار مردم و مؤمنان، عرصه کارزار تفکرات گوناگون است. امروز ما در میدان جنگ و کارزار حقیقی فکری قرار داریم. این کارزار فکری به‌هیچ‌وجه به زیان ما نیست؛ به سود ماست. اگر وارد این میدان بشویم و آنچه را که نیاز ماست ـ از مهمات تفکر اسلامی و انبارهای معارف الهی و اسلامی ـ بیرون بکشیم و صرف کنیم، قطعاً بُرد با ماست؛ لیکن مسئله این است که ما باید این کار را بکنیم»(خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸٤/۰۲/۱۱).

یا ایشان در مورد نسبت فضای مجازی با ترویج معارف اسلامی می‌فرمایند «امروز این جوان‌های دانشجو و غیردانشجو را که مشاهده می‌کنید ـ حالا من دانشجوها را می‌گویم ـ همه‌شان تقریباً و تغلیباً مشتاق‌اند از مفاهیم اسلامی و معارف اسلامی چیزهایی را بشناسند و چیزهایی را بفهمند و سر دربیاورند. من و شما باید زمینه فراهم کنیم که بتوانیم به آن‌ها جواب دهیم. این فرصت تا امروز کی برای روحانیت وجود داشته؟ علاوه بر این، ابزارهای تسهیل‌کننده، مثل رایانه‌ها و ارتباطات اینترنتی و فضای مجازی و سایبری هم که الآن در اختیار شماست. اگر بتوانید این‌ها را یاد بگیرید، می‌توانید یک کلمه حرف درست خودتان را به هزاران مستمعی که شما آن‌ها را نمی‌شناسید، برسانید؛ این فرصت فوق‌العاده‌ای است؛ مبادا این فرصت ضایع شود. اگر ضایع شد، خدای متعال از من و شما روز قیامت سؤال خواهد کرد: از فرصت این همه جوان، این همه استبصار، این همه میل و شوق به دانستن، شما

برای ترویج معارف اسلامی چه استفاده‌ای کردید؟ نظام اسلامی چنین خدمتی به ما معمّمین و روحانیون کرده. مگر می‌توانیم خودمان را کنار بگیریم؟» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۱/۰۷/۱۹).

۲. ابزار پیشرفت و نوآوری در کشور

«ابزار بایستی پیشرفته باشد؛ بایستی ناوابسته باشد؛ ابزار مال خود شما باید باشد؛ خود شما بایستی ابزار را به وجود آورده باشید، تولید کرده باشید، ابداع کرده باشید؛ به معنای حقیقی کلمه، مالک ابزار باید باشید. [ابزار] به‌روز باید باشد. یک ابزاری است که از دَه سال قبل مورد استفاده قرار می‌گیرد، امروز ممکن است به درد نخورد؛ ببینید امروز چه چیزی لازم داریم. در مورد ابزار بایستی به‌روز باشید. ابزار بایستی متنوّع باشد؛ [متناسب با] زمین و آسمان و فضا و دریا و مرز و درون قلب کشور، همه جا و ابزار اطلاعاتی و ابزار عملیاتی و همه جور ابزار. تنوع در ابزار هم جزء چیزهایی است که بایستی مورد توجّه باشد. مسئله فضای مجازی، امروز جزء ابزارهاست؛ مسئله بازی جنگ، امروز جزء ابزارهاست؛ به این‌ها بایستی توجّه کنید.»(خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۸/۷/۲۱).

۳. تقویت هویت ملی و دینی

آیت‌الله خامنه‌ای معتقدند که فضای مجازی می‌تواند به احیای هویت ایرانی–اسلامی و مقابله با تهاجم فرهنگی دشمنان کمک کند. ایشان بر ضرورت تولید محتواهای فرهنگی متناسب با ارزش‌های اسلامی و انقلابی تأکید دارند و جوانان را به استفاده از این فضا برای تبلیغ معارف دینی و تقویت هویت ملی ترغیب کرده‌اند؛

«می‌توان از عرصه فضای مجازی حداکثر منافع را [کسب کرد]؛ همان کاری که دشمن می‌کند، شما [هم] می‌توانید بکنید؛ در جهت عکس؛ [یعنی] مفاهیم اسلامی و معارف اسلامی را پخش کنید؛ بدون هیچ مانع و رادعی.»(خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۵/۶/۱۶).

«پس باید با کفر، با نفاق، با عناد با دین، مبارزه کرد. این مبارزه‌ای است که در جمهوری اسلامی آسان است، در جاهای دیگر سخت است... مبارزه فقط شمشیر کشیدن نیست؛ این شمشیرِ زبان، یک شمشیر مؤثر است. شما می‌بینید امروز تبلیغات در دنیا دارد حرف اوّل را می‌زند. ابزار تبلیغات هم که فراوان است؛ این فضای مجازی و این‌ها که روزبه‌روز دارد توسعه پیدا می‌کند، شما از این توان استفاده کنید.»(خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۵/۱۲/۵).

٤. گسترش عدالت رسانه‌ای و مقابله با انحصار خبری غرب

سلطه غرب بر جریان اصلی رسانه‌ای و نیز همراهی فضای رسانه‌ای با اهداف سیاست استکباری دولت امریکا مورد تائید و تأکید آیت‌الله خامنه‌ای است. ایشان دراین‌باره می‌فرمایند «امروز دو خصوصیت وجود دارد که بار من و شما را سنگین می‌کند. یک خصوصیت پیشرفت شیوه‌های انتقال فکر است. شما ببینید تلویزیون، رادیو، وسایل الکترونیکی، اینترنت و دیگر وسایل ارتباطاتی، امروز در دنیا در خدمت چه اهدافی قرار دارند. امروز استکبار به این اکتفا نمی‌کند که شمشیر نشان بدهد. شمشیر هم نشان می‌دهد، اما در کنار او به ده‌ها شیوه دیگر متوسل می‌شود برای اینکه آن فکر غلط، آن راه خطا، آن روش ستمگرانه و طغیانگر را بر ملت‌ها تحمیل کند... امروز طبق اطلاعات قطعی ثابت شده است که مؤسسه عظیم هالیوود و شرکت‌های بزرگ سینمایی با سیاست‌های استکباری امریکا همراهی و همکاری مستمر و باب میل دارند. این مؤسسه بزرگ فیلم‌سازی و سینمایی که ده‌ها کمپانی بزرگ فیلم‌ساز از هنرمند و از کارگردان و از بازیگر و از نمایش‌نامه‌نویس و فیلم‌نامه‌نویس و سرمایه‌گذار در آن گرد هم جمع شدند، در خدمت هدفی دارند حرکت می‌کنند. آن هدف عبارت است از اهداف سیاست استکباری‌ای که دولت امریکا را هم همان سیاست‌ها دارد می‌چرخاند. این‌ها چیز کوچکی نیست» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۸/۰۲/۲۳).

یکی از نکات مهمی که ایشان مطرح کرده‌اند، لزوم استفاده از فضای مجازی برای مقابله با انحصار رسانه‌ای غرب و استکبار جهانی است. از نظر ایشان، فضای مجازی فرصتی است که ملت‌ها بتوانند روایت‌های مستقل و واقعی خود را در مقابل رسانه‌های جریان اصلی غربی ارائه کنند. یکی از مسائلی که به نظرم می‌توانید شما – تشکل‌های دانشجویی– انجام بدهید تشکیل یک جبهه‌ی واحد ضدآمریکایی و ضدّصهیونیستی در سطح دانشجویان جهان اسلام است؛ این کار را بکنید. بنشینید، فکر کنید، بعد یک جبهه‌ی ضدّصهیونیستی و ضدآمریکایی [تشکیل بدهید]. امروز وسیله‌ی ارتباط هم آسان است، دیگر نامه‌نگاری و پست و تلگراف و مانند این‌ها لازم ندارد. در فضای مجازی تماس بگیرید، کما اینکه در موارد مشابهی این کار انجام گرفته. به قول این فرنگی‌مآب‌ها یک کمپین‌های عمومی دنیای اسلامی تشکیل بدهید علیه تسلّط آمریکا، ازلحاظ ضدّیّت با سیاست‌های آمریکایی و سیاست‌های صهیونیستی. میلیون‌ها عضو وارد این مجموعه بشوند، وارد این جریان فکری بشوند و برایشان خوراک تهیّه کنید؛ آن‌وقت آن‌ها هم برای شما خوراک تهیّه می‌کنند، چون در دنیای اسلام هم بالاخره افکار خوب دانشجویی وجود دارد؛ یک جمعیت عظیم دانشجویی در دنیای اسلام به وجود بیاورید. (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۵/۵/۱۲).

یا قبل‌تر ایشان فرموده‌اند که: ... ابزارهای تسهیل‌کننده، مثل رایانه‌ها و ارتباطات اینترنتی و فضای مجازی و سایبری هم که الآن در اختیار شماست. اگر بتوانید این‌ها را یاد بگیرید، می‌توانید یک کلمه حرف درستِ خودتان را به هزاران مستمعی که شما آن‌ها را نمی‌شناسید، برسانید؛ این فرصت فوق‌العاده‌ای است (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۱/٦/۱۹).

۵. افزایش آگاهی سیاسی و بسیج و مشارکت مردم

آیت‌الله خامنه‌ای بارها بر نقش فضای مجازی در افزایش آگاهی مردم، به‌ویژه در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی تأکید کرده‌اند. ایشان از این فضا به‌عنوان ابزاری برای بیداری ملت‌ها، آگاهی‌بخشی نسبت به توطئه‌های دشمنان و تقویت حضور مردمی

در عرصه‌های مختلف یاد کرده‌اند. در رابطه با استفاده از فضای مجازی برای رشد آگاهی سیاسی و بسیج مردمی آیت‌الله خامنه‌ای به‌درستی به آسیب‌شناسی مسئله پرداخته‌اند: «رسالت دیگر این سازمان (سازمان تبلیغات اسلامی) رصد و مقابله‌ی هوشمندانه با تهاجمات فکری و فرهنگی و تبلیغی و رسانه‌ای دشمنان دین و انقلاب و کشور است. دشمنانی که نه امروز بلکه از چند دهه‌ی پیش، هویت و شخصیت و باور و رفتار و سبک زندگی اسلامی-ایرانی مردم خصوصاً جوانان را هدف قرار داده و با شیوه‌ها و ابزارهای متکی به فناوری‌های ارتباطی و رسانه‌ای اعم از هنر و سینما و فضای مجازی و غیره، درصدد تهی کردن انقلاب از عقبه‌ی دینی و ایمانی و مردمی آن می‌باشند». (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۷/۵/۲۸).

یا قبل‌تر در جای دیگری ایشان می‌فرمایند: «پرهیز از دیوان‌سالاری‌های شبه‌دولتی، نشست‌وبرخاست مدیران حوزه با طلبه‌ها، ایجاد فضای انس با قرآن در میان طلاب، شناسایی استعدادهای برتر، ترویج مطالعه به‌ویژه در زمینه‌ی سیرِ تاریخِ علوم حوزه و تفسیر، تربیت مبلغ‌های قلمی، سخنور و مبلغ فضای مجازی ازجمله نکاتی است که باید در حوزه‌های علمیه توجه ویژه‌ای به آن‌ها شود.» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۵/٦/۱۱).

٦. ایجاد اقتصاد دیجیتال و اشتغال‌زایی

آیت‌الله خامنه‌ای بر احراز جایگاه و سهم مناسب برای اقتصاد دانش‌بنیان در فضای مجازی در چارچوب سیاست‌های اقتصاد مقاومتی کشور و برنامه‌ریزی همه‌جانبه برای بهبود شرایط کسب‌وکار مرتبط با فنّاوری‌های مجازی و بهره‌گیری از فرصت‌های اشتغال‌زایی و نیز رونق محتوا، خدمات و تجارت در این عرصه. تأکید داشته‌اند. همچنین ایشان، برنامه‌ریزی و حمایت دولت، به‌ویژه معاونت علمی و فنّاوری ریاست جمهوری، برای گسترش صنایع مرتبط با فنّاوری ارتباطات را بسیار ضروری خواندند و تأکید کردند: گسترش این صنایع از طریق شرکت‌های

دانش‌بنیان، تأثیر بالایی در اشتغال‌زایی و تحوّل در اقتصاد کشور خواهد داشت (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹٤/٦/۱٦).

۷. مدیریت و حکمرانی فضای مجازی

هرچند آیت‌الله خامنه‌ای به تأثیرات مثبت فضای مجازی اشاره دارند، اما همواره کنترل و مدیریت فضای مجازی از دغدغه‌های ایشان بوده است. در سخنرانی نوروزی خطاب به ملت ایران دراین‌باره فرمودند: «[دشمنان] از فضای مجازی حداکثر استفاده را دارند می‌کنند. خب متأسفانه در فضای مجازیِ کشور ما هم که آن رعایت‌های لازم با وجود این همه تأکیدی که من کردم صورت نمی‌گیرد و در یک جهاتی واقعاً ول است که بایستی آن کسانی که مسئول هستند حواسشان باشد. همه‌ی کشورهای دنیا روی فضای مجازیِ خودشان دارند اِعمال مدیریت می‌کنند، [درحالی‌که] ما افتخار می‌کنیم به اینکه ما فضای مجازی را ول کرده‌ایم! این افتخار ندارد؛ این به‌هیچ‌وجه افتخار ندارد. فضای مجازی را بایستی مدیریت کرد. از این امکان مردم استفاده کنند، برای مردم بلاشک وسیله‌ی آزادی است، خیلی هم خوب است امّا نباید این وسیله را در اختیار دشمن گذاشت که بتواند علیه کشور و علیه ملّت توطئه کند» . به همین دلیل، تشکیل شورای عالی فضای مجازی یکی از اقدامات مهمی بود که با نظر ایشان انجام شد تا سیاست‌گذاری صحیحی برای بهره‌برداری از این فضا صورت گیرد (خامنه‌ای، بیانات: ۱٤۰۰/۰۱/۰۱).

آسیب‌ها

درحالی‌که جوامع مجازی فراگیری و شمولیت، دسترسی و فرصت‌هایی برای تعامل ارائه می‌دهند با چالش‌هایی مانند اطلاعات غلط، اتاق‌های پژواک، آزار سایبری و خطرات حفظ حریم خصوصی نیز مواجه هستند؛

مشارکت بیش‌ازحد در جامعه‌سازی مجازی می‌تواند فرصت‌های تعاملات حضوری را کاهش دهد و منجر به کاهش مهارت‌های اجتماعی مانند گوش دادن فعال، همدلی

و توانایی تفسیر نشانه‌های غیرکلامی شود. مثلاً اتکای بیش‌ازحد به ارتباطات مبتنی بر متن ممکن است منجر به ناهنجاری یا ناراحتی در مکالمات زندگی واقعی شود (Gruber et al. 2022). به طرز متناقض درحالی‌که پلتفرم‌های مجازی افراد را به هم متصل می‌کنند، می‌توانند به احساس تنهایی و انزوا نیز کمک کنند. تعاملات آنلاین ممکن است فاقد عمق و رضایت عاطفی باشد که توسط روابط واقعی ارائه شده است. گذراندن ساعت‌ها زمان در رسانه‌های اجتماعی می‌تواند باعث شود که افراد از نظر احساسی سطحی شوند و در زندگی واقعی احساس تنهایی کنند (Kacko et al. 2024). جامعه‌سازی مجازی اغلب کمیت را بر کیفیت ترجیح می‌دهد و منجر به ارتباطات سطحی می‌شود. روابط ساخته شده به‌صورت آنلاین ممکن است فاقد اعتماد، عمق و تعهد طولانی باشد. دوستان یا دنبال‌کنندگان رسانه‌های اجتماعی اغلب معادل با شبکه‌های پشتیبانی معنادار نیستند. الگوریتم‌ها در پلت‌فرم‌های مجازی تمایل دارند محتوایی را به کاربران نشان دهند که با باورهای موجود آن‌ها همخوانی دارد که منجر به اتاق‌های پژواک و تقویت سوگیری‌ها می‌شود. این قطبی شدن می‌تواند انسجام اجتماعی را تضعیف کند و شکاف را افزایش دهد. گفتمان سیاسی آنلاین اغلب افراطی‌تر می‌شود و به درگیری‌ها دامن می‌زند و درک متقابل را در جامعه کاهش می‌دهد (Metzler & Garcia, 2024). این قطبی‌سازی تحمل دیدگاه‌های متفاوت را کاهش می‌دهد و شکاف‌های سیاسی را عمیق‌تر می‌کند. رسانه‌های اجتماعی می‌توانند بحث‌های سیاسی را به تقابل‌های خصمانه تبدیل کنند و به روابط بین افراد با ایدئولوژی‌های متفاوت آسیب بزنند (Metzler & Garcia, 2024). جامعه‌سازی مجازی افراد را در معرض نقض حریم خصوصی، سرقت هویت و آزار سایبری قرار می‌دهد. این خطرات می‌تواند به روابط شخصی آسیب برساند و اعتماد به سیستم‌عامل‌های دیجیتال را تضعیف کند. اطلاعات نادرست یا مکالمات خصوصی فاش شده می‌تواند به شهرت و روابط زندگی واقعی آسیب برساند. استفاده بیش‌ازحد از پلتفرم‌های مجازی می‌تواند منجر به مشکلات سلامت روان

ازجمله اضطراب، افسردگی و اعتمادبه‌نفس پایین شود. مقایسه خود باشخصیت‌های آنلاین انتخاب شده این مسائل را تشدید می‌کند. پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی اغلب سبک‌های زندگی ایدئال را به نمایش می‌گذارند که باعث می‌شود کاربران در مقایسه با آن‌ها احساس ناقص بودن و نقصان کنند.

جامعه‌سازی مجازی می‌تواند مشارکت در جوامع محلی و دنیای واقعی را کاهش دهد. وقتی افراد تعاملات آنلاین را در اولویت قرار می‌دهند، ممکن است از رویدادهای محلی، داوطلبانه یا شبکه‌های رودررو غافل شوند. روابط همسایگی و سیستم‌های پشتیبانی جامعه ضعیف می‌شوند زیرا مردم زمان بیشتری را در فضاهای مجازی می‌گذرانند. پلتفرم‌های مجازی جهانی ممکن است فرهنگ‌ها و سنت‌های محلی را از بین ببرند و فرهنگ دیجیتالی همگن را که تحت سلطه روندهای جهانی است، ترویج کنند که می‌تواند منجر به از بین رفتن هویت و تنوع فرهنگی شود. آداب‌ورسوم و زبان‌های سنتی ممکن است با درگیر شدن نسل‌های جوان‌تر با فرهنگ دیجیتال جهانی کاهش یابد. همه افراد به اینترنت یا دستگاه‌های دیجیتالی دسترسی برابر ندارند و این باعث ایجاد اختلاف در بین افرادی می‌شود که می‌توانند در جامعه‌سازی مجازی شرکت کنند. این امر نابرابری‌های موجود در جامعه را تشدید می‌کند. افراد در مناطق کم‌درآمد یا روستایی ممکن است احساس کنند از اجتماعات مجازی و واقعی طرد شده‌اند. تمرکز بر ساخت شخصیت‌های آنلاین می‌تواند از بیان واقعی خود بکاهد و بین هویت‌های مجازی و دنیای واقعی ناهماهنگی ایجاد کند. افراد ممکن است برای ارائه یک نسخه ایدئال از خود به‌صورت آنلاین تحت فشار باشند که منجر به استرس و قطع ارتباط با خود واقعی آن‌ها می‌شود.

اسلاکتیویسم

اسلاکتیویسم[۱] اصطلاحی است که از دو کلمه اسلاکر[۲] و اکتیویسم[۳] گرفته شده است. درحالی‌که پلتفرم‌های مجازی می‌توانند اکتیویسم را ترویج کنند ممکن است به «اسلاکتیویسم» نیز منجر شوند، جایی که افراد معتقدند دوست داشتن یا اشتراک‌گذاری محتوا جایگزین عمل معنادار است. این روحیه باعث کاهش مشارکت مدنی در دنیای واقعی می‌شود. به‌عنوان‌مثال فعالیت در رسانه‌های اجتماعی ممکن است به مشارکت در اعتراضات، رأی‌گیری یا سازمان‌دهی جامعه تبدیل نشود. این اقدامات حداقل تلاش انجام شده در حمایت از یک علت را معمولاً در فضاهای دیجیتال که اغلب فاقد تأثیر ملموس یا طولانی‌مدت قابل‌توجهی هستند توصیف می‌کند. اسلاکتیویسم در عصر رسانه‌های اجتماعی رایج است، جایی که افراد می‌توانند با اقداماتی مانند لایک کردن یک پست، اشتراک‌گذاری یک هشتک یا امضای یک دادخواست آنلاین، حمایت خود را از دلایل اجتماعی، سیاسی یا محیطی ابراز کنند (Zuchowska-Skiba, 2024: 1-4).

در مورد شکل‌گیری فضای اسلاکتیویستی و به‌اصطلاح پرورش چریک‌های زیر پتو و تأثیر فضای مجازی بر پدید آمدن این وضعیت آیت‌الله خامنه‌ای هشدار داده‌اند: «من تشکّل‌هایی را میگویم که تحت هر نامی، معتقد به انقلاب‌اند، معتقد به دین‌اند، معتقد به نظام اسلامی‌اند، معتقد به این مبارزه‌ی عظیم‌اند؛ تحت هر نامی که هستند فرق نمی‌کند؛ خطابم به آن‌ها است... اهتمام به مخاطب واقعی. فضای مجازی چیز خوبی است، فرصتی است امّا کافی نیست. بعضی‌ها چسبیده‌اند به فضای مجازی – توئیتر و مانند این‌ها– برای اینکه پیام‌هایشان را برسانند، این فایده ندارد؛ تخاطب واقعی لازم است، میزگرد لازم است، سخنرانی لازم است، نشریه لازم است،

---

۱. slacktivism

۲. slacker

۳. activism

بحث‌های دونفره و سه‌نفره لازم است، جلسات تحلیل لازم است؛ این‌جور با مخاطبینتان بنشینید؛ و مانند این کارها» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۶/۰۳/۱۷).

یا قبل‌تر می‌فرمایند که: «ما بچه‌های خودمان را که اَلکدولَک بازی می‌کردند که تحرک داشت و خوب بود، گرگم‌به‌هوا بازی می‌کردند که کار بسیار خوبی بود و ورزش بود و بازی و سرگرمی بود، یا این چیزی که خط‌کشی می‌کنند و لی‌لِیِ می‌کنند – بازیِ بچه‌های ما این‌ها بود – آورده‌ایم نشانده‌ایم پای اینترنت، نه تحرک جسمی دارند، نه تحرک روحی دارند و ذهنشان تسخیر شده به‌وسیله‌ی طرف مقابل. خب بیایید بازی تولید کنید، بازی ترویج کنید، همین بازی‌هایی که بنده حالا اسم آوردم و ده‌تا از این قبیل بازی [که] بین بچه‌های ما از قدیم معمول بوده را ترویج کنید؛ [این] یکی از کارها است، این‌ها را ترویج کنید» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۹/ ۱۳۹۲/۹).

اتکای بیش‌ازحد به پلتفرم‌های مجازی می‌تواند جوامع را در برابر اختلالاتی مانند حملات سایبری، قطعی فعالیت یا شکست‌های فناوری آسیب‌پذیر کند. خاموش شدن ناگهانی پلتفرم می‌تواند ارتباطات حیاتی را قطع کند و ساختارهای اجتماعی وابسته به ارتباطات دیجیتال را مختل کند. درحالی‌که جامعه‌پردازی مجازی ارتباطات فراسوی مرزها را تقویت می‌کند، آسیب‌های سیاسی– اجتماعی قابل‌توجهی را برای روابط واقعی و جامعه‌ایجاد می‌کند. این آسیب‌ها از نحوه تأثیرگذاری پلتفرم‌های دیجیتال بر رفتار، گفتمان و تعاملات ناشی می‌شود (Lindenmayr et al. 2022).

انتشار سریع اطلاعات نادرست یا دست‌کاری شده آنلاین می‌تواند افراد و جوامع را گمراه کند و به بی‌اعتمادی و درگیری دامن بزند. این فرسایش حقیقت، روابط دنیای واقعی و انسجام اجتماعی را تضعیف می‌کند. اخبار جعلی درباره انتخابات یا سیاست‌های عمومی می‌تواند شکاف‌هایی را در خانواده‌ها یا جوامع ایجاد کند. به بیان آیت‌الله خامنه‌ای «یکی از خصوصیات ممتاز دیگر امروز، آماده بودن وسایل رساندن پیام است؛ همین فضای مجازی که این برادرمان به‌تفصیل و خیلی خوب

بیان کردند و تعبیر خوبی است که ایشان کرد و به ذهن بنده هم اتفاقاً همین تعبیر قبلاً رسیده بود که «اسمش فضای مجازی است؛ درحالی‌که واقعاً فضای حقیقی است»؛ یعنی این فضا درون زندگی بسیاری از مردم حضور دارد. خب، همین فضای مجازی یک ابزار است؛ یک ابزار بسیار کارآمد برای اینکه شما بتوانید پیامتان را به اقصی نقاط دنیا برسانید، به گوش همه برسانید. این [امکان] دیروز نبود؛ امروز هست. یکی از امتیازات، این است» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۶/۶/۶).

ناشناس بودن پلتفرم‌های مجازی اغلب افراد را به انجام رفتارهای متعصبانه یا پرخاشگرانه، مانند ترولینگ و سخنان نفرت‌انگیز ترغیب می‌کند. این ارتباط سمی به روابط واقعی زندگی تسری می‌یابد و احترام متقابل را تضعیف می‌کند. مشاجرات آنلاین بر سر مسائل سیاسی یا اجتماعی می‌تواند منجر به بیگانگی در میان دوستان یا اعضای خانواده شود (Prostko, 2020).

اطلاعات نادرست و تئوری‌های توطئه منتشر شده در فضاهای مجازی اعتماد و امید به دولت، رسانه‌ها و نهادهای اجتماعی را از بین می‌برد. این شک و تردید باعث ایجاد شکاف می‌شود و مانع تلاش‌های جمعی برای رسیدگی به چالش‌های اجتماعی می‌شود. بی‌اعتمادی به دستورالعمل‌های عمومی در طول بحران‌ها که توسط اطلاعات نادرست آنلاین تقویت می‌شود، منجر به تنش در جوامع شد (Mari et al. 2022).

امام خامنه‌ای در مورد تأثیر فضای مجازی بر تضعیف اعتماد و امید مردم و کاربران می‌فرمایند: «یکی از مهم‌ترین وظایف همه‌ی ما پرهیز از ناامیدسازی مردم است. گاهی یک کسی یک جوری حرف میزند ــ چه در سخنرانی، چه در صحبتی مانند آن، چه حالا در فضای مجازی که دیگر یک چیزِ بی‌حدومرز و عجیب‌وغریبی شده ــ که شنونده و مخاطب ناامید می‌شود؛ ما نباید اجازه بدهیم ناامیدی وارد میدان بشود. اگر امید نباشد هیچ‌کدام از این کارهای بزرگ انجام نمی‌گیرد. مردم را باید امیدوار کنیم و این امیدواری، امیدواری کاذب هم نیست [بلکه] واقعیت قضیّه همین

است؛ یعنی واقعاً باید امید داشت، چون آینده، آینده‌ی خوبی است، آینده‌ی روشنی است» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۸/٦/٤).

اجتماعی‌سازی مجازی سستی‌گرایی را تشویق می‌کند، جایی که افراد احساس می‌کنند با لایک کردن، اشتراک‌گذاری یا نظر دادن آنلاین، بدون انجام اقدامات معنی‌دار در دنیای واقعی، در اهداف اجتماعی یا سیاسی مشارکت دارند. این امر باعث تضعیف فعالیت‌های مردمی و مشارکت اجتماعی می‌شود. درخواست‌های آنلاین یا هشتک‌ها اغلب به تغییرات اجتماعی ملموس تبدیل نمی‌شوند (Saleem, 2016)؛ بنابراین جامعه‌سازی مجازی می‌تواند جوامع پراکنده ایجاد کند که در آن افراد ارتباطات آنلاین را بر روابط دنیای واقعی اولویت می‌دهند. این امر باعث تضعیف پیوندهای اجتماعی سنتی مانند پیوندهای درون محله‌ها یا سازمان‌های محلی می‌شود. فعالیت مجازی ممکن است جایگزین مشارکت حضوری در فعالیت‌های جامعه‌سازی شود و همکاری‌های رودررو را کاهش دهد (Kindsmuller et al. 2009: 2899-2905).

در مورد تأثیر فضای مجازی بر گسستن پیوندهای اجتماعی آیت‌الله خامنه‌ای بر دو نکته تأکید کرده‌اند:

۱. ترویج هنجارها، ارزش‌ها و سبک زندگی اسلامی ایرانی و ممانعت از رخنه‌ها و آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی در این عرصه و مقابله مؤثر با تهاجم همه‌جانبه فرهنگی و نیز ارتقاء فرهنگ کاربری و سواد فضای مجازی جامعه.

۲. توسعه محتوا و خدمات کارآمد و رقابتی منطبق بر ارزش‌ها و فرهنگ اسلامی ـ ایرانی در تمامی قلمروهای مورد نیاز جامعه و جلب مشارکت‌های مردمی و به‌کارگیری ظرفیت‌های بخش خصوصی در این زمینه (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹٤/٦/٤).

دولت‌ها، شرکت‌ها و بازیگران مخرب از پلتفرم‌های مجازی برای نظارت سوءاستفاده می‌کنند و اغلب آزادی‌های فردی را نقض می‌کنند. ترس از نظارت می‌تواند ارتباطات معتبر را چه آنلاین و چه آفلاین خاموش کند. آگاهی از جمع‌آوری داده‌های آنلاین ممکن است افراد را از بحث آشکار درباره مسائل سیاسی، حتی در محیط‌های شخصی، منصرف کند.

در این ارتباط آیت‌الله خامنه‌ای در حکم انتصاب اعضاء شورای عالی فضای مجازی به تاریخ ۱۳۹٤/٦/٤ بر دو مورد تأکید فرموده‌اند:

۱. اهتمام ویژه به سالم‌سازی و حفظ امنیت همه‌جانبه فضای مجازی کشور و نیز حفظ حریم خصوصی آحاد جامعه و مقابله مؤثر با نفوذ و دست‌اندازی بیگانگان در این عرصه.

۲. تدوین و تصویب نظام‌های امنیتی، حقوقی، قضایی و انتظامی مورد نیاز در فضای مجازی. (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹٤/٦/٤).

یا حضرت آقا در مورد امنیت فضای مجازی می‌فرمایند: «یک نکته‌ی دیگری که شماها می‌توانید نقش ایفا کنید... مسئله‌ی امنیت فضای مجازی است. امروز فضای مجازی در زندگی مردم، دیگر مثل پنج سال پیش و ده سال پیش نیست؛ گسترش فضای مجازی یک گسترش بسیار وسیع و عظیمی است. خب، این فضای مجازی منافعی دارد، امکاناتی دارد، خطراتی هم دارد، خطرات بزرگی هم دارد. اگر چنانچه این فضا ناامن باشد برای مردم، ضررش را مردم می‌برند. شما خب –حالا پلیس فتا و مانند این‌ها هم که هست، کارهایی می‌کنید– در این زمینه می‌توانید به معنای واقعی کلمه، به‌طورجدی وارد بشوید و کار کنید که آن وقت، همکاری شما با قوه‌ی قضائیّه، هم در این قضیّه، هم در آن قضیّه‌ی قبلی که مربوط به رونق تولید بود و مسئله‌ی قاچاق، مهم است» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۸/۲/۸).

جامعه‌سازی مجازی اغلب تعاملات روزمره را سیاسی می‌کند و جداسازی روابط شخصی از وابستگی‌های سیاسی را دشوار می‌کند. این ویژگی می‌تواند به

ازهم‌گسیختگی روابط دوستانه یا خانوادگی به دلیل اختلافات سیاسی منجر شود. اختلاف بر سر پست‌های سیاسی در رسانه‌های اجتماعی می‌تواند به بیگانگی طولانی‌مدت بین دوستان یا اعضای خانواده تبدیل شود. پلتفرم‌های مجازی سیاست‌های هویتی را تقویت می‌کنند و گاهی بر تفاوت‌ها به‌جای مشترکات تأکید می‌کنند. این موضوع می‌تواند منجر به افزایش شکاف‌های گروهی و کاهش تمایل به مشارکت در گفتگوی بین گروهی شود. کمپین‌های آنلاین‌که بر هویت‌های گروهی خاص تمرکز می‌کنند ممکن است ناخواسته ائتلاف‌های گسترده‌تری را که برای تغییر در دنیای واقعی مورد نیاز است را منزوی کنند. تعاملات در فضاهای مجازی اغلب فاقد عمق احساسی ارتباط چهره به چهره است. این حساسیت‌زدایی می‌تواند افراد را کمتر همدل و مستعد درگیری در روابط دنیای واقعی کند. بحث‌های داغ آنلاین ممکن است باعث شود افراد تمایل کمتری به آشتی دادن یا درک نظرات مختلف در حالت آفلاین داشته باشند.

جامعه‌سازی مجازی اغلب جایگزین آیین‌های فرهنگی عمومی مانند عروسی‌ها، مراسم مذهبی یا جشنواره‌ها با جایگزین‌های آنلاین می‌شود. این امر تأثیر عاطفی و احساس تعلق مرتبط با چنین رویدادهایی را کاهش می‌دهد. تماشای جریانی زنده از یک جشنواره فرهنگی، حس وحدت را با شرکت حضوری ایجاد نمی‌کند (Nikolaou et al. 2022). گذراندن زمان طولانی در جوامع مجازی جهانی می‌تواند احساس هویت فرهنگی فرد را کمرنگ کند و درگیری داخلی یا بیگانگی از میراث خودی را ایجاد کند. افرادی که در فضاهای مجازی بزرگ شده‌اند ممکن است احساس کنند از ریشه‌های فرهنگی خود جدا شده‌اند که منجر به بحران هویت می‌شود.

آیت‌الله خامنه‌ای در مورد تأثیر فضای مجازی بر سیاست هویت و تضعیف همدلی می‌فرمایند:

«یک مسئله‌ی مهم دیگر هم مسئله‌ی وحدتِ آحاد مردم –وحدت ملّی و وحدت اجتماعی مردم– است. متأسفانه امروز در فضای عمومی، در فضاهای مجازی، توهین به یکدیگر، اهانت به یکدیگر، تهمت زدن به یکدیگر از سوی جمعی رایج شده است؛ البتّه این جمع، مسلماً جمع زیادی نیستند لکن کارشان به کشور و به فضای عمومیِ کشور صدمه میزند؛ بعضی از این‌ها گناه کبیره است. بایستی روح وحدت و روح اهتمام [باشد]؛ پرداختن به یکدیگر را بگذارند برای یک‌وقت دیگر؛ امروز که دشمن در مقابل کشور ایستاده است، همه با هم دست به دست هم بدهند، متّحد باشند، در یک جهت کار کنند برای استقلال و عظمت کشور» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۷/۰۳/۲۵).

کمپین‌های سیاسی و گروه‌های ذینفع از پلتفرم‌های مجازی برای دست‌کاری افکار عمومی از طریق تبلیغات هدفمند، پروفایل‌های جعلی یا ربات‌ها سوءاستفاده می‌کنند. این دست‌کاری واقعیت را تحریف می‌کند و بی‌اعتمادی و درگیری را در جوامع ایجاد می‌کند. کمپین‌های هماهنگ اطلاعات نادرست در طول انتخابات به تنش‌های اجتماعی دامن زده و فرآیندهای دموکراتیک را تضعیف کرده است. آیت‌الله خامنه‌ای فضای مجازی را یکی از میدان‌های می‌دانند که در آن دشمن آرایش جنگی گرفته است:

«از همه طرف دشمن وارد شده. مسئولین کشور و آحاد توانا و آحاد مردم باید در مقابله‌ی با این دشمن هر کاری که می‌توانند [انجام دهند]. در هر بخشی، در هر رشته‌ای که می‌توانند، بایستی خودشان را آماده کنند، وارد میدان باشند. احساس مسئولیت کنند. آرایش دشمن آرایش جنگی است؛ ازلحاظ اقتصادی آرایش جنگی گرفته؛ ازلحاظ سیاسی آرایش جنگی گرفته؛ فقط ازلحاظ نظامی علی‌الظاهر آرایش جنگی ندارد که آن هم البتّه حواس نظامی‌های ما جمع است؛ همان‌طور که عرض کردم ازلحاظ فضای مجازی آرایش جنگی گرفته؛ در مقابل این دشمنی که آرایش

جنگی در مقابل ملّت ایران گرفته، ملّت ایران بایستی آرایش مناسب بگیرد، باید خودش را آماده کند در همه‌ی بخش‌های مختلف» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۸/۲/۱۱). یا مجدداً ایشان بر این‌که فضای مجازی بستر نشر افکار باطل نیز است تأکید کرده‌اند: «مسئله شما مهم‌تر و دشوارتر است از مسئله علامه حلی یا مسئله علامه مجلسی یا مسائل علمای بزرگی که در طول تاریخ بوده‌اند؛ با آن‌ها قابل مقایسه نیست. امروز نشر افکار باطل نه‌فقط به‌وسیله ابزارهای ارتباط‌جمعی فراوان ـ مثل رادیو، تلویزیون، اینترنت و انواع و اقسام روش‌های الکترونیکی ـ انجام می‌گیرد بلکه از شیوه‌های هنری هم استفاده می‌شود. امروز در دنیا پول خرج می‌کنند و فیلم‌های گران‌قیمت می‌سازند، برای اینکه غیرمستقیم فکری را وارد ذهن‌ها کنند یا فکری را از ذهن‌ها بیرون بیاورند. یکی از مهم‌ترین نقاط آماج این کارها، افکار دینی و به‌خصوص افکار اسلامی است؛ البته بعد از برپا شدن جمهوری اسلامی، به‌خصوص افکار شیعه هم آماج همین چیزها قرار گرفته است. شما شاید شنیده باشید که در سرزمین فلسطین به‌وسیله صهیونیست‌ها یا در امریکا کنفراس‌های شیعه‌شناسی تشکیل می‌شود و کسانی روی آرا و لایه‌های فکری و شکل اجتماعی شیعیان تحقیق می‌کنند؛ این برای این است که بتوانند با شیعه مبارزه کنند. باید شیعه را بشناسند تا بتوانند با او مبارزه کنند» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۳/۰٤/۱۵).

همچنین آیت‌الله خامنه‌ای فعالیت سایت‌های اینترنتی با هدف تهاجم به تفکرات اسلامی و شیعی را برجسته کرده‌اند: «امروز دشمن از همه روش‌ها استفاده می‌کند. من دیروز در جمع جوان‌ها می‌گفتم که امروز صدها سایت اصلی و هزاران سایت فرعی در اینترنت وجود دارد که هدف عمده‌شان این است که تفکرات اسلامی و به‌خصوص تفکرات شیعی را مورد تهاجم قرار دهند. تهاجم هم تهاجم استدلالی نیست؛ از روش‌های تخریبی و از روش‌های روان‌شناسانه و غیره استفاده می‌کنند. همه این‌ها پاسخ دارد؛ پاسخ‌هایش هم مشکل نیست؛ بایستی از این وسایل استفاده کرد. باید از آنچه در اختیار داریم، حداکثر استفاده را بکنیم. ما نه از صداوسیمایمان،

نه از مطبوعاتمان و نه از بسیاری از منابر عظیم عمومی‌مان، چنآن‌که باید و شاید، استفاده نمی‌کنیم. این ضعف‌های ماست؛ این ضعف‌ها را بایستی کم کنیم. باید روزبه‌روز نقاط ضعف را کم و نقاط قوت را زیاد کرد و این ممکن است» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۷۹/۱۱/۲۷).

ازآنجایی‌که مردم در بحث‌های سیاسی و فعالیت‌های آنلاین شرکت می‌کنند، ممکن است مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های مدنی دنیای واقعی مانند رأی‌گیری، اعتراضات یا سازمان‌دهی جامعه کاهش یابد. این امر سیستم‌های دموکراتیک و کنش جمعی را تضعیف می‌کند. صرف ساعت‌ها زمان در بحث‌های سیاسی در توییتر ممکن است جایگزین شرکت در جلسات محلی شهرداری یا کار داوطلبانه شود (Friess et al. 2021)؛ بنابراین جامعه‌سازی مجازی نحوه تعامل افراد را تغییر داده اما چندین آسیب فرهنگی را نیز سبب می‌شود که بر روابط دنیای واقعی تأثیر منفی می‌گذارد. این آسیب‌ها از تغییر هنجارها، ارزش‌ها و رفتارهای ارتباطی ناشی از پلتفرم‌های دیجیتال ناشی می‌شوند. پلتفرم‌های مجازی اغلب محتوای اصلی و جهانی شده را بر آداب‌ورسوم و سنت‌های محلی اولویت می‌دهند. این همگن‌سازی فرهنگی می‌تواند ارزش‌ها و شیوه‌هایی را که روابط دنیای واقعی را شکل می‌دهند، از بین ببرد. نسل‌های جوان ممکن است روندهای جهانی را از پلتفرم‌هایی مانند تیک‌تاک یا اینستاگرام اتخاذ کنند و از سنت‌های خانوادگی یا هنجارهای فرهنگی محلی غافل شوند.

آیت‌الله خامنه‌ای یازدهم شهریورماه ۱۳۹۹ در بیاناتی در ارتباط تصویری با رؤسا و مدیران آموزش‌وپرورش، به آفات و زیان‌های احتمالی در آموزش مجازی اشاره داشتند. ایشان فرمودند:

«در باب آموزش مجازی، یک نکته دیگر هم وجود دارد و آن، زیان‌هایی است که احتمالاً در آموزش مجازی وجود دارد. حالا این شبکه «شاد» که به وجود آمده، بسیار چیز خوبی است؛ منتها بایست مراقبت کنید تا این، موجب این نشود که

جوان‌ها وارد فضای بی‌بندوبار و رهای اینترنت بشوند و سرشان گرم بشود به یک چیزهای دیگری که هم ازلحاظ اخلاقی، هم ازلحاظ اعتقادی، خطرهای بزرگی برای این‌ها دارد؛ این را باید کاملاً مراقبت بکنید؛ یعنی پیش‌بینی کنید. البته دیروز پریروز در زمینه فکری که آموزش‌وپرورش در این زمینه کرده، به من یک گزارشی دادند؛ منتها باید کار کنید در این زمینه؛ یعنی کاری است که نمی‌شود آن را رها کرد» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۹/۰۶/۱۱)

«خیلی از شما [معلّمان] قاعدتاً با فضای مجازی آشنایید؛ واقعاً در فضای مجازی ادب رعایت می‌شود؟ حیا رعایت می‌شود؟ خب نمی‌شود دیگر؛ یا در بخش مهمی [رعایت] نمی‌شود. این‌ها را باید رشد داد در نوجوان و جوان» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۵/۲/۱۳).

ارتباطات دیجیتال اغلب بر مبادلات سریع و سطحی به‌جای گفتگوهای معنی‌دار و عمیق تأکید دارد. این امر کیفیت روابط واقعی را کاهش می‌دهد. ایموجی‌ها و میم‌ها جایگزین گفتگوهای متفکرانه می‌شوند و تعاملات را کمتر شخصی و از نظر احساسی رضایت‌بخش می‌کنند. پلتفرم‌های مجازی رفتارهای خودمحورانه مانند مدیریت برندهای شخصی و جستجوی اعتبار از طریق لایک و اشتراک‌گذاری را ترویج می‌کنند. این تغییر می‌تواند ارزش‌های مشترک ضروری برای حفظ روابط قوی در دنیای واقعی را تضعیف کند. تمرکز مداوم بر ایجاد شخصیت آنلاین عالی ممکن است به نادیده گرفتن مسئولیت‌ها در محیط خانواده یا جامعه منجر شود (Johnson, 2017). در فضاهای مجازی مرز بین زندگی عمومی و خصوصی محو می‌شود. به اشتراک‌گذاری اطلاعات شخصی آنلاین می‌تواند منجر به نقض اعتماد و احترام در روابط واقعی شود. اشتراک‌گذاری بیش‌ازحد مسائل خانوادگی در رسانه‌های اجتماعی بدون رضایت می‌تواند باعث ایجاد درگیری یا خجالت در خانواده‌ها شود. با رواج بیشتر تعاملات مجازی، ارزش ارتباطات چهره به چهره کاهش می‌یابد. این امر منجر به کاهش مهارت‌های اجتماعی ضروری مانند همدلی

و ارتباط غیرکلامی می‌شود. افرادی که به ارسال پیامک عادت دارند ممکن است با مکالمات واقعی مشکل داشته باشند که بر روابط دوستانه و پویایی محل کار آن‌ها تأثیر می‌گذارد. جامعه‌سازی مجازی انتظار پاسخ‌ها و رضایت فوری را تقویت می‌کند که همیشه در روابط دنیای واقعی امکان‌پذیر نیست. این موضوع باعث ایجاد سرخوردگی و بی‌حوصلگی در تعاملات شخصی می‌شود. تأخیر در پاسخ به یک پیام آنلاین ممکن است باعث درگیری یا سوءتفاهم‌های غیرضروری شود. زمان صرف شده در سیستم‌عامل‌های مجازی اغلب تعامل با جوامع محلی و فعالیت‌های فرهنگی را کاهش می‌دهد. این وضعیت می‌تواند پیوندهای همسایگی و مشارکت مدنی را تضعیف کند. افرادی که در رویدادهای آنلاین یا پاتوق‌های مجازی شرکت می‌کنند، ممکن است از جشنواره‌ها یا گردهمایی‌های محلی صرف‌نظر کنند و پیوندهای فرهنگی را ندید بگیرند (Morrison-Smith & Ruiz, 2020). فضاهای مجازی «فرهنگ لغو[۱]» را تقویت می‌کنند، جایی که افراد به خاطر گام‌های اشتباهی که درک می‌شوند شرمنده یا طرد می‌شوند. این پدیده می‌تواند به روابط واقعی زندگی سرایت کند و ترس و قضاوت را تقویت کند. دوستی که به خاطر یک عقیده بحث‌برانگیز به‌صورت آنلاین مورد انتقاد قرار می‌گیرد، ممکن است در حلقه اجتماعی خود با بیگانگی دائمی مواجه شود (Velasco, 2020). کاربران پلتفرم‌های مجازی عمدتاً جمعیت‌های جوان‌تراند که این موضوع یک شکاف نسلی در نحوه جامعه‌سازی افراد ایجاد می‌کند. این وضعیت می‌تواند منجر به ضعیف شدن روابط بین سالمندان و جوانان شود. اعضای بزرگ‌تر خانواده ممکن است احساس طرد شدن کنند زیرا نسل‌های جوان جامعه‌سازی مجازی را بر تعاملات خانوادگی سنتی اولویت می‌دهند. اتصال جهانی از طریق پلتفرم‌های مجازی می‌تواند بازنمایی بیش‌ازحد ساده یا نادرست فرهنگ‌ها را گسترش دهد و کلیشه‌ها و سوءتفاهم‌ها را تداوم بخشد. این موضوع به روابط بین فرهنگی در دنیای واقعی آسیب می‌زند. محتوای ویروسی که

---

۱. Cancel Culture

فعالیت‌های فرهنگی را به تصویر می‌کشد، می‌تواند سوگیری‌ها را تقویت کند و منجر به تنش یا بی‌احترامی در محیط‌های چند فرهنگی شود (Alsaleh, 2024). آیت‌الله خامنه‌ای در مورد نقش فضای مجازی در شکل‌گیری و گسترش سوءتفاهم‌ها، شبهات و کلیشه‌های فرهنگی می‌فرمایند: «امروز هم فضای مجازی یک صحرای بی‌پایانی است که از همه طرفش می‌شود حرکت کرد؛ دیگر مثل سابق نیست که شما بخواهید یک مطلبی را بیان کنید، ناچار باشید روی کاغذ بنویسید، آن را پلی‌کپی کنید یا فتوکپی کنید ده نسخه، صد نسخه، دویست نسخه؛ این‌جوری نیست. هر یک نفری که بتواند با رایانه کار بکند یک رسانه است. می‌نشینند پخش می‌کنند شبهات را، حرف‌ها را، جوان‌های مؤمن را، جوان‌های سالم را گمراه می‌کنند. این‌ها را باید شناخت...» (خامنه‌ای، بیانات: ٦/١٦/ ١٣٩٥).

تعامل مجازی بیش‌ازحد می‌تواند تعاملات خانوادگی سنتی مانند وعده‌های غذایی مشترک یا گفتگوهای خانوادگی را مختل کند. حواس‌پرتی‌های دیجیتالی اغلب صرف زمان برای پیوند شخص را کاهش می‌دهد. اعضای خانواده که در هنگام صرف شام در تلفن خود می‌چرخند ممکن است حس با هم بودن را نداشته باشند (Knitter & Zemp, 2020).

آیت‌الله خامنه‌ای در مورد تأثیر فضای مجازی بر دوری کاربران از محیط خانه و خانواده می‌فرمایند: «بحث به‌اصطلاح اُنس بچه‌ها با فضای مجازی، محسناتی دارد، عیوبی هم دارد. یکی از عیوبش منزوی شدن بچه‌ها در خانه است؛ وقتی که با این تبلت و مانند این‌ها آشنا شدند، می‌روند سرگرم آن کار می‌شوند و از محیط خانه و خانواده درواقع به‌تدریج دور می‌شوند. باید به این‌ها توجّه کنید و مراقبت کنید» (خامنه‌ای، بیانات: ١٣٩٩/٠٦/١١).

همچنین فضاهای مجازی گسترش نمادها و اقدامات فرهنگی را بدون درک و احترام مناسب تسهیل می‌کنند. این وضعیت می‌تواند منجر به استفاده نادرست از عناصر فرهنگی و ایجاد تنش در روابط دنیای واقعی شود. پوشیدن لباس سنتی به‌عنوان یک

روند بدون درک و پاسداشت اهمیت فرهنگی آن می‌تواند جوامع را آزار دهد. آیت‌الله خامنه‌ای در مورد درر مورد اهمیت نقش رسانه‌ها در کم‌رنگ شدن ادب اسلامی و به تعبیر این پژوهش عدم حساسیت فرهنگی می‌فرمایند:

«ادب اسلامی را در جامعه بگسترانید. عزیزان من! یکی از چیزهای بسیار مهم، حفظ ادب اسلامی در سخن گفتن است که متأسفانه امروز با گسترش فضای مجازی به‌تدریج این ادب اسلامی دارد کم‌رنگ می‌شود. بدزبانی، بدگویی و مانند این‌ها بایستی در جامعه جمع بشود. امروز بعضی سعی می‌کنند یا بی‌توجهی می‌کنند و این در جامعه، به‌خصوص در بعضی از رسانه‌ها ـ چه رسانه‌های صوتی، چه رسانه‌های تصویری ـ و به‌خصوص در فضای مجازی رو به گسترش است. شما بایستی در بیان خودتان، در شیوه کار خودتان، به نحوی عمل بکنید که گسترش این [بدزبانی و بدگویی] وجود نداشته باشد» (خامنه‌ای،: ۱۳۹۹/۱۱/۱۵).

«الآن در فضای مجازی معمول شده، کار عادی و رایجی است که به همدیگر بدگویی کنند؛ این به آن، آن به این تهمت بزنند، یک ضعف کوچک را بزرگ کنند، آبروی مؤمن را ببرند که معلوم هم نباشد چه کسی است؛ خب، خیلی چیز بدی است. در بین جوان‌های ما یک چنین چیزهایی وجود دارد که باید جلویش گرفته بشود؛ این، با تربیت معنوی ممکن است» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۷/۳/۲۰).

آستروفینگ[۱]

همان‌طوری که گفته شد جامعه مجازی به گروهی از افراد گفته می‌شود که عمدتاً از طریق پلتفرم‌های آنلاین مانند انجمن‌ها، رسانه‌های اجتماعی یا شبکه‌های ارتباطی اختصاصی با یکدیگر تعامل و ارتباط برقرار می‌کنند. این جوامع می‌توانند همکاری، حمایت و تجربیات مشترک را در سراسر مرزهای جغرافیایی تقویت کنند. بااین‌حال آن‌ها همچنین مستعد دست‌کاری از طریق تکنیک‌هایی مانند آستروفینگ هستند که

---

۱. Astroturfing

می‌تواند گفتمان معتبر را مخدوش کند و به اعتماد در این جوامع آسیب برساند. آستروفینگ به شیوه‌های فریبنده اشاره دارد که در آن سازمان‌ها، دولت‌ها یا افراد توهم حمایت مردمی از یک هدف، محصول یا برنامه سیاسی را ایجاد می‌کنند. آستروفینگ با استفاده از حساب‌های جعلی، ربات‌ها یا شرکت‌کنندگان پولی می‌تواند افکار عمومی را دست‌کاری کند، گفتگوی واقعی را مختل کند و اعضای جوامع مجازی را گمراه کند (Walker & Le, 2023).

این اصطلاح از AstroTurf گرفته شده است، نام تجاری چمن مصنوعی که نماد چیزی جعلی یا ساخته شده برخلاف جنبش‌های مردمی واقعی است. آستروفینگ به عمل ایجاد توهم حمایت مردمی از یک علت، محصول یا سیاست از طریق ابزارهای فریبنده یا سازمان‌دهی شده اشاره دارد. این عمل به افراد یا سازمان‌هایی اشاره دارد که تلاش‌های خود را پنهان می‌کنند تا به‌عنوان افکار یا اقدام عمومی واقعی و خودجوش ظاهر شوند. اصطلاح آستروفینگ در دهه ۱۹۸۰ میلادی توسط سناتور آمریکایی لوید بنتسن رایج شد که از آن برای توصیف کمپین‌های لابی مردمی جعلی که توسط شرکت‌های بزرگ یا گروه‌های ذینفع خاص سازمان‌دهی شده بودند استفاده کرد. او خاطرنشان کرد که چنین کمپین‌هایی فاقد مشارکت عمومی واقعی هستند و در عوض «AstroTurf – چمن مصنوعی» هستند (Kovic et al. 2018).

جوامع مجازی به دلیل اتکا به علایق مشترک و بحث‌های جمعی، اهداف ایده‌آلی برای عملیات‌های ویژه هستند. با نفوذ به این فضاها، آستروفینگرها می‌توانند دستور کارها را پیش ببرند، نظرات را تحت تأثیر قرار دهند یا صداهای مخالف را بی‌اعتبار کنند. نمایه‌های جعلی در یک گروه فعالیت‌های محیطی مجازی ممکن است سیاست‌های همسو با منافع شرکت را ترویج کنند و درعین‌حال فعالان واقعی را بی‌اعتبار کنند. کارگزاران آستروفینگ از ربات‌ها یا حساب‌های خودکار استفاده می‌کنند تا جوامع مجازی را با پیام‌ها پر کنند و این تصور از حمایت یا مخالفت گسترده را ایجاد کنند. این حجم از فعالیت می‌تواند بر صداهای معتبر غلبه کند و

اجماع درک شده را تغییر دهد. در طول یک انتخابات، افزایش فعالیت ربات‌ها در توییتر یا فیس بوک ممکن است یک روایت سیاسی را تقویت کند و بر رأی‌دهندگان بلاتکلیف تأثیر بگذارد. آستروفینگ می‌تواند از جوامع مجازی برای دوقطبی کردن اعضا با انتشار محتوای تفرقه‌انگیز یا اطلاعات نادرست سوءاستفاده کند. این امر اعتماد را تضعیف می‌کند و انسجام اجتماعی گروه را از بین می‌برد. مثلاً کمپین‌های اطلاعات نادرست با هدف قرار دادن جوامع مجازی سلامت ممکن است توصیه‌های متناقضی را در مورد واکسن‌ها منتشر کنند و اعضاء را به اردوگاه‌های مخالف تقسیم کنند. هنگامی‌که جوامع مجازی متوجه می‌شوند که آستروفینگ رخ داده است، به اعتماد بین اعضا لطمه می‌زند و اعتبار پلتفرم را از بین می‌برد و منجر به سرخوردگی و کاهش مشارکت می‌شود (Peng et al. 2016).

در این مضمون آیت‌الله خامنه‌ای بر وجود برنامه ناتوی فرهنگی برای به عهده گرفتن سررشته تحولات جوامع مهر تائید گذارده‌اند: «همیشه لشکری هم از امکانات فرهنگی و رسانه‌ای و روزنامه‌های فراوان و مسائل گوناگون تبلیغات در مشت این‌ها بوده است که این‌ها امروز یواش یواش دارد پخش می‌شود؛ اخیراً گزارشی از تشکیل «ناتوی فرهنگی» را خواندم؛ یعنی در مقابل پیمان ناتو که آمریکایی‌ها در اروپا به‌عنوان مقابله با شوروی سابق یک مجموعه مقتدر نظامی به وجود آوردند، اما برای سرکوب هر صدای معارض با خودشان در منطقه خاورمیانه و آسیا و غیره از آن استفاده می‌کردند، حالا یک ناتوی فرهنگی هم به وجود آورده‌اند. این، بسیار چیز خطرناکی است؛ البته حالا هم نیست؛ سال‌هاست که این اتفاق افتاده است. مجموعه زنجیره به‌هم‌پیوسته رسانه‌های گوناگون ـ که حالا اینترنت هم داخلش شده است و ماهواره‌ها و تلویزیون‌ها و رادیوها ـ در جهت مشخصی حرکت می‌کنند تا سررشته تحولات جوامع را به عهده بگیرند؛ حالا که دیگر خیلی هم آسان و رو راست شده است» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۵/۰۸/۱۸).

یا در جای دیگری در مورد نقش فضای مجازی در فراهم آوردن الزامات جهانی‌سازی و نظم نوین جهانی می‌فرمایند که: «الآن اشغالگر ـ مثل همان اشغالگری که بخارست یا پاریس یا فلان کشور را تصرف کرده بود ـ در حال اشغال تدریجی است. این اشغالگر کیست؟ پاسخ این نیست که این اشغالگر دولت امریکا یا فلان دولت دیگر است؛ نه، این اشغالگر یک طبقه اجتماعی است؛ طبقه‌ای که دولت امریکا و دولت‌های دیگر را به قدر توانایی و قدرت خود و آمادگی آن‌ها دارد هدایت می‌کند؛ البته در بافت و ساخت این دولت‌ها هم بدون شک افراد این طبقه حضور دارند، اما هدایت، هدایت یک دولت نیست؛ هدایت یک مجموعه طبقاتی است که اگر بخواهیم در یک عبارت برای این‌ها اسم معین کنیم، باید بگوییم «زرسالاران اقتدارطلب». هدف‌شان هم سیطره بر منابع حیاتی و مالی همه دنیاست. البته این سیطره، یک الزامات سیاسی دارد که همان نظم نوین جهانی است؛ یک الزامات علمی و اداری دارد که به‌تدریج خود را به آن نزدیک می‌کنند. مسئله جهانی‌سازی که امروز در تجارت، پول، فرهنگ و شبکه‌های فرهنگی ـ مثل اینترنت و مانند آن ـ مطرح است، همه دانسته و نادانسته در خدمت این مجموعه طبقاتی است؛ البته تحلیل جامعه‌شناسی این‌ها خیلی دقیق، ریز و مفصل است» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۳/۰۹/۱۱).

انتخابات و البته راهپیمایی‌های حماسی مهم‌ترین میادینی هستند که در آن دشمنان انقلاب اسلامی از فضای مجازی برای اجرای عملیات آستروفینگ علیه نظام جمهوری اسلامی ایران استفاده می‌کنند. درواقع می‌توان گفت که آستروفینگ تکنیک نخ نمای جریان معاند علیه کم و کیف انتخابات در جمهوری اسلامی ایران است. در این تکنیک جریان استکبار سعی می‌کند در پوشش دادن انتخابات در فضای مجازی یا رسانه‌های جریان اصلی حضور مردم را کم‌رنگ، مشکلات کشور را برجسته، حوادث و وقایع کم‌اهمیت را مهم، جریان اقلیت در انتخابات را به شکل اکثریت و پیروز معرفی نماید.

آیت‌الله خامنه‌ای استفاده دشمنان از این تکنیک علیه انتخابات کشور را به‌درستی تبیین فرموده‌اند: «ملت عزیز بداند دستگاه‌های جاسوسی و اطلاعاتی کشورهایی مثل آمریکا و رژیم صهیونیستی از چندی پیش نه حالا تلاش می‌کنند انتخابات ... را بی‌رونق کنند. یا برگزارکنندگان را متهم می‌کنند که انتخابات مهندسی شده یا شورای نگهبان را متهم می‌کنند یا مردم را دلسرد می‌کنند که اثری بر اوضاع ندارد و چرا خود را خسته می‌کنید با شدت تمام و از فضای مجازی حداکثر استفاده می‌شود» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۰/۱/۱).

در مناسبت دیگری نیز می‌فرمایند: «در هر نوبت از انتخابات ریاست جمهوری ... بوق‌های تبلیغاتی دشمنان پیشاپیش مشغول سمپاشی و آلوده کردن و زهرآگین نمودن فضا می‌شوند تا شاید بتوانند به انتخابات لطمه‌ای بزنند. شما و همه‌ی ملت عزیز ایران بدانید – و میدانم که میدانید – دشمن چشم دوخته است که انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات بی‌رونقی شود. برای آن‌ها این مهم است. در درجه‌ی اوّل، دشمن مایل است که انتخابات بی‌رونق شود – البته در درجه‌ی دوم ممکن است کسی را بر کسی ترجیح دهند؛ اما آن درجه‌ی بعدی است؛ نقطه‌ی مقابل آن، برای دلسوزان نظام و شخص این‌جانب، در درجه‌ی اوّل این مهم است که انتخابات، انتخابات پُررونق و پُرشوری شود و آحاد عظیم مردم، شرکت در انتخابات را وظیفه‌ی خودشان بدانند»(خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۰/۲/۱۱).

همچنین ایشان معتقدند که: «دشمن کار خودش را دارد می‌کند؛ علیه کسی، علیه کسانی و بیشتر از همه علیه خود انقلاب و نظام و انتخابات لجن‌پراکنی می‌کند. البته حنجره‌های بی‌تقوایی هم در داخل وجود دارد. در داخل، متأسفانه زبان‌های بی‌تقوا، قلم‌های بی‌تقوا و حنجره‌های بی‌تقوایی هستند که همان حرف‌های دشمن را که به قصد نومید کردن و افسرده کردن مردم گفته می‌شود، تکرار می‌کنند؛ آحاد مردم به این‌ها نباید اعتنائی کنند»(خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۲/۳/۶).

ایشان قبل‌تر در مورد استفاده دشمنان از این تاکتیک در انتخابات می‌فرمایند: «... می‌بینید تبلیغات آمریکایی‌ها را که چطور می‌خواهند بین نظام اسلامی و بین مردم فاصله بیندازند؟ زیاد هم کار می‌کنند، دائم مشغول کارند، به قول خودشان اتاق فکر –به هیئت‌های اندیشه‌ورز میگویند اتاق فکر– تشکیل می‌دهند، می‌نشینند، فکر می‌کنند، برنامه‌ریزی می‌کنند؛ چند دَه نفر، چند صد نفر در بخش‌های مختلف، مسئول کار ایران و بحث افکار عمومی ایران هستند که می‌نشینند فعالیت می‌کنند. هدف فعالیت این است که جوان ایرانی را از نظام اسلامی جدا کنند»(خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۸/۱۱/۲۹).

همچنین در مناسبت دیگری فرموده‌اند که: «ملّت عزیزمان انتخابات را نماد وحدت ملّی قرار بدهند، نماد دودستگی و نماد تفرقه قرار ندهند، نماد دوقطبی‌گری قرار ندهند؛ این تقسیم‌های غلط «چپ» و «راست» و امثال این‌ها را کنار بگذارند. آنچه مهم است آینده‌ی کشور است، آنچه مهم است آینده‌ی نسل ما است، آنچه مهم است نظام باعزت اسلامی در کشور است؛ این‌ها مهم است، این‌ها را بایستی در نظر بگیرند و به معنای واقعی کلمه در کنار هم باشند. البتّه سلیقه‌ها مختلف است؛ اختلاف‌سلیقه هست، اختلاف بینش سیاسی هست، اختلاف قومیت‌ها هست، اختلاف مذاهب هست؛ این‌ها هیچ اشکالی ندارد؛ هم قبلاً بوده، هم حالا هست، هم بعدها خواهد بود؛ این‌ها اشکالی ندارد [لکن] این‌ها باید وحدت ملّی را به هم نزنند، یعنی آحاد ملّت را در مقابل هم قرار ندهد، کشور را دوقطبی نکند» (خامنه‌ای، بیانات: ۱٤۰۰/۱/۱).

یا مجدداً فرموده‌اند که: «آن کسانی هم که حرف‌های سفسطه‌آمیزی در مورد انتخابات می‌زنند – می‌بینید دیگر بعضی از این بیاناتی که متأسفانه بعضی‌ها [مطرح] می‌کنند در خلال حرف‌ها در روزنامه‌ها و در فضای مجازی– و با سفسطه‌گویی‌های گوناگون درباره‌ی انتخابات حرف می‌زنند برای اینکه دلسرد کنند مردم را از حضور در انتخابات، این‌ها درواقع دنبال تضعیف نظام‌اند و دشمنان خارجی و بیرونی هم که

صریحاً با انتخابات درمی‌افتند، دنبال این هستند که نظام را تضعیف کنند» (خامنه‌ای، بیانات: ۱٤۰۰/۳/۲٦).

همچنین ایشان می‌فرمایند که: «یکی از شیوه‌های دشمن هم بدبین کردن به انتخابات است ... این انتخابات، انتخابات بسیار مهمی است و دشمن از همین حالا توپخانه‌های خودش را به طرف این انتخابات روشن کرده، مشغول بمبارانِ انتخاباتی است...» (خامنه‌ای، بیانات: ۱٤۰۲/۰۳/۱٤).

یا این‌که در بیانی دیگر معتقدند: «یک عدّه‌ای نمی‌خواهند این انتخابات آن‌چنان‌که شایسته‌ی این ملّت است انجام بگیرد؛ تلاش می‌کنند مردم را مأیوس کنند، مردم را بی‌اعتماد کنند، وانمود کنند که انتخابات فایده‌ای ندارد، تأثیری ندارد» (خامنه‌ای، بیانات: ۱٤۰۲/۱۰/۱۳).

پروپاگاندا[۱] تکنیک مهم دیگری است که سازوکارهای آن تا حدودی شبیه آستروفینگ است. می‌توان گفت آستروترفینگ نوعی پروپاگاندا است که در آن سازمان‌ها یا نهادهای قدرتمند، توهم حمایت مردمی از یک موضوع، سیاست یا محصول خاص را ایجاد می‌کنند. پروپاگاندا به انتشار راهبردی اطلاعات، ایده‌ها یا روایت‌هایی گفته می‌شود که برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی، شکل دادن به درک افراد و کنترل رفتار آن‌ها طراحی شده است. پروپاگاندا می‌تواند اهداف سیاسی، تجاری، ایدئولوژیک یا اجتماعی داشته باشد. در دنیای فضای مجازی، پروپاگاندا با استفاده از ابزارهای دیجیتال مانند شبکه‌های اجتماعی، محتوای تولیدشده توسط هوش مصنوعی و دیپ‌فیک‌ها تقویت شده و به نظر واقعی‌تر می‌رسد.

آیت‌الله خامنه‌ای در مورد پروپاگاندا و هدف و ابزار آن و نیز تفاوت آن با مفهوم تبلیغات می‌فرمایند: «کار مهم شورای هماهنگی تبلیغات، تبلیغ است. تبلیغ، ریشه‌ی قرآنی دارد؛ کاری نیست که ما آن را اختراع کرده باشیم یا از کسی در دنیا آن را یاد گرفته باشیم. خداوند متعال در سوره‌ی مبارکه‌ی احزاب می‌فرماید: اَلَّذینَ یُبَلِّغُونَ

---

۱. Propagande

رِسالتِ الله و یَخشَونَهُ وَ لا یَخشَونَ اَحَدًا اِلَّا اللَهَ وَ کَفَی بِالله حَسیبًا؛ (سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۳۹) و در سوره‌ی مبارکه‌ی مائده [می‌فرماید]: یا اَیُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغ ما اُنزِلَ اِلَیکَ مِن رَبِّک؛ (سوره‌ی مائده، آیه‌ی ٦٧) پروردگار عالم دستور تبلیغ را به پیغمبر خودش عنایت می‌کند و در آیات کریمه‌ی قرآن از قول پیغمبران، مکرّر در مکرّر مسئله‌ی تبلیغ ذکر شده: اُبَلِّغُکُم رِسَالتِ رَبّی وَ اَنصَحُ لَکُم. (سوره‌ی اعراف، آیه ٦٢) تبلیغ یعنی چه؟ یعنی رساندن. رساندن چه؟ رساندن یک پیام، یک سخن درست؛ این معنای تبلیغ اسلامی است؛ منتها شرط این تبلیغ این است که صادقانه باشد، صمیمانه باشد، امانت‌دارانه باشد، مسئولانه باشد؛ این معنای تبلیغ است؛ درواقع کار باعظمتی که شما انجام می‌دهید، این است. در حکومت‌های مادّی –عمدتاً در غرب– هم تبلیغ هست؛ [به‌اصطلاح] پروپاگاندا؛ که این با آن، به‌طور مبنایی و اصولی متفاوت است. پروپاگاندا برای کنترل کردن افکار عمومی مردم است، در جهت دست یافتن به قدرت، به منفعت، به پول است. غربی‌ها انصافاً در این قضیّه، ورودشان هم خوب است، خیلی بلدند. تبلیغات به معنای غربی –پروپاگاندای غربی– را خیلی خوب بلدند؛ پول درمی‌آورند، به قدرت می‌رسند. با چه [کاری]؟ با کنترل افکار عمومی مردم. [امّا] تبلیغ اسلامی مسئله‌اش این نیست» (خامنه‌ای، بیانات: ١٣٦٠/١٠/٦).

نتیجه‌گیری

فضای مجازی و حلقه‌های میانی مجازی می‌توانند نقشی تکمیلی و هم‌افزا برای حرکت حلقه‌های میانی واقعی ایفا کنند، به شرط آن‌که میان این دو فضا تعامل سازنده برقرار شود. در مدل واقعی، حلقه‌های میانی شامل افراد، گروه‌ها، تشکل‌ها و نهادهایی هستند که میان مردم و نظام حاکم قرار می‌گیرند و نقش واسطه‌ای در تحقق اهداف اجتماعی و فرهنگی دارند. در فضای مجازی نیز حلقه‌های میانی به شکل شبکه‌های اجتماعی، انجمن‌های مجازی و پلتفرم‌های تعاملی نمود پیدا می‌کنند که واسطه میان کاربران و اهداف جامعه‌محور می‌شوند. ارتباط این دو فضا می‌تواند به تسهیل مشارکت عمومی، گفتمان‌سازی مشترک و شفاف‌سازی فعالیت‌های

حلقه‌های میدانی کمک کند؛ اما این تعامل بدون چالش نیست؛ گسست میان دو فضا، اعتماد کم به اطلاعات منتشر شده در فضای مجازی و تضاد گفتمان‌ها می‌تواند اثرگذاری این حلقه‌ها را کاهش دهد. نکته حائز اهمیت این است که خفگی – خفتگی فضایی می‌تواند با دوگانگی فضایی تشدید شود، جایی که فضاهای مجازی و فیزیکی از هم جدا می‌شوند یا با هم همکاری نمی‌کنند. جداسازی این دو فضاهایی را ایجاد می‌کند که تعامل، همکاری و تعامل سازنده را محدود می‌کند و منجر به ناکارآمدی و کاهش ظرفیت برای نوآوری یا اتصال می‌شود. زمانی که فضاهای مجازی و دنیای واقعی به‌عنوان حوزه‌های مستقل عمل می‌کنند، تلاش‌ها اغلب جداگانه و جزیره‌ای رخ می‌دهد و منابع را تقسیم می‌کند و تأثیر کلی آن‌ها را کاهش می‌دهد. دسترسی به یک چالش تبدیل می‌شود زیرا فرصت‌ها و منابع موجود در یک فضا اغلب برای کسانی که به فضای دیگر متکی هستند غیرقابل‌دسترس است. پتانسیل هم‌افزایی بین ابزارهای دیجیتال و فیزیکی از بین رفته و بهره‌وری و نوآوری را تضعیف می‌کند. علاوه بر این، هنجارها و شیوه‌های متضاد بین دو فضا سردرگمی ایجاد می‌کند و پیشبرد و تعامل در هر دو محیط را دشوار می‌کند.

بنابراین فضای مجازی و حلقه‌های میانی مجازی می‌تواند به‌عنوان ابزاری قدرتمند برای تقویت جامعه‌پردازی انقلابی عمل کنند به شرط آن‌که با مدل‌های میدانی هماهنگ باشند و از فرصت‌ها و چالش‌های هر دو فضا آگاهانه استفاده شود. این تعامل نه‌تنها دامنه اثرگذاری نظام انقلابی را افزایش می‌دهد، بلکه امکان شکل‌گیری جامعه‌ای متعهد و پویا در هر دو فضای فیزیکی و مجازی را فراهم می‌کند. در جدول زیر، مقایسه و نسبت میان فضای مجازی، حلقه‌های میانی مجازی و جامعه‌پردازی مجازی با مدل واقعی و میدانی حلقه‌های میانی آورده شده است (جدول ۷):

جدول ۷: مقایسه و نسبت میان فضای مجازی، حلقه‌های میانی مجازی و جامعه‌پردازی مجازی با مدل واقعی و میدانی

حوزه	حلقه‌های میانی مجازی	حلقه‌های میانی میدانی (واقعی)	نسبت و تعامل
تعریف	شبکه‌های مجازی که در فضای دیجیتال فعالیت کرده و میان مردم و نهادها ارتباط برقرار می‌کنند.	گروه‌ها و شبکه‌های واقعی که میان مردم و نهادهای تصمیم‌گیر در فضای فیزیکی نقش واسط دارند.	حلقه‌های مجازی می‌توانند مکمل و تقویت‌کننده نقش حلقه‌های میدانی باشند.
محدوده دسترسی	جهانی، بدون محدودیت جغرافیایی	محلی و جغرافیایی محدود	حلقه‌های مجازی دامنه اثرگذاری حلقه‌های میدانی را گسترش می‌دهند.
سرعت انتقال اطلاعات	بسیار سریع و لحظه‌ای	کندتر، وابسته به حضور فیزیکی و زمان	فضای مجازی سرعت ارتباط و هماهنگی میان حلقه‌های میدانی را افزایش می‌دهد.
عمق تعاملات	معمولاً سطحی و زودگذر	عمیق‌تر، با ارتباطات چهره‌به‌چهره	حلقه‌های میدانی باید عمق تعاملات را تکمیل کنند.
هویت و اعتماد	امکان ناشناس بودن و دشواری در ایجاد اعتماد	مبتنی بر اعتماد و شناخت شخصی	حلقه‌های مجازی می‌توانند اعتمادسازی را آغاز کنند، اما تکمیل آن بر عهده حلقه‌های میدانی است.
چالش‌ها	خطر نفوذ، پراکندگی گفتمان و وابستگی به فناوری	محدودیت در پوشش جغرافیایی و هزینه‌های بالا	باید با هماهنگی و برنامه‌ریزی از مزایای هر دو مدل استفاده کرد.

حوزه	حلقه‌های میانی مجازی	حلقه‌های میانی میدانی (واقعی)	نسبت و تعامل
ابزارهای عملیاتی	شبکه‌های اجتماعی، پلتفرم‌های آنلاین، اپلیکیشن‌ها	جلسات حضوری، کارگاه‌ها، گردهمایی‌ها	استفاده ترکیبی از ابزارهای آنلاین و حضوری، اثربخشی را افزایش می‌دهد.
امنیت	مستعد نفوذ و ردیابی توسط دشمنان	کمتر در معرض خطر فناوری	تقویت پلتفرم‌های بومی برای حلقه‌های مجازی و امنیت بیشتر اطلاعات ضروری است.
مشارکت عمومی	آسان‌تر و کم‌هزینه‌تر	نیازمند تعهد و حضور فیزیکی	فضای مجازی می‌تواند مشارکت در حلقه‌های میدانی را تبلیغ و تسهیل کند.
گفتمان‌سازی	قابلیت گسترش سریع گفتمان	قابلیت ایجاد گفتمان عمیق و پایدار	گفتمان‌سازی مجازی باید مکمل گفتمان‌سازی میدانی باشد.

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳

عبارت دوفضایی شدن متصلب و بدون ارتباطات در فضای مجازی ایران هم اشاره به وضعیتی دارد که در آن فضای مجازی و فضای واقعی به‌جای تعامل و تکمیل یکدیگر، به دو حوزه جدا و گسسته تبدیل شده‌اند. این وضعیت می‌تواند پیامدهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی عمیقی به همراه داشته باشد. دوفضایی شدن متصلب در ایران نشان‌دهنده گسست میان فضای مجازی و فضای واقعی است که از تعامل سازنده جلوگیری می‌کند (جدول ۸)؛

جدول ۸: دلایل دوفضایی شدن متصلب

حوزه	توضیحات وضعیت فعلی در ایران	دلایل دوفضایی شدن متصلب
عدم ارتباط مؤثر	فضای مجازی و واقعی به‌جای تعامل، به دو جهان مستقل تبدیل شده‌اند و ارتباطات عمیق و سازنده میان این دو کم‌رنگ است.	-نبود و یا ضعف حکمرانی داده -نبود پلتفرم‌های بومی قوی و مستقل -نابرابری دسترسی به اینترنت
قطب‌بندی اجتماعی	اختلاف شدید در گفتمان‌ها و نگرش‌ها میان کاربران فضای مجازی و افراد در فضای واقعی وجود دارد.	-نبود گفتمان‌سازی مشترک -تریبون‌سازی مجزا برای گروه‌های مختلف -تقویت الگوریتم‌های تفرقه‌زا
ناکارآمدی اجتماعی	فعالیت‌های فضای مجازی به‌جای تسهیل و حل مسائل واقعی، به گفتمان‌های بی‌نتیجه و پراکنده محدود شده است.	-ضعف در اتصال فضای مجازی به فعالیت‌های عملی -تقلیل فضای مجازی به بستری برای ابراز احساسات
افزایش شکاف نسلی	جوانان بیشتر در فضای مجازی فعال‌اند، درحالی‌که نسل‌های قدیمی‌تر کمتر در این فضا حضور دارند که به گسست ارتباطی منجر شده است.	-تفاوت در میزان دسترسی و استفاده از فناوری -اختلاف ارزش‌ها و نگرش‌ها
تشدید امنیتی شدن فضا	فضای مجازی به‌جای تعامل سازنده، به بستری برای تضادهای سیاسی و اجتماعی تبدیل شده است که بر فضای واقعی تأثیر منفی می‌گذارد.	-سوءاستفاده جریانات غیرانقلابی و دشمنان از فضای مجازی برای دوقطبی‌سازی

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳

پیشنهادات

۱. تقویت گفتمان‌سازی مشترک: ایجاد گفتمان‌هایی که هم در فضای مجازی و هم در فضای واقعی مورد پذیرش قرار گیرند.
۲. پیوند فعالیت‌های مجازی با فضای واقعی: طراحی پروژه‌ها و برنامه‌هایی که نتایج ملموس آن‌ها در جامعه واقعی احساس شود.
۳. آموزش سواد رسانه‌ای: آموزش عمومی برای استفاده مؤثر و مسئولانه از فضای مجازی و ایجاد ارتباطات سازنده.
٤. ایجاد پلتفرم‌های بومی قوی: توسعه پلتفرم‌هایی که بتوانند نیازهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را به‌طور واقعی پاسخ دهند.
۵. حکمرانی داده‌ها در فضای مجازی و شفافیت در سیاست‌ها
٦. ایجاد نهادهای میانجی: طراحی نهادهایی که بتوانند به‌عنوان واسط میان فضای مجازی و واقعی عمل کرده و ارتباط مؤثر ایجاد کنند.

فهرست منابع

-قرآن کریم

-اسفندیار، حسین و فتحی، محمدجواد (۱٤۰۰)، تحلیل مضمون مفاهیم معنویت و خودسازی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای و تأثیر آن در پیشبرد اهداف بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، سلسله همایش‌های بین‌المللی گام دوم انقلاب اسلامی، دوره ۱، مقالات اولین همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب، شماره پیاپی ۱.

-افتخاری، اصغر و باباهادی، محمدباقر (۱٤۰۳)، تبیین معنا و مفهوم جامعه‌پردازی و جامعه‌سازی با تأکید بر اندیشه امام خامنه‌ای مدظله‌العالی، دولت پژوهی ایران معاصر، ۱۰(۲)، ۸۵-۱۱۱.

-انصاری، علیرضا (۱٤۰۱)، تواصی به حق و تواصی به صبر از منظر آیت‌الله خامنه‌ای.

-پیغامی، عادل (۱٤۰۰)، الزامات جامعه‌سازی و جامعه‌پردازی از منظر امام خامنه‌ای، خبرگزاری رسا.

-خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۷)، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی.

- سرپرست سادات، سیدابراهیم (۱۳۹۸)، جامعه‌پردازی درگامِ دوم انقلاب اسلامی با نظریه نظام انقلابی، فصلنامه علمی نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، ۹ (۲)، ۲۸۱-۳۰۲.

-قاسمی، روح‌الله و سیاوشی، مهدی (۱٤۰۱)، شاخصه‌ها، ابعاد و مؤلفه‌های جامعه‌پردازی جهادی در گام دوم انقلاب اسلامی، دولت پژوهی ایران معاصر، ۸ (۲)، ۱۲۳-۱۵۸.

-محمود پناهی، سید محمدرضا (۱٤۰۲)، الگوی جامعه‌پردازی نظام مردم‌سالاری دینی بر اساس بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، فصلنامه علمی راهبرد سیاسی، ۷ (۳)، ۹-۳۲.

-مرتضوی، سیدضیاء (۱٤۰۰)، دانشنامه امام خمینی (ره)، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، جلد ۱.

- Agostini, S. & Mechant, P. (2019). Towards a Definition of Virtual Community. Signo y Pensamiento. V. 38. N. 74. 10.11144/Javeriana.syp38-74.tdvc.

- Alsaleh, A. (2024). The impact of technological advancement on culture and society. Sci Rep 14, 32140. https://doi.org/10.1038/s41598-024-83995-z
- Baeva, L. (2019). Virtual Communication: Concepts, Methodologies, Tools, and Applications. 10.4018/978-1-5225-7909-0.ch007.
- Castells, M. (2000). The rise of the network society (2nd ed.). Wiley-Blackwell.
- Castells, M. (2012). Networks of outrage and hope: Social movements in the internet age. Polity Press.
- Durkheim, E. (1893). The division of labor in society (W. D. Halls, Trans.). Free Press. (Original work published in French).
- Freire, P. (1970). Pedagogy of the oppressed. Herder and Herder.
- Friess, D. Escher, T. Gerl, K. and Baurmann, M. (2021), Political online participation and its effects: Theory, measurement, and results. Policy Internet, 13: 345-348. https://doi.org/10.1002/poi3.270
- Gruber, J. & Hargittai, E. & Nguyen, M. H. (2022). The value of face-to-face communication in the digital world: What people miss about in-person interactions when those are limited. Studies in Communication Sciences. 22. 10.24434/j.scoms.2022.03.3340.
- Hofstede, G. (1980). Culture's consequences: International differences in work-related values. Sage Publications.
- Hornsby, A.M. (2007). Solidarity, Mechanical and Organic. In The Blackwell Encyclopedia of Sociology, G. Ritzer (Ed.). https://doi.org/10.1002/9781405165518.wbeoss210
- Hsiung, B. (2011). Guanxi: Personal connections in Chinese society. Journal of Bioeconomics. 15. 10.1007/s10818-011-9118-9.
- Johnson, K. (2017). The Importance of Personal Branding in Social Media: Educating Students to Create and Manage their Personal Brand. 4. 21-27.
- Kacko, E. Hemberg, J. & Nyman-Kurkiala, P. (2024). The double-sided coin of loneliness and social media – young adults' experiences and perceptions. International Journal of Adolescence and Youth, 29(1). https://doi.org/10.1080/02673843.2024.2306889
- Khairulyadi, K. & Ikramatoun, S. & Nisa, K. (2022). Durkheim's Social Solidarity and the Division of labour: An Overview. Jurnal Sosiologi Agama Indonesia (JSAI). 3. 82-95. 10.22373/jsai.v3i2.1792.
- Kindsmüller, M. & Melzer, A. & Mentler, T. (2009). Online Communities and Online Community Building. Hershey, PA: Information Science Publishing.
- Knitter, B. & Zemp, M. (2020). Digital Family Life: A Systematic Review of the Impact of Parental Smartphone Use on Parent-Child Interactions. Digital Psychology. 1. 29-43. 10.24989/dp.v1i1.1809.
- Kovic, M. & Rauchfleisch, A. & Sele, M. & Caspar, C. (2018). Digital astroturfing in politics: Definition, typology, and countermeasures.

Studies in Communication Sciences. 18. 69-85. 10.24434/j.scoms.2018.01.005.
- Kurt, I. (2024). Exploring the Journey of Sociovirtualization: Understanding the Process of Socialization in a Virtual Context. Proceedings of London International Conferences. 102-115. 10.31039/plic.2024.10.220.
- Lindenmayr, M. Kircher, T. Stolte, A. Foerderer, J. (2022). The Economic and Social Consequences of Digital Platforms: A Systematic and Interdisciplinary Literature Review. In: Dibbern, J. Förderer, J. Kude, T. Rothlauf, F. Spohrer, K. (eds) Digitalization Across Organizational Levels. Progress in IS. Springer, Cham. https://doi.org/10.1007/978-3-031-06543-9_7
- March, J. G. & Olsen, J. P. (2006). Elaborating the "new institutionalism". In R. A. W. Rhodes, S. A. Binder, & B. A. Rockman (Eds.), The Oxford handbook of political institutions (pp. 3-20). Oxford University Press.
- Mari, S. Gil de Zúñiga, H. Suerdem, A. Hanke, K. Brown, G. Vilar, R. Boer, D. and Bilewicz, M. (2022), Conspiracy Theories and Institutional Trust: Examining the Role of Uncertainty Avoidance and Active Social Media Use. Political Psychology, 43: 277-296. https://doi.org/10.1111/pops.12754
- Mello, P. (2021). Qualitative Comparative Analysis: An Introduction to Research Design and Application, Introduction (Chapter 1), 1Publisher: Georgetown University Press, pp.1-13.
- Metzler, H. & Garcia, D. (2024). Social Drivers and Algorithmic Mechanisms on Digital Media. Perspectives on Psychological Science, 19(5), 735-748. https://doi.org/10.1177/17456916231185057
- Metzler, H. & Garcia, D. (2024). Social Drivers and Algorithmic Mechanisms on Digital Media. Perspectives on Psychological Science, 19(5), 735-748. https://doi.org/10.1177/17456916231185057
- Morrison-Smith, S. Ruiz, J. (2020). Challenges and barriers in virtual teams: a literature review. SN Appl. Sci. 2, 1096 (2020). https://doi.org/10.1007/s42452-020-2801-5
- Nikolaou, A. Schwabe, A. & Boomgaarden, H. (2022). Changing social attitudes with virtual reality: a systematic review and meta-analysis. Annals of the International Communication Association, 46(1), 30–61. https://doi.org/10.1080/23808985.2022.2064324
- Nussbaum, M. C. (2011). Creating capabilities: The human development approach. Harvard University Press.
- Oksanen, A. Celuch, M. Oksa, R. Savolainen, I. (2024). Online communities come with real-world consequences for individuals and societies. Commun Psychol 2, 71 (2024). https://doi.org/10.1038/s44271-024-00112-6
- Omar, A. & Ondimu, K. (2024). The Impact of Social Media on Society: A Systematic Literature Review. 3. 96-106. 10.9790/1813-130696106.
- Ostrom, E. (1990). Governing the commons: The evolution of institutions for collective action. Cambridge University Press.

- Peng, J. & Detchon, S. & Choo, K.K. R. & Ashman, H. (2016). Astroturfing detection in social media: a binary n-gram-based approach: Astrofurfing Detection in Social Media: A Binary N-gram Based Approach. Concurrency and Computation: Practice and Experience. 29. 10.1002/cpe.4013.
- Perry, C. (2024). Online Learning Platforms: The Different Types and Their Benefits, https://www.forbes.com. Retrieved on 2025 january 27.
- Prostko, J. (2020). Online anonymity: effects, issues, and limitations. 10.13140/RG.2.2.20411.23841.
- Putnam, R. D. (1993). Making democracy work: Civic traditions in modern Italy. Princeton University Press.
- Rotberg, R. I. (2004). When states fail: Causes and consequences. Princeton University Press.
- Saleem, N. (2016). Virtual Socialization: A Step Towards Social Transformation, Journal of Distance Education and Research (JDER), Volume 01, Issue 01
- Sassen, S. (2007). A sociology of globalization. W.W. Norton & Company.
- Sen, A. (1999). Development as freedom. Anchor Books.
- Shonfeld, M. & Cotnam-Kappel, M. Judge, M. Yeehan Ng, C. & Ntebutse, J. G. & Williamson-Leadley, S. & Yildiz. M. N. (2021). Learning in digital environments: a model for cross-cultural alignment. Education Tech Research Dev 69, 2151–2170. https://doi.org/10.1007/s11423-021-09967-6
- Tilly, C. (2001). Dynamics of contention. Cambridge University Press.
- Tocqueville, A. (2003). Democracy in America (H. C. Mansfield & D. Winthrop, Trans.). University of Chicago Press. (Original work published in 1835).
- Velasco, J. (2020). You are Cancelled: Virtual Collective Consciousness and the Emergence of Cancel Culture as Ideological Purging. Rupkatha Journal on Interdisciplinary Studies in Humanities. 12. 10.21659/rupkatha.v12n5.rioc1s21n2.
- Walker, E. T. & Le, A. N. (2023). Poisoning the Well: How Astroturfing Harms Trust in Advocacy Organizations. Social Currents, 10(2), 184-202. https://doi.org/10.1177/23294965221123808
- Waters, T. (2016). Gemeinschaft and Gesellschaft Societies. Encyclopedia of Sociology, 2nd ed.
- Wu, J. & Kraemer, P. (2016). Virtual Psychology: An Overview of Theory, Research, and Future Possibilities. In: Sivan, Y. (eds) Handbook on 3D3C Platforms. Progress in IS. Springer, Cham. https://doi.org/10.1007/978-3-319-22041-3_11
- Zuchowska-Skiba, D. (2024). Slacktivism. In: Marques, J. (eds) Encyclopedia of Diversity, Equity, Inclusion and Spirituality. Springer, Cham. https://doi.org/10.1007/978-3-031-32257-0_50-1

مفهوم‌شناسی حلقه‌های میانی در جامعه توحیدی به نسبت مفهوم ولایت در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای

اعظم رحمتی

چکیده

جامعه توحیدی، جامعه‌ای آزاد از اسارت و بندگی غیر خداوند و تحت حکومت ولی اوست. در این چنین جامعه‌ای مفهوم و نحوه شکل‌گیری حلقه‌های میانی در جامعه‌پردازی توحیدی نقشی مؤثر و مهم دارد. لذا مقاله حاضر با استفاده از روش اسنادی و با تحلیل عقلی- توصیفی و تأمل در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال است که نسبت بین مفهوم حلقه‌های میانی در جامعه توحیدی با مفهوم ولایت در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای چیست؟ یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که با توجه به اینکه از الزامات شکل‌گیری هر حکومتی، تشکیلات قوی و ارتباط فکری و عملی مستحکم و نیرومند هر یک از آحاد امت با ولی جامعه و جمع به‌هم‌پیوسته و متحد امت با هم است تا با شبکه‌سازی بین خود اوامر ولی را تا تمام شبکه جاری سازند. لذا این شبکه نیازمند حلقه‌های میانی است که در شبکه جامعه ولایی حد واسط نخبگانی تحلیل‌گر و ریل‌گذار و جریان ساز اوامر ولی به سطح عام امت اسلامی باشد که خود سطوحی دارد. سطح اول: حلقه‌های نخبگانی میانی که عبارت است از جمع‌های متخصص نخبگان در حوزه‌های مختلف تا اولاً به فهم درستی از اوامر ولی برسند و ثانیاً الزامات و راهکارهای اجرایی شدن آن اوامر را طراحی کنند. سطح دوم: حلقه‌های میانی با مدیریت نخبگانی که عبارت است از جمع‌های عمومی مردم که وظیفه جریان سازی و عملیاتی شدن اوامر ولی را تا سطحی‌ترین لایه اجتماع بر عهده دارند.

واژگان کلیدی: حلقه‌های میانی، جامعه توحیدی، شبکه مؤمنین، ولایت، ارتباط و وابستگی داخلی.

۱. مقدمه

در عصر حاضر، مفهوم جامعه توحیدی به‌عنوان یک الگوی اجتماعی و سیاسی مبتنی بر اصول اسلامی، به موضوعی محوری در اندیشه‌های دینی و اجتماعی تبدیل شده است. این جامعه، بر اساس ارتباط مستقیم با خداوند و پیروی از آموزه‌های اسلامی شکل می‌گیرد و در آن، حاکمیت و رهبری بر مبنای مفهوم ولایت‌فقیه تعریف می‌شود. ولایت به‌عنوان یک اصل بنیادین، نه‌تنها مسئولیت هدایت و رهبری جامعه را به عهده دارد، بلکه به ایجاد پیوندی عمیق و معنادار میان رهبری و آحاد جامعه نیازمند است.

در این راستا، مفهوم «حلقه‌های میانی» به‌عنوان نهادهای واسط و مؤثر، نقش کلیدی در تسهیل این ارتباط ایفا می‌کنند. حلقه‌های میانی به‌عنوان گروه‌های اجتماعی و فرهنگی، می‌توانند به‌عنوان پل ارتباطی بین ولی‌فقیه و مردم عمل کرده و با ایجاد شبکه‌های اجتماعی، زمینه‌ساز تحقق اوامر ولی‌فقیه و پیشبرد اهداف اسلامی شوند. این حلقه‌ها، با بهره‌گیری از ظرفیت‌های مردمی و تخصصی، می‌توانند به تقویت همبستگی اجتماعی و افزایش مشارکت عمومی در فرآیندهای تصمیم‌گیری کمک کنند.

وجود حلقه‌های میانی می‌تواند با فراهم آوردن فضایی برای تبادل نظر و همفکری، به درک بهتر نیازها و خواسته‌های جامعه کمک کرده و بدین ترتیب، نقش مهمی در تقویت ارتباطات اجتماعی و فرهنگی ایفا نمایند و به‌عنوان ابزاری مؤثر در تحقق اهداف جامعه توحیدی عمل کند.

این مقاله با هدف مفهوم‌شناسی حلقه‌های میانی در جامعه توحیدی و بررسی نسبت آن با مفهوم ولایت در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای، به تحلیل ابعاد مختلف این دو مفهوم می‌پردازد. به‌ویژه، این تحقیق به دنبال پاسخ به این سؤال است که نسبت بین مفهوم حلقه‌های میانی در جامعه ولایی با مفهوم ولایت در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای چیست؟ با توجه به پیچیدگی‌های عرصه‌های مختلف اجتماعی و ضرورت

مشارکت فعال نخبگان و مردم، بررسی این نسبت می‌تواند به درک بهتر از چگونگی شکل‌گیری و کارکرد حلقه‌های میانی در تحقق اهداف اسلامی و تقویت ارتباطات اجتماعی یاری رساند. این نوشتار تلاش دارد تا با ارائه تحلیلی جامع و علمی از مفهوم ولایت، ابعاد آن مفهوم و کارکرد حلقه‌های میانی را در اندیشه اسلامی به تصویر کشد و اهمیت این مفهوم را در شکل‌گیری یک جامعه توحیدی و متعهد به اصول الهی روشن سازد.

۲. مفهوم ولایت در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای

مفهوم ولایت به‌عنوان یکی از ارکان اساسی در تفکر اسلامی، نقشی کلیدی در زندگی اجتماعی و فردی مؤمنان ایفا می‌کند. لذا باید به بررسی جامع و منظمی از مفهوم ولایت، مراتب آن و ارتباطش با توحید و دیگر مفاهیم دینی پرداخت.

۲,۱. تعریف و مفهوم ولایت

ولایت در زبان عربی به معنای نزدیکی و ارتباط دو چیز با یکدیگر است. اصل معنای ولایت، پیوستگی و نزدیکی است که می‌تواند در ابعاد مختلفی چون محبت، قیومیت و حمایت از یکدیگر تفسیر شود. ولایت به معنای محبت است؛ چون محب و محبوب با یکدیگر اتصال معنوی دارند و جدا کردن آن‌ها از یکدیگر امکان‌پذیر نیست (خامنه‌ای، بیانات: ١٣٧٦/٢/٦). ولایت در اصطلاح قرآنی نیز به معنای به هم پیوستگی و هم جبهگی و اتصال شدید یک عده انسانی که دارای یک فکر واحد و جویای یک هدف واحد هستند (خامنه‌ای، ۱۳۹۳: ۵۲۲). هر اندازه انسان‌ها در این جبهه بیشتر به هم و به ولی متصل باشند از قطب‌های دیگر فاصله گرفته و ماندگارتر هستند (همان، ۵۲۷). بنابراین، ولایت به معنای اتصال و ارتباط عمیق میان مؤمنان و ولی جامعه است (محمدی، ١٤٠٠: ١٤١).

۲,۲. انواع ولایت در اسلام

ولایت در اسلام به سه شکل ظهور می‌یابد:

ولایت خداوند متعال و ولایت معصومین و ولایت میان مؤمنین که هر سه به معنای اتصال فکری، روحی و عملی با خداوند و معصومین (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۷۷/۱/۲۷) و بین مؤمنین (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۵۳/۷/۱۹) است. در ولایت خداوند به هر دو شکل ولایت تکوینی و ولایت تشریعی این معنا جریان دارد. در نوع اول به شکل قهری همه ذرات عالم شامل این ولایت می‌شوند و در غیر این صورت همه ذرات عالم، جدا از هم و پراکنده بودند و در پرتو ولایت تکوینی الهی است که هر موجودی در عالم به شکلی آینه دار محبت الهی هستند. این نوع ولایت به‌عنوان بنیادین‌ترین شکل ولایت شناخته می‌شود. در نوع دوم ولایت الهی (ولایت تشریعی) نیز انسان مختار آگاهانه و عالمانه این اتصال فکری و روحی و عملی برمی‌گزیند و در عرصه‌های مختلف زندگی خود به آن ملتزم است و در تحت حکومت اسلامی بین او ولی الهی جامعه و با بقیه مؤمنین این به هم پیوستگی همه‌جانبه ملاحظه می‌شود. این همبستگی به مؤمنان کمک می‌کند تا در برابر چالش‌ها و مشکلات ایستادگی کنند و بار امانتی که بر دوش آن‌هاست را به‌درستی به دوش بکشند.

۲,۳. رابطه ولایت و توحید

توحید به‌عنوان اصل بنیادین دین اسلام، در تمامی ابعاد زندگی مؤمنان تأثیرگذار است. تمامی مفاهیم دینی و اجتماعی باید در پرتو توحید تعریف شوند. لازمه توحید، نفی هرگونه سلطه طاغوت و حاکمیت قوانین غیرالهی است. در این راستا، ولایت به‌عنوان پیوندی عمیق میان انسان‌ها و خداوند و پیامبران او، در سه ساحت فکر، قلب و عمل تحقق می‌یابد.

۲,٤. نتایج و آثار ولایت

ولایت به‌عنوان یک اصل محوری در دین اسلام، نتایج و آثار مهمی دارد:

- تقویت ارتباطات ایمانی: ولایت موجب ایجاد یک جبهه متحد از مؤمنان می‌شود که در برابر ظلم و طاغوت ایستادگی می‌کنند و به یکدیگر یاری می‌رسانند.
- تحقق عدالت و تقوا: ولایت بر اساس ارزش‌های معنوی و اخلاقی استوار است و به حاکمیت انسان‌های پارسا و نیکوکار منجر می‌شود.
- ایجاد جامعه‌ای اسلامی: با تحقق ولایت، جامعه‌ای بر پایه عدالت و ارزش‌های توحیدی شکل می‌گیرد که در آن ظلم و فساد جایی ندارد.

بنابراین، مفهوم ولایت در اندیشه اسلامی، نه‌تنها به معنای پیوند و ارتباط عمیق میان مؤمنان و رهبران دینی است، بلکه به معنای تحقق عدالت، تقوا و ارزش‌های معنوی در جامعه و نفی هرگونه سلطه و ظلم طاغوتی نیز است. این دیدگاه، ولایت را به‌عنوان یکی از اصول اساسی در تحقق جامعه‌ای اسلامی و توحیدی معرفی می‌کند و تأکید می‌کند که پیوندهای عمیق میان مؤمنان و رهبران دینی، می‌تواند به سعادت و کمال جامعه منجر شود.

۲,۵. معنای سلبی ولایت: نفی ولایت طاغوت

ولایت طاغوت به هر ولایتی غیر از ولایت خداوند اشاره دارد. هر ولایتی که انسان را از ولایت خدا خارج کند، طاغوت است. این شامل هر چیزی می‌شود که انسان را به سمت غیر خدا سوق دهد، خواه آن چیز بت باشد، حاکم غیرالهی، قانون غیرالهی، یا حتی زندگی راحت‌طلبانه. نفی ولایت طاغوت نه‌تنها به تنفر قلبی از آن محدود نمی‌شود، بلکه باید به معنای قطع پیوند و اتصال با اهل باطل باشد. مؤمنان باید خود را در صف اهل باطل نبینند و آن‌ها را دشمن خود بدانند. این قطع پیوند به معنای عدم پذیرش حاکمیت طاغوت و ایستادگی در برابر آن است (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۵۳/۷/۲۳).

۲,٦. ارتباط ولایت با نبوت و امامت

دین بدون نبوت بی‌معناست (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۵۳/۷/۱۰). نبوت به معنای انتقال پیام خداوند به بشر و تحقق اراده الهی از طریق شخصی مبعوث شده است. بعثت انبیاء به‌عنوان مهم‌ترین اتفاق در تاریخ بشر و بزرگ‌ترین نعمت خداوند شناخته می‌شود (خامنه‌ای، بیانات: ١٣٦٨/١٢/٤). بعثت به معنای برانگیختگی است که ابتدا در وجود خود پیامبر انقلاب به پا می‌شود و نتیجه آن رستاخیز اجتماعی می‌شود؛ بنابراین نبوت نه‌تنها به معنای ارائه مفاهیم نظری، بلکه به‌عنوان حرکتی عملی برای اصلاح زندگی اجتماعی و تعالی روحی بشر است. پیامبران با تزکیه نفس خود، نه‌تنها به کمال فردی دست می‌یابند بلکه جامعه را نیز به سمت کمال هدایت می‌کنند. بعثت پیامبران، حرکتی انقلابی است که باعث ایجاد تحول درونی در جامعه می‌شود و این تحول به پیوند فکری و روحی مردم با نبی منجر می‌شود (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۵۳/۷/۱۱).

مفهوم امامت نیز به پیوند و ارتباط عمیق میان امامان معصوم و پیروان آن‌ها اشاره دارد و نقش اساسی در شکل‌گیری یک جامعه اسلامی و توحیدی ایفا می‌کند. اتصال و پیوند میان امام و مردم یک رکن اساسی در مفهوم امامت است. ولایت امامان معصوم ناشی از ارزش‌های معنوی و الهی آن‌هاست. پیروان هر امام، واقعاً اتصال فکری و عملی با امام خویش دارند و این ارتباط به آن‌ها کمک می‌کند تا در مسیر صحیح هدایت شوند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۵۳/۷/۲۰).

۲,۷. جایگاه ولایت در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای

در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای، مفهوم توحید به‌عنوان نقطه کانونی در نظر گرفته می‌شود و تمامی مفاهیم در ارتباط با آن معنا می‌یابند. ایشان هدف خلقت انسان را دستیابی به ولایت الهی می‌دانند. برای تحقق این ولایت، ضروری است که تمامی نیروهای داخلی جامعه به سمت حاکمیت توحید و کسب رضایت خداوند بسیج شوند. در این راستا، قلب جامعه که تمام نیروها را همسو می‌کند و آن‌ها را از پیوند

با طاغوت ایمن می‌سازد، امام است. مردم با اتصال به این نقطه مرکزی، به سمت تحقق حاکمیت الهی حرکت کرده و با حفظ انسجام و پیوند درونی خود، ولایت مؤمنین را تقویت می‌کنند و راه نفوذ جبهه باطل را سد می‌نمایند. همچنین لازمه حاکمیت، توحید و تحقق ولایت در لایه‌های مختلف آن است. ایشان بر این باورند که سه لایه اصلی ولایت شامل پیوند مردم با قلب امت اسلامی (امام)، پیوند مؤمنین با یکدیگر و قطع پیوند با کفار است که زمینه‌ساز تحقق ولایت الهی در جامعه می‌شود (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۵۳/۷/۲۰).

ولایت به‌عنوان روح جامعه عمل می‌کند. جامعه بدون ولایت، مانند پیکری بی‌جان است که اعضای آن (چشم، مغز، زبان، معده و کبد) هیچ‌کدام کار نمی‌کنند. در چنین جامعه‌ای، استعدادها هدر می‌رود و ذهن جامعه به فساد آفرینی می‌اندیشد و اعضا و جوارح جامعه عملی مطابق با حقیقت انجام نمی‌دهند. در مقابل، جامعه‌ای که دارای ولایت است، تمام استعدادهای انسانی را رشد می‌دهد و آنچه برای کمال و تعالی انسان ضروری است را بارور می‌کند. این جامعه انسان‌ها را به تکامل می‌رساند و آن‌ها را در مسیر ذکر الهی قرار می‌دهد و عدالت اجتماعی را محقق می‌کند. همچنین، تلاش می‌کند نیکی‌ها را نشر داده و بدی‌ها را ریشه‌کن کند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۵۳/۷/۲۱).

آیت‌الله خامنه‌ای ولایت را مهم‌ترین امانت الهی توصیف کرده (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۵۳/۷/۲۲) و آن را اساس و پایه اعتقادات شیعه (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۷۳/۳/۸) می‌دانند. ایشان معتقدند هدف تمام زحمات پیامبر اکرم (ص)، بزرگان دین و انبیاء الهی (علیهم‌السلام) استقرار ولایت الهی بوده است. هدف انبیاء این بود که انسان‌ها را از ولایت بندگان خارج و به ولایت الله وارد کنند.

ایشان قلمرو ولایت را به دو حوزه تقسیم می‌کنند: اول، قلمرو نفس انسانی که انسان بتواند اراده الهی را بر نفس خود حاکم کند و خود را در ولایت الله قرار دهد. دوم، قلمرو محیط زندگی که باید در ولایت الله قرار گیرد و جامعه با ولایت الهی حرکت

کند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۷۲/۳/۱۹). ایشان با استناد به تأکیدات پیامبر بر تعیین جانشین و اهتمام امام راحل (ره) و فقهای پیشین بر مدیریت جامعه، حکومت و ولایت را مسئله اول جامعه اسلامی می‌دانند که در پناه آن هدایت یا گمراهی مردم محقق می‌شود (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۷/۹/۲۷).

ایشان با استناد به حدیثی از امام باقر (ع) که فرمودند: «خداوند متعال فرمود به تحقیق هر رعیتی که ولایت امام جائری که از جانب خدا نیست را بپذیرد، عذاب خواهم کرد، حتی اگر اعمال صالح داشته باشد؛ و هر آینه هر رعیتی که ولایت امام عادل منصوب از جانب خدا را بپذیرد، عفو خواهم کرد، حتی اگر گناهکار باشد» (کلینی،۱٤۰۷: ۱/۳۷٦)، حساس‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین مسئله هر ملتی را ولایت و حکومت مسلط بر آن‌هاست؛ و در توضیح حدیث می‌فرمایند: اگر دستگاه مدیریت جامعه صالح باشد، خطاهای موجود در جامعه قابل اغماض بوده و در مسیر جامعه مشکلی به وجود نخواهد آورد؛ اما اگر مدیریت جامعه از صلاح و استقامت دور باشد، حتی اگر در میان مردم صلاح وجود داشته باشد، صلاح بدنه مردم نمی‌تواند این جامعه را به سرمنزل مطلوب هدایت کند. این موضوع نشان‌دهنده تأثیر رأس هرم مدیریت یک جامعه است (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳٦۹/٤/۲۰).

پس جایگاه ولایت در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان محور اصلی تحقق جامعه توحیدی و اسلامی مطرح می‌شود. این ولایت نه‌تنها به‌عنوان یک امانت الهی، بلکه به‌عنوان روح حیات جامعه شناخته می‌شود که تمامی اعضای آن را به هم پیوند می‌دهد و در راستای اهداف الهی و انسانی هدایت می‌کند.

۳. مفهوم جامعه توحید

۳,۱. تعریف جامعه توحیدی

جامعه توحیدی، کارخانه انسان‌سازی است (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۵۳/۷/۱۳). جامعه توحیدی به‌عنوان یک الگوی اجتماعی و سیاسی، بر پایه اصول و آموزه‌های اسلامی شکل می‌گیرد و در آن، حاکمیت و رهبری بر مبنای مفهوم توحید و ارتباط مستقیم

با خداوند تعریف می‌شود. در این نوع جامعه، توحید به‌عنوان زیربنای فکری و عملی، نه‌تنها به معنای اعتقاد به یکتایی خداوند، بلکه به‌عنوان اصل اساسی در شکل‌گیری روابط اجتماعی و سیاسی، مورد توجه قرار می‌گیرد.

توحید در این زمینه به معنای پذیرش قدرت واحد الله و نفی سایر قدرت‌هاست (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۵۳/۷/۷). این مفهوم به افراد جامعه می‌آموزد که در تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی، ازجمله در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، باید به اصول توحیدی پایبند باشند. به‌عبارت‌دیگر، توحید به‌عنوان یک اصل بنیادین، باید در رفتارها و تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و حکومتی افراد و نهادها تأثیرگذار باشد.

در جامعه توحیدی، همبستگی و اتحاد میان افراد، بر اساس اصول توحیدی شکل می‌گیرد. این همبستگی به معنای پیوند عمیق میان مؤمنان است که در آن، افراد به یکدیگر محبت و یاری می‌رسانند و در راستای تحقق اهداف مشترک و ارزش‌های دینی همکاری می‌کنند. قرآن کریم در این زمینه به صراحت بیان می‌کند: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاء بَعْضٍ» (توبه، ۷۱) که نشان‌دهنده ارتباط عمیق و معنوی میان مؤمنان است.

در این جامعه، رهبری و ولایت نیز به‌عنوان یک اصل اساسی مورد توجه قرار می‌گیرد. ولی‌فقیه به‌عنوان نماینده خداوند در زمین، مسئولیت هدایت و رهبری جامعه را بر عهده دارد و باید بر اساس اصول توحیدی عمل کند. در این راستا، رهبری نه‌تنها به معنای تسلط بر مردم، بلکه به معنای خدمت به آن‌ها و تأمین نیازهای اجتماعی و اقتصادی جامعه است. رهبری در جامعه توحیدی، باید به ایجاد فضایی برای مشارکت عمومی و افزایش آگاهی اجتماعی کمک کند.

نقش نهادهای اجتماعی و فرهنگی نیز در جامعه توحیدی حائز اهمیت است. این نهادها می‌توانند به‌عنوان حلقه‌های میانی عمل کرده و ارتباط میان رهبری و مردم را

تسهیل کنند. با ایجاد شبکه‌های اجتماعی و فرهنگی، این نهادها می‌توانند زمینه‌ساز تحقق اوامر رهبری و پیشبرد اهداف اسلامی شوند.

۳,۲. ویژگی‌های جامعه توحیدی

الف. توحید به‌عنوان زیربنای فکری

در جامعه توحیدی، توحید به‌عنوان اصل بنیادین در تمامی ابعاد فکری و عملی مورد تأکید قرار می‌گیرد. این باور به یکتایی خداوند، به افراد جامعه می‌آموزد که در تمامی تصمیم‌گیری‌ها و رفتارهای خود باید به اصول توحیدی پایبند باشند. توحید به افراد می‌آموزد که تمامی موجودات و پدیده‌ها تحت اراده و قدرت خداوند قرار دارند و این امر باعث می‌شود که انسان‌ها به یکدیگر احترام بگذارند و در تعاملات خود به عدالت و انصاف پایبند باشند.

ب. همبستگی و اتحاد

یکی از ویژگی‌های بارز جامعه توحیدی، همبستگی و اتحاد میان افراد است. این همبستگی بر اساس اصول توحیدی شکل می‌گیرد و افراد را به همکاری و یاری یکدیگر در راستای تحقق اهداف مشترک و ارزش‌های دینی ترغیب می‌کند. در چنین جامعه‌ای، افراد به‌عنوان اعضای یک خانواده بزرگ اسلامی عمل می‌کنند و در برابر مشکلات و چالش‌ها یکدیگر را یاری می‌دهند. این اتحاد به تقویت روحیه اجتماعی و کاهش تنش‌ها و اختلافات کمک می‌کند.

ج. رهبری الهی

در جامعه توحیدی، رهبری بر اساس ولایت‌فقیه و نمایندگی از سوی خداوند تعریف می‌شود. ولی‌فقیه به‌عنوان نماینده خدا در زمین، مسئولیت هدایت و رهبری جامعه را بر عهده دارد و باید بر اساس اصول توحیدی عمل کند. این رهبری به معنای تسلط بر مردم نیست، بلکه به معنای خدمت به آن‌ها و تأمین نیازهای اجتماعی و اقتصادی آن‌ها است. ولی‌فقیه باید به‌عنوان الگوی عملی در پیاده‌سازی ارزش‌های اسلامی و توحیدی عمل کند و مردم را به سمت رشد و تعالی هدایت کند.

د.عدالت اجتماعی

تحقق عدالت اجتماعی یکی از اهداف اصلی جامعه توحیدی است. در این نوع جامعه، تلاش می‌شود تا حقوق افراد رعایت شده و عدالت در توزیع منابع و فرصت‌ها برقرار گردد. عدالت به معنای تأمین نیازهای اساسی افراد، ازجمله مسکن، آموزش، بهداشت و اشتغال است. در جامعه توحیدی، هر فرد باید به حقوق خود دست یابد و هیچ‌کس نباید از این حقوق محروم شود. این عدالت همچنین شامل مبارزه با فساد و تبعیض است که می‌تواند به ایجاد یک جامعه سالم و پایدار کمک کند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۵۳/۷/۷).

۳،۳. اصول جامعه توحیدی

الف. اصل توحید

این اصل به معنای اعتقاد به یکتایی خداوند و نفی هرگونه قدرت و سلطه غیرالهی است. در جامعه توحیدی، تمامی ابعاد زندگی باید بر اساس این اصل ساماندهی شود. این توحید به افراد یادآوری می‌کند که همه انسان‌ها در برابر خداوند برابرند و هیچ‌کس نمی‌تواند خود را بالاتر از دیگران قرار دهد. این اصل به ایجاد روحیه همکاری و همیاری در جامعه کمک می‌کند.

ب. اصل عدالت

عدالت به‌عنوان یکی از ارکان اصلی جامعه توحیدی، به معنای رعایت حقوق افراد و توزیع عادلانه منابع و فرصت‌ها در جامعه است. این اصل به تحقق یک نظام اجتماعی و سیاسی عادلانه کمک می‌کند و به افراد این اطمینان را می‌دهد که در جامعه‌ای زندگی می‌کنند که حقوق آن‌ها رعایت می‌شود. عدالت همچنین به معنای مقابله با ظلم و فساد است و به افراد ترغیب می‌کند که در برابر ناعدالتی‌ها ایستادگی کنند.

ج. اصل وحدت

وحدت میان افراد جامعه به‌عنوان یک اصل اساسی در جامعه توحیدی، به معنای انسجام و همبستگی در برابر چالش‌ها و تهدیدات است. این وحدت باید بر اساس اصول توحیدی و با محوریت رهبری الهی تحقق یابد. وحدت به معنای همفکری و هم‌افزایی در راستای اهداف مشترک است و به افراد این امکان را می‌دهد که در برابر مشکلات به‌صورت جمعی عمل کنند.

د. اصل خدمت به جامعه

رهبری در جامعه توحیدی باید به معنای خدمت به مردم و تأمین نیازهای اجتماعی و اقتصادی آن‌ها باشد. این اصل به ایجاد فضایی برای مشارکت عمومی و افزایش آگاهی اجتماعی کمک می‌کند. خدمت به جامعه به معنای توجه به نیازهای افراد و تلاش برای بهبود شرایط زندگی آن‌ها است و به افراد این احساس را می‌دهد که در یک جامعه متعهد و مسئول زندگی می‌کنند.

ه. اصل پاسخگویی

در جامعه توحیدی، نهادها و مسئولان باید به مردم پاسخگو باشند. این اصل به تقویت اعتماد عمومی و افزایش مشارکت اجتماعی کمک می‌کند. پاسخگویی به معنای شفافیت در عملکردها و تصمیم‌گیری‌ها است و به افراد این امکان را می‌دهد که در فرآیندهای اجتماعی و سیاسی مشارکت فعال داشته باشند.

و. اصل توسعه پایدار

توسعه پایدار در جامعه توحیدی به معنای توجه به نیازهای کنونی و آینده جامعه، با حفظ اصول اخلاقی و انسانی است. این اصل به تحقق یک جامعه متعادل و پایدار کمک می‌کند و به افراد یادآوری می‌کند که باید در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی خود به آینده نسل‌های بعدی نیز توجه داشته باشند.

۳,٤. موانع شکل‌گیری جامعه توحیدی

در اندیشه اسلامی، توحید به‌عنوان یک اصل بنیادین نه‌تنها در سطح فردی بلکه در نظام اجتماعی و حکومتی نیز باید نمایان شود. پیاده‌سازی توحید در این سطوح، نیازمند شناخت و غلبه بر موانع مختلفی است که می‌تواند روند تحقق این اصل را مختل کند. در زیر به مهم‌ترین موانع پیاده‌سازی توحید در سطح اجتماعی و حکومتی اشاره می‌شود:

الف. جنود جهل

جهل به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین موانع پیاده‌سازی توحید شناخته می‌شود. عدم آگاهی و شناخت صحیح از اصول توحیدی و آموزه‌های اسلامی می‌تواند باعث انحراف در رفتارها و تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و حکومتی شود. برای غلبه بر این مانع، لازم است که آموزش‌های دینی و فرهنگی به‌طورجدی در جامعه ترویج شود. این آموزش‌ها باید شامل تبیین مفاهیم توحید، عدالت و مسئولیت اجتماعی باشد تا افراد جامعه به درک عمیق‌تری از این اصول دست یابند (خامنه‌ای، ۱۳۹۳: ١٤٦).

عدم صبر و استقامت

صبر به معنای مقاومت در برابر موانع و مشکلات، یکی از ارکان مهم در پیاده‌سازی توحید است. در زندگی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ممکن است با چالش‌ها و لغزش‌هایی مواجه شویم. در این شرایط، عدم صبر و استقامت می‌تواند ایستادگی افراد را در برابر مشکلات از بین ببرد و از اصول توحیدی فاصله گیرند و مانع ایجاد توحید در جامعه است (همان، ٤٥٦).

ب. ایمان بدون عمل

ایمان آگاهانه و تعهد به عمل از دیگر عوامل مؤثر در پیاده‌سازی توحید در جامعه است. ایمان بدون عمل، بی‌اثر است و نمی‌تواند در جامعه تأثیرگذار باشد. به‌عنوان‌مثال، اگر افراد به توحید اعتقاد داشته باشند اما در رفتارهای اجتماعی و اقتصادی خود به این اصول پایبند نباشند، توحید در عمل نمایان نخواهد شد؛

بنابراین، لازم است که ایمان به توحید با عمل همراه شود و افراد در زندگی روزمره خود این اصول را به کار ببرند (همان، ۱۲۲).

ج. ترس از دشمنان

یکی از موانع جدی در پیاده‌سازی توحید، ترس از دشمنان و تهدیدات خارجی است. این ترس می‌تواند به انفعال اجتماعی و سیاسی منجر شود و افراد را از پیگیری اهداف توحیدی بازدارد. برای غلبه بر این مانع، باید به تقویت روحیه اعتمادبه‌نفس و خودباوری در میان افراد جامعه پرداخته شود. همچنین، تبیین دستاوردهای تاریخی و موفقیت‌های جامعه اسلامی در برابر تهدیدات می‌تواند به تقویت این روحیه کمک کند.

د. اعتماد به دشمن

اعتماد به دشمنان و تکیه بر آن‌ها برای حل مشکلات، از دیگر موانع پیاده‌سازی توحید است. این اعتماد می‌تواند به انحراف از اصول انقلاب و ارزش‌های اسلامی منجر شود. برای جلوگیری از این مشکل، باید به تقویت خودکفایی و استقلال اقتصادی و سیاسی توجه شود و افراد جامعه به این باور برسند که می‌توانند با اتکا به توانمندی‌های داخلی، بر مشکلات فائق آیند.

و. از دست دادن اعتمادبه‌نفس

از دست دادن اعتمادبه‌نفس در میان افراد جامعه می‌تواند به کاهش انگیزه‌ها و تلاش‌ها برای پیاده‌سازی توحید منجر شود. این مشکل ممکن است ناشی از ناکامی‌ها، فشارهای اجتماعی و اقتصادی یا تبلیغات منفی باشد. برای مقابله با این مانع، لازم است که برنامه‌های آموزشی و فرهنگی برای تقویت اعتمادبه‌نفس و خودباوری در جامعه اجرا شود. همچنین، باید به موفقیت‌های کوچک و بزرگ جامعه توجه شود و آن‌ها را به‌عنوان الگوهایی برای پیگیری اهداف توحیدی معرفی کرد.

بنابراین در مجموع می‌توان گفت جامعه توحیدی به‌عنوان یک الگوی اجتماعی و سیاسی، بر پایه اصول و آموزه‌های اسلامی شکل می‌گیرد و در آن، توحید به‌عنوان زیربنای فکری و عملی، همبستگی و اتحاد میان افراد، رهبری الهی، عدالت اجتماعی، مشارکت عمومی و وجود نهادهای اجتماعی و فرهنگی به‌عنوان ویژگی‌های کلیدی در نظر گرفته می‌شود. اصول این جامعه، شامل توحید، عدالت، وحدت، خدمت به جامعه، پاسخگویی و توسعه پایدار است که به تحقق اهداف اسلامی و انسانی در زندگی فردی و اجتماعی کمک می‌کند. درنهایت، جامعه توحیدی به دنبال ایجاد نظامی است که در آن ارزش‌های الهی و انسانی به‌طور هم‌زمان تحقق یابند و زندگی فردی و اجتماعی مؤمنان بر اساس اصول توحیدی ساماندهی شود. همچنین پیاده‌سازی توحید در سطح اجتماعی و حکومتی با موانع مختلفی مواجه است که شناخت و غلبه بر آن‌ها ضروری است. جنود جهل، ایمان بدون عمل، عدم صبر، ترس از دشمنان، اعتماد به دشمن و از دست دادن اعتمادبه‌نفس، ازجمله موانع اصلی هستند که می‌توانند روند تحقق توحید را مختل کنند. برای غلبه بر این موانع، نیاز به عدد دارد. تنها با پیاده‌سازی این اصول، می‌توان به تحقق یک جامعه توحیدی و متعهد به ارزش‌های اسلامی دست یافت.

٤. حلقه‌های میانی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای

حلقه‌های میانی به‌عنوان نهادهایی کلیدی در نظام جمهوری اسلامی ایران، می‌توانند نقش مهمی در ایجاد ارتباط بین مردم و حاکمیت ایفا می‌کنند. این حلقه‌ها به‌عنوان واسطه‌هایی عمل می‌کنند که می‌توانند در پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی و تحقق آرمان‌های آن مؤثر باشند. در این راستا، تحلیل بیانات آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان مبدع این کلیدواژه به شناسایی ویژگی‌ها، کارکردها و جایگاه این حلقه‌ها کمک می‌کند.

٤,١. تعریف و ماهیت حلقه‌های میانی

حلقه‌های میانی به‌عنوان نهادهایی تعریف می‌شوند که به‌واسطه ارتباط بین امام و امت و همچنین بین مردم و دولت‌ها عمل می‌کنند. این حلقه‌ها می‌توانند در پیشبرد تمدن اسلامی و تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی نقش مهمی ایفا کنند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۸/۸/۱).

٤,١,١. واسط بین امام و امت

حلقه‌های میانی به‌عنوان واسطه‌هایی بین امام و امت عمل می‌کنند و می‌توانند ارتباطات مؤثری را در این زمینه برقرار سازند. این واسط بودن به آن‌ها این امکان را می‌دهد که در فرآیندهای اجتماعی و سیاسی به‌عنوان نمایندگان مردم عمل کنند.

٤,١,٢. نقش در پیشبرد تمدن اسلامی

این حلقه‌ها به‌عنوان بازیگران اصلی در تمدن‌سازی اسلامی شناخته می‌شوند و می‌توانند در تحقق اهداف کلان نظام جمهوری اسلامی مؤثر باشند. آن‌ها با ایجاد شبکه‌های اجتماعی و تقویت مشارکت عمومی، به پیشبرد اهداف انقلاب کمک می‌کنند.

٤,١,٣. مهم‌ترین مقدمه سازی برای ظهور حضرت حجت

تا شبکه بین امام و امت و بین مؤمنین شکل نگیرد و اوامر امام به همه امت نرسد و تشکیلات جامعه مؤمنین با همبستگی و وابستگی داخلی تام به ثمر ننشیند در این صورت زمینه تحقق ولایت تامه در جامعه فراهم نشده است و ظهور آخرین ذخیره الهی اتفاق نمی‌افتد. شاید اگر نگوییم تنها روش اما مطمئناً یکی از بهترین راه‌های شکل‌گیری شبکه ولایت تشکیل نهاد حلقه‌های میانی است.

٤,٢. ویژگی‌های حلقه‌های میانی

٤,٢,١. امت محوری

حلقه‌های میانی باید بر اساس نیازها و خواسته‌های مردم عمل کنند. این ویژگی به آن‌ها این امکان را می‌دهد که در فرآیندهای اجتماعی و سیاسی مؤثر باشند و ارتباطی دائمی با مردم برقرار کنند.

٤,٢,٢. نقش‌آفرینی نخبگان جوان

حلقه‌های میانی باید نخبگان و جوانان را در خود جای دهند. این نخبگان باید به‌عنوان افرادی متعهد و دلسوز در نظام ولایی عمل کنند و به سعادت جامعه بیندیشند.

٤,٢,٣. مسئولیت‌پذیری اجتماعی

پذیرش مسئولیت اجتماعی یکی از خصوصیات مهم حلقه‌های میانی است. این مسئولیت باید به افراد احساس تعلق و تعهد به جامعه بدهد و آن‌ها را به اقدام فعال در راستای منافع عمومی ترغیب کند.

٤,٢,٤. شناخت دقیق مسائل کشور

حلقه‌های میانی باید توانایی شناسایی دقیق مسائل و دغدغه‌های مردم را داشته باشند. این شناسایی به آن‌ها کمک می‌کند تا درک بهتری از نیازها و چالش‌های جامعه داشته باشند و بتوانند به‌طور مؤثر به آن‌ها پاسخ دهند (اخوان نیلچی، ١٤٠٣: ١٥).

٤,٣. کارکردهای حلقه‌های میانی

٤,٣,١. ایجاد شبکه‌های اجتماعی

حلقه‌های میانی می‌توانند با ایجاد و تقویت شبکه‌های اجتماعی، مردم را برای مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی سازمان‌دهی کنند.

٤,٣,٢. حداکثرسازی مشارکت

حضور فعال حلقه‌های میانی باعث حداکثرسازی مشارکت مردم در فرآیندهای اجتماعی می‌شود و به آن‌ها امکان می‌دهد تا در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی مؤثر باشند.

٤,٣,٣. شناسایی مسائل و چالش‌ها

حلقه‌های میانی می‌توانند با درک عمیق از مسائل جامعه، به حاکمیت کمک کنند تا چالش‌ها را شناسایی و در راستای حل آن‌ها اقدام کنند.

٤,٣,٤. بیان مطالبات مردم

حلقه‌های میانی می‌توانند به‌عنوان نمایندگان مردم، مطالبات و انتقادات آن‌ها را به حاکمیت منتقل کنند. (اخوان نیلچی، ١٤٠٣: ١٨)

٤,٤. تعریف و ویژگی‌های سطوح حلقه‌های میانی

حلقه‌های میانی به‌عنوان نهادهای کلیدی در جامعه توحیدی و ولایی، نقش مهمی در تحقق اهداف و آرمان‌های این جامعه ایفا می‌کنند. این حلقه‌ها به‌عنوان واسطه‌هایی عمل می‌کنند که ارتباطات فکری و عملی بین ولی جامعه و آحاد مردم را تسهیل می‌کنند. در این راستا، می‌توان سطوح مختلفی از حلقه‌های میانی را شناسایی کرد که شامل حلقه‌های نخبگانی میانی و حلقه‌های میانی با مدیریت نخبگانی می‌شود.

٤,٤,١. حلقه‌های نخبگانی میانی

تعریف: حلقه‌های نخبگانی میانی به جمع‌های متخصص و نخبگانی اشاره دارد که در حوزه‌های مختلف علمی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی فعالیت می‌کنند. این حلقه‌ها به‌منظور فهم صحیح اوامر ولی و طراحی الزامات و راهکارهای اجرایی برای تحقق این اوامر شکل می‌گیرند.

ویژگی‌ها:

متخصص بودن: اعضای این حلقه‌ها معمولاً دارای تخصص و دانش عمیق در حوزه‌های مربوطه هستند و می‌توانند به تحلیل و تبیین اوامر ولی بپردازند.

تحلیل‌گر بودن: این حلقه‌ها به‌عنوان نهادهای تحلیل‌گر عمل می‌کنند و می‌توانند مسائل و چالش‌های موجود را شناسایی و تحلیل کنند.

طراحی راهکار: وظیفه اصلی این حلقه‌ها طراحی راهکارهای اجرایی برای تحقق اوامر ولی و ارتقاء سطح آگاهی عمومی است.

شبکه‌سازی: این حلقه‌ها باید توانایی ایجاد شبکه‌های ارتباطی مؤثر بین خود و ولی جامعه را داشته باشند تا اوامر ولی به‌درستی به سطح عمومی جامعه منتقل شود.

تعامل با ولی: حلقه‌های نخبگانی میانی باید در تعامل مستمر با ولی جامعه باشند تا نیازها و چالش‌های موجود را به او منتقل کنند و از اوامر ولی به‌طور دقیق آگاهی یابند.

٤,٤,٢. حلقه‌های میانی با مدیریت نخبگانی

تعریف: حلقه‌های میانی با مدیریت نخبگانی به جمع‌های عمومی مردم اشاره دارد که وظیفه جریان‌سازی و عملیاتی شدن اوامر ولی را در سطوح مختلف جامعه بر عهده دارند. این حلقه‌ها به‌عنوان نهادهای اجرایی عمل می‌کنند که ارتباطات و تعاملات بین ولی و مردم را تسهیل می‌کنند.

ویژگی‌ها:

مشارکت عمومی: این حلقه‌ها باید شامل مشارکت عمومی مردم باشند تا بتوانند به نیازها و خواسته‌های جامعه پاسخ دهند.

عملیاتی بودن: حلقه‌های میانی با مدیریت نخبگانی باید توانایی عملیاتی کردن اوامر ولی را در سطوح مختلف جامعه داشته باشند و به اجرای برنامه‌ها و سیاست‌ها بپردازند.

جریان‌سازی: این حلقه‌ها باید به‌عنوان نهادهای جریان‌ساز عمل کنند و بتوانند ایده‌ها و اوامر ولی را به سطح عمومی جامعه منتقل کنند.

ارتباط با حلقه‌های نخبگانی: این حلقه‌ها باید ارتباط مؤثری با حلقه‌های نخبگانی میانی داشته باشند تا بتوانند از تحلیل‌ها و راهکارهای طراحی‌شده بهره‌برداری کنند؛ و بهترین شکل ارتباط این است که سر حلقه اصلی این سطح یکی از اعضاء سطح بالاتر باشد.

پاسخگویی به نیازهای جامعه: حلقه‌های میانی با مدیریت نخبگانی باید به شناسایی و پاسخگویی به نیازها و دغدغه‌های جامعه پرداخته و در راستای رفع آن‌ها اقدام کنند.

بنابراین حلقه‌های میانی به‌عنوان نهادهای کلیدی در جامعه ولایی، با دو سطح اصلی شامل حلقه‌های نخبگانی میانی و حلقه‌های میانی با مدیریت نخبگانی، نقش مؤثری در تحقق اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی و شکل‌گیری جامعه توحیدی ایفا می‌کنند. این حلقه‌ها با ایجاد ارتباطات مؤثر بین ولی جامعه و آحاد مردم، می‌توانند به بهبود کیفیت حکمرانی و افزایش مشارکت اجتماعی کمک کنند. توجه به ویژگی‌ها و کارکردهای این حلقه‌ها در طراحی و تقویت آن‌ها می‌تواند به تحقق اهداف بلندمدت جامعه ولایی منجر شود.



شکل ۱. جایگاه انواع حلقه‌های میانی در جامعه توحیدی

۵. چالش‌ها و راهکارها

چالش‌های پیش روی ایجاد و تقویت حلقه‌های میانی در جامعه توحیدی

در زیر به‌تفصیل به هر یک از چالش‌های هفتگانه پیش روی ایجاد و تقویت حلقه‌های میانی در جامعه توحیدی پرداخته می‌شود:

۱. عدم شناخت کافی از مفهوم ولایت و جایگاه ولی و اهمیت فرامین و رهنمودهای ایشان در جامعه توحیدی

۲. عدم شناخت کافی از مفهوم حلقه‌های میانی و میزان اثرگذاری آن در الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت و شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی

دو چالش اصلی در ایجاد حلقه‌های میانی، عدم آگاهی و شناخت کافی افراد جامعه از مفهوم ولایت و نقش حلقه‌های میانی در تحقق آن است. بسیاری از مردم ممکن است با ابعاد مختلف این مفاهیم آشنا نباشند و درنتیجه، نسبت به اهمیت و ضرورت مشارکت در حلقه‌های میانی بی‌توجه باشند. این عدم شناخت می‌تواند به بی‌اعتمادی و عدم تمایل به شرکت در این حلقه‌ها منجر شود.

راهکار: گفتمان‌سازی این دو مفهوم اصیل و استراتژیک در شکل‌گیری و تداوم جامعه توحیدی به‌واسطه برگزاری دوره‌های آموزشی و کارگاه‌های آگاهی‌بخشی می‌توان به افزایش شناخت و درک افراد از این مفاهیم کمک کند. این برنامه‌ها باید شامل مباحثی چون تاریخچه ولایت، نقش ولی‌فقیه، اهمیت حلقه‌های میانی در تحقق اهداف اجتماعی و سیاسی و شیوه‌های مشارکت باشد. استفاده از رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی برای ترویج این مفاهیم نیز می‌تواند مؤثر باشد.

۳. فقدان شناخت نخبگان جامعه از اصول کار تشکیلات اسلامی

٤. مقاومت در برابر تغییرات

در هر جامعه‌ای، برخی افراد و نهادها ممکن است در برابر تغییرات و نوآوری‌ها مقاومت کنند. این مقاومت می‌تواند ناشی از ترس از ناشناخته‌ها، محافظه‌کاری یا

عدم تمایل به پذیرش ایده‌های جدید باشد. این موضوع می‌تواند مانع از پذیرش و تقویت حلقه‌های میانی شود و به تداوم وضعیت موجود کمک کند.

راهکار: تبیین مزایای حلقه‌های میانی و ایجاد فضایی برای گفت‌وگو و تبادل نظر می‌تواند به کاهش مقاومت و افزایش پذیرش کمک کند. برگزاری جلسات و همایش‌هایی که در آن‌ها تجربیات مثبت از فعالیت‌های حلقه‌های میانی به اشتراک گذاشته شود، می‌تواند به ایجاد اعتماد و تمایل به تغییر کمک کند.

۵. عدم هماهنگی بین نهادهای مختلف

نبود هماهنگی و ارتباط مؤثر بین نهادهای مختلف می‌تواند به تضعیف حلقه‌های میانی و عدم تحقق اهداف آن‌ها منجر شود. این عدم هماهنگی ممکن است ناشی از تفاوت‌های فرهنگی، سیاسی یا اجتماعی باشد که باعث می‌شود نهادها نتوانند به‌طور مؤثر با یکدیگر همکاری کنند.

راهکار: ایجاد شبکه‌های ارتباطی و همکاری بین نهادهای مختلف، می‌تواند به تقویت همکاری و هماهنگی کمک کند. برگزاری جلسات مشترک و کارگروه‌های تخصصی برای شناسایی و حل مشکلات مشترک می‌تواند به افزایش تعامل و هم‌افزایی بین نهادها منجر شود.

٦. عدم فرهنگ‌سازی در چیستی و ضرورت شکل‌گیری حلقه‌های میانی

برخی از باورها و نگرش‌های فرهنگی ممکن است مانع از مشارکت فعال مردم در حلقه‌های میانی شود. در برخی جوامع، ممکن است فرهنگ فردگرایی یا عدم اعتماد به نهادهای اجتماعی وجود داشته باشد که این موضوع می‌تواند به کاهش مشارکت منجر شود.

راهکار: ترویج فرهنگ مشارکت و همکاری از طریق رسانه‌ها، برنامه‌های آموزشی و فعالیت‌های اجتماعی می‌تواند به تغییر نگرش‌ها و افزایش مشارکت کمک کند. برگزاری جشنواره‌ها و رویدادهای اجتماعی که در آن‌ها مشارکت مردم در حلقه‌های میانی ترویج شود، می‌تواند به افزایش آگاهی و تمایل به همکاری کمک کند.

۷. عدم آشنایی با ابعاد کار جهادی در میان نخبگان جامعه

با توجه به چالش‌های هفت‌گانه مطرح شده، توجه به این مسائل و اجرای راهکارهای پیشنهادی می‌تواند به ایجاد و تقویت حلقه‌های میانی در جامعه توحیدی کمک کند. این حلقه‌ها به‌عنوان نهادهای کلیدی در تحقق اهداف اجتماعی و سیاسی، نیازمند حمایت و همکاری همه‌جانبه از سوی نهادها و افراد مختلف جامعه هستند.

نتیجه‌گیری

حلقه‌های میانی به‌عنوان نهادهای کلیدی در جامعه توحیدی، نقش بسیار مهمی در تحقق اهداف و آرمان‌های ولی جامعه ایفا می‌کنند. این حلقه‌ها به‌عنوان واسطه‌هایی عمل می‌کنند که ارتباطات فکری و عملی بین ولی جامعه و آحاد مردم را تسهیل می‌کنند. با وجود چالش‌های متعددی که در مسیر ایجاد و تقویت این حلقه‌ها وجود دارد، توجه به این چالش‌ها و ارائه راهکارهای مؤثر می‌تواند به بهبود عملکرد این حلقه‌ها و افزایش مشارکت اجتماعی کمک کند.

درنهایت، تقویت حلقه‌های میانی نه‌تنها به تحقق اهداف اجتماعی و سیاسی کمک می‌کند، بلکه به شکل‌گیری یک جامعه پویا و مشارکت محور که آمادگی ظهور منجی را دارد نیز منجر می‌شود. در این راستا، توجه به گفتمان‌سازی و آموزش، شناخت نخبگان جامعه از اصول کار تشکیلات اسلامی و کار جهادی، ترویج فرهنگ مشارکت و همکاری و ایجاد هماهنگی بین نهادها از اهمیت بالایی برخوردار است.

پیشنهادات:

۱. گفتمان‌سازی مفاهیم سه گانه ولایت و جامعه توحیدی و حلقه‌های میانی از طریق برگزاری دوره‌های آموزشی و کارگاه‌های آگاهی‌بخشی:

برگزاری دوره‌های آموزشی برای نخبگان و عموم مردم به‌منظور افزایش آگاهی از مفهوم ولایت و اهمیت حلقه‌های میانی. این دوره‌ها باید شامل مباحثی چون تاریخچه ولایت، نقش ولی‌فقیه و شیوه‌های مشارکت باشد.

۲. آموزش کار تشکیلاتی اسلامی به عموم نخبگان جامعه

۳. ایجاد نهادهای مدنی و اجتماعی:

تأسیس نهادهایی که به‌طور خاص به مدیریت و تقویت حلقه‌های میانی بپردازند. این نهادها باید از حمایت‌های دولتی و غیردولتی برخوردار شوند و شامل افرادی با تجربه و تخصص در حوزه‌های مرتبط باشند.

٤. ترویج فرهنگ مشارکت و کار جهادی:

استفاده از رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی برای ترویج فرهنگ مشارکت و همکاری. برگزاری جشنواره‌ها و رویدادهای اجتماعی که در آن‌ها مشارکت مردم در حلقه‌های میانی ترویج شود.

۵. ایجاد شبکه‌های همکاری بین مؤمنین:

برگزاری جلسات مشترک و کارگروه‌های تخصصی برای شناسایی و حل مشکلات مشترک بین نهادهای مختلف. این اقدام می‌تواند به افزایش تعامل و هم‌افزایی بین نهادها منجر شود.

٦. تدوین برنامه‌های عملیاتی:

طراحی و تدوین برنامه‌های عملیاتی مشخص برای فعالیت‌های حلقه‌های میانی. این برنامه‌ها باید شامل اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت، روش‌های ارزیابی و نظارت بر عملکرد حلقه‌ها باشد.

۷. ایجاد ارتباط مؤثر با ولی جامعه:

برقراری ارتباط مستمر و مؤثر بین حلقه‌های میانی و ولی جامعه به‌منظور انتقال نیازها و چالش‌های موجود و دریافت اوامر ولی. این ارتباط می‌تواند به افزایش اعتماد و همکاری بین مردم و ولی کمک کند.

با اجرای این پیشنهادات، می‌توان به تقویت حلقه‌های میانی در جامعه توحیدی کمک کرده و زمینه‌های لازم برای تحقق اهداف اجتماعی و سیاسی را فراهم نمود.

فهرست منابع

-قرآن کریم
-اخوان نیلچی، نفیسه، (۱٤۰۳). «طراحی چهارچوب مفهومی حلقه‌های میانی مردم پایه بر مبنای دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای»، دو فصلنامه علمی دانش سیاسی، سال بیستم، ۳۹
-پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله سید علی خامنه‌ای. Khamenei.ir
-خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۳ ش). طرح کلی اندیشه اسلامی، چاپ ٤، تهران، موسسه فرهنگی ایمان جهادی.
-کلینی، محمد بن یعقوب، (۱٤۰۷ ق). اصول کافی، غفاری، علی‌اکبر، چاپ ٤، تهران، دارالکتب اسلامی.

نقش و کارکرد حلقه‌های میانی در گفتمان‌سازی بر اساس الگوی گفتمان‌سازی آیت‌الله خامنه‌ای

رضا کفیلی[1] منیره رسول کفیلی[2] امیررضا کفیلی[3]

چکیده

گفتمان سازی به معنای جهت دادن افکار عمومی جامعه به سمت مفهوم خاصی است که یکی از لازمه‌های اجرایی شدن مفاهیم و ایده‌ها محسوب می‌شود. علی‌رغم تلاش‌های مجامع علمی و فرهنگی، هنوز در خصوص نقش حلقه‌های میانی در گفتمان سازی مفاهیم و ایده‌های ارز شمند، و ضعیت مطلوبی مشاهده نمی شود که یکی از علل آن، عدم شناخت کافی از نقش این حلقه‌ها است؛ بنابراین بررسی جایگاه حلقه‌های میانی در اندیشه رهبران اصیل اسلامی، بسیار با اهمیت است. پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی -تحلیلی و روش تحلیل مضمون استرلینگ، با بررسی بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در خصوص نقش حلقه‌های میانی در گفتمان‌سازی، درصدد تبیین جایگاه این حلقه‌ها در الگوی گفتمان‌سازی ایشان است. نتایج نشان داد که، حلقه‌های میانی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای شامل: نخبگان، علما، شعرا، ادبا، مسئولین، هنرمندان، دانشجویان، طلاب و صداوسیما هستند که وظیفه دارند مفاهیمی مثل مسائل روز جامعه و مفاهیم دارای قابلیت گفتمان‌سازی را با رعایت شرایط آن (تفکر، تکرار، تبیین و ارائه الگو) توسط برنامه‌های صداو سیما، نگارش، کرسی‌های آزاداندیشی، تبلیغ، شعر، کارهای هنری و امکانات دستگاه‌های مختلف کشور به گفتمان عمومی تبدیل کنند. فعال‌سازی مؤثر این حلقه‌های میانی نتایجی مانند پیشرفت و حل مشکلات کشور، تسهیل‌گری در امور کشور، افزایش انگیزه خدمت، فعال شدن مجریان، تبدیل فکر به عمل، ایجاد اقبال عمومی، رشد مردم و احساس مسئولیت را در پی خواهد داشت.

واژگان کلیدی: حلقه‌های میانی، گفتمان‌سازی، آیت‌الله خامنه‌ای، افکار عمومی، صداوسیما، تبلیغ، نخبگان.

---

[1] دکتری علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران (نویسنده مسئول). kafili.ir@yahoo.com

[2] کارشناس ارشد علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران. Rasoul_k7070@yahoo.com

[3] کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران Amirreza9766@gmail.com

مقدمه

آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان یکی از اندیشمندان سرآمد دینی در عصر معاصر، همواره به گفتمان‌سازی و نقش حلقه‌های میانی در آن تأکید می‌کنند. از منظر ایشان، گفتمان‌سازی به معنای عمومی‌شدن یک مفهوم و جهت دادن افکار عمومی جامعه به سمت آن مفهوم است که این مهم از طریق حلقه‌های میانی محقق می‌شود؛ اما تاکنون تبیین جامعی از نقش و کارکرد این حلقه‌ها در فرآیند گفتمان‌سازی ارائه نشده است. این در حالی است که گفتمان‌سازی، یکی از مهم‌ترین راهکارهای پیشرفت و حل مشکلات جامعه محسوب می‌شود و حلقه‌های میانی نقش کلیدی در این فرآیند دارند. برای مثال، اگر نسبت به مؤلفه‌ای مانند عدالت در جامعه توسط این حلقه‌ها گفتمان‌سازی شود، توجه همه افراد به اجرای آن متمرکز می‌شوند و اگر روند عمومی جامعه چنین باشد، انسان‌ها حتی نسبت به بهره‌مندی خودشان از امکانات مختلف جامعه مجبور به مراعات عدالت می‌شوند. دین مبین اسلام با وجود غنای محتوایی متصل به وحی الهی و اندیشمندان اسلامی برای گفتمان‌سازی از طریق حلقه‌های میانی از ظرفیت عظیمی برخوردار است.

با توجه به این‌که آیت‌الله خامنه‌ای در خصوص گفتمان‌سازی و نقش حلقه‌های میانی به‌صورت دقیق ورود کرده و نکات مختلفی را بیان فرموده‌اند، می‌توان جایگاه و کارکرد این حلقه‌ها را در نظریه گفتمان‌سازی ایشان مورد بحث و بررسی قرار داد. گرچه گفتمان از منظر اندیشمندان غربی در مطالعات سیاسی و حتی علوم انسانی گسترش چشم‌گیری داشته است، اما مقصود این پژوهش، بررسی گفتمان مدنظر آنان در اندیشه رهبری نیست و گفتمان در این دو ساحت، صرفاً اشتراک لفظی است. هدف پژوهش آن است که ضمن بررسی جایگاه حلقه‌های میانی در گفتمان‌سازی، نقش و کارکرد این حلقه‌ها را در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای با استفاده از روش تحلیل مضمون استرلینگ در قالب یک چارچوب نظری علمی، تبیین نماید.

در بررسی پیشینه تحقیق به مقاله «الگوی گفتمان‌سازی مقاومت از منظر قرآن» از مجید سلیمانی و جعفر وفا در سال ۱۳۹۸ می‌رسیم که شرایط علی، شرایط زمینه‌ای و شرایط مداخله‌گر را به‌عنوان مهم‌ترین ارکان الگوی گفتمان‌سازی مقاومت در قرآن ذکر می‌کند. همچنین مبارزه، استحکام روحی و تاب‌آوری، نشاط، همبستگی، بهره‌گیری از دانش، تحرک، دوری از صلح ذلت‌بار و عدم پیوند دوستی با دشمن و انتظار شهادت را به‌عنوان راهبردهای گفتمان‌سازی بیان کرده است.

مقاله «ارائه الگوی گفتمان‌سازی اقتصاد مقاومتی از طریق رسانه‌های اجتماعی در عرصه ارتباطات بین‌الملل» از ساناز منظم قلعه‌جوقی و دیگران در سال ۱۴۰۰ به روش پیمایش مقطعی به ارائه الگوی راهبردی گفتمان‌سازی اقتصاد مقاومتی از طریق رسانه‌های اجتماعی در عرصه ارتباطات بین‌الملل پرداخته است. ایشان گفتمان‌سازی را مقید به اقتصاد مقاومتی کرده و سپس نقش رسانه‌های اجتماعی را در گفتمان‌سازی اقتصاد مقاومتی مورد بررسی قرار داده است.

همچنین مقاله «گفتمان‌سازی الگوی اسلامی ایرانی از طریق رسانه‌ها (مطالعه موردی برنامه‌های کودک سیمای جمهوری اسلامی ایران)» از سهیلا بورقانی فراهانی و لیلا درویش روحانی در سال ۱۳۹۵ به روش اسنادی با هدف معرفی شاخص‌های موردنظر در طراحی برنامه‌های کودک از طریق سیمای جمهوری اسلامی ایران برای آماده‌سازی کودکان در جهت اجرای الگوی اسلامی – ایرانی پیشرفت انجام شده است.

در موارد مذکور اولاً گفتمان‌سازی با اوصاف گوناگونی مانند مقاومت، اقتصاد مقاومتی، الگوی اسلامی ایرانی مورد بررسی قرار گرفته‌اند و صرف «گفتمان‌سازی» و نقش‌آفرینی حلقه‌های میانی در آن مورد بحث نبوده است. ثانیاً موارد مذکور از منظر آیت‌الله خامنه‌ای بررسی نشده و آن را به‌صورت پژوهش مستقل انجام داده‌اند؛ بنابراین لازم است پژوهش مستقلی برای استخراج نقش‌آفرینی حلقه‌های میانی در گفتمان‌سازی بر اساس الگوی گفتمان‌سازی آیت‌الله خامنه‌ای انجام شود.

۱. ادبیات نظری پژوهش

مفهوم گفتمان

گفتمان، معانی مختلفی دارد که به‌عنوان اشتراک لفظی میان اندیشمندان غربی و اندیشمندان اسلامی مطرح می‌شود. کاربرد گفتمان در عرصه‌های مختلف ازجمله علوم اجتماعی، علوم انسانی، علوم سیاسی، زبان‌شناسی و انسان‌شناسی نشان از اهمیت این مسئله دارد؛ بنابراین لازم است مفهوم آن در فرهنگ اسلامی مشخص و فرق آن با گفتمان مطرح در اندیشه‌های غربی تمییز شود تا پژوهشگران هنگام استفاده از مفهوم گفتمان، به معنای آن از منظر اندیشمندان اسلامی نیز توجه داشته باشند.

گفتمان در مکاتب مختلف

گفتمان شیوه‌ای خاص برای سخن گفتن درباره جهان و فهم آن یا فهم یکی از وجوه آن است. نظریه گفتمان برای اولین‌بار توسط سوسور (زبان‌شناس سوئیسی) در زبان‌شناسی مطرح شد (حقیقت، ۱۳۸۵، ٤٥٧). «تفاوت اصلی میان شیوه تحلیل در نظریه گفتمان و نظریات زبان‌شناسی آن است که در تحلیل گفتمان برخلاف تحلیل‌های سنتی زبان‌شناسانه، صرفاً به عناصر نحوی و لغوی تشکیل‌دهنده جمله به‌عنوان عمده‌ترین مبنای تشریح معنا توجه نمی‌شود، بلکه فراتر از آن، عوامل بیرون از متن یعنی بافت موقعیتی فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... مورد توجه و عنایت قرار می‌گیرد» (فرکلاف، ۱۳۷۹، ۸).

این مفهوم در ادبیات فلسفی ـ اجتماعی (به‌ویژه دوران مدرن) کاربرد فراوانی داشته و آن را در نوشته‌های اندیشمندان مختلف با معانی متفاوت می‌توان یافت که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: کلود لوی استراوس از انسان شناسان قرن بیستم، با استناد به نظریه‌های سوسور، تحلیل ساختاری وی را به حوزه علوم اجتماعی وارد کرد (ضیمران، ۱۳۷۸، ۱۳٤). فراساختارگرایان و فرامدرنیست‌ها نظریه سوسور و

ساختارگرایی را تضعیف و بازنگری‌هایی در این نظریه انجام دادند که شاخص مشترک این بازنگری‌ها، زیر سؤال بردن مفهوم «کلیت بسته» بود که سنگ زیربنای ساختارگرایی کلاسیک به شمار می‌رفت. بر این اساس، اگر هویت‌ها تنها تفاوت‌های موجود در نظام گفتمانی باشند، در آن صورت هیچ هویتی به‌طور کامل شکل نمی‌گیرد مگر آن‌که نظام بسته‌ای باشد (صدرا، ۱۳۸٦، ۱۷۷).

لاکلا و موفه، دو اندیشمند پسامدرن، توانستند نظریه‌ی گفتمان را از زبان‌شناسی به فرهنگ، اجتماع و سیاست تسری بدهند. آن‌ها برای تبیین نظریه گفتمان و سایر پدیده‌های سیاسی ـ اجتماعی از مفهوم «مفصل‌بندی» استفاده می‌کنند. «مفصل‌بندی کنشی است که میان عناصر مختلف مانند مفاهیم، نمادها، رفتارها و...، چنان رابطه‌ای ایجاد می‌کند که هویت اولیه آن‌ها دگرگون شده و هویتی جدید بیابند. ازاین‌رو هویت یک گفتمان، در اثر رابطه‌ای که از طریق عمل مفصل‌بندی میان عناصر گوناگون به وجود می‌آید، شکل می‌گیرد» (تاجیک، ۱۳۷۹، ٤٦). مفاهیم و مؤلفه‌های نظریه گفتمان لاکلا و موفه که با یکدیگر مرتبط‌اند، عبارت است از: ۱ ـ دال و مدلول، ۲ ـ بی‌قراری، ۳ ـ ضدیت ـ غیریت، ٤ ـ هژمونی و تثبیت معنا، ۵ ـ قدرت، ٦ ـ اسطوره ـ تصور اجتماعی ـ وجه استعاری ۷ ـ موقعیت سوژه‌ای و سوژگی سیاسی (کسرایی و پوزش شیرازی، ۱۳۸۸، ۳٤۳ ـ ۳۵۸).

میشل فوکو که تحلیل گفتمان از اولین و محوری‌ترین مفاهیم اندیشه اوست، در ضمن طرح دو برداشت دیرینه‌شناسی و تبارشناسی، نظریه گفتمان را از دیرینه‌شناسی استخراج کرد و «گفتمان را ترکیبی از گفتار و نوشتار می‌داند و تلاش می‌کند آن را جایگزین ایدئولوژی کند تا دیگر به ایدئولوژی نیازی نداشته باشد» (تاجیک، ۱۳۸۵، ۲٦۲). از منظر فوکو، گفتمان‌ها «اعمالی هستند که به‌طور سیستماتیک، شکل‌دهنده موضوعاتی هستند که خود سخن می‌گویند» (بهرام‌پور، ۱۳۷۹، ۱۱) و آن‌ها زمانی شکل می‌گیرند که چهار عنصر: ابژه، موقعیت‌های سوژه، مفاهیم و استراتژی‌ها را

خلق کرده باشد. هر کدام از این‌ها صورتبندی‌های مختلفی هستند که به‌واسطه کارکردهای گزاره‌ها شکل می‌گیرد (میلز، ۱٤۰۰، ۹۱).

گفتمان در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای

اولین کد از «گفتمان غالب» در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای به سال ۱۳۷۹ برمی‌گردد که ایشان پیدا کردن راه‌هایی برای تقویت نظام، اصلاح کارها و روش‌ها، گشودن گره‌ها، تبیین آرمان‌ها و هدف‌ها برای آحاد مردم را گفتمان اصلی ملت معرفی می‌کنند. همچنین در سال ۱۳۸۸ اولین کد از «گفتمان‌سازی» را در دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون در خصوص رشد اندیشه دینی در میان آحاد مردم مطرح نمودند.

مقصود آیت‌الله خامنه‌ای از گفتمان این است که یک معرفت، موضوع یا مؤلفه‌ای به‌اندازه‌ای در جامعه گسترش پیدا کند که اذهان عمومی و افکار مردم به آن سمت هدایت شوند. اگر آن معرفت یا موضوع مبتنی بر فرهنگ و اعتقادات عموم جامعه باشد، گفتمان مثبت ایجاد می‌شود و اگر مبتنی بر فرهنگ و اعتقادات وارداتی باشد، گفتمان منفی ایجاد می‌کند. ایشان در تعریف گفتمان می‌فرمایند: «گفتمان یعنی باور عمومی؛ یعنی آن چیزی که به‌صورت یک سخنِ مورد قبول عموم تلقی بشود، مردم به آن توجه داشته باشند» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۲/۱۲/۱۵).

حلقه‌های میانی

حلقه‌های میانی مفهومی نوین در عرصه حکمرانی اسلامی است که به‌عنوان پل ارتباطی میان حاکمیت و مردم عمل می‌کند. این مفهوم که در سال ۱۳۹۸ توسط آیت‌الله خامنه‌ای مطرح شد، به گروه‌ها و افرادی اشاره دارد که با درک صحیح از مسائل جامعه و حاکمیت، نقش واسط و تسهیل‌گر را در پیشبرد اهداف نظام اسلامی ایفا می‌کنند.

این حلقه‌ها که محدود به قشر یا گروه خاصی نیستند، شامل تمام افراد مؤمن و متعهدی می‌شوند که توانایی و انگیزه لازم برای ایفای نقش واسط را دارند. آن‌ها

فراتر از فعالیت‌های صرفاً خیریه و جهادی، با رویکردی مسئله‌محور به شناسایی، تحلیل و حل مشکلات جامعه می‌پردازند. نقش اصلی این حلقه‌ها، تسهیل ارتباط دوسویه میان مردم و حاکمیت، انتقال مطالبات طرفین و کمک به تحقق راه‌حل‌های عملی است.

حلقه‌های میانی با بهره‌گیری از ظرفیت‌های مختلف فکری، فرهنگی و اجتماعی، به‌عنوان شبکه‌ای گسترده عمل می‌کنند که می‌تواند در موضوعات مختلف از مسائل داخلی گرفته تا چالش‌های بین‌المللی نقش‌آفرینی کند. این حلقه‌ها با تکیه بر مبانی معرفتی عمیق و درک صحیح از شرایط، به‌عنوان مشاور امین برای هر دو طرف (مردم و حاکمیت) عمل می‌کنند.

اهمیت حلقه‌های میانی در آن است که می‌توانند ضمن افزایش سرمایه اجتماعی نظام، به تحقق عملی مردم‌سالاری دینی کمک کنند. این حلقه‌ها با ایجاد شبکه‌ای منسجم از نیروهای مؤمن و انقلابی، زمینه را برای تحول در حکمرانی و پیشرفت کشور فراهم می‌آورند. موفقیت این جریان مستلزم توانمندسازی مستمر، تقویت مبانی معرفتی و هماهنگی میان اجزای مختلف آن است.

۲. روش پژوهش

گردآوری داده‌های پژوهش به‌صورت کتابخانه‌ای بوده که اسامی بخشی از کتب و مقالات مرتبط با موضوع پژوهش و مورداستفاده در این تحقیق در انتهای پژوهش ذکرشده است. روش استفاده‌شده در تحقیق، توصیفی ـ تحلیلی است. برای تجزیه‌وتحلیل داده‌ها از تحلیل مضمون شبکه‌ای استرلینگ[۱] استفاده‌شده است. شبکه مضمون‌ها بر اساس یک رویه مشخص، مضمون‌های ذیل را نظام‌مند می‌کند: الف) مضمون‌های اصلی[۲] (کدها و نکات کلیدی موجود در متن)، ب) «مضمون‌های

---

[۱] Attride-Stirling

[۲] Basic themes

سازمان‌دهنده[۱]» (مقولات به دست آمده از ترکیب و تلخیص مضمون‌های اصلی)، ج) «مضمون‌های فراگیر[۲]» (مضمون‌های عالی دربرگیرنده اصول حاکم بر متن به‌عنوان یک کل). سپس این مضمون‌ها به‌صورت نقشه‌های شبکه وب رسم می‌شوند که در آن مضمون‌های برجسته هر یک از این سه سطح همراه با روابط میان آن‌ها نشان داده می‌شود (شیخ‌زاده و بنی‌اسد، ۱۳۹۹).

همه مراحل تجزیه‌وتحلیل، داده‌های حاصل از مطالب آیت‌الله خامنه‌ای در خصوص گفتمان‌سازی است. ابتدا ۹٤ کد مرتبط با سؤال پژوهش، استخراج گردید و در گام بعدی، کدهای مستخرج شده در ۳۳ مقوله فرعی مقوله‌بندی شد و در ادامه، مقولات فرعی در یک دسته‌بندی کلان تحت ٦ مقوله اصلی (مضمون فراگیر) طبقه‌بندی شدند.

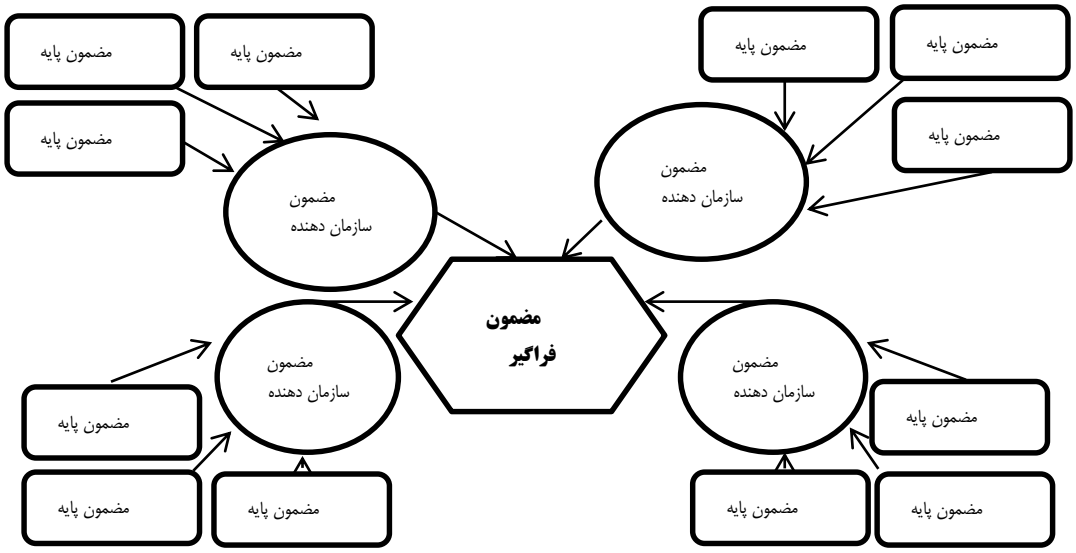

شکل ۱: ساختار شبکه مضمونی

[۱] Organizing themes

[۲] Global themes

۳. یافته‌های پژوهش

آیت‌الله خامنه‌ای ابعاد مختلفی از گفتمان و گفتمان‌سازی در جامعه را مطرح کرده‌اند که با بررسی آن‌ها، تعداد ۹٤ مضمون پایه استخراج شد که منجر به تولید ۳۳ مضمون سازمان‌دهنده و شش مضمون فراگیر از مسائل اساسی گفتنمان در جامعه به شرح ذیل شده است:

جدول ۱: تحلیل مضمون بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در خصوص گفتمان و گفتمان‌سازی

مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
گفتمان یعنی ذهنیت سازی و جهت‌گیری فکری در جامعه (۱۳۹۹/۰۲/۲۸)	ویژگی فکری گفتمان	چیستی گفتمان و گفتمان‌سازی
گفتمان یعنی فراگیر شدن یک مفهوم و معرفت در جامعه (۱۳۸۸/۰۹/۲۲)		
گفتمان یعنی باور عمومی (۱۳۹۲/۱۲/۱۵)		
گفتمان یعنی فکر رایج و مطالبه‌ی عمومی مردم (۱۳۹٦/۰٦/۳۰)		
تشبیه گفتمان‌سازی به بزرگراهی که همه میل حرکت از آن دارند (۱۳۹۵/۰٦/۰۳)	ویژگی حرکت بخش گفتمان	
گفتمان یعنی حرکت، نه توقف (۱۳۹۰/۰۷/۲۸)		
جریان‌سازی گفتمان به سبب افزایش طرفداران گفتمان خاص (۱۳۹۸/۰۵/۱۰)		
گفتمان یعنی فکر رایج و مطالبه‌ی عمومی مردم (۱۳۹٦/۰٦/۳۰)	ویژگی عمومی‌شدن گفتمان	
مردمی‌شدن یک فکر و کار، در اثر تبدیل آن به گفتمان عمومی (۱۳۹۸/۰۵/۱۰)		
گفتمان یعنی جریان یک موضوع متفاهَمِ عرفیِ عمومی (۱٤۰۱/۰۲/۰٦)		
گفتمان به‌مثابه هوای متنفَس همه مردم (۱۳۹۰/۱۰/۱٤)		
لزوم وجود گفتمان در عرصه عدالت (۱۳۹۰/۰۲/۲۷)	لزوم گفتمان‌سازی معارف قرآنی و مسائل روز جامعه	محتوای گفتمان
لزوم گفتمان‌سازی عرصه پیشرفت و عدالت در کشور (۱۳۸۸/۰۲/۲۷)		
لزوم گفتمان‌سازی اقتصاد مقاومتی (۱۳۹۲/۱۱/۲۹)		
لزوم گفتمان‌سازی نخبگان در عرصه اقتصاد مقاومتی (۱۳۹۲/۱۲/۲۰)		
گفتمان‌سازی، مقدمه لازم اجرای الگوی اسلامی–ایرانی پیشرفت (۱۳۹۱/۱۲/۱٤)		
گفتمان‌سازی؛ قدم اول عملیاتی شدن نقشه جامع علمی کشور (۱۳۹٤/۰٤/۱۳)		
لزوم گفتمان‌سازی در عرصه الگوی پیشرفت اسلامی_ایرانی (۱۳۹۵/۰۲/۰٦)		
لزوم ایجاد گفتمان کار و تلاش در عرصه اقتصادی (۱۳۹٤/۰٦/۰٤)		
لزوم تبدیل بحث عدالت به گفتمان نخبگانی (۱۳۹۰/۰۲/۲۷)		
لزوم تبدیل معارف قرآنی به گفتمان عمومی جامعه (۱۳۹٦/۰۲/۰۷)		
لزوم تبدیل عناوین مهم انقلاب اسلامی به گفتمان (۱۳۹٦/۰٦/۳۰)		
ویژگی‌های محتوای گفتمان: شعار خوب، پرمحتوا، پر مضمون، حاکی از یک حقیقت قابل گسترش فکری (۱۳۹٤/۰٤/۲۰)	قابلیت تبدیل به گفتمان	
لزوم تبدیل معارف قرآنی به گفتمان عمومی مردم (۱۳۹٦/۰۲/۰۷)		
نقش اساتید دانشگاه در گفتمان‌سازی (۱۳۹۰/۱۰/۱٤)		

مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
نقش سررشته‌دار نخبگان علمی و اساتید مخلص و شجاع در گفتمان‌سازی و مدیریت افکار جامعه (۱۳۹۱/۰۹/۲۱)	نقش اساتید دانشگاه در گفتمان‌سازی	عوامل گفتمان‌سازی
نقش نخبگان در گفتمان‌سازی (۱۳۹۲/۱۲/۲۰)		
لزوم ورود جریان‌های دانشجویی به گفتمان‌سازی (۱۳۹۹/۰۲/۲۸)	نقش دانشجویان در گفتمان‌سازی	
نقش تبیین‌گر دانشجو در گفتمان‌سازی (۱۳۹۵/۰٤/۱۲)		
نقش دانشجویان در گفتمان‌سازی و ایجاد مطالبه عمومی (۱۳۹۵/۰٤/۱۲)		
نقش مؤثر دانشجویان در گفتمان‌سازی (۱۳۸۷/۹/۲٤)		
تأثیرگذاری افکار دانشجویان در گفتمان‌سازی سپس تصمیم‌سازی (۱۳۹٤/۰٤/۲۰)		
اثرگذاری دانشجو در کشور به‌وسیله ایجاد گفتمان‌سازی (۱۳۹٤/۰٤/۲۰)		
نقش اساتید حوزه علمیه در اثرگذاری روی افکار مردم و ایجاد گفتمان (۱۳۹۵/۰۳/۰٦)	نقش اساتید حوزه علمیه در ایجاد گفتمان	
نقش سررشته‌دار نخبگان علمی و اساتید مخلص و شجاع در گفتمان‌سازی و مدیریت افکار جامعه (۱۳۹۱/۰۹/۲۱)		
نقش نخبگان در گفتمان‌سازی (۱۳۹۲/۱۲/۲۰)		
نقش نماز جمعه در گفتمان‌سازی (۱۳۹۵/۰٤/۱۲)	نقش ائمه جمعه و نمایندگان ولی‌فقیه در ایجاد گفتمان	
نقش ائمه جمعه در اثرگذاری روی افکار مردم و ایجاد گفتمان (۱۳۹۵/۰۳/۰٦)		
نقش ائمه جمعه در تبدیل عناوین مهم انقلاب اسلامی به گفتمان (۱۳۹٦/۰٦/۳۰)		
نقش نمایندگان ولی‌فقیه در اثرگذاری روی افکار مردم و ایجاد گفتمان (۱۳۹۵/۰۳/۰٦)		
نقش روحانیون سرشناس در اثرگذاری روی افکار مردم و ایجاد گفتمان (۱۳۹۵/۰۳/۰٦)	نقش نمایندگان خبرگان رهبری و روحانیون سرشناس در ایجاد گفتمان	
نقش نمایندگان مجلس خبرگان در جهت‌دهی افکار عمومی و ایجاد گفتمان (۱۳۹۵/۰۳/۰٦)		
نقش نمایندگان مجلس خبرگان در تبدیل عناوین مهم انقلاب اسلامی به گفتمان (۱۳۹٦/۰٦/۳۰)		
نقش طلاب و مبلغان در گفتمان‌سازی (۱۳۸۸/۰۹/۲۲)	نقش طلاب، مبلغین و روحانیون در گفتمان‌سازی	
نقش علمای منبری و مبلغان در تبدیل عناوین مهم انقلاب اسلامی به گفتمان (۱۳۹٦/۰٦/۳۰)		
نقش روحانیون در گفتمان‌سازی (۱۳۹۰/۱۰/۱٤)		
نقش مسئولین در گفتمان‌سازی (۱۳۹۲/۱۲/۲۰)	نقش مسئولین و خواص در گفتمان‌سازی	
نقش خواص در گفتمان‌سازی (۱۳۹۰/۱۰/۱٤)		
نقش سررشته‌دار خواص مخلص و شجاع در گفتمان‌سازی و مدیریت افکار جامعه (۱۳۹۱/۰۹/۲۱)		
نقش شعرا، ادبا و هنرمندان در گفتمان‌سازی معارف قرآنی (۱۳۹٦/۰۲/۰۷)		

مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
نقش شعرا در گفتمان‌سازی مسائل مهم و مورد ابتلاء کشور (۱۳۹۷/۰۳/۰۹)	نقش شعرا، ادبا و هنرمندان در گفتمان‌سازی	
نقش صداوسیما و رسانه‌ها در گفتمان‌سازی آداب‌ورسوم صحیح (۱۳۹۰/۱۰/۱٤)	نقش صداوسیما در گفتمان‌سازی	
لزوم تفکر در ایجاد گفتمان (۱۳۹۰/۰۷/۱۳)	لزوم تفکر در گفتمان‌سازی	شرایط و بایسته‌ها
گفتمان‌سازی توسط تفکر (۱۳۹۰/۰۷/۱۳)		
لزوم گفتن و تکرار کردن آرمان‌ها و استقامت به پای آن در گفتمان‌سازی (۱۳۹٤/۰٤/۲۰)	لزوم سخن گفتن و تکرار کردن آن همراه با استقامت در گفتمان‌سازی	
لزوم تداوم کاری، استقامت، تکرار و صداقت در گفتمان‌سازی (۱۳۹۵/۰٤/۱۲)		
لزوم تکرار در گفتمان‌سازی معارف قرآنی (۱۳۹٦/۰۲/۰۷)		
لزوم نقل مکرر یک موضوع در ایجاد گفتمان (۱۳۹۰/۰۷/۱۳)		
نقش تبیین در گفتمان‌سازی (۱۳۹۵/۰٤/۱۲)	لزوم تبیین در گفتمان‌سازی	
نقش سخن گفتن و تبیین در گفتمان‌سازی (۱۳۹۲/۱۲/۱۵)		
لزوم تبیین منطقی، عالمانه و دور از زیاده‌روی در گفتمان‌سازی (۱۳۹۲/۱۲/۱۵)		
لزوم بهره‌مندی از زبان صحیح، علمی و منطقی و خوش در گفتمان‌سازی (۱۳۹۲/۱۲/۱۵)		
نقش الگویی انقلاب اسلامی در ایجاد گفتمان هویت و عزت اسلامی (۱۳۸۹/۱۲/۱۹)	لزوم ارائه الگو در گفتمان‌سازی	
نقش الگویی انقلاب اسلامی در ایجاد گفتمان اسلام (۱۳۹۰/۰۷/۲۸)		
نقش انقلاب اسلامی در ایجاد گفتمان هویت اسلامی و سلطه‌ناپذیری و استقلال (۱۳۸٦/۰٦/۳۱)		
نقش فیلم، سریال، میزگرد و مسابقات صداوسیما در گفتمان‌سازی موضوعات مورد نیاز جامعه (۱۳۸۳/۰۹/۱۱)	نقش برنامه‌های صداوسیما در گفتمان‌سازی	ابزارها و شیوه‌ها
نقش برنامه‌های صداوسیما در گفتمان‌سازی موضوعات مورد نیاز جامعه (۱۳۸۳/۰۹/۱۱)		
نقش نشریات در گفتمان‌سازی (۱۳۹٦/۰٦/۳۰)	نقش نوشتن و تحقیق کردن و انتشار در نشریات در گفتمان‌سازی	
لزوم تحقیق و نوشتن در گفتمان‌سازی معارف قرآنی (۱۳۹٦/۰۲/۰۷)		
لزوم نگارش در ایجاد گفتمان (۱۳۹۰/۰۷/۱۳)		
نقش کرسی‌های آزاداندیشی و نقل مکرر یک موضوع در ایجاد گفتمان (۱۳۹۰/۰۷/۱۳)	نقش کرسی‌های آزاداندیشی در گفتمان‌سازی	

مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
نقش تبلیغ مؤثر در گفتمان‌سازی (۱۳۸۸/۰۹/۲۲)	نقش تبلیغ در گفتمان‌سازی	
نقش کار تبلیغاتی در ایجاد گفتمان (۱۳۹۸/۰۵/۱۰)		
نقش نماز جمعه در گفتمان‌سازی (۱۳۹۵/۰٤/۱۲)		
نقش شعر در گفتمان‌سازی مسائل مهم و مورد ابتلاء کشور (۱۳۹۷/۰۳/۰۹)	نقش شعر در گفتمان‌سازی	
انجام کارهای هنری در گفتمان‌سازی معارف قرآنی (۱۳۹٦/۰۲/۰۷)	نقش کارهای هنری در گفتمان‌سازی	
نقش تبلیغات هنری در ایجاد گفتمان (۱۳۹۸/۰۵/۱۰)		
بهره‌گیری از دستگاه‌ها و امکانات مختلف برای گفتمان‌سازی (۱۳۹۵/۰۲/۰٦)	نقش دستگاه‌های مختلف کشور در گفتمان‌سازی	
نقش گفتمان‌سازی در حل مشکلات (۱۳۹۵/۰٤/۱۲)	نقش گفتمان‌سازی در پیشرفت و حل مشکلات کشور	آثار و کارکرد
نقش گفتمان‌سازی در طراحی، برنامه‌ریزی و تحقق پیشرفت و عدالت (۱۳۸۸/۰۲/۲۷)		
اهتمام به فرهنگ‌سازی و گفتمان‌سازی؛ عامل پیشرفت جهشی در کشور (۱۳۹۳/۱۱/۱۱)		
گفتمان‌سازی؛ عامل پیشرفت مسائل مختلف کشور (۱۳۹۵/۰٦/۰۳)		
نقش تسهیل گرِ گفتمان‌سازی در اجرای اقتصاد مقاومتی (۱۳۹۲/۱۲/۰٦)	نقش تسهیل گر گفتمان‌سازی در امور کشور	
نقش تسهیل گرِ گفتمان‌سازی در اجرای برنامه‌های کشور (۱۳۹۰/۱۰/۱٤)		
گفتمان‌سازی، عامل انگیزشیِ نوآوری‌های تصمیم‌گیری مسئولین (۱۳۸۷/۰۲/۱٤)	گفتمان‌سازی، عامل انگیزشی برای نوآوری‌ها و تصمیم‌گیری مسئولین	
نقش ایجاد گفتمان در فعال شدن مجریان و قانون‌گذاران و دست‌اندرکاران جامعه(۱۳۹۵/۰۳/۰٦)	فعال شدن مجریان و مسئولان	
تأثیر گفتمان‌سازی در اجرای موضوع گفتمان (۱۳۹۵/۰٤/۱۲)		
نقش گفتمان عدالت در مطالبه و اجرای آن (۱۳۸۲/۰۲/۲۲)	گفتمان‌سازی قدم اول اجرایی شدن برنامه‌های کشور	
گفتمان‌سازی، قدم اول اجرای برنامه‌های کشور (۱۳۹٤/۰٤/۱۳)		
گفتمان‌سازی عامل تحقق موضوعات مختلف در جامعه (۱۳۹٦/۰۲/۰۷)		
گفتمان‌سازی، عامل تبدیل یک فکر به عمل در جامعه (۱۳۹٦/۰٦/۳۰)	نقش گفتمان‌سازی در تبدیل یک فکر	
رسیدن تفکر به مقام عمل با ایجاد گفتمان (۱۳۹۰/۰۷/۱۳)		

مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
	به عمل در جامعه	
گفتمان‌سازی، عامل اقبال عموم مردم به موضوع خاص (۱۳۹۹/۰۲/۲۸)	تأثیر گفتمان‌سازی بر ایجاد اقبال عمومی نسبت به موضوع خاص	
هدف گفتمان‌سازی؛ رشد مردم، ایجاد مسئولیت، تعهد و عمل در جامعه (۱۳۸۸/۰۹/۲۲)	نقش گفتمان‌سازی در رشد مردم، احساس مسئولیت و عمل در جامعه	

۳,۱. تحلیل شبکه مضامین

پس از بررسی فرمایشات آیت‌الله خامنه‌ای در خصوص گفتمان و گفتمان‌سازی در جامعه، تعداد کثیری مضمون پایه استخراج شد که تحلیل همه آن‌ها خارج از اقتضای استاندارد محتوایی مقاله است. با بررسی محتوای مضامین پایه و دسته‌بندی موضوعی آن‌ها، تعدادی مضمون سازمان‌دهنده استخراج شد که منجر به تولید شش مضمون فراگیر به شرح ذیل شد:



۳,۲. چیستی گفتمان و گفتمان‌سازی

مضمون معنایی که آیت‌الله خامنه‌ای برای گفتمان بیان کرده‌اند عبارت است از اینکه: یک فکر، مفهوم و ذهنیت در بین عموم مردم جامعه به‌گونه‌ای شایع شود که همه را به سمت آن فکر و مفهوم و ذهنیت حرکت دهد و آن فکر را به یک جریان و مطالبه‌ی عمومی جامعه تبدیل کند. قرآن کریم و سیره اهل‌بیت (علیهم‌السلام) نیز از این راهبرد برای ایجاد یک رفتار جدید و شایسته اسلامی و یا جهت نهی جامعه از برخی کارهای ناشایست استفاده کرده و در مرحله اول، مسئله را مطرح می‌کردند تا اذهان و افکار عمومی به آن سمت توجه و حرکت کنند تا آن مسئله به گفتمان جامعه تبدیل شده و منجر به رفتار انسان‌ها شود.

توجه این دو منبع پرفیض الهی به گفتمان‌سازی در موضوعاتی مانند حفظ حرمت زنان در مقابل هتک حرمت آنان در جامعه (صادقی‌نیری و میری‌اقدم، ۱۳۹۸)، مبارزه با نفاق (رجبی، ۱۳۹۸)، فرهنگ مقاومت (سلیمانی و وفا، ۱۳۹۹)، مبارزه با رشوه و آسیب‌های اجتماعی ناشی از آن (میرزاجانی و همکاران، ۱۳۹۸)، مبارزه با کم‌فروشی (میرزاجانی، صادقی نیری، ۱۳۹۹)، مبارزه با رانت (میرزاجانی، ۱٤۰۰) و سایر موضوعات، مؤید فرمایش آیت‌الله خامنه‌ای است.

۳,۳. محتوای گفتمان‌سازی

توجه به محتوای گفتمان، در تسریع شکل‌گیری آن در جامعه بسیار کمک می‌کند. داشتن قابلیت تبدیل شدن به گفتمان‌سازی و حرکت دادن به نگرش عموم جامعه یکی از شروط مفاهیم، ایده‌ها و مؤلفه‌ها است. مفاهیمی قابلیت تبدیل شدن به گفتمان جامعه را دارند که دارای دو ویژگی مهم و کلی باشند:

الف: محتوای سالم و پرمضمون: سالم‌ترین و پرمضمون‌ترین محتوا، معارف ناب اسلامی برگرفته از قرآن و اهل‌بیت (علیهم‌السلام) است که عواملی مانند اصالت، سازگاری با فطرت انسان، جامعیت در هدایت انسان باعث تأثیر شگرف در خوانندگان آن می‌شود.

ب: مسائل روز جامعه: عموم مردم نسبت به مسائل روز جامعه علاقه بیشتری دارند و لذا اگر محتوای گفتمان مرتبط با مسائل روز جامعه بوده و عوامل مؤمن و متعهد برای ایجاد گفتمان درست تلاش کنند، شکل‌گیری آن بسیار سریع خواهد بود.

۳,٤. عوامل گفتمان‌سازی

حلقه‌های میانی در فرآیند گفتمان‌سازی، نقش عوامل اجرایی و تسهیل‌گر را ایفا می‌کنند. این نقش‌آفرینی به دلیل موقعیت خاص آن‌ها در ساختار اجتماعی و توانایی‌های ویژه‌شان در تأثیرگذاری بر افکار عمومی است. این حلقه‌ها با برخورداری از اعتبار و مقبولیت عمومی، در جایگاه واسط بین سطوح بالای فکری و توده مردم قرار می‌گیرند و با دسترسی به شبکه‌های ارتباطی مؤثر، امکان گسترش مفاهیم را در سطح جامعه فراهم می‌آورند.

توانمندی‌های تخصصی حلقه‌های میانی شامل قدرت تحلیل و تبیین مفاهیم پیچیده، توانایی ترجمه ایده‌ها به زبان عامه‌فهم و ظرفیت تولید محتوای مؤثر است. این توانمندی‌ها به آن‌ها امکان می‌دهد تا مفاهیم نظری را به گفتمان‌های عمومی تبدیل کنند، جریان‌های فکری و اجتماعی ایجاد نمایند و افکار عمومی را به سمت مفاهیم موردنظر هدایت کنند.

نخبگان فکری و دانشگاهی، روحانیون و مبلغان دینی، هنرمندان و اهالی فرهنگ، رسانه‌ها و فعالان رسانه‌ای و مدیران و کارگزاران میانی از مهم‌ترین مصادیق حلقه‌های میانی در نقش عوامل گفتمان‌سازی هستند. هر یک از این گروه‌ها با تکیه بر ظرفیت‌های تخصصی خود، بخشی از فرآیند گفتمان‌سازی را پیش می‌برند. نخبگان با تولید محتوای علمی و تخصصی، روحانیون با تبیین مفاهیم دینی و ارزشی، هنرمندان با تولید آثار فرهنگی و هنری، رسانه‌ها با پوشش خبری و تحلیلی مسائل و مدیران میانی با اجرای سیاست‌های کلان، همگی در مسیر تحقق اهداف گفتمانی گام برمی‌دارند.

موفقیت در گفتمان‌سازی مستلزم شناخت دقیق ظرفیت‌های این حلقه‌ها، توانمندسازی آن‌ها و ایجاد هماهنگی میان فعالیت‌هایشان است. حلقه‌های میانی با شناسایی نیازها و اولویت‌های جامعه، طراحی و اجرای برنامه‌های گفتمان‌سازی و ارزیابی و بازخوردگیری از نتایج، نقش موتور محرک تبدیل ایده‌ها به جریان‌های اجتماعی را ایفا می‌کنند. این حلقه‌ها با تکیه بر جایگاه اجتماعی و توانمندی‌های تخصصی خود، نقشی کلیدی در تحقق اهداف گفتمانی و هدایت افکار عمومی به سمت مفاهیم موردنظر دارند.

یکی از مضامین فراگیر از کدگذاری فرمایشات آیت‌الله خامنه‌ای مربوط به عوامل آن است که افراد و نهادهای ذیل را دربرمی‌گیرد:

نمایندگان خبرگان رهبری و روحانیون سرشناس

نمایندگان مجلس خبرگان رهبری طبق قانون اساسی دارای وظیفه خاصی بوده و متولی امور اجرایی کشور نیست، اما چون «با مردم مرتبط‌اند، مردم به این‌ها اعتماد دارند، خودشان اهل خبره‌اند، اهل نظرند، اهل تشخیص‌اند؛ در مسئله‌ای که تشخیص می‌دهند، می‌توانند یک درخواستی داشته باشند؛ یا از رهبری یا از دولت یا از قوه‌ی قضائیه یا از مجلس یا از دستگاه‌های مختلف» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۵/۰۳/۰٦) می‌توانند یک فکر، ارزش یا فرهنگی را به گفتمان عمومی جامعه تبدیل کنند.

ائمه جمعه و نمایندگان ولی‌فقیه

نماز جمعه یکی از مهم‌ترین جلوه‌های عبادی_سیاسی_اجتماعی دین مبین اسلام بوده و از فرایضی است که خدای متعال در قرآن کریم خطاب به مؤمنین چنین دستور می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هرگاه (شما را) برای نماز روز جمعه بخوانند فی الحال به ذکر خدا بشتابید و کسب و تجارت رها کنید...» (جمعه، ۹) و اهمیت آن به‌اندازه‌ای است که «اولین اقدام پیامبر اکرم (ص) پس از هجرت به مدینه، اقامه نماز جمعه بود.» (قرائتی، ۱۳۸۳: ج. ۱۰، ص. ٤۲)

نماز جمعه در ایران با روی کار آمدن صفویه برپا شد، (آصفی، ۱۳۸۳، ص. ۱۵) اما برگزاری سازمان‌یافته و منظم آن بعد از پیروزی انقلاب اسلامی آغاز شد. ازآنجایی‌که نماز جمعه پایگاه تجمع هفتگی مسلمین هست، گفتمان‌سازی ارزش‌ها توسط ائمه محترم جمعه و نمایندگان ولی‌فقیه در استان‌ها، اهمیت بالایی دارد؛ چرا که امامت جمعه «صِرف پیش‌نمازی نیست بلکه این‌جا محور است. این، مثل رشته‌ی تسبیح است؛ مثل کانونی است که به سطح جامعه، نور و گرما می‌بخشد» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۷۲/۰٦/۲۸). امام خمینی (ره) نیز ائمه جمعه را به استفاده حداکثری از اجتماعات نماز جمعه برای تذکر مسائل شرعی و سیاسی توصیه فرموده‌اند (امام خمینی، ۱۳۸۵: ج. ۱۷، ٤٥۲).

مسئولین و متولیان امور

مسئولین و متولیان امور جامعه اسلامی با در اختیار داشتن ابزار، قدرت و جایگاه اجتماعی نقش مؤثری در هدایت افکار عمومی جامعه دارند. آن‌ها امین مردم و نظام اسلامی هستند که می‌توانند با سلامت نفس و مجاهدت در امور امت اسلامی عاقبت‌به‌خیر شده و بسیاری از مفاهیم ارزشی مانند حفاظت از بیت‌المال، خدمت صادقانه به مردم، مقاومت و شجاعت در مقابل زیاده‌خواهان، اجرای عدالت و... را در جامعه گفتمان‌سازی نمایند که نمونه‌های بسیار زیادی از آنان مانند سردار شهید قاسم سلیمانی، شهید باکری، شهید بهشتی و... در انقلاب اسلامی قابل مشاهده است.

اساتید حوزه علمیه و دانشگاه

دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه دو عرصه‌ی بزرگ تعلیم و تربیت جامعه (بعد از آموزش‌وپرورش) هستند که تعداد بسیار بالایی از جوانان جامعه با تحصیل رشته‌های مختلف علمی در این نهادها آموزش دیده و پس از سپری نمودن یک یا چند دوره تحصیلی، وارد عرصه جامعه می‌شوند. اساتید این مراکز در تربیت و هدایت افکار متعلمین نقش محوری دارند و به خاطر همین مسئله، نبی مکرم اسلام (ص) در

خصوص اجر استادِ خوب می‌فرمایند: «جنبندگان زمین و ماهیان دریا و هر جانداری در هوا و همه اهل آسمان و زمین برای آموزگار خوبی‌ها آمرزش می‌طلبند» (صفار، ۱۳۹۱: ج. ۱، ۳). با توجه به موقعیت و منزلت اساتید حوزه و دانشگاه، آنان می‌توانند مفاهیم ارزشمندی را در جامعه گفتمان‌سازی نمایند.

شعرا و هنرمندان

استفاده از مؤلفه عاطفه، احساس و خیال در بیان واقعیات توسط شعر، آن را به یکی از مؤثرترین روش‌های تأثیر در افکار عمومی تبدیل کرده است. همچنین با توجه به تأثیر فراوان تصویرسازی بر افکار عمومی، انجام کارهای هنری برای انتقال مفاهیم یکی از اولویت‌های هنرمندان محسوب می‌شود؛ بنابراین شعرا و هنرمندان می‌توانند با استفاده از شعر و انجام کارهای هنری، مفاهیم و ایده‌های مختلفی را در جامعه گفتمان‌سازی نموده و افکار عمومی جامعه را به آن سمت سوق دهند. تصویرسازی یکی از راهکارهای قرآن کریم برای بیان امور معنوی و انتزاعی است که با تشبیه آنان به اجسام، درصدد تأثیر در ذهنیت مخاطب است (عرفت‌پور، ۱۳۹۵، ۹-۱۰). این مسئله جزء مطالبات آیت‌الله خامنه‌ای از مجموعه شعرا و هنرمندان است که مسائل مهم و مورد ابتلاء کشور را گفتمان‌سازی و جریان‌سازی کنند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۷/۰۳/۰۹).

دانشجویان

پیشرفت علمی و معنوی کشور که یکی از مؤلفه‌های مهم استقرار کامل حکومت اسلامی است توسط حضور جوانان در دانشگاه‌ها و تحصیل رشته‌های مختلف انجام می‌پذیرد. دانشگاه یکی از مهم‌ترین نهادهای علمی کشور محسوب می‌شود که علاوه از فعالیت علمی، فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی نیز انجام می‌گیرد. با توجه به موقعیت سنی و علمی دانشجویان، آنان جزء فعال‌ترین افراد جامعه هستند که می‌توانند به‌وسیله‌ی حضور و فعالیت در کرسی‌های آزاداندیشی، همایش‌ها و

نشست‌های علمی_سیاسی_فرهنگی ضمن بهره‌مندی از نکات مفید، به بیان نکته نظرات خود پرداخته و در فضای دانشگاه و حتی خارج از دانشگاه گفتمان خاصی را ایجاد کرده و مقدمه‌ی مطالبه عمومی یک مسئله‌ی خاص از مسئولین را فراهم می‌نماید.

طلاب، مبلغین و روحانیون

برخی از جوانان مؤمن جامعه برای تحصیل علوم دینی وارد حوزه‌های علمیه می‌شوند که به‌وسیله ورود آنان به عرصه پیشوایان دینی، مسئولیت آن‌ها در تربیت و راهنمایی مردم به سمت اجرای اوامر الهی و مسائل دینی بیشتر می‌شود. همان‌طوری که خدای متعال در خصوص پیشوایان فرموده: «وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ» (سجده، ٢٤) بنابراین با توجه به نقش پیشوای دینی داشتن طلاب و روحانیون در جامعه، مردم به آنان اعتماد داشته و از کلام، رفتار، افعال و کنش‌های آن‌ها اثرپذیری بیشتری دارند. نقش‌آفرینی این قشر در جامعه، آن‌ها را به یکی از عوامل مهم گفتمان‌ساز در جامعه تبدیل کرده است.

صداوسیما

پیشرفت فناوری و گسترش امکانات و ابزارهای ارتباطی الکترونیکی در دنیای امروز، باعث پررنگ شدن نقش رسانه‌ها در زندگی مردم شده است. این امر به جهت‌دهی افکار عمومی و گفتمان‌سازی مسائل خاص توسط رسانه‌ها منجر می‌شود که هر کدام از آن‌ها مطابق با ایدئولوژی‌های خود در این راستا تلاش می‌کنند. به‌طوری‌که برخی از رسانه‌های بزرگ دنیا که توسط دشمنان اسلام مدیریت می‌شوند، به‌وسیله ارائه اطلاعات و روایت‌های دروغ و اشتباه، ضدارزش‌ها را گفتمان‌سازی می‌کنند به همین دلیل می‌توان اذعان کرد «امروز دنیا بر مدارِ جنگ تبلیغاتی و رسانه‌ای و درواقع بر مدارِ جنگ جبهه‌های خبری و دستگاه‌های تولیدکننده‌ی پیام می‌گردد» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۱/۱۱/۱۵).

صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران، متولی اصلی امور رسانه‌ای دیداری و شنیداری این کشور محسوب می‌شود که مسئولیت مهمی در امر گفتمان‌سازی و جهت‌دهی افکار عمومی دارد به‌طوری‌که آیت‌الله خامنه‌ای مسئله مذکور را مأموریت محوری رسانه ملی معرفی کرده و خطاب به مسئولان سازمان صداوسیما می‌فرماید: «به نظر ما مأموریت محوری رسانه ملی عبارت است از مدیریت و هدایت فکر، فرهنگ، روحیه، اخلاقِ رفتاری جامعه، جهت‌دهی به فکر و فرهنگ عمومی، آسیب‌زدایی از فکر و فرهنگ و اخلاق جامعه، تشویق به پیشرفت و زدودن احساس عقب‌ماندگی» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۳/۰۹/۱۱)

۳,۵. شرایط و بایسته‌ها

گفتمان‌سازی توسط حلقه‌های میانی در جامعه، امری مهم و تأثیرگذار است که نیازمند رعایت شرایط و بایسته‌های خاصی است. این حلقه‌ها به‌عنوان واسط بین حاکمیت و مردم، باید نسبت به این شرایط آگاهی کامل داشته و در عمل به آن‌ها پایبند باشند. عدم توجه به این بایسته‌ها می‌تواند موجب ناکارآمدی تلاش‌های گفتمانی و عدم دستیابی به نتایج مطلوب شود. مطابق با کدهای مستخرج از فرمایشات آیت‌الله خامنه‌ای، شرایط و بایسته‌هایی برای این امر بیان می‌شود:

تفکر

قدرت تفکر یکی از ویژگی‌های منحصربه‌فرد انسان بوده و از منظر انسان‌شناسی، ممیز انسان از سایر حیوانات است. اندیشیدن و فکر کردن، باعث ایجاد بینش در انسان می‌شود. اگر انسان تشخیص دهد که بینش به وجود آمده، سودمند و مفید هست، طبیعتاً گرایش ایجاد خواهد شد؛ یعنی حالتی نفسانی در انسان ایجاد می‌شود که به سمت آن بینش حرکت کند. گرایش پیدا کردن به سمت بینش در مقام عمل به کنش و منش انسان تبدیل می‌شود. «فکر، ریشه تصمیمات و گرایش‌هاست برای

اینکه بخواهیم ملتی را اصلاح کنیم باید فکرش را اصلاح کنیم و اگر بخواهیم خراب کنیم باید فکرش را خراب کنیم» (مطهری، ۱۳۹۱: ج.۱، ۱۵۸).

بنابراین افکار معمولاً اعمال انسان را تشکیل می‌دهد و لذا اگر یک فکری به‌صورت جمعی صورت بگیرد و گرایش جمعی به آن ایجاد شود، درواقع گفتمان شکل گرفته و نهایتاً منجر به کنش و منش جمعی می‌شود که آیت‌الله خامنه‌ای در این خصوص می‌فرمایند: «یکی از مهم‌ترین تأثیرات همین فکر کردن‌ها این است که شما فضاسازی می‌کنید، گفتمان‌سازی می‌کنید» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۰/۰۷/۱۳).

سخن گفتن و تکرار کردن آن همراه با استقامت

نقش تکرار در هدایت فکری انسان به‌قدری مؤثر است که خدای متعال در قرآن کریم و سایر مناسک دینی از این امر در راستای تربیت دینی انسان استفاده کرده است. تکرار یک مسئله باعث عمیق شدن آن در وجود انسان خواهد بود به‌طوری‌که امام خمینی (ره) فرزندشان را به تکرار و تلقین کلمه توحید سفارش فرموده و آن را موجب انتقال توحید از عقل به قلب می‌دانند (امام خمینی، ۱۳۸٦، ۲٤). آیت‌الله خامنه‌ای نیز سخن گفتن و تکرار کردن را یکی از شرایط اصلی ایجاد گفتمان معرفی می‌کنند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹٤/۰٤/۲۰).

تبیین

تبیین و روشنگری به‌اندازه‌ای اهمیت دارد که آیت‌الله خامنه‌ای فرمان جهاد در این عرصه را صادر فرموده‌اند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۵/۰٤/۱۲). مفهومی که در مسیر تبدیل شدن به گفتمان قرار می‌گیرد، باید توسط عوامل گفتمان‌ساز به‌صورت دقیق و روشن تبیین شوند تا اولاً بتواند اذهان عمومی را قانع کند و ثانیاً افکار را به سمت آن مفهوم جذب نماید تا گفتمان ایجاد شود.

تبیین مفاهیم عالی دینی ضمن اینکه جامعه را از انحرافات نجات می‌دهد (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۷/۰۳/۰۷) و پشتوانه اجتماعی نظام اسلامی را تقویت می‌کند، (خامنه‌ای،

بیانات: ۱۳۹۲/۰۲/۰۹) منجر به ایجاد گفتمان آن مفاهیم نیز می‌شود (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۶/۰۶/۳۰) که مجموع همه این مراحل باعث از بین بردن مشکلات جامعه می‌شوند.

ارائه الگو

مشاهده نمونه‌ها و الگوهای مختلف در انتخاب مسیر زندگی فردی و اجتماعی انسان بسیار مؤثر است. گفتمان‌سازی نیز از مسائلی محسوب می‌شود که اگر الگو و مانندی از آن را مخاطب مشاهده کند، ذهنش به‌صورت خودآگاه یا ناخودآگاه مجذوب آن خواهد بود و درواقع مهم‌ترین قدم گفتمان‌سازی برداشته می‌شود. برای مثال، احیاء گفتمان اسلام توسط انقلاب اسلامی ایران، نقش بسزایی در پیگیری این گفتمان توسط سایر ملت‌ها داشت که آیت‌الله خامنه‌ای این‌چنین ترسیم نموده‌اند: «این الگوسازی یک گفتمانی را به وجود می‌آورد که آن، گفتمان هویت اسلامی و عزت اسلامی است» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۹/۱۲/۱۹).

۳,٦. ابزارها و شیوه‌ها

حلقه‌های میانی به‌عنوان عوامل گفتمان‌ساز در جامعه، برای تحقق اهداف خود نیازمند شناسایی و به‌کارگیری ابزارها و روش‌های مناسب هستند. این حلقه‌ها پس از درک شرایط و پایبندی به بایسته‌های گفتمان‌سازی، باید ابزارهای لازم را شناسایی کرده و شیوه‌های مؤثر را برای گفتمان‌سازی مفاهیم و ایده‌های موردنظر به کار گیرند.

برای نقش‌آفرینی مؤثر حلقه‌های میانی در فرآیند گفتمان‌سازی، شناخت دقیق ابزارها و روش‌های عملیاتی ضروری است. این امر به آن‌ها کمک می‌کند تا بتوانند متناسب با موقعیت و ظرفیت‌های موجود، مناسب‌ترین ابزارها را انتخاب کرده و به شکلی کارآمد از آن‌ها بهره‌برداری نمایند. کدهای سازمان‌دهنده ابزارها و شیوه‌های گفتمان‌سازی در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای عبارت‌اند از:

برنامه‌های صداوسیما

نهاد صداوسیما با توجه به گستره مخاطبان آن در جامعه، جزء عوامل گفتمان‌ساز محسوب می‌شود و برنامه‌های تولیدی آن به‌عنوان ابزار مهمی در گفتمان‌سازی به‌حساب می‌آید. این نهاد می‌تواند با تولید برنامه‌هایی مانند فیلم، سریال و انیمیشن که مخاطب زیادی دارند، مفاهیم ارزشمندی را در جامعه اسلامی گفتمان‌سازی نماید. همچنین با برگزاری مناظره، میزگرد و گفت‌وگوی علمی با حضور کارشناسان معتبر می‌تواند برخی از مفاهیم و ایده‌ها را در جامعه نخبگانی گفتمان‌سازی نماید که یکی از مطالبات آیت‌الله خامنه‌ای است (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۳/۱۱/۹).

نوشتن، تحقیق کردن و انتشار در نشریات

وقتی در خصوص جنبه‌های مختلف یک مفهوم یا ایده‌ای خاص، تحقیق و بررسی انجام شود و سپس نگارش شده و در نشریات منتشر شود، آن مفهوم در جامعه مطرح شده و افکار عمومی را با خود همراه ساخته و گفتمان را شکل می‌دهد. این مسئله در تاریخ انقلاب اسلامی ایران تجربه‌ی موفقی دارد به‌طوری‌که یکی از راه‌های معمار کبیر انقلاب در گفتمان‌سازی اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی، نگارش اعلامیه و انتشار آن در میان آحاد مردم بود. اکنون با گسترش محیط‌های انتشار در فضای مجازی و فضای حقیقی و وسعت یافتن نشریات و مجلات معتبر در جامعه، گفتمان‌سازی عمیق‌تری می‌تواند شکل بگیرد.

کرسی‌های آزاداندیشی

کرسی آزاداندیشی نشستی است که دانشگاهیان به اظهارنظر، تبادل آراء و گفتگو در موضوعی خاصی می‌پردازند. این کرسی‌ها با اهداف مختلفی مثل حمایت صریح نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران از برخورد افکار به شکل سالم (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۱/۱۱/۰۸)، میدان دادن به دانشجویان (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۸/۰۶/۰۸) و مدیریت آزاداندیشی (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۵/۰۸/۱۸) برگزار می‌شود که اگر

به‌صورت منظم و با اهداف کلان در راستای گفتمان‌سازی مفاهیم ارزشمند در دانشگاه و جامعه انجام شود، در اعتلای جامعه مؤثر خواهند بود.

تبلیغ

تبلیغ دین یکی از سنت‌های دیرینه‌ی انبیاء و اهل‌بیت (علیهم‌السلام) برای گسترش دین در جامعه بود که اکنون این مأموریت مهم برعهده حوزویان است. خداوند در این خصوص به پیامبر (صل‌الله‌علیه‌وآله) می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ وَإِن لَّمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لاَ يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ» (مائده، ٦٧) پیامبر (صل‌الله‌علیه‌وآله) به‌عنوان مبلغ دین اسلام و هدایتگر جامعه، به‌عنوان بزرگ‌ترین گفتمان‌ساز مفاهیم ارزشمند دینی در جهان اسلام تلاش کردند و اکنون نیز به برکت تلاش علمای بزرگ و مبلغین دینی آثار آن در جامعه مشهود است.

امروزه با پیشرفت ابزارهای تبلیغ و گسترش تهدیدات دشمنان اسلام، مسئله تبلیغِ گفتمان‌ساز، بیش‌ازپیش حائز اهمیت شده است. آیت‌الله خامنه‌ای با اشراف بر اهمیت تبلیغ در وضعیت کنونی، آن را جزء برنامه اول حوزه‌های علمیه دانسته (خامنه‌ای، بیانات: ١٤٠٢/٠٤/٢١) و در خصوص کیفیت آن می‌فرمایند: «تبلیغ باید جریان ساز باشد، تبلیغ باید گفتمان ساز باشد، تبلیغ باید فضا ایجاد کند؛ گفتمان ایجاد کند» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۸/۹/۲۲).

شعر

شعر در انتقال مفاهیم دینی و جهت‌دهی به افکار عمومی بسیار مؤثر است که در الگوی گفتمان‌سازی آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان یکی از ابزارهای مهم ایجاد گفتمان محسوب می‌شود (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۷/۳/۹). با نگاه به تاریخ کهن ایران، مشاهده می‌شود که این سرزمین، شعرای نامدار و بزرگی مثل فردوسی، حافظ، سعدی، مولوی، عطار نیشابوری و شهریار تبریزی و... را پرورانده که با بهره‌گیری از معارف

ناب اسلامی (قرآن و احادیث) لطیف‌ترین معانی و ارزشمندترین مضامین را در قالب شعر به جامعه ارزانی داشتند. شعر می‌تواند مفاهیم ارزشمندی مثل امید، نشاط، طراوت، آزادگی و معنویت را در جامعه تقویت کند. نبی مکرم اسلام در خصوص تأثیر شعر در جامعه می‌فرمایند: «اِنَّ مِنَ الشِّعْرِ لَحِکْمَهً، وَ اِنَّ مِنَ الْبَیانِ لَسِحْراً»[1] (مجلسی، ۱۳۸٤، ج ۷٦، ۲۹۰).

کارهای هنری

در کارهای هنری برای انتقال یک مفهوم، احساسات مخاطب را به چالش می‌کشند و این مسئله باعث تأثیر بیشتر آن کار بر مخاطب شده و فضا را برای گفتمان‌سازی محیا می‌کند. آیت‌الله خامنه‌ای، هنرمندان را به انجام کارهای هنری در خصوص معارف قرآن سفارش نموده و آن را در گفتمان‌سازی معارف قرآنی مؤثر می‌دانند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹٦/۲/۷).

دستگاه‌های مختلف کشور

اقدام به کارهای بزرگ، نیازمند همت همگانی است. گفتمان‌سازی یکی از کارهای بزرگ جامعه است که اگر با تلاش نخبگان متعهد و نهادهای انقلابی و دینی صورت بگیرد، مفاهیم ارزشمند دینی گفتمان‌سازی شده و به پیشرفت کشور کمک می‌کند. دستگاه‌ها، اولاً مجموعه‌های متشکل از نخبگان و غیرنخبگان محسوب می‌شوند که ضمن خدمتگزاری به جامعه، می‌توانند در امر گفتمان‌سازی ارزش‌ها مؤثر باشند. ثانیاً دارای امکانات مختلف و بودجه مصوبی هستند که می‌توانند با برنامه‌ریزی و همت نسبت به گفتمان‌سازی ارزش‌ها توسط خودشان یا با همکاری نهادهای دیگر مؤثر باشند.

---

[1] برخی شعرها حکمت است و برخی بیان‌ها افسون.

۳,۷. آثار و کارکرد

حلقه‌های میانی با نقش‌آفرینی مؤثر در فرآیند گفتمان‌سازی، آثار و نتایج ارزشمندی را در جامعه رقم می‌زنند. این حلقه‌ها با ایجاد پیوند میان حاکمیت و مردم، موجب افزایش سرمایه اجتماعی نظام، تقویت مشارکت عمومی و ارتقای سطح آگاهی جامعه می‌شوند. همچنین با تبدیل مفاهیم و ایده‌های کلان به گفتمان‌های عمومی، زمینه را برای تحقق اهداف نظام و پیشرفت کشور فراهم می‌آورند. از دیگر آثار مهم فعالیت این حلقه‌ها می‌توان به تقویت هویت ملی و دینی، افزایش همبستگی اجتماعی، شکل‌گیری مطالبات صحیح در جامعه و ایجاد فضای امید و نشاط اشاره کرد. درواقع، حلقه‌های میانی با گفتمان‌سازی مؤثر، نقش مهمی در هدایت افکار عمومی به سمت آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی و تحقق مردم‌سالاری دینی ایفا می‌کنند. آثار و کارکردی که از الگوی گفتمان‌سازی آیت‌الله خامنه‌ای استخراج می‌شود، عبارت است از:

پیشرفت و حل مشکلات کشور

گفتمان‌سازی مؤلفه‌های پیشرفت اگر در جامعه اتفاق بیفتد و افکار عمومی به سمت آن‌ها متمرکز شوند، اولاً مسائل حاشیه‌ای مجال گسترش پیدا نمی‌کنند، ثانیاً تحقق مؤلفه‌های پیشرفت، به مطالبات عمومی مردم از کارگزاران تبدیل می‌شود. در این صورت جامعه به سمت پیشرفت حرکت می‌کند و در آن مسیر، مشکلات نیز حل می‌شود. آیت‌الله خامنه‌ای، گفتمان‌سازی را عامل پیشرفت‌های بزرگ کشور معرفی می‌کنند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۵/۰۶/۰۳).

تسهیل‌گری در امور کشور

تمرکز و توجه افکار عمومی نسبت به یک فرهنگ یا یک ارزش، تحقق آن در جامعه را آسان می‌کند و فضای عمومی جامعه را به سمت تحقق آن فرهنگ و ارزش پیش می‌برد. برای مثال یکی از مسائل مهم کشور ازدواج جوانان است. اگر در این

خصوص، ازدواج آسان بدون هزینه‌ها و برنامه‌های اضافه گفتمان‌سازی شود، طبیعتاً آمار ازدواج بالا می‌رود (مانند ایام کرونا)؛ بنابراین گفتمان‌سازی در همه مسائل می‌تواند تسهیل‌کننده رسیدن به اهداف باشد که آیت‌الله خامنه‌ای بر این مسئله تأکید می‌کنند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۰/۱۰/۱٤).

ازدواج جوانان است که مشکلات فراوانی ازجمله مراسمات اضافه و پرهزینه باعث کمرنگ شدن اصل ازدواج در جامعه شده است. در ایامی که جامعه گرفتار بیماری کرونا بود، عدم برگزاری مراسمات اضافی ازدواج به خاطر جلوگیری از شیوع بیماری گفتمان‌سازی شد و آمار ازدواج در آن برهه زمانی افزایش پیدا کرد.

عامل انگیزشی برای نوآوری‌ها و تصمیم‌گیری مسئولین

مسئولین و کارگزاران جامعه برای تصمیم‌گیری در انجام اهداف و برای ایجاد نوآوری در کارهای کشور به انگیزه زیادی لازم دارند. گفتمان‌سازی و جهت پیدا کردن افکار عمومی به سمت اهداف کشور، عامل انگیزشی برای نوآوری‌ها و تصمیم‌گیری مسئولین در تحقق آن‌ها است. اگر گفتمان‌سازی در این راستا انجام نشود، مسئولین در انجام مسئولیت خود دچار روزمرگی شده و آثاری مانند ضعف تصمیم‌گیری و فقدان نوآوری در کارها را به دنبال خواهد داشت.

فعال شدن مجریان و مسئولان

گفتمان‌سازی به دو روش می‌تواند کارگزاران کشور را نسبت به انجام وظیفه خود فعال‌تر کند:

الف) از طریق ایجاد انگیزه: وقتی افکار عمومی و در پی آن مسئولین جامعه به سبب گفتمان حاکم بر جامعه انگیزه لازم برای انجام آن گفتمان را پیدا می‌کنند، نسبت به وظیفه‌ای که بر دوش دارند فعال‌تر شده و برنامه‌های کشور را اجرا می‌کنند.

ب) از طریق مطالبه‌ی حاصل از گفتمان: گفتمان‌سازی باعث ایجاد مطالبه در میان گروه‌های مختلف مردم می‌شود و مطالبه‌ی مردم، مسئولین را نسبت به انجام وظیفه‌ی خود در قبال عملیاتی شدن موضوع گفتمان فعال‌تر می‌کند.

تبدیل یک فکر به عمل در جامعه

افکار به خودی خود، حتی اگر شامل بلندپایه‌ترین ارزش‌ها، اهداف و آرمان‌ها باشند، محدود به اذهان و نهایتاً الفاظ می‌مانند و نمی‌توانند به‌صورت عملی در جامعه اجرا بشوند. گفتمان‌سازی و جهت‌دهی افکار عمومی به سمت برخی از مفاهیم و ایده‌ها، می‌تواند آنان را از قالب نظری به قالب عملی درآورند. سیر تبدیل یک فکر به اجرا بدین ترتیب است: ۱ ـ وجود افکار و ایده‌ها در عرصه نظری ۲ ـ تبدیل شدن آنان به گفتمان عمومی جامعه توسط عوامل گفتمان‌ساز ۳ ـ تمرکز افکار عمومی در آن گفتمان ٤ ـ ایجاد شدن مطالبه عمومی از مجریان جامعه (در اثر گفتمان موجود) ۵ ـ اجرای آن فکر، ایده یا مفهوم توسط مسئولین و مجریان.

ایجاد اقبال عمومی نسبت به موضوع خاص

گفتمان‌سازی فکر یا مفهومی که هم‌راستا با آداب، رسوم و عقاید عموم مردم است، باعث اقبال عمومی نسبت به آن فکر یا مفهوم می‌شود. اقبال عمومی آثار مثبتی در پی خواهد داشت که یکی از آن‌ها عملیاتی شدن مفهوم مدنظر در جامعه است. آیت‌الله خامنه‌ای نسبت به حضور افراد جوان، شاداب و انقلابی در عرصه‌های مدیریتی کشور توصیه به گفتمان‌سازی کرده و نتیجه‌ی آن را اقبال عمومی به نحوه مدیریت آنان می‌دانند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۹/۰۲/۲۸).

رشد مردم، احساس مسئولیت و عمل در جامعه

رشد، تعالی و احساس مسئولیت اجتماعی مردم یکی از ویژگی‌های جوامع موفق است. ایجاد گفتمان در جامعه همان‌طوری که به‌صورت کلی باعث پیشرفت کشور

می‌شود، به‌صورت جزئی به رشد مردم نیز کمک کرده و نشان می‌دهد که آن‌ها در جامعه نقش مؤثری دارند. وجود حس تأثیرگذاری مردم در جامعه باعث احساس مسئولیت توسط آن‌ها می‌شود. در این صورت مردم به‌صورت واقعی (نه نمادین) از فرهنگ، آداب‌ورسوم و عقاید راستین جامعه خویش مراقبت کرده و باعث رشد آن جامعه می‌شوند.

جدول ۳: الگوی گفتمان‌سازی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای

ردیف	مضامین فراگیر	تلخیص تحلیل داده‌ها
۱	محتوا	محتوای سالم و پر مضمون و مسائل روز جامعه
۲	عوامل	نخبگان و خواص
۳	شرایط و بایسته‌ها	تفکر، تبیین، تکرار و الگوسازی
٤	ابزار و شیوه‌ها	اقدامات تبلیغی ـ ترویجی با بهره‌گیری از امکانات و ظرفیت‌ها
٥	آثار و کارکرد	پیشرفت همه‌جانبه کشور

نتیجه‌گیری

حلقه‌های میانی در نظام اسلامی، نقش کلیدی در فرآیند گفتمان‌سازی و هدایت افکار عمومی دارند. این حلقه‌ها به‌عنوان واسط بین حاکمیت و مردم، با درک صحیح از نیازها و شرایط جامعه، می‌توانند مفاهیم و ارزش‌های اساسی را به گفتمان‌های عمومی تبدیل کنند.

برای تحقق این هدف، حلقه‌های میانی باید از توانمندی‌های خاصی برخوردار باشند. آن‌ها باید قدرت تحلیل و تبیین مفاهیم پیچیده، توانایی ترجمه ایده‌ها به زبان عامه‌فهم و ظرفیت تولید محتوای مؤثر را داشته باشند. همچنین، برخورداری از اعتبار و مقبولیت اجتماعی و دسترسی به شبکه‌های ارتباطی مؤثر از دیگر ویژگی‌های ضروری این حلقه‌هاست.

نخبگان فکری و دانشگاهی، روحانیون و مبلغان دینی، هنرمندان و اهالی فرهنگ، رسانه‌ها و فعالان رسانه‌ای و مدیران و کارگزاران میانی از مهم‌ترین مصادیق حلقه‌های میانی در نقش عوامل گفتمان‌سازی هستند. هر یک از این گروه‌ها با تکیه بر ظرفیت‌های تخصصی خود، بخشی از فرآیند گفتمان‌سازی را پیش می‌برند.

موفقیت در گفتمان‌سازی مستلزم شناخت دقیق ظرفیت‌های حلقه‌های میانی، توانمندسازی آن‌ها و ایجاد هماهنگی میان فعالیت‌هایشان است. این حلقه‌ها با شناسایی نیازها و اولویت‌های جامعه، طراحی و اجرای برنامه‌های گفتمان‌سازی و ارزیابی و بازخوردگیری از نتایج، نقش موتور محرک تبدیل ایده‌ها به جریان‌های اجتماعی را ایفا می‌کنند.

درنهایت، حلقه‌های میانی با گفتمان‌سازی مؤثر می‌توانند به افزایش سرمایه اجتماعی نظام، تقویت مشارکت عمومی، ارتقای سطح آگاهی جامعه، تقویت هویت ملی و دینی، افزایش همبستگی اجتماعی و ایجاد فضای امید و نشاط کمک کنند. این دستاوردها نقش مهمی در پیشبرد اهداف نظام اسلامی و تحقق مردم‌سالاری دینی خواهند داشت.

فهرست منابع

-قرآن کریم.

-آصفی، ر. (۱۳۸۳). نماز جمعه در عصر صفویه. ماه دین، شماره ۸۰، ۱۷-۱۲.

-بهرام‌پور، ش. (۱۳۷۹). تحلیل انتقادی گفتمان. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

-بورقانی فراهانی، س. درویش روحانی، ل. (۱۳۹۵). گفتمان‌سازی الگوی اسلامی ایرانی از طریق رسانه‌ها (مطالعه موردی: برنامه‌های کودک سیمای جمهوری اسلامی ایران). در: مجموعه مقالات پنجمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (دوره پنجم، ج.۱).

-پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله سید علی خامنه‌ای. Khamenei.ir

-تاجیک، م.ر. (۱۳۷۹). گفتمان و تحلیل گفتمانی. تهران: فرهنگ گفتمان.

-تاجیک، م.ر. (۱۳۸۵). نظریه گفتمان و مطالعات اسلامی. علوم سیاسی، شماره ۳۵، صص. ۲۸۵-۲۶۱.

-حقیقت، س.ص. (۱۳۸۵). روش‌شناسی علوم سیاسی. قم: مفید.

-خمینی، س.ر. (۱۳۸۵). صحیفه نور. (چاپ چهارم؛ ج ۱۷). تهران: موسسه حفظ و نشر آثار امام خمینی.

-خمینی، س.ر. (۱۳۸۶). نقطه عطف. (چاپ هشتم). تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

-رجبی، ر. (۱۳۹۸). جریان گفتمان سازی قرآن در جهت مبارزه با نفاق. رساله دکتری. دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل.

- سلیمانی، م. وفا، ج. (۱۳۹۹). الگوی گفتمان سازی مقاومت از منظر قرآن. پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی، ۹ (۲۰)، ۶۶-۳۱.

-شیخ‌زاده، م. بنی‌اسد، ر. (۱۳۹۹). تحلیل مضمون؛ مفاهیم، رویکردها و کاربردها. تهران: لوگوس.

– صادقی نیری، ر. میری اقدم، ف.س. (۱۳۹۸). شیوه‌های گفتمان سازی قرآن و سنّت در ارتباط با تکریم شخصیت زنان. تفسیرپژوهی، شماره ۱۱، ۱۶۰–۱۳۳.

–صدرا، م. (۱۳۸٦). نظریه‌های گفتمان، از زبان‌شناسی تا علوم سیاسی. مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۹ –۱۰، ۲۰۸–۱۷۱.

–صفار، م. (۱۳۹۱). بصائر الدرجات فی علوم آل محمد (ع). (چاپ ششم، ج.۱). (مترجم: ع.ر. زکی‌زاده‌رنانی). قم: وثوق.

–ضیمران، م. (۱۳۷۸). میشل فوکو: دانش و قدرت. تهران: هرمس.

–عرفت‌پور، ز. (۱۳۹۵). تصویرپردازی هنری در قرآن کریم: با تکیه بر سوره‌های دهر، مدثر، ق، مرسلات، مطففین. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

–فرکلاف، ن. (۱۳۷۹). تحلیل انتقادی گفتمان. (چاپ سوم). (مترجم: ف. شایسته‌پیران، م.ج. غلامرضاکاشی، ر. ذوقدارمقدم، پ. ایزدی، م. نیستانی، ش. بهرام‌پور، ر. کریمیان). تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

–قرائتی، م. (۱۳۸۳). تفسیر نور. (چاپ یازدهم؛ ج.۱۰). تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

–کسرایی، م.س. پوزش شیرازی، ع. (۱۳۸۸). نظریه گفتمان لاکلا و موفه ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده‌های سیاسی. سیاست، ۳۹ (۳)، ۳٦۰–۳۳۹.

–مجلسی، م.ب. (۱۳۸٤). بحار الأنوار. (چاپ چهارم؛ ج. ۷٦). قم: انتشارات اسلامیه.

–مطهری، م. (۱۳۹۱). یادداشت‌های استاد مطهری. (چاپ سیزدهم؛ ج.۱). تهران: انتشارات صدرا.

–منظم قلعه‌جوقی، س. حسینی‌دانا، ح.ر. محمدی، ا. (۱٤۰۰). ارائه الگوی گفتمان‌سازی اقتصاد مقاومتی از طریق رسانه‌های اجتماعی در عرصه ارتباطات بین‌الملل. پژوهشنامه رسانه بین‌الملل، شماره ۸، ۱٤٦–۱۱۷.

–میرزاجانی بیجارپسی، م. صادقی نیری، ر. عبدالرحیمی، ع.ر. (۱۳۹۸). گفتمان سازی قرآن در جهت مبارزه با ر شوه و آ سیب‌های اجتماعی نا شی از آن. سلامت اجتماع، ٦(۳)، ۳۷۰–۳۵۷.

-میرزاجانی بیجارپسی، م. (۱٤۰۰) گفتمان سازی قرآن در جهت مبارزه با رانت، اولین همایش ملی علوم انسانی وحکمت اسلامی، تهران.
-میرزاجانی بیجارپسی، م. صادقی نیری، ر. (۱۳۹۹). گفتمان‌سازی قرآن در جهت مبارزه با کم‌فروشی. مطالعات تفسیری، شماره ٤۲، ۲۰۰-۱۷۹.
-میلز، س. (۱٤۰۰). میشل فوکو. (چاپ پنجم). (مترجم: م. نوری). تهران: نشر مرکز.

چگونگی جذب شوک اقتصادی سطح کلان با تعریف حلقه‌های میانی

ابوذر مرادی[1] منیره حامدی رستمی[2]

چکیده

در تحقیق حاضر ابتدا چارچوب تحلیلی تحت عنوان «رویکرد پدیدارگرایانه کوانتمی» معرفی شده است که در آن واقعیت در علوم اجتماعی ماهیتی نهادی و بافتارمند دارد که پیامد آن افزایش تعارضات اجتماعی به دلیل درک متفاوت بازیگران در سطوح مختلف از واقعیت است؛ بنابراین به دلیل درک متفاوت افراد از واقعیت، پاسخ مناسب سیاست‌گذار به یک شوک اقتصادی در سطح کلان، لزوماً به معنای برون‌ریزهای مثبت آن سیاست در لایه خرد نیست. راه‌حل پیشنهادی برای برطرف نمودن این تعارض، افزودن حلقه‌های میانی در فرآیند سیاست‌گذاری است. با توجه به جغرافیای سیاسی ایران شوک‌های بی‌ثبات کننده به سه سطح کلان، میانه و خرد تفکیک شده است؛ به‌گونه‌ای که در آن سطح خرد شامل یک یا چند شهرستان، حلقه‌های میانی شامل استان‌ها و درنهایت کل کشور به‌عنوان سطح کلان در نظر گرفته شده است. در ادامه در یک مطالعه موردی سه شهرستان تنکابن، عباس‌آباد و رامسر واقع در غرب استان مازندران به‌عنوان لایه خرد تعریف شده است. سپس از لیست رخدادهای مهم تاریخی تأثیرگذار بر سه شهرستان، گسترش خرده مالکی از ابتدای دهه ۱۳۷۰ به‌عنوان عامل مسلط بی‌ثبات کننده لایه خرد معرفی شده است؛ به‌طوری‌که تعدیل‌های نرخ ارز در پاسخ به تحریم‌ها طی دهه ۱۳۹۰ عامل تشدیدکننده پیامدهای گسترش خرده مالکی بوده است. برای مشخص کردن استراتژی مناسب مداخلاتی در سه شهرستان خدمات گردشگری به‌عنوان رسته فعالیت منتخب برگزیده شده است. معیار انتخاب رسته فعالیت منتخب صرفاً پاسخ به عامل بی‌ثبات کننده لایه خرد نبوده، بلکه با تعریف لایه میانه به ظرفیت‌های موجود در این رسته فعالیت در پاسخ به شوک‌های لایه کلان توجه شده است. با توجه به ظرفیت‌های بالای گردشگری در سه شهرستان، مداخله در آن جهت پاسخ به پیامدهای گسترش خرده مالکی، خود بخش کوچکی از کلان پروژه‌ای است که منجر به تاب‌آوری و تقویت اقتصاد ملی در برابر تحریم‌ها می‌شود.

واژگان کلیدی: تغییرات نهادی، درهم‌تنیدگی کوانتومی، رویکرد پدیدارگرایانه کوانتومی، مداخله، حلقه‌های میانی.

---

[1] استادیار، گروه فیزیک، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران *abozar.moradi58@pnu.ac.ir*

[2] کارشناس مسئول هماهنگی امور تولید و اشتغال، استانداری مازندران، ساری، ایران
monire_hamedi@yahoo.com

مقدمه

معضل اصلی سیاست‌پژوهی اقتصاد در کشور در پیش‌فرض آن نهفته است؛ با این تصور که حل مسائل و چالش‌های لایه خرد در گرو برطرف شدن چالش‌های سطح کلان است. به سخنی دیگر برطرف شدن چالش‌های سطح کلان لزوماً پیامدهای مثبتی بر لایه خرد و بر زیست اقتصادی و اجتماعی افراد دارد. یک مثال بارز در این زمینه مسئله تعیین نرخ ارز در شرایط کنونی کشور است. در حال حاضر دو دیدگاه رایج در زمینه تعیین نرخ ارز وجود دارد که یکی بر سپردن نرخ ارز به سازوکار بازار و دیگری بر دخالت دولت از طریق قرار دادن سقف قیمتی برای آن تأکید دارد. این رویکردهای به‌ظاهر متناقض، درواقع یک نقطه اشتراک بسیار مهم دارند؛ تمرکز صرف بر سطح کلان برای حل مشکلات لایه خرد؛ بنابراین ویژگی اصلی هر دو الگو اصرار بر اصلاحات از بالا به پایین و عدم توجه کافی به مسائل سطح خرد و تأثیر موضوعات خرد بر کلان با در نظر گرفتن یک رابطه دوسویه بین مسائل دو حوزه است. ازاین‌رو مقاله حاضر تلاشی است در جهت خلق ادبیات نظری مناسب برای درک این نکته که چگونه می‌توان نسخه‌ای جایگزین برای سیاست‌گذاری در کشور ارائه نمود که با ایجاد هماهنگی بین سیاست‌ها در سطوح ملّی و منطقه‌ای به‌طور هم‌زمان به رابطه دوسویه چالش‌های کلان و مشکلات موجود در لایه خرد توجه شود؛ تا امکان گره زدن مؤثر مسائل ملّی با موضوعات و چالش‌های منطقه‌ای فراهم شود. پیشنهاد اصلی این تحقیق افزودن لایه میانی به‌عنوان حلقه مفقوده در فرآیند سیاست‌گذاری کشور است.

از منظر این تحقیق، عدم توجه لازم به پیوند دوسویه موضوعات خرد و کلان در ادبیات نظری نحله‌های فکری مختلف علم اقتصاد را باید در معرفت‌شناسی و روش‌شناسی آن جستجو کرد. از یک‌سو جریان اصلی علم اقتصاد به دلیل به‌کارگیری فردگرایی روش‌شناختی نئوکلاسیکی عملاً نقش دولت را صرفاً به انجام اصلاحات در لایه کلان با هدف ثبات شرایط اقتصاد کلان محدود کرده است (Kruger, 1990;

Lucas, 1998). در طرف دیگر ماجرا رویکردهای غیرمتعارفی از علم اقتصاد قرار دارند که مبتنی بر نگاهی کل‌گرایانه از نقش پررنگ دولت در تخصیص منابع دفاع می‌کنند (Chang,2007; Rodrik, 2007; Salazar-Xirinachs etal,2014; Oqubay and Ohno,2019). با این وجود تمرکز آن‌ها نیز بر بهبود شاخص‌های کلان است با این تصور که بهبود شاخص‌های لایه کلان لزوماً سرریزهای مثبتی بر لایه خرد دارد. نتیجه آنکه معضل دوگانه‌انگاری روش‌شناختی و معرفت‌شناختی فردگرایانه در برابر کل‌گرایانه در کلیت علم اقتصاد منجر به آن شده است که اساساً بحث در مورد حدود و ثغور مداخلات دولت در اقتصاد به موضوعات کلان محدود شود. در چنین دنیایی که بر این پیش‌فرض استوار است که برطرف شدن موضوعات لایه خرد در گرو حل مسائل لایه کلان است، جایی برای اندیشیدن به پیوند دوسویه رفت و برگشتی بین مسائل و چالش‌های لایه‌های کلان (ملّی) و خرد (منطقه‌ای) باقی نمی‌ماند.

لذا در مقاله حاضر تلاش شده است که با عبور از دوگانه‌انگاری کل‌گرایانه و فردگرایانه به کمک اصول موضوعه مکانیک کوانتومی به پیوند دوسویه موضوعات سطح خرد و کلان اندیشیده شود. چرا که منشأ این ناتوانی در پیوند رفت و برگشتی مسائل خرد و کلان را باید در پذیرش بستار علی فیزیک کلاسیک[۱] (CCCP) در کلیت علم اقتصاد جستجو کرد. مرادی (۱۴۰۳) چارچوب تحلیلی را تحت عنوان «رویکرد پدیدارگرایانه کوانتومی» معرفی نمود که در آن با پذیرش ذهن به‌عنوان یک ویژگی فیزیکی مستقل از ماده، امکان گذار از **CCCP** فراهم شده است. این الگو کنش‌های ذهنی و آگاهانه فرد و بستر تجربی تصمیم‌ها را در شکل‌دهی انتخاب‌های او لحاظ می‌دارد. مزیت این رویکرد آن است که می‌توان به سطح بالاتری از شناخت و آگاهی از طریق درهم‌تنیدگی کوانتومی در محیط‌های انسانی برای غلبه بر نااطمینانی رخدادهای ناسازگار دسترسی یافت؛ ویژگی که امکان ادغام نوآورانه رویکردهای فردگرایانه و کل‌گرایانه را فراهم می‌سازد (مرادی، ۱۴۰۳). در مقاله

---

۱. Causal Closure of Classical Physics

حاضر با استفاده از این چارچوب تحلیلی ابتدا نشان داده می‌شود که نادیده انگاشتن نقش کنش‌های ذهنی فرد و بستر تجربی تصمیم‌ها در شکل‌دهی واقعیت به‌عنوان امری بین‌الاذهانی در علوم اجتماعی ریشه اصلی عدم امکان پیوند دوسویه مسائل خرد و کلان است. درنهایت نیز با تعریف لایه میانه جهت برقراری یک رابطه دوسویه جهت درهم‌تنیده شدن پاسخ‌های سیاست‌گذار به مسائل لایه‌های خرد و کلان، یک الگوی سیاست‌گذاری یکپارچه برای کنترل و جذب شوک‌های وارده به اقتصاد کلان معرفی می‌گردد.

۱. پیشینه پژوهش و مبانی نظری

مبتنی بر سنت رایج سیاست‌گذاری اقتصادی جریان اصلی علم اقتصاد، دولت‌ها صرفاً مسئول مدیریت متغیرهای کلان اقتصادی نظیر کنترل تورم (ثبات قیمت‌ها)، کنترل کسری بودجه و ثبات سیاست‌های مالی، متعادل بودن تراز پرداخت‌ها و نرخ ارز هستند تا سازوکار بازار به‌خوبی عمل کند. اگرچه این سیاست‌ها ممکن است که در برخی کشورها دستاوردهای موفقی در ایجاد ثبات اقتصاد کلان به ارمغان آورده باشد، ولی چالش اصلی در این نکته نهفته است که بهبود شاخص‌های کلان ممکن است با واقعیت‌های روی زمین در سطح خرد همخوانی نداشته باشد و در برطرف کردن چالش‌هایی نظیر کاهش فقر، بهبود معیشت زندگی مردم و ایجاد فرصت‌های کافی و مناسب شغلی برای اقشار مختلف جامعه به‌عنوان واقعیت‌های جاری در زندگی روزمره دستاورد قابل دفاعی به همراه نداشته است. در تائید این ادعا به‌عنوان نمونه بسیار مهم می‌توان به مطالعه نارایان و همکاران[۱] (۲۰۰۲) اشاره کرد، مطالعه‌ای که بیش از ٤٠ کشور را شامل می‌شد؛ او نشان داد که رشد اقتصادی در کشورها کاهش فقر و یا بهبود معیشت فقرا را به همراه نداشته است. نتیجه آنکه برای بهبود وضعیت فقرا در جامعه می‌بایست لایه‌ای دیگر از مواجهه و مداخله دولت در اقتصاد تعریف گردد؛ این لایه، همان لایه خرد است (ربیعی و منصوری،

---

۱. Narayan et al

۱۳۹۶). لذا حجم قابل‌توجهی از منابع اختصاص یافته و پروژه‌های پیاده شده توسط سازمان‌های بین‌المللی در دو دهه اخیر مبتنی بر چنین رویکردی شکل گرفته است؛ مدل‌هایی مانند تأمین مالی خرد[۱]، توسعه اقتصاد محلی[۲]، توسعه خوشه‌های کسب‌وکار[۳] الگوهایی هستند که ماهیتاً به‌صورت محلی طراحی و پیاده شده‌اند بدون آنکه نسبت چندانی با جریان‌های اقتصادی و سیاستی سطح کلان داشته باشد.

دور از انتظار نبود که صرف تمرکز بر لایه خرد نمی‌تواند پاسخگوی نیاز سیاست‌مداران باشد، این امر منجر به شکل‌گیری جریان فکری در جهان شد که از آن تحت عنوان رویکرد «رشد فراگیر[۴]» یاد می‌گردد (Ianchovichina and Glabe, 2009; Ramos and Ranieri,2013). این رویکرد نویددهنده فرآیندی است که حاصل آن نگاه به اقتصاد، رشد و توسعه به‌صورت سیستمی، چندلایه و انطباق‌پذیر است (رفیعی و منصوری، ۱۳۹۶). دستاورد مهم دیگر این رویکرد قرار دادن مبنای رشد از رشد بنگاه- محور بر رشد انسان- محور است. لذا سیاست‌گذاری درباره اشتغال را «انسان» قرار می‌دهد تا او راهبری زندگی‌اش را بر اساس شکوفایی استعداد ذاتی نهفته شده در وجود خود بر عهده گیرد نه حالتی که محدودیت‌های اعمال شده بر وی تحت لوای مفهوم رشد اقتصادی بر او تحمیل می‌کند (همان).

با وجود همدلی چارچوب تحلیلی این تحقیق با کلان ایده انسان- محور بودن فرآیند توسعه رویکرد رشد فراگیر، در مبانی نظری اما با آن تفاوت‌های بنیادین دارد. مبانی نظری که رویکرد رشد فراگیر بر مبانی آن توسعه یافته است متأثر از نگرش ساختارگرایی اجتماعی در حوزه مباحث توسعه است که بر این باور است برای شناخت پدیده‌ها و واقعیت‌های موجود در درون کشورها نمی‌توان صرفاً بر ابزارهای کمّی استفاده کرد (رفیعی و منصوری، ۱۳۹۶). نگرش ساختارگرایی اجتماعی اگرچه

---

۱. Microfinancing

۲. Local Economic Development

۳. Business Cluster Development

۴. Inclusive Growth

در مقایسه با نگرش پوزیتویستی جریان متعارف علم اقتصاد گامی روبه‌جلو است ولی نقاط ضعف خاص خود را دارد (مرادی، ۱٤۰۳)؛ بنابراین هدف ما در این پژوهش عبور از این نگرش است که رویکرد رشد فراگیر مبتنی بر آن توسعه یافته است؛ چرا که این رویکرد نیز همچنان بستار علّی فیزیک کلاسیک را پذیرفته است. طی سال‌های اخیر کاربرد نظریه کوانتوم در تحلیل پدیده‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به‌طور مداوم در حال افزایش بوده است (Bowman, 2018; Kim & Nho, 2019; Haven et al, 2013,2018; Hone, 2017; Orrell, 2018,2020, 2021; Wendt, 2015;). مرادی (۱٤۰۳) با بازنگری رابطه ذهن- بدن و در نظر گرفتن ذهنیت به‌عنوان یک ویژگی فیزیکی در جهان هستی که قدرت علّی متفاوت از ماده دارد، چارچوب تحلیلی را تحت عنوان «رویکرد پدیدارگرایانه کوانتومی» معرفی نمود که در آن فرآیند تصمیم‌گیری فرد در یک الگوی کوانتومی تعریف گردیده است. مهم‌ترین پیامد این الگو آن است که ازآنجایی‌که مشاهده‌گر نیز در اینجا یک موجود کوانتومی است، تصمیم بهینه فرد در آن لحظه، برای دیگری در مقام سوم شخص به دلیل وابستگی شناخت به بستر تجربی اثرات خارجی[۱] به همراه خواهد داشت. منظور از اثرات خارجی نااطمینانی است که از طریق انتقال موضعی انتخاب‌های فرد به‌وسیله ابزارهای مادی به فرد مشاهده‌گر (عمل مشاهده) حاصل می‌شود؛ چراکه در یک الگوی کوانتمی هر کنش مادی (موضعی) منجر به تغییر تابع موج شناخت مشاهده‌گر در جایگاه سوم شخص می‌گردد؛ بنابراین عمل انتقال اطلاعات تصمیم بهینه فرد به افراد دیگر منجر به آن می‌شود که انتخاب بهینه او برای دیگران غیرقابل‌پیش‌بینی گردد و درنتیجه این نااطمینانی زیست صلح‌آمیز و بدون خشونت افراد در کنار یکدیگر مختل شود. از سوی دیگر زیست انسان‌ها در کنار یکدیگر زمانی امکان‌پذیر خواهد بود که سطحی از پیش‌بینی‌پذیری تصمیم‌های فرد برای دیگران وجود داشته باشد. با این همه فیزیکی پنداشتن ذهن در یک الگوی کوانتومی یک مزیت مهم به

---

۱. Externalities

همراه دارد؛ امکان درهم‌تنیده شدن تابع موج شناخت افراد با یکدیگر از طریق یک ارتباط ناموضع‌گرا بین آن‌ها که در آن تابع موج شناخت کل سیستم دیگر قابل تقلیل به تابع موج شناخت فردی نیست. پس هنگامی‌که شناخت افراد با یکدیگر درهم‌تنیده شوند امکان دسترسی به سطحی بالاتر از شناخت و آگاهی فراهم می‌شود که به کمک آن می‌توان به‌آسانی بر چالش نااطمینانی غلبه کرد. این تابع موج شناخت کل که در آن شناخت تک‌تک افراد با یکدیگر درهم‌تنیده شدند، در الگوی موردنظر ما اصطلاحاً حالت انتزاعی نهاد نامیده می‌شود. با این وجود حالت انتزاعی نهاد زمانی به‌صورت یک توافق بین‌الاذهانی سنجش‌پذیر درمی‌آید که با اعمال عاملیت افراد بر آن حالت بالفعل به خود گیرد. به تعبیر دیگر؛

فروپاشی حالت انتزاعی نهاد + حالت انتزاعی نهاد= حالت بالفعل نهاد

نکته بسیار حائز اهمیت آن است که در چارچوب تحلیلی پیشنهادی، برخلاف علوم تجربی، واقعیت‌های بین‌الاذهانی در علوم اجتماعی اساساً ماهیتی نهادی دارد (مرادی، ۱۴۰۳)؛ بنابراین حالت بالفعل نهاد یک توافق بین‌الاذهانی بین افراد جهت غلبه بر این نااطمینانی است که سنجش‌پذیر است. ولی این توافق بین‌الاذهانی زمانی پایدار باقی می‌ماند که عمل سنجش به‌مثابه یک کنش موضعی ناسازگار عمل نکند. مهم‌ترین ویژگی این الگو آن است که در آن بین نهادهای بالفعل و حالت انتزاعی آن تفاوت قائل می‌شود. این تفکیک بین حالت انتزاعی و بالفعل نهاد منجر به تبیین نوآورانه‌ای از نحوه تغییرات نهادی می‌شود. از منظر «رویکرد پدیدارگرایانه کوانتمی» محرک‌های اولیه تغییرات نهادی رخدادهای ناسازگار هستند که تابع موج شناخت افراد را تغییر می‌دهند و منجر به فروریزش درهم‌تنیدگی آن‌ها می‌شوند (گیلک و همکاران، ۱۴۰۲). محرک‌های اولیه دو منشأ متفاوت دارند. دسته اول رخدادهایی در بستر زمان و مکان هستند که ذاتاً یک کنش موضعی ناسازگار هستند. حوادث و بلایای طبیعی منحصربه‌فرد و تغییرات تکنولوژیکی مهم‌ترین کنش موضعی ناسازگار محسوب می‌شوند که می‌توانند به‌مثابه یک اختلال عمل نموده و باعث تغییر شناخت

افراد و درنتیجه منجر به فروریزش توابع موج شناخت درهم‌تنیده شوند. دسته دوم تجربه‌های شخصی افراد است که می‌توانند به‌مثابه یک تجربه ناسازگار فراگیر عمل نمایند. به‌ویژه تجربه شخصی افرادی که از موقعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خاصی در جامعه برخوردار هستند. این تجربه‌ها اگرچه ماهیتی ناموضع‌گرا دارند ولی در صورت انتقال آن‌ها به دیگران توسط وسایل ارتباط‌جمعی می‌توانند به‌مثابه یک اختلال عمل نموده و منجر به فروریزش توابع موج شناخت درهم‌تنیده شوند. لذا در یک الگوی کلی محرک‌های اولیه، به‌ویژه آن‌هایی که در دسته اول می‌گنجند و از جنس شوک‌های بدیع و غیرقابل‌کنترل هستند، بر ویژگی‌های خودکنترلی نهادها غلبه می‌کنند و منجر به فروریزش حالت انتزاعی نهاد می‌شوند که پیامد آن بی‌اعتبار شدن نهادهای بالفعل موجود است. از سوی دیگر درهم‌تنیدگی توابع موج شناخت تک‌تک افراد به معنی رسیدن به یک سطح آگاهی و شناخت بالاتر است. چالش اصلی ولی آنجا است که فرآیند درهم‌تنیدگی شناخت افراد یک فرآیند خودبه‌خودی نیست و مستلزم تحریک و رسیدن به شرایط آستانه‌ای است؛ بنابراین نهادهای بالفعل سابق چه به‌صورت تدریجی و یا چه به‌صورت سریع از اعتبار ساقط شوند، شکل‌گیری نهادهای بالفعل جدید مناسب شرایط نو به‌صورت آنی صورت نمی‌پذیرد، چرا که رسیدن به شرایط آستانه‌ای مستلزم نوعی توافق بین افراد است و امکان دستیابی به یک توافق آنی وجود ندارد. پس تغییرات نهادی نیازمند طی شدن دوره گذار است. منظور از دوره گذار دوره زمانی است که در آن نهادهای سابق بی‌اعتبار شده و نهادهای بالفعل مناسب شرایط جدید نیز هنوز شکل نگرفته‌اند؛ بنابراین مهم‌ترین ویژگی دوره گذار نااطمینانی است. نوع بشر به تجربه دریافته است که یک راه‌حل مناسب برای کوتاه شدن دوره گذار، تن دادن افراد به دولت به‌عنوان یک ابر سازمان است که فرآیند تصمیم‌گیری در آن به‌صورت مرکزی به‌وسیله رهبران به‌عنوان افراد چیره مدیریت می‌گردد. این بدان معنی است که اگرچه محرک‌های اولیه به مختل شدن قواعد بازی سابق منجر می‌شود، ولی وجود افراد چیره در جامعه

در تسریع شکل‌گیری قواعد رسمی جدید و کوتاه‌تر شدن دوره گذار از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. پس نااطمینانی‌های حاصل از دوره گذار به افراد انگیزه می‌دهد تا به‌صورت مشروط عاملیت خود را در شکل‌دهی نهادهای بالفعل جدید به رهبران سیاسی برون‌سپاری کنند تا با مداخله خود اقدام‌های پشتیبان لازم برای تحقق شرایط آستانه‌ای را برآورده سازند.

برای درک بهتر موضوع، شکل (۱) الگویی از نحوه تحولات نهادی یک سیستم پیچیده انسانی در طی زمان را نشان می‌دهد. از منظر «رویکرد پدیدارگرایانه کوانتومی» آنچه را که پژوهش‌گر به‌عنوان واقعیت‌های بین‌الاذهانی توصیف‌کننده یک سیستم اقتصادی و اجتماعی مورد مطالعه کمی و کیفی قرار می‌دهد، ماهیتی نهادی دارد (مرادی، ۱٤۰۳). با توجه به شکل، عوامل مؤثر بر روند تحولات نهادی یک سیستم پیچیده انسانی عبارت‌اند از؛ اقلیم و جغرافیا و ذخیره دانش بشری ناشی از کنترل محیط پیرامونی مادی، محرک‌های اولیه بی‌ثبات کننده نهادهای موجود و کیفیت پاسخ رهبران سیاسی به نمایندگی از افراد دیگر به آن محرک‌ها. تغییر در اقلیم و جغرافیا و ذخیره دانش بشری ناشی از کنترل محیط‌های مادی ماهیتی عینی دارد، پس کنش موضعی محسوب می‌شوند. با این وجود در یک الگوی کوانتومی، کنش‌های موضعی صرفاً منجر به تغییر شناخت افراد می‌شوند، پس می‌توانند به‌مثابه یک محرک اولیه عمل کنند و منجر به بی‌اعتبار شدن نهادهای موجود شوند. درنهایت این عاملیت رهبران سیاسی به نمایندگی از افراد معمولی است که با مداخله خود شرایط آستانه‌ای لازم برای درهم‌تنیده شدن توابع موج شناخت تغیر یافته را فراهم می‌کنند تا ثبات به جامعه بازگردد.

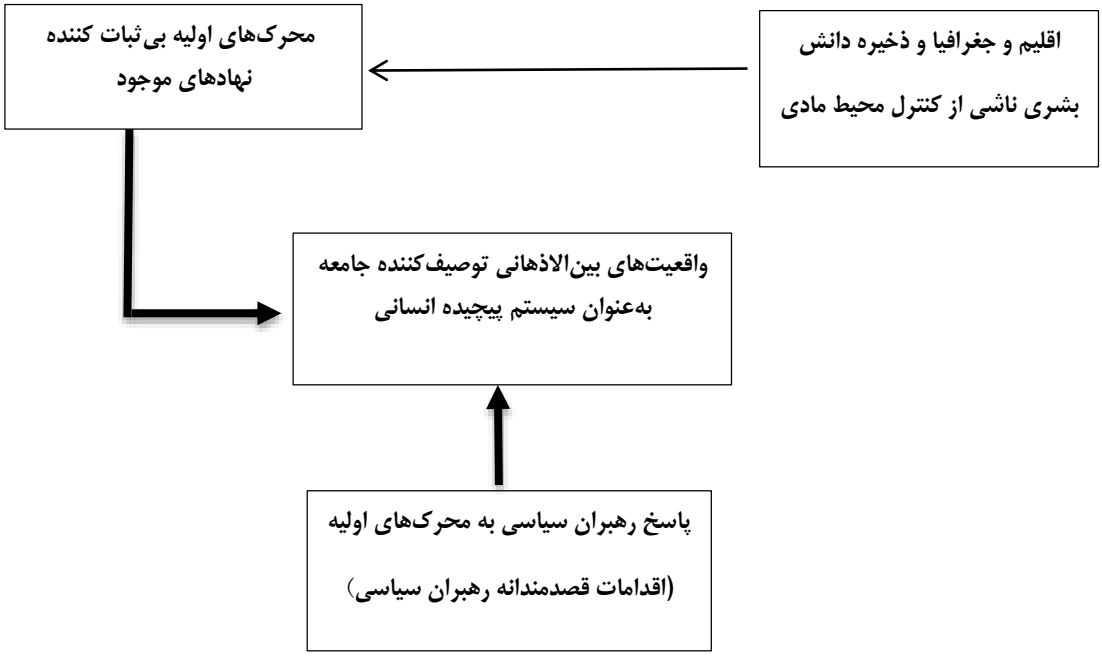

شکل ۱: نمایی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر روند تحولات نهادی یک سیستم پیچیده انسانی

مأخذ: مرادی (۱۴۰۳) با کمی تغییر

درواقع پژوهش‌گر با سنجش واقعیت‌های بین‌الاذهانی امکان بررسی وضعیت جامعه را دارد. با این وجود آنچه او اندازه‌گیری می‌کند یک ویژگی ذاتی و عینی نیست، بلکه ویژگی‌هایی است که محصول یک توافق بین‌الاذهانی بین بازیگران است. توافقی که حتی خود پژوهش‌گر نیز در آن نقش دارد؛ چرا که نتایج پژوهش او احتمالاً به گروه‌هایی در جامعه قدرت چانه‌زنی بیشتری می‌دهد تا بر تصمیم رهبران سیاسی تأثیر بگذارند.

۲. چگونه می‌توان با تعریف حلقه‌های میانی شوک‌های اقتصادی سطح کلان را جذب نمود؟

تفسیر جدید ارائه شده از نهادها و تغییرات نهادی در چارچوب تحلیلی معرفی شده در این تحقیق، بستر نظری را فراهم می‌سازد که بتوان به کمک آن مسائل سطح خرد

و کلان را به کمک تعریف حلقه‌های میانی به‌صورت یکپارچه ادغام کرد تا پیامدهای یک شوک اقتصادی وارد بر سطح کلان به‌گونه‌ای مناسب در لایه خرد جذب شود. درواقع از منظر «رویکرد پدیدارگرایانه کوانتمی» واقعیت مطابق الگوی شکل (۱)، ماهیتی بین‌الاذهانی و بافتارمند[۱] دارد که به بستر تجربی وابسته است؛ بنابراین درک بازیگران در موقعیت‌ها و جایگاه‌های مختلف از واقعیت متفاوت است. عامل این تفاوت محرک‌های اولیه تحولات نهادی یعنی رخدادهای ناسازگار است؛ چراکه تفاوت بعد زمانی و مکانی رخدادها در این الگو یک عامل اصلی در شکل‌گیری تعارضات اجتماعی است. تفاوت بعد زمانی و مکانی منجر به پنداشت متفاوت افراد در موقعیت‌های مختلف از واقعیت می‌گردد. ازاین‌رو در الگوی موردنظر ما، تصویر ذهنی افراد از نحوه اولویت‌بندی و اهمیت مسائل و چالش‌ها نیز بافتارمند است و به‌جایگاه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی او در موقعیت‌های مکانی و زمانی بستگی دارد. ازاین‌رو پیشنهاد سیاستی بسیار مهم چارچوب نظری این تحقیق آن است که به دلیل اهمیت بالای محرک‌های اولیه در شکل‌دهی واقعیت‌های بین‌الاذهانی در الگوی شکل (۱)، برای کنترل مناسب برون‌ریزهای منفی این محرک‌ها، آن‌ها باید ازلحاظ زمانی و مکانی تفکیک شوند. با توجه به جغرافیای سیاسی ایران پیشنهاد این تحقیق برای جداسازی بعد مکانی محرک‌های اولیه مطابق چنین الگویی است؛ محرک‌های اولیه سطح خرد، محرک‌های اولیه سطح میانه و درنهایت محرک‌های اولیه سطح کلان؛ به‌گونه‌ای که در آن سطح خرد را می‌توان شامل یک یا چند شهرستان و یا یک یا چند بخش در درون یک استان در نظر گرفت، استان‌ها را نیز می‌توان به‌عنوان حلقه میانه تعریف کرد و درنهایت کل کشور را به‌عنوان سطح کلان در نظر گرفت. اینکه وزن و اهمیت کدام محرک بیشتر است به انتخاب لایه موردنظر توسط سیاست‌گذار به‌عنوان لایه هدف بستگی خواهد داشت. اگر هدف مداخله سیاست‌گذار در لایه خرد است محرک‌های اولیه رخ داده شده در درون لایه خرد

---

۱. Contextual

که عموماً به ویژگی‌های تاریخی و جغرافیایی آن منطقه وابسته است در مقایسه با محرک‌های رخ داده شده در سطح استانی و ملّی در تشریح تحولات لایه خرد از وزن و اهمیت بالاتری برخوردار هستند. اگر هدف مداخله در لایه کلان باشد در آن صورت محرک‌های اولیه رخ داده شده در لایه کلان در مقایسه با سطوح دیگر از وزن بیشتری برخوردار است. با توجه با اهمیت محرک‌های اولیه هر سطح در تحولات مربوطه آن سطح، شکل (۲) نسخه‌ای را در اختیار سیاست‌گذاران قرار می‌دهد که اعمال نوعی سیاست‌گذاری یکپارچه جهت تأمین شرایط آستانه‌ای را امکان‌پذیر می‌کند. رویکردی که در آن ایجاد هماهنگی بین پاسخ‌ها به مهم‌ترین عوامل بی‌ثبات کننده هر سطح در دستور کار قرار می‌گیرد؛ چرا که اولویت سیاست‌گذار در هر سطح عموماً ارائه پاسخ مناسب به محرک‌های بی‌ثبات کننده آن سطح است؛ ولی با افزودن لایه میانه در شکل (۲) پیامدهای خارجی ناشی از انتقال آن تصمیم بر سطوح دیگر لحاظ می‌گردد. حال اگر در شرایط کنونی اقتصاد ایران تحریم‌های ثانویه ایالات‌متحده را به‌عنوان مهم‌ترین محرک اولیه سطح کلان در نظر بگیریم که منجر به بی‌ثباتی اقتصاد کلان شده است، پاسخ مناسب سیاست‌گذار به این محرک لایه کلان لزوماً سرریزهای مثبتی بر زیست اقتصادی و اجتماعی افراد در لایه خرد ندارد. به‌عنوان‌مثال اگر هدف سیاست‌گذاری در لایه کلان باشد، یک پاسخ مناسب سیاست‌گذار به اثرات تحریم‌ها بر تراز پرداخت‌ها تعدیل نرخ ارز است. اگرچه تعدیل نرخ ارز در پاسخ به تحریم‌ها از منظر سطح کلان اجتناب‌ناپذیر است ولی این اقدام بهینه سیاست‌گذار از منظر سطح کلان، خود می‌تواند به‌عنوان یک محرک اولیه بی‌ثبات کننده لایه خرد عمل نموده و یا آنکه با محرک‌های اولیه بی‌ثبات کننده موجود در لایه خرد به‌گونه‌ای ترکیب شود که منجر به تشدید آثار منفی آن محرک‌ها شود؛ بنابراین اعمال اصلاحات نهادی پیشنهادی مطابق شکل (۲) منجر به آن می‌گردد که بتوان در ابتدا محرک‌های بی‌ثبات کننده هر لایه را به‌صورت مجزا بررسی کرد. ولی تعریف حلقه‌های میانه این امکان را فراهم می‌سازد که نه‌تنها

برای رفع عوامل بی‌ثبات کننده هر لایه اقداماتی را در نظر گرفت بلکه این مجموعه از سیاست را به‌گونه‌ای هماهنگ کرد که اثرات مخرب یک سیاست بر سطوح دیگر به کمک اقدام‌های مناسب سیاست‌گذار در آن سطح مربوطه به حداقل برسد.

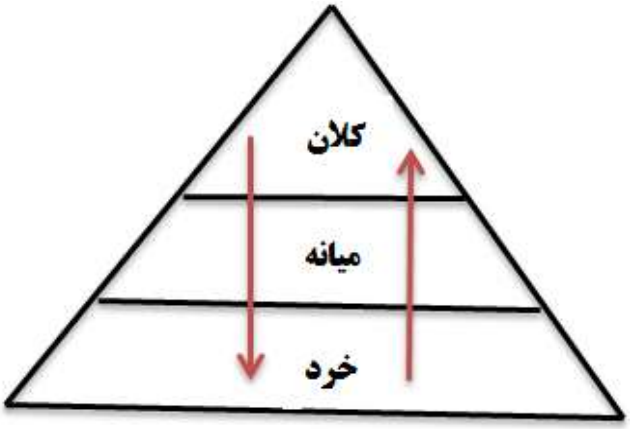

شکل ۲: اعمال سیاست‌گذاری هماهنگ در سطح کلان، میانه و خرد

مأخذ: یافته‌های این تحقیق

مسئله دیگر توجه به اهمیت ترتیبات زمانی محرک‌های اولیه بی‌ثباتی در این الگو است. چارچوب تحلیلی این تحقیق قادر است که بین اهمیت حوادث تاریخی (شوک‌های) رخ داده شده بر حسب ترتیبات زمانی آن تفاوت قائل شده و به شوک‌های متأخر (از نظر زمانی) وزن و اهمیت بیشتری قائل شود. پس محرک‌های اولیه به‌ویژه آن‌هایی که متأخر هستند و همچنین ویژگی فراگیری دارند از اهمیت بسیار بیشتری برخوردار هستند؛ بدین خاطر که این محرک‌ها بخش بزرگی از اطلاعات سابق موجود در ذهن افراد را پاک می‌کنند و یا اینکه از اهمیت آن‌ها به‌شدت می‌کاهند؛ بنابراین در صورت مشاهده بحران در یک سیستم پیچیده انسانی پیشنهاد چارچوب تحلیلی این تحقیق آن است که تمرکز اصلی پژوهش‌گر باید به اتفاقات و شوک‌های بی‌ثبات کننده فراگیر متأخر باشد. محرک‌های اولیه فراگیر

عموماً شوک‌های وارده بر لایه کلان (سطح ملّی) هستند، شوک‌هایی نظیر شیوع یک بیماری همه‌گیر، تحریم‌ها، تحولات تکنولوژیکی و یا نزاع‌ها و تحولات در نظم سیاسی و اقتصادی بین‌المللی متأخری هستند که سیاست‌گذار برای پاسخ به آن‌ها صرفاً نباید به انجام اصلاحاتی در لایه کلان اکتفا کند، بلکه با تعریف حلقه‌های میانی نقش فعالی را در مداخله در سطح خرد از طریق اجرای سیاست صنعتی ایفا نماید. مداخله‌ای که از یک‌سو از اثرات مخرب شوک‌ها بر سطح خرد می‌کاهد؛ و از سوی دیگر به دلیل توجه به شرایط اقتصاد کلان در انتخاب نوع مداخله در لایه خرد در ایجاد ثبات اقتصاد در سطح کلان مؤثر است.

با در نظر گرفتن اهمیت ترتیبات زمانی در الگو، حال می‌توان به مهم‌ترین محرک‌های بی‌ثبات کننده فراگیر متأخر در شرایط کنونی اقتصاد ایران اشاره کرد. یکی از مهم‌ترین عوامل متأخر تشدیدکننده بی‌ثباتی‌های لایه کلان که فراگیر نیز محسوب می‌شود تأثیر تحریم‌های ثانویه ایالات‌متحده بر اقتصاد ایران طی یک دهه گذشته بوده است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۹). درواقع در الگوی موردنظر ما تحریم‌ها خود یک محرک اولیه بی‌ثبات کننده فراگیر است که نظام تولید ارزش‌افزوده و توزیع رانت در کشور را بعد از دهه ۱۳۹۰ مختل کرده است. لذا در انتخاب مداخله مناسب در لایه خرد میزان تأثیرپذیری و تأثیرگذاری آن مداخله بر تحریم‌ها باید مدنظر قرار گیرد. درواقع راه‌حل ارائه شده برای مناطق مختلف کشور باید یک قطعه کوچکی از کلان پروژه‌ای باشد که منجر به تاب‌آوری و تقویت اقتصاد ملی (یک درهم‌تنیدگی کوانتومی) در برابر تحریم‌ها و خنثی‌سازی اثرات آن در سطح ملی و همچنین خلق مزیت رقابتی جدید برای اقتصاد ایران شود.

مورد مهم دیگر توسعه فناوری اطلاعات و گسترش نفوذ شبکه‌های نوین ارتباطی در بین آحاد افراد جامعه است که چیرگی رهبران سیاسی را منوط به توجه بیشتر به خواسته‌های لایه خرد می‌کند. لذا در چنین دنیایی پیگیری هر مدل سیاستی مبتنی بر رویکردهای تمرکزگرایانه و از بالا به پایین تقریباً غیرممکن است. ازاین‌رو الگوی

کلی ارائه شده در شکل (۲) مناسب عصر حاکمیت شبکه‌های اجتماعی است. لذا یکی از مهم‌ترین موضوعات مورد توجه این تحقیق ارائه اصلاحات نهادی در سطح استانی است تا امکان پیوند و هماهنگی بین سیاست انتخاب شده در مناطق و سطح ملّی در عصر حاکمیت شبکه‌های نوین ارتباطی امکان‌پذیر شود.

مورد آخر که باید به آن توجه شود، مباحث مربوط به تغییر نظم سیاسی و اقتصادی در سطح بین‌المللی است که منجر به افزایش سهم تجارت جنوب–جنوب و شکل‌گیری و توسعه زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای طی سال‌های اخیر شده است (ANCTAD, 2023). به‌ویژه آنکه اثرات گسترش زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای برای خروج اقتصاد ایران از انزوای کنونی بسیار حائز اهمیت است، موضوعی که اگرچه در کشور ما تحت عنوان کریدورهای تجاری شمال – جنوب و ابتکار یک کمربند، یک جاده چین مطرح شده است، با این همه به نظر می‌رسد درک مناسبی از آن وجود ندارد؛ بنابراین در انتخاب نوع مداخله در سطوح مختلف ملی، استانی و منطقه‌ای باید به درهم‌تنیدگی آن با این زنجیره‌های ارزش در حال ظهور و تقویت جایگاه ایران در درون این زنجیره‌های ارزش و افزایش سهم تجارت خارجی ایران با کشورهای همسایه و همچنین کشورهای غیرمتاخصم نیز مورد توجه ویژه قرار گیرد.

۳. روش تحقیق

چارچوب تحلیلی پیشنهادی این تحقیق یک تغییر پارادایم هستی‌شناسانه و شناخت‌شناسانه است و این تغییر پارادایم پیامدهایی بر روش‌شناسی تحقیق نیز به همراه دارد. بدین خاطر که روش‌شناسی هر تحقیقی خود بر مبانی نظری آن متکی است. لذا در ادامه با توجه به مدل مفهومی شکل (۱)، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مؤثر بر انتخاب نوع مداخله در لایه‌های مختلف معرفی می‌گردد. بر این اساس بر مبنای الگوی کلی شکل (۱) لایه‌های مختلف ملّی، استانی و منطقه‌ای هر یک به‌صورت اجزای یک سیستم پیچیده در نظر گرفته می‌شود ولی به‌گونه‌ای که این اجزاء هویتی

کاملاً مستقلی از یکدیگر ندارند و رابطه بین آن‌ها توسط الگوی شکل (۲) تنظیم شده است. حال در شکل (۳) مهم‌ترین پارامترهای لازم برای مطالعه هر جزء معرفی

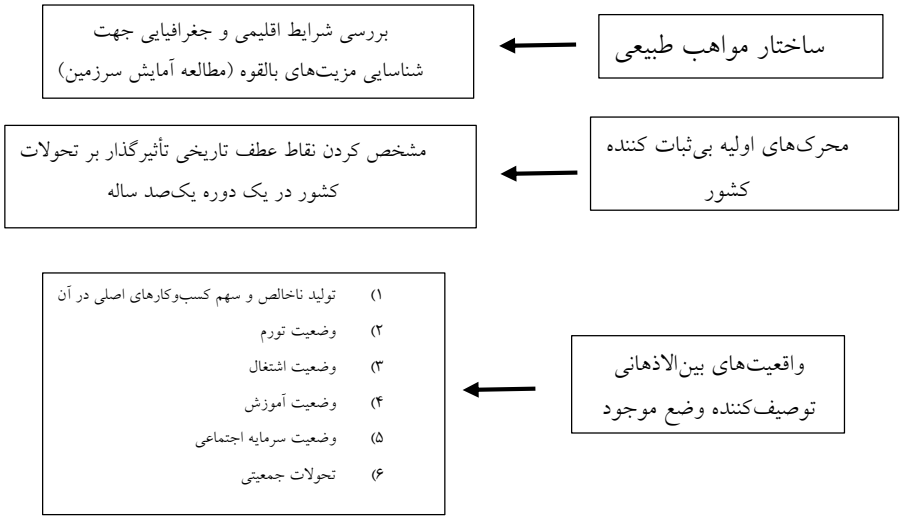

شده است.

شکل ۳: معرفی برخی پارامترهای مناسب برای شاخص‌گذاری در لایه‌های مختلف
مأخذ: یافته‌های این تحقیق

هدف نهایی پژوهش حاضر معرفی یک چارچوب مداخلاتی مناسب برای اقتصاد ایران در دوره گذار است که منجر به حرکت به وضعیتی مطلوب‌تر سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در آینده گردد. مراحل طی شده برای تدوین چارچوب مداخلاتی مناسب برای هر لایه و هماهنگی بین سیاست‌های انتخاب شده در لایه‌های مختلف مطابق مراحل زیر خواهد بود؛

۱) ابتدا مهم‌ترین محرک‌های اولیه به ارث رسیده از گذشته تاکنون در سطوح خرد، میانه و کلاًن‌که آثار خارجی منفی آن‌ها همچنان ادامه دارد و یا در آینده تبعات گسترده‌ای به همراه دارند شناسایی می‌گردند.

۲) سپس میزان رقابت‌پذیری کسب‌وکارهای اصلی در لایه خرد از طریق تحلیل زنجیره ارزش و ساختار بازار آن‌ها با دقت بررسی می‌شود. علت انتخاب الگوی تحلیل زنجیره ارزش کارآمدی مناسب‌تر این روش برای تحلیل کسب‌وکارها در عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات است که منجر به درهم تنیدگی بیشتر کسب‌وکارها با یکدیگر و شکل‌گیری زنجیره‌های ارزش جهانی و منطقه‌ای شده است.

۳) در این مرحله رسته یا رسته‌های کسب‌وکار منتخب در لایه خرد شناسایی می‌شود. معیار انتخاب رسته فعالیت منتخب صرفاً پاسخ به محرک بی‌ثبات کننده لایه خرد نیست، بلکه ظرفیت‌های موجود در آن جهت برطرف کردن چالش‌های لایه کلان نیز مدنظر قرار می‌گیرد.

٤) پس از مشخص شدن رسته یا رسته‌های منتخب، گلوگاه‌ها و موانع اصلی توسعه آن شناسایی می‌گردد و سیاست صنعتی مناسب جهت مداخله فعال دولت در تخصیص منابع برای رفع گلوگاه‌ها معرفی می‌گردد.

۵) فرآیند مطالعه، انتخاب سیاست، کمک به اجرا و پایش آن بر عهده حلقه‌های میانی است؛ بدون تعریف لایه میانه تدوین و اجرای موفقیت‌آمیز چنین برنامه‌ای شانس چندانی نخواهد داشت؛ چرا که حلقه‌های میانه وظیفه همگرا کردن پنداشت‌های متفاوت بازیگران خرد و کلان از چالش‌ها را بر عهده دارد.

٦) با توجه به نوع سیاست صنعتی مناسب پیشنهادی حلقه‌های میانی در لایه خرد، اصلاحات اقتصادی در سطح کلان در دستور کار قرار می‌گیرد؛ به‌گونه‌ای که پیامدهای منفی اصلاحات سطح کلان بر لایه خرد مورد توجه

قرار گرفته و اقدامات مقتضی مناسب برای حل چالش‌های به وجود آمده با همکاری با سیاست‌گذار در لایه میانه اتخاذ می‌گردد.

٤. مطالعه موردی سه شهرستان تنکابن، رامسر و عباس‌آباد واقع در غرب استان مازندران

در این بخش سه شهرستان تنکابن، عباس‌آباد و رامسر واقع در غرب استان مازندران به‌عنوان لایه خرد در نظر گرفته است و درنهایت نوع مداخله مناسب در سه شهرستان با توجه مهم‌ترین عامل بی‌ثبات کننده منطقه‌ای و هم‌چنین عوامل تشدیدکننده استانی و ملّی این بی‌ثباتی معرفی می‌گردد. در جدول (۱) خلاصه‌ای از وضعیت برخی از شاخص‌های مهم سه شهرستان در انتهای دهه ۱۳۹۰ نشان داده شده است. همان‌طور که در جدول مشخص شده است تقریباً هیچ‌کدام از شاخص‌های مدنظر این تحقیق در وضعیت مطلوبی قرار ندارند.

جدول ۱: وضعیت شاخص‌های توصیف‌کننده وضع موجود

شاخص	وضعیت	توضیحات
سرمایه اجتماعی	نامطلوب	طبق برآوردهای این تحقیق میزان آن در هر دو سطح عمومی و تخصصی زیر ۱۰ درصد است.
وضعیت اشتغال	نامطلوب	نرخ بیکاری سه شهرستان بالاتر از متوسط نرخ بیکاری استان، وجود اشتغال ناقص در بخش خدمات گردشگری طبق برآوردهای این تحقیق
وضعیت آموزش	نامطلوب	عدم همخوانی آموزش‌های عمومی و تخصصی در منطقه با مزیت‌های بالقوه موجود در آن
وضعیت کسب‌وکارهای اصلی	نامطلوب	ارزش‌افزوده و میزان رقابت‌پذیری نسبتاً پایین بخش‌های اصلی

مأخذ: یافته‌های این تحقیق

از منظر «رویکرد پدیدارگرایانه کوانتمی» برای تشریح علت شکل‌گیری وضع نابسامان موجود سه شهرستان باید به سراغ محرک‌های اولیه بی‌ثبات کننده و کیفیت پاسخ رهبران سیاسی به این محرک‌ها رفت. در مورد نحوه تعیین عامل مسلط بی‌ثباتی در سه شهرستان لازم به ذکر است که محرک‌های اولیه منطقه‌ای در مقایسه با محرک‌های استانی و ملّی در ایجاد بی‌ثباتی‌ها دارای وزن بیشتری هستند. درواقع در چارچوب تحلیلی این تحقیق محرک‌های اولیه سطح استانی و ملّی مؤثر بر تحولات منطقه‌ای عموماً تشدیدکننده پیامدهای عامل مسلط بی‌ثبات کننده سه شهرستان در نظر گرفته می‌شود. مطالعات صورت پذیرفته در این تحقیق نشان می‌دهد که در سه شهرستان عامل مسلط در شکل‌دهی بی‌ثباتی‌ها از میان لیست اتفاقات مهم تاریخی تأثیرگذار بر آن، محرک اولیه منطقه‌ای گسترش خرده مالکی و کوچک شدن ابعاد زمین‌های کشاورزی از ابتدای دهه ۱۳۷۰ است؛ به‌طوری‌که شوک‌های ارزی ناشی از تحریم‌ها طی دهه ۱۳۹۰ (محرک سطح ملّی) و کاهش نفوذ و قدرت چانه‌زنی مناطق غربی استان مازندران در تصمیمات استانی و ملّی با انتقال مرکز ثقل قدرت از منطقه تنکابن تاریخی (محال ثلاث) به ساری به‌عنوان مرکز استان مازندران در دوره پهلوی اول (محرک سطح استانی) به‌عنوان عامل تشدیدکننده اثرات گسترش خرده مالکی در منطقه محسوب می‌گردند.

٤,١. بررسی پیامدهای اقتصادی و اجتماعی گسترش خرده مالکی در سه شهرستان

یکی از نتایج گسترش خرده مالکی در منطقه تغییر الگوی کشت از محصولات سنتی منطقه نظیر برنج، مرکبات و چای به محصولات جدید نظیر کیوی و گل و گیاه با بهره‌وری بالاتر از اوایل دهه ۱۳۷۰ بود. شکل (٤) منحنی ناپایداری رشد تولید محصولات کشاورزی منطقه را در طول زمان نشان می‌دهد. در مورد این شکل باید به دو نکته توجه شود، اول اینکه محصولات کشاورزی نظیر کیوی و گل و گیاه متأخرند و از اوایل دهه ۷۰ به بعد به دلیل بهره‌وری بالاتر آن‌ها در هکتار در منطقه

رشد و توسعه پیدا کردند و جانشین محصولات سنتی نظیر برنج، چای و مرکبات شدند. نکته دوم اینکه با ورود هر محصول جدید در منطقه ابتدا یک دوره رشد سریع و ناگهانی بدون برنامه به دلیل بکر بودن بازار محصول و حاصلخیز بودن خاک و توان بالای اقلیم منطقه صورت می‌پذیرد، در گام بعدی بلافاصله با افزایش تعداد بهره‌برداران و عدم دسترسی به بازارهای بزرگ دوره رکود و افول شروع می‌شود. لذا با وجود واکنش کسب‌وکارهای منطقه به کوچک شدن ابعاد زمین‌های کشاورزی از طریق جایگزین کردن محصولات با ارزش‌افزوده بالاتر در هکتار، به دلیل افزایش تعداد بهره‌وران کوچک‌مقیاس در طول زمان، منطقه غرب استان مازندران از ظرفیت‌های لازم برای شکل‌دهی به برندهای مناسب فروش محصولات جدید کشاورزی جهت رقابت برای دست‌یابی به بازارهای بزرگ‌تر بین‌المللی برخوردار نبوده است.

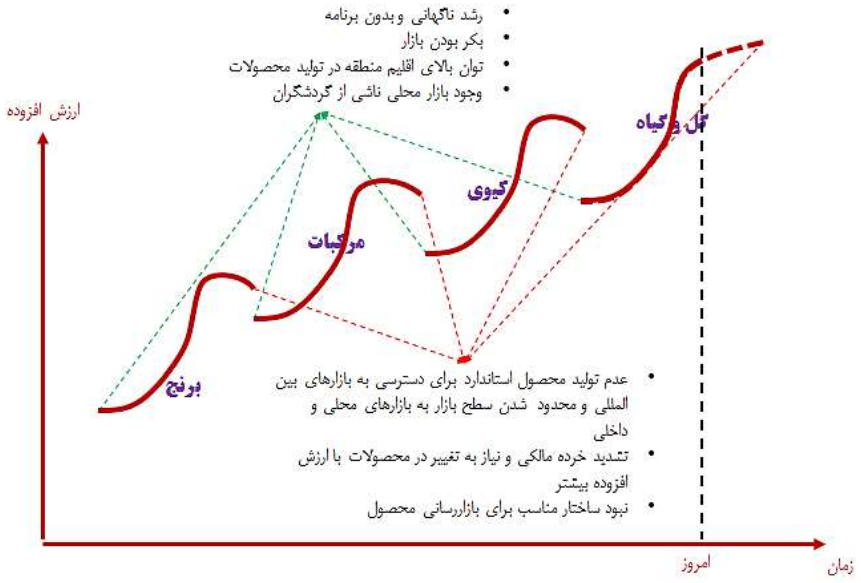

شکل ٤. منحنی ناپایداری رشد تولید محصولات کشاورزی در منطقه

مأخذ: یافته‌های تحقیق

پیامد بسیار مهم دیگر گسترش خرده مالکی در سه شهرستان تغییر کاربری آن‌ها جهت ایجاد زیرساخت‌های فیزیکی مرتبط با خدمات گردشگری بوده است. به نظر می‌رسد در کنار کوچک شدن ابعاد زمین‌ها نزدیکی و قابل‌دسترس بودن این منطقه از مسیر جاده چالوس برای شهرهای پرجمعیت تهران و کرج در افزایش قیمت زمین‌های منطقه غرب استان مازندران بسیار مؤثر بوده است. بالا رفتن سرسام‌آور قیمت املاک در این منطقه هزینه–فایده تولید محصولات کشاورزی سنتی نظیر برنج و چای را به‌شدت تغییر داده است. نتیجه آنکه شاهد یک تغییر روند و حرکت به سمت کسب‌وکارهای با ارزش‌افزوده بالاتر مرتبط جریان ورود گردشگر بوده‌ایم. با وجود گسترش کسب‌وکارهای منتسب به بخش خدمات گردشگری، این حوزه نیز با وضعیت مطلوب خود فاصله زیادی دارد. برای توضیح بیشتر شکل (۵) زنجیره ارزش گردشگری در وضعیت ایدئال را نشان می‌دهد. مطابق یک تعریف استاندارد، گردشگر به کسی گفته می‌شود که حداقل یک شبانه‌روز از محل دائمی‌زندگی خود دور شود، در هتل یا متل اقامت (هزینه آن را بپردازد)، در رستوران غذا بخورد (هزینه آن را بپردازد)، از جاذبه‌ها دیدن کند (هزینه آن را بپردازد)، از سرگرمی‌ها لذت ببرد (هزینه آن را بپردازد) و از خدمات پشتیبان (خرید سوغات و...) استفاده نمایید (هزینه آن را بپردازد) و در پایان به محل اقامتش برگردد. به زبان ساده‌تر، گردشگر کسی است که اصطلاحاً طول زنجیره ارزش را بپیماید. حال پرسش آن است که چند درصد از مسافرانی که به منطقه غرب استان مازندران وارد می‌شود طبق این تعریف گردشگر محسوب می‌شوند؟



شکل ۵. زنجیره ارزش گردشگری در وضعیت ایدئال

مأخذ: یافته‌های تحقیق

شکل (٦) وضعیت اسکان مسافران در ١٤ روز نوروز، سه ماه تابستان و هشت ماه و نیم باقیمانده سال ۱۳۹۵ در منطقه را نشان می‌دهد. سال ۱۳۹۵ به این دلیل انتخاب شده است که قبل از بیماری همه‌گیر کرونا بوده است. برآوردها نشان می‌دهد که تنها حدود ۵ درصد افرادی که به‌عنوان گردشگر به منطقه وارد می‌شوند از مکان‌ها و فضاهای مرتبط با گردشگری استفاده می‌کنند، ۹۵ درصد دیگر در مکان‌های غیر مرتبط اسکان می‌یابند که ویلاها با حدود ٦٠ درصد اسکان بالاترین سهم را به خود اختصاص داده‌اند.

بنابراین وضعیت زنجیره ارزش گردشگری منطقه در مقایسه با مدل استاندارد آن بسیار ناقص بوده و می‌توان گفت که آنچه در منطقه اتفاق می‌افتد را نمی‌توان گردشگری نامید بلکه افرادی هستند که به منطقه وارد و با یک هزینه ناچیز از مزیت‌های طبیعی منطقه استفاده می‌نمایند.



شکل ٦. وضعیت مسافرپذیری در نوروز و تابستان سال ۱۳۹۵

مأخذ: یافته‌های تحقیق

یکی دیگر از پیامدهای گسترش خرده مالکی و کوچک شدن ابعاد زمین‌های کشاورزی به‌ویژه در مناطق روستایی تغییر کاربری زمین‌ها و تبدیل شدن آن‌ها به ویلا و آپارتمان جهت خوش‌نشینی بوده است. به‌طورکلی می‌توان این خوش‌نشین‌های مناطق روستایی را به چهار گروه تقسیم می‌شوند؛ بومیان منطقه، بومیان مهاجر به استان‌های البرز و تهران و افراد غیربومی استان‌های دیگر و گردشگرانی که به‌جای هتل‌ها در ویلاهای شخصی اقامت می‌کنند. آنچه طی یک

دهه اخیر نگران‌کننده شده است رشد شتابان واحدهای مسکونی خوش‌نشین ساخته شده در مقایسه با واحدهای مسکونی مقیم به‌ویژه در مناطق روستایی بوده است (شکل ۷).

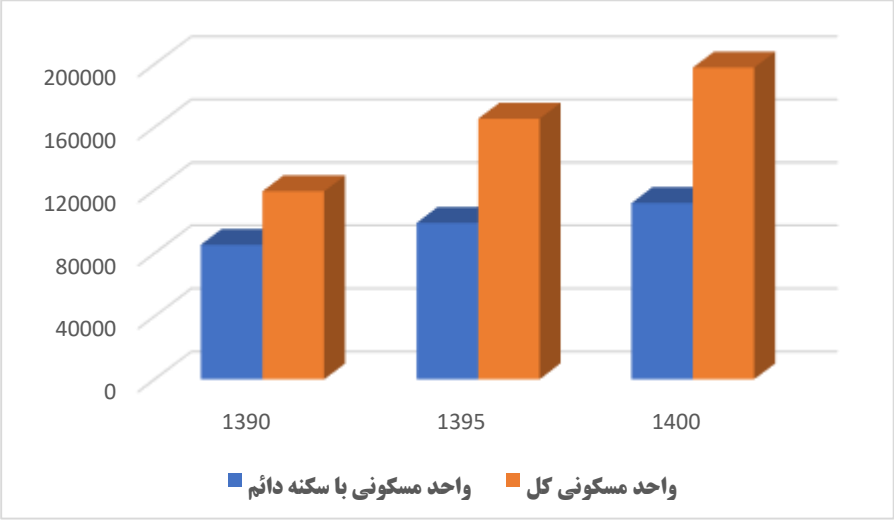

شکل ۷. مقایسه تغییرات کل واحدهای مسکونی دائمی و خوش‌نشینی

مأخذ: یافته‌های تحقیق

٤,۲. انتخاب نوع مداخله مناسب برای سه شهرستان

درمجموع می‌توان گفت که فعالیت‌های مرتبط به کشاورزی و جریان ورود گردشگران و فعالیت‌های منتسب به بخش املاک و مستغلات مهم‌ترین کسب‌وکارهای سه شهرستان‌اند. واقعیت‌های منطقه بیانگر آن است که در شرایط کنونی به دلیل کوچک شدن ابعاد زمین‌های کشاورزی بخش کشاورزی نمی‌تواند محور توسعه آن باشد و مانع از توسعه بی‌رویه املاک و مستغلات شود. از سوی دیگر شاهد رونق فعالیت‌های منتسب به جریان ورود گردشگر در سه شهرستان هستیم که به تعبیری هنوز به معنای واقعی کلمه گردشگر نشده‌اند. این نکته در عین آنکه نشان‌دهنده توسعه‌نیافتگی بخش گردشگری در منطقه است؛ اما نشان‌دهنده جذابیت و ظرفیت بالای بخش گردشگری است. به نظر می‌رسد تعریف یک برنامه

اقدام مشترک به کمک حلقه میانی بین کارگزاران دولتی و ساکنان بومی منطقه در شرایط کنونی با محوریت گردشگری به شیوه‌ای که از کشاورزی منطقه نیز پشتیبانی نماید، می‌تواند از یک‌سو چالش‌های صنعت گردشگری را برطرف نموده و از سویی دیگر باعث حفظ زمین‌های کوچک‌مقیاس بخش کشاورزی گردد تا جریان اقتصادی مخرب ناشی از تبدیل زمین‌های کشاورزی به املاک و مستغلات کنترل گردد.

رسیدن به چنین هدفی نیازمند ایجاد مزیت منحصربه‌فرد جهت بهبود عملکرد بخش گردشگری است. ولی پرسش اصلی آن است که چه نوع مزیت منحصربه‌فردی باید ایجاد شود تا مزیت‌های بالقوه طبیعی کنونی که جاذبه اصلی منطقه است نیز حفظ شود و منجر به توسعه پایدار منطقه گردد. احداث مراکز تفریحی و اقامتی و ... می‌تواند بخش کوچکی از مردم منطقه را منتفع نماید. از سوی دیگر باید روند مخرب ویلاسازی نیز متوقف شود. اگر اقدامات انجام شده به افزایش درآمد کشاورزان کمک نکند روند رو به رشد فروش زمین و ویلا سازی جاذبه‌های طبیعی منطقه را هم از بین خواهد برد.



شکل ۸. گردشگری ارگانیک موتور توسعه منطقه

مأخذ: یافته‌های تحقیق

ازاین‌رو پیشنهاد اصلی این پژوهش مداخله در زنجیره ارزش گردشگری جهت افزایش بیشتر درهم تنیدگی آن با زیربخش‌های دیگر نظیر مرکبات، گل و گیاه، گیاهان دارویی و ... است. ایده‌ای که اصطلاحاً تحت عنوان «گردشگری ارگانیک»

در مناطق روستایی در حال ترویج است و همکاری مسئولان در بالاترین سطوح سیاست‌گذاری را می‌طلبد. درواقع آنچه اصطلاحاً «گردشگری ارگانیک» نامیده شده است همان ارائه خدماتی با ارزش‌افزوده بالاتر به گردشگر است تا یک سبک زندگی سالم را در منطقه تجربه کند. اجرای چنین طرحی نه‌تنها منجر به شبکه‌سازی بسیاری از کسب‌وکارهای خرد و کوچک موجود در منطقه از طریق پیوند با زنجیره ارزش گردشگری می‌گردد بلکه زمینه را برای توسعه مستقل زنجیره‌های ارزش گل و گیاه و کیوی را نیز در منطقه فراهم می‌سازد.

یکی از ویژگی‌های مهم خدمات گردشگری کاربر بودن آن و درنتیجه در صورت توسعه هدفمند در زنجیره ارزش آن ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب است. مسئله اشتغال در عصر جدید و حاکمیت شبکه‌های نوین اجتماعی از این منظر بسیار مهم است که در عصر دیجیتال جایگاه افراد عادی را به یک مشارکت‌کننده فعال دارای قدرت چانه‌زنی بالا ارتقا یافته است. ازاین‌رو در چنین دنیایی مسئله ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب را نمی‌توان به‌عنوان موضوعی حاشیه‌ای در ذیل مفهوم رشد اقتصادی و افزایش بهره‌وری اقتصاد تعریف کرد. نتیجه آنکه پیاده‌سازی هر الگوی توسعه‌ای که تمرکز اصلی آن صرفاً بر رشد بهره‌وری و دست‌یابی به رشدهای اقتصادی بالاتر بدون آن‌که به مسئله اشتغال، رفاه عمومی افراد توجه کافی نداشته باشد شانس چندانی برای موفقیت ندارد و خروجی آن احتمالاً چیزی جز افزایش بی‌ثباتی‌های سیاسی و اجتماعی نخواهد بود.

از سویی دیگر توسعه نظام‌مند گردشگری از طریق اجرایی کردن ایده گردشگری ارگانیک در منطقه قابلیت رقابت‌پذیری کشور را در جذب گردشگران خارجی را در مقایسه با کشورهای همسایه نظیر ترکیه و امارات متحده عربی بهبود می‌بخشد. بهبود رقابت‌پذیری در بخش گردشگری نیز به‌نوبه‌خود منجر به تسهیل ورود ارز به داخل کشور از طریق جذب گردشگر خارجی و کاستن از فشار بر تراز پرداخت‌ها در شرایط تحریمی می‌گردد. ضمن آنکه برنامه‌ریزی برای جذب گردشگر از

کشورهای همسایه و دیگر کشورهای درحال‌توسعه آسیایی نظیر چین، روسیه، هند و ... امکان ادغام ایران در زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای در حال گسترش کریدور شمال–جنوب و شرق– غرب (ابتکار کمربند یک جاده) را از طریق بهبود مراودات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی افزایش می‌دهد.

٤,٣. اصلاحات نهادی مناسب استانی

یکی از مهم‌ترین موانع پیش‌روی مداخله مناسب در سه شهرستان تمرکزگرایی در نظام برنامه‌ریزی و اجرایی کشور بوده است که در آن مراکز اصلی تصمیم‌گیری از دوره پهلوی اول تاکنون به تهران و ساری منتقل شده است؛ درواقع چنین وضعیتی امکان واکنش مناسب را به کارگزار دولتی لایه خرد جهت مقابله با عوامل بی‌ثبات کننده مؤثر در این لایه را نمی‌دهد. از سوی دیگر توسعه فناوری‌های نوین ارتباطی نیز اجرا و پیاده‌سازی هر الگوی توسعه‌ای مبتنی بر رویکردهای از بالا به پایین را در عصر جدید تقریباً غیرممکن کرده است. ازاین‌رو الگوی کلی مدنظر این تحقیق طراحی یک رابطه دوطرفه بین سطح کلان و سطح خرد از طریق معرفی لایه میانه مطابق شکل (۲) بوده است. لذا یکی از موضوعاتی که در این تحقیق باید مورد توجه قرار گیرد اصلاحات نهادی در سطح استانی به‌عنوان لایه میانه است تا اساساً مداخله در رسته هدف انتخاب شده در سه شهرستان (اجرای طرح گردشگری ارگانیک) توسط کارگزار دولتی امکان‌پذیر شود.

شکل (۹) الگوی پیشنهادی این تحقیق جهت پیاده‌سازی اصلاحات نهادی و مدیریتی در استان مازندران را نشان می‌دهد. در این طرح پیشنهادی، ساختار مدیریتی استان مازندران به سه لایه سطح عالی، نواحی سه‌گانه و خرد نواحی هفت‌گانه تقسیم شده است؛ بنابراین در مقایسه‌این ساختار پیشنهادی با ساختار متمرکز موجود شکل گرفته مبتنی بر رانت نفت باید گفت که مهم‌ترین تغییر در ساختار مدیریتی و برنامه‌ریزی استان افزوده شدن یک لایه‌های نواحی سه‌گانه و لایه‌های خرد نواحی هفت‌گانه است. لذا با توجه به ترتیبات نهادی شکل (۹) پیشنهاد این تحقیق مطالعه و اجرای

هفت برنامه مداخلاتی متمایز با یکدیگر با توجه به چالش‌های روی زمین هر یک از نواحی خرد هفت‌گانه است؛

۱) ناحیه غرب استان شامل دو برنامه؛ برنامه مداخلاتی شهرستان‌های رامسر، تنکابن و عباس‌آباد (خرد ناحیه اول) و برنامه مداخلاتی شهرستان‌های نوشهر و چالوس و کلاردشت (خرد ناحیه دوم).

۲) ناحیه میانی استان شامل دو برنامه؛ برنامه مداخلاتی شهرستان‌های آمل، نور و محمودآباد (خرد ناحیه سوم) و برنامه مداخلاتی شهرستان‌های بابل، بابلسر و فریدونکار (خرد ناحیه چهارم)

۳) ناحیه شرق استان مازندران شامل ۳ برنامه؛ برنامه مداخلاتی شهرستان‌های قائم‌شهر، سوادکوه شمالی، سوادکوه، سیمرغ و جویبار (خرد ناحیه پنجم)؛ برنامه مداخلاتی ساری و میانرود (خرد ناحیه ششم) و برنامه مداخلاتی شهرستان‌های گلوگاه، بهشهر، نکا (خرد ناحیه هفتم).

لذا مهم‌ترین وظیفه مدیریت در سطح نواحی سه‌گانه غرب، میانی و شرق ایجاد هماهنگی‌های لازم با مدیران عالی استانی جهت پیاده‌سازی و اجرای یک برنامه مداخلاتی با توجه به فرصت‌ها و تهدیدهای موجود در هر خرد ناحیه و در نظر گرفتن چالش تحریم‌های ثانویه ایالات‌متحده و مسئله ادغام در زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای (کریدور شمال–جنوب و ابتکار کمربند یک جاده) در لایه کلان است.

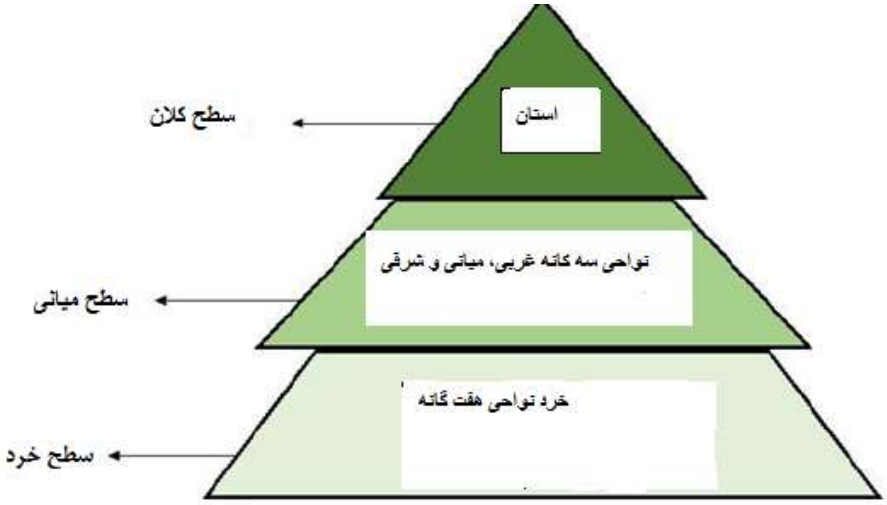

شکل ۹: ترتیبات نهادی پیشنهادی لایه استانی برای استان مازندران

مأخذ: یافته‌های تحقیق

٤,٤. اصلاحات نهادی مناسب در سه شهرستان

با توجه به شکل (۹) سه شهرستان تنکابن، رامسر و عباس‌آباد در ناحیه غربی از نواحی سه‌گانه و زیر ناحیه اول محسوب می‌شود. نتایج مطالعه حاضر نشان می‌دهد که عامل مسلط بی‌ثباتی در این خرد ناحیه گسترش خرده مالکی و کوچک شدن ابعاد زمین‌های کشاورزی از ابتدای دهه ۱۳۷۰ به بعد بوده است که پیامدهای آن با بی‌ثباتی‌های ناشی از تمرکزگرایی نظام بروکراسی و شوک‌های ارزی ناشی از تحریم‌ها ترکیب شده و وضع موجود را رقم زده است. راه‌حل پیشنهادی این مطالعه انتخاب رسته گردشگری ارگانیک به‌عنوان رسته هدف مداخله بوده است. شکل (۱۰) مسیرهای ٦ گانه زنجیره ارزش گردشگری ارگانیک را در سه شهرستان نشان می‌دهد. با توجه به اینکه در این سه شهرستان به‌طور تاریخی به دلیل ییلاق–قشلاق مردمان محلی یک بده و بستان اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به‌صورت شمال–جنوب شکل گرفته است؛ جهت استفاده از سرمایه اجتماعی به ارث رسیده از هنجارها و رفتارهای گذشته و همچنین اتصال مناطق ساحلی به مناطق جنگلی

بالادست مسیرهای گردشگری ٦ گانه در سه شهرستان به‌صورت شمال- جنوب از ساحل دریای خزر به مناطق کوهپایه‌ای رشته‌کوه‌های البرز میانی تعریف شده است.

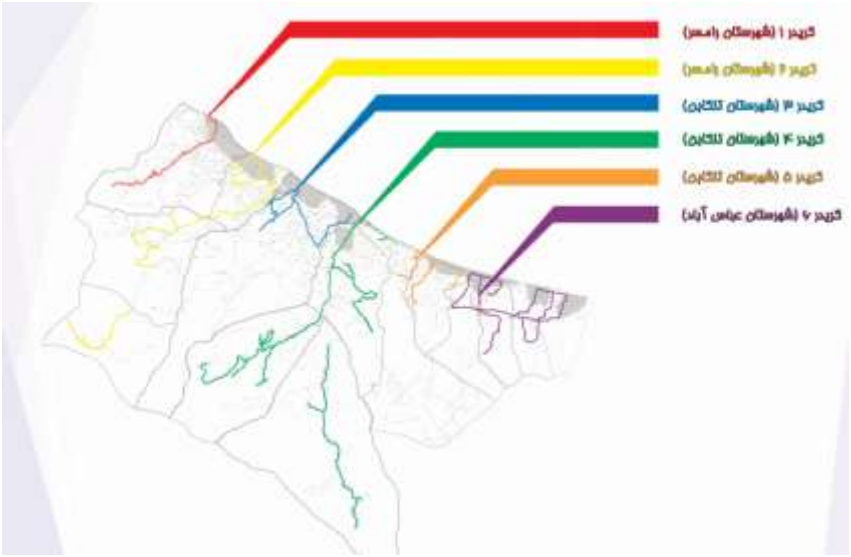

شکل ۱۰. مسیرهای ٦ گانه گردشگری ارگانیک تعریف شده در سه شهرستان

اجرایی شدن این برنامه در سه شهرستان نیز نیازمند اصلاحات نهادی در ساختار مدیریتی آن مطابق الگوی کلی شکل (۹) است. حال اگر سه شهرستان را مثابه یک کل در نظر بگیریم پیشنهاد مطالعه حاضر جهت اصلاحات نهادی به‌صورت شکل (۱۱) است. همان‌طور که از شکل پیداست در رأس هرم شورای برنامه‌ریزی خرد ناحیه اول از ناحیه غرب استان قرار دارد. حلقه میانی در اینجا یک نهاد توسعه‌ای متشکل از نمایندگان تشکل‌ها و نهادهای اجتماعی و اقتصادی و ارائه‌دهندگان خدمات به بنگاه‌ها و کسب‌وکارها در سه شهرستان است که به‌عنوان میانجی بین فعالین بخش خصوصی و کارگزاران دولتی عمل می‌نماید تا پروژه‌های مدنظر برای توسعه زنجیره ارزش گردشگری ارگانیک اجرایی شوند.

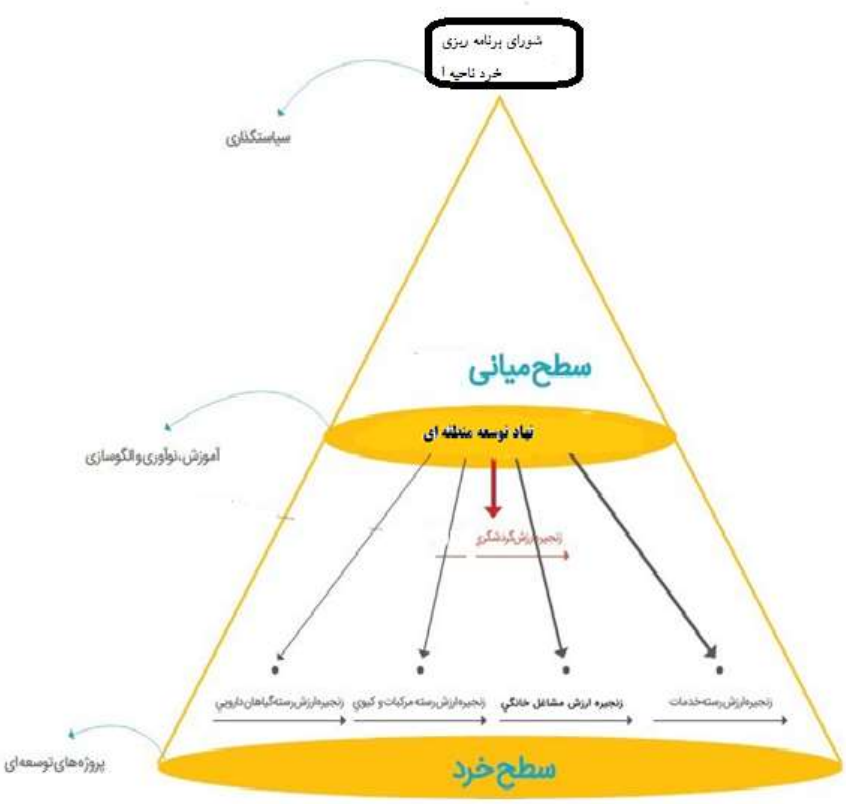

شکل ۱۱. اصلاحات نهادی پیشنهادی در سه شهرستان تنکابن، عباس‌آباد و رامسر

نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر چارچوب تحلیلی جدیدی تحت عنوان «رویکرد پدیدارگرایانه کوانتومی» معرفی شده است. مزیت اصلی این رویکرد توجه به مفهوم درهم‌تنیدگی به‌عنوان یکی از اصول موضوعه مهم مکانیک کوانتومی است که بستر را برای اجرای یک سیاست هماهنگ و یکپارچه به کمک تعریف حلقه‌های میانه فراهم می‌نماید. چراکه از منظر این رویکرد واقعیت ماهیتی بافتارمند دارد، نتیجه آنکه پنداشت بازیگران از واقعیت به بعد زمانی و مکانی رخدادهای ناسازگار بستگی دارد. درواقع این تفاوت پنداشت‌ها از واقعیت که منشأ تعارضات اجتماعی‌اند، پیامد برون‌ریزهای

منفی رخدادهای ناسازگار به‌عنوان محرک‌های اولیه بی‌ثباتی هستند. کاستن از تبعات منفی محرک‌های اولیه در گرو تعریف حلقه‌های میانی است تا امکان تحقق شرایط آستانه‌ای برای درهم‌تنیدگی تابع موج شناخت کل فراهم شود. با توجه به اهمیت محرک‌های اولیه در چارچوب تحلیلی این تحقیق، پیشنهاد سیاستی اصلی این تحقیق تفکیک آن‌ها مطابق الگوی شکل (۲) است که در آن سطح خرد شامل یک یا چند شهرستان و یا یک یا چند بخش در درون یک استان و استان‌ها به‌عنوان حلقه میانه تعریف شده است. درنهایت کشور نیز به‌عنوان سطح کلان در نظر گرفته شده است. در ادامه با توجه به اهمیت بیشتر محرک‌های اولیه بی‌ثباتی متأخر در این الگو، تحریم‌های ثانویه ایالات‌متحده از ابتدای دهه ۱۳۹۰، توسعه روزافزون تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی طی یک دهه گذشته و تغییرات نظم سیاسی و اقتصادی در فضای بین‌المللی و افزایش سهم تجارت جنوب- جنوب در تبادلات بین کشورها به‌عنوان سه محرک اولیه فراگیر سطح کلان در نظر گرفته شده است. در چارچوب تحلیل این تحقیق پاسخ سیاست‌گذار به این شوک‌های فراگیر در لایه کلان لزوماً سرریز مثبتی بر زیست اجتماعی و اقتصادی افراد در سطح خرد ندارد، چرا که پنداشت رهبران سیاسی در سطح کلان از پیامدهای این محرک‌ها ممکن است با تصویر ذهنی بازیگران لایه خرد هم‌خوانی نداشته باشد. به دلیل این پنداشت متفاوت پاسخ رهبران سیاسی به محرک‌های لایه کلان خود عامل افزایش نااطمینانی و تعارضات در لایه خرد خواهد شد. نتیجه آنکه در الگوی موردنظر ما کنترل تبعات منفی اقتصادی و اجتماعی پاسخ‌ها به شوک‌های لایه کلان بدون تعریف لایه میانی امکان‌پذیر نخواهد بود. تعریف حلقه میانی مطابق الگوی شکل (۲) نه‌تنها منجر به آن می‌شود که بتوان عوامل بی‌ثبات کننده هر لایه را به‌صورت مجزا در نظر گرفت، بلکه به سیاست‌گذاران این امکان را می‌دهد که در انتخاب پاسخ‌های خود به‌گونه‌ای هماهنگ عمل نمایند که اثرات مخرب انتقال یک سیاست بر سطوح دیگر مدنظر قرار گیرد.

در پایان بر اساس این الگوی پیشنهادی سه شهرستان تنکابن، عباس‌آباد و رامسر واقع در غرب استان مازندران به‌عنوان لایه خرد در نظر گرفته شده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که گسترش خرده مالکی در سه شهرستان از ابتدای دهه ۱۳۹۰ عامل مسلط بی‌ثباتی و درنتیجه گسترش بی‌رویه املاک و مستغلات و افزایش روزافزون ویلاسازی در مناطق بکر روستایی بوده است که دو عامل شوک‌های ارزی ناشی از تحریم‌ها طی دهه ۱۳۹۰ (محرک سطح ملّی) و کاهش نفوذ و قدرت چانه‌زنی مناطق غربی استان مازندران در تصمیمات استانی و ملّی با انتقال مرکز ثقل قدرت از منطقه تنکابن تاریخی (محال ثلاث) به ساری به‌عنوان مرکز استان مازندران در دوره پهلوی اول (محرک سطح استانی) به‌عنوان عامل تشدیدکننده آن در نظر گرفته شده است. درنهایت راه‌حل پیشنهادی این تحقیق مداخله در زنجیره ارزش گردشگری از طریق توسعه «گردشگری ارگانیک» بوده است. مداخله‌ای که از یک‌سو از اثرات تخریبی گسترش خرده مالکی در منطقه می‌کاهد و از سوی دیگر با افزایش رقابت‌پذیری بخش گردشگری در مقایسه با کشورهای همسایه بستر لازم را برای جذب گردشگر خارجی فراهم می‌شود. چنین چیزی خود منجر به کاهش فشار تحریم‌ها بر تراز پرداخت‌ها شده و از احتمال افزایش‌های ناگهانی نرخ ارز می‌کاهد. ضمن اینکه این رویکرد منجر به ادغام بیشتر غرب استان مازندران در کریدور شمال- جنوب و ابتکار یک کمربند یک راه چین می‌گردد.

فهرست منابع

-ربیعی، علی و منصوری، عیسی (۱۳۹۶). توسعه اشتغال پایدار (جلد اول)، موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، تهران.

-گیلک حکیم‌آبادی، محمدتقی؛ مرادی، ابوذر؛ و کریمی موغاری، زهرا (۱۴۰۲). رویکرد پدیدارگرایانه کل گرای کوانتمی؛ نگاهی نو به مسئله نهادها و تغییرات نهادی، فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی، انتشار آنلاین از تاریخ ۱۱ دی ۱۴۰۲.

-مرادی، ابوذر (۱۴۰۳). رویکرد پدیدارگرایانه کوانتومی؛ چیستی واقعیت در علوم اجتماعی، فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی، ۳۰(۱۱۹)، ۷۳-۹۳.

-مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، معاونت پژوهش‌های اقتصادی (۱۳۹۹)، «تصویری از وضعیت اقتصادی کشور؛ چالش‌ها و راهکارها».

- Chang, H.J (2007), “Institutional Change and Economic Development”, United Nations University Press.
- Haven, E. Khrennikov, A. & Khrennikov, A. I, (2013), “Quantum Social Science”, Cambridge University Press.
- Haven, E. Khrennikov, A. Ma, A. & Sozzo, S. (2018), “Introduction to quantum probability theory and its economic applications”. Journal of Mathematical Economics 78: 127-130.
- Höne, K. E, (2017), “Quantum Social Science”, Oxford University Press.
- Ianchovichina.E, Gable.S(2009). Inclusive growth analytics: framework and application, Policy Research Working Paper, No 4851.
- Kim, G. & Nho, E. W. (2019), “A Review of Quantum Games”, Journal of Young Investigators, 37(۲).
- Krueger, A.O. (1990). Asian trade and growth lessons, in American Economic Review, Vol. 80, No. 2, pp. 108–112.
- Lucas, R. E. JR (1988), "On the Mechanics of Economic Development", Journal of Monetary Economics, July.
- Narayan, D. Patel, R. Schafft, K. Rachemacher, A. and Koch-Schulte, S. (2002), Voices of the Poor: Can Anyone Hear Us? World Bank, Washington, DC.
- Oqubay, A. and Ohno, K. (2019), “How Nations learn”, oxford university press.
- Orrell, D. (2018), “quantum economics: The new science of money”. Icon Books.

- Orrell, D. (2020), “The value of value: A quantum approach to economics, security and international relations”. Security Dialogue 51(5): 482–498.
- Orrell, D. (2021), A Quantum Walk Model of Financial Options. Wilmott, 2021: 62-69.
- Ramos, R. and Ranieri,R. (2013). Inclusive Growth: Building up a Concept, International Policy Centre for Inclusive Growth (IPC-IG). Working Paper Number 104, 1-21.
- Rodrik, Dani(2007), “One Economics. Many Recipes, Globalization, Institutions, and Economic Growth”, Princeton University Press.
- Salazar-Xirinachs, José Manuel; Nübler, Irmgard; Kozul-Wright, Richard (2014), “Transforming Economies: Making industrial policy work for growth”, jobs and development, international labor office,Geneva.
- Wendt Alxander (2015), “Quantum Mind and Social Science: Unifying Physical and Social Ontology”, Cambridge University Press.

شورای همگرایی نیروهای انقلابی در شهرستان اسلامشهر و نقش آن در مدیریت مسائل اجتماعی و سیاسی منطقه

اسداله تقی زاده

چکیده

شورای همگرایی نیروهای انقلابی در شهرستان اسلامشهر، به‌عنوان یک ابتکار اجتماعی و سیاسی، در سال ۱۳۹۳ با هدف بهره‌گیری از ظرفیت‌های نیروهای نخبه منطقه تأسیس شد. این شورا با ایجاد هم‌افزایی میان نیروهای انقلابی، نقش مؤثری در مدیریت مسائل اجتماعی و سیاسی منطقه ایفا کرده است. دستاوردهای شاخص این شورا شامل موفقیت در دو دوره متوالی انتخابات شوراهای اسلامی، انتصاب شهرداری انقلابی و اجرای پروژه‌های عمرانی بزرگ مانند ساخت مترو است که تغییرات چشمگیری در زیرساخت‌های منطقه ایجاد کرده‌اند. همچنین، این شورا در مدیریت بحران‌های اجتماعی نظیر اغتشاشات سال ۱۳۹۸ و مقابله با چالش‌های دوران کرونا از طریق تشکیل گروه‌های خدمت و امنیتی، عملکردی موفق و اثرگذار داشته است. با وجود برخی نقایص در عملکرد، این شورا به‌عنوان الگویی از میدان‌داری نیروهای انقلابی توانسته است در خدمت نظام اسلامی و تحقق اهداف انقلاب گام بردارد. پژوهش حاضر با بررسی این تجربه منحصربه‌فرد، به تحلیل تأثیرات اجتماعی، سیاسی و مدیریتی این تشکل می‌پردازد و ابعاد مختلف موفقیت و چالش‌های آن را مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی: شورای همگرایی، نیروهای انقلابی، انتخابات شوراهای اسلامی، مدیریت بحران، هم‌افزایی اجتماعی، توسعه عمرانی.

مقدمه

مفهوم حلقه‌های میانی در نظریه‌های اجتماعی و سیاسی انقلاب اسلامی، به‌عنوان سازوکاری حیاتی برای ایجاد ارتباط مؤثر بین نهادهای حاکمیتی و بدنه مردمی مطرح می‌شود. این مفهوم بر لزوم تقویت ساختارهای واسطه‌ای تأکید دارد که می‌توانند با ایجاد هم‌افزایی میان نیروهای مختلف، مشارکت فعال مردم را در حل مسائل اجتماعی و سیاسی تسهیل کنند. در این زمینه، شورای همگرایی نیروهای انقلابی شهرستان اسلامشهر، به‌عنوان یک نمونه عملی و موفق از این مفهوم، از سال ۱۳۹۳ تاکنون تجربه‌ای بارز از کنش انقلابی و مدیریت مشارکتی را به نمایش گذاشته است.

شورا، با محوریت نیروهای نخبه اجتماعی و سیاسی منطقه و با حمایت نهادهای روحانیت و ائمه جمعه، به بستری پویا برای همگرایی و تقویت انسجام میان نیروهای انقلابی تبدیل شده است. این نهاد توانسته است با اقدامات مؤثر خود در مدیریت بحران‌های امنیتی، اجتماعی و بهداشتی، مانند اغتشاشات سال ۱۳۹۸ و بحران کرونا، الگویی نوآورانه در مدیریت مسائل منطقه‌ای ارائه دهد. در کنار این، تأثیرات شورا در پروژه‌های زیرساختی مانند ساخت مترو و موفقیت‌های انتخاباتی شوراهای اسلامی، آن را به یکی از بازیگران اصلی در ارتقای کیفیت زندگی شهروندان و تقویت زیرساخت‌های منطقه تبدیل کرده است.

تحلیل دقیق تجربه شورای همگرایی اسلامشهر نشان می‌دهد که این نهاد به‌عنوان یکی از مصادیق برجسته حلقه‌های میانی، نقشی اساسی در کاهش فاصله میان مردم و نهادهای حاکمیتی ایفا کرده است. بااین‌حال، عملکرد این شورا نیز همچون هر نهاد مردمی دیگر، بدون چالش نبوده و نیازمند بازنگری و اصلاحات برای تعمیم به سایر مناطق مشابه است.

در این پژوهش، تلاش خواهد شد تا مفهوم حلقه‌های میانی در بستر عملکرد شورای همگرایی نیروهای انقلابی اسلامشهر مورد بازشناسی قرار گیرد. از طریق

تجربه‌نگاری این کنش انقلابی، سعی خواهد شد تا ابعاد موفقیت و چالش‌های آن تحلیل شود. نتایج این پژوهش می‌تواند با ارائه راهکارهای عملی، هم به بهبود عملکرد شوراهای مشابه کمک کند و هم الگویی الهام‌بخش برای توسعه مدل‌های مدیریتی مبتنی بر هم‌افزایی اجتماعی و سیاسی فراهم آورد.

پیشینه پژوهش

در تجربه شکل‌گیری و فعالیت تشکل‌های مردمی در ایران، به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی، نهادهایی خودجوش و مردمی برای پاسخ‌گویی به نیازهای مردم و حل بحران‌ها ایجاد شدند. این شوراها به‌ویژه در مناطق حاشیه‌ای و کم‌برخوردار، نقش محوری در ایجاد ارتباط میان مردم و نهادهای حکومتی ایفا کرده‌اند. در این راستا، شورای همگرایی نیروهای انقلابی اسلامشهر نمونه‌ای برجسته از این نهادها است که با بهره‌گیری از ظرفیت‌های مردمی و انقلابی، تحولات چشمگیری در عرصه‌های مدیریتی، اجتماعی و سیاسی در این شهرستان ایجاد کرده است.

پیشینه فعالیت‌های مشابه در سایر مناطق ایران نشان می‌دهد که شوراهای مردمی و انقلابی می‌توانند به‌عنوان حلقه‌های میانی مؤثر، شکاف‌های موجود میان مردم و حاکمیت را کاهش داده و هم‌افزایی لازم برای حل مسائل اجتماعی و سیاسی را فراهم کنند. در شهرستان اسلامشهر، فعالیت شورای همگرایی با تمرکز بر مسائل محلی و با تکیه بر هم‌افزایی نیروهای انقلابی، دستاوردهایی چشمگیر در عرصه‌های مختلف ازجمله انتخابات شوراهای اسلامی، تغییرات مدیریتی در شهرداری و اجرای پروژه‌های عمرانی بزرگ مانند ساخت مترو داشته است. این شورا با بهره‌برداری از همگرایی نیروهای انقلابی توانسته است در مدیریت بحران‌ها و پیشبرد پروژه‌های منطقه‌ای و اجتماعی مؤثر واقع شود.

حلقه‌های میانی مردمی به‌عنوان مفهومی نوآورانه در عرصه حکمرانی و جامعه‌سازی، نخستین بار توسط آیت‌الله خامنه‌ای مطرح شدند. این حلقه‌ها به‌عنوان نهادهایی مردمی و نخبگانی در میانه دولت و مردم، نقشی اساسی در حل مسائل ملی و محلی

ایفا می‌کنند. هدف این نهادها، برقراری ارتباط مؤثر میان حاکمیت و مردم، شناسایی مشکلات و ارائه راهکارهای عملی برای رفع آن‌ها است. حلقه‌های میانی از دل مردم برخاسته و بر اساس مشارکت داوطلبانه و خودجوش اعضای جامعه شکل می‌گیرند.

ویژگی‌های حلقه‌های میانی مردمی عبارت‌اند از: میانجی‌گری بین مردم و دولت، ایجاد پایگاه مردمی از دل جامعه و حل مسئله به‌صورت عملی و مبتنی بر واقعیت. حلقه‌های میانی با تسهیل مشارکت مردمی، ترغیب افراد به مشارکت فعال در فرآیندهای حکمرانی و تصمیم‌گیری و ارائه راهکارهای عملی برای حل مشکلات، به تقویت انسجام اجتماعی و همبستگی عمومی کمک می‌کنند.

این نهادها در قالب‌های مختلف فعالیت می‌کنند که ازجمله آن‌ها می‌توان به احزاب، اندیشکده‌ها، بسیج، سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن‌ها) و گروه‌های جهادی اشاره کرد. هر یک از این گروه‌ها در راستای اهداف مختلف اجتماعی، فرهنگی، علمی و اقتصادی، نقش مهمی در ایجاد ارتباطات مؤثر بین مردم و حاکمیت دارند و به حل مسائل ملی و محلی کمک می‌کنند.

حلقه‌های میانی مردمی در راستای تمدن‌سازی نوین اسلامی نیز نقش کلیدی دارند. با بهره‌گیری از ظرفیت‌های مردمی و نخبگانی، این نهادها به حل مسائل اجتماعی و پیشبرد اهداف تمدنی در ایران کمک کرده و در جهت ساخت تمدن اسلامی بر پایه ارزش‌های انسانی و انقلابی گام برمی‌دارند.

با وجود مزایای متعدد، این نهادها با چالش‌هایی نیز مواجه هستند. ازجمله این چالش‌ها می‌توان به عدم آگاهی کافی از نقش و کارکرد حلقه‌های میانی، نبود ساختارهای حمایتی مناسب و مقاومت برخی نهادهای حاکمیتی و دولتی در برابر فعالیت‌های مردمی اشاره کرد؛ اما درعین‌حال، فرصت‌هایی همچون افزایش مشارکت مردمی، تقویت ارتباطات میان مردم و حاکمیت و ایجاد بسترهای مناسب برای حل مسائل ملی و محلی از مهم‌ترین دستاوردهایی است که حلقه‌های میانی می‌توانند

فراهم کنند. درنهایت، حلقه‌های میانی مردمی به‌عنوان الگویی نوین در حکمرانی، نقشی محوری در تقویت مشارکت مردمی و حل مسائل ملی دارند. این نهادها با استفاده از ظرفیت‌های اجتماعی و نخبگانی، به تقویت انسجام اجتماعی و پیشبرد اهداف تمدنی در راستای توسعه کشور و جامعه اسلامی کمک می‌کنند.

حلقه‌های میانی در نظریات اجتماعی و سیاسی

حلقه‌های میانی مفهومی کلیدی در نظریات جامعه‌شناسی و علوم سیاسی، به‌ویژه در مطالعات مربوط به انقلاب و تحولات اجتماعی هستند. این حلقه‌ها به‌عنوان ساختارهایی واسطه‌ای میان نهادهای حکومتی و بدنه اجتماعی عمل کرده و نقش مهمی در تقویت توانمندی‌های مدیریتی و اجتماعی ایفا می‌کنند. بر اساس دیدگاه‌های مایکل فوکو و آنتونی گیدنز، حلقه‌های میانی علاوه بر شکل‌دهی هویت اجتماعی و سیاسی، در جوامع درحال‌توسعه می‌توانند نهادهایی مؤثر در انتقال قدرت و توانمندسازی مردم باشند. به‌ویژه شوراهای مردمی و انقلابی با تقویت ارتباط میان نهادهای حکومتی و مردم، ظرفیت‌های اجتماعی و سیاسی را افزایش داده و به تحولات اساسی در ساختارهای حکومتی و اجتماعی کمک می‌کنند.

هم‌افزایی و همگرایی نیروهای انقلابی

در جوامع انقلابی، هم‌افزایی میان گروه‌های اجتماعی و سیاسی مختلف می‌تواند موتور محرکه‌ای برای ایجاد تغییرات بنیادی در سیستم‌های حکومتی باشد. شورای همگرایی نیروهای انقلابی اسلامشهر نمونه‌ای موفق از این همگرایی است که توانسته با ایجاد ارتباط مؤثر میان نیروهای انقلابی و نهادهای محلی، تأثیرگذاری قابل‌توجهی در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی منطقه داشته باشد. این شورا در زمان بحران‌هایی همچون اغتشاشات سال ۱۳۹۸ و بحران کرونا، با مدیریت کارآمد خود توانست تنش‌ها را کاهش داده و بر انسجام اجتماعی تأثیر مثبت بگذارد.

هم‌افزایی این نیروها به تحقق تغییرات مهم اجتماعی و سیاسی و همچنین تقویت همبستگی ملی کمک شایانی کرده است.

نقش شوراهای مردمی در مدیریت اجتماعی و سیاسی

شوراهای مردمی در مدل‌های مدیریتی مدرن به‌عنوان نهادهایی شناخته می‌شوند که می‌توانند در تصمیم‌گیری‌ها و حل مسائل اجتماعی و سیاسی ایفای نقش کنند. این شوراها، به‌ویژه در شرایط بحرانی، با تقویت انسجام اجتماعی و مدیریت مؤثر بحران‌ها، به‌عنوان ابزارهای کلیدی برای پیشبرد اهداف اجتماعی و سیاسی شناخته می‌شوند. تجربیات جهانی نشان می‌دهد شوراهای مردمی در جوامع مختلف از ظرفیت‌های گسترده‌ای برای حل چالش‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی برخوردارند. در ایران، به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی، شوراها واسطه‌ای میان مردم و دولت بوده‌اند و در مدیریت بحران‌ها و اجرای پروژه‌های عمرانی نقش مؤثری داشته‌اند. این شوراها با تمرکز بر هم‌افزایی نیروهای نخبه محلی، علاوه بر پاسخ‌گویی به نیازهای مردمی، توانسته‌اند توسعه اجتماعی و سیاسی را تسریع بخشند.

تحلیل و ارزیابی موفقیت‌ها و چالش‌های شورای همگرایی اسلامشهر

شورای همگرایی نیروهای انقلابی اسلامشهر در عرصه‌های گوناگون، به‌ویژه پروژه‌های عمرانی و مدیریتی، دستاوردهای قابل‌توجهی داشته است. به‌عنوان‌مثال، اصلاح ساختارهای مدیریتی شهرداری یکی از موفقیت‌های بارز این شورا بوده است. بااین‌حال، چالش‌هایی همچون محدودیت‌های مدیریتی، مسائل امنیتی و برخی مشکلات اجتماعی نیز در عملکرد آن مشهود است. تحلیل این چالش‌ها و ارائه راهکارهای مبتنی بر تجربیات این شورا می‌تواند به بهبود عملکرد شوراهای مشابه در دیگر مناطق کمک کند. همچنین بررسی این مسائل می‌تواند به تدوین

سیاست‌هایی برای افزایش کارایی و کاهش موانع در فرآیندهای تصمیم‌گیری و اجرای پروژه‌ها منجر شود.

اهداف اصلی تشکیل شورای همگرایی اسلامشهر:

شورای همگرایی اسلامشهر با هدف ایجاد تحول در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی منطقه، در راستای ارزش‌های انقلاب اسلامی تشکیل شد. این شورا، با بهره‌گیری از توان نیروهای انقلابی و تعامل نزدیک با مردم، به دنبال تحقق اهداف زیر بوده است:

أ. **ایجاد همگرایی و هم‌افزایی میان نیروهای انقلابی**

شورا با ایفای نقش واسطه‌ای میان گروه‌ها و افراد مختلف، زمینه اتحاد و هماهنگی میان نیروهای انقلابی با سلایق مختلف را فراهم کرد. این همگرایی، بستری مناسب برای هم‌جهت‌سازی اهداف و اقدامات این نیروها در راستای توسعه محلی و منطقه‌ای ایجاد نمود.

ب. **تقویت ارتباط میان مردم و نهادهای حکومتی**

شورا به‌عنوان پل ارتباطی مؤثر، نقش مهمی در کاهش فاصله میان نهادهای حکومتی و مردم ایفا کرد. از طریق ایجاد تعاملات سازنده، این شورا توانست به افزایش اعتماد عمومی و تقویت همکاری‌های دوجانبه کمک کند و از ائمه جمعه شهرستان به‌عنوان شورای راهبردی استفاده نمود.

ت. **مدیریت بحران‌ها و چالش‌های اجتماعی و اقتصادی**

از مهم‌ترین اهداف شورا، مقابله با بحران‌های منطقه‌ای و مسائل جاری همچون کمبود خدمات عمومی و مشکلات مدیریت شهری بود. شورا توانست با برنامه‌ریزی و بسیج منابع، اقدامات مؤثری برای کاهش تنش‌ها و بهبود وضعیت منطقه انجام دهد.

ث. **اجرای پروژه‌های عمرانی و بهبود زیرساخت‌ها**

شورا در پیشبرد پروژه‌های کلان عمرانی همچون ساخت مترو و ارتقای سیستم حمل‌ونقل عمومی نقش بسزایی داشت. همچنین، این شورا با مدیریت بهینه منابع، توانست تغییرات اساسی در نظام شهری، ازجمله بازسازی زیرساخت‌ها و اجرای طرح‌های توسعه‌ای، ایجاد کند.

ج. **تقویت انسجام اجتماعی و افزایش همبستگی ملی**

شورا تلاش کرد تا با تقویت روابط اجتماعی و همبستگی میان گروه‌های مختلف، انسجام اجتماعی را ارتقا بخشد. این هدف به‌ویژه در دوران بحران‌هایی مانند اغتشاشات سال ۱۳۹۸ و همه‌گیری کرونا، با اجرای طرح‌های حمایتی و مدیریتی نمود بارزی یافت.

فرآیند تشکیل شورای همگرایی اسلامشهر

فرآیند تشکیل شورای همگرایی اسلامشهر عمدتاً در سال ۱۳۹۳، پس از تحولات اجتماعی و سیاسی گسترده در منطقه، آغاز شد. این شورا به‌عنوان پاسخی به نیازهای اجتماعی و اقتصادی منطقه و با هدف تقویت انسجام اجتماعی و مدیریت بحران‌ها تشکیل شد. مراحل شکل‌گیری شورا به شرح زیر است:

أ. **آغاز همگرایی نیروها**

در اولین گام، گروه‌های مختلف انقلابی و اجتماعی با پیشینه‌های متفاوت، به‌طور غیررسمی و با هدف هم‌افزایی و تعامل گرد هم آمدند. این گروه‌ها که دارای نفوذ محلی و پایگاه مردمی قوی بودند، تلاش کردند تا با اتحاد و همکاری، به مشکلات مشترک منطقه پاسخ دهند. با تدوین اساسنامه و تشکیل ارکان اصلی آن ساختار مناسبی برای شورا تنظیم یافت.

ب. **نقش‌آفرینی نیروهای مذهبی و فرهنگی**

روحانیون محلی و گروه‌های فرهنگی، نقش برجسته‌ای در ترویج ایده تشکیل شورا و جلب اعتماد عمومی ایفا کردند. آن‌ها با استفاده از ظرفیت‌های مذهبی و فرهنگی،

مردم و نهادهای اجتماعی را به حمایت از این حرکت دعوت کردند و از ائمه جمعه به‌عنوان شورای راهبردی بهره‌گیری شد.

ت. **تشکیل نشست‌های مقدماتی و تدوین اهداف شورا**

در این مرحله، نشست‌های اولیه با حضور نمایندگان گروه‌های مختلف برگزار شد. در این نشست‌ها، اهداف کلیدی شورا شامل نظارت بر مسائل اجتماعی و اقتصادی، مدیریت بحران‌ها و فعالیت در حوزه‌های فرهنگی و سیاسی تدوین شد. همچنین، استراتژی‌های اولیه شورا و ساختار مدیریتی آن تعیین گردید.

ث. **حمایت‌های محلی و رسمی**

پس از تدوین اصول و اهداف شورا، تلاش برای جلب حمایت نهادهای محلی، نمایندگان مجلس و برخی مقامات دولتی آغاز شد. این حمایت‌ها موجب شد شورا به‌طور رسمی فعالیت خود را با قدرت و استقلال بیشتری آغاز کند.

ج. **غلبه بر چالش‌های اولیه**

در مراحل آغازین، شورا با چالش‌هایی همچون محدودیت منابع مالی، مقاومت برخی گروه‌ها و عدم اعتماد اولیه مردم مواجه شد؛ اما با بهره‌گیری از تعاملات سازنده و اجرای اقدامات ملموس، توانست این موانع را برطرف کرده و نقش خود را در جامعه تثبیت کند.

ح. **تأثیرات اولیه شورا**

شورا در مدت کوتاهی پس از تشکیل، موفق شد پروژه‌های کوچکی در زمینه بهبود خدمات عمومی و مدیریت شهری آغاز کند. این اقدامات اولیه، موجب جلب اعتماد مردم و تقویت جایگاه شورا و امید و اعتماد در منطقه شد.

نتایج و دستاوردها

تشکیل شورای همگرایی اسلامشهر در سال ۱۳۹۳ تأثیرات مثبتی در عرصه‌های مختلف داشته است. این شورا توانسته است با ایجاد همگرایی میان نیروهای انقلابی

و نهادهای محلی، به‌ویژه در مقاطع بحرانی، نقش مؤثری در مدیریت بحران‌ها و بهبود وضعیت منطقه ایفا کند.

۱. پروژه‌های عمرانی و خدماتی: ازجمله مهم‌ترین دستاوردهای شورا، اجرای پروژه‌های عمرانی بزرگی چون ساخت ایستگاه‌های مترو در اسلامشهر بود که باعث تسهیل دسترسی مردم به خدمات حمل‌ونقل عمومی و بهبود زیرساخت‌های منطقه می‌شود.
۲. مدیریت بحران‌ها: شورا توانسته است با همکاری نیروهای انقلابی، در مواقع بحران مانند اغتشاشات سال ۱۳۹۸ و بحران کرونا، نقش مؤثری در کاهش تنش‌ها و ایجاد آرامش در جامعه ایفا کند.
۳. تغییرات مدیریتی در شهرداری: شورای همگرایی توانسته است در زمینه‌های مدیریتی، به‌ویژه در شهرداری اسلامشهر، تغییرات مؤثری ایجاد کرده و با تأسیس کمیته‌های مختلف، نظارت بهتری بر فعالیت‌های شهرداری داشته باشد.
٤. افزایش مشارکت مردمی: این شورا با ایجاد بستری برای مشارکت مردم در امور سیاسی و اجتماعی، توانسته است سطح مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌های محلی را افزایش دهد. به‌طوری‌که در سال ۱۳۹۸ موفق به معرفی نماینده مجلس بومی از سطح شهرستان اسلامشهر در لیست انتخاباتی تهران شود.

چالش‌ها و محدودیت‌ها

هرچند شورای همگرایی اسلامشهر در بسیاری از زمینه‌ها موفقیت‌های چشمگیری داشته است، اما همچنان با چالش‌هایی روبه‌رو بوده است که به آن‌ها می‌توان اشاره کرد:

۱. محدودیت منابع مالی: یکی از چالش‌های عمده شورا، محدودیت منابع مالی برای اجرای طرح‌ها و برنامه‌هایی مربوطه در حوزه اجتماعی بود که باعث می‌شد برخی از برنامه‌ها با تأخیر یا محدودیت مواجه شوند.
۲. مقاومت‌های سیاسی و اجتماعی: برخی از گروه‌های سیاسی و قومی با شکل‌گیری شورا مخالفت کرده و آن را تهدید و رقیب جدی برای منافع خود می‌دیدند.
۳. مشکلات در هماهنگی میان گروه‌ها: علی‌رغم همگرایی اولیه، در برخی مواقع مشکلاتی در هماهنگی میان گروه‌های مختلف به‌وجود آمد که بر روند تصمیم‌گیری و اجرایی شدن برنامه‌ها تأثیر گذاشت.

شورای همگرایی اسلامشهر به‌عنوان یک نهاد مردمی و انقلابی، توانسته است با ایجاد همگرایی میان نیروهای مختلف، در مدیریت بحران‌ها و تحقق پروژه‌های عمرانی و اجتماعی موفق عمل کند. این تجربه نشان می‌دهد که شوراهای مردمی و انقلابی می‌توانند در مناطق مختلف کشور، به‌ویژه در بحران‌ها و مواقع خاص، به‌عنوان نهادهای رسمی در ایجاد تغییرات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی عمل کنند. شورای همگرایی اسلامشهر در طی مدت فعالیت خود توانسته است دستاوردهای قابل‌توجهی در زمینه‌های مختلف به‌ویژه در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و عمرانی به‌دست آورد. این دستاوردها که نشان‌دهنده اثرگذاری شورا در سطح منطقه هستند، به سه بخش اصلی تقسیم می‌شوند:

۱. انتخابات شوراهای اسلامی

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای شورای همگرایی اسلامشهر، مشارکت فعال در انتخابات شوراهای اسلامی و مجلس شورای اسلامی بود. شورا توانست با تلاش‌های خود، آگاهی‌های سیاسی را در میان مردم اسلامشهر افزایش داده و از این طریق زمینه مشارکت گسترده‌تری در انتخابات محلی را فراهم کند. انتخابات شوراهای اسلامی در اسلامشهر به‌ویژه در سال‌های اخیر با تأثیر شورای همگرایی،

به یک روند رقابتی سالم و هدفمند تبدیل شد که به نفع توسعه اجتماعی و عمرانی منطقه بوده است.

- افزایش مشارکت مردمی: یکی از ویژگی‌های برجسته این انتخابات، افزایش مشارکت مردم در فرآیندهای انتخاباتی و ارتقای سطح آگاهی عمومی در خصوص اهمیت انتخابات شوراهای اسلامی بود.
- رقابت سالم و شفاف: شورا با سازمان‌دهی جلسات آموزشی و تبلیغاتی، تلاش کرد تا انتخابات به‌صورت شفاف و رقابتی برگزار شود که نتیجه آن انتخاب اعضای شوراهای اسلامی با پشتوانه مردمی بود.
- تقویت دموکراسی محلی: انتخابات شوراهای اسلامی در اسلامشهر باعث تقویت ساختارهای دموکراتیک در سطح محلی شد و به شورای همگرایی امکان داد تا بر فرآیندهای حکمرانی محلی نظارت و هدایت کند.

۲. تغییرات مدیریتی و انتصاب شهردار انقلابی

یکی دیگر از دستاوردهای مهم شورای همگرایی اسلامشهر، تغییرات مدیریتی در شهرداری و انتصاب یک شهردار انقلابی بود. شورا توانست با تلاش‌های مستمر و فشار به نهادهای دولتی، در فرآیند انتصاب شهردار، فردی را انتخاب کند که علاوه بر تخصص، دیدگاه‌های انقلابی و مردمی داشت. این اقدام به‌ویژه در زمان‌های بحران یا چالش‌های مدیریتی، نتایج مثبتی به دنبال داشت.

- انتخاب شهردار با دیدگاه انقلابی: شهردار جدید با هدف ارتقاء سطح خدمات شهری و بهبود وضعیت اجتماعی، اقتصادی و عمرانی شهر منصوب شد.
- پشتیبانی از برنامه‌های شهرداری: شورا به‌عنوان یک نهاد نظارتی، توانست با حمایت از برنامه‌های شهرداری، به‌ویژه در زمینه پروژه‌های عمرانی، موفقیت‌های چشمگیری را در بهبود زیرساخت‌ها ایجاد کند.

- نظارت و شفافیت: این تغییرات مدیریتی باعث شد که فرآیندهای اجرایی و خدماتی در شهرداری با نظارت دقیق‌تر و شفاف‌تری انجام شود که درنهایت منجر به کاهش فساد و افزایش کارایی در خدمات عمومی گردید.

۳. پروژه‌های عمرانی (ساخت مترو)

یکی از دستاوردهای بارز شورای همگرایی اسلامشهر، پروژه‌های عمرانی بزرگ به‌ویژه در زمینه حمل‌ونقل عمومی و ساخت مترو بود. این پروژه‌ها که به‌عنوان یکی از اولویت‌های اصلی شورای همگرایی در راستای بهبود کیفیت زندگی شهروندان اسلامشهر قرار داشت، با موفقیت‌های زیادی همراه شد.

- شروع ساخت مترو: شورای همگرایی با همکاری نهادهای دولتی و محلی، توانست پروژه ساخت ایستگاه‌های مترو را در اسلامشهر به مرحله اجرایی درآورد. این پروژه به‌ویژه در راستای تسهیل حمل‌ونقل عمومی و کاهش ترافیک شهری اهمیت دارد
- تأثیرات اقتصادی و اجتماعی: پروژه مترو نه‌تنها به بهبود زیرساخت‌های شهری کمک کرد، بلکه موجب رشد اقتصادی منطقه و افزایش سرمایه‌گذاری در سایر پروژه‌های عمرانی و خدماتی شد. همچنین، ساخت ایستگاه‌های مترو به افزایش تعاملات اجتماعی و اقتصادی میان محله‌ها و مناطق مختلف اسلامشهر کمک می‌کند.

دستاوردهای شورای همگرایی اسلامشهر در زمینه انتخابات شوراهای اسلامی، تغییرات مدیریتی و انتصاب شهردار انقلابی و پروژه‌های عمرانی مانند ساخت مترو، همگی نشان‌دهنده تأثیرگذاری مثبت این شورا در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و عمرانی است. این دستاوردها، نه‌تنها باعث بهبود شرایط زندگی مردم، بلکه به‌عنوان الگوهای موفق برای سایر مناطق کشور می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند.

نقش شورای همگرایی اسلامشهر در مدیریت بحران‌ها

شورای همگرایی اسلامشهر در طول سال‌ها به‌ویژه در دوران بحران‌ها، نقش کلیدی در مدیریت و حل مشکلات ایفا کرده است. عملکرد این شورا در زمان‌های بحرانی نشان‌دهنده توانایی و انعطاف‌پذیری آن در مواجهه با چالش‌ها و مشکلات است. در این بخش، به بررسی نقش شورا در دو بحران مهم پرداخته می‌شود: بحران کرونا و اغتشاشات سال ۹۸.

أ. عملکرد در بحران کرونا

با آغاز پاندمی کرونا در سال ۱۳۹۹، شوراهای اسلامی در سراسر کشور ازجمله شوراهای اسلامشهر نقش بسیار مهمی در مقابله با این بحران ایفا کردند. شورای همگرایی اسلامشهر با همکاری نهادهای مختلف، اقدامات متعددی را برای مقابله با این بحران انجام داد.

- آگاهی‌رسانی و آموزش عمومی

یکی از اولین اقدامات شورا در دوران بحران کرونا، آگاهی‌رسانی به مردم درباره پیشگیری از ویروس و رعایت پروتکل‌های بهداشتی بود. شورا با استفاده از رسانه‌های محلی، تابلوهای اطلاع‌رسانی و توزیع بروشورهای آموزشی، به افزایش آگاهی عمومی کمک کرد.

- ایجاد مراکز بهداشتی و درمانی موقت

شورای همگرایی با همکاری دستگاه‌های بهداشتی و درمانی، اقدام به راه‌اندازی مراکز بهداشتی موقت و کمپ‌های درمانی برای مبتلایان به کرونا در نقاط مختلف اسلامشهر کرد تا فشار بر بیمارستان‌ها کاهش یابد.

- توزیع اقلام بهداشتی

شورا در توزیع ماسک، دستکش، مواد ضدعفونی‌کننده و سایر اقلام ضروری برای مقابله با کرونا همکاری نزدیکی با نهادهای دولتی داشت. این اقدام به‌ویژه برای افرادی که از نظر مالی وضعیت مناسبی نداشتند، بسیار حیاتی بود.

- حمایت از کسب‌وکارهای آسیب‌دیده

شورا با ایجاد طرح‌های حمایتی، سعی کرد به کسب‌وکارهای آسیب‌دیده از بحران کرونا کمک کند. این اقدامات شامل اعطای وام‌های کم‌بهره و تسهیلات برای مشاغل کوچک بود که توانستند از ورشکستگی جلوگیری کنند.

- تسهیل دسترسی به واکسن

درنهایت، یکی از اقدامات مهم شورای همگرایی، تسهیل دسترسی مردم به واکسن کرونا از طریق راه‌اندازی ایستگاه‌های واکسیناسیون در نقاط مختلف شهر بود که به کاهش سرعت شیوع ویروس کمک کرد.

ب. تشکیل تیم‌های امنیتی در اغتشاشات سال ۹۸

اغتشاشات سال ۱۳۹۸ که در پی افزایش قیمت بنزین در برخی از نقاط کشور رخ داد، یکی دیگر از بحران‌های بزرگ بود که شورای همگرایی اسلامشهر در مدیریت آن نقش فعالی داشت. این شورا با استفاده از ظرفیت‌های محلی و تیم‌های امنیتی، تلاش کرد تا از شدت بحران بکاهد و امنیت را در منطقه حفظ کند.

- تشکیل تیم‌های امنیتی محلی:

در زمان وقوع اغتشاشات، شورای همگرایی با همکاری نیروهای انتظامی و بسیج، تیم‌های امنیتی محلی تشکیل داد تا ضمن نظارت بر وضعیت عمومی، از تخریب اموال عمومی و ایجاد هرگونه ناامنی جلوگیری کنند.

- هماهنگی با نیروهای انتظامی و امنیتی: شورا به‌طور مستمر با نیروهای انتظامی و امنیتی در ارتباط بود تا اطلاعات به‌روز و دقیقی درباره وضعیت شهر در اختیار داشته باشد و بتواند به‌طور مؤثر تصمیم‌گیری کند.
- حفظ نظم عمومی و پیشگیری از وقوع خشونت:

شورا با برگزاری جلسات اضطراری و هماهنگی با نهادهای مسئول، تلاش کرد تا از هرگونه درگیری و خشونت جلوگیری کند. این اقدامات شامل محدودیت‌های موقتی در نقاط حساس و تأمین امنیت مناطق مسکونی و تجاری بود.

- ارائه خدمات به آسیب‌دیدگان

شورای همگرایی در صورت بروز آسیب به افراد یا اموال، خدمات امدادی و پشتیبانی لازم را فراهم کرد. این اقدام به‌ویژه برای خانواده‌های آسیب‌دیده از اغتشاشات بسیار حیاتی بود.

- آگاهی‌رسانی در بحران

شورا با استفاده از شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های محلی، اقدام به اطلاع‌رسانی دقیق و شفاف در خصوص وضعیت امنیتی شهر کرد تا از گسترش شایعات و ایجاد ترس عمومی جلوگیری شود.

نقش شورای همگرایی اسلامشهر در مدیریت بحران‌ها، اعم از بحران کرونا و اغتشاشات سال ۹۸، نشان‌دهنده توانایی شورا در هماهنگی با نهادهای مختلف و ایجاد راه‌حل‌های عملی برای کاهش اثرات بحران‌ها است. این شورا با استفاده از ظرفیت‌های محلی، تلاش کرد تا با اقدامات پیشگیرانه و حمایتی، از شدت بحران‌ها بکاهد و امنیت و سلامت شهروندان را تضمین کند. در این راستا، شورا به‌ویژه در زمینه آگاهی‌رسانی، حمایت از کسب‌وکارها و هماهنگی تیم‌های امنیتی نقش کلیدی ایفا کرد.

چالش‌ها و نقایص شورای همگرایی اسلامشهر

شورای همگرایی اسلامشهر علی‌رغم دستاوردهای قابل‌توجهی که در مدیریت بحران‌ها و توسعه شهری داشته است، با چالش‌ها و نقایص مختلفی نیز روبه‌رو بوده است که به برخی از آن‌ها در این بخش پرداخته می‌شود. همچنین، راهکارهایی برای بهبود عملکرد شورا ارائه خواهد شد.

أ. نقد عملکرد شورا

- عدم شفافیت در تصمیم‌گیری‌ها: یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های شورای همگرایی اسلامشهر، عدم شفافیت کافی در برخی از فرآیندهای تصمیم‌گیری است. در بسیاری از مواقع، عدم اطلاع‌رسانی دقیق به مردم و

غیبت مشاوره‌های عمومی در مورد تصمیمات کلیدی باعث ایجاد ابهام و بی‌اعتمادی در بین شهروندان شده است. شورا می‌بایست برای ایجاد اعتماد عمومی، شفافیت بیشتری در تصمیمات و فرآیندهای خود داشته باشد.

- کمبود منابع مالی و امکانات: علیرغم تلاش‌های شورا در حل مشکلات و اجرای پروژه‌های عمرانی، کمبود منابع مالی و امکانات برای انجام پروژه‌های بزرگ و توسعه‌ای یکی از چالش‌های اساسی بوده است. این مشکل منجر به توقف یا تأخیر در برخی از پروژه‌های مهم همچون توسعه مترو، ساخت بیمارستان‌های جدید و پروژه‌های مسکن شهری شده است.
- عدم همکاری مناسب با نهادهای دولتی و خصوصی: گاهی اوقات شورا نتوانسته است به‌طور مؤثر با نهادهای دولتی و خصوصی برای تأمین منابع مالی و فنی پروژه‌ها همکاری کند. این عدم هماهنگی و همکاری باعث ایجاد تأخیر در اجرای پروژه‌ها و برنامه‌ها شده است.
- نقص در نظارت و ارزیابی عملکرد پروژه‌ها: یکی دیگر از چالش‌های شورا، فقدان نظارت و ارزیابی دقیق بر عملکرد پروژه‌های عمرانی و خدماتی است. این ضعف نظارتی گاهی باعث می‌شود که پروژه‌ها با کیفیت پایین یا در زمان‌های طولانی به پایان برسند که درنتیجه آن، منابع عمومی به‌طور بهینه استفاده نمی‌شوند.
- عدم توجه به مسائل اجتماعی و فرهنگی: در برخی از تصمیمات شورا، مسائل اجتماعی و فرهنگی به‌اندازه کافی مورد توجه قرار نگرفته است. درحالی‌که توسعه فرهنگی و اجتماعی به همان اندازه مهم است که توسعه عمرانی باشد، شورا در برخی مواقع نتوانسته است به‌طور هم‌زمان به این ابعاد توجه کند.

ب. ارائه راهکارهایی برای بهبود عملکرد شورا

برای بهبود عملکرد شورای همگرایی اسلامشهر و رفع نقایص موجود، برخی از راهکارها به شرح زیر پیشنهاد می‌شود:

- افزایش شفافیت و اطلاع‌رسانی: شورای همگرایی باید روند تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات خود را به‌طور منظم و شفاف به اطلاع مردم برساند. استفاده از پلتفرم‌های آنلاین، رسانه‌های اجتماعی و جلسات عمومی می‌تواند به افزایش آگاهی مردم و جلب حمایت آنان کمک کند.
- تقویت همکاری با نهادهای دولتی و خصوصی: شورا باید ارتباطات خود را با نهادهای دولتی و خصوصی تقویت کند تا منابع مالی و فنی برای پروژه‌ها به‌طور مؤثری تأمین شود. این همکاری‌ها می‌تواند شامل جلب سرمایه‌گذاران خصوصی برای پروژه‌های عمرانی و همکاری با وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی برای تأمین منابع مالی باشد.
- استفاده از فناوری برای نظارت و ارزیابی: شورا باید از فناوری‌های نوین برای نظارت و ارزیابی عملکرد پروژه‌ها استفاده کند. نرم‌افزارهای مدیریت پروژه، سیستم‌های اطلاعات جغرافیایی (GIS) و ابزارهای تحلیلی می‌توانند به بهبود نظارت و تسریع در ارزیابی کیفیت پروژه‌ها کمک کنند.
- توجه بیشتر به مسائل اجتماعی و فرهنگی: برای توسعه پایدار، شورا باید به مسائل اجتماعی و فرهنگی نیز توجه کند. برگزاری برنامه‌های فرهنگی، هنری و اجتماعی برای افزایش تعاملات مردم و ارتقاء کیفیت زندگی شهری می‌تواند به رشد اجتماعی و فرهنگی اسلامشهر کمک کند.
- ارتقای آموزش و توانمندسازی اعضای شورا: برای بهبود کیفیت تصمیم‌گیری‌ها، اعضای شورای همگرایی باید در زمینه‌های مختلف ازجمله مدیریت بحران، توسعه شهری، حقوق شهروندی و مسائل

اجتماعی آموزش‌های تخصصی و مستمر ببینند. این اقدام می‌تواند موجب بهبود کیفیت تصمیمات و ارتقاء عملکرد شورا شود.

- ایجاد کارگروه‌های تخصصی: شورای همگرایی می‌تواند کارگروه‌های تخصصی در زمینه‌های مختلف مانند محیط‌زیست، سلامت، اقتصاد و فرهنگ تشکیل دهد. این کارگروه‌ها می‌توانند به شورا کمک کنند تا تصمیمات دقیق‌تر و متناسب‌تری در هر حوزه اتخاذ کند.

نتیجه‌گیری

شورای همگرایی اسلامشهر علی‌رغم پیشرفت‌های چشمگیر در مدیریت بحران‌ها و توسعه شهری، با چالش‌ها و نقایصی نیز روبه‌رو بوده است. ازجمله این چالش‌ها می‌توان به عدم شفافیت در تصمیم‌گیری‌ها، کمبود منابع مالی و ضعف در نظارت بر پروژه‌ها اشاره کرد. بااین‌حال، با اعمال راهکارهایی همچون افزایش شفافیت، تقویت همکاری‌ها با نهادهای دولتی و خصوصی و استفاده از فناوری برای نظارت و ارزیابی، می‌توان به بهبود عملکرد شورا و تحقق اهداف توسعه‌ای در اسلامشهر کمک کرد. در این بخش، به جمع‌بندی تأثیرات شورای همگرایی اسلامشهر بر توسعه شهری و مدیریت بحران‌ها پرداخته و پیشنهادهایی برای توسعه مدل‌های مشابه در سایر مناطق ارائه می‌شود.

أ. جمع‌بندی تأثیرات شورا

شورای همگرایی اسلامشهر نقش بسزایی در مدیریت بحران‌ها و توسعه شهری ایفا کرده است. این شورا توانسته است با اقدامات مؤثر خود، در بحران‌های مختلف ازجمله بحران کرونا و اغتشاشات سال ۹۸، عملکرد قابل قبولی نشان دهد. علاوه بر این، شورا در حوزه پروژه‌های عمرانی و اجتماعی نیز فعالیت‌های چشمگیری انجام داده است، به‌ویژه در زمینه ساخت مترو و تغییرات مدیریتی مانند انتصاب شهردار انقلابی که موجب تحولات مثبتی در سطح مدیریت شهری شده است. شورا همچنین توانسته است در راستای تقویت زیرساخت‌ها و خدمات عمومی، پروژه‌های

عمرانی متعددی را اجرایی کند. این پروژه‌ها به‌ویژه در حوزه حمل‌ونقل عمومی و بهبود وضعیت فضای شهری تأثیرات مثبتی در کیفیت زندگی شهروندان به همراه داشته است. بااین‌حال، شورا در برخی زمینه‌ها همچنان با چالش‌هایی مواجه است که باید در آینده به آن‌ها پرداخته شود. ضعف در شفافیت تصمیمات، کمبود منابع مالی و مشکلات در هماهنگی با نهادهای مختلف، ازجمله مسائل مهمی هستند که به‌طور مستمر باید بهبود یابند تا عملکرد شورا به‌طور مؤثری در راستای تحقق اهداف توسعه شهری و بهبود کیفیت زندگی شهروندان اسلامشهر افزایش یابد.

ب. پیشنهادات برای توسعه مدل‌های مشابه در سایر مناطق

برای بهره‌برداری از تجربیات شورای همگرایی اسلامشهر و استفاده از آن در سایر مناطق، چند پیشنهاد مهم به شرح زیر ارائه می‌شود:

- ایجاد شوراهای همگرایی در سایر مناطق شهری: سایر مناطق می‌توانند با الگوگیری از شورای همگرایی اسلامشهر، شوراهایی مشابه را تشکیل دهند که به‌طور خاص به مشکلات و چالش‌های خود بپردازند. این شوراها باید از افراد با تجربه و توانمند در حوزه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تشکیل شوند تا بتوانند به‌طور جامع به مسائل منطقه‌ای پاسخ دهند.
- تقویت شفافیت و مشارکت عمومی: یکی از نکات کلیدی که می‌تواند به توسعه مدل‌های مشابه کمک کند، ایجاد شفافیت در تصمیم‌گیری‌ها و اطلاع‌رسانی به مردم است. این اقدام موجب ایجاد اعتماد عمومی و مشارکت بیشتر مردم در فرآیندهای مدیریتی خواهد شد. شوراهای مشابه می‌توانند از پلتفرم‌های آنلاین، رسانه‌های اجتماعی و برگزاری جلسات عمومی برای ارتباط مستمر با شهروندان استفاده کنند.
- مدیریت منابع مالی و جذب سرمایه‌گذاری: برای اجرای پروژه‌های عمرانی و توسعه‌ای در سایر مناطق، شوراها باید به شیوه‌های مؤثری برای جذب

منابع مالی و سرمایه‌گذاری فکر کنند. همکاری با بخش خصوصی و دولت و همچنین استفاده از منابع محلی می‌تواند به حل این مشکل کمک کند.

- توانمندسازی اعضای شورا: آموزش و توانمندسازی اعضای شورا در زمینه‌های مختلف مدیریتی، مالی، حقوقی و اجتماعی می‌تواند به بهبود عملکرد شوراها و تصمیم‌گیری‌های دقیق‌تر کمک کند. به‌ویژه در مناطق مختلف، شوراها باید از ظرفیت‌های موجود در جامعه استفاده کنند و با استفاده از دانش و تخصص‌های مختلف، برنامه‌های خود را پیش ببرند.
- ایجاد هم‌افزایی و همکاری بین نهادهای مختلف: در دیگر مناطق، تشکیل کارگروه‌های تخصصی برای توسعه همکاری میان نهادهای دولتی، خصوصی و مردمی می‌تواند به‌طور قابل‌توجهی به ارتقاء عملکرد شورا کمک کند. این همکاری‌ها می‌توانند در زمینه‌های مختلف مانند مدیریت بحران، توسعه پایدار و بهبود خدمات شهری باشند.
- توسعه پروژه‌های مشترک با نهادهای ملی و بین‌المللی: شوراهای مشابه می‌توانند با همکاری نهادهای ملی و بین‌المللی در پروژه‌های توسعه‌ای و عمرانی همکاری کنند. این همکاری‌ها می‌توانند از طریق تأمین منابع مالی، تکنولوژی‌های نوین و برنامه‌های آموزشی برای اعضای شورا صورت گیرند.

نتیجه‌گیری نهایی

شورای همگرایی اسلامشهر با انجام اقدامات مؤثر در حوزه‌های مختلف، نقش قابل‌توجهی در بهبود وضعیت شهری و مدیریت بحران‌ها ایفا کرده است. بااین‌حال، برای استمرار موفقیت‌ها و توسعه بیشتر، نیاز به توجه به برخی چالش‌ها و نقایص همچون شفافیت در تصمیم‌گیری‌ها، منابع مالی و هماهنگی با نهادهای مختلف است. این مدل موفق می‌تواند در سایر مناطق با اعمال تغییرات و بهبودهای لازم

برای رفع چالش‌ها، به‌عنوان یک الگو مورد استفاده قرار گیرد تا به توسعه پایدار و بهبود کیفیت زندگی شهروندان در سایر نقاط کشور نیز کمک کند.

ارائه مدل مدیریت جهادی با استفاده از حلقه‌های میانی بر اساس بیانات آیت‌الله خامنه‌ای مبتنی بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

امیرحسین رمضان شمس

چکیده

بی‌شک انقلاب اسلامی در حالی به دهه پنجم دوران حیات خود وارد شد که دشمنان مستکبرش گمان‌های باطلی در سر داشتند اما دوستان انقلاب ایران در جهان، همواره این انقلاب را در عبور از چالش‌ها و دستیابی به پیشرفت‌های خیره‌کننده سربلند دیده‌اند که این امر میسر نمی‌شود مگر اینکه در کشور یک مدیریت جهادی در تمام ابعاد و سازمان‌ها با کمک حلقه‌های میانی و متخصص تشکیل شود و کشور را از همه خطرات مدیریتی، نظامی و... مصون دارد. هدف از این پژوهش ارائه مدل مدیریت جهادی با استفاده از حلقه‌های میانی بر اساس سخنان آیت‌الله خامنه‌ای مبتنی بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی است. این پژوهش ازلحاظ هدف بنیادی، ازلحاظ استراتژی آمیخته اکتشافی و به‌صورت کیفی کمی است. جامعه این تحقیق جمعی از خبرگان مدیریتی و دانشگاهی بوده‌اند که هم سابقه اجرایی و هم مدارک تحصیلی دکتری داشتند. نمونه‌گیری طرح هدفمند بوده است. ابزار تحقیق مصاحبه عمیق و نیمه ساختاریافته بوده است که پژوهشگر از طریق روش تحلیل مضمون به جمع‌آوری داده‌ها پرداخته است. جهت بخش کمی و برازش مدل از نرم‌افزار پی ال اس نسخه سوم استفاده شده است. نتایج نشان داد که خبرگان پژوهش پنج مضمون و مؤلفه اصلی را مبتنی بر بیانات آیت‌الله خامنه‌ای که در گام دوم انقلاب تبیین نموده بودند مهم دانسته‌اند و عبارت بودند از: روحیه انتقادپذیری و استمداد از حلقه‌های میانی، ایمان به خداوند، تفکر سیستمی مدیران جهادی و استفاده از این حلقه‌ها، مردمی بودن مدیران، بهره‌گیری از فرصت‌های پیش رو با استفاده از حلقه‌های میانی. با استفاده از این مؤلفه‌های اصلی و کدهای فرعی استخراج شده از این پژوهش می‌توان مدیریت جهادی را در کشور به صورت نظام‌مند و شماتیک اجرایی کرد تا درنهایت بتوان مدیریت در کشور را در راستای اهداف کشور و انقلاب کارا و بهره‌ور نمود.

واژگان کلیدی: مدیریت جهادی، حلقه‌های میانی، گام دوم انقلاب اسلامی.

۱. مقدمه

بیانیه‌ی «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت بزرگ ایران و به‌ویژه جوانان است که این بیانیه به‌مثابه منشوری برای «دومین مرحله‌ی خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن سازی» خواهد بود و «فصل جدید زندگی انقلاب اسلامی» را رقم خواهد زد. در این گام، انقلاب «به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای ظهور منجی عالم بشریت هست» نزدیک خواهد نمود. آیت‌الله خامنه‌ای در این بیانیه می‌فرمایند: «اکنون به شما فرزندان عزیزم در مورد چند سرفصل اساسی توصیه‌هایی می‌کنم. این سرفصل‌ها عبارت‌اند از: علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن، سبک زندگی» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

ایشان برای تحقق این بیانیه و افق روشن کشور از واژه‌ها و اصطلاحات متعددی استفاده نموده‌اند و در این بین مدیریت جهادی و عزم راسخ جوانان برای تحقق این گام چهل ساله دوم لازم است؛ زیرا فرهنگ و مدیریت جهادی یک مفهوم کلی است که ازجمله مصادیق آن می‌توان به دین‌محوری، ولایت‌مداری، خودباوری، ایثار، نوآوری، مردم‌گرایی، ماموریت‌پذیری و... اشاره نمود. عملکرد و نظریه مدیریت جهادی در ابتدا بر جنبه‌های انسانی سازمان تأکید دارد. مدیریت و فرهنگ جهادی را می‌توان پیامد، حالت و یا عملی فراگیر دانست که برای تعالی انسان‌ها پدید می‌آید و این به معنی پیش بردن، تحول‌آفرینی در فرصت‌ها، کامل کردن، روان‌سازی رشد، بالا بردن امور انسانی و یا برتری بخشیدن است. برای تحقق تمدن اسلامی با فراهم کردن اقتصاد به‌عنوان پیش‌نیاز فرهنگ به‌عنوان مشخص‌کننده مسیر و همچنین نهایت حرکت تمدنی، یک اصل اساسی است که لازمه تأمین عناصری چون اراده ملی و مدیریت جهادی است. نظر به اینکه با بهینه‌سازی و اصلاح نظامات اجتماعی و اقتصادی در داخل و ارتقاء جایگاه بین‌المللی و منطقه‌ای، دهه چهارم انقلاب اسلامی دوره رشد ظرفیت‌های بالقوه کشور و بدعت در عرصه‌های عدالت و پیشرفت

خواهد بود، لذا یکی از اقدامات مؤثر از سوی آیت‌الله خامنه‌ای در رابطه با مقوله تمایل به پیشرفت، نام‌گذاری سال‌ها از سوی ایشان و ایجاد گفتمان و بسترهای لازم برای ظهور و بروز بیشتر حرکت به سمت تعالی و پیشرفت در مسیر چشم‌انداز آینده جامعه و البته متناسب با مقتضیات محیطی و درونی جامعه است. از سویی تأکیدات بسیار این بیانیه بر جوانان به‌عنوان حلقه میانی برمی‌آید که عمده بار «گام دوم انقلاب» بر دوش جوانان است و این جوانان هستند که باید با پذیرش مسئولیت در میدان‌های نظامی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و بین‌المللی و همچنین ورود در عرصه‌های دین، معنویت، اخلاق و عدالت انقلاب را به آرمان‌های خود نزدیک نمایند. لذا فهم و درک آنچه در این بیانیه از جوانان خواسته شده است و تأمل بر آن‌ها و تلاش برای طراحی راهبرد برای تک‌تک وظایف، بسیار مهم است. از طرفی در طول این بیانیه چهره‌ای از «جوان تراز گام دوم انقلاب» ترسیم شده است که شناخت این چهره و کوشش جهت دستیابی به ویژگی‌ها و خصایص آن برای پیمودن گام دوم بخصوص برای مدیران سایر قوا بخصوص نیروهای مسلح الزامی به نظر می‌رسد. از آنجا که کشور باید بتواند در برابر تهدیدهای سیاسی و اقتصادی منطقه و جهانی پایدار عمل کند و دچار بی‌ثباتی نشود لذا وجود یک مدیریت جهادی با کمک حلقه‌های میانی که همان جوانان متخصص است می‌تواند به پیشرفت این امر در کشور کمک کرده و اگر چنین مدیریتی با کمک حلقه‌های میانی انجام نشود قطعاً کشور دچار اختلال و بی‌ثباتی خواهد شد. همان‌طور که در این چند سال اخیر هم مشاهده شده است و علیرغم تأکید آیت‌الله خامنه‌ای جهت استفاده از حلقه‌های میانی ولی مسئولین دولتی همچنان با هم نسل‌های خود غالباً مدیریت کشور را در بخش‌های ارشد و میانی وزرا تا مدیران تشکیل داده‌اند و این امر همان‌طور که مبرهن است به‌جایی خوبی نرسیده است و کشور را دچار تزلزل اقتصادی کرده است درصورتی‌که اگر به گفته‌های رهبر انقلاب عمل می‌شد حداقل در این چند سال روند روبه رشد این قضیه معلوم می‌گردید و به‌عنوان‌مثال قیمت لحظه‌ای پول ملی

در برابر دلار و... کم‌ارزش‌تر نمی‌شد؛ بنابراین سؤال اصلی این تحقیق به این شکل عنوان می‌گردد که مدل مدیریت جهادی با استفاده از حلقه‌های میانی بر اساس بیانات آیت‌الله خامنه‌ای مبتنی بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی است؟

۲. مبانی نظری

مدیریت جهادی یک مکتب فکری است که فرد با انتخاب و آگاهی در مسیر دستیابی به یک هدف متعالی و در مقابل دشمن حرکتی مجاهدان را آغاز می‌کند و برای رسیدن به مقصد خود، نهایت فکر و تلاش خود را به کار می‌بندد. اگر مدیریت جهادی یا همان کار و تلاش با نیت الهی و مبتنی بر علم و درایت حاکم باشد مشکلات کشور قابل حل است و کشور روبه‌جلو را ادامه خواهد داد. در متون دینی، علاوه بر این معنای خاص و اصطلاحی، جهاد به مفهوم لغوی و عام خود نیز بسیار بکار رفته است که می‌توان «جهاد اکبر» را مجاهدت و تلاش نفس در برابر شیطان و هوای نفس ذکر نمود (زارع سخویدی و همکاران، ۱٤۰۰، ۲۰).

در تحقیقی اردستانی و همکاران (۱۳۹٦) مدیریت جهادی را در قالب چهار مؤلفه منتهی بر این متغیر به دست آورده‌اند که عبارت‌اند از طرز فکر، سبک زندگی اسلامی، عملکرد اجرایی و سبک مدیریت که این چهار مؤلفه البته دارای زیرمتغیرهای مخصوص به خود بوده و درنهایت سبب شده‌اند مدیریت جهادی را بهتر در کشور اجرا نمود. همچنین در تحقیقی دیگر نظری و همکاران (۱۳۹۷) در تحقیق خود الگوی مدیریت جهادی را با نگرش اقتصاد مقاومتی مورد بررسی قرار دادند و به این نتایج دست یافتند که مدیریت جهادی می‌تواند در بخش اقتصادی به سه زیرمولفه نگرش جهادی، دانش جهادی و رفتار جهادی منجر گردد تا از این طریق بتوان در اقتصاد مقاومتی کشور را بهتر مدیریت کرد و با اتکال به خداوند کشور از مسیر دشواری‌ها و مخصوصاً تحریم به‌سلامت عبور کند.

از سویی آیت‌الله خامنه‌ای در بیاناتی اذعان نمودند که وقتی قرار باشد کشور به سمت پیشرفت و چشم‌اندازهای خود حرکت کند احتیاج به یک سری از حرکت‌های

صحیح و منظم و برنامه‌ریزی شده دارد که منظور یک حرکت صحیح و منتظم و عقلائی اگر بخواهد انجام بگیرد «ما به یک حرکت عمومی به سمت آن چشم‌انداز نیاز داریم؛ باید یک حرکت عمومی در کشور راه بیفتد؛ البتّه این حرکت وجود دارد منتها بایستی انضباط پیدا کند، سرعت پیدا کند و پیشرفتش به سمت آن چشم‌انداز محسوس باشد. این حرکت طبعاً با محوریت جوان متعهّد است؛ جوان‌های متعهّد، محور این حرکت‌اند. به چند چیز نیاز دارد:

اولاً نیاز دارد به اینکه از صحنه یک شناختی وجود داشته باشد؛ یعنی این کسانی که این حرکت را انجام می‌دهند یا محور این حرکت‌اند یا لااقل تحریک‌کننده‌ی این حرکت‌اند، بایستی صحنه را درست بشناسند، عناصر درگیر در این صحنه را بشناسند.

یک عنصر دیگری که لازم است برای این حرکت، این است که این حرکت باید یک جهت‌گیری مشخصی داشته باشد؛ یک جهت‌گیری منطقی و قابل قبول که در حرکت عمومی ملّت ایران که ما داریم پیشنهاد می‌کنیم و مطرح می‌کنیم، این جهت‌گیری، جهت‌گیری به سمت جامعه‌ی اسلامی یا تمدّن اسلامی است؛ یعنی می‌خواهیم برویم به سمت تشکیل یک جامعه‌ی اسلامی عنصر سوّمی که [این حرکت] نیاز دارد، این است که یک عامل امیدبخشی باید وجود داشته باشد، یک نقطه‌ی روشنی باید وجود داشته باشد. در هر حرکتی اگر چنانچه این نقطه‌ی روشن، این نقطه‌ی امیدبخش وجود نداشته باشد، حرکت پیش نمی‌رود. این خوشبختانه در کشور ما، برای جامعه‌ی ما، برای مردم ما، کاملاً در دسترس است؛ نقطه‌ی روشن عبارت است از ظرفیت‌های ملّی‌ای که ما این‌ها را شناخته‌ایم؛ یعنی امروز حتّی شما جوان‌ها ظرفیت‌های ملّت خودتان را شناخته‌اید. ملّت ایران نشان داده که می‌تواند کارهای بزرگ را به‌خوبی انجام بدهد، از عهده بربیاید. عنصر چهارم این است که بالاخره در هر برهه‌ای راهکارهای عملی لازم است. در هر برهه‌ای از زمان راهکارهای عملی مورد نیاز است. خب محل بحث ما اینجا است. برای یک حرکت

عمومی این چهار عنصر نیاز است، تبیین این‌ها نیاز دارد به ذهن فعّال و زبان گویا؛ منتها این [مورد] آخری که مسئله‌ی راهکارهای عملی باشد، احتیاج دارد به هدایت، تمرکز، پیگیری، فعالیت پی‌درپی و لحظه‌به‌لحظه برای اینکه بتواند این کاروان عظیم جامعه را و مهم‌تر از همه جوان‌های جامعه را به پیش ببرد. این کارِ چه کسی است؟ این تمرکز، این ایجاد برنامه‌ی کار، پیدا کردن راهکار، ارائه‌ی راهکار، برنامه‌ریزی، به عهده‌ی چه کسی است؟ این به عهده‌ی جریان‌های حلقه‌های میانی است. این، نه به عهده‌ی آیت‌الله خامنه‌ای است، نه به عهده‌ی دولت است، نه به عهده‌ی دستگاه‌های دیگر است؛ [بلکه] به عهده‌ی مجموعه‌هایی از خود ملّت است که خوشبختانه امروز ما این را کم هم نداریم. ما نخبه‌های فکری در زمینه‌های گوناگونِ مورد نیاز در میان جوانان، در میان مسئولین خودمان داریم. این‌ها می‌توانند بنشینند برنامه‌ریزی کنند و هدایت کنند. تشکل‌های دانشجویی از این قبیل هستند، مجموعه‌های باتجربه و فعّال در زمینه‌های فرهنگی و فکری و مانند این‌ها از این قبیل‌اند و هر که هم در این زمینه‌ها فعال‌تر باشد، مؤثرتر است؛ یعنی زمام کار دست کسانی است که فعالیت کنند؛ تنبلی و بی‌حالی و کسالت و مانند این‌ها به درد نمی‌خورد و این‌ها می‌توانند بنشینند برنامه‌ریزی کنند و هدایت کنند. تشکل‌های دانشجویی از این قبیل‌اند، مجموعه‌های باتجربه و فعّال در زمینه‌های فرهنگی و فکری و مانند این‌ها از این قبیل‌اند و هر که هم در این زمینه‌ها فعال‌تر باشد، مؤثرتر است؛ یعنی زمام کار دست کسانی است که فعالیت کنند؛ تنبلی و بی‌حالی و کسالت و مانند این‌ها به درد نمی‌خورد».

ایشان نمونه‌هایی از کارهایی که می‌تواند نسل جوان را در نقش و شأنِ محور بودنِ حرکت عمومی جامعه کمک کند و ظرفیت لازم را به آن‌ها بدهد ذکر می‌کنند. «یکی تشکیل کارگروه‌های فرهنگی است؛ این کاری که الآن دارد انجام می‌گیرد؛ این الآن وجود دارد. بنده با بسیاری از این‌ها آشنا هستم، با بعضی، ارتباط هم دارم. کارگروه‌های فرهنگی در سراسر کشور و در مساجد –که در صحبت یکی از دوستان

هم اتفاقاً همین بود- یکی از کارها است. این «آتش به اختیار» که من چندی پیش گفتم، مربوط به این مجموعه است، [یعنی] مجموعه‌های فعّال در زمینه‌های فرهنگی که این‌ها می‌توانند تأثیرگذاری عمیقی داشته باشند. از اوّل انقلاب هم همین‌جور بوده، الآن هم همین‌جور است. الآن هر جایی که شما یک گروه جوان را پیدا کنید -جوان متشکّل و بافکر و صاحب ذهن فعّال- که دست به کار فرهنگی می‌زنند مثلاً در یک مسجدی، در یک هیئتِ عزاداری‌ای -همین‌طور که دوستان بیان کردند- این‌ها می‌توانند روی جوان‌ها تأثیر بگذارند، روی محلّه تأثیر بگذارند، روی خویشاوندان تأثیر بگذارند، روی مجموعه‌های دانشجویی تأثیر بگذارند، یک حرکتی، یک عزمی، یک بینش و بینایی‌ای را در یک مجموعه‌ای به وجود بیاورند.

یک کار دیگر، تشکیل گروه‌های فعالیت سیاسی [است]؛ البتّه منظورم حزب‌بازی نیست. حزب‌بازی کاری است که بنده برکتی در آن احساس نمی‌کنم؛ امّا کار سیاسی فقط حزب‌بازی نیست؛ نشستن، تحلیل سیاسی کردن، حوادث سیاسی را شناختن، فهمیدن، منتقل کردن، یکی از آن کارهای بسیار اساسی است که حرکت عمومی جامعه را تسریع می‌کند، شکل می‌دهد و کمک می‌کند؛ یکی از کارها این است. تشکیل میزگردها و کرسی‌های آزاداندیشی در دانشگاه‌ها که بنده مکرّر این را تکرار کرده‌ام و تأکید کرده‌ام و توصیه کرده‌ام؛ و خب خیلی پیشرفتی نداشته. چه کسی باید این را بکند؟ [اگر] منتظر باشید که رئیس دانشکده یا معاون فرهنگی یا مانند این‌ها بکنند، فایده‌ای ندارد؛ خودتان باید بکنید. در دانشگاه‌ها کرسی‌های آزاداندیشی را باید تشکیل بدهید؛ منتها همین‌طور که گفتم همه‌ی این حرکت‌ها باید منضبط باشد؛ با انضباط، با پیش‌بینی، با مطالعه‌ی خوب از سوی افرادی که صاحب ذهن فعّال و زبان گویا هستند راه بیفتد؛ این‌ها حتماً کمک می‌کند، تأثیر می‌گذارد. الآن مجموعه‌ی دانشجویانی که همراه با تشکل‌ها هستند، درصد بالایی از دانشجوهای کشور نیست. اگر چنانچه شما این کارها را بکنید، این درصد قطعاً رشد خواهد کرد. خب دانشجویی که متعهّد نباشد یا سرگرم کارهای بی‌ربط باشد، در

پیشرفت کشور هیچ تأثیر مثبتی نمی‌گذارد اگر تأثیر منفی نگذارد. شما می‌توانید تأثیرگذاری کنید با همین [کار]. یک فصل هم این؛ یعنی یکی از راهکارهایی که ذکر می‌شود همین است.

یک راهکار دیگر تشکیل گروه‌های نهضتی در ارتباط با مسائل بین‌الملل و مسائل جهان [است]. همین‌طور که اشاره کردم بعضی از مجموعه‌ها این کارها را کرده‌اند. فرض کنید دعوت کردند از دانشجوهای فعّال کشورهای مقاومت که در تهران یا در بعضی شهرستان‌های دیگر آمدند، جمع شدند، جلسات خوبی هم بوده، به ما هم خبرش رسید و از این قبیل کارها می‌شود کرد؛ یعنی فعّال شدن در زمینه‌ی مسائل جهان اسلام. گروه‌هایی تشکیل بشوند و این کارها را دنبال بکنند: مسائل غزه، مسائل فلسطین، مسئله‌ی یمن، مسئله‌ی بحرین، مسائل مربوط به مسلمان‌های میانمار، مسائل مربوط به مسلمان‌های اروپا –یکی از مسائل قابل بحث ما در محیط‌های فعّال دانشجویی مسلمان‌های اروپایند که خب داستانی است -مسئله‌ی حوادثی که در بعضی از کشورها [پیش آمده]؛ مثلاً حوادث پاریس قابل بررسی است، قابل مطالعه است، قابل فعّال شدن است، یعنی در رابطه‌ی با این حوادث و حوادث منطقه یک مجموعه‌ی دانشجویی می‌تواند فعّال بشود؛ این هم یکی از راهکارها است.

یک راهکار دیگر تشکیل گروه‌های علمی و همکاری با مراکز علمی [است]. یک راهکار دیگر همکاری با شرکت‌های دانش‌بنیان و کار اقتصادی [است]. یک راهکار بسیار مهم دیگر کارهای خدماتی [است؛ یعنی] همین کارهای گروه‌های جهادی که می‌روند به این مناطق مختلف که یکی از بهترین کارهای دانشجویی است؛ هر چه این‌ها توسعه پیدا کند و تقویت بشود و جهت‌دارتر و هدف‌دارتر بشود بهتر است؛ این‌ها تقویت جسم و روح و ایجاد آن حرکت عمومی است.

فعّالیّتهای اطلاعاتی مردمی. خیلی از کارهایی که دستگاه‌های اطلاعاتی ما یا نمی‌توانند انجام بدهند یا به دلایل مختلفی لابه‌لای کارها می‌ماند، گاهی به‌وسیله‌ی عناصر هوشیار و آگاه اطلاع‌رسانی می‌شود و تأثیر داشته. به خود ما گاهی

اطلاع‌رسانی شده، تأثیر کرده و دنبال شده و کارهای مثبتی انجام گرفته. فرض کنید [اطلاع‌رسانی] یک سوءاستفاده در زمینه‌ی قاچاق، در زمینه‌ی واردات گوناگون؛ مثل همین‌هایی که حالا یکی از دوستان اینجا اسم آوردند، خوراک سگ و امثال این‌ها؛ مجموعه‌هایی می‌توانند در این زمینه‌ها فعّال باشند.

کارهای اجتماعی. ببینید، الآن در این فهرستی که من گفتم تا حالا هفت هشت تا، ده دوازده تا راهکار شده؛ از این قبیل پنجاه تا راهکار می‌شود پیدا کرد. کارگروه‌هایی که ممکن است به هم مرتبط هم نباشند امّا بایستی هدایت بشوند، باید برنامه‌ریزی بشود. همه‌ی این کارها باید به‌وسیله‌ی جوان‌ها برنامه‌ریزی بشود. البتّه همه‌ی این‌ها هم بایستی با الهام‌گیری از آن جهت‌گیری کلی که عرض کردم [یعنی] در جهتِ رسیدن به جامعه‌ی اسلامی و تمدّن اسلامی است. در همه‌ی این کارها، آن برنامه‌ریزان، آن مراکز برنامه‌ریزی و هدایت که گفتیم حلقه‌های میانی باید آن را انجام بدهند، باید به آن جهت‌گیری توجّه داشته باشند».

۳. روش اجرای تحقیق

این پژوهش ازلحاظ هدف بنیادی، ازلحاظ استراتژی آمیخته اکتشافی و به‌صورت کیفی کمی است. جامعه این تحقیق جمعی از خبرگان مدیریتی و دانشگاهی بوده‌اند که هم سابقه اجرایی و هم مدارک تحصیلی دکتری داشتند. نمونه‌گیری طرح هدفمند بوده است. ابزار تحقیق مصاحبه عمیق و نیمه ساختاریافته بوده است که پژوهشگر از طریق روش تحلیل مضمون به جمع‌آوری داده‌ها پرداخته است. در بخش بعدی محقق پرسشنامه محقق ساخته را بر اساس مؤلفه‌های به دست آمده طراحی نموده تا بر اساس آن به مشارکت‌کنندگان این تحقیق داده و تکمیل نموده‌اند که جمعیت آن‌ها به تعداد ۱۲۰ نفر بوده‌اند. جهت بخش کمی و برازش مدل از نرم‌افزار پی ال اس نسخه سوم استفاده شده است.

٤. یافته‌ها

بر اساس تحقیقات پیشین، کدگذاری اولیه و ثانویه‌ای که انجام شده، کدهایی که شبیه به هم هستند هرکدام در یک مقوله قرار گرفتند که نتایج آن بر اساس جدول ذیل است. پس از انجام مصاحبه‌ها و ایجاد کدهای اولیه از طریق نظرات خبرگان کدهای تکراری را حذف نموده و وارد کدگذاری ثانویه شده و سپس به مقوله پردازی با کمک خبرگان خواهد پرداخت.

جدول ۱. کدهای ثانویه ناشی از مدیریت جهادی با استفاده از حلقه‌های میانی مبتنی بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

	کدهای ثانویه
۱	دین‌محوری و کار برای خدا
۲	ولایت مداری
۳	تقوای سیاسی و اخلاق‌مداری
٤	اعتقاد به امدادهای غیبی و توکل به خدا
٥	روحیه مردمی
٦	اعتماد به اعضای گروه
۷	قانع نبودن به وضع موجود و پویایی
۸	خودسازی و خودباوری
۹	ایستادگی در مقابل چالش‌ها
۱۰	تعهد و مسئولیت‌پذیری
۱۱	آرمان‌گرایی و هدفمندی
۱۲	نوآوری
۱۳	تلاش جهادی عالمانه و مدبرانه
۱٤	تلاش در جهت حفظ ارزش‌های انقلابی
۱٥	نگرش سیستمی
۱٦	شناخت دقیق مسائل ناشی از بصیرت

کدهای ثانویه	
۱۷	بی‌معنی بودن بن‌بست و مبارز بودن
۱۸	توانمندسازی خود و زیردستان
۱۹	انتقادپذیر بودن
۲۰	حمایت از کار دانشی
۲۱	انعطاف‌پذیری و خستگی‌ناپذیر بودن
۲۲	مدیریت مشارکتی و تبادل نظر و تعامل با سایر مدیران
۲۳	یادگیری و تعالی
۲٤	حفظ کرامت انسانی و امانت‌داری
۲٥	صداقت در پاسخگویی
۲٦	تعالی و تحقق اهداف نظام جمهوری اسلامی
۲۷	تسهیل بسط عدالت و شایسته‌سالاری
۲۸	انگیزه الهی در مدیریت و دین‌مداری
۲۹	چابک سازی ساختار و فرآیندها
۳۰	ترویج فرهنگ و ارزش‌های جهادی و انقلابی
۳۱	پرهیز از تجمل‌گرایی و گرایش به ساده زیستی
۳۲	فرماندهی بر قلب‌ها و روحیه وحدت‌گرایی
۳۳	خدمت به خلق خدا با نیت الهی
۳٤	حق مداری و عدالت‌طلبی در تقسیمات کشوری و شهری
۳٥	بهره‌گیری از فناوری‌های نوین
۳٦	مبارزه با فساد
۳۷	جوان‌گرایی و جانشین پروری
۳۸	ریسک‌پذیری

پس از این امر مقوله پردازی را انجام داده و سپس با کمک این مقوله‌ها نشان داده شد پنج عامل کلیدی در مدیریت جهادی مبتنی بر بیانیه گام دوم انقلاب به دست آمده است که به شرح جدول ۲ است.

جدول ۲. دسته‌بندی حوزه‌ها و مقوله سازی

انتقادپذیر بودن	**یک: روحیه انتقادپذیری و استمداد از حلقه‌های میانی**
انعطاف‌پذیری و خستگی‌ناپذیر بودن	
صداقت در پاسخگویی	
فرماندهی بر قلب‌ها و روحیه وحدت‌گرایی	
ترویج فرهنگ و ارزش‌های جهادی و انقلابی	
دین‌محوری و کار برای خدا	دو: ایمان به خداوند
ولایت مداری	
اعتقاد به امدادهای غیبی و توکل به خدا	
انگیزه الهی در مدیریت و دین‌مداری	
حق مداری و عدالت‌طلبی در تقسیمات کشوری و شهری	
خدمت به خلق خدا با نیت الهی	
حمایت از کار دانشی	سه: تفکر سیستمی مدیران جهادی و استفاده از این حلقه‌ها
اعتماد به اعضای گروه	
آرمان‌گرایی و هدفمندی	
توانمندسازی خود و زیردستان	
شناخت دقیق مسائل ناشی از بصیرت	
نگرش سیستمی	
تلاش جهادی عالمانه و مدبرانه	
یادگیری و تعالی	
روحیه مردمی	چهار: مردمی بودن مدیران
تقوای سیاسی و اخلاق‌مداری نسبت به مردم	
مبارزه با فساد	

پرهیز از تجمل‌گرایی و گرایش به ساده زیستی	
حفظ کرامت انسانی و امانت‌داری	
نوآوری	پنج: بهره‌گیری از فرصت‌های پیش رو با استفاده از حلقه‌های میانی
خودسازی و خودباوری	
ریسک‌پذیری	
جوان‌گرایی و جانشین پروری	

پس از این امر با کمک نرم‌افزار پی ال اس بخش کمی را توسعه داده و با پخش پرسشنامه محقق ساخت داده‌های مورد نیاز بخش کمی را به دست آورده و با کمک نرم‌افزار پی ال اس برازش مدل به دست آمده را تحلیل کرده است.

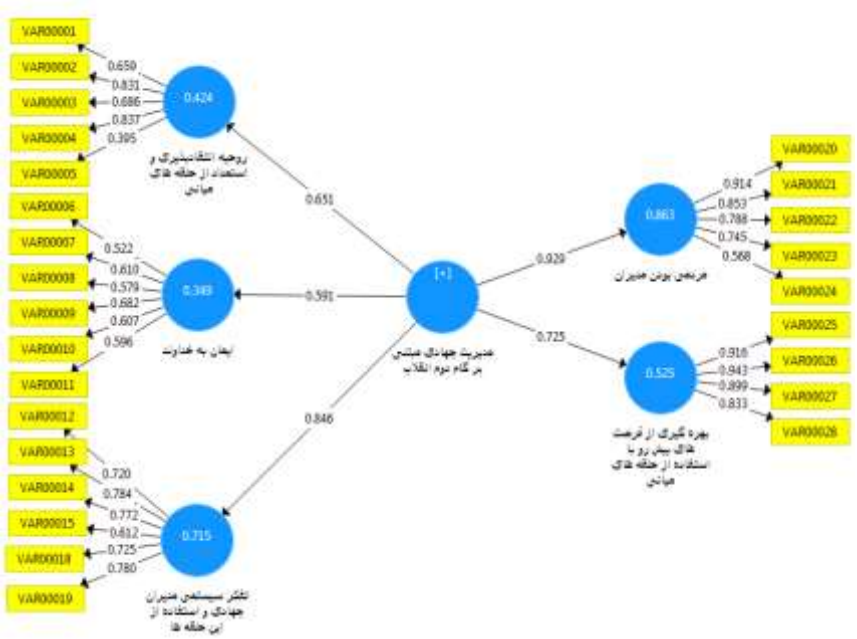

شکل ۱. مدل پژوهش با ضرایب استاندارد شده بار عاملی

با توجه به جدول ۳ به علت اینکه مقدار نهایی برازش کلی مدل ۰/۵۵ است لذا می‌توان گفت برازش کلی مدل تحقیق قوی و مناسب است.

جدول ۳. نتایج برازش کلی مدل با معیار GOF

متغیرهای پژوهش	communalitY	R^2	GOF
روحیه انتقادپذیری و استمداد از حلقه‌های میانی	۰/۳۰	۰/۵۹	$GOF = \sqrt{\overline{Communalities} \times \overline{R^2}} = \sqrt{0.45 \times 0.69} = 0.55$
ایمان به خداوند	۰/۳٤	۰/٦٥	
تفکر سیستمی مدیران جهادی و استفاده از این حلقه‌ها	۰/۵۲	۰/۷۲	
بهره‌گیری از فرصت‌های پیش رو با استفاده از حلقه‌های میانی	۰/۵۵	۰/۵٤	
مردمی بودن مدیران	۰/٦۷	۰/۸۳	

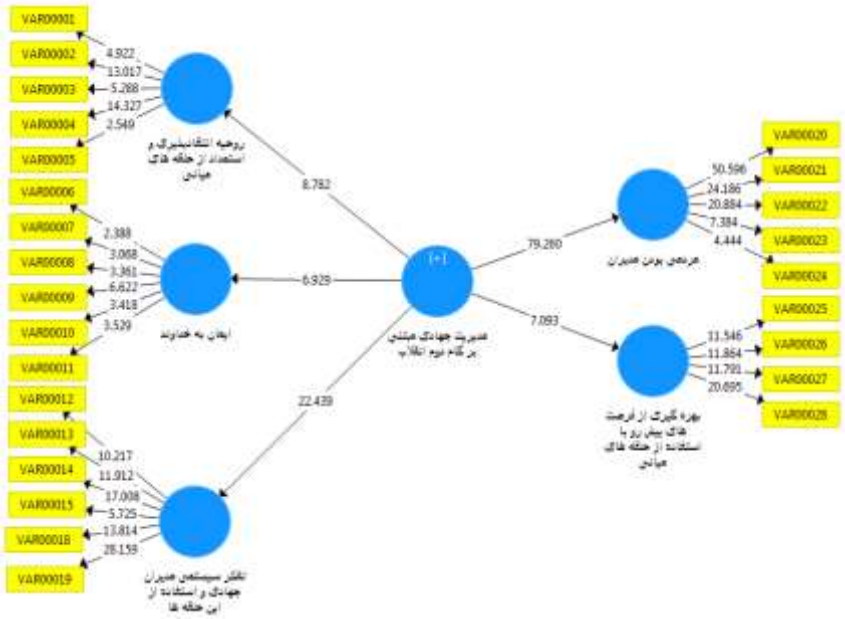

شکل ۲. مدل پژوهش با ضرایب عدد معناداری

جدول ٤. نتایج ضریب آلفای کرونباخ و روایی همگرا

سازه‌های پژوهش	ضریب آلفای کرونباخ (Alpha >0.7)	AVE>0.5
روحیه انتقادپذیری و استمداد از حلقه‌های میانی	۰/۹۵	۰/۸٤
ایمان به خداوند	۰/۷۱	۰/٥٦
تفکر سیستمی مدیران جهادی و استفاده از این حلقه‌ها	۰/۸۱	۰/٥٦
بهره‌گیری از فرصت‌های پیش رو با استفاده از حلقه‌های میانی	۰/۸۰	۰/٥٦
مردمی بودن مدیران	۰/۸۱	۰/۷۳

با توجه به جدول ٤ می‌توان گفت میزان ضریب آلفای کرونباخ و میزان روایی همگرا مناسب بوده است و با توجه به جداول و شکل‌های فوق می‌توان گفت برازش مدل تحقیق به دست آمده مناسب بوده است.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج به دست آمده از بخش یافته‌ها می‌توان به نتایج زیر اشاره نمود. از آنجا که روحیه انتقادپذیری و استمداد از حلقه‌های میانی از یافته‌های تحقیق است لذا می‌توان گفت اگر از نیروهای کمکی انقلابی و جوان استفاده شود و روحیه انتقادپذیری مدیران جهادی بالا باشد لذا این امر می‌تواند به کمک مدیران آمده و انتقادهای به دست آمده از نیروی جوان را به‌صورت انعطاف‌پذیر قبول کرده تا با کمک این انتقادها بتوان مشکلات کشور را به‌طور مناسب‌تر و انعطاف‌پذیرتری دریافت و مورد بررسی قرار داد و حل نمود. از سویی با کمک این تحقیق می‌توان دید که ایمان به خدا از سوی حلقه‌های میانی و مدیران جهادی اگر مورد قبول باشد روحیه مسئولیت‌پذیری و کمک به مسئولین در آن‌ها بیشتر نمود پیدا کرده و این امر به حل مشکلات کشور بیشتر کمک خواهد کرد. از سویی تفکر سیستمی از سوی مدیران جهادی می‌تواند پیشنهادات را از سوی حلقه‌های میانی دریافت کرده و با

تحلیل و بررسی بیشتر در رفع مشکلات کشور به کار گرفته شود. بهره‌گیری از فرصت‌های پیش رو با استفاده از حلقه‌های میانی خود یک مبحث مهمی است که اگر مدیران جهادی از این استعدادهای بالقوه به‌خوبی استفاده کنند خود می‌تواند مشکلات را بهتر مورد شناسایی قرار داده و با کمک همین جوانان و نیروهای انقلابی بتوان حل مسئله را انجام داده و مشکلات را از پیش رو برداشت چرا که حل مسئله به کمک این نیروها که خود مشکلات را مورد شناسایی قرار داده‌اند قاعدتاً بهتر می‌تواند تحلیل و رفع گردند. همچنین مردمی بودن مدیران خود عاملی است که می‌تواند مدیران جهادی خود را از مردم بدانند و با انعطاف‌پذیری مشکلات را بهتر از مردم دریافت کرده و با کمک آنان به حل مشکل پرداخته و از سویی با مشارکت آنان می‌توان امیدوار بود این مشکلات زودتر حل گردد.

فهرست منابع

-خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۷)، بیانیه گام دوم انقلاب، تهران: دفتر نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای.

-اردستانی، حمیدرضا، امینی، محمدتقی، دهکردی، لطف اله (۱۳۹٦). طراحی الگوی مدیریت جهادی فرماندهان دوران دفاع مقدس (ابعاد چهارگانه طرز فکر، سبک زندگی، سبک مدیریت و عملکرد اجرایی). فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، ۲۰ (۷٤). ٦۷-٦۹.

-زارع سخویدی، مهدی و ملک جعفریان، ابوالفضل (۱٤۰۰)، بررسی تأثیر مدیریت جهادی بر عملکرد سازمانی در را ستای تحقق منویات آیت‌الله خامنه‌ای در بیانیه گام دوم انقلاب (مورد مطالعه: مدیران قوه قضائیه)، هشتمین کنگره ملی تازه یافته در مدیریت و مهندسی صنایع با تأکید بر توانمندی و هوش رقابت، تهران، ۱-۲۱.

-نظری، یونس، منطقی، منوچهر، توکلی، غلامرضا (۱۳۹۷). ارائه الگوی مدیریت جهادی در صنعت دفاعی ج.ا.ایران با نگرش اقتصاد مقاومتی. فصلنامه راهبرد دفاعی، ۱٦(٦٤). ۲۱.

امام جماعت طراز اسلامی: حلقه میانی در جامعه‌سازی محله‌محور از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای

جواد آقایان[1] علی باره بارنجی[2]

چکیده

این تحقیق، با روش کتابخانه‌ای و مراجعه به بیانات امامین انقلاب، به تبیین وظایف و رویکردهای امام جماعت مسجد طراز اسلامی پرداخته است. امام جماعت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین حلقه‌های میانی در جامعه‌سازی محله‌محور، نقش کلیدی در تحقق تمدن نوین اسلامی و بسترسازی ظهور ایفا می‌کند. اسلام، مسجد را محل تجمّع مردم بر محور ذکر و توجّه به خدای متعال قرار داده است. در ضمن، مدیریت این مکان مقدس به علما و روحانیون محول شده است. در این راستا، پس از بیان مفهوم واژه «امام» و «طراز»، رویکردها و وظایف امام جماعت مسجد طراز اسلامی به‌عنوان حلقه میانی برای جامعه‌سازی محله‌محور مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. مقاله حاضر ضمن مرور مختصر کارکردهای عبادی و اجتماعی مسجد، شاخصه‌های امام جماعت را با بهره‌گیری از بیانات آیت‌الله خامنه‌ای تحلیل و تبیین کرده است.

واژگان کلیدی: مسجد طراز اسلامی، حلقه میانی، امام جماعت، جامعه‌سازی، محله‌محور.

[1] طلبه درس خارج حوزه علمیه قم، کارشناسی ارشد رشته شیمی کاربردی. J.aghayan@chmail.ir

[2] طلبه درس خارج حوزه علمیه قم، aliyarehbarenji@gmail.com

مقدمه

جامعه اسلامی همانند برخی جوامع دیگر، دارای اجتماعاتی با اهداف معین است که از ویژگی‌ها و کارکردهای متمایزی برخوردارند. آیت‌الله خامنه‌ای در این زمینه تأکید دارند که اجتماعات انسانی، بسته به محل و محور شکل‌گیری خود، معانی و تأثیرات متفاوتی دارند. از منظر اسلام، مسجد به‌عنوان محور اصلی اجتماع بر پایه ذکر و توجّه به خداوند متعال، جایگاهی منحصربه‌فرد دارد. برخلاف اجتماعات دیگر که ممکن است در باشگاه‌های اشرافی، قهوه‌خانه‌ها، یا اماکن دیگر شکل گیرند، اجتماع در مسجد، ماهیتی الهی و تمدن‌ساز دارد. آیت‌الله خامنه‌ای در توصیف این جایگاه می‌فرمایند:

«وقتی اجتماع بر محور نماز و ذکر به وجود آمد، آن‌وقت یک معنای دیگری پیدا می‌کند، یک جهت دیگری پیدا می‌کند، دل‌ها را به سمت دیگری می‌کشاند؛ این ابتکار اسلام بود... در مسجد، پیغمبر اکرم نمی‌رفت فقط نماز بخواند و بیرون بیاید؛ کاری که برای اجتماع پیش می‌آمد و مهم بود، صدا می‌زدند: «اَلصلوةُ جامِعَةٌ» (عاملی، ١٤١٢ ه، ج ۲۳، ۲٤۳)؛ بروید به سمت محل صلات؛ برای چه؟ برای اینکه راجع به مسئله‌ی جنگ مشورت کنیم یا خبر بدهیم یا همکاری کنیم یا بسیج کنیم امکانات را و بقیّه‌ی چیزها؛... در مسجدالحرام یا مسجدالنّبی حلقه‌ی درس زید و عمرو و بکر از نحله‌های مختلف فکری و مذهبی وجود داشت؛ معنای این خیلی متفاوت است با کلیسا یا با کنیسه‌ی یهودی که فقط می‌روند آنجا، یک عبادتی می‌کنند و بیرون می‌آیند. مسجد پایگاه است و این پایگاه بر محور ذکر و نماز است»(خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۵/۰۵/۳۱).

این پایگاه عبادی و اجتماعی در اسلام، با نام مسجد شناخته می‌شود و از بدو شکل‌گیری در صدر اسلام، مرکز کارکردهای عبادی، تعلیمی، اجتماعی و سیاسی بوده است. بااین‌حال، با گذشت زمان و فاصله گرفتن از هویت اصیل مساجد صدر

اسلام، نیاز به بازآفرینی مسجد طراز اسلامی به‌عنوان یک نهاد تمدنی بیش‌ازپیش احساس می‌شود. امام خمینی نیز در این زمینه تأکید می‌کنند:

«سعی کنید که مساجد ما به حال مساجد صدر اسلام برگردد و توجه داشته باشید که عزلت و کناره‌گیری در اسلام نیست» (امام خمینی، ۱۳۸۹ ش، ٥٤).

بازگشت به هویت اصیل مسجد صدر اسلام و بهره‌گیری از الگوی آن، راهنمای مناسبی برای دستیابی به مسجد طراز اسلامی در عصر حاضر خواهد بود. همچنین حفظ و پویایی این جایگاه رفیع، مستلزم مدیریت آگاهانه و دغدغه‌مند روحانیون متعهد است که مسئولیت معنوی و محتوایی این پایگاه را بر عهده دارند.

بیانات امامین انقلاب در مورد ویژگی‌ها و کارکردهای مساجد صدر اسلام و الزامات کنونی آن، تصویری روشن از مسجد طراز اسلامی را ترسیم می‌کند. این تصویر شامل کارکردهای عبادی، تعلیمی، اجتماعی و سیاسی مساجد، همراه با نقش برجسته امام جماعت به‌عنوان مدیر معنوی و محتوایی مسجد است. در این نوشتار، با استناد به بیانات امامین انقلاب، به بررسی شاخصه‌ها و ویژگی‌های امام جماعت مسجد طراز اسلامی، به‌عنوان یکی از حلقه‌های میانی جامعه‌سازی محله‌محور، پرداخته شده است. این مطالعه همچنین به تبیین وظایف امام جماعت در انجام رسالت‌های تبلیغی و دینی و ارائه الگوی مسجد طراز اسلامی در عصر حاضر می‌پردازد.

۱- بیان مسئله

مسجد در اسلام نه‌تنها اولین مکان عبادت است، بلکه پایگاهی برای فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی نیز محسوب می‌شود. اولین خانه‌ای که برای عبادت در قرآن ذکر شده، بیت‌الله‌الحرام است (آل‌عمران، آیه ۹٦) و پس از آن مسجدالأقصی در سوره اسراء مورد تأکید قرار می‌گیرد. در تاریخ اسلام، نخستین مسجد در یثرب، یعنی مسجد قبا، پس از هجرت پیامبر ۹، پایه‌گذار حرکت اسلامی در جامعه شد. سپس مسجدالنبی در مدینه به‌عنوان مرکزی برای عبادت، آموزش و فعالیت‌های اجتماعی تأسیس گردید.

آیت‌الله خامنه‌ای در تأکید بر اهمیت مسجد به‌عنوان محور جامعه می‌فرمایند: «مسئله‌ی گردهمایی مردمی بر محور نماز و ذکر از نظر اسلام مهم است. هر فعالیت اجتماعی که در مسجد صورت می‌گیرد، باید بر اساس ذکر خدا و برای هدف‌های الهی باشد.» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۵/۰۵/۳۱). این بیان نشان می‌دهد که مسجد تنها محل عبادت نیست، بلکه باید بستری برای فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی باشد.

مسجد از دیرباز نقش مهمی در تحولات اجتماعی و سیاسی ایفا کرده است. در طول تاریخ اسلام، بسیاری از نهضت‌ها و قیام‌ها از مساجد نشأت گرفته‌اند. به‌ویژه در ایران، یکی از عوامل پیروزی انقلاب اسلامی حضور پررنگ مردم در مساجد بود، جایی که روحانیون به تعلیم، تربیت و روشنگری پرداختند و مسجد تبدیل به مرکزی برای نهضت و آگاهی شد. آیت‌الله خامنه‌ای همچنین به اهمیت مسجد در تقویت تمدن اسلامی و ایجاد بصیرت میان مردم اشاره می‌کنند و می‌فرمایند: «مسجد می‌تواند پایگاه همه‌ی کارهای نیک باشد؛ از خودسازی و انسان‌سازی گرفته تا مقابله با دشمن و زمینه‌سازی برای تمدن اسلامی.» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۵/۰۵/۳۱).

در ایجاد یک جامعه اسلامی، مساجد باید گرم‌تر و پُررونق‌تر شوند و مردم را به پیروی از تعالیم قرآن تشویق کنند. مساجد به‌عنوان پایگاه‌های معنوی و اجتماعی، نقش اساسی در رفع مشکلات اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی دارند و امام جماعت به‌عنوان مدیر مسجد، نقش مهمی در هماهنگی این فعالیت‌ها دارد.

مسجد طراز اسلامی باید به‌عنوان مرکز فعالیت‌های عبادی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی عمل کند و این امر به‌ویژه در سطح محله‌ها، نیازمند هماهنگی و پیگیری دقیق از سوی امام جماعت است. تحقیق حاضر به بررسی دقیق‌تر نقش امام جماعت مسجد طراز اسلامی در ایجاد جامعه‌ای محله‌محور و پویا می‌پردازد. در این تحقیق، با استناد به بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، به تحلیل و تبیین دو بعد اساسی از نقش امام جماعت پرداخته می‌شود: نخست، «رویکردهای امام جماعت مسجد طراز اسلامی»

که شامل نگرش‌ها و دیدگاه‌های امام جماعت در اداره‌ی مسجد به‌عنوان پایگاه اجتماعی، فرهنگی و عبادی است. دوم، «وظایف امام جماعت مسجد طراز اسلامی» که به مسؤولیت‌ها و فعالیت‌های عملی امام جماعت در پیشبرد اهداف اجتماعی، فرهنگی و دینی مسجد می‌پردازد. این تحقیق در پی ارائه الگویی است که به کمک آن، امام جماعت می‌تواند نقش خود را در تشکیل جامعه‌ای پویا و محله‌محور بهتر ایفا کند.

۲- پیشینه تحقیق

مسجد طراز اسلامی عنوانی است که نخستین بار آیت‌الله خامنه‌ای در پیامی به نوزدهمین اجلاس سراسری نماز در تاریخ ۱۸ مهرماه سال ۱۳۸۹، مطرح نمودند و از آن زمان، تحقق چنین مساجدی مورد تأکید قرار گرفت. از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، مسجد طراز اسلامی باید الگویی باشد که بر مبنای ویژگی‌ها و کارکردهای مسجد در صدر اسلام شکل بگیرد. این مسجد باید علاوه بر کارکردهای عبادی، به مرکز فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نیز تبدیل شود تا در تحقق جامعه اسلامی و رشد و پیشرفت آن مؤثر باشد. در این راستا، امام جماعت نقش محوری در هدایت و پیشبرد اهداف اجتماعی مسجد ایفا می‌کند.

علمدار و همکاران (۱۳۹۷) معتقد هستند عده‌ای مقصودشان از مسجد طراز اسلامی یا مسجد طراز انقلاب اسلامی، همانا مسجدی است که به‌صورت کامل منطبق بر ویژگی‌ها و کارکردهای مسجد در صدر اسلام و خصوصاً در زمان حکومت نبوی در مدینه الرّسول صلی‌الله علیه‌وآله باشد (علمدار، پیرلویی، ۱۳۹۷) اما این نکته به نظر آقای نوبهار و همکاران (۱۳۹۲) چندان مناسب نیست به نظر ایشان این دیدگاه نگرشی جامع و پویا نیست. به‌عبارت‌دیگر احیای تمام کارکردها و نقش‌های مسجد در عصر نبوی، امری بسیار ضروری و متین است لیکن چنانچه از فرمایش حضرت امام راحل و نظایر آن چنین برداشت شود که سقف و نهایت نقش‌آفرینی و کارکرد مسجد همان است که در صدر اسلام ظهور و بروز پیدا کرد و کسی حق ندارد

کارکردی فراتر از آن را برای مساجد تعریف نماید، چنین برداشتی قطعاً ناصواب و عامل رکود و ایستایی خواهد بود (نوبهار، ۱۳۹۲).

آیت‌الله خامنه‌ای در بیانات مختلف خود به‌ویژه در تاریخ ۱۳۹۵/۰۵/۳۱ تأکید کردند که امام جماعت مسجد باید نقش محوری در جامعه‌سازی محله‌محور ایفا کند. ایشان مسجد را به‌عنوان «محور فعالیت‌های اجتماعی» معرفی کرده و بیان داشته‌اند که «مسجد پایگاه انواع و اقسام فعالیت‌های اجتماعی است». امام جماعت می‌تواند حلقه میانی باشد که مردم را به هم پیوند زده و آنان را در فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی مشارکت دهد تا درنتیجه، محله‌ای پویا و زنده شکل بگیرد.

بر اساس این بیانات، امام جماعت نقش مهمی در ایجاد و تقویت ساختارهای اجتماعی در محله‌ها دارد. او باید پیگیر مسائل اجتماعی و فرهنگی محله باشد و با ایجاد فضایی برای همبستگی و همکاری مردم، منجر به تحقق جامعه‌سازی محله‌محور شود. در این مدل، امام جماعت به‌عنوان محور اصلی در هماهنگی فعالیت‌های اجتماعی عمل می‌کند و مسجد به یک مرکز فرهنگی و اجتماعی تبدیل می‌شود که بر اساس ارزش‌های اسلامی و بر مبنای ذکر خداوند، مردم را در مسیر پیشرفت اجتماعی هدایت می‌کند.

معزی و همکاران (۱۳۹۷) ضمن تحقیقی سعی کردند تا با طراحی و اجرایی کردن یک پژوهش علمی، هدفمند و نظام‌مند، مدلی وزنی جهت ارزیابی مساجد کشور در جهت رسیدن به یک مسجد طراز انقلاب را طراحی نمایند. در این راستا ۲۰ شاخص ارزیابی را در قالب سه دسته کلی شناسایی نموده و برای هریک از شاخص‌ها نیز وزن نسبی تعیین کردند. بر اساس نتایج حاصل از تحقیق، شاخصی که بیشترین وزن را دارا است تعامل مناسب مابین امام جماعت، هیئت امنا، کانون فرهنگی و پایگاه مقاومت و مردم است که بیانگر نقش مهم و اساسی روحانی مسجد است (معزی، مرادی، امیری، ۱۳۹۷ ش، ۱۸۰).

با اینکه در مطالعات انجام شده به نقش مسجد و امام جماعت در جامعه‌سازی تأکید زیادی شده است، اما در بسیاری از تحقیقات، به‌ویژه در زمینه مسجد طراز اسلامی، نقش امام جماعت به‌عنوان حلقه میانی در فرآیند جامعه‌سازی محله‌محور مورد توجه قرار نگرفته است. این موضوع نشان‌دهنده وجود خلأهایی در تحقیقات مربوط به ارزیابی دقیق‌تر نقش امام جماعت در مسجد طراز اسلامی است.

۳- رویکردهای امام جماعت مسجد طراز اسلامی

ارتباط مؤثر با مردم، آگاهی‌بخشی به آنان و تبدیل ایمان مردم به عمل صالح، پیش‌نیاز دستیابی به جامعه اسلامی است. این مرحله که در فرایند تحقق اهداف اسلامی بیان شده توسط آیت‌الله خامنه‌ای قرار دارد، پیش از رسیدن به تمدن اسلامی است. برای دستیابی به این اهداف، همکاری و مشارکت مردم ضروری است و این اصل محکم و غیرقابل انکار است. به‌گونه‌ای که اگر مؤمنین در کنار پیامبر، یاری نمی‌کردند، پیروزی آن حضرت نیز محقق نمی‌شد. شواهد تاریخی بسیاری بر این ادعا وجود دارد.

رهبر انقلاب اسلامی فرمودند: «خداوند متعال به پیغمبرش می‌فرماید: «هُوَ الَّذی أَیَّدَکَ بِنَصْرِهِ وَ بِالْمُؤْمِنین» (سوره انفال، آیه ٦٢) خیلی مهم است. خدای متعال مؤمنین را در ردیف نصرت خودش قرار می‌دهد؛ یعنی اگر مؤمنین کمک نمی‌کردند به پیغمبر، پیغمبر هم پیروز نمی‌شد. لذا اولین کاری که پیغمبر انجام داد، ساختن مؤمنین بود. مؤمن بسازد، مؤمن درست کند؛ بنابراین، روشن است که رسیدن به اهداف اسلامی که می‌توان آن را نظام اسلامی و درنهایت تمدن اسلامی نامید، بدون حضور فعال مردم، توجه و همت آنان امکان‌پذیر نیست. باید مردم بخواهند، مردم بیایند و مردم اقدام کنند» (خامنه‌ای، بیانات: ١٤٠٢/١٠/٢٦).

بر این اساس، روحانیون و طلاب فعال در عرصه مسجد نیز باید این نکته را در نظر داشته باشند و تمامی فعالیت‌های خود در مسجد را بر اساس گسترش ذکر و نماز، حول محور رشد فکری و مذهبی مردم و کنشگری آنان در راستای ساخت جامعه

اسلامی مسجدمحور و محله‌محور تنظیم کنند. این تلاش‌ها باید در مسیر تحقق جامعه اسلامی کلان و تمدن اسلامی و بسترسازی برای ظهور قرار گیرد. در ادامه، برخی رویکردهای جزئی در چارچوب نظام رویکردی کلان مطرح شده، بیان خواهد شد. این رویکردها به‌طورکلی شامل نگرش‌ها، فلسفه‌ها و جهت‌گیری‌های کلی هستند که امام جماعت باید در انجام وظایف خود داشته باشد. این رویکردها باید تأکید بر اصول و معیارهای اساسی داشته باشند؛ که در ادامه به مواردی اشاره می‌شود:

- **نگرش درست به مسجد**

«به برکت نماز، فضای مسجد نورانی و عطرآگین می‌گردد و سخن حق و آموزش دین و اخلاق و سیاست در آن بیش از هر جای دیگر بر دل و جان می‌نشیند و به زندگی فرد و جامعه، سمت و سوی خدائی می‌دهد. مسجد را با این نگاه باید نگریست. مسجد در همه جا باید پاکیزه، زیبا و آرام‌بخش باشد. مدیریت محتوایی و معنویِ مسجد که بر دوش روحانی مسجد است باید خردمندانه و مسئولانه و حتی عاشقانه باشد» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۰/۷/۱۹).

مسجد باید با توجه به ویژگی‌های معنوی خود، مکانی پاک و آرام‌بخش باشد که در آن معارف دینی، اخلاقی و اجتماعی به‌درستی انتقال یابد. مدیریت مسجد باید با مسئولیت‌پذیری و عشق به کار، زمینه‌ساز رشد معنوی افراد باشد.

۱- پیش‌نمازی تنها وظیفه امام جماعت نیست

امامت جماعت مسجد یکی از مسئولیت‌های مهم و اساسی روحانیون است که نباید به آن تنها به‌عنوان پیش‌نمازی نگاه کرد. آیت‌الله خامنه‌ای تأکید دارند که امام جماعت، علاوه بر اقامه نماز، باید محور فعالیت‌های فرهنگی، دینی و اجتماعی مسجد باشد. به گفته ایشان، وظایف امام جماعت شامل اقامه حق، عدالت و دین است و این مسئولیت باید با جدیت و زمان کافی دنبال شود (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۵/۵/۳۱).

ایشان با انتقاد از رویکردهایی که امامت مسجد را به یک کار جانبی تقلیل می‌دهند، یادآوری می‌کنند که این مسئولیت باید به‌عنوان یک وظیفه مهم و اولویت‌دار در نظر گرفته شود. امام جماعت نباید تنها به اقامه نماز اکتفا کند، بلکه باید در زمان‌های مناسب، مانند بین دو نماز یا پس از آن، با نمازگزاران صحبت کند، مسائل دینی را تبیین کند و به سؤالات آن‌ها پاسخ دهد.

۲- حفظ قداست روحانیت

روحانیت جایگاه و قداستی ویژه در نگاه مردم دارد؛ قداستی که ناشی از مسئولیت و شأن معنوی این قشر است. آیت‌الله خامنه‌ای در تبیین این موضوع می‌فرمایند:

«روحانیت دارای قداست است. مردم به من و شما که نگاه می‌کنند، به خاطر لباسمان، شأنمان و شغلمان، حساب خاصی برای ما باز می‌کنند و یک تقدسی قائل‌اند... این قداست را چگونه حفظ کنیم؟ حفظ قداست با سلامت مالی، سلامت اخلاقی و حفظ زیّ طلبگی است... معنایش این است که در دنیاطلبی مثل دنیاطلبان عمل نکنیم؛ هر چه هوس کردیم، بخواهیم. من قبل‌ها روایتی دیدم که هر کس هر چه دلش خواست، بپوشد، هر چه دلش خواست، بخورد و هر مرکوبی که دلش خواست، سوار شود، این شخص پیش خدای متعال ملعون است. این شأن پولدارها و پول‌پرست‌هاست... این شأن طلبگی نیست. شأن طلبگی این است که انسان یک زیّ متوسطی همراه با قناعت، سلامت مالی و سادگی به‌طور نسبی برای خودش نگه دارد. سلامت اخلاقی، خیلی مهم است. آن وقت قداست حفظ خواهد شد» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۵/۰۸/۱۷).

برای حفظ قداست روحانیت، پایبندی به اصول اخلاقی و مالی ضروری است. سلامت اخلاقی، دوری از دنیاطلبی و التزام به سادگی و قناعت، روحانیون را از آسیب‌های دنیوی دور می‌کند و قداست آن‌ها را در میان مردم حفظ می‌نماید. این ویژگی‌ها باید محور اصلی رفتار و سبک زندگی طلبه‌ها و روحانیون باشد تا قداست جایگاه روحانیت پایدار بماند.

۳- استقلال و مردمی بودن

روحانیت شیعه در طول تاریخ به ویژگی منحصربه‌فردی شناخته شده است که در استقلال و ارتباط نزدیک با مردم تجلی یافته است. آیت‌الله خامنه‌ای بر این موضوع تأکید کرده و می‌فرمایند که روحانیت شیعه همواره توانسته است استقلال و مردمی بودن خود را حفظ کند. ایشان اشاره می‌کنند که حتی در شرایطی که نظام جمهوری اسلامی برپا شده و برخی از مسئولان از میان روحانیون هستند، حوزه‌های علمیه همچنان این ویژگی برجسته را حفظ کرده‌اند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۵/۸/۱۷).

روحانیت شیعه، بدون وابستگی به مراکز قدرت، با مردم ارتباطی تنگاتنگ برقرار کرده و در حل مشکلات، مشورت فکری و رفع اختلافات نقش‌آفرینی می‌کند. به گفته رهبر انقلاب، روحانی شیعه تنها متصل به مردم و برای مردم است و در تمامی شئون روحانی، خدمت به مردم را در اولویت قرار می‌دهد. استقلال مالی روحانیت نیز از همین ارتباط دوسویه با مردم ناشی می‌شود، زیرا تأمین مالی آنان به کمک‌های مردمی وابسته است. این ویژگی‌ها، روحانیت شیعه را از دیگر مجامع دینی جهان متمایز کرده و نقش آنان را به‌عنوان واسطه‌ای میان مردم و دین، به الگویی برجسته و مردمی تبدیل کرده است.

٤- امیدآفرینی

آیت‌الله خامنه‌ای تأکید می‌کنند: «ائمه جماعات به محتوای حرف‌ها و مسائلی که می‌گویند، موعظه‌ای که می‌کنند و حدیثی که می‌خوانند، بیفزایند و مهم‌تر از همه، باید مردم را به دین و به نظام دینی و به آینده دین امیدوار نگه دارید؛ این وظیفه همه است. امیدوار نگه داشتن مردم در همه احوال، تکلیف بزرگی است که بر دوش همه است» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۵/۰۵/۳۱).

امیدآفرینی و حضور مستمر در اجتماع از مهم‌ترین وظایف روحانیت به شمار می‌آید. روحانیون باید از هر فرصتی برای تقویت امید در دل مردم استفاده کرده و

پیوند خود با جامعه را حفظ کنند. گسترش امید به دین و آینده نظام دینی، رسالتی بزرگ است که می‌تواند جامعه را در مواجهه با چالش‌ها تقویت کند.

۵- ارتباط با سیاست و سکولاریزه نکردن مسجد

روحانی باید سیاسی باشد، یعنی آگاهی سیاسی و قدرت تحلیل سیاسی داشته باشد. آیت‌الله خامنه‌ای در این خصوص می‌فرمایند: «باید سیاسی باشید؛ منتها نه به معنای ورود در باندها و جناح‌های سیاسی؛ نه به معنای ملعبه و آلت دست شدن این یا آن حزب یا گروه سیاسی، یا سیاست‌بازان حرف‌های؛ این مطلقاً موردنظر نیست؛ بلکه به معنای آگاهی سیاسی، قدرت تحلیل سیاسی، داشتن قطب‌نمای سالم سیاسی که جهت را درست نشان بدهد... ما مرجع مردم هم هستیم؛ یعنی مورد مراجعه‌ی مردمیم و اگر خدای نکرده یک علامت غلط نشان بدهیم، یا یک چیزی که مطلوب دشمن است بر زبان ما جاری بشود، ببینید چقدر خسارت وارد می‌کند؛ بنابراین، یک وظیفه‌ی مهمی که امروز ماها داریم، ارتباط با سیاست است. کناره‌گیری از سیاست درست نیست و کار روحانی شیعه نیست» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۵/۰۸/۱۷).

روحانی باید آگاهی و تحلیل سیاسی صحیح داشته باشد و از سیاست دور نشود. او نباید به ابزار دست گروه‌های سیاسی تبدیل شود بلکه باید با درک درست و آگاهانه از سیاست، جهت صحیح را نشان دهد. این وظیفه مهمی است که بر دوش روحانیون است تا همواره به‌عنوان مرجع مردم، در خط‌مشی صحیح و سالم سیاسی باقی بمانند. مسجد نباید از مسائل سیاسی و اجتماعی جدا شود و این مسئله یکی از رویکردهای اساسی امام جماعت است. رهبر انقلاب معتقدند که دشمنان از اسلامی که دارای قدرت، سیاست، نظام و تأثیرگذاری بین‌المللی است، هراس دارند و می‌کوشند با محدود کردن فعالیت‌های مساجد، نقش اسلام را در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی کمرنگ کنند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۵/۰۵/۳۱).

٦- اعتماد به ظرفیت فضلای جوان

امام جماعت باید به نقش کلیدی جوانان در توسعه فعالیت‌های فرهنگی و دینی مسجد باور داشته باشد. آیت‌الله خامنه‌ای در یکی از بیانات خود به این نکته اشاره کرده‌اند: «امام جماعت باید از نیروهای جوان و باانگیزه استفاده کند تا هم مساجد پررونق‌تر شوند و هم ارتباطات بیشتری با نسل جدید برقرار شود. جوانان به دلیل برخورداری از انرژی، ابتکار و توان فکری و جسمی بالا می‌توانند معارف اسلامی را به شیوه‌ای نو و جذاب به نسل جدید منتقل کنند» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۵/۰۵/۳۱).

این ظرفیت‌ها و توانمندی‌های جوانان، باعث رونق بیشتر مساجد و انتقال معارف دینی به شیوه‌ای مؤثرتر خواهد شد؛ بنابراین استفاده از فضلای جوان نه‌تنها به پویایی بیشتر مسجد کمک می‌کند بلکه ارتباط مستحکم‌تری با نسل جدید برقرار می‌سازد.

۷- غمگساری و همدلی با نمازگزاران

«ارتباط با مردم یک ارتباط دو جانبه و تنگاتنگ است... روحانی گره‌گشایی می‌کند، مشورت فکری می‌دهد و حل و فصل خصومت‌ها و اختلافات را می‌کند؛ روحانی می‌نشیند، حرف می‌زند، نصیحت می‌کند و دل به دل مردم می‌دهد» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۵/۰۸/۱۷).

۸- جذب جوانان با محبت و انس گرفتن با آنان

آیت‌الله خامنه‌ای اشاره می‌کنند که دل جوان گرایشی فطری به معنویت دارد و با سخنان معنوی و عرفانی واقعی به‌سرعت انس می‌گیرد و جذب می‌شود. رهبر انقلاب این ویژگی را یکی از رازهای بزرگ الهی دانسته و تأکید دارند که باید از این ظرفیت برای جذب جوانان به مساجد بهره برد. ایشان بر این باورند که جوانان به مطالب معنوی و عرفان حقیقی علاقه‌مند هستند، اما ابزارهای سطحی و دنیوی مانند فراهم کردن امکانات سرگرمی، اولویت جذب آن‌ها به مسجد نیست. به‌جای

این کار، امام جماعت باید با زبان خوش، اخلاق نیکو و سخنان معنوی که با فطرت الهی جوان سازگار است، دل‌های آن‌ها را به‌دست آورد.

۹- مسجد، مأمن و محل خیر و برکت برای رشد معنوی و اجتماعی

آیت‌الله خامنه‌ای نقش امام جماعت و روحانی مسجد را به پزشکی معنوی تشبیه می‌کنند که حضور او مایه حیات و روح مسجد است. ایشان تأکید دارند که امامان جماعت باید با پرهیزگاری، خردمندی و دلسوزی، خود را برای طبابت معنوی آماده کنند و مراکز رسیدگی به امور مساجد و حوزه‌های علمیه نیز وظیفه دارند در این مسیر از آنان حمایت کنند.

مسجد باید به محلی تبدیل شود که علاوه بر آموزش‌های دینی و اخلاقی، زمینه رشد اجتماعی و سیاسی را نیز فراهم آورد. روحانیون وظیفه دارند مساجد را به مدرسه‌ای برای تفسیر قرآن و حدیث، کانونی برای موعظه و تربیت اخلاقی و بستری برای پرورش شخصیت‌های متعهد و مسئول تبدیل کنند.

۱۰-پرهیز از راه‌های نادرست جذب جوانان

«جاذبه‌ی برای جوان برخلاف آنچه بعضی تصوّر می‌کنند، گذاشتن میز پینگ‌پنگ نیست. بعضی خیال می‌کنند برای اینکه جوان‌ها را جذب کنیم به مسجد، وسایل سرگرمی فراهم بکنیم؛ مثل همان جریانی که یک کلیسایی در آمریکا [انجام می‌داد] که آن نویسنده‌ی مصری می‌گوید رفتم دیدم که پای این کلیسا یک برنامه‌ای زده‌اند که مثلاً فرض کنید که امشب از ساعت فلان در سالن کنار کلیسا، آن طرف محراب، این برنامه‌ها هست: برنامه‌ی رقص است و آواز است و موسیقی است و یک شام سبکی است و اُنس هست و مانند این‌ها. می‌گفت حسّاس شدم، رفتم دیدم بله، همین است؛ اینجا سالن کلیسا است، یک سالن هم بغلش هست مثل یک کاباره؛ دخترها، پسرها، مردها، میان‌سال‌ها می‌آیند تماشا می‌کنند؛ دختر و پسرها هم میدان‌دارند. موسیقی هست، رقص هست، آواز هست، آخر سر هم کشیش آمد و چراغ‌ها را یک خرده‌ای کم کرد تا یک خرده کم نور بشود و فضا [خاص شود]،

می‌گفت رفتم بیرون؛ فردا برگشتم آمدم آن کشیش را در کلیسا پیدا [کردم]؛ گفتم من دیشب در این جلسه‌ی شما بودم، آخر معنای این چیست؟ ایشان گفت: ای آقا، می‌خواهیم جوان‌ها را جذب کنیم! جوان‌ها را می‌خواهیم جذب کنیم! اگر بنا است با رقص و آواز و موسیقی و امثال این‌ها جوان جذب بشود، خب بروند همان کاباره، چرا بیاید اینجا؟» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۵/۰۵/۳۱).

۱۱-جدی گرفتن نقش روحانیت

آیت‌الله خامنه‌ای در بیانات خود در تاریخ ۱۷ آبان ۱۳۸۵ به اهمیت جدی گرفتن نقش روحانیت در مسجد و جلسات مذهبی تأکید می‌کنند. ایشان بیان می‌دارند که روحانیونی که در ادارات مشغول به کار هستند و درعین‌حال مسئولیت پیش‌نمازی در مساجد را دارند، نباید به دلیل مشغله‌های کاری از حضور منظم در مسجد غافل شوند. رهبر انقلاب تأکید دارند که امام جماعت باید مسجد را خانه خود بداند و احساس کند که اینجا جایگاه اصلی اوست. او نباید عجله‌ای برای ترک مسجد داشته باشد، بلکه باید تمام وقت خود را صرف انجام مسئولیت‌های معنوی و دینی در مسجد کند.

۱۲-پیش‌قدم بودن امام جماعت در مسائل اجتماعی و سیاسی

روحانیون در مسائل مختلف سیاسی و اجتماعی جامعه نقش مهم و اساسی را ایفا می‌کنند و این نقش‌آفرینی دارای سبقه تاریخی است که به نمونه‌هایی از آن طبق بیانات آیت‌الله خامنه‌ای اشاره می‌شود. ایستادگی در مقابل دست‌اندازی اقتصادی خارجی‌ها که یک نمونه آن ماجرای تنباکو و «قرارداد رژی» در زمان میرزای شیرازی- قرارداد «رویتر»- نمونه‌ی دیگرش در شروع مشروطیت بود که روحانیون پیش‌قدم بودند، از روحانیت نجف تا همه‌ی بلاد و اگر روحانیون نبودند، امکان نداشت استبداد سلطنتی قاجاری از بین برود و قضایای بعد از مشروطیت که مخالفت‌های گوناگونی می‌شد. وقتی هم که عوامل روس‌ها و بقیه‌ی دست‌اندازهای سیاسی در شهرها اخلال می‌کردند، باز روحانیون همه جا پیش‌قدم، حفظ‌کننده و

مهارکننده بودند. حتّی اگر در یک قضیه‌ی سیاسی مردم هم دو دسته می‌شدند، در رأس این دسته هم روحانی بود و در رأس آن دسته هم روحانی بود؛ یعنی مردم دل به روحانیت می‌دادند. در قضیه‌ی ملی شدن صنعت نفت هم باز روحانیون بودند که جلو افتادند. اگر مرحوم آیةاللّه کاشانی نبود، مطمئن باشید که مسئله‌ی ملی شدن صنعت نفت به‌هیچ‌وجه در این کشور پا نمی‌گرفت (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۵/۰۸/۱۷).

۱۳-ضرورت جدی گرفتن تبلیغ و تبیین در مساجد

تبلیغ و تبیین دینی در مساجد باید به‌طورجدی مورد توجه قرار گیرد. امام جماعت باید از منبر و سایر روش‌های تبلیغی برای جذب مردم و تشویق آنان به حضور در نماز جماعت و ارتباط بیشتر با مسجد استفاده کند. این تلاش‌ها باید به‌عنوان یک وظیفه ضروری در جهت رشد معنوی جامعه و آشنایی بیشتر مردم با معارف دینی انجام شود.

۱۴-استفاده از روش تبلیغ سنتی، به دلیل بی‌بدیل بودن آن‌ها

آیت‌الله خامنه‌ای بیان می‌دارند که تبلیغ سنتی همچون سخنرانی‌های چهره به چهره و حضور مستقیم امام جماعت در جلسات، بی‌بدیل است. ایشان بر این باورند که ارتباط مستقیم و انسانی، همچون نگاه و کلام گرم امام جماعت به مخاطب، تأثیر عمیقی دارد که باید حفظ شود. این شیوه‌ها یکی از ابزارهای اصلی تبلیغ و هدایت مردم، به‌ویژه جوانان، در جوامع اسلامی هستند.

بااین‌حال، رهبر انقلاب نیز به ضرورت استفاده از روش‌های نوین تبلیغی اشاره دارند و هشدار می‌دهند که اگر روحانیت از وسایل تبلیغ نوشتاری و گفتاری جدید عقب بماند، ممکن است خسارت بزرگی به‌جای بگذارد. ایشان بر این باورند که روحانیت باید از تحولات سریع رسانه‌ای و فرهنگی آگاه باشد و از این ابزارها به‌طور مؤثر برای پاسخ به نیازهای نسل‌های جدید استفاده کند.

درنتیجه، امام جماعت باید به‌طور هم‌زمان از روش‌های سنتی و نوین تبلیغی استفاده کند تا بتواند به‌طور جامع و مؤثر به هدایت جامعه و جوانان بپردازد.

٤- وظایف امام جماعت مسجد طراز اسلامی

رسیدن به اهداف اسلامی، ازجمله جامعه‌سازی اسلامی، از وظایف مهم حوزه‌های علمیه، روحانیت و فعالان فرهنگی است که به‌ویژه بر دوش جوانان مؤمن انقلابی قرار دارد. تحقق این هدف، جز با همکاری و حضور فعالانه مردم امکان‌پذیر نیست. ائمه جماعات و طلاب باید در ارتباط با مردم، آنان را در عرصه عمل به‌کار گیرند و از نظرات و پیشنهاداتشان بهره‌مند شوند تا جامعه‌سازی و تمدن‌سازی اسلامی را محقق سازند.

در ادامه، برخی از وظایف امام جماعت از منظر آیت‌الله خامنه‌ای مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱۵-مدیریت محتوایی و معنوی مسجد

آیت‌الله خامنه‌ای تأکید دارند که در معارف اسلامی مطالب ارزشمندی وجود دارد که می‌تواند منبعی زاینده و معرفتی باشد. ازاین‌رو، امام جماعت باید با خردمندی، مسئولیت‌پذیری و علاقه، مدیریت محتوایی و معنوی مسجد را انجام دهد.

آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرمایند که مسجد باید بر محور نماز و ذکر باشد، زیرا نماز عمود دین است و بدون آن، دین پیکره خود را از دست می‌دهد. امام جماعت باید توجه ویژه‌ای به ویژگی‌های نماز داشته باشد، به‌ویژه نمازی که به یاد خدا و با ذکر صحیح همراه باشد؛ بنابراین، امام جماعت باید نه‌تنها خود از این ویژگی‌ها بهره‌برداری کند، بلکه آن‌ها را به نمازگزاران ترویج کند و با مدیریت محتوایی و معنوی مسجد، این موضوعات را در برنامه‌های دینی خود گنجانده و به درک عمیق‌تری از معنویت دست یابد.

۱۶-آمادگی امام جماعت برای نقش تربیتی و معنوی

آمادگی برای طبابت معنوی یکی از وظایف کلیدی امام جماعت است. آیت‌الله خامنه‌ای بر اهمیت این آمادگی تأکید کرده و امام جماعت را همچون طبیب معنوی معرفی می‌کنند. «امامان جماعت باید آماده‌سازی خویش برای طبابت معنوی را وظیفه حتمی خود بدانند» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۹/۰۷/۱۸).

این عنوان بر ضرورت رشد معنوی و آمادگی امام جماعت برای انجام وظیفه تربیتی و هدایتگری تأکید دارد. امام جماعت باید خود را از نظر علمی، روحی و اخلاقی آماده کند تا بتواند به‌عنوان یک مربی معنوی در جامعه عمل کند. این آمادگی، مستلزم تلاش مستمر برای تقویت ایمان و معرفت دینی، پرورش روحی و ارتقاء دانش اسلامی است.

۱۷-اهتمام به تبلیغ در مسجد

امام جماعت باید با اهتمام کامل به تبلیغ دینی در مسجد بپردازد. این امر مستلزم کسب علم و دانش دینی، تحقیق و مطالعه است تا بتواند پیام الهی را به‌طور مؤثر به دل‌های مردم، به‌ویژه جوانان، منتقل کند. تبلیغ دین نه‌تنها وظیفه فردی امام جماعت بلکه وظیفه‌ای اجتماعی است که باید در جهت رساندن حقیقت و آموزه‌های الهی به مردم انجام شود.

۱۸-بیان مسائل حائز اهمیت

آیت‌الله خامنه‌ای به اهمیت استفاده از منابر و مساجد برای پاسخ‌گویی به سؤالات و رفع خلأهای ذهنی مردم اشاره می‌کنند. ایشان تأکید دارند که روحانیون باید با پاسخ‌گویی مستدل و منطقی به مسائل موجود در ذهن مردم، به‌ویژه جوانان، خلأهای فکری آنان را پر کنند، زیرا در غیر این صورت دشمنان اسلام ممکن است از این فرصت سوءاستفاده کنند. همچنین، رهبر انقلاب بر لزوم توجه به مسائل اخلاقی مانند محبت، گذشت، صبر و استقامت در کارها و اجتناب از بدخواهی و خیانت

تأکید دارند و معتقدند که بدون تزکیه و تهذیب اخلاقی، حتی پیشرفت‌های مادی نیز به نتیجه نخواهد رسید.

۱۹-شناخت شیوه‌ی کار در مسجد

«حرفی که شما با مأمومین خودتان و مسجدی‌های خودتان می‌زنید، از نطق تلویزیونی و مانند این‌ها به‌مراتب کارآمدتر و مؤثرتر است؛ بارها این را عرض کرده‌ایم که نگاهِ چشم‌درچشم و جلسه‌ی نزدیک که نفَس گوینده به شنونده می‌خورَد، یک‌چیز دیگری است؛ این فقط هم در اجتماعات ما تجلّی دارد؛ البتّه در کل اسلام در نمازهای جمعه و امثال این‌ها این هست، لکن در بین شیعه، بُروز و ظهور بیشتری دارد... این مجالس روضه‌خوانی، مجالس وعظ و خطابه، مجالس گوناگون خیلی چیزهای مهمی است؛ این‌ها را دست‌کم نباید گرفت، هم از فضای مجازی مؤثرتر است، هم از صداوسیما مؤثرتر است، منتها خوب دایره‌اش محدود است؛ اگر چنانچه این سلسله‌ی عظیم، این تشکیلات عظیم خوب کار کند و در همه‌جا کار کند، تأثیراتش بر همه‌ی این‌ها فائق خواهد آمد و می‌توانید شما این جوان را، این مخاطب را به معنای واقعی کلمه مصونیت ببخشید و می‌توانید او را در مقابل این میکروب‌ها و این ویروس‌هایی که به‌طور دائم دارد سرازیر می‌شود به‌طرف این کشور و طرف این نظام واکسینه کنید» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۵/۰۵/۳۱).

۲۰-ارتباط با مردم در مسجد و جلسات مذهبی

«این ارتباط با مردم که در مسجد و جلسات مذهبی هست، از آن کارهای اثرگذار است؛ ولی شرایطی دارد... من عرض می‌کنم این شرایط، امروز شده هزار برابر. شما با همه‌ی قشرها مواجه می‌شوید و باید خودتان را آماده کنید. جامعه‌ی روحانیت در مجموع با قشر عامی، با قشر تحصیل‌کرده، با جوانان، با پیر، با زن، با مرد، با فقیر، با غنی، با وابستگان به جناح‌های مختلف سیاسی، مواجه می‌شود و باید برای همه‌ی

این‌ها خودش را آماده کند. ببینید، چقدر سخت است» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۵/۰۸/۱۷).

۲۱-کسب مهارت‌های دینی

آیت‌الله خامنه‌ای بر اهمیت کسب مهارت‌های دینی تأکید می‌کنند و می‌فرمایند که روحانیون باید در رشته‌ها و زمینه‌های دینی خود مهارت پیدا کنند و با کتاب و سنت آشنا شوند. ایشان به‌ویژه بر لزوم آشنایی با فقه، فلسفه و مبانی معرفت دینی تأکید دارند و معتقدند که امام جماعت باید برای ایستادگی در برابر چالش‌های فکری دنیای امروز، دانش و مهارت‌های علمی لازم را کسب کند.

ایشان تأکید دارند که کسب مهارت‌های دینی، مطالعه، تحقیق و آشنایی با روش‌های علمی و فرهنگی جدید، همگی برای امام جماعت ضروری است تا بتواند در برابر چالش‌های فرهنگی و فکری امروز سینه سپر کند و نقش مؤثری در حفظ هویت دینی و فرهنگی جامعه ایفا نماید (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۵/۸/۱۷).

۲۲-مبارزه با خرافات

بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در خصوص مبارزه با خرافات بر اهمیت تلاش علمی و فرهنگی برای مقابله با باورهای غلط و خرافی در جامعه تأکید دارد. امام جماعت باید علاوه بر ترویج معارف اصیل دینی، با رویکردی آگاهانه و فرهنگی با خرافات مقابله کند و نسل‌ها را از آسیب‌های ناشی از این باورهای نادرست محفوظ بدارد. این مبارزه باید هم‌زمان با ترویج حقیقت و علم صورت گیرد تا جامعه به درک صحیحی از دین دست یابد و از خطرات خرافات دور بماند.

۲۳-شناخت راهکارهای ترویج نماز

آیت‌الله خامنه‌ای به اهمیت ترویج نماز جماعت و نقش آن در تقویت فرهنگ دینی جامعه اشاره دارند. ایشان تأکید دارند که نماز جماعت‌های پرشور جوانان در سراسر

کشور، فرصتی برای نمایش چهره زیبای نماز است. همچنین، ایشان از هنر و رسانه‌ها به‌عنوان ابزاری برای معرفی نماز و جذب افراد به آن یاد می‌کنند. این سخنان نشان می‌دهند که استفاده از روش‌های نوین و جذاب برای ترویج نماز، به‌ویژه از طریق رسانه‌ها و هنر، برای تقویت فرهنگ نماز در جامعه ضروری است.

۲۴-لزوم برقراری نماز جماعت در سه وقت اصلی نماز

آیت‌الله خامنه‌ای بیان می‌کنند که در هر سه وقت باید نماز جماعت در مسجد برگزار شود و درصورتی‌که امام جماعت به هر دلیل قادر به انجام این مسئولیت نباشد، باید فرد دیگری جایگزین وی شود تا نماز جماعت به‌طور مستمر اقامه گردد. این سخنان نشان‌دهنده این است که اقامه نماز جماعت در سه وقت اصلی نماز، یکی از وظایف اساسی امام جماعت است که باید به‌طور مداوم و بی‌وقفه انجام گیرد تا نمازگزاران بتوانند از این فرصت معنوی بهره‌مند شوند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۵/۰۵/۳۱).

۲۵-تبیین مسئله‌ی نماز و اذکار آن برای مردم

آیت‌الله خامنه‌ای بیان می‌کنند که نماز باید از آفات مانند غفلت، بی‌توجهی به مفاهیم و ریا محافظت شود. ایشان به‌ویژه بر لزوم تمرکز بر معانی اذکار نماز مانند تسبیح و تعظیم خداوند و استعانت از او اشاره می‌کنند. آیت‌الله خامنه‌ای همچنین تأکید دارند که امام جماعت باید نماز را تنها به‌عنوان یک عمل ظاهری نبیند، بلکه باید تلاش کند تا مفاهیم و معانی عمیق نماز را برای نمازگزاران تبیین کند. با این کار، نماز به معنای واقعی خود خوانده خواهد شد و افراد با حضور قلب و توجه به مفاهیم آن به عبادت بپردازند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۵/۰۵/۳۱).

به‌این‌ترتیب، یکی از وظایف اصلی امام جماعت، تبیین و آموزش مفاهیم نماز و اذکار آن برای نمازگزاران است تا از غفلت و بی‌توجهی جلوگیری شود و کیفیت نماز ارتقا یابد.

۲۶-قرار دادن مساجد به‌عنوان پایگاه قرآن و تفسیر

آیت‌الله خامنه‌ای دو روش را برای تشکیل جلسات قرآنی در مساجد مطرح می‌کنند: نخست، جلساتی که در آن قرآن توسط یک استاد یا قرآن‌خوان تلاوت می‌شود و نمازگزاران می‌توانند به تلاوت گوش دهند و قرآن را همراه با ترجمه‌های معتبر مطالعه کنند. دوم، برگزاری جلسات تفسیر قرآن توسط روحانیون و علمای دینی که در آن معانی و مفاهیم قرآن برای مردم توضیح داده می‌شود.

ایشان بر لزوم تکرار این جلسات در طول سال و نه‌تنها در ماه رمضان تأکید دارند و از اهمیت انس مردم، به‌ویژه جوانان، با معارف قرآنی سخن می‌گویند. آیت‌الله خامنه‌ای بیان می‌کنند که این جلسات باید به‌گونه‌ای برگزار شوند که معارف قرآنی در ذهن‌ها ریشه‌دار شوند و باعث تقویت ایمان و رشد معنوی جامعه شوند. در این راستا، امام جماعت باید نقش کلیدی در ایجاد و اداره چنین جلساتی ایفا کند تا قرآن به‌عنوان منبع هدایت و راهنمایی جامعه در تمام ابعاد زندگی دنیوی و اخروی مطرح شود (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۸/۰۲/۱۶).

این بیانات نشان می‌دهند که امام جماعت باید علاوه بر اقامه نماز جماعت، به ترویج معارف قرآنی در مساجد پرداخته و با استفاده از روش‌های مختلف، قرآن و تفسیر آن را در دسترس مردم، به‌ویژه جوانان، قرار دهد تا جامعه‌ای با ایمان و آگاه‌تر شکل گیرد.

۲۷-تقویت معنویت مسجد از طریق توجه به ظرفیت‌های فرهنگی و هنری

آیت‌الله خامنه‌ای بر لزوم توجه به ظرفیت‌های فرهنگی و هنری در مساجد برای جذب مردم، به‌ویژه جوانان، صحبت می‌کنند. آیت‌الله خامنه‌ای معتقدند که مساجد باید به‌گونه‌ای طراحی و مدیریت شوند که جاذبه‌های معنوی آن‌ها، ازجمله مشارکت در نمازهای جماعت، مراسم مذهبی و فعالیت‌های دینی، توجه مردم را جلب کند. ایشان همچنین بر نقش امام جماعت و نمازگزاران در حفظ و تقویت معنویت مسجد تأکید می‌کنند و می‌گویند که باید جاذبه‌هایی برای جذب مردم به مسجد ایجاد شود تا افراد از هر گروه سنی، به‌ویژه جوانان، به این فضاهای معنوی گرایش پیدا کنند.

برای رسیدن به این هدف، امام جماعت باید با همکاری مردم و با ایجاد محیطی صمیمی، مسجد را به مرکز فعالیت‌های معنوی و دینی تبدیل کند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۰/۰۶/۱۵).

آیت‌الله خامنه‌ای به لزوم تقویت این جاذبه‌ها در مسجد و استفاده از آن به‌عنوان پایگاه‌هایی برای آگاهی‌های دینی و فرهنگی اشاره می‌کنند و بیان می‌دارند که توجه به مساجد و حفظ آن‌ها می‌تواند نقش مؤثری در پیشبرد اهداف معنوی و اجتماعی جامعه داشته باشد. درنهایت، ایشان تأکید دارند که با تقویت معنویت در مساجد و استفاده از ظرفیت‌های آن، می‌توان تحولی در حرکت نظام به سمت پیشرفت ایجاد کرد.

۲۸-ترویج نماز با کیفیت در میان مردم، به‌ویژه جوانان و نوجوانان

«به نظر بنده یکی از کارهای مهم ائمّه‌ی محترم جماعات در مساجد، تبیین مسئله‌ی نماز برای مردم است که قدر نماز را بدانیم؛ اگر این شد، نمازها کیفیت پیدا خواهد کرد. واقع قضیّه این است که نمازهای ما یا در موارد بسیاری بی‌کیفیت است، یا کیفیت لازم را ندارد. به عمق اذکار نماز باید رسید. خب، نماز ما باید از این آفات چارواداری مصون و محفوظ بمانَد؛ یعنی آفت غفلت در حال نماز، بی‌توجهی به مفاهیم نماز و به مخاطب نماز که ذات اقدس الهی است؛ این یکی از آفات است» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۵/۰۵/۳۱).

آیت‌الله خامنه‌ای از ائمه جماعت می‌خواهند که در مساجد مسئله نماز را به‌طور دقیق و عمیق برای مردم، به‌ویژه جوانان و نوجوانان، تبیین کنند. نماز باید از آفات مختلف مانند غفلت و بی‌توجهی به مفاهیم و مخاطب آن که ذات اقدس الهی است، محفوظ بماند. اگر نماز با توجه و عمق بیشتری انجام شود، کیفیت آن به‌طور طبیعی افزایش می‌یابد. به‌عبارت‌دیگر، امام جماعت باید مردم را به توجه به معانی و مفاهیم نماز هدایت کند.

۲۹-باز بودن در مسجد در طول روز و اقامه هر سه وعده نماز

آیت‌الله خامنه‌ای بیان می‌کنند که نماز جماعت باید در سه وقت اصلی (صبح، ظهر و عصر) در مسجد برگزار شود و اگر امام جماعت به هر دلیلی نتواند این مسئولیت را انجام دهد، باید فرد دیگری جایگزین شود. آیت‌الله خامنه‌ای همچنین خاطرنشان می‌کنند که مسجد باید به‌عنوان یک پایگاه دینی و فرهنگی در جامعه برقرار باشد و ائمه جماعت باید در همه اوقات نماز در مسجد حاضر باشند و نماز جماعت را اقامه کنند. ایشان تأکید دارند که امام جماعت باید قبل از وقت نماز در مسجد حاضر باشد و پس از اقامه نماز، فرصتی برای گفت‌وگو با نمازگزاران فراهم کند تا آنان بتوانند سؤالات خود را مطرح کنند و ارتباط معنوی بیشتری با امام جماعت برقرار کنند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۵/۰۵/۳۱).

این سخنان نشان‌دهنده این است که اقامه نماز جماعت در سه وقت اصلی و فراهم آوردن شرایط مناسب برای حضور نمازگزاران در مسجد، یکی از وظایف اساسی امام جماعت است که باید به‌طور مستمر و بی‌وقفه انجام گیرد تا مسجد به‌عنوان پایگاه معنوی و فرهنگی برای جامعه عمل کند.

۳۰-همکاری با پایگاه بسیج و کانون‌های فرهنگی

آیت‌الله خامنه‌ای بر اهمیت همکاری با پایگاه‌های بسیج و کانون‌های فرهنگی هنری مساجد تأکید کردند و از روحانیون و فعالان بسیج خواستند که با همکاری این کانون‌ها، مساجد را مؤثرتر کنند و برای جذب و هدایت جوانان به مساجد تلاش نمایند. ایشان بیان کردند که روحانیون و فعالان باید با مطالعه و تحقیق، محتوای مناسب و متناسب با نیازهای جوانان را فراهم کنند و این کار را با اخلاق خوش و مدارا انجام دهند. همچنین، آیت‌الله خامنه‌ای تأکید کردند که نهی از منکر باید به زبان خوش باشد و هدف آن اصلاح و راهنمایی باشد، نه ایجاد نفرت (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۱/۷/۱۹).

این سخنان نشان‌دهنده اهمیت همکاری و تعامل مثبت بین پایگاه‌های بسیج، کانون‌های فرهنگی هنری و مساجد است. امام جماعت و فعالان دینی باید با استفاده

از سلاح معرفت و استدلال، جوانان را به‌درستی راهنمایی کنند و ارتباطی مؤثر و سازنده با آنان برقرار نمایند تا آموزه‌های اسلامی در فضای مساجد گسترش یابد.

نتیجه‌گیری

با عنایت به بیانات امامین انقلاب در مورد مسجد، این نکته برداشت می‌شود که این مکان مقدس، از زمان پیدایش تا به امروز، همواره از جایگاه والایی برخوردار بوده و تأثیرات و کارکردهای عبادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی قابل ملاحظه‌ای در عرصه‌های مختلف جامعه به‌ویژه در زمینه بسط و تعمیق فرهنگ اسلامی داشته است. ازاین‌رو، شناخت ویژگی‌های مسجد طراز اسلامی در صدر اسلام و مدیریت مساجد بر اساس آن ویژگی‌ها، ضروری است. مدیریت این مکان مقدس باید آگاهانه، با شناخت دقیق از اهداف معنوی و فرهنگی خود صورت پذیرد.

بیانات آیت‌الله خامنه‌ای ویژگی‌ها و وظایف خاصی را برای روحانیون و ائمه جماعات در جهت ایفای نقش صحیح در مسجد مطرح کرده‌اند. این ویژگی‌ها در دو بخش رویکردی و وظایف امام جماعت به‌طور اختصار بیان می‌شود:

در بخش رویکردی: ۱-نگرش درست به مسجد ۲-پیش‌نمازی تنها وظیفه امام جماعت نیست ۳-حفظ قداست روحانیت ٤-استقلال و مردمی بودن ٥-امیدآفرینی ٦-مسجد، مرکز تبلیغی و اجتماعی برای گسترش معارف اسلامی ۷-ارتباط با سیاست ۸-سکولاریزه نکردن مسجد ۹-اعتماد به ظرفیت فضلای جوان ۱۰-غمگساری و همدلی با نمازگزاران ۱۱-جذب جوانان با محبت و انس گرفتن با آنان ۱۲-استفاده از مسجد به‌عنوان کانون اصلی ساماندهی زندگی اجتماعی و فردی ۱۳-مسجد، مأمن و محل خیر و برکت برای رشد معنوی و اجتماعی. ١٤-پرهیز از راه‌های نادرست جذب جوانان ١٥-احیاگر مسجد ١٦-جدی گرفتن نقش روحانیت ۱۷-پیش‌قدم بودن امام جماعت در مسائل اجتماعی و سیاسی ۱۸-ضرورت جدی گرفتن تبلیغ و تبیین در مساجد ۱۹-استفاده از روش تبلیغ سنتی، به دلیل بی‌بدیل بودن آن‌ها.

در بخش وظایف: ۱-مدیریت محتوایی و معنوی مسجد ۲-آمادگی امام جماعت برای نقش تربیتی و معنوی ۳-احیاگر مسجد ٤-اهتمام به تبلیغ در مسجد ٥-بیان مسائل حائز اهمیت ٦-شناخت شیوه‌ی کار در مسجد ۷-ارتباط با مردم در مسجد و جلسات مذهبی ۸-کسب مهارت‌های دینی ۹-مبارزه با خرافات ۱۰-شناخت راهکارهای ترویج نماز ۱۱-لزوم برقراری نماز جماعت در سه وقت اصلی نماز ۱۲-تبیین مسئله‌ی نماز و اذکار آن برای مردم ۱۳-قرار دادن مساجد به‌عنوان پایگاه قران و تفسیر ١٤-تقویت معنویت مسجد از طریق توجه به ظرفیت‌های فرهنگی و هنری ۱٥-ترویج نماز با کیفیت در میان مردم، به‌ویژه جوانان و نوجوانان ۱۷-باز بودن در مسجد در طول روز و اقامه هر سه وعده نماز ۱۸-همکاری با پایگاه بسیج و کانون‌های فرهنگی.

با شناخت و اهتمام خاص به این ویژگی‌ها و وظایف توسط طلاب، فضلای متقی و متولیان مسجد در انتخاب ائمه جماعات، می‌توان شاهد رونق روزافزون مساجد با حضور اقشار مختلف، به‌ویژه جوانان و نشر معارف اسلام ناب بود. این امر به شکل‌گیری جامعه اسلامی با محله‌های فعال و متعهد کمک کرده و زمینه‌ساز تحقق اهداف بزرگ‌تر در سطح کشور خواهد بود.

فهرست منابع

-قرآن کریم
-خمینی، روح‌الله، ۱۳۸۹ ش، صحیفه امام، جلد ۱۰، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
----، ۱۳۸۹ ش، صحیفه امام، جلد ۱۷، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
-معزی، حامد؛ مرادی، مهران؛ امیری، افشین، ۱۳۹۷ ش، طراحی مدل وزنی ارزیابی مسجد طراز انقلاب با رویکرد فازی، رهیافت فرهنگ دینی، ۱(۳).
-نوبهار، رحیم. ۱۳۹۲ ش، رابطه نظام اسلامی و مساجد، قم، موسسه فرهنگی تبیان.
-مجموعه بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای.

مجمع فعالین نوشت‌افزار ایرانی اسلامی
شرح ساختار و فعالیت‌های ایران نوشت

سعید حسینی[۱] محمد یقینی[۲] محمد مصطفی مهربانی[۳]

چکیده

مجمع نوشت‌افزار ایرانی از سال ۱۳۹۱ با مأموریت تقویت جریان نوشت‌افزار ایرانی به‌عنوان یک نهاد مردمی و حلقه میانی مسئله‌محور با حدود کمتر از ۱۰ مجموعه فعال در حوزه نوشت‌افزار شروع به کار کرد و طی بیش از ده سال توانست با آسیب‌شناسی دقیق این حوزه و رعایت اقتضائات میدانی، ساختاری منعطف، چابک و مؤثر ایجاد کند به‌طوری‌که مورد اعتماد عموم فعالین بازار و صنعت گشته و هم در میان حاکمیت به‌عنوان نهادی مردمی معتمد شناخته شود. در همین راستا مطالبه و پیشنهادات گوناگون به دستگاه‌های مربوط به نوشت‌افزار جهت‌دهی و هدایت و پیگیری مسائل و برنامه‌ها باعث ایجاد یک نظام از موارد قانونی سیاستی و عملیاتی از دستگاه‌های مربوط در حوزه نوشت‌افزار شده است. ایران‌نوشت توانست با مجموعه‌ای از این اقدامات کلیدی‌ترین نقش را در افزایش سهم تولید از ۱۰ درصد در ابتدای دهه ۹۰ به بیش از ۶۰ درصد کل بازار کشور و جلب رضایت ۸۰ درصدی ایفا کند و این نشان می‌دهد می‌توان از این الگو برای سایر مسائل کشور استفاده کرد و با ایجاد گروه‌های مردمی مسئله‌محور، خودکفا و متمرکز بر یک هدف بلندمدت خیلی از چالش‌های به ظاهر حل نشدنی را حل کرد. در مقاله پیش روی، به ویژگی‌های خاص مجمع فعالین نوشت‌افزار ایرانی به‌عنوان الگویی قابل‌تأمل و بررسی، مطرح شده است. همچنین مدل تعامل و مطالبه‌گری مجمع با بخش‌های مختلف حاکمیت و اثراتی که بر آن‌ها داشته است (ازجمله رضایت آیت‌الله خامنه‌ای از مسیر کلی جریان و پیام‌های محبت‌آمیز ایشان به فعالین) نیز اشاره گردیده. بخش دیگر مقاله، اقدامات مجمع در یک دهه گذشته، اثرات، افق و چالش‌های پیش روی تبیین و شرح داده شده است.

واژگان کلیدی: جریان نوشت‌افزار ایرانی اسلامی، نوشت‌افزار ایرانی اسلامی، محتوای نوشت‌افزار، صنعت نوشت‌افزار ایران، زیست‌بوم جریان نوشت‌افزار ایرانی اسلامی.

---

[۱] کارشناسی ارشد ارتباطات، Hoseiny14@gmail.com

[۲] کارشناسی ارشد معارف اسلامی و مدیریت بازرگانی، MYaghini110@gmail.com

[۳] کارشناسی مهندسی صنایع گرایش برنامه‌ریزی و تحلیل سیستم‌ها (نویسنده مسئول). avayedostbidel@gmail.com

مقدمه

مجمع نوشت‌افزار ایرانی اسلامی به‌عنوان مجموعه‌ای مردم‌نهاد متشکل از فعالان نوشت‌افزار ایرانی است که با تلاش‌های شبانه‌روزی طی یک دهه اخیر با توانمندسازی تولیدکنندگان این حوزه و ذائقه‌سازی برای خانواده‌ها، نگاه بخش قابل‌توجهی از صنعتگران و مصرف‌کنندگان این بازار را به محصولات بومی، ملی و اسلامی معطوف کرده است.

رسالت اصلی مجمع ایران‌نوشت، ساماندهی و توانمندسازی مراکز تولید و توزیع، توسعه پلتفرم‌های تخصصی خدمت‌دهنده، پیگیری ایجاد و تقویت زنجیره محتوا و کاراکتر بومی، ذائقه‌سازی برای مردم، مسئولین و نخبگان فرهنگی، شناسایی نقاط ضعف و قوت صنعت و برنامه‌ریزی در جهت رفع نقاط خلأ سبد نوشت‌افزار ایرانی است. این مجمع می‌کوشد تا با برنامه‌ای منسجم و مدیریت غیرمتمرکز، زیست‌بوم نوشت‌افزار ایرانی را توسعه داده و به‌عنوان یک حلقه میانیِ مسئله‌محور، پلی باشد میان فعالین صنعت و حاکمیت.

جمعی از جوانان مؤمن انقلابی بر آن شدند تا در این جبهه خط‌شکنی کرده و به تولید نوشت‌افزار با مفاهیم اسلامی ایرانی اقدام نمایند و تلاش نمایند تا با ایجاد یک گفتمان جدید، فضای حاکم را بشکنند و سرمنشأ یک جریان بومی باشند و مسیر پرفرازونشیبی را آغاز کردند ازجمله:

- ذائقه‌سازی برای خانواده‌های ایرانی ازجمله برگزاری نمایشگاه‌های ایران‌نوشت و حضور پررنگ در رسانه ملی
- تولید محتوا و تجاری‌سازی کاراکترهای ایرانی برای تولیدکنندگان
- توانمندسازی تولیدکنندگان و توزیع‌کنندگان دغدغه‌مند
- تقویت هویت جمعی و تشکیلاتی در کنار تدوین برنامه‌های راهبردی و سالانه

- گفتمان‌سازی، اقناع و ایجاد اعتمادبه‌نفس در بازاریان برای تولید «ایران ساخت»
- ارتباط با حاکمیت به‌منظور تعریف عملیات مشترک و مطالبه‌گری

و حال که ۱۰ سال از شروع این حرکت می‌گذرد شاهدیم که:

- این جریان به‌صورت روزافزون با استقبال فعالین صنعت و خانواده‌ها روبه‌رو می‌شود؛
- ساخت ایران در بازار نوشت‌افزار عزت پیدا کرده است و نشان‌های تجاری داخلی، رنگ‌وبوی ایرانی دارند؛
- تولیدات ایرانی بیش از سه برابر افزایش‌یافته‌اند و به سهم 50 درصدی بازار رسیده‌اند؛
- برخی محصولات که نمونه داخلی نداشتند تولید شدند؛
- فعالیت بیش از صد تولیدکننده با تمرکز بر طرح‌ها، شخصیت‌ها و قهرمان‌های ایرانی؛
- بیش از ۵ هزار مدل و ٦٠ میلیون عدد محصول با محتوای ایرانی اسلامی در حوزه‌های کیف و جامدادی، دفتر، مداد و... تولیدشده است؛
- ۸۰ درصد خانواده‌ها بر اساس پیمایش از نوشت‌افزار ایرانی رضایت دارند.

در تحسین این حرکت مردمی، آیت‌الله خامنه‌ای در سال ۱۳۹۷، فعالین این جریان را مورد تأیید قرار داده و بر لزوم کمک همه مجموعه‌ها برای رشد این جریان تأکید کردند. اخیراً نیز در پیام محبت‌آمیزی، این **صنعت را** افتخارآفرین و نوشت‌افزار را برای کشور حیاتی دانستند.

2. اصول و قواعد

تمرکز، تخصص، پیگیری مستمر و شفافیت در هدف، واژگان، مفاهیم و قواعدی در دنیای امروز هستند که شاید فعالیت‌های عصر کنونی بر پایه آن‌ها استوار شده است. مجموعه‌های مردمی و فعال در کشور ما نیز مستثنا از این قواعد نیستند و اگر بناست

با فعالیت‌های خود بتوانند گوشه‌ای از کار انقلاب را به نتیجه برسانند، حتماً می‌بایست این قواعد را رعایت کنند.

بر اساس اعتقاد به همین موضوع، تعدادی از فعالین مردمی دغدغه‌مند و فعال در حوزه تولید نوشت‌افزار، اوایل دهه ۹۰ اقدام به طراحی مسیری نمودند که با طی کردن آن بتوان نوشت‌افزار را به‌عنوان کالایی هویت‌ساز و فرهنگی در جامعه ایرانی معرفی نمود. هسته اجرایی این تشکیلات معتقد است مهم‌ترین قواعدی که در طراحی مسیر جریان نوشت‌افزار ایرانی و فعالین مردمی این حوزه، مدنظر قرار گرفته و تلاش شده است بدان پایبند بود به شرح زیر است:

أ. مسئله‌محوری

مجموعه‌های مردمی مسئله‌محور باشند به‌عبارت‌دیگر می‌بایست یک «مسئله محوری» را انتخاب نمود و جهت به ثمر رسیدن آن تلاش کرد. مبنای انتخاب مسئله می‌بایست نیاز مردم باشد و نه لزوماً علاقه شخصی و یا موضوعات در دسترس. در همین راستا وقتی ملاحظه شد نوشت‌افزار کالایی هویت‌ساز است که توأمان اقتصاد و فرهنگ را در پی خود دارد و به‌عنوان کالایی تند گردش است، تلاش جهت حل نیازمندی خانواده‌های ایرانی در زمینه نوشت‌افزار ایرانی اسلامی در دستور کار مجمع قرار گرفت.

ب. تمرکز و استمرار

تمرکز و استمرار حرکت بسیار مهم است. یکی از آسیب‌های فعالین جبهه مردمی و جبهه انقلاب عدم تمرکز و فعالیت در شاخه‌های مختلف است. این موضوع باعث هدر رفت منابع شده و حتی درصورتی‌که به شیوه صحیح پیش رود، نهایتاً باعث خروجی‌های کوتاه‌مدت خواهد شد. جهت حل مسئله می‌بایست برنامه‌ریزی بلندمدت داشت و نیازمند فعالیت حرف‌های و تخصصی خواهیم بود.

ت. گفتمان‌سازی

حرکت در مسیر حل مسئله، نیازمند تولید فکر و انگیزه به‌صورت مستمر است. گفتمان می‌تواند یکی از مهم‌ترین ابزارهایی باشد که این موضوع را تحقق بخشد. نسبت‌یابی مردم، خانواده‌ها، نهادهای حاکمیتی، رسانه‌ها و بدنه ذی‌نفعان و مؤثرین نسبت به موضوع نوشت‌افزار، می‌بایست شفاف گردد و ایجاد گفتمان‌سازی در لایه‌های مختلف آن‌ها کمک شایانی به این امر خواهد کرد.

ث. پیوست اقتصادی و خودکفایی

طراحی پیوست اقتصادی جهت حرکت در مسیر از ملزومات مهم مجمع خواهد بود. اگر مسئله درست تعریف شده باشد و دغدغه زیست‌بوم باشد، آن‌ها حاضرند جهت دریافت خدمات موردنظر، پرداخت ریالی بابت آن داشته باشند؛ همچنین پرداخت‌های خیریه‌ای و وقفی و جمعی نیز می‌توانند با طراحی دقیق یکی از جریان‌های کلیدی پیوست اقتصادی باشد. البته تعریف کار مشترک با دستگاه‌های حاکمیتی که بخشی از مأموریت آن‌ها با اولویت‌های مجمع گره می‌خورد و می‌تواند تأمین مالی آن پروژه باشد نیز پیش‌فرض است.

ج. نقش ویژه رسانه و ذائقه‌سازی

ایجاد ذائقه در بین لایه‌های مختلف کنشگران مردمی و خانواده‌ها، با استفاده از رسانه یکی از جدی‌ترین فعالیت‌های مدنظر جهت پیشبرد فعالیت‌ها خواهد بود. فعالیت‌های مردمی چه در حوزه اجتماعی و چه در حوزه فرهنگی و اقتصادی نیازمند

پیوست رسانه‌ای جدی و هوشمند است. اگر نتوان پیوست رسانه‌ای برای فعالیت‌ها ایجاد نمود، اثر مورد انتظار محقق نخواهد شد و تبلیغات نیز به‌تنهایی نمی‌تواند چنین اثری را خلق نماید.

ح. مشارکت مردم در بطن کار

طراحی مسیر حرکت می‌بایست به‌گونه‌ای باشد تا فعالین صنعت به‌عنوان بازیگران مؤثر و فعال در حرکت جانمایی شوند. مردم نه‌تنها باید مخاطب باشند، بلکه باید در خودِ کار و بطن کار حضور و مشارکت داشته باشند زیرا قرار نیست دغدغه‌سازی فعالیت و گفتمان‌سازی، صرفاً برای نیروهای انقلابی و نیروهای خاص با دغدغه‌های خاص باشد. باید بتوان با انواع سازوکارهایی که طراحی می‌شود، بستری ایجاد کرد تا مسئله را به اشتراک گذاشته شود و هر کسی که می‌تواند مشارکت داشته و ایفای نقش نماید.

خ. هدف‌گذاری جامع و نه جزیره‌ای

نوشت‌افزار علاوه بر کارکرد فرهنگی و تربیتی، می‌تواند کارکردی جدی در حوزه اقتصاد، تولید ملی و اشتغال ایفا نماید؛ لذا فرای نگاه فرهنگی، به‌مرور نقشی جدی در موضوع اقتصاد و تولید نیز ایجاد شد؛ لذا نباید جزیره‌ای به موضوع نگاه کرد. اگر موضوعی می‌تواند با موضوعات و مسائل دیگر ضرب شود و پیوست داشته باشد باید به‌صورت جامع بررسی شود.

د. نیروی انسانی

حضور افراد کارآمد و متخصص با ویژگی‌هایی مهمی چون دغدغه‌مند، پویا و جهادی، اخلاق مند و باتقوا و دارای سلامت اقتصادی از ملزومات اجرای کارها است. مجمع باید جهت ارتباط، رشد و نقش‌آفرینی و حفظ افراد باید برنامه داشته باشد. ایجاد سازوکارهای جذب، رشد و بلوغ نیروی انسانی که تک‌تک آن‌ها سرمایه‌هایی گران‌بها محسوب می‌شود جز وظایف اولویت‌دار است.

ذ. شبکه‌سازی و جبهه شدن

همان‌طور که آیت‌الله خامنه‌ای نیز بارها تأکید داشتند، جبهه‌سازی و شبکه‌سازی از اهم موضوعات فعالین مردمی است. واقعاً ملموس است حل مسائل (گاها پیچیده) نمی‌تواند توسط یک یا دو مؤسسه و یا فرد صورت پذیرد. مجمع می‌بایست هنر شبکه‌سازی بین فعالین و عناصر فعال در حوزه موردنظر خود را داشته باشد و بتواند مسئله موردنظر خود را به‌عنوان اصلی‌ترین و مهم‌ترین مسئله این عناصر و فعالین تبدیل کند تا بتواند در کنار یکدیگر افق و انگیزه مشترکی ایجاد کرده و ابتکار عمل را در آن حوزه به دست گیرد.

امروزه محیط اقتصادی و اجتماعی جدید، مدیریت نوینی می‌طلبد به‌طوری‌که این مدیریت باید چالاک، منعطف و دارای شبکه ارتباطی از روابط استراتژیک باشد. مجمع جهت تحقق مأموریت چندگانه (که برای نوشت‌افزار توأمان ترکیبی از اقتصادی و فرهنگی است) نیازمند بازیگران و همکارانی است تا به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم همراهی داشته باشند. جهت دوری از تبدیل‌شدن به مجموعه بزرگ و غیرمنعطف می‌بایست شبکه‌ای از فعالان ایجاد نمود تا هر کدام از این فعالان به‌عنوان یک عنصر مستقل و خودکفا اما در ارتباط با سایر عناصر به ایفای نقش خود بپردازند و هم‌زمان که نیازهای خود را برطرف می‌کنند نیازهای سایر فعالان در شبکه را هم برطرف نمایند. این‌همه چیزی است که زیست‌بوم نامیده می‌شود.

ر. عدم تصدی‌گری و بنگاه‌داری

یکی از کلیدی‌ترین سؤالات موضوع روش جلوگیری از هرج‌ومرج در شبکه فعالین است. راهبرد اصلی در طراحی مدیریت شبکه، عدم ورود به حوزه‌های عملیاتی تصدی‌گری و بنگاه‌داری است. مجمع باید بتواند در مراجعات و تقاضاهای اقتصادی که در معرض آن قرار می‌گیرد، به بهانه تأمین مالی وارد تصدی‌گری نشود و کار را به کسب‌وکارهای فعال واگذار نماید. البته در این مسیر شتابدهی و کمک به

شکل‌گیری کسب‌وکارهایی که جای آن‌ها در زیست‌بوم خالی است جز وظایف و امور قطعی مجمع خواهد بود و جز تصدی‌گری محسوب نمی‌شود.

3. ساختار و ویژگی‌ها

➢ تعریف واژگان

جهت احصا اهداف و حل مسئله نوشت‌افزار کشور چه در بعد محتوایی و چه در بعد تولید، طراحی ساختار مدیریتی و زیست‌بوم نوشت‌افزار بر اساس ویژگی‌های ذکر شده در بخش قبلی، صورت گرفت. در ابتدا لازم است به تعریف واژگان کلیدی این ساختار بپردازیم:

- تعریف صنعت نوشت‌افزار

زمانی که ابزارهای نوشتاری به تولید اقتصادی می‌رسند، به مجموعه عواملی که این ابزارها را تولید می‌کنند و در راستای زنجیرهٔ ارزش آن، به فعالیت و ارائهٔ خدمات می‌پردازند، صنعت نوشت‌افزار می‌گوییم.

- زیست‌بوم ایران‌نوشت

مجموعه‌ای از فعالان حوزهٔ نوشت‌افزار را که بر پایهٔ دو اصل زیر گرد هم آمده‌اند، «زیست‌بوم ایران‌نوشت» می‌نامیم:

۱. التزام و اعتقاد به تولید ملی و استفاده از مواد اولیهٔ ایرانی داخلی‌سازی و فرایندهای تولیدی در صنعت نوشت‌افزار؛

۲. اعتقاد به نوشت‌افزار به‌عنوان محصولی فرهنگی و ضروری دانستن تناسب محتوای آن با فرهنگ بومی و ملی و اسلامی.

- مجمع عمومی فعالان نوشت‌افزار ایرانی اسلامی (ایران‌نوشت)

به مجموعه‌ای از افراد حقیقی و حقوقی که در زمینهٔ تولید و خدمات و توزیع در صنعت نوشت‌افزار فعالیت می‌کنند و بر مبنای مأموریت و چشم‌انداز و ارزشی که مورد موافقت همهٔ آن‌ها بوده است، قائل به ایجاد گفتمان در این صنعت هستند،

به‌اختصار «مجمع عمومی ایران‌نوشت» یا «مجمع عمومی نوشت‌افزار ایرانی اسلامی» گفته می‌شود.

- روابط نهادی

افراد حقیقی و حقوقی که در صنعت نوشت‌افزار فعال هستند و شرایط عضویت در مجمع را دارند، با تأیید هیئت‌مدیره به مجمع عمومی معرفی می‌شوند و طی فرایند انتخابات به عضویت مجمع درمی‌آیند.

- ستاد مجمع

مجموعه‌ای از منابع انسانی و مهارتی و تجهیزی که در جهت اجرایی کردن آرمان‌های کلان ایران‌نوشت حرکت می‌کنند، ستاد مجمع نامیده می‌شود. بعد از انتخاب مدیرعامل توسط هیئت‌مدیره، وی مسئول تشکیل و مدیریت ستاد خواهد بود.

- **اهداف بالادستی**

بر اساس ظرفیت‌های موجود در کشور و دغدغه مطرح شده، چشم‌انداز، مأموریت، ارزش‌ها و اهداف بلندمدت تعیین گردید. در ابتدا ٤ راهبرد الف) ذائقه‌سازی، ب) پیگیری ایجاد چرخه کاراکتر و محتوا، ج) توانمندسازی کسب‌وکارهای نوپا و د) تلاش جهت سازمان‌دهی بازار تعیین گردید اما توصیه حضرت آقا به فعالین صنعت در سال ۹۷ مبنی بر ایرانی نمودن بازار نوشت‌افزار کشور نقطه عطفی برای جریان نوشت‌افزار ایرانی ایجاد گردید و ه) «پیگیری ایجاد چرخه تولید» نیز در دستور کار قرار گرفت. نهایتاً اسناد بالادستی مجمع نوشت‌افزار ایرانی به شرح زیر تعریف گردید:

- ✓ چشم‌انداز

تحقق ویژگی‌های مطلوب زیر در بازار نوشت‌افزار ایران:

- عاری بودن از کالاهای نامطلوب فرهنگی و سرشار بودن از محصولاتی با محتوای ایرانی اسلامی؛

- بیشینه کردن سهم نوشت‌افزار ایران ساخت از کل بازار؛
- شناخته شدن به‌عنوان قطب تولیدی در منطقهٔ غرب آسیا.

✓ مأموریت

- ترویج زندگی سالم در پرتو سبک زندگی اسلامی ایرانی، از طریق تولید محصولات نوشت‌افزار و ترویج آن به‌طوری‌که برای همهٔ اقشار جامعه جذابیت داشته باشد؛
- پیگیری اقدامات سلبی، جهت جلوگیری از تولید و نشر محتوای معارض؛
- حمایت از تولید داخلی و تسهیل آن، هم‌زمان با پیگیری اقدامات سلبی جهت هزینه برکردن یا ناممکن کردن واردات.

✓ ارزش‌ها

- مردمی بودن: در همهٔ مراحل این چرخه و زنجیره، عناصر مردمی دارای اصالت و اولویت هستند، از تأمین منابع مالی گرفته تا تولید و توزیع و عرضه و مصرف؛
- حفظ کیفیت فنی و محتوایی در محصول: تلاش برای عرضه و مصرف هرچه بیشتر محصولات باید با حفظ شاخص‌های محتوای تراز جبههٔ حق صورت گیرد.
- استفاده از اصول و سازوکارهای اقتصاد و تجارت بومی و اسلامی: با توجه به بُعد اقتصادی و کسب‌وکاری این فعالیت‌ها، استفاده از الگوهای بومی و اسلامی باید مدنظر قرار گیرد.
- کارآفرینی، تولید ملی و اشتغال: توجه به جنبهٔ ایجاد اشتغال و کارآفرینی و نیز تولید ملی بودن محصولات، از ارزش‌های اصلی این فرایند محسوب می‌شود.

- مسئولیت اجتماعی: احساس وظیفه در قبال کودکان نیازمند و کم‌برخوردار، به‌خصوص در مناطق محروم کشور و همچنین حفظ محیط‌زیست از دیگر ارزش‌های پیشِ روست.

✓ اهداف (راهبردها)

- ذائقه‌سازی عناصر چرخهٔ مصرف شامل تولیدکنندگان و توزیع‌کنندگان و مصرف‌کنندگان
  - تلاش جهت ارتقای ذائقهٔ خانواده‌های ایرانی برای مصرف نوشت‌افزار ایرانی با محتوای بومی؛
  - فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغی به‌منظور اعتلای فرهنگی تولیدکنندگان و توزیع‌کنندگان و نخبگان.
- پیگیری ایجاد چرخهٔ مستمر تولید کاراکتر و محتوا و زنجیرهٔ تجاری‌سازی
  - پیگیری تقویت و تکمیل عناصر زنجیرهٔ تولید و تجاری‌سازی کاراکتر در حوزهٔ نوشت‌افزار؛
  - گفتمان‌سازی در بین مسئولان، نهادها، فعالان حوزهٔ فرهنگ و نخبگان، مبنی بر اهمیت شخصیت‌سازی و کاراکتر در همهٔ زمینه‌ها؛
  - پشتیبانی از طراحان ایرانی با هدف ارتقای طرح‌های ایرانی اسلامی و بومی جهت استفادهٔ تولیدکنندگان.
- توانمندسازی کسب‌وکارهای نوپا و دغدغه‌مند تولیدی و توزیعی
  - توسعهٔ توان و زیرساخت‌های توزیع محصولات نوشت‌افزار ایرانی اسلامی؛
  - ارتقای توان تولیدی و مهارتی و افزایش کیفیت محصولات؛

- ایجاد و تقویت زیست‌بوم از طریق سرمایه‌گذاری با هدف رشد فعالیت کسب‌وکارهای نوپا در عرصهٔ نوشت‌افزار ایرانی اسلامی؛
- افزایش همدلی و همکاری و انسجام اقدامات مشترک کسب‌وکارهای نوپا جهت تقویت هویت جمعی.

- تلاش جهت سازمان‌دهی بازار و ایجاد سامانهٔ نظارتی بازار نوشت‌افزار
  - تلاش برای سازمان‌دهی و نظام‌مندشدن و ارتقای عناصر بازار؛
  - ایجاد سامانهٔ نظارتی بر بازار نوشت‌افزار؛
  - پیگیری ایجاد سازوکارهای سامان‌دهی نظارتی در بازار نوشت‌افزار.
- پیگیری ایجاد چرخهٔ پایدار تولید محصولات نوشت‌افزار فاقد مشابه ایرانی
  - رصد بازار؛
  - احیا و ارتقای خطوط تعطیل؛
  - حمایت قانونی از خطوط تولید؛
  - تسهیلگری و حمایت از راه‌اندازی خطوط جدید.

➢ **ساختار مجمع عمومی فعالان نوشت‌افزار**

همان‌طور که در بخش تجربه‌ها ذکر شد، مجمع ایران‌نوشت برای دوری از تبدیل‌شدن به یک مجموعهٔ بزرگ و غیرمنعطف، باید بتواند فعالیت‌های خود را در زیست‌بوم نوشت‌افزار، بر اساس منطق هرکدام، به چند زمینه تبدیل و اصطلاحاً «نهادسازی» نماید؛ نهادهایی مستقل که هرکدام مأموریتی دارند که تحقق آن، زمینهٔ تحقق مأموریت مجمع را ایجاد خواهد کرد و سبب تکمیل زنجیرهٔ ارزش زیست‌بوم می‌شود.

این نهادها لزوماً توسط مجمع ایجاد نمی‌شوند؛ ممکن است مجمع در ایجاد آن‌ها مشارکت داشته باشد و یا ممکن است یک مجموعهٔ فعال را به‌کارگیری نماید؛ اما طبیعتاً برای هدایت هریک از ایشان در راستای اهداف خود، باید برنامه و سیاست‌های مناسبی را جهت مدیریت و تقویت تک‌تکشان اتخاذ نماید؛ مجمع نوشت‌افزار ایرانی اسلامی به‌عنوان نهاد اصلی این زیست‌بوم و پرچم‌داری بومی‌سازی این صنعت در کشور برای تحقق اهداف و مأموریت‌ها و برنامه‌های خود، نیاز به طراحی ساختار متناسب دارد. راهبرد اصلی در طراحی ساختار مجمع، عدم ورود به حوزه‌های عملیاتی و تصدی‌گری و بنگاه‌داری است. با همین نگاه، سیاست مجمع بر این بوده است که فعالیت‌های عملیاتی توسط کسب‌وکارهای تولیدی و توزیعی و خدماتی انجام گیرد و مجمع در قالب نهادی قرارگاهی و ستادی عمل کند و نقش رهبری صنعت را بر عهده داشته باشد. براین‌اساس، ساختار مجمع مطابق شکل زیر طراحی شده است:

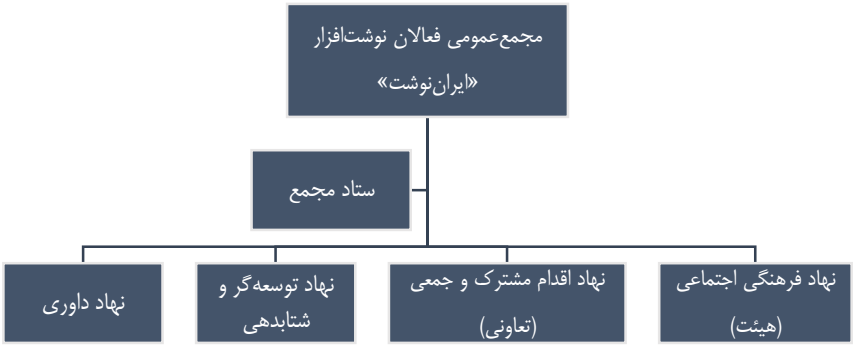

شکل ۱: ساختار مجمع نوشت‌افزار ایرانی

در ذیل و کنار ستاد مجمع با توجه به برنامهٔ کلان و همچنین توجه به راهبرد «عدم تصدی‌گری»، چهار نهاد مستقل طراحی شده است تا در چهارچوب سیاست‌های

مجمع، هرکدام به‌عنوان بازوهای تخصصی، بخشی از وظایف حکمرانی مجمع را دنبال کنند که در ادامه به تفضیل تبیین خواهد شد.

- ✓ ستاد مجمع

سازمان‌ها برای انتقال و عملیاتی کردن سیاست‌های مدیریتی، به مبدلی برای تبدیل سیاست‌ها و افکار به راهبردهای اجرایی نیازمندند که این مبدل بسته به سطح آن، به نام‌های مختلفی ازجمله مدیریت اجرایی یا ستاد مشهور است. در همین راستا، مجمع عمومی به تشکیل ستاد مجمع با انتخاب هیئت‌مدیره اقدام می‌کند. ستاد مجمع که رکن اصلی اجرایی فعالیت‌های مجمع است، ذیل هیئت‌مدیره و مدیرعامل مجمع با ساختار منسجم، اقدام به طراحی و برنامه‌ریزی و اجرای تمامی فعالیت‌های مجمع می‌نماید.

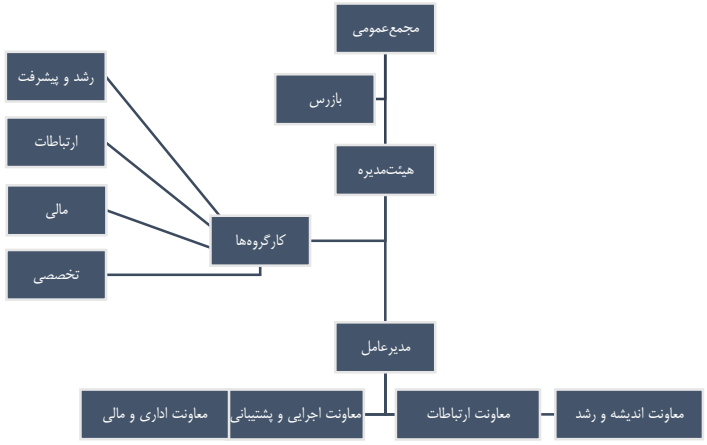

شکل ۲: نمودار ساختار ستاد

- ✓ شرح کارگروه‌ها
  - کارگروه ارتباطات: با مأموریت ایجاد ارتباط مؤثر و دوسویه با اعضای ایران‌نوشت و فعالان صنعت و اهتمام به برنامه‌ریزی و طراحی در این جهت؛ ارائهٔ گزارش در هر جلسهٔ هیئت‌مدیره.
  - کارگروه مالی: با مأموریت ۱. ایجاد نظام مالی شفاف در مجمع؛ نظارت بر تمامی تراکنش‌های سیستم مالی و تأیید آن‌ها؛ تلاش در جهت ایجاد فرصت‌های حمایتی برای مجمع ایران‌نوشت.
  - کارگروه رشد و پیشرفت: با مأموریت طراحی و کارشناسی نظام رتبه‌بندی اعضا؛ بررسی تخصصی و پیشنهاد مسیر رشد و توسعهٔ هریک از عناصر با توجه به اقتضائات تولیدکننده و منبع مالی و اولویت‌های زیست‌بوم؛ سیاست‌گذاری و ارزیابی سیستم آموزشی مجمع
  - کارگروه‌های تخصصی: با مأموریت ایجاد شبکهٔ پویا از فعالان آن گروه تخصصی در کل کشور؛ جهت‌دهی محتوایی عناصر غیر ایران‌نوشتی؛ کمک و مشاوره به ستاد به‌منظور شناخت فعالان واقعی و سیاست‌گذاری صحیح در جهت توانمندسازی، برنامه‌ریزی، عارضه‌یابی و...؛ کمک به ستاد در جهت پیشبرد برنامه‌های عملیاتی ناظر به فعالان مرتبط با آن کارگروه.
- ✓ شرح وظایف معاونت‌ها
  - معاونت اندیشه و رشد: تحقیق و اندیشه‌ورزی و طراحی راهبردهای اجرایی و برنامهٔ عملیاتی آن با نگاهی سیستمی به کل زیست‌بوم؛ دبیری هیئت‌مدیرهٔ ستاد مجمع؛ دبیری کارگروه رشد و پیشرفت؛ تدوین و کارشناسی طرح‌ها و آیین‌نامه‌ها؛ ایجاد شبکهٔ بهره‌گیری از نخبگان و خبرگان.

- معاونت ارتباطات: ایجاد ارتباط دوسویه و مؤثر و پایدار با تمرکز بر دستگاه‌های حاکمیتی و نهادهای مرتبط و اصحاب رسانه؛ تلاش جهت تعریف اقدام مشترک و تأمین منابع آن؛ راهگشایی و بالفعل کردن ظرفیت‌های فروش سازمانی؛ حضور دائمی در رسانه‌های کشور به‌خصوص رسانهٔ ملی؛ تلاش جهت معرفی مجمع ایران‌نوشت به‌عنوان یک بازوی تخصصی و سیاست‌گذار در کشور.
- معاونت اجرایی و پشتیبانی: انجام تمامی امور اجرایی و پشتیبانی مبتنی بر تمامی عملیات‌های تعریف‌شده در سطح زیست‌بوم؛ برگزاری رویدادها و نشست‌ها و نمایشگاه‌ها؛ ارتباط با اعضای زیست‌بوم و اطلاع‌رسانی به ایشان؛ پشتیبانی اجرایی از تمامی بازوها و نهادهای مجمع؛ جاری‌سازی عملیاتی تفاهم‌ها و عملیات‌های مشترک بین سازمانی.
- معاونت مالی و اداری: ایجاد سیستم اداری و پرسنلی و مالی به‌طور شفاف و استاندارد و پیاده‌سازی دقیق فرایندها؛ حسابداری و تهیهٔ صورت‌های مالی و تهیهٔ صورت‌های مالی؛ انجام امور حقوق و دستمزد؛ انجام امور ثبت رسمی و مالیاتی و بیمه‌ای؛ مدیریت اموال و دارایی‌ها.

✓ نهاد توسعه‌گر و شتابدهی

این نهاد با مأموریت استفاده از ظرفیت سرمایه‌گذاران و نهادهای حاکمیتی، در راستای توسعهٔ کسب‌وکارهای کلیدی و دارای اولویت زیست‌بوم شکل می‌گیرد و در قالب مؤسسه با سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذاران امین در کنار مجمع به‌عنوان بازوی توسعه‌گر فعالیت می‌نماید.

- اهداف

- تکمیل زیست‌بوم نوشت‌افزار جهت تحقق مأموریت چندگانهٔ مجمع در قالب ایجاد بازوهای تخصصی؛
- تقویت اعضای زیست‌بوم تحت یک شبکهٔ کارآمد و بهره‌ور.

- ضرورت

آن دسته از مأموریت‌های ضروری که عملیاتی‌شدن آن‌ها در ستاد مجمع ممکن نیست، در این نهاد اجرایی می‌شود. برخی از فعالیت‌های آن عبارت‌اند از:

- ایفای نقش جهت مشارکت‌گیری در حوزهٔ تأمین منابع مالی سایر نهادها در ساختار موردنظر مجمع و تأمین مالی کسب‌وکارها.
- ورود عملیاتی به حوزه‌های دارای خلأ نیرو و تلاش جهت جذب نیروی انسانی.
- مدیریت کسب‌وکارهایی که از منظر حکمرانی زیست‌بوم دارای ضرورت رابطهٔ مالکانه با مجمع‌اند.

- راهبردهای نهادی

- این نهاد توجه به مأموریت و اهداف و ارزش‌های مجمع ایران‌نوشت در ایرانی کردن اقتصادی و فرهنگی صنعت نوشت‌افزار کشور در تمامی اسناد راهبردی نهادها و گام برداشتن در این جهت را مدنظر دارد؛
- خودکفایی اقتصادی نهاد توسعه‌گر از محل درآمد خدمات و سود سهام‌های خود ضروری است؛
- خدمت‌دهی به زیست‌بوم ایران‌نوشت اولویت عملیاتی این نهاد است؛
- ورود به حوزه‌هایی که فعالیت‌های کسب‌وکاری در آن به میزان لازم برقرار است، در دستور کار نیست؛
- ورود حداقلی و ترجیحاً با مشارکت کسب‌وکاری کمتر از ۵۰ درصد و اولویت خروج در اولین فرصت مدنظر است؛

- راهبردهای عملیاتی
  - بهره‌گیری از ظرفیت‌های نهادهای حاکمیتی و مردمی جهت افزایش منابع سرمایه‌گذاری از طریق ایجاد سازوکارهای پایدار؛
  - توسعهٔ کسب‌وکارهای پشتیبانی و خدماتی موردنیاز زیست‌بوم؛
  - ایجاد مسیر ورود نیروی انسانی جدید به کسب‌وکارهای زیست‌بوم؛
  - توسعهٔ کسب‌وکارهای محتوامحور و فناورانهٔ موردنیاز زیست‌بوم؛
  - تلاش جهت توسعهٔ سبد تولید محصولات ایرانی در بازار نوشت‌افزار؛
  - پشتیبانی از توسعهٔ زیرساخت‌های توزیع و فروش محصولات؛
  - پشتیبانی از توسعهٔ زیرساخت و ایجاد نوآوری در کسب‌وکارهای تولیدی زیست‌بوم.

✓ نهاد اقدام مشترک و جمعی (تعاونی)

این نهاد با طراحی «عملیات‌های اقتصادی و غیرستادی» که نیاز به مشارکت تمامی فعالان زیست‌بوم دارد، فعالیت‌های خود را انجام می‌دهد و در قالب «تعاونی اعضای ایران‌نوشت» شکل می‌گیرد.

- ضرورت

برای ایجاد مرکز تخصصی عملیاتی در مواردی که نیاز به حضور جمعی و عملیات مشترک بین اعضا و فعالان زیست‌بوم است، این نهاد شکل می‌گیرد و برخی از فعالیت‌های آن عبارت‌اند از:

  - تأمین مواد اولیهٔ تولید به‌صورت مشترک؛
  - سرمایه‌گذاری مشترک در ایجاد زیرساخت‌های تولیدی و توزیعی و خدماتی.

- راهبردهای عملیاتی
  - تنظیم راهبردهای عملیاتی متناسب و منطبق بر اسناد راهبردی مجمع صورت می‌گیرد؛

- اولویت تأمین مواد اولیهٔ داخلی مدنظر است؛
- اولویت کاری در تأمین مواد اولیه یا تولید برای محصولاتی است که برای اولین‌بار در صنعت راه‌اندازی می‌شوند؛
- توجه به محتوای بومی علی‌رغم توجه به ابعاد اقتصادی و فنی پروژه‌ها خواهد بود؛
- تمرکز و التزام به فعالیت مثبت و مؤثر در صنعت نوشت‌افزار و زیست‌بوم ایران‌نوشت مدنظر است؛
- عملیات با سرمایهٔ سرمایه‌گذارانِ خود تعاونی انجام می‌شود و هزینه‌های جاری تعاونی از طریق سود حاصل پوشش می‌یابد؛
- برای تولید مشترک با حضور حداکثر اعضا به‌منظور استفاده از ظرفیت‌های مشترک تحت یک برند مشترک قدرتمند اقدام خواهد شد؛
- همهٔ اعضا برای ارائهٔ خدمات مشترک و تجمیع فرایندهای کسب‌وکارها با لحاظ افزایش کیفیت و کاهش قیمت محصولات تلاش خواهند کرد.

✓ نهاد فرهنگی اجتماعی (هیئت)

این نهاد با دو مأموریت کمک به رشد فردی، فرهنگی، معنوی و اجتماعی فعالان زیست‌بوم به‌صورت جمعی و تشکیلاتی و همچنین انجام مسئولیت‌های اجتماعی به‌صورت جمعی فعالیت می‌نماید و در قالب «هیئت» شکل می‌گیرد.

- ضرورت

از اصول و مبانی ایجاد زیست‌بوم پویا و فعال و سرزنده، ایجاد «رابطهٔ مستحکم و ایدئولوژیک» در میان عناصر آن زیست‌بوم است. با توجه به اینکه نوع رابطهٔ افراد در زیست‌بوم‌ها با نوع رابطهٔ افراد در سازمان‌ها متفاوت است، شکل‌گیری هویت

جمعی و قلبی و دلی از هر چیز مهم‌تر و استراتژیک‌تر است. «هیئت» یکی از بهترین ابزارها جهت تقویت هویت جمعی بین افراد است.

- راهبردهای عملیاتی
  - تنظیم تمام کارکردها منطبق با راهبردهای تقویت هویت جمعی مجمع عمومی ازیک‌طرف و ایجاد گفتمان جهادی و دغدغه محور در صنعت از طرف دیگر؛
  - برپایی مراسمات ذکر و توسل به اهل‌بیت (ع)؛
  - ارتباط با خانواده‌ها در جهت هم مسیر شدن ایشان با گفتمان و دغدغه‌های ایران‌نوشت؛
  - ایجاد صندوق قرض‌الحسنهٔ داخلی جهت مشکلات فردی فعالان زیست‌بوم؛
  - برگزاری سفرها و اردوهای جهادی زیارتی، ورزشی و سیاحتی؛
  - فعالیت‌های خیریه، ارزاق، اهدای نوشت‌افزار به محرومان؛
  - فعالیت‌های اقتضایی بر اساس اتفاقات روز و موردنیاز کشور (مانند حوادث طبیعی و...)؛
  - ارائهٔ محتوا و محصولات فرهنگی تربیتی متناسب با نیاز افراد و خانواده‌ها.

✓ نهاد داوری

این نهاد با مأموریت حل مسائل و مشکلات پیش‌آمده بین فعالان و عناصر زیست‌بوم به‌صورت عادلانه و بی‌طرفانه تشکیل می‌شود و در زمینه‌های فنی و اقتصادی و بازرگانی، ورود کارشناسانه دارد و در قالب «شورای داوری» فعالیت خواهد کرد.

- ضرورت

با توجه به روابط گسترده میان فعالان زیست‌بوم و نهادهای مرتبط و هم‌سو، احتمال بروز اختلافات وجود دارد؛ لذا این نهاد جهت داوری با نگاه تخصصی و صلاحدید

فعالان و اقتضائات زیست‌بوم شکل می‌گیرد تا بتواند در فضایی دینی و بومی و دوستانه، با فهم دقیق و فنی مسائل را حل کند.

- راهبردهای نهادی
  - این نهاد به‌صورت شورایی اداره می‌شود.
  - ستاد مجمع با استفاده از ابزارهای نظارتی و ارتباطاتی خود، تصمیمات این نهاد را عملی می‌کند و باعث ایجاد ضمانت اجرایی برای تصمیمات این شورا می‌شود.
- ✓ سایر نهادها

سایر نهادهای فعال در زیست‌بوم ایران‌نوشت، حکم بازیگرانی را دارند که هریک به‌طور کاملاً مستقل اما هم‌راستا با آرمان‌ها و ارزش‌ها و راهبردهای مجمع نوشت‌افزار فعالیت می‌کنند و ستاد به‌صورت مستقیم در امور مدیریتی هیچ‌کدام از آن‌ها دخالتی ندارد؛ اما ممکن است از طریق یکی از نهادهای چهارگانه در توانمندسازی یا هدایت آن‌ها نقش ایفا کند. درواقع، هدایت بازیگران با استفاده از قدرت نرم، ایجاد گفتمان و روابط استراتژیک مشترک صورت می‌گیرد. این بازیگران بر اساس نوع محیط و اقتضای کسب‌وکارشان توسعه پیدا می‌کنند. ممکن است به‌صورت «پلتفرم» (که اقتضای یگانگی جهت ایجاد شبکهٔ بزرگ را دارد) شتاب‌دهی شوند یا در محیط «رقابتی» به‌صورت کمّی و کیفی توسعه یابند.

۳. اقدامات و اثرات

➢ شروع بومی‌سازی محتوای نوشت‌افزار ایرانی

تکمیل حلقه استفاده از محتوای بومی در نوشت‌افزار ایرانی گره به تغییر فرهنگ و باور لایه‌های مختلف مصرف‌کننده و تولیدکنندگان و نهادهای بالادستی خورده است. از نگاهی دیگر نوشت‌افزار به‌عنوان یکی از کالاهای فرهنگی است که در صنعت مرچندایزینگ به‌عنوان صنعتی مصرف‌کننده در زمینه استفاده از کاراکتر است و نمی‌تواند محل تولید و خلق کاراکتر باشد؛ مجموع این مسائل باعث شده است

موضوع بومی‌سازی محتوای نوشت‌افزار کمی پیچیدگی داشته باشد و طی ۱۳ سال گذشته شاهد رشد ویژه‌ای در این زمینه نباشیم اما به هر روی با تلاش‌های صورت گرفته تولید نوشت‌افزار با محتوای ایرانی اسلامی از ۰٪ در ابتدای دهه ۹۰ به ۱۰٪ در سال ۱٤۰۲ رسیده است؛ همچنین میزان تولید نوشت‌افزار با محتوای معارض از ۸۵٪ در ابتدای دهه ۹۰ به ٦۵٪ کاهش‌یافته است و تمایل به محتوای خنثی یافته است (مجمع نوشت‌افزار ایرانی اسلامی، ۱٤۰۱).

فعالین این حوزه طی این سال‌ها تلاش کرده‌اند با استفاده از شخصیت‌ها و موضوعات مختلف ازجمله قهرمان‌های ملی، شخصیت‌های علمی،دانشمندان و کتاب‌های ادبی مانند شاهنامه فردوسی، کلیله‌ودمنه، قصه‌های قرانی اقدام به طراحی محتوای مطلوب جهت استفاده در نوشت‌افزار نمایند.

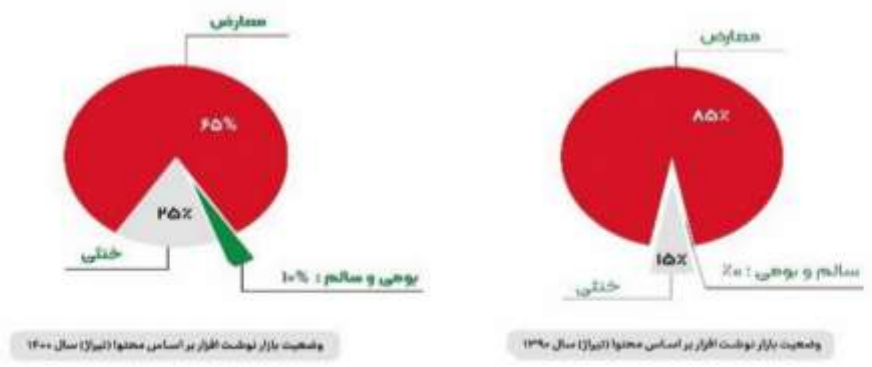

شکل ۳: وضعیت محتوای نوشت‌افزار ایرانی

- **شروع ایرانی‌سازی تولید نوشت‌افزار با اولویت اقلام پرمصرف**

طی ۱۳ سال اخیر با اجرای برنامه‌های مختلف تلاش شد سهم تولید داخل افزایش یابد به‌نحوی‌که سهم تولید داخل از ۱۵٪ در ابتدای ۹۰ به ٦۵٪ در سال ۱٤۰۲ رسیده است. این میزان رشد با اولویت ایرانی‌سازی اقلام پرمصرف نوشت‌افزار مانند دفتر و محصولات کاغذی، خودکار،مداد، پاک‌کن، محصولات طلقی،کیف و جامدادی و

محصولات چوبی صورت گرفت و در حال حاضر ۸۰٪ از میزان مصرف این محصولات پرمصرف در داخل کشور تولید می‌شود (مجمع نوشت‌افزار ایرانی اسلامی، ۱۴۰۱).

همچنین در حال حاضر بیش از ۱۰۰ تولیدکننده در کشور به‌صورت کاملاً متمرکز در زمینه تولید نوشت‌افزار ایرانی فعالیت دارند.

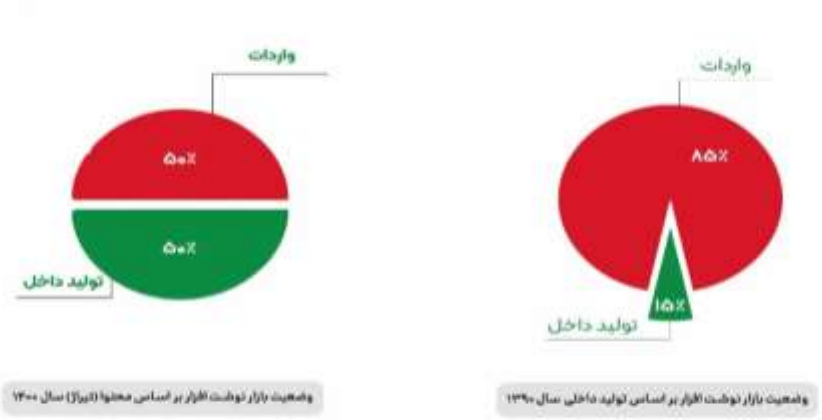

شکل ٤-وضعیت تولید نوشت افزار ایرانی اسلامی

- **کسب رضایتمندی مخاطبین**

نوشت‌افزار ایرانی از منظر قیمت و کیفیت قابلیت رقابت بین قیمت و کیفیت نوشت‌افزار ایرانی با نوشت‌افزارهای وارداتی کاملاً ایجاد شده است و مصرف‌کنندگان نوشت‌افزار ایرانی طی نظرسنجی‌های صورت گرفته ۸۰٪ از کیفیت ابراز رضایت کرده‌اند (همان).

- **جذب اعتماد و همراهی نهادهای ذی نقش در صنعت نوشت‌افزار**

مجمع نوشت‌افزار ایرانی اسلامی به‌عنوان یکی از حلقه‌های میانی مردمی بنا به اقتضائات و نیازهای جریان نوشت‌افزار،اقدام به ارتباط‌گیری با دستگاهی مختلف حکومتی و دولتی کرده است و طی این سال‌ها توانسته است با ایجاد جایگاه ویژه در بین دستگاه‌ها،نقش خود را به‌عنوان حلقه میانی به‌خوبی ایفا کند؛ در زیر به برخی از این دستاوردها اشاره می‌گردد:

- معاونت علمی و فناوری و اقتصاددانش بنیان ریاست‌جمهوری:

مجمع ایران‌نوشت به‌عنوان مسئول کارگروه نوشت‌افزار معاونت علمی به فعالیت می‌پردازد.

- وزارت صنعت، معدن و تجارت:

با پیگیری مستمر مجمع ایران‌نوشت، دفتر نوشت‌افزار در وزارت صمت ایجاد و مسئولیت پیگیری امور مرتبط با صنعت به این دفتر واگذار گردید. همچنین تدوین سند صنعت نوشت‌افزار و رونمایی از آن دیگر فعالیت‌های صورت گرفته بین وزارت صمت و مجمع بوده است.

- سازمان صداوسیما:

تلاش جهت ذائقه‌سازی و بازارپردازی در زمینه تولید و مصرف نوشت‌افزار ایرانی از اقدامات ویژه و مشترک بین سازمان و مجمع بوده است.

- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی:

حمایت قانونی وزارت فرهنگ و ارشاد از نمایشگاه‌های ایران‌نوشت و برگزاری نمایشگاه مشترک با موضوع صنعت مرچندایزینگ با نشان «الگونما» و همچنین از سیاستگزاران اصلی جایزه فیروزه.

- ستاد اجرایی فرمان امام:

با هدف طراحی عملیات در حوزه‌های اجتماعی، و حوزه‌های تخصصی صنعت اقدام به طراحی و پروژه مشترک مشق احسان و راه‌اندازی شرکت شتاب‌دهنده

کارآفرینی اجتماعی با هدف توسعه‌گری و شتاب‌دهی محصولات و تولیدات نوآورانه در صنعت نوشت‌افزار شد.

- **حمایت ویژه آیت‌الله خامنه‌ای از جریان نوشت‌افزار ایرانی اسلامی**

جریان نوشت‌افزار ایرانی، در طول این سال‌ها که مسیر رو به رشد خود را آغاز کرده است و به‌عنوان جریانی مردمی و ملی دستاوردهای ویژه‌ای را به دست آورده است، همواره مورد عنایت و توجه ویژه آیت‌الله خامنه‌ای بوده است. ایشان در موارد متعدد دستورات ویژه‌ای نسبت به جریان صادر فرموده‌اند که در زیر به آن‌ها می‌پردازیم:

- دستور ویژه ایشان نسبت به فعالین نوشت‌افزار ایرانی اسلامی مبنی بر توجه ویژه به تولید ملی در حوزه نوشت‌افزار[۱]
- «کسانی در داخل کشور هستند که یک حرکت اقتصادی را شروع می‌کنند؛ باید به این‌ها کمک بشود. حالا اینکه گفتم مال این روزها است، همین مسئله نوشت‌افزار است؛ چند جوان باهمت پیدا شده‌اند و نوشت‌افزار داخلی دارند تولید می‌کنند؛ نوشت‌افزار یک رقم مهمی است؛ شما ببینید مصرف نوشت‌افزار –مداد و کاغذ و دفتر و بقیه وسایل– چه حجم عظیمی دارد که ما در بسیاری از این‌ها داریم از واردات استفاده می‌کنیم که هم‌بار فرهنگی دارد، هم‌بار اقتصادی دارد. یک‌مشت جوان پیدا شده‌اند که از دو سه سال قبل از این، از چند وقت قبل –حالا من دقیقاً الآن یادم نیست– همت گماشتند برای اینکه نوشت‌افزار داخلی [تولید کنند]؛ خب این‌ها احتیاج به کمک دارند؛ باید به این‌ها کمک بشود؛ [امّا] کمک نمی‌شود؛ حتّی در مقابل حرکت این‌ها، احیاناً سنگ‌اندازی هم انجام می‌گیرد. لازم نیست سنگ‌اندازی را مسئول دولتی یا وزیر دولتی انجام بدهد؛ نه، ممکن است وزیر دولتی اصلاً خبر هم نداشته باشد امّا دیگرانی هستند که

[۱] سعید حسینی، روایتی از دیدار تولیدکنندگان نوشت‌افزار ایرانی با رهبر انقلاب، ۱۷ شهریورماه سال ۱۳۹۷

سنگ‌اندازی می‌کنند؛ باید جلوی این گرفته بشود. چند وقت قبل یک تعدادی از همین جوان‌ها آمدند پیش من؛ خب آدم می‌بیند این‌ها سرتاپا شوق‌اند، سرتاپا آمادگی و قوّه و توانِ کارند، ابتکار هم دارند، [امّا] توانایی مالی‌شان ضعیف است؛ باید کمک بشوند؛ کمک [به این‌ها] هم کمک‌های چند هزارمیلیاردی مثل این معوّقات بانکی ما نیست که یک‌نفری چند هزار میلیارد مدیون [است]؛ این‌جوری نیست، کمک‌های خیلی‌خیلی کمتری است؛ با یک مختصر کمکی، با دست گذاشتن پشت این‌ها و حرکت دادن به جلو، به این‌ها کمک می‌شود» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۷/۰٦/۱۷).

- مسئله نوشت‌افزار و جایگاه آن در فرهنگ‌سازی و هویت‌سازی دانش‌آموزان به‌قدری هست که آیت‌الله خامنه‌ای از آن به‌عنوان یک کالای حیاتی یاد می‌کنند. «نوشت‌افزار، در شمار کالاهای حیاتی برای امروز و فردای هر کشور است. تولید باکیفیت آن نیز برای کشور تولیدکننده، مایه افتخار است. از این‌که مجموعه‌هایی در کشور ما بر این اقدام افتخارآفرین همت گماشته و گام‌های موفقیت‌آمیز برداشته‌اند، خرسندم و پایداری آنان در این راه را از خداوند متعال مسألت می‌کنم» (خامنه‌ای، پیام: ۱٤۰۰/۱۱/۲٤).
- «با سلام ره‌آورد تلاش و همت شما در تهیه نوشت‌افزار ایرانی، بار دیگر موجب خرسندی و سپاس از دست‌اندرکاران شد. راه مبارکی است، با قوت ادامه دهید، با توفیق الهی» (خامنه‌ای، پیام: ۱٤۰۱/۰۸/۱۲).

٤. افق پیش روی و چالش‌ها

صنعت نوشت‌افزار در ایران با همه دستاوردها و رشد قابل‌توجهی که داشته است، همچنان مسیر زیادی تا رسیدن به قله مدنظر دارد. ما همچنان در تلاشیم تا میزان تولید و محتوای سالم در نوشت‌افزار ایرانی افزایش یابد تا بتوان نوشت‌افزار را به‌عنوان محصول سالمی که در زمینه تولید و محتوا کاملاً بومی‌شده است معرفی

نماییم. همچنین با حمایت‌های قانونی و تسهیلی دولت و دستگاه‌های مسئول، نگاه صادراتی به کشورهای منطقه جزو دغدغه‌های کلیدی فعالین صنعت است.

اگر بخواهیم به اصلی‌ترین چالش‌های پیش روی اشاره کنیم می‌توان موارد زیر را برشمرد (دفتر مطالعات آموزش و فرهنگ مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۳):

۱. خلأ جدی در نظام آماری و گردش اطلاعات و مدیریت دانش
۲. سیاست‌ها و تصمیمات ناگهانی و غیرکارشناسانه
۳. نابسندگی حلقه‌های پیشینی محصولات شخصیت‌محور بومی
٤. شکل نگرفتن زنجیره پایدار تولید و مصرف محتوا در بازارپردازی فرهنگی
۵. کاستی‌های مربوط به آموزش و به‌کارگیری نیروی انسانی
٦. سازوکارهای نامناسب و غیرهدفمند تأمین مالی و مالیات استانی
۷. ممنوعیت‌های وارداتی، محدودیت‌های صادراتی و قاچاق

فهرست منابع

-اسناد مجمع فعالین نوشت‌افزار ایرانی اسلامی،چاپ اول،
-سند راهبردی صنعت نوشت‌افزار
-سایت www.khamenei.ir
-مجمع فعالین نوشت‌افزار ایرانی اسلامی، تحلیل ده‌ساله صنعت نوشت‌افزار.
-جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی، (۱٤۰۰) هفته‌نامه حلقه وصل، سال نهم شماره ۹۵.
-دفتر مطالعات آموزش و فرهنگ مرکز پژوهش‌های مجلس، (۱٤۰۳) رونق نوشت‌افزار ایرانی؛ واکاوی مسائل و راهکارهای تقنینی، مسلسل ۲۰۱۵۲، ۳۷ -٤۰.

تبیین الگوی بسیج کمک‌های مردمی در دفاع مقدس مبتنی بر مفهوم‌سازی جریان حلقه‌های میانی

صادق حسنی مقدم[1] علی رضایی مقدم[2] رسول نوروزی کاخکی[3] حسین بازرگانی[4]

چکیده

در سال‌های اولیه تولد انقلاب اسلامی تاکنون که شاید بتوان ادعا نمود نقطه اوج و بلوغ نقش‌آفرینی مجموعه‌های مردمی در دفاع مقدس بروز و ظهور یافته، دوران پس از جنگ تحمیلی نیز نقش آن‌ها پررنگ‌تر شده است و چه بسا هر چند واژه‌ی «حلقه‌های میانی» برای اولین بار در کلام آیت‌الله خامنه‌ای مطرح گردید، اما تولید مفهومی نظریه‌ی حلقه‌های میانی، ماحصل ورود گسترده‌ی مجموعه‌های مردمی در زمان دفاع مقدس به مسئله‌ی اساسی کشور، یعنی جنگ تحمیلی بوده است. لذا هدف اصلی این پژوهش ساختاردهی مفهومی به جریان حلقه‌های میانی مبتنی بر تجربیات دفاع مقدس در زمینه‌ی جذب و هدایت کمک‌های مردمی است. بدین منظور از طریق مصاحبه با ۷ نفر از افراد صاحب تجربه (٤ نفر خبره و ۳ نفر به‌عنوان ممیز) و همچنین بررسی اسناد مربوطه و با توجه به مفاهیم حلقه‌های میانی داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار اطلس کدگذاری و دسته‌بندی شدند. در پایان داده‌های حاصل از مصاحبه و متون اسناد در شش دسته شامل ۱- امامان جماعت و جمعه ۲- دانشجویان و دانش‌آموزان ۳- اصناف و بازاریان ٤- بانوان ۵- روحانیون و طلاب ٦- هنرمندان جایگذاری شدند و در ادامه به‌منظور ترسیم مدل حرکتی به ابعاد مربوط به ارزش‌های حاکم بر گروه‌های مردمی، رسانه و تبلیغات، آموزش و توانمندسازی نیز پرداخته شد که در قالب مدل پیشنهادی ترسیم گردید و در پایان نیز پیشنهادهایی ارائه شد.

واژگان کلیدی: حلقه‌های میانی، جذب و هدایت، کمک‌های مردمی، دفاع مقدس.

---

[1] دکترای مدیریت صنعتی، استاد مدعو دانشگاه فردوسی مشهد، نویسنده مسئول

[2] دکترای برنامه‌ریزی شهری، عضو هیئت‌علمی دانشگاه فردوسی مشهد

[3] دانشجوی دکتری مدیریت دولتی گرایش منابع انسانی دانشگاه فردوسی مشهد

[4] دکتری مدیریت صنعتی، عضو هیئت‌علمی دانشگاه جامع امام حسین (ع)

۱- بیان مسئله

هدف از حکومت در منطق انقلاب اسلامی، رشد دادن انسان‌هاست تا زمینه بروز و شکوفایی استعدادها فراهم آید و این جز در گرو مشارکت فعال و گسترده تمامی عناصر اجتماع در روند تحول جامعه نمی‌تواند باشد. با توجه به این هدف، قانون اساسی زمینه چنین مشارکتی را در تمام مراحل تصمیم‌گیری‌های سرنوشت‌ساز برای همه افراد اجتماع فراهم می‌سازد (شیخی، ۱٤۰۲). این حضور مؤثر مردم، ریشه در ذات انقلاب نیز دارد و در تحقق اهداف، حفظ اصول و مقابله با مخاطرات پیش روی هر انقلابی بسیار تأثیرگذار است (اخوان نیلچی، ۱٤۰۳). چرا که تجربه نشان داده در بحران‌هایی که یک نظام با آن مواجه می‌شود، در کنار تدابیر و ظرفیت‌های قانونی دولتمردان، ساماندهی و استفاده از ظرفیت‌ها و فعالیت‌های داوطلبانه‌ی گروه‌های مردم‌نهاد و با نیت الهی و خداپسندانه است که به کمک دولت‌ها می‌آید و کشور را از شرایط سخت عبور می‌دهد. بحران‌هایی از قبیل جنگ تحمیلی، حوادث طبیعی مانند سیل، زلزله و در سال‌های اخیر مبارزه با بیماری همه‌گیری کرونا، مصداق‌هایی عینی از این موضوع در کشور ما است.

در این رابطه یکی از مهم‌ترین مسائلی که نظام جمهوری اسلامی با آن مواجه شد، مسئله‌ی دفاع مقدس و به عبارتی جنگ تحمیلی بود که به‌جرئت می‌توان ادعا نمود که نظام نوپای اسلامی آن زمان، به کمک مردم توانست بر این بحران فائق آید. آن‌گونه که آیت‌الله خامنه‌ای در سخنانی می‌فرمایند: «جنگ به‌وسیله‌ی مردم اداره شد. هم ارتش و هم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و هم نیروهای گوناگون، متکی به مردم بودند؛ به ایمان مردم، به عشق مردم، به صفای مردم. از خط مقدم تا همه‌ی صفوف عملیاتی تا پشت جبهه و پشتیبانی، مردم با صفا و صداقتی مثال‌زدنی و فراموش‌نشدنی، برای فداکاری آمادگی داشتند» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۰/۰۷/۲۰).

از سوی دیگر در نظام اسلامی مبتنی بر رابطه‌ی امام و امت، جریان‌های مردمی امت‌ساز نیز نقش کلیدی در حکمرانی اسلامی داشته‌اند و تا جای ممکن می‌بایست

برای حل مسائل اساسی سراغ مردمی‌سازی رفت. امروزه در پیمودن گام دوم انقلاب و بر اساس منطق کلام امامین انقلاب و همچنین تجربه‌ی گران‌بهای موفقیت‌های گام اول به‌ویژه در اوایل انقلاب و اوج آن در دفاع مقدس، تحول اساسی در ساختارهای دیوان‌سالاری ناکارآمد به جا مانده از دوران گذشته ضروری به نظر می‌رسد و بایستی از تجربیات ارزشمند گذشته استفاده نمود. نقطه کانونی این تحول، نظریه حلقه‌های میانی است که رهبر انقلاب برای اولین بار در جمع دانشجویان در ماه مبارک رمضان ۹۸ فرمودند و تأکید داشتند «راه‌اندازی چنین جریان مردمی نه کار رهبری است و نه کار دولت بلکه کار جوانان است». باید یک جریان مردم پایه خودجوشی در همه زمینه‌های مرتبط با پیشرفت کشور شکل بگیرد که بتوانند سلول گام دوم را شکل بدهند. این سلول «حلقه میانی» خوانده می‌شود. جریان حلقه‌های میانی، بین حاکمیت و مردم نقش‌آفرینی خواهند کرد. فلذا توجه به شرایط متحول جهانی و تهدیدهایی که برای نقش‌آفرینی مردم در عرصه‌های مختلف انقلاب وجود دارد، استحکام‌بخشی به پیکره جامعه اسلامی نیاز به توجه جدی به حلقه‌های میانی به‌عنوان پیشران اصلی آینده وجود دارد.

همان‌طور که قبلاً اشاره گردید، در سال‌های اولیه تولد انقلاب اسلامی تاکنون که شاید بتوان ادعا نمود نقطه اوج و بلوغ نقش‌آفرینی مجموعه‌های مردمی در دفاع مقدس بروز و ظهور یافته، دوران پس از جنگ تحمیلی نیز نقش آن‌ها پررنگ‌تر شده است و چه بسا هر چند واژه‌ی «حلقه‌های میانی» برای اولین بار در کلام آیت‌الله خامنه‌ای مطرح گردید، اما تولید مفهومی نظریه‌ی حلقه‌های میانی، ماحصل ورود گسترده‌ی مجموعه‌های مردمی در زمان دفاع مقدس به مسئله‌ی اساسی کشور، یعنی جنگ تحمیلی بوده است؛ یعنی ظرفیت بالقوه‌ای که همواره از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون در متن مردم و در قالب بسیج عمومی مردمی و سایر تشکیلات انقلابی وجود داشته و امروز به بارورترین نقطه خود رسیده است. به‌گونه‌ای که می‌توان این نظریه

را سرفصل جدیدی در عرصه‌ی حکمرانی انقلاب اسلامی دانست و جریان حلقه-های میانی را به‌عنوان یک رکن از بازیگران اصلی تلقی نمود (ربیعی و سیاوشی، ۱٤۰۲).

اهمیت و ضرورت نگارش این مقاله‌ی پژوهشی به چندین دلیل قابل تأکید است. اولاً، مطالعه و مستندسازی نقش حلقه‌های میانی در دوران دفاع مقدس و به‌نوعی مفهوم‌سازی آن می‌تواند الگوهای ارزشمندی برای مواجهه با بحران‌های مشابه در آینده به ارمغان بیاورد. ثانیاً، با توجه به کمرنگ شدن حافظه تاریخی و انتقال ناقص این تجربیات به نسل‌های جوان، بازخوانی و بررسی علمی این موضوع امری ضروری به نظر می‌رسد. علاوه بر این، درک دقیق نقش گروه‌های مردمی در دفاع مقدس می‌تواند برای سازمان‌های مردم‌نهاد، ارگان‌های دولتی و دیگر نهادهای مرتبط با بحران‌های انسانی و اجتماعی امروز نیز آموزنده باشد؛ بنابراین در این پژوهش با هدف مستندسازی و حفظ این تجربه‌های ارزنده به تحریر درآمده است و از طریق مطالعه اسناد و مدارک موجود و همچنین تحلیل مضمون متون مصاحبه با خبرگان، سعی شده است تصویری نزدیک و واقعی از نقش‌آفرینی حلقه‌های میانی در دوران دفاع مقدس ارائه شود که جنبه‌ای از نوآوری تحقیق نیز تلقی می‌شود.

۲- بانی نظری و پیشینه تحقیق

۲,۱. حلقه‌های میانی در تعریف و مفهوم

هر کشوری در مسیر پیشرفت و توسعه خویش و حرکت در مسیر حکمرانی مطلوب و خوب نیازمند توجه به نقش مردم و مشارکت بیشتر آن‌هاست. هرچند گفتمان انقلاب اسلامی با تأسی بر منطق دینی وحیانی و عقلی بشری بر این پایه قرار دارد و می‌تواند با اقتدار راه خود را ادامه دهد چرا که این گفتمان در پیوند جامعه مطلوب اسلامی با مشارکت جریان حلقه‌های میانی مردم پایه قدرت ساز است و به‌خوبی نقش مشارکت مردم در مسیر پیشرفت و رسیدن به اهداف را درک نموده است و ادامه مسیر در رسیدن

به جامعه مطلوب اسلامی و تمدن نوین اسلامی را در گرو نقش‌آفرینی مردم می‌داند (اخوان نیلچی، ۱٤۰۳).

از سوی دیگر نظام انقلابی، فراتر از ساختارها و سازوکارهای متعارف و موجود، متکی به جوشش انقلابی، کنش‌های جهادی و پویایی‌های فراساختاری است که تحقق این مهم به عهده حلقه‌های میانی است و این حلقه‌ها می‌توانند این جوشش و پویایی تعالی‌بخش را در فضای اجتماعی ضریب دهند. حلقه‌های میانی ضمن حضور میدانی و اقدام به گره‌گشایی و حل مسائل و مشکلاتی که ساختارهای کنونی از حل آن عاجزند، با آرمان‌خواهی، مطالبه‌گری و بسیج اجتماعی، نقشی مؤثر در تحول‌آفرینی و تحرک‌بخشی به نهادها و ساختارهای مستقر و بازسازی انقلابی آن‌ها دارند (برگرفته از سایت نهاد نمایندگی آیت‌الله خامنه‌ای در دانشگاه‌ها، ۱٤۰۲).

همان‌طور که پیش از این اشاره شد، واژه‌سازی «حلقه‌های میانی» برای اولین بار توسط آیت‌الله خامنه‌ای در تاریخ اول خرداد ۱۳۹۸ در دیدار جمعی از فعالان گروه‌های جهادی صورت پذیرفت. آیت‌الله خامنه‌ای در این دیدار به ترسیم بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی پرداخته و خاطرنشان کردند که جامعه نیازمند یک حرکت عمومی به‌سوی گام دوم انقلاب اسلامی است و جوان‌های متعهد را محور این حرکت معرفی می‌نماید. سپس فرایند ورود جوان‌ها به سمت این حرکت عمومی را از طریق راه‌اندازی جریان حلقه‌های میانی ترسیم می‌کنند. ایشان می‌فرمایند: برای رسیدن به راهکارهای عملی «احتیاج به هدایت، تمرکز، پیگیری، فعالیت پی‌درپی و لحظه‌به‌لحظه برای اینکه بتواند این کاروان عظیم جامعه را و مهم‌تر از همه جوان‌های جامعه را به پیش ببرد»، دارد که این مهم را مأموریت اصلی حلقه‌های میانی می‌دانند. حلقه‌ی میانی گروهی از افراد با هویت جمعی مستقل بدون وابستگی مالی به حاکمیت است که با بسترسازی ایفای نقش فعالانه مردم و به کارگیری ظرفیت بازیگران عرصه حاکمیت، به حل مسائل عرصه‌های تخصصی چهارگانه می‌پردازد. این امر با فعالیت‌های روشمند مبتنی بر برنامه بلندمدت و مستمر، در چارچوب

اصول پیشرفت انقلاب اسلامی مبتنی بر نگاه امامین انقلاب صورت می‌گیرد (میراسماعیلی، ۱٤۰۲). در تعریف دیگری حلقه‌های میانی مجموعه‌هایی هستند که واجد ذهنی فعال و زبانی گویا و دارای تمرکز، پیگیری، فعالیت پی در پی و لحظه به لحظه، برای ایجاد برنامه‌ی عملیاتی و پیدا کردن و ارائه‌ی راهکار و همچنین به‌عنوان هادی و پیشران ملت در حرکت عمومی به سمت تمدن‌سازی اسلامی ایفای نقش می‌کنند. درواقع این حلقه‌ها حد واسط بین ملت و حاکمیت هستند (مجیدی و سبزی، ۱٤۰۰).

بر مبنای تعریف‌های ذکر شده، منظور از حلقه‌های میانی در این پژوهش عبارت‌اند از گروه‌ها و نهادهای مردمی و داوطلبانه‌ای که در زمان دفاع مقدس و مبتنی بر مسئله‌ی اصلی کشور یعنی پشتیبانی مردمی از جنگ بود، در محله‌های شهری به‌منظور بسیج مردمی شکل بگیرند، به‌طوری‌که این گروه‌ها توانستند در اقناع‌سازی سایر اقشار جامعه به‌عنوان یک موتور پیشران، پشتوانه‌ای قوی برای نظام اسلامی در مدیریت بحران جنگ تحمیلی نقشی مؤثر را ایفا نمایند.

۲,۲. بسیج عمومی

بسیج به معنای سامان دادن، آماده کردن نیروی نظامی و تمامیِ ساز و برگ جنگ آمده است (فرهنگ عمید فارسی، ۱۳۷۵: ۲٦۹) و بسیجِ عمومی به آماده کردن نیروهای داوطلب مردمی به‌صورت سازمان‌یافته در جهت حضور در عرصه‌های نظامی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی گفته می‌شود (خانی، ۱۳۸۰). در کلام نورانی امام‌خمینی(ره) بسیج عمومی در معنای همکاری و همیاری برای ساختن کشور به‌کار رفته است (صحیفه امام خمینی (ره)).

بسیج عمومی یکی از مهم‌ترین اشکال کنش جمعی در چند دهه اخیر بشمار می‌آید و رهبران نهضت‌های اجتماعی همواره درصدد بسیج اجتماعی در راستای اهداف آرمان‌گرایانه‌ی خود بوده‌اند (حشمت زاده و نوذری، ۱۳۹۲) که ازجمله این بسیج‌های عمومی را می‌توان به بسیج عمومی مردم در دفاع مقدس اشاره نمود که

نقش مهمی در بازدارندگی همه‌جانبه دفاعی انقلاب اسلامی داشته و دارد. به‌نحوی‌که از طریق فراگیر کردن فرهنگ بسیجی، نقش ویژه‌ای در ارتقای توان بازدارندگی همه‌جانبه دفاعی کشور در مقابل تهدیدات ناهمتراز ایفا نموده است (رشید و کریمی، ۱۳۹۱).

۲,۳. پیشینه پژوهش

هر چند به‌صورت مستقیم در تحقیقات انجام شده به موضوع این پژوهش نپرداخته است، اما تحقیقات مشابه اندکی صورت گرفته که در ادامه اشاره می‌شود:

ربیعی و سیاوشی (۱٤۰۲) در پژوهش خود با عنوان «صورت‌بندی مفهومی حلقه‌های میانی مبتنی بر تجربه جمهوری اسلامی ایران» با استفاده از تجربیات متراکم جمهوری اسلامی ایران، نظریه جریان حلقه‌های میانی را به‌عنوان یک راهکار نقش‌آفرینی مردم در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، ساختاردهی مفهومی نمودند. پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی بود. گردآوری داده‌ها به‌صورت کتابخانه‌ای و مصاحبه‌ای انجام گرفت و برای تحلیل داده‌های کیفی نیز از روش تحلیل مضمون استفاده شد. نتایج حاصل از تحقیق حاضر نشان می‌دهد، جریان حلقه‌های میانی، دارای اصالتی دیرینه در تجارب متراکم جمهوری اسلامی ایران و عاملی مهم در ایجاد حرکت عمومی در مسیر دولت‌سازی ست و بارزترین مصادیق آن‌ها بسیج مردمی، مساجد و هیئت‌ها، گروه‌های جهادی، تشکل‌های دانشجویی و ... می‌باشند.

تحقیقی که توسط مجیدی و سبزی کریم‌آبادی (۱٤۰۰) با موضوع «جایگاه حلقه‌های میانی در حکمرانی تشکیلاتی و نقش آن در تمدن‌سازی، با نگاهی به مقوله تحزب» صورت گرفت، الگویی تحت عنوان جریان حلقه‌های میانی پیشنهاد گردید که می‌تواند در یک فرایندی کارشناسی شده، از تمهید زیرساخت‌ها گرفته تا آموزش و کادرسازی در سطوح خرد و میانی و کلان ظرفیت‌های مردمی مخصوصاً نسل جوان را بکار گیرد و حلقه‌ی وصل توده‌های مردم و حاکمیت باشد. لذا در این تحقیق مفهوم حلقه‌های میانی در یک سامانه‌ی مفهومی جانمایی شده است. در همین

چارچوب، با رویکردی آسیب شناسانه، مقوله تحزب و ظرفیت‌های آن به‌مثابه‌ی یکی از مصادیق حلقه‌های میانی مطرح شده است.

در تحقیق آقامحسنی فشمی و همکاران (۱۳۹۷) با هدف تبیین راهبردهای بازاریابی اجتماعی در بسیج نیروهای مردمی در دوران دفاع مقدس صورت گرفت. مدل تحقیق با استفاده از روش داده بنیاد و از طریق تحلیل کیفی متون مصاحبه با رزمندگان و سایر منابع تدوین گردید. بنا بر نتایج تحقیق، ارکان بسیج عمومی شامل ایدئولوژی، رهبری، مشارکت مردمی و سازماندهی است. راهبردهای بازاریابی اجتماعی که در دوران دفاع مقدس برای بسیج عمومی استفاده شده‌اند، عبارت‌اند از: راهبرد ایده‌پردازی حضور مشتاقانه در جبهه‌ها، راهبرد قیمت‌گذاری ارزشی (تأکید بر ارزش مجاهدت و شهادت)، راهبرد تبلیغات سینه به سینه و حماسی و راهبرد توزیع گسترده پایگاه‌های بسیج در سرتاسر کشور. پیاده‌سازی موفق این راهبردها دستاوردهایی همچون ارتقای توانمندی‌های نظامی امنیتی، نهادینه شدن ارزش‌های اسلامی، نهادینه شدن انضباط اقتصادی و ارتقاء ثبات سیاسی نظام به دنبال داشته است.

در تحقیق رشید و کریمی (۱۳۹۱)، به بررسی تأثیر توان بسیج مردمی بر بازدارندگی همه‌جانبه دفاعی ج.ا.ا پرداخته و عوامل و شاخص‌های مرتبط با آن را ارائه می‌نماید. به‌منظور دستیابی به این هدف، پس از مرور ادبیات موضوع، عوامل و شاخص‌های مربوط استخراج و چارچوب مفهومی مطالعه طراحی گردید و با انتخاب نمونه از جامعه آماری شامل اساتید و دانشجویان دانشگاه عالی دفاع ملی و فارغ‌التحصیلان شاغل در برخی سازمان‌های نیروهای مسلح، به گردآوری اطلاعات، تجزیه‌وتحلیل داده‌ها و آزمون فرضیات پرداخته شد. در مرحله تحقیق، ابتدا به روش کیفی، عناصر مرتبط در بازدارندگی همه‌جانبه دفاعی ج.ا.ا مورد بررسی قرار گرفت و سپس در مرحله کمی با رجوع به جامعه نمونه میزان تأثیر عوامل احصا شده بر الگوی مذکور مورد ارزیابی واقع شد. نتایج نشان داد که سه عامل؛ آمادگی اعتقادی بسیج، آمادگی

رزمی بسیج و فراگیر سازی (توسعه) بسیج مردمی نقش ویژه‌ای در ارتقای توان بازدارندگی همه‌جانبه دفاعی ج.ا.ا در مقابل تهدید ناهمتراز دارند.

پژوهشی توسط نیارنگا[۱] و همکارانش (۲۰۲۱) با هدف بررسی نقش مشارکت عمومی مردم در حکمرانی در کشور کنیا انجام گرفت. در این تحقیق اشاره شده است که مشارکت عمومی مردم با هدف بهبود اثربخشی حکمرانی در تدوین سیاست‌های حاکمیتی و فرآیندهای تصمیم‌گیری و پاسخگویی و اثربخشی هر دولت ضروری به نظر می‌رسد. داده‌های این تحقیق از طریق پرسشنامه با نمونه آماری ۱۹۸۳ شهروند جمع‌آوری شد. محققان به این نتیجه رسیدند هر چند کشور کنیا به‌طور قانونی مشارکت عمومی در فعالیت‌های روزانه دولت را پذیرفته است، اما هنوز این دولت، با چالش‌هایی در این زمینه مواجه بوده است. نتایج نشان می‌دهد که مشارکت ضعیف مردم با عملکرد حاکمیت ارتباط دارد و ازاین‌رو توسعه پایدار را با مشکل مواجه می‌کند. ازلحاظ نظری هم محققان ادعا می‌کنند که مشارکت عمومی بر کارایی و توسعه حکمرانی، به‌طور مستقیم و به‌طور غیرمستقیم اثرگذار است، بنابراین سیاست توسعه پایدار و اجرای آن به مشارکت عمومی مردم در کشور بستگی دارد که دولت کنیا در ایجاد ساختارهایی که مشارکت شهروندان را در سیاست تشویق کند شکست خورده است که درنهایت باعث ایجاد اولویت‌بندی اشتباه، سوءاستفاده از منابع عمومی؛ دخالت مقامات دولتی و طبقات سیاسی و درنهایت افکار عمومی و تأثیرات ورودی‌ها بر تصمیم‌گیری و تدوین سیاست را محدود کرده است.

سایدرو رحمان و فرهت تسنیم[۲] (۲۰۲۳) در تحقیق خود، نقش گروه‌های مردمی کشور بنگلادش را در حکمرانی محلی مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها با پیمایشی که از گروه‌های مختلف شامل نمایندگان گروه‌های مردمی، مقامات دولتی، نخبگان

---

۱. Nyarangaa

۲. Saidur Rahman, Farhat Tasnim

محلی و عموم شهروندان از طریق پرسشنامه و مصاحبه داشتند، به این نتیجه رسیدند که هر چند در حوزه‌ی مشارکت سیاسی، گروه‌های مردمی هنوز با چالش‌هایی با حاکمیت مواجه هستند اما در زمینه‌های توانمندسازی زنان، مدیریت بلایای طبیعی، حفاظت از محیط زیست و مقابله با بحران کووید ۱۹، گروه‌های مردمی توانسته‌اند به حاکمیت محلی کمک کنند.

۳- روش پژوهش

پژوهش حاضر برحسب نوع داده‌های مورداستفاده، از نوع پژوهش‌های کیفی و با رویکرد تفسیری است؛ چراکه در آن، داده‌های کیفی گردآوری و مورد بهره‌برداری و تفسیر قرار گرفته است. همچنین پژوهش حاضر برحسب نتیجه، کاربردی و برحسب هدف، اکتشافی بوده است. جامعه آماری پژوهش نیز متناسب با روش پژوهش، متشکل از خبرگان و افراد با تجربه و پیشکسوت در امورات مربوط به کمک‌های مردمی در دفاع مقدس بوده است؛ بنابراین داشتن تجربه کاری مرتبط در امر جمع‌آوری و هدایت کمک‌ها به مناطق جنگی یکی از شرط‌های ورود مصاحبه‌شوندگان به پژوهش بوده است. همچنین در این بخش از روش تحلیل مضمون کیفی استفاده شد. این روش به استنباط معنایی خاص از متون و روایات بیان شده در مصاحبه‌ها، از طریق طبقه‌بندی کلمات و پی بردن به شباهت‌ها، افتراق‌ها و روابط بین آن‌ها توجه دارد.

تحلیل مضمون روشی برای تجزیه‌وتحلیل داده‌های کیفی است که شامل شناسایی و گزارش‌گیری از داده‌های اولیه در یک مجموعه داده است که سپس این مجموعه داده، معانی ذاتی آنان مورد تفسیر قرار می‌گیرد (محمدنعیم[۱]، ۲۰۲۳). این روش معمولاً با دو رویکرد استقرایی و قیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرد که تحلیل متون اسناد و مصاحبه‌ها با رویکرد استقرایی که در این مطالعه استفاده شده است، بیشتر

۱. Naeem

به دنبال تقلیل اطلاعات و ارائه توصیفی دقیق پیرامون یک موضوع است و هدف از به‌کارگیری آن، کمک به پدید آمدن یافته‌های تحقیق از طریق توجه به مضامین مسلط و متداول در داده‌هاست (مسجدی و همکاران، ۱٤۰۰).

تحلیل مضمون برخلاف دیگر روش‌های پژوهش کیفی مانند پدیدارشناسی تفسیری، نظریه داده بنیاد، تحلیل گفتمان و تحلیل محتوا، به چارچوب نظری که از قبل وجود داشته باشد، وابسته نیست. لذا از آن می‌توان در اکثر چارچوب‌های نظری متفاوتی استفاده نمود و همچنین می‌توان از آن برای کارهای مختلف بهره گرفت (موسوی داودی و همکاران، ۱۳۹۵). واحد تحلیل در روش تحلیل مضمون برخلاف روش تحلیل محتوا که بیشتر بر سطوح خردتر تمرکز دارد، به بافت داده‌ها و نکات ظریف آن‌ها بیشتر توجه می‌کند. همچنین تحلیل مضمون از شمارش کلمات و عبارات آشکار فراتر می‌رود و بر شناخت و توضیح افکار صریح و ضمنی تمرکز می‌کند، سپس از شناسه‌های مضمون‌های اصلی برای تحلیل عمیق‌تر داده‌ها استفاده می‌شود (درخشه و همکاران، ۱۳۹٤).

در این پژوهش به تعداد ۷ نفر از افراد خبره تا زمان اشباع نظری مصاحبه به عمل آمد و حدود ۷۰ سند از مستندات دفاع مقدس مورد بررسی و تحلیل محتوا قرار گرفت و با استفاده از نرم‌افزار Atlas.ti داده‌ها کدبندی و دسته‌بندی گردیدند.

٤- نتایج و بحث

در این پژوهش پس از مصاحبه‌های انجام شده و بررسی اسناد مربوطه، این نتیجه حاصل شد که در زمان دفاع مقدس مجموعه‌هایی که تلاش نمودند به‌عنوان یک حلقه‌ی واسط بین حاکمیت و مردم (به‌صورت خودجوش) نقش ایفا کنند و به مسئله‌ی جنگ تحمیلی ورود پیدا کنند و نقش‌آفرینی کنند را می‌توان مصادیقی از حلقه‌های میانی دانست. لذا در این بخش ابتدا موارد و مصادیقی از گروه‌های مردمی که به مفهوم حلقه‌های میانی نزدیک‌تر هستند ذکر خواهد شد و در ادامه مدل جریان حرکتی آن‌ها تشریح خواهد گردید.

۱-٤. مصادیق حلقه‌های میانی در بسیج کمک‌های مردمی دفاع مقدس

ائمه جماعات و امامان جمعه

در موضوع نقش حلقه‌های میانی، به‌طورکلی از امامان جماعت و جمعه انتظار می‌رود که هم سخنان رهبران و امامین انقلاب را به‌درستی تلقی کنند و همان سخنان را در جامعه به‌خوبی انتشار دهند؛ یعنی حلقه‌ی واسطی که دریافت‌کننده و ارائه‌کننده محتوا و به‌نوعی حرکت‌دهنده‌ی عموم جامعه و ارتباط نزدیک‌تر و مستقیمی که با آن جامعه دارد در حلقه‌ی میانی امامان جماعت و جمعه اتفاق می‌افتد[۱]. حجت‌الاسلام پناهیان در سخنان خود پیرامون نقش مهم امامان محله در زمینه‌ی نقش امامان جماعت در فعال‌سازی حلقه‌های میانی عنوان می‌کنند: «امام جماعت وظیفه دارد که از استعداد مردم استفاده کند، این ظرفیت‌ها را فعال کند و به صحنه بیاورد؛ به‌عنوان‌مثال برای حل مشکل اقتصادی و معیشت مردم تعاونی تشکیل دهد و مردم را در کارهای اقتصادی باهم متحد کند. «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیته» باید به‌عنوان یک اصل مهم تلقی بشود[۲]».

در زمان هشت سال دفاع مقدس، مساجد و مصلاهای نماز جمعه با محوریت امامان جماعت و جمعه محلی برای شبکه‌سازی مردم و خیرین محسوب می‌شد.

به‌عنوان‌مثال یکی از خبره‌ها دراین‌باره، این‌گونه روایت کرده است:

«از روز اول جنگ کمک‌های مردمی وجود داشت و در هر استان مسئول رسیدگی داشت و این کار توسط بزرگ‌ترین شخصیت همان استان یعنی نماینده ولی‌فقیه در استان انجام می‌شد که هر کدام برای مردم شخصیت بزرگی بودند؛ لذا این افراد به دنبال نشر اندیشه حضرت امام (ره) درباره‌ی اهمیت مشارکت مردم در اداره جنگ،

---

۱. https://bonyadehedayat.com/hojat-eslsm-rostami/

۲. به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی ستاد هماهنگی کانون‌های فرهنگی هنری مساجد

این کار را انجام دادند. نماینده امام (ره) در مرکز شهر، امام‌جمعه آن شهر بود. در شهرستان‌ها نیز همچنان امام‌جمعه‌ها نماینده این کار بودند».

خبره‌ای دیگر این‌گونه روایت می‌کند:

«مساجد، هیئت‌ها و حسینیه‌ها جزء بازیگران اصلی در مجموعه‌های مربوط به جذب و هدایت کمک‌های مردمی تلقی می‌شدند. اصل بر این بوده که ائمه جمعه در نماز جمعه مسائل را مطرح می‌کردند. امام جماعت می‌رفت در مساجد تبلیغ می‌کرد. از طرفی افراد فرهنگی و مرتبط با مسجد محلات و روستاها در ادارات و کارخانه‌ها تبلیغ می‌کردند و همه با هم می‌آمدند پای‌کار. کافی بود نیاز به نیروی انسانی اعلام می‌شد. آن‌قدر نیرو می‌آمد که اگر جنگ پنجاه سال هم طول می‌کشید باز هر روز قوی‌تر از روز قبل بودیم».

تشکل‌های دانشجویی و دانش‌آموزی

یکی از حوزه‌های تأثیرگذار در دوران هشت سال دفاع مقدس، دانشگاه و نقش‌آفرینی و بالندگی عنصر دانشجو بوده است و برخورداری نیروهای رزمنده از چنین پشتوانه‌ای آثار و برکات زیادی در نحوه پیشبرد و مدیریت جنگ داشته است. دانشجویان نقش بسیار فعال و چشمگیری در دوران ۸ سال دفاع مقدس داشتند و فرماندهی جنگ را بر عهده گرفته بودند و حضور مؤثر جوانان در سطوح بالای فرماندهی دفاع مقدس نشان از تأثیر چشم‌گیر نخبگان در جنگ تحمیلی دارد. در دوران دفاع مقدس، بسیاری از نخبگان دانشگاهی و تحصیل‌کردگان برجسته برای دفاع از میهن به جبهه‌ها پیوستند و برخی از آنان به شهادت رسیدند. این نخبگان علاوه بر تخصص علمی خود، نقش مهمی در فرماندهی و مدیریت جنگ داشتند.

اگر تأملی در وصیت‌نامه‌های شهدای دانشجو و دانشگاه‌ها و تعابیری که آنان در مورد حمایت از انقلاب و رهبری و نیز اعتقاد راسخ آنان به راهی که در پیش گرفته بودند صورت پذیرد، این‌گونه می‌توان استدلال نمود که انتخاب آنان انتخابی تصادفی و از روی غلبه احساسات نبوده است. چگونه می‌شود تصور داشت فردی که برای

حل یک مسئله علمی و درسی ساعت‌ها وقت خود را مصروف می‌دارد و رنج ساعت‌ها مطالعه و تحقیق را به جان می‌خرد و خود را به محیط علم و دانشگاه می‌رساند و بهترین آرزویش نیز این است که پس از فراغت از تحصیل به جایگاه مهم اجتماعی دست یابد، ناخودآگاه بی‌اراده ارزشمندترین سرمایه خود یعنی جانش را به میدان بیاورد و همه آرزوهای خود را بدون تفکر و تحقیق رها سازد.

دانش‌آموزان نیز در دوران دفاع مقدس نقش بسیار مهمی در حمایت از جبهه‌ها و دفاع از میهن ایفا کردند. این مشارکت هم به‌صورت مستقیم و هم غیرمستقیم بود و شامل کمک‌های مالی، فکری و حتی حضور در میدان‌های نبرد می‌شد. برخی از مهم‌ترین نقش‌های دانش‌آموزان در این دوران عبارت بودند از حضور در جبهه‌ها، برگزاری برنامه‌ها و فعالیت‌های جمع‌آوری کمک‌های مالی و غیرمالی، برگزاری نمایشگاه‌ها، سرودها و مراسم بزرگداشت شهدا در مدارس و محافل عمومی، اهدای قلک و نامه و نقاشی و شعر برای تقویت روحیه رزمندگان.

همچنین با واگذاری مسئولیت بسیج به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران اسلامی، پایگاه‌های مقاومت بسیج در مدارس نیز همچون دیگر اقشار بسیج برای جذب، آموزش و اعزام دانش‌آموزان واجد شرایط به جبهه‌های جنگ حق علیه باطل فعال شدند که در این میان نقش معلمان و فرهنگیان بسیجی ستودنی است.

اصناف و بازاریان

اصناف و بازاریان را نیز می‌توان به‌عنوان جریان حلقه‌های میانی در نظر گرفت. امروزه با توجه به شرایط حاکم بر کشور و تحریم‌های ظالمانه، مهم‌ترین راهکاری که اصناف و بازاریان می‌توانند در آن نقش‌آفرین باشند، تقویت و حمایت از رونق تولید و در راستای تحقق گام دوم انقلاب است. تجربیات سال‌های اخیر نشان داده که بیشترین کمک‌های نقدی و غیرنقدی را به مردم استان‌های زلزله زده و سیل‌زده در سال‌های اخیر اصناف و بازاریان داشته‌اند (حیدری شلمانی، ۱۳۹۸)؛ بنابراین

ساماندهی و آزادسازی ظرفیت‌های اصناف و بازاریان در حل مسائل اصلی نظام می‌تواند مصداقی از جریان حلقه‌های میانی دانست.

خانواده بزرگ اصناف در طول سال‌های دفاع مقدس با پیروی از الگوی فرهنگ اسلامی و رعایت انصاف و پایبندی به قانون، کالاهای ملی و بومی تهیه و تولید می‌کردند و با ارتقای فرهنگ مشارکت عمومی، مردم را به‌جای استفاده از کالاهای غیرضروری خارجی به مصرف کالاهای بومی تشویق می‌کردند. آن‌ها توانستند با تحمل ریاضت اقتصادی تحریم‌های خارجی را تا حد امکان بی‌اثر کنند (پناهی و رحمانی، ۱٤۰۲). حمایت‌های مؤثر و مداوم اصناف از رزمندگان و کمک‌رسانی آن‌ها به جبهه‌های جنگ با اعزام کاروان‌های تدارکاتی و فنی و حضور آن‌ها در میادین نبرد سبب شد که بنیان‌گذار انقلاب اسلامی بازاریان و اصناف را (بازوان ستبر انقلاب) بنامد (امجدی، ۱۳۹٤).

اصناف و بازاریان در جبهه‌ها در پنج زمینه کلی فعالیت می‌کردند:

۱- عده‌ای از بازاریان به خطوط مقدم می‌رفتند و با دشمن بعثی نبرد می‌کردند. بسیاری از این افراد در این راه به شهادت رسیدند.

۲- برخی در قالب انجمن‌های صنفی از جبهه‌ها پشتیبانی می‌کردند و عده‌ای نیز از نزدیک با رزمندگان در تماس بودند به سنگرهایشان می‌رفتند و به توزیع اقلام موردنیازشان می‌پرداختند یا به آن‌ها خدمات گوناگون می‌دادند.

۳- عده‌ای، پشتیبانی از انبارهای تدارکات پشت جبهه را بر عهده داشتند؛ مثلاً در اهواز، انبارهایی وجود داشت که اصناف کمک‌هایشان را به آنجا می‌فرستادند و سپاه و ارتش آن‌ها را توزیع می‌کردند.

٤- بعضی از افراد از صنف‌های گوناگون شهرها بودند که با خودشان یا از طریق نهادهای و سازمان‌های متولی به خانواده‌های آسیب‌دیده از جنگ و ادارات و اماکن بمباران شده کمک‌های نقدی یا غیرنقدی می‌کردند یا به آن‌ها خدمات می‌دادند.

۵- برخی از اصناف در تهران یا شهر خودشان بودند و به جبهه‌ها نمی‌رفتند؛ اما کمک‌های نقدی و غیرنقدی بسیاری به جبهه‌ها ارسال می‌کردند (به نقل از مرکز اسناد دفاع مقدس).

بمباران‌ها و موشک‌باران‌ها خسارت‌های بسیاری به منازل مسکونی و ادارات دولتی وارد می‌کرد. برای جبران این خسارت‌ها نهادها و مراکز گوناگونی به کمک مردم می‌شتافتند. یکی از این نهادها انجمن صنفی مرتبط با خسارات به منازل مردم بود؛ بنابراین در کنار تلاش‌هایی که بازاریان برای تأمین نیازهای جبهه‌ها و رزمندگان و یگان‌های حاضر در خطوط مقدم انجام می‌دادند، در داخل شهرهای بمباران شده نیز اصناف اقداماتی برای کاهش آلام و مشکلات خانواده‌های آسیب‌دیده در بمباران‌ها و موشک‌باران‌ها انجام می‌دادند. این کار حس همبستگی ملی را به‌شدت تقویت می‌کرد و تلاش دشمن برای عملیات روانی و دل‌زدگی مردم از نظام تازه تأسیس جمهوری اسلامی را ناکام می‌گذاشت؛ برای نمونه شورای مرکزی اصناف تهران بخشی از ذخایر منابع مالی اتحادیه‌ها، تعاونی‌های صنفی و انجمن‌های اسلامی بازار و اصناف را برای کمک به مناطق بمباران شده به ستاد پشتیبانی و امداد امام ارسال می‌کرد. این شورا در خصوص هماهنگی و همکاری با اصناف موردنیاز از قبیل صنف شیشه و آینه که پس از بمباران‌ها و اصابت موشک در مناطق آسیب‌دیده به‌شدت به آن‌ها نیاز بود، اقدامات لازم را انجام می‌داد. شورای مرکزی اصناف در تأمین برخی وسایل کمیاب ضروری برای امداد و نجات نیز همکاری‌هایی می‌کرد (گودرزی، ۱۳۹۳).

بانوان

نقش زنان و بانوان در تقویت و جریان‌سازی حلقه‌های میانی نقشی تعیین‌کننده و بی‌بدیل است. بدون تردید در طول دفاع مقدس، هر چند تعداد بانوان رزمنده، بسیار کمتر از مردان مبارز بوده است، ولی حمایت و پشتیبانی در میدان جنگ، تهییج و تشویق مردان به حضور مداوم در جبهه، مراقبت از کودکان و حفظ کانون گرم

خانواده، پرستاری از مجروحان و مداوای زخمی‌ها، قبول مسئولیت و انجام‌وظیفه به‌جای مردان و فراغت ایشان برای شرکت در جنگ، حفظ سنگرهای پشت جبهه و حتی تشکیل، اداره و توسعه نهضت‌های مقاومت و بسیاری موارد دیگری که جزو وظایف بانوان محسوب می‌شد.

خبره‌ای در این رابطه این‌گونه روایت می‌کند:

«در رابطه با خانم‌ها، خودجوش بودن خانم‌ها یک اصل واقعی است. خانم‌ها در یک محله یا کوچه‌ای جمع می‌شدند، مثلاً یک کوچه‌ای سی خانوار داشته و ازاین‌بین دوتا خانم بودند که خیلی دنبال اشتغال بودند که کار انجام بدهند. شروع می‌کردند از همان سی خانوار جمع‌کردن. وقتی دیگ‌های اضافه را جمع می‌کنند، پتوها را جمع می‌کنند و بعد آن نوها را کنار می‌گذارند. حتی از حصیرهایی که زیر فرش‌ها می‌گذاشتند، گونی‌هایی درست می‌کردند که برای زیر سقف سنگرها استفاده می‌شد. ما از این گونی‌ها برای ساخت سنگر استفاده می‌کردیم. من این را به‌وضوح دیدم، این خانم‌ها برای اینکه از خودشان گذشتی داشته باشند، این حصیرها را می‌بافتند. بعد بنا به درخواست بعضی از خانم‌هایی که تیم‌هایی به جهت جمع‌آوری کمک‌های مردمی درست کرده بودند، این حصیرها را با رضایت افراد به آن‌ها می‌دادند و قالی آن‌ها را برای جبهه می‌بردند. این خانم‌ها از هیچ کاری دریغ نمی‌کردند. ما هم به این‌ها هیچ تلقین و راهنمایی نمی‌کردیم، این فکر مال خودشان بوده است. یا اینکه می‌رفتند آجیل می‌خریدند یا اینکه تخم کدو و هندوانه را جمع می‌کردند، خشک و بوداده می‌کردند، سپس بسته‌بندی می‌کردند و به جبهه ارسال می‌کردند. گاهی درون این بسته‌ها یک دل‌نوشته‌ای هم برای رزمنده‌ها می‌گذاشتند. این‌گونه یک کار فرهنگی هم می‌کردند. پس زن خیلی تأثیر داشته است. این خانم‌ها کمک‌های جمع‌آوری شده را به کمک‌رسانی می‌رساندند و آن‌ها بسته‌بندی کرده و می‌فرستادند. حتی با این حصیرها و چیزهای دیگر باحوصله فراوان خیلی زیبا بسته‌بندی می‌کردند. مثل یک جعبه کادویی خیلی شیک می‌شد».

خانم‌ها همچنین در قالب کمک‌رسانی در جهت تأمین کالاها هم کار فرهنگی می‌کردند و هم کالاها را تهیه و سپس آن‌ها را بسته‌بندی می‌کردند. خانم‌ها امکانات مازاد را از خانه‌ها جمع می‌کردند و کالاهایی که قابل به رفتن به جبه نبود، آن‌ها را در بخش مازاد و احتیاج و اسقاطی و ضایعات قرار می‌دادند و آن‌ها را به پشتیبانی تحویل می‌دادند و پس از اینکه این‌ها به فروش می‌رسید، پولش به‌حساب ۱۵۱۵ می‌رفت و آن پول برای خرید امکانت هزینه می‌شد.

روحانیون و طلاب

در تشکیل حلقه‌های میانی طلاب و روحانیت نقش محوری را می‌توانند ایفا کنند. درواقع شناخت مسئله و جوانب آن، احصای ظرفیت‌های قابل اتکا و دیدن نقاط روشن، جهت‌گیری صحیح به‌سوی تمدن اسلامی و ارائه راهکارهای علمی حل مسئله، ازجمله مؤلفه‌های یک حرکت عمومی معقول و منضبط برای تکامل جامعه اسلامی است. در این راستا سه عنصر حیاتی در حلقه میانی را می‌توان برشمرد. اولین آن عناصر محرک است؛ یعنی کسی شور بیافریند. دوم عناصر محوری است که کار را مدیریت می‌کند و سوم عوامل اجرا هستند که کار را پیش می‌برند. در این رابطه حلقه‌های میانی یاری‌گر ولی هستند و اینکه جهت‌گیری فعالیت‌ها در حلقه‌های میانی باید به سمت تمدن پیشرفته اسلامی باشد، بنابراین طبیعی است که مدیریت حلقه‌های میانی را باید روحانیون انجام دهند چرا که این تمدن بنایش دین است. پس روحانیت باید همه ظرفیت‌ها را پای کار بیاورد و در سطوح مختلف ظرفیت‌ها را ببیند و بشناسد[۱].

در ادامه به نقش روحانیون در دفاع مقدس که می‌تواند مصادیقی از جریان‌سازی روحانیون در تقویت حلقه‌های میانی باشد، ذکر گردیده است:

نقش اخلاقی – تربیتی: این نقش با تربیت نوجوانان و جوانان از مساجد و محافل دینی آغاز و تا سنگرهای رزمندگان اسلام کشیده می‌شد و در این راستا طیف

---

۱. https://bonyadehedayat.com/

گسترده‌ای از روحانیت بزرگوار در این زمینه فعال بودند که می‌توان از کسانی مانند آیت ا... حاج میرزا جواد آقاتهرانی نام برد.

نقش تبلیغی: گروهی از روحانیون وظیفه تبلیغ را در بین رزمندگان بر عهده گرفته بودند که با تبیین، روشنگری و تهییج نیروهای مردمی از طریق بیان حوادث دوره‌های مختلف جهاد در تاریخ اسلام و به‌خصوص حوادث کربلای حسینی، حرکت و موج دفاع از نظام مقدس جمهوری اسلامی را عهده‌دار گردیده بودند؛ اصلی‌ترین افراد در این حوزه، ائمه جمعه در سراسر کشور و سپس وعاظ گرامی بودند که به‌صورت «روزآمد»، توجیه حوادث و مسائل را بر عهده داشتند.

نقش آموزشی: عده‌ای از روحانیون نیز در پادگان‌ها، اردوگاه‌ها و یگان‌های در خط به آموزش رزمندگان اسلام نسبت به احکام، اعتقادات و... اهتمام می‌ورزیدند و شبهات دینی ایشان را پاسخ می‌دادند به‌گونه‌ای که رزمندگان عزیز پس از چندی حضور در جبهه، تسلط کافی نسبت به این‌گونه مباحث پیدا می‌نمودند و بعد از بازگشت از جبهه به‌راحتی می‌توانستند به سایر اعضای خانواده و دوستان نیز احکام دینی و... را آموزش دهند.

نقش پشتیبانی: از دیگر کارهایی که ایشان انجام می‌دادند می‌توان به نقش پشتیبانی جبهه اشاره نمود که مردم بزرگوار کشور با اعتمادی که به ایشان داشتند و با صحبت‌هایی که می‌نمودند، با اتفاق بخشی از درآمد و اجناس خویش، وظیفه جهاد مالی خود را انجام می‌دادند با این اقدام بود که مساعدت‌کنندگان مالی نیز احساس می‌نمودند به‌نوعی در دفاع مقدس حضور مؤثر دارند. ازجمله فعالیت‌های پشتیبانی روحانیون و طلاب در زمان جنگ می‌توان به احداث کارخانه یخ‌سازی توسط ستاد کمک‌رسانی حوزه علمیه قم اشاره نمود.

هنرمندان

استفاده از ابزار هنر در ترویج و تقویت حلقه‌های میانی توسط هنرمندان بسیار مهم است. همان‌طور که قبلاً بحث شد، جریان حلقه‌های میانی به معنای پایه کار آوردن

تمامی ظرفیت‌های مردمی جهت پاسخ به نیازها و مسائل اصلی جامعه است. به‌طور طبیعی اگر از ابزارهای هنری جهت پایه‌کارآوردن ظرفیت‌ها و ایجاد تهییج در جامعه به کمک هنرمندان استفاده شود، اثرگذاری آن بیشتر خواهد شد.

در دوران دفاع مقدس، هنر و ادبیات، به‌صورت خودجوش و فراگیر در قالب شعر، موسیقی، نقاشی، خطاطی، داستان، نمایش و سینما همپای دفاع مقدس رشد کرد و پس از جنگ به بالندگی و رشد خود افزوده است. یکی از جلوه‌های که در خدمت دفاع مقدس قرار گرفت، شعر حماسی بود که در افزایش روحیه حماسی در کشور تأثیر بسزایی داشت. این تأثیر، مرهون ویژگی‌های محتوایی و مضمونی سروده‌ها و اشعار ویژه مقدس بود. شعر دفاع مقدس در دعوت و تشویق به جبهه بسیار مؤثر است. در تقویت روحیه رزمندگان نقش والای داشت. سرودهای حماسی دفاع مقدس با ریتم‌های کوبنده آن سراسر کشور و جبهه‌ها را تحرک و هیجان می‌بخشید. در طول دفاع مقدس هشت‌ساله ملت ایران، هنرمندان موسیقی‌دان کشور در کنار دیگر هنرمندان روحی از حماسه و شکوه را به ملودی‌های خود بخشیدند و با ساختن آهنگ‌های مناسب برای اشعار حماسی در تقویت روحیه رزمندگان و مردم پشت جبهه تلاش مؤثری به عمل آوردند. عنصر اصلی موسیقی‌های رزمی و حماسی بشارت فتح و پیروزی و تشویق و دعوت به جبهه و پایداری و استقامت در برابر دشمن بود.

یکی دیگر از جلوه‌های هنر و ادبیات در دفاع مقدس، نقش و جایگاه هنرهای تجسمی به‌ویژه خطاطی، نقاشی، طراحی، عکاسی و... بود. هنرمندان در این بخش با ابتکار و خلاقیت خود آثار هنری مؤثری را در ایجاد شور و هیجان در جبهه‌ها می‌آفریدند. تابلو نوشته‌های جنگ یکی از فراگیرترین ابزار تبلیغی یگان‌ها بود که هنرمندان خطاط و نقاش جنگ با آثار خود ارزش‌های جهاد، شهادت، فداکاری، رشادت و ایستادگی رزمندگان، پیام‌های این هنری روحیه‌بخش بود. عکاسان و فیلم‌برداران جنگ که شهیدانی را هم تقدیم نمودند همپای دیگر هنرمندان با تصاویر

خود از لحظه ماندگار دفاع مقدس این رسالت را به‌خوبی بر دوش داشتند و با آثار خود در توسعه روحیه حماسی و جاودانی ارزش‌های آن دوران نقش ممتازی بر عهده داشتند.

۲-٤. رسانه و تبلیغات

در زمان هشت سال دفاع مقدس، سیستم ارتباطی مثل امروز گسترده نبود و تجهیزات اطلاع‌رسانی و خبررسانی‌ها وجود نداشت. ستاد جذب و هدایت کمک‌های مردمی برای اطلاع‌رسانی نیازهای جبهه‌ها و تشویق مردم برای اهدای کمک‌های خود با مشکلات عدیده‌ای مواجه بودند و نیاز بود این مسئله به نحو اثرگذار به اطلاع عموم مردم رسانده شود.

اقناع‌سازی و ایجاد انگیزه

لزوم ایجاد انگیزه در مردم جهت مشارکت هر چه بیشتر در حمایت از جبهه و جنگ یکی از فعالیت‌های اصلی در حوزه جذب و هدایت کمک‌های مردمی محسوب می‌شد. ازاین‌رو نظام‌مند کردن روش‌های انگیزش مردم در فرایند جذب و هدایت کمک‌ها دارای اهمیت بود.

همان‌گونه که در جنگ نرم همواره انگیزش و جهت‌دهی به مردم در مسیرهای ازپیش‌تعیین‌شده مطرح است، در زمان جنگ نیز فعالیت‌های نرم‌افزاری و فرهنگی در جهت هدایت مردم در مسیرهایی که صرفه و صلاح کشور در زمان جنگ ایجاب می‌نمود، از اهمیت بالایی برخوردار بود. از این رهگذر بستر مناسبی جهت مشارکت بیشتر مردم در حمایت از جبهه‌ها فراهم می‌شد. یکی از راه‌هایی که به‌منظور بهبود روحیه مردم صورت گرفت، دعوت از افراد تأثیرگذار و کلیدی آن زمان و برگزاری دیدارهای مردمی و سخنرانی آن‌ها برای مردم بود.

یکی دیگر از راه‌های ایجاد انگیزه در مردم استفاده از معتمدین محلی است که درنتیجه حرکت آن‌ها مردم نیز به دنبال آن‌ها حرکت می‌نموده‌اند. به معتمدین گفته می‌شد که نشست‌های محلی برگزار کرده و با مردم صحبت کنند. با حرکت

معتمدین، مردم هم به دنبال آن‌ها به راه می‌افتادند. ازجمله ابتکاراتی که در این زمینه صورت گرفت، درگیرسازی تمامی مسئولین در جنگ بود که نوع مشارکت هر یک از آن‌ها با توجه به نوع مسئولیت آن‌ها تعیین می‌شد. به‌عنوان‌مثال با حضور و مشارکت امام‌جمعه در امر توزیع اقلام و پخش فیلم آن برای مردم انگیزه مردم در مشارکت دوچندان می‌شد.

همچنین، از راه‌های انگیزه بخشی به مردم برای مشارکت بیشتر، ایجاد روحیه رقابت بین آن‌ها بود، برای مثال به صنف آهنگران یک شهر اعلام می‌شد که آهنگران شهر مجاور اقلام به‌مراتب بیشتری را تأمین نموده‌اند که این مسئله سبب انگیزه و ایجاد روحیه رقابت در افراد می‌شد.

نکات قابل‌توجه: همان‌طور که گفته شد از مهم‌ترین نکات برای آغاز مأموریت جذب و هدایت امکانات مردمی، اقناع‌سازی و ایجاد انگیزه در مردم بود. برای انجام این مهم ذکر موارد زیر ضروری است:

کسب اطلاع از اوضاع اقتصادی منطقه و معیشت مردم

ستاد جذب و پشتیبانی کمک‌های مردمی برای کسب موفقیت در مأموریت جذب و هدایت امکانات مردمی، باید نسبت به وضعیت عمومی منطقه ازجمله وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم دارای اطلاعات لازم و کافی می‌بود تا می‌توانست درخواست‌های موردنیاز را به‌طور سنجیده و مطابق با موقعیت‌های منطقه‌ای و... مطرح کند. چه‌بسا تقاضایی وجود داشت که یا موضوعیت نداشته و یا با تحمیل مشقت بر مردم همراه می‌بود.

کسب اطلاعات از روحیات عامه مردم منطقه

یکی دیگر از نکات قابل‌توجه در مأموریت جذب و هدایت امکانات مردمی، شناخت روحیات عامه مردم منطقه بود. متصدی امر جذب بااطلاع از خصوصیات و ویژگی‌های خاص هر منطقه (مانند شجاعت، صراحت لهجه و...) و به‌کارگیری این اطلاعات در راستای مأموریت خود ممکن است به موفقیت بیشتری نائل شود.

یافتن علایق عمومی مردم و استفاده صحیح از آن‌ها

از موارد مؤثر در پیشبرد مأموریت جذب و هدایت امکانات مردمی، آشنایی با علائق عمومی مردمی بود. به‌کارگیری روش‌های مناسب برای یافتن علایق عمومی مردم ازجمله وظایف متصدی جذب بوده است. به‌عنوان نمونه مردم کردستان به شب‌نشینی و نقل خاطرات گذشته بسیار علاقه‌مند بودند. پس از این فرصت‌ها به‌طور صحیح و درست استفاده می‌شد.

یافتن شیوه‌های مناسب برای نفوذ در لایه‌های جامعه

توانایی نفوذ در دل مردم، کلید و رمز موفقیت مسئول جذب کمک‌های مردمی و درنتیجه انجام بهینه این مأموریت بود. این مهم با آموزش و توجیه کارکنان نسبت به وضعیت محیطی و بومی امکان‌پذیر شد. اگر دبیر ستاد جذب و هدایت امکانات مردمی با مردم منطقه همدل و هم‌زبان می‌شد، مردم نیز خواسته‌هایش را برآورده می‌کردند.

بهره‌گیری از حضور مشاوران و معتمدان

ستاد جذب و پشتیبانی کمک‌های مردمی برای نیل به اهداف مأموریت‌های خود از نظریات و دیدگاه‌های بزرگان منطقه، سران قبایل و معتمدین مردمی بهره‌برداری می‌کرد. استفاده از مشاوره در تصمیم‌گیری‌ها درواقع کسب تجربه بدون صرف هزینه و زمان است. گاهی با یک جمله که از سر عقل و تدبیر و با پشتوانه تجربه بیان می‌شد، در سرنوشت کار تغییرات شگرفی صورت می‌گرفت. معتمدان و متنفذان مردمی می‌دانستند از چه کسی و چه چیزی باید درخواست کرد تا نتیجه مطلوب و موردنظر را داشته باشد. ستاد جذب و پشتیبانی کمک‌های مردمی دیدگاه‌های مشورتی را با قوه عقل و تدبیر می‌سنجید و بهترین راه‌حل را شیوه برخورد و ملاک عمل قرار می‌داد.

ابزارهای تبلیغاتی

صداوسیما: صداوسیما نقش بسیار مهمی در جذب مردم به مشارکت در کمک‌های مردمی داشت. این نقش از طریق اطلاع‌رسانی، ایجاد حس همبستگی و تحریک حس میهن‌دوستی مردم ایفا شد. صداوسیما با استفاده از برنامه‌های مختلف، ازجمله مستندها، اخبار جنگ، گزارش‌های میدانی از جبهه‌ها و نمایش زندگی سربازان و رزمندگان، توانست فضای اجتماعی را برای حمایت مردمی از جبهه‌ها مهیا کند.

ایستگاه‌های رادیویی: استفاده از ایستگاه‌های رادیـویی محلی بـرای پخش مصاحبه و سخنرانی‌های مربوط به جنگ و پشتیبانی‌های به‌عمل‌آمده از سوی مردم، تأثیر پشتیبانی‌های مردم در روحیات رزمندگان، پخش خاطرات رزمندگان از کمک‌های مردمی به جبهه‌های جنگ و اقدامات مشابه در ارتباط با تقویت رده‌های مقاومت از سوی مردم یک روش تبلیغی مفید بود.

تبلیغات سیار: فرستنده‌های صداوسیمای برخی استان‌ها تمام منطقه را تحت پوشش صدا و تصویر نداشتند یا در برخی شهرها و روستاها نقاط کور گیرنده‌ای وجود داشت و یا از صداوسیمای استان هم‌جوار بهتر امواج را دریافت می‌کردند، این امر سبب گشت که مردم از اطلاعیه‌های استان خود مطلع نشوند. در چنین مناطقی می‌توان از شیوه تبلیغات سیار بهره‌برداری و از خودروهای مجهز به سیستم صوتی مناسب در امر تبلیغ و پخش اطلاعیه استفاده و از این طریق خلأ موجود را پر می‌کرد.

در برنامه‌های تبلیغاتی حضور رزمندگان، جانبازان، ورزشکاران، هنرمندان و فرماندهان یگان‌های رزم که بومی منطقه و از چهره‌های شاخص باشند، بسیار مؤثر بود. اساتید حوزوی و دانشگاهی، معلمان و مدیران مدارس نیز از عوامل مؤثر تبلیغی بودند.

۳-٤. آموزش و توانمندسازی مردمی

در زمان جنگ، ستادهای جذب و هدایت کمک‌های مردمی در رابطه با جمع‌آوری کمک‌های مردمی با کمبود نیروی انسانی متخصص روبرو شده بودند. با توجه به کمبود نیروی انسانی کارآمد در کمک‌رسانی به ستاد پشتیبانی جنگ، اقلام کمک‌های مردمی به‌صورت پراکنده و نامناسب جمع‌آوری و توزیع می‌شدند. این چالش به خاطر کمبود نیرو و همچنین عدم به‌کارگیری صحیح نیروها و سازمان‌دهی نامنظم ایشان به وجود آمده بود زیرا:

از سرمایه‌های انسانی به‌خوبی استفاده نمی‌شد.

در جذب و هدایت کمک‌های مردمی مدیریت واحدی در سازمان‌دهی نیروی انسانی استان وجود نداشت.

برای رفع این چالش، علاوه بر آموزش فرایندهای جذب به نیروهای فعال، استفاده از روش تقسیم کار بر حسب حوزه‌های تخصصی مدنظر قرار گرفت.

همچنین استفاده از نیروهای جوان در فعالیت‌های صفی (عملیاتی) و استفاده از پیشکسوتان در فعالیت‌های ستادی (راهبردی) یکی دیگر از برنامه‌های ستاد برای رفع این چالش بود. البته لازم به ذکر است که به خاطر خوش‌فکری نیروهای جوان، سعی می‌شد تا از آن‌ها در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها کمک گرفته شود.

آموزش و توانمندسازی در زمان جنگ کاملاً مردمی بود، یعنی خود مردم بودند که به اقشار مختلف آموزش داده و آن‌ها را در زمینه‌های مختلف که برای پشتیبانی از جبهه‌های جنگ مفید بودند، توانمند می‌کردند. برای انجام این آموزش‌ها دو نهاد مردمی وجود داشت. بسیج و انجمن‌های اسلامی. بسیج ساختار منسجم‌تری داشت و هم در زمینه آموزش جمع‌آوری کمک‌های مردمی، هم آموزش‌های نظامی برای پشتیبانی از جبهه‌ها فعالیت می‌کرد. انجمن‌های اسلامی ساختاری برای چنین آموزش‌هایی نداشت، اما به دلیل نفوذ اجتماعی قابل‌توجه در اقشار مختلف مانند

کارخانه‌ها، بازاریان و... افراد را برای مشارکت بیشتر در زمینه‌های مختلف کمک به جبهه ترغیب می‌کرد.

نوع دیگری از توانمندسازی مربوط به آموزش متخصصین برای فعالیت‌های تخصصی بود. ازجمله مهم‌ترین این فعالیت‌های تخصصی می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- آموزش رانندگی بولدوزر
- آموزش کاربر لودر و سایر ماشین‌های فنی خاص
- آموزش تعمیرات خودرو
- آموزش نانوایی

٤-٤. ارزش‌های حاکم بر گروه‌های مردمی به‌مثابه‌ی حلقه‌های میانی

ارزش‌های حاکم بر مأموریت جذب و هدایت کمک‌های مردمی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. ولایت‌پذیری، ارتباط قلبی با مردم، توجه به مسائل شرعی و عدم انجام اقدامات خودسرانه و سلیقه‌ای ازجمله ارزش‌های حاکم بر جذب و هدایت کمک‌های مردمی بوده است که در ادامه به‌صورت جداگانه به آن‌ها پرداخته می‌شود.

ولایت‌پذیری

ولایت‌پذیری یکی از مهم‌ترین ارزش‌های مأموریت جذب و هدایت کمک‌های مردمی به شمار می‌آید. امام خمینی (ره) فرمودند: «ما مکلف به انجام‌وظیفه هستیم نه حصول نتیجه.» مأموریت جمع‌آوری کمک‌های مردمی برای حمایت از لشکر خداست. پس با استعانت و یاری از درگاه ایزد منان کار را شروع کنید و این موضوع که آیا مردم با شما همراهی خواهند کرد یا خیر؟ هرگز شما را دچار شک و تردید در تصمیم و راهی که در پیش گرفته‌اید، نکند (سعیدی، ١٣٩٦).

ارتباط قلبی با مردم: دیگر ارزش حاکم بر کمک‌های مردمی برقراری ارتباط قلبی بین عوامل جمع‌آوری و مردم است. برای برقراری ارتباط قلبی با مردم که از راهکارهای ذیل استفاده می‌شد:

جلب اعتماد مردم و مخاطبان: این مهم یعنی جلب اعتماد مردم در زمان جنگ همواره باید بین مردم و سپاه به‌خصوص بین مردم و بسیجیان وجود داشته باشد و از نکاتی است که باید مسئولان ستاد جذب و جمع‌آوری همیشه آن را مدنظر داشته باشند. سرلوحه برنامه‌های تبلیغی ستاد، جلب اعتماد مردم است و مسئولان باید به‌گونه‌ای عمل کنند که مردم با اعتماد قلبی به صداقت و پاکی آنان بدون دغدغه خاطر و نگرانی کمک کنند.

استفاده از اماکن مقدس: شروع کار جذب و جمع‌آوری در اماکن مقدس مانند مسجدها، حسینیه‌ها، دارالقرآن‌ها، بقاع متبرکه و... سبب ارتقا و حفظ تقدس و معنویت این مأموریت می‌شد. ضمن اینکه استفاده از اماکن متبرک و مذهبی به‌عنوان پایگاه در افزایش جذب و جمع‌آوری بسیار تأثیرگذار خواهد بود؛ چراکه اعتقاد قبلی مردم به اماکن مقدس موجب می‌شد آنان با نیت نزدیکی به خداوند وارد عرصه کمک به ستاد جذب و جمع‌آوری شوند.

همدل و هم‌زبان شدن با مردم: این بحث زمینه‌ساز به دست آوردن مخاطب است. در صورت اهتمام به کسب توجه و جلب مخاطبان این امکان که برخی از ایشان به‌عنوان عوامل تبلیغاتی و یا عوامل جذب و جمع‌آوری با ستاد جذب همکاری کنند، وجود دارد. ازاین‌رو ضمن فعال‌تر کردن دستگاه نظارتی با مطرح کردن افراد مناسب، صادق و کاردان در سطح جامعه (محلی و منطقه‌ای) باید موجبات تشویق سایرین را نیز فراهم کرد (جعفریان، ۱۳۹۰).

توجه به مسائل شرعی: مسائل شرعی و رعایت حدود شرعی در عرصه‌های مختلف دفاع مقدس ازجمله جمع‌آوری و هدایت کمک‌های مردمی مهم و حائز اهمیت بود. برای مثال خبره‌ای در این رابطه این‌گونه روایت کرده است:

«برای اصناف مختلف جهت کمک به جبهه مقرری تعیین شده بود. با اینکه این مبلغ به صورتی تعیین شده بود که به خانواده‌ها فشاری وارد نشود، اما باز هم اگر همان را هم نداشت و نمی‌داد، اجباری در کار نبود. اگر یک کارگر داشت پنج ریال می‌داد؛ ولی اگر نداشت همان مقدار را هم نمی‌داد و اجباری در کار نبود. همین بحث در کارخانه‌ها و ادارات و اصناف هم بوده و تعریف‌شده هم بوده. همین وضع برای کشاورز و زارع هم بوده. گاهی یک زارع میوه داشت و از فروش میوه پول می‌داد، گاهی یک کشاورز هم از محصولاتش می‌بخشید. هیچ اجباری در کار نبود؛ چون شرع مقدس اجازه چنین کاری را نمی‌داد. در موضوعات دیگر کارمندان و صنوف هم به همین شکل، صنف‌هایی که ضعیف‌تر بودند، برایشان کمتر و صنف‌های قوی‌تر بیشتر دیده شده بود».

عدم انجام اقدامات خودسرانه و سلیقه‌ای: در زمان جنگ، ستادهای جذب و هدایت کمک‌های مردمی در برخی از استان‌ها به دلیل سلیقه‌ای عمل نمودن دستگاه‌های ذی‌ربط با مشکل روبرو شده بودند. مدیریت چندگانه در این امر، متأسفانه دریافت و توزیع کالا برای رزمندگان و رده‌های متقاضی را با مشکل مواجه کرده بود. ازجمله این مشکلات موارد ذیل را می‌توان نام برد:

- جمع‌آوری کمک‌ها به‌صورت پراکنده و بدون یکپارچگی
- فساد کالاهای مصرفی علی‌الخصوص اقلام خوراکی به خاطر کندی و عدم یکپارچگی در توزیع

هماهنگ‌سازی دستگاه‌های دولتی برای جذب و هدایت کمک‌های مردمی به خاطر مدیریت چندگانه در دستگاه‌های دولتی با چالش مواجه شده بود. برای رفع این چالش یک ستاد واحد برای مدیریت این امر در نظر گرفته شد. برای مدیریت و رفع نیازمندی‌های جنگ حتماً باید تمام دستگاه‌ها با ستاد جنگ همراه می‌شدند. در برخی موارد به دلیل عدم سازمان‌دهی دقیق امکانات، بعضی از دستگاه‌ها تعمداً اعلام می‌کردند که دستگاه‌های حمل‌ونقل آن‌ها دارای اشکال هستند. درنتیجه پس از

اطمینان از کارشکنی این دستگاه‌ها، امکانات ایشان اخذ و در اختیار ستاد جنگ قرار می‌گرفت.

به‌منظور پشتیبانی ستاد جنگ، کمک‌های مردمی در یک نقطه جمع‌آوری می‌شد و به همین خاطر بسیاری از کمک‌های مردمی ضایع می‌شدند. برای جلوگیری از اسراف و ضایع شدن کمک‌ها، از سال ۱۳۶۰ به بعد، برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی دقیق امکانات و کمک‌های مردمی در پیش گرفته شد. هر شهرستان تا قبل از آن، ستادهای جذب پراکنده داشت، بنابراین در ابتدای امر همه شهرستان‌ها به یکدیگر متصل شدند و ستاد جذب یکپارچه تشکیل شد. در این ستاد همه کالاها با توجه به نیازمندی‌های رده‌ها تقسیم‌بندی شده و با توجه به برآورد جدول زمان‌بندی به‌طور ماهیانه و ظرفیت‌های موجود، به هر قسمت از استان مأموریت تأمین یک سری از کالاها داده شد. در این رابطه متولی اصلی هر کالا در شهرستان‌های استان مشخص شد و این مسئله که کار باید به‌صورت متمرکز صورت گیرد در تمامی مراحل تأکید می‌شد، زیرا کار پراکنده از کیفیت پایین و نامناسبی برخوردار بود.

نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی ایران به رهبری بنیان‌گذار کبیر انقلاب از بدو تولد، مدل جدیدی از حکمرانی که مبتنی بر مردم‌سالاری دینی بود را به جهانیان ارائه نمود و نشان داد که چگونه می‌توان برای رفع مشکلات و عبور از چالش‌ها و بحران‌ها به مردم هویت داد و با تکیه بر آنان بر مشکلات بزرگ فائق آمد که شاید بتوان بهترین مصداق حضور و نقش‌آفرینی گروه‌های مردمی را در دفاع مقدس مشاهده نمود. این جریان مردمی را در سال‌های اخیر آیت‌الله خامنه‌ای برای اولین بار، تحت عنوان «حلقه‌های میانی» نام برد که درواقع همان واسطان میان حاکمیت و مردم است و نقش پیشران در حل مسائل نظام را بر عهده دارد.

آنچه پژوهش پیش رو بدان پرداخت، این است که برای تقویت و تفهیم بیشتر مفهوم حلقه‌های میانی بایستی به یکی از خاستگاه‌های اصلی آن یعنی تجربیات ارزشمند

دفاع مقدس مراجعه نمود تا بتوان از این دریای بیکران و تجربیات گران‌بها برای توسعه این نظریه بهره‌برداری لازم را به عمل آورد؛ بنابراین محققان با هدف ساختاردهی به این مفهوم مهم، به سراغ پیشکسوتان و صاحب‌نظران و همچنین اسناد مربوطه رفتند تا با تحلیل آن‌ها مفاهیم مرتبط با حلقه‌های میانی را استخراج نمایند. جهت انجام این کار از تعداد ٤ نفر مصاحبه به عمل آمد و تعداد ۷۰ سند نیز مورد بررسی قرار گرفت و جهت اعتباربخشی از یک تیم خبره ۳ نفره به‌عنوان ممیز استفاده شد.

پس از کدبندی و دسته‌بندی داده‌ها، بر مبنای تعاریف و مفاهیمی که از حلقه‌های میانی وجود داشت، مبتنی بر تجربیات دفاع مقدس در زمینه جذب و هدایت کمک-های مردمی در شش دسته‌ی کلی جریان حلقه‌های میانی دفاع مقدس جای گرفتند که عبارت‌اند از: ۱- امامان جماعت و جمعه ۲- دانشجویان و دانش‌آموزان ۳- اصناف و بازاریان ٤- بانوان ٥- روحانیون و طلاب ٦- هنرمندان. در ادامه به‌منظور ترسیم مدل حرکتی به ابعاد مربوط به ارزش‌های حاکم بر گروه‌های مردمی، رسانه و تبلیغات، آموزش و توانمندسازی نیز پرداخته شد که در قالب مدل ذیل قابل ترسیم است.



شکل ۱. ساختاردهی مفهومی جریان حلقه‌های میانی در دفاع مقدس

در پایان نیز پیشنهادهایی قابل طرح است:

۱- از اولویت‌های کلیدی در باب حلقه‌های میانی، تولید علم و دانش بومی و رفع خلأ نظری در این زمینه است، چرا که با ادبیات و رویکردهای وارداتی نمی‌توان این مقوله راهبردی را مفهوم‌سازی نمود. از این جهت نیاز است که نخبگان و نظریه‌پردازان انقلابی با اندیشه‌ورزی در این زمینه، برای تقویت و هدایت مؤثر حلقه‌های میانی، از تجربیات دفاع مقدس استفاده کنند و آن‌ها را بومی کنند.

۲- در گام بعدی باید مبتنی بر این چارچوب، دستورالعمل‌های مؤثر برای افزایش اثربخشی در شکل‌دهی و توسعه حلقه‌های میانی، طراحی و تدوین گردد. هر چند که باید دقت نمود که این اقدام نبایستی سبب تضعیف آزادی

عمل، ابتکارات و خلاقیت‌های فردی و گروهی فعالان و دست‌اندرکاران این عرصه شود.

۳- تغییر و اصلاح نگاه برخی از مسئولان نسبت به کنشگری مدنی گروه‌های دغدغه‌مند و مسئولیت‌پذیر و همچنین، همراهی و همگرایی با آنان، الزامی مهم است؛ آن‌گونه که رهبر انقلاب برای فعالیت و تقویت حلقه‌های میانی اهمیت بالایی قائل بوده و به معنای واقعی کلمه بدان خوش‌بین هستند. از این جهت، بسترسازی و تسهیل فعالیت این گروه‌ها، اعتماد بدان‌ها و حمایت مادی و معنوی از آنان بایستی در دستور کار تمامی نهادها و مسئولان مربوطه قرار گیرد.

٤- نیاز است که نظام آموزشی کشور به مهارت افزایی در زمینه کار و فعالیت گروهی و ارائه آموزش‌های لازم در این زمینه به دانش آموزان و دانشجویان، توجه جدی کند. تقویت نگرش و روحیه فعالیت جمعی به‌ویژه در قالب برنامه‌های تربیتی و پرورشی و به کارگیری نیروهای توانمند و دغدغه‌مند در این حوزه، دارای اهمیت و ضرورت است.

فهرست منابع

-اخوان نیلچی، نفیسه، عیوضی، محمدرحیم، نادری، مهدی. (۱٤۰۳). طراحی چهارچوب مفهومی جریان حلقه‌های میانی مردم‌پایه بر مبنای دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای نشریه دانش سیاسی، ۲۰ (۱). ۲٦-۱.

-آقامحسنی فشمی، علی، انوشه، مرتضی و موسوی نقابی، سیدمجتبی. (۱۳۹۷). تبیین راهبردهای بازاریابی اجتماعی در بسیج عمومی نیروهای مردمی دوران دفاع مقدس. مطالعات انقلاب اسلامی، ۱۵ (٥٤)، ٤٥-٦٦.

-امجدی، جلیل، (۱۳۹٤). خرده روایت‌هایی از یک زندگی کاملاً معمولی (زندگی‌نامه داستانی شهید محمدرضا جعفری)، سازمان حفظ و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، تهران.

-پناهی، یعقوب و رحمانی، کامران، (۱٤۰۲). اصناف و بازاریان در انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، انتشارات مرزوبوم، تهران، ایران

-حیدری شلمانی، محمد. (۱۳۹۸). نقش‌آفرینی بسیج اصناف، بازاریان و فعالان اقتصادی در تحقق بیانیهٔ گام دوم انقلاب با رویکرد اقتصاد مقاومتی از دیدگاه حضرت امام خمینی (ره). سلسله همایش‌های بین‌المللی گام دوم انقلاب اسلامی، مقالات اولین همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب. تهران- دانشگاه جامع امام حسین (ع)

-درخشه، جلال و همکاران، (۱۳۹٤). تحلیل مضمونی اعتماد در اندیشه آیت‌الله خامنه ای، جستارهای سیاسی معاصر، دوره ٦، شماره ۳

-ربیعی، سینا، سیاوشی، مهدی. (۱٤۰۲). صورت‌بندی مفهومی حلقه‌های میانی مبتنی بر تجربه جمهوری اسلامی ایران. دولت‌پژوهی ایران معاصر. ۸(٤). ۱۷۱-۱۳۳.

-رشید، غلامعلی و کریمی، حمید. (۱۳۹۱). بررسی عوامل مؤثر در توان بسیج مردمی در قالب الگوی بازدارندگی همه‌جانبه دفاعی ج.ا.ا در مقابل تهدید ناهمتراز. مطالعات دفاعی استراتژیک، -(۵۰).

-سعیدی، محمد حسن، امام خمینی و راهبرد اصالت تکلیف (۱۳۹٦)، پرتال امام خمینی.

-تجارب خبره ارجمند جناب آقای غلامعلی جعفریان، (۱۳۹۰)، مرکز مطالعات و پژوهش‌های لجستیکی، تهران.

-گودرزی، آیت و جهان تاب، محمد، (۱۳۹۳). خاطرات سرخ: تاریخ شفاهی ستاد پشتیبانی و امداد امام (ره)، نشر تاویل.
-مجیدی، محمدرضا، سبزی، یونس، (۱٤۰۰). جایگاه حلقه‌های میانی در حکمرانی تشکیلاتی و نقش آن در تمدن‌سازی با نگاهی به مفهوم تحزب، دو فصلنامه علمی مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، شماره ۱، ۵۲- ۲۹.
-محمد معین؛ (۱۳۸٦). فرهنگ فارسی، جلد اول.
-مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، گفتگو با فضل الله فرخ.
-مرکز تألیف کتاب‌های درسی معاونت تربیت و آموزش سپاه پاسداران، (۱۳۸۸). جذب و هدایت کمک‌های مردمی؛ چاپ اول
-مسجدی، هادی و همکاران (۱٤۰۰). نگرشی به متن‌کاوی در پژوهش‌های زبانی: رویکرد رایانشی در تحلیل متون، نشریه جستارهای زبانی، دوره ۱۲. شماره ٦.
-موسوی داودی، سیدمهدی و همکاران، (۱۳۹۵). طراحی و تبیین الگوی ارزش‌های سازمانی مبتنی بر آموزه‌های نهج‌البلاغه؛ مدیریت سازمان‌های دولتی، دوره ۵، شماره ۱.
-میراسماعیلی، سید اویس. (۱٤۰۲). نقش، شایستگی و انتظارات حلقه‌های میانی پیشرفت، اندیشکده همپا.

- Naeem, M. Ozuem, W. Howell, K. & Ranfagni, S. (2023). A Step-by-Step Process of Thematic Analysis to Develop a Conceptual Model in Qualitative Research. International Journal of Qualitative Methods, 22, 1-18.
- Nyarangaa, Maurice S. (2021). The Role of Public Participation in Governance towards Achieving Sustainable Development, Journal of Public Administration. 8 No 4 395–404
- Saidur Rahman & Farhat Tasnim, (2023). The role of NGOs in ensuring local governance in Bangladesh: from the perception of other actors of governance, Asia-Pacifc Journal of Regional Science (2023) 7:1007–1034

نقش و جایگاه حلقه‌های میانی در حکمرانی مردمی بر مبنای بیانیه گام دوم انقلاب

عباسعلی نوروزعلی[1] زینب نوروزعلی[2]

چکیده

موضوع حلقه‌های میانی ازجمله مسائل مورد تأکید آیت‌الله خامنه‌ای است که پس از طرح، مباحث گوناگونی در باب آن بیان شـــده اســـت. ضـــرورت‌های توجه به حلقه‌های میانی و الزامات و بایسته‌های تقویت آن از موضوعات مهم و قابل اعتنا در واکاوی این اندیشه است، چراکه انقلاب اســلامی ماهیتاً نیازمند به پشــتوانه جوشــش انقلابی و پویایی در گســتره فکری، پژوهشــی و اندیشگانی خارج از ساختار حاکمیتی خود است و این امر جز با وجود مجموعه‌ای پرانگیزه از خود مردم و برخاســته از آحاد ملت و با حرکت امیدآفرین و تعالی‌بخش آن در جامعه انقلابی محقق نخواهد شد. حلقه‌های میانی ضمن حضور میدانی و اقدام به گره‌گشایی و حل مسائل و مشکلاتی که ساختارهای کنونی از حل آن عاجزند، با آرمان‌خواهی، مطالبه‌گری و بسیج اجتماعی، نقشی مؤثر در تحول‌آفرینی و تحرک‌بخشی به نهادها و ساختارهای مستقر و باز سازی انقلابی آن‌ها در راستای تحقق حکمرانی مردمی دارد؛ اما خود این حلقه‌های میانی به‌عنوان حلقه نخبگانی واســط بین ملت و حاکمیت برای کارایی مؤثر نیازمند چهارچوب منظم و تشــکیلات منســجم با ســاز. کار مخصــوص به خود اســت، لذا در مدل حکمرانی مردمی برای حل هر مســئله‌ای باید کارکرد هر یک از چهار ســطح «**آحاد مردم، کارگروه‌های مســئله محور، حلقه‌های میانی و حاکمیت**» تعریف و مشخص شود. این پژوهش که به فرایند شکل‌گیری حلقه‌های میانی، شیوه اجرا و ملاحظات ضروری و کارکردها چهار سطح هرم حکمرانی پرداخته، برآیند قریب پنج دهه مطالعه که تبیین و تشریح طرح را برای متولیان آن در سطوح مختلف پیشنهاد و تأکید می‌نماید و کار تشکیلاتی انقلابی در ارکان مختلف نظام مقدس جمهوری اسلامی است.

واژگان کلیدی: بیانیه گام دوم انقلاب، حلقه‌های میانی، مسئله‌محوری، هم‌افزایی گروه‌های مسئله‌محور، حرکت جبهه‌ای.

---

[1] محقق، پژوهشگر فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و عضو پیوسته موسسه مطالعات علوم انسانی و اسلامی حکمت کلمه، شاهرود، ایران، نویسنده مسئول. njpll.ir@gmail.com

[2] دکتری زبان و ادبیات فارسی، مدیر موسسه مطالعات علوم انسانی و اسلامی حکمت کلمه، شاهرود، ایران. zeynab.noroozali65@gmail.com

۱. مقدمه

در بیانیه گام دوم انقلاب آیت‌الله خامنه‌ای به بیان جامع و کامل، آرمان بزرگ نظام اسلامی را بدین‌صورت تبیین و تشریح نمودند: «انقلاب اسلامی اینک وارد دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است. عزیزان از انقلاب خود حراست و آن را هرچه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی است، نزدیک کنید.» این بیان شفاف و روشن ایجاد «تمدن نوین اسلامی» را هدف بلند و متعالی گام دوم انقلاب برشمرد. تکریم و تعظیم ملت ایران، توصیف انقلاب اسلامی به‌عنوان یک نهضت بزرگ دینی، اضافه کردن شعارهای جدید به شعارهای انقلاب اسلامی، انقلابی ماندن، ایجاد تمدن نوین اسلامی، تأکید بر بدیع و نوآورانه و اصیل بودن انقلاب اسلامی، بازتاب انقلاب اسلامی در نظام بین‌الملل، اعتقاد به اصل ما می‌توانیم، تأکید بر دستاوردهای انقلاب اسلامی، باور عمیق به انقلاب و انقلابی‌گری به‌مثابه مشی و منش، کارنامه درخشان چند دهه انقلاب اسلامی در فضای داخلی و خارجی، امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده و باور، اعتقاد به نقش محوری مردم و عنایت به ظرفیت و توانمندی مردم به‌ویژه نخبگان و جوانان در عرصه‌های مختلف همگی موارد مهم و قابل توجه این بیانیه هستند که دقت نظر و به کار بستن هر کدام از آن‌ها به‌تنهایی می‌تواند تأثیر شگرف و غیرقابل‌انکاری بر تداوم مسیر درخشان و پاینده نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران داشته باشد. نکته قابل توجه در موارد فوق اینکه عملیاتی شدن همه این نکات، به‌تنهایی نه کار مسئولین نظام است و نه کار رهبری، با اشاره و تأکید به تجربه بسیار موفق نقش مردم در اداره جنگ و دفاع مقدس به‌عنوان الگویی کارآمد که می‌تواند در سایر عرصه‌ها ازجمله اقتصاد، فرهنگ و... اجرایی و موفق باشد آن را از وظایف نخبگان و آحاد ملت برشمرده و تحقق این مهم و حصول نتیجه موردنظر آیت‌الله خامنه‌ای با حضور مردم از طریق حلقه واسط متشکل از نخبگان جامعه و مردم موسوم به «حلقه‌های میانی» قطعاً ممکن و میسر خواهد

شد، مشروط به اینکه این جریان حلقه میانی با رعایت اصول ملاحظات و الزامات، به‌خوبی و درستی ورود، عمل و رفتار نماید. این پژوهش به دنبال ارائه یک ساختار سازمانی و تشکیلاتی مناسب برای شکل‌گیری هر چه بهتر و بیشتر حلقه‌های میانی از طریق حرکت جبهه‌ای برای رسیدن به «یک حرکت عمومی معقول و منضبط...صحیح و منتظم و عقلائی» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۸/۰۳/۰۱) تحت عنوان جریان حلقه‌های میانی است.

۱-۱. بیان مسئله

انقلاب اسلامی ایران که در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای به معنای حاکمیت اسلام است برای رسیدن به آرمان خود که آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظما (ارواحناله الفدا) است، دارای مراحل پنج‌گانه‌ای است که معظم‌له با برشمردن نقش محوری مردم در دو مرحله «پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل نظام جمهوری اسلامی» ۱- تصدی‌گری و انحصار امور در دست مسئولان و ۲- عدم بهره‌برداری از استعدادهای انسانی که از عمده‌ترین علل توقف در مرحله سوم یعنی تشکیل دولت اسلامی برشمرده و چاره کار را برای برون‌رفت از این وضعیت و دستیابی به حکمرانی مردمی، بازیابی مدل ابتکاری اداره جنگ در دفاع مقدس و استفاده از ظرفیت‌های مختلف در زمینه‌های گوناگون مورد علاقه مردم، داشته و با برشمردن نمونه‌ها و الگوهای موفق، تشکیل کارگروه‌های مسئله محور را به‌عنوان راهکار عملیاتی برای نقش‌آفرینی جوانان در به صحنه آوردن مردم، مورد تأکید قرار دادند و با بیان اینکه این تمرکز، این ایجاد برنامه، پیدا کردن راهکار، ارائه راهکار، برنامه‌ریزی و هدایت‌گری در این خصوص را نه به عهده رهبری و نه به عهده دولت و نه به عهده دستگاه‌های دیگر، بلکه به عهده مجموعه‌هایی از خود ملت است، این مهم را به جریان‌های حلقه‌های میانی محول فرمودند که در این نوشتار ضمن تعریف کلمات کلیدی به چگونگی شکل‌گیری، اهداف، جایگاه، جامعه هدف، اجزا و عناصر و دیگر

ملاحظات و الزامات طرح «جریان حلقه‌های میانی» و ارتباط آن با اندیشگاه بیانیه گام دوم انقلاب پرداخته می‌شود.



۲-۱. روش‌شناسی پژوهش

روش این پژوهش از نوع کیفی است که با برگزاری جلسات تخصصی با خبرگان و دست‌اندرکاران عرصه تدوین اسناد راهبردی و با استفاده از روش گروه کانونی و نیز تجربیات پنج دهه کار انقلابی و تشکیلاتی نگارنده، صورت گرفته است.

۲. مبانی نظری

۲-۱. بیانیه گام دوم انقلاب

گام دوم انقلاب بیانیه‌ای است که توسط آیت‌الله خامنه‌ای به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی در تاریخ ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ صادر شد و در آن به «استمرار راه انقلاب ۵۷» در طی دستاوردهای چهل سال گذشته می‌پردازد. آیت‌الله خامنه‌ای در این بیانیه با هدف «جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی» راهنمایی‌هایی ارائه و به توضیح و روشن کردن مسئله برداشتن «گام دوم» به‌سوی «آرمان‌های انقلاب سال ۵۷» می‌پردازند. مخاطب این بیانیه، مردم و به‌ویژه نخبگان و جوانان هستند.

۲-۲. حلقه‌های میانی

کلیدواژه حلقه‌های میانی، مفهومی نوآورانه در عرصه حکمرانی اجتماعی و سیاسی ایران اسلامی است که توسط آیت‌الله خامنه‌ای در اول خرداد سال ۱۳۹۸ مطرح شد. این مفهوم برآمده از حلقه واسط دولت و مردم با کارکرد و شرح وظیفه‌ای مهم و کارآمد است. طبقه‌ای از نخبگان اجتماعی و فکری، عناصر فعال متعهد به آرمان‌های انقلاب، جوانان انقلابی و مجموعه تشکل‌های متعددی میان دولت و ملت با تعریف مأموریتی مسئله‌محور و ناشی از انگیزه‌های عقیدتی به دنبال یافتن، احصاء و موضوع اولویت‌بندی مسائل جامعه و انعکاس توأم با ارائه راهکار جهت حل مسائل گوناگون ملی و به‌منظور پیشبرد حرکت عمومی جامعه به‌سوی هدف تمدن نوین اسلامی.

۲-۳. حکمرانی مردمی

در حکمرانی مردمی، ارکان آن سازوکارهایی را طراحی و اجرا می‌کنند که از طریق آن مردم می‌توانند در زمینه‌های مختلف و حوزه‌های گوناگون مورد علاقه خود در تصمیم‌سازی، اقدام و عمل و نظارت عمومی شریک و اثرگذار باشند.

۲-٤. سطوح حکمرانی مردمی

سطوح (عناصر) حکمرانی مردمی که کارکرد هر یک از آن‌ها برای حل هر مسئله‌ای جداگانه تعریف و مشخص می‌شود عبارت‌اند از:

- آحاد مردم
- کارگروه‌های مسئله محور
- حلقه‌های میانی
- حاکمیت

۲-۵. تعاریف سطوح (عناصر) چهارگانه حکمرانی مردمی

۱-۵-۲. آحاد مردم

جمعیت هدف (کشور) از اقشار مختلف در محدوده جغرافیایی کل کشور اعم از نخبگان و توده مردم

۲-۵-۲. کارگروه‌های مسئله محور

هر کارگروه مسئله محور جمعی از افراد فعال، دلسوز و دغدغه‌مند جامعه هدف در حوزه‌های مختلف هستند که مسائل و مشکلات خاص موردنیاز حوزه مربوط به خود را شناسایی و جمع‌بندی نموده و برای یافتن راهکار و انعکاس به حاکمیت به حلقه‌های میانی که آیت‌الله خامنه‌ای تشکیل آن‌ها را، راهکار عملی نقش‌آفرینی جوانان در به صحنه آوردن مردم قلمداد فرمودند، انتقال می‌دهد.

۳-۵-۲. حلقه‌های میانی

هر حلقه میانی ترکیبی از نخبگان علمی و حوزوی و دانشگاهی می‌باشند که در حوزه تخصصی خود به برنامه‌ریزی و ارائه راهکار و هدایتگری کارگروه‌های مربوط به خود می‌پردازند و از طریق سلسله‌مراتب با حاکمیت در تعامل هستند.

٤-۵-۲. حاکمیت

مجموعه ارکان نظام که با تعامل و توجه به جریان‌های حلقه‌های میانی باید با اصلاح سازوکارهای موجود و طراحی سازوکارهای جدید از طریق استفاده از ظرفیت‌های مردم، آنان را در تصمیم سازی، اقدام و عمل و نظارت عمومی شریک نماید.

۵-۵-۲. جریان‌های حلقه‌های میانی

قبل از پرداختن به موضوع جریان‌های حلقه‌های میانی، ابتدا باید تعریف جریان و مؤلفه‌های یک جریان را یادآوری نمود:

تعریف جریان

جریان، حرکت عمومی منظم، منضبط، منطقی و عقلانی که با مدیریت صحیح به سمت چشم‌انداز طراحی شده طی مسیر می‌نماید.

مؤلفه‌های جریان

* داشتن جمعیت و افراد متعدد
* شناخت از صحنه (محورشناسی) و عناصر دیگر در صحنه
* جهت‌گیری منطقی و قابل قبول به سمت چشم‌انداز طراحی شده
* وجود یک نقطه روشن و عامل امیدبخش (ظرفیت‌های ملی، جوانان و مسئولین)
* داشتن راهکار عملی برای هر برهه از زمان
* داشتن پشتوانه فکری، علمی، ایدئولوژیکی، عقلی و منطقی

جریان‌های حلقه‌های میانی

مجموعه‌ای از حرکت‌های عمومی هدفمند به‌عنوان حلقه واسط بین گروه‌های مسئله محور و حاکمیت و به‌عنوان راهکار اجرایی تحقق بیانیه گام دوم انقلاب در ساحت‌های مختلف نظام و حوزه‌های گوناگون موردنیاز برای رسیدن به مدل حکمرانی مردمی طراحی و هدایتگری می‌کنند.

۳. نقش و جایگاه حلقه‌های میانی در حکمرانی مردمی بر مبنای بیانیه گام دوم انقلاب

۳-۱. فرآیند شکل‌گیری حلقه‌های میانی، شیوه اجرا و ملاحظات ضروری

۳-۱-۱. تفکیک جامعه هدف به دو بخش

۱. افراد «نخبگان» انقلابی، متعهد و وفادار به نظام و رهبری و دغدغه‌مند آینده نظام «حدود ۲۰ درصد افراد جامعه هدف»

۲. مردم جامعه، صرف‌نظر از طیف و گرایش سیاسی (غیر از معاندین و ضدانقلاب) – به عبارتی مردم داخل (شهروند) نظام جمهوری اسلامی ایران– «۸۰ درصد آحاد مردم»

۲-۱-۳. نکته دوم و مهم اینکه فرآیند شامل دو بخش است

۱. بخش اول که مأموریت تأسیسی دارد از بالا به پایین صورت می‌گیرد و در زمینه‌سازی و فراهم آوردن شرایط و امکانات نقش‌آفرین بوده و به عبارتی پیگیری و نظارت می‌کند تا مراحل فرآیند شکل‌گیری حلقه‌های میانی به‌خوبی صورت پذیرد و حق دخالت و انتخاب در فرآیند شکل‌گیری ندارد. «شبیه هیئت مؤسس»

۲. بخش دوم که عملیاتی است، از شهرستان‌ها و مردم آن قاعده جغرافیایی و جمعیتی هرم شروع می‌شود و طی سازوکارِ پیش‌بینی و طراحی شده به مرکز «کشور» یا سطح ملی ختم می‌شود.

به عبارتی فرایند شکل‌گیری و عملیاتی حلقه‌های میانی از پایین به بالا است.

۳-۱-۳. مسئله محور بودن

هر چند که طرح در محدوده و تقسیمات کشوری اجرا می‌شود ولی در هر صورت قاعده جمعیتی «جمعیت هدف» آحاد مردم بوده و لذا آنچه در این طرح موضوعیت داشته و دارد مسائل و مشکلات جامعه بوده که هر بخشی از جامعه هدف با یک یا چند تا از آن‌ها درگیر، ذینفع بوده و دغدغه آن را دارد، بنابراین ضمن پوشش جغرافیایی و جمعیتی، مسائل مبتلابه، نیازها و ضرورت‌ها به‌عنوان مسئله، مورد توجه و موضوع اصلی آن است.

در این طرح پایین‌ترین واحد جغرافیایی شهرستان، با توابع آن است و موضوع مورد مطالعه، مسائل است که بعضاً و قطعاً از نظر تنوع و تعداد از شهرستانی به شهرستان دیگر و یا استانی به استان دیگر متفاوت است ولی در مجموع مسائل استان‌ها و کشور را در سطح ملی پوشش می‌دهد.

٤-۱-۳. مردم محوری

مردم محوری و عدالت محوری نیز از دیگر ویژگی‌های بارز جریان حلقه‌های میانی باید باشد.

۲-۳. اجزا (عناصر) جریان‌های حلقه‌های میانی (ارکان اجرایی و عملیاتی) و وظایف هر کدام

۱-۲-۳. کمیته حرکت جبهه‌ای

۲-۲-۳. کمیته علمی و محتوایی

۳-۲-۳. اصول و ملاحظات عمده طرح

۱. مسئله محور
۲. جریان امور از پایین به بالا
۳. خدمت محور (مردم محور)
٤. عدالت محور
۵. در راستای تحقق بیانیه گام دوم انقلاب
٦. دارای پشتوانه فکری، علمی، منطقی، عقلی و ایدئولوژیکی است.

۳-۳. اهداف طرح

اهداف جریان‌های حلقه‌های میانی که به عبارتی همان کارکرد اصلی و اهم وظایف است به شرح ذیل است:

هدف غایی: طراحی و هدایتگری مدل حکمرانی مردمی با بازیابی مدل اداره جنگ تحمیلی و تعمیم آن به کل امور کشور

هدف میانی: عرصه‌سازی برای اینکه همه آحاد ملت بتوانند در حوزه مختلف مورد علاقه خود، نقش‌آفرینی کنند.

هدف اولیه: شناسایی، جذب، سازمان‌دهی و شبکه‌سازی شبکه‌ها و فعالان حوزه‌های مختلف (کارگروه‌های مسئله محور) در زمینه‌های گوناگون مورد نیاز نظام و هم‌افزایی آن‌ها

جمعیت (جامعه هدف): جمعیت مورد هدف آیت‌الله خامنه‌ای در بیانیه گام دوم انقلاب و در راستای شکل‌گیری حلقه‌های میانی دو گروه مردم و دولت است:

الف: آحاد مردم: مجموعه‌هایی از ملت با هم‌افزایی یکدیگر، آرایش جدید بگیرند تا بتوانند منجر به تشکیل حلقه‌های میانی و کارگروه‌های مسئله محور در همه حوزه‌های حکمرانی گردند.

ب: دولت: دولت با اصلاح سازوکارهای خود، دست از تصدی‌گری برداشته و زمینه استفاده از ظرفیت‌های مردمی را در تصمیم سازی، اقدام و عمل و نظارت عمومی فراهم آورد.

٤-۳. عناصر و ارکان فرایند شکل‌گیری حلقه‌های میانی و شیوه اجرا

۱-٤-۳. هسته‌های اولیه

کشوری ۱۱-۷ نفر

استانی ۷-۵ نفر

شهرستانی ۵-۳ نفر

۲-٤-۳. شوراهای شکل‌دهنده (راه‌انداز)

شهرستانی ۷-۵ نفر

استانی ۱۱-۷ نفر

کشوری ۱۳-۱۱

۳-٤-۳. شوراهای راه‌انداز و اولیه هر مسئله

شامل افراد درگیر، ذینفع و دغدغه‌مند برای هر مسئله تخصصی که از بین آحاد مردم «قاعده» انتخاب می‌شوند.

به تعداد مسائل احصا شده هر شهرستان شورای راه‌انداز و اولیه تشکیل می‌شود و برای هر مسئله یک سرشبکه با سرگروه توسط افراد هر گروه انتخاب خواهد شد.

٤-٤-٣. سرشبکه «سرگروه»

فردی از افراد مطلع و درگیر با مسئله خاص که از بین شورای اولیه هر مسئله، در شهرستان توسط افراد همان شورا انتخاب می‌شود. بدیهی است به تعداد مسائل احصا شده هر شهرستان، شورای اولیه و سرشبکه مسئله وجود خواهد داشت.

٥-٤-٣. شورای هماهنگی «هم‌افزایی سرگروه‌های مسئله محور»

متشکل از سرشبکه «سرگروه‌ها»ی شوراهای اولیه هر مسئله شهرستانی بعلاوه تمام یا افرادی از هسته اولیه و شورای راه‌انداز شهرستان و بعلاوه نخبگانی خارج از شوراهای اولیه هر مسئله «حداقل به تعداد شوراهای اولیه و سرشبکه‌های هر مسئله»

٦-٤-٣. حلقه‌های میانی شهرستان

منتخبین شورای هماهنگی «هم‌افزایی سرشبکه‌ها یا سرگروه‌های مسئله‌محور هر شهرستان بعلاوه تمام یا افرادی از هسته اولیه و شورای راه‌انداز شهرستان و همچنین نخبگان منتخب خارج از شورا»، حلقه‌های میانی هر شهرستان را تشکیل می‌دهند. به تعداد شهرستان‌های هر استان، حلقه‌های میانی شهرستان تشکیل خواهد شد.

٧-٤-٣. حلقه‌های میانی استان

حلقه‌های میانی هر استان از بین افراد حلقه‌های میانی شهرستان‌ها در هر استان بعلاوه تمام یا افرادی از هسته اولیه، شورای راه‌انداز استانی و نخبگان منتخب استانی تشکیل می‌شود، لذا به تعداد استان‌های کشور، حلقه‌های میانی استان تشکیل می‌شود.

٨-٤-٣. حلقه‌های میانی ملی

منتخبین حلقه‌های میانی استانی بعلاوه افرادی از هسته اولیه کشوری، شورای راه‌انداز کشوری و نخبگان منتخب خود، حلقه‌های میانی ملی را تشکیل می‌دهند.

۹-٤-۳. هیئت امنا «پیشنهادی»

حلقه‌های میانی برای حفظ ماهیت مردمی خود، از حیث سیاست‌گذاری و اجرا و اداره نباید وابسته به نهادهای حاکمیتی خصوصاً قوه مجریه باشد و اما از طرفی هم، برای شکل‌گیری و هم تداوم و بقای خود و مهم‌تر مؤثر بودن تشکیلات در حل مشکلات و تحقق حکمرانی مردمی و حرکت به‌سوی هدف غایی نمی‌تواند بدون پشتوانه مادی و معنوی حاکمیت موفق باشد بنابراین باید بتواند با جلب اعتماد حاکمیت، بدون وابستگی و وام‌دار شدن، پشتوانه نظام به‌ویژه پذیرش و مقبولیت از سوی نظام را با خود داشته باشد که جمع بین هر دو هم حفظ ماهیت مردمی (شرط لازم) و هم به رسمیت شناخته شدن و مورد حمایت و مقبولیت حاکمیت قرار گرفتن (شرط کافی)، وجود مجموعه‌ای با ترکیب دوبخشی:

الف) بخش حاکمیتی شامل نمایندگان سازمان‌ها و نهادهای حاکمیتی ذی‌ربط در موضوع

ب) بخش مردمی از نخبگان معتمد و وفادار به نظام و رهبری

تحت عنوان هیئت‌امنای حلقه‌های میانی ملی پیشنهاد می‌شود تا تسهیلگر امور بوده و عهده‌دار نظارت بر روند کلی جریان حلقه‌های میانی بوده و در مواقع لزوم نقش هدایت‌گری و ریش‌سفیدی ایفا کند.

ساختار حلقه‌های میانی مسئله‌محور

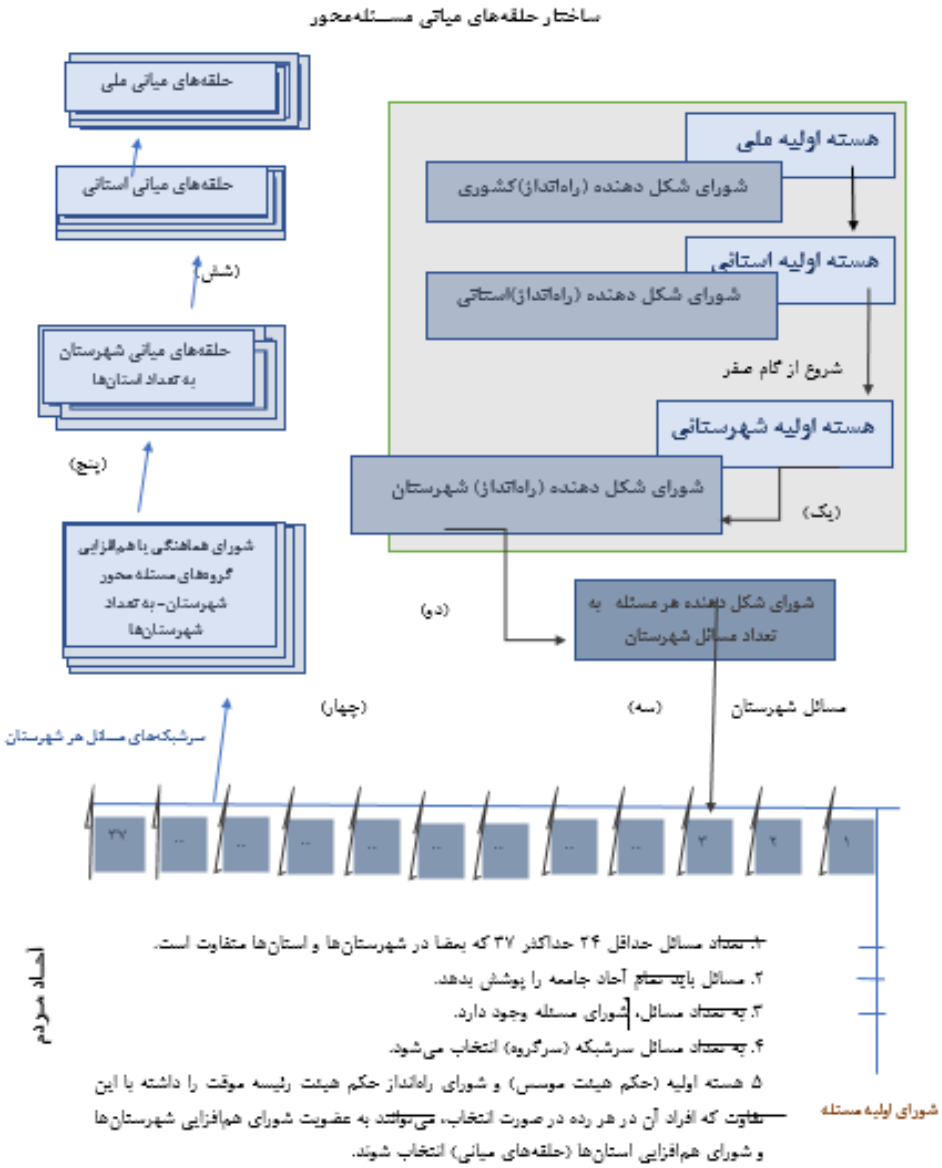

۱. تعداد مسائل حداقل ۲۴ حداکثر ۳۷ که بعضاً در شهرستان‌ها و استان‌ها متفاوت است.

۲. مسائل باید تمام آحاد جامعه را پوشش بدهد.

۳. به تعداد مسائل، شورای مسئله وجود دارد.

۴. به تعداد مسائل سرشبکه (سرگروه) انتخاب می‌شود.

۵. هسته اولیه (حکم هیئت موسس) و شورای راه‌انداز حکم هیئت رئیسه موقت را داشته با این تفاوت که افراد آن در هر رده در صورت انتخاب، می‌توانند به عضویت شورای هم‌افزایی شهرستان‌ها و شورای هم‌افزایی استان‌ها (حلقه‌های میانی) انتخاب شوند.

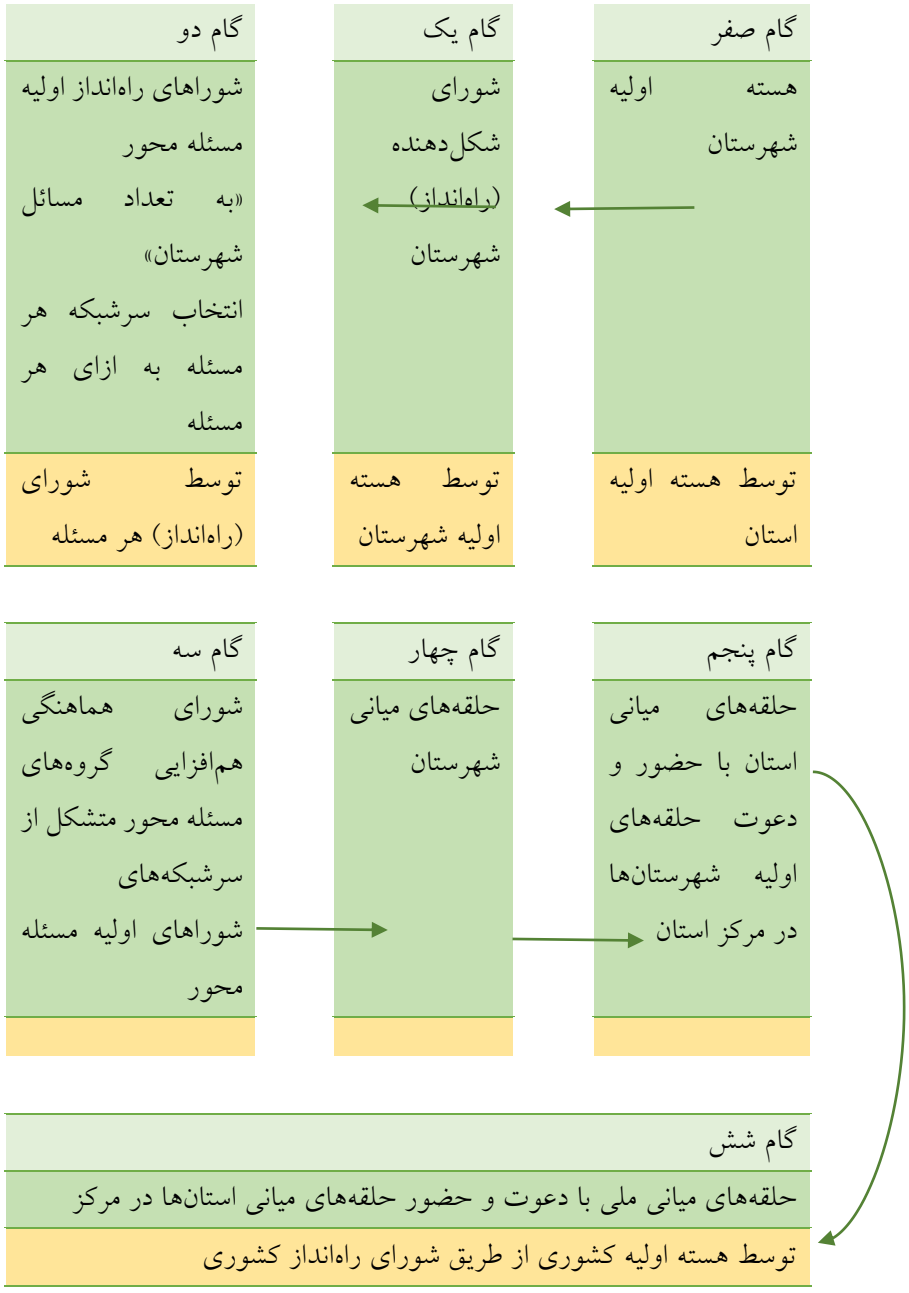

نمودار گام‌های فرآیند تشکیل حلقه‌های میانی

توضیح مهم

یک: چون این فرایند از پایین به بالا انجام می‌شود، اساس (قاعده) آن شهرستان و ضمناً مسئله‌محور است، بنابراین شروع فرآیند شکل‌گیری از شهرستان بوده و **گام صفر آن**، هسته اولیه استان است که نحوه شکل‌گیری آن به شرح نمودار فوق توضیح داده شده است.

دو: گام صفر تا چهار در شهرستان‌ها و گام پنجم در مرکز استان و با حضور نمایندگان حلقه‌های میانی شهرستان‌ها صورت می‌پذیرد.

سه: گام ششم (مرحله ۷) در مرکز کشور و با دعوت و حضور نمایندگان حلقه‌های میانی استان‌ها و انتخاب آن‌ها صورت می‌پذیرد.

چهار: افراد هسته اولیه و شورای راه‌انداز می‌توانند در هر سطح (شهرستان- استان- کشور) حضور داشته باشند و در صورت انتخاب، عضو شورای هم‌افزایی و سپس حلقه‌های میانی شوند. این افراد حق دخالت و رأی دادن ندارند.

پنجم: شورای هم‌افزایی گروه‌های مسئله‌محور در سطح هر شهرستان بوده و نمایندگان آن‌ها حلقه‌های میانی شهرستان را شکل می‌دهند.

۵-۳. چگونگی تشکیل ارکان (عناصر) فرآیند شکل‌گیری

۱-۵-۳. حلقه‌های میانی

۱-۱-۵-۳. هسته‌های اولیه

۱. هسته اولیه کشوری:

- افراد هسته اولیه از بخش یک جامعه هدف (نخبگان انقلابی متعهد به نظام و رهبری) که نسبت به آینده نظام و کشور دغدغه دارند، به‌صورت خودجوش و بنا به احساس تکلیف و... یا پیشنهاد و جهت‌دهی معتمدین انقلابی می‌باشند.
- تعداد افراد این هسته ۱۱-۷ نفر پیشنهاد می‌شود.

– مأموریت اصلی این هسته، پیگیری و فراهم آوردن زمینه تشکیل شورای شکل‌دهنده و یا راه‌انداز در مرکز کشور و پیگیری و نظارت بر تشکیل هسته اولیه استانی از بین نیروهای انقلابی و معتمد استان وظیفه این هسته است.

۲. هسته اولیه استانی:

– هسته اولیه استان، از بین نیروها و نخبگان انقلابی و متعهد سطح استان با پیگیری و نظارت، هسته اولیه کشوری تشکیل می‌شود.

– تعداد افراد این هسته ۷–۵ نفر پیشنهاد می‌شود.

– عمده‌ترین مأموریت این هسته، تشکیل شورای شکل‌دهنده (راه‌انداز) استانی، از بین نیروهای انقلابی و معتمد استان است.

۳. هسته اولیه شهرستانی:

– با پیگیری و نظارت هسته اولیه استان و از بین نیروهای انقلابی و متعهد هر شهرستان تشکیل می‌شود.

– تعداد افراد این هسته ۵–۳ نفر پیشنهاد می‌شود.

– مهم‌ترین و اصلی‌ترین وظیفه هسته اولیه شهرستان، تشکیل شورای شکل‌دهنده (راه‌انداز) شهرستان از بین نیروهای مطلع و متعهد شهرستان است.

توضیح:

– هسته اولیه کشوری به‌مثابه هیئت مؤسس بوده و هسته‌های اولیه استان و شهرستان به ترتیب به‌مثابه نمایندگان هیئت مؤسس کشوری و استانی هستند. «چون تقریباً کارکرد هیئت مؤسس یک مجموعه را دارد.»

– شوراهای تشکیل‌دهنده (راه‌انداز) در هر رده در حکم هیئت‌رئیسه سنی در آن رده بوده و بعداً به‌صورت انتخابی یا افتخاری، تمام یا بعضی از افراد آن جذب و عضو شورای هم‌افزایی گروه‌های مسئله‌محور و یا حلقه‌های میانی خواهند شد.

ب. شوراهای شکل‌دهنده (راه‌انداز)

۱. اساس فرایند از پایین به بالا بوده و قاعده هرم نیز شهرستان است.

کار بدین‌صورت ادامه پیدا می‌کند که شورای شکل‌دهنده (راه‌انداز) شهرستان که افراد آن با شناسایی و معرفی هسته اولیه شهرستان تعیین شده‌اند. با شناسایی و احصای مسائل اصلی و حیاتی هر شهرستان (با کمک گروه‌های شبکه‌دار) تلاش می‌کند تا شوراهای راه‌انداز و اولیه هر مسئله را تشکیل دهد، بدین ترتیب که شورای شکل‌دهنده (راه‌انداز) شهرستان با کمک افراد مطلع، معتمد و علاقه‌مند به همکاری در سطح شهرستان، افراد درگیر و مرتبط با هر مسئله را شناسایی و با دعوت از آن‌ها به تفکیک هر مسئله خاص، شورای راه‌انداز و اولیه هر مسئله را تشکیل می‌دهد.

توضیح:

به تعداد مسائل احصا شده هر شهرستان، شورای شکل‌دهنده (راه‌انداز) اولیه و سرگروه (سرشبکه) وجود خواهد داشت.

۲. شورای هماهنگی (هم‌افزایی گروه‌های مسئله‌محور):

اعضای این شورا متشکل از سرشبکه‌های شوراهای اولیه مسائل هر شهرستان (به تعداد مسائل احصا شده) است، بعلاوه تعدادی هم از نخبگان خارج از سرشبکه‌ها بوده و افراد هسته اولیه و یا شورای راه‌انداز شهرستان نیز می‌توانند در آن عضویت داشته باشند. «حداقل افراد به تعداد مسائل احصا شده شهرستان است.»

۳. حلقه‌های میانی شهرستان:

افراد و اعضای شورای هماهنگی «هم‌افزایی گروه‌های مسئله محور» شهرستان شامل سرشبکه‌ها، نخبگان مدعو، از میان خود و حتی هسته اولیه و شورای شکل‌دهنده شهرستان تعدادی را به‌عنوان افراد حلقه‌های میانی شهرستان انتخاب می‌کنند.

توضیح:

تعداد حلقه‌های میانی شهرستان در هر استان، به تعداد شهرستان‌های هر استان است. گزارش تشکیل حلقه‌های میانی هر شهرستان و افراد آن از طریق هسته اولیه هر شهرستان به هسته اولیه استان منعکس می‌شود.

٤. حلقه‌های میانی استانی:

هسته اولیه هر استان از طریق شورای شکل‌دهنده «راه‌انداز» آن استان، کار دعوت از حلقه‌های میانی شهرستان‌ها را انجام می‌دهد، با حضور افراد حلقه‌های میانی شهرستان‌های هر استان، در مرکز استان، حلقه‌های میانی استان از بین افراد حلقه‌های میانی شهرستان‌ها، دیگر نخبگان دعوت شده و افراد هسته اولیه و شورای راه‌انداز استان، حلقه‌های میانی هر استان را تشکیل می‌دهند.

توضیح:

گزارش تشکیل حلقه‌های میانی هر استان و افراد آن، از طریق شورای شکل‌دهنده (راه‌انداز) هر استان ابتدا به هسته اولیه استان و از آن طریق به هسته اولیه کشوری منعکس می‌شود.

بدیهی است تعداد حلقه‌های میانی استان‌ها به تعداد استان‌های کشور است.

۵. حلقه‌های میانی ملی:

گزارش تشکیل حلقه‌های میانی هر استان از طریق شورای شکل‌دهنده (راه‌انداز) همان استان ابتدا به هسته اولیه استان و سپس به هسته اولیه کشوری منعکس می‌شود و هسته اولیه کشوری از طریق شورای شکل‌دهنده (راه‌انداز) کشوری، حلقه‌های میانی استان‌ها را دعوت تا در جلسه‌ای در مرکز کشور حضور پیدا کنند و از بین خود، دیگر نخبگان مدعو، شورای شکل‌دهنده کشوری و هسته اولیه کشوری، حلقه‌های میانی ملی را از بین خود انتخاب کنند.

توضیح:

افراد هسته اولیه و شورای شکل‌دهنده کشوری حق عضویت و انتخاب شدن در حلقه‌های میانی را دارند ولی حق رأی دادن ندارند. به عبارتی می‌توانند انتخاب بشوند ولی حق انتخاب ندارند.

حلقه‌های میانی ملی با دریافت مسائل و مشکلات از سلسله‌مراتب حلقه‌های میانی و بررسی و دسته‌بندی آن‌ها و توام با ارائه راه‌حل به‌عنوان واسط و نماینده مردم و

رابط با حاکمیت، آن‌ها را به حاکمیت منتقل می‌نماید و تا حصول نتیجه و اعلام آن به استان‌ها و شهرستان‌ها از طریق سلسله‌مراتب پیگیری می‌نماید.

هیئت امنا:

وجود هیئت امنا پیشنهادی است و چنانچه شکل بگیرد باید دارای ۲ بخش:

الف. حاکمیتی نمایندگان سازمان‌های ذی‌ربط در موضوع

ب. نخبگان معتمد و وفادار به نظام و رهبری با جلسات ماهیانه یا فصلی، ناظر بر اجرای سیاست‌های کلی حلقه‌های میانی را بوده و بر روند امور نظارت کلی ماهوی دارد.

نتیجه‌گیری

قبل از نتیجه‌گیری بیان این نکته لازم است که مجموعه‌ای که از نظر گذشت با این پیش‌فرض که کار مبنایی و محتوایی حلقه‌های میانی به‌عنوان پیشران جامعه‌پردازی انقلاب اسلامی قبلاً انجام و تائید شده و مخاطبین محترم نیز به آن واقف بوده و آن را باور دارند، جمع‌آوری شده است، لذا بیشتر به شرح جنبه‌های عملیاتی، ساختاری و اجزا و ارکان و شیوه اجرایی و شکل‌گیری حلقه‌های میانی و بعضی از باید و نبایدهای آن پرداخته شده و هر چند در هر مورد به تفضیل سخن گفته شده است. مع‌الوصف به اجتناب‌ناپذیر بودن تشکیل حلقه‌های میانی و اشاره و تأکید به رعایت به بعضی ملاحظات بسنده می‌نماید. لزوم توجه به منویات مؤکد آیت‌الله خامنه‌ای و نگاه امیدوارانه معظم له به حلقه‌های میانی به‌عنوان پیشران جامعه‌پردازی انقلاب اسلامی از یک طرف و تجربه موفق مدل ابتکاری اداره جنگ در دفاع مقدس به‌عنوان یک الگوی موفق قابل اجرا در سایر عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی و ... و از طرفی هم وجود مسائل و مشکلات حل نشده ناشی از تصدی‌گری و انحصار مسئولین و عدم بهره‌مندی از ظرفیت، خلاقیت و توانمندی‌های مردم به‌ویژه نخبگان و جوانان و توقف در گام سوم انقلاب و لزوم تشکیل دولت اسلامی و گذر از آن، خاصه تأکید آیت‌الله خامنه‌ای به این موضوع که این تمرکز، این ایجاد برنامه کار، پیدا کردن

راهکار، ارائه راهکار، برنامه‌ریزی، به عهده چه کسی است؟ این نه به عهده رهبری است، نه به عهده دولت است، نه به عهده دستگاه‌های دیگر است؛ [بلکه] به عهده مجموعه‌هایی از خود ملت است که خوشبختانه امروز ما این را کم هم نداریم. ما نخبه‌های فکری در زمینه‌های گوناگونِ مورد نیاز در میان جوانان، در میان مسئولین خودمان داریم. این‌ها می‌توانند بنشینند برنامه‌ریزی کنند و هدایت کنند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۸/۰۳/۰۱).

تشکیل حلقه‌های میانی را به‌عنوان حلقه واسط بین مردم و حاکمیت و البته با رعایت اصول، الزامات، ملاحظات و ماهیت و کارکرد منحصربه‌فرد خود با تأکید بر نکات ذیل اجتناب‌ناپذیر نموده است که این مهم باید مورد توجه و عنایت جدی و عملی متولیان امر ازجمله اندیشگاه بیانیه گام دوم انقلاب واقع شود.

و اما ملاحظاتی که سلامت و اجرایی شدن و موفقیت طرح را ضمانت می‌کند:

- لزوم توجه و عنایت ویژه به سازوکار و ساختار طراحی شده مشروح در طرح که به پشتوانه قریب پنجاه سال فعالیت تشکیلاتی طراحی و ارائه شده است.
- معوظ داشتن اصول، الزامات و حفظ ماهیت و ویژگی‌های طرح در تمام مراحل اجرائی و عملیاتی و وفاداری علمی به آن‌ها
- صبر و شکیبایی در مقابل موانع و مخالفین و مدعیان ازجمله جریان‌های حودی مدعی حلقه‌های میانی و ناکارآمد کردن مخالفت‌ها از طریق رفتار و عملکرد منطقی و مؤثر
- بسترسازی برای اقدام و عمل مؤثر حلقه‌های از طریق شرط کافی و عنایت حاکمیت به کارکرد حلقه‌های میانی در یک تعامل دو طرفه منطقی
- پرهیز از هر اقدام و رفتار و هر آنچه اعتماد مردم و اطمینان حاکمیت را نسبت به اصل و کارکرد حلقه‌های میانی خدشه‌دار می‌کند.

- قائم به شخص و یا جریان خاص اجتماعی و به عبارتی انحصاری کردن طرح به قشر، افراد، جناح و جریانی خاص
- تشریح و تبیین طرح به‌ویژه سازوکار و ساختار طراحی و ارائه شده توسط نگارنده در همایش چهارم و یا هر موقعیت مناسبت دیگر
- لزوم وجود و ایجاد مجموعه‌ای مشتمل بر نمایندگان تخصصی حاکمیت از دستگاه‌های ذی‌ربط با موضوع و معتمدین، ریش‌سفیدان و نخبگان از آحاد مردم، تحت عنوان هیئت امنا که شرح آن به‌تفصیل آمده است.

فهرست منابع

- بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در خصوص «بیانیه گام دوم انقلاب»، بهمن ۱۳۹۷
- بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در خصوص «حلقه‌های میانی»، خرداد ۱۳۹۸

نقش راهبردی حلقه‌های میانی در تحقق حکمرانی خوب و تمدن‌سازی

علی کمالی[1] علی خالقی[2]

چکیده

مطالعه «حلقه‌های میانی» از دو منظر «حکمرانی خوب» و تمدن‌سازی قابل‌بررسی است. حلقه‌های میانی به‌عنوان وا سط میان سطوح بالای ت صمیم‌گیری و سطوح عملیاتی، نقش کلیدی در انتقال سیا ست‌ها، نظارت، انعطاف‌پذیری و انگیزش نیروی ان سانی دارند. عملکرد ناکارآمد این حلقه‌ها می‌تواند به اختلال در اجرای سیاست‌ها، کاهش بهره‌وری و درنهایت، ممانعت از تمدن‌سازی منجر شود. در حکمرانی خوب، کارایی حلقه‌های میانی به عواملی مانند شفافیت وظایف، صلاحیت سطوح بالای تصمیم‌گیری و مدیران میانی، ارتباطات مؤثر و سامانه‌های نظارتی کارآمد وابسته است. در تمدن‌سازی، عملکرد این حلقه‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در توزیع عادلانه منابع، ارائه خدمات عمومی، حفظ نظم اجتماعی و گسترش فرهنگ و آموزش دارد. پژوهش حا ضر، به بررسی جایگاه حلقه‌های میانی در حکمرانی و نقش حیاتی آن‌ها در فرایند تمدن سازی می‌پردازد. این پژوهش از نوع کیفی و روش آن، تو صیفی -تحلیلی ا ست و در آن از منابع کتابخانه‌ای معتبر شامل کتاب‌ها، مقالات علمی و گزارش‌های مرتبط با مو ضوع حلقه‌های میانی و حکمرانی خوب استفاده شده است. اطلاعات جمع‌آوری‌شده با روش تحلیل محتوا بررسی گردیده تا نقش راهبردی حلقه‌های میانی در حکمرانی خوب و تمدن‌سازی مشخص شده و چالش‌ها در این م سیر، واکاوی و تبیین شود. نتایج به‌د ست‌آمده حاکی از آن ا ست که حلقه‌های میانی در هر دو سطح حکمرانی ت شکیلاتی و تمدن سازی، نق شی کلیدی و تعیین‌کننده دارند. تقویت ظرفیت این حلقه‌ها از طریق آموزش، شفافیت، بهینه سازی ساختار سازمانی و مبارزه با ف ساد، برای ارتقای کارایی حکمرانی و پیشبرد فرایند تمدن سازی ضروری ا ست. عدم توجه به این حلقه‌ها می‌تواند به بروز مشکلات عدیده و موانع جدی در مسیر توسعه پایدار منجر شود.

واژگان کلیدی: حکمرانی، تمدن‌سازی، حلقه‌های میانی، حکمرانی خوب.

---

[1] استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). AliKamali@Sbmu.ac.ir

[2] استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران. AliKaleghi@Sbmu.ac.irh

مقدمه

«حکمرانی خوب» موجب تعامل مؤثر میان دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی می‌گردد و به کاهش فساد و افزایش رضایت شهروندان می‌انجامد. همچنین، با توجه به چالش‌های گوناگون جهانی، حکمرانی خوب به مدیریت منابع و سیاست‌گذاری‌های مؤثر و همچنین ثبات سیاسی و کیفیت خدمات عمومی منجر می‌شود. این نوع حکمرانی، نقش کلیدی در تمدن‌سازی پایدار دارد؛ چراکه با کمک به توسعه اجتماعی و اقتصادی، با ایجاد شفافیت، پاسخگویی و مشارکت عمومی و با مدیریت مؤثر منابع و کاهش نابرابری‌ها، اعتماد شهروندان را جلب می‌نماید، به بهبود کیفیت زندگی آنان می‌انجامد و می‌تواند به توسعه پایدار کمک کند. درنتیجه، حکمرانی خوب به‌عنوان پایه و مبنایی برای ایجاد جوامع پایدار و متعادل شناخته می‌شود. در حکمرانی خوب، کارایی حلقه‌های میانی به‌عنوان واسط میان سطوح بالای تصمیم‌گیری و سطوح عملیاتی، نقش کلیدی در انتقال سیاست‌ها، نظارت، انعطاف‌پذیری و انگیزش نیروی انسانی دارد. در تمدن‌سازی، عملکرد این حلقه‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در توزیع عادلانه منابع، ارائه خدمات عمومی، حفظ نظم اجتماعی و گسترش فرهنگ و آموزش دارد. عملکرد ناکارآمد این حلقه‌ها می‌تواند به اختلال در اجرای سیاست‌ها، کاهش بهره‌وری و درنهایت، ممانعت از تمدن‌سازی منجر شود. در این راستا، حلقه‌های میانی به‌عنوان واسط میان حاکمیت و مردم عمل کرده و می‌توانند ظرفیت‌های مردمی را فعال نموده و با شناسایی مسائل و ایجاد ارتباطات مؤثر، به مشارکت عمومی و حل مشکلات و معضلات اجتماعی بینجامد. در نظام ولایی، این حلقه‌ها به تقویت گفتمان مردم‌سالاری دینی و تحقق اهداف تمدن نوین اسلامی کمک می‌نمایند.

پژوهش حاضر، به تبیین نقش حلقه‌های میانی به‌عنوان واسطی میان حاکمیت و مردم می‌پردازد و جایگاه حلقه‌های میانی در حکمرانی و نقش حیاتی آن‌ها در فرایند تمدن‌سازی را مورد واکاوی قرار می‌دهد. همچنین، هدف آن، شناسایی انتظارات از

حلقه‌های میانی و راهکارهای اجرایی برای تقویت حکمرانی مردمی و تحقق اهداف توسعه پایدار در جامعه است. در پایان نیز بر آنیم تا ضمن واکاوی و تبیین چالش‌ها و موانع فراروی حلقه‌های میانی در حکمرانی و فرایند تمدن‌سازی، به راهکارهایی جهت رفع موانع و چالش‌ها اشاره کنیم.

پژوهش حاضر فرضیه‌آزما نیست و بر نظام سؤال‌ها استوار است. بدین‌سان، در نوشتار حاضر تلاش داریم به پرسش‌های ذیل به‌عنوان سؤالات اصلی پژوهش پاسخ دهیم: چگونه «حلقه‌های میانی» می‌توانند به «حکمرانی خوب» کمک کنند؟ و همچنین، نقش این حلقه‌ها در تمدن‌سازی چیست؟ در سؤالات فرعی نیز بر آنیم تا به این پرسش‌ها پاسخ دهیم: چالش‌ها و موانع فراروی حلقه‌های میانی کدام‌اند؟ و راهکارهای پیشنهادی جهت رفع موانع و چالش‌ها چیست؟

پس از فحص و بررسی در منابع پیرامون موضوع پژوهش می‌توان به موارد ذیل اشاره داشت و تفاوت‌های هریک را با پژوهش حاضر بیان نمود: در این زمینه، اخوان و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله خود تلاش دارند تا چارچوب مفهومی جریان حلقه‌های میانی مردم‌پایه بر مبنای دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای را استنباط نمایند. محمدزاده بنی‌طرفی (۱۴۰۱) به اهمیت و نقش این حلقه‌ها در تبیین بیانیه گام دوم انقلاب اشاره می‌کند. مجیدی و سبزی کریم‌آبادی (۱۴۰۱) در مقاله خود، حلقه‌های میانی را به‌مثابه «حزب» بررسی نموده‌اند. به نظر می‌رسد چنانچه «حلقه‌های میانی»، با واژگانی نظیر «حزب» و «تحزب» معرفی شود، ظلم مضاعفی به این مقوله است؛ چراکه نه‌تنها مفهوم «حلقه‌های میانی» به‌نحوی صحیح شناخته نشده است، بلکه با اصطلاحاتی قدرت‌محور و سیاست‌زده همسان‌پنداری شده است. ترابی (۱۴۰۰) در کتاب خود، هرچند در مقام زبان و کلمات، به «حلقه‌های میانی» اشاره ندارد، لیکن محتوای کتاب، به معنا و مفهوم «حلقه‌های میانی» در نظام امامت امت اشاره دارد. فلاح شیروانی (۱۳۹۸) به دیدگاه‌های مردم‌محور امام خمینی (ره) و نقش مؤثر این نگاه در ویرایش زندگی معاصر کشور ما، مقام مردم و مردم‌سالاری اشاره می‌کند.

منصوری (۱۳۹۷)، به نقش‌آفرینی مردم در حکومت اسلامی در قالب سازمان‌های مردم‌نهاد می‌پردازد. اقبال (۱۳۹٦) در تبیین نقش و جایگاه مردم در الگوی مردم‌سالاری اسلامی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، در قالب خاستگاه و مشروعیت الهی و اصالت حاکمیت و مشارکت مردمی به تبیین این الگو پرداخته است. عبداللهی (۱۳۹۲) به بررسی رابطه ولایت‌فقیه و سرمایه اجتماعی پرداخته و کلهری و همکاران (۱٤۰۱) در مقاله خود، نقش‌آفرینی مردم را در کنار دولت و بخش خصوصی در قالب جامعه مدنی بازنمایی می‌کنند.

همان‌گونه که در مرور ادبیات پیشین حلقه‌های میانی ملاحظه می‌شود، هرچند پژوهش‌هایی به نوع نگـاه بـه مـردم در حکومت و نظام اسلامی و جایگاه مردم در اندیشه رهبران انقلاب اشاره دارد؛ لیکن به این جایگاه از منظر «حلقه‌های میانی» و تأثیر آن در فرایند تمدن‌سازی که موضوع مقاله حاضر است، کمتر پرداخته شده است.

این پژوهش از نوع کیفی و روش آن، توصیفی - تحلیلی است و در آن از منابع کتابخانه‌ای معتبر شامل کتاب‌ها، مقالات علمی و گزارش‌های مرتبط با موضوع «حلقه‌های میانی» و «حکمرانی خوب» استفاده شده است. اطلاعات جمع‌آوری‌شده با روش تحلیل محتوا بررسی گردیده تا نقش راهبردی حلقه‌های میانی در حکمرانی خوب و تمدن‌سازی مشخص شده و چالش‌ها در این مسیر، واکاوی و تبیین شود.

۱. چارچوب مفهومی و نظری؛ حلقه‌های میانی

انسان در طول حیات خویش همواره در پی بهبود زندگی خود بوده و در این راستا، نظام‌های حکومتی گوناگونی را تجربه کرده است. یکی از مهم‌ترین رویکردهای نوین در این زمینه که در بستر فکری و تجربی انقلاب اسلامی تکوین یافته نقش حلقه‌های میانی در حکمرانی است.

تعریف «حلقه‌های میانی»

حلقه‌های میانی به‌عنوان نهادهایی مستقل و غیروابسته به حاکمیت تعریف می‌شوند که با هدف حل مسائل اجتماعی و تخصصی فعالیت می‌کنند. در این راستا، می‌توان در دو بعد علمی و عملیاتی به تعریف این مفهوم پرداخت:

الف) تعریف علمی: در ادبیات علمی، حلقه‌های میانی به‌عنوان واحدهای اجتماعی، گروه‌ها یا نهادهایی تعریف می‌شوند که به تسهیل ارتباط میان لایه‌های مختلف جامعه کمک می‌کنند. این حلقه‌ها می‌توانند شامل سازمان‌های غیردولتی، مردم‌نهاد[۱]، انجمن‌های محلی، شوراهای محلی، یا حتی نهادهای مذهبی باشند. نقش اصلی آن‌ها ایجاد پیوند میان سیاست‌گذاران و جامعه است تا سیاست‌ها و تصمیمات مؤثرتر و با شناخت بیشتر از نیازهای محلی اجرا شود (میراسماعیلی، ۱٤۰۱).

ب) تعریف عملیاتی: از منظر عملیاتی، حلقه‌های میانی به‌عنوان ساختارهایی در نظر گرفته می‌شوند که با مردم در ارتباط مستقیم هستند و نیازها و خواسته‌های ایشان را شناسایی نموده و این اطلاعات را به نهادهای بالادستی منتقل می‌نمایند. این حلقه‌ها، به اجرای تصمیمات و سیاست‌های نهادهای بزرگ‌تر در سطح محلی یاری رسانده و به‌عنوان مرجعی برای حل تعارضات محلی و ارائه مشاوره عمل می‌کنند (شفیع‌خانی، ۱٤۰۲a؛ محمدزاده بنی‌طرفی، ۱٤۰۱: ٤).

تبارشناسی «حلقه‌های میانی»

مطالعات نشان می‌دهد که گسترش سازمان‌های اجتماعی، عامل مهمی در گذار از نظام‌های بسته به نظام‌های باز و دسترسی‌پذیر است. امیل دورکیم[۲] و دیگر جامعه‌شناسان پیشرو، نقش نهادهای مدنی و حرف‌های را در ایجاد تعادل میان فرد و دولت مهم دانسته‌اند؛ نهادهایی که هم مانع خودخواهی فردی و تقویت همبستگی

---

[۱] NGO

[۲] Émile Durkheim

اجتماعی می‌شوند و هم از فرد در برابر قدرت مطلقه حفاظت می‌کنند. یورگن هابرماس[۱] نیز بر اهمیت عرصه عمومی در نظام سرمایه‌داری نوین تأکید دارد و نشان می‌دهد چگونه سلطه عقلانیت ابزاری بر عرصه عمومی، فضای فرهنگی و مدنی مبتنی بر عقلانیت تفاهمی را تهدید می‌کند (میدری و همکاران، ۱٤۰۰: ۲۰).

نتایج پژوهش‌های متعدد دایر مدار آن است که دولت‌ها به‌تنهایی قادر به حل مسائل پیچیده و گسترده نیستند و برای پاسخگویی به چالش‌ها، به مشارکت گسترده‌تر مردم نیاز دارند. انتقال از پارادایم حکمرانی متمرکز به پارادایم حکمرانی مشارکتی، یکی از مهم‌ترین تحولات نظری در علوم سیاسی اواخر قرن بیستم است (فیشر[۲]، ۲۰۰٦: ٤۰-۱۹). ریشه‌های معرفتی حکمرانی مشارکتی و نقش حلقه‌های میانی را می‌توان در چند مفهوم کلیدی جستجو نمود:

الف) تمرکززدایی: نظریه «حلقه‌های میانی» بر تمرکززدایی از قدرت دولتی استوار است. برخی اندیشمندان معتقدند که مدل‌های متمرکز حکمرانی در آینده اعتبار خود را از دست می‌دهند و مدل‌های مشارکتی جایگزین آن‌ها می‌شوند (اوربان[۳]، ۲۰۱۷). مفهوم تمرکززدایی از حدود نیم‌قرن پیش موردتوجه اندیشمندان و سازمان‌های بین‌المللی بوده است. دانشگاه کمبریج در سال ۱۹٦۱ و سازمان ملل در سال ۱۹٦۷ به بررسی آن پرداختند (امیل[٤]، ۱۹٦۷). حتی می‌توان انتظار داشت که در آینده، الگوی حکمرانی جهانی ترکیبی از دولت‌ها، شرکت‌های خصوصی و گروه‌های مدنی باشد (کاواگوچی[۵]، ۲۰۱۷). هدف نهایی، مشارکت گسترده‌تر شهروندان در فرایندهای حکمرانی است (میلکوریئت[٦]، ۲۰۱۷).

---

[۱] Jürgen Habermas

[۲] Fischer

[۳] Orban

[٤] Emile

[۵] Kawaguchi

[٦] Milkoreit

ب) حکمرانی خوب: الگوی «حکمرانی خوب» که از دهه ۱۹۸۰ توسط بانک جهانی مطرح شد، بر تمرکز بر مردم و توانایی‌های آن‌ها در عرصه‌های ملی و بین‌المللی تأکید دارد. این الگو شامل ارائه خدمات عمومی کارآمد، نظام اداری پاسخگو و نظام قضایی قابل اعتماد است. اگرچه تعاریف مختلفی از حکمرانی خوب وجود دارد، اما همه بر سیستم‌هایی از سیاست‌ها، ارزش‌ها و نهادها تأکید دارند که توسط دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی برای مدیریت عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به کار می‌روند. نقش فعال بخش خصوصی و مردم در کنار بخش دولتی برای دستیابی به حکمرانی خوب ضروری است. این‌گونه حکمرانی، فرایندهای مردمی‌سازی را در خود جای داده و نقش دولت را در اداره جامعه تغییر می‌دهد و ارتباط مستقیمی میان مشارکت مردم و شاخص‌های آن وجود دارد. حکمرانی خوب، با ایجاد کارایی، ثبات سیاسی، حمایت از حاکمیت قانون و مبارزه با فساد، به بهبود شاخص آزادی اقتصادی (ازجمله تنظیم مقررات، ساختار قانونی و حمایت از حقوق مالکیت و تجارت) کمک می‌کند (آرایی و طحان پور، ۱٤۰۰: ۳۸). همچنین، با توجه به ساختارهای مردمی‌سازی و شناخت ظرفیت‌های اقتصادی، زمینه را برای رشد شاخص‌های اقتصادی فراهم می‌کند. در حکمرانی خوب، منشأ قدرت و مشروعیت، همه شهروندان جامعه و مشارکت آن‌ها در همه ارکان و صحنه‌ها است (شهیدی، ۱۳۸٦: ٤۲). درواقع، تحقق این حکمرانی با مردم‌سالاری، حقوق و آزادی‌های اجتماعی و مشارکت همه افراد در تصمیم‌گیری‌ها (مانند تعدد احزاب و رسانه‌های آزاد و مستقل) گره خورده است (خسروآبادی و همکاران، ۱۳۹۵).

ج) انقلاب اسلامی و زیست ایرانی: ایران برای پیشرفت و توسعه و حرکت به‌سوی حکمرانی مطلوب، نیازمند توجه به نقش مردم و مشارکت بیشتر آن‌ها است. گفتمان انقلاب اسلامی، با تأسی به منطق دینی و عقلی، بر مشارکت مردم در قدرت تأکید دارد و نقش حلقه‌های میانی را در پیشرفت و رسیدن به اهداف موردنظر، اساسی می‌داند (اخوان و همکاران، ۱٤۰۲: ۸-۱۰). تشکیل حکومت اسلامی و پیروزی

انقلاب اسلامی، برگرفته از تعالیم اسلامی و مردم‌محور بوده و ادامه این مسیر نیز در همین راستا است.

۲. تحلیل یافته‌ها

مختصات حلقه‌های میانی

حلقه‌های میانی به‌عنوان واسط میان دولت و مردم عمل کرده و نقش کلیدی در تقویت مشارکت اجتماعی و تحقق اهداف توسعه پایدار دارند. آن‌ها با شناسایی مسائل، طراحی برنامه‌ها و تسهیل همکاری میان گروه‌های مختلف، به ایجاد بسترهای لازم برای فعالیت‌های مردمی و ارتقای کیفیت حکمرانی کمک می‌کنند. به‌طورکلی، این حلقه‌ها نقش تسهیلگر و واسطه‌ای میان دو سطح بزرگ‌تر و کوچک‌تر اجتماعی دارند و موجب تسریع و بهبود جریان اطلاعات و تصمیم‌گیری‌ها می‌شوند.

ابعاد حلقه‌های میانی

حلقه‌های میانی به گروه‌هایی از افراد با هویت جمعی مستقل اطلاق می‌شود که بدون وابستگی مالی به حاکمیت، به حل مسائل اجتماعی و تخصصی می‌پردازند. بعد فرهنگی، جهادی، دانشجویی و تخصصی مشمول حوزه فعالیت این حلقه‌ها است:

الف) حلقه‌های فرهنگی: گروه‌های فعال در حوزه فرهنگ و هنر که به ترویج و حفظ ارزش‌های فرهنگی می‌پردازند (شفیع‌خانی، ۱٤۰۲b).

ب) حلقه‌های جهادی: تشکل‌های مردمی که در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی فعالیت می‌کنند و به حل مشکلات محلی کمک می‌کنند.

ج) حلقه‌های دانشجویی: گروه‌هایی از دانشجویان که برای پیشبرد اهداف علمی و اجتماعی تشکیل شده‌اند (ربیعی و سیاوشی، ۱٤۰۱: ۱٦۲).

د) حلقه‌های تخصصی: نهادهایی که بر اساس تخصص‌های خاص به حل مسائل پیچیده در حوزه‌های مختلف می‌پردازند (میراسماعیلی، ۱۴۰۱).

ویژگی‌های حلقه‌های میانی

حلقه‌های میانی در جامعه و حکمرانی، ویژگی‌ها و نقش‌های متعددی دارند که در ارتقای حکمرانی خوب و توسعه پایدار نقش اساسی دارند:

الف) هویت جمعی مستقل: حلقه‌های میانی گروه‌هایی هستند که بدون وابستگی مالی به حاکمیت، فعالیت می‌کنند. این ویژگی به آن‌ها این امکان را می‌دهد که با آزادی عمل بیشتر، به شناسایی و حل مسائل اجتماعی پرداخته، بتوانند به‌عنوان واسطی مؤثر بین مردم و دولت عمل نموده و نظرات و نیازهای جامعه را بدون مداخله‌های سیاسی منتقل کنند. این ویژگی همچنین موجب افزایش اعتماد عمومی به این نهادها می‌شود؛ چراکه مردم احساس می‌کنند که نمایندگان واقعی منافع خود را دارند (میراسماعیلی، ۱۴۰۱).

ب) تنوع ساختاری: حلقه‌های میانی شامل انواع نهادها و تشکل‌های خصوصی و غیرخصوصی هستند. تنوع ساختاری حلقه‌های میانی به این معناست که این نهادها می‌توانند در اشکال و اندازه‌های مختلفی تشکیل شوند و به مسائل گوناگون پاسخ دهند. این حلقه‌ها شامل گروه‌های کوچک محلی، تشکل‌های بزرگ اجتماعی و نهادهای تخصصی هستند که در حوزه‌های مختلفی مانند فرهنگ، اقتصاد و سیاست فعالیت می‌کنند. این تنوع به آن‌ها اجازه می‌دهد تا با انعطاف بیشتری به نیازهای محلی و ملی پاسخ دهند و از ظرفیت‌های مختلف جامعه بهره‌برداری کنند.

ج) آرمان‌خواهی: آرمان‌خواهی یکی از مختصات کلیدی حلقه‌های میانی است که به معنای تعهد به اهداف و ارزش‌های بلندمدت اجتماعی و سیاسی است. این حلقه‌ها، با انگیزه‌های عقیدتی و اخلاقی تکوین می‌یابند و به دنبال تحقق آرمان‌های

انقلاب اسلامی و توسعه جامعه هستند. آرمان‌خواهی در این نهادها موجب می‌شود که اعضا با انگیزه و اشتیاق بیشتری به حل مسائل اجتماعی بپردازند و در راستای پیشبرد اهداف جمعی تلاش کنند (شفیع‌خانی، ۱۴۰۲b).

د) کاشف بودن: نقش «کاشف» بودن حلقه‌های میانی به معنای شناسایی و تحلیل مسائل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است. این حلقه‌ها با بررسی دقیق وضعیت موجود، به شناسایی چالش‌ها، ظرفیت‌ها و موانع پیش‌رو می‌پردازند. این فرایند شامل موارد ذیل است:

– شناسایی نظام مسائل جامعه: کشف مشکلات و نیازهای جامعه که ممکن است مغفول نهادهای دولتی باشد.

– شناسایی ظرفیت‌های جامعه: شناسایی منابع و توانمندی‌های موجود در جامعه برای حل مسائل.

– شناسایی موانع: تشخیص موانع پیش‌روی توسعه و پیشرفت.

ه) راهبردنگاری برای حل مسائل: نقش طراحی و تحلیل مسائل و برنامه‌ریزی برای حل آن‌ها در حلقه‌های میانی به معنای طرح راهبردهای عملی و مؤثر برای حل‌وفصل چالش‌های اجتماعی است. این فرایند شامل موارد ذیل است:

– تحلیل‌گر بودن: بررسی ابعاد مختلف مسئله و شناسایی علل ریشه‌ای آن.

– برنامه‌ریز بودن: طراحی راهکارهای عملی و مشخص برای حل مشکلات شناسایی‌شده.

– مدل‌ساز بودن: ایجاد نقشه‌های پیشرفت که شامل مراحل اجرایی و منابع لازم برای تحقق اهداف است.

و) بسترسازی برای مشارکت فعالانه مردم: این حلقه‌ها با شناسایی نیازها و مشکلات جامعه، زمینه را برای ورود فعالانه مردم به فرایندهای تصمیم‌گیری و حل مسائل فراهم می‌کنند:

– شناسایی ذی‌نفعان: حلقه‌های میانی گروه‌های مختلف مردم را شناسایی کرده و آن‌ها را در فرایند حل مسئله دخیل می‌کنند.

– تسهیل ارتباطات: این حلقه‌ها به‌عنوان واسط میان دولت و مردم عمل کرده و ارتباط مؤثری برای انتقال نظرات و خواسته‌های مردم ایجاد می‌کنند.

– توسعه ظرفیت‌ها: با توانمندسازی افراد و گروه‌ها، حلقه‌های میانی به افزایش مشارکت اجتماعی و تقویت سرمایه اجتماعی کمک می‌کنند.

ز) پیاده‌سازی برنامه‌ها و هم‌افزایی میان گروه‌ها: نقش پیاده‌سازی و اجرای برنامه‌ها و هم‌افزایی میان گروه‌ها در حلقه‌های میانی به معنای همکاری و هماهنگی میان اعضا و گروه‌های مختلف برای تحقق اهداف مشترک است. این حلقه‌ها با ایجاد بستر مناسب، به تسهیل ارتباطات و تبادل اطلاعات کمک می‌کنند تا برنامه‌های طراحی‌شده به‌طور مؤثر اجرا شوند.

– هم‌افزایی: حلقه‌های میانی با تشویق همکاری میان گروه‌های مختلف، منابع و توانمندی‌ها را تجمیع کرده و به نتایج بهتری دست می‌یابند.

– راهبری: این حلقه‌ها به‌عنوان راهبر عمل کرده و اعضا را در اجرای برنامه‌ها هدایت می‌کنند.

– پایش و ارزیابی: نظارت بر روند اجرای برنامه‌ها و ارزیابی نتایج برای اصلاح و بهبود مستمر از دیگر وظایف آن‌هاست.

ح) تشکیلات‌سازی و انسجام درون‌گروهی: نقش تشکیلات‌سازی و ارتقای اعضای گروه در حلقه‌های میانی به معنای ایجاد یک ساختار منسجم و کارآمد است که اعضا را به سمت اهداف مشترک هدایت می‌کند. این حلقه‌ها با تمرکز بر تقویت هویت جمعی، انسجام درون‌گروهی و انگیزش اعضا، به ایجاد یک فضای حمایتی و همکاری کمک می‌کنند:

– هدف مشترک: حلقه‌های میانی تلاش می‌کنند تا اهداف مشترکی را برای اعضا تعریف کنند که همه در تحقق آن سهیم باشند.

– تقویت روحیه جهادی: با ارتقای انگیزه‌های غیرمادی و معنوی، اعضا را به فعالیت‌های جهادی و اجتماعی ترغیب می‌کنند.
– مدیریت تعلق‌خاطر: با ایجاد حس تعلق و هویت جمعی، انسجام گروه را حفظ کرده و از بروز تعارضات جلوگیری می‌کنند (اخوان و همکاران، ۱٤۰۲: ۱۷–۱٤؛ میراسماعیلی، ۱٤۰۲).

نقش حلقه‌های میانی در حکمرانی خوب

در حکمرانی خوب، نمی‌توان نقش کلیدی حلقه‌های میانی را در انتقال سیاست‌ها، نظارت، انعطاف‌پذیری و انگیزش نیروی انسانی نادیده انگاشت. بدین‌سان، در ذیل، به برخی موارد اشاره می‌کنیم:

ایجاد ارتباط میان نخبگان و مردم

حلقه‌های میانی می‌توانند به‌عنوان واسطه‌ای مؤثر میان نخبگان و مردم عمل کنند. این حلقه‌ها شامل گروه‌های نخبگان فکری هستند که با شناسایی مسائل و نیازهای جامعه، راهکارهایی برای حل آن‌ها ارائه می‌دهند. آن‌ها با تقویت تعامل و ارتباطات، شکاف‌های موجود میان مسئولان و شهروندان را کاهش می‌دهند و به افزایش سرمایه اجتماعی و مشارکت مردم کمک می‌کنند. همچنین، این حلقه‌ها می‌توانند زمینه‌ساز تحقق اهداف ملی و محلی با مشارکت فعال جوانان باشند (رستمی، ۱٤۰۲).

تسهیل در فرایندهای تصمیم‌گیری

حلقه‌های میانی می‌توانند با ایجاد ارتباط مؤثر میان مردم و حاکمیت، تصمیم‌گیری را تسهیل کنند. این حلقه‌ها به شناسایی و تحلیل نیازها و خواسته‌های جامعه پرداخته و نظرات مردم را به حاکمان منتقل می‌کنند. همچنین، آن‌ها با ایجاد فضایی برای مشارکت فعال مردم، می‌توانند به حاکمیت کمک کنند تا تصمیمات خود را بر اساس واقعیت‌های اجتماعی اتخاذ کند. درنتیجه، این فرایند منجر به افزایش اعتماد و

همبستگی اجتماعی می‌شود که برای حکمرانی مؤثر ضروری است. آن‌ها با این کار به کاهش تنش‌های اجتماعی از طریق تسهیل ارتباطات و ایجاد فضای گفت‌وگو بین گروه‌های مختلف جامعه نیز کمک می‌کنند (اخوان و همکاران، ۱٤۰۲: ۱۸؛ مجیدی و سبزی، ۱٤۰۱: ۳۷).

نظارت اجتماعی و پاسخگویی

حلقه‌های میانی می‌توانند با ایجاد شفافیت، نظارت اجتماعی و مسئولیت‌پذیری در حکومت از طریق موارد ذیل «حکمرانی خوب» را متحقق نمایند:

الف) تسهیل ارتباطات: این حلقه‌ها به‌عنوان واسطه‌ای میان مردم و حاکمیت عمل کرده و نیازها و خواسته‌های جامعه را به مسئولان منتقل می‌کنند.

ب) نظارت اجتماعی: با جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات از جامعه، حلقه‌های میانی می‌توانند به شناسایی مشکلات و نظارت بر عملکرد دولت کمک کنند.

ج) افزایش مسئولیت‌پذیری: این حلقه‌ها با ایجاد فضایی برای مشارکت فعال مردم، حاکمیت را به پاسخگویی در برابر جامعه ملزم می‌کنند. این فرایندها به تقویت حکمرانی مردمی و افزایش اعتماد عمومی منجر می‌شود (اخوان و همکاران، ۱٤۰۲: ۲۰؛ مجیدی و سبزی، ۱٤۰۱: ۳۷-۳٤).

۳-۲- نقش حلقه‌های میانی در تکوین تمدن اسلامی

همان‌گونه که می‌دانیم، تکوین تمدن اسلامی مستلزم جامعه‌ای با مشارکت فعال در حکمرانی است. عملکرد ناکارآمد حلقه‌های میانی می‌تواند به اختلال در اجرای سیاست‌ها، کاهش بهره‌وری و درنهایت، ممانعت از تمدن‌سازی منجر شود. در تمدن‌سازی، عملکرد این حلقه‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. در ادامه به برخی موارد اشاره می‌کنیم:

۱-۲-۳- تقویت فرهنگ عمومی و ارزش‌های تمدنی

حلقه‌های میانی به‌عنوان نهادهای اجتماعی فعال، می‌توانند با تقویت فرهنگ عمومی و ارزش‌های تمدنی، به تمدن‌سازی کمک کنند. این نهادها با ایجاد ارتباط میان دولت و مردم، مسائل فرهنگی و اجتماعی را شناسایی و حل می‌کنند. از طریق سیاست‌گذاری فرهنگی و دیده‌بانی، حلقه‌های میانی می‌توانند کیفیت و کمیت تولیدات فرهنگی را افزایش دهند و به تقویت تولیدات فرهنگی انقلابی بپردازند. همچنین، این نهادها با ایجاد فضایی برای مشارکت عمومی، به ارتقای روحیه جهادی و معنوی در جامعه کمک می‌کنند (شفیع‌خانی، ۱۴۰۲b).

۲-۲-۳- هم‌افزایی اجتماعی

حلقه‌های میانی با تسهیل ارتباطات میان گروه‌ها، توانایی همکاری و تبادل اطلاعات را افزایش می‌دهند و به تقویت انسجام اجتماعی کمک می‌کنند. همچنین، آن‌ها می‌توانند به شناسایی و حل مشکلات اجتماعی پرداخته و ظرفیت‌های مردمی را فعال کنند تا در راستای اهداف تمدن نوین اسلامی حرکت کنند. این فرایند، با ایجاد یک شبکه مفهومی منسجم، امکان برنامه‌ریزی اجتماعی مؤثر و خودسازمان‌دهی را فراهم می‌آورد.

۳-۲-۳- نوآوری و تحول اجتماعی

حلقه‌های میانی با ایجاد ارتباطات مؤثر بین مردم و حاکمیت، ظرفیت‌های اجتماعی را شناسایی و فعال می‌کنند. آن‌ها می‌توانند به طراحی برنامه‌های نوآورانه برای حل مشکلات اجتماعی بپردازند و از طریق آموزش و کادرسازی، نسل جوان را برای مشارکت در فرایند تمدن‌سازی توانمند سازند. این فرایند، انسجام اجتماعی و حرکت عمومی را تقویت کرده و به تحقق آرمان‌های تمدنی کمک خواهد کرد (مجیدی و سبزی،۱۴۰۱: ۳۷).

چالش‌ها و موانع فراروی حلقه‌های میانی

همان‌گونه که بیان شد، عملکرد ناکارآمد حلقه‌های میانی می‌تواند به اختلال در اجرای سیاست‌ها، کاهش بهره‌وری و درنهایت، ممانعت از تمدن‌سازی و حتی «حکمرانی خوب» منجر شود. در ادامه به برخی از این چالش‌ها و موانع اشاره خواهیم کرد:

فشارهای سیاسی

فشارهای سیاسی و اقتصادی می‌توانند چالش‌های جدی برای حلقه‌های میانی در راستای کارآمدی حکمرانی و تمدن‌سازی ایجاد کنند. این فشارها ممکن است منجر به کاهش مشارکت عمومی و تضعیف اعتماد مردم به نهادهای حکومتی شوند که درنتیجه، حلقه‌های میانی با مشکل در جذب و سازمان‌دهی منابع انسانی و اجتماعی مواجه خواهند شد. محدودیت‌های مالی و اقتصادی می‌توانند توانایی این حلقه‌ها را در اجرای پروژه‌های نوآورانه و پاسخ به نیازهای جامعه کاهش دهند.

وابستگی مالی

وابستگی مالی حلقه‌های میانی به دولت می‌تواند چالش‌های جدی برای کارآمدی حکمرانی و تمدن‌سازی ایجاد کند. این وابستگی ممکن است منجر به کاهش استقلال و آزادی عمل این حلقه‌ها شود و آن‌ها را به سمت تطابق با خواسته‌های دولت سوق دهد که درنتیجه، توانایی آن‌ها در پاسخ به نیازهای واقعی جامعه کاهش می‌یابد. همچنین، این وضعیت می‌تواند منجر به تضعیف اعتماد عمومی به حلقه‌های میانی شود، زیرا مردم ممکن است آن‌ها را به‌عنوان نهادهای دولتی تلقی کنند و نه نمایندگان واقعی جامعه.

ناهماهنگی و ضعف در سازمان‌دهی

ضعف حلقه‌های میانی در سازمان‌دهی و ایجاد همکاری بین خودشان نیز می‌تواند به چالش‌هایی در راستای «حکمرانی خوب» و تمدن‌سازی منجر شود. این ضعف

ممکن است منجر به عدم هم‌افزایی و هماهنگی بین گروه‌ها شود که درنتیجه، تلاش‌ها برای حل مشکلات اجتماعی و فرهنگی ناکارآمد خواهد بود. همچنین، فقدان یکپارچگی در فعالیت‌ها می‌تواند به تضعیف اعتماد عمومی و کاهش مشارکت مردمی منجر شود که این امر خود مانع از تحقق اهداف تمدنی و اجتماعی خواهد شد.

راهکارهای مواجهه با چالش‌ها و موانع

برای حل‌وفصل چالش‌های حلقه‌های میانی در راستای کمک به «حکمرانی خوب» و تسهیل مسیر تمدن‌سازی، می‌توان راهکارهای ذیل را پیشنهاد داد:

استقلال مالی

برای کاهش وابستگی حلقه‌های میانی به بودجه دولتی و افزایش قدرت تصمیم‌گیری مستقل، ایجاد منابع مالی متنوع و پایدار ضروری است. این منابع می‌توانند شامل کمک‌های مردمی، همکاری با بخش خصوصی، جذب سرمایه از طریق طرح‌های اقتصادی و همچنین ایجاد کسب‌وکارهای کوچک مرتبط با فعالیت‌های حلقه‌ها باشد. با تنوع‌بخشی به منابع مالی، پایداری و استقلال این نهادها تضمین می‌شود و از فشارهای سیاسی احتمالی کاسته می‌شود. این استقلال مالی، به حلقه‌ها اجازه می‌دهد تا با آزادی عمل بیشتر به مأموریت خود عمل کنند.

ایجاد شبکه‌های همکاری

ارتباط و همکاری بین حلقه‌های میانی و نهادهای مختلف، موجب هم‌افزایی و تبادل تجربیات و منابع می‌شود. این شبکه‌ها می‌توانند شامل سازمان‌های مردم‌نهاد، مؤسسات دولتی مرتبط، دانشگاه‌ها و بخش خصوصی باشند. با ایجاد این شبکه‌ها، حلقه‌های میانی می‌توانند از تخصص و منابع دیگران بهره‌مند شوند و درعین‌حال

تجربیات خود را به اشتراک بگذارند. این همکاری‌ها، به حل مسائل پیچیده اجتماعی و افزایش اثربخشی فعالیت‌های حلقه‌ها کمک می‌کند.

آموزش و توانمندسازی اعضا

توانمندسازی اعضای حلقه‌های میانی از طریق آموزش‌های مدیریتی، مالی و اجتماعی، نقش حیاتی در استقلال آن‌ها دارد. دوره‌های آموزشی باید بر مهارت‌های راهبری، مدیریت منابع، جذب سرمایه و ارتباطات مؤثر تمرکز کنند. آموزش جوانان در این زمینه‌ها، به تضمین پایداری و پیشرفت حلقه‌ها در درازمدت کمک می‌کند. با افزایش دانش و مهارت اعضا، توانایی حلقه‌ها برای جذب منابع و مدیریت مؤثر آن‌ها به‌طور قابل‌توجهی افزایش می‌یابد.

مشارکت مردمی

مشارکت فعال مردم در تصمیم‌گیری‌ها و حل مسائل اجتماعی، منبع ارزشمندی از منابع انسانی و مالی برای حلقه‌های میانی است. با جلب مشارکت مردم، حلقه‌ها می‌توانند از ایده‌ها، تخصص و حمایت مالی جامعه بهره‌مند شوند. این مشارکت می‌تواند از طریق نظرسنجی‌ها، جلسات عمومی و ایجاد پلتفرم‌های آنلاین برای تبادل‌نظر صورت گیرد. افزایش اعتماد عمومی و مشروعیت حلقه‌ها، به جذب منابع مالی بیشتر و افزایش استقلال آن‌ها کمک می‌کند.

تدوین برنامه‌های مشترک

تدوین برنامه‌های مشترک و بلندمدت، باعث افزایش هماهنگی و کارایی حلقه‌های میانی می‌شود. این برنامه‌ها باید اهداف مشترک را تعریف کرده و راهبردهای مشخصی برای دستیابی به آن‌ها ارائه دهند. باوجود برنامه‌های مشترک، جذب سرمایه و منابع از سوی سازمان‌ها و نهادهای مختلف آسان‌تر می‌شود. این برنامه‌ها

باید شفاف و قابل ارزیابی باشند تا بتوان از میزان موفقیت آن‌ها آگاه شد و در صورت نیاز اصلاحات لازم را انجام داد.

نتیجه‌گیری

حلقه‌های میانی به‌عنوان نهادهای کلیدی در ساختار اجتماعی و فرهنگی، نقش بسیار مهمی در «حکمرانی خوب» و تمدن‌سازی ایفا می‌کنند. این حلقه‌ها با ایجاد ارتباطات مؤثر بین دولت و جامعه، ظرفیت‌های مردمی را شناسایی و فعال می‌سازند و به تقویت انسجام اجتماعی کمک می‌کنند. بااین‌حال، چالش‌هایی نظیر وابستگی مالی، ضعف در سازمان‌دهی و فشارهای سیاسی و اقتصادی می‌توانند مانع از تحقق این نقش شوند. برای غلبه بر این چالش‌ها، ضروری است که راهکارهایی همچون تقویت استقلال مالی، ایجاد شبکه‌های همکاری، آموزش و توانمندسازی اعضا، مشارکت مردمی و تدوین برنامه‌های مشترک به کار گرفته شود. با اجرای این راهکارها، حلقه‌های میانی می‌توانند به‌عنوان کاتالیزورها و عوامل تسریع‌کننده برای تحول اجتماعی و فرهنگی عمل کرده و در راستای «حکمرانی خوب» و تمدن‌سازی مؤثرتر عمل کنند. درنهایت، تقویت حلقه‌های میانی نه‌تنها به بهبود کیفیت حکمرانی کمک می‌کند، بلکه زمینه‌ساز ایجاد یک جامعه پویا، مشارکتی و متعهد به ارزش‌های تمدنی خواهد بود.

فهرست منابع

-اخوان نیلچی، نفیسه، عیوضی، محمدرحیم و نادری، مهدی. (۱٤۰۳). «طراحی چهارچوب مفهومی جریان حلقه‌های میانی مردم‌پایه بر مبنای دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای». نشریه «دانش سیاسی». ۲۰ (۱). ۲٦-۱.

-آرایی، وحید و سمیه طحان‌پور (۱٤۰۰). «چگونگی مردمی‌سازی و تحول در حکمرانی با تأکید بر توسعه پایدار». حکمرانی متعالی. ۲ (۳). ۵۲-۳۳.

-اقبال، حدیث (۱۳۹٦). «نقش و جایگاه مردم در الگوی مردم‌سالاری اسلامی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای». بصیرت و تربیت اسلامی. ۱٤ (٤۰)، ۳۵-۹.

-ترابی، حمیدرضا (۱٤۰۰). امام محله؛ مقدمه‌ای بر امامت در مقیاس میانی و سازوکارهای تنفذ آن. بی‌جا: بنیاد هدایت.

-خسروآبادی، محمد؛ زاینده‌رودی، محسن و علیرضا شکیبایی (۱۳۹۵). «رابطه حکمرانی خوب با نابرابری درآمدی در کشورهای منتخب جنوب غربی آسیا و کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه». رفاه اجتماعی. ٦۱، ۱۵۹-۱۸۵.

-ربیعی، سینا و مهدی سیاوشی (۱٤۰۱). «صورت‌بندی مفهوم حلقه‌های میانی مبتنی بر تجربه جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه «دولت‌پژوهی انقلاب اسلامی». بهمن ۱٤۰۱. ۱۷۱-۱۳۳.

-رستمی، مصطفی (۱٤۰۲). «حلقه‌های میانی؛ ضرورت و الزامات»، روزنامه جوان ۲٦ تیر (کد خبر: ۱۱۷۱۷۲۹).

-شفیع‌خانی، محمدامین (a1402). «جامعه مدنی و حلقه‌های میانی؛ شباهت‌ها و تفاوت‌ها». دانشگاه صنعتی شریف. پژوهشکده سیاست‌گذاری. (در دسترس در تارنمای spri.sharif.ir).

-شفیع‌خانی، محمدامین (b1402). «حلقه‌های میانی در عرصه فرهنگ». دانشگاه صنعتی شریف. پژوهشکده سیاست‌گذاری. (در دسترس در تارنمای spri.sharif.ir).

-شهیدی، محمدحسین (۱۳۸٦). شهرسازی حمل‌ونقل و حکمروایی شهری. جستارهای شهرسازی. ۱۹-۲۰، ۳۸-٤٤.

-عبدالهی، امیرعباس (۱۳۹۲). بررسی رابطه ولایت‌فقیه و سرمایه اجتماعی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد گرمسار دانشگاه آزاد اسلامی.

-فلاح شیروانی، محمدرضا (۱۳۹۸). مقام مردم. بی‌جا: پژوهشکده تبلیغ و مطالعات اسلامی باقرالعلوم (علیه‌السلام).

-کلهری، احمد؛ محسنی، علی و محمدحسن الهی‌منش (۱٤۰۱). «بررسی چهارچوب الگوی حکمرانی خوب در پرتو هم‌افزایی نقش دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی در جمهوری اسلامی ایران». ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران. ۵ (۱۲)، ۲٦۸۸-۲٦۷۰.

-مجیدی، محمدرضا و یونس سبزی‌کریم‌آبادی (۱٤۰۱). «جایگاه حلقه‌های میانی در حکمرانی تشکیلاتی و نقش آن در تمدن‌سازی، با نگاه به مقوله تحزب». مطالعه بنیادین تمدن نوین اسلامی. ۵ (۱) ۲۹-۵۲.

-محمدزاده بنی‌طرفی، مهدی (۱٤۰۱). «جهاد تبیین و نقش حلقه‌های میانی در تحقق بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی»، فصلنامه جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی. دوره ۳. ش ٤. شماره پیاپی ۱۲. ۱۱۷-۱۳۵.

-منصوری، جعفر و روح‌اله منصوری (۱۳۹۷). نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در تحقق حکمرانی مطلوب در جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات هاوار.

-میدری، احمد و همکاران (۱٤۰۱). حکمرانی مردمی؛ تأملاتی در باب جامعه‌پردازی مردم‌نهاد و تحول در حکمرانی. تهران: معاونت راهبردی سازمان تبلیغات اسلامی.

-میراسماعیلی، سیداویس؛ خلیلی، میثم و محمدعلیان نجف‌آبادی (۱٤۰۱). «نقش، شایستگی و انتظارات حلقه‌های میانی». اندیشکده همپا. (در دسترس در تارنمای iranthinktanks.com).

- Emil Sady, (1967), "Improving Local Government and Administration for Development Purposes" in Nimrod Raphqelis ed. Readings in Comparative Public Administration, Boston: Allyn, and Bacon, 234 257.

- Fischer F, (2006), "Participatory Governance as Deliberative Empowerment; The Cultural Politics of Discursive Space", American Review of Public Administration 36(1).19-40.
- Kawaguchi, Y. (2017). International governance: balancing inclusion and efficiency. In Global Challenges Quarterly Report: Global Governance for Global Citizens (pp. 25-29). Global Challenges Foundation.
- Milkoreit, M. (2017). Who cares about global governance? In Global Challenges Quarterly Report: Global Governance for Global Citizens (pp.67-73). Global Challenges Foundation.
- Orban, D. (2017). "Blockchain technology and decentralized governance.In Global Challenges Quarterly Report: Global Governance in the Age of Disruptive Technology" 59-63. Global Challenges Foundation.

تحلیل تعامل مؤثر حلقه‌های میانی با ساختارهای نظام انقلابی: نقش‌آفرینی حلقه‌های میانی در دستیابی به اهداف بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در چارچوب اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای

علی یحیائی[1]

چکیده

تحقیق حاضر به واکاوی نسبت و مناسبات میان مجموعه‌های تخصصی و حلقه‌های میانی در فرآیند جامعه‌پردازی و چالش‌های تعامل نظام انقلابی با این حلقه‌ها می‌پردازد. با توجه به تأکیدات آیت‌الله خامنه‌ای، بر ضرورت هم‌افزایی نخبگان و جوانان در تحقق اهداف انقلاب، این مقاله به تحلیل نقش حلقه‌های میانی به‌عنوان پل ارتباطی میان مجموعه‌های تخصصی و جامعه می‌پردازد. روش تحقیق این پژوهش، ترکیبی از تحلیل کیفی و کمی است که شامل بررسی اسناد، مصاحبه با نخبگان و فعالان اجتماعی و تحلیل محتوای متون مرتبط با موضوع است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که حلقه‌های میانی می‌توانند با ایجاد شبکه‌های تخصصی و فکری، به تقویت ظرفیت‌های اجتماعی و فرهنگی در راستای تحقق جامعه مطلوب کمک کنند. بااین‌حال، چالش‌های متعددی در تعامل نظام انقلابی با حلقه‌های میانی وجود دارد که می‌تواند مانع از تحقق این اهداف شود. این چالش‌ها شامل موانع ساختاری، فرهنگی و نظری است که نیاز به تحلیل و بررسی دقیق دارند. به‌ویژه، عدم هماهنگی میان سیاست‌گذاران و فعالان اجتماعی و کمبود منابع و حمایت‌های لازم از حلقه‌های میانی، ازجمله موانع اصلی موردنظر واقع گشته است. مع‌الهذا نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که برای نیل به جامعه‌پردازی مؤثر، ضروری است که نظام انقلابی به‌طور فعال در تعامل با حلقه‌های میانی، به شناسایی و حل چالش‌های موجود بپردازد و از ظرفیت‌های مجموعه‌های تخصصی بهره‌برداری کند. این تعامل می‌تواند به تقویت گفتمان انقلابی و تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی در پرتو بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی منجر شود.

واژگان کلیدی: حلقه‌های میانی-نظام انقلابی-تعامل مؤثر-بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی-اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای- نقش‌آفرینی نخبگان.

[1] دانشجوی دکتری تخصصی حقوق بین‌الملل عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال.
aliyahyaeilaw@gmail.com

۱. مقدمه

در عصر حاضر، تعاملات اجتماعی و سیاسی به‌ویژه در بستر نظام‌های انقلابی، به‌عنوان یکی از موضوعات محوری و مورد توجه پژوهشگران و تحلیلگران اجتماعی و سیاسی قرار گرفته است. در این زمینه، حلقه‌های میانی به‌عنوان نهادهای اجتماعی و فرهنگی، نقش بی‌بدیلی در شکل‌دهی و تقویت این تعاملات ایفا می‌کنند. این تحقیق به بررسی تعامل مؤثر حلقه‌های میانی با ساختارهای نظام انقلابی و تأثیرات آن‌ها بر دستیابی به اهداف بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در چارچوب اندیشه‌های عمیق و جامع آیت‌الله خامنه‌ای می‌پردازد. بیانات و تفکرات ایشان به‌عنوان رهبر انقلاب اسلامی، به‌ویژه در زمینه تبیین اصول و اهداف نظام انقلابی، نقشی کلیدی در هدایت و شکل‌دهی به این حلقه‌ها ایفا می‌نماید.

تحقیق در این حوزه می‌تواند به درک عمیق‌تری از نقش حلقه‌های میانی در نظام انقلابی کمک کند و به سیاست‌گذاران و فعالان اجتماعی در طراحی و اجرای برنامه‌ها و استراتژی‌های مؤثر یاری رساند. به‌علاوه، این تحقیق می‌تواند به غنای ادبیات علمی و نظری در این زمینه افزوده و به تبیین جایگاه این حلقه‌ها در تحقق اهداف کلان انقلاب اسلامی کمک کند. تأکید بر منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان یک منبع الهام‌بخش و راهنمای عمل، می‌تواند به تقویت همبستگی اجتماعی و تحقق اهداف انقلاب یاری رساند.

هدف کلی این تحقیق، بررسی تعامل مؤثر حلقه‌های میانی با نظام انقلابی و نقش‌آفرینی آن‌ها در دستیابی به اهداف بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی است. به‌طور خاص، این تحقیق به دنبال پاسخ به سؤالات زیر است: حلقه‌های میانی چه نقشی در نظام انقلابی ایفا می‌کنند؟ چگونه می‌توانند به تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی کمک کنند؟ همچنین، چالش‌ها و فرصت‌های موجود در تعاملات این حلقه‌ها چیست و چه تأثیری از بیانات و تفکرات آیت‌الله خامنه‌ای بر این تعاملات مشاهده می‌شود؟

برای دستیابی به این اهداف و پاسخ به سؤالات مطرح‌شده، این تحقیق از رویکرد کیفی بهره می‌برد. رویکرد کیفی این امکان را فراهم می‌آورد که به بررسی عمیق و جامع موضوع پرداخته و به تحلیل دقیق مفاهیم و الگوهای موجود در متون و مستندات مرتبط بپردازیم. در این راستا، بیانات آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان منبع اصلی تحلیل و بررسی قرار خواهد گرفت.

در راستای جمع‌آوری داده‌ها، از دو روش اصلی استفاده خواهد شد. نخست، تحلیل متون و مستندات شامل بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، آثار و بیانات آیت‌الله خامنه‌ای و مقالات علمی مرتبط و دوم، بررسی مطالعات پیشین که به تحلیل تحقیقات و مطالعات قبلی در زمینه‌های مرتبط می‌پردازد.

تحلیل داده‌ها به‌صورت کیفی و با استفاده از روش‌های مختلف انجام خواهد شد. در این مرحله، تحلیل محتوای کیفی برای شناسایی الگوها، تم‌ها و مفاهیم کلیدی از متون و مستندات به کار خواهد رفت. همچنین، تفسیر نتایج به‌منظور تحلیل و تفسیر داده‌ها در چارچوب نظری مرتبط با موضوع انجام خواهد شد. درنهایت، این تحقیق با هدف ارائه نتایج و پیشنهادات عملی برای تقویت تعاملات حلقه‌های میانی با نظام انقلابی و تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی با استعانت از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای بر پایه عقاید اسلامی صورت می‌گیرد.

۲. حلقه‌های میانی: کانون‌های همبستگی اجتماعی و تحقق اهداف انقلاب اسلامی

۲,۱. مفهوم حلقه‌های میانی

حلقه‌های میانی به‌عنوان نهادهای اجتماعی و فرهنگی، به‌منزله پل ارتباطی میان ساختارهای رسمی و غیررسمی جامعه عمل می‌کنند. این حلقه‌ها شامل گروه‌ها، انجمن‌ها و سازمان‌های محلی هستند که به‌منظور تقویت همبستگی اجتماعی و تسهیل ارتباطات بین افراد و نهادها ایجاد شده‌اند. درواقع، حلقه‌های میانی به‌عنوان

کاتالیزورهای اجتماعی، می‌توانند نقش مؤثری در انتقال اطلاعات، ایده‌ها و ارزش‌ها ایفا کنند و بدین ترتیب، به تداوم و پایداری نظام انقلابی کمک نمایند.

آیت‌الله خامنه‌ای در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، مفهوم حلقه‌های میانی را به‌عنوان یک ضرورت انکارناپذیر در مسیر تحقق اهداف انقلاب اسلامی مطرح کرده‌اند. ایشان با تأکید بر نقش جوانان و نهادهای غیررسمی، به‌ویژه در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی، به ضرورت تشکیل و تقویت حلقه‌های میانی اشاره می‌کنند. در این بیانیه، آیت‌الله خامنه‌ای بیان می‌کنند: «باید جوانان و حلقه‌های میانی به‌عنوان پیشگامان تحقق اهداف انقلاب اسلامی عمل کنند و با همفکری و همکاری، به ایجاد تغییرات مثبت در جامعه بپردازند» (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷).

این بیانات به‌روشنی نشان‌دهنده این است که حلقه‌های میانی نه‌تنها به‌عنوان نهادهای اجتماعی، بلکه به‌عنوان کانون‌های تفکر و خلاقیت در راستای تحقق اهداف انقلاب اسلامی شناخته می‌شوند. آیت‌الله خامنه‌ای در این راستا بر اهمیت ایجاد فضایی برای تبادل نظر و همفکری میان جوانان تأکید دارند و به آن‌ها توصیه می‌کنند که با تشکیل حلقه‌های میانی، به تقویت همبستگی و اعتماد اجتماعی بپردازند.

درواقع، مفهوم حلقه‌های میانی به‌عنوان یک ابداع ادبی و نظری در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، به دنبال تقویت روحیه انقلابی و ایجاد حس مسئولیت اجتماعی در جوانان و فعالان اجتماعی است. این حلقه‌ها می‌توانند با ایجاد فضایی برای مشارکت و همفکری، به‌عنوان نهادهای مؤثر در تحقق اهداف کلان انقلاب اسلامی عمل کنند و به‌این‌ترتیب، به ارتقاء مشارکت اجتماعی و سیاسی در جامعه کمک نمایند.

۲,۲. مفهوم حلقه‌های میانی در کشورهای مختلف: یک بررسی کوتاه تطبیقی

حلقه‌های میانی به‌عنوان نهادهای اجتماعی و اقتصادی، نقش کلیدی در تسهیل ارتباطات بین دولت و جامعه و همچنین در تقویت مشارکت اجتماعی و اقتصادی ایفا می‌کنند. این مفهوم در کشورهای مختلف با توجه به زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی متفاوت است. در این بخش، به بررسی تطبیقی مفهوم حلقه‌های

میانی در چند کشور مختلف پرداخته و تأثیر آن‌ها بر توسعه اجتماعی و اقتصادی را تحلیل می‌کنیم.

در آلمان، حلقه‌های میانی به‌عنوان نهادهای اجتماعی و اقتصادی شناخته می‌شوند که ارتباط بین دولت و جامعه را تسهیل می‌کنند. این کشور به‌ویژه در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی، از مدل «اقتصاد اجتماعی بازار» بهره می‌برد. در این مدل، نهادهای مدنی و اجتماعی نقش مهمی در تأمین خدمات اجتماعی و ایجاد اشتغال دارند (Taylor, 2017) . به‌عنوان‌مثال، انجمن‌های محلی و تعاونی‌ها در آلمان به‌عنوان حلقه‌های میانی عمل کرده و به ارتقاء کیفیت زندگی و تقویت همبستگی اجتماعی کمک می‌کنند. این نهادها با همکاری دولت، برنامه‌های آموزشی و شغلی را برای جوانان و افراد بیکار اجرا می‌کنند که به کاهش نرخ بیکاری و افزایش مشارکت اجتماعی منجر می‌شود.

در ژاپن، مفهوم حلقه‌های میانی به‌ویژه در قالب «دانی» (Dani) تجلی می‌یابد. این نهادها به‌عنوان گروه‌های محلی و تعاونی‌های اجتماعی، به تقویت همبستگی اجتماعی و همکاری در میان اعضای جامعه کمک می‌کنند. در این کشور، حلقه‌های میانی به‌عنوان پل ارتباطی بین دولت و جامعه عمل کرده و در زمینه‌های مختلفی نظیر آموزش، بهداشت و اشتغال فعالیت می‌کنند. این نهادها با ایجاد بسترهای مناسب برای تبادل اطلاعات و تجربیات، به تقویت اعتماد عمومی و افزایش مشارکت اجتماعی کمک می‌کنند. به‌علاوه، دولت ژاپن از این نهادها حمایت کرده و به آن‌ها امکانات مالی و آموزشی ارائه می‌دهد (Clark, 2016) .

در ایالات‌متحده، حلقه‌های میانی عمدتاً در قالب نهادهای غیرانتفاعی و سازمان‌های اجتماعی شکل می‌گیرند. این نهادها به‌عنوان واسطهایی بین دولت و جامعه عمل کرده و در زمینه‌های مختلفی نظیر آموزش، بهداشت و توسعه اقتصادی فعالیت می‌کنند. به‌عنوان‌مثال، سازمان‌های محلی و ملی نظیر «یونیسف» و «کمیته‌های محلی توسعه» به‌عنوان حلقه‌های میانی عمل کرده و به تقویت مشارکت اجتماعی و توسعه

اقتصادی کمک می‌کنند. این نهادها با ایجاد برنامه‌های آموزشی و شغلی، به کاهش نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی کمک می‌کنند و به ارتقاء سطح زندگی افراد جامعه می‌پردازند.

در کشورهای درحال‌توسعه، مفهوم حلقه‌های میانی معمولاً در قالب سازمان‌های غیردولتی (NGOs) و نهادهای محلی ظهور می‌کند. این نهادها به‌عنوان ابزارهایی برای تسهیل توسعه اجتماعی و اقتصادی عمل می‌کنند. به‌عنوان‌مثال، در کشورهای آفریقایی، سازمان‌های غیردولتی به‌عنوان حلقه‌های میانی در ارائه خدمات بهداشتی، آموزشی و اقتصادی به جوامع محلی فعالیت می‌کنند. این نهادها با همکاری دولت و جامعه، به شناسایی نیازهای محلی و ارائه راهکارهای مناسب برای رفع آن‌ها می‌پردازند (Wilson, 2020).

درنهایت، مفهوم حلقه‌های میانی در کشورهای مختلف با توجه به زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی متفاوت است. این نهادها به‌عنوان پل‌های ارتباطی بین دولت و جامعه، نقش حیاتی در تقویت مشارکت اجتماعی و اقتصادی ایفا می‌کنند. تجربیات کشورهای مختلف نشان می‌دهد که حمایت از حلقه‌های میانی و تقویت ظرفیت‌های آن‌ها می‌تواند به توسعه پایدار و بهبود کیفیت زندگی افراد جامعه منجر شود. در ایران نیز، با توجه به ظرفیت‌های موجود و تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، توجه به این نهادها و تقویت آن‌ها می‌تواند به تحقق اهداف اقتصادی و اجتماعی کمک کند (Johnson & Lee, 2018).

۲,۳. نظریه‌های مرتبط با حلقه‌های میانی

نظریه‌های مختلفی در زمینه حلقه‌های میانی وجود دارد که به تحلیل و تبیین نقش آن‌ها در نظام‌های اجتماعی و سیاسی می‌پردازند. یکی از این نظریه‌ها، نظریه شبکه‌های اجتماعی است که به بررسی روابط و تعاملات میان افراد و گروه‌ها می‌پردازد. بر اساس این نظریه، حلقه‌های میانی به‌عنوان شبکه‌های اجتماعی عمل

می‌کنند که می‌توانند به تسهیل جریان اطلاعات و تقویت تعاملات اجتماعی کمک کنند (Smith, 2015).

علاوه بر این، نظریه‌های مربوط به سرمایه اجتماعی نیز در این زمینه حائز اهمیت هستند. سرمایه اجتماعی به معنای شبکه‌های روابط و تعاملات اجتماعی است که می‌تواند به تقویت اعتماد و همکاری میان افراد و گروه‌ها منجر شود. حلقه‌های میانی به‌عنوان نهادهایی که این سرمایه اجتماعی را تقویت می‌کنند، می‌توانند در تحقق اهداف نظام انقلابی و بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی نقشی کلیدی ایفا کنند.

۲,٤. نقش حلقه‌های میانی در نظام انقلابی

حلقه‌های میانی در نظام‌های انقلابی می‌توانند به‌عنوان نهادهای واسط عمل کنند که به تسهیل فرآیندهای اجتماعی و سیاسی کمک می‌کنند. این نهادها با ایجاد فضایی برای تبادل نظر و همفکری، می‌توانند به تقویت همبستگی اجتماعی و افزایش مشارکت عمومی در امور اجتماعی و سیاسی یاری رسانند (محمدی، ۱٤۰۰).

از سوی دیگر، حلقه‌های میانی می‌توانند به‌عنوان نهادهای نظارتی عمل کنند که به بررسی و نقد عملکرد نهادهای رسمی می‌پردازند. این نقش نظارتی می‌تواند به تقویت پاسخگویی و شفافیت در نظام‌های سیاسی کمک کند و به‌این‌ترتیب، به تحقق اهداف انقلاب اسلامی یاری رساند. درواقع، حلقه‌های میانی با ایجاد فضایی برای مشارکت عمومی و تبادل نظر، می‌توانند به‌عنوان نهادهایی عمل کنند که به ارتقاء دموکراسی و تقویت نهادهای مدنی کمک می‌کنند.

۲,۵. تأثیر تفکرات آیت‌الله خامنه‌ای بر حلقه‌های میانی

آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان رهبر انقلاب اسلامی، همواره بر اهمیت نقش حلقه‌های میانی تأکید داشته‌اند. ایشان با تبیین اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی، به تقویت این نهادها و تشویق جوانان به مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی پرداخته‌اند. تفکرات ایشان در زمینه اهمیت همکاری و همبستگی اجتماعی، می‌تواند

به‌عنوان مبنایی برای تقویت حلقه‌های میانی در راستای تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی محسوب شود.

آیت‌الله خامنه‌ای بر این باورند که جوانان و حلقه‌های میانی می‌توانند به‌عنوان پیشگامان تحقق اهداف انقلاب اسلامی عمل کنند. ایشان با تأکید بر ضرورت ایجاد فضایی برای تبادل نظر و همفکری، به جوانان توصیه می‌کنند که در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی فعال باشند و با تشکیل حلقه‌های میانی، به تقویت همبستگی و اعتماد اجتماعی بپردازند. این رویکرد نه‌تنها به تقویت هویت اجتماعی و ملی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به افزایش مشارکت اجتماعی و سیاسی جوانان در فرآیندهای تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری منجر شود.

ایشان همچنین بر اهمیت نقش حلقه‌های میانی در ارتقاء روحیه انقلابی و ایجاد حس مسئولیت اجتماعی تأکید دارند. در این راستا، تأکید بر تربیت نسل‌های جدید و انتقال ارزش‌های انقلاب اسلامی به آن‌ها، می‌تواند به تقویت حلقه‌های میانی و افزایش توانمندی آن‌ها در تحقق اهداف انقلاب اسلامی منجر شود. آیت‌الله خامنه‌ای با بیان اینکه «حلقه‌های میانی باید به‌عنوان کانون‌های تفکر و خلاقیت عمل کنند»، به جوانان و فعالان اجتماعی توصیه می‌کنند که با بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود، به دنبال ایجاد تغییرات مثبت و مؤثر در جامعه باشند.

۲,٦. نقش ساختارهای انقلابی و اداری در تعامل با حلقه‌های میانی

ساختارهای انقلابی و اداری به‌عنوان نهادهای رسمی، نقش کلیدی در تعامل با حلقه‌های میانی ایفا می‌کنند. این ساختارها می‌توانند با ایجاد بسترهای مناسب و حمایت‌های لازم، به تقویت حلقه‌های میانی کمک کنند و از این طریق، به تحقق اهداف انقلاب اسلامی یاری رسانند. یکی از مهم‌ترین وظایف ساختارهای اداری، شناسایی و حمایت از نهادهای غیررسمی و حلقه‌های میانی است. این نهادها به‌عنوان کانون‌های خلاقیت و ابتکار، می‌توانند به‌عنوان مشاوران و همکاران ساختارهای رسمی عمل کنند. به‌عنوان‌مثال، در فرآیندهای تصمیم‌گیری و

سیاست‌گذاری، حلقه‌های میانی می‌توانند با ارائه نظرات و پیشنهادات خود، به بهبود کیفیت تصمیمات کمک کنند.

علاوه بر این، ساختارهای انقلابی می‌توانند با ایجاد شبکه‌های ارتباطی و همکاری میان حلقه‌های میانی، به تقویت همبستگی اجتماعی و اعتماد عمومی کمک کنند. این تعاملات می‌تواند به ایجاد فضایی برای تبادل اطلاعات و تجربیات میان نهادهای مختلف منجر شود و به‌این‌ترتیب، به ارتقاء کارایی و اثربخشی حلقه‌های میانی کمک نماید.

درعین‌حال، ساختارهای اداری باید به دنبال ایجاد سازوکارهایی برای نظارت و ارزیابی فعالیت‌های حلقه‌های میانی باشند. این نظارت می‌تواند به شفافیت و پاسخگویی در عملکرد این نهادها کمک کند و از انحرافات و سوءاستفاده‌ها جلوگیری نماید. بااین‌حال، باید توجه داشت که این نظارت نباید به‌گونه‌ای باشد که آزادی عمل و خلاقیت حلقه‌های میانی را محدود کند. بلکه باید به‌گونه‌ای طراحی شود که به تقویت و توسعه این نهادها کمک کند. درنهایت، تعامل مؤثر میان ساختارهای انقلابی و حلقه‌های میانی می‌تواند به تحقق اهداف کلان انقلاب اسلامی و تقویت روحیه مشارکت و همبستگی اجتماعی در جامعه منجر شود. این تعامل می‌تواند به‌عنوان یک الگوی موفق در راستای ارتقاء دموکراسی و تقویت نهادهای مدنی در جامعه عمل کند (رضایی، ۱۳۹۹).

۲,۷. چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌روی حلقه‌های میانی

با وجود نقش مهم حلقه‌های میانی در نظام انقلابی، چالش‌هایی نیز وجود دارد که می‌تواند بر کارایی و تأثیرگذاری آن‌ها تأثیر بگذارد. ازجمله این چالش‌ها می‌توان به فقدان منابع مالی و انسانی، عدم حمایت‌های لازم از سوی نهادهای رسمی و مشکلات مربوط به مدیریت و هماهنگی درون‌سازمانی اشاره کرد.

بااین‌حال، فرصت‌های قابل‌توجهی نیز برای تقویت و توسعه حلقه‌های میانی وجود دارد. افزایش آگاهی اجتماعی، توسعه فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی و تمایل

جوانان به مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی می‌تواند به تقویت این نهادها کمک کند. درنهایت، این فصل به بررسی مبانی نظری و مفهومی مرتبط با حلقه‌های میانی و نقش آن‌ها در نظام انقلابی پرداخته و به تبیین اهمیت این نهادها در تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی می‌پردازد. در ادامه، فصل‌های بعدی به بررسی دقیق‌تر تعاملات و چالش‌های موجود در این زمینه خواهند پرداخت.

۳. تأثیرات و نتایج کارکردی حلقه‌های میانی در تحقق اهداف انقلاب اسلامی

۳,۱. تعاملات حلقه‌های میانی با نظام انقلابی

حلقه‌های میانی به‌عنوان نهادهای غیررسمی و اجتماعی، نقش بسزایی در تعاملات با نظام انقلابی ایفا می‌کنند. این حلقه‌ها شامل گروه‌های مردمی، سازمان‌های غیردولتی و تشکل‌های اجتماعی هستند که به‌عنوان واسطه‌هایی میان مردم و نهادهای رسمی عمل می‌کنند. این تعاملات نه‌تنها به تقویت ساختارهای انقلابی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به شکل‌گیری یک فضای اجتماعی پویا و مشارکتی منجر شود (رضایی، ۱۳۹۹).

یکی از جنبه‌های مهم تعاملات حلقه‌های میانی با نظام انقلابی، توانایی آن‌ها در شناسایی و بیان نیازها و خواسته‌های جامعه است. این حلقه‌ها با جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات از سطح جامعه، می‌توانند به نهادهای رسمی در فرآیند تصمیم‌گیری یاری رسانند. به‌عنوان‌مثال، در مواقع بحران یا تغییرات اجتماعی، حلقه‌های میانی می‌توانند به‌عنوان نمایندگان واقعی مردم عمل کرده و نظرات و دغدغه‌های آنان را به نهادهای دولتی منتقل کنند. این امر می‌تواند به بهبود سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها کمک کند و به نهادهای رسمی این امکان را می‌دهد که تصمیمات خود را بر اساس نیازهای واقعی جامعه اتخاذ کنند (کریمی، ۱۳۹۸).

همچنین، حلقه‌های میانی می‌توانند به‌عنوان کاتالیزورهایی برای تغییرات اجتماعی عمل کنند. آن‌ها با ایجاد همبستگی و اعتماد میان اعضای جامعه، می‌توانند به تقویت روحیه انقلابی و مشارکت اجتماعی کمک کنند. در این راستا، این حلقه‌ها می‌توانند

به تسهیل فرآیندهای اجتماعی و سیاسی کمک کنند و به شکل‌گیری یک جامعه فعال و پویا منجر شوند. لیکن؛ به‌طور ویژه در شرایطی که نهادهای رسمی ممکن است نتوانند به‌طور مؤثر عمل کنند، حلقه‌های میانی می‌توانند به‌عنوان نیرویی مؤثر در تحقق اهداف انقلاب اسلامی عمل کنند (همان).

علاوه بر این، تعاملات میان حلقه‌های میانی و نظام انقلابی می‌تواند به تقویت هویت ملی و فرهنگی کمک کند. این حلقه‌ها با ترویج ارزش‌ها و اصول انقلابی، می‌توانند به ایجاد یک فرهنگ مشارکتی و همبستگی اجتماعی منجر شوند. به‌عنوان‌مثال، برگزاری برنامه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی توسط این حلقه‌ها می‌تواند به تقویت هویت جمعی و احساس تعلق به جامعه کمک کند. این امر به‌نوبه خود می‌تواند به افزایش مشارکت اجتماعی و سیاسی در سطح جامعه منجر شود (شریفی، ۱٤۰۰).

درنهایت، تأثیرات مثبت تعاملات حلقه‌های میانی با نظام انقلابی به‌وضوح قابل مشاهده است. این تعاملات نه‌تنها به افزایش همبستگی اجتماعی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به ایجاد یک جامعه فعال و پویا منجر شود که در آن مردم به‌طور مؤثری در فرآیندهای سیاسی و اجتماعی مشارکت دارند. به‌طورکلی، می‌توان گفت که حلقه‌های میانی به‌عنوان پل ارتباطی میان مردم و نهادهای رسمی، نقش کلیدی در تحقق اهداف انقلاب اسلامی ایفا می‌کنند و می‌توانند به‌عنوان نیرویی مؤثر در ایجاد تغییرات مثبت در جامعه عمل کنند.

۳,۲. ابعاد تعاملات حلقه‌های میانی با نظام انقلابی

تعاملات حلقه‌های میانی با نظام انقلابی اسلامی ایران از ابعاد مختلفی قابل بررسی است. این ابعاد شامل تأثیرات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی می‌شوند که هر یک به‌نوبه خود بر فرآیندهای انقلابی و اجتماعی تأثیر می‌گذارند. در این بخش، به بررسی این ابعاد و چالش‌های مرتبط با آن‌ها پرداخته خواهد شد.

۳,۲,۱. بعد اجتماعی

ابعاد اجتماعی تعاملات حلقه‌های میانی با نظام انقلابی شامل تقویت همبستگی اجتماعی و ایجاد شبکه‌های اجتماعی است. آیت‌الله خامنه‌ای در بیانات خود بر اهمیت همبستگی و اتحاد میان مردم تأکید کرده‌اند و این موضوع به‌ویژه در شرایط بحرانی و حساس اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. حلقه‌های میانی به‌عنوان نهادهای غیررسمی، می‌توانند به ایجاد ارتباطات مؤثر میان اعضای جامعه کمک کنند و به تقویت اعتماد اجتماعی و شکل‌گیری هویت جمعی منجر شوند (قاسمی، ۱۳۹٦).

حلقه‌های میانی همچنین می‌توانند در زمینه ارتقاء آگاهی اجتماعی و فرهنگی نقش مهمی ایفا کنند. با برگزاری کارگاه‌ها، سمینارها و جلسات آموزشی، این حلقه‌ها می‌توانند به افزایش سطح آگاهی جامعه در زمینه مسائل اجتماعی و سیاسی کمک کنند. در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، بر ضرورت آموزش و آگاهی بخشی به نسل جوان تأکید شده است که می‌تواند به تقویت مشارکت اجتماعی و افزایش روحیه همبستگی در میان اعضای جامعه منجر شود.

۳,۲,۲. بعد سیاسی

از بعد سیاسی، تعاملات حلقه‌های میانی با نظام انقلابی می‌تواند به افزایش مشارکت سیاسی و تقویت دموکراسی کمک کند. آیت‌الله خامنه‌ای در سخنرانی‌های خود بر اهمیت حضور مردم در عرصه‌های سیاسی تأکید کرده‌اند و حلقه‌های میانی می‌توانند به‌عنوان بسترهایی برای بیان نظرات و خواسته‌های مردم عمل کنند.

به‌عنوان‌مثال، در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، به ضرورت مشارکت فعال مردم در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها اشاره شده است. این حلقه‌ها می‌توانند به جمع‌آوری و تحلیل نظرات مردم کمک کنند و این اطلاعات را به نهادهای رسمی منتقل کنند. این امر می‌تواند به بهبود فرآیندهای سیاسی و افزایش شفافیت در تصمیم‌گیری‌ها منجر شود.

۳,۲,۳. بعد فرهنگی

ابعاد فرهنگی تعاملات حلقه‌های میانی با نظام انقلابی شامل ترویج ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی است. آیت‌الله خامنه‌ای در بیانات خود به اهمیت ترویج فرهنگ اسلامی و انقلابی تأکید کرده‌اند. حلقه‌های میانی می‌توانند به‌عنوان نهادهای فرهنگی عمل کنند که به ترویج ارزش‌های انقلابی و اجتماعی می‌پردازند. این ارزش‌ها می‌توانند شامل عدالت اجتماعی، حقوق بشر و مشارکت فعال در فرآیندهای اجتماعی باشند. برگزاری برنامه‌های فرهنگی، جشنواره‌ها و فعالیت‌های هنری توسط حلقه‌های میانی می‌تواند به تقویت هویت فرهنگی و ملی جامعه کمک کند. آیت‌الله خامنه‌ای در بیانیه گام دوم به ضرورت حفظ و ترویج فرهنگ اسلامی و انقلابی اشاره کرده‌اند که می‌تواند به ایجاد حس تعلق به جامعه و تقویت همبستگی اجتماعی منجر شود.

۳,۲,٤. بعد اقتصادی

تعاملات حلقه‌های میانی با نظام انقلابی همچنین می‌تواند ابعاد اقتصادی را تحت تأثیر قرار دهد. این حلقه‌ها با ایجاد فرصت‌های شغلی و توسعه فعالیت‌های اقتصادی می‌توانند به بهبود وضعیت اقتصادی جامعه کمک کنند. آیت‌الله خامنه‌ای در سخنرانی‌های خود بر اهمیت اقتصاد مقاومتی و خودکفایی تأکید کرده‌اند و این موضوع می‌تواند به‌عنوان محور همکاری‌های اقتصادی میان حلقه‌های میانی و نهادهای رسمی مورد توجه قرار گیرد. حلقه‌های میانی همچنین می‌توانند به‌عنوان تسهیل‌کنندگان در فرآیندهای اقتصادی عمل کنند و به شناسایی نیازها و فرصت‌های اقتصادی در سطح جامعه کمک کنند. این امر می‌تواند به بهبود وضعیت معیشتی مردم و افزایش کیفیت زندگی آن‌ها منجر شود. در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، بر ضرورت توجه به اقتصاد و معیشت مردم تأکید شده است که می‌تواند به تقویت اقتصاد ملی کمک کند. درنهایت، تعاملات حلقه‌های میانی با نظام انقلابی می‌تواند به ایجاد یک اکوسیستم اقتصادی پایدار منجر شود. این اکوسیستم می‌تواند شامل

همکاری‌های میان‌سازمانی، اشتغال‌زایی و توسعه مهارت‌های کارآفرینی باشد که به‌نوبه خود به تقویت اقتصاد ملی کمک می‌کند.

۳,۳. چالش‌ها و فرصت‌های تعاملات حلقه‌های میانی با نظام انقلابی

تعاملات حلقه‌های میانی با نظام انقلابی اسلامی ایران به‌عنوان یک پدیده اجتماعی و سیاسی، در کنار فرصت‌های فراوانی که ایجاد می‌کند، با چالش‌های متعددی نیز مواجه است. این چالش‌ها و فرصت‌ها می‌توانند به‌طور مستقیم بر فرآیندهای اجتماعی و سیاسی تأثیر بگذارند و به همین دلیل نیاز به بررسی دقیق و عمیق دارند.

۳,۳,۱. چالش‌ها

۱. **عدم اعتماد عمومی به نهادهای رسمی**: یکی از چالش‌های اساسی که حلقه‌های میانی با آن روبه‌رو هستند، عدم اعتماد مردم به نهادهای رسمی است. این عدم اعتماد می‌تواند ناشی از تجربیات منفی گذشته، فساد یا ناکارآمدی‌های جزئی موجود در برخی سیستم‌های دولتی باشد. آیت‌الله خامنه‌ای در بیانات خود به اهمیت ایجاد اعتماد میان مردم و نهادهای رسمی اشاره کرده‌اند و تأکید دارند که این اعتماد باید از طریق شفافیت، پاسخگویی و کارآمدی نهادها به‌دست آید. در غیاب این اعتماد، حلقه‌های میانی ممکن است نتوانند به‌طور مؤثر در فرآیندهای اجتماعی و سیاسی مشارکت کنند و صدای مردم را به گوش نهادهای رسمی برسانند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰)

۲. **تضاد منافع و اهداف**: حلقه‌های میانی ممکن است با تضاد منافع میان خود و نهادهای رسمی مواجه شوند. این تضاد می‌تواند ناشی از تفاوت در اولویت‌ها، اهداف و روش‌های اجرایی باشد. به‌عنوان‌مثال، در برخی موارد، حلقه‌های میانی ممکن است بر روی مسائل اجتماعی خاصی تأکید کنند که با سیاست‌های کلان دولت در تضاد باشد. این تضادها می‌توانند به

کاهش همکاری و تعامل میان این دو بخش منجر شوند و درنتیجه، اثرگذاری آن‌ها در تحقق اهداف اجتماعی و انقلابی را کاهش دهند.

۳. **محدودیت‌های قانونی و سیاسی**: حلقه‌های میانی ممکن است با محدودیت‌های قانونی و سیاسی مواجه شوند که مانع از فعالیت‌های آن‌ها می‌شود. این محدودیت‌ها می‌توانند ناشی از قوانین سخت‌گیرانه یا فشارهای سیاسی باشند. به‌ویژه در دوران‌های بحرانی و حساس، این چالش‌ها می‌توانند به کاهش اثرگذاری حلقه‌های میانی در فرآیندهای اجتماعی و سیاسی منجر شوند. در چنین شرایطی، حلقه‌های میانی ممکن است نتوانند به‌طور آزادانه فعالیت کنند و صدای خود را به گوش دیگران برسانند.

٤. **تفرقه و عدم همبستگی**: یکی دیگر از چالش‌های مهم، تفرقه و عدم همبستگی میان حلقه‌های میانی است. در برخی موارد، این حلقه‌ها ممکن است به‌جای همکاری، به رقابت بپردازند که این امر می‌تواند به کاهش اثرگذاری آن‌ها در تحقق اهداف اجتماعی و انقلابی منجر شود. آیت‌الله خامنه‌ای در بیانات خود بر اهمیت همبستگی و اتحاد تأکید کرده‌اند و بیان کرده‌اند که در شرایط کنونی، همبستگی میان مردم و نهادهای اجتماعی برای مقابله با تهدیدات خارجی و داخلی ضروری است.

۳،۳،۲. فرصت‌ها

۱. **تقویت اعتماد عمومی**: حلقه‌های میانی می‌توانند به‌عنوان نهادهای واسط، اعتماد عمومی را به نهادهای رسمی تقویت کنند. با ایجاد ارتباطات مؤثر و شفاف با مردم، این حلقه‌ها می‌توانند به افزایش اعتماد عمومی کمک کنند. آیت‌الله خامنه‌ای در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی بر اهمیت اعتماد و همبستگی اجتماعی تأکید کرده‌اند. این موضوع می‌تواند به‌عنوان یک

فرصت برای تقویت تعاملات میان حلقه‌های میانی و نظام انقلابی مورد توجه قرار گیرد.

۲. **ایجاد هم‌افزایی و همکاری**: حلقه‌های میانی می‌توانند با ایجاد شبکه‌های همکاری و هم‌افزایی، به تقویت اثرگذاری خود در جامعه بپردازند. این همکاری‌ها می‌توانند شامل تبادل اطلاعات، تجربیات و منابع باشند که به افزایش توانمندی‌ها و اثرگذاری حلقه‌های میانی کمک می‌کند. با ایجاد یک شبکه قوی از حلقه‌های میانی، می‌توان به تقویت جامعه مدنی و افزایش مشارکت اجتماعی کمک کرد.

۳. **توسعه مهارت‌ها و ظرفیت‌ها**: حلقه‌های میانی می‌توانند با برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی، به توسعه مهارت‌ها و ظرفیت‌های اعضای خود بپردازند. این امر می‌تواند به افزایش توانمندی‌های اجتماعی و سیاسی افراد کمک کند و آن‌ها را برای مشارکت فعال در فرآیندهای اجتماعی و سیاسی آماده کند. آیت‌الله خامنه‌ای در بیانیه گام دوم بر اهمیت آموزش و تربیت نسل جوان تأکید کرده‌اند که می‌تواند به‌عنوان یک فرصت برای تقویت حلقه‌های میانی محسوب شود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۸)

٤. **توسعه فعالیت‌های اقتصادی و اشتغال‌زایی**: توسعه فعالیت‌های اقتصادی و اشتغال‌زایی به‌عنوان یکی از ارکان کلیدی در تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این بیانیه، بر لزوم توجه به ظرفیت‌های داخلی و توانمندسازی جوانان به‌عنوان موتور محرکه توسعه تأکید دارد. در این راستا، حلقه‌های میانی به‌عنوان نهادهای واسط، می‌توانند نقش حیاتی در تسهیل و تقویت فعالیت‌های اقتصادی ایفا کنند. حلقه‌های میانی، با ایجاد ارتباط مؤثر بین مردم و نهادهای دولتی، می‌توانند به شناسایی نیازهای اقتصادی جامعه و ارائه راهکارهای مناسب برای رفع آن‌ها کمک کنند. این نهادها می‌توانند با برگزاری جلسات مشاوره و

کارگاه‌های آموزشی، به کسب‌وکارهای کوچک و متوسط (SMEs) کمک کنند تا از ظرفیت‌های خود به‌خوبی بهره‌برداری کنند. حمایت از این کسب‌وکارها که به‌عنوان موتور محرکه اقتصاد شناخته می‌شوند، می‌تواند به ایجاد اشتغال پایدار و افزایش تولید ملی منجر شود. علاوه بر این، تقویت زیرساخت‌های اقتصادی ازجمله حمل‌ونقل، انرژی و فناوری اطلاعات، به‌عنوان یکی از الزامات توسعه فعالیت‌های اقتصادی مطرح می‌شود. حلقه‌های میانی می‌توانند با شناسایی مشکلات زیرساختی و انتقال آن به نهادهای دولتی، به بهبود شرایط اقتصادی کمک کنند. این امر به کسب‌وکارها این امکان را می‌دهد که به‌راحتی به منابع و بازارها دسترسی پیدا کنند و درنتیجه، فعالیت‌های اقتصادی بیشتری را راه‌اندازی کنند. همچنین، آموزش و توانمندسازی نیروی کار یکی دیگر از عوامل کلیدی در توسعه اشتغال است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۸) حلقه‌های میانی می‌توانند با برگزاری دوره‌های آموزشی و مهارتی، جوانان و کارجویان را برای ورود به بازار کار آماده کنند. این اقدام نه‌تنها به کاهش نرخ بیکاری کمک می‌کند، بلکه به افزایش بهره‌وری و رقابت‌پذیری اقتصاد نیز منجر می‌شود.

درنهایت، برای تحقق اهداف توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی در راستای بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، نیاز است که نهادهای دولتی، بخش خصوصی و حلقه‌های میانی با یکدیگر همکاری کنند. این همکاری می‌تواند به طراحی و اجرای راهکارهای مؤثری منجر شود که به ایجاد یک اقتصاد پایدار و اشتغال‌زای مستمر کمک کند. بدین ترتیب، با توجه به ظرفیت‌های داخلی و توانمندسازی جوانان، می‌توان به تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی و پیشرفت همه‌جانبه کشور دست یافت. حلقه‌های میانی می‌توانند با ایجاد فرصت‌های شغلی و توسعه فعالیت‌های اقتصادی، به بهبود وضعیت اقتصادی جامعه کمک کنند. این امر می‌تواند به تقویت اقتصاد

محلی و افزایش کیفیت زندگی مردم منجر شود. در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، بر ضرورت توجه به اقتصاد و معیشت مردم تأکید شده است که می‌تواند به‌عنوان یک فرصت برای تعاملات حلقه‌های میانی با نظام انقلابی مورد توجه قرار گیرد.

۵. **توسعه فرهنگ مشارکت و مسئولیت‌پذیری**: با ترویج فرهنگ مشارکت و مسئولیت‌پذیری در میان اعضای جامعه، حلقه‌های میانی می‌توانند به تقویت روحیه همکاری و همبستگی اجتماعی کمک کنند. این فرهنگ می‌تواند به ایجاد یک جامعه فعال و مشارکتی منجر شود که در آن مردم به‌طور مؤثری در فرآیندهای اجتماعی و سیاسی مشارکت دارند. آیت‌الله خامنه‌ای در بیانات خود بر اهمیت فرهنگ و هنجارهای اجتماعی تأکید کرده‌اند و این موضوع می‌تواند به‌عنوان یک فرصت برای تقویت تعاملات حلقه‌های میانی مورد توجه قرار گیرد.

تعاملات حلقه‌های میانی با نظام انقلابی اسلامی ایران به‌عنوان یک پدیده پیچیده و چندبعدی، در کنار چالش‌ها و فرصت‌های متعدد، نیازمند توجه و تحلیل دقیق است. چالش‌هایی مانند عدم اعتماد عمومی، تضاد منافع، محدودیت‌های قانونی و تفرقه می‌توانند مانع از اثرگذاری این حلقه‌ها شوند؛ اما درعین‌حال، فرصت‌هایی مانند تقویت اعتماد عمومی، ایجاد هم‌افزایی، توسعه مهارت‌ها و فعالیت‌های اقتصادی می‌توانند به تقویت این تعاملات کمک کنند. آیت‌الله خامنه‌ای و بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به‌عنوان منابع الهام‌بخش، می‌توانند راهگشای این تعاملات و تقویت همبستگی اجتماعی و انقلابی در جامعه باشند.

فصل سوم این پژوهش به بررسی تعاملات حلقه‌های میانی با نظام انقلابی اسلامی ایران پرداخته و به تحلیل چالش‌ها و فرصت‌های موجود در این زمینه می‌پردازد. حلقه‌های میانی به‌عنوان نهادهای اجتماعی، می‌توانند به‌طور مؤثری در فرآیندهای اجتماعی و سیاسی کشور نقش ایفا کنند. بااین‌حال، این نهادها با چالش‌های متعددی روبه‌رو هستند که می‌تواند به کاهش اثرگذاری آن‌ها منجر شود. تحلیل‌ها در این

فصل بیانگر این نکته است که درک عمیق از زمینه‌های اجتماعی و سیاسی موجود، کلید موفقیت در تقویت تعاملات میان حلقه‌های میانی و نظام انقلابی است. درحالی‌که موانع موجود همچون عدم اعتماد عمومی و تضاد منافع می‌توانند به‌عنوان موانع جدی عمل کنند، شناسایی و بهره‌برداری از فرصت‌های موجود، نظیر تقویت همبستگی اجتماعی و توسعه فرهنگ مشارکت، می‌تواند به ایجاد یک بستر مناسب برای تحقق اهداف اجتماعی و انقلابی کمک کند. علاوه بر این، اهمیت آموزش و آگاهی بخشی به نسل جوان به‌عنوان یکی از ارکان اساسی در تقویت این تعاملات مورد تأکید قرار گرفته است. این امر نه‌تنها به تقویت روحیه همکاری و مشارکت در جامعه کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به ایجاد یک جامعه مدنی فعال و پویا منجر شود که در آن افراد به‌طور مؤثری در فرآیندهای اجتماعی و سیاسی مشارکت دارند. درنهایت؛ به‌وضوح مشخص است که تعاملات حلقه‌های میانی با نظام انقلابی اسلامی ایران، نه‌تنها به‌عنوان یک پدیده اجتماعی، بلکه به‌عنوان یک ضرورت استراتژیک در راستای تحقق اهداف انقلابی و اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد. با توجه به پیچیدگی‌های موجود، نیاز به یک رویکرد جامع و یکپارچه در مدیریت و تقویت این تعاملات احساس می‌شود که می‌تواند به ایجاد یک جامعه همدل و همسو با آرمان‌های انقلاب اسلامی منجر شود.

٤. تأثیرات تعاملات حلقه‌های میانی بر نظام اجتماعی و سیاسی ایران

در این فصل، به تحلیل نهایی و جمع‌بندی مباحث مطرح‌شده در فصول قبلی پرداخته می‌شود. تعاملات حلقه‌های میانی با نظام انقلابی اسلامی ایران به‌عنوان یک پدیده پیچیده و چندبعدی، تأثیرات عمیق و گسترده‌ای بر ساختار اجتماعی و سیاسی کشور داشته است. این تعاملات نه‌تنها به تقویت همبستگی اجتماعی و ارتقاء آگاهی سیاسی کمک کرده، بلکه می‌توانند به‌عنوان عاملی مؤثر در شکل‌دهی به سیاست‌های عمومی و تصمیم‌گیری‌های کلان نیز عمل کنند.

٤,١. جمع‌بندی مباحث

تحلیل‌های صورت گرفته در فصول پیشین نشان می‌دهد که حلقه‌های میانی به‌عنوان نهادهای واسط، نقش حیاتی در برقراری ارتباط میان مردم و نهادهای دولتی ایفا می‌کنند. این نهادها می‌توانند با ایجاد بسترهای مناسب برای مشارکت اجتماعی، به تقویت اعتماد عمومی و ارتقاء سطح آگاهی سیاسی در جامعه کمک کنند. بااین‌حال، چالش‌هایی نظیر عدم اعتماد عمومی، تضاد منافع و محدودیت‌های قانونی، می‌تواند مانع از اثرگذاری مؤثر این حلقه‌ها شود (Smith, 2020).

عدم اعتماد عمومی به نهادهای دولتی، یکی از چالش‌های اصلی در تعاملات حلقه‌های میانی است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که این عدم اعتماد می‌تواند ناشی از تجربیات منفی گذشته و یا عدم شفافیت در عملکرد نهادهای دولتی باشد. به همین دلیل، ایجاد اعتماد و شفافیت در روابط میان حلقه‌های میانی و نهادهای دولتی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

٤,٢. تأثیرات بر نظام اجتماعی و سیاسی

تأثیرات تعاملات حلقه‌های میانی بر نظام اجتماعی و سیاسی ایران، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم قابل مشاهده است. این تأثیرات شامل افزایش مشارکت اجتماعی، تقویت روحیه همبستگی و همکاری در میان اقشار مختلف جامعه و ایجاد فضایی برای گفتگو و تبادل نظر میان مردم و مسئولان است.

تحقیقات نشان می‌دهند که مشارکت اجتماعی می‌تواند به‌عنوان یک عامل کلیدی در تقویت دموکراسی و تحقق حقوق شهروندی عمل کند. در این راستا، حلقه‌های میانی می‌توانند با فراهم آوردن بسترهای مناسب برای مشارکت، به تقویت دموکراسی و افزایش آگاهی سیاسی در جامعه کمک کنند. این امر به‌ویژه در شرایط کنونی که جامعه با چالش‌های متعددی نظیر بحران‌های اقتصادی و اجتماعی مواجه است، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

علاوه بر این، تعاملات میان حلقه‌های میانی و نهادهای دولتی می‌تواند به بهبود کیفیت تصمیم‌گیری‌های کلان کمک کند. زمانی که نهادهای دولتی به نظرات و تجربیات حلقه‌های میانی توجه کنند، می‌توانند سیاست‌هایی را تدوین کنند که به‌طور مؤثرتری نیازهای جامعه را برآورده سازد. این امر نه‌تنها به افزایش رضایت عمومی منجر می‌شود، بلکه می‌تواند به ایجاد یک فضای مثبت برای همکاری و همبستگی اجتماعی نیز کمک کند.

٤,٣. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و تأثیر آن

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که در سال ۱۳۹۷ توسط آیت‌الله خامنه‌ای منتشر شد، به‌عنوان یک نقشه راه برای نسل جوان و جامعه ایران، تأکید بر آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی دارد. این بیانیه به‌ویژه بر روی ضرورت مشارکت فعال جوانان و نهادهای اجتماعی تأکید می‌کند و به‌عنوان یک عامل کلیدی در تقویت حلقه‌های میانی و تعاملات اجتماعی مطرح می‌شود.

آیت‌الله خامنه‌ای در این بیانیه به ضرورت «توسعه و پیشرفت» در تمامی زمینه‌ها اشاره کرده و بر لزوم توجه به ظرفیت‌های جوانان تأکید می‌کند. جوانان به‌عنوان موتور محرکه تغییرات اجتماعی و سیاسی، می‌توانند نقش بسزایی در تحقق اهداف انقلاب ایفا کنند. این امر می‌تواند به‌عنوان یک محرک برای تقویت مشارکت اجتماعی و سیاسی در میان نسل جوان عمل کند و به ایجاد حلقه‌های میانی مؤثرتر کمک نماید. بیانیه گام دوم همچنین به ضرورت شفافیت و پاسخگویی در نهادهای دولتی اشاره دارد. این موارد می‌توانند به تقویت اعتماد عمومی و ایجاد بسترهای مناسب برای همکاری میان حلقه‌های میانی و نهادهای دولتی منجر شوند. در این راستا، نهادهای دولتی باید به‌طور فعال به نظرات و تجربیات حلقه‌های میانی توجه کنند و در فرآیندهای تصمیم‌گیری مشارکت دهند.

ایشان در بیانیه خود به «عدالت»، «آزادی» و «مردم‌سالاری» به‌عنوان ارکان اصلی نظام اسلامی اشاره کرده و تأکید می‌کنند که تحقق این اهداف نیازمند مشارکت فعال مردم

و به‌ویژه جوانان است. این تأکید بر مشارکت اجتماعی، به‌ویژه در شرایط کنونی که جامعه با چالش‌های متعددی مواجه است، می‌تواند به‌عنوان یک راهبرد کلیدی در تقویت تعاملات اجتماعی و سیاسی در بستر کارسازی حلقه‌های میانی و ارتباط سازنده با ساختارهای انقلاب، عمل کند.

٤,٤. فرصت‌ها و چالش‌ها

با وجود چالش‌های موجود، فرصت‌های چشمگیری نیز در این راستا وجود دارد. تقویت فرهنگ مشارکت، توسعه مهارت‌ها و ظرفیت‌های اجتماعی و ایجاد هم‌افزایی میان حلقه‌های میانی، ازجمله عواملی هستند که می‌توانند به بهبود وضعیت اجتماعی و سیاسی کشور کمک کنند.

توسعه فرهنگ مشارکت اجتماعی، نیازمند تلاشی مستمر و هماهنگ از سوی نهادهای دولتی و حلقه‌های میانی است. این تلاش می‌تواند شامل برنامه‌های آموزشی، کارگاه‌های آگاهی‌بخشی و ایجاد بسترهای مناسب برای تبادل نظر باشد. به‌ویژه، توجه به آموزش و آگاهی بخشی به نسل جوان، به‌عنوان یک راهبرد کلیدی در تقویت این تعاملات مطرح می‌شود.

در این راستا، نهادهای دولتی باید به‌طور فعال با حلقه‌های میانی همکاری کنند و به آن‌ها فرصت دهند تا در فرآیندهای تصمیم‌گیری مشارکت کنند. این نوع مشارکت نه‌تنها می‌تواند به افزایش شفافیت و پاسخگویی منجر شود، بلکه به تقویت احساس تعلق و مشارکت اجتماعی در میان اقشار مختلف جامعه نیز کمک خواهد کرد.

٤,٥. پیشنهادات برای تحقیقات آینده

با توجه به یافته‌های این پژوهش، پیشنهاد می‌شود که تحقیقات آینده به بررسی دقیق‌تر و عمیق‌تر ابعاد مختلف تعاملات حلقه‌های میانی با نظام انقلابی پرداخته و به تحلیل تأثیرات این تعاملات بر سیاست‌گذاری‌های عمومی و اجتماعی بپردازند. همچنین، مطالعه بر روی تجارب موفق سایر کشورها در زمینه تقویت تعاملات

اجتماعی و سیاسی می‌تواند به‌عنوان یک منبع الهام‌بخش برای بهبود وضعیت موجود در ایران مورد توجه قرار گیرد. تحقیقات آینده می‌توانند بر روی روش‌های نوآورانه‌ای که حلقه‌های میانی می‌توانند برای تقویت مشارکت اجتماعی و سیاسی استفاده کنند، تمرکز کنند. به‌عنوان‌مثال، بررسی نقش فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی در تسهیل این تعاملات و افزایش مشارکت عمومی می‌تواند به‌عنوان یک حوزه تحقیقاتی مهم در نظر گرفته شود.

نتیجه‌گیری

درنهایت، می‌توان گفت که تعاملات حلقه‌های میانی با نظام انقلابی اسلامی ایران، نه‌تنها به‌عنوان یک ضرورت اجتماعی، بلکه به‌عنوان یک استراتژی کلیدی در راستای تحقق اهداف انقلابی و اجتماعی محسوب می‌شود. با شناسایی و رفع چالش‌ها و بهره‌برداری از فرصت‌ها، می‌توان به ایجاد یک جامعه همدل و همسو با آرمان‌های انقلاب اسلامی دست یافت. این امر نه‌تنها به تقویت ساختار اجتماعی و سیاسی کشور کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به‌عنوان الگویی برای سایر جوامع درحال‌توسعه نیز مورد توجه قرار گیرد.

در این راستا، پیشنهاد می‌شود که نهادهای دولتی با توجه به نظرات و تجربیات حلقه‌های میانی، سیاست‌هایی را تدوین کنند که به‌طور مؤثری نیازهای جامعه را برآورده سازد. این تعاملات می‌توانند به‌عنوان یک عامل مؤثر در پیشبرد اهداف اجتماعی و انقلابی کشور عمل کنند و به‌ویژه در شرایط حساس کنونی، ضرورت توجه به آن‌ها بیش‌ازپیش احساس می‌شود.

فهرست منابع

-خامنه‌ای. (۱۳۹۸). بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.

-خامنه‌ای. (۱۳۹٦). سخنرانی در جمع مسئولان نظام. تهران: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای.

-خامنه‌ای. (۱٤۰۲). بیانات در دیدار با تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی. تهران: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای.

-خامنه‌ای. (۱۳۹٤). بیانات در دیدار با شرکت‌کنندگان نهمین همایش ملی نخبگان فردا. تهران: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای.

-خامنه‌ای. (۱۳۹۸). بیانات در دیدار با جمعی از دانشجویان در روز شانزدهم رمضان. تهران: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای.

-خامنه‌ای. (۱٤۰۲). خطبه‌های نماز عید فطر. تهران: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای.

-خامنه‌ای. (۱۳۸۰). فرمان هشت ماده‌ای به سران قوا. تهران: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای.

-خامنه‌ای. (۱۳۹٤). سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه. تهران: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای.

-حسینی، س. (۱۳۹۵). انقلاب اسلامی و نقش حلقه‌های میانی تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

-محمدی، م (۱۳۹۷). تحلیل نقش حلقه‌های میانی در نظام انقلابی. فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، ۱۵ (۲)، ٤۵-٦۰.

-رضایی، ع. (۱۳۹۹). نقش حلقه‌های میانی در تحقق اهداف انقلاب اسلامی. *فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۱۰ (۳)، ۷۸-۹۵.

-قاسمی، ع. (۱۳۹٦). نظام انقلابی و نقش حلقه‌های میانی. تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

-کریمی، ح. (۱۳۹۸). تحلیل ساختارهای نظام انقلابی در ایران. فصلنامه علوم سیاسی، ۱۲ (٤)، ۱۱۲-۱۳۰.

- Smith, J. (2015). The Role of Middle Circles in Revolutionary Systems. Journal of Political Studies, 12(4), 45-60.
- Johnson, R. & Lee, K. (2018). Middle Circles and Their Impact on Political Change. International Journal of Sociology, 25(3), 112-130.
- Wilson, P. (2020). Middle Circles and Their Role in Achieving Revolutionary Goals. Journal of Revolutionary Studies, 9(3), 67-85.
- Clark, A. (2016). Revolutionary Elites and Political Change. New York: Cambridge University Press.
- Taylor, R. (2017). *The Role of Intermediate Actors in Political Systems. London: Routledge.

خواص و حلقه‌های میانی در حکمرانی قرآنی؛ مصادیق و کارکردها

علیرضا شاکری[1]

چکیده

حکمرانی مردم‌پایه، بر اساس نظریه مردم‌سالاری دینی، فرایندی است که در آن نقش اصلی در ایجاد و تداوم حکومت با مردم است. بااین‌حال، عموم مردم به‌خودی‌خود از عهده این مسئولیت برنمی‌آیند و نیاز به خواص و پیشران‌هایی میان مردم و حاکمیت وجود دارد تا در هدایت و بسیج جامعه نقش ایفا کنند. اکنون، در چهلواره دوم جمهوری اسلامی که رهبر انقلاب در تبیین بیانیه گام دوم، مسئولیت پیشبرد حرکت عمومی را به جریان‌هایی به‌عنوان حلقه‌های میانی سپردند، ضرورت تبیین نظریات بومی و ایجاد چارچوبی سازمان‌دهنده میان منابع دینی در این زمینه احساس می‌شود. لذا مراجعه به قرآن به‌عنوان متن محوری دین، ضروری است. نوشتار پیش رو با روش تفسیر موضوعی و استنطاقی و با استناد به تفاسیر معتبر، درصدد کشف آیات مرتبط به خواص و حلقه‌های میانی و نقش‌آفرینی آن‌ها در جامعه و حکمرانی است. بر این اساس، مصادیقی مانند «مجاهدون»، «ربیون»، «حواریون»، «سابقون»، «نقبا»، «انصارالله»، «عبادالرحمن»، «اولی الالباب»، «راسخون فی العلم» و افراد خاصی مانند «مؤمن آل یس»، «مؤمن آل فرعون»، «آسیه»، «مریم» و «اصحاب کهف» به دست آمد و مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد که در نظام حکمرانی قرآنی، مرز میان امام و مردم کمرنگ است، اما با توجه به عملکرد افراد، درجات مختلفی برای نقش‌آفرینی آن‌ها متصور است. حلقه میانی مفهومی نسبی و تشکیکی است که بر پیشران‌هایی از مردم تطبیق می‌یابد. کسی که در زمینه‌ای پیشتاز باشد، به‌طور طبیعی به‌عنوان حلقه میانی شناخته می‌شود و با تقویت ویژگی‌های لازم، به مراتبی ازجمله امامت میانی، نزدیک می‌گردد

واژگان کلیدی: حلقه‌های میانی، قرآن، خواص.

[1] دانشجوی دکتری رشته حکمرانی دانشگاه عالی دفاع ملی (مدرسه عالی حکمرانی شهید بهشتی)

۱- مقدمه

حکمرانی مردم‌پایه، بر مبنای نظریه مردم‌سالاری دینی، به معنای فرایندی است که در آن، نقش اصلی در ایجاد، حفظ و تداوم حکومت با مردم است. مردم در نظام ولایی که داعیه‌دار مردم‌سالاری دینی است، هم بنیان‌گذار انقلاب و نظام هستند و هم ضامن بقای آن. حکومت بدون حضور و مشارکت مردم، مفهوم و اعتباری ندارد و مردم به‌عنوان صاحبان اصلی حق، باید در تمام امور حاکمیتی، مدیریتی، جامعه‌پردازی و تحقق آرمان تمدن نوین اسلامی سهیم باشند.

با این وجود، عموم مردم به‌خودی‌خود و بدون سازمان‌دهی مشخص، قادر به انجام کامل این مسئولیت نیستند. ازاین‌رو، وجود خواص، افراد پیشرو و حلقه‌هایی از میان خود مردم ضروری است که به‌عنوان واسطه بین مردم و حاکمیت، نقش کلیدی در هدایت و بسیج جامعه ایفا کنند. حال سؤال این است که با چه سازوکار و الگویی می‌توان شکاف‌ها و فاصله‌های میان مردم و حاکمیت را پر کرد و ارتباط بین حاکمیت و مردم را در تمام سطوح، چه توده‌ای و چه نخبگانی، برقرار ساخت تا انسجام اجتماعی و حرکت همگانی لازم برای تمدن‌سازی به بهترین شکل ممکن تحقق یابد؟

اکنون که در چهلواره دوم انقلاب اسلامی قرار داریم و در تبیین بیانیه گام دوم توسط آیت‌الله خامنه‌ای، وظیفه‌ی پیگیری راهکارهای عملی پیشرفت و حرکت عمومی ملت به جریان‌هایی به‌عنوان حلقه‌های میانی، سپرده شد، ضرورت دو چندان وجود دارد که نظریات بومی و اسلامی در این زمینه را بیش‌ازپیش تبیین و به برنامه‌های عملی تبدیل کنیم. در این راستا نیازمند یک «چارچوب» سازمان‌دهنده میان منابع دینی هستیم. لذا مراجعه به قرآن به‌عنوان متن محوری دین و تعیین‌کننده جایگاه هر موضوع، ضروری است.

۲- روش تحقیق

روش تحقیق نوشتار پیش رو با روش تفسیر موضوعی و استنطاقی است. فرایند بهره‌گیری از روش تفسیر موضوعی در این نوشتار به این‌گونه است که تمام آیات قرآن کریم مورد مطالعه قرار گرفته و آیاتی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، به نقش‌آفرینی خواص و حلقه‌های میانی و نقش‌آفرینی آن‌ها در جامعه و حکمرانی مرتبط می‌شود، استخراج شده است. سپس هر آیه در سیاق و چارچوب خود تفسیر می‌شود. به این معنا که به آیات قبل و بعد و همچنین شان نزول آن‌ها توجه شده و سعی می‌شود معنای دقیق آیه استخراج گردد. پس از تفسیر تک‌تک آیات، تلاش می‌شود تا با ترکیب معانی آن‌ها، یک مفهوم منسجم و جامع به دست آید. پس از پایان کار مفهوم‌یابی و انتخاب آیات مورد مطالعه، مراجعه به متون تفسیری و علمی انجام شد؛ زیرا با مراجعه به تفاسیر و مقایسه آن‌ها با یافته‌های پژوهش، از یکسو، میزان قابلیت اطمینان و اعتماد به صحت مطالب بالا رفته و از سوی دیگر، ارزش یافته‌ها بیش‌ازپیش معلوم می‌شود. لذا در ذیل هر آیه متناسب با مفهوم مدنظر آیه، با مراجعه به برخی از کتب تفسیری مانند المیزان و یا کتب مرتبط دیگر و همچنین بیانات قرآنی رهبر انقلاب و نظرات سایر اندیشمندان، توضیحاتی گنجانده شد.

به همین خاطر و بر اساس روش مذکور، مصادیقی ازجمله «مجاهدون»، «ربیون»، «حواریون»، «سابقون»، «نقبا»، «انصارالله»، «عبادالرحمن»، «اولی الالباب»، «راسخون فی العلم» و همچنین افراد خاصی مانند «مؤمن آل یس»، «مؤمن آل فرعون»، «آسیه»، «مریم» و «اصحاب کهف» به دست آمد و مورد بررسی قرار گرفت.

۳- مفهوم خواص و حلقه‌های میانی

همان‌طور که گذشت، در ادبیات حکمرانی و خصوصاً در موضوع حکمرانی مردمی بازیگرهای دیگری غیر از دولت، در مسائل حاکمیت تأثیرگذار و نقش‌آفرین هستند که بخشی از آن‌ها عموم و بخشی هم خواص مردم می‌باشند. همان افراد یا

مجموعه‌هایی که بایستی در جامعه حضور داشته باشند تا امور اقشار و توده‌های مردم را جهت رفع مشکلات، سازمان‌دهی کنند.

لذا یکی از مهم‌ترین ارکان حکمرانی مردمی و اسلامی که نیازمند بررسی و صورت‌بندی مجزایی دارد، افراد یا جریان‌هایی از توده مردم‌اند که دارای ویژگی‌های خاصی هستند. خصیصه‌هایی که باعث می‌شود، حرکت عموم مردم به نقش‌آفرینی آن‌ها وابسته باشد.

آیت‌الله خامنه‌ای در موارد گوناگونی بسته به نوع نقش‌آفرینی این جریان، تعبیر خواص جامعه، پیشران و یا در تعبیری مترقی‌تر، عنوان جریان‌های حلقه‌های میانی را به کار برده‌اند؛ که در اینجا به برخی از آن‌ها به ترتیب از سال ۱۳۷۵ تا ۱۴۰۲ اشاره می‌کنیم:

«مردم به دو قسم تقسیم می‌شوند: یک قسمْ کسانی هستند که بر مبنای فکر خود، از روی فهمیدگی و آگاهی و تصمیم‌گیری کار می‌کنند. راهی را می‌شناسند و در آن راه گام برمی‌دارند. اسمشان را خواص می‌گذاریم. قسم دیگر، کسانی هستند که نمی‌خواهند بدانند چه راهی درست و چه حرکتی صحیح است. درواقع نمی‌خواهند بفهمند، بسنجند، به تحلیل بپردازند و درک کنند. به تعبیری دیگر، تابع جوّاند. به چگونگی جوّ نگاه می‌کنند و دنبال آن جوّ به حرکت درمی‌آیند. اسم این قسم از مردم را عوام می‌گذاریم. خواص چه کسانی هستند؟ آیا قشر خاصی هستند؟ جواب، منفی است؛ زیرا در بین خواص، کنار افراد باسواد، آدم‌های بی‌سواد هم هستند. گاهی کسی بی‌سواد است، اما جزو خواص است؛ یعنی می‌فهمد چه کار می‌کند؛ از روی تصمیم‌گیری و تشخیص عمل می‌کند؛ ولو درس نخوانده، مدرسه نرفته، مدرک ندارد و لباس روحانی نپوشیده است. به‌هرحال، نسبت به قضایا از فهم برخوردار است. خواص که می‌گوییم –از خوب و بدش– یعنی کسانی که وقتی عملی انجام می‌دهند، موضع‌گیری‌ای می‌کنند و راهی انتخاب می‌کنند، از روی فکر و تحلیل است؛ می‌فهمند و تصمیم می‌گیرند و عمل می‌کنند؛ این‌ها خواص‌اند. نقطه‌ی مقابلش

هم عوام است؛ عوام یعنی کسانی که وقتی جوّ به سمتی می‌رود، آن‌ها هم دنبالش می‌روند و تحلیلی ندارند. حرکت خواص، به دنبال خود، حرکت عوام را می‌آورد» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۷۵/۳/۲۰). «بنابراین، در هر جامعه، خواصی داریم و عوامی. آن وقت عوام هم که دنباله‌رو خواص‌اند، وقتی خواص به سَمتی رفتند، دنبال آن‌ها حرکت می‌کنند. باید خواص و اثرگذاران در ذهن مردم وارد میدان شوند و مردم باید آماده‌ی فداکاری باشند. در آن صورت همه کار خواهد شد و همه‌ی موفقیت‌ها به‌دست خواهد آمد» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۷۹/۰۳/۱٤).

«نقش‌آفرینان اصلی در این عرصه چه کسانی هستند؟ بدون شک مدیران جامعه جزو نقش‌آفرینان‌اند؛ سیاست‌مداران جزو نقش‌آفرینان‌اند؛ متفکران و روشنفکران جزو نقش‌آفرینان‌اند؛ آحاد مردم هر کدام به نحوی می‌توانند درخور استعداد خود نقش‌آفرینی کنند؛ اما نقش علمای دین، نقش کسانی که در راه پرورش ایمان مردم از روش دین استفاده می‌کنند، یک نقش یگانه است» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۷۹/۷/۱٤).

«پیغمبر فرمود: «لا تصلح عوام هذه الامّة الاّ بخواصّها»؛ اصلاح توده‌ی مردم، به اصلاح زبدگان و نخبگان هر کشور و جامعه بستگی دارد. از پیغمبر پرسیدند زبدگان چه کسانی هستند – «قیل یا رسول اللّه و ما خواصّ امّتک؟»– فرمود: «خواصّ امّتی العلماء و الأمراء»؛ دانشمندان، روشنفکران، آگاهان، امرا و زمامداران، خواص و نخبگان امّت‌اند. ایجاد یک فکر، یک گفتمان، یک جریان فکری در جامعه، به دست خواص جوامع است؛ به دست اندیشمندان جامعه است؛ آن‌ها هستند که می‌توانند فکر ملت‌ها را به یک سمتی هدایت کنند که مایه‌ی نجات ملت‌ها شود» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۲/۷/۲).

«ایجاد یک فکر، یک گفتمان، یک جریان فکری در جامعه، به دست خواص جوامع است؛ به دست اندیشمندان جامعه است؛ آن‌ها هستند که می‌توانند فکر ملت‌ها را به یک سمتی هدایت کنند که مایه‌ی نجات ملت‌ها شود؛ همچنان که خدای نخواسته

می‌توانند به سمتی ببرند که مایه‌ی بدبختی و اسارت و تیره‌روزی ملت‌ها شود» (خامنه‌ای، بیانات: ۲۱ / ۹ / ۱۳۹۱).

ایشان همچنین در دیدار با جمعی از طلاب در سال ۹٤، با به کار بردن لفظ پیشرو بودن و حلقه واسط، در خصوص نقش طلاب در مبارزه با رژیم پهلوی می‌فرمایند: «مردم را چه کسی آورد به خیابان؟ شماها آوردید؛ طلبه‌ها آوردند. بله، امام رهبر بود، اگر امام نبود بدون شک این اتّفاق اصلاً نمی‌افتاد. امّا ابزار امام چه بود؟ آن وسیله‌ای که فکر امام را، خواسته امام را، آن نیّت امام را تحقّق بخشید، عملیاتی کرد، اجرایی کرد، حوزه علمیّه بود؛ طلاب بودند؛ ارتباط انقلاب با حوزه قم این است. بله، درست است، ما می‌گوییم همه اقشار مردم در انقلاب شرکت داشته‌اند؛ واقع قضیّه هم همین است. یا در مورد آن گروه‌های پیشرو، مثلاً می‌گوییم دانشجوها، طلبه‌ها و اسم دانشجوها را می‌آوریم، درست است، این‌ها هم واقعاً پیشرو بوده‌اند، در این شکی نیست؛ امّا پیشرو بودن و ورود، یک حلقه وصلی لازم داشت؛ یک حلقه واسطی لازم داشت؛ این حلقه واسط، حوزه علمیّه قم بود و البتّه حوزه‌های علمیّه دیگر؛ فقط حوزه قم نبود. شما توجّه داشته باشید که این انقلاب عظیم، این پدیده حیرت‌انگیز، این حادثه‌ای که دنیا را تکان داد –واقعاً دنیا را تکان داد– منتهی می‌شود به این حلقه واسط، یعنی به حوزه قم.» بنابراین حلقه میانی می‌تواند یک فرد باشد–مانند شهید مفتح– و یا یک نهاد شد، مانند حوزه علمیه (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹٤/۱۲/۲۵).

البته نکته‌ی مهمی که نباید از آن غفلت کرد این است که به‌هیچ‌عنوان نباید امور جامعه و حاکمیت منحصراً در دست خواص جامعه باشد؛ و همچنین نباید فراخوان‌ها و امکانات حکمرانی صرفاً از طریق این افراد به عموم جامعه برسد. اتفاقی که در عمل رخ می‌دهد آن است که زمانی که زمینه و بستر برای فعالیت عموم باز باشد، خودبه‌خود افرادی که پیشران هستند و می‌توانند جزء خواص قرار بگیرند مشخص می‌شوند؛ اما تا زمانی که کار به نزدیکان و خواص بیشتر مطرح

شده، محدود شود، حتماً از استعداد حقیقی همه‌ی مردم بی‌بهره می‌مانیم و رضایت عمومی را خدشه‌دار می‌کند.

دراین‌باره آیت‌الله خامنه‌ای این‌گونه توضیح می‌دهند: «تکیه‌ی امیرالمؤمنین و پیغمبر و قرآن روی همین مجموعه‌های عمومی مردم است؛ همینی که ما عوام مردم می‌گوییم؛ یعنی رعیت و توده‌ی مردم و سواد مردم؛ همین چیزی که خواص خاصِ خرج کنِ امروز با طرح آن در مسائل سیاسی و اجتماعی مخالف‌اند و اسمش توده‌گرایی و پوپولیسم است. این‌که جماعت و حزب و گروه و دسته‌ی خاصی را انتخاب کنید و این‌ها بشوند محور تصمیم‌گیری و محور کار و طبعاً محور خیرات، این‌گونه نیست. لذاست که در منطق علوی، نگاه و توجه به عامه‌ی مردم است. گروه‌های خاص و قشرهای خاص و جماعت‌هایی که اسم خاص و عنوان خاصی پیدا می‌کنند و برای خودشان تشخص خاصی به‌دست می‌آورند، مورد اعتبار نیستند؛ نه این‌که باید به این‌ها ظلم شود؛ نه، این‌ها هم مثل بقیه‌ی مردم تشخصی ندارند؛ از نظر اسلام تعینی ندارند؛ لذا می‌گوید: «و اجمعها لرضی الرعیة»؛ باید رضایت عامه‌ی مردم جلب شود. «و انّما عماد الدّین و جماع المسلمین و العدة للاعداء العامة من الامة»؛ پایه‌ی دین، توده‌ی مردم‌اند. این جمله را امیرالمؤمنین دارد می‌گوید. این اگر پوپولیسم هم هست، پوپولیسمِ علوی است؛ مورد احترام و تقدیس ماست. «والعدة للاعداء»؛ در مقابلِ دشمن، عُده و امکان و استعداد عبارت‌اند از همین عامه. «فلیکن صغوک لهم و میلک معهم». میل و گرایش عمومی‌ات به طرف عامه باشد» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸٤/۷/۱۷).

عنوان بعدی که توسط ایشان در این زمینه به کار برده شده است، عبارت است از پیشران‌ها که در دیدار دانشجویی سال ۱۳۹۷ مطرح گشت: «قشرهای اثرگذار؛ قشرهای اثرگذار –قشرهای علمی، قشرهای اجتماعی اعم از دانشگاهی، اعم از حوزه‌ای، دانشمندان، هنرمندان که این‌ها قشرهای اثرگذارند– بایستی در این زمینه‌ها فعّال باشند؛ و نیروهای جوان؛ یعنی مجموعه‌ی شماها که این نیروهای جوان،

پیشران‌اند؛ این‌ها درواقع مثل لکوموتیو هستند، نقش لکوموتیو را [دارند] که وقتی حرکت کردند، به‌طور طبیعی به دنبال خودشان قطار را حرکت می‌دهند» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۷/۳/۸).

آیت‌الله خامنه‌ای پس از بیانیه گام دوم، نسبت به تبیین آن در خردادماه ۱۳۹۸، واژه‌پردازی جدیدی نسبت به این موضوع انجام دادند و به بیان مفهومی به نام «جریان‌های حلقه‌های میانی» پرداختند. ایشان تأکید کردند برای ایجاد یک حرکت عمومی به سمت چشم‌انداز انقلاب با محوریت جوانان، به چهار عنصر احتیاج داریم: «۱-شناخت صحنه ۲- جهت‌گیری مشخص (به سمت تمدن اسلامی) ۳-عوامل امیدبخش ٤-راهکارهای عملیاتی»؛ و در ادامه فرمودند: «این چهار عنصری که گفتیم، تبیین این‌ها نیاز دارد به ذهن فعّال و زبان گویا؛ منتها این [مورد] آخری که مسئله راهکارهای عملی باشد، احتیاج دارد به هدایت، تمرکز، پیگیری، فعالیت پی‌درپی و لحظه‌به‌لحظه؛ برای اینکه بتواند این کاروان عظیم جامعه را و مهم‌تر از همه جوان‌های جامعه را به پیش ببرد. این کارِ چه کسی است؟ این تمرکز، این ایجاد برنامه کار، پیدا کردن راهکار، ارائه راهکار، برنامه‌ریزی، به عهده چه کسی است؟ این به عهده جریان‌های حلقه‌های میانی است» (خامنه‌ای، بیانات: ۳/۱ /۱۳۹۸).

ایشان در ادامه، تأکید می‌کنند خاستگاه حلقه‌های میانی، مردم و ملت هستند. «این، نه به عهده رهبری است، نه به عهده دولت است، نه به عهده دستگاه‌های دیگر است؛ بلکه به عهده مجموعه‌هایی از خود ملّت است» (همان).

سپس نمونه‌هایی از حلقه‌های میانی را برمی‌شمارند و می‌فرمایند: «تشکل‌های دانشجویی از این قبیل‌اند، مجموعه‌های باتجربه و فعّال در زمینه‌های فرهنگی و فکری و مانند این‌ها، از این قبیل‌اند و هر که هم در این زمینه‌ها فعال‌تر باشد، مؤثرتر است؛ یعنی زمام کار، دست کسانی است که فعالیت کنند؛ تنبلی و بی‌حالی و کسالت و مانند این‌ها به درد نمی‌خورد» (همان).

مورد دیگری که برای خواص توسط ایشان به کار برده شد، لفظ شتاب‌دهنده بود: «شتاب‌دهنده کیست؟ به تعبیر بنده، شتاب‌دهنده آن چیزی است که ما به آن می‌گوییم «خواص»؛ خواصّ جامعه. «خواص» یعنی چه؟ «خواص» یعنی مثلاً آدم‌های نام‌ونشان‌دار، آدم‌های باسواد و دانشمند؟ نه، «خواص» به این معنا نیست. «خواص» یعنی آن مجموعه‌ی انسان‌هایی که در کار خود، با فکر و با شناخت و با تشخیص عمل می‌کنند و تابع جَو نیستند. این «خواص» می‌تواند در بین فعّالان گوناگون انقلابی، در بین اصناف، کارگران، نظامی‌ها، روحانیون و گروه‌های مختلف باشد، می‌تواند در بین فعّالان مطبوعاتی باشد، می‌تواند در بین فعّالان دانشجویی باشد، می‌تواند در بین فعّالان سیاسی باشد» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۲/۱۱/۱۶).

در ادامه هم به وظیفه‌ی سنگین این افراد در حفظ جهت عمومی جامعه اشاره می‌کنند: این افراد وظیفه‌ی سنگینی دارند؛ این‌ها بایستی جهت عمومی حرکت جامعه را حفظ کنند و نگذارند این حرکت دچار انحراف بشود. اگر خواصّ جامعه از این وظیفه غفلت بکنند، حوادثی که پیش خواهد آمد ضربه‌های تاریخی به ملّت‌ها میزند؛ ما در طول تاریخ اسلام، از این حوادث زیاد داشتیم. در زمان امیرالمؤمنین، در زمان امام حسن، در زمان امام حسین، کسانی بودند که جزو خواص بودند، مطلب را می‌فهمیدند، تشخیص می‌دادند، امّا در لحظه‌ی لازم، بهنگام حضور پیدا نمی‌کردند؛ دچار تردید، دچار تأمل، دچار تنبلی و در مواردی دچار خیانت می‌شدند و روی دیگران هم اثر می‌گذاشتند، روی آن جمعیتی هم که تابع جوّاند اثر منفی می‌گذاشتند؛ [از این موارد] داشتیم. در جنگ صفین، کسانی به خاطر رفتن قرآن‌ها روی نیزه دچار تردید شدند، دیگران را هم دچار تردید کردند. حالا نقل‌هایی هست ــ البتّه من خیلی به‌طور قاطع نمی‌توانم بگویم ــ که بعضی از این‌ها تعمّد داشتند؛ اشتباه نکرده بودند، [بلکه] برای خاطر تبانی با دشمن این کار را می‌کردند! این هم گفته می‌شود؛ ممکن است یک چنین وضعی پیش بیاید. لذا من به شما عرض بکنم که امروز جبهه‌ی دشمن برای خواص برنامه‌ی خاص دارد؛ برای خواص در کشور خود ما و

در خیلی از جاهای دیگر برنامه دارند که این‌ها را دچار تردید کنند، دچار تأمل کنند، دچار تعلّل کنند، احیاناً چرب و شیرین دنیا را به این‌ها بچشانند، این‌ها را جذب کنند برای اینکه در بزنگاه‌ها، در نقاط حسّاس، در آنجایی که لازم است یک اقدامی انجام بدهند، انجام ندهند و آن شتاب‌دهندگی‌ای که از خواص متوقّع است، صورت نگیرد؛ برای این کار برنامه دارند. وظیفه‌ی خواص این است: در مواقع لازم، باید تردیدافکنی و شک‌آفرینی دشمن را خنثی کنند و [مسائل را] تبیین کنند؛ «جهاد تبیین» که بنده عرض کرده‌ام، ناظر به این است؛ و ما دیدیم کسانی بودند که اهل حرف زدن، اهل منطق، اهل استدلال، اهل اثرگذاری روی دیگران بودند و کار خودشان را در مواقع لازم انجام دادند (همان).

٤- مصادیق خواص و حلقه‌های میانی در قرآن

همان‌طور که مشاهده شد، می‌بایست به‌سوی ایفا کردن نقش خواص در جامعه حرکت کنیم، اما خواص باید از خود مردم برخیزند و به‌طور طبیعی به‌عنوان پیشران عمل کنند، نه اینکه به اطرافیان و خواص پر سروصدا و پرتوقع محدود شویم؛ بنابراین، یکی از پیشنهادها برای چگونگی اجرای حکمرانی مردم‌محور، شناسایی این افراد و مجموعه‌ها و واگذاری مسئولیت‌ها به ایشان است. البته اصل این پیشنهاد بر پایه منابع دینی شکل گرفته است و مراجعه به این منابع، به‌ویژه قرآن کریم، موضوع را شفاف‌تر می‌کند. هنگامی‌که به مباحث قرآنی مراجعه می‌کنیم، در موارد متعددی از افراد یا گروه‌ها و یا امت‌هایی در میان آحاد جامعه و حتی امت اسلامی یاد می‌شود که تا حد زیادی با خواص جامعه و یا حلقه‌های میانی همخوانی دارد؛ بنابراین سعی خواهد شد تا در ادامه ابتدا به مفهوم خواص و حل به برخی از آیات مربوط به این موضوع اشاره گردد.

۴-۱ یوشع و کالب؛ منعم علیهما

جریان ورود بنی‌اسرائیل به ارض مقدس و سرپیچی آن‌ها از دستور حضرت موسی، زمانی که صدای ولی جامعه به مردم نمی‌رسد، دو نفر از میان خود قوم حضرت موسی حضور دارند که به‌جای ایشان به مردم تذکر می‌دهند و مردم را به جهاد و اجابت دستور موسی (ع) دعوت می‌کنند و به‌نوعی نقش واسطه‌ی میان حضرت و امت او به شمار می‌روند.

«قالَ رَجُلانِ مِنَ الَّذینَ یَخافُونَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَیْهِمَا ادْخُلُوا عَلَیْهِمُ الْبابَ فَإِذا دَخَلْتُمُوهُ فَإِنَّکُمْ غالِبُونَ وَ عَلَی اللَّهِ فَتَوَکَّلُوا إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنینَ؛ دو مرد از زمره کسانی که از خدا می‌ترسیدند و خدا به آنان نعمت داده بود، گفتند: از آن دروازه بر ایشان [بتازید و] وارد شوید؛ که اگر از آن، درآمدید قطعاً پیروز خواهید شد و اگر مؤمنید، به خدا توکل کنید» (مائده، ۲۳).

در میان منابع نام این دو نفر، یوشع بن نون و کالب بن یوقنا است. یوشع بن نون به‌عنوان شاگرد و همراه حضرت موسی شناخته می‌شد و بعداً نیز در رهبری بنی‌اسرائیل بعد از حضرت موسی (ع) نقش داشت. کالب نیز یکی دیگر از مؤمنان گروه بود که به مردم امید و انگیزه می‌داد تا از تصمیمات اشتباه خود دست بردارند و به جهاد بپردازند. هر دو نفر نیز از نقبای حضرت نام برده شده‌اند. این دو نفر با شجاعت و بصیرت خود در شرایط سخت، به قوم خود رهنمود دادند که به فرمان خدا عمل کنند و به سرزمین مقدس وارد شوند.

نکته مهم این است که این گروه، صرفاً شامل پیامبران و فرستادگان الهی نمی‌شود، بلکه شاگردان و پیروان راستین آن‌ها را نیز در برمی‌گیرد. این دو نفر که مجاهدانی سرسخت بودند، نشان می‌دهند که از نعمت و لطف خاص الهی برخوردار بوده‌اند. به‌عبارت‌دیگر، هر کس که در شرایط سخت و خفقان، قیام کند و سخن حق را بر زبان بیاورد، جزو «انعَمَ اللهُ عَلَیْهِمْ» محسوب می‌شود.

٤-۲ حبیب نجار؛ مؤمن آل یاسین

مورد بعدی که در این بحث قابل ذکر است، حبیب نجار است؛ که بیانگر آن است که یک نفر هم می‌تواند به‌تنهایی واسطه‌ی هدایت امّت و امام قرار بگیرد.

حبیب نجار یا مؤمن سوره یس که ضمن نقل ماجرای «اصحاب‌القریهٔ» در سوره یس در آیات ۱۳ تا ۲۹ به وی اشاره شده است را می‌توان مصداقی از حضور خواص و حلقه‌های میانی در دعوت رسولان الهی دانست.

زمانی که فرستاده‌های حضرت عیسی به انطاکیه، مورد تکذیب قرار گرفته بودند و بحث میان آن‌ها و قومشان بالا گرفته بود، ناگهان قرآن صحنه را عوض می‌کند و اشاره می‌کند به مردی با ایمان که از نقطه دور دست شهر با سرعت و شتاب به سراغ مردم که حرف رسولان الهی را نمی‌پذیرفتند، آمد و گفت: ای قوم من! از فرستادگان پیروی کنید: «وَ جاءَ مِنْ أَقْصَا الْمَدِينَهٔ رَجُلٌ يَسْعى قالَ يا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ* اتَّبِعُوا مَنْ لا يَسْئَلُكُمْ أَجْراً وَ هُمْ مُهْتَدُونَ» (یس، ۲۰ و ۲۱).

این مرد که غالب مفسران نامش را «حبیب نجار» ذکر کرده‌اند از کسانی بود که در برخوردهای نخستین با رسولان پروردگار به حقانیت دعوت آن‌ها و عمق تعلیماتشان پی برد و مؤمنی ثابت‌قدم و مصمم از کار در آمد، هنگامی‌که به او خبر رسید که در قلب شهر مردم بر این پیامبران الهی شوریده‌اند و شاید قصد شهید کردن آن‌ها را دارند، سکوت را مجاز ندانست و چنان‌که از کلمه «یسعی» برمی‌آید با سرعت و شتاب خود را به مرکز شهر رسانید و آنچه در توان داشت در دفاع از حق فروگذار نکرد. تعبیر به «رجل» به‌صورت ناشناخته، شاید اشاره به این نکته است که او یک فرد عادی بود، قدرت و شوکتی نداشت و در مسیر خود تک‌وتنها بود، درعین‌حال نور و حرارت ایمان آن‌چنان او را روشن و گرم ساخته بود که بی‌اعتنا به پیامدهای این دفاع سرسختانه از مبارزان راه توحید، وارد معرکه شد تا مؤمنان عصر پیامبر ص در آغاز اسلام که عده قلیلی بیش نبودند سرمشق بگیرند و بدانند حتی یک نفر مؤمن تنها نیز دارای مسئولیت است و سکوت برای او جایز نیست. تعبیر به «اقصی

المدینهٔ» نشان می‌دهد که دعوت این رسولان به نقاط دور دست شهر نیز کشیده شد و دل‌های آماده را تحت تأثیر خود قرار داده بود، گذشته از این نقاط دور دست شهر همیشه مرکز مستضعفانی است که آمادگی بیشتر برای پذیرش حق دارند، به عکس، در قلب شهرها مردم مرفهی زندگی می‌کنند که جذب آن‌ها به‌سوی حق به سادگی ممکن نیست. تعبیر به «یا قوم» (ای قوم من) بیانگر دلسوزی این مرد نسبت به اهل شهر و مردم آن دیار است و دعوت به پیروی از رسولان دعوتی است خالصانه که هیچ نفعی برای شخص او در آن مطرح نیست (مکارم شیرازی،۱۳۷۱: ۳٤۸/۱۸).

نکته‌ی نهفته در آیات هم این است که در این دعوت، حبیب نجار به‌جای آنکه همه‌ی بار و هزینه‌ها را بر دوش رسولان و ولی جامعه بیندازد، مردم را به سمت خودش می‌کشاند و می‌گوید «فاسمعون»؛ یعنی مرا بشنوید. این مسئله نشان‌دهنده‌ی آن است که افرادی که از میان مردم در بزنگاه‌ها خودی نشان می‌دهند و پیشران می‌شوند، خودبه‌خود جایگاهی شبیه به اولیای الهی پیدا می‌کنند و به تعبیری می‌توانند جزئی از امامان میانی قلمداد بشوند.

آیت‌الله خامنه‌ای در مورد او این‌گونه می‌فرمایند: «در قرآن یک نمونه‌ای وجود دارد که به نظر بنده خیلی مهم است؛ آن قضیّه‌ی رجل مؤمنی است که در سوره‌ی یاسین از او نام برده شده. وقتی‌که سه پیغمبر از طرف پروردگار در این قوم مبعوث شدند و مردم ایمان نیاوردند و علیه این‌ها توطئه کردند و تصمیم گرفتند که این‌ها را نابود کنند، یک مرد شجاع و مؤمنی خودش را به‌سرعت به جمعیت مردم رساند و گفت: یا قَومِ اتَّبِعُوا المُرسَلین؛ از این‌ها پیروی کنید. بعد می‌رسد به اینجا؛ نکته‌ی مورد توجّه من اینجا است: وَ ما لِیَ لا اَعبُدُ الَّذی فَطَرَنی وَ اِلَیهِ تُرجَعُونَ * اَ اَتَّخِذُ مِن دونِهِ آلِهَةً ... اِنّی آمَنتُ بِرَبِّکُم فَاسمَعون؛ با صدای بلند، با صراحت، ایمان خودش را بیان می‌کند. خواص باید صریح باشند، باید با صراحت حرف بزنند، باید شبهه‌ها را از ذهن‌ها زایل کنند، دوپهلو و دو گونه و تردیدآمیز حرف نزنند. اِنّی آمَنتُ بِرَبِّکُم

فَاسمَعون؛ بشنوید! من ایمان آوردم. این نمونه‌ی کاری است که خواص می‌توانند انجام بدهند» (خامنه‌ای، بیانات: ۱٤۰۲/۱۱/۱٦).

٤-۳ حزقیل؛ مؤمن آل فرعون

مؤمن آل فرعون، از دیگر شخصیت‌های ویژه قرآنی است که ایمانش به خداوند را پنهان می‌کرد. او برای حفظ جان حضرت موسی (ع)، ایمان خود را آشکار کرد و به جرم ایمان، توسط فرعون کشته شد. در روایات شیعه از او در کنار امام علی (ع)، به‌عنوان یکی از صدیقان و همچنین از رجعت او در زمان ظهور حضرت مهدی (عج) یاد شده است.

اولین جایی که در قرآن کریم، از این شخص یاد شده است، در آیه ۲۰ سوره قصص است که در تفاسیر به همین جناب حزقیل تطبیق داده شده است. زمانی که در زمان جوانی حضرت موسی حکم قتل موسی از طرف فرعون صادر شد، در این هنگام یک حادثه غیرمنتظره موسی را از مرگ حتمی رهایی بخشید و آن اینکه مردی از نقطه دور دست شهر (از مرکز فرعونیان و کاخ فرعون) به‌سرعت خود را به موسی رساند و گفت ای موسی این جمعیت برای کشتن تو به مشورت نشسته‌اند، فوراً از شهر خارج شو که من از خیرخواهان توأم: «وَ جاءَ رَجُلٌ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ يَسْعى قالَ يا مُوسى إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِنِّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ» (قصص، ۲۰).

این مرد ظاهراً همان کسی بود که بعداً به‌عنوان «مؤمن آل فرعون» معروف شد، می‌گویند نامش «حزقیل» بود و از خویشاوندان نزدیک فرعون محسوب می‌شد و آن‌چنان با آن‌ها رابطه داشت که در این‌گونه جلسات شرکت می‌کرد. او از وضع جنایات فرعون رنج می‌برد و در انتظار این بود که قیامی بر ضد او صورت گیرد و او به این قیام الهی بپیوندد. ظاهراً چشم امید به موسی دوخته بود و در چهره او سیمای یک مرد الهی انقلابی را مشاهده می‌کرد، به همین دلیل هنگامی‌که احساس کرد او در خطر است با سرعت خود را به او رسانید و موسی را از چنگال خطر

نجات داد و بعداً خواهیم دید که نه‌تنها در این ماجرا، که در ماجراهای دیگر نیز تکیه‌گاهی برای موسی ع بود و دیده تیزبینی برای بنی‌اسرائیل در قصر فرعون محسوب می‌شد. موسی این خبر را کاملاً جدی گرفت، به خیرخواهی این مرد با ایمان ارج نهاد و به توصیه او «از شهر خارج شد درحالی‌که ترسان بود و هر لحظه در انتظار حادثه‌ای»! (فَخَرَجَ مِنْها خائِفاً يَتَرَقَّبُ). (مکارم شیرازی،۱۳۷۱: ۵۲/۱۶)

نام او حزقیل یا حزبیل و یا خربیل بوده است. او پسرعمو و خزانه‌دار فرعون بود که در مدت عمر طولانی خود ایمانش را از فرعون پنهان می‌کرد. زمانی که فرعون به او شک کرده بود، تقیه می‌کند و با توریه ایمان خود را پنهان کرده و جانش را حفظ می‌کند. در زمان دعوت حضرت موسی و ایمان آوردن ساحران به موسی (ع)، مؤمن آل فرعون هم ایمان خود را آشکار می‌کند و مانند ساحران توسط فرعون کشته می‌شود. دست‌ها و انگشتان او بر روی صلیب خشک و فلج شده بود و با همان حال به قومش اشاره می‌کرد و می‌گفت: از من پیروی کنید تا شما را به راه رشد و کمال هدایت کنم. (قمی، ۱۳۶۳: ۲۵۸/۲)[1]

آیات ۲۸ تا ٤٥ سوره غافر، به توصیف این اتفاق می‌پردازد: «وَقَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَتَقْتُلُونَ رَجُلا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَقَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ ...» (غافر، ۲۸).

بعد از آن‌که فرعون قصد کشتن موسی (ع) را داشت، مؤمن آل فرعون تلاش می‌کند او را نجات دهد و سخن خود با فرعونیان را در پنج موضوع زیر مطرح کرد.

سخنان محتاطانه با قوم خود که لزومی به کشتن موسی (ع) نیست؛ اگر دروغ می‌گوید، به‌زودی رسوا می‌شود و اگر راست بگوید، نباید او را بکشیم. یادآوری سرنوشت اقوام پیشین که گرفتار عذاب الهی شدند. یادآوری نبوت حضرت یوسف (ع) و اینکه بعد از یوسف (ع) برای فرار از مسئولیت، به خود می‌گفتید که بعد از او دیگر پیامبری نمی‌آید و این‌گونه در اسراف و گمراهی غوطه‌ور شدید. تذکر به

[1] قمی، تفسیر قمی، ۱۳۶۳ ش، ج ۲، ص ۲۵۸؛ مجلسی، بحارالانوار، ۱۳۶۲ ش، ج ۱۳، ص ۱۶۲

گذرا بودن دنیا و یادآوری بهشتی که پاداش مؤمنین و افرادی است که عمل صالح دارند؛ در این پاداش تفاوتی بین زن و مرد نیست. همین سخنان باعث شد تصمیم فرعون بر کشتن موسی (ع) به تأخیر بیفتد و تصمیم بگیرد ساختمان بلندی بسازد و از آن بالا برود تا از خدای موسی اطلاعی پیدا کند. مؤمن آل فرعون، درنهایت ایمان خود را آشکار می‌کند و می‌گوید شما مرا به کفر دعوت می‌کنید و من شما را به ایمان به خداوند عزیز غفار دعوت می‌کنم: وَأُفَوِّضُ أَمْرِی إِلَی اللّـهِ إِنَّ اللّـهَ بَصِیرٌ بِالْعِبَادِ. بعد از این سخنان بود که توسط فرعون به صلیب کشیده می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۵۲/۱۶)[1].

نکته‌ی دیگری که از کلام جناب حزقیل برداشت می‌شود، در آیه ۳۸ آمده است: «وَ قالَ الَّذی آمَنَ یا قَوْمِ اتَّبِعُونِ أَهْدِکُمْ سَبِیلَ الرَّشادِ» (غافر، ۳۸) که نشان می‌دهد که وقتی دعوت حضرت موسی به‌عنوان رهبر جامعه پذیرفته نشد، حزقیل هم مانند حبیب نجار، خود را در مقام و هم‌سنگ او قرار داد و مردمش را به پیروی از خود فراخواند. او گفت: «ای قوم من، از من پیروی کنید تا شما را به راه راست هدایت کنم.» این موضوع بار دیگر اهمیت و جایگاه والای افراد پیشران و تأثیرگذار در جامعه را نشان می‌دهد.

٤-٤ اوسط قوم

در جریان یکی از داستان‌هایی که در سوره قلم نقل شده است، اشاره به شخصی در میان مردم با عنوان اوسط شده است. آنکه از سایرین میانه‌روتر و معتدل‌تر بود و همواره مردم خود را به حق یادآوری می‌کرد.

«قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُلْ لَکُمْ لَوْلَا تُسَبِّحُونَ» (قلم، ۲۸)

این آیات ادامه داستان «أَصْحابَ الْجَنَّةِ» است که در آیات قبل بوده. صاحبان باغ به این امید که محصول فراوان خود را بچینند و دور از نظر مستمندان جمع‌آوری کنند

[1] مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۸ ش، ج ۲۰، ص ۹۷

و همه را در انحصار خویش گیرند و حتی یک فقیر بر سر این خوان نعمت گسترده الهی ننشیند، صبحگاهان به راه افتادند اما بی‌خبر از اینکه صاعقه‌ای مرگبار شب هنگام درست در موقعی که آن‌ها در خواب بوده‌اند باغ را تبدیل به یک مشت خاکستر کرده است. در این میان یکی از آن‌ها که از همه عاقل‌تر بود گفت: آیا به شما نگفتم چرا تسبیح خدا نمی‌گویید. نگفتم خدا را به عظمت یاد کنید و از مخالفت او بپرهیزید، شکر نعمت او را بجا آورید و نیازمندان را از اموال خود بهره‌مند سازید؟ ولی شما گوش نکردید و به روزگار سیاه افتادید! از این آیه استفاده می‌شود که در میان آن‌ها فرد مؤمنی بود که آن‌ها را از بخل و حرص نهی می‌کرد و چون در اقلیت بود کسی گوش به حرفش نمی‌داد، اما پس از این حادثه دردناک، زبان او گشوده شد و منطقش تیزتر و برنده‌تر گشت و آن‌ها را زیر رگبار ملامت و سرزنش گرفت. آن‌ها نیز لحظه‌ای بیدار شدند و به گناه خود اعتراف کردند. تعبیر به «اوسط» در آیه قبل به معنی کسی است که در سرحد اعتدال از نظر عقل و خرد و دانش باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ٤٠٠/٢٤).

٤-٥ اصحاب کهف

قرآن کریم در آیات ۸ تا ٢٦ سوره کهف، به داستان افراد ویژه‌ای به نام اصحاب کهف اشاره کرده است. اَصْحابِ کَهْف یا یاران غار، مؤمنانی (مسیحی) بودند که برای حفظ ایمان خود و ایمن ماندن از ستم دقیانوس (۲۰۱ –۲۵۱ م)، به سمت غاری حرکت کردند و در آنجا به خواب عمیقی رفتند که حدود سیصد و نه سال طول کشید.

«أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحابَ الْكَهْفِ وَ الرَّقِيمِ كانُوا مِنْ آياتِنا عَجَباً (۹) إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقالُوا رَبَّنا آتِنا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَ هَيِّئْ لَنا مِنْ أَمْرِنا رَشَداً (۱۰)» (کهف، ۹ و ۱۰).

کلمه «فتیهٔ» جمع سماعی «فتی» است و «فتی» به معنای جوان است و این کلمه خالی از شائبه مدح نیست و تقریبا منظور از آن، جوان خوب است. در ادامه

می‌فرماید: «إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ»(کهف، ۱۳) و معنای آن این است که اصحاب کهف جوانانی بودند که به پروردگار خود ایمانی آوردند که مورد رضایت او بود؛ و به دنبال بحث گذشته می‌گوید: «وَ رَبَطْنا عَلى قُلُوبِهِمْ إِذْ قامُوا» (کهف، ۱۵). کلمه ربط به معنای محکم بستن است؛ و ربط بر دل‌ها کنایه از سلب اضطراب و قلق از آن‌ها است. ما دل‌های آن‌ها را محکم ساختیم، در آن هنگام که قیام کردند و گفتند پروردگار ما پروردگار آسمان‌ها و زمین است.[۱]

این مهم است که به‌واسطه‌ی قیامشان، خداوند دل‌هایشان را مستحکم ساخت. گویا همان‌طور که در آیه‌های دیگر هم مشاهده کردیم، سنت خدا بر این است که باید ابتدا قیام و حرکتی از سمت انسان‌ها رقم بخورد و سپس امداد الهی برسد. همان‌طور که برای اصحاب کهف این‌چنین شد که همین‌که قیام کردند، خداوند دل‌هایشان را محکم و استوار ساخت.

٤-٦ مریم و آسیه؛ الگوی بشریت

در ادبیات قرآن، هیچ‌گونه تفاوتی ازلحاظ جنسیت در اصل ضرورت حضور در میدان و کنشگری دیده نمی‌شود. قرآن کریم با آیات متعددی این اصل را مورد تأکید قرار می‌دهد که کنشگری و عمل صالح، فارغ از جنسیت، برای همه انسان‌ها ضروری است. درواقع، معیار ارزش‌گذاری در قرآن بر اساس تقوا، عمل صالح و تلاش در مسیر حق است، نه جنسیت. به‌طور مثال، آیه ۹۷ سوره نحل می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ صالِحاً مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَياةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ ما كانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل، ۹۷).

البته موضوع قابل توجه در این زمینه این است که به دلیل طبیعت متفاوت مرد و زن، نوع کنشگری مردانه و زنانه به‌طورمعمول متفاوت می‌گردد؛ اما بااین‌حال تنها آقایان نیستند که می‌توانند از خواص باشند و نقش‌آفرینی جدی داشته باشند. بلکه

[۱] ترجمه تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، جلد ۱۳، صفحه ۳٤۸

افراد شاخصی از بانوان نیز در این میان حضور دارند و نقش‌هایی مهم و تأثیرگذار ایفا کرده‌اند.

در آیات پایانی سوره تحریم، خداوند با ارائه‌ی مثل‌هایی از زنان نمونه‌ای چون حضرت آسیه و حضرت مریم، الگویی برای مؤمنان فراهم می‌آورد که نشان‌دهنده قدرت ایمان و نقش زنان در تاریخ الهی است. حضرت آسیه، همسر فرعون، به‌عنوان نمونه‌ای از استقامت و دوری از ظلم معرفی می‌شود که با دعا از خداوند می‌خواهد در بهشت برای او منزلی قرار دهد و از ستم‌های همسرش و قوم ظالم نجات یابد. از سوی دیگر، حضرت مریم، مادری که با ایمان و پاک‌دامنی به معجزه‌ای بزرگ دست یافت، به‌عنوان نماد تصدیق کلام خدا و به حق‌گرایی مورد ستایش قرار می‌گیرد. این آیات به‌خوبی تأکید می‌کنند که در مسیر حق‌جویی و ایمان، زنان به‌عنوان الگوهایی بارز و تأثیرگذار برجسته هستند و نمونه‌ای برای کل بشریت می‌باشند که نشان‌دهنده‌ی اهمیت نقش آنان در تحقق ارزش‌های الهی و اجتماعی است.

«وَضَرَبَ اللَّهُ مثلاً لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ * وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتُبِهِ وَكَانَتْ مِنَ الْقَانِتِينَ» (تحریم، ۱۱ و ۱۲).

نکته حائز اهمیت این آیات این است که خداوند اعلام نمی‌کند که این دو شخصیت تنها الگوهایی برای زنان هستند، بلکه آن‌ها را الگوهایی برای همه انسان‌ها، اعم از مردان و زنان، به شمار می‌آورد. با انتخاب حضرت آسیه و حضرت مریم به‌عنوان نمونه‌هایی الهی، پیام خداوند این است که زنان نیز می‌توانند در عرصه‌های ایمان و فضیلت پیشگام باشند و به‌عنوان نمونه‌هایی ارزنده برای تمامی انسان‌ها مطرح شوند.

٤-۷ مجاهدون؛ خواص غربال شده

مصادیقی از خواص که در قرآن به آن‌ها پرداخته شده است، نشان می‌دهد که این افراد، مرحله به مرحله ابتلائاتی را می‌گذرانند و به درجات عالی می‌رسند. این افراد دارای ویژگی بارز تعینی بودن هستند. گویا سنت خداوند بر آن است که همه‌ی سختی‌ها و ابتلائات را به جوامع ایمانی بچشاند تا از میان آن‌ها، افراد خاص و ثابت‌قدم را غربال نماید. این فرایند غربالگری به تقویت ایمان آن‌ها کمک می‌کند و آن‌ها را در برابر چالش‌ها و سختی‌ها مقاوم‌تر می‌سازد.

مجاهدت و صبر در برابر ابتلائات اصلی‌ترین عوامل شکل‌گیری این خواص در جامعه ایمانی است و وجود آن‌ها بدون این استقامت امکان‌پذیر نیست. این چرخه آزمون و تمحیص، آن‌ها را به الگوهایی برای دیگران تبدیل می‌سازد و درنهایت، به ایجاد جامعه‌ای مؤمن و آگاه می‌انجامد که در آن هر فرد در مواجهه با سختی‌ها به عمق ایمان و تقوای خود پی می‌برد.

خداوند جوامع ایمانی را با چالش‌ها و دشواری‌ها می‌آزماید، هدفی که در پس این سنت الهی نهفته است، آشکار ساختن مؤمنان راستین و برگزیدن افرادی است که در مسیر ایمان، استوار و پایدار قدم برمی‌دارند. در این میان، مجاهدت به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌هایی که در این آزمون‌ها نمایان می‌شود، نقشی کلیدی ایفا می‌کند. قرآن کریم در آیات متعدد، به فضیلت و مقام والای مجاهدان نسبت به سایر مؤمنان اشاره کرده و برتری آنان را مورد تأکید قرار داده است. این امر نشان می‌دهد که جهاد و تلاش در راه خدا، از نشانه‌های بارز ایمان حقیقی است. وصف مجاهدون در میان آیات قرآن به کرات وجود دارد و همگی آن‌ها بیانگر درجه‌ی بالاتر مجاهدان بر سایر مؤمنان است «لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا» (نساء،۹۵).

آیات ۱۴۰ تا ۱۴۲ سوره آل‌عمران که مرتبط با جنگ احد است، نیز به‌خوبی نشان‌دهنده فرایند تمحیص و آزمون مؤمنان است. خداوند در این آیات می‌فرماید که روزهای سخت، وسیله‌ای برای تشخیص مؤمنان واقعی از دیگران است:

إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلُهُ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ* وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ *وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ (آل‌عمران، ۱۴۰ تا ۱۴۲)

مصدر «تمحیص» که فعل «یمحص» از آن مشتق است به معنای خالص کردن چیزی است از آمیختگی و ناخالصی‌هایی که از خارج داخل آن چیز شده است. در این آیات، تمرکز بر امتحانات الهی و چرایی آن‌هاست تا خداوند مؤمنان را در سختی‌ها بشناسد و آن‌ها را در ردیف شهدا، مجاهدان و صابرین قرار دهد.

۴-۸ ربّیّون

آیات همان سیاق در سوره آل‌عمران همچنان ادامه پیدا می‌کند و در آیات ۱۴۶ تا ۱۴۸ به‌طورکلی و با وصف دیگری غیر از مجاهدون، به توصیف یاران حقیقی همه‌ی پیامبران و اولیاءالله پرداخته می‌شود. این‌ها همان افراد خاصی می‌باشند که در این آیات به نام ربیون شناخته می‌شوند.

«وَكَأَيِّن مِّن نَّبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُواْ لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللّهِ وَمَا ضَعُفُواْ وَمَا اسْتَكَانُواْ وَاللّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ» (آل‌عمران، ۱۴۶).

کلمه "کاین " کلمه‌ای است که برای افاده کثرت بکار می‌رود و در فارسی به معنای "چه بسا " است و کلمه "من " در اینجا بیانیه است و کلمه "ربیون " جمع کلمه "ربی " است، که نظیر کلمه "ربانی " به معنای کسی است که مختص برای رب العالمین باشد، یعنی جز به کار خدا به هیچ کار دیگر مشغول نباشد (علامه طباطبایی، ۱۳۷۴: ۶۲/۴).

ربیّون بر اساس روایات، دارای خصوصیاتی بارز و خاص هستند. آیه فوق به دنبال حوادث احد، با یادآوری شجاعت و ایمان و استقامت مجاهدان و یاران پیامبران گذشته مسلمانان را به شجاعت و فداکاری و پایداری تشویق می‌کند و ضمناً آن دسته‌ای را که از میدان احد فرار کردند سرزنش می‌نماید و می‌گوید: پیامبران بسیاری بودند که خداپرستان مبارزی در صف یاران آن‌ها قرار داشتند.

و در این آیه، موعظتی و اعتباری آمیخته با عتاب و نیز تشویقی برای مؤمنین است؛ تا به این ربیون اقتدا کنند و درنتیجه خدای تعالی هم ثواب دنیا و حسن ثواب آخرت به ایشان بدهد؛ همان‌طور که به ربیون داد و ایشان را به خاطر احسانشان دوست بدارد، همان‌طور که آنان را بدین‌جهت دوست داشت؛ و خدای تعالی از فعل و قول آنان چیزهایی را برای مؤمنین حکایت کرد، که مایه عبرت آنان باشد و آن را شعار خود سازند تا مبتلا به کردار و گفتاری که آنان در جنگ احد بدان مبتلا شدند نشوند؛ گفتار و کرداری که مرضی خدای تعالی نبود، که تا در نتیجه خدا نیز هم ثواب دنیا را به ایشان بدهد و هم ثواب آخرت را، همان‌طور که نسبت به آن ربیّون جمع کرد میان ثواب دنیا و ثواب آخرت (همان).

آنان به یاری پیامبران خود برخاستند و از تلفات سنگین و جراحات سخت و مشکلات طاقت‌فرسایی که در راه خدا دیدند هرگز سست و ناتوان نشدند، آن‌ها در مقابل دشمن هیچ‌گاه تضرع و زاری و خضوع و کرنش نکردند و تسلیم نشدند (ما ضَعُفُوا وَ مَا اسْتَكانُوا) بدیهی است خداوند هم‌چنین افرادی را دوست دارد که دست از مقاومت برنمی‌دارند (وَ اللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ). آن‌ها به هنگامی‌که احیاناً بر اثر اشتباهات یا سستی‌ها، یا لغزش‌هایی گرفتار مشکلاتی در برابر دشمن می‌شدند به جای اینکه میدان را به او بسپارند و یا تسلیم شوند و یا فکر ارتداد و بازگشت به کفر در مغز آن‌ها پیدا شود، روی به درگاه خدا می‌آوردند و ضمن تقاضای عفو و بخشش از گناهان خود از پیشگاه خداوند تقاضای صبر و استقامت و پایمردی می‌کردند و می‌گفتند: «رَبَّنَا اغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا وَ إِسْرافَنا فِي أَمْرِنا وَ ثَبِّتْ أَقْدامَنا وَ انْصُرْنا

عَلَى الْقَوْمِ الْكافِرِينَ؛ پروردگارا گناهان ما را بیامرز و از تندرویهای ما درگذر و ما را ثابت قدم بدار و بر کافران پیروز بگردان»(آل‌عمران، ۱٤۷). آن‌ها با این طرز تفکر و عمل به زودی پاداش خود را از خدا می‌گرفتند هم پاداش این جهان که فتح و پیروزی بر دشمن بود و هم پاداش جهان دیگر، (فَآتاهُمُ اللَّهُ ثَوابَ الدُّنْيا وَ حُسْنَ ثَوابِ الْآخِرَةِ)؛ و در پایان آیه آن‌ها را جزء نیکوکاران شمرده و می‌فرماید: (وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ)" خدا نیکوکاران را دوست دارد "؛ و به این ترتیب یک درس زنده از برنامه مجاهدان امت‌های پیشین و سرانجام کار آن‌ها و چگونگی برخورد آن‌ها با مشکلات و پیروزی بر آن‌ها برای تازه مسلمانان بیان می‌کند و آن‌ها را برای میدان‌های آینده پرورش می‌دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۲۲/۳).

٤-۹ حواریون؛ خاص الخواص

ورود عرصه خواص و حلقه‌های میانی به‌صورت عمومی را می‌توان تحت عناوینی که گذشت مانند ربیون و مجاهدون مطرح کرد؛ اما گفتمان قرآن به همین‌جا ختم نمی‌شود و مطالبه‌های جدی‌تری را نیز با همین خواص مطرح می‌کند تا در سطح بالاتری فعالیت نمایند. آیاتی وجود دارند که اشاره به جمع‌ها و صفاتی دارند که می‌توان آن‌ها را خاص الخواص عنوان کرد.

یکی از مباحث مطرح شده در میان آیات قرآن که قابل تطبیق بر موضوع بحث است، اصحاب خاص حضرت عیسی هستند که از آن‌ها با عنوان حواریون یاد می‌شود.

«فَلَمَّا أَحَسَّ عيسى مِنْهُمُ الْكُفْرَ قالَ مَنْ أَنْصارِي إِلَى اللَّهِ قالَ الْحَوارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصارُ اللَّهِ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ اشْهَدْ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ *ربَّنا آمَنَّا بِما أَنْزَلْتَ وَ اتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنا مَعَ الشَّاهِدِينَ *وَ مَكَرُوا وَ مَكَرَ اللَّهُ وَ اللَّهُ خَيْرُ الْماكِرِينَ» (آل‌عمران، ۵۲ تا ٥٤).

فلما أحس..." یعنی همین که عیسی از بنی‌اسرائیل، احساس کفر نمود، فرمود: کیست که مرا در راهی که به‌سوی خدا منتهی می‌شود یاری کند؟ و منظورش از این پرسش این بود که بفهمد از میان مردم چند نفر طرفدار حقّ‌اند تا روی همانان حساب کند و خلاصه بفهمد چقدر عده و عُده دارد؛ نیرویش در آنان متمرکز گشته، دعوتش از

ناحیه آنان منتشر شود و این خصیصه هر نیروی طبیعی و اجتماعی او (فیزیکی و مکانیکی) و امثال آن است که وقتی می‌خواهد دست به کار گشته و هر جزء از آن یک ناحیه را اداره و در آن عمل کند، باید نخست مرکزی و کانونی داشته باشد تا همه نیروهای جزئی‌اش در آن محل متمرکز شود و آن مرکز تکیه‌گاه نیروهای جزئی و کمک‌رسان به آن باشد؛ وگرنه صدها نیروی جزئی و پراکنده‌کاری از پیش نمی‌برند و بلکه همه هدر می‌روند. عیسی (ع) بعد از آن‌که یقین کرد که دعوتش در بین بنی‌اسرائیل- یا همه و یا حداقل اکثریت آنان- پیشرفتی ندارد و به نتیجه نمی‌رسد و فهمید که بنی‌اسرائیل به‌هیچ‌وجه از کفر خود دست برنمی‌دارند و از سوی دیگر اگر میدان را به دست آن‌ها بدهد، دعوتش به‌کلی باطل و گرفتاری‌ها بیشتر می‌شود، برای بقای دعوتش این نقشه را طرح کرد که از آنان یاری بخواهد و به این وسیله دوست را از دشمن جدا کند (طباطبائی، ۱۳۷٤: ۳۱۸/۳).

درواقع، این موضوع از چاره‌جویی‌های خداوند است که بن‌بست‌ها را با حضور حواریون رد می‌کند و درست در زمانی که حواریون حضور پیدا می‌کنند، معادلات به هم می‌خورد.

٤-۱۰ انصارالله

در آیات ۹ تا ١٤ سوره صف که سیاق مرتبط با پیروزی نهایی دین و غلبه‌ی بر همه‌ی ادیان مشرکان است، از مؤمنین ایمان حقیقی همراه با جهاد اموال و انفس خواسته شده است.

«یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّکُمْ عَلی تِجارَةٍ تُنْجیکُمْ مِنْ عَذابٍ أَلیمٍ * تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ تُجاهِدُونَ فی سَبیلِ اللَّهِ بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ ...» (صف، ۹ و ۱۰)

اما کار به همین‌جا ختم نمی‌شود و در انتهای سوره‌ی مبارکه‌ی صف، مجدداً از خود مجاهدین طلب کنشگری در رده‌ی بالاتری به‌عنوان انصار الله می‌شود.

«یَا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا کُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ کَمَا قَالَ عِیسَی ابْنُ مَرْیَمَ لِلْحَوَارِیِّینَ مَنْ أَنْصَارِی إِلَی اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِیُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ ...؛ ای اهل ایمان، شما هم یاران خدا باشید؛

چنان‌که عیسی بن مریم به حواریون گفت: کیست مرا برای خدا یاری کند؟ آن‌ها گفتند: ما یاران خداییم» (صف، ١٤).

یعنی آن‌قدر دین خدا را یاری کنید که به این علامت شناخته شوید؛ بنابراین، آیه شریفه جنبه ترقی نسبت به آیه قبلی دارد که می‌فرمود (هَلْ أَدُلُّكُمْ.. .). در نتیجه برگشت معنای هر دو آیه به این می‌شود: با جان و مال خود تجارت کنید و خدا را با ایمان و جهاد در راه او یاری نمایید و بر یاری خود دوام و ثبات داشته باشید.

نکته‌ی مهم دیگری که در انتهای آیه اشاره می‌شود آن است که وقتی حضرت عیسی از حواریون خود درخواست یاری دین خدا می‌کند و آن‌ها هم لبیک می‌گویند، اینجاست که بخشی از عموم بنی‌اسرائیل همراه می‌شوند و بخشی دیگر کافر می‌گردند. درواقع، با نقش‌آفرینی حواریون و انصارالله، جبهه حق از باطل جدا می‌گردد و سبب پیروزی نهایی مؤمنین می‌گردد.

«...فَآمَنَتْ طَائِفَةٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَفَرَتْ طَائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَى عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ» (صف، ١٤)

لذا در مقام تطبیق با بحث حاضر، در جامعه، افرادی پیشران حضور دارند که جهت توده‌ی مردم را مشخص می‌کنند. درواقع توده‌ی مردم ممکن است به خودی خود جهت خاصی نداشته باشند و این حواریون و انصارالله باشند که جهت و راهنمای بقیه باشند.

٤-١١ نقباء

یکی دیگر از عناوین قرآنی که شباهت زیادی به تعبیر حواریون نیز دارد؛ نقباء هستند که در جریان داستان حضرت موسی، به‌عنوان افراد اصلی و وِیژه قبیله‌های بنی‌اسرائیل شناخته می‌شوند.

قرآن این‌گونه فرموده که همان‌گونه که خداوند آن‌ها را به ۱۲ امت تقسیم نمود: «وَقَطَّعْنَاهُمُ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ أَسْبَاطًا أُمَمًا ...» (اعراف، ١٦٠)، دوازده نقیب هم برایشان

گماشته شد: «وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا ...» (مائده، ۱۲)

نقیب به معنای کسی است که از قومی آمار می‌گیرد و احوال آن قوم را پی گیری می‌نماید و جمع آن نقباء می‌آید. خدای سبحان برای مؤمنین از این امت داستانی که بر بنی‌اسرائیل گذشت می‌سراید، که چگونه برایشان احکام دینی تشریع کرد و با اخذ میثاق امر آنان را تثبیت نمود و نقباء برایشان برگزید و بیان خود را به آنان ابلاغ فرموده حجت را بر آنان تمام کرد. علی‌الظاهر منظور از این دوازده نقیب دوازده رئیس است، که هر یک بر یکی از اسباط دوازده‌گانه بنی‌اسرائیل ریاست داشتند و به‌منزله والی بر آنان بودند، کارهای آنان را فیصله می‌دادند و نسبتی که این دوازده نقیب به دوازده تیره بنی‌اسرائیل داشتند نظیر نسبتی بوده که اولی الامر به افراد این امت دارند، در حقیقت مرجع مردم در امور دین و دنیای آنان بودند، چیزی که هست خود آنان وحی از آسمان نمی‌گرفتند و شریعتی را تشریع نمی‌کردند و کار وحی و تشریع شرایع تنها به عهده موسی بود. (طباطبائی، ۱۳۷٤: ۳۹۰/۵)

۱۲-٤ عباد الرحمن؛ از پیشرانی تا پیشوایی

همان‌طور که در مثال‌های قبلی مشاهده کردیم، یکی از شیوه‌های بیان مطالب در قرآن، این است که با ذکر عنوانی خاص، صفات ممدوح و مطلوبی در معرفی آن عنوان ذکر می‌گردد. به‌این‌ترتیب در سوره «فرقان»، ذیل آیات ٦۳ تا ۷٦ عنوان جدیدی به نام «عباد الرحمن» مطرح است: «وَ عِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْناً وَ إِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَهِلُونَ قَالُوا سلَماً» (فرقان،٦۳).

از یک نگاه، همه مردم بندگان خدای رحمان هستند و از این حیث تفاوتی بین آن‌ها نیست؛ اما به قرینه اوصافی که در ادامه آیه و آیات بعدی آمده، معلوم می‌شود که اینجا مقصود از «عباد الرحمن» همه انسان‌ها نیستند و معنای خاصی از آن اراده شده است؛ اما این‌که چرا از بین همه اسما و صفات خداوند، در اینجا صفت رحمانیت خداوند انتخاب شده، شاید نکته‌اش این باشد که اینجا صحبت از عباد و بندگانی

است که مشمول «رحمت خاص» الهی قرار می‌گیرند و لیاقت درک و دریافت رحمت‌های ویژه خداوند را پیدا می‌کنند. درهرحال، از سیاق کلام این مقدار مسلّم است که مقصود از «عباد الرحمان»، در اینجا همه بندگان و خلایق نیستند؛ بلکه آن گروه از بندگان منظورند که اوصافشان در ادامه آمده است (مصباح یزدی، ۱٤۰۲: ۱٥٦).

آن صفات و ویژگی‌ها به شرح زیر است: ۱- تواضع و فروتنی. ۲ ـ مدارا کردن با جاهلان و افراد نادان. ۳ ـ عبادت‌های شبانه، مخصوصاً نماز شب. ٤ ـ ترس از خداوند و خوف از عذاب الهی. ٥ ـ ترک افراط‌وتفریط در مسائل مختلف زندگی. ٦ ـ دست شستن از هرگونه شرک. ۷ ـ احترام به خون افراد بی‌گناه. ۸ ـ ترک بی‌عفتی و آلوده نشدن به زنا. ۹ ـ حاضر نشدن در مجالس آلوده و باطل. ۱۰ ـ پرهیز از کارهای لغو و بیهوده. ۱۱ ـ تحقیق و تفکّر و اندیشه در کارها.۱۲- توجّه به تربیت اولاد و فرزندان. ۱۳ ـ پیشرانی و اسوه و الگوی دیگران بودن. ۱٤ ـ صبر در مقابل مشکلات ناخوشایند زندگی.

در آخرین آیه از مجموعه آیاتی که در سوره فرقان اوصاف «عبادالرحمن» را بیان می‌کند، دو صفت برای عبدالرحمان ذکر شده است: یکی اهتمام به جامعه کوچک خانواده و فرزندان و دیگری اهتمام به جامعه‌ای بزرگ‌تر به نام صالحان و پرهیزگاران.

در جمله اول که متضمن وصف اهتمام عبادالرحمن به خانواده است، می‌فرماید: «وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنا هَبْ لَنا مِنْ أَزْواجِنا وَذُرِّيّاتِنا قُرَّةَ أَعْيُنٍ؛ کسانی‌اند که می‌گویند: پروردگارا، به ما از همسران و فرزندانمان آن ده که مایه روشنی چشمان ما باشد» (فرقان، ۷٦).

در جمله دوم نیز می‌فرماید: «وَ اجْعَلْنا لِلْمُتَّقِينَ إِماماً»(فرقان، ۷٦). یعنی ما را توفیق ده تا در راه انجام خیرات و به دست آوردن رحمتت از یکدیگر سبقت گیریم، در نتیجه دیگران که دوستدار تقوایند از ما بیاموزند و ما را پیروی کنند. هم چنان‌که

قرآن کریم درباره ایشان فرموده: «وَ السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولئِکَ الْمُقَرَّبُونَ» (واقعه،۱۱) و گویا مراد از دعای مورد بحث، این است که: بندگان رحمان همه در صف واحدی باشند، مقدم بر صف سایر متقین؛ و به همین جهت کلمه " امام " را مفرد آورد و نفرمود: و اجعلنا للمتقین ائمهٔ (طباطبائی، ۱۳۷٤: ۳۳۹/۱۵).

لذا عبادالرحمن افرادی هستند که پس از اینکه مراتبی را طی کردند و ویژگی‌هایی را کسب کردند، کم‌کم می‌توانند به‌عنوان الگو، امام و پیشران مطرح باشند و این اتفاق کاملاً به‌صورت تعینی رخ می‌دهد و این افراد در جامعه نمایان و مشخص می‌شوند. درواقع ایشان مرحله‌ای از پیشتازی تا پیشرانی را طی می‌کنند و به پیشوایی نزدیک می‌شوند.

طبعاً کسی که می‌خواهد «امام» و پیشوای گروهی از مردم باشد، این ویژگی در او لحاظ می‌شود که پیشاپیش آن‌ها حرکت می‌کند؛ یعنی این‌گونه نیست که منتظر باشد تا دیگران راهی را انتخاب کنند و بپیمایند تا او به دنبال آن‌ها حرکت کند و دنباله‌رو آنان باشد. کسی که پشت سر دیگران حرکت می‌کند، چه مناسبتی دارد که به او «امام» گفته شود؟ البته این امامی که در جلو و پیشاپیش دیگران حرکت می‌کند، تفاوتی ندارد که امام معصوم (علیه‌السلام) یا امام برحق دیگری باشد؛ مثل ائمه‌ای از مستضعفین که طبق مفاد آن آیه، خداوند آن‌ها را به پیشوایی خلق می‌رساند (مصباح یزدی، ۱٤۰۲: ۳٦٦).

٤-۱۳ از اولوالعلم تا راسخون فی العلم

از دیگر مصادیق مهم موضوع خواص در میان جامعه، دانشمندان هستند. در میان اوصاف قرآنی یکی از مواردی که به انسان‌ها برتری می‌بخشد، علم است؛ و اولوالعلم افرادی می‌باشند که به تعبیر قرآن کریم، صاحب درجات هستند: «یَرْفَعِ اللَّهُ الَّذینَ آمَنُوا مِنْکُمْ و وَالَّذینَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ...» (مجادله، ۱۱).

آیه شریفه دلالت می‌کند بر اینکه مؤمنین دو طایفه هستند، یکی آن‌هایی که تنها مؤمن‌اند، دوم آن‌هایی که هم مؤمن‌اند و هم عالم و طایفه دوم بر طایفه اول برتری

دارند، هم چنان‌که در جای دیگر فرموده: «هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَ الَّذِینَ لا یَعْلَمُونَ» (زمر،۹). با این بیان روشن گردید که مسئله بالا بردن درجاتی که در آیه شریفه مورد بحث آمده، مخصوص علمای از مؤمنین است. آن‌ها هستند که کلمه "رفع درجات " در موردشان صادق است و اما بقیه مؤمنین ارتقائشان به چند درجه نیست، بلکه تنها به یک درجه است؛ بنابراین، تقدیر آیه شریفه چنین است:" یرفع اللَّه الذین امنوا منکم درجۀ و یرفع الذین اوتوا العلم منکم درجات " و در این آیه شریفه تعظیم و احترامی از علمای امت شده که بر هیچ کس پوشیده نیست؛ و جمله" وَ اللَّهُ بِما تَعْمَلُونَ خَبِیرٌ " مضمون آیه را تأکید می‌کند (طباطبائی، ۱۳۷٤: ۳۲۷/۱۹).

نقش کلیدی دانشمندان و کنشگری خاص نهاد علما و راهبری عموم جامعه به دست این افراد نیز از مواردی است که در میان آیات جلوه‌گر است. ازجمله آن‌ها انذار و توجه به قوم خودشان است: «وَمَا کَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِیَنْفِرُوا کَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ کُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِیَتَفَقَّهُوا فِی الدِّینِ وَلِیُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَیْهِمْ لَعَلَّهُمْ یَحْذَرُونَ» (توبه،۱۲۲).

در میان دانشمندان هم درجه‌ای وجود دارد که در میان آیات، با عنوان راسخان در علم شناخته می‌شوند: «...وَمَا یَعْلَمُ تَأْوِیلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِی الْعِلْمِ یَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ کُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا یَذَّکَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ»(آل‌عمران، ۷). «لکِنِ الرَّاسِخُونَ فِی الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَ الْمُؤْمِنُونَ یُؤْمِنُونَ بِما أُنْزِلَ إِلَیْکَ وَ ما أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِکَ؛ دانشمندان و راسخان در علم از اهل کتاب، به آنچه بر تو نازل شده و آنچه پیش از تو نازل گردیده است ایمان می‌آورند» (نساء، ١٦٢).

همان‌طور که از معنی لغوی این کلمه استفاده می‌شود منظور از آن، کسانی هستند که در علم و دانش، ثابت‌قدم و صاحب‌نظرند. البته مفهوم این کلمه یک مفهوم وسیع است که همه دانشمندان و متفکران را در برمی‌گیرد، ولی در میان آن‌ها افراد ممتازی هستند که درخشندگی خاصی دارند و طبعاً در درجه اول، در میان مصادیق این کلمه

قرار گرفته‌اند و هنگامی‌که این تعبیر ذکر می‌شود قبل از همه نظرها متوجه آنان می‌شود؛ و اگر مشاهده می‌کنیم در روایات متعددی " راسخون فی العلم " به پیامبر گرامی اسلام ص و ائمه هدی ع تفسیر شده، روی همین نظر است. در اصول کافی از امام باقر یا امام صادق ع نقل شده است که فرمود:" پیامبر خدا بزرگ‌ترین راسخان در علم بود و تمام آنچه را خداوند بر او نازل کرده بود از تاویل و تنزیل قرآن می‌دانست، خداوند هرگز چیزی بر او نازل نکرد که تاویل آن را به او تعلیم نکند و او و اوصیای وی همه این‌ها را می‌دانستند" (مکارم شیرازی،۱۳۷۱: ٤٤۰/۲).

٤-١٤ ربانیون و احبار

به‌واسطه‌ی درجه علمی که یک فرد کسب می‌کند انتظار از او هم بیشتر می‌شود. یکی از انتظاراتی که قرآن نسبت به این افراد بیان می‌کند، خدایی شدن و قرار گرفتن در زمره ربانیون است: «كُونُوا رَبَّانِيِّينَ بِمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَابَ وَبِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ» (آل‌عمران، ۷۹).

کلمه " ربانی " که جمعش " ربانیین " است، منسوب به رب است. کسی است که اختصاص و ارتباطش با رب شدید و اشتغالش به عبادت او بسیار است؛ و آیه چنین معنا می‌دهد که شما باید به خاطر تعلیمی که از کتاب به دیگران می‌دهید و به خاطر دراستی که خود در بین خودتان از کتاب دارید، بیشتر از سایرین به خدا نزدیک شوید و بیشتر عبادتش کنید (طباطبائی، ۱۳۷٤: ٤۳٦/۳).

به‌طوری کلی ربانیون معنی دانشمندانی است که مردم را به‌سوی خدا دعوت می‌کنند، ولی در بسیاری از موارد این کلمه به علمای مذهبی مسیحی اطلاق می‌شده است؛ و احبار جمع " حبر " (بر وزن ابر) به معنی دانشمندانی است که اثر نیکی از خود در جامعه می‌گذارند، ولی در بسیاری از موارد به علمای یهود گفته می‌شود.

به‌این‌ترتیب از موارد دیگری که از دانشمندان جامعه خواسته شده است آن است که جامعه را از اشتباهاتش نهی کنند.

«وَ تَرى كَثيراً مِنْهُمْ يُسارِعُونَ فِي الْإِثْمِ وَ الْعُدْوانِ وَ أَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ ما كانُوا يَعْمَلُونَ *لَوْلا يَنْهاهُمُ الرَّبّانِيُّونَ وَالْأَحْبارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كانُوا يَصْنَعُونَ» (مائده، ٦٢ و ٦٣).

در این آیه علمای آنان یعنی ربانیین و احبار را توبیخ می‌کند و به این جرمشان مؤاخذه می‌نماید که آنان حضور داشتند و آلودگی‌ها و گناهان ملت خود را می‌دیدند و می‌توانستند ایشان را راهنمایی نموده و از منکر نهی‌شان نمایند، ولیکن نکردند و آنان را ازاین‌گونه گناهان موبقه و بس بزرگ جلوگیری ننمودند، با اینکه عالم به احکام دین خود بودند و می‌دانستند که این‌گونه کارها گناه و نافرمانی خداست (طباطبائی، ١٣٧٤: ٤٣/٦).

قابل توجه اینکه درباره توده مردم در آیه سابق تعبیر به یفعلون شده و در این آیه در مورد دانشمندان تعبیر به یصنعون و می‌دانیم که " یصنعون " از ماده " صنع " به معنی کارهایی است که از روی دقت و مهارت انجام می‌گیرد ولی " یعملون " از ماده " عمل " به هرگونه کار گفته می‌شود اگرچه دقتی در آن نباشد و این خود متضمن مذمت بیشتری است زیرا اگر مردم نادان و عوام کارهای بدی انجام می‌دهند، قسمتی از آن به خاطر نادانی و بی‌اطلاعی است، ولی دانشمندی که وظیفه خود را عمل نکند حساب شده، آگاهانه و ماهرانه مرتکب خلاف شده است و به همین دلیل مجازات عالم از جاهل سنگین‌تر و سخت‌تر است! (مکارم شیرازی،١٣٧١: ٤٤٨/٤).

البته فراتر از راهبری و نهی از منکر که وظیفه‌ی همه‌ی علما است، گاهی اوقات ایفای نقش در لایه‌ی حکمرانی هم بر عهده علمای ربّانی گذاشته است. در آیه ٤٤ سوره مائده، به این موضوع اشاره شده است: «إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَاةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ...؛ بی‌تردید ما تورات را که در آن هدایت و نور است، نازل کردیم. پیامبرانی که تسلیم تورات بودند، بر اساس آن برای یهودیان داوری می‌کردند

و دانشمندان الهی مَسلک و عالمان یهود، به سبب آن‌که حفظ و حراست کتاب خدا از آنان خواسته شده بود و بر آن گواه بودند، به‌وسیله آن داوری می‌کردند» (مائده، ٤٤).

در این آیه، واضح است که همان نقش نبیون (حکم کردن بر اساس کتاب الله)، بر عهده ربانیّون و احبار قرار داشته است. درواقع مشاهده می‌کنیم که در این آیه به‌صورت یکپارچه، حکومت نبیون را در کنار حکومت علمای ربانی و دانشمندان قرار می‌دهد. با این تفاوت که نبیون حکمشان صد در صد بر اساس تورات است و تسلیم کتاب الهی هستند، ولی ربانیون و احبار به‌واسطه آن مقداری که از کتاب می‌فهمند و استحفاظ کردند و بر آن شهادت می‌دهند یعنی درست می‌دانند، حکم و داوری می‌کنند.

۵- نتیجه‌گیری

نتایج به دست آمده از تحقیق حاضر نشان می‌دهد که در نظام مطلوب حکمرانی قرآنی، مرزی میان امام و مردم وجود ندارد؛ اما با توجه به وضعیت عملکرد افراد، می‌توان درجات مختلفی برای نقش‌آفرینی گروه‌ها و افراد در جامعه متصور شد. لذا حلقه میانی اساساً مفهومی نسبی و تشکیکی است که در لایه‌های متفاوتی قابل تعریف است؛ و قابل تطبیق بر پیشران‌هایی از خود مردم در نسبت با امام هستند.

بنابراین معیار اصلی در نقش‌آفرینی مردم در حکمرانی، سطح پیشرانی آن‌هاست و هرکسی در هر امری جلودار باشد، خودبه‌خود و به‌صورت تعینی، امام و حلقه میانی در آن امر است؛ و همچنین اگر بتواند خصیصه‌های درجات مختلف را مرحله به مرحله کسب و تقویت کند، به درجات مقام امامت نزدیک‌تر خواهد شد؛ و همان‌گونه که ذکر شد، این مسئله حتی در میان پیامبران معصوم هم قابل تطبیق است که برای رسیدن به مقام امامت به حد اعلی، می‌بایست درجات و ابتلائاتی را سپری می‌کردند

از مجموع و کنار هم قرار دادن این مباحث، به دست می‌آید که کسانی در جامعه هستند که نقش پیشران و به‌نوعی واسطه میان مردم و حاکمیت را ایفا می‌نمایند و نقش پررنگی در به میدان آوردن مردم دارند. درواقع جهت پیشبرد راهکارهای عملی به دست مردم و واسطه‌گری در هدایت ولی جامعه، نیاز به خواص و حلقه واسطی از میان خود مردم است؛ و در باب مفهوم این بحث، خواص حلقه‌های میانی را می‌توان به‌مثابه جریانی ارتباطی میان رهبر جامعه و آحاد مردم دانست که در سطحی میانه، نقش‌آفرینی می‌کنند. این حلقه‌ها، همچون موتور محرک جامعه عمل کرده و پیش‌برنده اهداف عالیه آن هستند.

با وجود این‌که حلقه‌های میانی، پل ارتباطی میان امام و مردم محسوب می‌شوند، نباید تصور کرد که ارتباط مستقیم رهبر و مردم از این طریق محدود می‌شود. بلکه، ارتباط بین رهبر و مردم به‌صورت مستقل و بی‌واسطه برقرار است؛ بااین‌حال، این حلقه‌ها، مسئولیت پیگیری، تبیین و شفاف‌سازی سیاست‌های رهبری در قبال جامعه را بر عهده دارند و همچنین به تدقیق جهت‌گیری‌ها، ایجاد انگیزه و فعال‌سازی ظرفیت‌های عظیم جامعه کمک می‌کنند.

در این میان، اندیشه و تجربه بزرگان، زمانی به ثمر می‌رسد که شور و حرکت جوانانه نیز وجود داشته باشد. جوانان، پیشران اصلی حرکت انقلاب و تحولات اجتماعی هستند. برخی افراد، با برخورداری از موهبت‌ها و استعدادهای الهی، در عرصه‌های مختلف پیشگام می‌شوند. آن‌ها در میدان مبارزه، همواره پیشتاز و رزمنده خط اول هستند و می‌توانند دیگران را به جلو بکشانند. این افراد، با کنشگری مؤثر، جریان‌ساز شده و قدرت ایجاد تحول دارند. به همین دلیل، از این منظر، به آنان خواص و حلقه‌های میانی گفته می‌شود؛ چرا که توانایی پیش بردن دیگران و نزدیک کردن آنان به خواسته‌های رهبری را دارند. آن‌ها همچنین می‌توانند با توانمندسازی افراد، جامعه را در مسیر تعالی و پیشرفت هدایت کنند.

فهرست منابع

-قرآن کریم

-خامنه‌ای، بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه‌های علمیه قم در مدرسه فیضیه، ۱۳۷۹/۷/۱٤

-خامنه‌ای، بیانات در دیدار اعضای مجمع نمایندگان طلاب و فضلای حوزه علمیه قم، ۱۳۹٤/۱۲/۲۵

-خامنه‌ای، بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت. تاریخ، ۱۳۸٤/۷/۱۷

-خامنه‌ای، سید علی، بیانات در دیدار فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله (ص): ۱۳۷۵/۳/۲۰

-خامنه‌ای، سید علی، بیانات در دیدار فرماندهان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش، ۱٤۰۲/۱۱/۱٦

-خامنه‌ای، سید علی، بیانات در دیدار هنرمندان و مسئولان فرهنگی کشور، ۱۳۷۳/٤/۲۲

-خامنه‌ای، سید علی، بیانات در مراسم یازدهمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله): ۱۳۷۹/۰۳/۱٤

-خامنه‌ای، سید علی، بیانات در دیدار رمضانی دانشجویان، ۱۳۹۷/۳/۸

-خامنه‌ای، سید علی، بیانات رهبر انقلاب در دیدار دانشجویان، ۳/۱ /۱۳۹۸

-خامنه‌ای، سید علی، بیانات رهبر انقلاب در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۲/۷/۲

-طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷٤). ترجمه تفسیر المیزان، محمدباقر موسوی، ۵، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی

-قمی، علی بن ابراهیم (۱۳٦۳). تفسیر قمی، طیب موسوی جزایری، ۳، قم: دارالکتاب.

-مصباح یزدی/ نادری قمی، محمدتقی/ محمدمهدی (۱٤۰۲). رستگاران، ۵، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

-مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). تفسیر نمونه، ۱۰، تهران: دار الکتب الإسلامیة.

تحلیل کارکرد حلقه‌های میانی در اصلاح نظام تربیتی – آموزشی انقلاب اسلامی

فرشید نادری‌نژاد[1]

چکیده

نظام تربیتی و آموزشی انقلاب اسلامی به‌عنوان یکی از ارکان اصلی جامعه‌پردازی، نقشی کلیدی در انتقال ارزش‌ها و تحقق اهداف انقلابی ایفا می‌کند. بااین‌حال، چالش‌هایی همچون ناکارآمدی برخی ساختارها، ضعف در ارتباط میان نهادهای مردمی و رسمی و عدم بهره‌گیری کامل از ظرفیت‌های بومی، ضرورت اصلاح و بازسازی این نظام را دوچندان کرده است. در این میان، حلقه‌های میانی به‌عنوان مجموعه‌هایی مردمی و واسط میان مردم و نظام رسمی، می‌توانند نقشی اساسی در اصلاح این نظام ایفا کنند. این مقاله با هدف تحلیل کارکرد حلقه‌های میانی در اصلاح نظام تربیتی–آموزشی، ابتدا به تبیین مبانی نظری این مفهوم پرداخته و جایگاه حلقه‌های میانی را در نظریه نظام انقلابی بررسی می‌کند. سپس با تحلیل نمونه‌های موفق همچون مساجد، بسیج و نهادهای فرهنگی دهه ٦٠، نقش این مجموعه‌ها در تربیت نسل متعهد و تحول‌آفرین مورد بررسی قرار می‌گیرد. در ادامه، چالش‌های نظری و عملی حلقه‌های میانی، ازجمله عدم تعامل مؤثر با نهادهای رسمی و محدودیت در گفتمان‌سازی فراگیر، تحلیل شده و راهکارهایی برای بهره‌گیری بهینه از این ظرفیت‌ها ارائه می‌شود. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که تقویت جایگاه حلقه‌های میانی، بازتعریف نقش آن‌ها در سیاست‌گذاری تربیتی و هم‌افزایی میان این مجموعه‌ها و دستگاه‌های رسمی، می‌تواند مسیر اصلاح نظام تربیتی–آموزشی انقلاب اسلامی را هموارتر کند.

واژگان کلیدی: حلقه‌های میانی، نظام تربیتی، نظام انقلابی، جامعه‌پردازی، اصلاح تربیتی.

[1] دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی – واحد تهران مرکزی
F4r6id@gmail.com

۱. مقدمه

نظام تربیتی و آموزشی هر جامعه‌ای، بنیان اصلی در شکل‌دهی هویت فرهنگی و اجتماعی آن به شمار می‌رود و در جامعه انقلابی ایران، این نظام نقشی حیاتی در تربیت نسل‌هایی ایفا می‌کند که بتوانند آرمان‌های انقلاب اسلامی را حفظ و تحقق بخشند. بااین‌حال، طی دهه‌های اخیر، چالش‌های متعددی مانند ضعف در پیوند میان آموزه‌های نظری و کارکردهای عملی، عدم هماهنگی بین نهادهای رسمی و مردمی و نفوذ الگوهای غیربومی در ساختار آموزشی، کارآمدی این نظام را با مشکلات جدی مواجه ساخته است.

در این میان، حلقه‌های میانی به‌عنوان نهادهای واسط میان مردم و دستگاه‌های رسمی، ظرفیتی عظیم برای بازسازی و اصلاح این نظام دارند. این حلقه‌ها، به دلیل ماهیت مردمی و انعطاف‌پذیری بالا، می‌توانند نقش مؤثری در انتقال ارزش‌های انقلاب، ایجاد شبکه‌های تربیتی غیررسمی و ترویج الگوهای بومی ایفا کنند. بررسی نقش این حلقه‌ها در دهه ٦٠، زمانی که مساجد، بسیج و نهادهای مردمی نقشی اساسی در تربیت نیروهای انقلابی داشتند، نشان‌دهنده تأثیر شگرف آن‌ها در جامعه‌پردازی است.

با توجه به اهمیت موضوع، این مقاله درصدد است تا به تحلیل نقش حلقه‌های میانی در اصلاح نظام تربیتی-آموزشی انقلاب اسلامی بپردازد. ابتدا مفهوم و جایگاه حلقه‌های میانی در نظریه نظام انقلابی تبیین خواهد شد و سپس الگوها و چالش‌های این حلقه‌ها در اصلاح نظام تربیتی مورد بررسی قرار می‌گیرد. هدف نهایی مقاله، ارائه راهکارهایی برای بهره‌گیری بهتر از ظرفیت حلقه‌های میانی در تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی در عرصه تربیتی-آموزشی است.

این پژوهش بر مبنای رویکرد کیفی و با استفاده از منابع اسلامی، بیانات رهبران انقلاب و تحلیل نمونه‌های عملی تدوین شده است و تلاش دارد گامی در جهت پر کردن شکاف میان نظریه و عمل در بازسازی نظام تربیتی بردارد.

۲. مبانی نظری و مفهومی

مفهوم حلقه‌های میانی: حلقه‌های میانی اصطلاحی است که به مجموعه‌هایی اطلاق می‌شود که به‌عنوان واسطه میان مردم و نظام‌های رسمی عمل می‌کنند. این حلقه‌ها معمولاً دارای دو ویژگی برجسته هستند: از یک‌سو، ریشه در ظرفیت‌های مردمی دارند و از سوی دیگر، به دستگاه‌های رسمی متصل می‌شوند تا نقش پل ارتباطی میان این دو را ایفا کنند. آیت‌الله خامنه‌ای، در بیانات متعددی، بر اهمیت حلقه‌های میانی تأکید کرده‌اند و آن‌ها را به‌عنوان یکی از ابزارهای مهم برای تحقق جامعه‌پردازی و مشارکت مردم در ساختار نظام اسلامی معرفی کرده‌اند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۳/۶/۹).

حلقه‌های میانی از منظر عملیاتی، نهادهایی هستند که ضمن سازمان‌دهی ظرفیت‌های مردمی، بستری برای توسعه گفتمان انقلابی و تربیت نیروهای کارآمد فراهم می‌کنند. به تعبیر دیگر، این حلقه‌ها نقش کاتالیزور را در فرآیند جامعه‌پردازی ایفا می‌کنند و با بهره‌گیری از ابزارهای فرهنگی، اجتماعی و تربیتی، اهداف انقلاب اسلامی را به مرحله اجرا درمی‌آورند.

ویژگی‌های حلقه‌های میانی

۱. مردمی بودن: حلقه‌های میانی عموماً از بطن جامعه و با مشارکت مستقیم مردم شکل می‌گیرند. این ویژگی، به آن‌ها قدرت مشروعیت و مقبولیت اجتماعی می‌بخشد.

۲. انعطاف‌پذیری: این حلقه‌ها به دلیل ساختار غیررسمی و شبکه‌ای خود، می‌توانند به‌سرعت با تغییرات محیطی و نیازهای اجتماعی سازگار شوند.

۳. ارتباط دوسویه: حلقه‌های میانی به‌عنوان رابط میان مردم و نظام رسمی، هم در انتقال مطالبات مردمی به دستگاه‌های دولتی و هم در اجرای سیاست‌های نظام در سطح جامعه نقش دارند.

٤. گفتمان‌سازی: این حلقه‌ها ابزار مهمی برای گفتمان‌سازی و ترویج ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی هستند.

مفهوم نظام تربیتی-آموزشی انقلاب اسلامی: نظام تربیتی-آموزشی انقلاب اسلامی یکی از ارکان اساسی جامعه‌پردازی در نظام انقلابی است. این نظام بر پایه اصول و ارزش‌های اسلامی طراحی شده و هدف آن تربیت انسان‌هایی است که توانایی مشارکت فعال در تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی را داشته باشند. از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، تربیت انسان طراز انقلاب اسلامی نیازمند نظام آموزشی است که سه محور اصلی در آن مدنظر باشد:

۱. تعلیم علم و دانش: این محور به انتقال علوم و معارف به نسل‌های آینده تأکید دارد.

۲. تقویت هویت دینی و انقلابی: محور دوم به تربیت اعتقادی و اخلاقی دانش‌آموزان می‌پردازد.

۳. پرورش توانایی‌های عملی و اجتماعی: این محور به آموزش مهارت‌ها و توانمندی‌هایی که برای زندگی اجتماعی و نقش‌آفرینی انقلابی لازم است، اشاره دارد (مطهری، ۱۳۷۰: ٤۲).

نسبت حلقه‌های میانی و نظام تربیتی-آموزشی: حلقه‌های میانی و نظام تربیتی-آموزشی انقلاب اسلامی ارتباطی دوسویه دارند. از یک‌سو، حلقه‌های میانی می‌توانند به‌عنوان تسهیل‌کننده و مجری سیاست‌های تربیتی عمل کنند و از سوی دیگر، خود این حلقه‌ها نیازمند نظام آموزشی هستند که نیروهای انسانی مورد نیاز آن‌ها را تربیت کند.

برای مثال، بسیج دانش‌آموزی به‌عنوان یکی از حلقه‌های میانی، نقش پررنگی در تربیت نسل جدید نیروهای انقلابی دارد. این نهاد با برگزاری اردوهای تربیتی، برنامه‌های فرهنگی و دوره‌های آموزشی، نه‌تنها ارزش‌های دینی و انقلابی را به

دانش‌آموزان منتقل می‌کند، بلکه مهارت‌های عملیاتی لازم برای ایفای نقش در جامعه را نیز در آن‌ها پرورش می‌دهد (شریعتی، ۱۳۷۵: ۱۲۳).

نقش جامعه‌پردازی در نظام انقلابی

جامعه‌پردازی در نظام انقلابی به معنای فرآیندی است که از طریق آن، ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی در سطوح مختلف اجتماعی نهادینه می‌شود. این فرآیند مستلزم وجود سازوکارهایی برای گفتمان‌سازی، شبکه‌سازی و تربیت نیروهای انسانی متناسب با اهداف انقلاب است.

حلقه‌های میانی، با قرار گرفتن در نقطه تقاطع مردم و نظام، یکی از ابزارهای اصلی جامعه‌پردازی محسوب می‌شوند. این حلقه‌ها از طریق برگزاری کارگاه‌ها، دوره‌های آموزشی و فعالیت‌های فرهنگی، در تبیین و ترویج ارزش‌های انقلابی نقش دارند. برای مثال، در دهه ٦٠، مساجد و بسیج، به‌عنوان حلقه‌های میانی، توانستند با سازمان‌دهی نیروهای مردمی، جریان‌های اجتماعی و فرهنگی مؤثری را به وجود آورند که پایه‌گذار بسیاری از تحولات اجتماعی در دوران جنگ تحمیلی بودند (حسینی، ۱۳۹۷: ۲۱).

ابعاد نظری حلقه‌های میانی در اندیشه رهبر انقلاب: آیت‌الله خامنه‌ای اسلامی، حلقه‌های میانی را به‌عنوان نیرویی واسط تعریف کرده‌اند که می‌توانند شکاف میان مردم و دستگاه‌های رسمی را پر کنند. به بیان ایشان، این حلقه‌ها به‌مثابه محرک‌هایی هستند که با استفاده از توان مردمی، به تحقق اهداف انقلابی شتاب می‌بخشند.

برخی از نکات کلیدی در اندیشه ایشان درباره حلقه‌های میانی عبارت‌اند از:

واسطه‌گری فعال: حلقه‌های میانی باید به‌طور فعال در مسیر تحقق آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی ایفای نقش کنند.

تقویت خودجوشی: این حلقه‌ها باید بر پایه ظرفیت‌های مردمی و با مشارکت آگاهانه افراد جامعه شکل بگیرند.

تربیت نیرو: یکی از وظایف مهم این حلقه‌ها، تربیت نیروی انسانی متعهد و انقلابی است که بتوانند در نقش‌های مختلف اجتماعی و حکومتی نقش‌آفرینی کنند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۳/٦/۹).

۳. تحلیل کارکرد حلقه‌های میانی در اصلاح نظام تربیتی - آموزشی انقلاب اسلامی

۱. نقش حلقه‌های میانی در تبیین گفتمان تربیتی انقلاب اسلامی

یکی از مهم‌ترین کارکردهای حلقه‌های میانی، تبیین و انتقال گفتمان تربیتی انقلاب اسلامی به نسل‌های مختلف است. این حلقه‌ها از طریق فعالیت‌های فرهنگی، برگزاری کارگاه‌ها و برنامه‌های آموزشی، مفاهیمی نظیر تربیت انسان انقلابی، تقویت هویت دینی و اخلاقی و پرورش مهارت‌های اجتماعی را گسترش می‌دهند.

برای مثال، اردوهای راهیان نور، به‌عنوان یکی از نهادهای حلقه میانی، توانسته‌اند با تأکید بر فرهنگ ایثار و شهادت، ارزش‌های تربیتی انقلاب اسلامی را در میان دانش‌آموزان و دانشجویان ترویج دهند (کاظمی، ۱۳۹۸: ۱۱۵).

۲. بازطراحی سیاست‌های تربیتی با نگاه حلقه‌های میانی

حلقه‌های میانی به دلیل نزدیکی به بدنه جامعه، می‌توانند نقش مهمی در شناسایی نیازهای تربیتی و بازطراحی سیاست‌های آموزشی و تربیتی داشته باشند. این حلقه‌ها می‌توانند با انتقال بازخوردها به دستگاه‌های رسمی، شکاف میان سیاست‌گذاری و اجرا را کاهش دهند.

به‌عنوان نمونه، بسیج فرهنگیان، از طریق شبکه‌سازی میان معلمان، بستری برای اصلاح نظام تربیتی-آموزشی فراهم کرده است. این حلقه میانی، با شناسایی نقاط ضعف نظام آموزشی رسمی، پیشنهادهایی برای بهبود کیفیت تربیت دینی در مدارس ارائه کرده است (مطهری، ۱۳۸۰: ٦٤).

۳. تقویت روحیه مشارکت و مسئولیت‌پذیری در دانش‌آموزان

حلقه‌های میانی، با ارائه برنامه‌های تربیتی و اجتماعی، بستر مناسبی برای پرورش روحیه مسئولیت‌پذیری و مشارکت اجتماعی دانش‌آموزان ایجاد می‌کنند. این حلقه‌ها با برگزاری فعالیت‌هایی مانند اردوهای جهادی، برنامه‌های فرهنگی و دوره‌های مهارت‌آموزی، دانش‌آموزان را با مسئولیت‌های اجتماعی و دینی آشنا می‌کنند.

برای مثال، تشکل‌های دانش‌آموزی نظیر اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان، نقشی اساسی در پرورش نیروهای مؤمن انقلابی و تقویت روحیه همکاری و مسئولیت‌پذیری در میان دانش‌آموزان ایفا کرده‌اند (حسینی، ۱۳۹۷: ۷۵).

٤. کارکرد حلقه‌های میانی در تقویت هویت دینی و انقلابی

یکی از کارکردهای مهم حلقه‌های میانی، تقویت هویت دینی و انقلابی در میان نسل جوان است. این حلقه‌ها از طریق فعالیت‌های فرهنگی و تربیتی، زمینه‌ای برای درونی‌سازی ارزش‌های دینی و انقلابی در دانش‌آموزان فراهم می‌کنند.

برای مثال، مراسم‌های فرهنگی و مذهبی برگزار شده توسط مساجد و پایگاه‌های بسیج، به‌عنوان حلقه‌های میانی، تأثیر عمیقی بر تقویت هویت دینی و انقلابی جوانان داشته‌اند. این مراسم‌ها، ضمن ترویج فرهنگ اسلامی، بستری برای ارتباط دانش‌آموزان با ارزش‌های انقلاب اسلامی ایجاد می‌کنند (شریعتی، ۱۳۷۵: ۱۳۲).

۵. تقویت نقش مربیان و معلمان در حلقه‌های میانی

معلمان و مربیان مدارس، به‌عنوان نیروهای کلیدی در حلقه‌های میانی، نقشی بی‌بدیل در اصلاح نظام تربیتی–آموزشی دارند. این افراد، با ایفای نقش فعال در نهادهایی مانند بسیج فرهنگیان و اتحادیه معلمان انقلابی، می‌توانند ضمن انتقال ارزش‌های تربیتی انقلاب اسلامی، به شناسایی چالش‌های موجود در نظام آموزشی و ارائه راهکارهای عملی بپردازند.

برای مثال، نقش معلمان در برنامه‌هایی نظیر «طرح صالحین»، نمونه‌ای موفق از کارکرد حلقه‌های میانی در زمینه تقویت تربیت دینی و اخلاقی دانش‌آموزان است (حسینی، ۱۳۹۷: ۹۰).

٦. الگوهای موفق در کنشگری حلقه‌های میانی در نظام تربیتی

برخی از الگوهای موفق حلقه‌های میانی در نظام تربیتی انقلاب اسلامی عبارت‌اند از:

اردوهای جهادی دانش‌آموزی: این اردوها با هدف تربیت روحیه انقلابی، تقویت اخلاق اجتماعی و آموزش مهارت‌های عملی، نمونه‌ای موفق از عملکرد حلقه‌های میانی در اصلاح نظام تربیتی محسوب می‌شوند.

مسابقات فرهنگی و قرآنی: برنامه‌هایی نظیر مسابقات قرآنی در مدارس، توانسته‌اند با تأکید بر ارزش‌های دینی و فرهنگی، هویت اسلامی و انقلابی دانش‌آموزان را تقویت کنند (کاظمی، ۱۳۹۸: ۸۵).

۷. چالش‌های پیش‌روی حلقه‌های میانی در اصلاح نظام تربیتی

علی‌رغم کارکردهای مثبت، حلقه‌های میانی با چالش‌هایی مواجه هستند که می‌تواند عملکرد آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. برخی از این چالش‌ها عبارت‌اند از:

- عدم حمایت کافی از سوی دستگاه‌های رسمی: حلقه‌های میانی، به‌ویژه در مناطق محروم، به دلیل کمبود منابع مالی و امکانات، نمی‌توانند به‌طور مؤثر نقش خود را ایفا کنند.
- فقدان هماهنگی با نظام رسمی: عدم ارتباط منسجم میان حلقه‌های میانی و دستگاه‌های آموزشی رسمی، مانعی جدی برای دستیابی به اهداف مشترک تربیتی است.
- کمرنگ شدن ارزش‌های انقلابی در نسل جدید: حلقه‌های میانی نیازمند نوآوری و بازطراحی برنامه‌های خود هستند تا بتوانند جذابیت لازم را برای نسل جدید فراهم کنند (مطهری، ۱۳۸۰: ٤٥).

حلقه‌های میانی به‌عنوان یکی از ابزارهای کلیدی در اصلاح نظام تربیتی–آموزشی انقلاب اسلامی، نقشی اساسی در ترویج ارزش‌های دینی و انقلابی، تقویت مشارکت اجتماعی و پرورش نسل مؤمن انقلابی ایفا می‌کنند. هرچند این حلقه‌ها با چالش‌هایی مواجه هستند، اما با تقویت ارتباط میان مردم و دستگاه‌های رسمی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های مردمی، می‌توانند زمینه‌ساز تحقق اهداف بلند انقلاب اسلامی در عرصه تربیتی باشند.

۳. چالش‌ها و راهکارها در کارکرد حلقه‌های میانی برای اصلاح نظام تربیتی – آموزشی انقلاب اسلامی

۱. چالش‌ها

حلقه‌های میانی در ایفای نقش خود در اصلاح نظام تربیتی–آموزشی با موانع و چالش‌های متعددی روبه‌رو هستند. برخی از مهم‌ترین این چالش‌ها عبارت‌اند از:

۱,۱. چالش‌های ساختاری و نهادی

ناهماهنگی میان حلقه‌های میانی و دستگاه‌های رسمی: حلقه‌های میانی گاهی فاقد ارتباط منسجم و سازنده با نهادهای رسمی آموزشی مانند وزارت آموزش‌وپرورش هستند. این ناهماهنگی می‌تواند به عدم هم‌افزایی و تضاد در سیاست‌ها منجر شود. فقدان چارچوب قانونی شفاف: نبود سیاست‌ها و قوانین روشن برای فعالیت حلقه‌های میانی، باعث محدودیت در عملکرد این نهادها می‌شود و ارتباط آن‌ها با نهادهای بالادستی را دشوار می‌سازد (مطهری، ۱۳۸۰: ٤٢).

۱,۲. چالش‌های اجتماعی و فرهنگی

ضعف در اعتمادسازی عمومی: برخی از حلقه‌های میانی نتوانسته‌اند اعتماد کافی در میان خانواده‌ها، معلمان و دانش‌آموزان ایجاد کنند که این مسئله باعث کاهش مشارکت در برنامه‌های تربیتی می‌شود.

تغییرات سبک زندگی: تغییرات فرهنگی و اجتماعی در جامعه، نظیر گرایش به فردگرایی و کاهش روحیه انقلابی در نسل جوان، چالش‌های مهمی برای فعالیت‌های تربیتی حلقه‌های میانی به وجود آورده است (کاظمی، ۱۳۹۸: ٦٠).

۱,۳. چالش‌های منابع و امکانات

کمبود منابع مالی: بسیاری از حلقه‌های میانی، به‌ویژه در مناطق محروم، با مشکل کمبود بودجه و امکانات مواجه هستند. این کمبودها باعث کاهش تأثیرگذاری برنامه‌های تربیتی و آموزشی می‌شود.

فقدان نیروی انسانی متخصص: نبود مربیان و معلمان آگاه به مبانی تربیتی انقلاب اسلامی و فاقد مهارت‌های عملی در اجرای برنامه‌ها، یکی دیگر از چالش‌های اساسی است.

۱,٤. چالش‌های نظری و گفتمانی

فقدان مدل‌های بومی و کارآمد: بسیاری از حلقه‌های میانی به دلیل فقدان مدل‌های تربیتی بومی و کارآمد، از ایده‌های تقلیدی و غیرمرتبط استفاده می‌کنند که با ارزش‌های انقلاب اسلامی همخوانی ندارد.

ابهام در تبیین نقش و جایگاه حلقه‌های میانی: تعریف نشدن دقیق مأموریت‌ها و وظایف حلقه‌های میانی، سبب تداخل در مسئولیت‌ها و کاهش اثربخشی آن‌ها شده است (شریعتی، ۱۳۷۵: ۱۱۵).

۲. راهکارها

برای غلبه بر چالش‌های پیش‌روی حلقه‌های میانی و ارتقای نقش آن‌ها در اصلاح نظام تربیتی، راهکارهای زیر پیشنهاد می‌شود:

۲,۱. راهکارهای ساختاری و نهادی

تقویت ارتباط و هماهنگی با نهادهای رسمی: ایجاد سازوکارهای منظم برای ارتباط میان حلقه‌های میانی و دستگاه‌های رسمی آموزشی می‌تواند به هم‌افزایی و انسجام بیشتر در سیاست‌های تربیتی کمک کند.

تصویب قوانین حمایتی: تدوین و تصویب قوانین مشخص برای حمایت از فعالیت‌های حلقه‌های میانی، به‌ویژه در زمینه تربیتی، می‌تواند زمینه‌ساز گسترش فعالیت‌های آن‌ها باشد (حسینی، ۱۳۹۷: ۵۰).

۲,۲. راهکارهای اجتماعی و فرهنگی

اعتمادسازی و افزایش مشارکت مردمی: حلقه‌های میانی باید با برگزاری جلسات مشترک با خانواده‌ها و معلمان، ضمن شفاف‌سازی اهداف خود، اعتماد عمومی را جلب کنند.

بازطراحی برنامه‌های تربیتی متناسب با نیازهای نسل جدید: برنامه‌های حلقه‌های میانی باید متناسب با شرایط فرهنگی و اجتماعی روز باشد تا بتواند جذابیت بیشتری برای نسل جوان ایجاد کند.

۲,۳. راهکارهای منابع و امکانات

تأمین بودجه پایدار: تخصیص بودجه دولتی یا جذب حمایت‌های مردمی برای اجرای برنامه‌های تربیتی، یکی از ضرورت‌های اصلی است.

تربیت نیروی انسانی متخصص: برگزاری دوره‌های آموزشی برای مربیان و معلمان با تأکید بر مبانی تربیتی انقلاب اسلامی و مهارت‌های عملی، به تقویت کارایی حلقه‌های میانی کمک می‌کند (کاظمی، ۱۳۹۸: ۷۲).

۲,٤. راهکارهای نظری و گفتمانی

تدوین مدل‌های بومی: طراحی الگوهای تربیتی متناسب با ارزش‌های انقلاب اسلامی می‌تواند به افزایش اثربخشی فعالیت‌های حلقه‌های میانی کمک کند. تبیین جایگاه حلقه‌های میانی: برگزاری نشست‌ها و همایش‌ها برای تعریف دقیق مأموریت‌ها و وظایف حلقه‌های میانی می‌تواند ابهامات موجود را برطرف کند (مطهری، ۱۳۸۰: ۵۸).

۲,۵. راهکارهای فناورانه

استفاده از فناوری‌های نوین: حلقه‌های میانی می‌توانند با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین مانند شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های آموزشی، به‌طور مؤثرتری مفاهیم تربیتی و آموزشی را انتقال دهند.

ایجاد بانک اطلاعاتی ملی: راه‌اندازی بانک اطلاعاتی جامع برای ثبت تجربیات و دستاوردهای حلقه‌های میانی، به اشتراک‌گذاری بهترین روش‌ها و الگوبرداری از موفق‌ترین برنامه‌ها کمک می‌کند.

چالش‌های موجود در مسیر فعالیت حلقه‌های میانی، از ساختاری و نهادی گرفته تا فرهنگی و نظری، نشان‌دهنده نیاز جدی به بازنگری و تقویت این نهادها در راستای اهداف تربیتی انقلاب اسلامی است. با اتخاذ راهکارهایی نظیر تقویت هماهنگی میان نهادها، تدوین مدل‌های بومی، تأمین منابع و تربیت نیروی انسانی متخصص، حلقه‌های میانی می‌توانند نقشی کلیدی در اصلاح نظام تربیتی-آموزشی ایفا کنند و زمینه‌ساز تحقق جامعه‌پردازی بر اساس ارزش‌های انقلاب اسلامی باشند.

٤. نتیجه‌گیری

حلقه‌های میانی، به‌عنوان سازوکارهای واسط میان نهادهای رسمی و بدنه اجتماعی، نقشی بی‌بدیل در اصلاح و ارتقای نظام تربیتی-آموزشی انقلاب اسلامی ایفا می‌کنند. این ساختارها، با تکیه بر ارزش‌های انقلاب اسلامی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های مردمی، می‌توانند به تحقق جامعه‌پردازی بر مبنای مبانی فکری اسلامی کمک کنند. بررسی ابعاد نظری، کارکردها و چالش‌های پیش‌روی این حلقه‌ها نشان می‌دهد که توجه به این نهادها می‌تواند ضمن رفع خلأهای موجود، بستری برای بازسازی انقلابی نظام‌های تربیتی و آموزشی فراهم کند.

در بخش مبانی نظری و مفهومی، تبیین جایگاه حلقه‌های میانی در چارچوب گفتمان انقلاب اسلامی و تعریف مفاهیم مرتبط مانند جامعه‌پردازی و تربیت اسلامی، بر اهمیت راهبردی این نهادها تأکید دارد. حلقه‌های میانی، با ایفای نقش میانجی میان

دستگاه‌های رسمی و بدنه اجتماعی، می‌توانند فرهنگ دینی، انقلابی و تربیتی را در جامعه بسط دهند و پاسخگوی نیازهای تربیتی و آموزشی متناسب با تحولات اجتماعی باشند.

در بخش کارکردها، تحلیل نقش حلقه‌های میانی در محورهایی همچون ترویج ارزش‌های اسلامی، پیوند میان تربیت نظری و عملی و بازسازی ساختارهای آموزشی، نشان‌دهنده ظرفیت بالای این نهادها برای پاسخ به نیازهای نظام تربیتی–آموزشی است. این حلقه‌ها قادرند از طریق شبکه‌سازی، هم‌افزایی با نهادهای رسمی و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، به بهبود کیفیت و اثربخشی فرایندهای آموزشی کمک کنند.

بااین‌حال، چالش‌های متعددی مانند ناهماهنگی با دستگاه‌های رسمی، کمبود منابع مالی و انسانی، تغییرات اجتماعی و فرهنگی و ضعف در اعتمادسازی عمومی، مانع از تحقق کامل کارکردهای حلقه‌های میانی می‌شود. این چالش‌ها، به‌ویژه در ارتباط با نسل جوان و بومی‌سازی مدل‌های تربیتی، نیازمند بازنگری و برنامه‌ریزی دقیق است.

راهکارهای ارائه‌شده در این مقاله، ازجمله تقویت هماهنگی میان حلقه‌های میانی و نهادهای رسمی، طراحی مدل‌های بومی مبتنی بر ارزش‌های انقلاب اسلامی، تربیت نیروی انسانی متخصص و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، می‌تواند بستری برای بهبود عملکرد حلقه‌های میانی و نقش‌آفرینی آن‌ها در جامعه‌پردازی باشد.

در مجموع، حلقه‌های میانی نه‌تنها ابزارهایی برای اصلاح و ارتقای نظام تربیتی–آموزشی محسوب می‌شوند، بلکه سازوکارهایی کلیدی برای تحقق اهداف عالی انقلاب اسلامی هستند. این نهادها می‌توانند با تأکید بر مبانی فکری و ارزشی انقلاب، زمینه‌ساز شکل‌گیری نسل‌های متعهد، آگاه و انقلابی باشند و نظام تربیتی–آموزشی را به ابزاری برای تحقق جامعه اسلامی و حرکت به‌سوی تمدن نوین اسلامی تبدیل

کنند. توجه به این ظرفیت‌ها و رفع موانع موجود، ضامن پایداری و پیشرفت گفتمان انقلاب اسلامی در عرصه‌های تربیتی و آموزشی است.

فهرست منابع

- حسینی، محمدرضا (۱۳۹۷). تربیت اسلامی و جامعه‌پردازی. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- خامنه‌ای (۱۳۹۳/۶/۹). بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان. سایت Khamenei.ir
- شریعتی، علی (۱۳۷۵). انسان و تربیت. تهران: انتشارات قلم.
- شریفی، علی‌رضا (۱۳۹۵). جامعه‌پردازی اسلامی: مفاهیم و مبانی. قم: پژوهشگاه علوم اسلامی.
- کاظمی، علی (۱۳۹۸). «نقش حلقه‌های میانی در تربیت نسل جوان». نشریه فرهنگی انقلاب اسلامی، شماره ۱۲.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۲). تعلیم و تربیت در اسلام. قم: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۰). تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: انتشارات صدرا.

تجربه موفق پژوهشکده رهینو در استفاده از حلقه میانی بانوان برای تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی با ارائه راهکارهای نوآورانه برای تلفیق نقش‌های مختلف آنان

مائده سادات میررحیمی[۱] فاطمه رحیمی‌نژاد[۲] عطیه ذبیح‌الله‌پور[۳] زهرا راستگو[۴]

چکیده

در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، آیت‌الله خامنه‌ای نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیرساخت‌های ایمانی را مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور دانسته‌اند. ایشان از جوانان دانش‌آموخته علوم و مهندسی و انبوه جوانانی که باروحیه انقلابی رشد کرده‌اند، به‌عنوان ثروت عظیم کشور یاد کرده و غفلت در بهره‌گیری از این حلقه میانی را از چالش‌های جدی دانسته‌اند. بخشی از این نیروی انسانی ارزشمند را بانوان متعهد دانش‌آموخته تشکیل می‌دهند که با چالش‌های مضاعفی مانند تجمیع نقش‌های خانوادگی و علمی و نبود زیرساخت‌های حمایتی مواجه‌اند. بانوی متعهدی که الگوی خود را حضرت زهرا (س) قرار داده و الگوی سوم زن را پذیرفته است، حضور در عرصه‌های علمی و اجتماعی را وظیفه‌ای اجتناب‌ناپذیر می‌داند، اما این چالش‌ها ممکن است او را به ترک فعالیت علمی وادار کند. پژوهشکده رهینو با هدف رفع موانع نقش‌آفرینی بانوان، ساختاری منعطف با شرایط دورکاری، فضای کار اشتراکی مادر و کودک، محیط کار امن و ارتباط مؤثر با دانشگاه‌ها و صنایع ایجاد کرده است. این پژوهشکده از شهریور ۱۴۰۰ با جمعی از بانوان دانش‌آموخته آغاز به کارکرده و با آینده‌پژوهی و رصد علمی به ارائه راهکارهایی برای حل مشکلات کشور پرداخته است. این مقاله به بررسی ضرورت‌ها و چالش‌های موجود پرداخته و تجربه موفق پژوهشکده رهینو را تحلیل می‌کند. نتایج نشان می‌دهد که با حمایت‌های هدفمند و زیرساخت‌های مناسب، می‌توان از توانایی این حلقه میانی در پیشبرد اهداف علمی و اجتماعی کشور بهره گرفت.

واژگان کلیدی: الگوهای نوین، حلقه‌های میانی بانوان، گام دوم انقلاب، رصد علم و فناوری، تجربه موفق پژوهشکده رهینو.

---

[۱] کارشناسی ارشد مهندسی هواوفضا گرایش فضایی (نویسنده مسئول، کارشناس میز امنیت غذایی پژوهشکده) maedehsadatmirrahimi@gmail.com

[۲] کارشناسی مهندسی هوافضا گرایش آیرودینامیک (عضو تیم شورای راهبردی و کارشناس میز حمل‌ونقل پژوهشکده) fateme1907@gmail.com

[۳] دکتر مهندسی شیمی گرایش بیوتکنولوژی (مدیر علمی پژوهشکده و کارشناس ارشد تیم بیوتکنولوژی) atzapo65@gmail.com

[۴] کارشناسی ریاضیات و کاربردهای (مدیر عامل پژوهشکده) rahino.observatory@gmail.com

مقدمه

بیانیه گام دوم انقلاب به‌عنوان نقشه راه آینده کشور، تأکید ویژه‌ای بر بهره‌گیری از ظرفیت‌های نیروی انسانی دارد. آیت‌الله خامنه‌ای در این بیانیه می‌فرمایند: «مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور، نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی است.» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)؛ ایشان یکی از چالش‌های موجود در این زمینه را غفلت دست‌اندرکاران در استفاده از این حلقه میانی می‌دانند که تاکنون بی‌استفاده یا کم استفاده مانده است، درحالی‌که بهره‌گیری از جمعیت جوان کشور فرصتی بی‌نظیر برای پیشرفت و توسعه به شمار می‌آید.

حداقل نیمی از این نیروی انسانی ارزشمند را حلقه‌ی میانی بانوان متعهد دانش‌آموخته تشکیل می‌دهند که می‌توانند نقشی مؤثر و اساسی در تحقق این اهداف ایفا کنند. بانوی دانش‌آموخته متعهد که الگو خود را حضرت زهرا سلام‌الله قرار داده است و با توجه به سیره ایشان و اهل‌بیت و قرآن و تعالیم اسلامی همان‌طور که در منویات آیت‌الله خامنه‌ای آمده است حضور در عرصه‌های علمی و اجتماعی را وظیفه‌ای اجتناب‌ناپذیر خود می‌داند؛ الگوی سوم زن را در بعد نظری پذیرفته است، لیکن در میدان عمل با چالش‌های مختلفی مواجه شده‌اند که مسیر نقش‌آفرینی آنان را دشوار کرده است.

نقش‌آفرینی زنان در جامعه یکی از چالش‌های مهم در جوامع مختلف است که در ایران نیز با برخوردهای افراطی و تفریطی همراه بوده است. برخی زنان ایرانی یا در ساختارهای غربی هویت خود را ازدست داده‌اند و الگوی کار مردانه را پذیرفته‌اند، یا به دلیل تقید به ارزش‌های اسلامی و عدم تناسب جایگاه‌های شغلی موجود در عرصه تخصصی رشته‌شان با نقش‌های متفاوت بانوان از فعالیت‌های علمی کناره‌گیری کرده‌اند و یا مشغول فعالیت در دیگر عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی که محیطی سازگارتر با مسئولیت‌های آنان دارد، شده‌اند (فریدزاده، ۱۳۹۹). این پژوهش، با الهام از سیره حضرت زهرا سلام‌الله علیها به‌عنوان الگوی بی‌بدیل زنان

عالم و منویات آیت‌الله خامنه‌ای درباره نقش زنان در جامعه اسلامی که به‌عنوان گفتمان الگوی سوم زن از آن یاد می‌شود؛ به تحلیل چالش‌های موجود در نقش‌آفرینی بانوان در عرصه‌های علمی و تخصصی پرداخته است و با تحلیل موانع موجود سعی در ارائه راهکارها و مدل‌هایی برای برطرف نمودن موانع پیشروی در عرصه کنشگری علمی و تخصصی دارد و سعی کرده تا با ارائه‌ی الگوی جدید یا بازنویسی و اصلاح مدل‌های موجود ادامه راه را برای نقش‌آفرینی علمی حلقه‌ی میانی بانوان دانش‌آموخته تسهیل کند.

مجموعه‌ی پژوهشکده فناوری رهینو با فراهم کردن زیرساخت‌های مناسب و ارائه الگویی کاربردی، در راستای رسالت الگوی زن ایرانی اسلامی گام برداشته‌اند و تلاش کرده‌اند موانع حضور بانوان در عرصه‌های علمی را برطرف کنند و توانسته است این چالش‌ها را به شکلی مؤثر حل کند و زمینه‌های لازم برای نقش‌آفرینی شبکه‌ای از بانوان تحصیل‌کرده با شرایط و نقش‌های مختلف را فراهم آورد. این پژوهشکده با ساختار منعطف و امن، ساعات کاری شناور، شرایط دورکاری، تلفیق کار تیمی و درعین‌حال مستقل برای هر یک از اعضا، کار زودبازده، ایجاد زیرساخت حمایتی، فضای اشتراکی مادر و کودک، ایجاد فضای کار علمی و تخصصی، مهارت‌آموزی و ارتقای دانشی اعضای مجموعه، ارتباط با دانشگاه، صنعت و کارفرما این چالش‌ها را تا حدی تحت پوشش قرار داده است. این تلاش‌ها نه‌تنها به غلبه بر چالش‌های این قشر بزرگ از حلقه‌ی میانی بانوان کمک کرده، بلکه مشارکت فعال آنان را در توسعه جامعه تسهیل کرده است و توانسته با ایده و روش مبتکرانه و نوآور، آنان را وارد بازار کار و نقش‌آفرینی علمی‌کند.

با توجه به بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در بیانیه گام دوم که در بخش علم و پژوهش اشاره کردند: «دانش آشکارترین وسیله عزت و قدرتمندی یک کشور است، روی دیگر دانایی توانایی است» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۷/۱۱/۲۲). پژوهشکده رهینو با رویکردی پژوهش‌محور و با وقوف به اهمیت آینده‌پژوهی و رصد تحولات و

فناوری‌های روز جهان، هدف خود را رسیدن به مرزهای دانش و داشتن یک نگاه جامع و تحلیلی به فناوری‌های جدید قرار داده است تا با استفاده از راه‌حل‌های فناور موجود برای حل مشکلات و نیازهای اساسی کشور را شناسایی نماید. این مجموعه فعالیت رسمی خود تحت عنوان پژوهشکده رهینو را در شهریور ۱۴۰۰ با گروهی از بانوان متعهد دانش‌آموخته در رشته‌های مختلف آغاز نمود. ایده و تجربه پژوهشکده فناوری رهینو می‌تواند گزینه خوبی برای تکثیر در بخش الگوها و تجربه‌های موفق «حلقه‌های میانی بانوان تحصیل‌کرده متعهد انقلابی» در کنشگری علمی این قشر باشد.

الگوی سوم زن و نقش‌آفرینی بانوان در عرصه‌های علمی و اجتماعی

دین اسلام با ظهور خود دیدگاهی متفاوت نسبت به زن از سایر ادیان ایجاد کرد. فاطمه زهرا سلام‌الله با آن عظمت و جلالت، در محیط خانه، یک همسر و یک زن است؛ آن‌گونه که اسلام می‌گوید در محیط علم هم یک دانشمند والاست. آن خطبه‌ای که فاطمه زهرا سلام‌الله علیها در مسجد مدینه، بعد از رحلت پیغمبر ایراد کرده است، خطبه‌ای است که به گفته علامه مجلسی، «بزرگان فصحا و بلغا و دانشمندان باید بنشینند کلمات و عبارات آن را معنا کنند!» این‌قدر پرمغز است! (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۷۱/۰۹/۲۵) زن مسلمان الگویی بهتر از فاطمه زهرا سلام‌الله علیها نمی‌تواند پیدا کند، [بلکه] هیچ زنی در دنیا نمی‌تواند الگویی بهتر از او پیدا کند. چه در دوران کودکی‌اش، چه در دوران نوجوانی‌اش، چه در دوران جوانی‌اش، چه در خانواده، چه رفتارش با پدر، با همسر، با فرزندان، با کارگر داخل خانه‌اش، چه رفتارش در عرصه‌ی اجتماع، در مسئله‌ی سیاست، در مسئله‌ی خلافت؛ یعنی همه‌ی این‌ها الگو است. دختران ما، زنان ما، بانوان عزیز جامعه‌ی اسلامی ما سعی کنند با همین روحیه، با همین انگیزه دنبال فاطمه زهرا حرکت کنند؛ هم در امر خانه‌داری، هم در امر فعّالیّت اجتماعی و سیاسی، هم در حکمت و دانش ــ که البتّه در مورد آن بزرگوار الهام الهی بود، در مورد ما و شما کسب کردنی است؛ شما که

تلاش بکنید، البتّه الهام الهی هم کمک خواهد کرد ــ در همه‌ی بخش‌ها آن بزرگوار را الگو قرار بدهید و قرار بدهیم و دنبال کنیم (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۲/۱۰/۰۶). تربیت‌کننده‌ی امام حسن، تربیت‌کننده‌ی حسین بن علی، تربیت‌کننده‌ی زینب؛ ببینید! این خصوصیّات کنار هم که قرار می‌گیرد، حقاً و انصافاً یک شگفتی عظیمِ عالمِ وجود را به انسان نشان می‌دهد. کودکیِ او الگو است، جوانی او الگو است، ازدواج او الگو است، سیره‌ی زندگی او الگو است؛ همه‌ی این‌ها برترین الگوهایی هستند که نشان‌دهنده‌ی قلّه‌ی زن مسلمان محسوب می‌شوند؛ این قلّه است. اسلام، زنان مسلمان را، [همه‌ی] زنان را به سمت این قلّه دعوت می‌کند؛ درست است که همه نمی‌توانند برسند، لکن می‌توانند به آن سمت حرکت کنند. ضمناً این، زیباترین و شیواترین و گویاترین سخن درباره‌ی الگوی زن مسلمان است که حالا این خانم‌ها تعبیر کردند به «الگوی سوّم». فاطمه زهرا یک الگو است (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۳/۰۹/۲۷). زنان مسلمان در زندگی شخصی، خانوادگی و اجتماعی خود، باید زندگی فاطمه زهرا سلام‌الله علیها را از جهت خردمندی، فرزانگی و معرفت و عقل الگو و سرمشق خود قرار دهند و از بعد عبادت، مجاهدت، حضور در صحنه تصمیم‌گیری‌های عظیم اجتماعی، خانه‌داری، همسرداری و تربیت صالح فرزندان از زهرا اطهر سلام‌الله علی‌ها پیروی کنند؛ زیرا زندگی آن بانوی بزرگ اسلام نشان می‌دهد که زن مسلمان برای ورود در صحنه‌ی سیاست و میدان کار و تلاش و نیز ایفای نقش فعال در جامعه همراه با تحصیل، عبادت، همسرداری و تربیت فرزندان می‌تواند پیرو فاطمه زهرا سلام‌الله علی‌ها باشد و دخت گرامی پیامبر عظیم الشان الهی را سرمشق خود قرار دهد (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۷۲/۰۹/۱۷). در مسئله‌ی «زن»، هم بحث هویت زنانه و هویت زن، هم ارزش‌های زن، هم حقوق زن، هم تکالیف زن، هم آزادی‌های زن، هم محدودیت‌های زن، هر کدام موضوع مسائل بسیار مهم و تعیین‌کننده است (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۲/۱۰/۰۶).

درباره الگوی سوم زن صحبت‌های زیادی شده و همایش‌ها و نشست‌های بسیاری با این نام برگزار شده‌اند؛ اما همچنان تعریف مقتضی از این الگو وجود ندارد. بعضی خوانش‌ها آن را ابر زنی می‌دانند که در قله‌های تحصیلات علمی و موقعیت‌های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی ایستاده؛ و این در حالی است که یک زندگی موفق و تعدادی فرزند نیز دارد. برخی دیگر فرزندآوری زیاد و خانه‌داری را نه‌تنها شرط لازم و کافی برای قرار گرفتن در این الگو می‌دانند؛ بلکه سپری کردن زمانی خارج از فضای سپهر خصوصی و خانواده را برای انجام هر فعالیت مستمر اجتماعی مغایر با مفهوم الگوی سوم می‌دانند. دو الگوی زن شرقی {با مؤلفه‌های گوشه‌نشینی، انفعال، ستم‌پذیری، بی‌توجهی و دورنگه داشتن بانوان از علم و فضیلت} و الگوی زن غربی {که با کانالیزه کردن حق‌خواهی زنان غربی توسط نظام سرمایه‌داری با الگوی مبنی بر برابری و آزادی جهت تأمین منافع آنان رواج یافته است.} با پوست‌اندازی درصدد جا زدن خود تحت عنوان الگوی سوم هستند و این امر لزوم پرداختن به مسئله الگوی سوم و مشخص کردن مرزهای آن با دو الگوی پیشین را چند برابر می‌کند. باید مشخص کرد که الگوی سوم یک الگوی نظری است یا عملی؟ (دیرباز،۱۳۹٤: ١٦٧).

بررسی چالش‌های موجود در زمینه‌ی نقش‌آفرینی بانوان دانش‌آموخته در عرصه‌ی فعالیت‌های علمی-تخصصی

مَن اَصبَحَ و لَم یَهتَمَّ بِاُمورِ المُسلِمینَ فَلَیسَ بِمُسلِم؛ اینکه فرمودند «لَیسَ بِمُسلِم»، یعنی چه زن باشد، چه مرد باشد. شما صبح که می‌کنید، زن خانه‌دارید، زن کارمندید، زن شاغلید، زن صنعتگرید، هر کاری می‌کنید، باید به فکر جامعه باشید؛ یعنی اهتمام داشته باشید که جامعه در چه وضعی است. حالا چقدر بتوانید کمک کنید و نقش ایفا کنید، این فرق می‌کند؛ افراد هر کدام یک نقشی می‌توانند ایفا کنند، امّا این اهتمام همگانی است؛ این پرداختن، اهتمام داشتن، به فکر بودن، همگانی است. در اینجا هم جنسیت نقشی ندارد (خامنه‌ای، بیانات: ١٤٠٢/١٠/٠٦). موضوع بعدی این است

که با اینکه در ظاهر زن و مرد از لحاظ جسمی تفاوت وجود دارد، امّا از لحاظ توانایی‌های فکری و روحی در هر دو جنس استعدادهای بی‌نهایت وجود دارد و تفاوتی با همدیگر ندارند؛ یعنی در علم، زن و مرد هر دو می‌توانند مسابقه بدهند؛ این‌جور نیست که مردها عالِم‌تر از زن‌ها باشند؛ نه، زن‌های بزرگی، والایی، دارای مقامات برجسته‌ای از لحاظ علمی در تاریخ بوده‌اند؛ امروز البتّه صدها برابر بیشتر، هم در دانشگاه، هم در حوزه وجود دارند. از لحاظ علم، از لحاظ هنر، از لحاظ نوآوری‌های فکری و عملی، از لحاظ اثرگذاری اجتماعی و فکری و سیاسی، از لحاظ فعالیت‌های اقتصادی این توانایی‌ها در هر دو جنس وجود دارد. پس بنابراین زن می‌تواند و در مواردی می‌باید در این عرصه‌ها ورود کند؛ می‌تواند وارد این عرصه‌ها بشود، در یک جاهایی هم لازم و واجب است که در این عرصه‌ها وارد بشود (خامنه‌ای، بیانات: ١٤٠٣/٠٩/٢٧).

با کنکاشی در منظومه فکری امامین انقلاب اسلامی و منشور زن از دیدگاه اسلام یا همان الگوی سوم زن، کنشگری زن در عرصه‌های مختلف اجتماع از جمله در عرصه علمی کاملاً پذیرفته و موجه است؛ اما آنچه مانع تحقق الگوی عملی سوم زن در این عرصه شده است باید مورد مداقه قرار گیرد و در جهت ازبین‌بردن موانع موجود حرکت کرد تا این مهم صورت گیرد. در این بخش به بیان چالش‌های پیشروی یک بانو در عرصه کنشگری علمی پرداخته شده است.

امروزه مثلاً یک نخبه‌ی فیزیک یا یک نخبه‌ی ریاضی، به کجا باید مراجعه کند؟ می‌خواهد وجودش مؤثر باشد دیگر؛ تحصیلات کرده و به رتبه‌ی نخبگی رسیده؛ الآن در کشور ما یک نخبه‌ی ریاضی به چه کسی باید مراجعه کند تا کشور از وجود او، از دانش او، از نخبگی او، از ذهن او استفاده کند؟ (خامنه‌ای، بیانات: ١٤٠٣/٠٧/١١).

در حال حاضر، یک نخبه در زمینه‌های فیزیک یا ریاضی برای اثربخشی بیشتر و استفاده از دانش و نخبگی خود، با مشکلاتی روبرو است. با توجه به نبود نقشه‌ی

جامع علمی و تمایل جامعه به علوم فنی، مهندسی و پزشکی، اکثر فارغ‌التحصیلان این رشته‌ها بعد از پایان تحصیل با چالش ورود به بازار کار مواجه می‌شوند. این مشکل وقتی عمیق‌تر می‌شود که بحث عدم توزیع عادلانه فرصت‌های شغلی در مناطق مختلف کشور، سابقه کار و فاصله‌ی بین علوم دانشگاهی و صنعت وجود دارد، همچنین گسل بین علم آموزش داده‌شده و مسائل و نیازهای روز کشور، این چالش برای فارغ‌التحصیلان علوم فنی و مهندسی بیشتر محسوس است. بانوان دانش‌آموخته علاوه بر این چالش‌ها با مسائل دیگری نیز دست‌وپنجه نرم می‌کنند. چالش‌هایی از جمله نبود زیرساخت‌های حمایتی و عدم برپایی «عدالت جنسیتی» در عرصه‌های علمی و تخصصی، مسائل فرهنگی و اجتماعی، تجمیع نقش‌های مادری و همسری با نقش‌آفرینی علمی و... هر کدام از این چالش‌ها با توجه به نبود زیرساخت‌های حمایتی لازم می‌تواند مانعی برای ادامه مسیر کنشگری علمی یک بانو در دوران دانشجویی یا بعد از فراغت از تحصیل باشد و حتی منجر به ترک فعالیت علمی او شود (کرمی،۱۳۹۳: ۷).

متأسفانه در شرایط فعلی اگر یک خانم دانش‌آموخته رشته‌های علوم پایه و فنی – مهندسی بخواهد به فعالیت حرفه‌ای خود ادامه دهد، معمولاً مجبور است الگوی کار غربی و مردانه را بپذیرد یا عضو هیئت‌علمی‌شود و مسیر را با سختی ادامه دهد یا تخصص خود را تغییر دهد که معمولاً مرتبط‌ترین گزینه، معلمی است؛ اما از تخصصی که برای آن هزینه و زمان زیادی صرف کرده است، شاید به میزان کمی استفاده شود و این به معنای هدر رفتن سرمایه انسانی است. بهترین حالت برای بانوان دانش‌آموخته، عضویت در هیئت‌علمی است که معمولاً در صورت تجرد یا تأهل در سنین بالا امکان‌پذیر است. اگرچه، محدودی از بانوان با حمایت‌های خانواده و همسر و شرایطی خاص، در شرکت‌های دانش‌بنیان مشغول به فعالیت هستند، اما این امر عمومیت ندارد. در ادامه تنها بخش کوچکی از این چالش‌ها که عموم حلقه میانی بانوان دانش‌آموخته با آن مواجه هستند، بیان شده است.

عدم توزیع عادلانه فرصت‌های علمی و شغلی در مناطق مختلف کشور

در ایران، فعالیت‌های علمی کلیدی و موقعیت‌های شغلی مرتبط اغلب در شهرهای بزرگ مانند تهران، اصفهان و مشهد متمرکز شده‌اند. این تمرکز جغرافیایی باعث ایجاد شکاف قابل‌توجهی در دسترسی به فرصت‌های شغلی مناسب برای زنان در مناطق کمتر توسعه‌یافته می‌شود. زنان متخصص و علاقه‌مند در شهرستان‌ها معمولاً با چالش‌هایی نظیر نبود زیرساخت‌های پژوهشی، کمبود منابع علمی و محدودیت‌های شبکه‌سازی علمی مواجه هستند. این مسئله نه‌تنها مانعی بر سر راه پیشرفت حرفه‌ای زنان محسوب می‌شود، بلکه موجب اتلاف پتانسیل علمی کشور و کاهش انگیزه نخبگان محلی نیز می‌گردد. بازنگری در سیاست‌گذاری‌های علمی و توسعه زیرساخت‌ها در مناطق مختلف کشور می‌تواند به رفع این شکاف کمک کرده و توزیع عادلانه فرصت‌های علمی را تسهیل کند.

الگوی کاری به سبک زن غربی و پذیرش الگوی کار مردانه

امروزه در ایران تحت لوای حمایت از حقوق زنان و آزادی و برابری در موقعیت‌های اجتماعی، سعی می‌شود به دختران و زنان جامعه القا شود که باید در محیط‌های کاری همسان مردان به فعالیت‌های علمی و اجتماعی خود ادامه دهند؛ اما این دیدگاه تنها به‌ظاهر زیباست و پشت پرده‌ی آن فریبی بیش نیست و در عمل، بانوان از این نگاه متضرر خواهند شد.

آیت‌الله خامنه‌ای در سال ۱۴۰۳ در جمع بانوان به تبیین این موضوع می‌پردازند و اشاره می‌کنند که این نسخه‌ای است که در غرب برای زنان پیچیده شده است. در حدود یک قرن پیش، بحث آزادی و استقلال مالی زنان مطرح شد؛ اما باطن آن نیاز کارخانه‌ها به کارگر با دستمزد پایین بود و زنان را با دستمزد کمتر از مردان وارد نیروی کار کردند. این موضوع در اروپا و غرب شکل گرفت و در قالب ظاهری انسان‌دوستانه پنهان شد. در حال حاضر نیز، جنجال‌های موجود درباره حقوق زنان و مسئله فمینیسم تنها ظواهر کار است و سیاست‌ها و انگیزه‌های ناسالمی پشت آن

وجود دارد. در تمدن غربی که مرد به‌عنوان جنس برتر و تمدن مردسالار مطرح است، نتیجه آن شده که زنان تلاش می‌کنند الگوی خود را مردان قرار دهند و مرد می‌شود الگوی زن؛ زن به دنبال کارهای مردانه حرکت کنند. این تفکر باید اصلاح شود (خامنه‌ای، بیانات: ۱٤۰۳/۰۹/۲۷). با تحقق الگوی عملی سوم زن و ارائه‌ی الگوهای موفق زنانه در عرصه علمی و ایجاد زیرساخت‌های مناسب می‌توان این دیدگاه را تغییر داد.

محیط کاری ناامن (حضور در فضای مختلط)

یکی از چالش‌های مهم برای بانوان دانش‌آموخته در محیط‌های کاری، فضای مختلط و ناامن است. آیت‌الله خامنه‌ای در بیانات خود به این نکته اشاره کرده‌اند که «زن و مرد از لحاظ ارتباطات معاشرتی، محدودیت‌هایی دارند؛ این جزو خصوصیاتی است که اسلام روی آن تکیه دارد». ایشان همچنین تأکید دارند که «خطر جاذبه‌ی جنسی، یکی از لغزشگاه‌های بسیار خطرناک است و اسلام ما را از این پرهیز می‌دهد».

برای بانوان دانش‌آموخته که می‌خواهند از تحصیلات و تخصص خود استفاده کنند، انتخاب شغل در شرکت‌هایی که فضای مختلط بین خانم‌ها و آقایان دارند، یکی از چالش‌ها است. به دلیل نبود بسترهای لازم در این محیط‌ها، تلفیق نقش‌های متفاوت یک خانم، به‌سختی امکان‌پذیر است. گاهی فشارهای اجتماعی یا سوءتفاهم‌ها در تیم‌های تحقیقاتی مختلط، زنان را از همکاری علمی دلسرد می‌کند. البته، شرکت‌هایی هستند که شرایط مناسب برای بانوان را فراهم می‌کنند، اما محدود هستند و عمومیت ندارند.

کمبود شبکه‌سازی، چالشی جدی برای زنان در پیشرفت علمی و حرفه‌ای

شبکه‌سازی یکی از ابزارهای کلیدی برای پیشرفت علمی و حرفه‌ای محسوب می‌شود، اما زنان در ایران به دلایل مختلف از این فرصت‌ها کمتر بهره‌مند می‌شوند. این محدودیت می‌تواند ناشی از عوامل فرهنگی و اجتماعی باشد، مانند نگاه سنتی

به روابط کاری یا محدودیت‌های غیررسمی برای مشارکت در رویدادهای علمی و حرفه‌ای. از سوی دیگر، عدم تعادل در ترکیب جنسیتی برخی رشته‌ها و فضاهای علمی باعث می‌شود که زنان در تیم‌های تحقیقاتی و پروژه‌های کلیدی کمتر دیده شوند یا نتوانند به‌راحتی به جوامع تخصصی دسترسی پیدا کنند. این مسئله برای زنانی که در شهرستان‌ها زندگی می‌کنند و امکان شرکت در همایش‌ها یا تعامل با متخصصان در شهرهای بزرگ را ندارند، چالش‌برانگیزتر است. کمبود شبکه‌سازی، علاوه بر کاهش فرصت‌های همکاری، بر دسترسی به منابع اطلاعاتی، پروژه‌های مشترک و حتی فرصت‌های مالی و شغلی تأثیر منفی می‌گذارد. تقویت برنامه‌های حمایتی برای ایجاد شبکه‌های علمی مختص زنان، تشویق به عضویت در انجمن‌های حرفه‌ای و برگزاری رویدادهای علمی در مناطق مختلف کشور می‌تواند این شکاف را کاهش داده و فرصت‌های برابر را برای زنان فراهم کند.

تجمیع نقش‌های خانوادگی و علمی

امروزه دیدگاه‌های متفاوتی درباره نقش زنان وجود دارد. برخی نگرش‌های سنتی و شرقی، زنان را تنها مسئول کارهای خانه و خدمت به خانواده می‌دانند و برای آنان حقوقی قائل نیستند که می‌شود زنان از تأثیرگذاری در جامعه باز بمانند. در مقابل، برخی نگرش‌های غربی، حقوق و وظایف زنان را همسان با مردان می‌دانند که این دیدگاه می‌تواند توانایی زنان در انجام نقش‌های خانوادگی را کاهش دهد و بنیاد خانواده را ضعیف کند (مرادی، ۱۴۰۱: ۶۷).

مترقی‌ترین نگاه را دین اسلام به جایگاه زن دارد. از نگاه اسلام، زنان می‌توانند با توجه به تفاوت‌های طبیعی با مردان، نقش‌های مختلفی را در خانواده و اجتماع ایفا کنند؛ آیت‌الله خامنه‌ای در بیاناتشان به‌خوبی این نگرش را بیان می‌فرمایند: «در نگاه به مسئولیت‌پذیری‌ها، اینجا تکیه بر ویژگی‌های طبیعی زن و مرد است. یک تفاوت‌هایی بین زن و مرد، یعنی طبیعت زنانه و طبیعت مردانه وجود دارد. هم در جسم، هم در روح و در مسائل معنوی، یک تفاوت‌هایی وجود دارد؛ مسئولیت‌ها

متناسب با آن تفاوت‌ها است. این تفاوت‌ها تأثیر دارد در نوع مسئولیت‌هایی که متوجّه به زن یا مرد است؛ این مربوط به طبیعت زنانه یا طبیعت مردانه است. هیچ‌کدام نبایستی چیزی برخلاف طبیعت خودشان [انجام بدهند]. امّا در مورد وظایف اجتماعی، تکالیف زن و مرد یکسان است. نقش‌ها مختلف است؛ اما تکالیف یکسان است. در خانواده، این‌جور نیست که شما خیال می‌کنید حالا زن گرفتید، کارها را بریزید سر زن؛ نخیر. خودش داوطلبانه یک کاری را می‌خواهد انجام بدهد [عیب ندارد] خانه خودش است، دلش می‌خواهد یک کاری را انجام بدهد انجام داده؛ اگرنه، هیچ‌کس حق ندارد – مرد یا غیر مرد – او را وادار کند، اجبار کند به اینکه این کار را باید انجام بدهد. خب، زن در خانواده یک‌وقت در نقش همسری ظاهر می‌شود، یک‌وقت در نقش مادری ظاهر می‌شود؛ هر کدام یک خصوصیتی دارند در نقش همسری، زن در درجه‌ی اول مظهر آرامش است. در مورد نقش مادری، نقش حق حیات است، مادرها مایه انتقال عناصر هویت ملت‌اند، آن‌ها افشانندهٔ بذر ایمان در دل‌های فرزندان هستند. این هر دو نقش، نقش مهمی هستند؛ اصلی‌ترین وظایف زن هم این‌هاست. لیکن خانه‌داری زن به معنای خانه‌نشینی نیست، برخی این‌ها را با هم اشتباه می‌کنند و فکر می‌کنند نشستن در خانه به معنای این است که هیچ کار نکنید، هیچ تدریسی نکنید، مجاهدت نکنید هیچ وظیفه اجتماعی نداشته باشید این معنای خانه‌داری نیست؛ یعنی در کنار داشتن مسئولیت خانه هر کار دیگری که از شما برمی‌آید و میل و شوق به آن دارید می‌توانید انجام دهید» (خامنه‌ای، بیانات: ١٤٠١/١٠/١٤).

در بعد نظری نگاه اسلام به زن یا همان الگوی سوم زن کامل‌ترین دیدگاه است؛ اما این طبیعی است که در عمل ممکن است تجمیع نقش‌های مختلف، بانوان را به چالش اندازد. یکی از چالش‌های اساسی برای بانوان دانش‌آموخته، تجمیع نقش‌های خانوادگی و علمی است. برای موفقیت در این زمینه، زنان نیازمند حمایت‌های قانونی، سیاست‌های شغلی منعطف و تسهیلات مرتبط هستند. پذیرش نقش‌های

متنوع بانوان توسط خانواده و جامعه نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. مسئولیت‌های سنتی نباید مانع فعالیت‌های علمی و اجتماعی زنان شوند و ایجاد تعادل بین نقش‌های مختلف از طریق تفاهم و همکاری امکان‌پذیر است.

مسائل فرهنگی و اجتماعی

برخی مسائل فرهنگی و اجتماعی می‌توانند مانع نقش‌آفرینی بانوان در عرصه‌های علمی‌شوند. به‌عنوان‌مثال، دانشجوی دختری که در شهری مشغول به تحصیل است، پس از فارغ‌التحصیلی یا ازدواج ممکن است مجبور شود به شهر دیگری برود که این امر مانعی برای ادامه ارتباط او با فضای علمی و کاری قبلی‌اش ایجاد می‌کند. همچنین، هزینه‌های دانشگاه می‌تواند برخی از خانم‌ها را وادار کند که هم‌زمان با تحصیل، به شغل بپردازند؛ اما شغل‌های موجود ممکن است فشار کاری بالایی داشته یا نیازمند سابقه کار باشند که با وضعیت دانشجویی تطابق ندارد.

نبود زیرساخت‌های حمایتی و عدم برپایی عدالت جنسیتی

آنچه درست است «عدالت جنسیتی» است؛ «عدالت جنسیتی» در همه‌جا معتبر است. «عدالت» یعنی هر چیزی را در جای خود قرار دادن. ساخت روحی زن، ساخت جسمی زن، ساخت عواطفی زن، اقتضای یک مسائلی را می‌کند. فرزندآوری، فرزند داری و دامانِ پرورشِ فرزند، کار زن است؛ یک مسئله، مسئله‌ی مشاغل اجتماعی و مدیریت‌ها است که در اینجا مسئله‌ی جنسیت مطرح نیست. در مدیریت‌های گوناگون، مشاغل گوناگون اجتماعی و دولتی، حضور زنان هیچ محدودیتی ندارد (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۲/۱۰/۰۶). در ادامه آیت‌الله خامنه‌ای بیان می‌کنند که زنان می‌توانند در مشاغل و مدیریت‌های مختلف حضور داشته باشند، به شرطی که از مسئولیت‌های اساسی زنانه مانند خانه‌داری و فرزندآوری محروم نشوند. مسئولین کشور باید برای رفع تعارضات احتمالی بین کارهای خانگی و شغلی زنان برنامه‌ریزی کنند.

در حال حاضر، قوانین حمایتی و زیرساخت‌های لازم برای حضور زنان در عرصه‌های علمی محدود است. علی‌رغم آمار بالای فارغ‌التحصیلان زن در رشته‌های تخصصی مختلف، تعداد کمی از آنان در مشاغل متناسب با نیازهایشان قرار دارند. یکی از چالش‌های اساسی برای بانوان دانش‌آموخته، نبود زیرساخت‌های حمایتی است. آیت‌الله خامنه‌ای به ارزش معنوی مادری تأکید کرده و آن را افتخاری بزرگ می‌دانند؛ اما در بسیاری از محیط‌های علمی و دانشگاهی، زیرساخت‌های لازم برای حمایت از مادران دانش‌آموخته وجود ندارد. کمبود فضای کاری مناسب و انعطاف‌پذیر، نبود شرایط دورکاری و برون‌سپاری کار علمی و نبود فضای کار اشتراکی مادر و کودک از جمله چالش‌های بزرگی است که بانوان دانش‌آموخته با آن‌ها مواجه هستند. ایجاد بسترهای مناسب برای بانوان دانش‌آموخته از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. فراهم نمودن چنین امکاناتی به بانوان اجازه می‌دهد تا نقش‌های خانوادگی و اجتماعی خود را به طور مؤثری تجمیع کنند و به فعالیت‌های علمی و حرفه‌ای خود ادامه دهند. با ایجاد شرایط مناسب و تغییر نگرش‌ها، می‌توان از توانمندی‌های بانوان به طور کامل بهره‌مند شد (نادری قمی، ۱۴۰۲: ۸۸) (شهادت‌منش، ۱۴۰۱: ٥٦).

تبعیض و نابرابری جنسیتی

تبعیض‌های غیرمستقیم و ناخواسته نیز می‌توانند مانع از رشد و پیشرفت بانوان در عرصه‌های علمی‌شوند. تبعیض و نابرابری جنسیتی یکی از چالش‌های مهم برای بانوان دانش‌آموخته است. این تبعیض‌ها ممکن است در ارتقای شغلی، دسترسی به منابع علمی و پژوهشی و حتی در پذیرش ایده‌ها و پیشنهادها علمی بروز پیدا کند. همان‌طور که آیت‌الله خامنه‌ای در بیانات خود اشاره کرده‌اند: «همین‌الان در بسیاری از کشورهای غربی، مزد زن برای کارِ مشابه با مرد، کمتر از مرد است؛ یعنی همان کار مرد را به زن محوّل می‌کنند و مزد کمتری می‌دهند؛ چون ضعیف‌تر است، چون زورپذیرتر است؛ این یک‌جور سوءاستفاده است» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۲/۱۰/۰٦).

متأسفانه، این تبعیض‌ها و نگاه مردسالارانه در کشور ما نیز وجود دارد و بانوان دانش‌آموخته را با چالش‌هایی مواجه می‌کند. تبعیض‌های غیرمستقیم و ناخواسته نیز می‌توانند مانع از رشد و پیشرفت بانوان در عرصه‌های علمی‌شوند. بانوان دانش‌آموخته باید بتوانند بدون تبعیض و با دسترسی برابر به منابع و فرصت‌ها، در محیط‌های علمی و پژوهشی فعالیت کنند و نقش خود را در جامعه به طور کامل ایفا کنند (نادری قمی، ۱۴۰۲: ۸۸).

بالا رفتن سن ازدواج

بالا رفتن سن ازدواج یکی دیگر از چالش‌های مهم بانوان دانش‌آموخته است. آیت‌الله خامنه‌ای در بیانات خود تأکید کرده‌اند که «سن ازدواج نباید خیلی بالا برود و جوان‌ها زودتر ازدواج بکنند؛ جوان، نوجوان، مرد، زن، دختر و پسر، هرچه بتوانند به‌وقت و به هنگام ازدواج کنند، از نظر اسلام مطلوب‌تر است و برای خودشان هم البتّه خیلی بهتر است، برای جامعه هم خیلی بهتر است». متأسفانه، عدم وجود بسترهای حمایتی مناسب موجب شده است که بسیاری از بانوان برای اینکه بتوانند در عرصه‌های علمی کنشگر باقی بمانند و مدارج تحصیلی و تأثیرگذاری خود در محیط‌های علمی را حفظ کنند، ازدواج خود را به تأخیر بیندازند. این تأخیر در ازدواج می‌تواند تبعات متعددی به همراه داشته باشد، از جمله کاهش فرصت‌های تشکیل خانواده و افزایش فشارهای اجتماعی و فرهنگی (زین‌الدینی، ۱۴۰۲: ۲۰۰).

این موارد تنها بخشی از چالش‌هایی هستند که بانوان متعهد دانش‌آموخته در حلقه میانی با آن مواجه‌اند. رفع این چالش‌ها نیازمند ایجاد زیرساخت‌های مناسب و حمایت‌های هدفمند است تا بانوان بتوانند به طور مؤثر در پیشبرد اهداف علمی و اجتماعی کشور مشارکت کنند. با رفع این چالش‌ها و ایجاد زیرساخت‌های حمایتی مناسب، می‌توان از توانایی‌های این بانوان برای پیشبرد اهداف علمی و اجتماعی کشور بهره‌برداری کرد.

ارائه الگوهایی جهت ایجاد بستری مناسب برای کنشگری علمی حلقه‌ی میانی بانوان

نخبه «مسئول» است. نخبه مثل همه‌ی آحاد جامعه است: "کُلُّکُم راعٍ وَ کُلُّکُم مَسئولٌ عَن رَعِیَّتِه؛ شما هر جا هستید مسئولید. یکی از عناصر مسئول در جامعه فرد نخبه است. مسئولیت نخبه از آحاد متوسّط مردم بیشتر است؛ زیرا از تفضّلات الهی بیشتر بهره‌مند شده است. هر مقداری که از تفضّلات الهی بیشتر بهره‌مند شوید، به همان اندازه مسئولیتتان بیشتر می‌شود؛ بنابراین، نخبه بودن به معنای مسئول بودن است (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۳/۰۹/۲۷).

در سال ۱۳۹۸، گروهی از بانوان متعهد به آرمان‌های انقلاب و دانش‌آموخته از دانشگاه‌های معتبر ایران، مجموعه‌ای به نام «شبا» تأسیس کردند. این گروه بر این باور بودند که الگوی سوم زن، نه‌تنها یک مفهوم نظری، بلکه یک الگوی عملی و امکان‌پذیر است. بانوی مسلمان می‌تواند با حفظ حریم‌ها و اولویت‌های خانوادگی، در عرصه کنشگری علمی نیز مؤثر باشد و با استفاده از دانش خود، به رفع مشکلات و نیازهای کشور بپردازد.

این مجموعه، اولین مسئولیت خود را ایجاد بستر و تشکیلات منسجم برای کنشگری علمی حلقه‌ی میانی بانوان دانش‌آموخته قرار داد. آن‌ها بامطالعه و تحلیل چالش‌های موجود، سه مدل را ارائه دادند که شامل بازنویسی مدل‌های موجود و ارائه راهکارهای ابتکاری جهت ایجاد بستری مناسب برای کنشگری علمی بانوان بود. این مدل‌ها عبارت‌اند از: مدل شتاب‌دهی، مدل فعالیت فریلنسری و مدل پژوهشکده.

مدل شتاب‌دهی

در نخستین گام، مجموعه شبا فضایی را برای حمایت از استارت‌آپ‌هایی که اعضای تیمشان خانم بودند یا اکثریت اعضای تیم را بانوان تشکیل می‌دادند، ایجاد کرد. این حمایت‌ها شامل تعریف چارچوب‌های متفاوتی با مجموعه‌های شتاب‌دهی رایج آن

زمان بود (سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۰). چارچوب‌های شبا منطبق با شرایط و نقش‌های بانوان طراحی شده بودند. به‌عنوان‌مثال، مجموعه شبا با درنظرگرفتن محدودیت‌های مسئولیتی بانوان، چارچوب زمان‌بندی منعطفی طراحی کرد که فشار را از روی کار بانوان کاهش می‌داد و مشکلاتی مانند بارداری، رفت‌وآمد به شهرستان و سایر چالش‌ها را در نظر می‌گرفت و برای آن‌ها راه‌حل جایگزین ارائه می‌کرد. همچنین، در کنار آن بستر فضای کار اشتراکی مادر و کودک فراهم شد.

این حمایت‌ها جهت تسهیل فعالیت بانوان در استارت‌آپ‌ها صورت گرفت و الگویی نوین ایجاد شد. این الگو به بنیاد علمی نخبگان، دانشگاه‌ها و مراکز رشد دانشگاه‌ها ارائه شد و مورد تحسین و حمایت معنوی قرار گرفت. مجموعه‌های شتاب‌دهی برای پیشرفت و توسعه، علاوه بر حمایت معنوی، نیازمند حمایت مادی از سوی سازمان‌های حکومتی و مراکز علوم و فناوری هستند. متأسفانه به دلیل عدم حمایت مادی لازم و ناکارآمد بودن مدل کار شتاب‌دهنده‌ها در پیشبرد اهداف انقلاب، مجموعه شتاب‌دهی شبا در سال ۱۴۰۰ به فعالیت خود خاتمه داد. با حمایت مادی و معنوی از چنین مجموعه‌هایی می‌توان بستر مناسبی برای کنشگری علمی بانوان فراهم کرد تا بانوان بتوانند به طور مؤثری در پروژه‌های خود فعالیت کنند.

مدل فعالیت فریلنسری

در گام بعدی، مرکز آموزشی با مدل کار فریلنسری طراحی شد. این مدل باهدف ایجاد بستری مناسب در جهت مهارت‌افزایی بانوان و کسب درآمد از منزل یا فضای کار اشتراکی شکل گرفت. این طرح با همکاری یکی از مجموعه‌های فعال در حوزه فریلنسری بین‌المللی بستری را آماده کرد تا با آموزش مجازی بانوان مهارت‌های برنامه‌نویسی و کارهای گرافیکی بانوان خود را ارتقا دهند و با تخصص‌های خود در منزل کسب درآمد کنند. در این طرح بانوان شرکت‌کننده با استفاده از بستر آموزش مجازی، فضای منتوری، پروژه و تمرین مهارت‌های خود را ارتقا می‌دادند و سپس توسط این مرکز، دانش‌پذیرانی که موفق به کسب مهارت لازم شده بودند،

گزینش می‌شدند. پس از طی این دوره، این مرکز بستر فعالیت فریلنسری را برای این بانوان فراهم می‌کرد و آنان می‌توانستند خودشان پروژه بگیرند و به مرحله کسب درآمد در منزل برسند آن هم درآمد دلاری. این مدل، با تمرکز بر آموزش مجازی تا حدی چالش‌های موجود در مسیر کنشگری علمی بانوان را برطرف کرد؛ اما تنها در حوزه برنامه‌نویسی و کارهای گرافیکی قابل‌استفاده بود و تعداد محدودی از بانوان دانش‌آموخته را مورد هدف قرار می‌داد.

مجموعه شبا، با استفاده از تجربیات مدل شتاب‌دهی و فریلنسری، مدل پژوهشکده فناوری را طراحی کرد تا برای کنشگری علمی بانوان با تخصص‌های متفاوت مؤثر باشد.

مدل فعالیت پژوهشکده رصد فناوری

در راستای وظیفه‌ی مهم «خیزش جدید علمی» که آیت‌الله خامنه‌ای بر دوش جامعه‌ی نخبگانی و دانشگاهی کشور گذاشتند و با توجه به اهمیت آینده‌پژوهی و رصد تحولات فناوری، مجموعه شبا با تجربیات حاصل از مدل‌های کاری پیشین، در سال ۱۴۰۰ پروژه پژوهشکده فناوری رهینو را آغاز کرد.

مجموعه شبا، با فراهم آوردن بسترهای حمایتی مانند محیطی امن و بدون اختلاط، دورکاری، ساعات کاری منعطف و شناور، فضای کار اشتراکی مادر و کودک و امکان کار به‌صورت توأمان فردی و گروهی، توانسته است شبکه‌ای از بانوان در رشته‌های مختلف را تشکیل دهد. این بانوان شامل دانشجویان و فارغ‌التحصیلان، بانوان متأهل یا مجرد و مادرانی با تعداد و سنین مختلف فرزندان هستند که به کنشگری علمی و تخصصی در جامعه می‌پردازند. نتیجه این مشارکت و بسترسازی، تهیه نقشه راه علمی و فناوری است که به سیاست‌گذاران کمک می‌کند تا در حوزه‌های کلیدی سرمایه‌گذاری کنند و به رشد علمی کشور سرعت بخشند و با راهکارهای فناورانه مشکلات و نیازهای کشور را برطرف سازند.

تجربه موفق پژوهشکده فناوری رهینو بستری برای کنشگری علمی حلقه میانی بانوان دانش‌آموخته

پژوهشکده فناوری رهینو علاوه بر فراهم کردن زیرساخت‌های حمایتی که لازمه فعالیت بانوان در هر عرصه‌ای است توانسته بستری برای کنشگری علمی شبکه‌ی گسترده‌ای از بانوان دانش‌آموخته محیا سازد، در این بخش به بررسی ساختار و ابعاد علمی و ظرفیت‌های پژوهشی این پژوهشکده پرداخته شده است.

طرح این پژوهشکده، یک پروژه گسترده و جامع در مقیاس ملی و بین‌المللی است که به بررسی و پایش علمی و فناورانه در ۱۴ حوزه کلیدی می‌پردازد. ماهیت این طرح شامل رصد مداوم و تحلیل دقیق از پیشرفت‌های علمی، فناوری‌های نوظهور و چالش‌های جهانی است که تأثیرات مهمی بر اقتصاد، امنیت ملی و توسعه پایدار کشور دارند. هدف از این طرح رسیدن به مرز دانشی و داشتن یک نگاه جامع، تحلیل فناوری‌های جدید، پیگیری فعالیت‌های سازمان‌های خاص، رصد و توسعه فناوری‌های خاص و شناسایی رویدادهای علم و فناوری جهان است

شروع فعالیت پژوهشکده با تشکیل چند حوزه‌ی اولیه در شهریور ۱۴۰۰ است و در مرداد ۱۴۰۱، ۱۴۰۲ و بهار ۱۴۰۳ مجموعه فعالیت‌های خود را در حوزه‌های متنوع و جدید گسترش داد. در حال حاضر پژوهشکده به شناسایی، تحلیل و پایش پیشرفت‌های علمی و فناوری در حوزه‌های راهبردی شامل حمل‌ونقل، هوافضا، انرژی، کشاورزی و امنیت غذایی، زیست‌فناوری و ژنتیک، مدیریت شهری، فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT)، آب، هوش مصنوعی، سلامت، علوم‌شناختی و آموزش می‌پردازد. این پایش باهدف افزایش توان رقابتی و ارتقای دانش بومی در این حوزه‌ها صورت می‌گیرد. پژوهشکده در حوزه‌های بسیار متنوع و راهبُردی مانند هوافضا، انرژی‌های پاک، کشاورزی هوشمند، بیوتکنولوژی، هوش مصنوعی و مدیریت شهری فعالیت دارد و موفق به جذب بانوان دانشجو یا دانش‌آموخته در این حوزه‌ها شده است.

اهمیت آینده‌پژوهی و رصد در پیشبرد اهداف بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

آیت‌الله خامنه‌ای در بیانات خود همواره بر ضرورت تفوق علمی گوشزد می‌فرمایند و بیان می‌دارند: «دنبال خیزش علمی باشید و این جهاد شما است. ما باید تفوّق علمی‌داشته باشیم؛ ما دشمن داریم. باید با تفوّق علمی بر آن‌ها غلبه پیدا کنیم، کما اینکه اگر در جایی غلبه‌ای هم داشتیم، بر اثر همین تفوّق علمی و فنّاوری بوده» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۳/۰۷/۱۱). «امروز ما احتیاج داریم به یک حرکت مبتکرانه‌ای از سوی دستگاه‌های علمی کشور تا عقب نیفتیم. ما حرکت کردیم، امّا دیگران هم حرکت کردند؛ بیمِ آن وجود دارد که ما از مسابقه‌ی علمی دنیا عقب بمانیم» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۲/۰۷/۲۵).

حداقل وظیفه سازمان‌های کشورهای درحال‌توسعه قبل از نوآوری، آگاهی داشتن از آخرین فناوری‌ها و داشتن برنامه جهت کاستن فاصله خود با فناوری‌های برتر است. رصد فناوری روشی نظام‌مند برای گردآوری، تحلیل و اکتشاف اطلاعات مفید پژوهشی و فناوری برای تصمیم‌گیری‌های فنی و راهبردی است. پیش‌بینی فناوری پایش مستمر پیشرفت‌های فناورانه به‌منظور ارزیابی توانایی بالقوه و شناسایی کاربردهای آینده است. شرکت‌هایی که می‌خواهند در بازار جهانی پیچیده و رقابتی زنده بمانند، بیش‌ازپیش نیازمند به رصد پیشرفت‌های فنی در سراسر جهان خواهند بود. بااین‌حال، متأسفانه، مطالعات نشان می‌دهد که اکثر شرکت‌ها تنها به‌صورت محدود به رصد اطلاعات بین‌المللی می‌پردازند. رصد علم و فناوری به معنای شناسایی، تحلیل و پایش مستمر پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیکی است که می‌تواند بر توسعه کشور و امنیت ملی تأثیرگذار باشد. شکل ۱ دلایل اهمیت رصد علم و فناوری را نشان می‌دهد.



شکل ۱: دلایل اهمیت رصد علم و فناوری (Bradford Ashton. 1991:91)

رصد علم و فناوری در کشور باید به‌عنوان یکی از ارکان اصلی توسعه و سیاست‌گذاری در نظر گرفته شود. رصد علم و فناوری به دلیل اهمیت و نقش راهبُردی آن، باید در حوزه اولویت‌دار کشور انجام شود. شکل ۲ حوزه‌های مهم و اولویت‌دار در فضای رصد علم و فناوری در کشور را نشان می‌دهد.



شکل ۲: اولویت‌های رصد علم و فناوری در کشور

طرح «رصد علم و فناوری در موضوعات راهبردی» از چند جهت ویژگی‌های منحصربه‌فردی دارد که آن را از سایر طرح‌ها متمایز می‌کند. جدول ۱ ویژگی‌های این طرح را نشان می‌دهد.

جدول ۱: مزایا و ویژگی‌های منحصربه‌فرد رصد علم و فناوری

مزیت	توضیحات
چندبخشی و چند موضوعی بودن	این طرح به‌صورت هم‌زمان حوزه‌های متعددی از علم و فناوری، شامل سلاح‌های نوین، هوافضا، انرژی، کشاورزی، بیوتکنولوژی، هوش مصنوعی، مدیریت شهری و حمل‌ونقل را پوشش می‌دهد. به دلیل تمرکز بر طیف گسترده‌ای از موضوعات، این طرح امکان بررسی تأثیرات متقابل بین حوزه‌ها و ایجاد راهکارهای میان‌رشته‌ای را فراهم می‌کند.
رویکرد استراتژیک و آینده‌نگر	طرح با رویکردی کاملاً استراتژیک به رصد فناوری‌های نوظهور و پیش‌بینی تحولات آینده می‌پردازد. این ویژگی به کشور کمک می‌کند تا به‌جای واکنش به تغییرات فناوری، پیشگام در استفاده از فرصت‌های جدید و مقابله با تهدیدات احتمالی باشد. همچنین این رویکرد از نگاه بلندمدت برای ارتقای توان ملی و اقتصادی کشور پشتیبانی می‌کند.
ترکیب علم و فناوری با مسائل ملی و امنیتی:	یکی از وجوه منحصربه‌فرد این طرح، تمرکز ویژه بر کاربردهای فناوری در حوزه امنیت ملی است. بررسی فناوری‌های نوین در حوزه دفاع، سلاح‌های خودمختار و هوش مصنوعی برای امنیت ملی کشور اهمیت حیاتی دارد و این طرح در این زمینه یک رویکرد ویژه دارد که در بسیاری از طرح‌های مشابه کمتر دیده می‌شود.
پایش مداوم و انعطاف‌پذیری در به‌روزرسانی	طرح با رویکردی مداوم و انعطاف‌پذیر اجرا می‌شود که امکان به‌روزرسانی و تطبیق با تغییرات سریع فناوری‌ها و نیازهای کشور را فراهم می‌کند. این ویژگی منحصربه‌فرد باعث می‌شود که طرح همواره متناسب با تغییرات جدید در علم و فناوری و تحولات جهانی عمل کند.
تمرکز بر بومی‌سازی فناوری‌ها	یکی دیگر از ویژگی‌های منحصربه‌فرد این طرح، تمرکز بر بومی‌سازی و توسعه فناوری‌ها در داخل کشور است. درحالی‌که بسیاری از کشورها به واردات فناوری متکی هستند، این طرح

مزیت	توضیحات
	به‌طور خاص به شناسایی فرصت‌ها برای بومی‌سازی فناوری‌های کلیدی پرداخته و تلاش می‌کند تا وابستگی به فناوری‌های خارجی کاهش یابد.
ایجاد زیرساخت برای تصمیم‌گیری‌های استراتژیک	این طرح به تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران اطلاعات جامع و دقیق در مورد روندهای فناوری و فرصت‌ها و تهدیدات آن‌ها ارائه می‌دهد. این ویژگی به سیاست‌گذاران کمک می‌کند تا در تصمیم‌گیری‌های کلان مرتبط با توسعه کشور و سرمایه‌گذاری در حوزه‌های راهبردی از دیدگاه علمی و دقیق‌تری برخوردار شوند.
تکیه بر داده‌های بزرگ و تحلیل هوشمندانه	استفاده از داده‌های بزرگ (Big Data) و تحلیل‌های مبتنی بر هوش مصنوعی در رصد فناوری‌های نوین، از دیگر ویژگی‌های منحصربه‌فرد طرح است. این رویکرد به افزایش دقت و کارایی در تحلیل‌ها کمک کرده و امکان شناسایی فرصت‌ها و تهدیدات را با دقت بیشتر فراهم می‌کند.

چالش‌های اجرای طرح رصد علم و فناوری در پژوهشکده رصد فناوری رهینو

پژوهشکده رهینو باهدف ایجاد زیرساختی برای بانوانی که علی‌رغم مسئولیت‌های خانوادگی و نقش‌هایی که در حال حاضر بر دوش دارند خود را در باب علمی که کسب کرده‌اند نیز مسئول می‌دانند، شکل گرفت و به دلیل نبود زیرساخت‌های آماده‌ای که بتوانند قابلیت کنشگری علمی بانوان را تسهیل کند از همان آغاز کار با چالش‌های متعددی مواجه شد، مخصوصاً در حوزه‌ی همکاری با سازمان‌های حکومتی، دولتی، دستگاه‌های ذی‌ربط علوم و فناوری و کارفرمایان. در جدول ۲ بخشی از این چالش‌ها بیان شده‌اند. این چالش‌ها و ظرفیت‌ها نشان‌دهنده موانع و فرصت‌هایی است که پژوهشکده در برخورد با مجموعه‌های بیرونی با آن مواجه

است. با شناخت دقیق این موارد و ایجاد زیرساخت‌های مناسب، می‌توان بهبود و ارتقای فعالیت‌های پژوهشکده پرداخت.

جدول ۲: چالش‌های اجرای طرح پژوهشکده رهینو

چالش	توضیحات
عدم قابلیت برون‌سپاری پروژه‌ها	به دلیل ایجاد بستر حمایتی و تعریف کار صورت گرفته در پژوهشکده فناوری رهینو، پژوهشکده تمایل به گرفتن پروژه‌هایی دارد که قابلیت برون‌سپاری داشته باشند، چون اعضای تیم نمی‌توانند به‌صورت حضوری وارد فضای کاری آن مجموعه‌ها شوند که معمولاً حالت نظامی‌طور دارند و بستر حمایتی مناسب برای انجام فعالیت بانوان را ندارند.
نیاز به فرد	برخی پروژه‌ها هم به‌صورتی یکپارچه تعریف می‌شوند و نمی‌توان به‌صورت تفکیک‌پذیر و بخش‌بخش روی آن‌ها کار کرد و بخشی از آن را برون‌سپاری کرد.
عدم درک کار علمی	برخی از مجموعه‌های اجتماعی و فرهنگی متوجه کار علمی و ضرورت آن نمی‌شوند و دغدغه کار علمی نداشتند. این مجموعه‌ها بیشتر بر مسائل اجتماعی و فرهنگی متمرکز هستند.
انتظار کار ساختارمند	برخی سازمان‌ها انتظار داشتند که کارها به‌صورت ساختارمند و دانشگاهی انجام شود و به جای تکیه بر رصد فناوری‌های نوین و ارائه راهکار فناورانه، ارائه مقالات علمی در مجلات و نشریه‌ها دنبال شوند؛ همان‌طور که متأسفانه امروزه در دانشگاه‌ها به جای پرداختن به راه‌حل مشکلات کشور و رفع آن تعداد مقاله‌ی علمی را شرط ارتقاء هیئت‌علمی قرار داده‌اند که آیت‌الله خامنه‌ای نیز در بیاناتشان در جمع نخبگان در سال ۱۴۰۲ از این مسئله انتقاد نمودند و فرمودند: «هدف واقعی این است که ما با این مقالات، با این پژوهش علمی، مشکلی از مشکلات کشور را حل کنیم.» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۴۰۲/۰۷/۲۵)

چالش	توضیحات
فاصله از فضای مؤثر و روز کاری	دسترسی‌ها و توانمندی‌ها در سازمان‌های حکومتی و دولتی خیلی بیشتر از پژوهشکده است و این ناخواسته پیشبرد اهداف پژوهشکده را دچار مشکل می‌کند علاوه بر آن به دلیل نبودن امکان حضور در آن سازمان‌ها، آن‌ها نه زمان لازم و نه انعطاف لازم را برای ارتقای سطح کاری پژوهشکده قائل می‌شوند.
چالش‌های مهارت‌افزایی	بسیاری از پروژه‌ها نیازمند آموزش حین کار است که معمولاً سازمان‌ها به آن قائل نیستند و اگر هم قائل باشند، آموزش در حین حضور و در لابلای کار است که با شرایط کار یک بانو تطابق ندارد.
چالش‌های مالی	متأسفانه بحث تبعیض جنسیتی در ایران هم مطرح است. کارفرمایان نسبت به آقایان برای کار مشابه هزینه مالی کمتری برای خانم‌ها قائل هستند.
زمان تحویل	سازمان‌ها حکومتی و دولتی به‌سرعت بالای تحویل پروژه‌ها نیاز دارند که با ساعات منعطف مورد نیاز برای فعالیت بانوان در پژوهشکده تطابق ندارد.
فضای امنیتی	برخی از پروژه‌ها در فضای فعالیت‌های استراتژیک به دلیل نیاز به سیستم‌های امنیتی خاص، پروژه‌ها باید در همان سازمان و ارگان انجام شوند و که به دلیل عدم بسترسازی مناسب برای فعالیت بانوان (محیط صلب و عدم امکان حضور با بچه) مشکل‌ساز است. علاوه بر آن بسیاری از خانواده‌ها (همسران و پدران) حاضر نیستند شرایط خطر را بپذیرند و همسر یا دخترشان در چنین محیطی کار کند.
سابقه کاری	برخی سازمان‌ها و کارفرمایان به تیم نوپایی مثل پژوهشکده بها نمی‌داند و حاضر به همکاری نبودند.
سختی همکاری با مجموعه‌های مختلف	در برخی سازمان‌ها مدیران میانی مجموعه که با آن‌ها توافق شده بود تعویض می‌شدند یا آدم‌های پرمشغله بودند و هر نفر چندین مسئولیت داشت. کارها متمرکز نبود و محدودیت نیرو داشتند.

چالش	توضیحات
	نقشه راه مشخص نداشتند و متولی و مسئول کارها معلوم نبود و برون‌سپاری بدون حمایت و متولی مدنظرشان بود؛ که این کار را برای ادامه همکاری سخت می‌کرد.

چشم‌انداز پژوهشکده رصد فناوری رهینو

چشم‌انداز پژوهشکده رهینو نیز در راستای تحقق این اهداف بیان شده طراحی شده است. این چشم‌اندازها شامل گسترش مرزکاوی بین علوم برای تقویت تحقیقات بین‌رشته‌ای و نوآوری، تحلیل فرآیندها جهت بهینه‌سازی مسیرهای پژوهشی و نگاشت نهادی برای شناسایی و تقویت شبکه‌های همکاری در حوزه علم و فناوری است. همچنین تهیه نقشه راه برای تدوین مسیرهای استراتژیک، تمرکز بر دانش بومی به‌منظور کاهش وابستگی به فناوری‌های خارجی و تحلیل اثرات اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی فناوری‌های نوین نیز از دیگر اهداف کلیدی این پژوهشکده محسوب می‌شود. در ذیل به‌اختصار به این حوزه‌ها اشاره شده است:

- مرزکاوی بین علوم: مرزکاوی به شناسایی و تحلیل نقاط مشترک وجه تمایز بین حوزه‌های مختلف علمی می‌پردازد. این رویکرد کمک می‌کند تا نقاط هم‌پوشانی یا تداخل دانش‌ها مشخص شود و از این طریق، زمینه برای تحقیقات بین‌رشته‌ای و نوآوری فراهم شود. به‌عنوان‌مثال، در مرز علوم زیست‌فناوری و هوش مصنوعی، کاربردهایی مثل پزشکی شخصی‌سازی‌شده و مدل‌سازی سیستم‌های زیستی شکل می‌گیرد.
- تحلیل فرایند: تحلیل فرایند به بررسی، بهینه‌سازی و بازطراحی فرایندها در سیستم‌ها و سازمان‌ها می‌پردازد. این رویکرد برای تیم‌های رصد علم و فناوری می‌تواند به شناسایی موانع در فرایندهای پژوهشی و طراحی راهکارهایی برای بهبود کارایی و اثربخشی کمک کند.

- نگاشت نهادی: نگاشت نهادی به شناسایی و تحلیل بازیگران کلیدی (سازمان‌ها، دانشگاه‌ها، مراکز تحقیقاتی و صنعتی) در حوزه‌های مشخص می‌پردازد. این ابزار امکان شناسایی ظرفیت‌ها، شبکه‌های همکاری و توزیع منابع در نظام علم و فناوری را فراهم می‌کند. همچنین برای شناخت رقبای بین‌المللی و داخلی مفید است.
- تهیه نقشه راه: نقشه راه، مسیری راهبردی برای رسیدن به اهداف بلندمدت در یک حوزه خاص است. این فرایند شامل تعریف چشم‌انداز، شناسایی نیازها، اولویت‌بندی اقدامات و تعیین مراحل اجرایی است. نقشه راه برای هدایت تیم‌های رصد به‌سوی اهداف مشخص و تطبیق با تغییرات سریع محیط علمی بسیار حیاتی است.
- درآوردن مبانی بین‌المللی و مقایسه تطبیقی صحبت‌های آیت‌الله خامنه‌ای (بنچ‌مارکینگ بین‌المللی): این مورد به تحلیل و مقایسه بیانات رهبر انقلاب اسلامی با روندهای بین‌المللی در حوزه‌های علم، فناوری و توسعه می‌پردازد. چنین بنچ‌مارکینگی می‌تواند نقاط قوت، تفاوت‌ها و فرصت‌هایی برای تبدیل نظریه‌های بومی به راهکارهای عملیاتی را روشن کند.
- فعالیت در حوزه الگوسازی برای زنان: الگوسازی در حوزه زنان به معنای شناسایی، معرفی و تقویت نقش‌های الهام‌بخش زنان در زمینه‌های علمی، اجتماعی و مدیریتی است. این فعالیت شامل طراحی مدل‌ها و چارچوب‌هایی است که توانمندی‌ها، موفقیت‌ها و تجربیات زنان را به‌صورت هدفمند نمایش دهد. چنین الگوسازی‌هایی می‌تواند انگیزه‌بخش نسل جدید باشد، موانع فرهنگی و اجتماعی را کاهش دهد و زمینه‌ساز افزایش مشارکت زنان در پیشرفت علمی و فناوری شود. به‌علاوه، شناسایی و مستندسازی الگوهای موفق، می‌تواند به سیاست‌گذاران برای طراحی برنامه‌های حمایتی و توسعه‌ای در حوزه زنان کمک کند.

- گسترش طرح رهینو به دانشگاه‌های سراسر کشور: می‌توان طرح پژوهشکده را در دانشگاه‌های سراسر کشور تکثیر کرد و بانوان دانش‌آموخته هر دانشگاه با همکاری آن دانشگاه پژوهشکده رصد فناوری تأسیس نمایند و نتایج تحقیقات را در اختیار اساتید و اعضای هیئت‌علمی آن دانشگاه قرار دهند تا با همکاری اساتید بتوان پایان‌نامه‌های هدفمندی را تعریف کرد و در مقابل دانشگاه هم آن پژوهشکده را تأمین مالی نماید و در ایجاد بستر مناسب حمایت نماید و امکان مهارت‌آموزی و ارتقای علمی اعضای پژوهشکده را تسهیل نماید.
- شناسایی ابزارهای هوشمند موجود در کشور و جهان برای رصد علم و فناوری: ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی و یادگیری ماشین برای تحلیل خودکار مقالات، پتنت‌ها و داده‌های علمی به افزایش کارایی و دقت در رصد کمک می‌کند.
- تمرکز بر دانش بومی و توانمندی‌های داخلی: رصد دانش بومی و حمایت از توسعه آن‌ها برای کاهش وابستگی به فناوری‌های خارجی و ارتقای اقتصاد دانش‌بنیان یکی از محورهای مهم است.
- رصد اثرات اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی فناوری‌ها: تحلیل اثرات فناوری‌های نوین بر جامعه، اقتصاد و محیط‌زیست و ارائه راهکارهایی برای مدیریت چالش‌های آن‌ها از دیگر چشم‌اندازهای کلیدی است.
- ارتقای سواد علمی و فناوری در جامعه: برنامه‌ریزی برای انتقال مفاهیم علمی و فناوری به جامعه، ایجاد محتوای آموزشی و توسعه فرهنگ فناوری در بین مردم می‌تواند نقش بزرگی در تقویت ارتباط بین علم و جامعه ایفا کند.

- رصد سیاست‌های علم و فناوری در کشورهای پیشرو: تحلیل سیاست‌های موفق در کشورهای پیشرفته و تطبیق آن‌ها با نیازهای بومی می‌تواند در تدوین راهبُردهای ملی مؤثر باشد.
- حمایت از استارتاپ‌های فناورانه: رصد نیازها و فرصت‌های فناورانه و ارائه اطلاعات به استارتاپ‌ها برای هدایت آن‌ها در مسیرهای درست، می‌تواند به رشد اکوسیستم نوآوری کمک کند.
- ایجاد پایگاه داده جامع علم و فناوری: توسعه‌یک پایگاه داده هوشمند و جامع برای ذخیره، دسته‌بندی و تحلیل داده‌های علمی و فناوری، ابزار قدرتمندی برای تحلیل و تصمیم‌گیری‌های راهبردی فراهم می‌کند. در حال حاضر نتایج رصدها در وبگاه پژوهشکده بارگذاری می‌شود؛ اما قابلیت ارتقا دارد.
- تمرکز بر اخلاق در فناوری: رصد و تحلیل چالش‌های اخلاقی مرتبط با فناوری‌های نوین، مانند حفظ حریم خصوصی یا تأثیرات فناوری‌های ژنتیکی، به سیاست‌گذاری و توسعه اخلاق‌مدار کمک می‌کند.

نتیجه‌گیری

در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، آیت‌الله خامنه‌ای، نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیرساخت‌های عمیق ایمانی را مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور دانسته‌اند. ایشان به جوانان دانش‌آموخته علوم و مهندسی و انبوه جوانانی که باروحیه انقلابی رشد کرده و آماده تلاش جهادی هستند، به‌عنوان ثروت عظیم کشور اشاره کرده‌اند. یکی از چالش‌های اصلی، غفلت از این حلقه میانی است که تاکنون بی‌استفاده یا کم استفاده مانده‌اند؛ درحالی‌که بهره‌گیری از آنان فرصتی مغتنم برای توسعه کشور است.

بخشی از این ظرفیت ارزشمند، بانوان دانش‌آموخته و متعهدی هستند که با چالش‌های متعددی از جمله نبود زیرساخت‌های حمایتی، تجمیع نقش‌های خانوادگی و حرفه‌ای و کمبود فرصت‌های شغلی معنادار روبرو هستند. پژوهشکده

رهینو با هدف ارائه الگویی موفق برای نقش‌آفرینی این گروه، تلاش کرده است تا با ایجاد زیرساخت‌هایی نظیر فضای کار اشتراکی مادر و کودک، شرایط دورکاری و محیط کاری منعطف، موانع موجود را برطرف سازد.

چشم‌انداز پژوهشکده رهینو نیز در راستای تحقق این اهداف طراحی شده است. این چشم‌اندازها شامل گسترش مرزکاوی بین علوم برای تقویت تحقیقات بین‌رشته‌ای و نوآوری، تحلیل فرایندها جهت بهینه‌سازی مسیرهای پژوهشی و نگاشت نهادی برای شناسایی و تقویت شبکه‌های همکاری در حوزه علم و فناوری است. همچنین تهیه نقشه راه برای تدوین مسیرهای راهبُردی، تمرکز بر دانش بومی به‌منظور کاهش وابستگی به فناوری‌های خارجی و تحلیل اثرات اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی فناوری‌های نوین نیز از دیگر اهداف کلیدی این پژوهشکده محسوب می‌شود.

پژوهشکده رهینو درعین‌حال بر رصد سیاست‌های علم و فناوری در کشورهای پیشرو تأکید دارد تا از طریق مقایسه تطبیقی و تطبیق با نیازهای بومی، راهبُردهای ملی مؤثرتری تدوین شود. حمایت از استارتاپ‌های فناورانه، شناسایی ابزارهای هوشمند برای تحلیل داده‌های علمی و توسعه پایگاه داده جامع علم و فناوری از دیگر محورهای فعالیت این پژوهشکده است. تمرکز بر ارتقای سواد علمی و فناوری در جامعه و ایجاد محتواهای آموزشی با هدف تقویت ارتباط بین علم و جامعه، به‌عنوان یکی از اقدامات کلیدی پژوهشکده رهینو مطرح است.

این پژوهشکده، الگوسازی برای بانوان را نیز در دستور کار خود قرار داده است. چنین الگوسازی‌هایی، علاوه بر تقویت انگیزه زنان و دختران جوان برای ورود به عرصه‌های علمی و اجتماعی، موانع فرهنگی و اجتماعی را نیز کاهش می‌دهد و مشارکت زنان در توسعه علمی و فناوری کشور را تسهیل می‌کند. گسترش طرح رهینو به دانشگاه‌های سراسر کشور با هدف ایجاد مراکز رصد فناوری مستقل و

هدفمند، از دیگر برنامه‌های این پژوهشکده است که می‌تواند منجر به افزایش توانمندی‌های پژوهشی و ارتقای کیفیت پایان‌نامه‌ها و تحقیقات دانشگاهی شود.

نتایج این مقاله نشان می‌دهد که پژوهشکده رهینو توانسته است با ارائه راهکارهای مبتکرانه و ایجاد زیرساخت‌های حمایتی، چالش‌های پیشروی بانوان دانش‌آموخته را کاهش دهد و الگویی موفق برای نقش‌آفرینی زنان در حوزه علم و فناوری ارائه کند. این الگو می‌تواند با حمایت‌های گسترده‌تر از سوی دولت، دانشگاه‌ها و شرکت‌های فناوری، به تقویت توان علمی و فناورانه کشور کمک کرده و مسیری مؤثر برای توسعه پایدار فراهم آورد.

فهرست منابع

- مرادی، هادی، دولتخواه، محمد (١٤٠١). «علل و پیامدهای تک‌فرزندی در ایران»، مجله‌ی معرفت، ٣٠٣، ٦٧ -٨٠.
- زین‌الدینی، زینب، ویسی سرطایره، غفار (١٤٠٢). «ازدواج دیررس، علل و عوامل آن و مشکلات پس از آن»، مجله‌ی اسلام و مطالعات اجتماعی، ٢٤، ٢٠٠ -٢٢٩.
- دیرباز، عسگر، وفایی صدر، فاطمه (١٣٩٤). «بازنگری مبانی فکری - کلامی الگوهای اجتماعی زن»، مطالعات راهبردی زنان، ٦٨، ١٦٧ -٢١٣.
- نادری قمی، محمد مهدی (١٤٠٢). «رویکرد اسلامی به تناسب جنسیتی در مشاغل»، اسلام و مطالعات اجتماعی، ٤٢، ٨٨ -١٢١.
- کرمی، محمدتقی، کرمی، فیروزه (١٣٩٣). «بررسی تعارض نقش‌های خانوادگی و اجتماعی بانوان و ارائه الگوی مناسب برای زندگی خانوادگی زنان شاغل»، مطالعات راهبردی زنان، ٦٤، ٧ -٤٦.
- شهادت‌منش، زهرا (١٤٠١). «بررسی عدالت جنسیتی در فقه و تأثیر آن بر اشتغال زنان»، پژوهشنامه نوین فقهی حقوقی زنان و خانواده، ١٤٠١، ١٧، ٥٦ -٨١.
- W. Bradford Ashton, B. R. (1991). A structured approach for monitoring science and technology developments. Technology Management, 91- 111.

راه‌اندازی حسینیه تخصصی کودک و نوجوان، با پشتیبانی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوان، به‌منظور ایجاد الگوی تربیت دینی نسل آینده (یک تجربه نگاری)

محسن شاکری

چکیده

با توجه به نیاز به فعالیت های تخصصی در حوزه کودک و نوجوان و اهمیت پردازش و برنامه‌ریزی مناسب در جهت حفظ و آموزش موضوعات اخلاقی، اعتقادی و دینی همراه با سبک زندگی ایرانی ا سلامی که با محوریت بیانیه گام دوم در نظام مقدس جمهوری ا سلامی به فرموده آیت‌الله خامنه‌ای می‌بایست تجلی می‌یافت و بنا به ضرورت و نیازسنجی‌های به عمل آمده بر آن شدیم تا اولین حسینیه تخصصی کودک و نوجوان را با هدف ترویج فرهنگ عا شورا و آ شنایی نسل جوان با معارف اهل‌بیت علیهم‌السلام و همچنین تقویت روحیه مشارکت و مسئولیت‌پذیری در کودکان و نوجوانان، در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شهرستان علی‌آباد کتول برگزار نماییم . این حسینیه با رویکردی نوآورانه و با استفاده از روش‌های آموزشی جذاب و تعاملی، فضایی مشارکتی و آموزنده را برای کودکان و نوجوانان فراهم آورده بود. این مقاله با روش تجربه‌نگاری در راستای توسعه‌ی دانش سازمانی به‌صورت دانش پویا نگارش شده است و حاصل تجربه نگارندگان در راه‌اندازی و اجرای طرح حسینیه کودک و نوجوان با توجه به نیاز کشور و ا ستان ا ست که در شهر ستان علی‌آباد کتول به اجرا درآمده ا ست. این طرح با ا ستقبال خوبی از سوی کودکان و نوجوانان و خانواده‌های آن‌ها روبرو شده است. شرکت‌کنندگان در برنامه‌ها، افزایش آگاهی خود از معارف دینی و واقعه عاشورا را گزارش کردند و تغییرات مثبتی در رفتار و نگرش آن‌ها مشاهده شد. با اجرای این طرح، می‌توان گامی مؤثر در جهت تربیت نسل آینده‌ای مؤمن، متعهد و آگاه برداشت

واژگان کلیدی: حسینیه تخصصی کودک و نوجوان، بیانیه گام دوم، فرهنگ عاشورا.

مقدمه

تربیت دینی کودکان و نوجوانان در عصر حاضر، با چالش‌ها و فرصت‌های بسیاری روبروست. پیچیدگی‌های زندگی مدرن، گسترش فضای مجازی و تغییر سبک زندگی، ضرورت توجه ویژه به این امر را دوچندان ساخته است. به عقیده بسیاری از کارشناسان باورهای دینی باید از سال‌های ابتدایی زندگی (کودکی و نوجوانی) در روح و ذهن انسان نهادینه شوند و بهترین راهکار در این مسیر، رشد و پرورش انگیزه‌های درونی افراد است . آیات قرآن کریم، سفارشات معصومان و منویات رهبر کبیر انقلاب و آیت‌الله خامنه‌ای نیز بر ضرورت نهادینه‌سازی و پرداخت مناسب هنری و کارشناسی در خصوص مفاهیم دینی و ارزشی دلالت دارد از سویی دیگر پرداختن به امر مهم تعلیم و تربیت اگر در هر مقطعی از زندگی لازم و ضروری است بدون شک مهم‌ترین مقطع آن را می‌توان در دوران کودکی و نوجوانی دانست، به فرموده حضرت امام خمینی (ره): چنانچه این اطفال را از اول یک نحو تربیت بکنند که در آن انحراف نباشد، تربیت‌های مناسب با انسان باشد، مناسب با فطرت پاک انسان‌ها باشد، از آن اول، وقتی‌که [با] آن معلمین دبستان و کودکستان، بعد بالاتر، تحت تربیت واقع می‌شوند، با همان ترتیب وارد می‌شوند به دبیرستان مثلاً؛ و اگر اینجا هم همان تربیت به صراط مستقیم باشد و آن‌ها را به آن راهی که فطرتشان اقتضا دارد هدایت کنند معلمین، از باب اینکه این‌ها جوان هستند و اول بچه بودند و حالا جوان دیگری شدند، در آنجا اگر باز انسانی باشد، با همان حال که پذیرش هر تربیتی در نو سال‌ها و [میان‌سال‌ها] خیلی زود انجام می‌گیرد، وارد می‌شوند به‌مراتب بعد. آنجا هم چنانچه تربیت، یک تربیت انسانی باشد و موافق با فطرت انسان که همان فطرت، ودیعه گذاشتهٔ از خداست «فِطرَتَ اللهِ الَّتی فَطَرَ النَّاسَ عَلَیْها» آن‌طور باشد، در دانشگاه هم همان جور تربیت باشد، این‌ها بعد که تحویل به جامعه داده می‌شوند و مقدرات جامعه قهراً به دست این‌ها سپرده می‌شود بِالمَآل کشور را کشور نورانی، کشور انسانی، کشور به فطرت الله، تربیت می‌کنند و کشور را به جلو

می‌برند. همچنین در ادامه باید به مسئله مهم و تأثیرگذار دیگری، یعنی فرهنگ اشاره نمود که فرهنگ همچنین شامل مجموعه‌ای از دانش‌ها، باورها، هنرها، قوانین، آداب‌ورسوم اجتماعی و عادت‌های افراد در یک گروه یا در یک جامعه می‌شود. ادوارد بارنت تایلور (۱۹۱۷–۱۸۳۲) بنابراین می‌توان این مهم را به‌نوعی شیوه‌نامه آن تعلیم و تربیت دانست تا به مقصد و مقصود حقیقی عالم رسید و بنابراین باید در نیل به این هدف بر این مسئله اشاره داشت به این بیان حضرت امام خمینی (ره) که بزرگ‌ترین تحولی که باید بشود در فرهنگ باید بشود؛ برای اینکه بزرگ‌ترین مؤسسه‌ای است که ملت را یا به تباهی می‌کشد، یا به اوج عظمت و قدرت می‌کشد. برنامه‌های فرهنگی تحول لازم دارد، فرهنگ باید متحول بشود. با این توجهات و همچنین با استناد به بیانیه مهم گام دوم انقلاب که آیت‌الله خامنه‌ای در تبیین استراتژی و راهکارهای رشد و تعالی نظام مقدس بیان فرمودند، بر آن شدیم تا با توجه به نیازسنجی و احساس خلع حاصله از کاستی‌های گوناگون حوزه فرهنگ و تعلیم و تربیت که طی سال‌ها فعالیت میدانی و جهادی با آن مواجه بودیم اقدام به راه‌اندازی مجموعه‌ای نماییم با عنوان حسینیه‌های تخصصی کودک و نوجوان که به‌عنوان مراکزی نوآورانه و جذاب، می‌توانند نقش بسزایی در تربیت دینی نسل آینده ایفا کنند. این مقاله به بررسی تجربه راه‌اندازی و اجرای اولین حسینیه تخصصی کودک و نوجوان در شهرستان علی‌آباد کتول می‌پردازد و با تحلیل نقاط قوت و ضعف آن، پیشنهادات کاربردی برای بهبود و توسعه این الگو ارائه می‌دهد.

تعریف تربیت و ابعاد آن

شکوهی (۱۳۸۵) اصطلاح تربیت را به تأثیر ارادی بزرگ‌سال بر خردسال، به‌منظور سوق دادن او به‌سوی حالت بزرگ‌سالی تعبیر می‌کند. اشاره او به تحول معنای تربیت در قرن اخیر روشنی‌بخش است. شکوهی توضیح می‌دهد، کلمه تربیت در حال حاضر در چهار معنا به کار می‌رود: مؤسسه یا نهاد، عمل یا تأثیر، محتوا و نتیجه یا محصول. وی در تبیین تربیت به معنای عمل می‌گوید، از سال ۱۹۲۱ میلادی به

تعریفی از تربیت برمی‌خوریم که فرایند تربیتی را آهنگی تازه می‌بخشد: تربیت عبارت است از تسهیل رشدِ هرچه کامل‌تر استعدادهای هر شخص، هم به‌عنوان فرد و هم به‌عنوان عضو جامعه‌ای که با تعاون اداره می‌شود. شاید همین چرخش در معنای تربیت موجب شده است که حتی امروز هم خیلی‌ها برای معنای تربیت بر مفهوم استعداد تمرکز می‌کنند. همچنین در کتاب فلسفه جدید تربیت آمده است: تربیت عمل آمادگی فرد برای سازگاری مثبت با محیط است؛ یعنی تربیت وقتی انجام می‌گیرد که رفتار موجود فرد درنتیجه تجربه و یادگیری تغییر یابد که اگر این تغییر به نفع فرد و جامعه باشد، آن را تربیت سودمند یا تربیت مثبت گویند و درصورتی‌که فرد را از جامعه دور کند یا سازگاری مطلوب او را با محیط دشوار سازد، یعنی او از زندگی اجتماعی لذت نبرد و جامعه نیز از وجود او استفاده نکند، گوییم تربیت وی تربیت منفی بوده است از سوی دیگر در سند تحول بنیادین نظام آموزش‌وپرورش تربیت را این‌گونه معرفی می‌نمایند: تربیت عبارت است از فرآیند تعاملی زمینه‌ساز تکوین و تعالی پیوسته هویت متربیان، به‌صورتی یکپارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی، به‌منظور هدایت ایشان در مسیر آماده شـدن جهت تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد؛ بنابراین تربیت را می‌توانیم با توجه به تعاریف فراوان و نکات اشاره شده این‌طور مورد مداقه قرار دهیم که تربیت از سنین کودکی، زیربنای شکل‌گیری شخصیت، هویت و ارزش‌های اخلاقی فرد را تشکیل می‌دهد؛ و به عبارتی می‌توان اشعار داشت در دنیای امروز که مملو از اطلاعات و ارزش‌های متنوع و گاه متضاد است، تربیت صحیح و هدفمند، به کودکان و نوجوانان کمک می‌کند تا با تکیه بر آن آموزه‌ها، مسیر درست زندگی را انتخاب کنند و در برابر آسیب‌های اجتماعی و انحرافات مصون بمانند.

اهمیت تربیت دینی

مطالعات نشان داده‌اند که تربیت دینی می‌تواند تأثیرات مثبتی بر رفتارهای اجتماعی و اخلاقی کودکان داشته باشد. به‌عنوان‌مثال، مقاله‌ای تحت عنوان طراحی الگوی

تربیت اعتقادی و اخلاقی کودک در دوره سیادت نشان می‌دهد که الگوسازی در تربیت دینی می‌تواند به رشد شخصیت مثبت کودکان کمک کند.
علاوه بر این، پژوهشی دیگر تحت عنوان تأثیر مطالعه کتاب‌های معنوی و حماسی بر ارزش‌های اسلامی ـ ایرانی و رفتار اخلاقی دانش‌آموزان دختر با زمینه انحرافات اخلاقی نیز به نتایج مشابهی دست یافته است. این مطالعه نشان می‌دهد که مطالعه کتاب‌های مرتبط با شخصیت‌های معنوی و حماسی، موجب افزایش نگرش مثبت دانش‌آموزان نسبت به ارزش‌های دینی و کاهش رفتارهای غیراخلاقی آن‌ها شده است؛ بنابراین، فراهم آوردن محتوای آموزشی مناسب و بهره‌گیری از ادبیات غنی دینی، می‌تواند به‌عنوان یک ابزار مؤثر در تربیت دینی کودکان مورد استفاده قرار گیرد. از این نگاه تربیت دینی به‌عنوان یک فرآیند آموزشی و تربیتی، تأثیرات مثبتی بر روی شخصیت و رفتار کودکان و نوجوانان می‌گذارد که این تأثیرات می‌توانند در زمینه‌های مختلف اجتماعی، اخلاقی و روان‌شناختی مشاهده شوند.

۱. تقویت ارزش‌های اخلاقی

تربیت دینی به کودکان و نوجوانان کمک می‌کند تا ارزش‌های اخلاقی مانند صداقت، احترام به دیگران و مسئولیت‌پذیری را در خود پرورش دهند. در پژوهشی تحت عنوان نقش معلم در تعلیم و تربیت اسلام نشان می‌دهد که آموزش اصول دینی می‌تواند به تقویت رفتارهای مثبت و کاهش رفتارهای منفی در بین کودکان منجر شود. این نتایج نشان‌دهنده اهمیت تربیت دینی در ایجاد یک جامعه اخلاقی‌تر است.

۲. افزایش تاب‌آوری اجتماعی

تربیت دینی همچنین می‌تواند به افزایش تاب‌آوری اجتماعی کودکان کمک کند. کودکانی که از تربیت دینی برخوردارند، معمولاً بهتر می‌توانند با چالش‌ها و فشارهای اجتماعی مقابله کنند. مقاله‌ای با عنوان اثربخشی آموزش مهارت‌های مثبت اندیشی با تأکید بر آموزه‌های دینی بر تاب‌آوری و رغبت‌های شغلی دانش آموزان

به بررسی این موضوع پرداخته و نشان می‌دهد که این نوع تربیت می‌تواند به تقویت مهارت‌های مقابله‌ای و مدیریت استرس در نوجوانان کمک کند.

۳. ایجاد حس تعلق و هویت

تربیت دینی به کودکان احساس تعلق به یک گروه بزرگ‌تر و هویت فرهنگی خاصی می‌دهد. این حس تعلق می‌تواند موجب افزایش اعتمادبه‌نفس و کاهش احساس تنهایی در کودکان شود. پژوهشی تحت عنوان نقش پرورش عزت‌نفس در کودکان بر شکل‌گیری هویت دینی با تکیه بر آیات و روایات نشان می‌دهد که هویت دینی قوی می‌تواند به شکل‌گیری روابط مثبت اجتماعی و بهبود سلامت روانی کمک کند.

٤. کاهش رفتارهای انحرافی

تحقیقات نشان داده‌اند که تربیت دینی می‌تواند به کاهش رفتارهای انحرافی مانند بزهکاری و اعتیاد در نوجوانان منجر شود. مطالعه‌ای با عنوان تأثیر انس با قرآن بر بهداشت و سلامت روانی نوجوانان و جوانان نشان می‌دهد که نوجوانانی که از تربیت دینی برخوردارند، کمتر در معرض خطرات اجتماعی قرار دارند و این‌گونه می‌توان نتیجه گرفت به‌طورکلی، تأثیرات مثبت تربیت دینی بر روی شخصیت و رفتار کودکان و نوجوانان قابل توجه است. از تقویت ارزش‌های اخلاقی گرفته تا افزایش تاب‌آوری اجتماعی، این نوع تربیت می‌تواند به شکل‌گیری نسلی سالم‌تر و مسئول‌تر کمک کند.

چالش‌ها و فرصت‌ها در تربیت دینی

در عصر حاضر فرایند تربیت دینی با چالش‌های فراوان و مختلفی روبه‌رو است که می‌تواند تأثیرات مثبت یا منفی بر فرآیند تربیتی داشته باشد. یکی از این چالش‌ها، در بخش تأثیرات منفی فضای مجازی و رسانه‌ها بر ارزش‌های دینی و اخلاقی کودکان و نوجوانان است. با گسترش اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، کودکان به

محتوای متنوعی دسترسی پیدا می‌کنند که ممکن است با آموزه‌های دینی در تضاد باشد. پژوهشی تحت عنوان راهکارهای تربیت دینی در فضای مجازی با تأکید بر آموزه‌های قرآن و سیره رضوی به بررسی این چالش‌ها پرداخته و ویژگی‌های چالش‌برانگیز فضای مجازی را مورد تحلیل قرار داده است. این مقاله به ضرورت فرهنگ‌سازی در استفاده بهینه از امکانات فضای مجازی و نظارت والدین بر فعالیت‌های آنلاین فرزندان تأکید می‌کند. از سوی دیگر، فرصت‌هایی نیز در زمینه تربیت دینی وجود دارد که می‌تواند به تقویت این فرآیند کمک کند. یکی از این فرصت‌ها، استفاده از رسانه‌های آموزشی و محتوای دیجیتال است که می‌تواند به ترویج آموزه‌های دینی به شکل جذاب و قابل فهم برای کودکان کمک کند. مقاله‌ای تحت عنوان بررسی تأثیر رسانه بر تربیت کودکان ۷ تا ۱۱ ساله به بررسی کارکرد رسانه‌ها در تربیت دینی پرداخته و بر لزوم بازتعریف نقش رسانه‌ها در ارائه محتوای تربیتی تأکید می‌کند. این مقاله نشان می‌دهد که با بهره‌گیری از قابلیت‌های رسانه‌ای، می‌توان به ترویج ارزش‌های دینی و اخلاقی در جامعه کمک کرد. درنهایت، چالش‌ها و فرصت‌هایی که در زمینه تربیت دینی وجود دارد، نیازمند توجه ویژه‌ای هستند. با شناسایی چالش‌ها و استفاده از فرصت‌های موجود، می‌توان به طراحی الگوهای مؤثر برای تربیت دینی کودکان و نوجوانان پرداخت. این فرآیند نیازمند همکاری میان والدین، مربیان و نهادهای آموزشی است تا بتوان به نتایج مثبت دست یافت. برای طراحی الگوی تربیت اعتقادی و اخلاقی در کودکان، روش‌های متعددی وجود دارد که می‌تواند به ایجاد یک بنیاد قوی برای رشد شخصیت و هویت دینی آنان کمک کند. این روش‌ها را می‌توان با این تقسیم‌بندی شناخت:

۱. الگوسازی بر اساس تعالیم اسلامی

الگوسازی یکی از روش‌های مؤثر در تربیت دینی است. اهمیت الگوسازی در تربیت اعتقادی و اخلاقی و نقش مربیان و والدین باید از روش‌های متعددی که در قرآن و سیره معصومان وجود دارد، مورد بهره‌برداری قرار گیرد. در پژوهش تأثیر الگو در

تربیت عبادی کودک بر نکات مهمی در این خصوص اشاره شده است. در بیان مثال این روش‌ها می‌تواند شامل تقلید از بزرگ‌ترها، سلام دادن، دعوت عملی، عمل کردن به وعده، ملاطفت با کودکان و اطاعت از دستورات الهی است، باشد.

۲. استفاده از آیات و روایات

مطالعه و تفسیر آیات قرآن و روایات معصومان می‌تواند به‌عنوان یک منبع غنی برای طراحی الگوهای تربیتی مورد استفاده قرار گیرد. مقاله‌ای تحت عنوان اصول و روش‌های تربیت اخلاقی در آیات و روایات با تکیه بر تفسیر نمونه به بررسی این موضوع پرداخته و روش‌های مختلف تربیتی را بر اساس متون دینی تحلیل کرده است.

۳. تربیت اخلاقی بر اساس روان‌شناسی

تحقیقات نشان داده‌اند که عوامل روان‌شناختی نیز نقش مهمی در تربیت اخلاقی کودکان دارند. مقاله‌ای درباره عوامل رشد اخلاقی کودکان در بافت خانواده به شناسایی این عوامل پرداخته و تأکید می‌کند که روابط دوسویه والد–فرزند و خواهر–برادر می‌تواند تأثیر زیادی بر رشد اخلاقی داشته باشد.

٤. توجه به محیط اجتماعی

محیط اجتماعی نیز یکی از عوامل کلیدی در تربیت دینی کودکان است. پژوهشی درباره رشد اخلاقی کودکان در کشاکش رسانه و خانواده نشان می‌دهد که تعامل بین خانواده و رسانه‌ها بر رشد اخلاقی کودکان تأثیرگذار است؛ بنابراین، توجه به این تعاملات می‌تواند به طراحی الگوهای مؤثر کمک کند.

۵. روش‌های فلسفی تربیتی

ملاصدرا یکی از اندیشمندان بزرگ اسلامی است که نظریات او در زمینه تربیت نفس می‌تواند الهام‌بخش باشد. او بر اهمیت انس با حق، ذکر مداوم، محاسبه نفس

و مراقبت از رفتار تأکید دارد. تبیین اندیشه‌های روان‌شناختی فلسفی ملاصدرا و کاربست دلالت‌های تربیتی آن در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی پژوهشی است که در این خصوص اذعان دارد این اصول می‌توانند به‌عنوان مبنای فلسفی برای طراحی الگوهای تربیتی مورد استفاده قرار گیرند. با توجه به هر کدام از روش‌های یاد شده می‌توان بر این نکته دقت نمود که طراحی الگوی تربیت اعتقادی و اخلاقی در کودکان نیازمند ترکیبی از روش‌های مختلف است که شامل الگوسازی، استفاده از متون دینی، توجه به عوامل روان‌شناختی و اجتماعی و بهره‌گیری از نظریات فلسفی است. با توجه به چالش‌های موجود در عصر حاضر، این رویکردها می‌توانند به ایجاد نسلی با هویت دینی قوی کمک کنند.

حسینیه تخصصی کودک و نوجوان، پاسخی به نیازهای امروز

حسینیه تخصصی کودک و نوجوان، با رویکردی نوآورانه و استفاده از روش‌های آموزشی جذاب و تعاملی، فضایی امن و پویا را برای تربیت دینی کودکان و نوجوانان فراهم می‌کند. این حسینیه نقش مهمی در انتقال مفاهیم دینی، تقویت باورها و ارزش‌های اخلاقی و پرورش روحیه اجتماعی در نسل جوان ایفا می‌کند. از سویی دیگر با توجه به تأثیرگذاری این آموزش‌ها و کسب این مهارت‌ها در آینده این کشور و نیاز به حضور و بروز نیروی انسانی مدیر و مدبر و همراه و پشتیبان، اثرگذار و پیشرو با توجه به فرمایشات آیت‌الله خامنه‌ای در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و همچنین وصیت‌نامه شهید سلیمانی به‌عنوان شخصیت طراز مورد قبول امام جامعه و جامعه به این مهم خواهیم رسید که در پژوهشی با عنوان شاخص‌های تربیت مدیران جهادی در وصیت‌نامه شهید سلیمانی و بیانیه گام دوم انقلاب اشاره می‌دارد میزان باورمندی دینی و التزام عملی به آموزه‌های دینی تأثیرگذار در این روحیه است.

نیازسنجی و علل راه‌اندازی حسینیه تخصصی کودک و نوجوان

حسینیه تخصصی کودک و نوجوان با رویکردی نوآورانه و استفاده از روش‌های آموزشی جذاب و تعاملی، فضایی امن و پویا را برای تربیت دینی کودکان و نوجوانان فراهم می‌نماید. این حسینیه به‌عنوان مرکزی برای انتقال مفاهیم دینی، تقویت باورها و ارزش‌های اخلاقی و پرورش روحیه اجتماعی با ارائه برنامه‌های متنوع و متناسب با سن و نیازهای مخاطبان، در نسل کودک و نوجوان عمل می‌کند. نیازسنجی برای راه‌اندازی این حسینیه‌ها به چندین عامل کلیدی وابسته است که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱. افزایش نیاز به تربیت دینی در جامعه

در دنیای امروز، با گسترش اطلاعات و ارزش‌های متنوع، کودکان و نوجوانان بیشتر از هر زمان دیگری نیاز به تربیت دینی دارند تا بتوانند در برابر چالش‌های اجتماعی و فرهنگی مقاومت کنند. پژوهشی تحت عنوان نگاهی دوباره به آموزش معارف اسلامی تأکید می‌کند که آموزش معارف اسلامی باید با توجه به تغییرات اجتماعی و نیازهای جدید نسل جوان طراحی شود . این نوع آموزش می‌تواند به کودکان کمک کند تا هویت دینی خود را بهتر بشناسند و در برابر فشارهای اجتماعی مقاوم‌تر شوند.

۲. توجه به روش‌های آموزشی جذاب

حسینیه‌های تخصصی باید از روش‌های آموزشی جذاب و تعاملی بهره‌برداری کنند تا بتوانند توجه کودکان و نوجوانان را جلب کنند. استفاده از تکنیک‌های نوین آموزشی مانند بازی‌های آموزشی، کارگاه‌های هنری و فعالیت‌های گروهی می‌تواند به ایجاد یک فضای یادگیری مؤثر کمک کند. مقاله‌ای درباره تلویزیون و تربیت دینی کودکان به اهمیت روش‌های جذاب آموزشی اشاره کرده و تأکید می‌کند که روش‌های خلاقانه می‌توانند تأثیرات مثبت بیشتری بر یادگیری کودکان داشته باشند

۳. تقویت روحیه اجتماعی

حسینیه‌ها باید برنامه‌هایی را طراحی کنند که روحیه اجتماعی کودکان را تقویت کند. این برنامه‌ها می‌توانند شامل فعالیت‌های خیریه، اردوهای فرهنگی و کارگاه‌های گروهی باشند که به کودکان کمک می‌کند تا ارزش‌های اخلاقی را در عمل تجربه کنند. پژوهشی تحت عنوان اثربخشی آموزش هوش هیجانی بر مؤلفه‌های سازگاری اجتماعی دختران نوجوان تک‌والدی با مشکلات هیجانی و رفتاری. دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی نشان می‌دهد که آموزش مهارت‌های اجتماعی و اخلاقی می‌تواند تأثیر مثبتی بر رفتارهای اجتماعی کودکان داشته باشد . با توجه به نیازهای روزافزون جامعه و چالش‌هایی که نسل جوان با آن‌ها مواجه است، راه‌اندازی حسینیه تخصصی کودک و نوجوان یک ضرورت است. این حسینیه‌ها با ارائه برنامه‌های متنوع و متناسب با سن و نیازهای مخاطبان، می‌توانند نقش مهمی در تربیت دینی و اجتماعی نسل آینده ایفا کنند. از سوی با توجه به ابعاد گوناگون ایجاد محیط‌های آموزشی و تربیتی مانند حسینیه تخصصی کودکان و نوجوانان و کسب آگاهی و تجربه از نمونه‌های مشابه در جهان به بررسی برخی از این مراکز باید پرداخته شود تا پس از مداقه و دقت در این موارد به ارائه کار مطلوب در شیوه و اجرای برنامه‌ها و روش‌ها پرداخته شود.

مراکز مختلف آموزش دینی برای کودکان و نوجوانان در دنیا

همچنین بررسی و تحلیل چند مرکز آموزش تربیت دینی در جهان با عقاید و فرهنگ‌های مختلف بر این نکته اشاره می‌نماید که تأثیر تربیت دینی در سایر ادیان مورد بررسی و دقت نظر قرار داشته و از اهمیت شایان توجهی برخوردار است. آموزش دینی به کودکان و نوجوانان در سراسر جهان به اشکال مختلفی انجام می‌شود. این مراکز آموزشی به‌منظور تقویت باورهای دینی، انتقال ارزش‌ها و تربیت اخلاقی طراحی شده‌اند. با بررسی چند مرکز آموزش دینی معتبر در کشورهای

مختلف نقاط مشابه و متناقض آن‌ها را با حسینیه کودک و نوجوان بررسی خواهیم کرد.

۱. مدارس مذهبی در ایالات‌متحده

در ایالات‌متحده، مدارس مذهبی مانند «مدرسه‌های کاتولیک» و «مدارس یهودی» وجود دارند که به آموزش آموزه‌های دینی و اخلاقی می‌پردازند. این مدارس معمولاً برنامه‌های آموزشی خود را با تأکید بر ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی طراحی می‌کنند. پژوهشی تحت عنوان تأثیر مدارس مذهبی بر تربیت اجتماعی کودکان نشان می‌دهد که این مدارس می‌توانند به تقویت هویت دینی و اجتماعی کودکان کمک کنند .

۲. مدارس اسلامی در کشورهای اسلامی

در کشورهای اسلامی، مدارس اسلامی به‌عنوان مراکز اصلی آموزش دینی شناخته می‌شوند. این مدارس معمولاً برنامه‌های آموزشی خود را بر اساس قرآن و سنت پیامبر اسلام طراحی می‌کنند. مقاله‌ای تحت عنوان تأثیر تربیت اسلامی در شکل‌گیری نوجوانان، شخصیت در میان چالش‌های جهانی شدن به بررسی تأثیر این مدارس بر شکل‌گیری هویت دینی نوجوانان پرداخته است .

۳. مرکز آموزش دینی[۱]

در بسیاری از کشورهای غربی، مراکزی تحت این عنوان وجود دارد که به آموزش اصول مسیحیت به کودکان می‌پردازد. این مراکز معمولاً در روزهای یکشنبه فعالیت می‌کنند و برنامه‌های آموزشی خود را با استفاده از داستان‌های کتاب مقدس طراحی می‌کنند. پژوهشی درباره تأثیر این‌گونه مدارس بر رفتارهای اجتماعی کودکان نشان می‌دهد که این مراکز می‌توانند به تقویت رفتارهای مثبت در کودکان کمک کنند.

---

[۱] Sunday School

نقاط مشابه

هدف مشترک: همه این مراکز آموزشی هدف مشترکی دارند که شامل تقویت باورهای دینی، انتقال ارزش‌ها و تربیت اخلاقی است. حسینیه کودک و نوجوان نیز با هدف مشابه تأسیس شده است تا فضایی امن برای تربیت دینی فراهم کند.

استفاده از روش‌های آموزشی متنوع: مراکز آموزشی مختلف، از روش‌های متنوعی برای آموزش استفاده می‌کنند، از جمله داستان‌گویی، کارگاه‌های هنری و فعالیت‌های گروهی. حسینیه تخصصی کودک و نوجوان نیز باید از همین روش‌ها بهره‌برداری کند تا جذابیت بیشتری برای کودکان داشته باشد.

نقاط متناقض

تنوع فرهنگی: مراکز آموزشی در کشورهای مختلف ممکن است تحت تأثیر فرهنگ‌های محلی قرار گیرند، درحالی‌که حسینیه بیشتر بر اساس آموزه‌های اسلامی تأسیس شده است. این تفاوت فرهنگی می‌تواند منجر به رویکردهای متفاوت در تربیت دینی شود.

محدودیت‌ها: برخی از مراکز مانند مدارس مذهبی در ایالات‌متحده ممکن است با چالش‌هایی نظیر تنوع مذهبی و فرهنگی مواجه شوند که ممکن است بر روی برنامه‌های آموزشی آن‌ها تأثیر بگذارد. حسینیه ممکن است کمتر با چنین چالش‌هایی روبرو باشد زیرا بیشتر بر روی یک مذهب خاص تمرکز دارد. با توجه و مداقه در خصوص شیوه و نوع فعالیت مراکز مختلف آموزش دینی برای کودکان و نوجوانان در دنیا هر کدام ویژگی‌ها و چالش‌های خاص خود را دارند؛ بنابراین حسینیه تخصصی کودک و نوجوان نیز با توجه به نیازها و شرایط خاص خود باید از تجربیات جهانی بهره‌برداری کنند تا بتوانند بهترین شکل ممکن به تربیت دینی نسل آینده بپردازد.

تجربه راه‌اندازی حسینیه تخصصی کودک و نوجوان در علی‌آباد کتول:

نخستین حسینیه تخصصی کودک و نوجوان در شهرستان علی‌آباد کتول با هدف ترویج فرهنگ عاشورا و آشنایی نسل جوان با معارف اهل‌بیت (علیهم‌السلام) و تقویت روحیه مشارکت و مسئولیت‌پذیری در کودکان و نوجوانان راه‌اندازی شد. این حسینیه با بهره‌گیری از روش‌های آموزشی جذاب و تعاملی، فضایی مشارکتی، آموزنده و ایمن را برای کودکان و نوجوانان فراهم آورده است تا ضمن آشنایی با سیره و معارف اهل‌بیت (علیهم‌السلام)، مهارت‌های فردی و اجتماعی خود را نیز توسعه دهند.

در این حسینیه برنامه‌های متنوعی برای گروه‌های سنی مختلف کودکان و نوجوانان تدارک دیده شده است که شامل موارد زیر می‌شود:

آموزش مفاهیم دینی: از طریق قصه‌گویی، نمایش، بازی و کارگاه‌های آموزشی، مفاهیم دینی مانند توحید، نبوت، امامت، معاد و اخلاق به زبانی ساده و قابل فهم برای کودکان و نوجوانان آموزش داده می‌شود.

برگزاری مراسم مذهبی: مراسم عزاداری و جشن‌های مذهبی به مناسبت‌های مختلف در حسینیه برگزار می‌شود تا کودکان و نوجوانان با آداب‌ورسوم مذهبی آشنا شوند و عشق و ارادت خود را به اهل‌بیت (علیهم‌السلام) ابراز کنند.

فعالیت‌های فرهنگی و هنری: کارگاه‌های نقاشی، خوشنویسی، شعرخوانی، تئاتر و سایر فعالیت‌های فرهنگی و هنری در حسینیه برگزار می‌شود تا خلاقیت و استعدادهای کودکان و نوجوانان شکوفا شود و با مفاهیم دینی و اخلاقی نیز آشنا شوند.

فعالیت‌های ورزشی و تفریحی: مسابقات ورزشی، بازی‌های گروهی و اردوهای تفریحی در حسینیه برگزار می‌شود تا کودکان و نوجوانان ضمن تفریح و ورزش، روحیه همکاری، همدلی و رقابت سالم را بیاموزند.

مشاوره و راهنمایی: والدین می‌توانند با مراجعه به حسینیه از خدمات مشاوره و راهنمایی در زمینه تربیت دینی فرزندان خود بهره‌مند شوند.

این حسینیه با ایجاد فضایی دوستانه و صمیمی، تلاش می‌کند تا کودکان و نوجوانان را به اهل‌بیت (علیهم‌السلام) نزدیک‌تر کند و نسلی متعهد، مسئولیت‌پذیر و ولایتمدار تربیت کند.

اهداف حسینیه تخصصی کودک و نوجوان

اهداف کلی:

- آشنایی کودکان و نوجوانان با فرهنگ غنی اسلامی و معارف اهل‌بیت (علیهم‌السلام)
- تقویت بنیان‌های اعتقادی و اخلاقی در نسل جوان
- پرورش روحیه اجتماعی، مشارکت، مسئولیت‌پذیری و ایثار در کودکان و نوجوانان
- ایجاد فضایی تعاملی، آموزنده و ایمن برای کودکان و نوجوانان
- کمک به کاهش آسیب‌های اجتماعی و تربیت نسلی سالم، متعهد و کارآمد

اهداف ویژه:

- آشنایی با واقعه عاشورا: آشنایی کودکان و نوجوانان با واقعه عاشورا و شخصیت‌های آن به زبان ساده و قابل فهم، با استفاده از روش‌های جذاب و متنوع مانند کتاب‌های کودک و نوجوان، بازنویسی داستان‌ها، نقالی، پرده‌خوانی، نقاشی و...
- تقویت روحیه ایثار و شهادت: تقویت روحیه ایثار، فداکاری و شهادت‌طلبی در نسل جوان، با استفاده از ابزارهای مختلف مانند پوسترهای مرتبط با فرهنگ عاشورا، تصاویر شهدای کودک و نوجوان، یادآوری در

میان برنامه‌ها و استفاده از هوش مصنوعی برای بازسازی و متحرک‌سازی تصاویر شهدا.

- پرورش حس مسئولیت‌پذیری: پرورش حس مسئولیت‌پذیری و مشارکت اجتماعی در کودکان و نوجوانان، از طریق راه‌اندازی و برگزاری موکب پذیرایی و ایستگاه صلواتی با مسئولیت مستقیم کودکان و نوجوانان و همچنین مشارکت آن‌ها در اجرای برنامه‌های جایگاه.
- ایجاد فضای مشارکت محور: ایجاد فضای مشارکت محور، تعاملی و آموزنده برای کودکان و نوجوانان در ایام محرم، با برگزاری کارگاه‌ها، مسابقات و فعالیت‌های گروهی.
- ترویج فرهنگ عاشورا: ترویج فرهنگ عاشورا در قالب فعالیت‌های فرهنگی، هنری و اجتماعی، با استفاده از ابزارهای نوین مانند هوش مصنوعی برای متحرک‌سازی تصاویر، واقعیت افزوده برای معرفی یاران و دشمنان اهل‌بیت (علیهم‌السلام) و تولید بازی‌های خلاقانه.

این اهداف با استفاده از روش‌های آموزشی جذاب و تعاملی و با بهره‌گیری از ابزارهای نوین و فناوری‌های روز و با تأکید بر تجربه عملی و یادگیری از طریق عمل، استفاده از ظرفیت‌های هنری و خلاقانه، توجه به نیازهای روحی و عاطفی کودکان و نوجوانان و همکاری با خانواده‌ها و نهادهای آموزشی، دنبال می‌شوند تا کودکان و نوجوانان بتوانند بهترین شکل ممکن با فرهنگ عاشورا و معارف اهل‌بیت (علیهم‌السلام) آشنا شوند و در مسیر تربیت دینی و اخلاقی صحیح قرار گیرند.

برنامه‌های اجرایی

برنامه‌های حسینیه تخصصی کودک و نوجوان در سه بخش اصلی طراحی و اجرا شد:

- **بخش اول: آشنایی با واقعه عاشورا:** روایتگری داستان‌های عاشورایی به زبان کودکانه، نمایش‌های کوتاه، کارگاه‌های نقاشی و خوشنویسی با موضوع عاشورا، مسابقه‌های فرهنگی و مذهبی
- **بخش دوم: آموزش مفاهیم دینی:** آموزش مفاهیم دینی مرتبط با عاشورا، مانند ولایت، عدالت، شهادت و ... به زبان ساده و با استفاده از ابزارهای آموزشی جذاب
- **بخش سوم: فعالیت‌های گروهی و مشارکتی:** ساخت کاردستی‌های مرتبط با عاشورا، اجرای نمایش‌های کوتاه توسط خود کودکان، برگزاری مسابقات گروهی و جمع‌آوری کمک‌های خیرین

شاخص‌های ارزیابی:

- میزان رضایت شرکت‌کنندگان: سنجش میزان خشنودی و رضایت شرکت‌کنندگان از برنامه‌ها و فعالیت‌های ارائه شده در حسینیه، از جمله کیفیت محتوا، نحوه برگزاری و فضای کلی.
- افزایش آگاهی کودکان و نوجوانان نسبت به معارف دینی: ارزیابی میزان افزایش دانش و آگاهی کودکان و نوجوانان در زمینه مسائل دینی، از جمله اصول دین، احکام شرعی و تاریخ اسلام.
- تقویت روحیه مشارکت و همکاری در بین شرکت‌کنندگان: بررسی میزان تقویت روحیه همکاری، همدلی و مشارکت گروهی در بین شرکت‌کنندگان درنتیجه حضور در برنامه‌های حسینیه.
- ایجاد فضایی مشارکت محور و آموزنده: ارزیابی میزان موفقیت حسینیه در ایجاد فضایی که در آن کودکان و نوجوانان بتوانند به‌صورت فعال در فعالیت‌ها شرکت کنند، یاد بگیرند و رشد کنند. تغییر در رفتار شرکت‌کنندگان: بررسی میزان تغییرات مثبت در رفتار شرکت‌کنندگان،

مانند افزایش احترام به والدین و بزرگ‌ترها، بهبود روابط اجتماعی و رعایت نظم و انضباط.

- میزان مشارکت والدین: ارزیابی میزان مشارکت والدین در برنامه‌های حسینیه و همکاری آن‌ها با مربیان و مسئولین.
- جذب مخاطب: بررسی تعداد شرکت‌کنندگان در برنامه‌های مختلف حسینیه و میزان استقبال آن‌ها از این برنامه‌ها.
- کیفیت برنامه‌ها: ارزیابی کیفیت برنامه‌های ارائه شده از نظر محتوا، روش‌های آموزشی و جذابیت برای کودکان و نوجوانان.
- تأثیر بلندمدت: بررسی تأثیر بلندمدت برنامه‌های حسینیه بر رشد شخصیتی و دینی کودکان و نوجوانان در طول زمان.

مزایا و فواید طرح

- آشنایی کودکان و نوجوانان با فرهنگ غنی اسلامی: از طریق داستان‌ها، شعرها، نمایش‌ها و فعالیت‌های هنری، کودکان و نوجوانان با تاریخ، ارزش‌ها، آداب‌ورسوم و آموزه‌های اسلامی آشنا می‌شوند.
- تقویت بنیان‌های اعتقادی و اخلاقی: برنامه‌های مذهبی و تربیتی به کودکان و نوجوانان کمک می‌کنند تا اصول و ارزش‌های اخلاقی و اعتقادی را درونی کنند و در زندگی خود به کار گیرند.
- پرورش روحیه اجتماعی و تعامل گروهی: فعالیت‌های گروهی مانند بازی‌ها، اردوها و گروه‌های سرود، روحیه همکاری، همدلی و مسئولیت‌پذیری را در کودکان و نوجوانان تقویت می‌کنند.
- ایجاد فضایی تعاملی و گروه محور (مشارکت گروهی) برای کودکان و نوجوانان: حسینیه‌ها و مراکز فرهنگی با برگزاری کارگاه‌ها، مسابقات و فعالیت‌های گروهی، فضایی را برای مشارکت فعال کودکان و نوجوانان در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها فراهم می‌کنند.

- ارتقای سطح آگاهی والدین در زمینه تربیت دینی فرزندان: برگزاری کلاس‌ها و کارگاه‌های آموزشی برای والدین، به آن‌ها کمک می‌کند تا با روش‌های صحیح تربیت دینی فرزندان آشنا شوند و بتوانند به سؤالات و چالش‌های آن‌ها در این زمینه پاسخ دهند.
- کمک به کاهش آسیب‌های اجتماعی: فعالیت‌های مذهبی و فرهنگی، به کودکان و نوجوانان کمک می‌کند تا اوقات فراغت خود را به شکل سالم و سازنده سپری کنند و از آسیب‌های اجتماعی مانند اعتیاد، خشونت و انحرافات اخلاقی دور بمانند. ایجاد انگیزه و نشاط: برنامه‌های فرهنگی و مذهبی می‌توانند به کودکان و نوجوانان انگیزه و نشاط بیشتری برای یادگیری و انجام فعالیت‌های مثبت بدهند. این امر به‌ویژه در دنیای امروز که با چالش‌های بسیاری روبروست، اهمیت زیادی دارد.
- تقویت هویت ملی و دینی: آشنایی با فرهنگ غنی اسلامی و تاریخ پربار آن، به کودکان و نوجوانان کمک می‌کند تا هویت ملی و دینی خود را بهتر بشناسند و به آن افتخار کنند.
- توسعه خلاقیت و استعدادها: برنامه‌های فرهنگی و هنری می‌توانند به کودکان و نوجوانان کمک کنند تا خلاقیت و استعدادهای خود را در زمینه‌های مختلف شکوفا کنند.
- پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی: شرکت در فعالیت‌های مذهبی و فرهنگی، به کودکان و نوجوانان کمک می‌کند تا از آسیب‌های اجتماعی مانند اعتیاد، خشونت و انحرافات اخلاقی دور بمانند.
- آموزش مهارت‌های زندگی: برنامه‌های تربیتی می‌توانند به کودکان و نوجوانان مهارت‌های زندگی مانند حل مسئله، تصمیم‌گیری، ارتباط مؤثر و مدیریت هیجانات را آموزش دهند.

- ایجاد حس تعلق به جامعه: شرکت در فعالیت‌های گروهی و اجتماعی، به کودکان و نوجوانان کمک می‌کند تا حس تعلق بیشتری به جامعه داشته باشند و در آن مشارکت فعال داشته باشند.
- درنهایت، هدف از این طرح‌ها، تربیت نسلی سالم، متعهد و کارآمد است که بتواند در آینده نقش مؤثری در جامعه ایفا کند.

ملاحظات

- توجه به سن و روحیات کودکان و نوجوانان: برنامه‌ها باید متناسب با سن و سطح درک کودکان و نوجوانان طراحی شود.
- ایجاد تنوع در برنامه‌ها: برای حفظ جذابیت برنامه‌ها، تنوع در فعالیت‌ها ضروری است.
- ایجاد فضای امن و تعاملی: فضایی امن و تعاملی برای شرکت‌کنندگان فراهم شود تا بتوانند به‌راحتی به فعالیت‌های مختلف بپردازند.
- همکاری با خانواده‌ها: والدین را در جریان برنامه‌ها قرار داده و از همکاری آن‌ها بهره‌مند شوید.
- ارزیابی مستمر: برنامه‌ها به‌صورت مستمر ارزیابی شده و در صورت نیاز اصلاح شوند.

پیشنهادات

- استفاده از ظرفیت فضای مجازی: از شبکه‌های اجتماعی برای اطلاع‌رسانی و تعامل با مخاطبان استفاده شود.
- همکاری با سایر نهادها: با نهادهای فرهنگی، آموزشی و مذهبی همکاری شود.
- توجه به نیازهای خاص: به نیازهای خاص کودکان و نوجوانان با نیازهای ویژه توجه شود.

یافته‌ها

بررسی نتایج اجرای طرح حسینیه تخصصی کودک و نوجوان در علی‌آباد کتول، نشان داد که این طرح با استقبال چشمگیر کودکان و نوجوانان و خانواده‌های آن‌ها روبرو شده است و توانسته است تأثیرات مثبت و قابل توجهی در ابعاد مختلف داشته باشد.

برخی از نتایج مهم این طرح به شرح زیر است:

افزایش آگاهی و دانش: شرکت‌کنندگان در برنامه‌ها، افزایش چشمگیر آگاهی خود از معارف دینی، تاریخ اسلام، سیره اهل‌بیت (علیهم‌السلام) و به‌ویژه واقعه عاشورا را گزارش کردند. آن‌ها اطلاعات بیشتری در مورد شخصیت امام حسین (علیه‌السلام)، یاران باوفای ایشان و همچنین ظلم و ستم دشمنان کسب کردند.

تغییرات مثبت در رفتار و نگرش: تغییرات مثبت قابل توجهی در رفتار و نگرش شرکت‌کنندگان مشاهده شد. آن‌ها نسبت به ارزش‌های دینی و اخلاقی حساس‌تر شده بودند و تمایل بیشتری به انجام اعمال نیک و پرهیز از گناهان داشتند. همچنین، روحیه همدلی، همکاری و مسئولیت‌پذیری در آن‌ها تقویت شده بود.

رضایت والدین و مربیان: والدین و مربیان نیز از اجرای این طرح و تأثیر آن بر کودکان و نوجوانان ابراز رضایت کردند. آن‌ها مشاهده کردند که فرزندان و دانش‌آموزانشان نسبت به مسائل دینی و اخلاقی علاقه‌مندتر شده‌اند و رفتار بهتری از خود نشان می‌دهند. همچنین، آن‌ها از فضای معنوی و آموزشی حسینیه و برنامه‌های متنوع آن استقبال کردند.

جذب حداکثری مخاطب: یکی از نکات قابل توجه در این طرح، جذب حداکثری مخاطب بود. برنامه‌های حسینیه با تنوع و جذابیت خود، توانستند تعداد زیادی از کودکان و نوجوانان را به خود جذب کنند و آن‌ها را به طور مستمر در فعالیت‌ها مشارکت دهند.

تنوع و کیفیت برنامه‌ها: برنامه‌های ارائه شده در حسینیه از تنوع و کیفیت بالایی برخوردار بودند و شامل فعالیت‌های مختلفی مانند قصه‌گویی، نمایش، بازی، کارگاه‌های آموزشی، مسابقات و مراسم مذهبی می‌شدند. این تنوع باعث شده بود که هر کودکی با هر سلیقه‌ای بتواند از برنامه‌های حسینیه بهره‌مند شود.

استفاده از روش‌های نوین آموزشی: در اجرای این طرح از روش‌های نوین آموزشی و فناوری‌های روز استفاده شده بود که این امر به جذابیت و اثربخشی بیشتر برنامه‌ها کمک کرده بود. برای مثال، استفاده از هوش مصنوعی برای بازسازی تصاویر شهدا و واقعیت افزوده برای معرفی یاران اهل‌بیت (علیهم‌السلام) از جمله این موارد بود.

در مجموع، بررسی نتایج اجرای طرح حسینیه تخصصی کودک و نوجوان در علی‌آباد کتول نشان داد که این طرح با موفقیت چشمگیری روبرو بوده و توانسته است نقش مؤثری در تربیت دینی و اخلاقی کودکان و نوجوانان ایفا کند. این تجربه موفق می‌تواند الگویی برای سایر شهرها و مناطقی باشد که قصد دارند چنین طرح‌هایی را اجرا کنند.

تحلیل اثربخشی برنامه‌ها

برای تحلیل اثربخشی برنامه‌های حسینیه تخصصی، از روش‌های مختلفی مانند پرسشنامه، مصاحبه، مشاهده مستقیم و تحلیل آثار هنری و نوشته‌ها استفاده شد. نتایج نشان داد که برنامه‌های اجرا شده، تأثیر قابل توجهی در افزایش دانش دینی، تغییر نگرش و رفتار کودکان و نوجوانان، تقویت مهارت‌های اجتماعی و افزایش رضایت شرکت‌کنندگان داشته است.

بررسی واکنش والدین و مربیان

والدین و مربیان نیز با شرکت در نظرسنجی‌ها و مصاحبه‌ها، نظرات و پیشنهادات خود را در مورد برنامه‌های حسینیه تخصصی ارائه کردند. آن‌ها از محتوای برنامه‌ها،

روش‌های اجرا و تأثیر آن بر کودکان و نوجوانان ابراز رضایت کردند و پیشنهادهایی برای بهبود و توسعه برنامه‌ها ارائه دادند.

چالش‌ها و محدودیت‌ها

در اجرای طرح حسینیه تخصصی کودک و نوجوان، با چالش‌هایی مانند کمبود منابع مالی، نیروی انسانی متخصص و نیاز به هماهنگی بیشتر با سایر نهادها روبرو بودیم. همچنین، محدودیت‌هایی در جمع‌آوری داده‌ها و تعمیم نتایج به سایر مناطق وجود داشت.

بحث و نتیجه‌گیری

تجربه راه‌اندازی و اجرای حسینیه تخصصی کودک و نوجوان در علی‌آباد کتول، نشان داد که این الگو می‌تواند به‌عنوان یک مدل موفق برای تربیت دینی نسل آینده مورد استفاده قرار گیرد. با توجه به نتایج مثبت به دست آمده و پیشنهادات ارائه شده، می‌توان این الگو را در سایر مناطق نیز اجرا و با بهبود مستمر برنامه‌ها، به تربیت نسلی مؤمن، متعهد و آگاه کمک کرد.

پیشنهادات برای توسعه

- گسترش حسینیه‌های تخصصی در سایر مناطق کشور
- ایجاد شبکه‌ای از حسینیه‌های تخصصی برای تبادل تجربه و ارتقای کیفیت برنامه‌ها
- جذب مشارکت خیرین و نهادهای فرهنگی و مذهبی برای تأمین منابع مالی و امکانات مورد نیاز
- بهره‌گیری از فناوری‌های نوین مانند واقعیت مجازی و واقعیت افزوده برای جذاب‌تر کردن برنامه‌ها
- ارزیابی مستمر برنامه‌ها و اصلاح آن‌ها بر اساس بازخوردها

سخن پایانی

تربیت دینی کودکان و نوجوانان، سرمایه‌گذاری برای آینده جامعه است. با توسعه و گسترش حسینیه‌های تخصصی کودکان و نوجوانان و بهره‌گیری از روش‌های نوین و جذاب، می‌توان گامی مؤثر در جهت تربیت نسل آینده‌ای مؤمن، متعهد و آگاه برداشت.

بررسی چالش «عوام‌زدگیِ حلقه‌های میانی» در ایفای نقش جامعه‌پردازی مبتنی بر بیانات آیت‌الله خامنه‌ای

محمد چراغی

چکیده

برای آن که پیش‌قراولان یک حرکت اجتماعی بتوانند نقش خود را به درستی ایفا کنند، لاجرم باید از بینش عمیق‌تر و استوارتری نسبت به سایر بخش‌های جامعه برخوردار باشند؛ اگر چنان‌چه برای خوشایند این و آن، دنبال اظهارات و اقداماتی روند که با مواضع درست و اصولی جریان حق فاصله دارد، در تحقق رسالت خود ناکام خواهند شد؛ سوگمندانه باید اعتراف کرد که در پاره‌ای از موارد، چنین پدیدهٔ نامبارکی مشاهده شده است؛ بخشی از حلقه‌های میانی به جای آن که شبهات و گره‌های ذهنی مخاطب را رفع کرده و عموم مردم را برای حرکت به سمت اهداف والای انقلاب اسلامی هدایت کنند، دچار نوعی عوام‌زدگی گشته و با تکرار و تائید اظهارات نادرست عموم مردم، دنباله‌رو آنان –و نه پیشران جامعه– می‌شوند؛ پژوهش حاضر با هدف بررسی چالش «عوام‌زدگیِ حلقه‌های میانی» در ایفای نقش جامعه‌پردازی مبتنی بر بیانات آیت‌الله خامنه‌ای نگاشته شده است؛ در این پژوهش که با روش تحلیل مضمون صورت گرفته است، بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در نرم‌افزار «حدیث ولایت» به‌عنوان منبع پژوهش بوده و چالش عوام‌زدگی از دیدگاه ایشان بررسی شده است. یافته‌های پژوهش حکایت از آن داشت که منشأ عوام‌زدگیِ حلقه‌های میانی، ضعف در مبانی فکری و همچنین ترجیح «مسئولیت‌گریزی» بر «مسئولیت‌پذیری» بوده است. بر اساس یافته‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که برای مبارزه با عوام‌زدگی، علاوه بر آن که باید به ارتقای بینشیِ حلقه‌های میانی مبادرت کرد، شایسته است که عنصر «مسئولیت‌پذیری» در این افراد نیز تقویت شود.

واژگان کلیدی: عوام‌زدگی، حلقه‌های میانی، جامعه‌پردازی، مسئولیت‌گریزی، مسئولیت‌پذیری، مبانی فکری.

۱. مقدمه

«ما نباید دچار عوام‌زدگی بشویم؛ ببینید! عشق به عوام -یعنی این توده‌ی مردم- چیزی است؛ و تأثر غلط از عوام، چیز دیگری است» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۷۰/۱۱/۲۹).

در یک نظامی که بر مبنای مردم‌سالاری دینی شکل گرفته است، طبعاً عشق و علاقه به تودهٔ مردم به‌عنوان یک ارزش دینی در آن جامعه شناخته می‌شود و هر کسی به سهم خود تلاش می‌کند که آراسته به این خصوصیت ارزشمند شود؛ نکته‌ای که نمی‌توان و نباید از نظر دور داشت آن است که گاهی اوقات عشق و محبت به تودهٔ مردم نزد برخی افراد، همسان با عوام‌زدگی معنا یافته و تفاوت ظریف این دو مقوله به فراموشی سپرده می‌شود؛ در سال‌های اخیر و بر اثر گسترش بیش از پیش فضای مجازی و با توجه به این که اقدامات ریز و درشت افراد در مقابل دیدگان عموم مردم قرار می‌گیرد، برخی افراد وسوسه شده‌اند که با ارائهٔ تصویری مردمی، شهرت و محبوبیت ساختگی برای خود دست و پا کنند؛ لذا به اسم همراهی، همدلی و همدردی با مردم، مواضعی می‌گیرند و اقداماتی می‌کنند که نمی‌توان نامی جز عوام‌زدگی بر آن اقدامات و مواضع نهاد؛ چالش عوام‌زدگی زمانی جدی‌تر می‌شود که حلقه‌های میانی نیز مبتلا به این نقیصه گشته و جامعه را به این سمت سوق دهند! تا جایی که رهبر انقلاب نیز نسبت به این خطر هشدار داده و می‌فرمایند: «مبادا چون امروز مثلاً مُد شده که از چیزی انتقاد بکنند، ما هم برای این‌که برنامه‌مان مورد علاقهٔ مردم قرار بگیرد، دنباله‌رو آن چیزی بشویم که حالا مدش کرده‌اند، یا وانمود کرده‌اند که مد شده است؛ این نباید باشد» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۷۰/۱۱/۲۹).

پژوهش حاضر با هدف شناخت عوامل، علائم و عواقب عوام‌زدگی نگاشته شده است و درنهایت تلاش می‌کند راهکار مقابله با عوام‌زدگی و شیوع و گسترش آن در بین حلقه‌های میانی را ارائه کند.

در این مقاله ابتدا مفاهیم مورد نیاز برای ارتباط‌گیری بهتر با محتوای مقاله تبیین می‌شود و سپس با روش تحلیل مضمون شبکه‌ای و طی سه گام، اندیشهٔ آیت‌الله خامنه‌ای در حوزهٔ عوام‌زدگی استخراج می‌شود؛ ابتدا مضامین پایه از نقل‌قول‌هایی که از بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در نرم‌افزار حدیث ولایت بوده و مرتبط با عوام‌زدگی می‌باشند، استخراج می‌شود؛ در گام دوم مضامین سازمان‌دهنده و درنهایت در گام سوم مضامین فراگیر استخراج می‌شود؛ مضامین فراگیر یافته‌های نهایی تحقیق است که مفهوم عوام‌زدگی در اندیشهٔ آیت‌الله خامنه‌ای را از جوانب مختلف پوشش می‌دهد؛ تعداد ۵۵ مضمون پایه، ۱۲ مضمون سازمان‌دهنده و ٤ مضمون فراگیر حاصل کاوش در اندیشهٔ آیت‌الله خامنه‌ای دربارهٔ عوام‌زدگی بوده است؛ نتایج به دست آمده حکایت از آن داشت که بین ویژگی «عوام‌زدگی» و «مردمی» مرز باریکی بوده و بی‌توجهی به آن، صدمات جبران‌ناپذیری بر پیکرهٔ جامعه و حتی خود شخص وارد خواهد آورد؛ همچنین راه مقابله با عوام‌زدگی نیز در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دو ساحت فردی و اجتماعی قابل تعریف بوده و هر حوزه، شیوه‌های مخصوصی برای مبارزه با عوام‌زدگی می‌طلبد.

۲. مفهوم‌شناسی

۱,۲. عوام‌زدگی

واژهٔ عوام‌زدگی از واژه‌هایی است که اخیراً به دایرهٔ لغات فارسی اضافه شده و در کتب لغت پیشین نیامده است؛ آیت‌الله خامنه‌ای واژهٔ عوام‌زدگی را کنار واژهٔ «جَوزدگی» استعمال کرده و چنین فرموده‌اند که پس از آن که انسان دچار عوام‌زدگی می‌شود، جَوگیر شده و عنان تفکر خود را از دست می‌دهد و در ادامه دست به اقداماتی می‌برد که خسارت‌آفرین است (خامنه‌ای، بیانات: ۱٤۰۱/۰٤/۰۳). «عوام‌فریبی» نیز واژه‌ای است که معنای نزدیک به عوام‌زدگی دارد ولی با این حال بین این دو واژه، تفاوت‌های ظریفی نیز وجود دارد؛ در عوام‌فریبی، انسان به‌صورت آگاهانه به دنبال فریب مخاطبان خود است (لغت‌نامهٔ دهخدا، ۱۳۷۳) ولی با توجه

به بیانات آیت‌الله خامنه‌ای که ذکر آن رفت، در عوام‌زدگی انسان تحت تأثیر جَو عمومی قرار گرفته و بدون این که متوجه شود، رنگ و بوی مخاطب‌پسندی به گفتار و رفتار خود می‌دهد.

۲,۲. حلقه‌های میانی

در ادبیات آیت‌الله خامنه‌ای، حلقه‌های میانی چیزی غیر از رهبری، دولت و دستگاه‌های دیگر است؛ ایشان حلقه‌های میانی را مجموعه‌هایی از خود ملت می‌دانند که شامل نخبه‌های فکری، تشکّل‌های دانشجویی، مجموعه‌های باتجربه و فعّال در زمینه‌های فرهنگی و فکری و مانند این‌ها است (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۸/۰۳/۰۱). همچنین با بررسی بیانات آیت‌الله خامنه‌ای روشن می‌شود که ایشان واژهٔ «خواص» را نیز در معنای حلقه‌های میانی به کار برده و این دو واژه را معادل هم در نظر گرفته‌اند؛ ایشان «خواص» را کسانی می‌دانند که وقتی عملی انجام می‌دهند یا موضعی می‌گیرند، از روی فکر و تحلیل بوده و به دور از تقلید کورکورانه است (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۷۵/۰۳/۲۰). مصادیق خواص را نیز علما، روشنفکران، شعرا، خطبا، روزنامه‌نگاران و صاحبان نفوذ در بین گروه‌های مردمی عنوان می‌کنند که به‌وضوح حکایت از هم‌پوشانی خواص و حلقه‌های میانی دارد (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۷٦/۰۵/۰۱). همچنین با نقل این روایت از پیامبر اکرم صلّی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلّم که فرموده‌اند: «لا تصلح عوامّ امّتی إلّا بخواصّها.» قیل: «ما خواصّ امّتک یا رسول اللّه؟» فقال: «خواصّ امّتی أربعة: الملوک و العلماء و العبّاد و التجّار» (مشکینی اردبیلی، ۱۳۹۲: ۱۲۵) دانشمندان، روشن‌فکران، آگاهان، امرا و زمامداران را به‌عنوان خواص جامعه معرفی می‌کنند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۲/۰۷/۰۲). در حالت کلی حلقه‌های میانی در مورد کسانی استفاده می‌شود که در جامعه منشأ اثر بوده و بر افکار، گفتار و رفتار دیگران تأثیر می‌گذارند.

۳,۲. جامعه‌پردازی

جامعهٔ اسلامی نزد آیت‌الله خامنه‌ای به جامعه‌ای اطلاق می‌شود که عدالت در آن مستقر شده و تبعیض از بین رفته باشد؛ فقر به‌تدریج ریشه‌کن شده و عزت حقیقی برای مردم به وجود آمده باشد؛ همچنین جامعهٔ اسلامی جامعه‌ای است که جایگاهش در روابط بین‌الملل ارتقاء پیدا می‌کند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۷۹/۰۹/۱۲)؛ ایشان تحقق جامعهٔ اسلامی را پس از تحقق دولت اسلامی دانسته و معتقدند تا زمانی که دولت اسلامی شکل نگیرد، جامعهٔ اسلامی نیز محقق نخواهد شد؛ تحقق دولت اسلامی را نیز متوقف بر اصلاح «خواص» جامعه دانسته و معتقدند اگر چنان چه خواص جامعه، در پنجهٔ خواسته‌های حقیر دنیوی نظیر محبوبیت‌طلبی و شهرت‌طلبی گرفتار نشوند و به رسالت خود عمل کنند تحقق جامعهٔ اسلامی نیز مقدور و میسور خواهد بود (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۲/۰۷/۰۲)؛ لذا جامعه‌سازی متوقف بر دولت‌سازی و دولت‌سازی هم متوقف بر پیراستن خود از تعلقات دنیوی است؛ توجه به این نکته نیز ضروری است که جامعه‌پردازی اعم از جامعه‌سازی بوده و ناظر به دگردیسی و تحوّل جامعه، از درون است (ذوعلم، ۱٤۰۱: ۳٤).

٤. مضامین پایه‌ای عوام‌زدگی حلقه‌های میانی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای

مضامین پایه، کدها و نکات کلیدی متن هستند (عابدی جعفری، ۱۳۹۰: ۲۰) در گام اول از متون اصلی، نقل‌قول‌هایی از بیانات آیت‌الله خامنه‌ای که به طور صریح یا ضمنی به موضوع «عوام‌زدگی حلقه‌های میانی» اشاره کرده‌اند آورده است؛ در این مرحله ۵۵ فیش از بیانات ایشان درباره موضوع مذکور استخراج شده است؛ هر یک از این نقل‌قول‌ها حاوی مضمونی است که با خواندن آن متن مستقیماً به ذهن انسان متبادر می‌شود؛ در جدول ۱ علاوه بر نقل‌قول‌هایی از بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، متناسب با آن بیانات نیز آورده شده است.

جدول ۱. تبدیل نقل قول به مضامین پایه‌ای

ردیف	نقل قول	مضمون پایه‌ای
۱	دل سپردن به خواسته‌های حقیر شخصی جزو عوامل شکست است؛ یعنی ناگهان یک مسئول، یک مدیر عالی‌رتبه در سر راه به یک کار بزرگ برخورد کند، به طعمه‌ای که می‌تواند برای او شخصاً مفید باشد. (۱۳۸٦/۰٦/۳۱)	محبوبیت‌طلبی، از عوامل عوام‌زدگی است.
۲	اکنون نیز، عدّه‌ای همین را ترویج می‌کنند؛ آن‌ها می‌گویند: «اسلام در گوشهٔ خانه و مسجد، به احکام دینی بپردازد و از دخالت در حکومت و سیاست بپرهیزد؛ مبادا مردم از اسلام بدشان بیاید.» عجب! منطقشان این است که اگر اسلام حکومت کند، از محبوبیت ساقط می‌شود! پس معلوم می‌شود این‌ها از پیغمبر، برای اسلام دلسوزترند. (۱۳۷٤/۰۷/۲۲)	محبوبیت‌طلبی از عوامل انسان عوام‌زده است.
۳	ازخودگذشتگی در بسیاری از موارد به معنای اسیر نشدن در پنجهٔ خواسته‌های حقیر است. مشکل ماها این است؛ ماها در پنجهٔ خواسته‌های حقیر گاهی اسیر می‌شویم، گرفتار می‌شویم، نمی‌توانیم خودمان را نجات بدهیم؛ ازخودگذشتگی یعنی از این خواسته‌ها انسان صرف‌نظر کند. حالا این خواسته‌های حقیر مثل چه خواسته‌هایی است؟ یک طیف وسیعی از خواسته‌ها است. (۱٤۰۱/۰۳/۰٤)	اسیر شدن در پنجه خواسته‌های حقیر از عوامل عوام‌زدگی است.
٤	برخورداری از مال دنیا تا برخورداری از آبرو و وجههٔ عمومی؛ برای اینکه یک وجهه‌ای در مردم پیدا کنیم، یک نام نیکی پیدا کنیم، بعضی از کارها را ممکن است انجام بدهیم؛ این اسیر شدن در پنجهٔ خواسته‌های حقیر است؛ (۱٤۰۱/۰۳/۰٤)	میل به برخورداری از وجههٔ عمومی، از عوامل عوام‌زدگی است.
۵	قصد دانشجو دیده شدن نباشد؛ ببینید! این را من تأکید می‌کنم. نه شخص دانشجو، نه تشکّل دانشجویی این‌جور نباشد که یک حرفی را بزند برای اینکه دیده بشود؛ این	شهرت‌طلبی و محبوبیت‌طلبی از

ردیف	نقل قول	مضمون پایه‌ای
	بی‌برکت می‌کند کار را؛ حرف را بی‌برکت می‌کند، بی‌اثر می‌کند؛ و البتّه ضرر هم دارد. (١٤٠٢/٠١/٢٩)	عوامل عوام‌زدگی است.
٦	مبادا چون امروز مثلاً مد شده که از چیزی انتقاد بکنند، ما هم برای اینکه برنامه‌مان مورد علاقهٔ مردم قرار بگیرد، دنباله‌رو آن چیزی بشویم که حالا مدش کرده‌اند، یا وانمود کرده‌اند که مد شده است؛ این نباید باشد. شما باید آن فکری را که و لو غلط است، هدایت کنید و مردم را به این سمت بکشانید. (١٣٧٠/١١/٢٩)	نباید دنباله‌رو افکار غلط بود؛ بلکه باید آنان را به راه درست هدایت کرد.
٧	امروز سعی دشمن این است که ایمان دینی را تضعیف کند، امید را تضعیف کند، خوش‌بینی به آینده و به مدیریت کشور را تضعیف کند؛ این‌ها چیزهایی است که روی آن دارند برنامه‌ریزی می‌کنند، روی آن برنامه‌ریزی می‌شود. [مثلاً] چه کار کنند که عقیدهٔ مردم این بشود که آینده‌ای ندارند، آینده بن‌بست است و در کوچهٔ بن‌بست قرار دارد؛ روی این برنامه‌ریزی می‌کنند، برنامه‌سازی می‌کنند، در فضای مجازی و گاهی متأسفانه در فضاهای رسمیِ خودِ ما این‌ها را بین مردم جوری پخش می‌کنند که مردم به این نتیجه برسند که راه‌ها بن‌بست است، راه‌ها خطا است یا به این نتیجه برسند که مسئولین کشور، مدیریت کشور، بلد نیستند کشور را اداره کنند. این همه زحمت دارد کشیده می‌شود، این همه تلاش می‌شود، در مقابلِ این تلاش‌ها این‌جوری [برخورد می‌شود]. حالا فرض بفرمایید، مِن باب مثال نیروی انتظامی کشور مثلاً یک تعدادی دزد را ظرف ٤٨ ساعت بعد از دزدی دستگیر می‌کنند؛ خب باید تشویق بشوند، [امّا] در رسانه‌ی ملّی خود ما جوری حرف زده می‌شود که به جای تشویق، کأنّه سرزنش می‌شوند! عمدی که نیست – مسلّم است که عمدی نیست – امّا غفلت است؛ این غفلت‌ها به سود دشمن تمام می‌شود. (١٤٠١/٠٣/٢٢)	برخی‌ها ناخواسته دچار عوام‌زدگی می‌شوند.

ردیف	نقل قول	مضمون پایه‌ای
۸	زبان دانشجو بلندگوی صرفاً مشکلات نباشد. نمی‌گویم مشکلات را نگویید امّا صرفاً مشکلات را نگویید. در کشور نقاط روشن خوبی وجود دارد؛ دانشجو آن‌ها را هم بگوید؛ آن را هم بگوید، این را هم بگوید؛ یعنی جوری نباشد که صرفاً پخش‌کنندهٔ این چیزها [و مشکلات] باشد. (۱٤۰۲/۰۱/۲۹)	غفلت از نقاط روشن، از عوامل عوام‌زدگی است.
۹	[دانشجویان] در فضای مجازی غرق نشوند. خب حالا فضای مجازی با همه‌ی حرف‌هایی که از آن طرف و از این طرف گفته می‌شود، بالاخره در کشور وجود دارد؛ شبکه‌های اجتماعی وجود دارد، فضای مجازی وجود دارد. بعضی‌ها نشسته‌اند که از طرف فضای مجازی، سیل‌وار، تحلیل و خبر و مطلب و مبنا به این‌ها داده بشود؛ این غلط است. شما روی فضای مجازی سوار شوید، شما فضای مجازی را هدایت کنید، از طرف شما فکر و خبر و تحلیل به فضای مجازی برود، نه بعکس. (۱٤۰۲/۰۱/۲۹)	غرق شدن در فضای مجازی از عوامل عوام‌زدگی است.
۱۰	در اوایل انقلاب، انقلابیِ منفی به آن انقلابی‌ای می‌گفتیم که از میدان کار و تلاش و حرکت، آنجایی که دردسری داشت، عقب می‌کشید. انقلابی بود، اما انقلابیِ وجاهت‌طلب و راحت‌خواه؛ انقلابی‌ای که می‌گفت من مبارزه‌ام را قبل از انقلاب کرده‌ام، اکنون دیگر می‌خواهم احترام شوم. بنابراین، چنین کسانی به میدان خطر و دردسر و آنجایی که چهار نفر آدم از انسان گله‌مند می‌شوند، وارد نمی‌شدند. (۱۳۷۹/۱۲/۰۹)	میل به مسئولیت‌گریزی از عوامل عوام‌زدگی است.
۱۱	من خودم نمایندهٔ مجلس بودم، بنده مجلس را از داخل می‌شناسم؛ گاهی آدم می‌داند که این قانون را دولت با این امکاناتی که دارد، با این شرایطی که دارد، نمی‌تواند عمل کند؛ می‌گوید خیلی خب، من تصویب می‌کنم، بگذار او عمل نکند، مردم او را متّهم کنند، او را مسئول به‌حساب	میل به فرار از مسئولیت، از عوامل عوام‌زدگی است.

ردیف	نقل قول	مضمون پایه‌ای
	بیاورند که چرا عمل نشد. نه، این درست نیست؛ باید مسئولیت‌پذیری داشته باشید. (١٤٠١/٠٣/٠٤)	
١٢	یکی از مهم‌ترین خصوصیّات امام (رضوان اللّه علیه) همین بود؛ اگر یک وقتی یک نظری داشت که همه با او مخالف بودند و او معتقد بود که این نظر، نظر الهی و شرعی و درست است، می‌ایستاد؛ می‌گفت همهٔ دنیا [هم] با من مخالف باشند، باشند. (١٤٠١/٠٤/٠٣)	امام خمینی رحمةالله‌علیه، عوام‌زده نبود.
١٣	یکی از شاخصه‌های نمایندهٔ انقلابی این است که با عموم مردم، با عامهٔ مردم همراه است امّا عوام‌زده نیست. (١٤٠١/٠٤/٠٣)	همراهیِ انسان انقلابی با مردم، غیر از عوام‌زدگی است.
١٤	ما نباید دچار عوام‌زدگی بشویم. ببینید، عشق به عوام یعنی این تودهٔ مردم چیزی است؛ و تأثر غلط از عوام، چیز دیگری است. (١٣٧٠/١١/٢٩)	عشق به تودهٔ مردم، غیر از عوام‌زدگی است.
١٥	نمایندهٔ انقلابی آن کسی است که جَوزده نمی‌شود. شما یک قانون را تصویب کردید، به نظر شما قانون درستی هم بوده، یک عدّه‌ای مخالفت کردند، البتّه طبیعت کار این است که نگاه کنید ببینید آیا این مخالفین منطق درستی دارند یا ندارند؛ اگر منطق درستی داشتند البتّه می‌پذیرید، اگر منطق درستی نداشتند بِایستید؛ بگویید بله، من تصویب کردم این قانون را، پایش هم می‌ایستم. اینکه در سایت‌ها و در فضای مجازی و مانند این‌ها علیه ما، علیه مجلس، علیه این مجموعه، علیه این قانون جنجال کنند، نباید شما را به زانو دربیاورد. (١٤٠١/٠٤/٠٣)	شخص انقلابی عوام‌زده نیست و بر حقیقت پافشاری می‌کند.
١٦	یک عدّه هم انقلابیِ مثبت بودند. حاضر بودند آبرویشان را هم خرج کنند. آنجایی که فکر می‌کردند وجودشان می‌تواند کمکی بکند، با همهٔ وجود حاضر بودند. اگر جبهه بود، یک	انسان عوام‌زده حاضر به پرداخت هزینه در راه انقلاب نیست.

ردیف	نقل قول	مضمون پایه‌ای
	طور؛ اگر دانشگاه بود، یک طور؛ اگر میدان فرهنگی یا سیاسی بود، وارد میدان می‌شدند. (۱۳۷۹/۱۲/۰۹)	
۱۷	نقد باید منصفانه باشد، باید عاقلانه باشد، باید مسئولانه باشد. سیاه‌نمایی هنر نیست؛ اینکه برداریم همین‌طوری بی‌هوا، این دستگاه را، آن دستگاه را، این قوّه را، آن قوّه را بدون هیچ تمییزی محکوم کنیم؛ خب هرکسی، هر بچه‌ای هم می‌تواند سنگ دستش بگیرد شیشه‌ها را بشکند؛ اینکه هنر نیست؛ هنر این است که انسان، منطقی حرف بزند، منصفانه حرف بزند، برای خاطر هوای نفْس حرف نزند، برای خاطر جهات شخصی حرف نزند، برای خاطر قدرت‌یابی حرف نزند، خدا را در نظر داشته باشد. (۱۳۹۶/۱۰/۰۶)	نقد غیرمسئولانه از نشانه‌های عوام‌زدگی است.
۱۸	نمی‌شود هر حرفی را انسان به‌خاطر میل دل خودش بزند. انقلابی‌نمایی غیر از انقلابی‌گری است؛ انقلابی‌نمایی [یعنی] آدم جوری عمل کند که کأنّه ما [انقلابی هستیم]؛ انقلابی‌گری کار سختی است؛ پابندی لازم دارد، تدیّن لازم دارد. (۱۳۹۶/۱۰/۰۶)	انقلابی‌نمایان عوام‌زده هستند.
۱۹	این طبع منافق است. وقتی مسئولیتی پیش می‌آید، اینان از ترس زحمات، حاضر نیستند تحمّل بار مسئولیت نمایند. وقتی دیدند آن‌ها که واردِ کار شده‌اند و این مسئولیت را قبول کرده‌اند، پیروز شدند، پشیمان می‌شوند که چرا نرفتیم تا ما نیز از منافع آن برخوردار شویم. (تفسیر سوره‌ی برائت، صفحه: ۳۴۳)	منافقان، عوام‌زده هستند.
۲۰	یکی از چیزهایی که نشانهٔ نمایندهٔ انقلابی نیست، عبارت است از نطق‌های اعتراضی پُرشورِ میان‌برنامه؛ این نطق‌هایی که آقایان [می‌کنید]. اینکه یک نفر بِایستد آنجا بنا کند	نطق‌های اعتراضی انقلابی‌نمایانه از نشانه‌های عوام‌زدگی است.

ردیف	نقل قول	مضمون پایه‌ای
	اعتراض کردن، این اصلاً علامت انقلابی بودن نیست؛ (۱۴۰۱/۰۳/۰۴)	
۲۱	مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعّالان جوان، در همهٔ میدان‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های دین و اخلاق و معنویت و عدالت، باید شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت دهند، از تجربه‌ها و عبرت‌های گذشته بهره گیرند، نگاه انقلابی و روحیه‌ی انقلابی و عمل جهادی را به کار بندند و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته‌ی اسلامی بسازند. (۱۳۹۷/۱۱/۲۲)	انسان انقلابی زیر بار مسئولیت می‌رود.
۲۲	انقلابیِ منفی، خودش را از کار کنار می‌گیرد؛ اما اگر یک‌وقت کاری هم به دستش افتاد، مثل آدم‌هایی که هیچ کاری در دستشان نیست، حالت منفی‌بافی و شکل اپوزیسیون به خودش می‌گیرد؛ کأنّه در هیچ کاری مسئولیت ندارد! (۱۳۷۹/۱۲/۰۹)	انسان عوام‌زده، مسئولیت‌گریز است.
۲۳	انقلابیِ مثبت حتّی اگر هیچ‌کاره هم باشد، خودش را مسئول‌ترین افراد می‌داند و وارد میدان می‌شود. (۱۳۷۹/۱۲/۰۹)	انسان عوام‌زده، خود را پاسخگو نمی‌داند.
۲۴	مؤمنان با شنیدن فرمان جهاد، شروع به تجهیز خود کردند، ولی منافقان که می‌دیدند این جنگ برای منافع آنان و زندگی زودگذر دنیایِ آنان ضرر دارد، رسیدنِ خرما و گرمیِ هوا و دوری راه را بهانه کرده، از زیرِ بارِ جهاد، شانه خالی کردند و می‌گفتند این جنگ فایده‌ای ندارد. (تفسیر سوره‌ی برائت، صفحه: ۲۲۴)	شانه خالی کردن از فرمان جهاد، از نشانه‌های عوام‌زدگی است
۲۵	یک مسئله، مسئلهٔ مسئولیت‌پذیری است؛ قانونی را تصویب می‌کنید، اگر به نظرتان این قانون، قانون خوبی است و باید تصویب می‌شده، محکم بایستید، بگویید بله، من این را	فرار از مسئولیت اقدامات خود، از

ردیف	نقل قول	مضمون پایه‌ای
	تصویب کردم؛ بله، ما تصویب کردیم. این‌جور نباشد که ما بگوییم ما این قانون را تصویب می‌کنیم، میدانیم هم که شورای نگهبان رد می‌کند، خب بگذار مسئولیتش بیفتد به گردن شورای نگهبان. (۱۴۰۱/۰۳/۰۴)	نشانه‌های عوام‌زدگی است.
۲۶	«این طرح‌ها را نگذارید افزایش پیدا کند؛ یعنی زیاد طرح تهیّه بشود، داده بشود؛ این اشکال دارد که البتّه من شنیدم، گزارش به من دادند ــ حالا این را نشده من از آقای قالیباف بپرسم ــ که در این مجلس خیلی زیاد، بیش از مجالس قبلی طرح تهیّه شده و تنظیم شده؛ این کار تعریفی ندارد.» (۱۴۰۱/۰۳/۰۴)	افزایش بی‌رویهٔ طرح‌ها در مجلس، از نشانه‌های عوام‌زدگی است.
۲۷	مردمی بودن یعنی چه؟ مردمی بودن یعنی با مردم عادی معمولی مخلوط شدن، نشست و برخاست کردن، هم گوش شنوا برای شنیدن حرف مردم داشتن، هم زبان گویا برای روشن کردن ذهن مردم داشتن. اینکه ما برویم در یک جمعی از مردم، یک داعیه‌ای دارند، یک خواسته‌ای دارند، حرفشان را بشنویم و بعد هم بگوییم «بله، صد درصد حق با شما است و این کسانی که گوش نمی‌کنند، عمل نمی‌کنند، چنین و چنان هستند»، نه، [کافی نیست]؛ یک وقت‌هایی هست یک گرهی در ذهن مردم هست، شماها باید این گره را باز کنید؛ (۱۴۰۱/۰۳/۰۴)	تائید مطلق مردم و بی‌توجهی به واقعیات، از نشانه‌های عوام‌زدگی است.
۲۸	فرض کنید فلان قشر یک مطالبه‌ای دارد، خب شما نمایندهٔ مجلسید، از مصرف کشور و درآمد کشور مطلعید، می‌دانید که این عملی نیست؛ وقتی می‌دانید عملی نیست، منتظر نمانید که مثلاً فلان نمایندهٔ اجرائی یا قضائی بیاید بگوید نمی‌توانیم؛ نه، شما بگویید نمی‌شود؛ یعنی هم گوش برای شنیدن حرف مردم، هم زبان برای روشن کردن ذهن مردم داشته باشید. ممکن است در آن جمعی که مقابل شما هستند، دو نفر، سه نفر، ده نفر جماعتی هم بگویند «برو بابا!	سکوت در برابر مطالبات غیرعملی مردم از نشانه‌های عوام‌زدگی است.

ردیف	نقل قول	مضمون پایه‌ای
	این هم [کاری نکرد]»! بگویند؛ شماها بایست [به وظیفه‌ی خودتان عمل کنید]. مردمی بودن یعنی این؛ (۱۴۰۱/۰۳/۰۴)	
۲۹	مردمی، فقط این نیست که ما مثلاً فرض کنید که همین‌طور مدام شعار طرف‌داری از مردم بدهیم؛ نه، باید به مردم کمک کنیم؛ «کمک»، هم شنیدن حرف آن‌ها است، هم اجرا کردن خواستهٔ آن‌ها است در صورت امکان، هم روشن کردن ذهن آن‌ها است در صورت وجود اشکال و عدم امکان. (۱۴۰۱/۰۳/۰۴)	سکوت در برابر گره‌های ذهنی مردم از نشانه‌های عوام‌زدگی است.
۳۰	با مسائل کشور مماس بشوید، مسائل را از نزدیک ببینید، درک کنید، روی آن کار کنید، متمرکز بشوید. لازم هم نیست که حالا فرض کنید جمعیت شما و آن تشکلی که شما در آن هستید، به همهٔ مسائل کشور برسد؛ نه، متمرکز بشوید روی یک مسئله، دو مسئله، روی آن مسائل فکر کنید، کار کنید، دنبال کنید، تحقیق کنید. (۱۴۰۱/۰۲/۰۶)	اظهارنظر درباره همهٔ مسائل کشور، از شعبه‌های عوام‌زدگی است.
۳۱	[دانشجویان] مشکل محلی را ملّی نکنند. مثلاً گاهی اوقات می‌شود که در یک گوشهٔ کشور یک حادثه‌ای پیش می‌آید، فلان تشکّل دانشجویی بیایند این را به‌صورت یک مسئلهٔ ملّی دربیاورند؛ این اشتباه است؛ این به ضرر کشور است. (۱۴۰۲/۰۱/۲۹)	به هم ریختن اولویت‌ها از نشانه‌های عوام‌زدگی است.
۳۲	در مسائل کشور، مسائل اصلی وجود دارد، مسائل فرعی وجود دارد؛ تا وقتی مسائل اصلی پیش پای ما است، نوبت به مسائل فرعی نمی‌رسد. سراغ مسائل فرعی رفتن درحالی‌که ما مسائل اصلی را جلوی چشم داریم، جایز نیست. دنبال حلّ مشکلات اساسی و مسائل اصلی باشید؛ اصلی – فرعی کنید موضوعات را. (۱۴۰۱/۰۳/۰۴)	عدم رعایت اولویت‌ها از نشانه‌های عوام‌زدگی است.

ردیف	نقل قول	مضمون پایه‌ای
۳۳	هر کسی که مردم را از آینده ناامید کند برای دشمن دارد کار می‌کند؛ چه بداند، چه نداند. (۱۴۰۱/۰۳/۲۲)	انسان عوام‌زده، مردم را ناامید می‌کند.
۳۴	هر کسی ایمان‌های مردم را تضعیف کند به سود دشمن دارد کار می‌کند؛ چه بداند، چه نداند. (۱۴۰۱/۰۳/۲۲)	انسان عوام‌زده، ایمان‌های مردم را تضعیف می‌کند.
۳۵	هر کسی مردم را نسبت به فعّالیّت و تلاش و برنامه‌ریزی‌های مسئولین کشور بی‌اعتقاد و بدبین بکند، این دارد به سود دشمن کار می‌کند؛ چه بداند، چه نداند. (۱۴۰۱/۰۳/۲۲)	انسان عوام‌زده، اعتماد عمومی به مسئولان را از بین می‌برد.
۳۶	هر کسی که مردم را از آینده ناامید کند برای دشمن دارد کار می‌کند؛ چه بداند، چه نداند. هر کسی ایمان‌های مردم را تضعیف کند به سود دشمن دارد کار می‌کند؛ چه بداند، چه نداند. هر کسی مردم را نسبت به فعّالیّت و تلاش و برنامه‌ریزی‌های مسئولین کشور بی‌اعتقاد و بدبین بکند، این دارد به سود دشمن کار می‌کند؛ چه بداند، چه نداند. (۱۴۰۱/۰۳/۲۲)	انسان عوام‌زده، آلت دست دشمن می‌شود.
۳۷	پس از بازگشت پیامبر (صلّی الله علیه و آله و سلّم)، قدرت و شوکت اسلام به‌مراتب از وقتِ رفتن به جنگ بیشتر شده بود. منافقانی که از ترس مردن یا مجروح شدن یا آسیب دیدن یا از دست رفتن محصول به جنگ نرفته بودند و خلاصه برای منافع دنیایی تن به ذلّت داده بودند، وقتی پیامبر (صلّی الله علیه و آله و سلّم) سالماً غانماً برگشت، پشیمان شده بودند که چرا نرفتیم، اگر می‌رفتیم بدون صدمه برمی‌گشتیم. (تفسیر سوره‌ی برائت، صفحه: ۳۴۳)	غایت عوام‌زدگی، پشیمانی است.

ردیف	نقل قول	مضمون پایه‌ای
۳۸	هنوز از وفات پیامبر (صلّی الله علیه و آله و سلّم) سی سال نگذشته بود که معاویه بر آن‌ها مسلط شد و جامعهٔ مسلمانان را تغییر داد و حکومت طاغوت را روی کار آورد و منافقان را عزیز کرد. تا زمانی که مسلمانان نفْر نکنند و در راه جهاد سستی کنند، همین عاقبت به سراغ آن‌ها خواهد آمد و به همین عذاب دچار خواهند شد و در دنیا و آخرت معذّب خواهند بود: «الدُّنیا مَزرَعَةُ الآخِرَة» عمل، خوب یا بد، نتیجه‌ی آن به انسان خواهد رسید و طبق قوانین و سنّتِ خلقت هرگاه جمعیتی در راه حق، شانه از بار مسئولیت خالی کنند، فقیر و ذلیل خواهند شد و در آخرت نیز بدبختی از آنِ آن‌ها است. (تفسیر سوره‌ی برائت، صفحه: ۲۰۱)	از عواقب عوام‌زدگی، ذلت و خواری است.
۳۹	هر جامعه‌ای که از زیر بار مسئولیت‌های الهی شانه خالی کند و حاضر نباشد آن را به دوش گیرد، مانند همان منافقان، خود را به هلاکت انداخته است. (تفسیر سوره‌ی برائت، صفحه: ۲۳۰)	عاقبت عوام‌زدگی، هلاکت است.
٤۰	من به شما عرض بکنم هیچ‌وقت جَوزده نشوید. بعضی از مشکلات ما در بخشی از این سال‌ها به خاطر این بود که جَوزده شدیم. فرض کنید در یک جلسه‌ای نشستیم، از مسئولین عالی‌رتبهٔ کشور – این‌ها یک چیزهایی است که اتّفاق افتاده، بنده هم همان وقت‌ها بهشان اعتراض کردم – در جلسه‌ای نشسته بودند، مثلاً فرض کنید اساتید دانشگاه هم آنجا حضور داشتند، یکی یک چیزی گفته، یکی‌شان بلافاصله یک امتیاز بزرگی را که به صلاح هم نبوده، همان جا مثلاً در بین سخنرانی به مجموعهٔ حاضر در جلسه داده؛ این جَوزدگی است، این فایده‌ای ندارد، این مضر است. همراهی با مردم، غیر از عوام‌زدگی و جَوزدگی و تحت تأثیر های و هو قرار گرفتن است. (۱٤۰۱/۰٤/۰۳)	عوام‌زدگی و جَوزدگی برای کشور مضر است.

ردیف	نقل قول	مضمون پایه‌ای
٤١	من می‌خواهم به شما عرض کنم: عزیزان من! جوانان! انقلابیِ مثبت باشید. دانشگاه باید انقلابیون مثبت پرورش دهد؛ این ملت و این تاریخ به شما نیاز دارد؛ باید خودتان را آماده کنید. اگر شما در میدان باشید، آیندهٔ بسیار درخشانی در انتظار این کشور است. (۱۳۷۹/۱۲/۰۹)	افراد عوام‌زده برای انقلاب مفید نیستند.
٤٢	هرجایی که این گذشت نبود، مثل دوران امام حسین (علیه‌السلام) که اکثریت قاطع زبدگان و خواص و مؤمنان شانه خالی کردند و ترسیدند و عقب رفتند، کلمهٔ باطل پیروز شد، حکومت یزید سر کار آمد، حکومت بنی‌امیه نود سال سر کار آمد، حکومت بنی‌عباس پنج، شش قرن سر کار آمد و ماند. به خاطر آنکه این «گذشت» انجام نشد، مردم چه کشیدند! جوامع اسلامی چه کشیدند! مؤمنین چه کشیدند! (آفتاب در مصاف، صفحه: ٤٦٥)	از عواقب عوام‌زدگی، پیروزی کلمهٔ باطل است.
٤٣	وقتی انحراف و غلط به وجود آمد، آن وقت حقیقت، مهجور خواهد شد، مشتبه خواهد شد، وسیلهٔ گمراهی اذهان مردم فراهم خواهد شد؛ لذا از کارِ عوامانه، از تسلیم شدن در مقابل شایعات عامیانه بایستی به شدّت پرهیز کرد. (جهاد تبیین در اندیشهٔ حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای مدظلّه‌العالی، صفحه: ۲۰۲)	عوام‌زدگی به پوشیده شدن حقیقت می‌انجامد.
٤٤	باید توجّه داشت ایمانی که مردم پیدا می‌کنند، سست، عوامانه، سطحی و قشری نباشد؛ به شدّت از این پرهیز شود. اکتفا نشود به تغلیظ احساسات مردم و تشریفات افراطی. تأکید بر این چیزها به طور افراطی، اصلاً مفید نیست و به‌هیچ‌وجه تبلیغ دین محسوب نمی‌شود. (جهاد تبیین در اندیشهٔ حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای مدظلّه‌العالی، صفحه: ۳۵۸)	عوام‌زدگی، مفید نیست.

ردیف	نقل قول	مضمون پایه‌ای
۴۵	هیچ کس نمی‌گوید مال دنیا بد است یا منصب دولتی یا خدمتگزاری یا هر چه، چیز بدی است؛ نخیر، این‌ها هیچ کدام بد نیست؛ نه مال دنیا بد است، نه منصب بد است، نه آبروی اجتماعی بد است؛ این‌ها همه خوب است، دنبال این‌ها بودن و از خدا این‌ها را خواستن هم هیچ اشکالی ندارد؛ دعاهای ما پُر از طلب همین چیزها است. بحث این است که یک وقتی یک وظیفه‌ای برای انسان پیش می‌آید که سر راه آن وظیفه یکی از این خواسته‌ها قرار می‌گیرد؛ آنجا است که باید پا گذاشت روی این خواسته‌ی نفْس؛ «ازخودگذشتگی» یعنی این. (۱۴۰۱/۰۳/۰۴)	توجه به وظیفهٔ انسان، یکی از راه‌های مقابله با عوام‌زدگی است.
۴۶	خاصیت ایمان در وجود یک انسان مسئول این است که راه او را هموار و دشواری‌ها را در نظرش کوچک می‌کند؛ همت او را بالا می‌برد؛ او را از آلوده شدن به خواسته‌های حقیر اهل دنیا بازمی‌دارد. (۱۳۸۳/۰۱/۰۲)	ایمان، انسان را از آلوده شدن به عوام‌زدگی باز می‌دارد.
۴۷	«وصَبَرَ علی البِغضهٔ و هو یَقدِرُ علی المَحبّهٔ»: بر تنهایی و بی‌نامی و بدنامی صبر کند و در برابر انگیزهٔ شهرت‌طلبی و محبّت‌طلبی و پذیرفتگی و محبوبیّت، مقاومت ورزد. بااینکه او نیز می‌تواند برای جلب نظر توده‌ی نادان یا رهبران مغرض، زبان به مدح و تملّق و دروغ و عوام‌فریبی بگشاید و لب از حق‌گویی و امر به معروف و نهی از منکر ببندد، چنین نکند؛ و با این روش که تکلیف و مسئولیت الهی و انسانی او است خود را از چشم بیندازد و در نظر قدرتمندان منفور کند و آبروی خود را در معرض تطاول و تعرّض بلندگوهای تبلیغاتی آنان قرار دهد. (گفتاری در باب صبر، ص ۴۳)	صبر در برابر انگیزهٔ شهرت‌طلبی و محبوبیت‌طلبی، راه مقابله با عوام‌زدگی است.
۴۸	صبر از معصیت یعنی در مقابل معصیت، کف‌نفس کردن، باز همان استقامت، باز همان استحکام. در مقابل اطاعت، استحکام آن‌جور است؛ در مقابل معصیت استحکام به این	صبر از معصیت راه مقابله با عوام‌زدگی است.

ردیف	نقل قول	مضمون پایه‌ای
	است که انسان جذب نشود، اغوا نشود، تحت تأثیر شهوات قرار نگیرد. یکجا شهوت جنسی است، یکجا پول است، یکجا مقام است، یکجا محبوبیت و شهرت است؛ این‌ها همه شهوات انسانی است. (۱۳۸۷/۰۶/۱۹)	
۴۹	مسائل دنیایی که در باب زهد مطرح است، فقط هم پول و این زخارف مادی زندگی نیست؛ شأن و مقام و رتبه و وجاهت و محبوبیت و این‌ها هم جزوش است. برای دنیا کار کردن، برای دنیا درس خواندن، برای دنیا تلاش کردن، این‌ها همه جزو همان چیزهایی است که در باب زهد، کنار گذاشتن آن‌ها و بی‌رغبتی به آن‌ها مورد تأکید قرار گرفته است. (۱۳۸۹/۰۸/۰۲)	زهد از دنیا، راه مقابله با عوام‌زدگی است.
۵۰	اسلام ناب، اسلام متّکی به کتاب و سنّت با به‌کارگیری ابزار خِرَد و اندیشهٔ انسانی [است]. همین که اسلام و قرآن خیلی رویش تکیه می‌کند و پیدا کردن راه معرفت و راه زندگی – هر دو [است]؛ این را ما می‌خواهیم ترویج کنیم؛ این را می‌خواهیم خودمان دریابیم و بعد آن را منتقل کنیم و برسانیم؛ این همان کار انبیا است. همان‌طوری که انبیا با مشکلات مواجه بودند، با دشمن مواجه بودند، زحمت کشیدند، من و شما هم بایستی همین راه را برویم، دنبال رساندن این پیام باشیم، دنبال انجام این رسالت باشیم؛ زحماتش هم هست، دردسرهایش هم هست؛ خب، راه انبیا این است. البتّه انسان می‌تواند شانه هم خالی کند و بگوید من نمی‌خواهم، نخواستم؛ خیلی خب، برود زندگی معمولی را انجام بدهد امّا از آن فضل و فیض و تفضّل الهی و از آن مقام بالا و درجه‌ی عالی‌ای که خدای متعال برای این‌جور انسان‌ها قرار داده، قهراً سقوط خواهد کرد و دستش خالی خواهد بود. (جهاد تبیین در اندیشه‌ی حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای مدظلّه‌العالی، صفحه: ۳۸۱)	پیمودن راه انبیاء، نیازمند عبور از عوام‌زدگی است.

ردیف	نقل قول	مضمون پایه‌ای
۵۱	توصیهٔ بعدی این است که با مسائل کشور مماس بشوید. انسان [وقتی] مسائل کشور را از دور نگاه می‌کند، یک جور است، [امّا] وقتی تماس با مسائل پیدا می‌کند، یک جور دیگر است؛ گاهی تفاوت می‌کند. (۱۴۰۱/۰۲/۰۶)	راه مقابله با عوام‌زدگی، تماس با مسائل کشور است.
۵۲	در اجتماعی که بر اساس مسئولیت‌پذیری گردش می‌کند و در رأس اجتماع حاکمی الهی قرار گرفته است، مردم سست‌عنصر زندگی راحتی ندارند. مردمی که حاضر نیستند مسئولیت قبول نمایند، شرافتمند و سربلند نخواهند بود. (تفسیر سوره‌ی برائت، صفحه:۳۴۴)	در جامعهٔ الهی، انسان‌های عوام‌زده نباید در آسایش باشند.
۵۳	در چنین فضایی، سربلندی از آنِ کسانی است که بیشتر کار می‌کنند و بیشتر تحمّل مسئولیت می‌نمایند و بیش از دیگران حاضرند برای خاطر خدا از منافع مادّی و نزدیک خود بگذرند و بیشتر خود را برای خدا در خطر می‌اندازند. این‌هایند سربلندان و طبقات بالای اجتماع. (تفسیر سوره‌ی برائت، صفحه:۳۴۴)	در جامعهٔ دینی باید از کسانی که در مقابل عوام‌زدگی عمل می‌کنند تقدیر شود.
۵۴	امّا آن آدم‌های کم‌حال و سست‌عنصر که شانه از زیرِ بار مسئولیت خالی کرده بودند، در چنین جامعه‌ای، امکان حیات و ادامه‌ی زندگی برایشان نیست؛ اگر هم زندگی کنند و بتوانند ادامه دهند، همه‌ی مردم به آن‌ها با بدبینی نگاه خواهند کرد و آن‌ها را به‌عنوانِ مسلمان واقعی نمی‌شناسند. (تفسیر سوره‌ی برائت، صفحه:۳۴۴)	عوام‌زدگی در جامعهٔ دینی، باید تبدیل به ضد ارزش شود.
۵۵	پیام [شهید] این است: اگر می‌خواهید خدا را از خودتان راضی کنید و وجودتان در راه خدا مفید واقع شود و مقاصد و اهداف عالی ربوبی و الهی درباره‌ی عالم آفرینش تحقّق پیدا کند، باید خودتان را در مقابل اهداف الهی ندیده بگیرید؛ تکلیف مالایُطاق هم نیست تا آنجایی که می‌شود. هر جایی که گروهی از انسان‌های مؤمن این کار را کردند،	پیام شهید، پرهیز از عوام‌زدگی است.

ردیف	نقل قول	مضمون پایه‌ای
	کلمهٔ خدا پیروز شد. هر جایی هم که بندگان مؤمن خدا پایشان لرزید، بدون برو برگرد، کلمهٔ باطل پیروز شد. (آفتاب در مصاف، صفحه: ٤٦٥)	

۵. مضامین سازمان‌دهنده و فراگیر عوام‌زدگی حلقه‌های میانی در اندیشهٔ آیت‌الله خامنه‌ای

مضمامین سازمان‌دهنده به مضامینی گفته می‌شود که از تلخیص و ترکیب مضامین پایه به دست می‌آید (عابدی جعفری، ۱۳۹۰: ۲۰)؛ پس از آن که مضامین پایه‌ای مبتنی بر بیانات آیت‌الله خامنه‌ای استخراج شد، نوبت به مضامین سازمان‌دهنده می‌رسد؛ در این مرحله با سازمان‌دهی مجدد مضامین پایه‌ای تلاش می‌شود که به مفاهیم انتزاعی‌تری دست یافته و به مضمون‌های اصلی‌تر و فراگیرتر رهنمون شد؛ سپس از رهگذر همین مضامین سازمان‌دهنده، مضامین فراگیر استخراج می‌شود؛ مضامین فراگیر، مضامین عالیِ دربرگیرندهٔ اصول حاکم بر متن به‌مثابهٔ کل است (همان). در جدول شماره ۲ به تعداد ۱۲ مضمون سازمان‌دهنده و ٤ مضمون فراگیر اشاره شده است.

جدول ۲. مضامین سازمان‌دهنده و فراگیر

ردیف	مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
۱	محبوبیت‌طلبی، از عوامل عوام‌زدگی است.	دنبال خواسته‌های حقیر بودن منجر به عوام‌زدگی می‌شود.	
۲	محبوبیت‌طلبی از عوامل انسان عوام‌زده است.		
۳	اسیر شدن در پنجه خواسته‌های حقیر از عوامل عوام‌زدگی است.		

ردیف	مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
٤	میل به برخورداری از وجهۀ عمومی، از عوامل عوام‌زدگی است.		عوامل عوام‌زدگی
٥	شهرت‌طلبی و محبوبیت‌طلبی از عوامل عوام‌زدگی است.		
٦	نباید دنباله‌رو افکار غلط بود؛ بلکه باید آنان را به راه درست هدایت کرد.	سطحی‌نگری منجر به عوام‌زدگی می‌شود.	
۷	برخی‌ها ناخواسته دچار عوام‌زدگی می‌شوند.		
۸	غفلت از نقاط روشن، از عوامل عوام‌زدگی است.		
۹	غرق شدن در فضای مجازی از عوامل عوام‌زدگی است.		
۱۰	میل به مسئولیت‌گریزی از عوامل عوام‌زدگی است.	میل به فرار از مسئولیت، منجر به عوام‌زدگی می‌شود.	
۱۱	میل به فرار از مسئولیت، از عوامل عوام‌زدگی است.		
۱۲	امام خمینی رحمۀالله‌علیه، عوام‌زده نبود.		
۱۳	همراهیِ انسان انقلابی با مردم، غیر از عوام‌زدگی است.		
۱٤	عشق به تودۀ مردم، غیر از عوام‌زدگی است.		

ردیف	مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
۱۵	شخص انقلابی عوام‌زده نیست و بر حقیقت پافشاری می‌کند.	انقلابی‌گری غیر از عوام‌زدگی است.	علائم عوام‌زدگی
۱۶	انسان عوام‌زده حاضر به پرداخت هزینه در راه انقلاب نیست.		
۱۷	نقد غیرمسئولانه از نشانه‌های عوام‌زدگی است.		
۱۸	انقلابی‌نمایان عوام‌زده هستند.		
۱۹	منافقان، عوام‌زده هستند.		
۲۰	نطق‌های اعتراضی انقلابی‌نمایانه از نشانه‌های عوام‌زدگی است.		
۲۱	انسان انقلابی زیر بار مسئولیت می‌رود.		
۲۲	انسان عوام‌زده، مسئولیت‌گریز است.	مسئولیت‌گریزی از نشانه‌های عوام‌زدگی است	
۲۳	انسان عوام‌زده، خود را پاسخگو نمی‌داند.		
۲۴	شانه خالی کردن از فرمان جهاد، از نشانه‌های عوام‌زدگی است		
۲۵	فرار از مسئولیت اقدامات خود، از نشانه‌های عوام‌زدگی است.		
۲۶	افزایش بی‌رویهٔ طرح‌ها در مجلس، از نشانه‌های عوام‌زدگی است.		

ردیف	مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
۲۷	تائید مطلق مردم و بی‌توجهی به واقعیات، از نشانه‌های عوام‌زدگی است.	عدم تبیین محدودیت‌های کشور از نشانه‌های عوام‌زدگی است.	
۲۸	سکوت در برابر مطالبات غیرعملی مردم از نشانه‌های عوام‌زدگی است.		
۲۹	سکوت در برابر گره‌های ذهنی مردم از نشانه‌های عوام‌زدگی است.		
۳۰	اظهارنظر درباره همهٔ مسائل کشور، از شعبه‌های عوام‌زدگی است.	عدم رعایت اولویت‌ها از نشانه‌های عوام‌زدگی است.	
۳۱	به هم ریختن اولویت‌ها از نشانه‌های عوام‌زدگی است.		
۳۲	عدم رعایت اولویت‌ها از نشانه‌های عوام‌زدگی است.		
۳۳	انسان عوام‌زده، مردم را ناامید می‌کند.	عوام‌زدگی به دیگران هم آسیب می‌زند.	
۳٤	انسان عوام‌زده، ایمان‌های مردم را تضعیف می‌کند.		
۳۵	انسان عوام‌زده، اعتماد عمومی به مسئولان را از بین می‌برد.		
۳٦	انسان عوام‌زده، آلت دست دشمن می‌شود.		

ردیف	مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
۳۷	غایت عوام‌زدگی، پشیمانی است.	عوام‌زدگی برای خود انسان هم مضر است.	عواقب عوام‌زدگی
۳۸	از عواقب عوام‌زدگی، ذلت و خواری است.		
۳۹	عاقبت عوام‌زدگی، هلاکت است.		
٤٠	عوام‌زدگی و جَوزدگی برای کشور مضر است.	عوام‌زدگی برای انقلاب اسلامی مضر است.	
٤١	افراد عوام‌زده برای انقلاب مفید نیستند.		
٤٢	از عواقب عوام‌زدگی، پیروزی کلمهٔ باطل است.		
٤٣	عوام‌زدگی به پوشیده شدن حقیقت می‌انجامد.		
٤٤	عوام‌زدگی، مفید نیست.		
٤٥	توجه به وظیفهٔ انسان، یکی از راه‌های مقابله با عوام‌زدگی است.	راهکارهای فردی مقابله با عوام‌زدگی، تهذیب نفس است.	
٤٦	ایمان، انسان را از آلوده شدن به عوام‌زدگی باز می‌دارد.		
٤٧	صبر در برابر انگیزهٔ شهرت‌طلبی و محبوبیت‌طلبی، راه مقابله با عوام‌زدگی است.		
٤٨	صبر از معصیت راه مقابله با عوام‌زدگی است.		

ردیف	مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
٤٩	زهد از دنیا، راه مقابله با عوام‌زدگی است.		شیوه مقابله با عوام‌زدگی
٥٠	پیمودن راه انبیاء، نیازمند عبور از عوام‌زدگی است.		
٥١	راه مقابله با عوام‌زدگی، تماس با مسائل کشور است.	راهکارهای اجتماعی مقابله با عوام‌زدگی، ایجاد فشار اجتماعی برای چنین اقداماتی است.	
٥٢	در جامعهٔ الهی، انسان‌های عوام‌زده نباید در آسایش باشند.		
٥٣	در جامعهٔ دینی باید از کسانی که در مقابل عوام‌زدگی عمل می‌کنند تقدیر شود.		
٥٤	عوام‌زدگی در جامعهٔ دینی، باید تبدیل به ضد ارزش شود.		
٥٥	پیام شهید، پرهیز از عوام‌زدگی است.		

٦. یافته‌ها

تحلیل مضمون بیانات آیت‌الله خامنه‌ای دربارهٔ عوام‌زدگی حلقه‌های میانی، شامل ٤ مضمون فراگیر به شرح ذیل است:

١,٦. عوامل عوام‌زدگی

از بیانات آیت‌الله خامنه‌ای چنین برمی‌آید که ایشان عوامل عوام‌زدگی را در ضعف اخلاقی و همچنین در ضعف مبانی معرفتی می‌دانند؛ انسانی که از لحاظ اخلاقی، خودساخته و مهذب نبوده و تمام تلاش خود را مصروف خواسته‌های حقیر دنیوی

نظیر کسب شهرت و محبوبیت کند، ناگزیر مبتلا به عوام‌زدگی می‌شود؛ از سوی دیگر باید توجه داشت که طبع اغلب مردم، انتقاد و نارضایتی از وضع موجود بوده و پندار عمدهٔ آنان چنین است که «وضعیت گذشته» بهتر از «وضعیت امروز» است؛ در این میان کسانی که میل به مسئولیت‌گریزی داشته و علاقه‌مندند همواره بر جایگاه مطالبه‌گری تکیه بزنند، به واسطهٔ همراهی با این پندار ذهنی مردم، عملاً آلوده به عوام‌زدگی می‌شوند؛ همچنین کسانی که دچار ضعف در مبانی معرفتی بوده و حقیقت را متناسب با خوشایند این و آن، یک امر متغیر می‌دانند سر از عوام‌زدگی در خواهند آورد.

۲،۶. علائم عوام‌زدگی

شاخصهٔ اصلی در عوام‌زدگی که دیگر علائم نیز به آن بازگشت می‌کنند، مسئولیت‌گریزی است؛ کسانی یافت می‌شوند که برای فرار از دشواری‌های پاسخ‌گویی و تبیین آن چه در کشور رخ می‌دهد، به نطق‌های اعتراضی تند و آتشین متوسل می‌شوند تا بدین ترتیب از خود رفع مسئولیت کنند؛ این مشکل زمانی بغرنج‌تر می‌شود که عده‌ای این سنخ از اقدامات را تحت عنوان انقلابی‌گری انجام می‌دهند؛ افرادی که با ایجاد دوگانهٔ «مردم» و «حکومت» و همچنین تشدید این شکاف، چنین وانمود می‌کنند که در کنار مردم قرار گرفته‌اند و کاستی‌ها و مطالبات آنان را فریاد می‌زنند! یا به‌عنوان‌مثال گاهی اوقات مشاهده می‌شود که برخی افراد برای آن که چنین وانمود کنند که دغدغهٔ مردم را داشته و پیگیر مطالبات آنان هستند، یک مسئلهٔ محلی را تبدیل به مسئلهٔ ملی کرده و خود را در صدر عناوین اخبار قرار می‌دهند! حال آن که آیت‌الله خامنه‌ای با تفکیک «انقلابی‌نمایی» از «انقلابی‌گری»، انقلابی‌نمایان را جزو عناصر عوام‌زده معرفی کرده و انقلابی‌های واقعی را کسانی می‌دانند که شانهٔ خود را زیر بار مسئولیت می‌دهند؛ به‌این‌ترتیب کسانی که همواره در حال «نِق زدن» بوده و این نهاد و آن سازمان را به انواع فساد متهم می‌کنند، نمی‌توانند در دستهٔ افراد انقلابی قرار بگیرند.

۳,٦. عواقب عوام‌زدگی

آیت‌الله خامنه‌ای عواقب عوام‌زدگی را در ۳ سطح دسته‌بندی کرده و آن را برای خود انسان عوام‌زده، برای جامعهٔ انسانی و همچنین برای انقلاب اسلامی مضر می‌دانند؛ چرا که هدف انسان عوام‌زده از این اقدامات، کسب مقام و شهرت و... بوده و حال آن که بر اثر چنین اقداماتی، دیگر جامعه‌ای باقی نخواهد ماند که او بر آن حکومت کند؛ به عبارتی این شخص غافل از آن است که بر شاخ نشسته و بُن می‌بُرد؛ عواقب عوام‌زدگی حلقه‌های میانی برای جامعه نیز آن است که جامعه را دچار ناامیدی کرده و افق‌های پیش‌روی آنان را بُن‌بست جلوه خواهد داد؛ درنهایت آسیب عوام‌زدگی برای انقلاب اسلامی نیز آن است که حقایق انقلاب و عظمت حادثه‌ای که پس از انقلاب اسلامی در کشور رخ داده است مکتوم مانده و لذا پندار بخشی از مردم چنین شود که وضعیت کشور در دوران حکومت پهلوی بهتر از دوران جمهوری اسلامی بوده است!

۴،۶. شیوهٔ مقابله با عوام‌زدگی

بر اساس بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، مقابله با عوام‌زدگی را در دو ساحت فردی و اجتماعی می‌توان پیگیری کرد؛ در ساحت فردی شایسته است که به تهذیب و تزکیهٔ نفس همت گماشته و فضائل اخلاقی نظیر زهد، صبر و... را در خود تقویت کرد؛ در ساحت اجتماعی نیز باید شرایطی را رقم زد که عوام‌زدگی به ضد ارزش تبدیل شده و فشار اجتماعی مانع از آن شود که عده‌ای به سمت عوام‌زدگی گرایش پیدا کنند؛ اگر چنانچه در یک جامعه، کسانی که دچار عوام‌زدگی شده‌اند ارج و منزلت پیدا کنند، طبیعی است که دیگران نیز تشویق به اتخاذ چنین رویکردی می‌شوند؛ لذا باید به‌وضوح روشن شود که «انقلابی‌گری» غیر از «عوام‌زدگی» بوده و باید تابلوی انقلابی‌گری را از دست عوام‌زدگان خارج کرد.

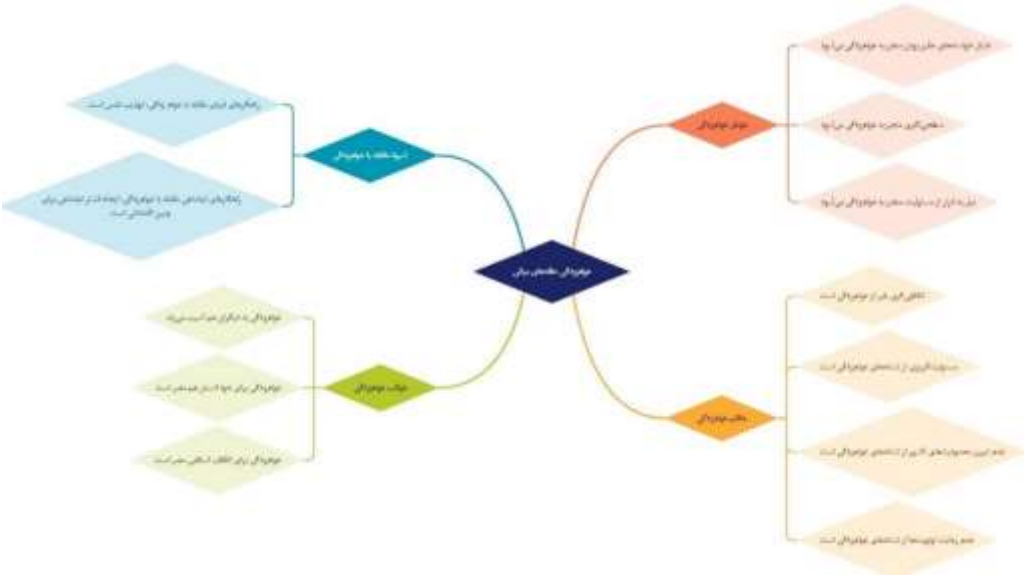

شکل ۱. شبکه مضامین عوام‌زدگی حلقه‌های میانی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، عوام‌زدگی حلقه‌های میانی در اندیشهٔ آیت‌الله خامنه‌ای مورد بررسی قرار گرفت؛ در ضمن برشمردن عوامل و علائم عوام‌زدگی، روشن شد که عوام‌زدگی حلقه‌های میانی یک چالش اساسی بوده و مقابله و مبارزه با آن باید جزو اولویت‌ها قرار بگیرد؛ غفلت و بی‌توجهی نسبت به این چالش، قابلیت آن را دارد که تمام زحماتی که در طول این سال‌ها برای انقلاب اسلامی کشیده شده است، از بین ببرد؛ مشخص شد که عوام‌زدگی ارتباط تنگاتنگی با «مسئولیت‌گریزی» و «اسیر شدن در پنجهٔ خواسته‌های حقیر دنیوی» داشته و هر کسی که گرفتار این ویژگی‌ها باشد، چالش عوام‌زدگی را نیز تجربه خواهد کرد؛ گفتنی است که برای غلبه بر این چالش نیز نباید انتظار معجزه از طرف افراد دیگر را داشت بلکه ریشه‌کن کردن چنین پدیده‌ای، همت خود حلقه‌های میانی را می‌طلبد که باید با ورود صحیح و حساب شده به این عرصه، راه را بر هرگونه از ابراز عوام‌زدگی مسدود کنند؛ چراغ راه نیز برای پیمودن این مسیر، بیانات آیت‌الله خامنه‌ای بوده و شایسته است با فهم اجتهادی از نظام فکری آیت‌الله خامنه‌ای، از بروز این چالش و چالش‌هایی نظیر آن جلوگیری کرد.

پیشنهاد می‌شود برای پژوهش‌های آینده، مرزهای «عوام‌زدگی» و «انتقاد صحیح» به صراحت ترسیم و تفکیک شده و به این پرسش پاسخ داده شود که چگونه می‌شود انسان از مسائل و مسئولان کشور انتقاد کند و در عین حال دچار عوام‌زدگی و آسیب‌هایی نظیر آن نشود؟

فهرست منابع

- خامنه‌ای، علی (۱۳۹۲)، آفتاب در مصاف، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی
- خامنه‌ای، علی (۱۴۰۱)، تفسیر سوره برائت، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی
- خامنه‌ای، علی (۱۴۰۲)، تفسیر سوره منافقون، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی
- خامنه‌ای، علی (۱۳۹۱)، درس‌های پیامبر اعظم صلّی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلّم، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی
- خامنه‌ای، علی (۱۳۹۸)، گام دوم، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی
- خامنه‌ای، علی (۱۴۰۲)، گفتاری در باب صبر، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳)، لغت‌نامه دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- ذوعلم، علی (۱۴۰۱)، برخی مفاهیم اساسی در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی
- عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمد سعید؛ فقیهی، ابوالحسن؛ شیخ‌زاده، محمد (۱۳۹۰)، تحلیل مضمون و شبکه مضامین روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی، اندیشه مدیریت راهبردی، شماره ۱۰.
- مشکینی اردبیلی، علی (۱۳۹۲)، المواعظ العددیهٔ (نصایح شمارشی)، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث

نهادهای پیشرفت بنیاد علوی الگو و تجربه برآمده از نظریه «حلقه‌های میانی» در سطح منطقه‌ای (شهرستان)

محمدعلی اصغرزاده

چکیده

الگوی آبادانی و پیشرفت جامع مناطق محروم تحت عنوان «نشا» از نیمه دوم سال ۹۸ در دستور کار بنیاد علوی (بازوی محرومیت‌زدایی بنیاد مستضعفان) قرار گرفته است. این الگو بر پنج اصل هم‌یاری، نهادگرایی، جامعیت، اثربخشی و پایداری بنا نهاده شده است. در اصل نهادگرایی عنوان شده است که همه‌ی افراد جامعه در پیشرفت حائز اهمیت هستند اما بر اساس دیدگاه قرآن کریم در آیه ۲۰۰ سوره مبارکه آل‌عمران «یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا اصبروا وَ صابروا وَرابطوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّکُم تُفلحونَ» رابطه میان مؤمنین در این بحث موضوعیت دارد. «رابطوا» در حقیقت به معنای «اقدام هماهنگ، پیوسته و متصل مؤمنین تحت فرمان امام حق» است. لذا ضروری است که افراد در سطوح و فعالیت‌های مختلف با هم متشکل شوند تا آبادانی و پیشرفت تحقق یابد. درواقع این تشکل‌ها همان جریان حلقه‌های میانی هستند که در بیانیه گام دوم انقلاب تبیین شده‌اند. مأموریت اصلی نهاد پیشرفت، تبدیل شدن به حلقه میانی برای جوشش و جلب مشارکت مردم برای پیشرفت منطقه است. تا نیمه دوم سال ۱۴۰۰ این الگو مبنای برنامه‌ریزی و اقدام در ۳۵ منطقه با پراکندگی در ۲۶ استان کشور قرار داشت. جهت گردآوری و تحلیل تجارب ۳۵ نهاد پیشرفت از رهاوردهای ارائه شده از ۱۴ عضو ستادی بنیاد علوی و همچنین ۲۲ مصاحبه با دبیران نهاد و ۱۰ مصاحبه با اعضای معاونت آبادانی و پیشرفت مناطق بنیاد علوی و ۱۴ مصاحبه با مدیران و کارشناسان مجموعه‌های تخصصی زیرمجموعه بنیاد علوی استفاده شده است. این تجارب موفق و ناموفق گرانسنگ جهت ایجاد و پایدارسازی حلقه‌های میانی در سطح منطقه‌ای می‌توانند قابلیت تعمیم به نهادهای حاکمیتی و مردمی را داشته باشند.

واژگان کلیدی: نهاد پیشرفت، بنیاد علوی، حلقه‌های میانی، منطقه‌ای، مصاحبه، سازمان یادگیرنده.

مقدمه

طرح آبادانی و پیشرفت جامع مناطق محروم از سال ۱۳۹۳ با توصیه و رهنمون آیت‌الله خامنه‌ای در دستور کار بنیاد مستضعفان و به‌تبع آن بنیاد علوی (بازوی محرومیت‌زدایی بنیاد مستضعفان) قرار گرفته است. «یک منطقه را در نظر بگیرید، آنگاه بپردازید به رفع محرومیت از آن منطقه، به ایجاد اشتغال، ایجاد رونق و هر کاری که لازم دارد. یک منطقه را از آب‌وگل بیرون بیاورید» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۳).

طرح آبادانی و پیشرفت بنیاد علوی به‌عنوان یک الگوی توسعه‌ی همه‌جانبه و پایدارِ مناطق محروم، در نیمه دوم سال ۱۳۹۳ به‌صورت آزمایشی در شهرستان قلعه‌گنج – یکی از محروم‌ترین نقاط جنوب استان کرمان– آغاز به کار نمود و طی ۵ سال فعالیت مستمر با توفیقات و دستاوردهایی همراه بوده است.

پس از بررسی علمی و میدانی نقاط قوت و ضعف در تجربه شهرستان قلعه گنج و تعمیم الگو به ۱۱ منطقه محروم دیگر؛ در سال ۱۳۹۸ با حکم آیت‌الله خامنه‌ای، فصل جدیدی از طرح آبادانی و پیشرفت بنیاد علوی بازطراحی و بازمهندسی شد و تحت عنوان الگوی «نشا» برای ۳۵ منطقه محروم و کمتربرخوردار کشور در دستور کار قرار گرفت.

«توسعه الگوی آبادانی و پیشرفت جامع مناطق محروم با عنایت به الگوی به‌کارگرفته‌شده در قلعه گنج ضمن تقویت نقاط قوت و اصلاح کاستی‌های احتمالی انجام گردد» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۸).

بنیاد مستضعفان متمایز از سایر مجموعه‌های محرومیت‌زدای کشور به‌منظور تحقق منویات آیت‌الله خامنه‌ای با بررسی الگوهای موفق و کارآمد ملی برنامه‌ریزی منطقه-ای (به‌ویژه تجربیات ارزنده جهاد سازندگی) و نیز بررسی چندین تجربه بین‌المللی، الگوی اولیه آبادانی و پیشرفت جامع مناطق محروم را بر اساس مبانی و اصول اسلامی طراحی نمود. این طرح الگویی پویا، جامع‌نگر و دانش‌محور در راستای

محرومیت‌زدایی، عدالت اجتماعی، رشد اقتصادی و حفاظت از منابع پایه بوده که در تعامل فعال با جوامع محلی و بخش دولتی، ۷ سرمایه پیشران منطقه را مورد توجه و اهتمام قرار می‌داد.

آنچه در ادامه می‌آید چکیده‌ای از الگو و ساختار پیاده‌سازی الگوی پیشرفت و آبادانی جامع (نشا) است که مبتنی بر بازخوانی و آسیب‌شناسی تجربه قلعه گنج و نیز مقایسه تطبیقی این پروژه با تجربیات مشابه ملی و بین‌المللی است که از نیمه دوم سال ۹۸ تا نیمه دوم سال ۱۴۰۰ در دستور کار بنیاد علوی قرار گرفته است.

از جمله اصلاحات اعمال شده در الگو، نقش اساسی دادن به نهادهای پیشرفت بود. این نهادها در الگوی جدید از طرفی جایگزین شرکت‌های مشاور برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای شدند و از طرف دیگر جایگزین نیروی‌های بنیاد علوی در منطقه شدند؛ تا بدین ترتیب علاوه بر آنکه میان برنامه و اجرا هماهنگی بیشتری ایجاد شود؛ به دلیل جهادی و بومی بودن طرح اثربخشی و پایداری بیشتری داشته باشد؛ اما مهم‌ترین نقش اعضای نهاد پیشرفت به‌عنوان حلقه میانی ایجاد جوشش و جلب مشارکت مردم در نظر گرفته شد. در این مقاله تلاش شده است که نقش نهادهای پیشرفت در پیاده‌سازی پنج اصل هم‌یاری، نهادگرایی، جامعیت، اثربخشی و پایداری الگوی نشا تبیین و بررسی گردد.

معرفی الگوی نشا

مبانی و اصول الگوی نشا

هر الگوی جامعی نیازمند طراحی جامع در مبانی، اصول، ساختار، اقدام و ارزیابی است. جهت تعیین مبانی و اصول در الگو می‌توان به دو روش اقدام نمود؛ ۱- از منابع اصلی مانند قرآن و روایات شروع نمود تا با استفاده از روش‌های تحقیق مبانی و اصول احصا گردد ۲- مبنی بر سازمان یادگیرنده از بررسی تجارب موفق و ناموفق ملی و بین‌المللی شروع نمود و بر اساس چهارچوب اسلامی مبانی و اصول احصا گردد و در ادامه فرایند در صورت نیاز تصحیح و تکمیل صورت گیرد. در نسخه‌ی

اول الگوی نشا با استفاده از روش دوم ده مبانی و اصول تعیین گردید: خداباوری – مردم‌محوری – اصالت و اولویت مستضعفین در منظومه خدمت‌رسانی – مسئله‌محوری – نهادسازی و نهادسپاری – توازن، فراگیری، پایداری و تاب‌آوری – تمرکز عملیاتی – تخصص‌گرایی و شایسته‌سالاری – تقید به مشارکت بین بخشی و بین‌دستگاهی.

با توجه به تجارب کسب شده در مناطق مختلف، بازخوردهای میدانی اجرای طرح و همچنین با مشارکت خبرگان، صاحب‌نظران در طول مسیر تصحیح و تکمیل گردید؛ در آخرین نسخه تهیه شده مبانی و اصول در دسته‌های جداگانه تدوین گردید. امام و امّت – عدالت – مستضعفین به‌عنوان مبانی و هم‌یاری – نهادگرایی – جامعیت – اثربخشی – پایداری ذیل اصول تعیین گردیدند. در ادامه اصول پنج‌گانه به‌اختصار ارائه شده‌اند.

اصل هم‌یاری: «ما هنوز تا یک جامعه کاملاً اسلامی که نیک‌بختی دنیا و آخرت مردم را به طور کامل تأمین کند و تباهی و کجروی و ظلم و انحطاط را ریشه‌کن سازد فاصله زیادی داریم، این فاصله باید با همت مردم و تلاش مسئولان حل شود» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۶۹/۰۳/۱۰).

علاوه بر فاصله زیاد مناطق هدف با نقطه مطلوب، بر اساس مبانی عنوان‌شده مردم باید میدان‌دار پیشرفت باشند و دولت باید نقش‌ها و وظایف خود را به درستی و به شکل کامل ایفا کند. ادبیات علمی توسعه نیز به دسته‌بندی نقش مردم و دولت پرداخته است. توجه به مردم یا جامعه محلی پیوستاری است که از حضور منفعل مردم محلی در پروژه آغاز شده و تا فعالیت و مشارکت خودجوش آن‌ها ادامه دارد. این پیوستار که در ادبیات برنامه‌ریزی و مدیریت مشارکتی به «نردبان مشارکت» شهرت دارد، عبارت است از:



شکل ۱: نردبان مشارکت

درصورتی‌که این دسته‌بندی پذیرفته شود؛ الگوی نشا، به دنبال تحقق بالاترین سطح این پیوستار یعنی «مشارکت خودجوش» جامعه محلی خواهد بود. با این توضیح تکمیلی که نقطه‌ی مطلوب بر اساس مبانی بیان‌شده، مشارکت خودجوش امت حول امام جامعه در مسیر آبادانی و پیشرفت منطقه است. در این سطح، جامعه محلی در چهارچوب مبانی ایمانی خود به طراحی، اجرا و ارزیابی برنامه‌های پیشران اقتصادی و اجتماعی پرداخته و مداخلات عوامل بیرونی عمدتاً در مقام مشاور و پشتیبان تصمیمات، برنامه‌ها و اقدامات مردمی خواهد بود. جهت تحقق چنین ارتباط و نسبتی لزوم ایجاد و فعالیت نهادهای پیشرفت به‌عنوان حلقه‌های میانی محسوس می‌شود.

اصل نهادگرایی: همه‌ی افراد جامعه در پیشرفت حائز اهمیت هستند اما بر اساس دیدگاه قرآن کریم در آیه ۲۰۰ سوره مبارکه آل‌عمران «یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا اصبِروا وَصابِروا وَرابِطوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّکُم تُفلِحونَ» رابطه میان مؤمنین در این بحث موضوعیت دارد. «رابطوا» در حقیقت به معنای «اقدام هماهنگ، پیوسته و متصل مؤمنین تحت فرمان امام حق» است. لذا ضروری است که افراد در سطوح و فعالیت‌های مختلف با هم متشکل شوند تا آبادانی و پیشرفت تحقق یابد. درواقع این تشکل‌ها همان حلقه میانی‌ای است که در بیانیه گام دوم انقلاب تبیین شده است. الگوی نشا با اتکا بر این اصل، تقویت و ایجاد تشکل‌های بومی را در عرصه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی مدنظر قرار داده است. مأموریت اصلی نهاد پیشرفت، تبدیل شدن به حلقه میانی برای جوشش و جلب مشارکت مردم برای پیشرفت جامعه است.

از طرف دیگر، ورود مستقیم به عرصه اجرا حجم گسترده‌ای از فعالیت‌ها را به ساختار بنیاد علوی تحمیل کرده و معمولاً فرصت برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و نظارت را از آن سلب کرده است. بر این اساس الگوی نشا در تمامی فرآیندهای خود تا حد امکان از تصدی‌گری پرهیز نموده و بهره‌برداری از ظرفیت نهادها و مؤسسات مردمی و خصوصی را در دستور کار قرار داده است.

نهادسازی و نهادسپاری، با هدف شکل‌گیری مشارکت خودجوش و حداکثری جامعه محلی، علاوه بر کاستن از بار اجرایی فعالیت‌ها، به تقویت و تثبیت نهادهای مردمی می‌انجامد. این امر به‌تدریج به شکل‌گیری اکوسیستمی طبیعی در مسیر آبادانی و پیشرفت منجر خواهد شد.

لازم به ذکر است که در این اصل علاوه بر تشکل‌های اقتصادی و اجتماعی مردمی، نشا در نسبت با دستگاه‌های دولتی و حاکمیتی نیز، با عبور از انجام مستقیم وظایف رسمی و سازمانی آن‌ها، سعی در تسهیلگری و مطالبه‌گری ایفای نقش به‌موقع، به‌جا و بهینه آن‌ها در پیشرفت شهرستان خواهد داشت. برای تحقق این منظور،

توانمندسازی و فعال‌سازی ظرفیت‌های بخش دولتی، تعریف مشوق‌ها و مکمل‌های برنامه‌ای و نیز هماهنگی و هم‌افزایی با دستگاه‌های دولتی در برنامه‌ریزی و اجرای الگوی نشا تعریف شده و به‌مراتب پیش‌برنده خواهد بود.

با توجه به اصل هم‌یاری، وجود نهادها و سازمان‌های عنوان‌شده نباید منجر به کمرنگ‌شدن نقش مردم شود؛ بلکه این نهادها نقش هدایت‌گری، حمایت‌گری و تسهیل‌گری ایفا می‌نمایند. به‌عبارت‌دیگر نهاد پیشرفت و گروه‌های جهادی نباید جای مردم قرار بگیرند. علاوه بر اینکه خاستگاه این نهادها بستر مردمی جامعه است، همزیستی ایشان با مردم نیز کلید موفقیت، پایداری و تأثیرگذاری حداکثری ایشان خواهد بود.

لازم به ذکر است که کلیه عوامل و دست‌اندرکاران طراحی و اجرای الگوی آبادانی و پیشرفت جامع نشا، بر مبنای سازوکاری شایسته‌محور و همچنین فرآیند ارزیابی مدون، شناسایی و گزینش شده و پس از آموزش و تائید صلاحیت فنی به‌کارگیری می‌شوند. سه ویژگی مشترک در بین کلیه عوامل عبارت‌اند از: اخلاق‌مداری و التزام به ارزش‌های اعتقادی – سخت‌کوشی و مسئولیت‌پذیری – تسلط به دانش و مهارت‌های عمومی به‌ویژه تفکر خلاق، روحیه کار تیمی، توان شبکه‌سازی، تسهیل‌گری و فراتسهیل‌گری، مهارت‌های رفتاری و ارتباطی.

اصل جامعیت: مفهوم جامعیت در الگوی نشا از سه ویژگی کلیدی برخوردار خواهد بود:

توازن محورهای خدمات‌دهی: برخلاف بسیاری از طرح‌ها و الگوهای توسعه‌ای، نشا سعی دارد تا با عبور از بخشی‌نگری، جمیع ابعاد پیشرفت شهرستان را به‌صورت متوازن و متعادل تعقیب کند. به همین منظور، چهارچوب برنامه‌ای نشا از چهار محور پیروی می‌کند: فرهنگ و اجتماع، معیشت و اشتغال، عمران و آبادانی و بهداشت و سلامت. در زیربخش‌های هر چهار محور به کلیه ابعاد پیشرفت و آبادانی شهرستان‌های کم‌برخوردار کشور بایستی توجه شود.

فراگیری خدمات و برنامه‌ها: مراد از فراگیری خدمات، گستره خدمات‌دهی نشا در سطح منطقه است. در وهله اول تمامی نقاط شهری و روستایی دور و نزدیک منطقه هدف را منتفع ساخته و در مرتبه دوم، به تناسب برای تمامی گروه‌های سنی و اقشار جامعه محلی برنامه دارد. البته بدیهی است که در برنامه‌ریزی اجرای این الگو اولویت‌هایی در نظر گرفته شده و بستر فراگیری در زمان خروج بنیاد علوی می‌توان ادعا نمود. البته لازم به ذکر است که مشارکت و جوشش مردم محلی خط سیر عملیات نشا را در سطح شهرستان تعریف می‌کند؛ بنابراین ضریب نفوذ و فراگیری خدمات تا حد زیادی به خواست، تقاضا و مشارکت مردمی نیز وابسته خواهد بود.
تاب‌آوری: آینده‌نگری و توجه به تحولات محلی و فرامحلی در برنامه‌ریزی و در مقابل، پذیرش حد معقولی از انعطاف و پیش‌بینی تمهیدات مناسب تا حد زیادی به پایداری الگو در بلندمدت کمک خواهد کرد. در الگوی نشا، در کنار توجه به دو مؤلفه فوق‌الذکر، توجه و اهتمام ویژه‌ای نسبت به مفهوم تاب‌آوری صورت می‌گیرد. تاب‌آوری در نشا از سه منظر تعقیب می‌شود:

- مدیریت منابع انسانی: آموزش و توان‌افزایی نیروی انسانی در تمام سطوح و تجهیز ایشان به مهارت‌هایی از جنس تفکر طراحانه تا حد زیادی این مهم را تقویت می‌کند. علاوه بر این، در جذب و به‌کارگیری نیروی انسانی، شناسایی جانشین (جهت استقرار در مواقع ضروری) همواره مورد توجه خواهد بود.
- مدیریت تعاملی: در الگوی نشا، برنامه‌ریزی به‌صورت پایین به بالا و همچنین بالا به پایین انجام شده و حتی‌المقدور ایجاد و تقویت تیم‌های محلی شناخت و حل‌مسأله در اولویت بود. همچنین سند جامع پیشرفت شهرستان پس از تصویب، در سامانه نرم‌افزاری نشا بارگذاری شده و پیشرفت پروژه به‌صورت نرم‌افزاری و پویا کنترل

می‌شود. این موارد امکان تغییرات و بازآرایی در مواجهه با پیشامدهای غیرمترقبه را تسهیل می‌کند.

- مدیریت دانش: مستندسازی و تجربه‌نگاری یکی از وظایف لاینفک کلیه عوامل و عناصر نشا است که به‌واسطه رسوب دانش و تجربه در ساختار، نقش مؤثری در افزایش تاب‌آوری الگو خواهد داشت.

نهادهای پیشرفت جهت تحقق اصل جامعیت در ساختار کارکرد ویژه‌ای دارند. اعضای نهادهای پیشرفت به دلیل بومی بودن یا نزدیک بودن به بوم و داشتن روحیه جهادی ظرفیت چنین نقش‌آفرینی را دارند.

اصل اثربخشی: نشا بر این باور است که اولویت‌بندی و انتخاب مشخص و محدودِ حوزه‌ی فعالیت‌ها متناسب با ظرفیت (در هر مرحله از پروژه)، باعث می‌شود توان محدود پشتیبانی با پراکنده‌کاری به هدر نرفته و به‌واسطه تمرکز نیروها و امکانات، امکان دریافت خروجی مناسب افزایش یابد. به‌منظور تحقق اصل اثربخشی، باهم‌نگری چهار گزاره ذیل ضروری است:

توان نشا محدود است و اگر تمامی موضوعات و مسائل ریز و درشت جامعه محلی را هدف قرار دهد، دچار نوعی کل‌نگری شده و با عبور از جزئیات در هیچ یک از موضوعات خروجی مطلوبی کسب نخواهد کرد؛

مسائل منتخب در چهار محور اصلی نشا، خاستگاه مردمی‌داشته و از دغدغه‌های اولویت‌دار بخش عمده‌ای از جامعه محلی محسوب می‌شود. اگر در این مسائل تمرکز صورت پذیرد، به‌واسطه مشارکت حداکثری جامعه محلی، با فعالیت اندک می‌توان بهبود شرایط کار و زندگی بخش عمده‌ای از مردم محلی کمک کرد؛

موفقیت در رفع مسائل محوری و اجرای اقدامات پیشران به شکل چشمگیری در افزایش اعتماد عمومی و انگیزه‌ها و قابلیت‌های نهادی مؤثر خواهد بود؛

تمرکز بر مسائل اولویت‌دار و استقرار واحدهای برنامه‌ریزی (اتاق فکر) و شبکه‌های خبرگانی، تبادل تجربیات بین مناطق و کنترل پروژه را در سطح ملی به‌مراتب تسهیل می‌کند.

عصاره این چهار بند در کلام آیت‌الله خامنه‌ای جلوه‌گر شده است: «ما نمی‌خواهیم فقط کار کنیم؛ ما می‌خواهیم محرومیت را از بین ببریم و محروم را از محرومیت خارج کنیم؛ هدف این است» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۷۰/۵/۲۳).

از جمله موانع و سختی‌های پیشرفت منطقه‌ای، اثبات اثربخشی در کوتاه و حتی میان‌مدت با وجود کمبودهاست. ازاین‌رو جز با نیروی انسانی حاضر در میدانی که با به کار گرفتن روحیه جهادی، انرژی جوانی و دغدغه رفع محرومیت و تحقق پیشرفت نمی‌توان چنین اصلی (اثربخشی) را بر پا نمود.

اصل پایداری: بر اساس الگوی نشا، بنیاد علوی نباید به طور دائمی در یک منطقه مستقر شود. نشا در نخستین گام‌های ورود به منطقه هدف، استراتژی خروج را طرح‌ریزی می‌کند. این استراتژی‌ها عبارت‌اند از: ساختارهای نهادی که در طول اجرای الگو در سطح شهرستان و نیز در سطوح محلی مستقر شده‌اند و مستمراً به‌عنوان قطعات کلیدی پازل آبادانی و پیشرفت شهرستان تثبیت و توانمند می‌شوند، رویکرد مشارکتی الگو در برنامه‌ریزی، اجرا و پایش خدمات و نیز دعوی تسهیلگری و شأن مشارکت‌جویانه نشا و نه تصدی‌گری آن در کلیه امور مالی و اجرایی، هر یک به‌نوعی به پایداری خدمات کمک می‌کنند. اگرچه این مهم به‌واسطه جلب مشارکت محلی در برخی از موارد سرعت برنامه را کند می‌کند؛ ولیکن برآیند مثبتی داشته و خود، تسهیلگر و تعدیل‌گر پایداری ساختار و اقدامات خواهد بود. تداوم و پایداری خدمات و نهادهای تقویت و ایجادشده در فرایند پیاده‌سازی الگوی نشا اصل بسیار مهمی است و اگر برنامه‌ای پیشنهاد شود که این اصل را رعایت نمی‌نمود در دستور کار نبایستی قرار می‌گرفت.

مبانی و اصولی که در بالا مرور شدند، به‌منظور ایجاد انسجام در برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات الگوی نشا در جهت حرکت پیوسته به سمت افق مدنظر تدوین شده‌اند.

ساختار اجرایی الگوی نشا

تحقق مأموریت بنیاد علوی مبنی بر طراحی، پیاده‌سازی و تعمیم الگوی آبادانی و پیشرفت جامع مناطق محروم مستلزم حرکت همگرا، هم‌آهنگ، هم‌افزا و سیستماتیک کلیه ارکان ساختاری مجموعه است. ساختار نشا به‌طورکلی از سه سطح ملی، شهرستانی و محلی تشکیل شده است. هر یک از این سه سطح، خود متشکل از ساختاری درونی است که در ادامه به‌اختصار تبیین می‌شود:



شکل ۲: ساختار الگوی نشا

سطح ملی: الگوی نشا از دو زیربخش اصلی در سطح ملی تشکیل می‌شود؛ ستاد بنیاد علوی با محوریت معاونت آبادانی و پیشرفت مناطق محروم بنیاد علوی و مدیران طرح:

معاونت آبادانی و پیشرفت: شامل عوامل مستقر در دفتر مرکزی و راهبران منطقه می‌شود که ارتباط بین صف (منطقه) و ستاد را برقرار می‌کنند. نشا در سطح ملی از ستادی تشکیل شده که عهده‌دار سیاست‌گذاری کلان، تدوین مبانی و اصول الگو در طراحی‌ها و اجرا، پشتیبانی مالی، لجستیکی و توانمندسازی نهادهای پیشرفت (واحدهای شهرستانی) و همچنین راهبری و نظارت عالیه بر عملکرد آن‌ها، رایزنی‌های بین‌بخشی و بین‌دستگاهی و تسهیل‌گری‌های حقوقی و اداری است. از جمله وجوهی که فعالیت ستاد را با مجموعه‌های دیگر متمایز می‌کند، اهتمام جدی به طراحی و ارتقای الگوی آبادانی و پیشرفت جامع است.

در این راستا، اقدامات زیر از سوی این واحد انجام می‌گردید: بررسی تطبیقی الگوهای مرتبط و تدوین و توسعه الگوی روش‌شناختی نشا به انضمام طراحی و اجرای آزمایشی (پایلوت) الگو طی هر ویرایش و نیز بازخوردگیری میدانی و اصلاح مستمر فرآیند مبتنی بر اقدام‌پژوهی، به علاوه تشکیل و هماهنگی مدیران طرح و شبکه خبرگانی (متناظر با محورهای فعالیت نشا) با هدف راهبری و کنترل فنی عرصه‌های چهارگانه. همچنین، طراحی نرم‌افزار هر یک از محورهای الگوی نشا با مشارکت مدیران طرح از کارویژه‌های این واحد محسوب می‌شود. علاوه بر اقدامات فوق، با هدف راهبری اسناد پیشرفت روستا/محله و اسناد پیشرفت جامع شهرستان در سطح ستادی به بررسی و ارزیابی محتوایی و فرایندی آن‌ها پرداخته می‌شود. منظور از محتوایی، رعایت گام‌های ذکرشده در الگوی نشا از قبیل احصاء هفت سرمایه، تدوین چشم‌انداز، مسأله‌یابی و برنامه‌های اقدام در تهیه اسناد پیشرفت است؛ و از لحاظ فرایندی، تأکید بر رعایت الگوی نقش‌آفرینی ارکان ساختاری نشا است. به دلیل تخصص‌محوری و پیچیدگی فرایند تهیه سند پیشرفت جامع شهرستان، در

مطالعه و بررسی کلیه اسناد توسعه و برنامه‌ریزی بالادستی مناطق هدف و همچنین تلفیق و تحلیل اسناد پیشرفت روستا/محله تا سطح شهرستان مداخله ستاد ملی پررنگ‌تر است. جهت تحقق این امر اشراف بر کلیه اسناد توسعه و برنامه‌ریزی بالادستی مرتبط با مأموریت بنیاد علوی در سطح ملی الزامی است.

- مدیر طرح: در ستاد ملی متناسب با هر یک از محورهای چهارگانه یک نهاد متخصص و انقلابی و در عین حال پیشرو، صاحب‌نام و صاحب‌تجربه در عرصه مربوطه به‌عنوان مدیر طرح یا اصطلاحاً عامل چهارم انتخاب شده و مسئولیت مدیریت طرح را بر عهده گرفته است. منظور از مدیر طرح شرکت‌های زیرمجموعه و یا طرف قرارداد بنیاد علوی، متشکل از خبرگان کارآزموده و نام‌آشنای ملی است که متناظر با محورهای فعالیت نشا انتخاب شده‌اند. علاوه بر تسلط و تخصص فنی، مهم‌ترین ویژگی و کارکرد این مدیران در نشا توسعه شبکه ارتباطات حرفه‌ای در حوزه تخصصی است. سیاست‌گذاری کلان عرصه‌های تخصصی، تاییدصلاحیت و توان‌افزایی کارشناسان فنی نهادهای پیشرفت شهرستانی، ارائه خدمات مشاوره و پشتیبانی تخصصی، کنترل فنی طرح و برنامه‌های تخصصی وصول‌شده از مناطق و نیز طرح‌های پیشنهادی ارجاع شده به نشا، از جمله وظایف پیش‌بینی‌شده برای کمیسیون‌های تخصصی است. علاوه بر این، متناسب با مسائل پرتکرار شهرستان‌های کم‌برخوردار هدف و جوامع محلی بهره‌بردار، مدیران طرح مکلف به توسعه شبکه خبرگانی و تشکیل میزهای تخصصی بود. مهم‌ترین مسئولیت آن‌ها تدقیق و تعمیق برنامه‌ها و اقدامات حوزه تخصصی خود به‌ویژه حول موضوعات و مسائل مبتلابه پروژه در سرفصل‌های موضوعی مربوطه است. در این تقسیم کار، بنیاد فرهنگی خاتم‌الاوصیا (عج) مدیریت طرح محور فرهنگ و اجتماع، شرکت اسکان ایرانیان و پارس مدیریت طرح محور عمران و آبادانی، شرکت توسعه

تجارت زرفام کیش مدیریت طرح محور معیشت و اشتغال و هلدینگ سلامت پایا سینا مدیریت طرح محور بهداشت و سلامت را بر عهده گرفته و در عین هماهنگی کامل با ستاد ملی نشا، محور مربوطه را به لحاظ تخصصی راهبری می‌نمایند.

با توجه به نقش‌های عنوان‌شده، مدیران طرح خدمات ذیل را ارائه می‌کنند: سیاست‌گذاری و تعیین خط‌مشی‌های محوری حوزه تخصصی؛ تولید بسته‌های محتوایی و آموزشی مبتنی بر سیاست‌ها؛ تدوین پرسش‌نامه هدفمند جهت هدایت و یکپارچه‌سازی مطالعات پایه و مشارکتی؛ تدوین مدل شایستگی کارشناسان و پشتیبان‌های محلی؛ تائید صلاحیت، توجیه، آموزش و شبکه‌سازی کارشناسان و پشتیبان‌های محلی مرتبط با حوزه تخصصی؛ تدوین و استانداردسازی RFP و ابلاغ به نهاد پیشرفت از طریق تیم راهبر منطقه؛ کنترل، غربال‌گری و تائید فنی برنامه عمل ذی‌ربط وصول‌شده از جانب نهاد پیشرفت؛ شبکه‌سازی تخصصی حول نظام مسائل احصا شده از میدان و جذب هدفمند کارشناسان خبره ناظر بر نظام مسائل؛ کنترل، غربالگری و تائید فنی بسته‌های پیشنهادی ذی‌ربط وصول شده از خارج بنیاد جهت پیشنهاد به نهاد پیشرفت؛ پایش و مستندسازی تجربیات موفق و ناموفق نهادهای پیشرفت در حوزه تخصصی.

سطح شهرستان: در ساختار نشا قدرت طراحی و اجرای پروژه‌های خرد و متوسط، مبتنی بر آیین‌نامه‌ای ضابطه‌مند و به‌صورت کنترل‌شده، به نهاد پیشرفت منتقل شده و این نهاد مسئولیت حسن اجرای پروژه‌ها را بر عهده خواهد داشت. مدیران طرح در مقام نظارت و پشتیبانی فنی ایفای نقش نموده و بنیاد علوی مسئولیت سیاست‌گذاری، تصویب طرح‌ها و توزیع متمرکز منابع را بر عهده خواهد داشت. در این ساختار، راهبر نماینده مستقیم بنیاد در سطح منطقه بوده و تیم راهبری منطقه (نمایندگان منطقه‌ای مدیران طرح) تحت نظر راهبر، عهده‌دار نظارت و تنظیم‌گری روابط بین‌بخشی سیستم در سطح منطقه بود.

استمرار مسیر آبادانی و پیشرفت در گرو مشارکت خودجوش، مؤثر و مستمر مردمی و نیز ارتباط و هم‌افزایی سه ضلع دولت، مردم و بخش خصوصی است. در صورت فقدان این مشارکت، تمامی اقدامات عوامل بیرونی (نظیر بنیاد) ناپایدار خواهد بود. لذا تقویت ساختارهای اجتماعی و بهره‌مندی حداکثری از توان جمعی مردم، یکی از راهبردهای کلیدی بوده و نشا نیز بر این اساس حتی‌المقدور به واگذاری و برون‌سپاری امور پروژه به عناصر ذی‌صلاح محلی اهتمام ورزیده است. ساختار نهادی نشا در سطح شهرستان از سه ضلع مشتمل بر کانون آبادانی و پیشرفت، نهاد پیشرفت و نهایتاً ستاد پیشرفت تشکیل می‌شود:

۱) **نهاد پیشرفت:** ترکیبی از نخبگان و خبرگان دغدغه‌مند نسبت به پیشرفت منطقه است که مداخله‌گر اصلی الگوی نشا و نماینده بنیاد علوی در سطح شهرستان خواهد بود. بنیاد در عمل سعی دارد خدمات و اقدامات خود را ناظر بر برنامه-ریزی مشارکتی، به‌صورت غیرمستقیم و در پشتیبانی از نهاد پیشرفت به شهرستان گسیل کند.

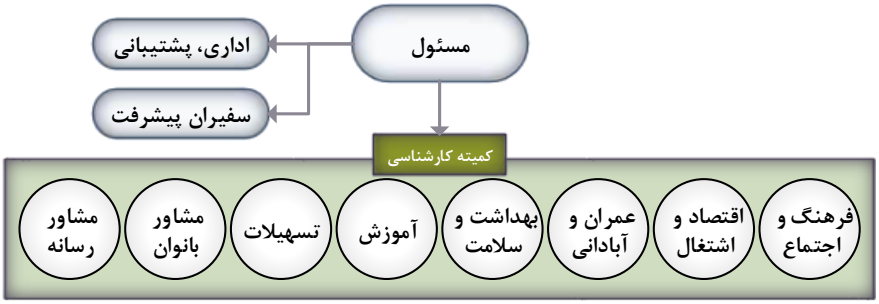

شکل ۳: ساختار نهاد پیشرفت

در هر جایگاه افراد ذی‌صلاح بومی در اولویت هستند. به‌طورکلی، شناسایی و به‌کارگیری افراد واجد شرایط در سطح شهرستان انجام می‌شود و در صورت فقدان نیروی متناسب، نیرویابی به ترتیب در سطح استانی، منطقه‌ای و نهایتاً ملی ادامه

خواهد یافت. البته، در هر صورت شناسایی و رشد استعدادهای محلی سرلوحه و مأموریت نشا در حوزه نیروی انسانی خواهد بود. نهاد پیشرفت به لحاظ ساختاری از ده تا چهارده نفر نیروی ثابت و حداقل هفت نیروی پروژه‌ای یا پاره‌وقت تشکیل می‌شود.

سطح محلی: کانون آبادانی و پیشرفت روستا/محله: کانون پیشرفت پایین‌ترین سطح و در عین‌حال مهم‌ترین رکن ساختاری الگوی آبادانی و پیشرفت جامع بنیاد علوی است. این کانون با سازوکاری کاملاً مردمی در هر یک از روستاها و محلات شهری مورد هدف پروژه تشکیل شده و مأموریت اتصال جامعه محلی به ظرفیت‌های فرامحلی را بر عهده خواهد داشت. کانون پیشرفت در نخستین گام‌های ورود سفیر به روستا/محله، با محوریت امین/ امنا و نیز با مشارکت فعال جامعه محلی تشکیل می‌شود؛ و پس از تشکیل، رسماً نمایندگی جامعه محلی مربوطه را در الگو بر عهده خواهد داشت. در خصوص پایش و ارزیابی پروژه نقشی کلیدی داشته و بخش عمده به‌روزرسانی پیشرفت پروژه در سامانه نشا بر عهده آن خواهد بود.

سفیران پیشرفت: سفیر در ساختار نهادی نشا، عنصری تعیین‌کننده و بسیار تأثیرگذار است که از تکنیک‌ها و روش‌های تسهیلگری استفاده می‌کند، ولیکن مسئولیت‌هایش بسیار فراتر از یک تسهیلگر است. مسئولیت‌های سفیر در ادبیات مکتبی بسیار شبیه به رسولی برانگیخته‌شده است با مشخصاتی نظیر:

- محلی و مدنی است: سفیر یک تسهیلگر مجربِ غریبه نیست که با شمایل توریستی و گویش غیربومی با مردم مواجه بشود. از خود مردم است. هم‌زبان و هم‌لباس و همنشین خودشان؛ و ما أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ (ابراهیم ٤) وَلَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْهُمْ (۱۱۳ نحل)
- شغلش این نیست: سفیر یک کارگزارِ روزمزد یا یک دکاندارِ توسعه نیست که سطح و حجمِ خدماتش متناسب با دستمزد و انتفاعش تغییر کند. بلکه یک رسول دلسوز و دردمند است که برای آبادانی منطقه و پیشرفت مردم،

احساس رسالت و مسئولیت می‌کند و برای رشد و رفاه مردم به استقبال سختی و تعب می‌شتابد. تلاش این است که سفیر شغل و منبع درآمد ثابتی داشته و بدون دغدغه مالی به تکلیف سفارت بپردازد. وَ ما أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِیَ إِلّا عَلی رَبِّ الْعالَمینَ (شعرا ۱۰۹) لَقَد جاءَکُم رَسولٌ مِن أَنفُسِکُم عَزیزٌ عَلَیهِ ما عَنِتُّم حَریصٌ عَلَیکُم بِالمُؤمِنینَ رَءوفٌ رَحیمٌ (توبه ۱۲۸)

- اُمّی است: سفیر یک کارشناس خبره یا یک تسهیلگر حرفه‌ای نیست. یک رسول مبعوث‌شده به جامعه‌ای محلی است که احساس دانایی یا تفوّق ویژه‌ای نسبت به مردم ندارد و با احساس هم‌سطحی، آمادگی کامل برای یادگیری از دانش و تجربه محلی دارد و همچنین معتقد به حل مسائل توسط مردم است.
- مُصَیطِر نیست: سفیر به‌خوبی می‌داند که تا مردم خودشان نخواهند و تغییر نکنند، اوضاع و احوال‌شان هم تغییری نخواهد کرد؛ با ثروت و قدرت و یا حتی دانش و مهارت نمی‌شود پیشرفت را بر جوامع تحمیل کرد. لذا با صبر و استقامت مسیر رشد و تغییر جامعه محلی را از اطریق ائمه یا امنا پیگیری خواهد کرد. اِنَّما اَنتَ مذکر لست عَلیهِم بمُصَیطِر (غاشیه ۲۲)
- مؤمن و متّقی است: سفیر با جان و ایمان انسان‌ها سروکار دارد و سفارت بنیادی، اسلامی و انقلابی را عهده‌دار است که عمیقاً به این ایدئولوژی معتقد است: «اوضاع و احوال مردم با ایمان و تقوا متحول می‌شود». مجرای این انتقال در ساختار، سفیر است که تا خود ایمان و اعتقاد و التزام نداشته باشد، قطعاً در این رسالت خطیر توفیقی نخواهد داشت. لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُری آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنا عَلَیْهِمْ بَرَکاتٍ مِنَ السَّماءِ وَ الْأَرْضِ (اعرف ۹۶) کبرَ مَقْتاً عِنْدَ اللّهِ أَنْ تَقُولُوا ما لا تَفْعَلُونَ (صف ۳)

مراد از سفیر فردی است که به نمایندگی از نهاد پیشرفت در سطح روستاها و یا محلات هدف حضور می‌یابد و در تعامل فعال با جامعه محلی (با رویکردی مشارکتی)، تشکیل کانون پیشرفت، مسأله‌یابی و مسأله‌شناسی و درنهایت تدوین، تصویب و اجرای سند پیشرفت روستا/محله را تسهیل می‌کند. به عبارت بهتر، تمام ارتباطات و گردش اطلاعات میان نهاد پیشرفت و جامعه محلی (روستا / محله شهری) از مسیر سفیر صورت می‌گیرد.

ارتباط سفیران با نهاد پیشرفت یک ارتباط کارمندی نیست؛ بلکه حتی‌الامکان سعی می‌شود با مساعدت در تأمین سرمایه و توانمندسازی و مهارت‌آموزی در رسته‌های پایه شهرستان، زمینه اشتغال و کسب درآمد ایشان فراهم آید. به‌این‌ترتیب، در نشا سفیران پیشرفت با انگیزه‌های درونی و دغدغه‌های پیشینی به پیشرفت منطقه خود می‌پرداختند.

مواد و روش

اقتضا تدوین یک الگوی تجربه محور که با رویکرد اقدام پژوهی تصحیح و تکمیل می‌شود ایجاب می‌کند که بنیاد علوی در قالب یک سازمان یادگیرنده عمل نماید؛ ازاین‌رو معاونت آبادانی و پیشرفت بنیاد علوی به‌عنوان متولی اصلی توسعه‌ی الگو توسط بازدیدها و برگزاری جلسات هفتگی به بررسی و تبادل‌نظر می‌پرداختند؛ عنوان این جلسات رهاورد نام داشت به این دلیل که آورده (دستاورد) بازدیدکنندگان از میدان (راه) موضوع جلسه بود. بر اساس آن اقدام به اصلاح و ارتقا الگو و دستورالعمل‌ها نموده‌اند به‌عنوان‌مثال دستورالعمل تهیه اسناد پیشرفت روستا هفت نسخه به‌روزرسانی گردید. همچنین گزاره‌های جمع‌بندی شده و نهایی در این جلسات در یک فایل اکسل به‌صورت نظام‌مند ذخیره می‌گردید تا در به‌روزرسانی اسناد مورد استفاده قرار گیرند و به تعبیر دیگر فراموش نشوند. این فرایند زمینه‌ای را فراهم نموده است که اعضای موجود در ساختار الگوی نشا به‌ویژه راهبران و مدیران معاونت در طول اجرای الگو بینش‌شان به یکدیگر نزدیک شود.

در این مقاله جهت معرفی و ارزیابی نهادهای پیشرفت در نظر و عمل الگوی آبادانی و پیشرفت جامع نشا به این‌گونه صورت‌بندی شود که نقاط قوت و چالش‌ها در الگو و تجربه دسته‌بندی شود؛ بدین ترتیب تحلیل جمع‌بندی شده در چهار دسته نقاط قوت الگو – چالش‌های الگو – نقاط قوت اجرا و چالش‌های اجرا ارائه شده‌اند. سعی شده است ذیل هر دسته بر اساس اصول پنج‌گانه الگو مطالب تدوین گردند تا انسجام در تحلیل رعایت گردد.

از جمله منابع مورد استفاده شده در این مقاله رهاوردهای مذکور است؛ همچنین ۲۲ مصاحبه با دبیران نهاد و ۱۰ مصاحبه با اعضای معاونت آبادانی و پیشرفت مناطق بنیاد علوی و ١٤ مصاحبه با مدیران و کارشناسان مجموعه‌های تخصصی زیرمجموعه بنیاد علوی در سه جلد کتاب نهال خدمت می‌باشند. جهت تحلیل و تبدیل مطالب این منابع جلسات حضوری و مجازی متعددی میان اعضای اجراکننده الگوی نشا و مشاوران بنیاد علوی برگزار شده است.

نتایج

علاوه بر ارائه نتایج تحلیلی در چهار دسته عنوان شده جهت ملموس شدن ابعاد و گستردگی کار برخی داده‌های کمی ارائه می‌گردد. در سال ۱۳۹۹ (سال اول اجرای الگو) اعضای فعال در ساختار الگوی نشا در ۲۲ منطقه تحت راهبری هفت راهبر بدین‌صورت که ۲۲ دبیر نهاد با ١٢٦ کارشناس (عضو نهاد) و ٢٣٤ سفیر با ۱۰۷۳ امین روستا و ۱۱۸۰۳ عضو کانون پیشرفت روستا محقق شد تا بیش از ۵۰۰ سند پیشرفت روستا تهیه گردد.

در برنامه و بودجه سال ۱۳۹۹ بنیاد علوی برای طرح‌های آبادانی و پیشرفت جامع مناطق هدف ٤٧٣ میلیارد تومان بودجه و برای سال ١٤٠٠ به میزان ۱۳۰۰ میلیارد تومان اعتبار در نظر گرفته شد؛ بودجه سال ۱۳۹۹، ٥٢٤ میلیارد تومان و برای سال ١٤٠٠ بیش از ۹۰۰ میلیارد تومان تخصیص یافت؛ بنابراین در مدت دو سال در ۳۵

منطقه بیش از ۱۵۰۰ میلیارد تومان توسط بنیاد صرف شده است که نهادهای پیشرفت حداقل در تصمیم سازی و در بخشی از اجرا نقش‌آفرینی داشته‌اند.

- **نقاط قوت الگو**

در بخش معرفی مبانی و اصول الگو معرفی گردید و تقریباً به نقاط قوت نیز اشاره شده است؛ در این بخش بیشتر روی نقاط قوت اصلی و متمایزکننده الگوی نشا تکیه شده است.

اصل هم‌یاری: اگر از طراحان الگوی نشا پرسش شود که مأموریت بنیاد توانمندسازی محرومین و از آب و گل درآوردن منطقه محروم بود؛ به‌صورت یک خطی توضیح دهید چگونه این کار را می‌کنید؟ پاسخ این است که نه ماهی دادن درست است نه ماهی‌گیری یاد دادن؛ بلکه باید به مردم حل مسئله یاد دهید به همین دلیل به مردم روستا سندنویسی یاد داده و حداقل یک پروژه مشارکتی (با محوریت مردم و حمایت بنیاد و دولت) نیز اجرا می‌گردد تا بعد از خروج بنیاد با اتکا به خودباوری و مهارت‌های کسب شده این فرایند ادامه یابد؛ بنابراین عنصر جوهری الگوی نشا آدم‌ها هستند اما الگوی نشا تشکل محور است نه انسان‌محور به‌عبارت‌دیگر رویکرد گروهی دارد نه فرد. به همین دلیل ساختار را تا روستا بسط داده است.

اصل نهادگرایی: الگوی نشا جهت هدایت، تمرکز، پیگیری، فعّالیّت پی‌درپی و لحظه‌به‌لحظه برای برنامه‌ریزی و اجرای الگو با محوریت جوان متعهّد به دنبال ایجاد ساختار مختار منطقه محور بود تا با عنایت به نقش‌آفرینی برای تحقق دولت اسلامی یک الگوی حکمرانی منطقه‌ای کارآمد به نظام ارائه دهد.

اصل جامعیت: بنیاد علوی به‌عنوان یک سازمان یادگیرنده رویکرد کار با مردم و توسط مردم را به‌عنوان راهبرد خود در نظر گرفته است به همین دلیل با برنامه‌ریزی پایین به بالا و همچنین بالا به پایین، خلاقیت‌ها و نوآوری‌های میدان را در ستاد تبدیل به الگو می‌نمود و سطحی از مدیریت دانش را محقق کرد.

اصل اثربخشی: الگوی نشا با تمرکز بر منطقه (پیشرفت منطقه‌ای) و تزریق دانش، اجرای راهکارهای عملی و منابع به دنبال امیدبخشی و بالفعل کردن ظرفیت‌های مناطق محروم بود.

اصل پایداری: کاهش حضور دستگاه‌های حاکمیتی از جمله بنیاد و افزایش حضور گروه‌های مردمی در روند اجرای کارآمد و پایدار الگو و پروژه‌ها از جمله عوامل مهم پایدارساز الگو بوده که تعریف و انتخاب سفیر و امین در سطح روستا و آموزش و توانمندسازی سفیر و امین آنان نمونه‌های بارز آن است.

- **چالش‌های الگو**

منظور از چالش‌های الگو آن است که در الگوی طراحی شده فرضیات و گزاره‌هایی وجود داشته که به نواقص و ساده‌انگاری‌های موجود در آن موجب پیاده‌سازی صحیح و کامل الگو شده است و ازآنجایی‌که مدت اجرای الگو تنها دو سال بوده فرصت اصلاح و اعتبارسنجی آن فراهم نشده است. بدیهی است تا حرکت در راه شروع نشود بسیاری از چالش‌ها و کمبودها نمودار نخواهند شد.

اصل هم‌یاری: رویکرد افراطی در خدمت‌رسانی به مردم بعد از انقلاب به‌ویژه بعد جنگ به‌گونه‌ای که موجب نقش‌زدایی مردم در حل مسائل جامعه شده و در حد مشارکت انتخابات تقلیل داده شود، به‌عنوان یک عامل بیرونی بسیار مؤثر بر اصل هم‌یاری است به همین دلیل توقع اینکه با چند جلسه این ذهنیت چند ساله تغییر می‌کند اشتباه بود.

در اکثر مناطق ایجاد حرکت عمومی در مردم آن هم به‌صورت خودجوش نیاز به تدارکات و برنامه‌های بیشتری داشت از جمله ساختار و محتوای قوی‌تری جهت آموزش و تربیت سفیران، امنا و اعضای کانون‌ها نیاز بود و یا سازوکارهای منعطف‌تری برای فعال‌سازی مردم لازم بود؛ به‌عنوان نمونه بنیاد حداکثر مشارکت را ۵۰ درصد اعلام کرده بود اما در مناطق خیلی محروم مردم نمی‌توانند در اجرای پروژه‌ها مشارکت مالی داشته باشند به همین دلیل در اجرا مشکل رخ می‌داد؛ چنین

چالش‌هایی منجر شد که آموزش نیروی انسانی مقطعی باشد و سفیران قوی در مناطق زیادی وجود نداشته باشند و مهم‌تر آنکه در مناطقی حرکت عمومی مردمی به اعضای نهاد پیشرفت فعال تقلیل یابد.

اصل نهادگرایی: الگوی نشا باید جریان حلقه‌های میانی می‌داشت نه حلقه میانی (نهاد پیشرفت) به‌عبارت‌دیگر باید مجموعه‌های مختلف روی موضوعات متنوع شناسایی و ایجاد می‌گردید اما نوعی از تمرکز وظایف و اختیارات در طراحی روی نهاد پیشرفت به‌خصوص دبیر نهاد پیشرفت رخ داد که ریشه مشکلات بعدی در الگو گردید که موارد اصلی آن در ادامه اشاره شده است. یکی از دلایل محروم شدن یک منطقه مهاجرت اکثر نیروهای نخبه و توانمند است بنابراین در بیشتر مناطق نیروهایی که چنین توانمندی‌هایی داشته باشند که نهاد پیشرفت شهرستان را شکل دهند کم است. اگر نهاد مردمی مربوط به یکی از محورهای چهارگانه در برخی شهرستان‌ها وجود داشت که از لحاظ سابقه، کیفیت و کمیت فعالیت‌ها قابل توجه بودند محور کار قرار نمی‌گرفت و همچنان مسئول کار، دبیر آن موضوع در نهاد پیشرفت با مدیر طرح بود. این تمرکز علاوه بر آنکه مانع یا کاهش رشد بقیه کنشگران شهرستان می‌گردید زمینه چالش بعدی را فراهم نمود. الگوی نشا یک برنامه سه سال در منطقه بود در این سه سال افزایش چندین برابری فعالیت‌ها و منابع را ایجاد می‌کرد بنابراین اعضای نهاد پیشرفت جهت برنامه‌ریزی و پیاده‌سازی آن باید تمام‌وقت که هیچ ۲۴ ساعته کار می‌کردند و این یعنی عضو نهاد شدن، شغل شد! به‌عبارت‌دیگر ورود روحیه کارمندی و وابسته شدن به بنیاد. چالش اصلی الگو آن است که در این مورد مسکوت است به همین دلیل این موضوع یکی از جمله موضوعاتی است که اختلافات دیدگاه‌های زیادی پیرامون آن وجود دارد.

یکی از چالش‌های پرتکرار وجود یک یکسان ساختار برای مناطق مختلف بود که دلایل مختلف ایده‌هایی برای تنوع‌بخشی و حتی برای تغییرات اساسی در ساختار مطرح گردید؛ به‌عنوان نمونه برخی بیان می‌گردد: به جای شروع ساختار شهرستان

از دبیر نهاد از انتخاب امنای روستاها شروع نمود تا با رأی‌گیری لایه‌های بعدی سفرا و اعضای نهاد انتخاب شوند؛ نمونه دیگر ایجاد یک لایه جدید در سطح دهستان برای شهرستان‌ها بزرگ و یا مناطق صعب‌العبور.

از جمله موارد مهم که می‌توان در این بخش ذکر نمود آن است که با توجه به نقش اساسی نهادهای پیشرفت در الگوی نشا دارند باید دستورالعمل و محتوای غنی‌تری در مورد آن‌ها تدارک دیده می‌شد به‌عنوان نمونه شرح وظایف وجود داشت اما چه کارهایی نباید انجام دهند تبیین نشده بود و همین امر موجب حواشی و تزاحم در وظایف شده بود.

اصل جامعیت: دو ویژگی توازن محورهای خدمات‌دهی و فراگیری خدمات و برنامه‌ها ذیل جامعیت تعریف شده است به این معنا که در زیربخش‌های هر چهار محور به کلیه ابعاد پیشرفت و آبادانی، گستره خدمات‌دهی نشا در سطح منطقه بوده به‌طوری‌که در وهله اول تمامی نقاط شهری و روستایی دور و نزدیک منطقه هدف را منتفع ساخته و در مرتبه دوم، به تناسب برای تمامی گروه‌های سنی و اقشار جامعه محلی برنامه دارد؛ اما در اصل اثربخش تصریح شده است که توان نشا محدود است و اگر تمامی موضوعات و مسائل ریز و درشت جامعه محلی را هدف قرار دهد، دچار نوعی کل‌نگری شده و با عبور از جزئیات در هیچ یک از موضوعات خروجی مطلوبی کسب نخواهد کرد؛ متأسفانه این دو تعریف نوعی تناقض به نظر می‌رسد که دلیل اصلی صحت این مشکل نظری در بخش تجربه بیشتر بحث خواهد شد و به‌عنوان یک رهاورد عنوان شد که همه چیز یعنی هیچ چیز؛ همه کارها یعنی هیچ کار (تمرکز). از طرف دیگر موضوعات مطرح شده در الگوی نشا از قبیل سند روستا، سند شهرستان، تلفیق در چهار موضوع محوری، پروژه پیشران، شبکه‌سازی و ... متعدد هستند که اجرای الگو را سخت و پیچیده می‌نماید و اگر تیم قادر به اجرای کامل نباشد آن بخش‌هایی را که توانمندی و شرایط مستعد است مورد توجه

قرار خواهد داد و این‌گونه می‌شود که وقتی در مناطق مختلف بررسی صورت گیرد الگوهای مختلف مشاهده می‌شود.

موضوع سلامت در نسخه اول نشا مطرح نبود و با گذشت حدود یک سال از شروع اجرا به الگو اضافه شد که بیانگر ضعف در جامع‌نگری الگو تلقی است.

ویژگی سوم اصل جامعیت، تاب‌آوری تعریف شده بود که مدیریت منابع انسانی ذیل آن در نظر گرفته شده بود. با اجرای الگو مشخص گردید که موضوع آموزش اعضای نهادهای پیشرفت بیشتر از آنکه تصور شده بود لازم و اثربخش است و سازوکار و برنامه‌های مورد نیاز مکفی تدارک نشده بود؛ برخی از موارد به‌اختصار بیان می‌گردد: فاز صفر پیاده‌سازی بایستی آماده‌سازی و آموزش نهاد باشد و وقتی حداقل نیازمندی‌ها کسب شد فاز یک یعنی مطالعات شروع شود؛ مدل‌های آموزشی اختصاصی برای نهادهای جدید جهت ملحق شدن به نهادهای قبلی تعریف شود نه آنکه دوره‌های آموزشی یکسان برگزار شود همچنین ضرورت سطح‌بندی و برنامه‌ریزی مجزا برای نهادهای پیشرفت نیاز است؛ سفر و بازدید نهادهای جدید از نهادهای قدیم یک ضرورت آموزشی بایستی لحاظ شود؛ سرفصل‌هایی مانند هنر آراستگی، هنر انجام کار، هنر دقت در جزئیات و ... باید به نهادها آموزش داده شود. تدابیر دیگری برای افزایش انسجام و پایداری مدیریت منابع انسانی بایستی اتخاذ می‌گردید: ضرورت جانشین پروری در کنار همه‌ی اعضای نهادهای پیشرفت؛ فرایند رشد، ارتقا و اثرگذاری در ساختار و برنامه برای سفرا و اعضای نهادهای پیشرفت ترسیم نشده بود.

اصل اثربخشی: در اثبات کارآمدی و کارایی الگو شاخص نقش کلیدی دارد اما متأسفانه در الگوی نشا به این امر اهتمام کافی نشده بود. به همین دلیل تعریف و اندازه‌گیری شاخص‌های پیشرفت جامع منطقه‌ای در مسئله‌شناسی و اثربخشی اقدامات و به تبع آن ارزیابی عملکرد اجزا ساختار به‌ویژه نهادهای پیشرفت ضعیف انجام می‌گرفت و یک اتاق وضعیت برای اثرسنجی اقدامات وجود نداشت.

به دلیل چالش‌های جدی الگو در اثربخشی در مسیر اجرا چنین گزاره‌هایی مطرح گردید شهرستان مقیاس و عرصه بزرگی برای اجرای طرح است و یا ضعفا و محرومین آن‌طور که باید درگیر طرح نشدند.

پروژه‌های پیشران ذیل اثربخشی دسته‌بندی شدند با این تعریف که بر اساس نیازهای اولویت‌دار و فراگیر انتخاب شوند تا اعتماد و توجه مردم جلب شود اما عنوان نشده بود که پروژه‌های بزرگ نباشند. چرا که وقتی در ورود چنین پروژه‌های بزرگی اجرا شود، وقتی جلب مشارکت مردم در پروژه‌های کوچک مطرح می‌شود، مردم بیان می‌کنند برای بنیاد که کاری ندارد، خودش انجام دهد!

اصل پایداری: تحقق اصل پایداری نیازمند طراحی جزئیات و مقدمات بسیاری در گام ورود و خروج است که الگوی نشا به‌عنوان اولین الگوهای مشارکتی کشور بدیهی است نقص داشته که به‌عنوان نمونه برخی موارد ذکر شود: انتخاب مکان مناسب برای دفتر نهاد پیشرفت بخشی از استراتژی ورود است؛ چراکه مکان شلوغ به افزایش توقع‌ها منجر می‌شود؛ انتخاب سفیران از بین معلمان محلی متعهد و جوان دارای اولویت است چرا که دغدغه درآمد، دسترسی و آموزش پذیری آن‌ها کم‌رنگ است؛ برنامه و راهکار برای ایجاد پشتوانه مالی نهاد پیشرفت بعد از بنیاد یک موضوع بحث‌برانگیز بود و ایده‌های مختلفی از قبیل ایجاد فدک، مرکز تأمین مالی، بانک اطلاعاتی شهرستان و مدرسه داشتن مطرح بود که به دلایل مختلف به سرانجام نرسید؛ پیوند نهاد پیشرفت با خیرین، گروه‌های جهادی به‌ویژه غیربومی و مهاجر جهت تداوم برنامه‌ها؛ نقش بنیاد بعد از خروج برای توانمندسازی و تعالی نیروهای نهاد پیشرفت برنامه داشته باشد؛ نقش دستگاه‌ها و سازمان‌ها در پساخروج بنیاد مشخص شده باشد و نکته مهم آخر نقش رسانه و روایت پیشرفت در ورود و خروج باید سازوکار مشخصی داشته باشد.

- **نقاط قوت اجرا**

گستردگی جغرافیایی و تعدد موضوعات زمینه را فراهم نموده که تجارب موفقیت‌آمیزی بسیاری ذیل الگوی نشا محقق شده باشد اما در این بخش از مقاله از منظر اصول پنج‌گانه به تبیین آن پرداخته شده است؛ به همین دلیل شاید بهترین ابزار برای آگاه شدن از نقاط قوت اجرای الگوی نشا بازدید میدانی از مناطق هدف باشد.

اصل هم‌یاری: بر اساس الگوی نشا در بیش از ۹۰۰ روستا در ۳۵ شهرستان سند پیشرفت تهیه شد و چند صد پروژه مشارکتی خرد (چند ده میلیون) تا بزرگ (ده میلیارد) اجرا شد. اینکه مدتی پس از ورود، الگوی نشا در منطقه توانسته بود سطحی از مشارکت، توانمندی و خودباوری را ایجاد نماید که مردم روستا به‌صورت خودجوش، برای آینده خود برنامه‌ریزی کرده و طرحی را آماده نمایند، در این طرح نقش بنیاد علوی هم مشخص شده بود و بالاتر از آن حتی اگر بنیاد علوی نقش خود را ایفا نمی‌کرد، از مجرای دیگر انجام می‌شد؛ این تعدد دستاوردهای گران‌بها و ارزشمندی اثبات می‌کند مراحل شبکه‌سازی، شناسایی، مسئله شناسی، برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت توسط مردم با قیمت کمتر و کیفیت بیشتر امکان‌پذیر است. هر چقدر ارتباط با مردم را بیشتر گردید نتایج بهتر و سریع‌تری به همراه داشت (مثال آموزش‌های فراگیر) و در دل روستاها و کانون‌ها استعدادهای ویژه‌ای برای نقش‌آفرینی در نهادی پیشرفت کشف گردید.

اصل نهادگرایی: تجربه نشا نشان داد جوان متعهّد آمادگی نقش‌آفرینی به‌عنوان محور در منطقه را دارد. سرعت و کیفیت تحولات پیشرفت در مناطقی که نهادهای پیشرفت توجیه بودند به‌صورت معناداری بیشتر بود. شناسایی، پرورش و شکوفا شدن استعدادها و ظرفیت‌های انسانی منطقه و تکمیل نهاد پیشرفت در فرایندهای اجرایی و عملی تداوم داشت.

اصل جامعیت: این اصل موجب امیدبخشی به اقشار مختلف مناطق منزوی گردید؛ چراکه منجر به ورود متخصصان و منابع در موضوعات مختلف شده بود.

اصل اثربخشی: از جمله شواهدی که برای اثربخشی الگوی نشا می‌توان ذکر کرد تقاضای روزافزون مسئولین مختلف به ریاست بنیاد مستضعفان و مدیرعامل بنیاد علوی برای ورود بنیاد به منطقه تحت مدیریت‌شان بود همچنین مهاجرت معکوس به روستایی که رخ می‌داد.

اصل پایداری: متأسفانه به دلیل مدت کوتاه اجرای الگوی نشا ضعیف‌ترین اصل اجرا شده را می‌توان این اصل دانست اما مناطقی که اعضای نهادهای پیشرفت بومی بودند و قبل از ورود بنیاد فعال بودند توانسته‌اند علاوه بر افزایش توانمندی پایداری خود را حفظ کنند.

- **چالش‌های اجرا**

بیشتر بخش تحلیل الگوی نشا مربوط به این بخش است که این را نباید به معنای ضعف الگوی نشا دانست بلکه این الگو در عرصه‌ای مدعی است که بسیار سخت و پیچیده است؛ منظوری عرصه پیشرفت منطقه‌ای و این شرایط زمانی بدتر می‌شود که برای مناطق محروم باشد و افزایش تعداد مناطق بدون برنامه‌ریزی رخ دهد؛ اما سختی شرایط الگوی نشا در این حد متوقف نمی‌شود! پیاده‌سازی این الگو تقریباً با شیوع کرونا بوده است.

اصل هم‌یاری: هم‌یاری و مشارکت با تمام مزایایی که دارد، ویژگی دارد که کار مشارکتی را سخت و در برخی موارد نشدنی می‌کند! زمان و صبر نیاز دارد تا اعتماد و ارتباط شکل گیرد بخصوص در مناطقی که تجارب شکست خورده وجود داشته باشد؛ الگوی نشا هم از این قاعده مستثنا نبود به همین در مناطقی پایبندی به این اصل موجب کاهش یا حتی مانع جذب منابع می‌گردید. این ویژگی زمان‌بر بودن در برخی مناطق و شرایط موجب گردید بنیاد از تعاملات بین دستگاهی گذر کند و به ایفای نقش به‌جای ادارات و سازمان‌های دولتی و... در منطقه بپردازند. حتی در برخی موارد به دلیل تسریع در جذب منابع از مردم هم صرفه نظر شد. این مشکلات در مناطقی که ضعف نیروی انسانی بیشتر بود چندین برابر رخ می‌داد. البته فرایندهای

بروکراسی بنیاد علوی هم در موارد موجب مطول شدن این روند می‌گردید و حتی طرف مقابل از خیر مشارکت بنیاد بگذرد.

شاید شاخص‌ترین نقطه ضعف الگوی نشاء این بود که با وجود مردمی بودن که نقطه قوت آن نسبت به طرح‌های مشابه است که نهایتاً ۱ درصد مردم درگیر می‌شوند، در نشا بیش از ۲۰ درصد مردم را درگیر نمی‌کرد و نتوانست زمینه‌ساز حضور همه مردم باشد به‌عبارت‌دیگر حرکت عمومی مردم به کانون پیشرفت روستا و در حد چند جلسه و یک یا چند پروژه تقلیل یابد.

اصل نهادگرایی: با توجه به رویکردهای ابلاغی دفتر آیت‌الله خامنه‌ای به بنیاد مستضعفان، رویکرد بنیاد علوی عدم تصدی‌گری و میدان دادن به حلقه‌های میانی در مناطق محروم بوده است؛ با توجه به اختلاف این مشی با سازوکارهای متعارف نظام بروکراسی، اداری و حقوقی کشور، موانع و مشکلات متعددی جهت تعریف همکاری با این مجموعه‌ها وجود داشت از مهم‌ترین چالش‌ها و اشتباهات بنیاد علوی در مواجه نهادهای پیشرفت می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: نهادهای پیشرفت به نمایندگی بنیاد علوی در شهرستان تبدیل شدند! اگرچه رشد و آموزش نیروهای انسانی مطرح بود، ولی درواقع انجام پروژه و جذب منابع مهم بود؛ بنیاد بیشتر از ارائه راهکار، نهادها را به اجرای راهکار ارائه شده از مدیران طرح و ستاد هدایت نمود؛ ارتباط مالی بر رابطه دانشی با نهادها غلبه یافت؛ برای آموزش و توانمندسازی در مقابل پروژه‌های زیرساخت خیلی با وسواس و محدودیت هزینه صورت می‌گرفت.

اشتباهی که موجب صدمه زیادی به الگو و اصل نهادگرایی گردید عدم رعایت انضباط مالی و حقوقی در نهادهای پیشرفت بود؛ گروه‌های جهادی که گردش مالی سالشان به یک میلیارد هم نمی‌رسید ناگهان با گردش مالی چند ده میلیاردی مواجه شدند که عواقب و حواشی مالیاتی، حقوقی حتی امنیتی و اجتماعی می‌یافت.

مورد دیگری که نهادهای پیشرفت را با چالش مواجه کرد، کار در نهاد تبدیل به شغل و منزلت اجتماعی گردید و این علاوه بر کاهش استقلال آن‌ها و ایجاد روحیه کارمندی موجب می‌شد قطع همکاری آن‌ها با نهاد هزینه اجتماعی پیدا نماید.

انتخاب عناصر اصلی نهاد از کلیدی‌ترین انتخاب‌های بنیاد بود به همین دلیل فرایند شناسایی و گزینش آن‌ها یکی از موضوعات بحث‌برانگیز بود و ایده‌های مختلفی مطرح می‌شد و در مواردی که افراد اشتباه انتخاب می‌شدند موجب به چالش کشیدن کل الگو در منطقه می‌گردید و زمان و هزینه زیادی از دست می‌رفت.

اصل جامعیت: در هیچ منطقه‌ای الگوی آبادانی و پیشرفت جامع نشا به طور کامل و ایدئال اجرا نشد البته یکی از عوامل مهم آن است که سه سال در نظر گرفته شده اما به همان نسبت از اجرا هم صادق است.

منظر سوم تاب‌آوری مدیریت دانش عنوان شده بود برای پروژه‌های موفق نهادها از طریق رسانه و گردش جریان اطلاعات در نیروی انسانی منتشر و جریان ساز نمی‌گردید به‌عبارت‌دیگر سازوکار روان و روزآمد برای انتقال تجربه وجود نداشت.

اصل اثربخشی: تعداد زیاد مناطق هدف الگو را در تمام ابعاد تحت تأثیر قرار داد از جمله ضعف در تعریف و اجرای پروژه‌ها؛ ستاد بنیاد به جای راهبری درگیر اجرای الگوی طراحی شده گردید؛ اعتبار تخصیص داده شده کاهش یافت.

برنامه‌های زیادی را طراحی شده بود، ولی با توجه به زمان‌بر بودن کشف استعدادها و ضریب محرومیت بسیار پایین منطقه از یکسو و زمان کوتاه اجرای طرح از سوی دیگر، شبکهٔ نخبگانی توانمند ایجاد نگردید و عدم اعتماد و همدلی مدیران بالادست با الگو و تغییر تیم معاونت آبادانی و پیشرفت مناطق بنیاد اثربخشی رقم نخورد و طرح ناتمام رها شد.

اصل پایداری: بنا به دلایلی از جمله شتاب در اجرای الگو، ورودهای پر سروصدا و رسانه‌ای، تکیه به منابع بنیاد علوی، عدم ایجاد شبکه توانمند و موفق توسط بنیاد

قبل از خروج، تغییر سیاست‌ها و برنامه‌ها ناشی از تغییر مدیران، خروج یک‌باره از مناطق و تعدد مناطق، طرح نشاء فرصت پایداری نیافت.

پایداری نهادهای پیشرفت هم مقوله مهم است که به دلایل مختلف با چالش مواجه بودند؛ به دلیل فشار کاری بالا و حواشی ناشی از تمرکز منابع در نهاد پیشرفت این رهاورد مطرح شد که نهادها پس از سه سال تمام می‌شوند! عموماً خسته، فرسوده و پرحاشیه می‌شوند. از طرف دیگر نهاد فربه و پرهزینه هیچ وقت پایدار و مستقل نمی‌شود. هر چند امید به پایداری نهادهای پیشرفت بومی بسیار بیشتر از غیربومی‌ها است اما تغییرات مدیریتی در ستاد موجب لطمه به اعتبار نهادهای پیشرفت می‌گردد و آسیب زننده پایداری آن‌ها گردید.

نتیجه‌گیری

الگوی آبادانی و پیشرفت جامع مناطق محروم تحت عنوان «نشا» از نیمه دوم سال ۹۸ در دستور کار بنیاد علوی (بازوی محرومیت‌زدایی بنیاد مستضعفان) قرار گرفته است. این الگو بر پنج اصل هم‌یاری، نهادگرایی، جامعیت، اثربخشی و پایداری بنا نهاده شده است. در اصل نهادگرایی عنوان شده است که همه‌ی افراد جامعه در پیشرفت حائز اهمیت هستند اما بر اساس دیدگاه قرآن کریم در آیه ۲۰۰ سوره مبارکه آل‌عمران «یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا اصبِروا وَصابِروا وَرابِطوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّکُم تُفلِحونَ» رابطه میان مؤمنین در این بحث موضوعیت دارد. لذا ضروری است که افراد در سطوح و فعالیت‌های مختلف با هم متشکل شوند تا آبادانی و پیشرفت تحقق یابد. درواقع این تشکل‌ها همان جریان حلقه‌های میانی هستند که در بیانیه گام دوم انقلاب تبیین شده‌اند. با همه افت‌وخیزها از جمله شیوع کرونا به جای سه سال حضور در هر منطقه تا نیمه دوم سال ۱۴۰۰ این الگو مبنای برنامه‌ریزی و اقدام در ۳۵ منطقه با پراکندگی در ۲۶ استان کشور قرار داشت.

این تجارب موفق و ناموفق گران‌سنگ جهت ایجاد و پایدارسازی حلقه‌های میانی در سطح منطقه‌ای می‌توانند قابلیت تعمیم به نهادهای حاکمیتی و مردمی را داشته

باشند. بنیاد علوی یکی از ثروتمندترین مجموعه‌های کشور از لحاظ پروژه‌های موفق و ناموفق مردمی و توانمندسازی است که متأسفانه به دلایل مختلف گردآوری نشده‌اند؛ این مقاله تلاش کوچکی در این راستاست تا دستاوردهای توانمندسازی و الگوسازی بنیاد در اختیار صاحب‌نظران و علاقه‌مندان قرار گیرد.

تقدیر و تشکر

موسسه آموزشی و پژوهشی سینا و موسسه تحقیق و توسعه دانشمند بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی به دلیل در اختیار دادن کتاب نهال خدمت طرح جامع آبادانی و پیشرفت و آقایان سید محمد جواد میرباقری و مهران ابراهیمی از همکاران مرکز مطالعات و توسعه راهبردی و آقایان بهروز نوید و مصطفی طرفیان از همکاران مرکز طرح‌های پیشرفت و آبادانی مناطق محروم بنیاد علوی و اعضای اسبق معاونت آبادانی و پیشرفت مناطق بنیاد علوی از جمله سید فرهاد قادریان، حسین بحرینی و مهندس هادی فلاحی و دبیران نهادهای پیشرفت و صاحب‌نظرانی که مشاوره دادند از جمله دکتر عباس جهانبخش، مهندس یاسر خانی و حجت‌الاسلام حسن شیخ العراقین به دلیل همفکری و مشاوره در تهیه مقاله کمال تشکر و قدردانی را دارم.

نقش «حلقه‌های میانی» در بازسازی انقلابی نظام‌های: اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، تربیتی، آموزشی و...

سید محمدعلی پوربخش[1]

چکیده

حلقه‌های میانی، مفهومی نوآورانه در عرصه حکمرانی و سپهر اجتماعی- سیاسی ایران اسلامی است. این مفهوم از منظر آیت‌الله خامنه‌ای؛ مجموعه‌هایی برآمده از ملّت هستند که مأموریت‌هایی خارج از چارچوب دولت و دستگاه‌های حاکمیتی را به سرانجام می‌رسانند. مجموعه‌های مذکور که توسط نخبگان فکری و عناصر فعال متعهد به آرمان‌های انقلاب اسلامی تشکیل می‌شوند، به دنبال یافتن و ارائه‌ی راهکارهایی، جهت حل مسائل گوناگون ملی و به‌منظور پیشبرد حرکت عمومی جامعه، به سوی اهداف تمدن نوین اسلامی هستند. حلقه‌های میانی، مجموعه تشکل‌های متعددی هستند که میان دولت و ملت جای گرفته‌اند و در مأموریتی مسئله‌محور و ناشی از انگیزه‌های عقیدتی، به کنشگری می‌پردازند. جامعه مدنی نیز، شامل انواع مؤسسات، انجمن‌ها و نهادهای خصوصی و غیرخصوصی می‌باشند که نقش واسطه‌ای میان دولت و مردم دارند. این مفهوم با انگیزه توسعه دموکراسی، فارغ از دخالت قدرت‌های سیاسی حاکم و به‌عنوان یک مفهوم مدرن، علاوه بر پایبندی به پایه‌های مدرنیته، همچون: انسان‌محوری و سکولاریسم، شکل گرفته است. حلقه‌های میانی شباهت‌هایی؛ مانند: (میانجی دولت و ملت، خودجوش بودن، آرمان‌جویانه، کاهنده وظایف دولت و ...) و تفاوت‌هایی؛ مانند: (آرمان‌ها، تنوع، پویایی، انعطاف و چابکی ساختاری بیشتری) با جامعه مدنی دارد. در این پژوهش به روش توصیفی و مروری به ذکر تعاریفی از حلقه‌های میانی، جامعه مدنی و موضوعاتی مرتبط به آن‌ها در بازسازی انقلابی نظام‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ... پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: حلقه‌های میانی، جامعه مدنی، نظام انقلابی، پیشرانِ جامعه‌پردازی.

---

[1] کارشناس پژوهشی دانشکده حقوق دانشگاه امام صادق (ع) و بازنشسته از سازمان عقیدتی‌سیاسی ارتش، ایران، تهران. Pourbakhsh.law@gmail.com

مقدمه

انقلاب اسلامی، وارد دومین مرحله خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است و نیز از نظریه‌ی نظام انقلابی تا ابد دفاع می‌کند. آیت‌الله خامنه‌ای در تبیین مقاصد بیانیه، ایده‌ی جریان حلقه‌های میانی را برای ایجاد برنامه‌ی کار، پیدا کردن راهکار، ارائه‌ی راهکار، برنامه‌ریزی برای تحقق اهداف بیانیه و ورود جوانان به عرصه مدیریت کشور ارائه فرمودند. جامعه‌پردازی، مسیری پویا و بالنده برای ساختن جامعه مطلوبی است که درنهایت به تحقق جامعه عدل مهدوی (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) می‌انجامد و این امر در بستر تحقق نظامِ امت و امامت و در صورت‌بندی خاص خود از جمله «نظام انقلابی» و «حلقه‌های میانی» شکل‌گرفته و در مسیر آینده‌ی خود با پویایی و نظام‌مندی، زمینه‌ی پیشرفت همه‌جانبه جامعه و بسطِ تمدن نوین اسلامی را فراهم خواهد کرد. به بیان مقدمه قانون اساسی: ازآنجاکه «حکومت از دیدگاه اسلام» برخاسته از «موضع طبقاتی و سلطه‌گری فردی یا گروهی» نیست و تبلور آرمان سیاسی ملتی هم‌کیش و هم‌فکر است که به خود سازمان می‌دهد تا در روند تحول فکری و عقیدتی راه خود را به‌سوی هدف نهایی، حرکت به‌سوی الله بگشاید و این جز در گرو مشارکت فعال و گسترده تمامی عناصر اجتماع در روند تحوّل جامعه نمی‌تواند باشد؛ ازاین‌رو حلقه‌های میانی، زمینه‌ساز کنشگری درون‌زای متفکران و نخبگان فکری و نیز فعالان انقلابی جوان در حل مسائل جامعه خواهند بود. (اندیشگاه بیانیه گام دوم انقلاب، ۱٤۰۳/۹/۱۷) جریان حلقه‌های میانی، کنشگر عملی برای پیش‌روندگی و پیش‌برندگی جامعه است؛ به این صورت که با برقراری تعامل با مردم، نیاز و ظرفیت‌ها را به یکدیگر متصل کرده و حرکت عمومی برای مردم‌سازی ایجاد خواهد کرد. ایده حلقه‌های میانی، یعنی: یک امر غیررسمی وارد یک تغییر کلان حاکمیتی بشود که دارای چهار خصوصیت مهم: (غیررسمی، جوان، نخبه و دارای تشکیلات و ساختار منسجم هستند) است (ربیعی و شیاوشی، ۱٤۰۱: ۱٦۹).

بیان مسئله

حلقه‌های میانی، مفهومی نوآورانه در عرصه حکمرانی و سپهر اجتماعی–سیاسی ایران اسلامی است این مفهوم از منظر آیت‌الله خامنه‌ای؛ مجموعه‌هایی برآمده از ملّت هستند که مأموریت‌هایی خارج از چارچوب دولت و دستگاه‌های حاکمیتی را به سرانجام می‌رسانند و به دنبال یافتن و ارائه‌ی راهکار جهت حل مسائل گوناگون ملی و به‌منظور پیشبرد حرکت عمومی جامعه، به‌سوی هدف تمدن نوین اسلامی **هستند.**

اهداف

هدف از این پژوهش؛ بررسی چیستی و مفهوم حلقه‌های میانی، ویژگی‌ها، فعالیت‌ها، شباهت‌ها و تفاوت‌های آن با جامعه مدنی، احزاب و گروه‌های نفوذی است.

سؤالات

الف. حلقه‌های میانی به چه معناست؟

ب. ویژگی‌های حلقه‌های میانی چیست؟

ج. تفاوت حلقه‌های میانی با جامعه مدنی چیست؟

فرضیات

الف. حلقه‌های میانی؛ مجموعه‌هایی برآمده از ملّت هستند که مأموریت‌هایی خارج از چارچوب دولت و دستگاه‌های حاکمیتی را به سرانجام می‌رسانند. مجموعه‌های مذکور که توسط نخبگان فکری و عناصر فعال متعهد به آرمان‌های انقلاب اسلامی تشکیل می‌شوند، به دنبال یافتن و ارائه‌ی راهکارهایی جهت حل مسائل گوناگون ملی و به‌منظور پیشبرد حرکت عمومی جامعه، به‌سوی هدف تمدن نوین اسلامی هستند.

ب. ویژگی‌های حلقه‌های میانی عبارت‌اند از: مردمی بودن، خودجوش، غیررسمی، نخبه، کاهنده وظایف دولت، واسطه‌ای بین حاکمیت و ملت، حلال مشکلات ملت و دارای تشکیلات و ساختاری منسجم.

ج. تفاوت حلقه‌های میانی با جامعه مدنی عبارت است: تفاوت در آرمان‌ها: (جامعه مدنی مفهومی برآمده از اندیشه مدرنیته و با انگیزه پیشبرد توسعه تمدن مدرن است. درحالی‌که حلقه‌های میانی مفهومی برآمده از دغدغه‌های گفتمان انقلاب اسلامی و پیشران جامعه به سمت تمدن نوین اسلامی است.) و پویایی نسبی ساختار حلقه‌های میانی: یعنی؛ حلقه‌های میانی تنوع، پویایی، انعطاف و چابکی ساختاری بیشتری نسبت به جامعه مدنی دارند.

ضرورت و اهداف پژوهش

اساساً در نظام امام و امت، جریان‌های مردمی امت‌ساز، نقش کلیدی در حکمرانی داشته و تا جای ممکن می‌بایست کار مردم را به دست کارمند نداد. امروزه در گام دوم انقلاب و بر اساس منطق کلام امامین انقلاب و همچنین تجربه گران‌بهای موفقیت‌های گام اول، تحول اساسی در ساختارهای دیوان‌سالاری ناکارآمد به جا مانده از دوران گذشته، ضروری به نظر می‌رسد. نقطه کانونی این تحول، نظریه حلقه‌های میانی است که آیت‌الله خامنه‌ای در جمع دانشجویان در ماه مبارک رمضان ۹۸ فرمودند و تأکید داشتند راه‌اندازی چنین جریان مردمی نه کار رهبری است و نه کار دولت، بلکه کار جوانان است. باید یک جریان مردم‌پایه خودجوشی در همه زمینه‌های مرتبط با پیشرفت کشور شکل بگیرد که بتوانند سلول گام دوم را شکل بدهند. این سلول «حلقه میانی» خوانده می‌شود. جریان حلقه‌های میانی، بین حاکمیت و مردم نقش‌آفرینی خواهند کرد. در همین راستا باید اصل همیشگی، یعنی: شایسته‌سالاری مبنا قرار گیرد. بر اساس مفهوم «شایسته‌سالاری» تدوین «نشا حلقه‌های میانی پیشرفت» بر اساس مؤلفه‌های سه‌گانه؛ (نقش، شایستگی و انتظار)؛ ضروری است. از همین رو، پژوهش حاضر در تلاش است تا به این مهم پرداخته

و زمینه انتخاب و تعامل درست با کنشگران مردمی اعم از؛ هسته‌های عمومی، تخصصی، پیشرفت و حلقه‌های میانی را فراهم نماید.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع توصیفی و مروری با مراجعه به اسناد و مدارک مرتبط با موضوع، به بررسی حلقه‌های میانی در بازسازی انقلابی نظام‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ... و شباهت‌ها و تفاوت‌های آن با جامعه مدنی پرداخته شده است.

۱. چیستی جامعه مدنی

در طول تاریخ، تعاریف مختلفی برای مفهوم جامعه مدنی ارائه شده که برخی از آن‌ها دارای تعارضاتی جدی با یکدیگرند. ارسطو و باورمندان به قرارداد اجتماعی (همچون لاک و روسو)، جامعه مدنی را به این دلیل که موجب گذار از وضع طبیعی به وضع مدنی می‌شود، معادل مفهوم «دولت» می‌دانند. افرادی دیگر همچون (آدام اسمیت)، نگاهی اقتصادی به مفهوم جامعه مدنی داشته و آن را شکل‌دهنده قلمرو ارضای خواسته‌های خصوصی از طریق ایجاد رقابت آزاد و تأمین منافع عمومی معرفی می‌کند. (هگل) نیز آن را شکل نارسایی از دولت و مرحله‌ای ما بین خانواده [به‌عنوان کوچک‌ترین واحد اجتماعی] و دولت [به‌عنوان واحد اجتماعی فراگیر و آرمانی در فلسفه هگل] توصیف می‌کند. تعریف مهم و معاصری که متأثر از اندیشه (هابرماس) مطرح گردیده، جامعه مدنی را شامل انواع مؤسسات، انجمن‌ها و نهادهای خصوصی و غیرخصوصی می‌داند که نقش واسطه‌ای میان دولت و مردم دارند. این مفهوم با انگیزه توسعه دموکراسی، فارغ از دخالت قدرت‌های سیاسی حاکم شکل گرفته و بر پایه دو باور اساسی قرار دارد.

دولت، ذاتاً سرکوب‌گر استقلال زندگی اجتماعی ملت‌هاست.

ناامیدی از مشارکت در ساختار رسمی قدرت سیاسی، حتی نقش‌آفرینی در قالب‌هایی همچون احزاب و خانه‌های کارگری که آن‌ها نیز به خصلتی دیوان‌سالارانه

گرفتار شده‌اند. جامعه مدنی به‌عنوان یک مفهوم مدرن علاوه بر پایبندی به پایه‌های مدرنیته همچون انسان‌محوری و سکولاریسم، دارای شاخصه‌های زیر است.

- اتکا به «مدنی بودن فرد».
- ملازمت و پیوستگی با جامعه سرمایه‌داری.
- اقتصاد آزاد و مالکیت خصوصی.
- وجود آزادی‌های لازم برای نهادهای مدنی.
- حاکمیت قانون تدوین‌شده توسط مردم. (بیات، ۱۳۸٦: ۲۳۵)

به بیانی دیگر: جامعه مدنی را فضای حائل میان دولت و خانواده معرفی می‌کند؛ بنابراین جامعه مدنی حوزه‌ای از روابط اجتماعی فارغ از دخالت مستقیم دولت و مرکب از نهادهای عمومی و گروهی است. جامع مدنی عرصه قدرت اجتماعی است درحالی‌که دولت عرصه قدرت سیاسی و آمرانه است. ارکان جامعه مدنی را نیز تشکل‌ها و مجموعه‌ها و انجمن‌هایی تشکیل می‌دهند که به‌طور مستقل و بدون اتکا به دولت تشکیل و اداره می‌گردند؛ بنابراین اجزاء جامعه مدنی را می‌توان رسانه‌های عمومی مستقل، شبکه پر رونق شبکه‌های خودجوش در تمام زمینه‌های زندگی از قبیل اتحادیه‌های کارگری، انجمن‌های زنان، انجمن‌های مذهبی و انواع سازمان‌های مردمی دانست (ربیعی و شیاوشی، ۱٤۰۱: ۱٤۰).

۲. چیستی حلقه‌های میانی

یک‌صد روز پس از اعلام بیانیه گام دوم انقلاب توسط آیت‌الله خامنه‌ای، ایشان در اول خرداد ۱۳۹۸ در جمع دانشجویان در ماه مبارک رمضان، فلسفه صدور بیانیه را چنین بیان کردند: «ما به یک حرکت عمومی به سمت آن چشم‌انداز (تمدن نوین اسلامی) نیاز داریم ... این حرکت وجود دارد، منتها بایستی انضباط و سرعت پیدا کند و پیشرفتش به سمت آن چشم‌انداز محسوس باشد. این حرکت طبعاً با محوریت جوان متعهد است، جوان‌های متعهد، محور این حرکت‌اند. این‌ها هستند که اگر متعهد باشند، می‌توانند در نظام مدیریت کشور یک تحول عظیمی را به وجود

بیاورند.» ایشان در ادامه برای اولین بار از اصطلاح «حلقه‌های میانی» استفاده کردند و مسئولیت ایجاد حرکت عمومی در گام دوم را بر عهده این حلقه‌ها تبیین کرده‌اند. حلقه‌های میانی، مفهومی نوآورانه در عرصه حکمرانی و سپهر اجتماعی–سیاسی ایران اسلامی است که توسط آیت‌الله خامنه‌ای مطرح شد. این مفهوم از منظر آیت‌الله خامنه‌ای؛ مجموعه‌هایی برآمده از ملّت هستند که مأموریت‌هایی خارج از چارچوب دولت و دستگاه‌های حاکمیتی را به سرانجام می‌رسانند. مجموعه‌های مذکور که توسط نخبگان فکری و عناصر فعال متعهد به آرمان‌های انقلاب اسلامی تشکیل می‌شوند، به دنبال یافتن و ارائه‌ی راهکارهایی جهت حل مسائل گوناگون ملی و به‌منظور پیشبرد حرکت عمومی جامعه، به‌سوی هدف تمدن نوین اسلامی هستند. به‌این‌ترتیب می‌توان حلقه‌های میانی را مجموعه تشکل‌های متعددی دانست که میان دولت و ملت جای گرفته‌اند و با تعریف مأموریتی مسئله‌محور و ناشی از انگیزه‌های عقیدتی، به کنشگری می‌پردازند. با توجه به توصیفی که از دو مفهوم «جامعه مدنی» و «حلقه‌های میانی» مطرح شد، قرابت ویژه‌ای میان این دو مفهوم به چشم می‌آید. به‌بیان‌دیگر؛ حلقه میانی گروهی از افراد با هویت جمعی مستقل بدون وابستگی مالی به حاکمیت است که با بسترسازی ایفای نقش فعالانه مردم و به‌کارگیری ظرفیت بازیگران عرصه حاکمیت، به حل مسائل عرصه‌های تخصصی چهارگانه (فکر، علم، زندگی و معنویت) می‌پردازد. این امر با فعالیت‌های روشمند، مبتنی بر برنامه بلندمدت و مستمر، در چارچوب اصول پیشرفت انقلاب اسلامی و مبتنی بر نگاه امامین انقلاب صورت می‌گیرد (میراسماعیلی، ۱۴۰۲).

۲-۱. ویژگی‌های حلقه‌های میانی

- مردمی بودن، یعنی: مجموعه‌هایی برآمده از ملّت هستند.
- انجام مأموریت‌هایی خارج از چارچوب دولت.
- خودجوش و از نخبگان فکری و عناصر فعال متعهد به آرمان‌های انقلاب اسلامی تشکیل می‌شوند.

- حلال مشکلات ملت هستند.
- واسطه‌ایی بین حاکمیت و ملت و کاهنده وظایف دولت. (نگارنده)

۳. شباهت‌های جامعه مدنی با حلقه‌های میانی

در رابطه شباهت‌های جامعه مدنی با حلقه‌های میانی، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

میانجی دولت–ملت هستند: هر دوی این مفاهیم در ساختار حکمرانی در لایه‌ای میان دولت و ملت و به‌مثابه میانجی این دو لایه قرار می‌گیرند.

شامل انواع متفاوتی از نهادها می‌شوند: جامعه مدنی انواع نهادها و تشکل‌های خصوصی و غیرخصوصی را در بر می‌گیرد. در خصوص حلقه‌های میانی نیز این ویژگی مشهود است و انواع متفاوتی از نهادها و تشکیلات خصوصی و غیرخصوصی را می‌توان ذیل آن دانست.

مأموریت‌های متنوعی دارند: جامعه مدنی مأموریت‌های مختلفی از پرداختن به مسائل خانواده تا مسائل حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را به سرانجام می‌رساند؛ و حلقه‌های میانی نیز دارای مأموریت‌های گسترده و متنوعی هستند. چنان‌که رهبر انقلاب در سخنرانی یادشده به مواردی از حلقه‌های میانی موجود اشاره نموده‌اند، مأموریت این حلقه‌ها از حوزه فرهنگ تا مسائل بین‌المللی و حتی عرصه علم و مسئله امنیت را در بر می‌گیرد.

هر دو آرمان‌جویانه هستند: جامعه مدنی یک مطلوب آرمانی در جوامع دموکراتیک لحاظ شده است. حلقه‌های میانی نیز به آرمان مردم‌سالاری در جمهوری اسلامی گره خورده است؛ بنابراین هر دوی این مفاهیم یک مطلوبیت آرمانی برای ساختار سیاسی و حکمرانی ایدئولوژیک خود دارند و در صدد پررنگ نمودن بیش از پیش نقش و قدرت سیاسی مردم هستند. افزون بر این، فعالان ذیل هر دوی این مفاهیم درنتیجه آرمان‌خواهی و پایبندی به آرمان‌های نظام سیاسی جامعه خود تشکیل شده و به فعالیت می‌پردازند.

هر دو خودجوش شکل می‌گیرند: این ویژگی مشترک و جالب توجه، ناشی از ریشه‌های آرمان‌جویانه‌ی این دو پدیدار اجتماعی است. درواقع هم جامعه مدنی و هم حلقه‌های میانی با بروز و پیگیری دغدغه‌های آرمان‌جویانه جمعی از افراد شکل می‌گیرند.

هر دو موجب کوچک‌تر شدن دولت می‌شوند: جامعه مدنی و حلقه‌های میانی، هر دو بر دولت تأثیرگذارند. این دو با پذیرفتن بخش مهمی از مأموریت‌ها و مسئولیت‌ها، از حجم وظایف دولت می‌کاهند و با تقویت سازوکار نظارت عمومی بر دولت، موجب کنترل‌پذیر شدن بیش از پیش دولت‌ها توسط مردم می‌شوند.

٤. بررسی تفاوت‌ها

علی‌رغم شباهت‌های یادشده، جامعه مدنی با حلقه‌های میانی تفاوت‌هایی جدی دارد. این تفاوت‌ها شامل موارد زیر است.

تفاوت در آرمان‌ها: شاید بتوان این مورد را اساسی‌ترین تفاوت میان جامعه مدنی و حلقه‌های میانی دانست. جامعه مدنی مفهومی برآمده از اندیشه مدرنیته و با انگیزه پیشبرد توسعه تمدن مدرن است. درحالی‌که حلقه‌های میانی مفهومی برآمده از دغدغه‌های گفتمان انقلاب اسلامی و پیشران جامعه به سمت تمدن نوین اسلامی است. پر واضح است که آرمان‌ها و مبانی گفتمان انقلاب اسلامی در تعارضی جدی با آرمان‌ها و مبانی گفتمان مدرنیته است.

پویایی نسبی ساختار حلقه‌های میانی: هر چند جامعه مدنی انواع متفاوتی از نهادها و تشکیلات را شامل می‌شود، اما در مقایسه بین این دو، می‌توان چنین برداشت کرد که حلقه‌های میانی تنوع، پویایی، انعطاف و چابکی ساختاری بیشتری نسبت به جامعه مدنی دارند؛ از آن روی که اولاً: می‌تواند کوچک‌ترین هسته‌های مردمی روستایی تا بزرگ‌ترین تشکیلات خودجوش و آرمان‌جویانه شهری را شامل شود، ثانیاً: نه‌تنها نیاز مبرمی به ثبت و ساماندهی رسمی توسط نهادهای دولتی و حکومتی ندارد، بلکه صرف نقش‌آفرینی یک مجموعه در حل مسائل و در چارچوب قوانین

رسمی، برای اطلاق عنوان حلقه‌های میانی به این مجموعه کفایت می‌کند (شفیع‌خانی، ۱٤۰۰).

۵. ماهیت سند نشا و کاربرد آن برای حلقه‌های میانی

کلمه «نشا» برگرفته از سه کلمه (نقش، شایستگی و انتظارات) است. این سه کلمه بیان‌کننده:

- نقش‌هایی که یک حلقه میانی باید ایفا کند.
- شایستگی‌هایی که یک حلقه میانی باید دارا باشد.
- انتظاراتی که از یک حلقه میانی مدنظر است.

الف. انتظارات از حلقه میانی

انتظارات از حلقه میانی از دو محور، بررسی اسناد بالادستی و بررسی عرصه‌های کنش و درنهایت از تجمیع دو محور ذکرشده، به دست می‌آید. این انتظارات در ۳۰ مورد احصا شده‌اند که در اینجا به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

(۱). برنامه‌ریزی در جهت حفظ و ارتقاء انگیزه‌های اعضا حلقه میانی: برای اینکه بتوان هویت جمعی و یکپارچه‌ای را برای گروه به وجود آورد، گروه و رهبر گروه و یا برخی از افرادی که در گروه نقش اساسی‌تری دارند، باید در راستای تقویت انگیزه‌های غیرمادی و ایجاد حس رضایت درون افراد گروه، برنامه خاصی را تدوین و آن را پیگیری نمایند.

(۲). تلاش برای ایجاد هدف و جهت مشترک حرکت: همه اعضای گروه باید در انتخاب هدف سهیم باشند و یا نسبت به آن توجیه شده باشند و سپس با پشتیبانی از یکدیگر، موانع را کنار زده و باهم به سمت هدف انتخاب شده حرکت کنند؛ چراکه در غیر این صورت ممکن است تعارضات و اختلاف منافع و یا اختلاف‌سلیقه‌ها منجر به ازهم‌پاشیدگی هسته شود.

(۳). تلاش در جهت ایجاد، حفظ و ارتقا وحدت، هویت جمعی و تشکیلاتی: عنصر اساسی و مهمی که هویت جمعی و تشکیلاتی حلقه میانی را حفظ می‌کند، توجه به تعهد تشکیلاتی افراد نسبت به حلقه میانی و تعلق به حلقه میانی است؛ یعنی: رهبر گروه و اعضای مؤثر گروه باید به نحوی فضای گروه را مدیریت نمایند که تمامی افراد احساس تعلق‌خاطر به تشکیلات داشته و روزبه‌روز تقویت این حس تعلق‌خاطر تقویت شود. برای این کار لازم است که عناصر هویت‌ساز که منجر به ایجاد تعلق‌خاطر می‌شود را در وهله اول پیدا کرد و بر روی آنان تمرکز نمود.

(٤). تلاش در جهت ارتقا معنویت و روحیه جهادی در اعضا: در ابتدا افراد گروه به دلایل مختلف که مهم‌ترین آن انجام یک حرکت جهادی در بستر معنویت و اخلاق است، کنار هم جمع می‌شوند. لذا لازم است که این عنصر مهم، یعنی: تقویت روحیه جهادی و تقویت و ارتقاء جنبه‌های معنوی افراد به‌طور مداوم مدنظر قرار گیرد؛ چراکه یکی از اجزای اصلی موتور محرکه حلقه میانی، تقویت و ارتقاء جنبه‌های معنوی افراد و تقویت روحیه جهادی و انگیزه‌های غیرمادی آنان است.

(۵). شناسایی مردم درگیر در مسئله و ذینفع در آن: حلقه میانی زمانی که مسائل را تشخیص داد، باید گروه‌هایی از مردم که از حل مسئله منتفع می‌شوند و یا در حال دست و پنجه نرم کردن با مسئله هستند را شناسایی کند و زمینه را برای حضور آنان در بطن کار فراهم نماید. حلقه میانی نباید کاری را بدون مردم جلو ببرد؛ به‌عبارت‌دیگر، باید مردم نوک پیکان حل مسئله باشند و کار را از خود بدانند (میراسماعیلی، ۱٤۰۲).

ب. نقش‌های محوری و نقش‌های تبعی هر محور

برای اینکه هرکدام از انتظارات بیان شده بتواند اجرایی شوند؛ می‌بایست نقش‌آفرینی‌هایی انجام پذیرد؛ یعنی: حلقه میانی باید برای تحقق هرکدام از انتظارات، متناسب با هرکدام یک فعالیتی انجام دهد و نقشی را ایفا نماید. پس از تحقیقات انجام گرفته، تمامی نقش‌ها در نقش محوری دسته‌بندی شدند که به آن‌ها «خمسه

پیشرفت» گفته می‌شوند. در کنار نقش‌های اصلی تعدادی (۲۳ مورد) نقش تبعی نیز وجود دارد. این نقش‌ها عبارت‌اند از:

(۱). کاشف: در این محور نقش اصلی که حلقه میانی می‌بایست ایفا نماید، کاشف بودن است؛ یعنی: برای تحقق انتظارات مربوطه می‌بایست به دنبال شناسایی یک سری از موارد باشد. این موارد همان نقش‌های تبعی هستند که مسئله‌شناس، ظرفیت‌شناس و مانع‌شناس ازجمله آن‌ها هستند.

(۲). طراح: حلقه میانی برای اینکه در این محور موفق شود، لازم است به سه نقش تبعی: «تحلیل‌گر»، «برنامه‌ریز» و «مدل‌ساز» توجه نماید؛ یعنی: باید پس از شناسایی مسائل، ابتدا تحلیلگر دقیقی باشد و سپس بر اساس تجزیه و تحلیل انجام شده به سراغ برنامه‌ریزی برود و برنامه دقیقی تدوین نماید و درنهایت بتواند یک نقشه پیشرفت دقیق را ترسیم نماید که همان مدل‌سازی تمامی موارد احصاء شده جهت حل مسائل در قالب یک نقشه است.

(۳). آماده‌ساز: شاید بتوان گفت نقش محوری آماده‌ساز، اصلی‌ترین نقش حلقه میانی است. نقشی که اگر به‌درستی ایفا شود، هم کارها و برنامه‌ها و نقشه پیشرفت درست پیش می‌رود و هم عدم تصدی‌گری در میدان توسط حلقه میانی رخ خواهد داد و هم نقش‌آفرینی مردم و گروه‌های مردمی و هسته‌های عمومی و هسته‌های تخصصی و حتی هسته‌های پیشرفت، بیشتر و پررنگ‌تر خواهد شد. برای صورت‌گیری درست این محور، باید نقش‌های تبعی همچون «تصمیم‌سازی»، «مطالبه‌گری» و «گفتمان‌سازی» به‌درستی انجام گیرند.

(٤). پیاده‌ساز: نقش چهارم شامل سه نقش تبعی: «هم‌افزا»، «راهبر» و «تمام‌کننده» است؛ یعنی: حلقه میانی با ایفای این نقش بیشتر به دنبال این است که در راستای عدم تصدی‌گری در اجرای برنامه‌ها، در کنار کار بایستد و از طریق «هم‌افزایی» بین هسته‌های پیشرفت و تخصصی و همچنین «راهبری» مردم در اجرای نقشه پیشرفت

وظیفه‌ای که به دوش دارند و همچنین نقش تبعی «تمام‌کننده» به‌عنوان آخرین نقش تبعی در این محور را ایفا نماید.

(۵). تشکیلات‌ساز: در این بعد حلقه میانی برخلاف چهار نقش محوری قبلی که به بعد بیرونی و محیط بیرونی خود توجه کرده است، می‌بایست به درون گروه توجه نماید؛ یعنی: نسبت به ارتقاء اعضا گروه و ماهیت اجتماعی گروه توجه نماید. نقش محوری تشکیلات‌ساز، دارای هفت نقش تبعی است که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: «آینده‌نگار»، به معنای ترسیم جایگاه خود در آینده است و معلوم باشد که قرار است به کجا برسد؛ «مربی»، به این معنی: که روح حاکم بر گروه باید به نحوی باشد که افراد با حضور در آن احساس رشد و تعالی کنند؛ و «انسجام‌آفرین»، به این معنا: که باید مکانیسم‌هایی در گروه فعال باشد تا از طریق این مکانیسم‌ها و هدایت رهبر گروه، وحدت و جهت مشترک و هویت جمعی و تشکیلاتی شکل بگیرد. (همان)

ج. بررسی شایستگی‌ها

بر اساس مدل تدوین سند، پس از طراحی انتظارات و بعد از استخراج نقش‌ها بر اساس انتظارات، نوبت به استخراج شایستگی‌های لازم برای یک حلقه میانی بر اساس نقش‌های تبعی ۲۳ گانه می‌رسد. برخی از این شایستگی‌ها عبارت‌اند از

(۱). دارای توانایی شناخت نخبگان: منظور از شناخت نخبگان، یعنی: روحیه، دانش و تمایل کار با نخبگان را داشته باشد، روش‌های تعامل با نخبگان را بداند و قدرت مفاهمه خوبی داشته باشد.

(۲). توانایی در شناسایی و فهم نظام مسائل: به این معنا که مسائل را به‌خوبی بشناسد، تقدم و تأخر آن‌ها را بفهمد و مسائل مختلف را با استفاده از شیوه‌های علمی و صحیح کشف کند.

(۳). شناخت و تسلط بر توانایی‌ها، آداب‌ورسوم، فرهنگ و بوم مردم منطقه مدنظر: به این معنا که نمادها و پتانسیل‌های خودباوری و هویت‌ساز مردم منطقه را بداند،

پیشینه تاریخی مردم منطقه و افراد مؤثر حاضر و یا گذشتگان مؤثر را بداند و فردگرا یا قوم‌گرا بودن مردم منطقه را بداند (همان).

٦. گروه‌ها و سازمان‌های غیردولتی و حلقه‌های میانی

گروه‌ها و سازمان‌های غیردولتی و حلقه‌های میانی، از حیث گوناگونی می‌توانند در تمام ساحت‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، امنیتی، علمی و هنری در مقیاس داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی کنشگری فعال داشته باشند که به شرح تعدادی از آن‌ها می‌پردازیم.

٦-١. احزاب

احزاب سیاسی مرکب از: گروهی از شهروندان کم و بیش سازمان‌یافته هستند که به‌عنوان یک واحد سیاسی عمل می‌کنند و با استفاده از حق رأی خود می‌خواهند بر حکومت تسلط پیدا کنند و سیاست‌های عمومی خود را عملی سازند (عالم، ۱۳۷۵: ص ۳٤۳). احزاب دارای تعریف و کارکردهای مشخص‌اند که با توجه به تعریف و کارکردهای احزاب می‌توان تفاوت‌های آن را با حلقه‌های میانی به‌صورت زیر برشمرد.

احزاب معطوف به قدرت هستند و تمامی تلاش آن‌ها برای کسب قدرت و یا بیشینه‌سازی قدرت است. بر همین اساس فعالیت‌های احزاب، سیاسی و متعلق به یک جریان خاص هستند و نحوه مدیریت کردن آن‌ها از بالا به پایین است. مدیریت آن‌ها در پایتخت و دفاتر آن‌ها در مراکز استانی، تابع بالا هستند. درصورتی‌که حلقه‌های میانی، تلاش برای کسب قدرت نمی‌کنند و بعضاً به تثبیت دولت نیز کمک می‌کنند. همچنین خودجوش و کاملاً مردمی‌اند و از پایین به بالا و از بالا به پایین جریانی سیال را شکل می‌دهند و صرفاً سیاسی نبوده و جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست‌محیطی و حتی امنیتی و اطلاعاتی را نیز شامل می‌شوند (اخوان‌نیلچی و دیگران، ۱٤۰۳: ۲۰-۲۱).

٦-٢. گروه‌های نفوذی

زیگلر بر این عقیده است که گروه نفوذی؛ توده‌ای سازمان‌یافته و در تلاش برای نفوذ بر تصمیمات حکومتی است بی‌آنکه بکوشد اعضای خود را در مقامات رسمی حکومت قرار دهد (عالم، ۱۳۷۵: ۳۵۸-۳۵۹) یعنی: اهداف گروه‌های نفوذی، تحصیل قدرت سیاسی نیست، بلکه خواستار تغیر مسیر سیاست حکومت یا تقویت آن، بدون کسب قدرت هستند. به عبارتی، این گروه‌ها پی اثرگذاری به زمامداران هستند (ربیعی و شیاوشی، ١٤٠١: ١٤٣). با توجه به مطالب ذکر شده، این گروه‌های نفوذ، بیشتر جنبه سیاسی دارند و در پی تأثیرگذاری بر قدرت سیاسی و خارج ماندن از آن هستند و اهداف پنهانی خویش را در عرصه قدرت دنبال می‌کنند. درحالی‌که حلقه‌های میانی کاملاً با اهداف مشخص و شفاف در تمام عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست‌محیطی و امنیتی فعالیت دارند. حلقه‌های میانی در راستای اهداف و آرمان‌های حاکمیت فعالیت می‌کنند و پیونددهنده دولت و مردم‌اند تا بتواند از ظرفیت آن‌ها برای پیشرفت جامعه استفاده کنند. درواقع تبلوری از نقش‌آفرینی و مشارکت مردم در جامعه مطلوب است (اخوان‌نیلچی و دیگران، ١٤٠٣: ٢٠-٢١).

٦-٣. گروه‌های جهادی

هرگونه فعالیت جمعی که با هدف‌گیری والا و سخت‌کوشی و مبارزه با موانع در جهت پیشرفت و سازندگی و خدمت به محرومین باشد، فعالیت جهادی گروه‌های جهادی است. این حرکت که عمدتاً از روزهای آغازین پیروزی انقلاب اسلامی شروع شده و در دهه ۷۰ توسعه‌یافته و تاکنون در حال رشد کمی و کیفی است، یکی از مصادیق حلقه‌های میانی است. بنا به تعبیر آیت‌الله خامنه‌ای «اگر مدیریت جهادی یا همان کار و تلاش با نیت الهی و مبتنی بر علم و درایت حاکم باشد، مشکلات کشور در شرایط کنونی فشارهای خباثت‌آمیز قدرت‌های جهانی، قابل حل است و کشور حرکت روبه‌جلو را ادامه خواهد داد» (ربیعی و شیاوشی، ١٤٠١: ١٤٣).

٦-٤. بسیج مستضعفین

بسیج مستضعفین به‌عنوان یک روحیه و مکتبی که حاکی است از پیش‌قراولی و حضور در میدان‌های مورد نیاز انقلاب اسلامی که نه‌تنها در بُعد امنیتی و دفاعی منحصر نمی‌شود بلکه در تمام میدان‌های علمی، سازندگی، سیاسی و ... فراگیر بودن و نظام عضوگیری آن و رویکرد آحادی آن ازیک‌طرف و ارتباط و اتصال آن با حاکمیت و مردم از طرف دیگر؛ یک حد واسطی دارد که می‌توان این مقوله را از مصادیق حلقه‌های میانی دانست (ربیعی و شیاوشی، ١٤٠١: ١٤٦).

٦-٥. تشکل‌های بسیج دانشجویی

تشکل‌های بسیج دانشجویی در دهه اول انقلاب اسلامی شکل گرفته و تا به امروز به‌عنوان خط مقدم تشکل‌ها در خدمت به آرمان‌های انقلاب شناخته می‌شود. نقطه تمایز و برجسته‌ای که در تشکل‌های بسیج دانشجویی در تفاوت با سایر تشکل‌ها ملموس است، تجمیع دو رکن اساسی بسیج و دانشجو بودن است. از همین رو فهم عمیق نسبت به سازوکار مفهومی این تشکل، دستیابی به چارچوب جامع حلقه‌های میانی را تسهیل خواهد کرد. آیت‌الله خامنه‌ای بارها از نقش اساسی تشکل‌های بسیج دانشجویی در محیط‌های دانشگاهی یاد کرده و فرموده‌اند بسیج دانشجویی، بازوی پرتوان نهضت و عسرت انقلاب بوده و هست (همان، ١٤٦-١٥٠).

٦-٦. مساجد و هیئت‌ها

یکی دیگر از مصادیق کلی ذکر شده در ذیل جریان‌های حلقه‌های میانی، مجموعه‌های فرهنگی و فکری مساجد و هیئت‌ها است که بدون وابستگی به هرگونه دستگاه حاکمیتی، کاملاً به‌صورت خودجوش و مردمی به تقویت معارف دینی و فرهنگی می‌پردازند (همان، ١٥١-١٥٢).

٦-٧. جهاد سازندگی

جهاد سازندگی، یکی از مهم‌ترین نهادهای انقلاب اسلامی به‌حساب می‌آید که در فلسفه پیدایی و تشکیل آن، جایگاه دو عنصر (امام) و (امت) کاملاً برجستگی دارد. با توجه به عملکرد جهاد، مفهوم حلقه‌های میانی به روشن‌ترین شکل ممکن در آن متبلور است. این نهاد تمام تلاشش را بر پیوند هر چه بیشتر این دو عنصر متمرکز ساخت. جهاد سازندگی تلاش کرد از دریچه عمران و آبادانی و مقابله با محرومیت‌ها و نه با برخوردهای سخت امنیتی و نظامی، به مواجه با چالش‌های امنیتی بپردازد. با نگاهی به عملکرد جهاد سازندگی، این مهم کاملاً به ذهن متبادر می‌گردد که مثابه یک حلقه میانی، نقش تأثیرگذار در توسعه و تحکیم رابطه میان امام و امت ایفا نموده است.

٦-٨. نهضت سوادآموزی

نهضت سوادآموزی نیز به‌عنوان یکی دیگر از این الگوها و حرکتی که توانست بعد از انقلاب به فرمان حضرت امام خمینی (ره) موفق باشد. سازمان نهضت سوادآموزی اقدام به برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های مختلف به‌منظور تحت پوشش بردن افراد بی‌سواد که اغلب از طبقات محروم و مستضعف بودن کرد و آموزش سواد را در دوره‌های مختلف به مرحله اجرا درآورد. لذا می‌توان این مقوله را از مصادیق حلقه‌های میانی دانست (ربیعی و شیاوشی، ١٤٠١: ١٦٥-١٦٦).

نتیجه‌گیری

بازخوانی کنش‌های ساختاری در جمهوری اسلامی نشان می‌دهد که نقش مردم در پیگیری و تحقق چالش‌های اصلی کشور و حضور آنان در فرایندهای حکمرانی، یک نقش بی‌بدیل و منحصربه‌فرد است. بر اساس اندیشه امامین انقلاب هر جا میدان برای نقش‌آفرینی مردم فراهم شده موفقیت‌های بزرگ به دست آمده است. در حال حاضر یکی از آفت‌های مهم پیش روی حرکت انقلاب اسلامی، وجود درک اجمالی

و غیرتفصیلی از آرمان‌ها، اصول انقلاب و همچنین مشی و شیوه حکمرانی آن است. از همین رو نیاز به تحول در ساختارهای دیوان‌سالاری ناکارآمد ضروری به نظر می‌رسد. نقطه اصلی این تحول، نظریه «حلقه‌های میانی» است که توسط آیت‌الله خامنه‌ای مورد تأکید قرار گرفته است.

جامعه مدنی، شامل انواع مؤسسات، انجمن‌ها و نهادهای خصوصی و غیرخصوصی می‌باشند که نقش واسطه‌ای میان دولت و مردم دارند. این مفهوم با انگیزه توسعه دموکراسی، فارغ از دخالت قدرت‌های سیاسی حاکم و به‌عنوان یک مفهوم مدرن، علاوه بر پایبندی به پایه‌های مدرنیته، همچون: انسان‌محوری و سکولاریسم، شکل گرفته است و دارای شاخصه‌های مانند: (اتکا به مدنی بودن فرد، ملازمت و پیوستگی با جامعه سرمایه‌داری، اقتصاد آزاد و مالکیت خصوصی، وجود آزادی‌های لازم برای نهادهای مدنی، حاکمیت قانون تدوین‌شده توسط مردم) است. حلقه‌های میانی، مفهومی نوآورانه در عرصه حکمرانی و سپهر اجتماعی–سیاسی ایران اسلامی است که توسط آیت‌الله خامنه‌ای مطرح شد. این مفهوم از منظر آیت‌الله خامنه‌ای؛ مجموعه‌هایی برآمده از ملّت هستند که مأموریت‌هایی خارج از چارچوب دولت و دستگاه‌های حاکمیتی را به سرانجام می‌رسانند. جریان حلقه‌های میانی، کنشگر عملی برای پیش‌روندگی و پیش‌برندگی جامعه است؛ به این صورت که با برقراری تعامل با مردم، نیاز و ظرفیت‌ها را به یکدیگر متصل کرده و حرکت عمومی برای مردم‌سازی ایجاد خواهد کرد. حلقه‌های میانی ویژگی‌هایی مانند: (مردمی بودن، یعنی: مجموعه‌هایی برآمده از ملّت هستند، انجام مأموریت‌هایی خارج از چارچوب دولت، خودجوش و از نخبگان فکری و عناصر فعال متعهد به آرمان‌های انقلاب اسلامی تشکیل می‌شوند، حلال مشکلات ملت هستند، واسطه‌ایی بین حاکمیت و ملت و کاهنده وظایف دولت) است. جامعه مدنی با حلقه‌های میانی، شباهت‌های مانند: (میانجی دولت–ملت هستند، شامل انواع متفاوتی از نهادها می‌شوند، مأموریت‌های متنوعی دارند، هر دو آرمان‌جویانه هستند، هر دو خودجوش شکل

می‌گیرند و هر دو موجب کوچک‌تر شدن دولت می‌شوند.) و تفاوت‌هایی مانند: (تفاوت در آرمان‌ها و پویایی نسبی در ساختار) دارند. کلمه «نشا» برگرفته از سه کلمه (نقش، شایستگی و انتظارات) است و بیان‌کننده: (نقش‌هایی که یک حلقه میانی باید ایفا کند، شایستگی‌هایی که یک حلقه میانی باید دارا باشد و انتظاراتی که از یک حلقه میانی مدنظر است) می‌باشند.

فهرست منابع

-اخوان نیلچی، عیوضی، محمدرحیم و نادری، مهدی، (۱۴۰۳)، طراحی چهارچوب مفهومی جریان حلقه های میانی مردم پایه بر مبنای دیدگاه مقام معظم رهبری، دو فصلنامه علمی دانش سیاسی، سال بیستم، شماره اول، ۳۹.

-بیات، عبدالرسول، (۱۳۸۶)، فرهنگ واژه‌ها. چ ۳، تهران: انتشارات اندیشه و فرهنگ دینی.

-ربیعی، سینا و شیاوشی، مهدی، زمستان (۱۴۰۱)، صورت‌بندی مفهوم جریان حلقه‌های میانی مبتنی بر تجارب جمهوری اسلامی ایران، تهران: دانشگاه جامع امام حسین (ع)، سال نهم، شماره چهارم.

-شفیع‌خانی، محمدامین، (۱۴۰۰)، «جامعه مدنی» و «حلقه‌های میانی»؛ شباهت‌ها و تفاوت‌ها، اندیشکده حکمروایی فرهنگ و صنایع خلاق.

-عالم، عبدالرحمن، (۱۳۷۵)، بنیادهای علم سیاست، چاپ دوم، تهران: نشر نی.

-میراسماعیلی، سید اویس، (۱۴۰۲)، نقش، شایستگی و انتظارات حلقه‌های میانی پیشرفت، اندیشکده همپا.

حلقه‌های میانی و مقاومت فعال در مواجهه با جنگ شناختی با الگوبرداری از آموزه‌های مهدویت

محمود کشاورز[1]

چکیده

گذشت چهار دهه از انقلاب اسلامی و حرکت روبه‌جلوی بر اساس مبانی و آرمان‌های انقلاب در گام دوم و با گسترش فناوری‌های نوین و پیچیده‌تر شدن مواجهه، جنگ شناختی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین تهدیدات علیه نظام‌های اسلامی مطرح شده است. در این جنگ، دشمن با بهره‌گیری از ابزارهای مختلف، سعی در تغییر باورها، ارزش‌ها و هویت افراد دارد. در این میان، حلقه‌های میانی به‌عنوان پل ارتباطی بین حاکمیت و مردم، نقش بسیار مهمی در مقابله با جنگ شناختی ایفا می‌کنند. این مقاله به دنبال بررسی نقش حلقه‌های میانی در مقاومت فعال در برابر جنگ شناختی با الگوبرداری از آموزه‌های مهدویت است. در این پژوهش؛ به دنبال پاسخگویی به این پرسش هستیم که چگونه می‌توان با بهره‌گیری از ظرفیت حلقه‌های میانی و الهام از آموزه‌های مهدویت، مقاومت فعال و مؤثری در برابر جنگ شناختی ایجاد کرد؟ روش مورد استفاده در این پژوهش تحلیلی- توصیفی است و احصاء داده‌ها بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای شکل‌گرفته و یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که حلقه‌های میانی با توجه به نفوذ اجتماعی و ارتباط نزدیک با مردم، می‌توانند نقش بسیار مهمی در افزایش آگاهی، تقویت باورها و ایجاد انسجام اجتماعی ایفا کنند. آموزه‌های مهدویت نیز با تأکید بر انتظار، امید، بصیرت و مقاومت، می‌تواند الگوی مناسبی برای مقابله با جنگ شناختی باشد.

واژگان کلیدی: جنگ شناختی، حلقه‌های میانی، آموزه‌های مهدویت، مقاومت، انقلاب اسلامی.

[1] استادیار مدرسی انقلاب اسلامی و دروس عمومی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران، sardarbipelak@yahoo.com

مقدمه و بیان مسئله

انقلاب اسلامی ایران، به‌عنوان یک رویداد تاریخی بی‌نظیر، با تکیه بر آموزه‌های ناب اسلام و رهبری حکیمانه امام خمینی (ره) به پیروزی رسید. این انقلاب، با ایجاد تغییرات بنیادین در ساختار سیاسی و اجتماعی کشور، الگویی نوین از حکومت اسلامی را به جهانیان عرضه نمود. با گذشت چهار دهه از پیروزی انقلاب، نظام اسلامی همواره در معرض تهدیدات مختلفی از جمله جنگ شناختی قرار گرفته است.

جنگ شناختی به‌عنوان یکی از جدیدترین و پیچیده‌ترین روش‌های مقابله، به‌شدت مورد توجه قرار گرفته است. این نوع جنگ که بر پایه دانش و فناوری‌های نوین استوار است، به دنبال تغییر باورها، نگرش‌ها و رفتار افراد یک جامعه است. دشمنان انقلاب اسلامی با بهره‌گیری از ابزارهای نوین، تلاش می‌کنند تا با القای انواع شبهات، اغواگری و تحریف، افکار عمومی را به سمت اهداف خود سوق دهند.

در این میان، حلقه‌های میانی به‌عنوان پل ارتباطی بین حاکمیت و مردم، نقش محوری در مقابله با جنگ شناختی ایفا می‌کنند. این لایه اجتماعی با توجه به ویژگی‌های منحصربه‌فرد خود، از جمله نزدیکی به مردم و آشنایی با مسائل روز، می‌تواند در افزایش آگاهی عمومی، تقویت باورهای دینی و مقابله با شایعات نقش مؤثری داشته باشد.

آموزه‌های مهدویت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین منابع الهام‌بخش در انقلاب اسلامی، دارای ظرفیت بالایی در مقابله با جنگ شناختی است. انتظار فرج و عدالت جهانی، ایمان به ظهور منجی عالم و تأکید بر نقش‌آفرینی فرد در جامعه، از جمله آموزه‌هایی هستند که می‌توانند به‌عنوان سدی محکم در برابر تهاجم فرهنگی دشمنان عمل کنند. نگاه به مهدویت با توجه به آموزه‌های پیش رو منبعث از دو کلان دیدگاه است که پیش از انقلاب اسلامی به‌صورت تک‌بعدی به آن پرداخته شده است (جوادی آملی،۱۳۹۷، ۱۸۱). دیدگاه اول: نگاه پدیده‌ای به مسئله ظهور که با استناد به ظاهر

برخی از روایات این باب (اربلی،۱٤۲۱، ج ۲، ٤۷۷) تلقی بشریت را به تماشاگری و نه مسئولیت‌پذیری محدود کرده، هرچند این دیدگاه با ظاهر آیات قرآن نیز مخالفت دارد و خداوند متعال هیچ‌گاه بشر را بی‌توجه نسبت به مسئولیت‌های اجتماعی خود خلق نکرده، غایت این نگاه وجود اسرائیلیات در زندگی اجتماعی بشر و همچنین افراد دارای این تفکر در ساختارهای حکومت اسلامی است.

نگاه دوم به مسئله ظهور، نگاه پروژه‌ای به این مسئله است که در طول طراحی کلان پروژه نبی مکرم اسلام حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) جای گرفته (توبه:۳۳) و صد البته می‌توان برنامه همه انبیاء الهی را از ابتدای خلقت آدم تا ظهور حضرت حجت (عج الله تعالی) در امتداد این نگاه دانست.

نکته حائز اهمیت در این کلان پروژه، سهیم بودن و نقش داشتن همه بشریت در طول این پروژه است. مشارکت در بخش‌های مختلف این پروژه منتج به تحقق اهداف و دستیابی به آرمان‌ها در این مسیر است.

آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرمایند:

«حضرت مهدی (عج الله تعالی) در یک زمینه‌ی مساعد و مناسب ظهور خواهد کرد، نه در یک زمینه نامساعد، حکومت حضرت مهدی یک حکومت صد در صد است، ده درصد و بیست درصد و سی درصد و پنجاه درصد و نود درصد بایستی به وجود بیاید تا برسد به صد در صد» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۱/۷/۳۰).

برداشت حاصله سوق دادن جامعه به سمت مشارکت و نقش‌آفرینی در تحقق اهداف و آرمان‌های جامعه متعالی مهدویت و تأثیرگذاری بر افراد در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی است؛ که این مهم با تشکیل، اقدام و کنشگری مؤثر حلقه‌های میانی شکل می‌گیرد.

حال با این وجود، بازسازی نگاه پروژه‌ای و جاری‌سازی این تفکر در عرصه‌های مختلف با ابتناء بر مبانی شیعی، باعث به وجود آمدن نگرشی جدید به‌صورت مبتکرانه نسبت به مقولات دینی ارائه‌شده در ساختار تمدنی ـ اندیشه‌ای گردیده که

حاصل آن، به وجودآمدن اندیشه‌های مترقی در باب تمدن اسلامی و روند پُرشتاب حرکتی آن است؛ برآیند این مهم به‌صورت موردی در بیانیه گام دوم و حرکت روبه‌جلوی در انقلاب اسلامی تحت عنوان «نظریه نظام انقلابی» بیان گردیده است. ارتباط شکل‌گرفته بین عناصر این نظریه در ساختار تمدنی جامعه اسلامی (جامعه مهدویت) باعث به وجودآمدن الگویی مشخص و چشم‌اندازی برای تمدن نوین اسلامی بوده که با معیار قرار دادن آن می‌توان در افق زمانی مشخص به جامعه آرمانی دست‌یافت.

بهره‌گیری از ظرفیت نخبگانی (حلقه‌های میانی) مبتنی بر آموزه مهدویت و ایجاد سازوکار متناسب باعث پیشی گرفتن پیمایش این مسیر به‌صورت واقع‌گرایانه با آینده‌ای روشن و پرفروغ در مقابل استیلاءجویی تمدن غرب می‌گردد.

بر طبق این مسئله هدف از پژوهش؛ «بررسی نقش حلقه‌های میانی و ظرفیت‌های آن در تقویت مقاومت در مقابله با جنگ شناختی دشمن و ارائه راهکارهای عملی برای تقویت این نقش با تکیه بر آموزه‌های مهدویت» است.

فرضیه‌ای که می‌توان برای این نوشتار در نظر گرفت بدین‌صورت است که: حلقه‌های میانی با توجه به موقعیت اجتماعی و ارتباط نزدیک با مردم، نقش کلیدی در افزایش آگاهی و بصیرت عمومی ایفا می‌کنند و آموزه‌های مهدویت با تأکید بر انتظار، امید، عدالت و مقاومت، می‌تواند الگوی مناسبی برای مقابله با جنگ شناختی باشد و البته با تلفیق ظرفیت‌های حلقه‌های میانی و آموزه‌های مهدویت می‌توان راهبردهای مؤثری برای مقابله با جنگ شناختی طراحی کرد.

در این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال هستیم که: چگونه می‌توان با بهره‌گیری از ظرفیت حلقه‌های میانی و الهام از آموزه‌های مهدویت، مقاومت فعال و مؤثری در برابر جنگ شناختی ایجاد کرد؟ و برای پاسخ‌گویی به این پرسش نیازمند سؤالات فرعی دیگری نیز هستیم از آن جمله: حلقه‌های میانی چه نقش‌هایی در مقابله با جنگ شناختی ایفا می‌کنند؟ آموزه‌های مهدویت چه ظرفیت‌هایی برای

تقویت مقاومت در برابر جنگ شناختی دارد؟ و چگونه می‌توان با تلفیق آموزه‌های مهدویت و ظرفیت‌های حلقه‌های میانی، راهبردهای مؤثری برای مقابله با جنگ شناختی طراحی کرد؟

پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش حاضر با توجه به اهمیت و کاربردی بودن بحث در دو سطح قابل ارزیابی است:

۱-۱. پژوهش‌هایی که پیرامون مباحث مربوط به گام دوم انقلاب، مباحث مرتبط با نگاه تمدن اسلامی و مهدویت و ارتقای جامعه و دولت، حلقه‌های میانی و... می-پردازد.

۱-۲. پژوهش‌هایی که به بررسی جنگ شناختی و ابعاد آن و تأثیرگذاری بر جامعه هدف و تصمیم‌گیری در عرصه پرداخته است.

با توجه به مواد فوق و تحقیقات صورت گرفته در سطح اول و دوم حاکی از شماری از مقالات با موضوعات خاص هم‌راستا با عنوان فوق است.

مقاله «نقش و جایگاه آموزه مهدویت در تحقق اهداف بیانیه گام دوم با تأکید بر آموزه عدالت» نوشته آقایان رضا کفیلی و غلامرضا بهروزی لک که ضمن اشاره به بیانیه گام دوم و اهداف متعالی آن در زمینه خودسازی، جامعه‌سازی و تمدن‌سازی به آموزه عدالت مهدوی و جایگاه آن در بیانیه گام دوم پرداخته است.

مقاله «جایگاه حلقه‌های میانی در حکمرانی تشکیلاتی و نقش آن در تمدن‌سازی با نگاهی به مقوله تحزب» نوشته محمدرضا مجیدی و یونس سبزی کریم‌آبادی که با بیان یک سازوکار الگویی برای پُرنمودن خلأهای بین حاکمیت و مردم پرداختی داشته است.

مقاله «تمدن نوین اسلامی در بستر امت دولت‌ساز در اندیشه‌ی آیت‌الله خامنه‌ای اسلامی» که توسط آقای عبدالهادی صالحی‌زاده و ابراهیم عباس‌پور به رشته تحریر درآمده نیز به بحث دولت‌سازی در تمدن اسلامی می‌پردازد که با توجه به نگاه این

پژوهش که نظام انقلابی را در بستر بیانیه گام دوم مطرح می‌کند دارای قرابت معنایی در برخی مؤلفه‌های دولت‌سازی (ساختار در نظریه نظام انقلابی) است.

با توجه به نوپدید بودن مباحث جنگ شناختی و تحقیقات میدانی صورت گرفته باید گفت، بررسی منابع موجود نشان می‌دهد که علی‌رغم پژوهش‌های صورت گرفته در رابطه با زوایای جنگ شناختی و ترجمه‌های پدید آمده از مقالات حول این محور با نگرش نظامی صرف، تاکنون پژوهش مستقل و یا جامعی در رابطه با موضوع تحقیق حاضر صورت نگرفته است و پژوهشگران توجه چندانی به این مسئله نداشته‌اند. در این سطح با اندکی اغماض می‌توان به مورد زیر اشاره کرد:

مقاله «مشخصات جنگ احتمالی آینده علیه ج.ا.ایران و راهبردهای مقابله با آن» که توسط آقای فتح‌الله کلانتری نگارش یافته که به بررسی جنگ‌های آینده در هفت بعد و بهره‌مندی از ده ویژگی راهبردی می‌پردازد و اشاراتی نیز به موقعیت راهبردی نیروهای مسلح در جنگ‌های آینده دارد. مقاله دیگر «طرح راهبردی مقابله با نفوذ سیاسی آمریکا در جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر آرا و اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای است که پیرامون نفوذ مستقیم و تأثیرگذاری غیرمستقیم بر سه حوزه تشخیص، تصمیم و اقدام در جهت برهم خوردن منافع کشور اشاره دارد .

از امتیازات پژوهش‌های فوق بررسی ابعاد مختلف جنگ‌های آینده توسط دشمن در ابعاد مختلف رزم است و همچنین اشاره بر الگوهای ارائه شده در سطح راهبردی اما از مهم‌ترین کاستی‌های این تحقیق‌ها عدم تطبیق جنگ‌های شناختی بر حوزه‌های معرفتی انسانی و همچنین ذهن و ابعاد آن است.

روش پژوهش

با توجه به اهمیت موضوع و پیچیدگی‌های آن، این پژوهش در بعد محتوایی به دنبال چگونگی بهره‌گیری از ظرفیت حلقه‌های میانی و الهام از آموزه‌های مهدویت، برای مقاومت فعال و مؤثر در برابر جنگ شناختی است، لذا روشی که مورد استفاده قرار گرفته است، روش توصیفی است.

در تحقیقات توصیفی محقق به دنبال «بیان» و «چگونه بودن» موضوع است که شامل جمع‌آوری اطلاعات برای آزمون فرضیه یا پاسخ به سؤالات مربوط به وضعیت فعلی موضوع مورد مطالعه می‌شود تحقیقات توصیفی هم جنبه‌ی کاربردی دارند هم جنبه‌ی مبنایی که در بعد کاربردی از نتایج این تحقیقات در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها و همچنین برنامه‌ریزی‌ها استفاده می‌شود .

پژوهش حاضر ترکیبی از روش اسنادی _ کتابخانه‌ای است. روش اسنادی، روشی کیفی است که پژوهشگر با مطالعه نظام‌مند از متون به کشف، استخراج و ارزیابی مطالب مرتبط با پژوهش خود می‌پردازد. از امتیازات و ویژگی‌های روش اسنادی می‌توان به بُعد سهل و آسان بودن، کاربردی بودن آن، استفاده از آن در بخش چهارچوب نظری و پیشینه تحقیق نام برد.

چهارچوب نظری تحقیق

به طور کلی پیرامون نبردهای آینده و به طور خاص جنگ شناختی (بعد پنجم جنگ) با توجه به تعاریف ارائه شده و متکی بر نظریات پایه‌ای، چهارچوب‌های نظری مختلفی بیان شده که اغلب در حوزه نظامی دارای کاربرد است که با توجه به اهمیت تبیینی این پژوهش و به جهت رسیدن به اشباع نظری به‌صورت خلاصه، نظریه پایه‌ای آن بیان می‌گردد:

نظریه ابعاد جنگ، بُعد پنجم؛ در نظریه ابعاد جنگ، شناخت به‌عنوان بُعد پنجم در کنار ابعاد چهارگانه سطح، زیر سطح، فرا سطح و زمان، معنا می‌شود. نظریه بُعد پنجم، درصدد است در کنار ابعاد مکانی و زمانی پدیده اجتماعی جنگ، مفهوم استعاری ذهن و شناخت را به‌عنوان بُعد پنجم جنگ بازنمایی کند. بازنمایی این بُعد، از مختصات دوران پسامدرن است (کلاوری و کلوزل،۲۰۲۲، ۳).

با ورود فن‌آوری اطلاعات و توسعه شبکه مجازی، قابلیت‌های این عرصه به ابعاد چهارگانه قبلی اضافه شد. استعاره ذهن و شناخت، به‌عنوان بُعد پنجم جنگ یا همان جنگِ‌شناختی، شناسایی و مفهوم‌سازی شد (محمدی نجم،۱۳۸۹، ۱۵). در این

استعاره، فضای مجازی به «ذهن» تشبیه و فعالیت‌های ناظر بر دریافت و تجزیه‌وتحلیل و انتقال داده‌ها به‌عنوان «فعالیت شناختی» تعبیر می‌گردد.

نظریه‌پردازان مفهوم جنگ‌شناختی اعتقاد دارند، فضای مجازی عمده منبع «شناخت» در دوران پسامدرن خواهد بود (فولادی، ۱۳۹۸، ۷۵-۱۰٤). عمده روابط انسان در دوران پسامدرن بر اساس داده‌ها و اطلاعات تبادل شده و تجزیه‌وتحلیل شده در این فضا سامان می‌یابد. جامعه و خرده نظام‌های اجتماعی که محصول روابط نظام‌مند افراد انسانی هستند نیز بر همین اساس نظم و نظام و ساختار می‌یابد.

عرصه «ذهن» و «فعالیت شناختی» در عصر اطلاعات، همان‌گونه که مهم‌ترین عرصه برای سامان‌دهی نظم و نظام اجتماعی است، مهم‌ترین بستر برای آشوب و جنگ نیز خواهد بود. هر طرف از جنگ که سلطه بیشتری بر زیرساخت‌ها یا فرایند دریافت و تجزیه‌وتحلیل و انتقال داده‌ها و اطلاعات داشته باشد، عملاً در معرض کنترل جوامع بر اساس اراده خود است. با این توضیح جنگ‌شناختی در پارادایم نظامی جنگ و با تعریف سنتی آن، معنا و مفهوم می‌یابد و با شرایط دوران پسامدرن و عصر اطلاعات تطبیق می‌یابد. مرور نظریه‌های برخی آینده‌پژوهان و نظریه‌پردازان اجتماعی، ابعاد مختلف جنگ شناختی به این معنا را روشن‌تر خواهد کرد.

با توسعه مفهوم جنگ‌شناختی به عرصه‌های نوپدید، تبیین‌های نظری مرتبط با جنگ‌شناختی نیز بسط می‌یابد؛ که در ذیل به تبیین نظری توسعه‌یافته از جنگ‌شناختی با توجه به موضوع مورد بحث اشاره خواهد شد:

نظریه جنگ دانشی یا جنگ ایده‌های آکادمیک؛ در این جنگ، اثرگذاری اهداف نظامی از طریق تمرکز بر «دانش» به‌عنوان یک پروسه اجتماعی صورت می‌پذیرد؛ که در روانشناسی علم و یا جامعه‌شناسی معرفت از آن بحث می‌شود. در رویکرد روانشناسی علم، مفهوم «تخصیص شناختی» پیاژه و ویگوتسکی یکی از شاخص‌ترین تبیین‌های نظری در این عرصه است (هارتلی، ۲۰۲۱، ۱۵-۱۷).

بر اساس رویکرد جامعه‌شناختی معرفت، (با کاربست از نظریه فوکو) در ضمن تمرکز در مفهوم دانش در شکل‌گیری «جامعه» و «نهاد اجتماعی» به‌نوعی شناخت نیاز داریم که در مجرای «دانش آکادمیک» در دوران معاصر، مهندسی و معماری حکمرانی در جهان در دست نهادهای قدرت قرار گیرد؛ و این همان جنگ دانش است.

دانشمندان علوم اجتماعی در این جنگ نقش بسیار مهمی در سامان‌دهی و هدایت جامعه بر عهده دارند. در جوامع مدرن که حکومت‌ها با استفاده از ظرفیت نخبگان به اداره جامعه خود می‌پردازند، نوع «شناخت» نخبگان در سامان بخشی به نهادهای اجتماعی و جامعه بسیار اثرگذار بوده و چه بسا بر ذهن قانون‌گذاران، قضات، کارشناسان و مشاوران و در یک عنوان «تصمیم سازان» بسیار مؤثر است.

فعالان سیاسی، روزنامه‌نگاران، سیاستمداران، سازمان‌های مردم‌نهاد و... به‌عنوان تأثیرگذاران و عوامل قدرت در سطح جامعه می‌توانند ایده‌های همسو با نخبگان را در جامعه به کف جامعه و یا صف انتقال داده و بازنمایی و پشتیبان کننده این ایده‌ها باشند. عموماً این ایده‌ها از مسیر آکادمیک خود و به طور خاص از مراکز علمی (دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه) تولید شده و به‌وسیله نخبگان مهندسی اتفاق می‌افتد و در سطح جامعه انتشار می‌یابد.

بیان مفاهیم

جنگ شناختی: یکی از حوزه‌های علوم شناختی، قلمرو دفاعی، یا تهاجمی مورد استفاده نیروهای مسلح است که تحت عنوان علوم دفاع شناختی و یا به تعبیری جنگ شناختی مطرح می‌گردد. پیرامون بیان مفهوم و تعریف اصطلاحی، ناگزیر به تعریف بومی هستیم. «جنگ شناختی به معنای نفوذ به زیربنای معرفتی و باورها و اعتقادات و شناخت افراد است و به تعبیری به معنای تسخیر دستگاه معرفت‌شناسی انسان است» (کشاورز،۱۳۹۸، ٦). چهار هدف عمده دشمن در جنگ شناختی

عبارت‌اند از: ایجاد تغییر در اعتقادات و باورها، افکار و اندیشه‌ها، رفتار و ساختار سیاسی یک جامعه.

لازم است این نکته را نیز بیان نمود که بر اساس تعریف منتخب در جنگ شناختی و اشتباهات رایج صورت پذیرفته (نوپدید بودن بروندادی جنگ شناختی) با کلیدواژگانی همچون قدرت نرم، جنگ نرم، تهدید نیمه سخت، جنگ فرهنگی، جنگ ترکیبی و ...، در سه گام راهبردی، عملیاتی، تاکتیکی ممکن است اشتراکاتی با واژگان فوق وجود داشته باشد که شرح و تفصیل آن نیازمند پژوهشی دیگر است.

کلان جامعه مهدوی بر مبنای آموزه: آموزه به مجموعه‌ای از ایده‌ها و دیدگاه‌ها گفته می‌شود که اگر در موضوع خاصی مطرح شود، به اسم آن موضوع استفاده می‌شـــود؛ و به معنای «اصول عقاید، نظریه و دکترین نیز آمده–است» (انوری، ۱۳۸۲، ٦١). بنا به تعریف مذکور، آموزه‌های مهدوی به معنای مجموعه ایده‌ها، معارف و مسائل پیرامون حضرت مهدی (عج)، به‌عنوان دوازدهمین امام و حجت پروردگار در روی زمین اســـت. آموزه مهدویت «فرارسیدن عصری موعود را بشارت می‌دهد که گشایش و پیروزی مؤمنان بر کافران و مشرکان در آن رقم خواهد خورد». این آموزه بسیار گسترده است به‌طوری‌که «در نگرش اسلامی به‌منزله یک نظام فکری ـ عملی مطرح است» (بهروزی لک و کفیلی، ١٤٠١، ٨٢).

بیانیه گام دوم انقلاب: که به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی صادر گردیده و به جهت استمرار مسیر انقلاب به مقایسه، آسیب‌شناسی، تبیین دستاوردها، چالش‌های پیش رو و برنامه‌های متعالی با هدف ساخت آینده‌ای درخشان بر مبنای اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی اشاره شده است. عمده مخاطب این بیانیه جوانان هستند و در هفت حوزه علم و پژوهش، اخلاق و معنویت، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی و روابط خارجی، سبک زندگی به

بیان برنامه‌ها در سطح راهبردی پرداختی صورت پذیرفته است (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

مقاومت: در لغت به معنای «ایستادگی، پافشاری، مقابله، استقامت و پایداری» است (معین، ۱۳۸۸، ٤٢٨٦)، و در اصطلاح به معنای «تلاش آگاهانه و سازمان‌یافته‌ای است که گروهی از مردم به‌صورت خودجوش یا با هدایت یک سازمان یا رهبری، برای مقابله با ظلم، استبداد، اشغالگری یا هرگونه تهدیدی که آزادی، استقلال یا حقوق آن‌ها را به خطر می‌اندازد، انجام می‌دهند» (میر قادری و کیانی، ۱۳۹۱، ۷۳).

حلقه‌های میانی: به مجموعه‌هایی از افراد، گروه‌ها یا سازمان‌هایی گفته می‌شود که در سطحی بین حاکمیت و مردم قرار دارند و نقش واسطه‌ای را ایفا می‌کنند. این حلقه‌ها معمولاً از نخبگان، فعالان اجتماعی، متخصصان و داوطلبانی تشکیل شده‌اند که با انگیزه خدمت به جامعه و بر اساس تخصص و توانمندی‌های خود، در حوزه‌های مختلف فعالیت می‌کنند.

نقش نخبگان و حلقه‌های میانی در ساختار حاکمیت و جنگ شناختی

حلقه‌های میانی، مفهومی نوآورانه در عرصه حکمرانی و سپهر اجتماعی ـ سیاسی ایران اسلامی است که نخستین بار توسط آیت‌الله خامنه‌ای مطرح شد. این مفهوم از منظر ایشان، مجموعه‌هایی برآمده از ملّت هستند که مأموریت‌هایی خارج از چهارچوب دولت و دستگاه‌های حاکمیتی را به سرانجام می‌رسانند. مجموعه‌های مذکور که توسط نخبگان فکری و عناصر فعال متعهد به آرمان‌های انقلاب اسلامی تشکیل می‌شوند به دنبال یافتن و ارائه‌ی راهکار جهت حل مسائل گوناگون ملی و به‌منظور پیشبرد حرکت عمومی جامعه به سوی هدف تمدن نوین اسلامی هستند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۸/۰۳/۰۱). به‌این‌ترتیب می‌توان حلقه‌های میانی را مجموعه

تشکل‌های متعددی دانست که میان دولت و ملت جای گرفته‌اند و با تعریف مأموریتی مسئله‌محور و ناشی از انگیزه‌های عقیدتی، به کنشگری می‌پردازند.
«حلقه‌های میانی» به‌واسطه نزدیکی به مردم و درک عمیق از مسائل جامعه، ظرفیت بالایی برای شناسایی مشکلات و ارائه راهکارهای مبتنی بر واقعیت دارند. این حلقه‌ها با بلوغ تشکیلاتی خود می‌توانند به‌عنوان پل ارتباطی بین مردم و حاکمیت عمل کرده و مشارکت عمومی را در تصمیم‌گیری‌ها افزایش دهند.
در این میان، «نخبگان» به‌عنوان مهم‌ترین عنصر «حلقه‌های میانی»، نقش محوری ایفا می‌کنند. حضور نخبگان در سطوح مختلف حاکمیت، پیوند میان مردم و حاکمیت را تقویت کرده و به تنظیم روابط مبتنی بر عدالت و مشارکت کمک می‌نماید. مطالعات نشان می‌دهد که نخبگان به‌عنوان تصمیم‌سازان کلیدی، تأثیر بسزایی بر تحولات اجتماعی و سیاسی جوامع دارند (نصوحیان، ۱۳۸۷، ١٦٥). امام خمینی (ره) نیز بر اهمیت نقش نخبگان در توسعه کشور تأکید کرده و بر لزوم وحدت و همدلی در میان آنان اصرار ورزیده‌اند (امام خمینی، ١٣٧٤، ۲۳۵).
در جنگ شناختی، نخبگان به دلیل نفوذ و جایگاه خود، نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کنند. آن‌ها می‌توانند با استفاده از دانش و مهارت خود، افکار عمومی را به سمت اهداف مورد نظر هدایت کنند. شکل‌دهی به گفتمان غالب و تعیین موضوعات مهم، استفاده از زبان و ادبیات خاص با استفاده از رسانه‌های سنتی و مدرن (شبکه‌های اجتماعی)، تأثیرگذاری بر نظام آموزشی و نهادهای فرهنگی، ایجاد شبکه‌های اجتماعی و سیاسی و بهره‌مندی از ابزارهای روانی به جهت اقدام در مسیر امیدآفرینی و یا تزریق ترس و وحشت و... از جمله اقدامات است، لذا توجه به نخبگان و تقویت جایگاه آن‌ها در ساختار حاکمیت، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.
در نظام مردم‌سالاری دینی، حاکمیت باید بر اساس اصول دینی و با هدف خدمت به مردم شکل گیرد. نخبگان دینی می‌توانند با تأکید بر ارزش‌های اسلامی، در تحقق

این هدف نقش مؤثری ایفا کنند. تفکر جهادی و رویکرد خدمت‌گزارانه، از جمله مهم‌ترین ویژگی‌هایی است که باید در نخبگان وجود داشته باشد.

برای دستیابی به حاکمیت مؤثر و کارآمد، نخبگان باید دارای ویژگی‌هایی همچون نوآوری، مسئولیت‌پذیری، دانش‌محوری و مردم‌داری باشند. همچنین، ساختار حاکمیت باید به‌گونه‌ای طراحی شود که امکان مشارکت فعال نخبگان در تصمیم‌گیری‌ها فراهم شود.

دریک جمله می‌توان گفت که نخبگان و بالتبع آن حلقه‌های میانی به‌عنوان دو عنصر کلیدی در ساختار حاکمیت، نقش مهمی در پیشرفت و توسعه جامعه ایفا می‌کنند. تقویت جایگاه نخبگان و ایجاد سازوکارهای مناسب برای مشارکت فعال آن‌ها در تصمیم‌گیری‌ها، از جمله راهکارهای ارتقای کارایی و اثربخشی نظام حاکمیت است.

مقاومت فعال در مواجهه با جنگ شناختی (الگوبرداری از آموزه‌های مهدویت)

با پیروزی انقلاب اسلامی مسئله مقاومت به یک راهبرد در عرصه عمل سیاسی تبدیل شد. در ابتدا این راهبرد معطوف به دو ابرقدرت بود اما پس از فروپاشی شوروی، مقاومت اساساً در مقابل لیبرالیسم تداوم یافت. با رحلت امام خمینی (رحمه الله‌علیه) و آغاز رهبری آیت‌الله خامنه‌ای این گفتمان وارد مرحله جدیدی شد و آن تأثیر این راهبرد در تشکیل تمدن نوین اسلامی است. واژه مقاومت در اندیشه رهبری از آغاز تاکنون از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. بررسی بیانات ایشان از سال ۱۳٦۸ تا به امروز نشان می‌دهد که مفهوم مقاومت در منظومه فکری ایشان به‌عنوان چراغ و نقشه راه برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی است. مفهوم مقاومت و سایر مفاهیم مترادف آن از جمله استقامت، ایستادگی، پایداری و... به‌کرات در بیانات و دغدغه‌های ایشان ملاحظه می‌شود (درگاهی، ۱٤۰۱، ۳۳).

مقاومت فعال به معنای مقابله‌ای آگاهانه، پویا و مداوم و ایستادگی قاطع، شجاعانه، هوشیارانه، مدبرانه، مقتدرانه و پایدار مردم و دولت اسلامی در برابر تهدیدات بالفعل و بالقوه و چالش‌ها است. این مفهوم ریشه‌های عمیقی در آموزه‌های مهدویت دارد. انتظار فرج تنها به معنای انتظار منفعلانه نیست، بلکه فراخوانی است به بیداری، حرکت و تلاش برای ایجاد جامعه‌ای عادلانه و الهی. در عصر حاضر، با گسترش جنگ شناختی، این فراخوان بیش از پیش اهمیت یافته است.

یکی از مهم‌ترین ابزارها برای مقابله با جنگ شناختی در تفکر مقاومت، برخورداری از روحیه جهادی و ایثار به‌عنوان یک ارزش در جامعه است (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۰/۰۵/۱٦). اخلاص، توکل، خستگی‌ناپذیری، استمرار، تفکر ساده‌زیستی، وحدت در گفتار و رفتار و... از جمله شاخصه‌های این تفکر است. ترویج و نهادینه کردن تفکر جهادی و حفظ ارزش‌های اسلامی و انقلابی، مؤثرترین و تنهاترین راهکار برای برون‌رفت از مشکلات مختلف است (خامنه‌ای، بیانات: ۱۰/۲۳/ ۱۳۹۲). حضور مردم در جریان انقلاب خود به‌عنوان حماسه جهادی مردمی است که باعث ماندگاری نهضت شده است.

در مجموع تفکر مقاومت، به‌عنوان یک تفکر ارزشی پارادایم تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی است که با تفکر راهبردی رابطه تنگاتنگ دارد و به تقویت آن جهت هدایت تصمیمات کمک کرده و منجر به اثربخشی فرصت‌های بالقوه می‌شود (گلچین کوهی و همکاران،۱۳۹۷، ۷۲-۱۰۵).

ظهور و بروز این مدل تفکری برای کنشگران در سطح جامعه و عینیت‌بخشی و عملیاتی سازی آن در تشکیلات مردمی، منجر به نوآوری، مأموریت‌پذیری، خودباوری، تحول‌آفرینی، پویایی، سخت‌کوشی، اخلاق‌مداری و... می‌شود.

نقش حلقه‌های میانی در مقاومت فعال

حلقه‌های میانی به‌عنوان سازمان‌های مردمی و خودجوش، نقش بسیار مهمی در تحقق مقاومت فعال ایفا می‌کنند. این حلقه‌ها با بهره‌گیری از ظرفیت‌های مردمی و

با تکیه بر آموزه‌های مهدویت، می‌توانند در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، به مقابله با جنگ شناختی بپردازند. این حلقه‌ها با ایجاد شبکه‌های قوی و منسجم، افزایش اثرگذاری، خلاقیت و نوآوری، ارتباط نزدیک با مردم و پاسخگویی به نیازهای آن‌ها، می‌توانند به‌عنوان بازوی توانمند نظام در برابر تهدیدات عمل کنند.

یک حلقه میانی فعال در مقابله با جنگ شناختی، باید دارای ویژگی‌هایی همچون ایمان راسخ به مهدویت، روحیه جهادی، آگاهی و بصیرت، سازمان‌دهی و انسجام، خلاقیت و نوآوری و ارتباط قوی با مردم باشد. مأموریت اصلی این حلقه‌ها، آگاهی‌بخشی، تقویت باورهای دینی، ترویج فرهنگ مقاومت، شناسایی و مقابله با شایعات و حمایت از مظلومان است.

برای موفقیت در این مسیر، لازم است به سیره عملی ائمه اطهار (ع) توجه ویژه شود. ائمه (ع) با استفاده از روش‌های مختلف، از جمله گفتار، نوشتار و عمل، به مقابله با ظلم و فساد پرداختند و الگوی کاملی برای مبارزه با جنگ شناختی هستند.

با توجه به حرکت تمدنی جبهه انقلاب در گام دوم و الزام آیت‌الله خامنه‌ای مبنی بر ایجاد حلقه‌های میانی بین مردم و حاکمیت و همچنین عدم موفقیت در برخی عرصه‌ها نیازمند طراحی جدید و قابل اجرا که پیش برنده و تحول‌آفرین باشد هستیم.

نکته حائز اهمیت در این بحث رسیدن لایه‌های مختلف مدیریتی در نظام به یک اقدام مشترک مقابله‌ای و توسعه آن به‌صورت نقطه‌ای و بهره‌مندی از گزاره‌های جریانی ـ تعاملی است.

نگرانی فعالان این عرصه، ترس عمیق ناشی از اتصال جریان‌های میانی و سطح حاکمیت و دخالت‌های حاکمیتی و سازمانی تحت عناوین مختلف است.

فرصت‌های پیش روی جریان‌های مختلف وسط میدان (تحت عنوان لایه‌های میانی) در راستای حکمرانی مردم پایه و اتصال آن به حاکمیت به جهت شناسایی، رشد، کمک به تحول به‌صورت گزاره‌های نقطه‌ای، همه و همه اقتضای عملیات‌های

شناختی است. نباید فراموش کرد که وظیفه جریانات در میدان عملیات به‌صورت نقطه‌ای و وظیفه حاکمیت فراهم نمودن بستر جریان‌سازی عملیات‌های نقطه‌ای است. حال در این فضا قدرت منابع انسانی (نخبگان) به‌عنوان یک سرمایه بسیار زیاد و تأثیرگذار است. استفاده از تجربه ساماندهی و سازمان‌دهی نیروها در جریانات انقلاب اسلامی و پس از آن، همچون کمیته‌های انقلاب، جنگ تحمیلی و سازمان‌دهی جبهه فرهنگی در انقلاب نشان داده است که این حرکت (شبکه‌سازی لایه‌های میانی) باید به‌صورت هوشمندانه و غیررسمی (لایه پنهان) صورت گیرد و نکته مهم در عملیات‌ها، استفاده از کنش‌های آفندی، پدافندی و ایذایی به‌صورت هدفمند و هم‌افزا است.

ذکر این نکته نیز اهمیت دارد که بازیگران اصلی در عرصه شناختی نخبگان جامعه هستند و بهره‌مندی از پتانسیل سرمایه انسانی به‌عنوان یکی از منابع قدرت در جنگ‌شناختی در مقابله با دشمن و استفاده همه‌جانبه از تمام ظرفیت‌ها نقطه اتکال در این رهیافت است.

تقویت «تعامل و ارتباط» نظام با مردم، فرهنگ‌سازی و تربیت انسانی ـ اجتماعی (لک زایی و همکاران، ۱۳۹۹، ١٦)، تنوع عملکردی و ابتکار در برنامه (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۲/۰۲/۰۲)، برنامه‌ریزی و ارائه راهکارهای مقتضی (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۸/۰۳/۰۱)، جلوگیری از شکل‌گیری گسل اجتماعی، افزایش ضریب نفوذ و اجتماعی سازی سیاست‌ها و برنامه‌های نظام (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۱/۱۰/۱۱)، حرکت به سمت همگرایی طیف‌های مختلف جامعه، ارتقای سرمایه اجتماعی و تقویت پایگاه اجتماعی (تحت عنوان انسجام اجتماعی) (مجیدی و همکاران، ١٤٠١، ٣٦)، بالا بردن تاب‌آوری جامعه در برابر بحران‌های داخلی و خارجی، کادر سازی و حضور نخبگان در لایه‌های مختلف سیاست‌گذاری و اجرای برنامه‌های ملی و محلی (سرخیل،۱۳۹۹، ۷۳)، بهره‌گیری و فعال‌سازی انگیزه، ابتکارات و توانایی گسترده در جامعه، حرکت به سمت جامعه‌پردازی و... از جمله ضرورت‌های

شکل‌گیری حلقه‌های میانی و در یک کلام رسالت اصلی حلقه‌های میانی، فعال‌سازی ظرفیت‌های اجتماعی که همان تفکر مقاومت فعال است.

فرایند اقدام حلقه‌های میانی در راستای تفکر مقاومت در جنگ شناختی

به جهت مقابله با دشمن در جنگ شناختی بر مبنای تفکر مقاومت و الگوگیری از آموزه‌های مهدویت می‌بایست با «برنامه‌ریزی اقتضایی» به اقدام هوشمندانه بپردازیم. با توجه به حرکت دشمن در سال‌های پس از انقلاب اسلامی و دست گذاشتن روی ابعاد معرفتی انسان‌ها و نفوذ به لایه‌های شناختی آن‌ها به جهت مقابله، طبق فرمایش آیت‌الله خامنه‌ای می‌بایست بر مبنای استراتژی «دفاع همه‌جانبه» و رساندن «سطح دفاع به لایه مردم» به‌عنوان بخش مهم از لایه‌های ذیل حاکمیت به «دفاع فرهنگی» روی آوریم.

لذاست که با بهره‌مندی از ظرفیت «کنشگران میدان» و استفاده از «حلقه‌های میانی» به‌عنوان تشکیلاتی کارآمد و شناسایی نخبگانی این حلقه‌ها به سمت اقدام و تحول در سطح مردم دست زنیم.

راه این امر ایجاد «مشارکت» است که با «تصحیح خطای میدان» با توجه به «پیچیدگی‌های میدانی» و بر مبنای «نظریه پیچیدگی» باید بتوانیم «کنترل عوامل درونی» را به دست گیریم و این مهم با «وحدت ملی» حاصل می‌گردد و راه رسیدن به وحدت ملی «روشنگری و تبیین» است، لذا با استفاده از «ظرفیت نخبگان» میدان به‌عنوان بازیگران اصلی در جنگ‌شناختی به اصلاح زیربنای معرفتی انسان‌ها و مخاطبان دست می‌زنیم. «عمق‌بخشی، تأثیرگذاری هوشمندانه و هدفمند» به‌عنوان هدف از این اقدام است که با سیاست «واکسینه‌سازی و مصون‌سازی فرهنگی» به سمت اجرای عملیات‌ها پیش می‌رویم.

لذا با فعال‌سازی «اتاق‌های وضعیت» و «هم‌گرا کردن دیدگاه‌ها» و نگرش‌ها به «تحلیل صحنه وضعیت» اقدام می‌نماییم برای این منظور به جهت جلوگیری از اشتباه

با بررسی مبانی آیت‌الله خامنه‌ای دست به اقدام می‌زنیم، نتیجه این اقدام «ارتقای قدرت تصمیم‌گیری» مجریان است.

به جهت اقدام علیه دشمن و «خنثی‌سازی تهدیدات شناختی»، با راهکار «مهندسی معکوس» به «تغییر طرز فکر مردم»، «مدیریت ادراک مخاطب» و «پیش‌فرض‌های ذهنی» آنان نهایتاً به «همگرایی فکری مردم» و نخبگان منتهی می‌شود.

نقش «حلقه‌های میانی» بسیار مهم است و برای ایجاد «جریان‌سازی» می‌توان از یک «شُک» بهره برد. پس از آن با «ایجاد تصویر مثبت» در قالب «جهاد تبیین» و «نهضت روشنگری» به اهداف مورد نظر دست یابیم.

در لایه بعدی با توجه به شکل‌گیری «شبکه رسانه‌ای» به‌عنوان «قوه عاقله»، به «کاهش اثرگذاری عملیات‌های رسانه‌ای دشمن» اقدام می‌نماییم. توجه به این نکته مهم است که علاوه بر وجود مردمی همراه با گروهی از «مردم غیرهمراه»، «منتقد و بعضاً معترض» نسبت به تحولات مبنایی در جمهوری اسلامی مواجهه هستیم و راهکار مقابله‌ای برای نهضت تبیین، راه‌اندازی «سازمان خبری» و «شکوفایی روایت مردم» برای «مدیریت افکار عمومی»، «ایجاد تصویر مطلوب» و «هم‌افزایی عملیات‌های کلان» است، در این راه باید دائماً به «مصلحت‌اندیشی»های برخی افراد صاحب قدرت و چسباندن این مصلحت‌ها به حاکمیت توجه داشته باشیم.

راهبردهای محوری نظام مقابله‌ای و روند آمادگی

الف) شکل‌گیری «شبکه عقلانیت»؛ به‌منظور اصلاح نگرش، تحکیم مبانی ارزشی و ایده‌پردازی متناسب با مأموریت محوله می‌توان اقدامات زیر را شکل داد:

- تشکیل میزهای اندیشه‌ورزی برای اتخاذ بهترین راه مقابله؛
- تشکیل اتاق‌های وضعیت جهت شناسایی، بررسی رصد و اتخاذ تصمیمات مناسب؛
- استفاده و بهره‌برداری از فقاهت در کنار مدیریت هوشمند به جهت تصمیم‌سازی در اجرای عملیات؛

- بهره‌مندی از قرارگاه فرا قوه‌ای جنگ‌شناختی برای اقدامات مقتضی در زمینه‌های مختلف؛

ب) شکل‌گیری «شبکه رسانه»: به‌منظور ضریب دهی به نگرش‌ها و ایده‌های شکل گرفته و پیشرانی در عرصه عملیات و همچنین در موارد لزوم پوشش عملیات‌های آفندی و پدافندی و... می‌توان از این شبکه بهره برد.

ج) راه‌اندازی «شبکه کنشگری»: به جهت ساماندهی تشکیلات و به میدان آوردن شبکه نخبگانی و بهره‌مندی از آن در لایه‌های مختلف حاکمیت و اجرای عملیات نیازمند این لایه هستیم.

د) بهره‌مندی از «شبکه پشتیبان»: به جهت حمایت و پشتیبانی سخت‌افزاری و نرم‌افزاری سه شبکه فوق، نیازمند یک شبکه پشتیبان فعال هستیم.

گام‌های اقدام

گام مقدماتی: **هدف‌گذاری و ترسیم چشم‌انداز؛** برنامه‌ریزی تحولی برای رسیدن به وضع مطلوب، ترسیم هدف و تعیین فاصله بین وضع موجود تا مطلوب و ظرفیت‌یابی از جمله موارد این گام است.

گام اول: **شناسایی جمع‌های ایمانی؛** به‌منظور ایفای نقش داوطلبانه به‌صورت محوری بر مبنای حرکت عمومی جامعه توسط جوانان مؤمن انقلابی دارای تعهد؛

گام دوم: **گفتمان‌سازی و انگیزه‌بخشی؛** اقناع مخاطب و ایجاد حس ضرورت که منجر به انگیزه، آمادگی کنشگری و قیام برای حل مسئله از طریق گفتگوی چهره به چهره به‌عنوان دست برتر جبهه انقلاب و برگزاری نشست‌ها و حل ابهامات و گره‌های ذهنی بی‌واسطه افراد؛

گام سوم: **گروه‌سازی و عملیات؛** تشکیلات و جبهه شکل گرفته از انبوه مجموعه‌های کوچک مکمل همدیگر به‌صورت خودجوش و آتش به اختیار و استفاده از عملیات‌های مستمر در جغرافیای محدود برای اقدام معطوف به اثر؛

گام چهارم: **توانمندسازی و هماهنگی بین گروه‌ها؛** حل مشکلات، رفع موانع و تبادل تجربه که منجر به اثربخشی فعالیت‌های میدانی و ایجاد هویت جمعی و قابلیت جبهه‌ای شدن گروه‌ها می‌گردد.

نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهاد

انقلاب اسلامی ایران با تکیه بر آموزه‌های اسلامی و رهبری امام خمینی (ره) به پیروزی رسید و الگویی نوین از حکومت اسلامی را ارائه داد. با گذشت زمان، نظام اسلامی با تهدیدات مختلفی از جمله جنگ شناختی روبرو شده است. جنگ شناختی با استفاده از ابزارهای نوین، به دنبال تغییر باورها و نگرش‌های افراد جامعه است. به جهت تقابل مؤثر و در راستای اقدام مقابله‌ای و انسجام داخلی نقش حلقه‌های میانی و خصوصاً نخبگان بسیار مهم است.

حلقه‌های میانی، مفهومی نوآورانه در عرصه حکمرانی و سپهر اجتماعی ـ سیاسی ایران اسلامی و به‌عنوان پل ارتباطی بین حاکمیت و مردم، با ایفاء نقش محوری می‌توانند به‌واسطه نزدیکی به مردم و درک عمیق مسائل جامعه و همچنین با داشتن ظرفیت بالای شناسایی مشکلات اقدام به ارائه راهکارهای مبتنی بر واقعیت نمایند. در این میان، «نخبگان» به‌عنوان مهم‌ترین عنصر «حلقه‌های میانی»، با تنظیم روابط مبتنی بر عدالت و مشارکت، به‌عنوان تصمیم‌سازان کلیدی، تأثیر بسزایی بر تحولات اجتماعی و سیاسی جوامع دارند.

مفهوم مقاومت در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای، به‌عنوان چراغ و نقشه راه برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی است. مقاومت فعال به معنای مقابله‌ای آگاهانه، پویا و مداوم و ایستادگی قاطع، شجاعانه، هوشیارانه، مدبرانه، مقتدرانه و پایدار مردم و دولت اسلامی در برابر تهدیدات بالفعل و بالقوه و چالش‌ها است. این مفهوم ریشه‌های عمیقی در آموزه‌های مهدویت دارد.

یکی از مهم‌ترین ابزارها برای مقابله با جنگ شناختی در تفکر مقاومت، برخورداری از روحیه جهادی و ایثار به‌عنوان یک ارزش در جامعه است. اخلاص، توکل،

خستگی‌ناپذیری، استمرار، تفکر ساده‌زیستی، وحدت در گفتار و رفتار و... از جمله شاخصه‌های این تفکر است.

در مجموع تفکر مقاومت، به‌عنوان یک تفکر ارزشی، پارادایم تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی است که با تفکر راهبردی رابطه تنگاتنگ دارد و به تقویت آن جهت هدایت تصمیمات کمک کرده و منجر به اثربخشی فرصت‌های بالقوه می‌شود.

حلقه‌های میانی به‌عنوان سازمان‌های مردمی و خودجوش، نقش بسیار مهمی در تحقق مقاومت فعال ایفا می‌کنند. این حلقه‌ها با بهره‌گیری از ظرفیت‌های مردمی و با تکیه بر آموزه‌های مهدویت، می‌توانند در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، به مقابله با جنگ شناختی بپردازند. این حلقه‌ها با ایجاد شبکه‌های قوی و منسجم، افزایش اثرگذاری، خلاقیت و نوآوری، ارتباط نزدیک با مردم و پاسخگویی به نیازهای آن‌ها، می‌توانند به‌عنوان بازوی توانمند نظام در برابر تهدیدات عمل کنند.

یک حلقه میانی فعال در مقابله با جنگ شناختی، باید دارای ویژگی‌هایی همچون ایمان راسخ به مهدویت، روحیه جهادی، آگاهی و بصیرت، سازمان‌دهی و انسجام، خلاقیت و نوآوری و ارتباط قوی با مردم باشد. مأموریت اصلی این حلقه‌ها، آگاهی‌بخشی، تقویت باورهای دینی، ترویج فرهنگ مقاومت، شناسایی و مقابله با شایعات و حمایت از مظلومان است.

برای مقابله با جنگ شناختی، باید با برنامه‌ریزی اقتضایی و بر مبنای استراتژی دفاع همه‌جانبه، به سمت دفاع فرهنگی حرکت کنیم. با استفاده از ظرفیت کنشگران میدان و حلقه‌های میانی، می‌توانیم به سمت اقدام و تحول در سطح مردم دست زنیم. ایجاد مشارکت، تصحیح خطای میدان و کنترل عوامل درونی با وحدت ملی حاصل می‌شود.

با استفاده از ظرفیت نخبگان، می‌توانیم زیربنای معرفتی انسان‌ها را اصلاح کنیم. عمق‌بخشی، تأثیرگذاری هوشمندانه و هدفمند با سیاست واکسینه‌سازی و

مصون‌سازی فرهنگی به سمت اجرای عملیات‌ها پیش می‌رود. با فعال‌سازی اتاق‌های وضعیت و هم‌گرا کردن دیدگاه‌ها، می‌توانیم به تحلیل صحنه وضعیت پرداخته و تصمیم‌گیری‌های مؤثری اتخاذ کنیم.

به جهت اقدام علیه دشمن و خنثی‌سازی تهدیدات شناختی، با راهکار مهندسی معکوس می‌توانیم به تغییر طرز فکر مردم و مدیریت ادراک مخاطب بپردازیم. نقش حلقه‌های میانی در ایجاد جریان‌سازی بسیار مهم است. با ایجاد تصویر مثبت در قالب جهاد تبیین و نهضت روشنگری می‌توان به اهداف مورد نظر دست یافت.

برای مقابله مؤثر با جنگ شناختی، شکل‌گیری شبکه‌های عقلانیت، رسانه، کنشگری و پشتیبان ضروری است. همچنین، گام‌هایی مانند هدف‌گذاری، شناسایی جمع‌های ایمانی، گفتمان‌سازی، گروه‌سازی و عملیات و توانمندسازی و هماهنگی بین گروه‌ها باید برداشته شود.

به جهت رسیدن به چهارچوبی جامع و عملیاتی برای مقابله فعال حلقه‌های میانی در جنگ شناختی و البته با تکیه بر آموزه‌های مهدویت مواردی پیشنهاد می‌گردد:

الف) تأکید بر آموزش و توانمندسازی: آموزش مهارت‌های تشخیص اخبار جعلی، تحلیل محتوای رسانه‌ای و تولید محتوا برای مقابله با تبلیغات دشمن در کنار تقویت بنیان‌های اعتقادی افراد برای افزایش مقاومت در برابر شایعات و القائات دشمن و البته آموزش فنون تبلیغ و اقناع برای انتقال مؤثر پیام‌های مثبت و امیدبخش؛

ب) بهره‌گیری از فناوری‌های نوین: ایجاد کانال‌ها، گروه‌ها و صفحات مجازی برای نشر محتوا و ارتباط با مخاطبان، تولید محتوای جذاب برای مخاطبان خصوصاً جوانان و تحلیل داده‌ها، شناسایی الگوهای تهدید و طراحی استراتژی‌های مقابله با استفاده از ابزارهای هوشمند؛

ج) توجه به تنوع مخاطبان: شناسایی گروه‌های مختلف مخاطبان و طراحی پیام‌ها و روش‌های ارتباطی متناسب با هر گروه با استفاده از زبان ساده و قابل فهم برای

انتقال مفاهیم پیچیده و البته در نظر گرفتن تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی در طراحی پیام‌ها و فعالیت‌ها؛

د) توجه به بعد روان‌شناختی جنگ شناختی: ایجاد امید و انگیزه در مردم برای مقابله با مشکلات، تقویت حس تعلق و افتخار به هویت ملی و ارزش‌های انقلاب اسلامی و تشویق مردم به همکاری و همدلی برای مقابله با تهدیدات مشترک؛

هـ) ارزیابی و بازخورد: طراحی سیستم ارزیابی برای سنجش اثربخشی فعالیت‌ها و اصلاح روش‌ها در صورت نیاز و جمع‌آوری بازخورد از مخاطبان برای بهبود فعالیت‌ها و رفع نقاط ضعف؛

برای این منظور با تشکیل گروه‌های کوچک به جهت تبادل‌نظر و ایده پردازی و برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی برای ارتقای سطح دانش و مهارت اعضا و تولید محتوای جذاب و مبتنی بر شواهد بر پایه فضای مجازی می‌توان به این مهم دست یافت.

فهرست منابع

-قرآن کریم،

-اربلی، علی بن عیسی، (١٤٢١)، کشف الغمهٔ فی معرفهٔ الائمهٔ، ترجمه، احمد حسینی اشکوری، قم، انتشارات رضی.

-انوری، حسن (۱۳۹۳)، فرهنگ بزرگ سخن. تهران، انتشارات سخن.

-خامنه‌ای؛ مجموعه بیانات، قابل دسترسی در www.khamenei.ir

-جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۷)، ولایت‌فقیه (ولایت فقاهت و عدالت)، قم، نشر اسراء

-خمینی، روح‌الله، (١٣٧٤)، صحیفه امام، تهران، موسسه حفظ و نشر آثار امام خمینی.

-درگاهی، مهدی (١٤٠٢)، «چیستی راهبرد مقاومت در اندیشه رهبر معظم انقلاب و تحلیل مبانی عقلی آن از منظر فقه سیاسی»، فصلنامه حکومت اسلامی، سال بیست و هشتم، شماره دوم، ٢٧-٤٦

-سرخیل، بهنام (۱۳۹۹)، «چینش نخبگانی، جوانان و چالش‌های پیش روی تمدن نوین اسلامی، تأکید بر نخبگان دانشگاهی»، دو فصلنامه علمی مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره سوم، شماره دوم.

-صالحی زاده، عبدالهادی و ابراهیم عباسپور (١٤٠٢)، «تمدن نوین اسلامی در بستر امت دولت ساز در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای اسلامی»، دو فصلنامه علمی مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ششم، شماره ۱۱، ۲۸۳-۳۸۰.

-فولادی، قاسم و دیگران (۱۳۹۸)، بررسی تغییر و تحولات فضای سایبر و شناسایی جهت‌گیری آینده آن: شکل‌گیری فضای شناخت، تهران،

-کشاورز، محمود (۱۳۹۸)، راهبرد دشمن در جنگ شناختی علیه انقلاب اسلامی، قم: دانشگاه معارف اسلامی.

-کفیلی، رضا و بهروزی لک، غلامرضا، (١٤٠١) «نقش و جایگاه آموزه‌های مهدویت در تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی (با تأکید بر آموزه عدالت)»، نشریه مطالعات بیداری اسلامی، شماره ۲۳، صص ۷-۲۷.

-کلانتری، فتح‌الله (۱۳۹۵)، «مشخصات جنگ احتمالی آینده علیه ج.ا.ایران و راهبردهای مقابله با آن»، فصلنامه راهبرد دفاعی، دوره چهاردهم، شماره چهار.

-گلچین کوهی، محمد و دیگران (۱۳۹۷)، «اصول تصمیم‌گیری مبتنی بر ارزش‌های راهبردی اسلامی»، فصلنامه مدیریت اسلامی، سال ۲۷، شماره ٤.
-لک زایی و دیگران (۱۳۹۹)، «نقش قدرت در تأسیس تمدن نوین اسلامی، در منظومه فکری امام خمینی (ره)»، دو فصلنامه علمی مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره سوم، شماره اول.
-مجیدی و دیگران (١٤٠١)، «جایگاه حلقه‌های میانی در حکمرانی تشکیلاتی و نقش آن در تمدن‌سازی، با نگاهی به مقوله تحزب»، دو فصلنامه علمی مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره پنجم، شماره اول.
-مجیدی، محمدرضا و یونس سبزی کریم‌آبادی (١٤٠١)، «جایگاه حلقه‌های میانی در حکمرانی تشکیلاتی و نقش آن در تمدن سازی، با نگاهی به مقوله تحزب»، دو فصلنامه علمی مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره پنجم، شماره ۹، صص ۲۹-۵۲.
-محمدی نجم، حسین (۱۳۸۹)، جنگ شناختی، بعد پنجم جنگ، تهران: دانشگاه جامع امام حسین (ع).
-میرقادری، فضل‌الله و کیانی، حسین (۱۳۹۱)، «بن مایه‌های ادبیات مقاومت در قرآن»، فصلنامه ادبیات دینی. شماره اول، سال اول، ٦٩-٩٧.
-نصوحیان، محمد مهدی (۱۳۸۷)، «نقش اعتماد متقابل حکومت و مردم در روند توسعه سیاسی»، فصلنامه راهبرد، شماره چهاردهم.

نقش شبکه تسهیلگری بنیاد برکت ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره) به‌مثابه حلقه میانی در تکمیل حکمرانی اشتغال در ایران

مسعود انوری[1]

چکیده

برخی مشکلات اساسی در حوزه اشتغال کشور وجود دارند که ازجمله آن‌ها می‌توان به حاکمیت رویکرد رشد اقتصادی به‌جای رشد همراه با افزایش اشتغال و توزیع مناسب درآمد، نداشتن مدل جامع و برنامه مشخص برای رشد تولید اشتغال محور، عدم توجه به آمایش سرزمین در سرمایه‌گذاری‌ها که موجب مهاجرت روستاییان به شهرها شده، عدم وجود حلقه‌های میانی به‌منظور راهبری محلی و حمایت از ایجاد اشتغال‌های حمایتی در مناطق محروم و روستایی، عدم خودباوری و اعتمادبه‌نفس پایین ساکنین مناطق محروم درزمینه ایجاد تحولات اقتصادی و اجتماعی و نبود یک سیستم نظارتی در رابطه با پایداری کسب‌وکارهای ایجاد شده اشاره کرد. بنیاد برکت چند راهبرد اصلی را برای طراحی مدل جامع پیشرفت خود تدوین کرده است. این راهبردها عبارت‌اند از: طراحی، استقرار و ارتقای مدل جامع، استانداردسازی کسب‌وکارهای کوچک، تربیت، آموزش و استقرار حلقه‌های میانی در قالب شبکه کارآمد و روزآمد تسهیلگری، تأکید بر اراده، خواست و اقدام مردم، رشد و ارتقای واحدهای خرد و کوچک، طراحی و استقرار سازوکارهای اجرایی، توجه جدی به امر آموزش و مهارت‌آموزی، اعطای تسهیلات خرد و متوسط اشتغال به‌صورت قرض‌الحسنه و سهل‌الوصول و ایجاد سامانه نظارت و کنترل بر ایجاد و استقرار طرح‌های اشتغال‌زایی. این تحقیق تلاش کرده است نقش شبکه تسهیلگری بنیاد برکت ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره) به‌مثابه حلقه میانی در تکمیل حلقه‌های مفقوده حکمرانی اشتغال در ایران را مورد مداقه بیشتری قرار دهد.

واژگان کلیدی: بنیاد برکت، حلقه میانی اشتغال، روستا، مدل جامع، محرومیت‌زدایی.

---

[1] فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی، بازاریابی مجری طرح‌های اشتغال بنیاد برکت ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره)

۱- مقدمه

بعد از ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵ تعادل روستانشینی در کشور ما برهم ریخته و در این بازه زمانی جمعیت کشور ۲,٤ دهم برابر شده است و جمعیت مناطق شهری هم ۹,۹ دهم برابر و جمعیت مناطق روستایی و عشایری ۱,٦ دهم برابر شده است، لذا سرعت رشد مناطق شهری و مهاجرت از روستا به مناطق شهری بالا بوده است. در سال ۱۳۵۵ نیمه شرقی و جنوب شرقی ٤۰ درصد جمعیت روستایی را در خود جای‌داده، غرب و شمال غربی ٦۰ درصد. در سال ۱۳۹۵، حدود ۲۲ درصد در جنوب و ۷۸ درصد جمعیت هم در شمال غرب و غرب کشور متمرکزشده است که انتظار می‌رود تا سال ۱٤۰۵ این وضعیت بدتر شود و ۸۸ درصد جمعیت روستایی ما در نیمه غربی و شمال غربی متمرکز شوند که یک بحران جدی برای شمال غرب کشور و جنوب کشور محسوب می‌شود (گنجی و همکاران، ۱۳۸۸). در طول سال‌های گذشته مزیت مثبتی وجود داشته و آن مزیت این است که امکانات زیرساختی تقریباً در تمام روستاهای کشور فراهم‌شده است و همه روستاها به امکاناتی مانند آب و برق دسترسی دارند اما در کنار این مزیت شکاف ٤٤ درصدی درآمد سرانه روستانشینان نسبت به شهرنشینان و کاهش نرخ ازدواج و افزایش نرخ طلاق را در روستاها داریم. افزایش جمعیت روستاییان و افزایش مهاجرات آن‌ها به شهرها امری کاملاً مشهود است. بهره‌ور ساختن سرمایه‌های معیشتی روستاییان و توجه به توسعه اشتغال و افزایش درآمد روستایی از عوامل بازدارنده مهاجرت روستانشینان تلقی می‌شوند. بنیاد برکت چند راهبرد اصلی را برای طراحی مدل جامع پیشرفت خود تدوین کرده است. این راهبردها عبارت‌اند از: «طراحی، استقرار و ارتقای مدل جامع»، «استانداردسازی کسب‌وکارهای کوچک»، «تربیت، آموزش و استقرار حلقه‌های میانی»، «تأکید بر اراده، خواست و اقدام مردم»، «رشد و ارتقای واحدهای خرد و کوچک»، «طراحی و استقرار سازوکارهای اجرایی»، «توجه جدی به امر آموزش و مهارت‌آموزی»، «اعطای تسهیلات خرد و متوسط اشتغال به‌صورت

قرض‌الحسنه و سهل‌الوصول» و «ایجاد سامانه نظارت و کنترل بر ایجاد و استقرار طرح‌های اشتغال‌زایی». در مرحله اول در راستای مدل جامع پیشرفت، آیین‌نامه سحاب یا سرمایه‌گذاری حمایتی اشتغال بنیاد برکت قرار دارد که در این آیین‌نامه مبنا «فرد» است، یک مرحله بالاتر از آیین‌نامه سحاب، آیین‌نامه آسمان است که گروه را محور قرار می‌دهد و پس از آن چهارچوبی تعبیه شده است تا بنگاه‌های اقتصادی را در روستا با آفتاب تأمین مالی گردد. در کنار این سه آیین‌نامه، مدل‌های مهتاب جهت استانداردسازی کسب‌وکارها و آموزش استفاده می‌شوند تا به مدل پیشرفت منطقه هدف دست پیدا کنیم. آیین‌نامه سحاب ذیل مدل جامع پیشرفت مناطق محروم و روستایی تدوین شده است، یعنی کف و بستر مدل سرمایه‌گذاری حمایت اشتغال بنیاد برکت است که با محوریت فرد شکل گرفته است. در کل آیین‌نامه «سحاب» فردمحور، «آسمان» گروه‌محور و «آفتاب» بنگاه‌محور است (جعفرزاده، ۱۴۰۱).

۱-۱- کار و اشتغال در کلام آیت‌الله خامنه‌ای

در زمینه اقتصاد فعالیت‌های زیادی شده و باارزش هم هست؛ اما مسئله اشتغال، تورم، فرهنگ کار و ساعات مفید کار حل نشده است. فرهنگ کار باید در کشور یک طوری باشد که مردم کار را عبادت بدانند؛ هر یک ساعت کار را با شوق بیفزایند در مدت و مقدار کاری که انجام می‌دهند. باید کارکرد، با بیکاری و بی‌میلی به کار و تنبلی و وادادگی، کشور پیش نخواهد رفت.

اگر ملتی دارای وجدان کار باشد، محصول کار او خوب خواهد شد.

هر کس و در هرکجا که هستیم، وجدان کار را در کاری که به گردن گرفتیم و تعهد کردیم، رعایت کنیم.

تعاون در کشور ما می‌تواند سرانگشت گره‌گشایی باشد.

به نظر من، یکی از راه‌حل‌ها و اساسی‌ترین و منطقی‌ترین و بنیادی‌ترین کارهایی که می‌تواند در این کشور برای استقرار عدالت انجام بگیرد، «تعاون» است.

هر ملتی، هر جامعه‌ای هرچه کار بکنید، نیروی کارتان بیشتر می‌شود. هرچه تحرک انسان داشته باشد، نشاط حرکتش بیشتر می‌شود. این خب، مال کار است که در اسلام درباره کار این‌همه حرف هست.

ایران بزرگ امروز بیش از هر زمان دیگر به کار و کارآفرینی نیاز دارد تا همچون عقابی تیز پرواز، در فضای پیشرفت و آبادانی و افتخار اوج گیرد.

دو دلیل اساسی یعنی «آمادگی کشور برای جهش» و «فشار اقتصادی دشمنان»، ثابت می‌کند که ایران، بیش از هر دوره دیگر به کار و کارآفرینی احتیاج دارد.

امروز مسئله اشتغال در کشور ما یک مسئله بسیار مهم و اساسی است و اگر برنامه‌ریزی خوب و کارآمد و عمل جدی دنبال این عنوان وجود داشته باشد، به‌وضوح مشکلات به‌تدریج کاهش پیدا خواهد کرد.

پرداختن به مسئله اشتغال و فعالیت تولیدی و مفید، وظیفه‌ای است که از معنا و مفهوم جمهوری اسلامی می‌جوشد.

پرداختن به مسئله اشتغال یکی از مهم‌ترین گره‌گشایی‌ها در کار مردم است و گره‌گشایی، سیره علوی است.

تا می‌توانید و فرصت هست کار کنید؛ فرصت‌ها محدود است. ما اشخاص رو به زوالی هستیم، فرصت محدودی داریم تا می‌توانیم تا هستیم، کار کنیم. نگویید نمی‌گذارند؛ این نمی‌گذارند حرف قابل پذیرشی نیست. خیلی‌ها هم می‌گفتند، قبلاً هم می‌گفتند، حالا هم بعضی‌ها می‌گویند نمی‌گذارند؛ نمی‌گذارند یعنی چه؟ شما چه در مجلس، چه در دولت، چه در قوه قضائیه، چه در نیروهای مسلح، چه در بخش‌های گوناگون مربوط به دولت، توانایی‌هایی دارید، امکاناتی در اختیار دارید، از این امکانات استفاده کنید تا می‌توانید کار کنید؛ نگذارید لحظه‌ای بیکار بگذرد.

محور همه سیاست‌های کلان اجرایی باید ایجاد اشتغال در کل کشور باشد. معنای اشتغال این است که جوان مستعد آماده به کار، فرصت تلاش و فعالیت به دست

بیاورد تا هم نیاز شخصی خود را از این راه برطرف و هم به پیشرفت و آبادانی کشور و رونق اقتصادی آن کمک کند

خیال نکنید بدون عشق و ایمان می‌شود کاری کرد! این روح را تقویت کنید.

در محیط کار، سعی کنید از همه توان، استعداد و ابتکار خودتان استفاده کنید.

نگذارید ساعتی از ساعات کار شما، به بطالت یا به کم کاری بگذرد.

محور همه‌ی سیاست‌های کلان اجرایی باید ایجاد اشتغال در کل کشور باشد. معنای اشتغال این است که جوان مستعدِ آماده‌ی به کار، در روستا و شهرها فرصت تلاش و فعالیت به دست بیاورد تا هم نیاز شخصی خود را از این راه برطرف کند و هم به پیشرفت و آبادانی کشور و رونق اقتصادی آن کمک کند

تولید هم که ما میگوییم، فقط تولید صنعتی را نمی‌گوییم؛ تولید صنعتی، تولید کشاورزی، دامداری، صنایع بزرگ، صنایع متوسّط، صنایع کوچک، حتّی صنایع‌دستی، حتّی صنایع خانگی، حتّی تربیت (پرورش) دام –چند دام در خانه‌های روستایی– که خود این به‌مراتب کمک خواهد کرد به گسترش رفاه عمومی در جوامع. این‌ها را باید بنشینند برنامه‌ریزی کنند.

۱-۲- تأسیس بنیاد برکت

بنای تأسیس بنیاد برکت، دستور آیت‌الله خامنه‌ای خطاب به رئیس ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره)، است که فرمودند: «در ذهنم حل مشکلات محرومین بوده است مثلاً. مشکلات هزار روستا را کاملاً حل کنید. چه قدر خوب است هزار نقطه آباد شود یا هزار مدرسه در کشور ساخته شود، این دستگاه را برای این کار آماده کنید». بنیاد برکت در راستای همین رهنمود، در ۲۰ آذرماه سال ۱۳۸٦ توسط ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره) تأسیس شد تا به‌عنوان مجموعه‌ای برای محرومیت زدایی، توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی و انجام امور عام‌المنفعه، فعالیت نماید. این نهاد با تفأل بر قرآن کریم (آیه‌ی ۹٦ از سوره‌ی مبارکه‌ی اعراف)، "برکت" نامیده شد تا از همان ابتدا پیام‌آور برکت و توسعه در مناطق محروم و کم‌تر توسعه‌یافته‌ی

کشور باشد. بنیاد برکت در افق سند بیست‌ساله‌ی جمهوری اسلامی ایران با بهره‌مندی از امکانات و توانمندی‌های بالقوه و بالفعل کارآفرینان و ظرفیت سازمان‌های غیردولتی و عام‌المنفعه، قصد دارد در توزیع مناسب درآمد و ایجاد فرصت‌های برابر، به دور از فقر و تبعیض و بهره‌مند از رشدی پرشتاب و مستمر اقتصادی و ارتقای نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل در مناطق محروم و کم‌تر توسعه‌یافته، اقدامات مؤثری را به انجام برساند. حفظ ارزش‌های انقلاب اسلامی و حقوق مردم، تأکید بر عدالت اجتماعی و اقتصادی، حفظ کرامت انسانی، مسئولیت‌پذیری، صیانت و توجه خاص به حقوق و نیازهای ضروری اقشار آسیب‌پذیر، از ارزش‌های بنیادین و اساسی مورد تأکید بنیاد برکت به شمار می‌روند.

۱-۳- سه چالش اصلی در حوزه اشتغال در کشور

۱- پایین بودن نسبت شاغلین به جمعیت

۲- پایین بودن بهره‌وری نیروی کار

۳- مهاجرت به مناطق شهری برای دسترسی به اشتغال (پیش‌بینی می‌گردد؛ در صورت عدم ایجاد اشتغال مولد در سطح روستاها تا ۱۰ سال آتی نسبت ساکنین مناطق روستایی به کل کشور به ۱۸ درصد خواهد رسید) (خواجه‌زاده دزفولی، ۱٤۰۲).

۱-٤- راهبردهای اشتغال‌زایی در بنیاد برکت

برخی مشکلات اساسی در حوزه اشتغال کشور وجود دارند که از جمله آن‌ها می‌توان به اشتغال حاکمیت رویکرد رشد اقتصادی به جای رشد همراه با افزایش اشتغال و توزیع مناسب درآمد، نداشتن مدل جامع و برنامه مشخص برای رشد تولید اشتغال محور، عدم توجه به آمایش سرزمین در سرمایه‌گذاری‌ها که موجب مهاجرت روستاییان به شهرها شده، عدم وجود سازمان‌های توسعه‌ای متولی به‌منظور راهبری و حمایت از ایجاد اشتغال‌های حمایتی در مناطق محروم و روستایی و خودباوری

و اعتمادبه‌نفس پایین ساکنین مناطق محروم و روستایی در زمینه ایجاد تحولات اقتصادی و اجتماعی و نبود یک سیستم نظارتی در رابطه با پایداری کسب‌وکارهای ایجاد شده اشاره کرد (خواجه‌زاده دزفولی، ۱٤۰۲).

۲- روش تحقیق

نوشتار حاضر از نوع تحقیقات پس رویدادی است که با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی (تکنیک اسنادی و گردآوری اطلاعات) انجام می‌شود و از منابع، کتاب‌ها، مقاله‌ها و متون سخنرانی به‌عنوان منابع بهره می‌گیرد.

۳- یافته‌ها

۳-۱- دوازده مشکل اساسی حوزه اشتغال و رفع بیکاری در مناطق محروم و روستایی

۱- حاکمیت رویکرد رشد اقتصادی به جای رشد همراه با افزایش اشتغال و توزیع مناسب درآمد

۲- نداشتن مدل جامع و برنامه مشخص برای رشد تولید اشتغال محور

۳- عدم توجه به آمایش سرزمین در سرمایه‌گذاری‌ها که موجب مهاجرت روستاییان به شهرها شده است (به‌منظور دستیابی شغل)

٤- عدم وجود سازمان‌های توسعه‌ای متولی به‌منظور راهبری و حمایت از ایجاد اشتغال‌های حمایتی در مناطق محروم و روستایی

۵- خودباوری و اعتمادبه‌نفس پایین ساکنین مناطق محروم و روستایی در زمینه ایجاد تحولات اقتصادی و اجتماعی

٦- تمرکز بر تخصیص منابع مالی به جای اقدام همه‌جانبه و جامع برای توسعه اشتغال

۷- کمبود نیروهای جهادی بومی و انقلابی تسهیلگر به‌عنوان راهبران پیشرفت و حل معضلات اقتصادی-اجتماعی مناطق محروم و روستایی

۸- عدم توجه کافی به زنجیره تولید و ارزش (تأمین نهاده‌ها، فرآیند کیفی تولید و عرضه مناسب به بازار) که موجب کاهش سطح درآمد روستاییان و شاغلین مناطق محروم شده است.

۹- ضعف نظام استانداردسازی کسب‌وکارها (توجیه اقتصادی طرح‌ها، نهاده‌ها، مکان و تجهیزات، بازاریابی، فروش و...)،

نبود استانداردهای آموزشی و کم‌توجهی به مقوله‌های آموزش و مهارت نیروی کار

۱۰- عدم دسترسی متقاضیان اشتغال در مناطق محروم و روستایی به منابع مالی ارزان‌قیمت و سهل‌الوصول

۱۱- بلااستفاده ماندن بخش وسیعی از منابع انسانی، فیزیکی و طبیعی مناطق روستایی و محروم به دلیل کمبود آموزش و منابع مالی جهت فعال نمودن سرمایه های موجود

۱۲- نبود نهادهای نظارتی برای کنترل فرآیند و نتایج حاصل از اختصاص منابع حمایتی در ایجاد اشتغال (از جمله منابع استفاده شده از محل صندوق توسعه ملی) (خواجه‌زاده دزفولی، ۱۴۰۲).

۳-۲- ده راهکار اساسی برای توسعه اشتغال در مناطق محروم و روستایی

۱- طراحی و استقرار مدل جامع پیشرفت مناطق محروم و روستایی با رویکرد رشد تولید توأم با افزایش اشتغال و توزیع عادلانه درآمد

۲- تهیه برنامه اجرایی در چارچوب مدل جامع پیشرفت مناطق محروم و روستایی ، متناسب با ظرفیت‌ها و توانمندی‌های ملی و محلی، مردم و نیروهای جهادی و به‌کارگیری تمامی ظرفیت‌ها و استعدادهای مردمی، طبیعی، فیزیکی، بومی و محلی

۳- استانداردسازی کسب‌وکارهای خرد و خانگی (توجیه اقتصادی طرح‌ها، استاندارد نهاده‌ها، جایگاه، تجهیزات و ...)

٤- تربیت، آموزش و استقرار تسهیلگران انقلابی، جهادی، متخصص، درد آشنا و بومی به‌عنوان راهبران جنبش حل مسائل و پیشرفت اجتماعی و اقتصادی مناطق روستایی و افزایش سطح اشتغال

۵- تهییج و بسیج عمومی مردم و ایجاد وحدت اجتماعی و خودباوری در آن‌ها به‌منظور حل مسائل و تشکیل صندوق‌های قرض‌الحسنه شراکت در سرمایه به‌منظور پیشرفت اجتماعی و اقتصادی

٦- نهادسازی و حمایت برای ایجاد زنجیره تولید به‌منظور پشتیبانی از تولیدات کارگاه‌های کوچک و خانگی (تأمین نهاده‌ها، آموزش و نظارت بر فرآیند تولید، بسته بندی و فرآوری محصولات و بازاریابی)

۷- طراحی و استقرار سازوکارهای اجرایی با مشارکت تمامی ذینفعان (استانداران، فرمانداران، بخشداران، دهیاران، مدیران دستگاه‌های اجرایی و افراد ذی‌نفوذ اجتماعی از جمله امام‌جمعه و جماعات)

۸- توجه جدی به امر آموزش و مهارت به‌منظور ارتقاء بهره‌وری نیروی کار و استفاده بهینه از سرمایه‌ها

۹- اعطای وام‌های خرد اشتغال به‌صورت قرض‌الحسنه و سهل‌الوصول به افراد واجد شرایط آموزش دیده برای ایجاد و توسعه کسب‌وکار

۱۰- ایجاد سامانه نظارت و کنترل بر ایجاد و استقرار طرح‌های اشتغال‌زایی (نیازی، ۱٤۰۰).

۳-۳- رویکرد معیشت پایدار رویکرد معیشت پایدار

رویکرد معیشت پایدار روشی است مبتنی بر نگاهی یکپارچه بر موضوع توسعه و اهمیت آن به‌واسطه توجه به ظرفیت‌ها، دارایی‌ها و فعالیت‌های لازم برای یک زندگی بهتر. در این رویکرد، هدف اصلی، اتکا بر دارایی‌ها و سرمایه‌های اصلی (انسانی، اجتماعی، مالی، طبیعی، نهادی و فیزیکی) موجود در روستا به‌عنوان منابع اولیه و

اساسی تأمین معاش روستایی است. در پیاده‌سازی این رویکرد توجه به اصول اساسی زیر، اهمیت دارد:

- مردم محوری
- جامعیت
- پویایی
- تکیه بر نقاط قوت
- پیوند خرد و کلان
- پایداری (ثنایی پور، ۱۳۹۸).



شکل ۱ – الگوی توانمندسازی اقتصادی و اشتغال‌زایی بنیاد برکت

بعد	شرح
سرمایه انسانی	مهارت‌ها، دانش، توانایی و ظرفیت کار کردن و نیز برخورداری از سلامت کافی که به موجب آن مردم می‌توانند با یکدیگر، راهبردهای مختلف معیشتی را تعقیب نمایند.
سرمایه اجتماعی	مردم بر اساس منابع اجتماعی به تعقیب اهداف معیشتی ترغیب می‌شوند. از جمله منابع اجتماعی عبارتند از: شبکه‌ها، عضویت در گروه‌ها و گسترش اعتماد و ایجاد رابطه بر آن مبنا. این منابع، افراد بسیار ضعیف و آسیب پذیر را نیز در بر می‌گیرند.
سرمایه طبیعی (زیست محیطی)	منابع طبیعی که به صورت بالقوه، جریان دارند منبعی سودمند برای ابزار معاش به شمار می‌آیند. در رابطه با این نوع از سرمایه‌ها، ارزیابی کیفیت منابع اهمیت فراوان دارد. برای مثال، زمینی که دیگر حاصل‌خیز نیست ارزش کمی برای معیشت دارد. همچنین در این رابطه، توجه به تفاوت میان منابع ذاتی منتسب به محیط یا منابع وارد شده به محیط (مانند آلودگی ناشی از فاضلاب) الزامی است.
سرمایه فیزیکی	سرمایه‌های فیزیکی در واقع همان زیرساخت‌های بنیادی و تولیدات مورد استفاده در ابزار معاش انسان هستند که می‌توان به آن منابع سرمایه‌های ساخته شده توسط انسان نیز اطلاق کرد.
سرمایه اقتصادی و مالی	این سرمایه، مبین منابعی است که مردم برای ابزار معاش خود به آن نیاز دارند. مانند پس اندازها و اعتبارها. این منابع مانند تولیدات، در دسته منابع مصرفی قرار دارند.

شکل ۲ – تبیین سرمایه‌های معیشت پایدار



شکل ۳- رویکردهای بنیاد برکت

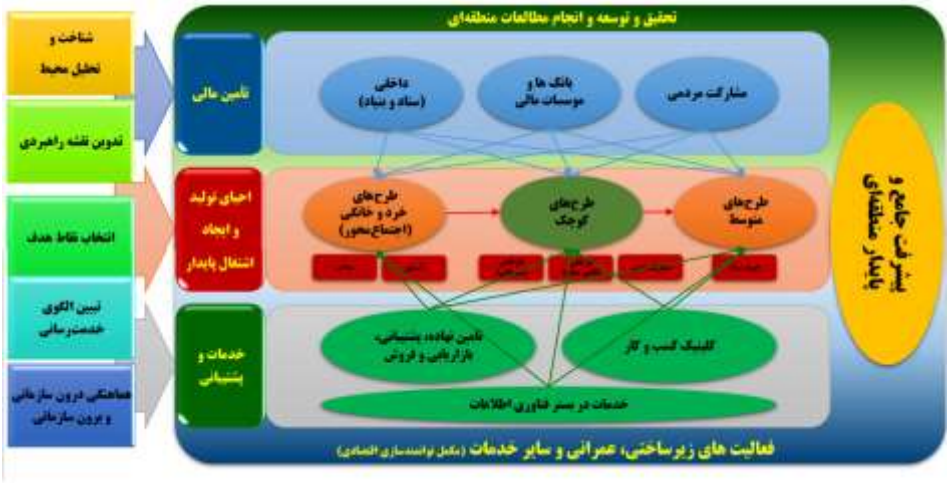

شکل ٤ - الگوی اجرای طرح‌های جامع پیشرفت منطقه‌ای بنیاد برکت

٤- بحث و نتیجه‌گیری

٤-١- مدل جامع پیشرفت مناطق محروم و روستایی

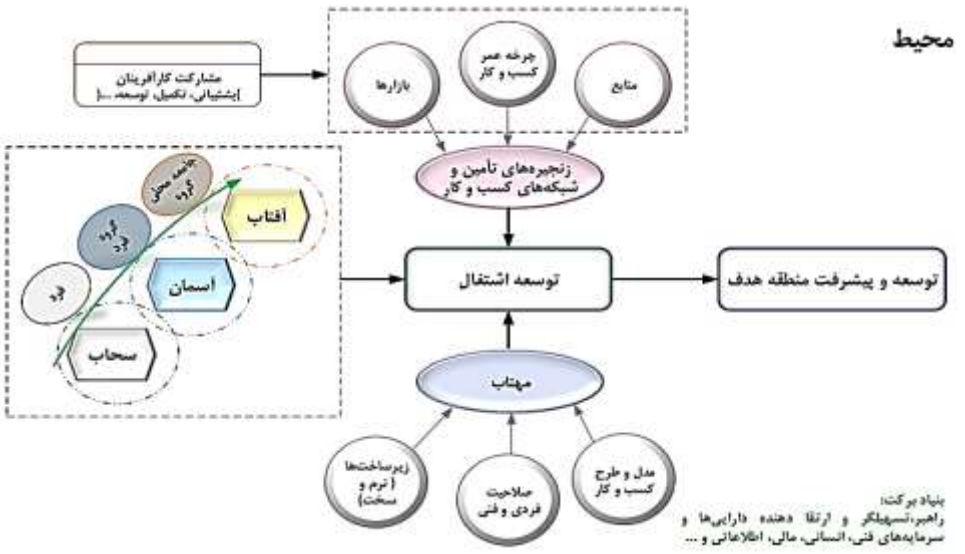

شکل ٥- مدل جامع پیشرفت مناطق محروم و روستایی با رویکرد توسعه اشتغال اجتماع‌محور

الف- افزایش سرمایه فردی، اجتماعی و مالی

۱- تشکیل قرارگاه‌های پیشرفت محلی با حضور امام جماعت روستا، دهیار، اعضای شورای روستا، نخبگان و معتمدین روستا

۲- تعامل با جامعه محلی و تشکیل گروه‌های پیشرفت اقتصادی و اجتماعی به‌منظور ایجاد خودباوری و جلب مشارکت عمومی برای حل مسائل

۳- شناخت ظرفیت‌ها و توانمندی‌های محلی برای تنظیم برنامه پیشرفت و توسعه اشتغال

٤- ایجاد صندوق قرض‌الحسنه مشارکت در سرمایه‌گذاری و پشتیبان اشتغال مردمی

۵- انجام اقدامات مشترک اجتماعی و اقتصادی با مشارکت مردم به‌منظور رفع مشکلات

مبانی نظری و روش‌های مورد عمل برای این بخش از فعالیت در آیین‌نامه سرمایه‌گذاری مردمی و اشتغال نیروی انسانی (آسمان) به تفصیل بیان شده است.

ب- بهره‌گیری از امکانات طبیعی، فیزیکی و مالی

۱- شناخت ظرفیت‌های محیطی روستاها و مناطق محروم ۲- شناخت ظرفیت‌های انسانی و تطبیق با ظرفیت‌های محیطی

۳- تعریف و انتخاب کسب‌وکارهای فردی و گروهی متناسب با ظرفیت‌های فردی و محیطی ٤- مهارت‌آموزی متناسب با کسب‌وکار ۵- تخصیص منابع قرض‌الحسنه ٦- تأمین نهاده‌های کسب‌وکار

۷- راه‌اندازی و استقرار کسب‌وکار

۸- پایدارسازی و استمرار کسب‌وکار از طریق نظارت و بهره‌گیری از استانداردها، سرمایه‌های اجتماعی و کارشناسان متخصص

مبانی نظری و روش‌های مورد عمل برای این بخش از فعالیت، در آیین‌نامه سرمایه گذاری حمایتی اشتغال برکت (سحاب) به تفصیل بیان شده است.



شکل شماره ٦ - مراحل اصلی اجرای طرح‌های اشتغال

ج- پشتیبانی از کسب‌وکار

کمک برای ارتقای کیفیت و فروش محصول، تکمیل زنجیره‌های کسب‌وکار و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین از طریق:

۱- استقرار پشتیبان کسب‌وکار به‌منظور تأمین نهادها، آموزش نیروی کار، بهبود فرآیند تولید و بازاریابی و فروش محصول.

۲- ایجاد تشکل‌های تعاونی با مشارکت جامعه محلی به‌منظور ایجاد ارزش‌افزوده از طریق بسته‌بندی، فرآوری محصولات، برندسازی و بازاریابی و توسعه بازار .

مبانی نظری و روش‌های مورد عمل برای این بخش از فعالیت، در آیین‌نامه فقرزدایی و توان‌افزایی برکت (آفتاب) به تفصیل بیان شده است.

د- استانداردسازی مدل‌های کسب‌وکار

۱- معرفی کسب‌وکارهای خرد و خانگی ۲- ارائه طرح توجیهی اقتصادی ۳- معرفی استاندارد نهاده‌های تولید

٤- نحوه استقرار و پایداری کسب‌وکار ۵- بازاریابی و فروش

تربیت و استقرار شبکه تسهیلگران با ویژگی‌های ذیل:

۱- توانمندسازی نیروهای جهادی برای اشتغال و تولید

۲-به‌کارگیری قریب به هزار نفر از افراد بومی، آشنا به منطقه و متخصص تعاملات اجتماعی و اقتصادی با روحیه جهادی و انقلابی

۳- دارای مدارک لیسانس، فوق‌لیسانس و دکترا در رشته‌های تحصیلی مرتبط

٤- انتخاب تسهیلگران از طریق:

- آزمون کتبی
- مصاحبه علمی- تخصصی
- آزمون روانشناسی
- سنجش صلاحیت‌های رفتاری و اعتقادی

۵-تأکید بر تعهد، انقلابی بودن، جهادی بودن و آگاه به مباحث تخصصی

٦- توجه به جنسیت تسهیلگران متناسب با جمعیت مخاطب (٦٦ درصد تسهیلگر آقا و ۳٤ درصد تسهیلگر خانم)

۷- تأکید بر ارتقای سرمایه اجتماعی بین مردم از طریق تکریم مردم، مراجعه حضوری تسهیلگران به آن‌ها و انجام هرگونه خدمت برای دستیابی به اهداف پیشرفت روستا و ایجاد اشتغال (نیازی، ۱٤۰۰).

تربیت و استقرار شبکه تسهیلگران با ویژگی‌های ذیل: تسهیلگران عهده‌دار ارائه ۱۷ خدمت هستند

۱. تشکیل کارگروه‌های پیشرفت محلی در تمامی روستاهای هدف

۲. تنظیم سند شناخت و پیشرفت روستا با مشارکت مردم
۳. شناخت ظرفیت‌های روستا برای ایجاد اشتغال
٤. برقراری ارتباط حضوری با تمامی ساکنین روستا
۵. تشکیل گروه‌های پیشرفت محلی (۲۰ نفره) با عضویت اهالی روستا
٦. تشکیل صندوق‌های قرض‌الحسنه در تمامی روستاهای هدف
۷. شناسایی افراد بیکار و توانمندی‌های بالقوه آنان
۸. شناسایی ظرفیت‌های فیزیکی بلااستفاده در روستاها
۹. انتخاب طرح‌های کسب‌وکار متناسب با پیشنهاد متقاضیان و توانمندی‌ها و ظرفیت‌های فیزیکی و طبیعی موجود، تکمیل زنجیره ارزش، منطقه بندی پتانسیل‌های تولیدات کشور
۱۰. معرفی و همراهی متقاضیان دارای صلاحیت فنی و اعتباری به بانک‌های طرف قرارداد به‌منظور دریافت تسهیلات قرض‌الحسنه
۱۱. کمک به نظام بانکی برای تسهیل پرداخت وام به متقاضیان
۱۲. احیای کارگاه‌های نیمه تعطیل و تعطیل
۱۳. ارائه آموزش‌های تخصصی حرفه‌ای در زمینه کسب‌وکار منتخب
۱٤. تأمین نهاده‌های اشتغال با مشارکت پشتیبانان و افراد متقاضی
۱۵. استقرار کسب‌وکارها
۱٦. مشارکت در بازاریابی و فروش محصولات
۱۷. نظارت بر استقرار کسب‌وکار و پایداری آن (نیازی، ۱٤۰۰).

شرایط انتخاب متقاضیان طرح‌های اشتغال‌زایی

جوانان و افرادی که توانایی یادگیری و کار کردن دارند (با اولویت جوانان تحصیل‌کرده، افراد دارای مهارت).

افرادی که دارای زمین، ساختمان و یا تجهیزات لازم برای اجرای طرح‌های اشتغال‌زایی دارند؛ لکن سرمایه در گردش کافی ندارند.

افرادی که به‌صورت نسبی درآمدزایی کمتر از ۵۰ درصد حداقل دستمزد قانون کار را دارند و با اجرای این طرح‌ها به درآمد مناسب دست می‌یابند.
افرادی که با اجرای طرح‌های اشتغال‌زایی و توسعه کسب‌وکار خود می‌توانند حداقل یک نفر نیروی کار جدید بکار بگیرند.
افرادی که توانایی کار و فعالیت دارند اما به دلایل مختلف نظیر محدودیت‌های جسمی و یا اجتماعی، در گروه اقشار آسیب‌دیده و یا در معرض آسیب قرار گرفته‌اند.
افرادی دارای علاقه‌مندی، پشت‌کار و ویژگی‌های لازم برای اجرای طرح‌ها
ساکن بودن در مناطق روستایی و یا علاقه‌مند به مهاجرت معکوس به مناطق روستایی(نیازی، ۱٤۰۰).

نظام آموزش کنشگران طرح‌های اشتغال‌زایی

تهیه آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها و سرفصل‌ها برای کلیه کنشگران طرح‌های اشتغال‌زایی شامل اعضای کمیته اشتغال شهرستان، روستا، مجریان، تسهیلگران و متقاضیان طرح‌های اشتغال‌زایی در ۱۳۷ صفحه.
اجرای آموزش‌های دورهای برای تسهیلگران و متقاضیان با همکاری سازمان فنی و حرفه‌ای و سازمان‌های ذی‌ربط نظیر جهاد کشاورزی، دامپزشکی، میراث فرهنگی و صنایع‌دستی
تهیه جزوات، بروشورها و فیلم‌های آموزشی برای متقاضیان طرح‌های اشتغال‌زایی (نیازی، ۱٤۰۰).

نظام کنترل و نظارت بر طرح‌های اشتغال‌زایی

طراحی و اجرای آیین‌نامه و ضوابط نظارت و ارزیابی طرح‌های اشتغال‌زایی به همراه فرم‌ها و چک‌لیست‌های استاندارد
نظارت منظم و دورهای تسهیلگران بر فرآیند اجرای طرح‌های اشتغال‌زایی

نظارت دورهای مجریان بر فعالیت تسهیلگران
نظارت فرمانداران، بخشداران و دهیاران از طریق کمیته‌های اشتغال شهرستان و کارگروه اشتغال روستا بر مجموعه فعالیت‌های اشتغال‌زایی
نظارت مدیران بنیاد و کارشناسان بنیاد برکت بر فعالیت مجریان و تسهیلگران
نظارت نیروهای جهادی بر فرایند و نتیجه اشتغال‌زایی
بازدید نظارتی از حداقل ۱۰ درصد طرح‌های اشتغال‌زایی از طریق مدیران و کارشناسان به‌صورت تصادفی
نظارت محتوایی ناظران کمیته تحقیق و توسعه بنیاد بر مجموعه فرآیندهای مورد عمل
نظارت عالیه ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره) (نیازی، ۱٤۰۰).

ویژگی‌های سامانه رصد طرح‌های اشتغال‌زایی

۱- حذف بروکراسی و الکترونیکی سازی فرایندهای اشتغال‌زایی
۲- رصد لحظه‌ای فرایند اجرای طرح‌های سه‌گانه آسمان، سحاب و آفتاب با مشخصات زیر:

- ثبت فرایند طرح‌های اشتغال‌زایی (از ابتدای تعریف تا استقرار و پایداری کسب‌وکار)
- ثبت میزان و تنوع تولیدات طرح‌های اشتغال‌زایی
- ثبت عملکرد طرح‌ها و میزان تحقق طرح‌ها
- ثبت کلیه فعالیت‌های تسهیلگران و مجریان
- ثبت مشخصات هویتی، جنسیتی، سنی، تحصیلی، تأهل، سرانه سرمایه‌گذاری، تنوع رسته‌های شغلی در کلیه طرح‌های اشتغال‌زایی
- توزیع جغرافیایی طرح‌های اشتغال‌زایی، ثبت مصارف جاری طرح‌ها و نحوه بازپرداخت اقساط آن‌ها
- ثبت مشخصات کارآفرینان طرح‌های اشتغال‌زایی

- ثبت و رصد فعالیت کمیته‌ها و کارگروه‌های اشتغال، صندوق‌های قرض‌الحسنه پشتیبان اشتغال

۳- فراهم شدن امکان نظارت و کنترل فرآیند و نتایج حاصل از اجرای طرح‌ها در راستای تحقق اهداف تعیین شده

٤- فراهم شدن امکان ایجاد بانک جامع اطلاعات آمایشی از کل کشور (نیازی، ۱٤۰۰).

فهرست منابع

- جعفرزاده، شهرام. (۱۴۰۱). نشست‌های اندیشه‌ورزی با عنوان روستا تعاون، خبرگزاری ایکنا
- خواجه‌زاده دزفولی، مهدی. (۱۴۰۲). راهبردهای اشتغال‌زایی اجتماع‌محور در بنیاد برکت، واحد تجاری سازی فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان جهاد دانشگاهی واحد الزهرا (س)
- کمیته تحقیق و توسعه بنیاد برکت. (۱۳۹۹). آفتاب: آیین‌نامه فقرزدایی و توان‌افزایی برکت از طریق مشارکت جوامع محلی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی
- کمیته تحقیق و توسعه بنیاد برکت. (۱۳۹۸). آیین‌نامه آموزش کنشگران: طرح‌های اشتغال‌زایی اجتماع‌محور، نشر طرحان
- کمیته تحقیق و توسعه بنیاد برکت. (۱۳۹۸). سحاب: آیین نامه اجرایی «طرح سرمایه‌گذاری حمایتی اشتغال برکت»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی
- کمیته تحقیق و توسعه بنیاد برکت. (۱۳۹۹). مدل جامع پیشرفت مناطق محروم و روستایی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی
- نیازی مرتضی (۱۴۰۰). اشتغال و کارآفرینی و چگونگی ساماندهی ظرفیت‌های مردمی، نشست تخصصی فعالان اجتماعی خراسان رضوی پیرامون حلقه‌های میانی

بررسی آثار و پیامدهای فقدان جهاد سازندگی در قامتِ حلقه میانی در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و ارائه‌ی مدل «احیای سازمان جهاد سازندگی» به‌منظور برون‌رفت از بلاتکلیفی «حکمرانیِ روستا» در ایران

مسعود انوری[1]

چکیده

انقلاب اسلامی مملو از نهادها و ساختارهایی است که بر پایه ایده‌های تحولی و ابتکارات مردمی ساخته شده‌اند. جهاد سازندگی به‌عنوان یکی از این نهادهای مردمی پیشران در حوزه محرومیت‌زدایی و حل مسائل مستضعفین در هر نقطه از جهان بود. جهاد سازندگی دقیقاً در قواره حلقه میانی تبیین و سیاست‌گذاری شده بود و جایگاهی فراتر از یک دستگاه اجرایی صرف داشت. مأموریت محوری و تکلیف مداری، اعتقاد و اعتماد به مردم در ساخت کشور، جامعه و انجام مأموریت با بالاترین کیفیت، در کم‌ترین زمان و با کم‌ترین هزینه از ویژگی‌های شاخص این نهاد بود. جهاد سازندگی در طول حیاتش هر اندازه که از قواره حلقه میانی دور و به دیوانسالاری مرسوم نزدیک گشت دچار فقدان هویتی شد که بدان حیات یافته بود. نوشتار ارائه شده حاصل ۱۵ سال تجربه‌ی حضور مستمر نگارنده و تنی چند از جهادگران این عرصه پرچالش در محیط روستایی بوده است. مهم‌ترین عنصری که در محیط روستا به چشم می‌آید، نبود متولی مشخص در روستا است. مع‌الاسف با ادغام نامیمون و نامتجانس جهاد سازندگی در وزارت کشاورزی و تشکیل وزارتخانه‌ی جهاد کشاورزی، مفهوم روستا از ریل خارج و به سکونت‌گاهی فاقد مفهوم بدل گشت گزافه نیست اگر بگوییم به اضمحال کشاندن جهاد سازندگی یکی از علل و عوامل اصلی آسیب‌های اجتماعی انباشته شده در حاشیه شهر، تورم ساختاری، مهاجرت‌های سنگین طی دو دهه گذشته، عدم توسعه مطلوب و متوازن زیرساخت‌های روستایی، معضلات کمتر دیده شده روستاها و... بوده است! عینیت یافتن مجدد جهاد سازندگی در قامت حلقه میانی و استفاده از تجربیات و تکالیف این نهاد در گذشته می‌تواند برای امروز ایران اسلامی راه گشا باشد.

واژگان کلیدی: جهاد سازندگی، حکمرانی، حلقه میانی، سیاست‌گذاری، روستا.

---

[1] فارغ التحصیل کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی – بازاریابی، مجری طرح های اشتغال بنیاد برکت ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره)

۱- مقدمه

انقلاب اسلامی مملو از نهادها و ساختارهایی است که بر پایه ایده‌های تحولی و ابتکارات مردمی ساخته شده‌اند. جهاد سازندگی به‌عنوان یکی از این نهادهای مردمی پیشران در حوزه محرومیت‌زدایی و حل مسائل مستضعفین در هر نقطه از جهان بود. این نهاد از مهم‌ترین نهادهای مردمی و انقلابی بود که در ۲۷ خرداد ۱۳۵۸ به فرمان امام خمینی (ره) و با شعار رسیدگی به مناطق محروم و دورافتاده در ایران تأسیس شد. سه سال و نیم بعد یعنی ۷ آذر ۱۳۶۲ این نهاد به وزارت جهاد سازندگی ارتقا پیدا کرد. اندیشه تأسیس جهاد سازندگی نخستین بار، با عنوان طرح اعزام گروه‌های ۱۰ نفره دانشجویی به مناطق محروم و با پیشنهاد یکی از اعضای هیئت‌علمی دانشکده فنی دانشگاه تهران مطرح شد. وقتی این موضوع نزد امام خمینی، بنیان‌گذار انقلاب اسلامی طرح شد، با موافقت ایشان مواجه شد و این آغاز راه تأسیس جهاد سازندگی بود. در فرمان تاریخی حضرت امام (ره) برای تأسیس این نهاد، تنها راه ساخت ویرانی‌های کشور که به عقیده ایشان از آثار حکومت پهلوی بر ایران بود، همکاری ملت ایران عنوان شد. حضرت امام (ره) همچنین در انتهای آن پیام، ثواب سازندگی و شرکت در این جهاد را بالاتر از زیارت مکه و مدینه دانسته بودند. همچنین در طول جنگ تحمیلی، جهاد سازندگی یکی از ستون‌های مقاومت ملت ایران بود که با ساخت پل، سنگر، خاکریز و جاده در مناطق مختلف به رزمندگان کشورمان کمک می‌کرد. جهاد سازندگی در طول دفاع مقدس هزار و ۱۰۰ نفر شهید، ۲۲ هزار نفر جانباز و ۸۰۰ آزاده را تقدیم انقلاب کرد. به دلیل همین فعالیت‌ها بود که این مجموعه از سوی بنیان‌گذار انقلاب به «سنگرسازان بی‌سنگر» لقب گرفت. در سال ٦٢ و در جریان تصویب قانون تشکیل وزارت جهاد سازندگی، مجلس شورای اسلامی وظایف مربوط به زراعت علوفه، کشت دیم، عملیات آبی و خاکی و عمران روستایی و امور عشایری را از وزارت کشاورزی انتزاع و به جهاد سازندگی اعطا کرد. در سال ١٣٦٦ نیز وظیفه اداره شیلات کشور

به جهاد واگذار شد. سه سال بعد در سال ۱۳۶۹ هم مجلس قانون تفکیک وظایف وزارتخانه‌های کشاورزی و جهاد سازندگی را تصویب و طی آن وظایف مربوط به امور دام و طیور و منابع طبیعی به وظایف تبعی آن افزوده شد؛ بنابراین مصوبه همه امور مربوط به حفظ، احیا و گسترش و بهره‌برداری از منابع طبیعی (جنگل، مرتع و شیلات) آبخیزداری، امور دام و طیور و عمران روستایی (بهسازی روستایی، آب‌رسانی، برق‌رسانی به روستاها، راه‌سازی و صنایع روستایی) بر عهده جهاد سازندگی قرار گرفت. نهایتاً هم در دی‌ماه ۱۳۷۹ و به دنبال ادغام با وزارت کشاورزی فعالیت خود را تحت عنوان وزارت جهاد کشاورزی ادامه داد (روزنامه ایران، ۱۴۰۰). جهاد سازندگی نهادی بود که توانست بخشی از نیازهای روز جامعه را در دوره حیات خود به گونه‌های نوآورانه نسبت به سازوکارهای موجود برآورده سازد و یکی از مهم‌ترین مزیت‌های ویژه آن نیز این بود که هم بخش اعظمی از خدمات آن برای مردم بود و هم رفع نیازها به‌وسیله مردم و سازمان‌دهی مردمی انجام شده است، لذا از این دید می‌توان جهاد سازندگی را به‌مثابه نهاد نوآور اجتماعی مورد مطالعه قرار داد (روح‌اللهی و همکاران، ۱۳۹۷).

۲- مرور پیشینه تجربی و نظری

دولت‌ها وظیفه فراهم‌سازی بسترهای مناسب برای رشد و تعالی مردم را بر عهده دارند و در این مسیر از ابزارهایی تحت عنوان نهادها، سازمان‌ها و دستگاه‌های اجرایی مختلف بهره می‌برند. در حوزه توسعه روستایی که فقرزدایی و ارتقاء کیفیت زندگی در ابعاد مادی و معنوی جزء اهداف مهم به شمار می‌رود، نقش و کارکرد اشخاص حقوقی فوق تعیین‌کننده است. چرا که نهادها و سازمان‌ها نقش حیاتی در تعیین مسیر رشد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فناورانه و فرهنگی جوامع و نیز توزیع منافع، دستیابی به منابع و قدرت و درنتیجه کاهش فقر و تسریع فرآیند توسعه دارند. در پارادایم سنتی توسعه، سازمان‌های دولتی و غیردولتی عریض، بزرگ و مبتنی بر سلسله‌مراتب عمودی، به‌تنهایی مدیریت توسعه روستایی را بر عهده دارند (حیدری

و عبدپور، ۱۳۹۸). با وجود این تحولات، شواهد حاکی از غلبه سبک مدیریتی پارادایم سنتی در نظام سیاست‌گذاری و مدیریت توسعه روستایی کشور است. تمرکزگرایی، تضعیف مشارکت عمومی ذی‌ربطان و سازمان‌های مردم‌نهاد در سطوح مختلف برنامه‌ریزی و عملیاتی، عدم انعطاف‌پذیری و سطح پایین یادگیرندگی و چابکی سازمانی، تعدد سطوح سلسله مراتبی سازمانی، پایین بودن قدرت چانه‌زنی و صدای روستاییان و عشایر در مجامع تصمیم‌گیری، توجه ناکافی به منابع انسانی در فرآیند توسعه روستایی، عدم به‌کارگیری مناسب رهیافت‌های مشارکتی و بسیج کننده، فقدان نگاه منطقه‌ای در برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات و غلبه بخشی نگری از جمله اساسی‌ترین عواملی است که نشان می‌دهد ساختار اداری کشور در حوزه مدیریت توسعه روستایی و عشایری هنوز از مبانی تکنوکراسی و بروکراسی تبعیت می‌کند (ورمزیاری، ۱۴۰۲). انحلال جهاد سازندگی در اثر ادغام آن با وزارت کشاورزی وقت در سال ۱۳۷۹، خلأهای جدی را در عرصه توسعه روستایی و بهبود امور عشایر و بسط عدالت مبتنی بر آرمان‌های ناب انقلاب اسلامی پدید آورد. در حال حاضر با وجود گذشت چندین سال از اعلان رسمی جنگ اقتصادی، نظام اداری – اجرایی موجود در کشور ناتوان از آموزش، سازمان‌دهی و به‌کارگیری سریع، مناسب و فراگیر نیروهای مردمی، به‌ویژه جوانان متخصص و متعهد برای این مجاهدت، به‌خصوص در نواحی روستایی و عشایری بوده است. می‌توان با بهره‌گیری از آن‌ها و طراحی و ترویج الگوی مدیریت جهادی برجای‌مانده از جهاد سازندگی و به‌روزرسانی رویه‌های پیاده‌سازی آن، تحولات شگرفی را در عرصه پیشرفت و تعالی همه‌جانبه کشور، به‌خصوص نواحی روستایی و عشایری رقم زد (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۰).

۳- روش تحقیق

نوشتار حاضر از نوع تحقیقات پس رویدادی است که با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی (تکنیک اسنادی و گردآوری اطلاعات) انجام می‌شود و از منابع، کتاب‌ها، مقاله‌ها و متون سخنرانی به‌عنوان منابع بهره می‌گیرد.

٤- یافته‌ها

٤-١- چالش‌های حکمرانی روستایی

- درنتیجه عدم توجه به مدیریت درونزای روستایی و روشن نبودن جایگاه واقعی سه نهاد دولت، مردم و بازار و واگرایی اهداف آن‌ها، تشخیص نیازها را در جامعه روستایی با مشکل مواجه ساخته است.
- فقدان نهاد تنظیم‌کننده و هدایتگر برنامه‌های توسعه‌ای و نبود ساختار سازمانی و تشکیلات منسجم و یکپارچه؛ توسعه و عمران روستایی
- پراکندگی شدید نقاط جمعیتی روستایی، تعدد مراکز جمعیتی، کوچک بودن و ناپایداری بسیاری از آن‌ها؛
- نامناسب بودن وضع مالکیت ارضی و نظام بهره‌برداری کشاورزی؛
- عدم انسجام اجتماعی بین تولیدکنندگان خرد روستایی (تولید کشاورزی و دامپروری به‌عنوان دو بال اقتصادی روستا، دیگر توجیه‌پذیر نیست)
- روابط نامتعادل شهر و روستا و درنتیجه توسعه‌نیافتگی جامعه روستایی؛ و دشواری نگهداری جمعیت در محیط‌های روستایی به دلیل مشکلات اقتصادی و اجتماعی
- شهر گرایی روستائیان که عامل تهدید توسعه روستایی است (ما در یک حکمرانی نامتوازن روستاها را به حاشیه شهرها آورده‌ایم و خود روستاها را بدل به شهرهایی کوچک، فاقد هویت، فاقد کارکرد بدل کرده‌ایم).

- عدم وجود هماهنگی بین سازمان‌ها و مراکز مسئول توسعه روستایی و تداخل وظایف آن‌ها با یکدیگر و نابسامانی در مدیریت سرزمین و کاربری اراضی و نبود برنامه‌های درازمدت و کاربردی برای سازمان‌دهی سنجیده مراکز و فضاهای روستایی کشور

٤-۲- چالش‌های درونی روستا

- مشکلات ساختاری (مسئول مستقیمی در روستا وجود ندارد)
- موضوع محرومیت (عمرانی، خدماتی، رفاهی، معیشتی و...) مسئول مستقیمی ندارد (مردم لاجرم مشکلات را از طریق نماینده‌های مجلس پیگیری می‌کنند که خود این مفسده انگیز بوده و مفهوم روستا را گرفتار چرخه‌ای عوام‌فریبانه کرده و معضلی از معضلات روستا را حل نکرده است)
- عدم پهنه‌بندی و طبقه‌بندی روستاها و عدم وجود روستاهای کانونی برای رفع سریع برخی از معضلات
- نابودی حیرت‌انگیز مراتع که در این حوزه نیز مردم مستاصل و مسئولین تماشاگرند
- مهارت حلقه مفقوده اشتغال کشور است اما این معضل در روستا نمود بیشتری دارد چون زیرساخت‌های اشتغال برای روستایی فراهم‌تر و هزینه‌ی اشتغال پایین‌تر است با این حال هیچ ردی از توانمندسازی مهارتی در روستاها وجود ندارد.



شکل ۱: کلیدواژه‌های مرتبط با مفهوم جهاد سازندگی در منظومه بیانات آیت‌الله خامنه‌ای

٤-۳- سازمان‌های درگیر در موضوع روستا

بخشدار، دهیار و شوراهای اسلامی (وزارت کشور)، مراکز خدمات جهاد کشاورزی، تعاون روستایی، سازمان دامپزشکی (وزارت جهاد کشاورزی)، مراکز و خانه‌های بهداشت (وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی)، پایگاه‌های بسیج (سپاه پاسداران انقلاب اسلامی)، بنیاد مسکن، نهادهای خارج از چرخه دولت (بنیاد برکت، بنیاد علوی و...)

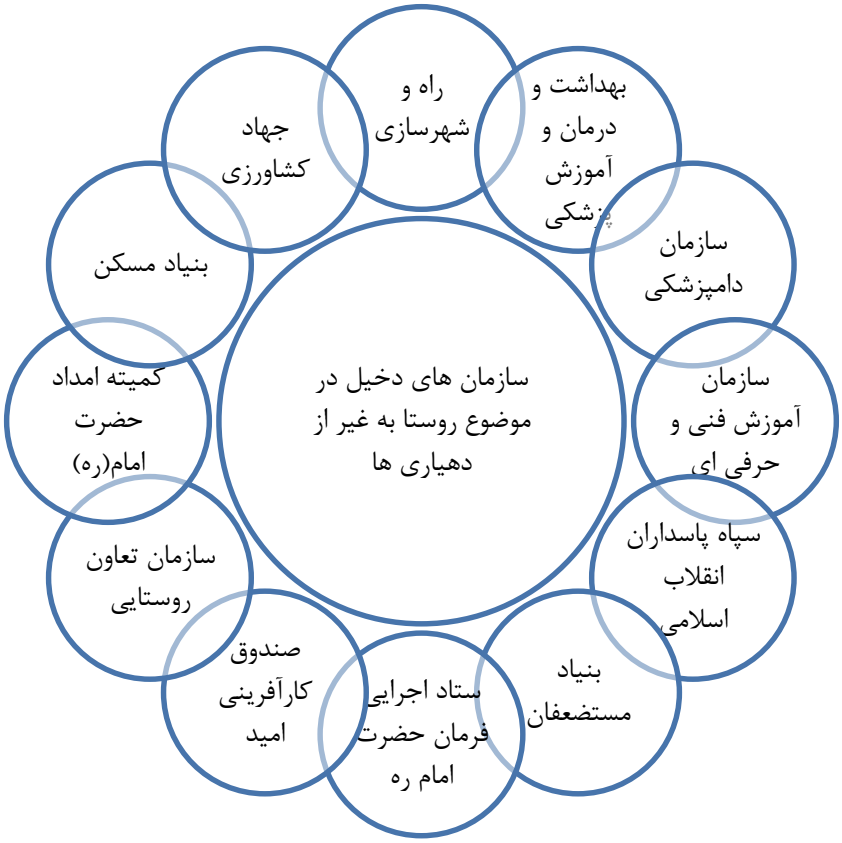

شکل ۲: سازمان‌های دخیل در موضوع روستا به‌غیراز دهیاری‌ها

۵- نتایج و نتیجه‌گیری

با لحاظ کردن موارد فوق چاره چیست؟

الف) شکل‌دهی حلقه میانی روستاپایه و روستا محور

ب) بازآفرینی سازمان جهاد سازندگی به‌عنوان سازمانی چابک، جهادی، با مأموریتی روستامحور و با ابعادی چندگانه

۵-۱- شکل‌دهی حلقه میانی روستاپایه و روستا محور

۵-۱-۱- مأموریت‌ها و کارکردهای حلقه‌های میانی تخصصی

- اشتغال و کسب‌وکار
- منابع طبیعی و زیست‌محیطی
- کشاورزی و صنایع وابسته
- عمرانی و زیربنایی
- دام و دامپزشکی
- آموزش و مهارت
- زنان و خانواده
- بهداشت و درمان
- فناوری

۵-۱-۲- کار ویژه‌های حلقه‌های میانی در کوتاه‌مدت

- شناسایی روستاهای کانونی به جهت تسریع در خدمت‌رسانی به روستاهای اقماری (با مدنظر قرار دادن جمعیت، فاصله با مرکز شهرستان، فاصله با روستاهای دیگر، سابقه و پیشینه‌ی روستا، دسترسی روستاها به این روستا)
- احصاء و طبقه‌بندی مشکلات و ارائه پیشنهادات تخصصی در جلسه قرارگاه جهاد سازندگی شهرستان (مصوبات لازم‌الاجرا برای تمام دستگاه‌های اداری، اجرایی، سازمان‌ها و...)
- استفاده از اپلیکشن جهاد سازندگی به جهت پایش هوشمند مسائل و مشکلات روستاهای کشور و شناسایی مسائل و مشکلات مشابه (بازدیدهای میدانی، ارزیابی و طبقه‌بندی مشکلات و...) و با قابلیت دریافت بازخورد مردمی
- استفاده از ظرفیت فناوری در شناسایی و رفع مشکلات روستا و شکوفایی ظرفیت‌های اقتصادی روستا

- ایجاد بستر تعاملی مابین روستاییان، تشکیل زنجیره‌ها و خوشه‌های فعال و شناسایی هوشمند حلقه‌های مفقوده این زنجیره و خوشه و هدایت متقاضیان به سمت طرح‌های دارای مزیت‌های نسبی برای خلق ثروت و توسعه ظرفیت تولید و اشتغال
- برنامه‌ریزی جهادی و عملیاتی برای مطالعه‌ی عالمانه از وضعیت حاشیه شهرها و بررسی امکان مهاجرت معکوس حاشیه‌نشینان (برنامه‌های کوتاه‌مدت یک‌ساله، میان‌مدت ۳ تا ۵ ساله و بلندمدت ۷ تا ۲۰ ساله)
- محرومیت‌زدایی عملیاتی (انتقال آب، احیای قنات‌ها، اصلاح، بهسازیِ مسیرهای مواصلاتی روستایی، احداث و حمایت از مفهوم مسکن روستایی، زیرساخت‌های بهداشتی، خدماتی (آب، برق، مخابرات، گاز و...)
- توانمندسازی مهارتی روستاییان مبتنی بر مزیت‌های منطقه
- مهاجرت معکوس (فرد برای بازگشت به روستا نیازمند مسکن، شغل و زیرساخت‌های بهداشتی و آموزشی و خدماتی است)
- برنامه‌ریزی شغلی و معیشتی روستاییان حول مزیت‌های روستا با محوریت دو بال اقتصاد روستا یعنی دامداری (و دامپروری) و کشاورزی (زراعی و باغی) و با مدنظر قرار دادن جاذبه‌های گردشگری و صنایع تبدیلی و تکمیلی.

۵-۱-۳- مأموریت‌های قابل تعریف (در میان‌مدت)

الف) ورود عملیاتی به احیای منابع آبی کشور در جهت احیای حیات و معیشت در روستاها و زمینه‌سازی برای تسهیل مهاجرت معکوس

تنش آبی در حدود درصد قابل توجهی از روستاهای کشور در وضعیت قرمز و درصدی نیز در وضعیت رو به بحران هستند و در اثر این تنش آبی روستاها به‌سرعت در حال تخلیه شدن می‌باشند و این خطه‌های بزرگی از ایران علاوه بر مشکلات

اقتصادی و اجتماعی ایجاد شده در اثر تنش آبی، درگیر مشکلات امنیتی (حضور و سوءاستفاده گروهک‌های ضدانقلاب از روستاهای خالی شده از جمعیت یا کم‌جمعیت) که حاصل از تخلیه روستاها است و بدین منظور با ورود مؤثر به موضوع فوق می‌توان از بحرانی‌تر شدن موضوع تا حد قابل توجهی جلوگیری کرد

پیشنهادات در کوتاه و میان‌مدت

- مساعدت در جهت انتقال آب با لوله
- تجهیز چاه‌های موجود
- اصلاح کانال‌های آب
- احداث استخرهای ذخیره آب
- استفاده از سیستم‌های نوین آبیاری در مزارع

ب) ورود عملیاتی به‌منظور اصلاح نژاد دام سبک و سنگین با هدف حفظ مراتع و عرصه‌های ملی و مهم‌تر از همه تأمین امنیت پایدار غذایی کشور

کشاورزی و دامپروری دو بال رشد و بالندگی روستا و یکی از عوامل راهبردی امنیت پایدار کشور می‌باشند بدین منظور پیشنهاد می‌گردد:

- فعالیت روستائیان و دامداران ما خیلی اقتصادی و به‌صرفه‌ای نیست (هم از حیث تعداد دام در اختیار و هم از حیث دسترسی به نهاده‌ها) به‌منظور اقتصادی کردن پرورش دام پیشنهاد می‌گردد:
- ساخت، بازسازی، بهسازی جایگاه‌های دام در قالب سازه‌های ارزان و سبک مدنظر قرار گیرد (در یک جایگاه دام استاندارد می‌توان موجب کاهش ۳۰ تا ۵۰٪ تلفات دام و افزایش ۲۰٪ وزن گیری دام‌های گوشتی شد) یعنی بجای هدف قرار دادن مستقیم افزایش دام با اصلاح زیرساخت‌های محلی که ماندگاری بیشتری هم دارند با افزایش بهره‌وری حاصل شده به افزایش درامد خانوار کمک کنیم.

- در هر یک از مناطق دارای مزیت کشور می‌توان یک واحد ۵ تا ۱۰ هزار رأسی دام (سنگین) اصلاح شده یا ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار رأسی دام (سبک) اصلاح شده حمایت یا احداث گردد (با ورود نهادهایی مانند ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره)، بنیاد مستضعفان یا مشارکت و مدیریت بخش خصوصی)؛ این بنگاه اقتصادی به‌عنوان پشتیبان و راهبر توزیع و تکثیر دام اصلاح شده در کل منطقه عمل خواهد کرد و پیشنهاد می‌گردد در هر یک از مناطق بنا بر توجیه منطقه‌ای و ملی یک مجتمع تکمیل زنجیره‌های ارزش حول محور دام احداث گردد (از تأمین علوفه و خوراک دام، زنجیره لبنیات، چرم، کشتارگاه و بهره‌برداری از ضایعات کشتار دام).

آسیب‌های مدل فعلی که توسط تمامی نهادهای اعطاء کننده تسهیلات اجرا می‌گردد:

- انحراف بسیار زیر در مراحل مختلف (از اهلیت سنجی، خرید، پلاک‌کوبی تا نظارت، بازرسی و فروش)
- اقتصادی نبودن به دلیل نوسانات قیمت نهاده، دام، تعداد دام خریداری شده، غیرحرفه‌ای و زیانبار بودن پروسه خرید و نگه‌داری دام
- ارزش‌افزوده بسیار پایین به دلیل استفاده از نژادهای غیراقتصادی و عدم اطلاع متقاضی از چرخه بهره‌برداری اقتصادی دام سبک و سنگین
- در عمل هیچ دامی به ظرفیت دام شهرستان هدف اضافه نمی‌شود
- ضریب اشتغال پایین نسبت به طرح‌هایی با سرمایه‌بری مشابه

ج) ورود عملیاتی به‌منظور تأمین ادوات و ماشین‌آلات کشاورزی (زراعی، باغی و...) به‌منظور افزایش بهره‌وری خاک و توانمندسازی درآمدی کشاورزان و مساعدت در جهت اقتصادی سازی کشاورزی در کشور

اکثریت غالب روستاییان یا دامدار هستند یا کشاورز و یا به‌صورت تلفیقی فعالیت دارند که به دلایل مختلف هیچ کدام از این فعالیت‌ها اقتصادی نیست چرا؟
سطح زیر کشت اغلب روستاییان از حالت اقتصادی خارج شده (به دلیل تقسیم‌بندی ارضی) راه‌حل این موضوع در این مرحله ارتباط چندانی به فعالیت ما پیدا نمی‌کند اما اگر زیرساخت‌های صنعتی کشاورزی روستا یعنی تأمین ادوات، ماشین‌آلات و تجهیزات مرتبط با کشاورزی تأمین گردد با افزایش بهره‌وری (برداشت بیشتر از سطح زیر کشت موجود، کاهش ضایعات، حفظ مواد مغذی خاک)، موجب افزایش درآمد حاصل از کشاورزی خواهیم شد.

د) ورود عملیاتی به احیای منابع آبی کشور در جهت احیای حیات و معیشت در روستاها و زمینه‌سازی برای تسهیل مهاجرت معکوس

تنش آبی در حدود در صد قابل توجهی از روستاهای کشور در وضعیت قرمز و درصدی نیز در وضعیت رو به بحران هستند و در اثر این تنش آبی روستاها به‌سرعت در حال تخلیه شدن می‌باشند و این خطه‌های بزرگی از ایران علاوه بر مشکلات اقتصادی و اجتماعی ایجاد شده در اثر تنش آبی، درگیر مشکلات امنیتی (حضور و سوءاستفاده گروهک‌های ضدانقلاب از روستاهای خالی شده از جمعیت یا کم‌جمعیت) که حاصل از تخلیه روستاها است و بدین منظور با ورود مؤثر به موضوع فوق می‌توان از بحرانی‌تر شدن موضوع تا حد قابل توجهی جلوگیری کرد

پیشنهادات در کوتاه و میان‌مدت

- مساعدت در جهت انتقال آب با لوله
- تجهیز چاه‌های موجود
- اصلاح کانال‌های آب
- احداث استخرهای ذخیره آب
- استفاده از سیستم‌های نوین آبیاری در مزارع

ه) ورود عملیاتی به‌منظور اصلاح نژاد دام سبک و سنگین با هدف حفظ مراتع و عرصه‌های ملی و مهم‌تر از همه تأمین امنیت پایدار غذایی کشور

کشاورزی و دامپروری دو بال رشد و بالندگی روستا و یکی از عوامل راهبردی امنیت پایدار کشور می‌باشند بدین منظور پیشنهاد می‌گردد:

- ❖ فعالیت روستائیان و دامداران ما خیلی اقتصادی و به‌صرفه‌ای نیست (هم از حیث تعداد دام در اختیار و هم از حیث دسترسی به نهاده‌ها) به‌منظور اقتصادی کردن پرورش دام پیشنهاد می‌گردد:

- ساخت، بازسازی، بهسازی جایگاه‌های دام در قالب سازه‌های ارزان و سبک مدنظر قرار گیرد (در یک جایگاه دام استاندارد می‌توان موجب کاهش ۳۰ تا ۵۰٪ تلفات دام و افزایش ۲۰٪ وزن گیری دام‌های گوشتی شد) یعنی بجای هدف قرار دادن مستقیم افزایش دام با اصلاح زیرساخت‌های محلی که ماندگاری بیشتری هم دارند با افزایش بهره‌وری حاصل شده به افزایش درامد خانوار کمک کنیم.
- در هر یک از مناطق دارای مزیت کشور می‌توان یک واحد ۵ تا ۱۰ هزار رأسی دام (سنگین) اصلاح شده یا ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار رأسی دام (سبک) اصلاح شده حمایت یا احداث گردد (با ورود نهادهایی مانند ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره)، بنیاد مستضعفان یا مشارکت و مدیریت بخش خصوصی)؛ این بنگاه اقتصادی به‌عنوان پشتیبان و راهبر توزیع و تکثیر دام اصلاح شده در کل منطقه عمل خواهد کرد و پیشنهاد می‌گردد در هر یک از مناطق بنا بر توجیه منطقه‌ای و ملی یک مجتمع تکمیل زنجیره‌های ارزش حول محور دام احداث گردد (از تأمین علوفه و خوراک دام، زنجیره لبنیات، چرم، کشتارگاه و بهره‌برداری از ضایعات کشتار دام).

- ❖ آسیب‌های مدل فعلی که توسط تمامی نهادهای اعطاء کننده تسهیلات اجرا می‌گردد:
- انحراف بسیار زیر در مراحل مختلف (از اهلیت سنجی، خرید، پلاک‌کوبی تا نظارت، بازرسی و فروش)
- اقتصادی نبودن به دلیل نوسانات قیمت نهاده، دام، تعداد دام خریداری شده، غیرحرفه‌ای و زیانبار بودن پروسه خرید و نگه‌داری دام
- ارزش‌افزوده بسیار پایین به دلیل استفاده از نژادهای غیراقتصادی و عدم اطلاع متقاضی از چرخه بهره‌برداری اقتصادی دام سبک و سنگین
- در عمل هیچ دامی به ظرفیت دام شهرستان هدف اضافه نمی‌شود
- ضریب اشتغال پایین نسبت به طرح‌هایی با سرمایه‌بری مشابه

و) ورود عملیاتی به‌منظور تأمین ادوات و ماشین‌آلات کشاورزی (زراعی، باغی و...) به‌منظور افزایش بهره‌وری خاک و توانمندسازی درآمدی کشاورزان و مساعدت در جهت اقتصادی سازی کشاورزی در کشور

- ❖ اکثریت غالب روستاییان یا دامدار هستند یا کشاورز و یا به‌صورت تلفیقی فعالیت دارند که به دلایل مختلف هیچ کدام از این فعالیت‌ها اقتصادی نیست چرا؟
- سطح زیر کشت اغلب روستاییان از حالت اقتصادی خارج شده (به دلیل تقسیم‌بندی ارضی) راه‌حل این موضوع در این مرحله ارتباط چندانی به فعالیت ما پیدا نمی‌کند اما اگر زیرساخت‌های صنعتی کشاورزی روستا یعنی تأمین ادوات، ماشین‌آلات و تجهیزات مرتبط با کشاورزی تأمین گردد با افزایش بهره‌وری (برداشت بیشتر از سطح زیر کشت موجود، کاهش ضایعات، حفظ مواد مغذی خاک)، موجب افزایش درآمد حاصل از کشاورزی خواهیم شد.

۵-۲- پیشنهادات جهت بازآفرینی سازمان جهاد سازندگی

۵-۲-۱- سازمان‌های درگیر در موضوع روستا:

بخشدار، دهیار و شوراهای اسلامی (وزارت کشور)، مراکز خدمات جهاد کشاورزی، تعاون روستایی، سازمان دامپزشکی (وزارت جهاد کشاورزی)، مراکز بهداشت (وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی)، کمیته امداد حضرت امام (ره) پایگاه‌های بسیج (سپاه پاسداران انقلاب اسلامی)، بنیاد مسکن و اخیراً نهادهای انقلابی همچون بنیاد برکت (ستاد اجرایی فرمان حضرت امام ره)، بنیاد علوی (بنیاد مستضعفان).

پیشنهاد اول: ادغام برخی از سازمان‌ها و نهادها در سازمان جدید (ساختارسازی سنتی)

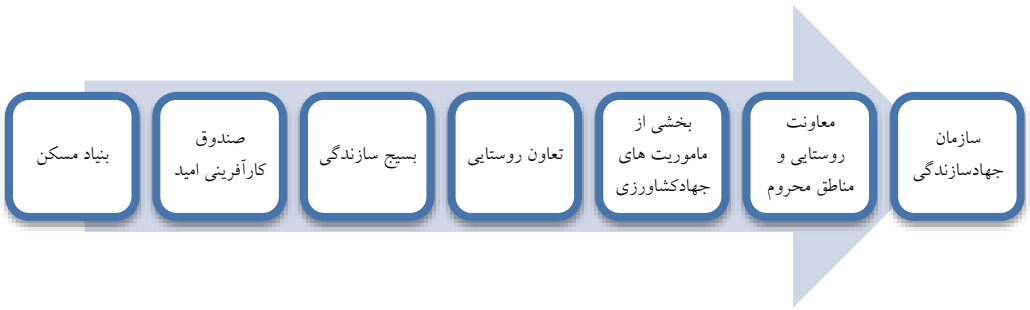

شکل ۳: ساختارسازی سنتی

پیشنهاد دوم: تشکیل نهادی چابک، مطالبه گر و جهادی

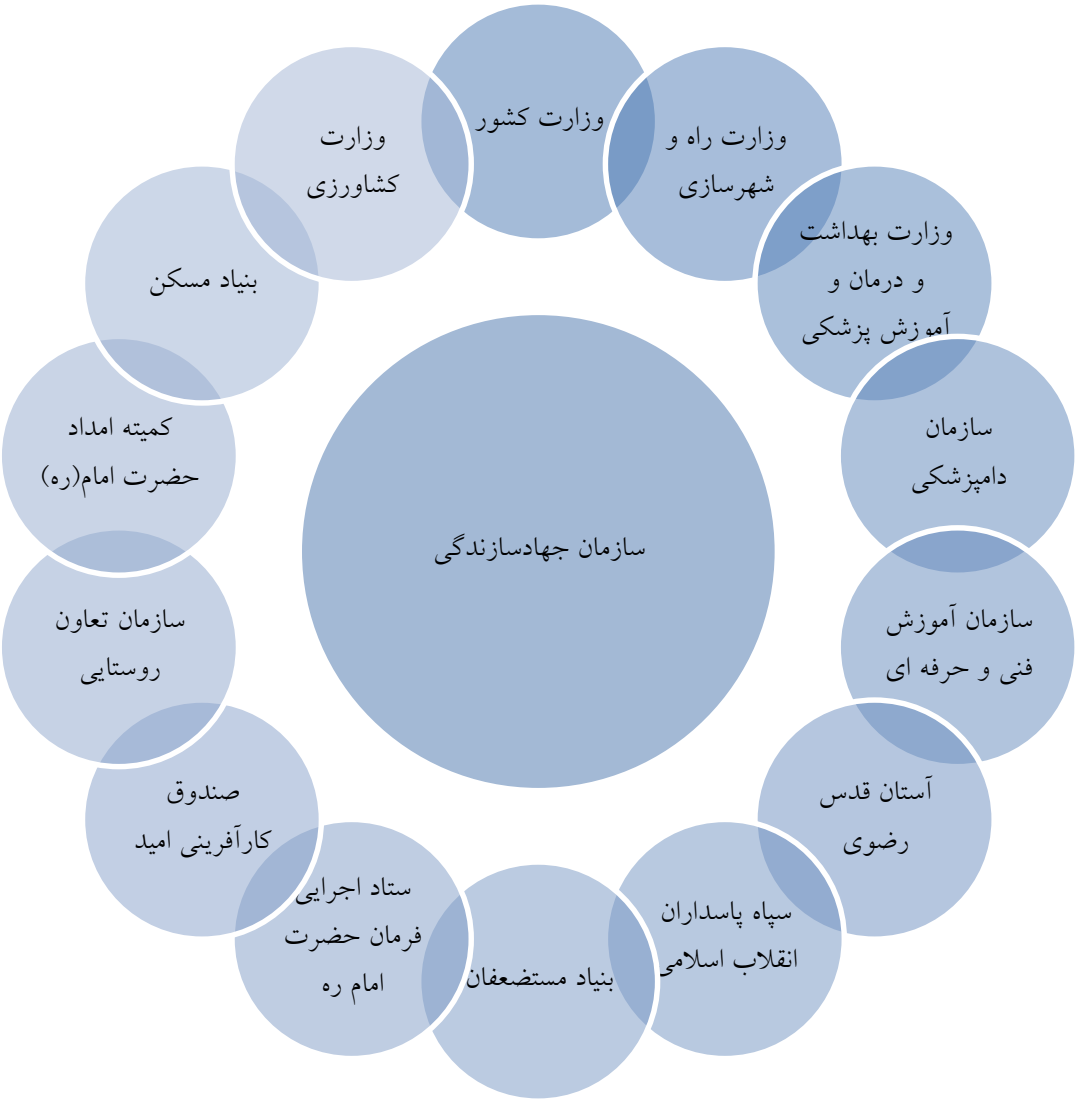

شکل ٤: ساختار پیشنهادی جدید بر اساس اصلاح روندهای قبلی

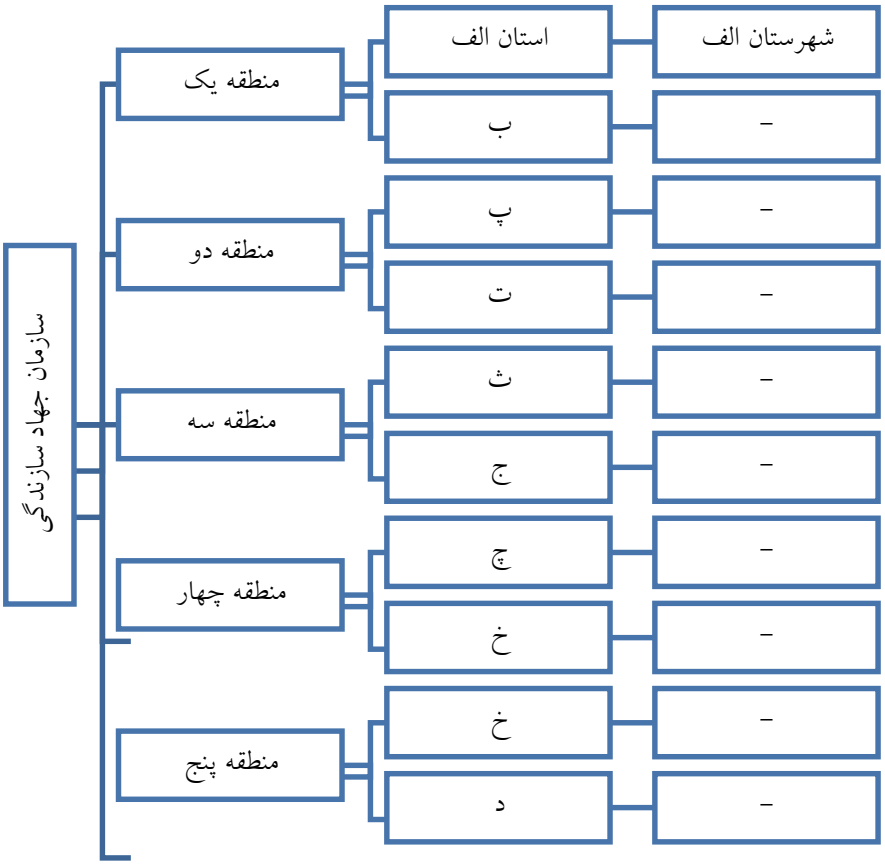

شکل ۵: چارت سازمانی پیشنهادی سازمان جهاد سازندگی

۵-۲-۲- تشریح ساختار پیشنهادی

قرارگاه کشوری

- ریاست معاون اول رئیس‌جمهور
- دبیر: سازمان جهاد سازندگی
- اعضا: دستگاه‌ها، نهادها و سازمان‌های عضو و مدعو

قرارگاه استانی

- ریاست: استاندار

- دبیر: سازمان جهاد سازندگی استان
- اعضا: دستگاه‌ها، نهادها و سازمان‌های عضو و مدعو

قرارگاه شهرستانی

- ریاست: فرماندار
- دبیر: سازمان جهاد سازندگی شهرستان
- اعضا: دستگاه‌ها، نهادها و سازمان‌های عضو و مدعو

شیوه‌نامه‌ی اجرایی:



شکل ٦: شیوه‌نامه‌ی اجرایی

فهرست منابع

-حیدری ساربان وکیل، عبدپور، علیرضا. (۱۳۹۸). عوامل بهبود معیشت پایدار روستایی از دیدگاه ساکنان محلی، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۴۵

-روح‌اللهی مهدی، طباطبایان حبیب‌الله، منطقی منوچهر، با مداد صوفی جهانیار. (۱۳۹۷). الگوی شکل‌گیری نوآوری اجتماعی در جهاد سازندگی، مدیریت ا سلامی، شماره ۲.

-مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۴۰۰). بررسی طرح ادغام وزارت کشاورزی و جهاد سازندگی.

-ورمزیاری، حجت. (۱۴۰۲). ضرورت سازمان‌دهی حرکت‌های جهادی در کشور در مسیر توسعه روستایی و عشایری، ماهنامه گزارش‌های کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۳۱ (۵)، ۱-۲۶.

بررسی عملکرد و ظرفیت‌های گروه علوم پزشکی انقلابی با ماهیت حلقه‌های میانی

مصباح سلطانی نژاد[۱] فرامرز کاظمی[۲] امیرمحمد شفیعی[۳]

چکیده

در راستای تحقق اهداف انقلاب اسلامی در حوزه بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، تشکلی با عنوان "همیاران سلامت علوم پزشکی" در دانشگاه علوم پزشکی اصفهان شکل گرفته است. این تشکل با محوریت بیانیه گام دوم انقلاب و با همکاری فعالان سلامت، به دنبال شناسایی و حل مشکلات حوزه بهداشت و درمان است. مشکلاتی که در حوزه‌های مالی، فرهنگی و صنفی وجود دارند، کیفیت خدمات ارائه شده به مراجعین را کاهش داده‌اند. این تشکل با رویکردی جهادی و مردمی، درصدد است تا با استفاده از ظرفیت‌های جوانان متخصص و دلسوز، این موانع را برطرف کند. تاکنون، این تشکل با برگزاری جلسات هفتگی و ماهیانه، مشکلات را شناسایی و راهکارهای عملیاتی ارائه کرده است. بیش از ۴۰۰ نفر به‌عنوان عضو در این تشکل ثبت‌نام کرده‌اند و فعالیت‌هایی همچون حضور در خوابگاه‌ها برای ارتباط با دانشجویان، شروع طرح ادغام آموزش طولی، برنامه‌ریزی برای آموزش‌های طب رزم و طب بحران و فعالیت‌های جهادی در مناطق محروم انجام شده است. همچنین، این تشکل با هماهنگی نهادهای انقلاب اسلامی و دستگاه‌های اجرایی، به دنبال پیشبرد اهداف خود است. برنامه‌های عملیاتی این تشکل شامل تدوین برنامه‌های آموزشی مسئله‌محور در نظام سلامت، حضور در خوابگاه‌ها، تعیین منابع مالی و بودجه و تهیه زیرساخت‌های لازم است. علاوه بر این، تشکل به دنبال آموزش نیروهای داوطلب در حوزه‌های تخصصی مانند جمعیت، امور مالی، دارو و تجهیزات و فناوری اطلاعات است. این تشکل با استفاده از ظرفیت‌های انسانی و همکاری با سازمان‌های فعال در حوزه سلامت، درصدد است تا نقش مؤثری در بهبود وضعیت بهداشت و درمان ایفا کند. درنهایت، این تشکل با هدف تقویت روحیه خدمت‌رسانی و مشارکت مردمی، به دنبال ایجاد ساختارهایی است که بتواند مشکلات حوزه سلامت را به صورت مؤثر و پایدار حل کند. این اقدامات نه‌تنها بهبود کیفیت خدمات بهداشتی و درمانی کمک می‌کند، بلکه روحیه "ما می‌توانیم" را در بین مردم و مسئولین تقویت می‌نماید.

واژگان کلیدی: حلقه‌های میانی، علوم پزشکی انقلابی، حلقه میانی.

---

[۱] فوق تخصص جراحی توراکس

[۲] پزشک عمومی

[۳] پزشک عمومی

اهداف طرح

- کاهش مشکلات فرهنگی و صنفی
- تربیت نیروی انسانی تراز انقلاب اسلامی در حوزه درمان
- هم‌افزایی دستگاه‌های مجری دخیل در حوزه سلامت
- فضاسازی فرهنگی و صنفی در محیط دانشگاه علوم پزشکی اصفهان جهت استفاده از ظرفیت دانشجویان و اساتید این مجموعه

مقدمه

در تاریخ پرافتخار انقلاب اسلامی ایران یکی از مهم‌ترین جلوه‌های شکوه و پیشرفت، حوزه بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است که امروزه نیز برای همگان چه در داخل کشور و چه در بین سایر کشورها این موضوع قابل لمس است؛ اما عهده‌دار این مسئولیت عظیم جهت حفظ و ارتقاء وضعیت موجود مدیران مسئول و پرسنل اجرایی می‌باشند که برای پیشبرد این اهداف با مشکلاتی مواجه می‌باشند. مشکلات چه در حوزه‌های مالی و چه در حوزه‌های فرهنگی و صنفی درنهایت باعث کاهش کیفیت خدمات ارائه شده به مراجعین می‌شود که به نظر می‌رسد حجم مشکلات و فرصت‌های پیش رو نیازمند ساختارهای متفاوت با کادر اداری فعال جهت حل آن است.

نظر به آرمان‌های انقلاب اسلامی در خصوص اعتلای فرهنگ خدمت‌رسانی به مردم و افق‌های پیش روی حوزه بهداشت و درمان در سند چشم‌انداز لزوم تسریع در برطرف کردن موانع با روحیه‌ای جهادی احساس می‌شود؛ و این مهم با میدان‌داری جوانان متخصص و دلسوز قابل انجام است که درنهایت با ارتباطات ایجاد شده با لایه‌های مدیریتی منجر به ورود آنان به حوزه پذیرش مسئولیت با روحیه‌ای متعالی می‌شود و می‌تواند روحیه ما می‌توانیم را به همگان منتقل کند.

ازآنجایی‌که فرصت برقراری ارتباط برای همه مردم و پرسنل این حوزه جهت رساندن مشکلات و یا حل مشکلات به‌واسطه ایشان مقدور نیست به نظر می‌رسد

فعال‌سازی و حمایت از مجموعه‌هایی با رویکرد مردمی و جهادی جهت شناسایی مشکلات، تجزیه و تحلیل و ارائه راهکارهای اجرایی به تناسب قوانین و ظرفیت مجموعه جهت حل آن‌ها می‌تواند نقش به سزایی در کمک به مسئولین این حوزه جهت رفع یا کمرنگ کردن مشکلات داشته باشد.

بر همین اساس بر آن شدیم تا با محوریت بیانیه راهبردی گام دوم، با همکاری مجموعه‌ای از فعالین سلامت در دانشگاه علوم پزشکی اصفهان و هماهنگی با سایر مجموعه‌های فعال در این حوزه اهمیت موضوع بررسی شود و راهکارهای اجرایی استخراج شده و در رده‌های مختلف فرهنگی و صنفی فعالیت نماییم.

بحث

در اولین اقدام به بررسی و شناسایی افراد و تشکل‌های فعال در حوزه‌های صنفی و فرهنگی پرداخته شده است و به‌صورت مشترک طرح مسئله با ایشان به‌صورت جلسات هفتگی شکل گرفته است تا باواسطه ایشان بتوانیم هماهنگی لازم جهت پیشبرد اهداف مدنظر را با استفاده از ظرفیت مجموعه‌های مردمی، نهادهای انقلاب اسلامی و سایر دستگاه‌های اجرایی در این حوزه که در این موضوعات فعالیت دارند به شکل مطلوب صورت پذیرد.

تاکنون در حدود چند صد نفر ساعت جلسه مشترک برگزار شده است و ظرفیت‌ها، نقاط ضعف و قوت، پیشنهادهای عملیاتی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

بعد از شکل‌گیری هسته اولیه این مجموعه فراخوان‌های اولیه بین نیروهای فعال انقلابی انجام شد که جمعیتی در حدود ۴۰۰ نفر به‌عنوان عضو اعلام آمادگی کرده‌اند و در یک گروه مجازی عضویت یافته‌اند که در ادامه نیز این مجموعه با عنوان همیاران سلامت علوم پزشکی در دانشگاه علوم پزشکی اصفهان به‌عنوان یک تشکل دانشگاهی ثبت شده است. این مجموعه به‌صورت هفتگی با شورای مرکزی و به‌صورت ماهیانه با حضور همه اعضا جلسات هماهنگی و هم‌اندیشی دارد.

در حال حاضر با توجه به تجربه‌های قبلی در این حوزه و نیاز شناسایی شده در گروه‌های مختلف با استفاده از ظرفیت‌های انسانی تشکل اقداماتی به شرح ذیل انجام پذیرفته است.

شروع طرح ادغام آموزش طولی

- برنامه‌ریزی و فعالیت جهت آموزش‌های ویژه طب رزم و طب بحران
- استفاده از ظرفیت پزشکان در جهت فعالیت‌های جهادی و محرومیت‌زدایی
- ورود به حوزه‌های مسئله محوری در نظام سلامت و آموزش تعدادی از فعالان صنفی این مجموعه
- ایجاد کارگروه فرهنگی با محوریت اندیشه‌ورزی و هم‌اندیشی در قرآن
- طرح حلقه‌های همدلی جهت ارتباط بین اساتید و دانشجویان و حمایت از آنان

روش اجرا

شکل‌گیری گروه به‌عنوان حلقه میانی اصلی

*شناسایی افراد دغدغه‌مند و فعال در این حوزه‌ها

سابقه حضور در تشکل‌های دانشجویی

افراد خوشنام و خوش‌فکر در زمینه فرهنگی و علمی در دانشگاه

استفاده از ظرفیت گروه‌های جهادی جهت شناسایی نیروهای مخلص

*ضرورت سنجی راه‌اندازی تشکل

برقراری ارتباط با ارگان دولتی (دانشگاه)

لزوم کار تشکیلاتی و نظم‌بخشی به ساختار عملیاتی گروه

نبود رویکرد مشابه جهت فعال‌سازی و استفاده از ظرفیت نخبگانی اساتید و دانشجویان

*برنامه‌ریزی جلسات هفتگی و ماهیانه
جلسات هفتگی هر سه‌شنبه ساعت ٦ صبح با حضور اعضای شورای مرکزی به مدت ٢ ساعت در منزل یکی از اعضا
دعوت از افراد خوش‌فکر و جریان ساز جهت هم‌اندیشی و ارتقا کیفیت طرح‌ها
ارائه گزارش توسط کارگروه‌های زیرمجموعه از فعالیت‌های هفتگی
اختصاص بخشی از جلسه به مباحث معرفتی با محوریت تفسیر قرآن
برگزاری جلسات ماهیانه برای همه اعضای تشکل به همراه خانواده با محوریت مباحث معرفتی و جریانات روز

*پیگیری ثبت تشکل در دانشگاه و استانداری
تشکل در حال حاضر در دانشگاه علوم پزشکی اصفهان تحت عنوان "همیاران علوم پزشکی " ثبت شده است و جهت ثبت در استانداری در دست اقدام است.

١. تدوین برنامه عملیاتی ادغام آموزش طولی

– تهیه ساختار و چارچوب با هماهنگی دانشکده پزشکی
با توجه به مطالعات انجام شده کمیته‌ای متشکل از اساتید دغدغه‌مند ذیل معاونت آموزش دانشکده پزشکی راه‌اندازی شد و بعد از چند صد ساعت نفر جلسه، مقدمات و زیرساخت‌های لازم مورد بحث قرار گرفت و مقرر گردید زیر کمیته اساتید، فارغ‌التحصیلان و مربی دانشجویان تشکیل شود که کمیته اساتید طرح درسی متناسب با دانشجویان جدیدالورود برای هر ترم را تدوین کرده و توسط دو کمیته دیگر برنامه‌ریزی جهت آموزش ٥٠٠ نفر دانشجوی ترم اول و دوم در ٤٨ گروه به‌صورت تفکیک جنسیتی صورت پذیرد. دو درس دو واحدی برای هر ترم در برنامه آموزشی دانشکده قرار گرفت و جلسات به‌صورت هفتگی بر بالین بیماران مرتبط با طرح درس و اقدامات عملی و تئوری در ساختمان مهارت‌های بالینی ارائه گردد.

– تعیین مأموریت، اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت

این طرح با هدف تحول آموزش پزشکی به دنبال یک پیوست فرهنگی به جهت ارتباط‌گیری دانشجویان جدیدالورود با اساتید و فارغ‌التحصیلان برجسته علمی فرهنگی است که در کوتاه‌مدت حس امید و نشاط در دانشجویان حفظ شود و در بلند بتواند پزشکانی تراز انقلاب اسلامی تربیت کند.

– انتخاب اساتید، فارغ‌التحصیلان و مربی دانشجویان

به جهت تدوین مباحث آموزشی از اساتیدی استفاده شده است که بتوانند طرح درسی جدید و متناسب با فهم دانشجویان جدیدالورود ارائه کنند و همچنین دارای سوابق فرهنگی برجسته باشند. در حوزه فارغ‌التحصیلان از افرادی استفاده شده است که در کنار ارتباط‌گیری و انتقال مفاهیم علمی به دانشجویان، توانایی اثرگذاری معرفتی و فرهنگی به آنان را داشته باشند. در قسمت مربی دانشجویان نیز تا حد امکان سعی بر این بوده است که از ظرفیت تمام دانشجویان فعال و برجسته علمی توانمند در حوزه آموزش جهت حضور در طرح استفاده شود.

۲. تدوین برنامه عملیاتی طب رزم و طب بحران

شناسایی وضعیت موجود، فرصت‌ها و خلأهای ساختار آموزشی و درمانی استان

ارتباط‌گیری با افراد و سازمان‌های فعال در این حوزه

برگزاری جلسات هفتگی و تدوین برنامه عملیاتی

شروع دوره‌های آموزشی افراد داوطلب و فراخوان شده

ارائه پروپوزال کار به سایر مجموعه‌ها و دانشگاه‌ها

۳. کارگروه نظام سلامت

انتخاب افراد فعال در حوزه صنفی

ارتباط با مجموعه‌های بالادستی فعال در این امر

شرکت افراد در کارگاه‌های تخصصی نظام سلامت و هم‌اندیشی

تشکیل تیم‌های تخصصی (جمعیت، امور مالی و پشتیبانی، دارو و تجهیزات، فناوری اطلاعات)

ارائه یک طرح جهت تأمین پایدار پزشک در مناطق کمتربرخوردار

٤. حلقه‌های همدلی

*هماهنگی با معاونت دانشجویی فرهنگی و کسب مجوزهای لازم

طرح در قالب تو برنامه با عناوین "حضور در خوابگاه " و "استاد مشاور " به معاونت دانشجویی فرهنگی و دانشکده پزشکی ارائه شده است که طرح استاد مشاور در مرحله برنامه‌ریزی و تائید دانشکده پزشکی قرار دارد.

*حضور در خوابگاه

برگزاری چندین جلسه با کارشناسان معاونت فرهنگی دانشگاه جهت تبیین و تدوین طرح و اخذ مجوز حضور در خوابگاه‌ها. پس از آن با اعلام آمادگی توسط برخی اساتید و پزشکان متخصص برجسته با هماهنگی رابطین دانشجویی در خوابگاه حضور یافته و دانشجویان در گروه‌های ۱۰ تا ۱۵ نفره بین اساتید تقسیم شده و جلسات پرسش پاسخ و نشست‌های صمیمی هر دو هفته یک‌بار در محیط خوابگاه برگزار شده است.

٥. اندیشه‌ورزی

***تعیین منابع و بودجه:**

- شناسایی منابع مالی از طریق بودجه دولتی و کمک‌های مالی خود اعضا
- تخمین هزینه‌ها برای آموزش، تجهیزات و برگزاری جلسات

***تهیه زیرساخت‌ها:**

- راه‌اندازی دفتر مرکزی تشکل
- طراحی سیستم ارتباطی و هماهنگی بین اعضا

چالش‌های تعامل حلقه‌های میانی با مجموعه‌های رسمی نظام انقلابی

مهدی امینی[1]

چکیده

حلقه‌های میانی یکی از مهم‌ترین بسترهای جامعه‌پردازی در نظام انقلابی بوده و در مردمی سازی سیاست‌ها و تصمیم‌سازی‌های کلان، نقشی کلیدی دارند. با این وجود، تعامل این حلقه‌ها با مجموعه‌های رسمی نظام انقلابی، می‌تواند از تحقق کامل ظرفیت‌های آن‌ها پیشگیری کند. این پژوهش، به تحلیل و بررسی چالش‌های نظری، ساختاری و اجرایی تعامل حلقه‌های میانی و مجموعه‌های رسمی می‌پردازد. از جمله مهم‌ترین این چالش‌ها می‌توان به عدم شفافیت اهداف، ساختارهای بوروکراتیک انعطاف‌ناپذیر، ضعف در اقناع و اعتمادسازی متقابل و چالش‌های گفتمانی اشاره کرد. در پژوهش حاضر، در کنار بررسی این موانع، تجارب موفق داخلی و الگو های الهام‌بخش در تاریخ انقلاب اسلامی نیز مورد بحث قرار داده می‌شود. همچنین راهکارهایی برای رفع این چالش‌ها و تقویت تعامل سازنده میان حلقه‌های میانی و مجموعه‌های رسمی، با هدف بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت‌های مردمی و تحقق جامعه‌پردازی انقلابی، ارائه خواهد شد. این پژوهش درصدد است نشان دهد که حلقه‌های میانی، با مدیریت صحیح چالش‌ها، می‌توانند به‌عنوان پل ارتباطی مؤثر میان مردم و ساختارهای حاکمیتی عمل کنند و بستر تحقق تمدن نوین اسلامی را فراهم آورند.

واژگان کلیدی: چالش تعامل، حلقه‌های میانی، مجموعه‌های رسمی، نظام انقلابی.

[1] ۱۳۷۶amini.mahdi@gmail.com

۱- مقدمه

در نظام‌های انقلابی، حلقه‌های میانی به‌عنوان گروه‌هایی با هویت جمعی مستقل و بدون وابستگی مالی به حاکمیت، نقشی اساسی در بسترسازی برای ایفای نقش فعالانه مردم و به‌کارگیری ظرفیت بازیگران مختلف ایفا می‌کنند (میراسماعیلی و همکاران، ۱۴۰۱). این حلقه‌ها، با حضور میدانی و اقدام به گره‌گشایی از مسائلی که ساختارهای کنونی از حل آن‌ها عاجزند، با آرمان‌خواهی، مطالبه‌گری و بسیج اجتماعی، نقشی مؤثر در تحول‌آفرینی و تحرک‌بخشی به نهادها و ساختارهای مستقر دارند (رستمی، ۱۴۰۲). با این حال، تعامل این حلقه‌ها با مجموعه‌های رسمی نظام انقلابی با چالش‌هایی مواجه است. پیچیدگی بوروکراسی کنونی یکی از موانع اصلی در تحقق بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی است و نیاز به تحول در بسترها، روش‌ها و ساختارها دارد (ذوعلم، ۱۴۰۳).

حلقه‌های میانی، به‌عنوان واسط میان جامعه و ساختارهای رسمی، نقشی بی‌بدیل در تحقق حکمرانی مردمی و پیشبرد اهداف نظام انقلابی ایفا می‌کنند. این نهادهای برآمده از متن اجتماع، ظرفیت آن را دارند که به‌عنوان تسهیل‌گر مشارکت عمومی، زمینه‌ساز هم‌افزایی میان مردم و حاکمیت شوند. بااین‌حال، تعامل آن‌ها با مجموعه‌های رسمی، همواره با چالش‌هایی مواجه بوده که می‌تواند از تحقق کامل ظرفیت‌های این حلقه‌ها جلوگیری کند. در این پژوهش، با رهیافتی توصیفی-تحلیلی و مرور منابع، ابعاد مختلف این چالش‌ها در سطوح نظری، ساختاری و اجرایی بررسی شده و ضمن واکاوی مسئله مورد پژوهش، راهکارهایی عملی برای تقویت تعامل حلقه‌های میانی و نهادهای رسمی ارائه می‌شود. هدف نهایی این پژوهش، تبیین راهبردی برای بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت‌های مردمی در مسیر تحقق جامعه‌پردازی انقلابی و بسترسازی برای شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی است و به تحلیل و بررسی چالش‌های نظری، ساختاری و اجرایی تعامل حلقه‌های میانی و

مجموعه‌های رسمی می‌پردازد و با تکیه بر تجارب موفق داخلی، راهکارهایی برای تقویت این تعامل و بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت‌های مردمی ارائه می‌دهد.

۲- روش تحقیق

پژوهش حاضر، یک مطالعه کیفی و کتابخانه‌ای بوده و از روش مرور منابع استفاده شده است؛ در این پژوهش، جهت گردآوری اطلاعات در ارتباط با «چالش‌های تعامل حلقه‌های میانی با مجموعه‌های رسمی نظام انقلابی»، از اسناد نوشتاری و منابع مطالعاتی در دسترس و سامانه‌های رایانه‌ای و اینترنتی بهره گرفته شده است و طی آن، منابع موجود مورد مطالعه قرار گرفته و داده‌های مرتبط با پژوهش از طریق چک لیست و یادداشت‌برداری اخذ و مورد استفاده قرار گرفته است؛ پس از گردآوری اطلاعات و داده‌های مرتبط، این داده‌ها و اطلاعات از طریق روش داده‌پردازی توصیفی – تحلیلی و مرور منابع، مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفته است.

۳- مفهوم شناسی

در این بخش، با مفهوم‌شناسی واژه‌هایی چون تعامل، حلقه‌های میانی، مجموعه‌های رسمی و نظریه نظام انقلابی آشنا خواهید شد:

۳- ۱- تعامل

برای شناخت مفهوم تعامل، ابتدا به تعریف لغوی و سپس به تعریف اصطلاحی این واژه می‌پردازیم؛ در لغت‌نامه دهخدا، «تعامل» به معنای «با یکدیگر دادوستد کردن؛ و بر یکدیگر اثر کردن» آمده است (لغت‌نامه دهخدا، ص ۷۵۰).

در اصطلاح، «تعامل» به‌عنوان فرآیندی تعریف می‌شود که در آن دو یا چند عامل با یکدیگر کنش و واکنش داشته و بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. همچنین، تعامل، شامل

فرایند تکوین معناست و تکوین معنا در گرو فهم و به اشتراک گذاشتن آن است (شیرین‌نژاد و حسینی، ۱۴۰۲: ۱-۹).

پس به‌طورکلی، تعامل به معنای کنش متقابل و تأثیرگذاری متقابل بین عوامل مختلف است که منجر به ایجاد معنا یا تغییر در وضعیت آن‌ها می‌شود.

۳- ۲- حلقه‌های میانی

می‌دانیم که «حلقه‌های میانی»، مفهومی است که در سال‌های اخیر در ادبیات سیاسی و اجتماعی ایران مطرح شده است. این اصطلاح به گروه‌ها یا تشکل‌هایی اشاره دارد که میان دولت و مردم قرار دارند و نقش واسط را ایفا می‌کنند. به همین دلیل، به بیان تعریف لغوی و اصطلاحی آن پرداختیم:

واژه «حلقه» در لغت به معنای دایره یا گروهی از افراد است؛ همچنین، در لغت‌نامه دهخدا، «حلقه» به‌عنوان هر چیز مدور به شکل دایره تعریف شده است (لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه حلقه). «میانی» نیز به معنای واقع در وسط یا میانه است؛ و در لغت‌نامه دهخدا، «میانی» به‌عنوان صفت نسبی منسوب به وسط یا میان آمده و به این معنا است که هر چیزی که در وسط و میان واقع شود (لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه میانی)؛ بنابراین، «حلقه‌های میانی»، به‌صورت تحت‌اللفظی به گروه‌هایی اشاره دارد که در موقعیت میانی قرار دارند و به مجموعه‌هایی با ساختار دایره‌وار اشاره دارد که در موقعیت میانی یا وسط قرار گرفته‌اند.

حلقه‌های میانی مفهومی نوین و راهبردی در عرصه حکمرانی و فضای اجتماعی-سیاسی جمهوری اسلامی ایران است که نخستین بار توسط آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار با جمعی از دانشجویان در تاریخ ۱ خرداد ۱۳۹۸ مطرح شد. از منظر ایشان، این حلقه‌ها مجموعه‌هایی برخاسته از متن ملت‌اند که با عبور از ساختارهای رسمی و دستگاه‌های دولتی، مأموریت‌های مهمی را در مسیر تحقق اهداف انقلاب اسلامی بر عهده‌دارند. این نهادهای مردمی که توسط نخبگان فکری و کنشگران متعهد به آرمان‌های انقلاب شکل می‌گیرند، با شناسایی چالش‌های کلان ملی، به ارائه

راهکارهای عملی پرداخته و زمینه‌ساز حرکت جامعه در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی می‌شوند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۸/۰۳/۰۱). درواقع، حلقه‌های میانی، به‌عنوان پیشران‌های جامعه، نقش موتور محرک و پیش‌برنده را ایفا می‌کنند و با فعالیت‌های روشمند و برنامه‌ریزی‌شده، در چارچوب اصول پیشرفت انقلاب اسلامی، به حل مسائل مختلف می‌پردازند (جمعی از نویسندگان، بی‌تا).

در اصطلاح، «حلقه‌های میانی» به گروه‌های نخبه، دغدغه‌مند و فعالی اطلاق می‌شود که پیرامون یک مسئله تشکیل می‌شوند و به‌عنوان واسط بین دولت و مردم عمل می‌کنند. این واحدهای اجتماعی پویا و منعطف می‌توانند در حوزه‌های تخصصی مختلفی شکل بگیرند و با بسترسازی برای ایفای نقش فعالانه مردم و به‌کارگیری ظرفیت بازیگران عرصه حاکمیت، به حل مسائل مختلف بپردازند (شفیع‌خانی، ۱٤۰۲: ۱).

درواقع، حلقه‌های میانی، مجموعه تشکل‌های متعددی است که میان دولت و ملت جای گرفته‌اند و با تعریف مأموریتی مسئله‌محور و ناشی از انگیزه‌های عقیدتی، به کنشگری می‌پردازند (شفیع‌خانی، بی‌تا: ۱).

به‌طورکلی، می‌توان گفت که حلقه‌های میانی ساختارهایی واسط بین نهادهای رسمی و مردم هستند که با بهره‌گیری از نخبگان و کنشگران متعهد، در حل مسائل ملی و هدایت جامعه به‌سوی تحول نقش‌آفرینی می‌کنند. این حلقه‌ها، به دلیل انعطاف‌پذیری و مردمی بودن، می‌توانند سیاست‌ها را از پایین به بالا شکل دهند و با تقویت مشارکت عمومی، حکمرانی را مردمی‌سازی کنند. در چارچوب تمدن نوین اسلامی، آن‌ها به‌عنوان موتور محرکه تحول اجتماعی و پل ارتباطی مؤثر میان مردم و حاکمیت ایفای نقش می‌کنند و به عبارتی، به‌عنوان پیشران‌های جامعه، نقش موتور محرک و پیش‌برنده را ایفا می‌کنند و با فعالیت‌های روشمند و برنامه‌ریزی‌شده، در چارچوب اصول پیشرفت انقلاب اسلامی، به حل مسائل مختلف می‌پردازند.

۳- ۳- مجموعه‌های رسمی

مجموعه، به معنای «گردآوری‌شده» یا «گروهی از اشیاء یا افراد که در کنار هم جمع شده‌اند» است؛ در فرهنگ نفیسی، در ذیل واژه مجموعه این‌گونه آمده است: «(۱) جمع شده؛ گردآمده؛ (۲) گردآورده؛ فراهم آمده؛ (۳) تمام و همه و همگی؛ (٤) محل اجتماع؛ (۵) مخزن و انبار؛ (٦) توده و جماعت؛ (۷) مجلس و انجمن؛ (۸) مجمعه و طبق؛ (۹) یک قسم خوشبوی مرکبی» (فرهنگ نفیسی، ج ۵، ص ۳۱٤۸). در فرهنگ رشیدی، در شرح واژه رسمی این‌گونه آمده است: «یعنی وظیفه‌دار و مواجب خوار؛ منسوب برسم مرقوم؛ و نیز متعارف؛ و مشهور» (فرهنگ رشیدی، ص ۷۳۸). همچنین، در لغتنامه دهخدا، رسمی، به معنای «وابسته به حکومت؛ به طور دائم و همیشگی به خدمت دولت درآمدن؛ دارای اعتبار قانونی؛ و صورت قانونی پیدا کردن» است (لغت‌نامه دهخدا، ص ۱٤٦۹).

«مجموعه‌های رسمی» به نهادها و سازمان‌هایی اطلاق می‌شود که به‌صورت قانونی و رسمی در ساختار حکومتی و اداری یک کشور فعالیت می‌کنند و وظایف و مسئولیت‌های مشخصی بر عهده‌دارند. در جمهوری اسلامی ایران، تعدادی از این مجموعه‌ها به‌طور مستقیم با اسلام و انقلاب مرتبط هستند و تحت نظارت آیت‌الله خامنه‌ای فعالیت می‌کنند (عابدی اردکانی و سلطانی، ۱۳۹۹: ٦۲۹). در جدول زیر، به برخی از مجموعه‌های رسمی فعال در کشور اشاره شده است:

جدول ۱: برخی از مجموعه‌های رسمی فعال در کشور

ردیف	عنوان مجموعه رسمی	ماهیت	وظایف و مأموریت‌ها
۱	سپاه پاسداران انقلاب اسلامی	نظامی-امنیتی	حفاظت از انقلاب اسلامی، دفاع از تمامیت ارضی کشور، مقابله با تهدیدات داخلی و خارجی
۲	بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی	اقتصادی-اجتماعی	مدیریت اموال مصادره شده، حمایت از مستضعفان و توسعه اقتصادی کشور

ردیف	عنوان مجموعه رسمی	ماهیت	وظایف و مأموریت‌ها
۳	سازمان تبلیغات اسلامی	فرهنگی-تبلیغی	ترویج آموزه‌های اسلامی، برگزاری برنامه‌های تبلیغی و دینی
٤	کمیته امداد امام خمینی	خیریه-حمایتی	کمک به مستضعفان و اقشار کم‌درآمد، ارائه خدمات معیشتی، مسکن و اشتغال
٥	مساجد و حسینیه‌ها و تکیه‌ها	مذهبی-عبادی	برگزاری نماز جماعت، مراسم مذهبی، پایگاه فرهنگی و اجتماعی محلی
٦	سازمان بسیج مستضعفین	نظامی-اجتماعی	سازمان‌دهی و مشارکت مردمی در حوزه‌های فرهنگی، امنیتی، جهادی و دفاعی
۷	سازمان بهزیستی	اجتماعی-حمایتی	ارائه خدمات حمایتی به معلولان، کودکان بی‌سرپرست، معتادان و آسیب‌دیدگان اجتماعی

۳- ٤- نظریه نظام انقلابی

نظریه نظام انقلابی، نخستین مرتبه توسط آیت‌الله خامنه‌ای در تاریخ ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ و در بیانیه گام دوم انقلاب و با هدف تبیین خاستگاه‌های اسلام انقلابی، انقلاب اسلامی و ارتباط بین نظام اسلامی و نظام جهانی ارائه شد. نظام انقلابی یک نظام ایدئولوژیکی اسلامی موفقی است که ضمن نفی کامل ساختار ایدئولوژیکی نظام جهانی به دنبال استقرار عدل در دنیا و برپایی حکومت مستضعفین بوده و با بیداری اسلامی توده‌های مردمی تحت یک رهبری شجاع، آگاه به زمان و پایبند به اهداف مدنی اسلام و زنده نگه داشتن آرمان‌های اساسی انقلاب، تلاش می‌کند که احکام، مقررات، قوانین و برنامه‌های اسلامی را در کلیه شئون زندگی اجرا نماید. عظیم‌ترین منبع قدرت در نظام انقلابی تکیه بر قدرت لایزال الهی و این باور است که در مسیر مبارزه با طاغوت، ره پویان و مجاهدان راه خدا مورد حمایت و عنایت خداوند قرار

دارند. دومین منبع قدرت تکیه بر حمایت و پشتیبانی توده‌های مردمی بوده و آیت‌الله خامنه‌ای و فرماندهی این نوع نظام تحت عنوان ولایت‌فقیه و امامت امت، نهادی مذهبی–سیاسی است که تمام عناصر رهبری قدرتمند و کارآمد را دارا هست؛ شهادت‌طلبی صبر و پایداری سازش‌ناپذیری و تحمیل اراده بر دشمن، ادای وظیفه و تکلیف تبدیل تهدیدات به فرصت‌ها و خودباوری از جمله منابع قدرت نظام انقلابی به شمار می‌آیند. در نظام انقلابی هر دو ساحت نظام سیاسی و نظام اجتماعی کشور بر مبنای مردم‌سالاری دینی صورت‌بندی می‌شود در این وضعیت، هم قانون و هم حاکم به اسلام انتساب دارند. درواقع، حدنصاب نظام انقلابی چنین اقتضائاتی دارد و سطحی فروتر از آن را برنمی‌تابد. برخلاف انقلاب‌های سیاسی – اجتماعی دنیا که بعد از سقوط رژیم گذشته و تأسیس نظام سیاسی جدید مأموریت انقلابیون خاتمه یافته تلقی می‌شود، در نظام انقلابی با توجه به ماهیت دینی آن و نهضتی که از پیوند سه عنصر رهبری دینی، مکتب اسلام و مشارکت توده‌های مردم شکل می‌گیرد، کار انقلابیون و رسالت انقلاب پایان نمی‌یابد و کنشگری امت در میدان‌ها و صحنه‌های مختلف به‌عنوان یک جریان پویا و قدرتمند امری ضروری است. چنین امت ولایتمداری هرگز یاس و ناامیدی به خود راه نمی‌دهند و شکست‌ها و مصائب و مشکلات زودگذر، آن‌ها را از پای درنمی‌آورد؛ بلکه استوارتر در مسیر تعالی به پیش می‌روند؛ بی‌تردید آنچه نظام انقلابی را در مواجهه با فتنه‌های اجتماعی مصون می‌دارد، بصیرت، اندیشه‌ورزی و بازشناسی حق و باطل از یکدیگر است (امینی و مبینی، ۱۳۹۸: ۴۳).

نظام انقلابی با پشتوانه اندیشه اسلامی ناب و نفی سلطه شرق و غرب و با طرح نظام سیاسی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی و ظلم‌ستیزی منافع کشورهای بزرگ در منطقه را به خطر می‌اندازد. در نظریه نظام انقلابی آرزوهای جهانی امت ترسیم می‌شود؛ نظام انقلابی در باورهای مشترک مسلمانان ریشه دارد و مربوط به تمام مستضعفان عالم است؛ این نظام با تکیه بر توانمندی‌ها و ویژگی‌های رهبری و با

پشتوانه مردمی و با توانایی بالای گفتمان اسلام‌گرایی ذهنیت جدیدی را خلق می‌نماید و آن عبارت است از پرورش فرد مسلمان به‌عنوان یک عنصر سیاسی ضد دیکتاتوری و ضد امپریالیستی. ریشه‌های سیاسی نظام انقلابی بیش از ریشه‌های مذهبی آن برای غرب، رژیم‌های سکولار، ابرقدرت‌ها و قدرت‌های استعماری وحشت‌آفرین است. مهم‌ترین دستاورد نظام انقلابی در سطح جهان را می‌توان به شکل‌گیری نظام جهانی برخورد با سلطه نام برد؛ این نظریه در سه بعـد نظام انقلابی به‌عنوان یک نظریه مبنایی نظام انقلابی به‌عنوان یک هدف کلان و نظام انقلابی به‌عنوان یک نظام حکومتی قابل طرح است. نکته‌ای که در بحث نظام انقلابی به‌ویژه از سوی انقلابیون می‌تواند مدنظر قرار بگیرد، این است که این پدیده به‌صورت یک کلیت و یک مجموعـه درهم‌تنیده دیده شود و لزوماً تأکید بر یک بخش از فرایند نظام انقلابی تغییرات و اهداف مورد نظر پژوهش را پوشش نمی‌دهد؛ به عبارتی برای تحقق و عینیت بخشیدن به این نظریه بایستی هم از لحاظ ساختاری هم از لحاظ نظامات، سیاسی اجتماعی و فرهنگی هم از حیث هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی به مدیریت نظام انقلابی پرداخته شده و این موارد در کنار هم و با یکدیگر معنا و مفهوم پیدا می‌کنند (امینی و مبینی، ١٣٩٨: ٤٤).

٤- پیشینه

موضوع پراهمیت حلقه‌های میانی و چالش‌های تعاملی پیش‌روی آن با مجموعه‌های رسمی طبق نظریه نظام انقلابی، امروزه مورد توجه متفکران و اندیشمندان اسلامی قرار گرفته و محققان علوم دینی را به سوی خود جذب کرده است. در زیر، به‌صورت مختصری به بیان پیشینه برخی از منابعی که به این موضوع اشاراتی داشته‌اند، پرداخته شده است:

(١) فریدونی. سینا، تفضلی. عارفه، «جریان حلقه‌های میانی و نقش آن در تقویت حکمرانی مطلوب انقلاب اسلامی»، انتشارات دانشگاه جامع امام حسین (ع)، ١٤٠٢: نویسندگان در این کتاب، به بیان مفهوم جریان حلقه‌های میانی و نقش آن در تقویت

حکمرانی مطلوب انقلاب اسلامی پرداخته‌اند. آن‌ها با استناد به اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای و بررسی تشکل‌های مختلف، به‌ویژه بسیج دانشجویی، تلاش دارند چارچوب تحلیلی و تفسیری از اهمیت و عملکرد این حلقه‌ها در پیشبرد اهداف انقلاب و تحقق تمدن نوین اسلامی ارائه دهند. این اثر، بر لزوم نقش‌آفرینی اقشار مختلف، به‌ویژه جوانان متعهد، در ایجاد تحول عظیم در نظام مدیریت کشور تأکید دارد.

(۲) مجیدی. محمدرضا، سبزی کریم‌آبادی. یونس، «جایگاه حلقه‌های میانی در حکمرانی تشکیلاتی و نقش آن در تمدن سازی، با نگاهی به مقوله تحزب»، دو فصلنامه علمی مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۵، شماره ۱ (پیاپی ۹)، ۱٤۰۱: محققان این مقاله، به بررسی مفهوم حلقه‌های میانی در سامانه‌های حکمرانی و نقش آن‌ها در تمدن‌سازی، با تأکید بر مقوله تحزب، پرداخته‌اند.

(۳) اخوان نیلچی. نفیسه، عیوضی. محمدرحیم، نادری. مهدی، «طراحی چهارچوب مفهومی جریان حلقه‌های میانی مردم‌پایه بر مبنای دیدگاه مقام معظم رهبری»، فصلنامه دانش سیاسی، دوره ۲۰، شماره ۱ (پیاپی ۳۹)، ۱٤۰۳: محققان در این پژوهش، به طراحی چهارچوب مفهومی جریان حلقه‌های میانی مردم‌پایه بر اساس دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای و نقش آن در تحقق اهداف مردم‌سالار دینی پرداخته‌اند.

(٤) ربیعی. سینا، سیاوشی. مهدی، «صورت‌بندی مفهومی حلقه‌های میانی مبتنی بر تجربه جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه دولت‌پژوهی ایران معاصر، دوره ۸، شماره ٤ (پیاپی ۱۷)، ۱٤۰۱: محققان این پژوهش، در مقاله حاضر به‌صورت‌بندی مفهومی نظریه جریان حلقه‌های میانی مبتنی بر تجربه جمهوری اسلامی ایران و نقش آن در حرکت عمومی به سوی دولت‌سازی پرداخته‌اند.

وجه تمایز: وجه تمایز پژوهش در این است که برخلاف پژوهش‌های مذکور که بیشتر به تحلیل نقش حلقه‌های میانی و ضرورت‌های آن‌ها پرداخته‌اند، این تحقیق به‌طور اختصاصی به بررسی و تحلیل چالش‌های نظری، ساختاری و اجرایی تعامل

این حلقه‌ها با مجموعه‌های رسمی در نظام انقلابی می‌پردازد و راهکارهایی عملی برای تقویت این تعامل به‌منظور بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت‌های مردمی و تحقق جامعه‌پردازی انقلابی ارائه می‌دهد.

۵- حلقه‌های میانی و جایگاه آن‌ها در نظام انقلابی

حلقه‌های میانی، به گروه‌ها و نهادهایی اطلاق می‌شود که در میان مردم و ساختارهای رسمی حکومتی قرار دارند و نقشی کلیدی در ارتباط و انتقال نیازها، آرمان‌ها و مطالبات مردم به سیستم حکومتی و همچنین تأثیرگذاری بر تصمیم‌سازی‌های کلان دارند. این حلقه‌ها می‌توانند شامل نهادهای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و حتی اقتصادی باشند که در فرآیند تصمیم‌سازی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها نقش واسطه‌ای ایفا می‌کنند (مجیدی و سبزی کریم‌آبادی، ١٤٠١: ١٢).

در نظام انقلابی، حلقه‌های میانی از آن جهت حائز اهمیت هستند که می‌توانند بستر جامعه‌پردازی و مردمی‌سازی سیاست‌ها را فراهم آورند و نقش حیاتی در برقراری ارتباط مستقیم میان مردم و نهادهای حکومتی ایفا کنند. این حلقه‌ها با تقویت هم‌افزایی میان اقشار مختلف جامعه و ساختارهای رسمی، در تحقق اهداف انقلاب و پیاده‌سازی ارزش‌های آن در سطوح مختلف اجتماعی، سیاسی و حکومتی نقش بسیار حساسی دارند. این حلقه‌ها نه‌تنها در فرآیند انتقال خواسته‌ها و مطالبات مردم به مجموعه‌های رسمی تأثیرگذارند، بلکه می‌توانند در تسهیل روند تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری‌های کلان نیز مؤثر واقع شوند. جایگاه این حلقه‌ها به‌ویژه در راستای تقویت حکمرانی مطلوب، ایجاد شفافیت در فرآیندهای حکومتی و تضمین اجرای عدالت اجتماعی در جامعه انقلابی، بسیار مهم است. حلقه‌های میانی با داشتن ارتباط نزدیک و مستمر با مردم و در عین حال تعامل با نهادهای رسمی، قادرند به‌عنوان پل ارتباطی مؤثر بین دولت و ملت عمل کنند و درنتیجه، زمینه‌های تحقق تمدن نوین اسلامی را از طریق گفتمان مشترک و هم‌افزایی در تصمیم‌گیری‌ها فراهم سازند (اخوان نیلچی و عیوضی، ١٤٠٣: ٤٥؛ ربیعی و سیاوشی، ١٤٠١: ٨٨).

٦- چگونگی تعامل میان حلقه‌های میانی و نهادهای رسمی

میان حلقه‌های میانی و نهادهای رسمی تعامل وجود دارد، اما این تعامل همواره ساده و بدون چالش نیست. حلقه‌های میانی به‌عنوان واسطه‌ها و رابط‌ها میان مردم و ساختارهای حکومتی، نقشی کلیدی در ارتباط و انتقال اطلاعات و مطالبات مردم به نهادهای رسمی دارند. این تعامل می‌تواند در قالب همکاری‌های عملی و مؤثر برای تحقق اهداف انقلاب، پیاده‌سازی سیاست‌ها و تحقق ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی صورت گیرد. حلقه‌های میانی از طریق توانمندسازی و هماهنگی بین اقشار مختلف جامعه و نهادهای حکومتی، می‌توانند در تسهیل تصمیم‌سازی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها مؤثر واقع شوند (مجیدی و سبزی کریم‌آبادی، ١٤٠١: ١٥).

اما در بسیاری از موارد، این تعامل با چالش‌هایی روبه‌رو است. مشکلاتی نظیر ساختارهای بوروکراتیک انعطاف‌ناپذیر، عدم شفافیت در اهداف و گاهی اوقات نبود اعتماد متقابل میان حلقه‌های میانی و نهادهای رسمی، می‌تواند مانع از بهره‌برداری کامل از ظرفیت‌های این حلقه‌ها شود. همچنین، چالش‌های گفتمانی و تضاد در نگرش‌ها و اولویت‌های مختلف میان این دو گروه، می‌تواند بر روند تعامل تأثیر منفی بگذارد و فرآیندهای اجرایی را مختل کند (اخوان نیلچی و عیوضی، ١٤٠٣: ٤٧).

درنهایت، برای تقویت این تعامل و بهره‌برداری از ظرفیت‌های مردمی در نظام انقلابی، لازم است که هم نهادهای رسمی و هم حلقه‌های میانی با مدیریت صحیح چالش‌ها، به تقویت این ارتباطات پرداخته و فضایی برای تعامل سازنده ایجاد کنند تا به تحقق اهداف انقلاب و جامعه‌پردازی انقلابی کمک کنند.

٧- موانع و چالش‌های تعامل حلقه‌های میانی با مجموعه‌های رسمی

با وجود اهمیت حلقه‌های میانی در نظام انقلابی، تعامل آن‌ها با مجموعه‌های رسمی همواره با موانعی روبه‌رو بوده است. این چالش‌ها را می‌توان در سه دسته کلی

(«چالش‌های گفتمانی/نظری»، «چالش‌های ساختاری» و «چالش‌های اجرایی») بررسی کرد:

۷- ۱- چالش‌های نظری و گفتمانی

چالش‌های گفتمانی و نظری یکی از موانع اساسی در تعامل مؤثر میان حلقه‌های میانی و مجموعه‌های رسمی است. این چالش‌ها به تفاوت‌های بنیادی در نگرش‌ها و رویکردهای مفهومی میان این دو گروه برمی‌گردد. درحالی‌که نهادهای رسمی اغلب بر اصول بوروکراتیک، فرآیندهای مدون و ملاحظات اجرایی تأکید دارند، حلقه‌های میانی ممکن است تأکید بیشتری بر نیازهای مردمی، ابتکارهای انقلابی و عدالت اجتماعی داشته باشند. این تفاوت‌های نظری می‌تواند باعث کاهش هماهنگی در اولویت‌بندی مسائل و درنهایت بر بهره‌برداری از ظرفیت‌های مردمی تأثیر منفی بگذارد. به‌عنوان‌مثال، در بسیاری از موارد، حلقه‌های میانی ممکن است مشکلات اجتماعی و اقتصادی را از منظر معیشتی و فوری مردم مشاهده کنند، درحالی‌که نهادهای رسمی بیشتر به دنبال راه‌حل‌های بلندمدت و پایدار در چارچوب سیاست‌های کلان هستند (مجیدی و سبزی کریم‌آبادی، ۱٤۰۱: ۱۳). این تفاوت‌ها در گفتمان و درک مشترک می‌تواند تعاملات را پیچیده‌تر کند و در مواردی باعث تضعیف اعتماد متقابل میان طرفین شود (اخوان نیلچی و عیوضی، ۱٤۰۳: ٤۷).

با وجود اهمیت حلقه‌های میانی در نظام انقلابی، تعامل آن‌ها با مجموعه‌های رسمی همواره با موانع مختلفی از جمله موانع گفتمانی یا نظری روبه‌رو بوده است؛ درواقع، چالش‌های گفتمانی یا نظری، در تعامل میان حلقه‌های میانی و نهادهای رسمی در نظام انقلابی، عمدتاً به تفاوت‌های بنیادین در نگرش‌ها و رویکردها برمی‌گردد. نهادهای رسمی به‌طور معمول بر فرآیندهای بوروکراتیک و اجرایی تأکید دارند، درحالی‌که حلقه‌های میانی ممکن است نگرش‌های انقلابی‌تری داشته باشند که بر مسائل فوری مردم و تحولات سریع اجتماعی تأکید می‌کند. این تفاوت‌ها می‌تواند به عدم هم‌راستایی در اولویت‌بندی مسائل و تصمیم‌گیری‌ها منجر شود و همکاری

مؤثر میان این دو بخش را با چالش‌هایی روبه‌رو کند. در این وضعیت، نهادهای رسمی ممکن است به دنبال راه‌حل‌های کلان و پایدار باشند، درحالی‌که حلقه‌های میانی ممکن است تمرکز بیشتری بر مسائل معیشتی و نیازهای فوری مردم داشته باشند. برخی از این چالش‌های گفتمانی یا نظری در جدول (۲) ارائه شده است:

جدول ۲: برخی از چالش‌های گفتمانی یا نظری در تعامل میان حلقه‌های میانی و نهادهای رسمی در نظام انقلابی

ردیف	چالش‌های گفتمانی یا نظری	توضیحات
۱	تفاوت در اولویت‌ها	نهادهای رسمی بر سیاست‌های کلان و پایدار تأکید دارند، درحالی‌که حلقه‌های میانی به مسائل فوری و معیشتی مردم توجه بیشتری دارند
۲	عدم هماهنگی در نگرش‌ها	نگرش‌های انقلابی و اجرایی ممکن است میان حلقه‌های میانی و نهادهای رسمی متفاوت باشد و این تفاوت‌ها در اولویت‌ها و روش‌های حل مسائل مشکلاتی ایجاد کند
۳	پیچیدگی در اعتمادسازی	تفاوت‌های گفتمانی و نظری می‌تواند موجب کاهش اعتماد متقابل و کندی در فرآیندهای تصمیم‌گیری و اجرا شود

۷- ۲- چالش‌های ساختاری

چالش‌های ساختاری میان حلقه‌های میانی و نهادهای رسمی به ساختارهای نهادی و سازمانی برمی‌گردد که به‌طور طبیعی ممکن است تفاوت‌های عمده‌ای با یکدیگر داشته باشند. یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها، وجود ساختارهای بوروکراتیک و انعطاف‌ناپذیر در نهادهای رسمی است که می‌تواند مانع از شتاب بخشیدن به تصمیم‌گیری‌ها و اجرای سریع سیاست‌ها شود. در این فرآیند، حلقه‌های میانی به‌ویژه به‌عنوان واسطه‌ها، نیازمند تعاملات سریع و انعطاف‌پذیر هستند، اما نهادهای

رسمی معمولاً به دلیل پیچیدگی ساختارهای اجرایی و محدودیت‌های قانونی، قادر به پاسخگویی سریع به نیازهای فوری و دگرگونی‌های اجتماعی نیستند. این ناهماهنگی در ساختارها می‌تواند منجر به بروز مشکلاتی در هماهنگی و اجرای برنامه‌ها گردد (ربیعی و سیاوشی، ۱٤۰۱: ۸۸). به‌ویژه در نظام‌های انقلابی که نیاز به تحولات سریع و عمیق دارند، نهادهای رسمی باید قادر باشند به‌طور مؤثری با حلقه‌های میانی همکاری کرده و فضای لازم برای نوآوری و پاسخگویی به خواسته‌های مردم را فراهم کنند (شیخی، ۱٤۰۲: ٦).

با وجود اهمیت حلقه‌های میانی در نظام انقلابی، تعامل آن‌ها با مجموعه‌های رسمی همواره با موانع مختلفی از جمله موانع ساختاری روبه‌رو بوده است؛ درواقع، چالش‌های ساختاری میان حلقه‌های میانی و نهادهای رسمی در نظام انقلابی، عمدتاً به تفاوت‌های بنیادی در ساختارهای نهادی و سازمانی این دو بخش مربوط می‌شود. نهادهای رسمی غالباً به دلیل وجود ساختارهای بوروکراتیک و پیچیده، قادر به پاسخگویی سریع و انعطاف‌پذیر به نیازهای فوری و تحولات اجتماعی نیستند. این در حالی است که حلقه‌های میانی که به‌عنوان واسطه‌های ارتباطی میان مردم و نهادهای رسمی عمل می‌کنند، به دلیل نیاز به شتاب و انعطاف در فرآیندهای تصمیم‌گیری، با محدودیت‌های ساختاری روبه‌رو هستند. این ناهماهنگی در ساختارها، می‌تواند مانع از اجرای سریع و مؤثر سیاست‌ها و برنامه‌ها شود و درنهایت، هماهنگی لازم برای تحقق اهداف انقلاب را با چالش مواجه سازد. برخی از چالش‌های ساختاری در جدول (۳) ارائه شده است:

جدول ۳: برخی از چالش‌های ساختاری در تعامل میان حلقه‌های میانی و نهادهای رسمی در نظام انقلابی

ردیف	چالش‌های ساختاری	توضیحات
۱	ساختارهای بوروکراتیک و انعطاف‌ناپذیر	نهادهای رسمی به دلیل پیچیدگی‌های ساختاری و ملاحظات قانونی، قادر به پاسخگویی سریع به تحولات و نیازهای فوری نیستند
۲	عدم هم‌راستایی ساختاری	تفاوت در ساختارهای نهادی میان حلقه‌های میانی و نهادهای رسمی موجب ایجاد مشکلاتی در هماهنگی و تسریع فرآیندهای اجرایی می‌شود
۳	محدودیت‌های قانونی و اجرایی	محدودیت‌های قانونی و ساختاری در نهادهای رسمی، توانایی آن‌ها را برای تعامل سریع و انعطاف‌پذیر با حلقه‌های میانی کاهش می‌دهد

۷- ۳- چالش‌های اجرایی

چالش‌های اجرایی در تعامل میان حلقه‌های میانی و نهادهای رسمی شامل مشکلات عملی و اجرایی است که در روند پیاده‌سازی سیاست‌ها و برنامه‌های مشترک به وجود می‌آید. این مشکلات می‌تواند شامل کمبود منابع مالی، مشکلات لجستیکی، عدم هماهنگی میان نهادهای مختلف و ضعف در نظارت و پیگیری باشد. به‌ویژه در مواردی که سیاست‌ها و برنامه‌ها نیاز به هماهنگی میان چندین نهاد و ساختار مختلف دارند، مشکلات اجرایی می‌تواند به تأخیر در اجرای سیاست‌ها و کاهش اثرگذاری آن‌ها منجر شود. در نظام‌های انقلابی که تحولات و تغییرات سریع ضروری است، چالش‌های اجرایی می‌توانند به مانع اصلی در تحقق اهداف انقلاب و تحقق حکمرانی مطلوب تبدیل شوند. در این راستا، پیشنهاد می‌شود که نهادهای رسمی و حلقه‌های میانی با ایجاد سازوکارهای مشترک برای نظارت، هماهنگی و تخصیص منابع، بتوانند مشکلات اجرایی را کاهش دهند و مسیر را برای تحقق اهداف بلندمدت هموار کنند (جلیلی، ۱٤۰۰).

با وجود اهمیت حلقه‌های میانی در نظام انقلابی، تعامل آن‌ها با مجموعه‌های رسمی همواره با موانع مختلفی از جمله موانع اجرایی روبه‌رو بوده است؛ درواقع، چالش‌های اجرایی در تعامل میان حلقه‌های میانی و نهادهای رسمی به مشکلات عملی و اجرایی اشاره دارد که در پیاده‌سازی سیاست‌ها و برنامه‌های مشترک بروز می‌کند. این مشکلات معمولاً ناشی از کمبود منابع مالی، مشکلات لجستیکی و عدم هماهنگی میان نهادهای مختلف است که می‌تواند به تأخیر در اجرای سیاست‌ها و کاهش اثرگذاری آن‌ها منجر شود. در نظام‌های انقلابی که تحولات سریع و عمیق ضروری است، این مشکلات می‌توانند به موانع جدی در راه تحقق اهداف انقلاب و حکمرانی مطلوب تبدیل شوند. برای کاهش این چالش‌ها، ضروری است که حلقه‌های میانی و نهادهای رسمی سازوکارهای مشترک برای نظارت و هماهنگی ایجاد کنند و منابع را به‌طور مؤثر تخصیص دهند تا روند اجرایی به‌طور مؤثری پیش رود.

برخی از چالش‌های اجرایی در جدول (٤) ارائه شده است:

جدول ٤: برخی از چالش‌های اجرایی در تعامل میان حلقه‌های میانی و نهادهای رسمی در نظام انقلابی

ردیف	چالش‌های اجرایی	توضیحات
١	کمبود و محدودیت منابع مالی	محدودیت منابع مالی می‌تواند تأثیرات منفی بر پیاده‌سازی سریع و مؤثر سیاست‌ها و برنامه‌ها داشته باشد
٢	مشکلات لجستیکی	مشکلات حمل‌ونقل و منابع لازم برای اجرای برنامه‌ها می‌تواند تأثیرگذار باشد و اجرای سیاست‌ها را با تأخیر مواجه کند
٣	عدم هماهنگی میان نهادهای مختلف	عدم وجود هماهنگی میان نهادهای اجرایی و مدیریتی می‌تواند به پیچیدگی در اجرای برنامه‌ها و کاهش اثرگذاری آن‌ها منجر شود

ردیف	چالش‌های اجرایی	توضیحات
٤	ضعف در نظارت و پیگیری	کمبود نظارت و پیگیری مؤثر می‌تواند از تحقق اهداف برنامه‌ها جلوگیری کند و موجب انحراف از مسیر درست شود

۸- تجارب موفق در تعامل حلقه‌های میانی و مجموعه‌های رسمی در انقلاب اسلامی

وجود حلقه‌های میانی در نظام انقلابی نقشی حیاتی ایفا می‌کند، زیرا این حلقه‌ها به‌عنوان پل ارتباطی میان مردم و نهادهای رسمی، می‌توانند فرصت‌های بزرگی برای تسریع تصمیم‌گیری‌ها، مردمی‌سازی سیاست‌ها و افزایش مشارکت اجتماعی فراهم آورند. حلقه‌های میانی با توانایی‌های خود در برقراری ارتباط مستقیم و مستمر با اقشار مختلف جامعه، به‌ویژه در شرایطی که تحولات سریع و بنیادین لازم است، می‌توانند به‌طور مؤثر نیازهای فوری مردم را به نهادهای رسمی منتقل کنند و بدین ترتیب موجب افزایش اعتماد و هم‌افزایی میان مردم و دولت شوند. تجارب موفق در تعامل حلقه‌های میانی و نهادهای رسمی در انقلاب اسلامی، از جمله موفقیت بسیج دانشجویی در پیوند دادن جوانان به ساختارهای رسمی، نشان می‌دهد که این تعاملات می‌توانند موجب تقویت روحیه انقلابی، تسهیل در اجرای سیاست‌ها و افزایش کارایی حکمرانی شوند. این تجارب به‌ویژه در مواقع بحرانی نشان داده است که حلقه‌های میانی با ظرفیت‌های مردمی خود می‌توانند موانع اجرایی را پشت سر گذاشته و در جهت تحقق اهداف بلندمدت انقلاب و ایجاد تغییرات مثبت در سطح جامعه و ساختارهای حکومتی مؤثر باشند در جدول (۵) به برخی از این تجارب موفق اشاره شده است:

جدول ۵: برخی از تجارب موفق در تعامل میان حلقه‌های میانی و نهادهای رسمی در نظام انقلابی

ردیف	تجربه موفق	توصیف هر تجربه موفق	نتایج حاصل از هر تجربه موفق
۱	بسیج دانشجویی در دهه اول انقلاب	بسیج دانشجویی به‌عنوان یک حلقه میانی، توانست جوانان را به‌صورت مؤثر در برنامه‌های اجرایی انقلاب مشارکت دهد	تقویت روحیه انقلابی در نسل جوان و مشارکت فعال در تحقق اهداف انقلاب
۲	پیوند حلقه‌های میانی با نهادهای رسمی	حلقه‌های میانی در تعامل با نهادهای رسمی مانند وزارتخانه‌ها توانستند ظرفیت‌های مردمی را در فرآیندهای اجرایی به کار گیرند	تسهیل در اجرای سیاست‌ها و افزایش کارایی دستگاه‌های اجرایی
۳	مشارکت گسترده مردم در بحران‌ها	در بحران‌ها مانند جنگ تحمیلی، حلقه‌های میانی توانستند منابع انسانی و مادی را به‌سرعت بسیج کرده و به نهادهای رسمی کمک کنند	تقویت دفاع مقدس و افزایش کارایی در مقابله با تهدیدات خارجی
٤	توسعه همکاری‌های حلقه‌های میانی با بسیج مردمی	در زمینه‌های مختلف، همکاری حلقه‌های میانی با بسیج مردمی توانست در پیشبرد سیاست‌ها و برنامه‌های انقلاب مفید واقع شود	ارتقای هم‌افزایی میان مردم و نهادهای رسمی و تسهیل در تحولات اجتماعی و فرهنگی

۹- راهبردهای پیشنهادی برای بهینه‌سازی تعامل حلقه‌های میانی و مجموعه‌های رسمی

برای تقویت تعامل میان حلقه‌های میانی و نهادهای رسمی در نظام انقلابی، ارائه راهکارهای عملی ضروری است. به همین منظور، در این بخش، به‌صورت محقق محور و با انجام تحلیل‌های کارشناسانه، پیشنهادهای سیاستی و عملیاتی در سه سطح نظری، ساختاری و اجرایی در جدول (٦) ارائه می‌شود:

جدول ٦: برخی از راهکارهای مرتبط با سطح هر گفتمان در راستای تعامل میان حلقه‌های میانی و نهادهای رسمی

ردیف	سطح گفتمان	عنوان راهکار	توصیف راهکار	تحلیل راهکار
۱	گفتمانی / نظری	تدوین چارچوب‌های مفهومی شفاف برای نقش‌آفرینی حلقه‌های میانی	ایجاد مفاهیم و چارچوب‌های نظری مشخص برای نقش حلقه‌های میانی در فرایندهای تصمیم‌گیری و حکمرانی	تدوین چارچوب‌های مفهومی می‌تواند به وحدت نظر میان حلقه‌های میانی و نهادهای رسمی کمک کند و از بروز تناقضات و سوءتفاهم‌ها در گفتمان‌های مختلف جلوگیری نماید
		بازتعریف اهداف مشترک میان حلقه‌های میانی و نهادهای رسمی	تعیین و بازنگری در اهداف و منافع مشترک میان این دو گروه برای هماهنگی و هم‌افزایی بیشتر	بازتعریف اهداف مشترک، موجب می‌شود که دو طرف از اهداف بلندمدت مشترک بهره‌برداری کنند و از پیگیری اهداف جزئی که ممکن است موجب تفاوت نظر و اختلاف شود، اجتناب نمایند
		ایجاد بستری برای گفتگوی مستمر و تبادل‌نظر	برگزاری جلسات منظم و ایجاد فضای مناسب برای تبادل	گفت‌وگوهای مستمر می‌تواند به حل سوءتفاهم‌ها و ایجاد درک مشترک

ردیف	سطح گفتمان	عنوان راهکار	توصیف راهکار	تحلیل راهکار
			ایده‌ها و دیدگاه‌ها میان حلقه‌های میانی و نهادهای رسمی	کمک کند و موجب تقویت هم‌افزایی میان این دو گروه شود
۲	ساختاری	ایجاد نهادهای تسهیل‌گر و تقویت ارتباط	ایجاد نهادهایی با هدف تسهیل تعامل و ارتباط بهتر میان حلقه‌های میانی و نهادهای رسمی در نظام	نهادهای تسهیل‌گر می‌توانند به تسریع فرآیندهای اجرایی کمک کنند و هماهنگی‌های ساختاری میان نهادها را بهبود بخشند، درنتیجه موجب افزایش کارایی و بهره‌وری در تعاملات می‌شوند
		توسعه شبکه‌های ارتباطی بین حلقه‌های میانی و نهادهای رسمی	طراحی شبکه‌های ارتباطی مدرن برای تسهیل تعاملات و تبادل اطلاعات میان حلقه‌های میانی و نهادهای رسمی	شبکه‌های ارتباطی سریع و مؤثر می‌توانند مشکلات موجود در تبادل اطلاعات و هماهنگی‌های اجرایی را کاهش دهند و به افزایش هماهنگی در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها کمک کنند
		تقویت نهادهای محلی و منطقه‌ای در تعاملات میان حلقه‌های میانی و نهادهای رسمی	تقویت نقش نهادهای محلی و منطقه‌ای به‌عنوان واسطه‌های مؤثر میان حلقه‌های میانی و نهادهای رسمی	نهادهای محلی و منطقه‌ای به دلیل نزدیکی به مسائل مردم، می‌توانند بهبود ارتباطات و تسهیل فرآیندهای تصمیم‌گیری در سطح محلی و ملی کمک کنند
۳	اجرایی	طراحی برنامه‌های عملی برای افزایش اعتمادسازی و هم‌افزایی	توسعه برنامه‌های عملی برای ایجاد و تقویت اعتماد میان حلقه‌های میانی و نهادهای رسمی	برنامه‌های عملی می‌توانند به برقراری اعتماد متقابل بین این دو گروه کمک کنند و موجب هم‌افزایی در اجرای برنامه‌ها و سیاست‌ها در

ردیف	سطح گفتمان	عنوان راهکار	توصیف راهکار	تحلیل راهکار
				سطح جامعه و نهادهای حکومتی شوند
		نظارت مشترک بر اجرای سیاست‌ها و برنامه‌ها	طراحی سازوکارهای نظارتی مشترک برای پیگیری و ارزیابی عملکرد سیاست‌ها و برنامه‌های اجراشده	نظارت مشترک موجب تضمین شفافیت و مسئولیت‌پذیری می‌شود و اطمینان حاصل می‌کند که سیاست‌ها و برنامه‌ها طبق اولویت‌ها و اهداف تعیین‌شده اجرا می‌شوند
		تخصیص منابع مالی و لجستیکی برای هماهنگی و همکاری بیشتر	تخصیص منابع مالی، انسانی و لجستیکی به پروژه‌های مشترک میان حلقه‌های میانی و نهادهای رسمی	تخصیص بهینه منابع مالی و لجستیکی می‌تواند باعث تسریع در اجرای پروژه‌ها و سیاست‌ها شده و همچنین موجب تقویت همکاری و اعتماد میان حلقه‌های میانی و نهادهای رسمی شود

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با بررسی چالش‌های تعامل حلقه‌های میانی و نهادهای رسمی نظام انقلابی، نشان داد که حلقه‌های میانی با توجه به ارتباط مستقیم با مردم و ظرفیت‌های اجتماعی، نقشی محوری در فرآیند جامعه‌پردازی و تحقق اهداف انقلاب اسلامی دارند. با این حال، تعامل میان این حلقه‌ها و نهادهای رسمی، همواره با چالش‌های گفتمانی، ساختاری و اجرایی مواجه است. چالش‌های گفتمانی ناشی از تفاوت‌های نگرشی میان حلقه‌های میانی و نهادهای رسمی در خصوص اولویت‌ها و ارزش‌ها است که می‌تواند به کاهش هماهنگی و اعتماد میان این دو بخش منجر شود. در بعد ساختاری، پیچیدگی‌های بوروکراتیک و انعطاف‌ناپذیری نهادهای رسمی مانع از

تصمیم‌گیری‌های سریع و مؤثر در راستای پاسخگویی به نیازهای فوری مردم می‌شود. چالش‌های اجرایی نیز غالباً به کمبود منابع، مشکلات لجستیکی و عدم هماهنگی میان نهادهای مختلف برمی‌گردد که درنهایت به تأخیر در اجرای سیاست‌ها و برنامه‌ها منتهی می‌شود.

با این وجود، راهکارهایی که در سه سطح گفتمانی، ساختاری و اجرایی ارائه شد، می‌تواند به‌طور چشمگیری در رفع این چالش‌ها مؤثر واقع شود. تدوین چارچوب‌های مفهومی شفاف، بازتعریف اهداف مشترک و تقویت گفت‌وگوهای مستمر در سطح نظری و گفتمانی، به هماهنگی و هم‌افزایی بیشتر میان این دو گروه کمک خواهد کرد. ایجاد نهادهای تسهیل‌گر و شبکه‌های ارتباطی در سطح ساختاری، زمینه‌ساز همکاری مؤثر و سرعت‌بخشی به فرآیندهای تصمیم‌گیری خواهد بود. در سطح اجرایی نیز، طراحی برنامه‌های عملیاتی برای اعتمادسازی و تخصیص منابع مناسب، به تسهیل اجرای سیاست‌ها و تحقق اهداف انقلابی کمک خواهد کرد.

نتیجه‌گیری کلیدی پژوهش آن است که حلقه‌های میانی، درصورتی‌که بتوانند چالش‌های موجود در تعامل با نهادهای رسمی را به‌درستی مدیریت کنند، می‌توانند به‌عنوان پل ارتباطی مؤثر میان مردم و ساختارهای حاکمیتی عمل کرده و بستر تحقق تمدن نوین اسلامی را فراهم آورند. برای تحقق این هدف، نیاز به تقویت همکاری، بهبود فرآیندهای هماهنگی و افزایش اعتماد متقابل میان حلقه‌های میانی و نهادهای رسمی ضروری است.

فهرست منابع

-اخوان نیلچی. نفیسه، عیوضی. محمدرحیم، نادری. مهدی، (۱٤۰۳). «طراحی چهارچوب مفهومی جریان حلقه های میانی مردم پایه بر مبنای دیدگاه مقام معظم رهبری»، فصلنامه دانش سیاسی، ۲۰، (۱).

-امینی. سیدجواد، مبینی. محمد، (۱۳۹۸). «تبیین مفهوم راهبردی نظریه نظام انقلابی در جمهوری اسلامی ایران»، نشریه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، دوره ۸، شماره ۳۰.

-جلیلی. وحید، (۱٤۰۰). «حلقه‌های میانی و «اِعداد استطاعت‌های» به چشم نیامده»، مصاحبه منتشرشده در نشریه حلقه وصل، شماره ۹۱.

-جمعی از نویسندگان، «پیش درآمدی بر حلقه‌های میانی»، تارنمای حلقه‌های میانی، بی‌تا.

-خامنه‌ای. سیدعلی، «بیانات رهبری در دیدار جمعی از دانشجویان در شانزدهمین روز ماه مبارک رمضان»، اول خرداد ۱۳۹۸.

-دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۷۷). «لغت‌نامه دهخدا»، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

-ذوعلم. علی، (۱٤۰۳). «حلقه های میانی در پیشرانی جامعه‌پردازی با چالش بروکراتیک روبه‌رو هستند».

-ربیعی. سینا، سیاوشی. مهدی، (۱٤۰۱). «صورت‌بندی مفهومی حلقه‌های میانی مبتنی بر تجربه جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه دولت‌پژوهی ایران معاصر، دوره ۸، شماره ٤ (پیاپی ۱۷).

-رستمی. مصطفی، (۱٤۰۱). «حلقه‌های میانی؛ ضرورت و الزامات»، تارنمای خبری جوان آنلاین.

-شفیع‌خانی. محمدامین، «جامعه مدنی و حلقه‌های میانی؛ شباهت‌ها و تفاوت‌ها»، یادداشتی از اندیشکده حکمروایی فرهنگ و صنایع خلاق؛ حوزه تخصصی سیاست‌گذاری فرهنگی، تارنمای پژوهشکده سیاست‌گذاری دانشگاه صنعتی شریف، بی‌تا.

-شفیع‌خانی. محمدامین، (١٤٠٢). «حلقه‌های میانی در عرصه فرهنگ»، یادداشتی از اندیشکده حکمروایی فرهنگ و صنایع خلاق؛ حوزه تخصصی سیاست‌گذاری فرهنگی، تارنمای پژوهشکده سیاست‌گذاری دانشگاه صنعتی شریف.

- شیخی. سینا، (١٤٠٢). «برر سی موانع حکمرانی مردمی در ایران و ارائه راهکارهایی برای ارتقای نقش مردم در حکمرانی»، ماهنامه گزارش‌های راهبردی کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دوره ٣١، شماره ٢.

-شیرین‌نژاد، سیدعلی و حسینی، مهدی، (١٤٠٢). «مروری بر مفهوم تعامل در سازمان»، کنفرانس ملی چالش‌ها و راهکارهای نوین در مدیریت حسابداری و صنعت بیمه، شماره ١، ١-٩.

-عابدی اردکانی. محمد، سلطانی. لقمان، (١٣٩٩). «رابطه نظام اداری و توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران (با بهره‌گیری از الگوی نظری جاگورایب)»، فصلنامه سیاست، دوره ٥٠، شماره ٢.

-عبدالرشید بن عبد الغفور حسینی مدنی تتوی، (١٣٨٦). «فرهنگ رشیدی»، به تصحیح اکبر بهداروند، انتشارات سیمای دانش.

-فریدونی. سینا، تفضلی. عارفه، (١٤٠٢). «جریان حلقه‌های میانی و نقش آن در تقویت حکمرانی مطلوب انقلاب اسلامی»، انتشارات دانشگاه جامع امام حسین (ع).

-مجیدی. محمدر ضا، سبزی کریم‌آبادی. یونس، (١٤٠١). «جایگاه حلقه‌های میانی در حکمرانی تشکیلاتی و نقش آن در تمدن سازی، با نگاهی به مقوله تحزب»، دو فصلنامه علمی مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ٥، شماره ١ (پیاپی ٩).

-میراسماعیلی. سید اویس، خلیلی نجف‌آبادی. میثم، علیان. محمد، (١٤٠١). «نقش، شایستگی و انتظارات حلقه‌های میانی پیشرفت»، مجموعه مقالات تارنمای اندیشکده همپا.

-نفیسی. محمد، (١٣٧٥). «فرهنگ نفیسی»، جلد ٥، انتشارات علمی و فرهنگی.

جایگاه و ضرورت‌های حلقه‌های میانی در جهاد تبیین (ارائه تجربه‌ای خودجوش و مردمی، چالش‌ها و راهکار)

مهدی سورمه[1]

چکیده

در زمانه‌ای به سر می‌بریم که دشمن با بهره‌گیری از علوم شناختی و جنگ ادراکی برای تسلط بر اذهان و افکار به میدان مبارزه آمده است. برای مقابله آفندی و پدافندی با تهاجم ترکیبی دشمن جمعی از معتقدان و باورمندان به انقلاب اسلامی با استعانت از آیه شریفه «اَن تَقوموا لِلّه مَثنی وَ فُرادی» و پیرو بیانات آیت‌الله خامنه‌ای مبنی بر راه‌اندازی «حلقه‌های میانی» و همچنَینَ خطاب عمومی «جهاد تبیین»، مجموعه‌ای کاملاً مردمی، با موضوع «حلقه میانی جهاد تبیین» با محوریت مسجد ابوالفضل العباس (ع) و هیئت عاشقان مهدی (عج) در سال ۱۴۰۲ در شهرستان دزفول تشکیل گردید و اولین نشست تبیینی خود را در تاریخ ۱۴۰۲/۰۲/۱۴ برگزار کرد. برای نیل به اهداف ترسیم شده، هیئت اندیشه‌ورز برای برنامه‌ریزی، ترسیم راهبرد، ارائه راهکار، تعیین اولویت‌ها و نیازسنجی جامعه مخاطب بنا بر مقتضیات روز مسائل کشور، تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی تشکیل شد. برای رسیدن به مقصود از حضور مستقیم شخصیت‌ها و متفکرین مذهبی، فرهنگی، سیاسی، مستشاری جبهه مقاومت، مسئولین اجرایی در دولت‌های مختلف شهرستانی و استانی برای باطل‌السحر نمودن روایت‌های دروغین دشمنان، تزریق امید و دمیدن نشاط در جامعه و تبیین معارف ناب انقلاب اسلامی برای مخاطبان؛ تاکنون ۴۹ نشست تبیینی برگزار شده است. در مدت نزدیک به دو سال که از برگزاری سلسله نشست‌ها سپری شده است؛ با دو چالش عمده مواجه بوده‌ایم: نخست، به دلیل فقدان تیم آشنا و مسلط به امور رسانه‌ای؛ تهیه گزارش‌ها و انعکاس سرخط‌های خبری، نماهنگ، پادپخش متناسب با نشست‌ها نبوده است. دوم، عدم دسترسی سهل به متفکرین متعهد صاحب خرد و اندیشه انقلابی و عدم حضور آن‌ها به دلایل ناموجه و بعضاً محافظه‌کاری برخی از مسئولین را از چالش‌ها و مشکلات در روند اجرای جلسه‌های فاخر تبیینی دانست. تنظیم این مقاله در جهت بیان تجربه موفق آمیز و همراه با چالش‌هایی ست که با آن‌ها، تیم اندیشه‌ورز حلقه میانی جهاد تبیین با آن‌ها به رو بوده است؛ و راهکاری که پیشنهاد می‌شود، این است که؛ مجموعه‌ای انقلابی و جهادی بدون وابستگی به نهادهای دولتی و حاکمیتی با مأموریت شبکه‌سازی، تسهیل‌گری، هم‌افزایی حلقه‌های میانی در سطوح مختلف شهرستانی، استانی و کشوری در سراسر کشور ایجاد شود.

واژگان کلیدی: حلقه‌های میانی، جهاد تبیین، حلقه میانی جهاد تبیین، تجربه‌ای مردمی، آیت‌الله خامنه‌ای.

---

[1] پژوهشگر معارف انقلاب اسلامی، موسسه پژوهشی و فرهنگی انقلاب اسلامی *mehdisormeh13620 @ gmail.com*

۱. بیان مسئله

«دو خصوصیت را از خصوصیّات استثنائی این انقلاب عرض می‌کنم؛ و همین دو خصوصیت هم بیشترین تأثیر را در وجهه‌ی این انقلاب در دنیا داشت، همچنان که بیشترین تأثیر را در پیروزی و ماندگاری انقلاب در [این] کشور اسلامی داشت؛ و همین دو خصوصیت بود که هنوز با گذشت چندین سال، موجب شده است که در گوشه‌وکنار عالم، از سوی کسانی حرکاتی، تحوّلاتی، یا حداقل تلاش‌هایی به پیروی از این انقلاب و در پرتوِ این انقلاب انجام بگیرد. این دو خصوصیت، یکی عبارت بود از اینکه مبنای این انقلاب، ارزش‌های دینی و اخلاقی و معنوی بود؛ و دوّم اینکه این انقلاب بر پایه‌ی اراده‌ی مردم و خواست مردم در تشکیل حکومت و اداره‌ی حکومت باقی ماند. یعنی اهمّیّت نقش مردم پس از پیروزی انقلاب از مردم سلب نشد و برای انقلاب به‌عنوان یک عنصر باقی ماند. این، دو خصوصیت در انقلاب ما است» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳٦۸/۱۱/۲۰).

ملت ایران به رهبری حضرت امام خمینی (ره)؛ توانست با بهره‌گیری از آموزه‌ها، تعالیم اسلامی، نهضت عاشورای حسینی (ع) و تبعیت از فقیه عالی‌قدر دینی با رویکرد حکومتی به احکام دین بر اساس نظر و دیدگاه «الإسلام هو الحکومة بشؤونها و الأحکام قوانین الإسلام و هی شأن من شؤونها » (امام خمینی، ۱۳۷۹، ٦۳۲) به‌عنوان قوانین و موازین حکومت موجب به وجود آمدن بارزترین، تأثیرگذارترین رخداد قرن بیستم میلادی گردید؛ که اثرات وسیعی بر جامعه ایران، امت مسلمان و تمام آزادی خواهان و مستضعفان عالم نهاد. ازاین‌رو، دشمنان به دشمنی و مخالفت با مکتب جدیدی که با تأسی از جهان‌بینی اسلامی و بدون وابستگی به ایسم‌ها و مکاتب مادی مارکسیسم و لیبرالیسم بنیان گذارده شده بود با تمام ابرازها و شیوه‌ها به دشمنی مبادرت پرداختند که تا به امروز کید و نیرنگ‌های آن‌ها هم ادامه دارد. دشمنان در جدیدترین ابراز جنگی برای تحمیل اراده نامشروع و غیرقانونی خود برای تغییر رفتار ملت ایران و مسئولین، الی خصوص هسته سخت

نظام از جنگ ادراکی و شناختی با محوریت تحریف حقایق، مفاهیم و مبانی انقلاب اسلامی برای القاء ناکارآمدی و شکست نظام اسلامی استفاده می‌کنند. پس برای مقابله با جنگ شناختی؛ که میدان اصلی آن تسلط بر مغز و افکار انسان‌هاست باید از پادزهر آن، یعنی جهاد تبیین و روشنگری که به‌عنوان راهبرد کلان که از سوی آیت‌الله خامنه‌ای ارائه شده است استفاده نمود.

تا از این طریق به‌مثابه سد محکمی در برابر واقعیت سازی نادرست دشمنان ایجاد نمود. آیت‌الله خامنه‌ای همیشه بر لزوم «جهاد تبیین» برای ابهام‌زدایی از گذاره‌های صحیح، پاره کردن توهم اقتدار دشمن و جلوگیری از بزرگ‌نمایی و سیاه نمایی‌های نادرست تأکید کرده‌اند. هدف تمامی این موارد، جلوگیری از ناامید شدن و ایجاد ترس در جامعه، درهم شکستن سلطه خارجی، مصونیت بخشی در برابر توطئه‌های دشمنان، مقابله با تحمیل خواسته‌های استکبار، افزایش روحیه مقاومت اجتماعی بوده است.

انقلاب اسلامی شکوهمند ملت ایران پس از یک چله پرافتخار بدون خیانت به آرمان‌ها، پا به دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن سازی شده است. با توجه به اهداف والا و تمدنی حکومت اسلامی و ضرورت ایجاد گفتمان اصیل اسلامی و انقلابی برای نیل به تمدن نوین اسلامی، لازم است که نظام انقلابی تحقق دهنده این اهداف ایجاد و تکمیل گردد. در این راستا، با بررسی اسناد بالادستی و راهبردی همچون بیانیه گام دوم انقلاب، می‌توان گفت یکی از دغدغه‌های اصلی آیت‌الله خامنه‌ای که در تمامی اسناد و متن بیانات مشاهده می‌شود، از لزوم تشکیل هیئت‌های اندیشه‌ورز، تولید فکر و محتوا برای بستن راه وسوسه دشمن، جلوگیری از ایجاد تردید در پایداری مردم، تبیین دستاوردها و برکات شگرف بیش از چهار دهه گذشته، دفاع ابدی از نظریه‌ی نظام انقلابی، نقش و زمینه‌های فعالیت جهاد تبیین در برابر جنگ روایت‌ها و گسترش کرسی‌های آزاداندیشی است که در این راه بار سنگین مسئولیت بر دوش حلقه‌های میانی جهاد تبیین است.

ازاین‌رو، این مقاله در پی آن است که؛ حاصل تجربه سال‌ها استقامت و پایداری مجموعه‌ی خودجوش و مردمی را با عنوان «جایگاه و ضرورت‌های حلقه‌های میانی در جهاد تبیین» تشریح و چالش‌ها و راهکار را روایت گری کند تا از این رهگذر با حل مشکلات و موانع با ترسیم چشم‌انداز به‌عنوان الگویی مؤثر در سراسر کشور گسترش و نهادینه شود.

۲. فرآیند اجرایی برگزاری سلسله نشست‌های جهاد تبیین

در موضوع «تبیین»، روشنگری و آگاهی دادن؛ در برابر جنگ شناختی و ادراکی که دشمن به انگاره سازی در ذهن مبادرت و اقدام کرده است، باید زمان‌شناس بود و به‌موقع به شبهات و سؤالات، سیاه نمایی‌ها و تحریفات پاسخگوی مردم بود. چرا که اگر در زمان مشخص مسئله به درستی روشن و شفاف نشود، نه‌تنها تأثیری نخواهد داشت بلکه مشکلات عدیده‌ای را هم به دنبال خواهد آورد و اثربخش نخواهد بود.

ازاین‌رو، حلقه میانی جهاد تبیین، حلقه میانی؛ هیئت اندیشه‌ورز عاشقان مهدی عج شهرستان دزفول، با درک خطیر شرایط روز سیاسی__اجتماعی جامعه و یورش سهمگین امپراطوری رسانه‌ایی استکبار جهانی و صهیونیزم بین‌المللی به باورهای اسلامی_ایرانی، انقلابی، ارزش‌های دینی و معارف راستین انقلاب اسلامی به جهت تغییر رفتار فرد و جامعه، به‌صورت آتش به اختیار خودجوش توسط جمعی از جوانان مؤمن انقلابی در سال ۱٤۰۲ تشکیل گردید؛ و در همان سال، اولین نشست تبیینی خود را با موضوع؛ دستاوردهای شاخص شهید مطهری (ره) در تاریخ ۱٤۰۲/۰۲/۱٤ برگزار کرد.

«حلقه میانی جهاد تبیین»، هیئت عاشقان مهدی (عج)، با در نظر گرفتن نیاز مخاطب، مقتضیات جامعه، سیر تحولات منطقه غرب آسیا و مسائل بین‌المللی به برگزاری سلسله نشست‌های بصیرتی و گفتمانی با پنج رویکرد اقدام نموده است که به‌صورت ذیل مطرح می‌شود:

الف) بازخوانی و نشر آراء و اندیشه‌های امامین انقلاب اسلامی
ب) تکریم و بزرگداشت شخصیت‌های اسلامی، انقلابی و ملی
پ) تحلیل موضوعات مهم داخلی و تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی
ت) مطالبه گری از مسئولین شهرستانی و استانی
ث) کرسی‌های آزاداندیشی

تا تاریخ ۱٤۰۳/۰۹/۲۲، چهل‌ونه (٤۹) سلسله نشست‌های گفتمانی و بصیرتی با عناوین و موضوعات مختلف و متنوع سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ادبی برگزار کرده است؛ و امید دارد که با حل مشکلات و موانع به کار خود با قدرت تمام ادامه دهد.

جدول ۱: گزارش عملکرد سلسله نشست‌های حلقه میانی جهاد تبیین در سال‌های ۱٤۰۳_۱٤۰۲

تعداد	سخنران/استاد مدعو	موضوع نشست	مسئولیت	تاریخ
۱	آیت‌الله عبدالکریم فرحانی	دستاوردهای شاخص شهید مطهری	نماینده مردم استان خوزستان در مجلس خبرگان رهبری	۱٤۰۲/۰۲/۱٤
۲	سید محمدرضا صافی	مبانی اندیشه نظری امام خمینی (ره)	رئیس سابق شورای نگهبان شهرستان دزفول	۱٤۰۲/۰۳/۱۱
۳	حجت‌الاسلام‌والمسلمین طحان	الگوهای رفتاری_اخلاقی امام خمینی (ره)	استاد دانشگاه و پژوهشگر مسائل فرهنگی	۱٤۰۲/۰۳/۱۸
٤	سید محمد هاشمی نیا	جریان حلقه‌های میانی	استاد دانشگاه و تحلیلگر مسائل فرهنگی	۱٤۰۲/۰۳/۲۵

۵	حجت‌الاسلام جارون	بررسی آراء شهید بهشتی در موضوع آزادی	مسئول عقیدتی پادگان شهید باکری	۱۴۰۲/۰۴/۰۱
۶	میزگرد سیاسی	دسته‌بندی جریانات فعال سیاسی در انتخابات	کرسی آزاداندیشی	۱۴۰۲/۰۴/۲۲
۷	حجت‌الاسلام هویزه	بررسی مبانی قانونی و شرعی حجاب	استاد حوزه علمیه	۱۴۰۲/۰۶/۳۰
۸	محسن افلاطون	تبیین نقش اجتماعی جوانان امروزی	فعال جهادی جبهه مقاومت در لبنان	۱۴۰۲/۰۷/۰۶
۹	حجت‌الاسلام صلواتی	ضرورت وحدت اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری	استاد حوزه و مفسر قرآن	۱۴۰۲/۰۷/۱۳
۱۰	علیرضا خردمند	کارنامه دولت سیزدهم در شهرستان دزفول/ مطالبه گری	فرماندار ویژه شهرستان دزفول	۱۴۰۲/۰۷/۲۰
۱۱	حجت‌الاسلام شاه‌آبادی	ابعاد شخصیتی حضرت عبدالعظیم حسنی	استاد حوزه و دانشگاه	۱۴۰۲/۰۷/۲۷
۱۲	علیرضا نوری منش	تحولات منطقه پس از طوفان الاقصی	تحلیلگر مسائل سیاسی	۱۴۰۲/۰۸/۰۴
۱۳	سردار حبیب سعیدفر	انتخابات؛ تجلی مردم‌سالاری دینی	دبیر شورای ائتلاف نیروهای	۱۴۰۲/۰۸/۱۱

			انقلاب اسلامی شهرستان دزفول	
۱۴	سیدعلی صافی	تحلیل سیر تاریخی حوادث ۱۳ آبان و تسخیر لانه جاسوسی آمریکا	تحلیلگر مسائل سیاسی	۱۴۰۲/۰۸/۸
۱۵	حجت‌الاسلام وحیدنیا	شخصیت شناسی علامه طباطبایی الگوی علم و تقوا	استاد حوزه و پژوهشگر مسائل فرهنگی	۱۴۰۲/۰۸/۲۵
۱۶	دکتر فتحی	راهبردهای بسیج در جنگ تحمیلی	استاد دانشگاه و تحلیلگر مسائل سیاسی	۱۴۰۲/۰۹/۰۲
۱۷	دکتر سید یاسر جبرائیلی	مجلس در طراز انقلاب اسلامی	رئیس مرکز ارزیابی سیاست‌های کلی تشخیص مصلحت نظام	۱۴۰۲/۰۹/۰۹
۱۸	دکتر مجید بذرافکن	نقش حلقه‌های میانی در حل مسائل انقلاب	معاون فرهنگی و اجتماعی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی	۱۴۰۲/۰۹/۱۵
۱۹	حجت‌الاسلام دکتر عبدالحسین خسروپناه	رسالت انقلابی شورای عالی انقلاب فرهنگی	دبیر شورای انقلاب اسلامی	۱۴۰۲/۰۹/۲۴
۲۰	محسن ریاضی	بصیرت انقلابی	تحلیلگر مسائل فرهنگی و سیاسی	۱۴۰۲/۰۹/۳۰

۲۱	حجت‌الاسلام مرتضی آقا تهرانی	بزرگداشت ۹ دی و گرامیداشت علامه مصباح یزدی (ره)	رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی	۱۴۰۲/۱۰/۰۶
۲۲	حجت‌الاسلام مهدی سلطانی	شاخص‌های مکتب حاج قاسم	مدرس حوزه و پژوهشگر مسائل فرهنگی	۱۴۰۲/۱۰/۱۴
۲۳	سردار سعید قاسمی	به سوی قله (بازخوانی حرکت ۴۴ ساله انقلاب)	فرمانده قرارگاه جهادی حاج احمد متوسلیان	۱۴۰۲/۱۰/۲۱
۲۴	حجت‌الاسلام دکتر هدایی	مردم‌سالاری دینی در حکمرانی علوی	نماینده مردم استان خوزستان در مجلس خبرگان رهبری	۱۴۰۲/۱۰/۲۸
۲۵	حجت‌الاسلام‌والمسلمین حسن‌زاده	جایگاه مردم در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)	نماینده مردم استان خوزستان در مجلس خبرگان رهبری	۱۴۰۲/۱۱/۱۲
۲۶	حجت‌الاسلام‌والمسلمین حسین رفیعی	نقش خبرگان رهبری در اعتلای آرمان‌های انقلاب	نماینده مردم استان خوزستان در مجلس خبرگان رهبری	۱۴۰۲/۱۱/۲۶
۲۷	حجت‌الاسلام دکتر بلادیان	انتخابات و جمهوریت پیش‌نیاز پیشرفت و عدالت	مدیر حوزه‌های علمیه استان خوزستان	۱۴۰۲/۱۲/۰۳
۲۸	دکتر عبدالله شهاوند	بررسی روند انتخابات مجلس	معاونت سیاسی اجتماعی استاندار	۱۴۰۲/۱۲/۰۴

		شورای اسلامی و خبرگان رهبری در استان خوزستان	خوزستان و رئیس ستاد انتخابات	
۲۹	حجت‌الاسلام سید محمد مهدی شفیعی	نقش مردم‌سالاری دینی در رسیدن به قله‌های	مسئول نهاد رهبری در دانشگاه علوم پزشکی خوزستان	۱۴۰۲/۱۲/۰۷
۳۰	سردار حاج رحیم نوعی اقدم	بزرگداشت روز شهید و تجلیل از حضور با بصیرت مردم در انتخابات	فرمانده ارشد جبهه مقاومت و قرارگاه حضرت زینب (س)	۱۴۰۲/۱۲/۱۶
۳۱	شاعران، مداحان و هنرمندان	محفل شب شعر غزه	جمعی از مادحین شهرستان دزفول	۱۴۰۳/۰۱/۱۶
۳۲	سید محمد هاشمی نیا	تشریح ابعاد عملیات وعده صادق ۱	تحلیلگر مسائل سیاسی	۱۴۰۳/۰۱/۳۰
۳۳	دکتر حسینی محراب	نقش جهاد تبیین و امیدآفرینی در افزایش مشارکت مردمی/مطالبه گری	استاندار ویژه خوزستان	۱۴۰۳/۰۲/۰۶
۳۴	دکتر حسین قرایی	نکوداشت فیلسوف بزرگ انقلاب آیت‌الله مرتضی مطهری	مدیرکل روابط عمومی سازمان صداوسیما	۱۴۰۳/۰۲/۱۳
۳۵	محمد پویه	تسهیل موانع تولید راهکار تحقق شعار سال	مدیرعامل محمد و کارآفرین شرکت کارتن محمد	۱۴۰۳/۰۲/۲۰

٣٦	کرسی آزاداندیشی	بررسی علت اعتراض طلافروشان به اجرای تبصره ٤ ماده ١٨	میزگرد اقتصادی	١٤٠٣/٠٢/٢٧
٣٧	علیرضا نوری منش	چهارراه انتخابات! اقبال مردم به کدام جهت است؟	تحلیل‌گر مسائل سیاسی	١٤٠٣/٠٣/١٠
٣٨	کرسی آزاداندیشی	تریبون آزاد با محوریت انتخابات	مردم و جوانان فعال در حوزه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی	١٤٠٣/٠٣/١٨
٣٩	حجت‌الاسلام مسعود صلواتی	گفتمان اصلح، بررسی توانمندی‌های کاندیدای ریاست جمهوری	استاد حوزه و مفسر قرآن	١٤٠٣/٠٣/٢٥
٤٠	دکتر علی خضریان	بررسی شاخص‌های کاندیدای اصلح ریاست جمهوری	سخنگوی کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی	١٤٠٣/٠٣/٠١
٤١	دکتر مجتبی چناری	شاخصه‌های انتخاب اصلح	معاونت سیاسی ناحیه مقاومت دزفول	١٤٠٣/٠٣/٠٧
٤٢	حجت‌الاسلام‌والمسلمین حسین رفیعی	در امتداد ابراهیم	نماینده مجلس خبرگان رهبری	١٤٠٣/٠٣/١٤

٤٣	دکتر علی موجودی	شاخصه‌های زیست‌بوم سیره شهدا	جهادگر میدان روایتگری و شهیدنگاری	١٤٠٣/٠٧/٠٥
٤٤	دکتر احمد زارعان	آینده‌پژوهی تقابل جبهه مقاومت با رژیم غاصب صهیونیستی	عضو هیئت‌علمی دانشگاه امام حسین (ع)	١٤٠٣/٠٧/١٣
٤٥	حجت‌الاسلام علیرضا شفیعی	آیین بزرگداشت حافظ شیرازی	شاعر و حافظ پژوه	١٤٠٣/٠٧/١٩
٤٦	حجت‌الاسلام طحان	بررسی روایات آخرالزمانی با نگاه به تحولات منطقه	استاد حوزه و پژوهشگر مسائل دینی	١٤٠٣/٠٧/٢٦
٤٧	حجت‌الاسلام دکتر محسن خاکی	تأثیر منازعه‌ی اسرائیل بر منافع اقتصادی ایران و منطقه	عضو سابق مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی/مدرس حوزه و دانشگاه	١٤٠٣/٠٨/٠٤
٤٨	دکتر ابوذر یاسری	تعارض منافع ملی جمهوری اسلامی با رژیم اسرائیل	عضو هیئت‌علمی دانشگاه امام حسین (ع)	١٤٠٣/٠٨/٠٩
٤٩	سردار منصوری منش	بررسی آخرین تحولات منطقه غرب آسیا و جبهه مقاومت	کارشناس تحولات شمال آفریقا	١٤٠٣/٠٩/٢٢

همان‌گونه که از عناوین موضوعات سلسله نشست‌های گفتمانی، برگزار شده توسط حلقه‌های مبانی جهاد تبیین روشن و مشخص است در پی پاسخ‌گویی مداوم، بدون وقفه و به هنگام به شبهات و ابهامات در جامعه، روایت سازی مستمر و شفاف از وقایع روز جامعه و تحولات رخ داده در جهان، تبیین دائمی اهداف و نیات دشمنان به‌صورت مستدل و روشن، ترویج و تبلیغ اندیشه‌های امامین انقلاب اسلامی و ارزش‌های دینی اصیل، تقویت و انسجام هویت ملی و تاریخی، تقویت اعتمادبه‌نفس ملی را، همواره در سرلوحه اقدامات تبیینی خود قرار است.

۳. پیشینه حلقه میانی جهاد تبیین

با بررسی، رصد و تحقیق در فضای حقیقی و مجازی؛ اقدام و عملی مرتبط با مفهوم حلقه میانی جهاد تبیین که به‌صورت پیوسته، مستمر و مداوم و مبتنی بر جایگاه مبرز مردمی در سطوح مختلف محلی، استانی و کشوری اعم از مساجد و هیئت مذهبی، مجموعه‌های فرهنگی، اجتماعی و مذهبی، ادارات، سازمان‌ها، نهادها و احزاب با خط‌مشی گوناگون گرفته باشد؛ مشاهده نگردید است.

٤. تعریف مفاهیم

ابتدا ضرورت دارد، به چیستی حلقه‌های میانی، نقش و جایگاه جوان متعهد حزب‌اللهی و اهمیت حلقه‌های میانی در جهاد تبیین پرداخته شود.

٤,١. چیستی حلقه‌های میانی

یک‌صد روز از اعلام بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۹۸/۰۳/۰۱ واژه حلقه‌های میانی از سوی ایشان، نوآوری و مطرح شد. ایشان، تأکید کردند برای ایجاد یک حرکت عمومی به سمت چشم‌انداز انقلاب، به چهار عنصر احتیاج داریم: "۱_شناخت صحنه ۲_جهت‌گیری مشخص (به سمت تمدن اسلامی) ۳_عوامل امیدبخش ٤_راهکار عملیاتی " و در ادامه فرمودند که:

«خب این چهار عنصری که گفتیم –همه‌ی این‌ها– که برای یک حرکت عمومی این چهار عنصر نیاز است، تبیین این‌ها نیاز دارد به ذهن فعّال و زبان گویا؛ منتها این [مورد] آخری که مسئله‌ی راهکارهای عملی باشد، احتیاج دارد به هدایت، تمرکز، پیگیری، فعالیت پی‌درپی و لحظه‌به‌لحظه برای اینکه بتواند این کاروان عظیم جامعه را و مهم‌تر از همه جوان‌های جامعه را به پیش ببرد. این کارِ چه کسی است؟ این تمرکز، این ایجاد برنامه‌ی کار، پیدا کردن راهکار، ارائه‌ی راهکار، برنامه‌ریزی، به عهده‌ی چه کسی است؟ این به عهده‌ی جریان‌های حلقه‌های میانی است. این، نه به عهده‌ی رهبری است، نه به عهده‌ی دولت است، نه به عهده‌ی دستگاه‌های دیگر است؛ [بلکه] به عهده‌ی مجموعه‌هایی از خود ملّت است که خوشبختانه امروز ما این را کم هم نداریم. ما نخبه‌های فکری در زمینه‌های گوناگونِ مورد نیاز در میان جوانان، در میان مسئولین خودمان داریم. این‌ها می‌توانند بنشینند برنامه‌ریزی کنند و هدایت کنند»(خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۸/۰۳/۰۱).

در باب احصاء مفاهیم، توجه به این نکته حائز اهمیت است که جریان حلقه‌های میانی؛ علی‌رغم بدیع بودن واژه گفتمانی، یک جریان زنده، پویا، تحول‌خواه و موجود در میان مجموعه‌های مردمی از دوره استقرار و تثبیت (سال‌های ۵۷ الی ۶۷) تا دوره بسط و تداوم (سال ۶۷ تا تاکنون) استمرار داشته و دارد.

۴,۲. جایگاه جوان متعهد حزب‌اللهی؛ در حلقه‌های میانی جهاد تبیین

به دلیل اینکه مخاطب اصلی بیانیه گام انقلاب اسلامی که توسط آیت‌الله خامنه‌ای در سال ۱۳۹۷ منتشر شد، به جوانان اشاره گردید، جوانان با دارا بودن جمعیتی انبوه، تحصیل‌کرده، پرانرژی و آینده‌ساز برای حال و آینده مملکت که هر کدامشان می‌توانند موتور پیشران و محرکه حرکت و اقدامی مهم و سازنده برای کشور در ایجاد حلقه‌های میانی و جهاد تبیین نقش بسزایی ایفاء نمایند.

«امّا راه طی شده فقط قطعه‌ای از مسیر افتخارآمیز به سوی آرمان‌های بلند نظام جمهوری اسلامی است. دنباله‌ی این مسیر که به گمان زیاد، به دشواریِ گذشته‌ها

نیست، باید با همت و هشیاری و سرعت عمل و ابتکار شما جوانان طی شود. مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعّالان جوان، در همه‌ی میدان‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های دین و اخلاق و معنویت و عدالت، باید شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت دهند، از تجربه‌ها و عبرت‌های گذشته بهره گیرند، نگاه انقلابی و روحیه‌ی انقلابی و عمل جهادی را به کار بندند و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته‌ی اسلامی بسازند» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۷/۱۱/۲۳).

«شما جوانان عزیز و دانشجویان عزیز که به معنای واقعی کلمه میوه دل ملت و امید آینده این کشورید، به مسئله «تبیین» اهمیت بدهید. خیلی از حقایق هست که باید تبیین بشود. در قبال این حرکت گمراه‌کننده‌ای که از صد طرف به سمت ملت ایران سرازیر است و تأثیرگذاری بر افکار عمومی که یکی از هدف‌های بزرگ دشمنان ایران و اسلام و انقلاب اسلامی است و دچار ابهام نگه‌داشتنِ افکار و رها کردن اذهان مردم و به‌خصوص جوان‌ها، «حرکت تبیین» خنثی‌کننده این توطئه دشمن و این حرکت دشمن است. هر کدام از شما به‌عنوان یک وظیفه، مثل یک چراغی، مثل یک نوری پیرامون خودتان را روشن کنید» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۰/۰۷/۰۵).

۵. حلقه‌های میانی و ضرورت جهاد تبیین

قبل از شناخت ضرورت ورود حلقه‌های میانی انقلاب اسلامی به جهاد تبیین، نخست باید به شایستگی جهاد تبیین و ضرورت آن استنباط و درک شود.

مفهوم جهاد تبیین، مفهومی مرکب است و ترکیب آن هم ترکیب اضافی است که اضافه آن نیز از «سنخ اضافه بیانی یا تبیینی» است که در آن مضاف‌الیه برای مضاف کارکرد تبیینی و توضیحی دارد (محمدزاده بنی طرفی، ۱۴۰۱: ۱۲۲).

«جهاد یعنی چه؟ جهاد یعنی تلاش در مقابله با دشمن؛ هر تلاشی جهاد نیست. خیلی‌ها تلاش می‌کنند تلاش‌های علمی زیادی می‌کنند، تلاش‌های اقتصادی می‌کنند که خوب و به جا است اما جهاد نیست. جهاد یعنی تلاشی که هدف‌گیری در مقابل

دشمن در آن وجود داشته باشد؛ این جهاد است. در اصطلاح اسلامی و منطق، اسلامی جهاد این [کاری] است که در مقابل دشمن انجام می‌گیرد شما [اگر] کار اقتصادی بکنید برای مقابله با دشمن می‌شود جهاد؛ کار علمی و تحقیقی بکنید برای مقابله‌ی با دشمن می‌شود جهاد؛ حرف، بزنید تبیین کنید برای خنثی کردن وسوسه‌ی، دشمن می‌شود جهاد؛ این‌ها همه جهاد است. پس مهم این است که ما عرصه‌ی جهاد را تشخیص بدهیم که در هر زمانی در چه عرصه‌ای باید جهاد کرد؛ این خیلی مهم است»(خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۰/۱۱/۰۳).

تبیین، به معنی بیان حقیقت، آشکار کردن، روشنگری و از بین بردن غبار جهالت و تحریف از اذهان است. ذهن انسان ممکن است دچار ابهام شود، مورد تحریف قرار گیرد و دشمن یا هر فرد دیگری آن را از مسیر حقیقی و عقلانی خودش منحرف کند. به عبارتی تبیین به معنای بی‌تفاوت نبودن انسان نسبت به ذهنی است که به کمک نیاز دارد و باید تعلیم ببیند.

آیت‌الله خامنه‌ای بیان فرمودند:

«شما روایت کنید حقایق جامعه خودتان و کشور خودتان و انقلابتان را. شما اگر روایت نکنید، دشمن روایت می‌کند؛ شما اگر انقلاب را روایت نکنید، دشمن روایت می‌کند»(خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۰/۰۹/۲۱).

«آنچه وظیفه‌ی همه‌ی ملّت اسلام و همه‌ی امّت اسلام است، مبارزه برای روشنگری است؛ این در درجه‌ی اوّل. هم علما مسئول‌اند، هم روشنفکران مسئول‌اند، هم تحصیل‌کرده‌ها مسئول‌اند، هم همه‌ی کسانی که منبری دارند، تریبونی دارند مسئول‌اند که روشنگری کنند و حقایق دنیای اسلام را برای مردمی که نمی‌دانند بیان کنند؛ این روشنگری جهاد است. جهاد فقط شمشیر گرفتن و جنگ کردن در میدان قتال نیست» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۵/۰۲/۲۹).

بارزترین شاخصه جهاد در آراء و اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای مشاهده می‌شود، تقابل با دشمن است، درواقع نهایت جهد و تلاش که در مقابله با دشمن در مسیر فی سبیل الله انجام گیرد جهاد محسوب می‌شود.

«جهاد تبیین‌گرفته شده است از کلام امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) است خب حالا چه کار کنیم در مقابل این حرکت دشمن؟ جهاد تبیین؛ همین که شماها هم در بیاناتتان در این دو، روز مکرّر گفتید؛ بنده هم قبلاً چند بار تا حالا تکرار کرده‌ام و بحث جهاد تبیین را گفته‌ام. خب حالا چرا میگوییم جهاد، جهاد تبیین؟ این گرفته شده است از کلام امیرالمؤمنین (علیه‌السلام)؛ امیرالمؤمنین در آن وصیت معروف خودشان به حسنین (علیهماالسلام) ـ که خطاب به آن‌ها است، منتها می‌فرمایند «وَ مَن بَلَغَهُ کِتَابی»؛ یعنی بنده و هم مخاطب این وصیت هستیم – ازجمله‌ی چیزهایی که می‌فرمایند [این است]: «وَ اللّهَ اللّهَ فِی الجِهَادِ بِاَمْوَالِکُم وَ اَنفُسِکُم وَ اَلسِنَتِکُم فِی سَبِیلِ اللّه»؛ جهاد با السنهٔ. حالا خوشبختانه [از میان ملت ما]، کسانی که می‌توانستند، وارد بودند، با اموالشان با انفسشان جهاد کردند؛ الآن هم دارند جهاد می‌کنند؛ با السنه هم باید جهاد کرد که کسانی در این بخش هم می‌توانند واقعاً فعّال باشند و جهاد کنند»(خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۰/۱۲/۱۹). با توجه به این تقسیم‌بندی، جهاد تبیین از مصادیق جهاد زبانی محسوب می‌شود.

تحریف حقایق و عملیات روانی در طول تاریخ وجود داشته است. خدای متعال در قران کریم به عملیات روانی یهود در چند آیه اشاره می‌کند، از جمله در آیه ۴۶ سوره نسا که می‌فرماید «مِنَ الَّذِینَ هَادُواْ یُحَرِّفُونَ الْکَلِمَ عَن مَّوَاضِعِه» «بعضی از یهودیان، سخنان را از جایگاهش تحریف می‌کنند» و نیز در آیه ۷۵ سوره بقره که می‌فرماید «فَرِیقٌ مِنْهُمْ یَسْمَعُونَ کَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ یُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ یَعْلَمُونَ» «گروهی از آنان کلام خدا را شنیده و به‌دلخواه خود تحریف می‌کنند با آنکه در کلام خود تعقل کرده و معنی آن را دریافته‌اند». جریان استکبار و توابع آن‌ها از اول انقلاب اسلامی به دنبال تحریف حقایق انقلاب اسلامی بودند (صلح میرزایی، ۱۴۰۰: ۴۱).

دشمنان از جنگ روایت‌ها، به‌عنوان آخرین نسخه جنگ‌های نرم، اهداف مهم و اساسی را در حوزه غالباً سیاسی دنیا دنبال و آن را تبدیل به عملیات پیچیده میدانی برای تغییر و یا تضعیف حکومت‌های مخالف خود می‌کند. به بیان دیگر، تمام این سیاه‌نمایی‌ها، نفرت‌پراکنی‌ها، یأس‌آفرینی‌ها، تشویش‌ها، برجسته‌سازی اشکالات و کوچک نمایی نقاط مثبت، با اعتمادزدایی‌ها و اعتبارزدایی‌هایی که صورت می‌دهند؛ برای ایجاد یک سلسله پیام‌ها و تصاویری که از وقایع و حوادث در ذهن مخاطب در جهت اهداف پلید استکباری و استعماری خویش سوءاستفاده می‌کنند و به‌اصطلاح ایـــن فرآیندهای ویروس‌های ادراکی که در لباس عملیات رسانه‌ای ظهور و بروز پیدا می‌کنند برای ایجاد فاصله میان مردم و حاکمیت، تردید و سوءظن و امیدزدایی بکار می‌روند تا زمینه ایجاد آشوب و برهم زدن نظم اجتماع و تضعیف و فروپاشی نظام سیاسی برای سلطه بر جوامع، علی‌الخصوص جامعه اسلامی فراهم شود.

مسئله جهاد تبیین و مقابله با تحریف در اصل ناشی از احساس مسئولیت عظیم و خطیر حفظ و استمرار انقلاب اسلامی، ضامن انقلابی اصیل ماندن، دفاع از نظریه نظام انقلابی، برداشتن گام‌های استوار در آینده، به اوج رسانیدن مشارکت مردمی در مسائل سیاسی و اجتماعی از قبیل، انتخابات، مقابله با فتنه‌های داخلی، حضور در صحنه‌های ملی و استکبارستیزی، کمک‌رسانی‌ها و فعالیت‌های نیکوکاری از جمله کمک به جبهه مقاومت و در عرصه‌های مختلف و یک وظیفه و تکلیف آحاد جامعه به‌خصوص حلقه‌های میانی است. همچنین می‌توان گفت با توجه به اینکه فتنه‌های آخرالزمان بیشتر از جنس ایجاد انحراف در افکار و وارونه جلوه دادن حقایق و تحریف حقایق هستند از جهاد تبیین می‌توان به‌عنوان یک فریضه آخرالزمانی نام برد.

آیه ۱۸۷ سوره آل‌عمران که از سوره‌های تبیین‌گر قرآن است، با بیانی هشدارآمیز فرماید: «وَ إِذْ أَخَذَ اللّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَ لَا تَكْتُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ

وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَ اشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَبِئْسَ مَا يَشْتَرُونَ» «و [یاد کن] هنگامی را که خداوند از کسانی که به آنان کتاب داده شده پیمان گرفت که حتماً باید آن را [به‌وضوح] برای مردم بیان نمایید و کتمانش مکنید پس آن [عهد] را پشت سر خود انداختند و در برابر آن بهایی ناچیز به دست آوردند و چه بد معامله‌ای کردند».

تفسیر دقیق‌تر از «اوتوا الکتاب» آن است که حقیقت کتاب به آن‌ها داده شده است. در عصر کنونی، مصداق «اوتوا الکتاب»، تمامی باورمندان و معتقدین راسخ و استوار به گذشته، حال و آینده نظام جمهوری اسلامی ایران و به‌ویژه جوانان متعهد حزب‌اللهی و انقلابی هستند؛ چه اینکه مصداق «اهل الکتاب»، کل مردم ایران می‌شوند. خداوند می‌فرماید من میثاق و عهد گرفته‌ام که بروید و تبیین کنید. اشاره به مسئله جهاد تبیین به‌عنوان یک امر ضروری که در درجه اول بر عهده ائمه علیهم‌السلام است در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای در زمان امام خمینی ره نیز به چشم می‌خورد؛ ایشان در پیامی به یک کنگره علمی این‌چنین به این مطلب پرداخته‌اند ... «این مبارزه بزرگ‌ترین هدفش تشکیل نظام اسلامی و تأسیس حکومتی بر پایه‌ی امامت بود. بی‌شک تبیین و تفسیر دین با دیدگاه مخصوص اهل‌بیت وحی و رفع تحریف‌ها و کج‌فهمی‌ها از معارف اسلامی و احکام دینی نیز هدف مهمی برای جهاد اهل‌بیت به‌حساب می‌آمد» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۶۳/۰۵/۱۸).

پس دو راه پیش رویِ مخاطبان «جهاد تبیین» قرار دارد: انجام دادن جهاد تبیین با وجود سختی‌هایِ احتمالی پیش رو که منجر به «بیمه کردن جامعه» می‌شود و یا چشم‌پوشی از آن که درنهایت ما را با مشکلات متعدد احیاناً غیرقابل‌جبران مواجه می‌کند.

۶. زمینه‌های فعالیت حلقه‌های میانی جهاد تبیین

آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان تجدید حیات کننده جهاد تبیین در عصر حاضر، این مفهوم بدیع و نو را مورد اهتمام ویژه قراردادند که با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون؛ بیانات ایشان موارد ذیل استخراج شده است.

٦,١. مطالبه گری

«اگر چنانچه ایستادگی کردید –همان‌طور که قبلاً هم گفتم– گفتمان‌سازی کردید، ذهن‌ها را آماده کردید، آن‌وقت در هنگام لازم به دردتان می‌خورد؛ یعنی می‌توانید ذهن مردم را بسیج کنید به سمت یک حقیقتی تا آن را مطالبه کنند. وقتی مطالبه کردند، مسئولین ناچارند انجام بدهند» (خامنه‌ای، بیانات: ١٣٩٥/٠٤/١٢).

«گفتمان عدالت، اقتصاد دانش‌بنیان، پیشرفت ایرانی اسلامی، شتاب در یافته‌های علمی؛ این‌ها گفتمان‌های اصلی است؛ این گفتمان‌ها را تقویت کنید. گفتمان اقتصاد مقاومتی خیلی گفتمان مهمی است. بله ممکن است چیزی به نام اقتصاد مقاومتی اجرا بشود و درواقع اقتصاد مقاومتی نباشد امّا می‌شود هم چیزی به نام اقتصاد مقاومتی اجرا بشود و کاملاً اقتصاد مقاومتی باشد؛ یا لااقل بخشی از آن باشد... من همیشه گفته‌ام که این سلسله‌مراتب عمل، از بالا تا پایین یک سلسله‌مراتب انسانی است؛ همه‌ی انسان‌ها مغز دارند، دل دارند، اراده دارند، عزم دارند؛ در این سلسله‌مراتبِ پنج شش واسطه‌ای، [اگر] یکی‌شان نخواهد انجام بدهد کار انجام نمی‌گیرد... باید نظارت بشود، باید کنترل بشود، باید دنبال‌گیری بشود، باید رصد بشود، باید مطالبه‌ی دائمی بشود و شماها می‌توانید در این زمینه نقش ایفا کنید. این مسئله‌ی اقتصاد مقاومتی است، مسئله‌ی عدالت همین‌جور است، پیشرفت ایرانی اسلامی همین‌جور است» (همان).

٦,٢. گفتمان سازی

«این مسئله‌ی اقتصاد مقاومتی است، مسئله‌ی عدالت همین‌جور است، پیشرفت ایرانی اسلامی همین‌جور است. بنده این توسعه‌ی غربی را به‌هیچ‌وجه قبول ندارم؛ پایه‌هایش غلط است، مبانی‌اش غلط است، بسیاری از فروعاتش غلط است، امّا معتقدم –نمی‌خواهم هم کلمه‌ی توسعه را که درواقع برگرفته‌ی از تعبیر غربی و انگلیسی است، به کار ببرم، عمداً کلمه‌ی پیشرفت را به کار می‌برم– این پیشرفت

اسلامی ایرانی می‌تواند به‌عنوان یک گفتمان، به‌عنوان یک خواست عمومی مطرح بشود» (همان).

«گفتمان عدالت، اقتصاد دانش‌بنیان، پیشرفت ایرانی اسلامی، شتاب در یافته‌های علمی؛ این‌ها گفتمان‌های اصلی است؛ این گفتمان‌ها را تقویت کنید. گفتمان اقتصاد مقاومتی خیلی گفتمان مهمی است. بله ممکن است چیزی به نام اقتصاد مقاومتی اجرا بشود و درواقع اقتصاد مقاومتی نباشد امّا می‌شود هم چیزی به نام اقتصاد مقاومتی اجرا بشود و کاملاً اقتصاد مقاومتی باشد؛ یا لااقل بخشی از آن باشد» (همان).

٦,٣. نفی رابطه با آمریکا

«چرا بنده این‌قدر اصرار دارم که ارتباط با آمریکا نبایستی برقرار بشود حتّی مذاکره، جز در مسائل مشخص و معیّنی که حالا اقتضای مصلحت باشد؛ علّتش چیست؟ خب این یک دلیلی دارد؛ این دلیل را سیاستمدارهای حتّی طرف‌دار با آمریکا هم یک جاهایی تائید کردند. گفتم من، یک وقتی یکی از این آقایان رؤسای جمهور این دوره‌های مختلف، با من راجع به این قضیّه بحث‌های متعدّدی می‌کرد در جلسات مختلف؛ بعد رفته بود در شورای عالی امنیت ملّی گفته بود فلانی استدلال‌هایی دارد که من جوابی برایش ندارم. راست هم می‌گفت. بنده برای ردّ ایجاد ارتباط با آمریکا استدلال‌هایی داشتم که ایشان برای پاسخ به این استدلال‌ها حرفی نداشت، راست می‌گفت. استدلال‌ها استدلال محکمی است، این‌جوری نیست که راحت بشود این استدلال را برطرف کرد، رد کرد. خب، اگر چنانچه به این استدلال‌ها رسیدید که می‌توانید برسید [آن‌ها را تبیین کنید]. شماها دانشجویید، جوانید، فکرهای خوبی دارید، حرف‌هایی که امروز زدید، بنده را کاملاً امیدوار کرد، نه از جهت محتوای حرف‌ها، بلکه از جهت اینکه –محتواها هم خوب بود، منظورم چیز دیگر است– احساس کردم ذهن‌ها دارد کاملاً کار می‌کند؛ این برای من مهم است؛ ذهن کار می‌کند، ادبیات خوبی به کار می‌برد، این خیلی باارزش است؛ خب، این ذهنی که

فعّال است، بنشیند راجع به این قضیّه استدلال‌های مناسب را پیدا کند، این را ترویج کند. ببینید! [این] یکی از چیزهای مورد تبیین است» (همان).

٦,٤. سبک زندگی اسلامی_ایرانی

«مسئله‌ی سبک زندگی اسلامی ایرانی که ما مطرح کردیم، خب این درخور بررسی است، این را تبیین کنید، هم خودتان عملاً و هم تبیینی» (همان).

«سبک زندگی اسلامی ایرانی را در اندیشه و عمل دنبال کنید؛ مسئله‌ی مهمی است. بنشینید رویش فکر کنید، مصداق‌هایش را مشخص کنید، بعد خودتان عمل کنید و این را به‌عنوان دستورالعمل [منتشر کنید]؛ فرض کنید یک جزوه منتشر بشود در مورد سبک زندگی اسلامی من باب مثال در مسیرها. حالا بنده در آن مثال‌هایی که آن دو سه سال قبل از این راجع به این قضیّه زدم، مسئله‌ی پشت چراغ قرمز ایستادن را هم مثال زدم؛ همین موضوع را می‌شود گسترش داد؛ می‌شود تبیین کرد. کار شماها است؛ کار شما جوان‌ها است که هم حوصله دارید، هم استعداد دارید، هم مغزش را دارید، [هم] توانایی‌اش را دارید؛ خب، بکنید این کارها را» (همان).

٦,٥. پیشرفت علمی ایران

«فَانَّما عَلَیکَ البَلاغ؛ به پیغمبر خدا می‌گوید وظیفه‌ی تو رساندن است، حرف را باید برسانی. باید تبیین کنید؛ حرف‌هایتان را، نظراتتان را بگویید؛ در مسائل مهم کشور؛ در مسئله‌ی اقتصاد مقاومتی تبیین کنید، در مسئله‌ی پیشرفت علمی –این‌ها مسائل مهم کشور است» (همان).

٦,٦. تبیین فرهنگ

«مسئله‌ی فرهنگ، یکی از مسائل مهم است، این را تبیین کنید. پس بنابراین یک کار هم وظیفه‌ی دوّم هم وظیفه‌ی تبیین بود؛ این تبیین هم در محیط دانشجویی است، هم در محیط بیرونِ دانشجویی، همان‌طور که گفتم، مسئله‌ی نماز جمعه و امثال

این‌ها که این‌ها گفتمان درست می‌کند، این‌ها فکر و مطالبه‌ی عمومی ایجاد می‌کند و این خیلی باارزش است، کشور را می‌کشاند به یک سَمت مشخصی، البتّه تداوم کاری لازم دارد، استقامت لازم دارد، درست گفتن لازم دارد، تکرار لازم دارد، ممکن است یک زمانی هم طول بکشد» (همان).

٦,٧. تقویت گفتمان‌ها

«گفتمان عدالت، اقتصاد دانش‌بنیان، پیشرفت ایرانی اسلامی، شتاب در یافته‌های علمی؛ این‌ها گفتمان‌های اصلی است؛ این گفتمان‌ها را تقویت کنید» (همان).

٦,٨. تبیین هدف‌ها

«اگر هدف‌ها تبیین نشد، سردرگمی به وجود می‌آید، آشفتگی به وجود می‌آید. باید هدف‌ها تبیین شود» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۱/۰۹/۲۱).

٦,٩. تبیین دستاوردهای انقلاب:

«دستاوردهای انقلاب حقیقتاً دستاوردهای عظیم و شگفت‌آوری است. البتّه متأسفانه ما کم کار کرده‌ایم در تبیین این دستاوردها؛ گاهی در سخنرانی، گاهی در یک بیان تلویزیونی یک چیزهایی گفته شده منتها خیلی بیش از این، میدان وجود دارد برای اینکه دستاوردهای انقلاب را بگوییم» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۹/۱۱/۲۹).

٦,١٠. تبیین نسبت به مسئله نفوذ دشمن

«در این زمینه [مسئله‌ی نفوذ] روشنگری لازم است؛ روشنگریِ بدون اتّهام، بدون تهمت زدن، بدون مصداق معیّن کردن، امّا روشنگری اذهان مردم؛ چیز لازمی است. ببینید، یکی از آن چیزهایی که قرآن کریم خطاب به مخالفین، به یهود در آن روز، [می‌گوید] و بر آن‌ها ایراد می‌گیرد این است: لِمَ تَلبِسونَ الحَقَّ بِالباطِلِ وَ تَکتُمونَ الحَقَّ وَ اَنتُم تَعلَمون؛ یکی از ایرادهای بزرگ این است که شما باطل را با حق مخلوط می‌کنید، مشتبِه می‌کنید؛ «لبس» یعنی اشتباه، «تَلبِسونَ» [یعنی] مشتبِه می‌کنید

حق را با باطل، وَ تکتُمونَ الحَقَّ، حق را کتمان می‌کنید. حقیقت را باید بیان کرد که این وظیفه‌ی ما است» (خامنه‌ای، بیانات: ١٣٩٤/١٠/١٤).

٦,١١. رفع حرکت گمراه‌کننده دشمن

«به مسئله‌ی «تبیین» اهمّیّت بدهید. خیلی از حقایق هست که باید تبیین بشود. در قبال این حرکت گمراه‌کننده‌ای که از صد طرف به سمت ملّت ایران سرازیر است و تأثیرگذاری بر افکار عمومی که یکی از هدف‌های بزرگ دشمنان ایران و اسلام و انقلاب اسلامی است و دچار ابهام نگه داشتنِ افکار و رها کردن اذهان مردم و بخصوص جوان‌ها، «حرکت تبیین» خنثی‌کننده‌ی این توطئه‌ی دشمن و این حرکت دشمن است» (خامنه‌ای، بیانات: ١٤٠٠/٠٧/٠٥).

٦,١٢. افزایش قدرت تحلیل سیاسی

«تشکیل گروه‌های فعالیت سیاسی [است]؛ البتّه منظورم حزب‌بازی نیست. حزب‌بازی کاری است که بنده برکتی در آن احساس نمی‌کنم؛ امّا کار سیاسی فقط حزب‌بازی نیست؛ نشستن، تحلیل سیاسی کردن، حوادث سیاسی را شناختن، فهمیدن، منتقل کردن، یکی از آن کارهای بسیار اساسی است که حرکت عمومی جامعه را تسریع می‌کند، شکل می‌دهد و کمک می‌کند» (خامنه‌ای، بیانات: ١٣٩٨/٠٣/٠١)

٦,١٣. کار فرهنگی

«نمونه‌هایی از کارهایی که می‌تواند نسل جوان را در نقش و شأنِ محور بودنِ حرکت عمومی جامعه کمک کند و ظرفیت لازم را به آن‌ها بدهد. ... یکی تشکیل کارگروه‌های فرهنگی است؛ این کاری که الآن دارد انجام می‌گیرد؛ این الآن وجود دارد. بنده با بسیاری از این‌ها آشنا هستم، با بعضی، ارتباط هم دارم. کارگروه‌های فرهنگی در سراسر کشور و در مساجد ... یکی از کارها است. این «آتش به اختیار» که من ...گفتم، مربوط به این مجموعه است، [یعنی] مجموعه‌های فعّال در زمینه‌های

فرهنگی که این‌ها می‌توانند تأثیرگذاری عمیقی داشته باشند. از اوّل انقلاب هم همین‌جور بوده، الآن هم همین‌جور است. الآن هر جایی که شما یک گروه جوان را پیدا کنید –جوان متشکّل و بافکر و صاحب ذهن فعّال– که دست به کار فرهنگی می‌زنند مثلاً در یک مسجدی، در یک هیئتِ عزاداری‌ای این‌ها می‌توانند روی جوان‌ها تأثیر بگذارند، روی محلّه تأثیر بگذارند، روی خویشاوندان تأثیر بگذارند، روی مجموعه‌های دانشجویی تأثیر بگذارند، یک حرکتی، یک عزمی، یک بینش و بینایی‌ای را در یک مجموعه‌ای به وجود بیاورند» (همان).

۷. اهمیت و ضرورت تشکیل حلقه میانی جهاد تبیین

«جهاد تبیین و شبهه‌زدایی از ذهن مخاطبین را جدی بگیرید، جهاد تبیین را جدی بگیرید، شبهه‌زدایی از ذهن مخاطبین را جدی بگیرید. شبهه از جمله‌ی چیزهایی است که عرض کردیم مثل موریانه است؛ دشمن به این موریانه‌ها دل‌بسته. شبهه ویروس است، مثل همین ویروس کرونا؛ وقتی‌که وارد شد، خارج شدنش مشکل است، جزو بیماری‌های مسری هم هست، سرایت هم می‌کند. البتّه اینکه گفتم بعضی‌ها در مقابل تیر و شمشیر ایستادند، در مقابل شبهه نتوانستند بِایستند» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۱/۰۵/۰۵).

«شما اگر روایت نکنید، دشمن روایت می‌کند؛ شما اگر انقلاب را روایت نکنید، دشمن روایت می‌کند؛ شما اگر حادثه‌ی دفاع مقدّس را روایت نکنید، دشمن روایت می‌کند، هر جور دلش می‌خواهد؛ توجیه می‌کند، دروغ می‌گوید [آن هم] ۱۸۰ درجه خلاف واقع؛ جای ظالم و مظلوم را عوض می‌کند شما اگر حادثه‌ی تسخیر لانه‌ی جاسوسی را روایت نکنید –که متأسفانه نکردیم– دشمن روایت می‌کند و کرده؛ دشمن روایت کرده، با روایت‌های دروغ. این کاری است که ما باید انجام بدهیم؛ وظیفه‌ی جوان‌های ما است» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۰/۰۹/۲۱).

«دشمن در رأس نقشه‌هایش تبلیغات است؛ به قول خودشان پروپاگاندا است. علاجِ پروپاگاندا «تبیین» است، تبیین حقیقت از زبان‌های مختلف، از حنجره‌های مختلف،

با تعبیرات مختلف، با ابتکارات مختلف؛ تبیین. وسوسه‌ای را که روی آن جوان یا نوجوان اثر می‌گذارد، چه می‌تواند برطرف کند؟ باتوم که نمی‌تواند برطرف کند؛ آن وسوسه را تبیین می‌تواند برطرف کند. این مطلب اوّل. جهاد تبیین را جدی باید گرفت» (خامنه‌ای، بیانات: ١٤٠١/١٠/١٩).

از دلایلی که موجب شد که در این برهه از زمان، به مسئله حلقه‌های میانی با موضوع جهاد تبیین توجه و مطرح شود موج سهمگین تبلیغات مسموم و دروغین و رفع وسوسه‌های اغواگر بر علیه نهاد دین و نظام جمهوری اسلامی برآمده از آن توسط رژیم‌های خودکامه و فرعونی و افرادی که از اسلام ضربه و سیلی خورده بودند. ازاین‌رو، لازم و شایسته بود در این امر اقدام فوری و اساسی توسط همه افراد جامعه به‌ویژه جوان مؤمن انقلابی با توجه به فرمایشات آیت‌الله خامنه‌ای و بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی تشکیل و راه‌اندازی شود. تا از این رهگذر حلقه‌های میانی جهاد تبیین؛ به‌مثابه پیشران جامعه‌پردازی به تهاجم نرم دشمن در حوزه جنگ شناختی و ادراکی و فراتر از آن به تبیین حقایق انقلاب و معارف ناب اسلامی بپردازد.

٨. جایگاه مسجد و هیئت در حلقه‌های جهاد تبیین

«مسجد می‌تواند پایگاه همه‌ی کارهای نیک باشد؛ پایگاه خودسازی، انسان‌سازی، تعمیر دل و تعمیر دنیا و مقابله‌ی با دشمن و زمینه‌سازی برای ایجاد تمدّن اسلامی و بصیرت‌افزایی افراد» (خامنه‌ای، بیانات: ١٣٩٥/٠٥/٣١).

«مسجد پایگاه انواع و اقسام فعالیت‌های اجتماعی است؛ یعنی وقتی ما مردم را گرد این محور جمع کردیم، از آن‌ها چه می‌خواهیم. یکی از چیزهایی که می‌خواهیم این است که به فعالیت‌های اجتماعی بپردازند. در جامعه‌ی اسلامی همه‌ی آحاد وظیفه دارند، مسئولیت دارند، باید کار انجام بدهند؛ کار برای پیشرفت جامعه، کار برای امّت؛ بنابراین اینجا محل پمپاژ فکرها و پراکندن وظایف مختلف و کشاندن مردم به

کارهای گوناگون است. مسجد برای انجام فعالیت‌های اجتماعی و پایگاه فعالیت‌های اجتماعی است» (همان).

«من به شما جوان‌های عزیز توصیه می‌کنم قدر هیئت‌هایتان را بدانید. من همیشه به جوان‌ها میگویم قدر جوانی‌تان را بدانید؛ این امروز هم هست. قدر جوانی را بدانید، امّا قدر این هیئت‌ها را بدانید. این هیئت‌ها گنجینه است؛ حقیقتاً گنجینه‌ی معتبر و باارزشی است. هیئت حسینی به معنای یاد و تبیین است. هم یاد است، هم تبیین است؛ یعنی هیئت باید این‌جور باشد: هم یاد را زنده کند، هم پایگاه و مرکز تبیین باشد. این برای امروز ما لازم است. شما میدانید؛ رهزنانی هستند که نمی‌پسندند امثال حرکتِ شما جوان‌ها را؛ رهزنانی هستند که نمی‌پسندند حادثه‌ای مثل حادثه‌ی اربعینِ بین نجف و کربلا را؛ نمی‌پسندند این حضور پُرشور و شورانگیز مردم را؛ [لذا] مشغول تلاش‌اند، مشغول کارند» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۱/۰۶/۲۶).

«جهاد تبیین؛ همین که بنده مکرر تکرار می‌کنم تبیین یا جهاد تبیین، تبیین کنید، روشنگری کنید. هیئت محل جهاد تبیین است. به نظر من از این «اَحیوا اَمرَنا» این نکته‌ی بسیار مهم استفاده می‌شود. یک نکته‌ی دیگر در باب هیئت این است که هیئت یک ساختاری است که هم دارای مغز و معنا است هم دارای تحرک و پویایی است؛ فقط فکر و معنویت و درس و تعلیم، نیست تحرک و پویایی هم در هیئت وجود دارد. مغز و معنا همان مکتب است؛ تبیین مکتب در هیئت‌ها تبیین مکتب می‌شود. اینکه عرض می‌کنیم می‌شود یعنی باید بشود طبیعت هیئت این است: هیئت محل تبیین است محل بیان است محل بیان مهم‌ترین مفاهیم معارف اسلامی و معارف علوی، است محل پاسخ به سؤال‌ها است» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۰/۱۱/۰۳).

۹. ضرورت‌های توجه به حلقه‌های میانی

حلقه‌های میانی، ضمن توجه حضور میدانی و اقدام عملی می‌توانند به‌عنوان واسط ولی جامعه و مردم؛ آراء و اندیشه‌های امامین انقلاب اسلامی را در جامعه نشر و تعمیم دهند. همچنین می‌توانند به جوشش و تعهد انقلابی، شناسایی، هدایت،

توانمندسازی افراد و گروه‌های اجتماعی برای پذیرش و کنش گری در حوزه عمومی، پویایی تعالی‌بخش را در فضای اجتماعی ضریب بدهند. در گام بعدی نیز می‌توانند، به تقویت تعامل و ارتباط آحاد جامعه و مسئولین منجر شوند و از شکل‌گیری شکاف و فاصله میان مسئولان و شهروندان که خواست دشمنان در جنگ شناختی و ادراکی است جلوگیری نمایند. از روی دیگر، با انتقال دیدگاه‌ها، نظرات و مطالبات جامعه به مسئولان و بلعکس به اجتماعی سازی سیاست‌ها و برنامه‌های نظام جمهوری اسلامی ایران و افزایش ضریب نفوذ آن‌ها به ارتقای سرمایه‌های اجتماعی نظام و افزایش مشارکت مردمی در حوزه‌های متعدد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی که شاخصه‌های اعتماد عمومی، انسجام و همبستگی ملی و تاب‌آوری جامعه در برابر بحران‌های داخلی و خارجی را افزایش می‌دهد. ازاین‌رو، موفقیت حلقه‌های میانی می‌تواند به‌مثابه موتور محرکه پرشتاب در دولت‌سازی اسلامی، شکل‌دهی به جامعه اسلامی و پیش‌قراول دستیابی به تمدن نوین اسلامی بر اساس فرآیند پنج‌گانه اهداف انقلاب اسلامی در نگاه آیت‌الله خامنه‌ای ختم شود.

۱۰. چالش‌ها و موانع

در مدت نزدیک به دو سال که از برگزاری سلسله نشست‌های حلقه میانی جهاد تبیین هیئت عاشقان مهدی (عج) سپری شده است؛ اولین چالشی مهم که با آن مواجه بوده‌ایم، به دلیل فقدان تیم آشنا، مسلط به امور رسانه‌ای و ساخت محتوا؛ در تهیه گزارش‌ها و انعکاس سرخط خبری، نماهنگ، پادپخش، موشن گرافی و عکس نوشته؛ متناسب با طراز بالای نشست‌های گفتمانی و بصیرتی همراه نبوده و آثار و نتایج مثبت در امر بصیرت افزایی نشست محدود به همان مکان و افراد حاضر بوده است. در مراحل پنج‌گانه جهاد تبیین، تولید محتوای مستدل، جذاب، مؤثر و قابل فهم اجتماعی و قالب‌های ارائه محتوا، شکل‌دهی چتر رسانه‌ای همراه با به‌کارگیری ابزارهای نوین ارتباطی به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی از ضروریات این جهاد عظیم و کبیر است.

دومین مانع، عدم دسترسی سهل به متفکرین و سخنوران متعهد صاحب خرد و اندیشه انقلابی بوده است. آن هنگام که پس از زحمات و ارتباط‌گیری فراوان به جهت انتقال پیام دعوت‌نامه به شخص مورد نظر، جواب این بوده است که فرصت حضور ندارم. پس از آن که با اصرار هیئت اندیشه‌ورز حلقه میانی جهاد تبیین مواجه می‌شدند این امر را به رئیس دفتر خود محول می‌نمودند که شامل بوروکراسی اداری و شامل گذشت زمان می‌گردید؛ و یا احیاناً جواب صریح منفی عدم حضور را نمی‌خواستند بدهند، حضور را به آینده نامشخص موکول می‌کردند؛ که در مجموع با آن همه تلاش، پیگیری مستمر عایدی معنوی، بصیرتی و گفتمانی برای تشنه‌کامان معارف انقلاب اسلامی و مفاهیم ناب دینی حاصل نگردید.

سومین چالش، عدم حضور مسئولین متناسب با عنوان نشست و بعضاً محافظه‌کاری برخی از آن‌ها در برابر پرسش‌ها، خواسته‌ها و مطالبات مردمی و در موردی اندک کارشکنی و مانع‌تراشی در جهت عدم برگزاری نشست به دلیل ناموجه را می‌توان از چالش‌ها و مشکلات در روند اجرای سلسله نشست‌های های فاخر گفتمانی تبیینی دانست.

متغییرهایی مانند امام‌جمعه، نماینده شهر، فرماندار، فرمانده سپاه و حتی متولیان حوزه فرهنگی می‌توانند سبب آسان شدن یا سخت شدن کار در آن شهرستان شوند. با رعایت اصل حرکت مردمی، لازم است که؛ برای ایجاد تحول بزرگ و مؤثر در راستای شکست توهم اقتدار رسانه‌ای دشمن همگان باید پا به عرصه میدان جهاد تبیین نهاده و دست به حمایت و یاری به هم دهند.

نکته‌ای پایانی در این قسمت که به‌صورت گلایه مطرح می‌شود، عدم حضور شخصیت‌هایی چون نماینده شهر، فرمانده ناحیه مقاومت بسیج، روسای ادارات، نمایندگان ولی‌فقیه در ادارات دولتی و نهادهای حاکمیتی و مسئولین حوزه‌های علمیه مستقر در شهرستان با وجود دعوت رسمی و اطلاع از برگزاری سلسله نشست‌های تبیینی تاکنون حضور نداشته‌اند و اما امام‌جمعه به‌عنوان فرمانده قرارگاه فرهنگی

شهر، فقط یک‌بار در طول برگزاری ۴۹ نشست حضور پیدا نموده است که بسیار جای تأمل و گله‌مندی دارد. ولی با این وجود سربازان رهبری حکیم و فرزانه انقلاب اسلامی در «حلقه میانی جهاد تبیین» در صحنه انگاره سازی دروغین و غیرواقعی که از سوی دشمنان خبیث دنبال و پیاده می‌شود حضور پویا و متعهدانه دارند. حضور تک‌تک مسئولین، در هر جایگاه به‌ویژه نهادهای انقلابی و دینی موجب دلگرمی، امیدواری و خوشحالی عناصر مؤمن به ارزش‌های انقلابی و اسلامی حاضر در میدان و پا به کار در عرصه روشنگری، آگاهی بخشی متعهدانه، به‌مثابه سوخت پیشران حلقه میانی جهاد تبیین عمل می‌کند.

۱۱. پیشنهادات

۱_ «حلقه‌های میانی؛ به‌مثابه پیشران جامعه‌پردازی در نظام انقلابی»، نیازمند یک راهبرد و یک برنامه میان و بلندمدت است و برای این منظور ایجاد تشکیلات، برساخت قرارگاه مرکزی و یا دبیرخانه‌ای متمرکز حلقه‌های میانی، به‌اصطلاح «ستاد و صف» از ضروریات و الزامات مؤثر و کارگشا در سطح کشور با حضور عناصر تا بن دندان متعهد، معتقد، کاردان و کارآزموده کاملاً مردمی و با حضور نخبه‌های فکری جوان در زمینه‌های گوناگون، بدون وابستگی به نهادهای دولتی و حاکمیتی تشکیل شود. تا دچار دیوان‌سالاری پرهزینه و زمان‌بر نباشد، در گام نخست است؛ که متولی ترسیم چشم‌انداز، سیاست‌گذاری، تسهیل گری، هم‌افزایی و احصاء موانع و چالش‌ها، پالایش در سطح بالادستی اقدامات عاجل در جهت هدایت، راهبری و تقویت حلقه‌های میانی قدم‌هایی بردارد.

۲_ ایجاد حلقه‌های میانی در سطوح مراکز شهرستان‌ها، استان‌های کشور برای حل نظام مسائل آن منطقه بنا بر بوم متفاوت آن و نقش‌آفرینی جوانان بر اساس بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، بالندگی و شکوفایی فعالان این عرصه به شبکه‌سازی مبادرت و نیروی انسانی این جبهه‌ها باید به دیگر فعالان استانی و کشوری متصل شوند. حلقه‌های میانی در سطوح مختلف وظایفی همچون «تمرکز، ایجاد برنامه‌ی کار، پیدا

کردن راهکار، برنامه‌ریزی، هدایت و ...» را در سطح بومی بر عهده داشته و نقش‌آفرینی نمایند. در این راستا برای موفقیت و دست‌یابی به اهداف تعیین شده «همکاری، هم‌افزایی، نظارت» و در نظر گرفتن جهت‌گیری اصلی «تمدن نوین اسلامی»، همراه با صبر، استقامت خستگی‌ناپذیری در مسیر جهاد تبیین از الزامات کار است.

۳_ لازم است که به نیروهای توانمند و دغدغه‌مند در حوزه‌های مختلف و متنوع حلقه‌های میانی؛ در زمینه کار و فعالیت گروهی به‌ویژه در قالب برنامه‌های دینی در جهت تعمیق و ترویج اندیشه‌های معارف ائمه اطهار (ع)، انقلاب اسلامی، بیان پیشرفت و دستاوردهای کشور و دیگر مباحث تربیتی و عقیدتی، پرورشی، علمی آموزش‌های مهارت افزایی لازم داده شود که در جایگاه خود نیز دارای اهمیت و ضرورت است.

نتیجه‌گیری

جهاد تبیین یکی از انواع جهاد محسوب می‌شود. آیت‌الله خامنه‌ای در جایگاه مدیریت کلان ارزشی در عصر حاضر احیاء کننده جهاد تبیین است. دشمن پس از شکست مفتضحانه در اقدامات سیاسی، نظامی و اقتصادی با به‌کارگیری تجهیزات رسانه‌ای و ارتباطی برای نابودی اصل نظام اسلامی و استحاله ارزش‌های آن پا به میدان گذاشت که انقلاب اسلامی را از درون تهی و ماهیت زدایی کند تا بتواند به اهداف استکباری و استعماری خویش برسد و ایران اسلامی و انقلابی را به دوران ننگین طاغوت بازگرداند. ازاین‌رو، حلقه میانی جهاد تبیین با درک صحیح مقتضیات روز جامعه و کشور برای مصونیت بخشی و ایجاد قلعه مستحکم ذهنی و روانی مطرح می‌شوند.

حال حلقه‌های میانی در چند سال گذشته با فرمان جهاد عمومی، حرکت‌های آتش به اختیار در همه عرصه‌ها مرتبط با پیشرفت وارد، گام دوم انقلاب اسلامی و پشت سر نهادن چلّه پرافتخار و قدم به دهه پنجم حیات مشعشع خود نیاز به نقش‌آفرینی

هر چه بیشتر مردم و اقشار مختلف، همانند دهه اول در قالب یک «حرکت عمومی معقول و منضبط» با «محوریت جوانان متعهد» تحت عنوان حلقه‌های میانی به سمت چشم‌انداز غایی که همان تمدن نوین اسلامی است، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است؛ زیرا هرچه انقلاب شکوهمند اسلامی به جلوتر می‌رود، برای برداشتن گام‌های استوار در آینده، باید گذشته و حال و همچنین تقابل دوگانه واقعی «اسلام و استکبار» پدیده‌ی برجسته جهان معاصر را تبیین نمود. ازاین‌رو، با توجه به اینکه وارد دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن سازی شده‌ایم، نیاز به حلقه‌های میانی به‌ویژه حلقه میانی جهاد تبیین: برای تحقق و نقش‌آفرینی حکمرانی مردمی، اراده ملی با محوریت جوانان روزبه‌روز بیشتر احساس می‌شود.

فهرست منابع

-قرآن کریم
-پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله العالی)_موُسسه پژوهشی و فرهنگی انقلاب اسلامی
-خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۹). *البیع*، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
-محمدزاده بنی طرفی، مهدی (١٤٠١). ((جهاد تبیین و نقش حلقه‌های میانی در تحقق بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی))، *فصلنامه علمی جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی*، سال سوم (٤)
-صلح میرزایی، سعید (١٤٠٠). *جهاد تبیین در اندیشه‌ی حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی)*، تهران: انقلاب اسلامی
-سایت:farsi.khamenei.ir

نقش‌آفرینی زنان در حلقه‌های میانی: راهبردی برای تحقق بیانیه گام دوم انقلاب و پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی

سیده مهری جوادی[1] حسن فارسی[2]

چکیده

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، به‌منزله منشوری راهبردی برای دستیابی به تمدن نوین اسلامی، بر نقش بی‌بدیل حلقه‌های میانی به‌عنوان واسطه‌ای میان مردم و حاکمیت تأکید دارد. در این میان، زنان، به‌عنوان نیمی از جامعه، جایگاهی ممتاز در پیشبرد اهداف انقلاب و تحقق آرمان‌های این بیانیه ایفا می‌کنند. این مقاله، با نگاهی عمیق و تحلیلی، به تبیین جایگاه و کارکرد زنان در ساختار حلقه‌های میانی پرداخته و اهمیت حضور فعال آنان در فرآیند جامعه‌سازی، گفتمان‌سازی و پرورش نسل انقلابی را واکاوی می‌نماید. در گام نخست، مفهوم حلقه‌های میانی و کارویژه‌های آن در تقویت مشارکت مردمی و حل مسائل اجتماعی تشریح می‌شود. سپس، نقش‌آفرینی زنان در این ساختار از منظر بیانیه گام دوم انقلاب مورد بررسی قرار گرفته و ابعاد گوناگون مشارکت آنان در حوزه های علمی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی تبیین می‌گردد. افزون بر این، الزامات توانمندسازی زنان، چالش‌های فراروی آنان و فرصت‌های موجود برای تقویت جایگاهشان با دقت و عمق تحلیل می‌شود. این پژوهش، با ارائه راهبردهایی عملی همچون شبکه‌سازی، بهره‌گیری از الگوهای موفق و تعامل اثربخش با نهادهای حاکمیتی و مردمی، بر ضرورت تقویت نقش زنان در حلقه‌های میانی تأکید دارد. یافته‌ها نشان می‌دهد که مشارکت مؤثر زنان در این ساختارها نه‌تنها عدالت اجتماعی را تعمیق می‌بخشد، بلکه به گسترش فرهنگ انقلابی و تقویت سرمایه اجتماعی در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی یاری می‌رساند.

واژگان کلیدی: بیانیه گام دوم انقلاب، حلقه‌های میانی، نقش زنان، تمدن‌سازی اسلامی، مشارکت مردمی، توانمندسازی زنان، جامعه‌سازی انقلابی.

---

[1] عضوهئیت علمی پژوهشکده علوم پایه کاربردی جهاد دانشگاهی *Ghazalehjavadi.z@gmail.com*

[2] عضو هئیت علمی دانشگاه علم و فرهنگ جهاد دانشگاهی

۱. مقدمه

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، به‌منزله منشوری راهبردی و الهام‌بخش، افق‌های روشن و نویدبخشی را برای دستیابی به تمدن نوین اسلامی و تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی ترسیم می‌کند. این بیانیه، با تأکید بر مشارکت گسترده مردمی و نقش بنیادین حلقه‌های میانی، این ساختارها را به‌عنوان پیونددهنده‌ای میان مردم و حاکمیت معرفی کرده است؛ حلقه‌هایی که با ایفای نقشی محوری در سازمان‌دهی اجتماعی و پرورش سرمایه انسانی، زمینه‌ساز حرکت جامعه به‌سوی آرمان‌های متعالی انقلاب می‌گردند (Mohammadi,2023). در این میان، زنان، به‌عنوان نیمی از پیکره جامعه و مربیان اصلی نسل‌های آینده، جایگاهی بی‌بدیل و نقشی سرنوشت‌ساز در پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی دارند (Terman,2010). پرداختن به جایگاه و نقش زنان در ساختار حلقه‌های میانی، نه‌تنها به دلیل توانمندی‌های فردی و اجتماعی آنان، بلکه به‌منظور تقویت عدالت اجتماعی (Higgins,1985) و تحقق تحولاتی بنیادین در مسیر جامعه‌سازی و تمدن‌سازی اسلامی، ضرورتی انکارناپذیر است (Isfandiyārī,1997). این مقاله، با هدف تبیین جایگاه و نقش‌آفرینی زنان در حلقه‌های میانی، به بررسی عمیق ظرفیت‌های آنان در عرصه‌های گوناگون مدیریت مردمی، گفتمان‌سازی و حل مسائل اجتماعی می‌پردازد. افزون بر آن، با ارائه راهبردهای عملی، در پی آن است که نقش زنان را در این ساختارها تقویت کرده و کارآمدی آنان را در مسیر تحقق آرمان‌های بلند انقلاب اسلامی ارتقا بخشد. امید است که این پژوهش بتواند گامی مؤثر در بهره‌گیری از ظرفیت‌های بی‌کران زنان در تحقق تمدن نوین اسلامی و پیشبرد اهداف متعالی انقلاب اسلامی باشد.

نقش زنان در تمدن‌سازی نوین اسلامی، به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از جامعه، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این نقش نه‌تنها در راستای تحقق عدالت اجتماعی حائز اهمیت است، بلکه به‌عنوان یکی از ارکان اساسی برای بهره‌گیری از تمامی ظرفیت‌های انسانی در جهت پیشبرد اهداف ملی و انقلابی نیز ضروری به نظر

می‌رسد. زنان، با حضور در حلقه‌های میانی، می‌توانند به‌عنوان واسطه‌ای مؤثر میان مردم و حاکمیت عمل کنند و از طریق مشارکت در فرآیندهای تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری، به تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی کمک نمایند. حضور مؤثر زنان در این حلقه‌ها، زمینه‌ساز تقویت مشارکت اجتماعی است و بستری فراهم می‌آورد که تمامی اقشار جامعه، به‌ویژه زنان، بتوانند در فرآیندهای اجتماعی و فرهنگی نقش‌آفرینی کنند. این مشارکت نه‌تنها سرمایه اجتماعی را افزایش می‌دهد، بلکه حس اعتماد و همبستگی میان اقشار مختلف جامعه را نیز تقویت می‌کند. افزون بر این، زنان با ایفای نقش در تربیت نسل‌های آینده و انتقال ارزش‌های اسلامی و انقلابی، به تقویت هویت فرهنگی و اخلاقی جامعه یاری می‌رسانند. با وجود این، موانع فرهنگی، اجتماعی و ساختاری متعددی، از جمله تبعیض‌ها، دسترسی محدود به فرصت‌های برابر و نبود حمایت‌های کافی، مشارکت زنان را در این عرصه محدود کرده است. رفع این موانع و تدوین سیاست‌گذاری‌های هدفمند، برای توانمندسازی و مشارکت فعال زنان در حلقه‌های میانی، ضرورتی انکارناپذیر است که تحقق آن می‌تواند به پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی و تمدن‌سازی نوین کمک کند.

۲. روش تحقیق

این پژوهش با رویکردی کیفی و روش توصیفی-تحلیلی طراحی و اجرا شده است و هدف آن بررسی عمیق و نظام‌مند نقش‌آفرینی زنان در حلقه‌های میانی به‌عنوان راهبردی برای تحقق بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی است. داده‌های پژوهش از سه منبع اصلی گردآوری شده‌اند. نخست، مطالعه منابع مکتوب شامل کتب، مقالات علمی، گزارش‌های پژوهشی و سایر منابع معتبر مرتبط با موضوع تحقیق که برای تحلیل نظریه‌ها، دیدگاه‌ها و تجارب مرتبط با نقش زنان در حلقه‌های میانی و ارتباط آن با بیانیه گام دوم مورد استفاده قرار گرفته‌اند. دوم، اسناد و مدارک مرتبط، به‌ویژه اسناد رسمی و بیانیه‌های صادرشده نظیر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که به‌عنوان چارچوب مفهومی و مبنای نظری تحقیق بررسی

شده‌اند. سوم، تحلیل نمونه‌های موفق نقش‌آفرینی زنان در حوزه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، علمی و مدیریتی که با استفاده از گزارش‌ها و آمار موجود، نقاط قوت و چالش‌های پیش‌روی آنان شناسایی شده است. برای تحلیل داده‌ها، از روش تحلیل محتوای کیفی بهره گرفته شده که امکان شناسایی مفاهیم کلیدی، الگوها و روابط میان داده‌ها را فراهم کرده و نتایجی کاربردی و دقیق ارائه داده است. فرآیند تحلیل شامل چهار مرحله بوده است: ابتدا، گردآوری داده‌ها از منابع و اسناد مختلف انجام شد. سپس، داده‌ها بر اساس محورهای اصلی پژوهش نظیر مشارکت اجتماعی، عدالت جنسیتی و تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی طبقه‌بندی شدند. در مرحله بعد، داده‌ها مورد تحلیل و تفسیر قرار گرفتند تا الگوها و مفاهیم مرتبط با نقش زنان در حلقه‌های میانی و تأثیر آن بر تحقق اهداف بیانیه گام دوم استخراج شوند. درنهایت، نتایج به دست آمده جمع‌بندی شد و پیشنهادهایی برای ارتقای جایگاه زنان در حلقه‌های میانی و تقویت مشارکت آنان در فرآیندهای اجتماعی و فرهنگی ارائه گردید. این روش تحقیق، با تأکید بر تحلیل عمیق و کیفی داده‌ها، بستر لازم برای درک بهتر از نقش زنان در حلقه‌های میانی و ارائه راهکارهای عملی برای تقویت این نقش در راستای تحقق اهداف انقلاب اسلامی را فراهم کرده است.

۳. چارچوب نظری

چارچوب نظری این تحقیق بر مفهوم «حلقه‌های میانی» استوار است؛ ساختارهایی که به‌عنوان واسطه‌ای مؤثر میان مردم و حاکمیت عمل می‌کنند و نقشی کلیدی در تقویت ارتباط میان اجزای مختلف جامعه ایفا می‌نمایند. این حلقه‌ها با ایجاد تعامل میان گروه‌های اجتماعی، نهادهای فرهنگی و ساختارهای تصمیم‌گیری، بستری برای انتقال خواسته‌ها و نیازهای مردم به سطوح بالای مدیریتی و همچنین تحقق سیاست‌ها و برنامه‌های کلان حاکمیتی فراهم می‌کنند. در این چارچوب، زنان به‌عنوان یکی از ارکان اصلی حلقه‌های میانی، نقشی بی‌بدیل در تسهیل مشارکت اجتماعی، گفتمان‌سازی فرهنگی و تربیت نسل‌های آینده دارند. نقش‌آفرینی زنان در

این ساختارها می‌تواند به تعمیق عدالت اجتماعی، تقویت سرمایه اجتماعی و گسترش ارزش‌های اسلامی و انقلابی کمک کند. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، به‌عنوان چارچوب مفهومی این تحقیق، بر اهمیت حضور همه‌جانبه اقشار مختلف جامعه، از جمله زنان، در مسیر تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی تأکید دارد. این بیانیه، زنان را نه به‌عنوان گروهی جداگانه، بلکه به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از فرآیند تمدن‌سازی نوین اسلامی در نظر می‌گیرد. در این چارچوب نظری، نقش زنان در حلقه‌های میانی به‌عنوان عاملی برای تقویت ارتباطات اجتماعی و تحقق اهداف کلان ملی تحلیل شده است. بهره‌گیری از ظرفیت‌های زنان در حوزه‌های علمی، فرهنگی، اجتماعی و مدیریتی می‌تواند راهگشای تحقق اهداف بیانیه گام دوم و پیشبرد انقلاب اسلامی باشد.

۳,۱. مفهوم‌شناسی و مبانی نظری حلقه‌های میانی

حلقه‌های میانی به ساختارها، نهادها و گروه‌هایی اطلاق می‌شود که نقش واسطه‌ای میان مردم و حاکمیت را ایفا می‌کنند. این حلقه‌ها با ایجاد پل ارتباطی میان لایه‌های مختلف جامعه و ساختارهای تصمیم‌گیری، بستری برای انتقال خواسته‌ها، نیازها و دیدگاه‌های مردم به سطوح بالای مدیریتی فراهم می‌آورند و در عین حال، وظیفه تبیین و تحقق سیاست‌ها و برنامه‌های کلان حاکمیتی را در میان مردم بر عهده‌دارند. حلقه‌های میانی از نظر ماهیت و کارکرد، تنوع و گستردگی فراوانی دارند و می‌توانند شامل گروه‌های جهادی، سازمان‌های مردم‌نهاد، نهادهای فرهنگی، تشکل‌های اجتماعی و حتی شبکه‌های غیررسمی باشند. ویژگی اصلی این حلقه‌ها، توانایی در ایجاد هم‌افزایی میان ظرفیت‌های مردمی و منابع حاکمیتی به‌منظور دستیابی به اهداف مشترک است (Aji et al.2018).

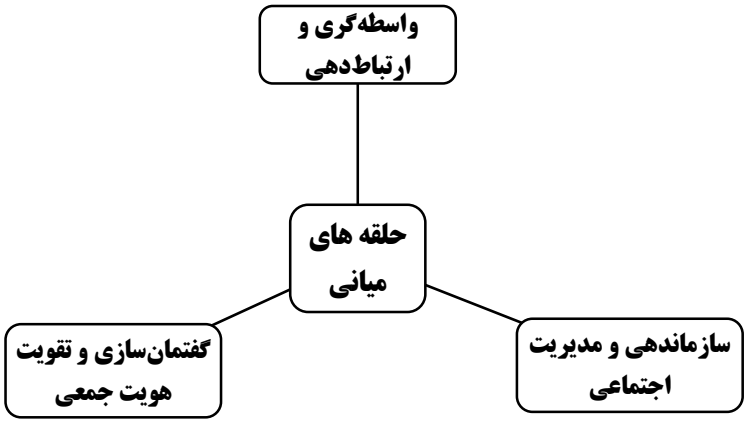

نمودار ۱: محورهای اصلی کارکرد حلقه‌های میانی به‌عنوان پلی میان مردم و حاکمیت

۳,۲. ارتباط حلقه‌های میانی با مشارکت مردمی و حاکمیت

یکی از ویژگی‌های برجسته حلقه‌های میانی، توانایی آن‌ها در برقراری تعادل و هم‌افزایی میان مشارکت مردمی و ساختارهای حاکمیتی است (Masango,2002; Nyaranga et al.2022). این حلقه‌ها از یک سو با بهره‌گیری از توان و انرژی مردم، زمینه‌ساز تحقق برنامه‌های حاکمیتی می‌شوند و از سوی دیگر، با انتقال بازخوردها و نیازهای مردم به حاکمیت، به اصلاح و بهبود سیاست‌ها کمک می‌کنند (Jager et al.2020; Chen et al.2019). ارتباط حلقه‌های میانی با مشارکت مردمی، بر مبنای اعتماد و همبستگی شکل می‌گیرد. این حلقه‌ها از طریق ایجاد فرصت‌های برابر برای مشارکت افراد در فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی، به ارتقای سرمایه اجتماعی و افزایش حس مسئولیت‌پذیری در جامعه کمک می‌کنند (Castañeda-Sánchez et al.2023; Leong et al.2009). در عین حال، ارتباط حلقه‌های میانی با حاکمیت، بر پایه همکاری و هماهنگی استوار است و می‌تواند به تسهیل اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های کلان ملی بیانجامد.

۳,۳. نقش‌آفرینی زنان در بیانیه گام دوم انقلاب: تحلیلی بر جایگاه و رسالت آنان (تحلیل محورهای مرتبط با زنان در بیانیه)

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که به‌منزله نقشه راهی برای حرکت انقلاب در مسیر تمدن‌سازی نوین اسلامی تدوین شده است، بی‌هیچ تفکیک جنسیتی بر اهمیت حضور فعال و همه‌جانبه تمامی اقشار جامعه تأکید دارد. هرچند در متن این بیانیه، به‌طور خاص به واژه «زن» اشاره نشده، اما نگاه عمیق و همه‌جانبه آن به انسان، مرد و زن را به‌طور یکسان به‌عنوان عناصر اساسی تحول و پیشرفت مدنظر قرار داده است. در این بیانیه، نقش زنان به‌طور غیرمستقیم و در قالب مشارکت‌های اجتماعی، فرهنگی و علمی مورد تأکید قرار گرفته است. مفاهیمی همچون پیشرفت علمی، عدالت‌گستری و تربیت نسل‌های آینده که از ارکان اصلی بیانیه به‌شمار می‌روند، بر حضور و اثرگذاری زنان در فرآیندهای اجتماعی و تمدنی صحه می‌گذارند (Khimish,2014). این نگاه، برگرفته از آموزه‌های اسلامی، زنان را در کنار مردان به‌عنوان رکن رکین جامعه‌سازی و تمدن‌سازی معرفی می‌کند و به آنان نقشی بنیادین در تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی اعطا می‌نماید (Terman,2010).

۳,٤. تأکید بر جایگاه زنان در تمدن‌سازی نوین اسلامی

تمدن‌سازی نوین اسلامی که در بیانیه گام دوم انقلاب به‌عنوان هدفی بلندپروازانه و متعالی ترسیم شده است، نه‌تنها به تغییرات اجتماعی و اقتصادی در سطح کلان اشاره دارد، بلکه به‌طور خاص بر نقش مؤثر و بنیادی هر فرد در این فرآیند تأکید می‌کند. در این چشم‌انداز، زنان به‌عنوان نیمی از پیکره اجتماع، نقشی کلیدی و اساسی در تحقق اهداف بلندمدت انقلاب اسلامی ایفا می‌کنند. مشارکت همه‌جانبه زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، علمی و اقتصادی، از ضروریات این تمدن‌سازی به شمار می‌رود. در بیانیه گام دوم انقلاب، زنان به‌عنوان یک گروه اجتماعی خاص مورد توجه قرار نگرفته‌اند، بلکه بر اساس اصول اسلامی و انسانی،

آنان به‌طور یکسان با مردان در فرآیند تحقق اهداف انقلاب اسلامی و تمدن‌سازی اسلامی در نظر گرفته شده‌اند (Karmilah et al.2023). این نگاه جامع و فراگیر، مبتنی بر عدالت اجتماعی و بهره‌گیری از تمامی ظرفیت‌های انسانی است (Perempuan et al.2024). بیانیه گام دوم انقلاب با تأکید بر استفاده از تمامی توانمندی‌های جامعه، شرایطی را فراهم می‌آورد که زنان و مردان به‌طور برابر و هم‌زمان در جهت پیشبرد اهداف انقلاب و ساخت تمدن اسلامی سهیم باشند. زنان، با ویژگی‌های منحصربه‌فرد خود، می‌توانند در عرصه‌های مختلف تمدن‌سازی نقش‌آفرینی کنند. در حوزه تربیت نسل‌های آینده، آنان مسئولیت سنگینی بر دوش دارند. مادران به‌عنوان مربیان نخستین، می‌توانند با انتقال ارزش‌های انسانی، اخلاقی و دینی، نسلی را تربیت کنند که در آینده در خدمت پیشرفت جامعه و تمدن اسلامی قرار گیرد (El-Shorbagy,2020). همچنین، زنان در تقویت بنیان‌های اخلاقی و فرهنگی جامعه نیز نقشی بی‌بدیل دارند. حضور زنان در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی نه‌تنها به غنای فرهنگی جامعه کمک می‌کند، بلکه به تقویت ارزش‌های اسلامی و انسانی می‌انجامد. در عرصه‌های علمی و اقتصادی نیز زنان به‌عنوان نیمی از نیروی انسانی جامعه، می‌توانند با بهره‌گیری از توانمندی‌های خود، در پیشبرد اهداف علمی و اقتصادی انقلاب اسلامی نقش‌آفرینی کنند (Al-Sarhan,2023). بیانیه گام دوم انقلاب با تأکید بر علم و فناوری به‌عنوان یکی از ارکان اساسی پیشرفت، فرصت‌های بی‌پایانی را برای زنان فراهم کرده است تا در این عرصه‌ها نیز پیشگام باشند. مشارکت زنان در این زمینه‌ها نه‌تنها موجب رشد و شکوفایی علمی و اقتصادی کشور می‌شود، بلکه به تحقق آرمان‌های اقتصادی و اجتماعی انقلاب اسلامی نیز کمک شایانی می‌کند (Khosrokhavar,2002)؛ بنابراین، در بیانیه گام دوم انقلاب، زنان نه به‌عنوان گروهی جداگانه، بلکه به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از فرآیند تحول و پیشرفت جامعه در نظر گرفته شده‌اند. نگاه جامع و عادلانه‌ای که در این بیانیه نهفته است، بر ضرورت بهره‌گیری از تمامی ظرفیت‌های انسانی تأکید دارد و زنان را

به‌عنوان یک نیروی توانمند و اثرگذار در تحقق اهداف انقلاب اسلامی و تمدن‌سازی نوین اسلامی معرفی می‌کند (Moghadam,1989). در این راستا، مشارکت زنان در حلقه‌های میانی و در تمامی سطوح اجتماعی و مدیریتی، نه‌تنها یک ضرورت است، بلکه به‌عنوان یک عامل بنیادین برای پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی و ساخت تمدنی بر پایه ارزش‌های اسلامی و انسانی محسوب می‌شود.

۳,۵. جایگاه زنان در حلقه‌های میانی

۳,۵,۱. نقش زنان در مدیریت مردمی و اجتماعی

در فرآیند تحقق اهداف بلندمدت بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، حضور زنان در حلقه‌های میانی به‌عنوان یک عنصر حیاتی و مؤثر در مدیریت مردمی و اجتماعی به‌شمار می‌رود. حلقه‌های میانی که درواقع رابطی میان مردم و مسئولان ارشد نظام هستند، بستری را فراهم می‌آورند تا نقش‌آفرینی فعال اقشار مختلف جامعه در راستای اهداف انقلاب اسلامی امکان‌پذیر شود. در این میان، زنان به‌عنوان نیمی از پیکره جامعه، با ویژگی‌های خاص خود در عرصه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و مدیریتی توانسته‌اند نقشی مؤثر و راهبردی ایفا کنند (Musai et al.2014; Irawan et al.2024). یکی از عرصه‌هایی که زنان در آن به‌طور چشمگیری در حلقه‌های میانی حضور دارند، گروه‌های جهادی، خیریه‌ها و تشکل‌های مردمی است. زنان، با توجه به روحیه فداکاری، همدلی و اهتمام به مسائل اجتماعی، همواره پیشگام در فعالیت‌های جهادی و خیریه‌ای بوده‌اند. این گروه‌ها که اساساً بر پایه مشارکت مردمی بنا شده‌اند، در حل مشکلات اجتماعی و فرهنگی، به‌ویژه در مناطق محروم و نیازمند، نقشی بی‌بدیل ایفا کرده‌اند. زنان با حضور در این عرصه‌ها، نه‌تنها به رفع نیازهای فوری مردم کمک کرده‌اند، بلکه با ایجاد بسترهای مناسب برای توانمندسازی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، به فرآیند تحول اجتماعی و تحقق اهداف انقلاب اسلامی یاری رسانده‌اند. تأثیرگذاری زنان در حل مسائل اجتماعی و فرهنگی (Cresswell,2024) نیز یکی دیگر از ابعاد مهم نقش‌آفرینی آنان در حلقه‌های میانی

است. زنان با توجه به جایگاه ویژه‌ای که در خانواده و جامعه دارند، می‌توانند به‌عنوان کاتالیزورهایی مؤثر در حل معضلات اجتماعی و فرهنگی عمل کنند. از جمله این مسائل می‌توان به آسیب‌های اجتماعی، مسائل فرهنگی و تربیت نسل‌های آینده اشاره کرد (Cidro et al.2018). حضور فعال زنان در این حوزه‌ها، به‌ویژه در نهادهای اجتماعی و فرهنگی، می‌تواند موجب ارتقای آگاهی اجتماعی، ترویج فرهنگ اسلامی و تحکیم بنیان‌های خانواده شود. زنان در حلقه‌های میانی، با بهره‌گیری از ظرفیت‌های خود، می‌توانند در تقویت فرهنگ اسلامی و ایرانی و حل مشکلات اجتماعی تأثیرگذار باشند و درنهایت به تحقق اهداف کلان انقلاب اسلامی کمک کنند. در این راستا، زنان با توانمندی‌های فکری، اجتماعی و مدیریتی خود، در کنار مردان، به‌عنوان عاملان تغییر در فرآیند توسعه اجتماعی و فرهنگی عمل کرده و در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی، نقش‌آفرینی مؤثری دارند؛ بنابراین، نقش زنان در حلقه‌های میانی، به‌ویژه در عرصه‌های جهادی، خیریه‌ای و فرهنگی، نه‌تنها به‌عنوان یک ضرورت بلکه به‌عنوان یک عامل بنیادین در پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی و تحقق آرمان‌های آن مطرح می‌شود.

۳،۵،۲. زنان به‌عنوان رهبران فرهنگی و اجتماعی

زنان در حلقه‌های میانی نه‌تنها به‌عنوان عاملان تغییر اجتماعی و فرهنگی شناخته می‌شوند (Carroll et al.2024)، بلکه به‌عنوان رهبران فرهنگی و اجتماعی نقشی بی‌بدیل و راهبردی در هدایت جامعه به سمت ارزش‌های انقلابی ایفا می‌کنند (Hoyt et al.2017). در این جایگاه، آنان به‌عنوان پیشگامان گفتمان‌سازی، توانایی دارند تا جریان‌های فکری و فرهنگی را به سمت آرمان‌های انقلاب اسلامی سوق دهند و در فرآیند تربیت نسل‌های آینده، نقشی اساسی در شکل‌دهی به جامعه‌ای مبتنی بر اصول انسانی و اسلامی ایفا کنند (Adongo et al.2023).

۳،۵،۲،۱. گفتمان‌سازی و هدایت جامعه به سمت ارزش‌های انقلابی

یکی از وظایف کلیدی زنان در حلقه‌های میانی، گفتمان‌سازی و هدایت جامعه به سمت ارزش‌های انقلابی است. زنان، با توجه به موقعیت ویژه‌ای که در خانواده و جامعه دارند، می‌توانند در ایجاد و ترویج گفتمان‌های فرهنگی و اجتماعی نقش برجسته‌ای ایفا کنند. آنان به‌عنوان مادران، مربیان و الگوهای اجتماعی، می‌توانند با انتقال و نهادینه‌سازی ارزش‌های انقلاب اسلامی، نظیر عدالت، آزادی، عزت ملی و استقلال، به نسل‌های آینده، در تقویت پایه‌های فرهنگی و هویتی جامعه سهم بزرگی داشته باشند (Winter,2016). گفتمان‌سازی زنان به‌ویژه در عرصه‌های آموزش‌وپرورش، فرهنگ‌سازی و رسانه‌ها، می‌تواند در تغییر نگرش‌ها و باورهای اجتماعی مؤثر واقع شود (Gazieva,2021). آنان با استفاده از ظرفیت‌های خود در این حوزه‌ها می‌توانند ارزش‌های اسلامی و انقلابی را در دل جامعه نهادینه کرده و در برابر تهدیدات فرهنگی و اجتماعی غربی، به‌عنوان حافظان فرهنگ و هویت ملی ایستادگی کنند (Cresswell,2024). در این راستا، زنان با هدایت جامعه به سمت آگاهی جمعی و توسعه فرهنگی، می‌توانند به ارتقای فضای اخلاقی و معنوی در جامعه کمک کنند و از این طریق، روند حرکت جامعه به سوی تحقق اهداف انقلاب اسلامی را تسهیل نمایند.

۳،۵،۲،۲. پرورش و تربیت نسل انقلابی و متعهد

یکی دیگر از ابعاد مهم جایگاه زنان در حلقه‌های میانی، پرورش و تربیت نسل انقلابی و متعهد است. زنان به‌عنوان مربیان نخستین، در شکل‌دهی به شخصیت اجتماعی و فرهنگی نسل‌های آینده نقشی اساسی دارند (Alkanchi et al.2024). آنان با تربیت فرزندان خود بر اساس اصول و ارزش‌های اسلامی، می‌توانند نسلی را پرورش دهند که در آینده نه‌تنها در راستای پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی گام بردارد، بلکه در برابر چالش‌ها و تهدیدات مختلف، متعهد و مؤمن به اصول انقلاب اسلامی باشد (Shayne,2004). در فرآیند تربیت نسل انقلابی، زنان می‌توانند با استفاده

از آموزه‌های دینی و فرهنگی، ارزش‌های ایثار، فداکاری و مسئولیت‌پذیری را در فرزندان خود نهادینه کنند. آنان با ارائه الگویی از زنان انقلابی و مؤمن، به فرزندان خود نشان می‌دهند که چگونه می‌توان در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، بر اساس اصول انقلاب اسلامی عمل کرد. این نسل که از مادران خود آموزه‌های انقلابی و فرهنگی را می‌آموزد، در آینده به نیرویی کارآمد و مؤثر در تحقق اهداف انقلاب اسلامی تبدیل خواهد شد (Nisa,2021). در این راستا، زنان به‌عنوان رهبران فرهنگی و اجتماعی، در کنار نقش‌های تربیتی خود، می‌توانند به‌عنوان مروجین و حافظان اصول انقلاب اسلامی در جامعه عمل کنند. آنان با ترویج ارزش‌های انسانی و اسلامی و تقویت روحیه انقلابی در نسل‌های آینده، به تحقق تمدن نوین اسلامی و پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی کمک خواهند کرد. به‌این‌ترتیب، زنان در حلقه‌های میانی نه‌تنها به‌عنوان کاتالیزورهای تغییر اجتماعی عمل می‌کنند، بلکه به‌عنوان رهبران فرهنگی و اجتماعی، در فرآیند تمدن‌سازی اسلامی نقش‌آفرینی می‌کنند و جامعه را به سوی آینده‌ای روشن و مبتنی بر اصول انقلاب اسلامی هدایت می‌کنند (Kim,2024).

٤. نمونه‌های موفق نقش‌آفرینی زنان در حلقه‌های میانی

در مسیر تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که بر تمدن‌سازی نوین اسلامی و پیشبرد اهداف انقلاب تأکید دارد، نقش زنان در حلقه‌های میانی به‌عنوان یکی از ارکان اصلی در تحولات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مطرح می‌شود. حلقه‌های میانی به‌عنوان رابط میان مردم و حاکمیت، بستر مناسبی برای نقش‌آفرینی زنان در فرآیندهای تصمیم‌سازی، گفتمان‌سازی و تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی فراهم می‌آورد. در این راستا، بررسی نمونه‌های موفق از نقش‌آفرینی زنان در این حلقه‌ها، چه در سطح داخلی و چه در سطح بین‌المللی، می‌تواند الگویی برای بهره‌برداری از ظرفیت‌های زنان در تحقق اهداف بلندمدت انقلاب اسلامی باشد.

٤,١. بررسی مصادیق داخلی

در سطح داخلی، زنان در ایران اسلامی همواره نقش‌آفرینی‌های مؤثری در حلقه‌های میانی داشته‌اند که نمونه‌های برجسته آن در عرصه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی به‌وضوح قابل مشاهده است. یکی از نمونه‌های موفق در این زمینه، حضور زنان در گروه‌های جهادی و خیریه‌ها است. در دوران دفاع مقدس، زنان با ایجاد گروه‌های جهادی، نه‌تنها در عرصه‌های مختلف امدادی و پشتیبانی از جبهه‌ها نقش داشتند، بلکه در توانمندسازی اجتماعی و اقتصادی مناطق محروم نیز تأثیرگذار بودند. این زنان، با بهره‌گیری از ظرفیت‌های خود، در تحقق اهداف انقلاب اسلامی و همچنین در فرآیند بازسازی کشور پس از جنگ، نقشی کلیدی ایفا کردند. نمونه‌هایی از این نقش‌آفرینی عبارت‌اند از:

٤,١,١. پشتیبانی و تدارکات

در شهرهایی مانند خرمشهر و آبادان، زنان با تشکیل گروه‌های پشتیبانی در مساجد و حسینیه‌ها به تهیه و پخت غذا برای رزمندگان می‌پرداختند. به‌عنوان‌مثال، در مسجد جامع خرمشهر و حسینیه اصفهانی‌های خرمشهر، بانوان به‌صورت خودجوش در پخت‌وپز و ارسال مواد غذایی به جبهه‌ها مشارکت داشتند.

٤,١,٢. امداد و نجات

زنان در مناطق مرزی مانند خرمشهر، سوسنگرد و اهواز، با شرکت در فعالیت‌های امدادی، به مداوای مجروحان و انتقال شهدا می‌پرداختند. آن‌ها با شجاعت و رشادت، در خط مقدم جبهه حضور یافته و به رزمندگان کمک می‌کردند. ستاد مرکزی راهیان نور کشور.

٤,١,٣. حمایت‌های معنوی و اجتماعی

بانوان با تأسیس کمیته‌های امدادی و حمایتی، به حفظ تمدن اسلامی و دفاع از ارزش‌های دینی کمک شایانی کردند. به‌عنوان‌مثال، مادران شهدا و همسران رزمندگان با تشکیل گروه‌های حمایتی، به خانواده‌های دیگر رزمندگان و شهدا یاری می‌رساندند.

این نمونه‌ها نشان‌دهنده تأثیر عمیق و گسترده زنان در حمایت از جبهه‌ها و تقویت همبستگی اجتماعی در دوران دفاع مقدس است.

نمونه دیگر، زنان در عرصه‌های مدیریتی و تصمیم‌سازی است که به‌ویژه در سال‌های اخیر، شاهد رشد و ارتقای نقش زنان در نهادهای دولتی و تشکل‌های مردمی بوده‌ایم. حضور زنان در مجالس مشورتی، شورای شهر، مجلس شورای اسلامی و دیگر نهادهای تصمیم‌ساز، موجب شده است که زنان به‌عنوان مؤثرترین گروه در سیاست‌گذاری‌های اجتماعی و اقتصادی کشور شناخته شوند. این نقش‌آفرینی‌ها، به‌ویژه در حل مسائل اجتماعی و فرهنگی، نشان‌دهنده این است که زنان در حلقه‌های میانی، به‌عنوان رهبران فرهنگی و اجتماعی، می‌توانند در پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی و تحقق تمدن نوین اسلامی نقشی بی‌بدیل ایفا کنند. برای مثال خانم دکتر مرضیه وحید دستجردی را نام برد. او به‌عنوان اولین وزیر زن در جمهوری اسلامی ایران در دولت دهم (وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی) منصوب شد. نقش او در مدیریت حوزه بهداشت و درمان کشور نمونه‌ای بارز از حضور زنان در عرصه تصمیم‌سازی است. یا از خانم زهره الهیان نماینده مجلس شورای اسلامی در چند دوره که در تصمیم‌گیری‌های کلان کشور و تدوین قوانین نقش داشته است، یاد کرد.

۵. الزامات، بایسته‌ها و راهبردها برای تحقق بیانیه گام دوم انقلاب

توانمندسازی زنان یکی از مهم‌ترین ابزارها برای تحقق بیانیه گام دوم انقلاب است که باید در سه سطح فردی، حرفه‌ای و اجتماعی طراحی شود. آموزش مهارت‌های

مدیریتی و اجتماعی باید در اولویت قرار گیرد. برگزاری دوره‌های تخصصی در زمینه مدیریت پروژه، تصمیم‌گیری استراتژیک و حل مسئله، آموزش تکنیک‌های رهبری و تیم‌سازی برای ارتقای توانایی زنان در هدایت گروه‌ها و سازمان‌ها و ارائه برنامه‌های عملی برای آشنایی با فرآیندهای اجرایی و مدیریتی در سطوح مختلف از جمله این اقدامات هستند (Chikwe et al.2024; Ejike et al.2024). همچنین تقویت مهارت‌های ارتباطی، مذاکره، تعامل سازنده و مدیریت تعارض از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. برگزاری کارگاه‌های ارتقای هوش هیجانی و مدیریت استرس و آموزش روش‌های اثربخش برای مشارکت فعال در فرآیندهای تصمیم‌گیری جمعی نیز از دیگر بخش‌های این آموزش‌ها هستند. علاوه بر این، ارائه آموزش‌هایی در زمینه مبانی دینی و فرهنگی برای هماهنگی نقش مدیریتی زنان با ارزش‌های اسلامی و برگزاری نشست‌ها و همایش‌هایی با هدف آشنایی با الگوهای موفق زنان در تاریخ اسلام و انقلاب اسلامی از ضروریات این مسیر است. زنان در حلقه‌های میانی برای ایفای نقش مؤثر به اعتمادبه‌نفس و خودباوری نیاز دارند. در این راستا، ایجاد محیط‌های حمایتی که به زنان فرصت بیان ایده‌ها و نظراتشان را بدهد و تشکیل شبکه‌های حمایتی برای تبادل تجربیات و تقویت همبستگی میان زنان فعال از جمله اقدامات مؤثر هستند (Devi et al.2024; Nivetha et al.2023). همچنین، سپردن مسئولیت‌های اجرایی و مدیریتی به زنان در پروژه‌های مهم و ملی و فراهم کردن زمینه مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های کلان و سیاست‌گذاری‌ها از دیگر اقدامات ضروری است. معرفی زنان موفق در حلقه‌های میانی به‌عنوان الگو و ارائه جوایز و تقدیرنامه‌ها به زنان برتر در حوزه‌های مختلف نیز می‌تواند در تقویت خودباوری زنان مؤثر باشد. حمایت‌های ساختاری و سیاست‌گذاری‌های هدفمند می‌تواند نقش زنان را در حلقه‌های میانی تقویت کند. تدوین قوانین و مقرراتی برای تضمین برابری فرصت‌ها در استخدام و ارتقای شغلی زنان و ایجاد تسهیلاتی مانند مرخصی‌های زایمان و حمایت از مادران شاغل برای توازن میان نقش‌های خانوادگی و اجتماعی

از جمله این اقدامات هستند. راه‌اندازی مراکز تخصصی برای آموزش زنان در حوزه‌های مدیریتی و کارآفرینی و ارائه خدمات مشاوره شغلی و روان‌شناختی برای تقویت روحیه و توانمندی زنان نیز از الزامات این مسیر به شمار می‌آید. نظارت بر اجرای قوانین مرتبط با حقوق زنان و جلوگیری از تبعیض‌های شغلی و تشکیل کمیته‌های تخصصی برای ارزیابی عملکرد زنان در حلقه‌های مدیریتی نیز باید در دستور کار قرار گیرد. سیاست‌گذاری‌های تشویقی می‌تواند انگیزه زنان را برای حضور در عرصه‌های مدیریتی افزایش دهد. تخصیص بودجه‌های ویژه برای حمایت از پروژه‌های مدیریتی زنان، ارائه جوایز و تسهیلات به سازمان‌هایی که از مشارکت زنان در مدیریت حمایت می‌کنند و طراحی فرآیندهای شفاف و عادلانه برای استخدام و ارتقای شغلی زنان از جمله این سیاست‌ها هستند. همچنین، دعوت از زنان متخصص برای حضور در شوراها و کمیته‌های تصمیم‌گیری و فراهم کردن زمینه‌های مشارکت زنان در تدوین سیاست‌های کلان ملی از دیگر اقدامات تشویقی است. فرهنگ‌سازی نقش مهمی در پذیرش اجتماعی زنان در حلقه‌های مدیریتی دارد. ارائه برنامه‌های فرهنگی که نقش زنان در تاریخ اسلام و انقلاب اسلامی را برجسته کنند و استفاده از رسانه‌ها برای معرفی الگوهای موفق زنان در عرصه‌های مختلف از جمله این اقدامات هستند. برگزاری کمپین‌های اطلاع‌رسانی برای تغییر نگرش‌های سنتی و ارتقای جایگاه زنان در جامعه و تقویت گفتمان‌های عمومی درباره اهمیت مشارکت زنان در مدیریت و تصمیم‌سازی نیز از ضروریات این فرهنگ‌سازی است. ایجاد قوانین و سیاست‌های تسهیل‌کننده نقش مهمی در افزایش مشارکت زنان در عرصه‌های مدیریتی و تصمیم‌سازی دارد (Heath,2012; McDonagh et al.2014). تدوین قوانین حمایتی برای زنان شاغل، از جمله حمایت از مادران شاغل و افزایش مرخصی زایمان و تضمین بازگشت به کار پس از آن و ایجاد مراکز نگهداری از کودکان در محل کار، از جمله این اقدامات هستند. همچنین، تصویب قوانینی برای جلوگیری از تبعیض جنسیتی در استخدام و ارتقای شغلی و ایجاد

سازوکارهای قانونی برای مقابله با آزار و تبعیض در محیط کار ضروری است. ارائه مشوق‌های مالیاتی به سازمان‌ها و شرکت‌هایی که زنان را در موقعیت‌های مدیریتی استخدام می‌کنند و ایجاد طرح‌های تشویقی برای کارفرمایانی که فرصت‌های برابر شغلی برای زنان و مردان فراهم می‌کنند نیز از دیگر اقدامات تسهیل‌کننده به شمار می‌آید (Samier et al.2021; Kişi,2021). نهادهای آموزشی و تربیتی نقشی کلیدی در تربیت زنان توانمند و آماده برای ایفای نقش در عرصه‌های مدیریتی دارند. آموزش والدین برای تربیت دخترانی با اعتمادبه‌نفس و مهارت‌های اجتماعی بالا، ترویج ارزش‌های اسلامی و انقلابی در خانواده و ایجاد فضای حمایتی در خانواده برای تشویق زنان به ادامه تحصیل و فعالیت اجتماعی از جمله این اقدامات هستند. طراحی برنامه‌های درسی که بر تقویت مهارت‌های زندگی، رهبری و تصمیم‌گیری تمرکز داشته باشد و ایجاد فرصت‌های برابر برای دختران در فعالیت‌های فوق‌برنامه نیز از ضروریات این مسیر است. همچنین، ارائه دوره‌های تخصصی مدیریتی و کارآفرینی برای دانشجویان دختر و حمایت از زنان نخبه برای ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر و حضور در عرصه‌های بین‌المللی از دیگر اقدامات مؤثر در این زمینه است. الگوهای اسلامی و انقلابی نقش مهمی در انگیزه‌بخشی و هدایت زنان به سمت ایفای نقش‌های کلیدی دارند. معرفی شخصیت‌های برجسته اسلامی مانند حضرت فاطمه زهرا (س) و حضرت زینب (س) که نقش‌های کلیدی در جامعه داشتند و تبیین نقش این شخصیت‌ها در مدیریت بحران‌ها و هدایت جامعه از جمله این اقدامات هستند. معرفی زنان موفق در انقلاب اسلامی و استفاده از رسانه‌ها برای نمایش دستاوردهای این زنان به‌عنوان الگو برای نسل جوان نیز می‌تواند در تقویت انگیزه زنان مؤثر باشد. طراحی برنامه‌های فرهنگی و آموزشی که هویت اسلامی و ملی زنان را تقویت کند و تأکید بر توانایی زنان برای ایفای نقش‌های کلیدی در کنار حفظ ارزش‌های اسلامی و خانوادگی از دیگر الزامات این مسیر است.

۶. چالش‌های پیش‌روی زنان در حلقه‌های میانی

۶،۱. موانع فرهنگی، اجتماعی و ساختاری

یکی از بزرگ‌ترین چالش‌ها برای حضور مؤثر زنان در حلقه‌های میانی، موانع فرهنگی و اجتماعی است که ریشه در تاریخ و سنت‌های اجتماعی دارند. این موانع به‌طور خاص در جوامعی که نابرابری‌های جنسیتی ریشه‌دار دارند، بیشتر به چشم می‌خورند. در بسیاری از جوامع، از جمله جامعه ایران، نقش‌های سنتی و فرهنگی برای زنان محدود به حوزه‌های خاصی مانند خانه‌داری و تربیت فرزند است و این محدودیت‌ها باعث کاهش فرصت‌های زنان برای ورود به عرصه‌های مدیریتی و تصمیم‌گیری می‌شود. یکی از موانع فرهنگی، نگرش‌های منفی به توانمندی زنان در حوزه‌های مدیریتی و حرفه‌ای است (Kiamba,2008). این نگرش‌ها می‌تواند به شکل‌های مختلف مانند عدم اعتمادبه‌نفس زنان، پیش‌داوری‌های منفی در مورد توانمندی‌های آنان و حتی فشارهای اجتماعی برای حفظ نقش‌های سنتی خود را نشان دهد. به‌ویژه در حلقه‌های میانی که زنان باید به‌طور فعال در فرآیندهای مدیریتی و تصمیم‌سازی مشارکت کنند، این چالش‌ها بیشتر خود را نشان می‌دهند (McCleary-Sills et al.2016). علاوه بر این، موانع ساختاری مانند قوانین و مقررات ناعادلانه نیز می‌تواند یکی از دلایل اصلی محدودیت حضور زنان در موقعیت‌های مدیریتی باشد. در بسیاری از سازمان‌ها و نهادها، قوانین استخدامی و ارتقای شغلی به‌طور غیرمستقیم به‌نفع مردان تنظیم شده‌اند و زنان به دلیل مسائل مختلفی مانند مسئولیت‌های خانوادگی و اجتماعی، نمی‌توانند فرصت‌های برابر برای پیشرفت شغلی را داشته باشند (Keenan et al.2023). این موانع ساختاری در کنار محدودیت‌های فرهنگی باعث می‌شود که زنان در حلقه‌های میانی نتوانند نقش خود را به‌طور مؤثر ایفا کنند.

۶،۲. کمبود فرصت‌های برابر و محدودیت‌های سنتی

یکی دیگر از چالش‌های پیش‌روی زنان در حلقه‌های میانی، کمبود فرصت‌های برابر است. در بسیاری از مواقع، فرصت‌های شغلی و مدیریتی برای زنان به‌طور ناعادلانه محدود می‌شود. این محدودیت‌ها ممکن است به دلایل مختلفی مانند سیاست‌های جنسیتی نابرابر، نداشتن دسترسی به شبکه‌های حرفه‌ای و مدیریتی یا حتی محدودیت‌های آموزشی و تخصصی باشد. در بسیاری از موارد، زنان برای دستیابی به‌موقعیت‌های مدیریتی و تصمیم‌گیری باید مسیرهای طولانی‌تری را طی کنند و از ظرفیت‌های کمتری برخوردار باشند. این کمبود فرصت‌ها باعث می‌شود که زنان نتوانند به‌طور کامل از پتانسیل‌های خود در حوزه‌های مدیریتی استفاده کنند (Nazemi et al.2012; Kavoosi et al.2024). در کنار این، محدودیت‌های سنتی نیز به‌طور مستقیم بر فرصت‌های زنان تأثیر می‌گذارند. در بسیاری از جوامع، از جمله ایران، زنان با فشارهای اجتماعی برای انجام نقش‌های خانوادگی و خانه‌داری مواجه هستند و این فشارها مانع از آن می‌شود که زنان بتوانند در عرصه‌های عمومی و مدیریتی به‌طور فعال حضور داشته باشند (Ramezani et al.2021; Kmec et al.2014). این محدودیت‌ها به‌ویژه در حلقه‌های میانی که نیاز به تعاملات گسترده‌تر و حضور فعال‌تر در فرآیندهای تصمیم‌گیری دارند، تأثیر منفی می‌گذارد.

۷. فرصت‌های موجود برای تقویت نقش زنان

با وجود چالش‌های ذکر شده، فرصت‌های زیادی برای تقویت نقش زنان در حلقه‌های میانی وجود دارد. این فرصت‌ها می‌توانند به‌عنوان ابزاری برای تحقق بیانیه گام دوم انقلاب و پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی در نظر گرفته شوند.

۷،۱. ظرفیت‌های بالقوه زنان در جامعه اسلامی

زنان در جامعه اسلامی دارای ظرفیت‌های بالقوه زیادی هستند که می‌تواند در مسیر پیشرفت جامعه و تحقق اهداف انقلاب اسلامی به کار گرفته شود. یکی از این

ظرفیت‌ها، توانمندی‌های مدیریتی و رهبری زنان است که در تاریخ اسلام به‌وضوح مشاهده می‌شود. شخصیت‌های بزرگی مانند حضرت فاطمه زهرا (س) و حضرت زینب (س) الگوهایی از رهبری و مدیریت بحران در تاریخ اسلام هستند که می‌توانند الهام‌بخش زنان امروز در عرصه‌های مدیریتی باشند. علاوه بر این، زنان در جامعه اسلامی به‌عنوان مادران و مربیان نسل آینده، نقش کلیدی در شکل‌دهی به فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی دارند. زنان در جوامع اسلامی همچنین دارای مهارت‌های خاصی در زمینه‌های مختلف مانند آموزش، بهداشت، علم و فناوری، هنر و فرهنگ هستند که می‌تواند در پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی و گام دوم انقلاب نقش مؤثری ایفا کند. این ظرفیت‌ها باید شناسایی و تقویت شوند تا زنان بتوانند در سطوح مدیریتی و تصمیم‌گیری به‌طور مؤثرتر حضور داشته باشند.

۷,۲. بهره‌گیری از تجربیات موفق داخلی و بین‌المللی

یکی از فرصت‌های مهم برای تقویت نقش زنان در حلقه‌های میانی، بهره‌گیری از تجربیات موفق داخلی و بین‌المللی است. در سطح داخلی، ایران نمونه‌های موفقی از حضور زنان در عرصه‌های مدیریتی و علمی دارد که می‌توانند به‌عنوان الگوهای موفق برای دیگر زنان در نظر گرفته شوند. به‌عنوان‌مثال، زنان موفق در حوزه‌های علمی، فناوری و مدیریتی می‌توانند تجربیات خود را با دیگران به اشتراک بگذارند و زمینه‌ساز توسعه و پیشرفت بیشتر زنان در این حوزه‌ها شوند.

در سطح بین‌المللی نیز، کشورها و سازمان‌های مختلف تجربیات موفقی در زمینه توانمندسازی زنان در حلقه‌های مدیریتی دارند که می‌توان از آن‌ها بهره‌برداری کرد. برنامه‌های آموزشی و توسعه‌ای که در سطح جهانی برای زنان طراحی شده‌اند، می‌توانند به‌عنوان مدل‌هایی برای کشورهایی مانند ایران در جهت تقویت نقش زنان در حلقه‌های میانی مورد استفاده قرار گیرند. این تجربیات می‌توانند شامل برنامه‌های آموزشی برای توسعه مهارت‌های مدیریتی، برنامه‌های حمایتی برای زنان شاغل و سیاست‌های دولتی برای افزایش مشارکت زنان در عرصه‌های مدیریتی باشند. با

استفاده از این تجربیات و ظرفیت‌های بالقوه، می‌توان گام‌های مؤثری برای تقویت نقش زنان در حلقه‌های میانی برداشت و درنهایت به تحقق بیانیه گام دوم انقلاب و پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی کمک کرد.

۸. راهبردها و راهکارهای عملی

نقش‌آفرینی زنان در حلقه‌های میانی جامعه یکی از ارکان اساسی برای تحقق اهداف انقلاب اسلامی و بیانیه گام دوم انقلاب است. زنان با توانمندی‌ها و ظرفیت‌های بالقوه خود می‌توانند در پیشبرد اهداف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی کشور نقشی مؤثر ایفا کنند. برای تحقق این امر، ضروری است که راهبردهای عملی و راهکارهای مؤثری برای تقویت حضور زنان در سطوح مدیریتی و تصمیم‌سازی تدوین شود. این مقاله به بررسی سه راهبرد کلیدی شامل شبکه‌سازی و هم‌افزایی، توسعه الگوهای موفق و ابتکارات نوآورانه و تعامل با نهادهای حاکمیتی و مردمی می‌پردازد که می‌تواند به زنان کمک کند تا در مسیر تحقق اهداف انقلاب اسلامی و گام دوم انقلاب نقش مؤثرتری ایفا کنند.

۸,۱ شبکه‌سازی و هم‌افزایی

شبکه‌سازی و هم‌افزایی از جمله راهبردهای کلیدی برای تقویت نقش زنان در حلقه‌های میانی است. ایجاد شبکه‌های زنان فعال در این حلقه‌ها می‌تواند زمینه‌ساز تعاملات مؤثر و اشتراک تجربیات میان زنان در سطوح مختلف مدیریتی و علمی باشد (Robles et al.2021). این شبکه‌ها می‌توانند به‌عنوان پلتفرم‌هایی برای حمایت از یکدیگر، تبادل اطلاعات و همکاری‌های مشترک عمل کنند. از این طریق، زنان قادر خواهند بود توانمندی‌های خود را در عرصه‌های مختلف به نمایش بگذارند و از ظرفیت‌های یکدیگر بهره‌برداری کنند. ایجاد این شبکه‌ها نیازمند فراهم آوردن زیرساخت‌های مناسب است. به‌عنوان‌مثال، برگزاری نشست‌ها، همایش‌ها و کارگاه‌های آموزشی می‌تواند به‌عنوان ابزارهایی برای گرد هم آوردن زنان فعال در

حوزه‌های مختلف و ایجاد هم‌افزایی میان آنان عمل کند (Husein et al.2021). همچنین، حمایت از برنامه‌هایی که به معرفی و شناسایی زنان فعال در عرصه‌های مختلف پرداخته و فرصت‌های همکاری میان آنان را فراهم می‌آورد، می‌تواند موجب تقویت این شبکه‌ها شود. استفاده از فناوری‌های نوین یکی دیگر از راهکارهای مهم در این زمینه است (Setyaningrum et al.2023). با توجه به پیشرفت‌های سریع در زمینه فناوری اطلاعات و ارتباطات، بهره‌گیری از این فناوری‌ها می‌تواند به‌طور چشمگیری تأثیرگذاری زنان را در حلقه‌های میانی افزایش دهد. به‌طور خاص، استفاده از رسانه‌های اجتماعی، پلتفرم‌های آنلاین و وب‌سایت‌های تخصصی می‌تواند به زنان کمک کند تا به‌راحتی با یکدیگر ارتباط برقرار کرده و تجربیات و دانش خود را به اشتراک بگذارند. این ابزارها همچنین به زنان این امکان را می‌دهند که صدای خود را در سطوح ملی و بین‌المللی به گوش دیگران برسانند و در فرآیندهای تصمیم‌سازی و مدیریتی مشارکت فعال‌تری داشته باشند (Professor et al.2024).

۸,۲ توسعه الگوهای موفق و ابتکارات نوآورانه

دومین راهبرد برای تقویت نقش زنان در حلقه‌های میانی، توسعه الگوهای موفق و حمایت از ابتکارات نوآورانه است. معرفی زنان موفق در عرصه‌های مختلف می‌تواند به‌عنوان یک منبع الهام برای دیگر زنان عمل کند. این زنان می‌توانند به‌عنوان الگوهایی برای دیگران معرفی شوند و تجربیات خود را در زمینه‌های مختلف مانند سیاست، اقتصاد، علم، فناوری و فرهنگ به اشتراک بگذارند. این الگوها می‌توانند به زنان کمک کنند تا اعتمادبه‌نفس بیشتری برای ورود به عرصه‌های مدیریتی و تصمیم‌گیری پیدا کنند و از موانع فرهنگی و اجتماعی عبور کنند (Adeniyi et al.2024). علاوه بر این، حمایت از پروژه‌ها و طرح‌های ابتکاری زنان می‌تواند به‌عنوان یک راهکار عملی دیگر در این زمینه مطرح شود. بسیاری از زنان در جوامع مختلف ایده‌های نوآورانه‌ای دارند که می‌تواند به‌طور مؤثر در پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی و گام دوم انقلاب استفاده شود. این طرح‌ها می‌توانند در زمینه‌های مختلفی از جمله

فناوری‌های نوین، آموزش، بهداشت و توسعه پایدار باشند (Kuteesa et al.2024). حمایت از این پروژه‌ها نیازمند تأمین منابع مالی، فراهم آوردن زیرساخت‌های لازم و ایجاد فضاهایی برای توسعه و اجرای این ایده‌ها است. این حمایت‌ها می‌تواند به‌صورت تسهیلات مالی، مشاوره تخصصی و فراهم آوردن فرصت‌های شغلی و حرفه‌ای برای زنان باشد (Shah et al.2024). همچنین، سازمان‌های دولتی و غیردولتی می‌توانند نقش مهمی در حمایت از این ابتکارات ایفا کنند. به‌ویژه در شرایطی که زنان در جوامع مختلف با موانع زیادی روبه‌رو هستند، این حمایت‌ها می‌توانند به‌عنوان عاملی برای کاهش فاصله‌های جنسیتی و فراهم آوردن فرصت‌های برابر برای زنان در عرصه‌های مختلف عمل کنند (R et al.2024).

۸,۳ تعامل با نهادهای حاکمیتی و مردمی

یکی از راهبردهای اساسی دیگر برای تقویت نقش زنان در حلقه‌های میانی، تعامل مؤثر با نهادهای حاکمیتی و مردمی است. تقویت ارتباط میان زنان و نهادهای تصمیم‌ساز می‌تواند به زنان این امکان را بدهد که در فرآیندهای تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری مشارکت بیشتری داشته باشند. این تعامل می‌تواند از طریق برگزاری جلسات مشورتی، مشارکت در کمیته‌ها و کارگروه‌های مختلف و حضور در نهادهای دولتی و غیردولتی صورت گیرد. نهادهای حاکمیتی می‌توانند با توجه به ظرفیت‌های زنان در جامعه، سیاست‌ها و برنامه‌هایی را برای حمایت از آنان تدوین کنند (Ji,2024). این سیاست‌ها می‌توانند شامل تسهیل شرایط برای حضور زنان در عرصه‌های مدیریتی، ایجاد فرصت‌های شغلی برابر و تأمین منابع مالی و آموزشی برای زنان باشد. همچنین، نهادهای مردمی و سازمان‌های غیردولتی می‌توانند نقش مهمی در حمایت از زنان و تقویت حضور آنان در حلقه‌های میانی ایفا کنند. این نهادها می‌توانند به‌عنوان رابط بین زنان و نهادهای دولتی عمل کرده و نیازها و خواسته‌های زنان را به گوش مسئولان برسانند (Angeles,2003). بهره‌گیری از ظرفیت‌های مردمی نیز یکی دیگر از راهکارهای مهم در این زمینه است. در جوامع

مختلف، مردم نقش مهمی در پیشبرد اهداف اجتماعی و فرهنگی دارند. بهره‌گیری از این ظرفیت‌ها می‌تواند به تحقق اهداف انقلاب اسلامی و گام دوم انقلاب کمک کند. به‌عنوان‌مثال، حمایت‌های مردمی از پروژه‌های ابتکاری زنان، همکاری در برنامه‌های آموزشی و فرهنگی و مشارکت در فرآیندهای تصمیم‌گیری می‌تواند به‌طور چشمگیری به تقویت نقش زنان در حلقه‌های میانی کمک کند (Shahi,2024; Nsana et al.2023). با تقویت این تعاملات، زنان قادر خواهند بود که در فرآیندهای تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری به‌طور مؤثرتر حضور داشته باشند و درنهایت، نقش خود را در پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی و تحقق بیانیه گام دوم انقلاب به‌طور چشمگیری افزایش دهند.

۹. نقش زنان به‌عنوان حلقه‌های میانی در شرایط معاصر: نقش‌آفرینی در اقتصاد و کارآفرینی

نقش زنان در اقتصاد و کارآفرینی در حلقه‌های میانی در شرایط معاصر، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در دنیای امروز که تحولات اقتصادی و اجتماعی به‌سرعت در حال تغییر است، حضور زنان در بخش‌های مختلف اقتصادی به‌ویژه در سطوح میانه مدیریتی و کارآفرینی، تأثیرات زیادی بر رشد اقتصادی، افزایش اشتغال، کاهش فقر و ارتقاء سطح زندگی دارد. این نقش‌آفرینی نه‌تنها به‌طور مستقیم به اقتصاد کمک می‌کند، بلکه به تغییرات اجتماعی و فرهنگی نیز منجر می‌شود که به توسعه پایدار جامعه کمک می‌کند (Gulvira et al. 2024; Thomas,2024).

۹,۱. زنان به‌عنوان کارآفرینان و مدیران میانه‌رده

زنان در بسیاری از کشورها به‌عنوان کارآفرینان و مدیران میانه‌رده در بخش‌های مختلف اقتصادی، از جمله صنایع کوچک و متوسط، کشاورزی، خدمات، فناوری و تولید، نقش حیاتی دارند. در جوامع درحال‌توسعه، زنان به‌ویژه در حوزه‌های کارآفرینی اجتماعی و کسب‌وکارهای کوچک و متوسط، با توجه به توانمندی‌های

خود در مدیریت منابع محدود و استفاده بهینه از فرصت‌ها، تغییرات عمده‌ای در بازارهای محلی و منطقه‌ای ایجاد می‌کنند (Bansal,2019). زنان به‌عنوان مدیران میانه‌رده نیز در بسیاری از سازمان‌ها و شرکت‌ها نقش کلیدی در فرآیند تصمیم‌گیری و اجرای استراتژی‌ها دارند. آن‌ها می‌توانند با ارائه راهکارهای نوآورانه، بهبود بهره‌وری، کاهش هزینه‌ها و افزایش کیفیت خدمات و محصولات، به رشد سازمان‌های خود کمک کنند (Einarsdóttir et al.2018).

۹,۲. توانمندسازی زنان و تأثیر آن بر رشد اقتصادی

توانمندسازی زنان در عرصه‌های اقتصادی و کارآفرینی می‌تواند به‌طور قابل‌توجهی به رشد اقتصادی کشورها کمک کند. پژوهش‌ها نشان داده است که کشورهای با سطح بالای مشارکت زنان در بازار کار و فعالیت‌های کارآفرینی، از رشد اقتصادی پایدار و بلندمدت بهره‌مند می‌شوند. در این راستا، فراهم آوردن فرصت‌های آموزشی و حرفه‌ای برای زنان در زمینه‌های مختلف، به‌ویژه در حوزه‌های فنی، مدیریتی و مالی، می‌تواند به توانمندسازی آنان کمک کند. به‌علاوه، دسترسی زنان به منابع مالی، سرمایه‌گذاری و بازارهای تجاری، می‌تواند به رشد کسب‌وکارهای آنان و درنهایت به رشد اقتصادی کشور کمک کند (Alam et al.2022; Thatchinamoorthy et al.2018).

۹,۳. کاهش فقر و افزایش اشتغال از طریق کارآفرینی زنان

زنان در فرآیند کارآفرینی می‌توانند نقش مؤثری در کاهش فقر و افزایش اشتغال ایفا کنند. کسب‌وکارهای کوچک و متوسط که توسط زنان اداره می‌شوند، معمولاً در جوامع محلی و مناطق روستایی ایجاد می‌شوند و به‌طور مستقیم به اشتغال‌زایی و بهبود وضعیت اقتصادی این مناطق کمک می‌کنند (Mvunabandi et al.2023). این کسب‌وکارها می‌توانند به‌ویژه در حوزه‌هایی مانند کشاورزی، صنایع‌دستی، خدمات و تولیدات محلی، فرصت‌های شغلی جدیدی ایجاد کنند که به کاهش نرخ بیکاری و بهبود شرایط زندگی زنان و خانواده‌های آنان منجر می‌شود. به‌علاوه، کارآفرینی

زنان می‌تواند به ارتقاء کیفیت زندگی در جوامع محلی و تقویت اقتصاد محلی کمک کند (Gadi,2022).

۹,٤. ایجاد کسب‌وکارهای نوآورانه و اجتماعی توسط زنان

زنان در بسیاری از موارد با ابتکارات خود در ایجاد کسب‌وکارهای نوآورانه و اجتماعی، تغییرات مثبت در جوامع خود ایجاد می‌کنند. این کسب‌وکارها ممکن است در حوزه‌های مختلفی مانند فناوری، بهداشت، آموزش، محیط‌زیست و خدمات اجتماعی شکل بگیرند. به‌عنوان‌مثال، زنان کارآفرین می‌توانند با استفاده از فناوری‌های نوین، کسب‌وکارهایی ایجاد کنند که به حل مشکلات اجتماعی و اقتصادی مانند فقر، بی‌سوادی، کمبود منابع بهداشتی و محیط‌زیستی پرداخته و از این طریق به ارتقاء سطح زندگی جوامع خود کمک کنند (Kaushik et al.2024; Choudhary,2024). این نوع کسب‌وکارها که معمولاً به‌عنوان کسب‌وکارهای اجتماعی شناخته می‌شوند، می‌توانند نه‌تنها از نظر اقتصادی پایدار باشند، بلکه به‌طور هم‌زمان به حل مسائل اجتماعی نیز بپردازند.

۹,۵. چالش‌ها و موانع پیش روی زنان در عرصه کارآفرینی

با وجود پتانسیل بالای زنان در عرصه کارآفرینی، چالش‌ها و موانع متعددی وجود دارد که می‌تواند مانع از تحقق کامل این پتانسیل شود. برخی از این چالش‌ها شامل دسترسی محدود به منابع مالی، مشکلات فرهنگی و اجتماعی، تبعیض‌های جنسیتی و کمبود فرصت‌های آموزشی و حرفه‌ای است. علاوه بر این، در بسیاری از جوامع، زنان ممکن است به‌دلیل مسئولیت‌های خانوادگی و اجتماعی، فرصت کافی برای مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی و کارآفرینی نداشته باشند. این موانع نیازمند سیاست‌های حمایتی و توانمندسازی هستند تا زنان بتوانند در عرصه کارآفرینی به‌طور مؤثر مشارکت کنند.

۹،٦. راهکارها و پیشنهادات برای تقویت نقش زنان در اقتصاد و کارآفرینی

برای تقویت نقش زنان در اقتصاد و کارآفرینی، چندین راهکار مؤثر وجود دارد. یکی از این راهکارها فراهم آوردن تسهیلات مالی و اعتباری برای زنان کارآفرین به‌ویژه در مراحل اولیه راه‌اندازی کسب‌وکارها است. همچنین، ارائه برنامه‌های آموزشی و مهارتی برای زنان در زمینه‌های مختلف اقتصادی، مدیریتی و فنی می‌تواند به توانمندسازی آن‌ها کمک کند. ایجاد و تقویت سیاست‌های حمایتی برای زنان در بازار کار و کارآفرینی، از جمله کاهش تبعیض‌های جنسیتی و تسهیل دسترسی به فرصت‌های شغلی و اقتصادی، نیز از دیگر اقدامات ضروری است. علاوه بر این، ایجاد شبکه‌های حمایتی و مشاوره‌ای برای زنان کارآفرین به‌منظور تسهیل ارتباطات تجاری و ارتقاء همکاری‌های بین‌المللی می‌تواند به موفقیت آن‌ها کمک کند. همچنین، حمایت از زنان در زمینه‌های فناوری و نوآوری، به‌ویژه در حوزه‌هایی که به‌طور سنتی مردانه محسوب می‌شوند، مانند فناوری اطلاعات و مهندسی، می‌تواند نقش زنان را در بخش‌های نوآورانه تقویت کند.

۱۰. پیشنهاد راهبردهای پژوهشی و عملی آینده برای تقویت نقش زنان در حلقه‌های میانی و تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

تحقیق درباره نقش‌آفرینی زنان در حلقه‌های میانی، به‌عنوان یکی از راهبردهای کلیدی برای تحقق بیانیه گام دوم انقلاب و پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی، نیازمند بررسی‌ها و اقدامات گسترده‌ای است. در این راستا، پیشنهادات زیر به‌عنوان مسیرهای آینده برای پژوهش و اقدام عملی ارائه می‌شوند: پژوهش‌های آینده می‌توانند به بررسی چگونگی مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بپردازند. این مطالعات می‌توانند نقش زنان در شوراها، کمیته‌ها و نهادهای مدیریتی حلقه‌های میانی را تحلیل کرده و موانع و فرصت‌های موجود برای حضور آنان را شناسایی کنند. اقدامات عملی در این راستا شامل تدوین برنامه‌های

آموزشی و کارگاه‌های توانمندسازی مدیریتی برای زنان است. تحلیل نمونه‌های موفق داخلی و بین‌المللی از نقش‌آفرینی زنان می‌تواند به ارائه مدل‌های قابل‌اجرا در ایران کمک کند. این الگوها می‌توانند شامل نقش زنان در مدیریت بحران، گفتمان‌سازی فرهنگی و فعالیت‌های اجتماعی باشند. برگزاری همایش‌ها و نشست‌های تخصصی برای بازخوانی این تجربیات و طراحی برنامه‌های مشابه در سطوح ملی پیشنهاد می‌شود. پژوهش‌هایی که موانع فرهنگی، اجتماعی و ساختاری پیش‌روی زنان را تحلیل می‌کنند، می‌توانند به ارائه راهکارهای عملی برای رفع این موانع کمک کنند. اقداماتی نظیر ایجاد شبکه‌های حمایتی، اصلاح قوانین تبعیض‌آمیز و فرهنگ‌سازی در جهت تقویت حضور زنان در حلقه‌های میانی از جمله پیشنهادات عملی است. نقش زنان در حلقه‌های میانی به‌ویژه در زمینه تربیت نسل‌های آینده، موضوعی کلیدی است که نیازمند بررسی عمیق است. پژوهش‌های آینده می‌توانند بر چگونگی انتقال ارزش‌های اسلامی و انقلابی به نسل‌های جدید توسط زنان متمرکز شوند. اقدام عملی در این زمینه شامل طراحی برنامه‌های آموزشی ویژه برای مادران و مربیان در راستای تقویت نقش تربیتی آنان است. تحقیقات می‌توانند به شناسایی ظرفیت‌های حلقه‌های میانی در حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی برای افزایش مشارکت زنان بپردازند. اقداماتی مانند ایجاد فرصت‌های برابر شغلی، تسهیل دسترسی به منابع مالی و ارائه تسهیلات حمایتی برای زنان شاغل در این ساختارها از جمله پیشنهادات عملی است. بررسی سیاست‌های تشویقی در کشورهای دیگر و ارائه پیشنهادات بومی برای ایران می‌تواند مسیر مناسبی برای پژوهش باشد. این سیاست‌ها شامل ارائه تسهیلات مالیاتی به کارفرمایانی که زنان را در مدیریت حلقه‌های میانی به کار می‌گیرند، یا اعطای جوایز به زنان موفق در این حوزه‌هاست. پژوهش‌های آینده می‌توانند تأثیر فناوری‌های نوین و رسانه‌ها را در تقویت نقش زنان بررسی کنند. اقدام عملی در این زمینه شامل توسعه پلتفرم‌های دیجیتال برای شبکه‌سازی میان زنان فعال و ترویج الگوهای موفق از طریق رسانه‌های

ملی است. پژوهش‌هایی که بر ارتباط میان نقش‌آفرینی زنان و تحقق اهداف مطرح‌شده در بیانیه گام دوم انقلاب متمرکز باشند، می‌توانند به شناسایی شاخص‌های موفقیت و ارائه راهکارهای مؤثر کمک کنند. در این راستا، برگزاری کارگاه‌ها و نشست‌های تخصصی با محوریت این موضوع پیشنهاد می‌شود. پژوهش‌های آینده می‌توانند به تحلیل نقش زنان در کاهش نابرابری‌ها و تقویت عدالت اجتماعی و اقتصادی بپردازند. اقداماتی مانند طراحی برنامه‌های حمایتی برای زنان کارآفرین و تسهیل دسترسی آنان به منابع و بازارهای تجاری از جمله راهکارهای عملی است. طراحی شاخص‌های علمی و کاربردی برای ارزیابی عملکرد زنان در حلقه‌های میانی می‌تواند بهبود مدیریت و سیاست‌گذاری در این حوزه کمک کند. پژوهش‌ها می‌توانند این شاخص‌ها را توسعه داده و در برنامه‌های اجرایی و نظارتی استفاده کنند. این پیشنهادات می‌توانند به‌عنوان راهبردهای پژوهشی و عملی برای تقویت نقش زنان در حلقه‌های میانی و تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به کار گرفته شوند.

نتیجه‌گیری نهایی

نقش‌آفرینی زنان در حلقه‌های میانی به‌عنوان یکی از راهبردهای کلیدی برای تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و دستیابی به تمدن نوین اسلامی، اهمیت بنیادینی دارد. این حلقه‌ها که به‌عنوان واسطه‌ای میان مردم و حاکمیت عمل می‌کنند، بستری برای انتقال نیازها، مطالبات و بازخوردهای اجتماعی به ساختارهای تصمیم‌گیری فراهم می‌آورند. در این میان، زنان با توجه به جایگاه منحصربه‌فرد خود در جامعه، می‌توانند به‌عنوان رهبران فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نقش‌آفرینی کنند و در پیشبرد اهداف انقلابی و ملی مؤثر باشند. زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت جامعه، ظرفیت‌های قابل‌توجهی در عرصه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، علمی و اقتصادی دارند. حضور آنان در حلقه‌های میانی می‌تواند منجر به گسترش مشارکت مردمی، تقویت سرمایه اجتماعی و ترویج ارزش‌های اسلامی و انقلابی شود. به‌ویژه

در شرایطی که جامعه با چالش‌های متعدد فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی مواجه است، بهره‌گیری از توانمندی‌های زنان می‌تواند راهگشای بسیاری از مشکلات باشد. آنان می‌توانند با ایفای نقش در عرصه‌های مدیریتی و تصمیم‌سازی، عدالت اجتماعی را تعمیق بخشند و زمینه‌ساز تحولات پایدار در جامعه شوند. با این حال، موانع متعددی همچون نگرش‌های سنتی، تبعیض‌های جنسیتی و محدودیت‌های ساختاری، مشارکت زنان را در حلقه‌های میانی محدود کرده است. این موانع نه‌تنها مانع از بهره‌گیری کامل از ظرفیت‌های زنان می‌شود، بلکه به تضعیف عدالت اجتماعی و کاهش فرصت‌های برابر در جامعه منجر می‌گردد. ازاین‌رو، رفع این موانع و ایجاد بسترهای مناسب برای مشارکت زنان در فرآیندهای اجتماعی و مدیریتی، ضرورتی انکارناپذیر است. توانمندسازی زنان از طریق آموزش، توسعه مهارت‌های مدیریتی و ارتقای آگاهی اجتماعی، یکی از مؤثرترین راهکارها برای تقویت نقش آنان در حلقه‌های میانی است. همچنین، ایجاد شبکه‌های حمایتی، تقویت تعاملات میان زنان فعال در حوزه‌های مختلف و بهره‌گیری از تجربیات موفق داخلی و بین‌المللی می‌تواند به افزایش حضور و تأثیرگذاری آنان کمک کند. در این راستا، سیاست‌گذاری‌های حمایتی و تشویقی، از جمله تسهیل دسترسی به منابع مالی، فرصت‌های شغلی برابر و حمایت از مادران شاغل، می‌تواند نقشی کلیدی در تقویت جایگاه زنان ایفا کند. نقش زنان در حلقه‌های میانی تنها به بُعد اجتماعی محدود نمی‌شود، بلکه تأثیرات عمیقی بر سایر ابعاد توسعه، از جمله اقتصادی و فرهنگی، دارد. حضور زنان در عرصه‌های کارآفرینی، نوآوری و گفتمان‌سازی فرهنگی می‌تواند به گسترش عدالت اقتصادی، تقویت بنیان‌های اخلاقی جامعه و تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی کمک کند. این نقش‌آفرینی، با تربیت نسل‌های آینده و انتقال ارزش‌های اسلامی، به‌عنوان یکی از ارکان تمدن‌سازی نوین اسلامی، اهمیتی دوچندان می‌یابد. درنهایت، تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در گرو بهره‌گیری از تمامی ظرفیت‌های انسانی، از جمله زنان، است. با ایجاد شرایط

برابر و رفع موانع پیش‌رو، زنان می‌توانند به‌عنوان عاملان تغییر، در مسیر تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی و ساخت تمدنی نوین بر پایه ارزش‌های اسلامی و انسانی گام بردارند. بدین ترتیب، حضور مؤثر زنان در حلقه‌های میانی نه‌تنها به عدالت اجتماعی و پیشرفت جامعه کمک می‌کند، بلکه به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی در تحقق تمدن نوین اسلامی شناخته می‌شود.

فهرست منابع

- Adeniyi, I S et al. (2024). Gender equality in the workplace: A comparative review of USA and African Practices. World Journal of Advanced Research and Reviews. https://doi.org/10.30574/wjarr.2024.21.2.0491.
- Adongo, A A et al. (2023). Gender and leadership positions: understanding women's experiences and challenges in patriarchal societies in Northern Ghana. International Journal of Sociology and Social Policy. https://doi.org/10.1108/ijssp-02-2023-0028.
- Aji, G et al. (2018). Bridging communication between public and government: a case study on kim surabaya. Journal of Physics: Conference Series, 953. https://doi.org/10.1088/1742-6596/953/1/012194.
- Alam, S et al. (2022). Effectiveness Of Economic Empowerment Program In Empowered Women Study Group. LAA MAISYIR: Jurnal Ekonomi Islam. https://doi.org/10.24252/lamaisyir.v9i1.26487.
- Alkanchi, H M et al. (2024). The Role of Muslim Women Education in National Transformation for Human Development. Fahima. https://doi.org/10.54622/fahima.v3i2.319.
- Al-Sarhan, M (2023). The Role of Women in Islamic Civilization: A Historical Reading in Khorasan. Humanities and Management Sciences - Scientific Journal of King Faisal University. https://doi.org/10.37575/h/his/220032.
- Angeles, L C (2003). Creating social spaces for transnational feminist advocacy: the Canadian International Development Agency, the National Commission on the Role of Filipino Women and Philippine women's NGOs. Canadian Geographer, 47, 283-302. https://doi.org/10.1111/1541-0064.00023.
- Bansal, M, Kaur, L (2019). Rural Women Entrepreneurs in India: Challenges and Opportunities. GIS Business. https://doi.org/10.26643/GIS.V14I4.5433.
- Carroll, G, Yang, L (2024). Enlist Women as Informal Leaders of Cultural Change. Management and Business Review. https://doi.org/10.1177/26941058241301619.
- Castañeda-Sánchez, W A et al. (2023). Governance and Citizen Satisfaction in Intermediate Cities of Ancash (Peru) Migration Letters. https://doi.org/10.59670/ml.v20is9.4778.
- Chen, Y et al. (2019). The Relationship among Government, Enterprise, and Public in Environmental Governance from the Perspective of Multi-Player Evolutionary Game. International Journal of Environmental Research and Public Health, 16. https://doi.org/10.3390/ijerph16183351.
- Chikwe, C F et al. (2024). Navigating the double bind: Strategies for women leaders in overcoming stereotypes and leadership biases. GSC

Advanced Research and Reviews. https://doi.org/10.30574/gscarr.2024.18.3.0103.
- Choudhary, M (2024). The Impact Of Female Entrepreneurs On Local Economies. IOSR Journal of Economics and Finance. https://doi.org/10.9790/5933-1505041924.
- Cidro, J et al. (2018). Being a good relative: Indigenous doulas reclaiming cultural knowledge to improve health and birth outcomes in Manitoba. https://doi.org/10.15761/fwh.1000157.
- Cresswell, B H (2024). Cultural Transmission and Intergenerational Relations Among Female Immigrants: Family Structure and Social Integration of South Asian Women in the UK. Journal of Research in Social Science and Humanities. https://doi.org/10.56397/jrssh.2024.11.02.
- Devi, S et al. (2024). Strategic empowerment of women in Malaysia's corporate sector: A phenomenological study. Journal of Infrastructure, Policy and Development. https://doi.org/10.24294/jipd7943.
- Einarsdóttir, U D et al. (2018). "It's a Man Who Runs the Show": How Women Middle-Managers Experience Their Professional Position, Opportunities, and Barriers. SAGE Open, 8. https://doi.org/10.1177/2158244017753989.
- Ejike, O G, Abhulimen, A O (2024). Empowerment through event management: A project management approach for women entrepreneurs. International Journal of Scholarly Research in Multidisciplinary Studies. https://doi.org/10.56781/ijsrms.2024.5.1.0035.
- El-Shorbagy, A (2020). Women in Islamic architecture: towards acknowledging their role in the development of Islamic civilization. Cogent Arts & Humanities, 7. https://doi.org/10.1080/23311983.2020.1741984.
- Gadi, N H (2022). Increasing Women's Employment Opportunities in Digitalizing Saudi Arabia's Economy. Open Journal of Business and Management. https://doi.org/10.4236/ojbm.2022.105142.
- Gazieva, A (2021). Mediators of culture: about gender features of the status roles of women on the Caucasian frontier. Woman in russian society. https://doi.org/10.21064/winrs.2021.4.9.
- Gulvira, A et al. (2024). The Impact of Female Entrepreneurship on Economic Growth in Developing and Developed Economies. ECONOMICS, 0. https://doi.org/10.2478/eoik-2024-0016.
- Heath, K (2012). Women in leadership: strategies for work-life balance. https://www.semanticscholar.org/paper/27a9357de2dfc3100281fae22ff787a60a230278.
- Higgins, P (1985). Women in the Islamic Republic of Iran: Legal, Social, and Ideological Changes. Signs: Journal of Women in Culture and Society, 10, 477 - 494. https://doi.org/10.1086/494156.
- Hoyt, C L, Simon, S (2017). Social psychological approaches to women and leadership theory. https://doi.org/10.4337/9781785363863.00013.

- Husein, S et al. (2021). Allocation to gender empowerment towards gender equality of Sustainable Development Goals. IOP Conference Series: Earth and Environmental Science, 716. https://doi.org/10.1088/1755-1315/716/1/012096.
- Irawan, M F et al. (2024). Women in Leadership: Exploring Potential and Challenges in the Islamic Context. An-Nisa Jurnal Kajian Perempuan dan Keislaman. https://doi.org/10.35719/annisa.v17i1.234.
- Isfandiyārī, H (1997). Reconstructed Lives: Women and Iran's Islamic Revolution. https://doi.org/10.5860/choice.35-1698.
- Jager, N W et al. (2020). Pathways to Implementation: Evidence on How Participation in Environmental Governance Impacts on Environmental Outcomes. Journal of Public Administration Research and Theory, 30, 383-399. https://doi.org/10.1093/jopart/muz034.
- Ji, Q (2024). An Analysis of Women's Roles and Positions in geopolitical organizations. Journal of Global Humanities and Social Sciences. https://doi.org/10.61360/bonighss242016890902.
- Karmilah, K et al. (2023). Wanita Sebagai Pondasi Peradaban Perspektif Hadis. Mimbar Kampus: Jurnal Pendidikan dan Agama Islam. https://doi.org/10.47467/mk.v23i1.5657.
- Kaushik, S, Rastogi, P M (2024). Inclusive Innovation to Examining the Impact of Women's Entrepreneurship on Indian Society. International Journal For Multidisciplinary Research. https://doi.org/10.36948/ijfmr.2024.v06i03.22855.
- Kavoosi, S et al. (2024). A mixed-method approach on the glass cliff phenomenon: a case of public sector service organizations in Iran. Management Research Review. https://doi.org/10.1108/mrr-09-2023-0716.
- Keenan, B P et al. (2023). Structural Sexism and Cancer Care: The Effects on the Patient and Oncologist. American Society of Clinical Oncology educational book. American Society of Clinical Oncology. Annual Meeting, 43, e391516. https://doi.org/10.1200/EDBK_391516.
- Khimish, D H A (2014). The Impact of Religion on Arab Women. https://www.semanticscholar.org/paper/9915ce5376fc702626374fb06a9b26be367951b6.
- Khosrokhavar, F (2002). The Women’s Movement in Iran. https://www.semanticscholar.org/paper/ebc25cdc74a8cd7fe44d21f08aebc46602f65ca4.
- Kiamba, J (2008). Women and Leadership Positions: Social and Cultural Barriers to Success. Wagadu: a Journal of Transnational Women's and Gender Studies, 6, 5. https://www.semanticscholar.org/paper/d36a8e8682211bc7cbb63a161919b27d1de93b77.
- Kim, H (2024). The Role of Women in Revolutionary Movements: A Comparative Analysis of the French, American, and Mexican Revolutions. Communications in Humanities Research. https://doi.org/10.54254/2753-7064/39/20242169.

- Kişi, N (2021). Interim Management Strategy as a Way of Empowering Women Leadership. Research Anthology on Challenges for Women in Leadership Roles. https://doi.org/10.4018/978-1-7998-2819-8.ch018.
- Kmec, J, Skaggs, S L (2014). The “State” of Equal Employment Opportunity Law and Managerial Gender Diversity. Social Problems, 61, 530-558. https://doi.org/10.1525/SP.2014.12319.
- Kuteesa, K N et al. (2024). FINANCING MODELS FOR GLOBAL HEALTH INITIATIVES: LESSONS FROM MATERNAL AND GENDER EQUALITY PROGRAMS. International Medical Science Research Journal. https://doi.org/10.51594/imsrj.v4i4.1050.
- Leong, K M et al. (2009). Chapter 9 Overcoming jurisdictional boundaries through stakeholder engagement and collaborative governance: Lessons learned from white-tailed deer management in the U.S. https://doi.org/10.1108/S1057-1922(2009)0000014012.
- Masango, R (2002). Public participation: a critical ingredient of good governance. https://www.semanticscholar.org/paper/50be0f2d94bad8b632c390dd8fa75281d82da2be.
- McCleary-Sills, J et al. (2016). Stigma, shame and women's limited agency in help-seeking for intimate partner violence. Global Public Health, 11, 224 - 235. https://doi.org/10.1080/17441692.2015.1047391.
- McDonagh, K et al. (2014). The Leadership Gap: Ensuring Effective Healthcare Leadership Requires Inclusion of Women at the Top. https://doi.org/10.4236/OJL.2014.32003.
- Moghadam, V (1989). Revolution, the State, Islam, and Women: Gender Politics in Iran and Afghanistan. Social Text, 40. https://doi.org/10.2307/466519.
- Mohammadi, Z (2023). The New Social Order in the Supreme Leader’s Thought: A Model for Transitioning from Contemporary Challenges to the New Islamic Civilization. Journal of Social-Political Studies of Iran's Culture and History. https://doi.org/10.61838/kman.jspsich.2.4.21.
- Musai, M et al. (2014). Participation of Women in Sociopolitical Development in Iran. The International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences, 4. https://doi.org/10.6007/IJARBSS/V4-I3/738.
- Mvunabandi, J D et al. (2023). Can Training in Employability Skills Help Adolescent Girls and Young Women in South Africa Increase Their Employment Opportunities? Jurnal Maksipreneur: Manajemen, Koperasi, dan Entrepreneurship. https://doi.org/10.30588/jmp.v12i2.1229.
- Nazemi, S et al. (2012). Investigating factors influencing women‟s inclination in adopting managerial positios in Iranian higher education. https://www.semanticscholar.org/paper/df1de16aa8e9833b276a8cd7ef3963e241fa66a7.
- Nisa, E F (2021). Women and Islamic Movements. Handbook of Islamic Sects and Movements. https://doi.org/10.1163/9789004435544_010.

- Nivetha, P, Prasanth, S (2023). Effective Management Strategies for Women Employer in Today’s Dynamic Workplace. Shanlax International Journal of Management. https://doi.org/10.34293/management.v10i4.6126.
- Nsana, S, Daka, H (2023). Strengthening Gender Equality in Decision Making in Public Administration in Zambia. International Journal of Research and Innovation in Social Science. https://doi.org/10.47772/ijriss.2023.7011028.
- Nyaranga, M S et al. (2022). The Role of Public Participation in Governance towards Achieving Sustainable Development. Part 2. RUDN Journal of Public Administration. https://doi.org/10.22363/2312-8313-2022-9-1-29-4.
- Park, D, Faraway, J (1998). Sequential design for response curve estimation. Journal of Nonparametric Statistics, 9, 155-164. https://doi.org/10.1080/10485259808832740.
- Perempuan, K et al. (2024). The Position of Women in Perspective of Islamic History: Dismissed the Issue of Inequality in Islam. Indonesian Journal of Islamic History and Culture. https://doi.org/10.22373/ijihc.v5i1.4798.
- Professor, P S L A et al. (2024). Study on Women Entrepreneurship Development through Self-Help Groups. SMS Journal of Entrepreneurship & Innovation. https://doi.org/10.21844/smsjei.v10i02.30007.
- R, D S, Noronha, S D (2024). A COMPREHENSIVE LITERATURE REVIEW ON WOMEN'S EMPOWERMENT IN SELF-HELP GROUPS AND DIGITAL INITIATIVES. EPRA International Journal of Research & Development (IJRD) https://doi.org/10.36713/epra15455.
- Ramezani, G et al. (2021). The role of glass ceiling in women's promotion to managerial positions from the perspective of faculty members at Iran University of Medical Sciences. Journal of Education and Health Promotion, 10. https://doi.org/10.4103/jehp.jehp_111_21.
- Robles, L E R et al. (2021). Strengthening of Women’s Leadership in STEM Educational Environment through Social Networks: Case of Success with International Network. 2021 IEEE Global Engineering Education Conference (EDUCON), 1061-1065. https://doi.org/10.1109/EDUCON46332.2021.9454070.
- Samier, E, Elkaleh, E (2021). Towards a Model of Muslim Women’s Management Empowerment: Philosophical and Historical Evidence and Critical Approaches. Administrative Sciences, 11, 47. https://doi.org/10.3390/ADMSCI11020047.
- Sela, A (2015). From Revolution to Political Participation: Institutionalization of Militant Islamic Movements. Contemporary Review of the Middle East, 2, 31 - 54. https://doi.org/10.1177/2347798915584033.

- Setyaningrum, R et al. (2023). Women and entrepreneurship for economic growth in Indonesia. Frontiers in Psychology, 13. https://doi.org/10.3389/fpsyg.2022.975709.
- Shah, R S, Kumari, R (2024). Probing Entrepreneurial Behavior and Performance of Women Entrepreneurs in Relation to the Kudumbashree Mission: An Analytical Study. Journal of Global Economy, Business and Finance. https://doi.org/10.53469/jgebf.2024.06(09).08.
- Shahi, B B (2024). Gender Dynamics and Women's Decision-Making Power in Local Governance: A Study of Development in Surkhet. The Third Pole: Journal of Geography Education. https://doi.org/10.3126/ttp.v24i1.73324.
- Shayne, J D (2004). The Revolution Question: Feminisms in El Salvador, Chile, and Cuba. https://doi.org/10.5860/choice.42-5521.
- Terman, R (2010). The Piety of Public Participation: The Revolutionary Muslim Woman in the Islamic Republic of Iran. Totalitarian Movements and Political Religions, 11, 289 - 310. https://doi.org/10.1080/14690764.2010.546086.
- Thatchinamoorthy, C, Meenambigai, J (2018). Entrepreneurial Stress Management of Women Entrepreneurs. ERPN: Labor Economics (Topic) https://www.semanticscholar.org/paper/a4e9a9e7d23f12f5ec413f42eaa9ef3ce133a7db.
- Thomas, A (2024). The Role of Women's Entrepreneurship in Achieving Sustainable Development Goals (SDGs): A Comprehensive Review. Journal of Biotechnology & Bioinformatics Research. https://doi.org/10.47363/jbbr/2024(6)174.
- Winter, B (2016). Women as Cultural Markers/Bearers. https://doi.org/10.1002/9781118663219.WBEGSS695.

نقش جهاد دانشگاهی به‌مثابه حلقه میانی در تحقق بیانیه گام دوم انقلاب و تقویت همبستگی اجتماعی

سیده مهری جوادی[1] حسن فارسی[2]

چکیده

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، به‌عنوان سند راهبردی آینده‌ساز نظام اسلامی، بر تحول بنیادین در علم و فناوری، تقویت عدالت اجتماعی، تو سعه اقت صادی و ارتقای هویت دینی و فرهنگی تأکید دارد. در این راستا، جهاد دانشگاهی به‌عنوان یکی از موفق‌ترین حلقه‌های میانی، نقشی محوری در تحقق این آرمان‌ها ایفا می‌کند. این نهاد، با دستاوردهای چشمگیر در توسعه فناوری‌های بومی، تقویت عدالت اجتماعی و ایجاد انسجام ملی، الگویی ارزشمند برای سایر نهادهای انقلابی به‌شمار می‌رود. بااین‌حال، چالش‌هایی نظیر کمبود منابع مالی و ضعف تعاملات بین‌نهادی، عملکرد آن را محدود کرده است. پژوهش حاضر با هدف بررسی راهکارهای ارتقای نقش جهاد دانشگاهی در تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب و تقویت همبستگی اجتماعی انجام شده است. پرسش اصلی این است که چگونه جهاد دانشگاهی می‌تواند به‌عنوان حلقه‌ای میانی، نقشی مؤثرتر ایفا کند؟ فرضیه پژوهش بیان می‌دارد که جهاد دانشگاهی، با تقویت زیرساخت‌های پژوهشی، توسعه فناوری های بومی، حمایت از نخبگان و گسترش تعاملات بین‌نهادی، می‌تواند به تحقق این اهداف کمک کند. این پژوهش با رویکرد کیفی و روش توصیفی-تحلیلی، داده‌های خود را از اسناد بیانیه گام دوم، عملکرد جهاد دانشگاهی و منابع مکتوب گردآوری و تحلیل کرده است. نتایج نشان می‌دهد که تقویت همکاری‌های بین‌نهادی، تربیت نخبگان، توسعه زیرساخت‌های علمی و فناوری و ترویج فرهنگ کارآفرینی می‌تواند جایگاه جهاد دانشگاهی را در تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی ارتقا دهد. این پژوهش الگویی جامع برای سایر نهادهای انقلابی ارائه می‌دهد تا با بهره‌گیری از ظرفیت‌های داخلی، افق‌های نوینی در مسیر پیشرفت ایران اسلامی بگشایند.

واژگان کلیدی: بیانیه گام دوم انقلاب، جهاد دانشگاهی، حلقه‌های میانی، پژوهش و نوآوری، فناوری‌های بومی، همبستگی اجتماعی، حمایت از کارآفرینی.

---

[1] عضوهئیت علمی پژوهشکده علوم پایه کاربردی جهاد دانشگاهی *Ghazalehjavadi.z@gmail.com*

[2] عضو هئیت علمی دانشگاه علم و فرهنگ جهاد دانشگاهی

۱. مقدمه و بیان مسئله

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که در سال ۱۳۹۷ توسط آیت‌الله خامنه‌ای صادر شد، همچون نقشه راهی جامع و راهبردی، مسیر آینده نظام اسلامی را با نگاهی عمیق و آینده‌نگرانه ترسیم می‌کند. این بیانیه، فراخوانی است برای بازنگری در مسیر انقلاب اسلامی و تعیین اهداف بلندمدت به‌منظور تحقق آرمان‌های متعالی آن که با تکیه بر دستاوردهای شکوهمند چهار دهه گذشته، بر ضرورت حرکت به‌سوی آینده‌ای روشن‌تر تأکید دارد؛ آینده‌ای که در آن استقلال ملی، پیشرفت علمی و اقتصادی و عدالت اجتماعی به کمال مطلوب خود برسد. آیت‌الله خامنه‌ای در این بیانیه، با بهره‌گیری از تجارب گذشته و تکیه بر ظرفیت‌های بی‌نظیر داخلی، به‌ویژه در عرصه‌های علم، فناوری، فرهنگ و اقتصاد، اهداف بلندمدت انقلاب را در پنج محور اساسی ارائه کرده‌اند: تحول در عرصه علم و فناوری، تقویت بنیان‌های اقتصادی و رفع مشکلات معیشتی مردم، ارتقای عدالت اجتماعی و مقابله با فساد، تقویت هویت دینی و فرهنگی و ترویج استقلال و اقتدار ملی. این بیانیه، با تأکید ویژه بر نقش بی‌بدیل جوانان و نخبگان، آنان را نیروی محرکه اصلی برای تحقق این اهداف و ساختن آینده‌ای بهتر معرفی می‌کند. بی‌شک، اتکا به همت و توانایی این نسل پویا، مسیر انقلاب اسلامی را به‌سوی قله‌های عزت، پیشرفت و افتخار هموار خواهد ساخت (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۷/۱۱/۲۳).

جهاد دانشگاهی به‌عنوان یکی از موفق‌ترین و تأثیرگذارترین حلقه‌های میانی در نظام جمهوری اسلامی، نقشی محوری در تحقق اهداف انقلاب اسلامی و بیانیه گام دوم انقلاب ایفا می‌کند. این نهاد با فعالیت‌های گسترده در حوزه‌های علمی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، توانسته است به‌طور قابل‌توجهی در پیشبرد آرمان‌های انقلاب اسلامی سهیم باشد. بااین‌حال، جهاد دانشگاهی همچنان با چالش‌هایی از جمله کمبود منابع مالی، ضعف تعاملات بین‌نهادی و محدودیت در زیرساخت‌های پژوهشی مواجه است که می‌تواند اثربخشی آن را محدود کند. مسئله اصلی این

است که چگونه جهاد دانشگاهی می‌تواند با رفع این موانع و بهره‌گیری بهینه از ظرفیت‌های موجود، نقش خود را به‌عنوان حلقه‌ای واسط میان مردم و حاکمیت تقویت کند و به تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و ارتقای همبستگی اجتماعی یاری رساند؟ این پرسش از آن جهت اهمیت دارد که بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، به‌عنوان نقشه راه آینده‌ساز نظام، بر تحول در عرصه‌های علم و فناوری، تقویت عدالت اجتماعی، توسعه اقتصادی و ارتقای هویت دینی و فرهنگی تأکید دارد. جهاد دانشگاهی با تقویت زیرساخت‌های پژوهشی، توسعه فناوری‌های بومی، حمایت از نخبگان و گسترش تعاملات بین‌نهادی می‌تواند به‌طور مؤثرتری در تحقق این اهداف مشارکت کند و جایگاه خود را به‌عنوان نهادی پیشرو در مسیر رشد و تعالی ایران اسلامی ارتقا بخشد.

۲. روش تحقیق

این پژوهش با رویکردی کیفی و روش توصیفی-تحلیلی طراحی و اجرا شده است. در این رویکرد، تلاش بر آن است تا با تحلیل عمیق داده‌ها و اطلاعات مرتبط، به تبیین نقش جهاد دانشگاهی در تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و تقویت همبستگی اجتماعی پرداخته شود. داده‌های این پژوهش از سه منبع اصلی گردآوری شده‌اند. نخست، مطالعه منابع مکتوب شامل کتب، مقالات علمی، گزارش‌های پژوهشی و سایر منابع معتبر مرتبط با موضوع تحقیق است که برای بررسی نظریه‌ها، دیدگاه‌ها و تجارب مرتبط با نقش جهاد دانشگاهی و بیانیه گام دوم مورد استفاده قرار گرفته‌اند. دوم، اسناد و مدارک مرتبط، از جمله اسناد رسمی و بیانیه‌های صادر شده، به‌ویژه بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که به‌عنوان مبنای نظری و چارچوب مفهومی تحقیق به دقت بررسی شده‌اند. سوم، بررسی عملکرد جهاد دانشگاهی که از طریق تحلیل فعالیت‌های این نهاد در حوزه‌های علمی، فرهنگی، آموزشی، اجتماعی و اقتصادی و با استفاده از گزارش‌ها، آمار و اطلاعات موجود، به شناسایی نقاط قوت و ضعف آن پرداخته است. برای تحلیل داده‌ها، از روش تحلیل محتوای

کیفی بهره گرفته شده است. این روش امکان شناسایی الگوها، مفاهیم کلیدی و روابط میان داده‌ها را فراهم کرده و به استخراج نتایج دقیق و قابل‌اعتماد کمک کرده است. فرآیند تحلیل شامل چهار مرحله اصلی بوده است: ابتدا، گردآوری داده‌ها از منابع و اسناد مختلف انجام شد. سپس، داده‌ها بر اساس موضوعات و محورهای اصلی پژوهش طبقه‌بندی شدند. در مرحله بعد، داده‌ها مورد تحلیل و تفسیر قرار گرفتند تا مفاهیم و الگوهای مرتبط با نقش جهاد دانشگاهی و بیانیه گام دوم انقلاب شناسایی شوند. درنهایت، نتیجه‌گیری صورت گرفت و پیشنهادات کاربردی برای ارتقای نقش جهاد دانشگاهی ارائه شد. این روش تحقیق، با تأکید بر تحلیل کیفی و عمیق داده‌ها، زمینه را برای درک بهتر از نقش جهاد دانشگاهی در تحقق اهداف کلان نظام و ارائه راهکارهای مؤثر فراهم کرده است.

۳. چارچوب نظری

چارچوب نظری این تحقیق مبتنی بر مفهوم «حلقه‌های میانی» است که به‌عنوان واسطه‌ای مؤثر میان مردم و حاکمیت عمل می‌کنند. این مفهوم بر اهمیت نهادهایی تأکید دارد که می‌توانند با ایجاد ارتباط میان اجزای مختلف جامعه، از جمله دانشگاه، صنعت و مردم، نقش تسهیل‌کننده‌ای در تحقق اهداف کلان کشور ایفا کنند. در این چارچوب، جهاد دانشگاهی به‌عنوان یکی از موفق‌ترین حلقه‌های میانی در نظام جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار گرفته است.

۳-۱. تعریف حلقه‌های میانی و جایگاه آن‌ها در تحقق اهداف انقلاب

واژه حلقه‌های میانی از ابداعات آیت‌الله خامنه‌ای است که در تاریخ اول خرداد ۱۳۹۸ ارائه شده است. ایشان در دیدار جمعی از فعالان گروه‌های جهادی بحث حلقه‌های میانی را بیان نموده‌اند. ایشان در این دیدار به ترسیم بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی پرداخته و خاطرنشان کردند که جامعه نیازمند یک حرکت عمومی به سوی گام دوم انقلاب اسلامی است. حلقه‌های میانی به‌عنوان نهادها، سازمان‌ها و

گروه‌هایی که در میان ارکان حاکمیت و مردم قرار دارند، نقش بسیار مهمی در ایجاد ارتباط مؤثر و تسهیل فرآیندهای مختلف در نظام اسلامی ایفا می‌کنند. این حلقه‌ها معمولاً از ساختارهایی تشکیل می‌شوند که هم از حاکمیت حمایت می‌کنند و هم با مردم در ارتباط‌اند، به‌طوری‌که نیازهای مردم را درک کرده و به آن‌ها پاسخ می‌دهند. به‌عبارت‌دیگر، حلقه‌های میانی به‌عنوان واسطه‌ای میان نهادهای حکومتی و مردم عمل می‌کنند و می‌توانند با ایجاد پل ارتباطی، منافع دو طرف را در نظر گرفته و آن‌ها را به‌طور مؤثر به هم پیوند دهند. در نظام اسلامی، این حلقه‌ها می‌توانند شامل نهادهای مختلفی از جمله نهادهای علمی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی باشند که در تحقق اهداف کلان انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی نقش دارند. این نهادها با توجه به ماهیت خاص خود، در حوزه‌های مختلفی از جمله تقویت هویت دینی، تحقق عدالت اجتماعی، پیشرفت اقتصادی و ارتقاء سطح علمی کشور می‌توانند نقش‌آفرینی کنند. در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، به‌طور مستقیم به عبارت "حلقه‌های میانی " اشاره نشده است، اما مفاهیم کلی این حلقه‌ها و نقش آن‌ها در تحقق اهداف انقلاب اسلامی به‌طور غیرمستقیم در بخش‌های مختلف بیانیه مطرح شده است. در این بیانیه، بر اهمیت نهادهای مردمی، علمی، پژوهشی و فرهنگی تأکید شده است که می‌توان آن‌ها را به‌عنوان حلقه‌های میانی در نظر گرفت. این نهادها به‌عنوان واسطه‌هایی میان حاکمیت و مردم عمل می‌کنند و در پی تحقق اهداف کلان انقلاب در حوزه‌های مختلف علمی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هستند (خامنه‌ای، بیانات:۱۳۹۸/۳/۱).

به‌ویژه در بخش‌هایی از بیانیه که به پیشرفت علمی، نوآوری، فناوری‌های بومی و ارتقای مرجعیت علمی اشاره شده است، می‌توان به‌طور غیرمستقیم به اهمیت این حلقه‌ها پی برد. در این زمینه، نهادهایی مانند جهاد دانشگاهی که به‌عنوان حلقه‌های میانی عمل می‌کنند، نقش اساسی در هم‌افزایی و همکاری با حاکمیت برای پیشبرد اهداف کشور دارند. این نهادها می‌توانند در راستای تقویت ارتباط میان مردم،

دانشگاه‌ها و نهادهای حکومتی عمل کنند و در تحقق اهداف کلان انقلاب اسلامی سهم بزرگی ایفا نمایند؛ بنابراین، هرچند در متن بیانیه به‌طور مستقیم از عبارت «حلقه‌های میانی» استفاده نشده است، اما مفاهیم و اهداف مرتبط با این حلقه‌ها به‌وضوح در بیانیه گام دوم انقلاب مطرح شده و جایگاه نهادهایی مانند جهاد دانشگاهی در تحقق اهداف علمی و فناوری کشور به‌طور غیرمستقیم مورد تأکید قرار گرفته است.

۲-۳. تأکید بیانیه گام دوم انقلاب بر نقش مردم‌محوری و نهادهای واسطه

بیانیه گام دوم انقلاب که توسط آیت‌الله خامنه‌ای صادر شد، تأکید ویژه‌ای بر نقش مردم‌محوری و نهادهای واسطه در تحقق اهداف انقلاب اسلامی دارد. در این بیانیه، مردم به‌عنوان اصلی‌ترین سرمایه اجتماعی نظام اسلامی شناخته می‌شوند و هرگونه پیشرفت و تحول در کشور، بدون مشارکت فعال مردم ممکن نخواهد بود. در این راستا، حلقه‌های میانی به‌عنوان نهادهایی که ارتباط مستقیم و مؤثر با مردم دارند، می‌توانند نقش مهمی در تحقق مردم‌محوری ایفا کنند. بیانیه گام دوم انقلاب بر لزوم ایجاد و تقویت نهادهایی تأکید دارد که بتوانند خواسته‌ها و نیازهای مردم را به‌درستی درک کرده و به‌طور مؤثر به حاکمیت منتقل کنند. این نهادها باید با تکیه بر ظرفیت‌های داخلی و با استفاده از شیوه‌های نوین ارتباطی، زمینه‌های لازم برای تحقق اهداف بلندمدت انقلاب اسلامی را فراهم آورند. در حقیقت، بیانیه گام دوم انقلاب حلقه‌های میانی را به‌عنوان نهادهایی معرفی می‌کند که می‌توانند نقش تسهیل‌کننده‌ای در ارتباط میان مردم و حاکمیت داشته باشند و از این طریق به تحقق آرمان‌های انقلاب کمک کنند (کشیشیان، ۱۴۰۰).

۳-۳. ویژگی‌ها و الزامات حلقه‌های میانی در نظام اسلامی

حلقه‌های میانی در نظام اسلامی باید ویژگی‌ها و الزامات خاصی داشته باشند تا بتوانند به‌طور مؤثر در تحقق اهداف نظام اسلامی و انقلاب اسلامی نقش‌آفرینی کنند. این ویژگی‌ها و الزامات عبارت‌اند از:

– مردم‌محوری: حلقه‌های میانی باید همواره به مردم توجه ویژه‌ای داشته باشند و از ظرفیت‌های مردمی برای پیشبرد اهداف انقلاب استفاده کنند. این نهادها باید با درک نیازهای مردم و پاسخ‌گویی به آن‌ها، به‌طور مستقیم و مؤثر در فرآیندهای مختلف جامعه مشارکت داشته باشند.

– انسجام با اصول اسلامی: حلقه‌های میانی باید با اصول و ارزش‌های اسلامی هماهنگ باشند و در چارچوب اهداف کلان نظام جمهوری اسلامی حرکت کنند. این نهادها باید در راستای تحقق عدالت اجتماعی، تقویت هویت دینی و فرهنگی و پیشرفت علمی و اقتصادی کشور فعالیت کنند.

– نوآوری و کارآفرینی: یکی از ویژگی‌های مهم حلقه‌های میانی در نظام اسلامی، توانایی آن‌ها در نوآوری و کارآفرینی است. این نهادها باید با استفاده از روش‌های نوین و خلاقانه، زمینه‌ساز تحولات مثبت در جامعه و پیشرفت در حوزه‌های مختلف علمی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی باشند.

– مسئولیت‌پذیری و شفافیت: حلقه‌های میانی باید نسبت به مسئولیت‌های خود پاسخگو باشند و شفافیت در عملکرد خود را حفظ کنند. این ویژگی به‌ویژه در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی اهمیت زیادی دارد و موجب اعتماد مردم به این نهادها خواهد شد.

– توسعه ظرفیت‌های داخلی: حلقه‌های میانی باید بر تقویت و توسعه ظرفیت‌های داخلی تأکید داشته باشند و از اتکا به منابع خارجی پرهیز کنند. این نهادها باید به‌ویژه در حوزه‌های علمی و فناوری، با تکیه بر ظرفیت‌های داخلی کشور، به حل مشکلات و چالش‌های موجود بپردازند.

– هم‌افزایی با سایر نهادها: حلقه‌های میانی باید با سایر نهادهای حکومتی، علمی، فرهنگی و اجتماعی هم‌افزایی داشته باشند و در جهت تحقق اهداف مشترک انقلاب اسلامی همکاری کنند. این هم‌افزایی موجب ایجاد همگرایی و هماهنگی در جامعه خواهد شد و درنهایت به تحقق اهداف کلان انقلاب کمک خواهد کرد.

درنهایت، حلقه‌های میانی در نظام اسلامی باید به‌عنوان نهادهایی کارآمد و پاسخگو شناخته شوند که بتوانند با استفاده از ظرفیت‌های مردمی، علمی و فرهنگی، زمینه‌ساز پیشرفت و تحول در کشور شوند و به تحقق اهداف بلندمدت انقلاب اسلامی کمک کنند (خامنه‌ای، بیانات:۱۳۹۸/۳/۱).

٤-۳. معرفی جهاد دانشگاهی

۱-٤-۳. تاریخچه و مأموریت‌های جهاد دانشگاهی در نظام جمهوری اسلامی

جهاد دانشگاهی در سال ۱۳۵۹ و پس از پیروزی انقلاب اسلامی به‌عنوان یک نهاد علمی و فرهنگی تأسیس شد. این نهاد در ابتدا با هدف کمک به بازسازی کشور و تأمین نیازهای علمی و پژوهشی کشور پس از انقلاب، به‌ویژه در زمینه‌های مختلف علمی و فرهنگی، آغاز به کار کرد. جهاد دانشگاهی در همان ابتدای تأسیس خود با شعار «جهاد علمی و فرهنگی» به فعالیت پرداخت و به‌عنوان یک نهاد مستقل، هدف خود را تقویت بنیان‌های علمی و فرهنگی کشور و حل مسائل جامعه از طریق تحقیقات علمی و توسعه فناوری‌ها قرار داد. مأموریت اصلی جهاد دانشگاهی در نظام جمهوری اسلامی، کمک به تحقق اهداف بلندمدت انقلاب اسلامی از طریق تولید دانش بومی، توسعه فناوری‌های نوین، ارتقاء سطح علمی کشور و ایجاد پیوند میان دانشگاه، صنعت و جامعه است. جهاد دانشگاهی با توجه به ظرفیت‌های موجود در دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها، توانسته است در زمینه‌های مختلف علمی، پژوهشی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نقش مؤثری ایفا کند و به‌عنوان یکی از مهم‌ترین حلقه‌های میانی در نظام جمهوری اسلامی شناخته شود. جهاد دانشگاهی در حال حاضر دارای ٤٤ واحد استانی و دانشگاهی، ۳ پژوهشگاه (شامل ۹ پژوهشکده) و

۱٤ پژوهشکده مستقل، ۱ مجتمع تحقیقاتی، ۳ پارک علم و فناوری، ۱۸ مرکز رشد و ۱ دانشگاه (علم و فرهنگ) است که در مجموع دربرگیرنده ۱۲۸ گروه پژوهشی است. از سوی دیگر، به اعتقاد آرنولد و همکارانش (۱۹۹۸) و بر اساس کمیسیون اروپایی (۲۰۰۰) به سبب فرهنگ سازمانی از سازمان‌های موفق در پژوهش و فناوری است.

۲-٤-۳. نقش جهاد دانشگاهی در تقویت ارتباط میان دانشگاه، صنعت و جامعه

یکی از ویژگی‌های بارز جهاد دانشگاهی، نقش آن به‌عنوان حلقه میانی میان دانشگاه، صنعت و جامعه است (راش و همکاران ۱۹۹٦). این نهاد با ایجاد پیوندهای مؤثر میان این سه بخش، توانسته است مشکلات و چالش‌های موجود در هر یک از این حوزه‌ها را شناسایی و راه‌حل‌هایی برای رفع آن‌ها ارائه دهد. جهاد دانشگاهی با بهره‌گیری از ظرفیت‌های علمی و پژوهشی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های تحت پوشش خود، توانسته است پروژه‌های تحقیقاتی و توسعه‌ای را در حوزه‌های مختلف آغاز کند که به‌طور مستقیم با نیازهای صنعتی و اجتماعی کشور مرتبط است. یکی از مهم‌ترین اقدامات جهاد دانشگاهی در این زمینه، راه‌اندازی و حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان و مراکز تحقیقاتی است که به‌طور مستقیم با صنعت و نیازهای جامعه در ارتباط هستند. این نهاد با همکاری نزدیک با بخش‌های مختلف صنعت، توانسته است فناوری‌های نوین را به‌طور عملی به صنایع مختلف کشور منتقل کرده و از این طریق موجب ارتقاء سطح تولید و بهره‌وری در صنایع مختلف شود (مرینالیتی و ناث، ۲۰۰۸). جهاد دانشگاهی همچنین با ایجاد شبکه‌های همکاری میان دانشگاه‌ها، صنعتگران و فعالان اقتصادی، به تسهیل فرآیند انتقال دانش و فناوری در کشور کمک کرده است.

۳-٤-۳. اقدامات جهاد دانشگاهی در حوزه‌های علمی، فرهنگی و اجتماعی

جهاد دانشگاهی به‌عنوان یکی از نهادهای برجسته علمی و فرهنگی در نظام جمهوری اسلامی، در حوزه‌های مختلف علمی، فرهنگی و اجتماعی اقدامات مهمی انجام داده است که به‌طور مستقیم با اهداف انقلاب اسلامی و بیانیه گام دوم انقلاب مرتبط است.

– حوزه علمی و پژوهشی: جهاد دانشگاهی، به‌عنوان یکی از نهادهای پیشرو در توسعه علمی و فناوری کشور، با تأسیس و راه‌اندازی مراکز تحقیقاتی و پژوهشگاه‌های مختلف، گام‌های مؤثری در تولید دانش بومی و پیشرفت علمی برداشته است. این نهاد با فعالیت در حوزه‌های متنوعی همچون علوم پزشکی، مهندسی، کشاورزی، انرژی، محیط‌زیست و فناوری اطلاعات، توانسته است پروژه‌های تحقیقاتی موفق و دستاوردهای ارزشمندی را به ثمر برساند. از جمله افتخارات جهاد دانشگاهی، تولید داروها و واکسن‌های بومی، طراحی و ساخت تجهیزات پزشکی پیشرفته و توسعه فناوری‌های نوین در عرصه‌های گوناگون است که نقشی کلیدی در ارتقای توانمندی‌های علمی و فناورانه کشور ایفا کرده است. این نهاد با تأسیس مراکز برجسته‌ای مانند مرکز ملی ذخایر ژنتیکی و زیستی ایران، دانشگاه غیرانتفاعی علم و فرهنگ و پژوهشگاه‌های معتبری همچون پژوهشگاه رویان و پژوهشگاه ابن‌سینا، به دستاوردهای چشمگیری در زمینه‌های مختلف دست یافته است. فعالیت‌های گسترده جهاد دانشگاهی در این حوزه‌ها، نه‌تنها به تقویت زیرساخت‌های علمی و پژوهشی کشور کمک کرده، بلکه با بهره‌گیری از توان داخلی و نیروی انسانی متخصص، مسیر توسعه پایدار و خودکفایی علمی را هموار ساخته است. این نهاد، با نگاه به آینده‌ای روشن و متکی بر دانش و نوآوری، همچنان در مسیر تحقق آرمان‌های علمی و فناوری ایران گام برمی‌دارد.

– حوزه فرهنگی و آموزشی: جهاد دانشگاهی همچنین در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی فعالیت‌های گسترده‌ای انجام داده است. این نهاد با برگزاری برنامه‌های

فرهنگی، آموزشی و پژوهشی، به ترویج فرهنگ اسلامی و انقلابی پرداخته و در ارتقاء سطح آگاهی‌های دینی و فرهنگی جامعه نقش مؤثری ایفا کرده است. جهاد دانشگاهی در این راستا، با برگزاری دوره‌های آموزشی و کارگاه‌های تخصصی، توانسته است فرهنگ کارآفرینی، نوآوری و توسعه پایدار را در جامعه ترویج کند.

– حوزه اجتماعی: جهاد دانشگاهی در زمینه‌های اجتماعی نیز اقدامات قابل توجهی انجام داده است. این نهاد با تأسیس مراکز مشاوره و خدمات اجتماعی، به حل مشکلات اجتماعی و فرهنگی جامعه پرداخته است. جهاد دانشگاهی با ارائه خدمات مشاوره‌ای به دانشجویان، جوانان و خانواده‌ها، توانسته است در حل مسائل اجتماعی و روانی جامعه تأثیرگذار باشد. همچنین، این نهاد با برگزاری دوره‌های آموزشی و توانمندسازی، به ارتقاء سطح آگاهی و مهارت‌های اجتماعی افراد کمک کرده است.

در مجموع، جهاد دانشگاهی به‌عنوان یکی از حلقه‌های میانی موفق در نظام جمهوری اسلامی ایران، توانسته است در حوزه‌های علمی، فرهنگی و اجتماعی اقدامات مهمی انجام دهد که به‌طور مستقیم با اهداف انقلاب اسلامی و بیانیه گام دوم انقلاب مرتبط است. این نهاد با تکیه بر ظرفیت‌های علمی و پژوهشی خود، توانسته است در حل مسائل کشور نقش‌آفرینی کند و به‌عنوان نمونه‌ای از موفق‌ترین حلقه‌های میانی در نظام جمهوری اسلامی شناخته شود.

٤. جهاد دانشگاهی به‌عنوان نمونه‌ای از حلقه‌های میانی موفق

جهاد دانشگاهی به‌عنوان نمونه‌ای موفق از حلقه‌های میانی در نظام جمهوری اسلامی ایران، نقشی کلیدی در تحقق اهداف انقلاب اسلامی و بیانیه گام دوم ایفا کرده است. این نهاد، به‌عنوان یک حلقه واسط میان نهادهای حاکمیتی، دانشگاه‌ها و بخش‌های صنعتی، با بهره‌گیری از ظرفیت‌های علمی، پژوهشی و فناورانه خود، توانسته است علاوه بر ارتقاء سطح علمی کشور، در حل مسائل اجتماعی و اقتصادی نیز مؤثر واقع شود. مطالعات در کشورهای درحال‌توسعه نشان می‌دهد که سازمان‌هایی مشابه جهاد دانشگاهی، به دلیل ضعف زیرساخت‌های تکنولوژیکی و فقدان تعاملات پویا

میان بازیگران نظام نوآوری، نقشی حیاتی در استقرار شبکه‌های تعاملی میان بازیگران نظام ملی نوآوری ایفا می‌کنند (راثول، ۱۹۹۱). این نهادها به‌عنوان کاتالیزور فرآیند صنعتی شدن عمل کرده و در پویاسازی نظام نوآوری نقش کلیدی دارند (مرینالیتی و ناث، ۲۰۰۸). جهاد دانشگاهی نیز در ایران با تکیه بر توانمندی‌های داخلی و هم‌افزایی با سایر نهادهای علمی و صنعتی، به‌عنوان الگویی موفق از این نوع سازمان‌ها شناخته می‌شود.

در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، تأکید ویژه‌ای بر نقش نهادهای علمی و پژوهشی در پیشبرد اهداف کلان کشور شده است. این بیانیه بر ضرورت «پیشرفت علمی»، «نوآوری»، «فناوری‌های بومی» و «مرجعیت علمی» تأکید دارد. جهاد دانشگاهی، به‌عنوان نهادی پیشرو، در تحقق این اهداف نقش‌آفرینی کرده است:

۱. پیشرفت علمی و مرجعیت علمی: بیانیه بر دستیابی به مرجعیت علمی در سطح جهانی تأکید دارد. جهاد دانشگاهی با فعالیت در حوزه‌های مختلف علمی و فناوری، سهم قابل‌توجهی در این زمینه داشته است.

۲. فناوری و نوآوری: تأکید بر توسعه فناوری‌های بومی و نوآوری، از ارکان اصلی پیشرفت کشور است. جهاد دانشگاهی با تولید فناوری‌های بومی و کاهش وابستگی به خارج، نقشی اساسی در این حوزه ایفا کرده است.

۳. تعاملات نظام ملی نوآوری: این نهاد به‌عنوان حلقه واسط، توانسته است ارتباط میان بخش تحقیقات، تولید و سایر بازیگران نظام ملی نوآوری را تسهیل کند و شبکه‌های تعاملی مؤثری ایجاد نماید.

اگرچه در متن بیانیه گام دوم نامی از جهاد دانشگاهی برده نشده است، اما تأکیدات بیانیه بر اهمیت نهادهای علمی و پژوهشی، به‌وضوح جایگاه این نهاد را در تحقق اهداف علمی و فناوری کشور نشان می‌دهد. جهاد دانشگاهی با رویکردهای نوآورانه، بهره‌گیری از ظرفیت‌های داخلی و ایفای نقش به‌عنوان کاتالیزور در فرآیند

توسعه علمی و صنعتی، الگویی موفق از حلقه‌های میانی در نظام جمهوری اسلامی ایران ارائه کرده است.

۵. نقش جهاد دانشگاهی در تحقق محورهای بیانیه گام دوم انقلاب

۵-۱. تحول در عرصه علم و فناوری

جهاد دانشگاهی در راستای تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب، یکی از نهادهای کلیدی در پیشرفت علمی کشور و دستیابی به مرجعیت علمی در سطح جهانی است. با توجه به تأکید آیت‌الله خامنه‌ای در بیانیه گام دوم انقلاب بر «علم و پژوهش»، جهاد دانشگاهی به‌عنوان یک نهاد علمی و پژوهشی، در توسعه و تقویت بنیان‌های علمی کشور نقش بسیار مهمی ایفا کرده است. جهاد دانشگاهی با تأسیس و راه‌اندازی مراکز تحقیقاتی و پژوهشگاه‌های مختلف در حوزه‌های گوناگون، از جمله علوم پزشکی، مهندسی، کشاورزی و فناوری‌های نوین، توانسته است به تولید دانش بومی پرداخته و در ارتقاء سطح علمی کشور گام‌های مؤثری بردارد. یکی از مهم‌ترین اهداف جهاد دانشگاهی در این راستا، دستیابی به مرجعیت علمی در سطح جهانی است. این نهاد با توجه به ظرفیت‌های علمی و پژوهشی خود، در تلاش است تا به‌عنوان یک قطب علمی و پژوهشی در سطح بین‌المللی شناخته شود. جهاد دانشگاهی در این مسیر از طریق همکاری‌های بین‌المللی، مشارکت در پروژه‌های علمی و تحقیقاتی جهانی و تولید مقالات علمی معتبر، توانسته است در عرصه جهانی نقش‌آفرینی کند و جایگاه ایران را در علم و فناوری ارتقا دهد. از جمله مهم‌ترین دستاوردهای جهاد دانشگاهی در این زمینه، می‌توان به پژوهشگاه رویان اشاره کرد که در زمینه درمان ناباروری با استفاده از سلول‌های بنیادی به‌عنوان یکی از مراکز پیشرو در جهان شناخته می‌شود. این پژوهشگاه با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و تحقیقات علمی گسترده، توانسته است گام‌های بلندی در درمان ناباروری بردارد و امید بسیاری را در دل زوج‌های نابارور زنده کند. همچنین، پژوهشگاه ابن‌سینا در زمینه درمان و شناسایی زودهنگام سرطان‌ها و درمان ناباروری، از مراکز

معتبر علمی کشور است که با انجام تحقیقات پیشرفته و استفاده از روش‌های نوین تشخیصی و درمانی، توانسته است در تشخیص و درمان این بیماری کشنده پیشرفت‌های قابل توجهی داشته باشد. این پژوهشگاه با همکاری‌های علمی و بین‌المللی خود، به‌طور مستمر درحال‌توسعه روش‌های جدید برای بهبود درمان بیماران مبتلا به سرطان است. پژوهشکده معتمد سرطان نیز در راستای شناسایی زودهنگام بیماران مستعد به‌ویژه سرطان پستان، با استفاده از روش‌های تشخیصی پیشرفته و تحقیقات ژنتیکی، گام‌های مؤثری در زمینه پیشگیری و درمان این بیماری‌ها برداشته است. این پژوهشکده با تأسیس آزمایشگاه‌های تخصصی و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، نقش بسزایی در کاهش نرخ مرگ‌ومیر ناشی از سرطان‌ها ایفا کرده است. در کنار این‌ها، پژوهشکده علوم پایه کاربردی جهاد دانشگاهی با تحقیقات گسترده در زمینه رفع آلودگی‌های نفتی و استفاده از فناوری‌های نوین برای پاک‌سازی محیط‌زیست از آلودگی‌های نفتی، به‌عنوان یکی از پیشگامان در این حوزه شناخته می‌شود. این پژوهشکده با استفاده از میکروارگانیسم‌ها و روش‌های بیوتکنولوژیکی موفق به طراحی و اجرای پروژه‌های کاربردی در زمینه پاک‌سازی منابع آبی و خاکی از آلودگی‌های نفتی شده است. در مجموع، جهاد دانشگاهی با تأسیس و توسعه مراکز تحقیقاتی و پژوهشگاه‌های مختلف، توانسته است در زمینه‌های مختلف علمی و پژوهشی نقش مؤثری ایفا کند و با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و همکاری‌های بین‌المللی، گام‌های بلندی در راستای دستیابی به مرجعیت علمی بردارد. این نهاد با تولید دانش بومی و ایجاد ارتباطات علمی با مراکز معتبر جهانی، جایگاه ایران را در عرصه‌های علمی و فناوری ارتقا داده و به تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب در زمینه پیشرفت علمی کمک شایانی کرده است.

۱-۱-۵. ساختار و دستاوردهای علمی جهاد دانشگاهی

جهاد دانشگاهی با تأسیس و توسعه مراکز تحقیقاتی، پژوهشگاه‌ها و دانشگاه‌ها، زیرساخت‌های علمی و پژوهشی گسترده‌ای را ایجاد کرده است. این نهاد در حال حاضر شامل: ٤٤ واحد استانی و دانشگاهی، ۳ پژوهشگاه (شامل ۹ پژوهشکده) مانند پژوهشگاه رویان و پژوهشگاه ابن‌سینا، ۱۸ پژوهشکده مستقل از جمله پژوهشکده معتمد سرطان پستان، ۱ مجتمع تحقیقاتی مانند مجتمع تحقیقاتی شهدای جهاد دانشگاهی، ۳ پارک علم و فناوری از جمله بزرگ‌ترین پارک علم و فناوری ایران در البرز،٢٤ مرکز رشد، ۱ دانشگاه (دانشگاه علم و فرهنگ)، در مجموع، جهاد دانشگاهی با ۱۲۸ گروه پژوهشی، به‌عنوان یکی از ارکان اصلی پیشرفت علمی کشور شناخته می‌شود.

جدول ۱: پارک‌های علم و فناوری

ردیف	نام پارک علم و فناوری	توضیحات
۱	پارک علم و فناوری جهاد دانشگاهی البرز	پشتیبان توسعه فناوری و تجاری‌سازی در استان البرز
۲	پارک علم و فناوری سازمان جهاد دانشگاهی کرمانشاه	تسهیلگر رشد واحدهای فناور و استارتاپ‌ها در استان کرمانشاه
۳	پارک علم و فناوری فناوری‌های نرم و صنایع فرهنگی	تسهیلگر رشد واحدهای فناور و استارتاپ‌ها در استان تهران دانشگاه علم و فرهنگ

جدول ۲: پژوهشگاه‌ها

ردیف	نام پژوهشگاه	توضیحات
۱	پژوهشگاه ابن‌سینا	پیشرو در تحقیقات بیوتکنولوژی تولیدمثل، سلول‌های بنیادی و درمان ناباروری
۲	پژوهشگاه رویان	مرکز تحقیقات پیشرفته در حوزه‌های بیولوژی تولیدمثل، زیست‌فناوری و سلول‌های بنیادی
۳	پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی	تحقیق در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی با تمرکز بر مسائل بومی

جدول ۳: پژوهشکده‌ها

ردیف	نام پژوهشکده	توضیحات
۱	پژوهشکده برق	توسعه فناوری‌های نوین در حوزه مهندسی برق و الکترونیک
۲	پژوهشکده بیوتکنولوژی صنعتی	تحقیقات و توسعه در زمینه زیست‌فناوری صنعتی برای صنایع مختلف
۳	پژوهشکده تکنولوژی تولید	پژوهش در بهینه‌سازی فرآیندهای تولید صنعتی
٤	پژوهشکده توسعه تکنولوژی	متمرکز بر توسعه فناوری‌های نوین در صنایع مختلف
٥	پژوهشکده توسعه صنایع شیمیایی	ارائه راهکارهای نوآورانه در حوزه صنایع شیمیایی
٦	پژوهشکده توسعه و برنامه‌ریزی	تحقیق در زمینه سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و توسعه پایدار
۷	پژوهشکده علوم بهداشتی	پژوهش در زمینه بهداشت و سلامت عمومی
۸	پژوهشکده علوم پایه کاربردی	تمرکز بر تحقیقات کاربردی در حوزه‌های علوم پایه، زمین‌شناسی و نفت

ردیف	نام پژوهشکده	توضیحات
۹	پژوهشکده علوم و فناوری مواد غذایی	توسعه فناوری‌های نوین برای بهبود کیفیت و ایمنی مواد غذایی
۱۰	پژوهشکده فرآوری مواد معدنی	تحقیق و توسعه در فرآوری مواد معدنی و صنایع معدنی
۱۱	پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری	پژوهش در زمینه‌های مختلف فرهنگ، هنر و معماری
۱۲	پژوهشکده فناوری اطلاعات و ارتباطات	توسعه فناوری‌های نوین در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات
۱۳	پژوهشکده گردشگری	تمرکز بر تحقیقات مرتبط با صنعت گردشگری و توسعه پایدار
۱٤	پژوهشکده گیاهان دارویی	پژوهش در زمینه کشت، فرآوری و کاربرد گیاهان دارویی
۱۵	پژوهشکده محیط‌زیست	تحقیقات برای حفظ محیط‌زیست و توسعه پایدار
۱٦	پژوهشکده مطالعات توسعه	بررسی و ارائه راهکارهای علمی برای توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی
۱۷	پژوهشکده معتمد (سرطان پستان)	پیشرو در تحقیقات و درمان سرطان پستان
۱۸	پژوهشکده مواد نوین سرامیکی	تحقیق در تولید و کاربرد مواد سرامیکی پیشرفته

جدول ٤: مراکز رشد جهاد دانشگاهی

ردیف	نام مرکز رشد	توضیحات
۱	مرکز رشد رویش	حمایت از استارتاپ‌ها و شرکت‌های فناور در حوزه‌های مختلف
۲	مرکز رشد کرمانشاه	پشتیبانی از واحدهای فناور در استان کرمانشاه

ردیف	نام مرکز رشد	توضیحات
۳	مرکز رشد هرمزگان	تسهیل رشد و توسعه کسب‌وکارهای فناورانه در استان هرمزگان
٤	مرکز رشد گیاهان دارویی	حمایت از کسب‌وکارهای مرتبط با کشت و فرآوری گیاهان دارویی
٥	مرکز رشد خراسان شمالی	تمرکز بر توسعه واحدهای فناور در استان خراسان شمالی
٦	مرکز رشد سلامت ابن‌سینا	ارائه خدمات تخصصی برای توسعه فناوری‌های مرتبط با سلامت
۷	مرکز رشد بیوتکنولوژی رویان	پشتیبانی از واحدهای فناور در زمینه زیست‌فناوری تولیدمثل
۸	مرکز رشد لرستان	تسهیلگر رشد استارتاپ‌ها و واحدهای فناور در استان لرستان
۹	مرکز رشد واحدهای پیشرفته مخابرات	پشتیبانی از فناوری‌های نوین در حوزه مخابرات
۱۰	مرکز رشد کشاورزی مدرن ارومیه	تمرکز بر توسعه فناوری‌های نوین در کشاورزی مدرن
۱۱	مرکز رشد اسلام‌آباد غرب	پشتیبانی از واحدهای فناور در اسلام‌آباد غرب
۱۲	مرکز رشد سنقر و کلیائی	حمایت از کسب‌وکارهای فناورانه در منطقه سنقر و کلیائی
۱۳	مرکز رشد فناوری اطلاعات و ارتباطات	تسهیل توسعه فناوری‌های نوین در حوزه ICT
۱٤	مرکز رشد کنگاور	پشتیبانی از استارتاپ‌ها و واحدهای فناور در کنگاور
۱٥	مرکز رشد کشاورزی و صنایع تبدیلی محصولات سردسیری روانسر	حمایت از توسعه صنایع تبدیلی محصولات کشاورزی سردسیری

ردیف	نام مرکز رشد	توضیحات
۱۶	مرکز رشد کشاورزی و صنایع تبدیلی محصولات گرمسیری سرپل ذهاب	تسهیل رشد کسب‌وکارهای مرتبط با محصولات گرمسیری
۱۷	مرکز رشد فرآورده‌های گیاهان دارویی اردبیل	پشتیبانی از کسب‌وکارهای مرتبط با فرآوری گیاهان دارویی
۱۸	مرکز رشد گیاهان دارویی و محصولات کشاورزی ایلام	تمرکز بر توسعه واحدهای فناور در حوزه گیاهان دارویی و کشاورزی
۱۹	مرکز رشد محلات و نیم‌ور استان مرکزی	حمایت از کسب‌وکارهای فناورانه در منطقه محلات و نیم‌ور
۲۰	مرکز رشد گیاهان دارویی یزد	تسهیل رشد استارتاپ‌ها در حوزه گیاهان دارویی در یزد
۲۱	مرکز رشد فناوری‌های نوین سلامت اهواز	پشتیبانی از فناوری‌های سلامت در اهواز
۲۲	مرکز رشد فناوری‌های نوین سلامت مشهد	حمایت از واحدهای فناور در حوزه سلامت در مشهد
۲۳	مرکز رشد فناوری‌ها و هنر قرآنی	تسهیل توسعه فناوری‌های نوین مرتبط با هنر قرآنی
۲٤	مرکز رشد صنایع فرهنگی و خلاق زنجان	تمرکز بر حمایت از صنایع فرهنگی و خلاق در زنجان

۲-۵. اقتصاد

جهاد دانشگاهی، به‌عنوان زیست‌بوم نوآوری نخبگان ایران، نقشی کلیدی در توسعه فناوری‌های بومی، تقویت اقتصاد دانش‌بنیان و کاهش وابستگی به منابع خارجی ایفا کرده است (اینتاراکومنرد و ویریستا،۲۰۰۲). این نهاد با بهره‌گیری از ظرفیت‌های علمی و پژوهشی و با تأکید بر استقلال اقتصادی، توانسته است با اجرای پروژه‌های فناورانه در صنایع استراتژیک، به‌ویژه نفت و گاز و تأسیس پارک‌های علم و فناوری،

بستری مناسب برای ایجاد اشتغال پایدار، حمایت از کارآفرینی و رشد اقتصادی کشور فراهم کند.

جهاد دانشگاهی با تکیه بر دانش بومی و توسعه فناوری‌های پیشرفته در حوزه‌هایی همچون نانو، زیست‌فناوری، پزشکی و انرژی‌های تجدیدپذیر، نه‌تنها ظرفیت‌های صادراتی جدیدی ایجاد کرده، بلکه با کاهش هزینه‌های ارزی، به خودکفایی و ارتقای بهره‌وری در صنایع کشور کمک کرده است. در حوزه نفت و گاز، این نهاد با ارائه راهکارهای بومی و اجرای پروژه‌های فناورانه، وابستگی به فناوری‌های خارجی را به میزان قابل‌توجهی کاهش داده و بهره‌وری این صنعت را افزایش داده است. این اقدامات، علاوه بر صرفه‌جویی ارزی، فرصت‌های اقتصادی نوینی از جمله صادرات محصولات فناورانه را فراهم کرده‌اند.

در چارچوب بیانیه گام دوم انقلاب، جهاد دانشگاهی مأموریت دارد تا با اتصال مناسب اجزای زیست‌بوم فناوری، نقش برجسته‌ای در حل چالش‌های ملی و رفع نیازهای صنعتی ایفا کند. این نهاد با آغاز پژوهش‌های راهبردی و ساماندهی مسائل صنعت، نقشی تعیین‌کننده در افزایش بهره‌وری، کاهش وابستگی به واردات فناوری و توسعه زیرساخت‌های اقتصاد مقاومتی داشته است.

تأسیس پارک‌های علم و فناوری و مراکز تحقیقاتی توسط جهاد دانشگاهی، زیرساخت‌های لازم برای تبدیل ایده‌های نوآورانه به محصولات تجاری و دانش‌بنیان را فراهم کرده است. این مراکز با حمایت از کارآفرینان و پژوهشگران، زمینه‌ساز شکل‌گیری شبکه‌ای از شرکت‌های دانش‌بنیان شده‌اند که نقشی محوری در افزایش اشتغال و رشد اقتصادی ایفا کرده‌اند. جهاد دانشگاهی با درک اهمیت فناوری‌های نوین در تحول اقتصادی، تلاش کرده است ارتباط میان پژوهشگران، صنعتگران و سیاست‌گذاران را تقویت کند و از ظرفیت‌های موجود در دانشگاه‌ها و مراکز علمی برای تحقق اهداف کلان اقتصادی بهره‌برداری کند. در مجموع، جهاد دانشگاهی با نگاهی آینده‌نگر و تکیه بر توانمندی‌های داخلی، در مسیر تحقق استقلال اقتصادی

و ارتقای جایگاه ایران به‌عنوان یکی از پیشگامان اقتصاد دانش‌بنیان در منطقه و جهان گام برداشته است. این نهاد، با بهره‌گیری از ظرفیت‌های استانی و ملی، به‌عنوان شبکه‌ای برای تقسیم‌کار و همکاری در حل مسائل بزرگ کشور عمل کرده و در راستای تحقق آرمان‌های بیانیه گام دوم انقلاب، اقدامات مؤثری انجام داده است.

۳-۵. معنویت، فرهنگ و اخلاق

جهاد دانشگاهی به‌عنوان یکی از نهادهای پیشرو در ترویج ارزش‌های اسلامی، انقلابی و ملی، نقشی کلیدی در تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ایفا کرده است. این نهاد با درک عمیق از اهمیت فرهنگ به‌عنوان زیربنای توسعه اجتماعی و ابزاری برای تقویت هویت دینی و انقلابی، مجموعه‌ای از اقدامات گسترده و مؤثر را در دستور کار خود قرار داده است. همان‌طور که رهبر انقلاب اسلامی فرمودند، «جهاد دانشگاهی فقط یک نهاد نیست، بلکه یک فرهنگ است؛ یک سمت‌گیری و حرکت است» و هرچه این فرهنگ در جامعه گسترش یابد و پایدار و استوار شود، کشور را به سمت سربلندی، عزت و استقلال حقیقی پیش خواهد برد (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۳/۳/۱).

جهاد دانشگاهی با بهره‌گیری از ظرفیت‌های علمی و دانشگاهی، به تبیین دستاوردهای انقلاب اسلامی و ترویج فرهنگ جهاد و مقاومت پرداخته و با برگزاری دوره‌های آموزشی، همایش‌ها، کارگاه‌های فرهنگی و برنامه‌های هنری و اجتماعی، اصول و ارزش‌های اسلامی و انقلابی را به زبانی قابل‌فهم و جذاب برای نسل جوان ارائه کرده است. هدف اصلی این برنامه‌ها آشنا ساختن جوانان با آموزه‌های دینی و انقلابی است تا آنان به‌عنوان پیشگامان آینده انقلاب اسلامی، نقشی فعال در تحقق آرمان‌های بلندمدت آن ایفا کنند. جهاد دانشگاهی با شناخت دقیق از فضای دانشگاه‌ها و نیازهای فرهنگی نسل جوان، بسترهایی مناسب برای تقویت هویت دینی و انقلابی در محیط‌های علمی ایجاد کرده است. طراحی برنامه‌هایی که به‌طور مستقیم با دغدغه‌ها و علایق دانشجویان ارتباط دارند، توانسته است پلی میان

آموزه‌های دینی و مقتضیات زندگی مدرن ایجاد کند. تأکید بر مباحثی مانند اخلاق حرفه‌ای، سبک زندگی اسلامی و تقویت روحیه خودباوری از جمله محورهای اصلی فعالیت‌های فرهنگی این نهاد در دانشگاه‌ها است. این نهاد با انجام مطالعات مستمر و ارزیابی مداوم برنامه‌ها، تلاش کرده است تا فعالیت‌های فرهنگی خود را به‌گونه‌ای طراحی کند که با روحیه، علایق و نیازهای جوانان هم‌خوانی داشته باشد. استفاده از ابزارهای نوین ارتباطی، شبکه‌های اجتماعی و فناوری‌های دیجیتال در ارائه برنامه‌ها، از جمله اقدامات جهاد دانشگاهی برای جلب مشارکت و تعامل بیشتر نسل جوان است. همچنین، جهاد دانشگاهی با تأکید بر کیفی‌سازی فعالیت‌های فرهنگی، به دنبال ارتقاء سطح نیروی انسانی و تحول‌پذیری جامعه فرهنگی است. با آموزش نیروهای متخصص در حوزه‌های فرهنگی و معنوی، این نهاد بستری مناسب برای اجرای برنامه‌های هدفمند و اثرگذار ایجاد کرده و با به‌روزرسانی مستمر محتوای برنامه‌ها و روش‌های اجرایی، تأثیرگذاری بیشتری در جامعه داشته و به تقویت هویت دینی و انقلابی کمک کرده است. ترویج فرهنگ جهاد و مقاومت از دیگر محورهای اصلی فعالیت‌های جهاد دانشگاهی است. این نهاد با برگزاری برنامه‌هایی همچون یادواره‌های شهدا، نشست‌های تخصصی با محوریت انقلاب اسلامی و تولید محتوای فرهنگی متناسب با ارزش‌های مقاومت، نقش مهمی در تقویت روحیه ایثار و ازخودگذشتگی در جامعه ایفا کرده است. بیانیه گام دوم انقلاب، به‌عنوان نقشه راه آینده کشور، بر اهمیت فرهنگ و معنویت به‌عنوان یکی از ارکان اصلی پیشرفت تأکید دارد. جهاد دانشگاهی با درک این اولویت، تمامی فعالیت‌های فرهنگی خود را در راستای تحقق این اهداف طراحی و اجرا کرده است. این نهاد با تکیه بر توانمندی‌های علمی و فرهنگی خود، تلاش کرده است تا ضمن تقویت هویت دینی و انقلابی نسل جوان، بسترهایی برای توسعه فرهنگی و معنوی جامعه ایجاد کند و با نگاه آینده‌نگر و رویکردی پویا، ایران اسلامی را به‌عنوان الگویی موفق در ترویج فرهنگ انقلاب اسلامی و حفظ هویت انقلابی در میان

نسل‌های آینده معرفی کند. فعالیت‌های فرهنگی جهاد دانشگاهی با تأکید بر سه عنصر معنویت، عقلانیت و خلاقیت، نقشی محوری در توسعه و پیشرفت فرهنگی کشور ایفا می‌کنند. این فعالیت‌ها با نگاه ارزش‌مدار و بهره‌گیری از خلاقیت، به‌عنوان بستری برای ظرفیت‌سازی و ارتقای فرهنگی شناخته می‌شوند. از جمله شاخص‌ترین دستاوردهای فرهنگی جهاد دانشگاهی می‌توان به تأسیس خبرگزاری‌های قرآنی و دانشجویان ایران (ایسنا)، مرکز امام و انقلاب اسلامی، مرکز گردشگری دانشجویان و صندوق قرض‌الحسنه دانشجویان اشاره کرد. درنهایت، فعالیت‌های جهاد دانشگاهی طی دو دهه اخیر به‌طور مستمر در راستای تقویت ارتباط میان دانشگاه‌ها و جامعه علمی کشور ادامه یافته و ظرفیت‌های ارزنده‌ای برای همکاری‌های بیشتر در سطح دانشگاه‌ها و سایر نهادهای علمی فراهم کرده است. جهاد دانشگاهی با درک عمیق از نیازهای جامعه و با تکیه بر خلاقیت و دانش تخصصی خود، به‌عنوان یک فرهنگ پیشرو در راستای تحقق اهداف فرهنگی و معنوی کشور، نقشی بی‌بدیل در توسعه و پیشرفت ایران اسلامی ایفا می‌کند.

٤-٥. عدالت اجتماعی و مبارزه با فساد

جهاد دانشگاهی به‌عنوان یک نهاد علمی و پژوهشی پیشرو، همواره تحقق عدالت اجتماعی را به‌عنوان یکی از اهداف بنیادین خود دنبال کرده است. این نهاد با انجام پژوهش‌های کاربردی گسترده در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، تلاش کرده است تا به رفع نابرابری‌ها و مشکلات اجتماعی کمک کند. پژوهش‌های جهاد دانشگاهی عمدتاً بر بهبود وضعیت معیشتی اقشار کم‌درآمد، فقرزدایی و کاهش نابرابری‌های اجتماعی متمرکز است. در این راستا، برنامه‌های متعددی از جمله آموزش مهارت‌های شغلی، توسعه مشاغل و حمایت از زنان به‌عنوان گروهی که نیازمند فرصت‌های برابر در جامعه هستند، طراحی و اجرا شده است. یکی از اولویت‌های جهاد دانشگاهی، تقویت نقش زنان در توسعه اجتماعی و اقتصادی است. این نهاد با طراحی برنامه‌هایی برای ارتقاء شرایط کاری و مدیریتی زنان،

تلاش کرده است تا بسترهای مناسبی برای مشارکت مؤثر آنان در محیط‌های کاری و علمی فراهم کند. حمایت از پیشرفت زنان از طریق ارائه مشوق‌های اجتماعی و اقتصادی، ایجاد محیط‌های حمایتی و تقویت نقش آنان در سطوح مدیریتی و پژوهشی، از جمله اقدامات مؤثری است که جهاد دانشگاهی در راستای تحقق عدالت اجتماعی انجام داده است. علاوه بر این، جهاد دانشگاهی با تأکید بر شفافیت و عدالت در فرآیندهای اجرایی و پژوهشی، گام‌های مؤثری برای مقابله با فساد و ارتقاء پاسخگویی برداشته است. این نهاد با ایجاد سیستم‌های نظارتی دقیق و شفاف در تمامی مراحل اجرایی و پژوهشی، از برنامه‌ریزی تا ارزیابی پروژه‌ها، نه‌تنها از بروز فساد جلوگیری کرده بلکه محیطی عادلانه و بدون تبعیض برای کارکنان و پژوهشگران فراهم آورده است. نظارت مستمر، برگزاری جلسات بازخورد و ارزیابی‌های داخلی و خارجی، از جمله ابزارهایی است که جهاد دانشگاهی برای تضمین شفافیت و عدالت در اجرای پروژه‌ها به کار گرفته است. جهاد دانشگاهی همچنین با برگزاری دوره‌های آموزشی در زمینه‌های اخلاقی و مدیریتی، به تربیت مدیران و پژوهشگران مسئول و پاسخگو پرداخته است. این آموزش‌ها شامل موضوعاتی همچون مدیریت شفاف، مقابله با فساد، رعایت اصول اخلاقی در پژوهش‌ها و توجه به حقوق انسانی است. چنین رویکردی موجب شده است که مسئولان و پژوهشگران این نهاد در تمامی مراحل کاری خود به رعایت اصول اخلاقی و پاسخگویی پایبند باشند. درنهایت، جهاد دانشگاهی با تقویت فرهنگ پاسخگویی و ایجاد ساختارهای مدیریتی مبتنی بر شفافیت، توانسته است الگویی موفق در تحقق عدالت اجتماعی و اقتصادی ارائه دهد. این اقدامات نه‌تنها کیفیت و اثربخشی پروژه‌ها را ارتقاء داده، بلکه اعتماد عمومی به این نهاد را افزایش داده و آن را به یکی از مؤثرترین بازیگران در مسیر عدالت اجتماعی در کشور تبدیل کرده است.

٦. نقش جهاد دانشگاهی در تقویت همبستگی اجتماعی و انسجام ملی

جهاد دانشگاهی به‌عنوان نهادی پیشرو در عرصه‌های علمی، فرهنگی و اجتماعی، نقش مؤثری در تقویت همبستگی اجتماعی و انسجام ملی ایفا کرده است. این نهاد با طراحی و اجرای برنامه‌های متنوع علمی و فرهنگی، بستری مناسب برای تعامل و هم‌افزایی میان اقشار مختلف جامعه فراهم کرده است. برگزاری همایش‌ها، کارگاه‌ها، نمایشگاه‌ها و دوره‌های آموزشی در سطح دانشگاه‌ها، مراکز علمی و جوامع محلی، فرصتی را برای تبادل‌نظر، آشنایی با دستاوردهای علمی و فرهنگی و ترویج ارزش‌های اسلامی و انقلابی فراهم ساخته است. این اقدامات به تقویت حس همبستگی و همکاری میان گروه‌های مختلف اجتماعی، دانشگاهیان، متخصصان و عموم مردم کمک کرده و زمینه‌ساز ارتباطی سازنده میان آنان شده است. جهاد دانشگاهی همچنین با شناسایی و حمایت از نخبگان و استعدادهای جوان، به‌ویژه در راستای تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب، تلاش کرده است تا این نیروهای مستعد را به عاملان پیشرفت کشور تبدیل کند. این نهاد با حمایت از طرح‌های تحقیقاتی دانشجویی، اعطای بورسیه‌های تحصیلی، ایجاد فرصت‌های شغلی در حوزه‌های علمی و پژوهشی و حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان و استارتاپ‌های جوان، مسیر رشد و مشارکت نخبگان را در عرصه‌های علمی، اقتصادی و اجتماعی هموار کرده است. این اقدامات نه‌تنها موجب توانمندسازی نخبگان شده، بلکه آنان را به‌عنوان نیروی محرکه‌ای برای پیشرفت کشور معرفی کرده است. در حوزه رفع نیازهای اساسی جامعه، جهاد دانشگاهی با اجرای پروژه‌های ملی گسترده در زمینه‌های بهداشت، آموزش، فناوری و محیط‌زیست، گام‌های مؤثری در بهبود شرایط زندگی مردم برداشته است. تولید داروهای بومی، توسعه فناوری‌های پزشکی، حمایت از فناوری‌های نوین و شرکت‌های دانش‌بنیان و رفع نیازهای اساسی در حوزه‌هایی مانند انرژی، آب و کشاورزی از جمله اقدامات این نهاد بوده است. این پروژه‌ها علاوه بر ایجاد اشتغال و تقویت اقتصاد داخلی، به افزایش رفاه اجتماعی و

کاهش شکاف‌های طبقاتی کمک کرده‌اند. جهاد دانشگاهی همچنین در کاهش تنش‌های اجتماعی و تقویت انسجام ملی نقش مهمی ایفا کرده است. این نهاد با تأکید بر اصول اخلاقی، ارزش‌های انسانی و اسلامی و تقویت هویت ملی، تلاش کرده است تا فضای همبستگی و تعامل مثبت میان گروه‌های مختلف اجتماعی را تقویت کند. اجرای پروژه‌های پژوهشی و فرهنگی در حوزه‌های اجتماعی، برگزاری برنامه‌های هنری و ترویج فرهنگ گفتگو و احترام به تفاوت‌ها، از جمله اقداماتی بوده که به کاهش تنش‌های اجتماعی و افزایش اعتماد عمومی کمک کرده است. این نهاد با رفع نیازهای اساسی جامعه از طریق پروژه‌های علمی و فناورانه، به تقویت انسجام ملی و تحقق عدالت اجتماعی پرداخته است. در مجموع، جهاد دانشگاهی با بهره‌گیری از ظرفیت‌های علمی، فرهنگی و اجتماعی خود، توانسته است همبستگی اجتماعی و انسجام ملی را به‌عنوان یکی از اهداف کلان خود محقق سازد و در مسیر پیشرفت کشور و تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی گام‌های مؤثری بردارد.

۷. چالش‌ها و کاستی‌های عملکردی جهاد دانشگاهی در تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب

مخالفان نقش جهاد دانشگاهی به‌عنوان حلقه میانی در تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب، بر چالش‌ها و کاستی‌های عملکردی این نهاد تأکید دارند. یکی از انتقادات اصلی، ضعف جهاد دانشگاهی در ایجاد ارتباط مؤثر با جامعه و جوامع محلی است. به‌رغم تأکید بیانیه بر مردم‌محوری، بسیاری از فعالیت‌های این نهاد بیشتر در مراکز شهری و دانشگاهی متمرکز است و دسترسی اقشار محروم و دورافتاده به خدمات آن محدود است. این مسئله نشان‌دهنده ناکافی بودن تلاش‌های جهاد دانشگاهی در گسترش خدمات خود به مناطق کمتر برخوردار و عدم توجه به نیازهای واقعی جامعه است.

علاوه بر این، تعاملات جهاد دانشگاهی با سایر نهادهای علمی و اجرایی، از جمله معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری و بنیاد ملی نخبگان، کمتر از حد انتظار است و در پروژه‌های ملی، هم‌افزایی کافی مشاهده نمی‌شود. این عدم هماهنگی و همکاری میان نهادها، به‌ویژه در زمینه‌های نوآورانه و تحقیقاتی، موجب شده است که پتانسیل‌های علمی و پژوهشی کشور به‌طور بهینه مورد استفاده قرار نگیرد و پروژه‌ها با سرعت و کیفیت مطلوب پیش نروند. از سوی دیگر، مشکلات ساختاری و مدیریتی نیز از جمله مواردی است که منتقدان به آن اشاره دارند. بروکراسی پیچیده و ناکارآمدی در ساختار مدیریتی، مانعی جدی برای اجرای سریع و مؤثر پروژه‌ها به‌ویژه در حوزه فناوری‌های نوآورانه محسوب می‌شود. همچنین، نبود شفافیت در عملکرد و گزارش‌دهی، اعتماد عمومی را کاهش داده و باعث شده است که اطلاعات مربوط به نتایج پروژه‌ها و میزان بودجه مصرف‌شده به‌صورت شفاف در دسترس نباشد. تمرکزگرایی در فعالیت‌ها و عدم توانمندسازی شعب استانی نیز از دیگر مواردی است که به هدررفت ظرفیت‌های منطقه‌ای منجر شده است. مخالفان همچنین بر این باورند که جهاد دانشگاهی در تطبیق با نیازهای روز جامعه و چالش‌های واقعی، عملکرد ضعیفی داشته است. این نهاد به‌جای تمرکز بر مسائل فوری و عملیاتی مانند اشتغال‌زایی یا کاهش نابرابری‌ها، بیشتر به پروژه‌های تحقیقاتی بلندمدت پرداخته که تأثیر مستقیم کمتری بر مشکلات جاری دارند. فاصله از فناوری‌های نوظهور مانند هوش مصنوعی و انرژی‌های نوین نیز باعث شده است که نقش این نهاد در این حوزه‌ها کمرنگ باشد و نتواند در تحول فناوری‌های پیشرفته و کاربردی گام‌های مؤثری بردارد. چالش‌های مالی و اقتصادی نیز یکی از محورهای اصلی انتقادات است. وابستگی شدید جهاد دانشگاهی به بودجه دولتی، استقلال این نهاد را تحت تأثیر قرار داده و در شرایط کاهش بودجه دولتی، بسیاری از پروژه‌ها با مشکلات جدی مواجه شده‌اند. علاوه بر این، بازده اقتصادی پایین برخی پروژه‌ها و عدم موفقیت در تجاری‌سازی نتایج پژوهش‌ها، از جمله مواردی است که کارایی

اقتصادی این نهاد را زیر سؤال برده است. این مشکلات مالی، به‌ویژه در شرایط بحران اقتصادی، موجب محدودیت در توسعه و پیشبرد پروژه‌ها شده و توان رقابتی جهاد دانشگاهی را کاهش داده است. در حوزه فرهنگی، منتقدان معتقدند که جهاد دانشگاهی در ترویج ارزش‌های اسلامی و انقلابی تأثیرگذاری محدودی داشته است. برنامه‌های فرهنگی این نهاد غالباً تکراری و فاقد جذابیت کافی برای نسل جوان بوده و نتوانسته است ارتباط مؤثری با زبان و نیازهای روز این نسل برقرار کند. نبود سیستم‌های ارزیابی عملکرد نیز از دیگر نقاط ضعف محسوب می‌شود، چرا که بدون وجود معیارهای مشخص، سنجش تأثیرات اجتماعی، اقتصادی و علمی پروژه‌های جهاد دانشگاهی دشوار است. درنهایت، ارتباط محدود با بخش خصوصی و صنایع یکی دیگر از نقاط ضعف جهاد دانشگاهی است. عدم تعامل مؤثر با این بخش‌ها باعث شده است که بسیاری از فناوری‌ها و دستاوردهای این نهاد به مرحله تجاری‌سازی نرسند. همچنین، ضعف در جذب سرمایه‌گذاری خارجی، توان رقابتی جهاد دانشگاهی را کاهش داده است و این نهاد نتوانسته است از ظرفیت‌های بخش خصوصی و سرمایه‌گذاران خارجی به‌طور مؤثر بهره‌برداری کند. در مجموع، مخالفان بر این باورند که جهاد دانشگاهی در ایفای نقش حلقه میانی میان مردم و حاکمیت، با چالش‌های متعددی مواجه است. رفع این مشکلات و بازنگری در رویکردها می‌تواند این نهاد را در تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب و ایفای نقشی مؤثرتر یاری کند. تنها با بهبود ساختار مدیریتی، تقویت ارتباط با بخش‌های مختلف جامعه و دولت و تمرکز بر نیازهای روز جامعه است که جهاد دانشگاهی می‌تواند به‌عنوان یک نهاد پیشرو در عرصه‌های علمی، فرهنگی و اجتماعی به موفقیت‌های بزرگ‌تری دست یابد.

۸. ارائه پیشنهادهایی برای ارتقای نقش حلقه‌های میانی جهاد دانشگاهی در نظام اسلامی

برای ارتقای نقش حلقه‌های میانی مانند جهاد دانشگاهی در نظام اسلامی و تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب، پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌شود:

۸-۱. تقویت همکاری‌های بین‌نهادی: گامی اساسی در ارتقای نقش حلقه‌های میانی

یکی از کلیدی‌ترین اقدامات برای ارتقای نقش حلقه‌های میانی و بهره‌گیری بهینه از ظرفیت‌های علمی و پژوهشی کشور، تقویت همکاری‌ها و تعاملات بین‌نهادی است. جهاد دانشگاهی به‌عنوان یکی از نهادهای علمی، پژوهشی و فناوری پیشرو، نقشی محوری در ایجاد هم‌افزایی میان نهادهای دولتی، خصوصی و اجتماعی ایفا می‌کند. همکاری و تعامل میان دانشگاه‌ها، مؤسسات تحقیقاتی، صنایع و نهادهای دولتی، زمینه‌ساز رشد و توسعه پایدار کشور است و می‌تواند موجب افزایش ظرفیت‌های علمی، بهبود کیفیت پژوهش‌ها، تسریع در اجرای پروژه‌های کلان و دستیابی به اهداف استراتژیک شود. جهاد دانشگاهی به‌عنوان نهادی که در تقاطع علم و فناوری قرار دارد، نقش تسهیل‌کننده‌ای در این فرایند ایفا می‌کند. این همکاری‌ها شامل محورهای کلیدی مختلفی است. از جمله همکاری با دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی که با ایجاد شبکه‌های پژوهشی مشترک، تعریف پروژه‌های تحقیقاتی در حوزه‌های اولویت‌دار کشور و توسعه برنامه‌های آموزشی و کارگاه‌های تخصصی، به تبادل دانش و ارتقای مهارت‌ها کمک می‌کند. تعامل با صنایع و بخش خصوصی نیز با شناسایی نیازهای فناورانه، ایجاد مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری و ارائه خدمات مشاوره‌ای، نقش مهمی در بهبود فرآیندها و افزایش بهره‌وری ایفا می‌کند. همکاری با نهادهای دولتی از طریق مشارکت در تدوین سیاست‌ها، اجرای پروژه‌های ملی و ایجاد سامانه‌های نظارتی برای پایش عملکرد پروژه‌ها، از دیگر محورهای

مهم این تعاملات است. علاوه بر این، تعامل با نهادهای اجتماعی و سازمان‌های مردم‌نهاد با اجرای پروژه‌های اجتماعی و فرهنگی و حمایت از طرح‌های نوآورانه در حوزه‌های اجتماعی و محیط‌زیستی، به افزایش مشارکت عمومی و آگاهی مردم کمک می‌کند. تقویت این همکاری‌ها مزایای متعددی به همراه دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به افزایش بهره‌وری، تسریع در توسعه فناوری، ارتقای جایگاه علمی کشور، ایجاد اشتغال و تحقق اهداف کلان ملی اشاره کرد. جهاد دانشگاهی با بهره‌گیری از تجربیات موفق خود در اجرای پروژه‌های بزرگ ملی، می‌تواند الگویی برای تعاملات بین‌نهادی ارائه دهد و با ایفای نقش حلقه واسط میان دانشگاه‌ها، صنایع و نهادهای دولتی، زمینه‌ساز تحقق اهداف توسعه‌ای کشور شود. در چشم‌انداز آینده، جهاد دانشگاهی با توسعه همکاری‌های بین‌نهادی می‌تواند به یکی از ارکان اصلی نظام نوآوری کشور تبدیل شود و با تقویت تعاملات و ایجاد بسترهای مناسب برای هم‌افزایی، نقش مهمی در پیشبرد اهداف بیانیه گام دوم انقلاب و توسعه علمی و اقتصادی کشور ایفا کند.

۲-۸. توسعه زیرساخت‌های پژوهشی و فناوری: پایه‌گذار تقویت نقش حلقه‌های میانی در نظام اسلامی

یکی از الزامات اساسی برای تقویت نقش حلقه‌های میانی در نظام اسلامی و تسریع توسعه علمی و فناوری کشور، توجه ویژه به زیرساخت‌های پژوهشی و فناوری است. این زیرساخت‌ها، شامل تجهیزات پیشرفته، آزمایشگاه‌های مجهز، مراکز نوآوری و پارک‌های علم و فناوری، نقش کلیدی در ارتقای کیفیت پژوهش‌ها، تسهیل فرآیندهای نوآوری و تولید فناوری‌های بومی ایفا می‌کنند. جهاد دانشگاهی به‌عنوان یکی از نهادهای پیشرو در این حوزه، نیازمند سرمایه‌گذاری جدی برای تقویت این زیرساخت‌ها است. تجهیزات پیشرفته و آزمایشگاه‌های مجهز از ضروری‌ترین عناصر پژوهش‌های علمی و فناوری هستند. آزمایشگاه‌های مجهز به ابزارهای تخصصی، امکان انجام پژوهش‌ها و آزمایش‌های دقیق و عمیق را فراهم

می‌کنند. این تجهیزات، به‌ویژه در حوزه‌هایی مانند نانو فناوری، زیست‌فناوری، انرژی‌های تجدیدپذیر و داروسازی، ضروری بوده و می‌توانند علاوه بر بهبود کیفیت تحقیقات، بستر بومی‌سازی فناوری‌های نوین را نیز فراهم کنند. تجهیز آزمایشگاه‌ها به فناوری‌های پیشرفته، دستیابی به نتایج دقیق‌تر، سریع‌تر و با هزینه کمتر را ممکن ساخته و جایگاه علمی کشور را ارتقا می‌دهد. در کنار این موضوع، ایجاد و تقویت مراکز نوآوری و پارک‌های علم و فناوری نیز از دیگر اجزای مهم در توسعه زیرساخت‌های پژوهشی است. این مراکز به‌عنوان پل ارتباطی میان دانشگاه‌ها، صنایع و مؤسسات تحقیقاتی عمل کرده و بستری مناسب برای تجاری‌سازی ایده‌ها و پروژه‌های نوآورانه فراهم می‌کنند. جهاد دانشگاهی با حمایت از این مراکز می‌تواند نقش مؤثری در تولید فناوری‌های بومی ایفا کند. پارک‌های علم و فناوری نیز با ارائه امکانات مناسب برای استارتاپ‌ها و شرکت‌های دانش‌بنیان، به هاب‌های نوآوری تبدیل شده و ارتباط مؤثری با صنایع برقرار می‌کنند که این تعاملات به تسریع تجاری‌سازی محصولات و افزایش بهره‌وری اقتصادی کشور منجر می‌شود. تقویت زیرساخت‌ها باید به‌گونه‌ای باشد که نهادهای علمی و پژوهشی کشور را به یکدیگر متصل کند. همکاری میان دانشگاه‌ها، مراکز تحقیقاتی، صنایع و بخش‌های دولتی موجب هم‌افزایی منابع و تخصص‌ها می‌شود. جهاد دانشگاهی به‌عنوان حلقه ارتباطی میان این نهادها، باید توانمندی‌های خود را در ایجاد شبکه‌های علمی و فناوری تقویت کرده و از ظرفیت‌های موجود بهترین بهره‌برداری را به عمل آورد. این نوع همکاری‌ها توسعه فناوری‌های بومی و کاهش وابستگی به فناوری‌های خارجی را تسریع می‌کند. درنتیجه، تقویت زیرساخت‌های پژوهشی و فناوری نه‌تنها به توسعه فناوری‌های نوین کمک می‌کند، بلکه جایگاه جهاد دانشگاهی را به‌عنوان نهادی مؤثر در ارتقای اقتصاد دانش‌بنیان، اشتغال‌زایی و بومی‌سازی فناوری‌ها تثبیت می‌کند. این زیرساخت‌ها به پژوهشگران و محققان امکان می‌دهد تا در محیط‌های پیشرفته و مجهز کار کرده و پروژه‌های علمی را به نتایج کاربردی و تجاری‌سازی‌شده تبدیل

کنند. این فرآیند درنهایت به ایجاد اکوسیستم نوآوری و فناوری منجر می‌شود که نقش بسزایی در تحقق اهداف ملی در حوزه‌های مختلف، از جمله توسعه پایدار، ارتقای رفاه اجتماعی و بهبود وضعیت اقتصادی ایفا می‌کند.

۸-۳. توجه به تربیت و حمایت از نخبگان

تربیت و حمایت از نخبگان علمی و فرهنگی، به‌ویژه در دنیای امروز که پیشرفت‌های علمی و فناوری به‌سرعت در حال تغییر است، یکی از ارکان اساسی در توسعه هر کشور به شمار می‌رود. نخبگان نه‌تنها در ایجاد نوآوری‌ها و حل مسائل پیچیده علمی و اجتماعی نقش دارند، بلکه به‌عنوان منابع انسانی کلیدی در پیشبرد اهداف ملی و تحقق آرمان‌های بزرگ کشور، از جمله اهداف بیانیه گام دوم انقلاب، عمل می‌کنند. در این راستا، جهاد دانشگاهی به‌عنوان یکی از نهادهای پیشرو در عرصه علم، فرهنگ و فناوری، می‌تواند نقشی محوری در تربیت و حمایت از نخبگان ایفا کند و زمینه‌های لازم برای شکوفایی استعدادهای جوان و تبدیل آن‌ها به منابع انسانی توانمند و مؤثر در عرصه‌های مختلف را فراهم آورد. یکی از مهم‌ترین اقدامات جهاد دانشگاهی برای تربیت نخبگان، طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی و پژوهشی است که بتواند جوانان با استعداد را به سوی علم و فناوری هدایت کند. این نهاد باید با ایجاد دوره‌های تخصصی، کارگاه‌های آموزشی و سمینارهای علمی، فضایی را فراهم کند که نخبگان جوان بتوانند مهارت‌های خود را در زمینه‌های مختلف علمی و پژوهشی تقویت کرده و به‌طور مستمر در مسیر پیشرفت قرار گیرند. علاوه بر این، جهاد دانشگاهی می‌تواند با ایجاد فرصت‌های پژوهشی در پروژه‌های ملی و بین‌المللی، به نخبگان کمک کند تا توانایی‌های خود را در عمل به اثبات رسانده و در حل مشکلات اساسی کشور نقش‌آفرینی کنند. جهاد دانشگاهی می‌تواند با ارائه بورس‌های تحصیلی و حمایت‌های مالی، به نخبگان این فرصت را بدهد که بدون دغدغه‌های مالی به تحصیل و پژوهش بپردازند. این نهاد همچنین می‌تواند با ایجاد فرصت‌های شغلی در مراکز تحقیقاتی، شرکت‌های دانش‌بنیان و پروژه‌های ملی،

زمینه‌های لازم برای ورود نخبگان به بازار کار و تبدیل شدن به کارآفرینان و محققان برجسته را فراهم کند. این اقدامات نه‌تنها به رشد علمی و پژوهشی کشور کمک می‌کند، بلکه به‌طور مستقیم به کاهش نرخ بیکاری و تقویت اقتصاد ملی نیز منجر می‌شود. جهاد دانشگاهی باید به‌طور مستمر به شناسایی استعدادهای جوان در دانشگاه‌ها و مراکز علمی مختلف بپردازد و با هدایت صحیح این استعدادها، آن‌ها را در مسیر صحیح علمی و پژوهشی قرار دهد. این نهاد می‌تواند با برگزاری مسابقات علمی، دوره‌های توانمندسازی و برنامه‌های مشاوره‌ای، استعدادهای جوان را شناسایی کرده و به آن‌ها کمک کند تا در حوزه‌های تخصصی خود به بالاترین سطح علمی دست یابند. در این راستا، جهاد دانشگاهی می‌تواند با همکاری با دانشگاه‌ها، مؤسسات تحقیقاتی و نهادهای دولتی، شبکه‌ای از نخبگان علمی و پژوهشی ایجاد کند که به‌طور مستمر با یکدیگر در ارتباط باشند و تجربیات خود را به اشتراک بگذارند. تربیت نخبگان علمی تنها محدود به حوزه‌های فنی و علمی نمی‌شود، بلکه باید به‌طور هم‌زمان در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی نیز توجه ویژه‌ای به نخبگان صورت گیرد. جهاد دانشگاهی می‌تواند با طراحی برنامه‌های آموزشی و پژوهشی در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و انسانی، نخبگان را در جهت ارتقاء ارزش‌های اسلامی، ملی و انسانی تربیت کند. این نخبگان می‌توانند با استفاده از آموخته‌های خود در زمینه‌های مختلف، در حل مشکلات اجتماعی و فرهنگی کشور نقش‌آفرینی کنند و به تقویت همبستگی اجتماعی و انسجام ملی کمک کنند. بیانیه گام دوم انقلاب که به‌عنوان نقشه راه کشور در دهه‌های پیش رو مطرح شده است، بر اهمیت نقش نخبگان در پیشبرد اهداف کشور تأکید دارد. جهاد دانشگاهی می‌تواند با تربیت و حمایت از نخبگان، این افراد را به منابع انسانی کلیدی در تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب تبدیل کند. نخبگان علمی و فرهنگی می‌توانند در حوزه‌های مختلف، از جمله توسعه فناوری‌های بومی، ارتقاء سطح آموزش و پژوهش، بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی و تقویت جایگاه بین‌المللی کشور،

نقش‌آفرینی کنند. با توجه به تخصص و توانمندی‌های نخبگان، می‌توان امیدوار بود که این افراد در آینده نزدیک، به‌عنوان پیشگامان حرکت به سوی تحقق اهداف عالی کشور عمل خواهند کرد. درنهایت، توجه به تربیت و حمایت از نخبگان، نیازمند همکاری و هم‌افزایی میان نهادهای مختلف دولتی، علمی و خصوصی است. جهاد دانشگاهی با بهره‌گیری از ظرفیت‌های علمی، پژوهشی و فناورانه خود، می‌تواند در تربیت و حمایت از نخبگان نقش محوری ایفا کرده و به تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب در زمینه‌های علمی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کمک کند.

٤-۸. تقویت فرهنگ کارآفرینی و اشتغال‌زایی: نقشی کلیدی برای جهاد دانشگاهی

تقویت فرهنگ کارآفرینی و اشتغال‌زایی یکی از مؤلفه‌های اساسی در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور است که نقش ویژه‌ای در کاهش وابستگی به منابع خارجی، توسعه فناوری‌های بومی و افزایش استقلال اقتصادی ایفا می‌کند. جهاد دانشگاهی، به‌عنوان نهادی پیشرو در عرصه علم و فناوری، می‌تواند با اقدامات ساختاری و برنامه‌ریزی‌های هدفمند، این فرهنگ را در جامعه نهادینه کرده و زمینه‌های اشتغال‌زایی پایدار را فراهم کند. ایجاد مراکز نوآوری و شتاب‌دهنده‌ها یکی از راهکارهای مهم در این زمینه است. این مراکز با شناسایی استعدادهای جوان و فراهم کردن زیرساخت‌های لازم برای توسعه ایده‌های نوآورانه، به پرورش کارآفرینان جوان کمک کرده و زمینه تبدیل ایده‌ها به محصولات و خدمات قابل عرضه در بازار را فراهم می‌کنند. این فرآیند علاوه بر تولید ثروت و اشتغال‌زایی، موجب افزایش مهارت‌های کارآفرینی و اعتمادبه‌نفس در میان جوانان می‌شود. جهاد دانشگاهی با حمایت از استارتاپ‌ها و شرکت‌های دانش‌بنیان نیز نقشی کلیدی در توسعه فناوری‌های بومی و کاهش وابستگی به واردات ایفا می‌کند. این نهاد از طریق ارائه تسهیلات مالی، مشاوره‌های تخصصی، ایجاد شبکه‌های ارتباطی و فراهم کردن فضای کاری مشترک، استارتاپ‌ها را در مسیر رشد و توسعه همراهی کرده و با

حمایت از پروژه‌های دانش‌بنیان، راه‌حل‌های نوآورانه برای حل مسائل کلیدی کشور در حوزه‌های انرژی، محیط‌زیست، بهداشت و صنعت ارائه می‌دهد. این اقدامات علاوه بر ایجاد اشتغال مستقیم، به افزایش بهره‌وری و رقابت‌پذیری صنایع داخلی کمک می‌کند. ترویج فرهنگ کارآفرینی از طریق آموزش و پژوهش نیز از دیگر اقدامات مؤثر جهاد دانشگاهی است. طراحی و اجرای دوره‌های آموزشی تخصصی در حوزه‌های کارآفرینی و مدیریت کسب‌وکار، برگزاری کارگاه‌ها، دوره‌های آموزشی و مسابقات ایده‌پردازی، بستری مناسب برای آشنایی دانشجویان و پژوهشگران با اصول و مبانی کارآفرینی فراهم می‌کند. همچنین اجرای پروژه‌های پژوهشی در زمینه کارآفرینی و اشتغال‌زایی، راهکارهای علمی و عملی برای توسعه این فرهنگ ارائه می‌دهد. یکی از اهداف کلان جهاد دانشگاهی، توسعه فناوری‌های بومی است که می‌تواند به کاهش وابستگی کشور به واردات و افزایش توان رقابتی صنایع داخلی کمک کند. این نهاد با تمرکز بر پروژه‌های تحقیق و توسعه و همکاری با شرکت‌های دانش‌بنیان، فناوری‌های نوین را در حوزه‌هایی مانند انرژی‌های تجدیدپذیر، فناوری‌های زیستی، پزشکی و صنایع پیشرفته توسعه می‌دهد. این اقدامات علاوه بر کاهش هزینه‌های تولید و وابستگی به واردات، فرصت‌های شغلی جدید در حوزه‌های تخصصی ایجاد می‌کند. تقویت فرهنگ کارآفرینی و اشتغال‌زایی، اثرات اقتصادی و اجتماعی گسترده‌ای به همراه دارد. از نظر اقتصادی، این اقدامات موجب افزایش تولید ناخالص داخلی، کاهش نرخ بیکاری، افزایش درآمدهای ارزی و تقویت زیرساخت‌های تولیدی کشور می‌شود. از نظر اجتماعی، اشتغال‌زایی پایدار و توسعه کسب‌وکارهای نوآورانه، به کاهش نابرابری‌های اجتماعی، افزایش سطح رفاه عمومی و تقویت حس اعتمادبه‌نفس و خودباوری در جامعه کمک می‌کند. در مجموع، جهاد دانشگاهی با بهره‌گیری از ظرفیت‌های علمی، پژوهشی و فناورانه خود، می‌تواند با ایجاد و تقویت فرهنگ کارآفرینی و

اشتغال‌زایی، نقش مهمی در تحقق اهداف اقتصادی و اجتماعی بیانیه گام دوم انقلاب ایفا کرده و زمینه‌ساز توسعه پایدار و رشد اقتصادی کشور باشد.

۵-۸. دعوت به هم‌افزایی میان نهادهای انقلابی برای پیشبرد اهداف کلان کشور

برای دستیابی به اهداف کلان کشور و تحقق بیانیه گام دوم انقلاب، هم‌افزایی میان نهادهای انقلابی و مؤثر در کشور ضرورتی انکارناپذیر است. این هم‌افزایی به معنای استفاده بهینه از ظرفیت‌ها، توانمندی‌ها و امکانات نهادهای مختلف در جهت تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی و پیشبرد برنامه‌های ملی است. نهادهایی نظیر جهاد دانشگاهی، وزارتخانه‌ها، دانشگاه‌ها، سازمان‌های دولتی و نهادهای خصوصی باید با ایجاد ارتباطات نزدیک‌تر و هماهنگی بیشتر، توان خود را در مسیر تحقق این اهداف متمرکز کنند. نهادهای انقلابی هر یک دارای قابلیت‌ها و ظرفیت‌های منحصربه‌فردی هستند که در صورت هم‌گرایی و تعامل، می‌توانند به یک نیروی محرکه بزرگ برای پیشرفت کشور تبدیل شوند. هماهنگی میان این نهادها، از تکرار و موازی‌کاری در پروژه‌ها جلوگیری کرده و منابع انسانی و مالی کشور را به سمت اولویت‌های اصلی و نیازهای اساسی هدایت می‌کند. جهاد دانشگاهی به‌عنوان نهادی پیشرو در عرصه علم و فناوری، می‌تواند نقش محوری در این هم‌افزایی ایفا کند. این نهاد با تجربه‌ای که در اجرای پروژه‌های ملی و فناورانه دارد، می‌تواند به‌عنوان پلی میان دانشگاه‌ها، صنایع و دیگر نهادهای انقلابی عمل کند و زمینه‌ساز همکاری‌های گسترده‌تر شود. هم‌افزایی میان نهادهای انقلابی می‌تواند در حوزه‌های مختلف تحقق یابد. در حوزه علم و فناوری، همکاری میان دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها و صنایع می‌تواند به توسعه فناوری‌های بومی، تولید دانش فنی و تجاری‌سازی آن‌ها منجر شود. در حوزه فرهنگ و اخلاق، تعامل نهادهای فرهنگی و اجتماعی می‌تواند به ارتقای فرهنگ عمومی، تقویت ارزش‌های اخلاقی و ترویج سبک زندگی اسلامی-ایرانی کمک کند. در حوزه اقتصاد و عدالت، هم‌گرایی نهادهای اقتصادی و اجرایی می‌تواند در تحقق اقتصاد مقاومتی، کاهش وابستگی به خارج و گسترش عدالت اجتماعی نقش‌آفرین

باشد. همچنین، تعامل نهادهای آموزشی و پژوهشی در تربیت نیروی انسانی متخصص و متعهد، ظرفیت‌های علمی و انسانی کشور را افزایش خواهد داد. نتایج این هم‌افزایی تأثیرات عمیقی بر پیشرفت کشور خواهد داشت. افزایش کارایی و سرعت اجرای پروژه‌های ملی، ارتقای توانمندی‌های علمی و فناورانه، تحقق عدالت اجتماعی و ایجاد تحول در راستای بیانیه گام دوم انقلاب از جمله دستاوردهای مهم این همکاری‌ها خواهد بود. هم‌افزایی میان نهادهای انقلابی بستری مناسب برای تقویت اقتدار ملی، افزایش بهره‌وری و حرکت کشور به سمت استقلال و پیشرفت پایدار فراهم می‌کند. جهاد دانشگاهی با ارائه الگوهای موفق و ایجاد بسترهای مناسب، می‌تواند نقش مؤثری در این مسیر ایفا کرده و به تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی کمک شایانی کند.

نتیجه‌گیری نهایی

جهاد دانشگاهی به‌عنوان یکی از نهادهای پیشرو در نظام جمهوری اسلامی ایران، نقش بسیار مهمی در حلقه میانی برای پیشبرد اهداف بیانیه گام دوم انقلاب ایفا می‌کند. این نهاد با توجه به ظرفیت‌های علمی، پژوهشی، فرهنگی و اجتماعی خود، می‌تواند در تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی و پیشرفت کشور، به‌ویژه در زمینه‌های علمی و فناوری، نقشی اساسی ایفا کند. در این راستا، جهاد دانشگاهی با تقویت همکاری‌های بین‌نهادی، توسعه زیرساخت‌های پژوهشی و فناوری و توجه به تربیت نخبگان علمی و فرهنگی، می‌تواند به‌عنوان یکی از ارکان کلیدی حلقه میانی برای تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب عمل کند. یکی از اهداف اصلی بیانیه گام دوم انقلاب، ایجاد تحولی اساسی در ساختار علمی و پژوهشی کشور است. جهاد دانشگاهی به‌عنوان یک نهاد علمی و فرهنگی، با ایجاد و توسعه مراکز تحقیقاتی و فناوری‌های نوین، می‌تواند زمینه‌ساز پیشرفت‌های علمی و فنی کشور باشد. این نهاد با راه‌اندازی مراکز نوآوری، حمایت از استارتاپ‌ها و شرکت‌های دانش‌بنیان و توسعه پروژه‌های تحقیقاتی در حوزه‌های مختلف علمی، می‌تواند به کاهش وابستگی کشور

به فناوری‌های خارجی و تقویت فناوری‌های بومی کمک کند. جهاد دانشگاهی با تمرکز بر پروژه‌های تحقیقاتی و توسعه فناوری‌های نوین، می‌تواند در حلقه میانی به‌عنوان یک محرک اصلی در راستای تحقق اهداف علمی و فناوری بیانیه گام دوم انقلاب عمل کند. در راستای تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب، توجه به تربیت نخبگان علمی، فرهنگی و اجتماعی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. جهاد دانشگاهی به‌عنوان یکی از نهادهای پیشرو در این زمینه، با طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی و پژوهشی، می‌تواند زمینه‌های لازم برای تربیت نخبگان را فراهم کند. این نخبگان که در آینده به‌عنوان منابع انسانی کلیدی در پیشبرد اهداف کشور عمل خواهند کرد، می‌توانند در عرصه‌های مختلف علمی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی نقش‌آفرینی کنند. جهاد دانشگاهی با شناسایی و حمایت از استعدادهای جوان و نخبگان و ایجاد فرصت‌های شغلی و پژوهشی، می‌تواند به‌عنوان یک کاتالیزور در حلقه میانی برای تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب در زمینه منابع انسانی عمل کند. همچنین، جهاد دانشگاهی با تقویت همکاری‌های بین‌نهادی و هم‌افزایی میان نهادهای مختلف، می‌تواند در حلقه میانی به‌عنوان یک پل ارتباطی مؤثر عمل کند. این نهاد با همکاری و هم‌افزایی با سایر نهادهای دولتی، خصوصی و علمی، می‌تواند پروژه‌های مشترک پژوهشی، توسعه فناوری‌های نوین، برنامه‌های آموزشی و فرهنگی و ایجاد زیرساخت‌های لازم برای پیشرفت علمی و اقتصادی کشور را پیاده‌سازی کند. این هم‌افزایی می‌تواند به تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب در زمینه‌های مختلف علمی، فناوری، اجتماعی و اقتصادی کمک کند و به یک هم‌افزایی مؤثر در راستای پیشبرد اهداف کلان کشور منجر شود. درنهایت، جهاد دانشگاهی با توجه به مأموریت‌های علمی، پژوهشی و فرهنگی خود، می‌تواند در حلقه میانی برای تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب نقش مؤثری ایفا کند. این نهاد با تقویت همکاری‌های بین‌نهادی، توسعه زیرساخت‌های پژوهشی و فناوری و توجه به تربیت نخبگان، می‌تواند به‌عنوان یک عامل کلیدی در تحقق آرمان‌های انقلاب

اسلامی و پیشبرد اهداف کلان کشور عمل کند. از طریق این اقدامات، جهاد دانشگاهی می‌تواند الگویی موفق برای سایر نهادها باشد و به تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب کمک نماید.

فهرست منابع

-اساسنامه جهاد دانشگاهی https://srm.acecr.ac.ir

-بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، صادره از سوی مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۷. https://farsi.khamenei.ir

-کشیشیان، گارینه (۱٤۰۰). الگوسازی نظام پیشرفته اسلامی بر اساس شاخصه‌های جوانگرایی در بیانیه گام دوم انقلاب، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، دوره ۲، شماره ۷.

- Arnole, E.H. Rush; J. Bessant& M. Hobday. (1998). Strategic Planning in Research and Technology Institutes. R&D Management. 28(2). 89.
- Intarakumnerd,P. &T. Virasa. (2002). Broader Roles of RTOs in Develooing Countries: From Knowledge Creators to Strengtheners of National Innovation System. Paper presented at Science Technology and Innovation Conference.JFK School of Government. Harvard University.23-24.
- Mrinalini, N. & P. Nath. (2008). Knowledge Management in Research and Technology Organizations in a Globalized Era.Perspectives on Global Development and Technology. No.7.37-54.
- Rothwell, R. (1991). External Networking and Innovation in Small and Medium-sized Manufacturing Firms in Europe. Technovation.11.3.93-112.
- Rush, H; M. Hobday. J. Bessant. E. Arnold & R. Murray. (1996). Technology Institutes: Strategies for Best Practice.London: International Thomson Business Press.

حلقه میانی فرهنگ‌سازی در قوه قضائیه

وحیـد حنیفـی[۱] سیمـا حسینـــی[۲] محمدامین حنیفی[۳]

چکیده

این طرح با الگوگیری از اندیشه‌های مقام قضائی به بیان معضلات موجود در سیستم قضائی که درواقع اساس تمامی معضلات نیز سرچشمه از نقصان و زیر سؤال بودن جایگاه عدالت در تمامی سازمان‌ها و ارگان‌های دولتی بوده که حاصله آن برگرفته از تأکیدات آیت‌الله خامنه‌ای که مبنی بر مردمی بودن برنامه‌های تحولی داشته می‌پردازد و راه برون‌رفت از آن را تنها و غیر از خواست، اراده و حمایت مردمی و کار جهادی و حضور در صحنه گروه‌های جهادی به‌عنوان نیروی کارآمد، قدرت دیگری نمی‌داند و با تشریح و توضیح ادعا به دلایل اثباتی ادعا پرداخته و با احراز و تشخیص برترین سلاح مبارزه که خواست مردمی و کار جهادی بوده، شیوه‌ای برای احیاء آن ارائه تا با عملیاتی نمودن آن موجبی برای جلب رضایت مردمی برای حضور در صحنه و رفع چالش‌ها و معضلات قضائی را فراهم در این ایده به‌طورکلی ایده پرداز معتقد است مشکل ریشه‌ای و عمیقی که موجب ایجاد موانع بر سر پیشرفت و آبادانی و رفاه مردم هست عمدتاً عدم خواست مردمی و کاهش علاقه و میل و اراده آنان به جهت ایجاد فاصله بین مسئولین با مردم و عدم دسترسی آسان و مطمئن به عدالت بخصوص برای محرومین جامعه در مشارکت و همکاری و نیز حضور در عرصه‌های مختلف بوده و به دنبال این است که روندی برای احیاء ایمان و اراده دوران اوایل انقلاب و جنگ تحمیلی را کشف و تعریف کند و برای اعتماد به تأثیرگذاری تفکر و اندیشه. نگارنده این ایده، تلاش بر اثبات درصد بالای درستی ادعا خواهد نمود. آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرماید: ما جز با کار جهادی و کار انقلابی نخواهیم توانست این کشور را به سامان برسانیم. در همه بخش‌ها، کمربسته بودن مثل یک جهادگر لازم است؛ این اگر بود، کارها راه میافتد؛ این اگر بود، بن‌بست‌ها باز می‌شود، شکافته می‌شود نماییم.

واژگان کلیدی: اردوی جهادی، اردوی معرفت، اردوی سلامت.

---

[۱] ایده پرداز برتر پژوهشگاه قوه قضائیه

[۲] دانشجوی کارشناسی حقوق

[۳] ـ

مقدمه

نگاهی کلی به طرح

در طرح حلقه میانی فرهنگ‌سازی در قوه قضائیه معتقدیم به فرهنگ‌سازی عمومی و آموزش و آگاه‌سازی مردم برای دارای شدن اخلاق و اعتقاد اسلامی و سالم به‌نحوی‌که خود برای کار جهادی علاقه‌مند و حاضر شوند و از هرگونه خطا و لغزشی احتیاط و مواظبت کنند.

در این طرح در قالب ٤ اردوی جهادی ۱- اردوی جهادی صداقت قضایی ۲- اردوی جهادی معرفت قضایی ۳- اردوی جهادی سلامت قضایی ٤ – اردوی جهادی آسیب‌شناسی قضایی با استفاده از ظرفیت‌های ایدئال پایگاه‌های بسیج، مساجد و شوراهای روستایی و شهری که از قبل آماده و متمرکز هستند و می‌تواند پایگاهی برای اجرای طرح در نقاط مختلف مورد بهره‌برداری قرار گیرد و به دنبال آن در قدم اول با استفاده از توانمندی گسترده بسیجیان و روحانیون و علما ء و نیز شوراها و ریش‌سفیدان و معتمدین مناطق استارت اجرای طرح خواهیم زد به‌نحوی‌که بسیجیان در پایگاه‌های بسیج و روحانیون و علماء در مسجدها و شوراها در روستاها و محلات شهری به کمک و همکاری اساتید و تحصیل‌کردگان و دانشجویان جهادگرآموزش‌های لازم را طبق برنامه تعریف شده خواهند دید و با نظارت مسئولین منتخب واحدها تجهیز، سازمان‌دهی و مستقر می‌شوند و فعالیت خود را آغاز می‌کنند تا با اقدامات جهادی در گام اول در امر اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی مردمی در پایگاه‌های بسیج و مسجدها زمینه لازم را برای فصل خصومت و حل اختلافات حوزه خود را فراهم کنند در کنار این با استفاده از ظرفیت روحانیون و صدا سیما، شبکه‌های اجتماعی، نصب بیلبورد و پوسترهای تبلیغاتی و اطلاع‌رسانی و نیز برگزاری جلسات، همایش و مراسمات آموزش‌های لازم، آگاه‌سازی، مشاوره و تبیین طرح را با بهره‌گیری از اساتید، مدیران و مسئولین ادارات دولتی و غیردولتی جریان خواهد گرفت که در کل بر اساس الگو طرح تعریف شده در فرهنگ‌سازی

مردمی پیش خواهیم رفت که این مرحله را با عنوان اردوی صداقت مشخص و تعریف نمودیم و به دنبال آن سایر اردوها را نیز برقرار و عملیاتی می‌کنیم که در کل جملگی با استفاده از ظرفیت‌های گسترده مردمی و جهادگران و گروه‌های جهادی عملیاتی و به حرکت درخواهد آمد به‌نحوی‌که حمایت و مشارکت همه‌جانبه مدیران ادارات دولتی و مسئولین استانی در پشتیبانی، سازمان‌دهی و استقرار اردوهای جهادی و حتی آموزش و آگاه‌سازی مردم ضرورت داشته که می‌بایست به ان توجه نمایند

نتیجتاً هر اردوی جهادی مأموریت وظیفه‌ای مشخص داشته که نهایت آن جلب رضایت مردمی برای خواستن و پیوستن به این کار جهادی بوده که اگر مردم اقناع و اراده کنند بر هر هدفی پیروز خواهند شد

بنابراین در این طرح کلیه اندیشه‌های قضائی آیت‌الله خامنه‌ای که در ادامه به آن اشاره خواهد شد را مدنظر و بر پایه آن این ایده تهیه و تنظیم شده است

۱. اندیشه‌های قضائی آیت‌الله خامنه‌ای

سرچشمه اندیشه‌های قضائی آیت‌الله خامنه‌ای

طبق اصل ۱۵۶ قانون اساسی، یکی از وظایف قوه قضائیه، احیای حقوق عامه است؛ احیای حقوق در طول ۴۰ سال گذشته در قوانین و رویه‌ها بود ولی زیاد مورد توجه نبود؛ بیشتر بر این باور بوده که قوه قضائیه باید صبر کند، پرونده‌ای تشکیل شود و به پرونده‌ها رسیدگی کند ولی در سال‌های اخیر به‌ویژه آیت‌الله خامنه‌ای، چندین بار تأکید کردند که وظیفه احیای حقوق عامه باید در قوه قضائیه با جدیت پیگیری شود. احیای حقوق عامه فراتر از رسیدگی به پرونده‌های قضایی است؛ به‌عبارت‌دیگر قوه قضائیه هر جایی که منافع، مصالح و اموال عمومی در معرض آسیب، خطر و تضییع قرار می‌گیرد، صبر نکند تا پرونده تشکیل شود بلکه خودش فعالانه ورود کند. مسؤولیت هم صرفاً صبر کنیم تا یک جرمی اتفاق بیفتد بعد ما وارد رسیدگی شویم، نیست بلکه قبل از آن است.

سیاست‌گذاری مشارکتی و همکاری در راستای حل مسائل قوه قضائیه در پاسخ‌گویی به مطالبات عمومی و استفاده حداکثری از ظرفیت مردمی و نهادهای مردمی برای یافتن چالش‌ها و حواشی و راهکارهای حل چالش‌های قوه، اصلاح یا تکمیل برخی از موضوعات غیر شفاف و رویه‌ها، رویکردها، دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌ها، حرکت در جهت ایجاد دلگرمی و احساس آرامش و امنیت در میان نخبگان و نهاد مردمی و مردم حرکت هوشمندانه دستگاه قضا در جهت تحول قوه قضائیه بوده است. در کلام واقعی قوه قضائیه، یک دستگاهی است که با مراجعات مردمی سروکار دارد و ثمره کار مستقیم یا غیرمستقیم توسط مردم مشاهده و درک و احساس می‌شود؛ یعنی اگر تحولی در قوه قضائیه صورت گیرد، نتیجه‌اش را مردم باید در مراجعات و پرونده‌های قضایی در دادگستری‌ها و دادگاه‌ها ببینند.

اهمیت قوه قضائیه در اندیشه قضائی آیت‌الله خامنه‌ای

آیت‌الله خامنه‌ای در بیانات خود چنین فرمودند: شماها که یا به‌صورت قاضی ــ چه قاضی دادگاه، چه قاضی دادسرا ــ یا به‌صورت کارمند مثلاً، به هر شکلی، در این قوّه مشغول خدمت هستید، بدانید در یکی از مهم‌ترین ارکان نظام اسلامی دارید کار می‌کنید و با خیلی جاهای دیگر قابل مقایسه نیست. واقعاً قوه‌ی قضائیّه یکی از ستون‌های اصلی در برپایی نظام اسلامی است. معلوم است که اگر در این ستون‌های اصلی اختلالی به وجود بیاید، در کل نظام اختلال به وجود خواهد آمد؛ بنابراین کارتان بسیار مهم است. به همین نسبت، اگر چنانچه اشتباهاتی در اینجا انجام بگیرد، اختلالی صورت بگیرید، ضربه‌ی آن هم مهم است؛ این [طور] است دیگر؛ وقتی جایگاه انسان بالا رفت، هم کار مثبت او، هم کار منفی او، هر دو، تأثیراتش تأثیرات شگرفی است. شما این‌جوری هستید؛ کار خوبتان هم، کار مثبتتان هم، تأثیر شگرفی دارد در بهبود زندگی مردم، در پیشرفت نظام اسلامی؛ خدای نکرده اشتباهی هم بکنید، همین‌جور است.

و همین‌طور در ادامه بیان فرمودند: مناط داوری خودتان را کاری که انجام داده‌اید قرار ندهید؛ مناط داوری را خروجی کار قرار بدهید. مثلاً فرض کنید اینکه ما سر فلان قضیّه این کارها را کردیم، این تعداد جلسه گذاشتیم و غیره، این‌ها ملاک نیست؛ ملاک این است که نتیجه چه شد، خروجی کارها چه شد؛ در همه‌ی مسائل کشور این‌جوری است. آمارها مهم‌اند منتها باید نشان داده شود که خروجی این آمارها و این مطالبی که گفته شد چیست؛ آن مهم است. محصول نهایی مهم است که دست مردم چه می‌رسد.

تحول واقعی در اندیشه قضایی آیت‌الله خامنه‌ای

آیت‌الله خامنه‌ای در بیانات خود در خصوص تحول واقعی فرمودند: قوه‌ی قضائیّه چهل‌وچند سال پشتوانه‌ی تجربه و آزمون‌وخطا دارد؛ این خیلی مهم است. چهل‌وچند سال است که ما در قوه‌ی قضائیّه شاهد طرح‌های گوناگون، برنامه‌های مختلف، اقدام‌های گوناگون هستیم و این تجربه‌های متراکم و انباشته‌ای را در اختیار صاحب‌نظران قرار می‌دهد؛ این چیز خیلی باارزشی است؛ از این تجربه‌ها باید استفاده کرد برای تحوّل. تحوّل را هم معنا کردیم؛ تحوّل یعنی نقاط مثبت را تقویت کنیم، نقاط منفی را به صفر برسانیم؛ این معنای تحوّل است. گاهی اوقات به صفر رساندن نقاط منفی مستلزم یک کار مهم تغییر سازمانی است؛ در سازمان باید تغییر داده بشود؛ گاهی در جهت‌گیری‌ها باید تغییر داده بشود؛ موارد معدودی در آدم‌ها باید تغییر داده بشود؛ تحوّل به این چیزها احتیاج دارد؛ این تحوّل است.

نیاز تحول قوه قضائیه به نیروی کارآمد در اندیشه قضایی آیت‌الله خامنه‌ای

آیت‌الله خامنه‌ای تأکید نمودند: بر روی ساختن نیروهای متخصّص، پرورش نیروهای متخصّص؛ این از جمله‌ی کارهای خیلی لازم است. قوه‌ی قضائیّه بایستی در هر بخشی از بخش‌ها یک مجموعه‌ی آماده‌ی متخصّص و کارشناس در اختیار داشته باشد که هر وقت لازم شد ــ تبدیلی، تغییری، اضافه کردنی [بود] ــ از این‌ها

استفاده کند. این مسئله‌ی جانشین‌پروری که بنده در مورد دستگاه‌های مختلف گفته‌ام، اینجا مصداقش همین پرورش نیروهای متخصّصی است که عرض کردم. این یک مطلب که من روی این تأکید می‌کنم، تکیه می‌کنم. مسئله‌ی سند را با همین خصوصیّاتی که عرض شد، جدی بگیرید.

نتیجتاً آیت‌الله خامنه‌ای جانشین پروری و پرورش نیروهای کارآمد و متخصص را هم لازمه تحول و پیشرفت کارهای دستگاه‌ها خواندند که باید مورد توجه جدی همه مسئولان باشد.

احقاق حقوق عامه و تأمین آزادی‌های مشروع مردم در اندیشه قضائی آیت‌الله خامنه‌ای

آیت‌الله خامنه‌ای وظایف قوه قضائیه در قانون اساسی از جمله احقاق حقوق عامه را بسیار مهم می‌دانند و تأکید نمودند جلوگیری از ترساندن و بر هم زدن امنیت روانی مردم در فضای مجازی و غیرمجازی از مظاهر تأمین حقوق عامه است که دستگاه قضا باید با برنامه‌ریزی و انضباط و قاعده، این وظیفه دشوار را به‌خوبی انجام دهد.

ایشان تأمین آزادی‌های مشروع مردم را مهم می‌دانند و تأکید دارند بر اساس تعبیر دقیق قانون اساسی، همه آزادی‌هایی که شرع اجازه می‌دهد باید برای مردم تأمین شود که دستگاه‌های قدرت معمولاً معارض این آزادی‌ها می‌شوند و قوه قضائیه باید به وظایفش در این زمینه عمل کند.

تصویر رسانه‌ای قوه‌ی قضائیّه در اندیشه قضائی آیت‌الله خامنه‌ای

در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای قوه‌ی قضائیّه در زمان کنونی تصویر رسانه‌ای خوبی ندارد و فرمودند از رسانه و تبلیغات به‌درستی در این قوّه و برای این قوّه استفاده نمی‌شود. البتّه بخشی‌اش مربوط به دستگاه‌های رسانه‌ها [مثل] رادیو تلویزیون و روزنامه‌ها و مانند این‌ها است، بخشی‌اش هم مربوط به خود درون قوّه است

حمایت صدا سیما در اطلاع‌رسانی، هم‌اندیشی با قشرهای متفاوت و گزارشگریِ درست، نشست‌وبرخاست‌ها با کارشناس اقتصادی، کارشناس سیاسی، دانشجو، جوان‌هایی که ادّعا دارند، حرف دارند، استاد، کسبه، روحانیون را از لحاظ نتیجه‌گیری کار و گسترش قوه‌ی قضائیّه مهم می‌دانند

سایر موارد مهم در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای

- مبارزه با فساد در بیرون و درون دستگاه قضا: حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، با اشاره به مُسری بودن فساد در صورت عدم برخورد تأکید نمودند: در مقوله مقابله با فساد در بیرون دستگاه قضا، قوا و دستگاه‌های دیگر هم باید فعال باشند و با سرمنشأ و مبادی فساد در مجموعه‌های تحت مسئولیت، برخورد جدی کنند تا کار به دستگاه قضا کشیده نشود.
- شایعات افراد مغرض و مریض‌القلب علیه دستگاه قضا: آیت‌الله خامنه‌ای تأکید می‌نمایند فساد درون قوه را هر قدر هم کم باشد باید ریشه‌کن کنید
- معاملات غیررسمی اموال غیرمنقول: آیت‌الله خامنه‌ای معاملات غیررسمی اموال غیرمنقول را از منشأهای بزرگ فساد خواندند و تأکید کردند: باید ازاین‌گونه معاملات سلب اعتبار شود و اگر هم از دیدگاه شورای نگهبان به مصوبه مجلس ایرادی هست، مصلحت قطعی کشور و نظام، تصویب نهایی این قانون است.
- برنامه‌ریزی و ایجاد سازوکار سنجیده و اندیشیده برای پیشگیری از جرم: آیت‌الله خامنه‌ای برنامه‌ریزی و ایجاد سازوکار سنجیده و اندیشیده را لازمه عمل دستگاه قضایی به وظیفه قانونی پیشگیری از جرم فرمودند و تأکید دارند: این‌گونه کارهای مهم با اقدامات فردی، موردی و ریاستی به نتیجه لازم نمی‌رسد و برنامه نیاز دارد.
- ضرورت برخورد خوب با مراجعان: آیت‌الله خامنه‌ای تأکید نمودند: کسی که به دادگستری مراجعه می‌کند اگر با اخم مواجه شود دل‌شکسته بیرون می‌آید

حتی اگر به کار او رسیدگی شود، بنابراین باید وظیفه برخورد خوب با مردم را با صبر و تحمل انجام داد

اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای در قلمرو عدالت

«در نظام اسلامی، عدالت مبنای همه‌ی تصمیم‌گیری‌های اجرایی است و همه‌ی مسئولان نظام، از نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی تا مسئولان بخش‌های مختلف اجرایی، به‌خصوص رده‌های سیاست‌گذاری و کارشناسی و تا قضات و اجزای دستگاه قضایی، باید به جد و جهد و با همه‌ی اخلاص، در صدد اجرای عدالت در جامعه باشند. امروز در جامعه‌ی ما، برترین گام در راه استقرار عدل، رفع محرومیت از طبقات محروم و تهی‌دست و کم‌درآمد است».

«هدف ما استقرار عدل در جامعه است. ما این را می‌خواهیم. همه‌ی کارها برای اقامه عدل ارزش پیدا می‌کند. در جامعه‌ی نابرابر، اگر ثروت هم زیاد شد، به سود یک قشر و یک گروه از مردم است؛ اما در جامعه‌ای که برابری و عدالت جریان داشته باشد، به سود همه است».

«در برنامه‌ریزی‌ها مسئله‌ی برطرف کردن فقر و محرومیت از کشور را در درجه اوّل قرار دهید که یکی از ارکان عدالت، این موضوع است. البته همه‌ی مفهوم عدالت این نیست که ما فقر و محرومیت را برطرف کنیم، گرچه حقاً و انصافاً بخش مهمی از آن است».

«به نظر ما عدالت، کاهش فاصله‌های طبقاتی است، کاهش فاصله‌های جغرافیایی است. این‌جور نباشد که اگر منطقه‌ای در نقطه‌ی جغرافیایی دور از مرکز کشور قرار گرفته است، دچار محرومیت باشد امّا آنجایی که نزدیک است، برخوردار باشد. این عدالت نیست. هم فاصله‌های طبقاتی باید برداشته شود، فاصله‌های جغرافیایی باید برداشته شود و هم برابری در استفاده‌ی از امکانات و فرصت‌ها باید به وجود آید».

«در عدالت، هم عقلانیت باید مورد توجه باشد، هم معنویت. اگر معنویت با عدالت همراه نباشد، عدالت می‌شود یک شعار توخالی، خیلی‌ها حرف عدالت را می‌زنند

امّا چون معنویت و آنگاه معنوی نیست، بیشتر جنبه‌ی سیاسی و شکلی پیدا می‌کند. دوّم عقلانیت، اگر عقلانیت در عدالت نباشد گاهی اوقات عدالت به ضد خودش تبدیل می‌شود ... در عدالت، عقلانیت شرط اوّل است».

حل معضلات قوه قضائیه نیازمند مردان و زنان و جوانان مؤمن انقلابی که دارای ویژگی‌های ارزشمندی که مردمان دوران دفاع مقدس و ۸ سال جنگ تحمیلی داشتند، است

مروری بر بیانیه گام اول و گام دوم انقلاب

الگوی اخلاق و عمل جبهه جهادی در این نوشتار به سمت‌وسوی مقطع و دورانی متمرکز هست که آن شرایط در گام اول انقلاب در اوج شکوفایی بود.

یکی از مسائلی که پیرامون دفاع مقدس مطرح است، این مسئله است که چرا با وجود نابرابری طرفین در جنگ تحمیلی و حمایت همه‌جانبه‌ی استکبار و قدرت‌های جهانی از عراق در جنگ تحمیلی و مظلومیت و تنهایی ما، ما پیروز قطعی جنگ قلمداد شده‌ایم؟

- پشتیبانی و حمایت مردم ظرفیت روحی بالا و میل به فداکاری و ایستادگی در بین مردم از عمده دلایل پیروزی ما در دوران هشت سال دفاع مقدس بوده در دوران ۸ سال جنگ تحمیلی، بخشی از مردم ایران به‌صورت داوطلبانه از سراسر نقاط کشور با انگیزه‌ای الهی، عازم جبهه‌های جنگ شدند و توانستند تمام نارسایی‌ها و کمبودهای موجود در جبهه‌ها را با حضور خود برطرف نمایند.
- ابتکارات و خلاقیت‌ها از دیگر عوامل در پیروزی جنگ بود مردم در میدان جنگ، توانستند سازمان مورد نیاز جبهه‌ها را برای مقابله با قوای دشمن به وجود آورند و مجموعه‌ای یکپارچه و مقتدر برای اداره‌ی صحنه‌های گوناگون جنگ تدارک ببینند
- شیوه و سبک مدیریت جبهه هم از جمله عوامل موفقیت در دوران جنگ تحمیلی بود سبک مدیریت فرماندهان در جبهه‌های جنگ، متفاوت از شیوه‌های

مرسوم و سنتی در سایر ارتش‌ها بود. گرچه سلسله‌مراتب و فرماندهی و فرمان‌بری در بین رزمندگان وجود داشت ولی اطاعت بر سر اعمال زور و فشار بر زیردستان نبود بلکه رابطه‌ای دوسویه بود

مهم‌ترین اصل که تضمین اثر سازنده است

- عمل کردن به دین مبین اسلام، اطاعت از فرمان آیت‌الله خامنه‌ای و نقشه راه قرار دادن بیانیه گام دوم انقلاب است
- حمایت مردمی سلاح مبارزه با معضلات سیستم قضائی

اصل اول: (شفاف‌سازی و تسهیل در درک مطلب)

برای رسیدن به عدالت اسلامی باید مبارزه کرد و این مبارزه به رزمندگانی شجاع همانند رزمندگانی که در دوران دفاع مقدس داوطلبانه حاضر و ایثار کردند نیاز دارد و به دنبال آن ابتکار و خلاقیت‌ها و شیوه و سبک مدیریت عرصه‌های مبارزه ضرورت خواهد داشت

هرچند تجهیزات و فنون پیشرفته، امکانات مالی، پشتیبانی و حمایت ملل خارجی در هر میدان مبارزه مهم هست اما رزمندگان ما علیرغم تحریم‌های طولانی و کاستی‌های فراوان دشمن متجاوز را علیرغم اینکه از حمایت مالی، تکنولوزی و تجهیزات پیشرفته و فراوان که از تمامی ملل‌های خارجی دریافت می‌نمود مقاومت و شکست دادند و اثبات نمودن که قدرت همبستگی، ایمان قوی، ایثار و از خود گذشتی مردمی قوی‌تر از هر سلاح و تجهیزات و امکانات روز دنیا می‌تواند قوی‌تر باشد

اصل دوم: (عامل جریان پرونده‌سازی و یا ماشین پرونده ساز)

چالش‌های سیستم قضائی جریان گرفته از آمار پرونده‌هایی هست که به لحاظ ارتکاب جرائم، اختلافات مالی و غیرمالی بوده که تمامی آن توسط شخص و اشخاصی از این مملکت جریان می‌گیرد به بیانی مسبب اصلی هر پرونده غیر از

مردم عاملی نمی‌تواند داشته باشد نتیجتاً مردم با برخی از اعمال و رفتار و برخورد خود نقش پرونده ساز را دارند که برخی در این فرایند غیر نرمال بوده و عیناً ماشین پرونده ساز عمل کرده و باعث تشکیل پرونده‌های بسیاری بوده

اصل سوم: شاه‌کلید (توقف جریان پرونده‌سازی و یا ماشین پرونده ساز)

در اصل دوم به عامل پرونده‌سازی اشاره کردیم که به دست مردم رقم می‌خورد حال اگر مردم خود موجبی برای تشکیل پرونده نباشند آیا پرونده‌ای تشکیل می‌شود؟ قطعاً اگر مردم در رفتار و کردار خود و فرزندان و آشنایان و همسایگان دقت و نظارت داشته باشیم و به حقوق هم احترام بگذاریم قانون را رعایت و به ان احترام قائل شوند حق مظلومی را ضایع نکنیم به مال دیگران چشم نداشته باشند، دزدی نکنند، به ناموس دیگران مزاحم نباشند، ملک کسی را تصرف نکنند و دروغ نگویند، امانت‌دار باشند، همدیگر را دوست داشته باشند و احترام بگذارند، حیف‌ومیل نکنند، مردم‌آزار و شرارت نکنند، حرام و حلال را بشناسند و به ان احترام بگذارند وظیفه‌شناس و مسئولیت‌پذیر باشند و از هر ظلم و جرمی چشم‌پوشی نکنند و ساکت نباشند و به هم صداقت داشته باشند و به دنبال فساد نباشند، پست و سمتی که لایق ان نبوده را قبول نکنند و در معرفی و حمایت اشخاص لایق و توانمند برای اداره امور مملکتی مشارکت کنند و از رشوه و رانت‌خواری پرهیز و از ان استقبال نکنند و قاضی باشند درست قضاوت کنند نانوایی باشند نان باکیفیت عرضه کنند و کشاورز باشند محصول خوبی را تحویل دهند، کارگری باشند درست و منصفانه کار کنند و رئیسی باشند با عدالت و درست مدیریت کنند و ... در این صورت نه واقعی رخ می‌دهد نه پای کسی به محاکمه باز می‌شود.

اصل چهارم: (غفلت از اصل عامل جریان زا و سرمایه‌گذاری در فرعیات)

در کشور ما به اصل موضوع و اینکه بذر تمامی چالش‌ها به دست مردم کاشته می‌شود و بجای اینکه تدبیری برای رفع چنین کاشت و برداشتی کنیم غافل بوده و بدون فکر و دقت از روی مسئله اصلی گذر کرده و اجازه می‌دهیم بذری کاشته شود بعداً به فکر دفع آفات ان متمرکز و سرمایه‌گذاری می‌کنیم مسئولین ما با آنکه می‌بینند شرارت و فساد و جرائم را فردی که متعلق به این مملکت بوده مرتکب می‌شود به جای اصلاح و تربیت شخص و آموزش و فرهنگ‌سازی خوب بودن به دنبال یافتن راه‌حل و تعریف سیاستی بر کنترل و مهار آفات پس از وقایع بوده و برای پیاده‌سازی ان سه برابر هزینه و تخصیص اعتبار می‌نمایند. آیا اصول منطقی این نیست که بجای اینکه به فکر افزایش تعداد شعبات و قاضی و کارمند و گسترش امکانات تأسیساتی و تجهیزاتی باشیم و یا افزایش کلانتری‌ها و دادگستری‌ها باشیم و یا ساخت زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها باشیم و اینکه اجازه بدیم کسی جرم و جنایتی مرتکب شود بعد به فکر اصلاح و تربیت وی برای جلوگیری از تکرار جرم باشیم و یا اجازه بدیم در کار تجارت و کاسبی و خریدوفروش اموال و کالا کسی بدهکار کسی باشد و پس از چندین جلسه دادگاهی و هزینه‌های فراوان و تعقیب و گریز جلب و به زندان بیندازیم بعد به فکر تأمین اعتبار و جمع‌آوری کمک‌های مالی از خیرین و غیره باشیم تا بعد از اینکه کار از کار گذشته و خانواده محکوم به پرداخت مالی متلاشی و فرزند و همسر و دختران وی به فساد روی آورده و تبدیل به مجرم شده بدهی او را پرداخت کنیم و از زندان نجات بدیم نتیجتاً آخر و عاقبت شخصی که از همه جا و همه کس بریده و اعتباری برایش نمانده با جیب خالی وارد اجتماع شود مشخص و معلوم هست دست به جرم و جنایت خواهد زد و به فکر این باشیم که انسانی بسازیم که آگاه و عاقل باشد و از هر کار زیانباری دوری می‌کند و با رفتار و کردار و عملکرد درست خود اجازه بروز وقایع غیراخلاقی و غیرقانونی را نمی‌دهد و بجای اینکه عواقب قانونی جرمی را و راه فرار از آن را بسنجد عواقب

کار و ضرری که هر تخلف و ارتکاب به جرمی به خود و جامعه میزند را دانسته باشد و بر آن مشارکت و خود به‌عنوان الگویی قرار بگیرد

آنچه گام اول انقلاب را با گام دوم انقلاب را متمایز می‌کند:

مقدمه بخش دوم بیانیه (برکات بزرگ انقلاب اسلامی) به تشریح منطق حرکت اولیه انقلاب اسلامی می‌پردازد؛ منطقی که کماکان ایده اصلی رهبر انقلاب اسلامی برای تحقق گام دوم انقلاب را نیز تشکیل می‌دهد. بر این اساس، رهبر انقلاب با الهام گیری از حرکت اولیه انقلاب درصدد است از طریق «تقویت اراده ملی»، «میدانداری جوانان»، «اتکا به توان داخل» و شعار «ما می‌توانیم» گام دوم انقلاب را با قدرت بردارد

چگونگی پیشرفت انقلاب اسلامی در گام اول:

- تبدیل سلطنت استبدادی به حکومت مردمی و مردم‌سالاری
- به عرصه آوردن عنصر اراده ملی به‌عنوان جان‌مایه پیشرفت همه‌جانبه و حقیقی
- وارد کردن جوانان به میدانداری حوادث و عرصه مدیریت
- انتقال روحیه و باور «ما می‌توانیم» به همگان

نیروی اصلی و اساس مراحل بعد پیشرفت جامعه انقلابی در گام اول را فرهنگ و معنویت تشکیل داده است معنویتی که به حوزه سیاست، امنیت، سازندگی و... رنگ و بوی جدیدی بخشید

حال آنچه ما در گام دوم انقلاب باید بر آن تلاش و مبارزه کنیم مسئله فرهنگ اسلامی هست که به‌شدت مورد تهاجم بیگانگان قرار گرفته و درصدد تغییر آن به سبک غربی بوده که این موجب سستی اراده جوانان و فاصله از فرهنگ اسلامی یعنی انقلاب اسلامی را می‌تواند رقم بزند که باید بر آن هوشیار باشیم

نتیجه‌گیری

نتیجتاً همان‌طور که در ابتدای بحث به ان اشاره شد ایثار، فداکاری و ازخودگذشتگی هم‌وطنان در اوایل انقلاب و جنگ تحمیلی که دوران اوج شکوفایی و عظمت انقلاب سلاح پیروزی در هر عرصه‌ای بود لیکن آنچه در این نوشتار هدف ایده پرداز هست مسلح کردن انقلاب به سلاح حمایت مردمی بوده که باید از ان لحظه‌ای غافل نشد

برای رسیدن به عدالت اسلامی باید مبارزه کرد و این مبارزه به رزمندگانی شجاع همانند رزمندگانی که در دوران جنگ حاضر و ایثار کردند نیاز دارد و به دنبال آن ابتکار و خلاقیت‌ها و شیوه و سبک مدیریت عرصه‌های مبارزه ضرورت خواهد داشت

هرچند تجهیزات و فنون پیشرفته، امکانات مالی، پشتیبانی و حمایت ملل خارجی در هر میدان مبارزه مهم هست اما رزمندگان ما علیرغم تحریم‌های طولانی و کاستی‌های فراوان دشمن متجاوز را علیرغم اینکه از حمایت مالی، تکنولوزی و تجهیزات پیشرفته و فراوان که از تمامی ملل‌های خارجی دریافت می‌نمود شکست دادند و اثبات نمودن که قدرت همبستگی، ایمان قوی، ایثار و از خود گذشتی مردمی قوی‌تر از هر سلاح و تجهیزات و امکانات روز دنیا می‌تواند قوی‌تر باشد

بنابراین ما هرچند نیاز به امکانات و فنون روز دنیا داریم ولی ضروری‌تر از آن برای داشتن عدالت حقیقی نیاز به حضور مردمی و همبستگی و اراده و خواست مردمی بوده بنابراین طرح مزبور برای فراهم ساختن حضور مردم برای کار جهادی بوده تا به دنبال خود با موفقیتی همراه شود

رفع معضلات بستگی به خواست و اراده مردم و کار جهادی دارد

نتیجتاً اگر مردم بخواهند و اراده کنند پرونده‌ای تشکیل نمی‌شود و تا مردم اراده نکنند اختلافات، دزدی، کلاهبرداری و مزاحمت و ...واقع نخواهد شد بنابراین روشنگری مردمی از زیرساخت‌های رسیدن به عدالت هست که ما بر آن اصول ایده

و برنامه خود را تهیه نمودیم و معتقدیم رفع ابر چالش آمار بالای پرونده‌های ورودی به محاکم قضائی نیاز به بسیج مردمی و کار جهادی داشته بنابراین مشارکت مردمی در برنامه تحولی قوه قضائیه یک اصل مهمم هست که از دید آیت‌الله خامنه‌ای پنهان نمانده است.

الف- اهمیت و جایگاه دستگاه قضائی در نظم کنونی

قوه قضاییه حلقه بازخورد در معماری کلان حکومت جمهوری اسلامی است که می‌تواند موجبات تعالی و ارتقای کل سیستم را فراهم کند و از آن جایی که رئیس این قوه را مستقیماً رهبر جامعه انتصاب می‌کنند و همچنین معماری محتوایی قوه بر مبنای فقه اسلامی است، کارآمدی یا ناکارآمدی آن می‌تواند بر کل پروژه انقلاب اسلامی و امکان‌سنجی طراحی جامعه، مبتنی بر نهاد دین تأثیر بگذارد.

قوه قضائیه بمانند قلب در بدن انسان بوده

قلب انسان ابزاری است دقیق و منظم که در خدمت کل بدن است. واژه قلب، به معنی دگرگونی است. این عضو به علت این‌که باعث دگرگونی خون و تبدیل خون کثیف به خون تمیز می‌شود قلب نام‌گذاری شده است قلب انسان عضوی بزرگ و شگفت‌انگیز از بدن است که مواد موردنیاز بدن و مخصوصاً اکسیژن به سرتاسر بدن می‌رساند لذا نارسایی قلبی با اختلال در این عمل می‌تواند باعث اختلال عملکرد اغلب ارگان‌های بدن شود. انسان می‌تواند بدون طحال یا تنها با یک کلیه زندگی کند، اما بدون قلب امکان حیات وجود ندارد. قلبی که نارسا باشد حتی بهترین خون و یا بهترین مواد مورد نیاز بدن و اکسیژن را هم برسانیم باز اعضای بدن مختل بوده و بجایی نخواهیم رسید بر این اساس محاکم قضائی که دارای نارسایی باشد کل سیستم مملکتی را مختل خواهد کرد لیکن دستگاه قضایی باید سالم‌تر باشد تا تعادل برقرار شود در غیر این صورت اگر سیستم قضائی دارای نارسایی باشد هر اقدام قضایی قاطع در جهت برقراری عدالت نیز با برگشت به سیستم قضائی با نارسایی

مواجه خواهد بود و مؤثر نمی‌تواند باشد بنابراین برای داشتن امنیت و آرامش و سلامت برقراری عدالت سیستم قضائی سالم و آری از هرگونه تخلف و قانون‌شکنی داریم

منظور اگر خود سیستم قضائی دچار فساد باشد حال هرچقدر خلاف‌کار و فاسد و گرانقروش و کلاهبردار و خیره را بگیر و ببندی هم باشد باز برمی‌گردد از همین دستگاه قضائی که گرفتار شده می‌تواند به دست فاسدی از این سیستم خلاص شود و این روند ادامه و تکرار می‌شود و ما دور خود خواهیم چرخید.

ابـرچـالش و معضـل قـوه قضـائیه

برخی از چالش‌ها و معضلات دستگاه قضایی را اشاره نمودیم که مسلماً فراتر از این نیز باز چالش‌هایی وجود داشته اما به نظر یکی از مهم‌ترین و جدی‌ترین معضل افزایش ورودی پرونده به محاکم قضایی بوده که بحث اصلی و طرح مزبور کنترل و جلوگیری و کاهش این مورد بوده که به آن

مهار و یا کاهش آمار پرونده‌های ورودی و مراجعات مردمی به دادگستری

متأسفانه در ٤٠ سال گذشته تشویق مردم به طرح دعوی و مراجعه به دستگاه قضایی گسترش پیدا کرده است. مهم‌ترین دلیل افزایش مراجعه به دادگستری میزان قوانین است. کافی است قوانین مجلس شورای ملی با قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی مقایسه شود؛ قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی چندین برابر قوانین مجلس شورای ملی است. معروف است که قانون زیاد، قانون را می‌کشد و اهمیت و اعتبار قانون را از بین می‌برد و علاوه بر این هر ماده قانون می‌تواند منشأ ده‌ها دعوی جدید قرار گیرد.

این طبیعی نیست در کشوری که کمتر از ۳۰ میلیون خانوار جمعیت دارد در سال ۳۲ میلیون خانوار به دادگستری مراجعه کنند (١٦ میلیون پرونده هر پرونده دو طرف داشته باشد می‌شود ۳۲ میلیون مراجعه‌کننده به دادگستری) و ورودی زندان‌ها سالانه

یک میلیون نفر باشد. یکی دیگر از دلایل افزایش پرونده‌های قضایی وضعیت اقتصادی کشور است، وضعیت نامناسب اقتصادی جرائم علیه اموال را افزایش می‌دهد و دعاوی و اختلافات مالی مردم گسترش پیدا می‌کند. تمایل شدید مردم و مراجع قضایی به کیفری تلقی کردن امور که ناشی از خشونت ذهنی مردم و بالطبع قضات دادگستری است که در طول ٤٠ سال گذشته افزایش پیدا کرده است. نگارنده با ده‌ها پرونده مواجه بوده که افراد برای فرار از پرداخت هزینه دادرسی دعوی حقوقی را به‌صورت کیفری مطرح کرده‌اند و با اعمال نفوذ توانسته‌اند موضوع را کیفری جلوه داده و در مسائل کاملاً حقوقی رأی به حبس و شلاق صادر شده که لازم است برای جلوگیری از این مسئله چاره‌اندیشی شود. متأسفانه قوه قضائیه تمایل به تمرکز دعاوی در دادگستری دارد و این تمایل به تمرکز دعاوی در دادگستری فسادآور است؛ قوه قضائیه می‌تواند در جهت حل کدخدامنشی و ارجاع دعاوی به داوری، فرهنگ‌سازی کرده و مردم را تشویق کند که از مراجعه به دادگستری خودداری کنند.

چالش حجم بالای پرونده‌های ورودی به دادگستری

اساس کار برنامه ما یافتن راه‌حلی برای جلوگیری از افزایش آمار پرونده‌های ورودی به دادگاه بوده و نکته مهم این هست که ورودی پرونده‌ها متناسب با ظرفیت شعبات نیست بدین لحاظ حجم کاری فراتر از ظرفیت شعبه‌ها بوده و این ازدیاد موجب تأخیر درنتیجه و طولانی شدن فرایند رسیدگی بوده و از طرفی موجب عدم آرامش فکری و تمرکز ذهنی قضات و کارکنان بوده که دقت عمل را کاهش می‌دهد اما با این وجود این روند توجیهی ندارد و نمی‌توان با این نقص حقوق شخصی را تضییع و عدالت را زیر سؤال برد پس به هر نحوی اصول دادرسی می‌بایست رعایت و پرونده‌ها با دقت عمل و عادلانه و منصفانه منجر به نتیجه نهایی شود.

برای مدیریت پرونده‌های ورودی ما دو گزینه پیش رو داریم دو گزینه بیشتر نخواهد بود. نتیجتاً به نظر پیاده‌سازی گزینه یک از جهات مختلف به صلاح نیست. به‌طوری‌که تمرکز بر آن هم غیرمنطقی بوده و هم امکانات و ظرفیت‌های لازم برای فراهم ساختن آن نیست و این مورد هم هزینه‌ای بیشتری در پی دارد و هم هزینه بی‌دلیل و جهت بوده که هزینه بر آن به‌نوعی خسارت هست که از جیب بیت‌المال خارج می‌شود که قسمتی از هزینه در این محل، خسارتی در ردیف خسارات حاصل از وجود دخانیات و مواد مخدر بوده که تحمیل بیت‌المال می‌شود و آن قسمت هزینه درواقع تحمیلی هست که نفع و برگشتی ندارد هزینه‌ای که باید بجای تمرکز به ایجاد ساختار لازم برای افزایش شعبات به فکر کاهش پرونده‌های ورودی باشیم که مسلماً هزینه پیشگیری کمتر از آن خواهد بود

بنابراین اگر هدف بر افزایش شعبات باشد به مثال شنا در خلاف جهت رودخانه خواهد بود و عملاً شنا در جهت مخالف هم کار سنگینی بوده و هم نیاز به صرف انرژی زیادی داشته پس هزینه‌های تحمیلی آن هم بالا خواهد بود و هم سخت‌تر پیش خواهد رفت، قدرت تمرکز به کاهش پرونده‌های ورودی را ضعیف‌تر خواهد نمود زیرا شناختی که از سیستم کاری است، توانایی برنامه‌ریزی، تنظیم و کنترل هزینه در دو جبهه را نخواهیم.اگر به دنبال هزینه برای گسترش و افزایش شعبات باشیم ضمن اینکه قبول ابتدائی و رسیدن به این باور بوده که آمار ورودی پرونده‌ها بیشتر هست و بیشتر هم باشد و این باور همان پذیرش شکستی هست که هزینه آن موجب تضعیف قدرت و توانایی برای هزینه در سوی دیگر به جهت محدودیت در امر اعتبارات را رقم خواهد زد

لذا در عمل نیز منطقی نخواهد بود که اجازه داده شود آمار پرونده‌های ورودی افزایش یابد تا نیاز به گسترش و افزایش شعبات باشد و این بدان معنی خواهد بود که ما اجازه می‌دهیم جرائم و تخلفات و ناهنجاری‌ها افزایش یابد و به دنبال آن زیرساخت‌ها را با هزینه فراوان فراهم می‌کنیم تا بتوانیم در زمان معقول و با دقت

لازم به این جرائم و تخلفات و مشکلات رسیدگی کنیم که خروجی این روند به تصور بنده عواید و تأثیری در حفظ آرامش و امنیت جامعه و برقراری عدالت و رضایتمندی شهروندان به دنبال نخواهد داشت زیرا اگر بنا باشد جرم جنایت، کلاهبرداری، خیانت، بدهکار و بستانکار زیاد باشد هرچند که در حد استاندارد مورد رسیدگی قرار گیرد به درد مردم نخواهد خورد

پذیرش گزینه دوم و شرح کلی از برنامه، اهداف و طریقه اجرا آن

گزینه دوم مرتبط با یکسری از اقدامات هماهنگ شده و منظم، برای جلوگیری از ورودی پرونده‌ها به محاکم قضایی بوده که این برنامه نیاز به یکسری از فعالیت‌ها و اقدامات لازم برای کاهش بروز اختلافات و ارتکاب جرم و ناهنجارها است.

موفقیت در این برنامه نیاز به کار جهادی و تنها با مشارکت مردمی و توسط مردم و ضرورتاً با خواست آن‌ها چنین فرصتی مهیا خواهد و اگر چنانکه مردم که خود عامل رفتارهای پرونده ساز بوده، تمایلی به نگاهی متفاوت از موضوع نداشته باشد و همچنان رویه‌ای معیوب را در پیش بگیرد و مراعات اینکه اختلافات آن‌ها و یا خواسته‌های نابجا و غیرمنطقی آن‌ها عامل چنین روندی بوده در این موضوع نتیجه‌ای نمی‌توان گرفت

۳. بیان راه‌حل

عملیاتی نمودن طرح جلوگیری و کاهش آمار پرونده‌های ورودی

در مجموع هدف از این طرح مجموعه اقدامات جهادی و خودجوش مردمی بوده که زمینه لازم برای سازمان‌دهی، روشنگری و ایجاد انگیزه و گذشت، ایثار، نیک اخلاقی و ارتقاء فرهنگ همکاری و مشارکت در جلوگیری و کاهش هر عاملی که موجبی برای تشکیل پرونده قضایی باشد خواهد بود.

اصول کلی و قواعد آن برای اجرای طرح اردوی جهادی صنا

اصل اساسی در این طرح هر اقدام و عملی هست که منجر به ایجاد ظرفیتی مناسب برای موضوع ۱- جلوگیری از ایجاد اختلاف یا وقوع جرم یا تخلف و هر سوءاستفاده‌ای باشد ۲- حل اختلاف و ایجاد انگیزه گذشت و صلح و سازش و خاتمه فصل خصومت گردد تا مانع تشکیل پرونده ورود آن به دادگاه گردد و یا پرونده جاری در محاکم قضائی خاتمه و موجب خروج آن گردد ۳- آسیب‌شناسی و به‌کارگیری فنون نوین برای رفع آسیب‌ها و معضلات و پیامدهای آن که برای احیاء و اجرای طرح اساس فعالیت به شرح ذیل تعریف و ملاک عمل و بر آن فعالیت خواهد شد و مؤکدا لازم هست با توجه به اهمیت مطلب و تأثیر دخالت مردمی یادآوری کنیم که:

** پرونده‌ها توسط مردم ایجاد و ازدیاد پیدا می‌کند اگر مردم نخواهند پرونده‌ای ایجاد نمی‌شود **

بنابراین برای پیاده‌سازی طرح و اینکه حجم ورودی پرونده‌ها را کاهش دهیم باید ضمن اینکه بیشتر کارسازی بر رفتار و اخلاق و روشنگری مردم باید صورت پذیرد دو استراتژیک را پیاده‌سازی خواهیم نمود

الف- روش روشنگری، تبلیغی، آموزشی، ترویجی و فرهنگی (اردوی جهادی صداقت)

این برنامه صرفاً برای بیداری و روشنگری مردم و آگاه‌سازی از مضرات ازدیاد پرونده‌های ورودی و نیز برعکس آن عواید کاهش حجم پرونده‌ها بوده و در قالب مأموریتی که قبلاً اصول و چهارچوب و مواد آن مشخص و تعریف و آماده شده صورت خواهد گرفت عمدتاً از طریق ارائه برنامه‌های تبلیغی و آموزش و روشنگری توسط رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی و اوج آن از طریق صداوسیما با شرکت مدیران دستگاه قضائی و سایر مسئولین به‌ویژه نمایندگان مجلس، استانداران و فرمانداران

بوده و همچنین سخنرانی و روشنگری روحانیون در مساجد خواهد بود و غیر آن با نصب پوسترها و بیلبوردها و پخش برشورها خواهد بود.

ب- روش فیزیکی و فنی

این برنامه در ابعاد مختلف با اقدامات فیزیکی و فنی با مشارکت مردمی در سطح گسترده و عمدتاً با تمرکز بر ظرفیت‌های ویژه مساجد و پایگاه‌های بسیج عملیاتی خواهد شد که در ادامه جزئیات آن کاملاً تشریح خواهد شد.

اردوی جهادی صداقت

این اردو مجموعه اقدامات تبلیغی – روشنگری – آموزشی –فرهنگی و ...؛ که برگرفته از قوه لسانی و زبانی خواهد بود است.

الف - روش روشنگری، تبلیغی، آموزشی، ترویجی و فرهنگی: (جهاد تبیین، نهضت روشنگری و جنبش آگاه‌سازی)

همان‌طور که قبلاً نیز به آن اشاره نمودیم ازدیاد پرونده‌های ورودی حاصل از عمل، رفتار، کردار و به خواست و دخالت مردم بوده بنابراین جریانی که از سوی مردم نشاءت گرفته تنها به دست مردم می‌تواند متوقف و یا کاهش داده شود که این یک موضوع شفافی هست ولی چرا ما اصل و ذات قضیه را توجه نمی‌کنیم و میدان را باز گذاشته تا وقایعی که پرونده ساز بوده رخ دهد سپس برای کنترل آن با به‌کارگیری ابزار برخورد و فشار و تعیین جزا و حبس و جریمه وارد صحنه شویم

ما معتقدیم حجم کارهای سرازیر شده به دادگاه‌ها به حدی بالاست که اساساً فرصت و موقعیت پیشگیری را سلب و ساقط کرده و مسئولین قضائی مجال تمرکز بر اصل پیشگیری را ندارند و این شاید به دلیل اینکه پیشگیری با کار قضائی ادغام بوده پاسخگو مؤثر نمی‌تواند باشد که به نظر مجموعه اقدامات تعلیمی و تربیتی و آموزشی در این حوزه و نهایتاً پیشگیری بایستی از بدنه سیستم قضائی تفکیک و

به‌صورت مستقل و یا زیر نظر سایر نهادهای دولتی فعالیت نماید در این صورت شانس تأثیرگذاری هم با توجه به نگاه مردمی و تصوری که از سیستم قضائی داشته و باور اینکه دستگاه قضائی فقط ابزار برخورد و حبس و اعمال جزا را در دستور کار خود دارد بالاتر خواهد بود حال صرف‌نظر از مسائل که ورود به آن بحث‌های فراوانی را به دنبال خواهد داشت.

در این روش ما به دنبال روشنگری مردم و آگاهی‌سازی آن‌ها از عواقب، خسارات و ضررهایی که ناشی از ازدیاد حجم پرونده‌های ورودی که مستقیماً به‌واسطه خود آن‌ها تولید و ایجاد می‌گردد بوده که در کل از جیب آن‌ها هزینه خواهد شد اگر ما بتوانیم دید مردم را به دستگاه قضائی اصلاح کنیم و بتوانیم روشنگری کنیم که علت نارضایتی و گلایه‌ها از وجود ناعدالتی در سیستم قضائی موضوعی هست که به خود آن‌ها برمی‌گردد و خود آن‌ها باعث بانی چنین روندی می‌شوند و تفهیم کنیم اگر در رفتار و کردار خود و فرزندان و آشنایان و همسایگان دقت و نظارت داشته باشیم و به حقوق هم احترام بگذاریم، قانون را رعایت و به آن احترام قائل شویم، حق مظلومی را ضایع نکنیم، به مال دیگران چشم نداشته باشیم، دزدی نکنیم، به ناموس دیگران مزاحم نباشیم، ملک کسی را تصرف نکنیم و دروغ نگوییم، وظیفه‌شناس و مسئولیت‌پذیر باشیم و از ظلم و جرمی چشم‌پوشی نکنیم و به هم صداقت داشته باشیم در این صورت نه واقعه‌ای رخ می‌دهد نه پای کسی به محاکمه باز می‌شود.

مردم باید به این درک و فهم برسند. این همه هزینه‌هایی که در سیستم قضائی مصرف می‌شود و هزینه‌هایی که برای ساخت دادگستری‌ها، زندان‌ها، کلانتری‌ها صرف می‌شود و هزینه‌هایی که بابت حقوق کارکنان دستگاه قضائی و ضابطان و غیره و نیز هزینه‌های تجهیزات و پشتیبانی و اداری دیگر پرداخت می‌شود تماماً از جیب مردم تأمین و از محل بیت‌المال پرداخت می‌شود که اگر چنین هزینه‌های سرسام‌آوری نبود، می‌توانستیم با آن رقم کارخانجات و بیمارستان‌ها و جاده‌ها و ... مراکز خدماتی و تفریحی و غیره را فراهم تا در اختیار عموم قرار گیرد و همین‌طور

هزینه‌های که اصحاب دعوا متحمل می‌شوند و مشکلاتی که به خانواده‌ها تحمیل می‌شود نیز رفع و ایجاد نمی‌گردید.

اگر مردم بخواهند، به هر جایگاهی می‌توانیم برسیم در غیر چنانکه علاقه‌مند و راضی به انجام کار نباشند همه به آن جایگاهی که مورد انتظار هست نخواهیم رسید و هم هزینه‌های هنگفتی را دربرخواهد داشت. در این صورت ایجاد فاصله با عدالت خواهد بود که این یعنی کشوری که در اکثریت ارکان خود با معضلات و چالش‌هایی درگیر هست که این واضح‌ترین بعد مسئله بوده و این است که مردم گلایه‌هایی فراوان خواهند داشت. مردم اگر به دنبال شرایطی که مورد انتظار دارند باشند باید از توجیه برخی اعمال و رفتار خود دست برداشته و به دنبال مقصر نباشند و به‌عنوان‌مثال نبود کار و فشار مالی را عامل دزدی و کلاهبرداری عنوان نکنند.

اصول و مأموریت اردوی جهادی صداقت که برای تأثیرگذاری تعریف و مشخص شده:

بخش اول

- روشنگری و تشریح و اطلاع‌رسانی خسارات و مضرات ازدیاد پرونده‌ها
- روشنگری و تشریح و اطلاع‌رسانی منافع و عواید حاصل از کاهش ورودی پرونده‌ها
- روشنگری، تشریح و تشویق عموم به صلح و آشتی و دوستی
- روشنگری و تشریح و تشویق عموم مردم برای پرهیز و خودداری از شکایت واهی و غیرضروری
- روشنگری و تشریح و تشویق عموم مردم برای راه‌اندازی مراکز حل اختلاف در مساجد و پایگاه‌ها از طریق داوری محلات و روستاها و مناطق

- روشنگری و تشریح مزایای مشارکت و احساس وظیفه داشتن نسبت به شهروندان و برخورد با هنجارشکنی، مرتکبین جرائم، تخلفات و سوءاستفاده کنندگان
- روشنگری و تشریح و تشویق مردم به گذشت و ایثار نسبت به شهروندان خود جهت پایان دادن به اختلافات
- روشنگری و تشریح و تشویق شهروندان برای ورود به اختلافات و سوء تفاهمات بین همدیگر و شهروندان برای جلوگیری از تشکیل پرونده ورود به دادگاه
- روشنگری و تشریح و تشویق مسئولین و مدیران و کارکنان دولتی برای راه‌اندازی حل اختلاف از طریق داوری داخلی ادارات
- روشنگری و تشریح و تشویق عموم به خویشتن‌داری، صداقت و نیک اخلاقی و مخالفت با شکایت و طرح دعاوی غیرضروری
- روشنگری و تشریح و تشویق عموم به احترام به حقوق همدیگر و اجتناب از اعمال نفوذ و پرداخت رشوه و رانت‌خواری و هرگونه فساد
- روشنگری و تشریح و تقویت همدلی مردم و همکاری و مشارکت در اجرای طرح
- روشنگری و تشریح و تشویق عموم مردم برای احترام به قانون
- روشنگری و تشریح و تشویق کارکنان دولت در حسن نیت و احساس وظیفه و مسئولیت‌پذیر بودن
- روشنگری و تشریح و تشویق مردم برای پرهیز از اسراف و تقویت اخلاق صرفه‌جویی

بخش دوم

- اعلام و انتشار آمار و نتایج پیشرفت طرح از طریق جرائد و رسانه‌ها
- اعلام آمار و ارقام هزینه‌های صرف شده در محاکم قضائی

- شفاف‌سازی و انتشار اخبار دقیق رخدادهای سیستم قضائی
- اعلام و انتشار نتایج مؤثر عملکرد مشارکت‌های مردمی
- نحوه پیاده‌سازی اردوی جهادی صداقت
- بهره‌گیری از ظرفیت‌های صداوسیما و جرائد نسبت به ارائه برنامه روشنگری آموزش و تبلیغی
- تهیه و پخش برنامه‌های روشنگری و تشریح مسائل توسط مقامات و مسئولین ذی‌ربط در صداوسیما
- تحت پوشش رسانه و جرائد قرار دادن اقدامات و نتایج پیاده‌سازی طرح
- شفاف‌سازی آمار و اطلاعات و هزینه و کارکردهای سیستم قضائی از طریق رسانه
- سخنرانی‌های آموزشی، آگاهی‌دهنده و روشنگری توسط روحانیون در مساجد
- ایجاد همایش‌ها و کنفرانس‌های در رابطه با طرح فوق
- بهره‌برداری از ظرفیت و امکانات تبلیغی در مراسمات، مسابقات، همایش‌ها، نمایشگاه‌ها، جشنواره‌ها
- بهره‌گیری از نصب پوسترها و پخش بروشورها در اماکن قضایی و عمومی
- نصب بیلبوردهای تبلیغی در محافل عمومی
- ایجاد کمپین‌ها و همایش‌های مردمی

ب- اقدامات فیزیکی و فنی:

عنوان این قسمت با نام اردوی جهادی مختلف خواهد بود که در چهار بخش و تحت عنوان

اردوی جهادی آسیب‌شناسی قضائی

اردوی جهادی نظارت قضائی

اردوی جهادی سلامت قضائی

تقسیم خواهد شد و مجموعه آن در سه محور:

پیاده‌سازی سریع با الگوی تعریف شده با استفاده از ظرفیت مردمی
به‌کارگیری فنون نوین برای تشخیص معضلات بدخیم و ریشه‌دار با استفاده از ظرفیت مردمی
درمان، ترمیم، مراقبت مستمر با استفاده از ظرفیت مردمی

مورد توجه خواهد بود و طرح مزبور را پیش خواهیم برد که هر محور آن در واحدهای مختلف موضوع را تحت پوشش قرار خواهد که عمدتاً با برنامه‌ریزی به عمل آمده با استفاده از ظرفیت اماکن مذهبی و همچنین پایگاه‌های بسیج ابعاد مختلف را با ارتباط دهی به هم سعی در ایجاد گردشکاری که در آن مردم بتوانند اختلافات عمده خود را از طریق داوری محلات و روستاها و ادارات حل‌وفصل نمایند از دعوی غیرضروری پرهیز و با مرتکبین جرائم برخورد و مانع آن باشند.

آسیب‌شناسی (ازدیاد پرونده‌های ورودی به محاکم قضائی)

ما آسیب‌های مختلفی را تا جایی که علم آن را داشته تا ٤٠ مورد عنوان نمودیم که بی‌شک از این نیز فراتر بوده اما آنچه مورد بحث ماست آسیب ازدیاد پرونده‌های ورودی به محاکم قضائی بوده که ما در نظر داریم آسیب‌ها و علت‌ها و چگونگی موضوع ازدیاد پرونده‌های ورودی به محاکم قضائی را تشریح و راهکاری برای جلوگیر و کاهش آن تعریف کنیم.

برای خلاصی از معضلات و چالش‌های پیش رو سیستم قضائی مجموعه برنامه و اقدامات لازم را دو حالت بیرونی و درونی تفکیک بندی شده و برای آسیب‌شناسی هر یک و راه رفع، کاهش و پیشگیری آن را مورد بحث و ارائه راهکار و الگویی برای حل و کاهش آن تعریف می‌کنیم.

الف –معضلات و چالش‌های بیرونی سیستم قضائی

مجموع رخدادهای بیرون از سیستم قضائی که منجر به ایجاد ادعا و طرح پرونده‌ها ورود به محاکم قضایی می‌شود را در برمی‌گیرد که موارد آن می‌تواند کلیه دعاوی ناشی از عدم رعایت قانون باشد که به شرح ذیل به رفع آن خواهیم پرداخت.

محکمه محلی: با استفاده از توانمندی، ظرفیت‌های «اردوهای جهادی داوری و میانجیگری» در محلات، مساجد، پایگاه‌ها، دهیاری‌ها، طوایف، ادارات، اتحادیه‌ها، تعاونی‌ها، مؤسسات، شرکت‌ها، کارخانجات، با عنوان محکمه محلی به پرونده‌های مطروحه رسیدگی و تصمیم‌گیری خواهد شد.

- شوراهای تخصصی: با استفاده از ابتکار عمل، روش و فنون برنامه‌ریزی شده نوین در شکل‌دهی:
- شوراهای تخصصی مشاوره حقوقی: ارائه خدمات مشاور ه حقوقی به اصحاب دعوا
- شوراهای تخصصی داوری: رسیدگی به پرونده‌های تخصصی و تجدیدنظرخواهی شده از محکمه‌های محلی
- شوراهای تخصصی مودت و اخوت: رسیدگی و رفع خصومت در پرونده‌های اختلافاتی که در جریان یا در شرف طرح آن احدی از اصحاب دعوا درخواست حل‌وفصل آن را
- شوراهای تخصصی یاور مستقر در زندان‌ها: ایجاد واحدهایی از بین زندانیان برای فعالیت در امر داوری و میانجیگری پرونده‌های مربوط به زندانیان

ب- معضلات و چالش‌های عوامل درونی سیستم قضائی در افزایش آمار حجم پرونده‌های ورودی:

که مجموع رخدادهای درونی سیستم قضائی که منجر به ایجاد ادعا و طرح پرونده‌ها ورود به محاکم قضایی می‌شود را در برمی‌گیرد و از مهم‌ترین چالش‌ها و معضلاتی

هست که به‌صورت پنهان در قلب سیستم قضائی ریشه کرده و به نظر تاکنون به آن توجه جدی نیز نشده هست.

تاکنون مواردی که در دیدگاه ما معضلی مهم بوده را تعیین و مجموعه آن را با عنوان ویروس‌های مهم سیستم قضائی مشخص و با تفکیک آن‌ها به شرح مسئله و ارائه راهکاری برای رفع آن تعیین و تعریف کردیم که مسلماً ویروس‌های این‌چنینی بیشتر بوده که به جهت عدم ارتباط به موضوع بحث به آن‌ها نپرداخته‌ایم.

ویروس‌های مهم سیستم قضائی و مراحل رفع آن

۱-ویروس آنی: هر پرونده‌ای که با ورود به محکمه قضائی موجب ۱- تجدیدنظرخواهی (دو برابر شدن کار قضائی) یا واخواهی (دو یا سه برابر شدن کار قضائی) به‌عنوان ویروس آنی نام‌گذاری می‌شود.

۲-ویروس پرونده‌های تکثیر دهنده: پرونده‌هایی که با ورود به محاکم قضائی موجب تکثیر پرونده‌ها و نتیجتاً افزایش آن می‌شود.

۳-ویروس اشخاص پرونده ساز: اشخاصی که باعث طرح پرونده‌های بیش از استاندارد در محاکم قضائی می‌شوند.

٤-ویروس نامرئی: اشخاصی که به دنبال اعمال نفوذ و پرداخت رشوه در محاکم قضائی هستند.

۵-ویروس خنثی: پرونده‌هایی که به‌اشتباه طرح می‌شود و یا بی‌هدف تشکیل و پیگیری نمی‌شود.

٦-ویروس مرئی: سهل انکاری و یا کم کاری قضات، کارکنان، کارشناسان، وکلا، ضابطین قضائی و یا مسئول پاسخگویی به استعلامات در ادارات دولتی.

ویروس آنی

جریانات پنهانی مخرب که موجب افزایش حجم پرونده‌های ورودی یا حجم کاری موجود می‌شود نکته ظریف اما پرهزینه:

ما در روال کنونی سیستم قضائی خواسته یا ناخواسته روالی را رایج نموده که این روال جریانات پنهانی هستند که در عین حال پرهزینه و معضل بوده و عین کرمی که از داخل همه ور می‌شود عمل می‌کند.

اگر دقت کنیم هر پرونده به‌محض ورود به دادگاه‌ها در ۹۸ درصد از پرونده‌ها تکرار رسیدگی مجدد دارد با این تفاوت که این بار با نیروی انسانی سه برابر قبل که در عمل سیستم قضائی را نیز مواجه با سه برابر هزینه خواهد نمود. به بیانی هر پرونده در ۹۸ درصد با تجدیدنظرخواهی مواجه می‌شود. بنابراین با ورود پرونده به تجدیدنظرخواهی اتوماتیک حجم کار را دو برابر کردیم که صرف‌نظر از مسائل دیگر و احتمال ادعاهای جدید و افزایش پرونده‌ها که در ادامه به آن خواهیم پرداخت چنانکه خوش‌بینانه به موضوع نگاه کنیم یک پرونده با ورود خود دو برابر می‌شود پس با این اوصاف عملاً سیستم قضائی و روال کاری آن با اشکالی مواجه هست که یک مورد کاری را دو برابر و با سه برابر نیروی متخصص مواجه می‌کنند عملاً این شرایط با هیچ عقل و منطقی سازگار نیست و ما به آن توجه نمی‌کنیم و به دور خود می‌چرخیم زمانمان و پولمان را نیز در این راه از دست می‌دهیم.

متأسفانه موضوع تجدیدنظرخواهی به روال عادی و نرمالی تبدیل شده و در اصل عین یک فرمول و یک مرحله‌ای از مراحل رسیدگی به آن عادت نمویم که انجام بدیم و هیچ انتقاد و دلیلی که چرا رسیدگی‌ها تکرار می‌شود از کسی خواسته نمی‌شود و یا در واخواهی‌ها که در این صورت نیز حجم کاری دو تا سه برابر هم احتمال افزایش را خواهد داشت که یا واخواهی خواهد شد که در این صورت حجم کار دو برابر و اگر از آن تجدیدنظرخواهی هم شود حجم کار سه برابر خواهد شد بنابراین ضمن این راهکارهای پیشنهادی برای رفع این معضل داشته اما صحیح‌ترین و ایمن‌ترین راه مهار آن و سخت‌گیری در و.رودی پرونده‌ها به دادگاه بود که باید در قبال ورود پرونده‌ها به چرخه رسیدگی قضائی مقاومت نمود.

ویروس مرئی: عواملی که کم کاری و یا سهل انکاری در فرایند رسیدگی قضائی دارند

برخی از عوامل ذی‌ربط از جمله قضات، کارکنان دستگاه قضائی، ضابطین قضائی، کارشناسان رسمی، وکلا و ادارات مسئول در پاسخ به استعلامات در انجام وظایف خود کوتاهی و تعلل می‌کنند که موجبات تطویل مراحل رسیدگی می‌شوند بطوریکه کارشناسان رسمی در ارائه نظریه کارشناسی وقفه‌های را ایجاد و یا به لحاظ عدم استحکام کافی در نظریه کارشناسی موجب تکرار کارشناسی می‌شوند و یا ضابطین در انجام دستور صادره دچار تأخیر زیادی می‌شوند و در برخی با اندک دخالتی می‌توانند دعوی را با صلح و سازش خاتمه دهند که متأسفانه به آن توجه نمی‌شود؛ و یا وکلا در کار وکالتی با سهل‌انگاری و اقدامات سهوی یا عمدی موجب طولانی شدن و یا تکرار طرح دعاوی می‌شوند و در برخی مواقع خود عاملی برای طرح دعاوی می‌شوند هرچند در برخی مواقع برای دفاع از حقوق موکل نیاز به طرح دعوی هست ولی غیر آن در مواقع غیرضروری و صرفاً با هدف مادی و از روی ناآگاهی موکل چنین روندی را در مسیر محاکم قضائی جاری می‌سازند که در کل مجموعه عوامل صدرالذکر هرچند هم آمار آن جزئی باشد ولی همه موارد جمع‌بندی شود خواهیم دید که صدها پرونده را امکان حذف و موقعیت اینکه مانع از ورود به محاکم قضائی شوند میسر بود با این حال اجازه داده می‌شود که این موارد به آمار پرونده‌های ورودی اضافه شود.

ویروس خنثی: پرونده‌های که اشتباه و یا با بر اساس هدف طرح می‌شوند

برخی پرونده‌ها بوده که اصحاب دعوا به‌اشتباه طرح می‌کنند و علیرغم ورود به چرخه دادگاه‌ها و طی فرایند رسیدگی خروجی آن بی‌نتیجه می‌شود بنابراین مجدداً به طرح دعوی دیگری منتهی می‌شود و یا اینکه پرونده‌ای مطرح می‌شود ولی مورد پیگیری قرار نمی‌گرد که بی‌جهت وقت دادگاه گرفته می‌شود این‌طور مسائل را باید

با آموزش و کنترل مانع و یا کاهش دهیم تا بار پرونده‌های ورودی را بی‌جهت اضافی‌تر نکنیم

شورای تخصص یاور

ایجاد تشکل از بین زندانیان جهت حمایت از زندان

اطلاع‌رسانی قوانین بخشنامه و اطلاعیه‌های مرتبط به زندانیان – امکان تسهیل در امر طرح خواسته و مشکلات زندانیان – جمع‌آوری و ارسال منظم موارد مطروحه و مشکلات زندانیان – پیگیری منظم موارد ارجاع شده –

ضرورت مسئله

آنچه در زندان برای زندانی حیاتی بود و نبودنش نابودکننده هست حامی و پشتیبانی در خارج از زندان بوده که کارهای زندانی را در خارج از زندان پیگیری و انجام دهد. نبود این عامل گاها به حدی خسارات سنگین را وارد می‌نماید که زندانی را دیگر نامید و گوشه‌گیر می‌نماید که سال‌ها نمی‌تواند رهایی یابد بلااستثنا زندانی بدون حامی هم زندان بیشتری تحمل می‌کند و هم هزینه‌های زیادی به بیت‌المال تحمیل می‌کند بنابراین این همه زندانی که مفت می‌خورند و می‌خوابند می‌تواند یک مجموعه‌ای را از بین زندانیان حائز شرایط راه‌اندازی نمود که رابط بین زندان و خارج از زندان باشند و امورات زندانیان را پیگیری کنند فضای و جو زندان طوری است که موجب شده ارتباط مابین زندانیان با عوامل دست‌اندرکار و مسئول زندان نتواند جایگاه مطلوبی داشته باشد. این فضا عملاً باعث شده امکان حضور و طرح خواسته زندانی با مشکل و عملاً با سختی مواجه نماید؛ و عدم ارتباط بهینه بی‌شک عدم انعکاس اخبار و اطلاعات مربوط با زندانیان را به همراه خواهد داشت و عدم اطلاع زندانی از حقوقی قطعاً با طرح خواسته‌ای مواجه نبود که این عملاً تضییع حقوق زندانی بوده و این‌طور می‌توان گفت زندانیانی که سماجت؛ و روابط لازم را

دارند می‌توانند نتیجه‌ای سریع گرفته در غیر زندانیان ضعیف و جاهل به قوانین و اطلاعیه‌ها از درصد پایینی در امر طرح خواسته و مشکلات را دارند.

برای اینکه بتوان امکان حصول نتیجه مؤثر و پل ارتباطی نزدیکی برای ۱- اطلاع‌رسانی اخبار و قوانین مربوطه ۲- امکان افزایش مراجعه و تسهیل در امر طرح خواسته زندانی ۳- انعکاس خواسته و مشکلات زندانی ٤- پیگیری موارد ارجاع شده ۵- ایجاد فرصت آموزش روابط اداری و مدیریتی زندانیان شاغل در تشکل را داشته باشیم از بین زندانیان افراد مستعد و دارای تجربه را تعیین و سازمان‌دهی نمود و وظایفی را تعریف و مسئولیت داد و با تشویق زندانیانی که در این طرح زحمت کشیده به نسبت ارزش حاصله فعالیت انجام یافته از میزان حبس آنان کاهش داده در این صورت تلاش، دفت و پیگیری آن زندانیان نیز بالا خواهد شد و بهتر هست با ایجاد مرکز و تشکلی دیگر در خارج از زندان و از بین زندانیان که در حمایت و ضمانت لازم اخذ شده ارتباطی مستقیم با تشکلی که داخل زندان در حال فعالیت بوده افزایش کارایی را بالاتر برد.

و همچنین در امر حل اختلافات و داوری و میانجیگری نیز فعال خواهند شد تا مشکلاتی از زندانیان را به دست خود زندانیان حل‌وفصل نمود عمدتاً با زندانی شدن اشخاص دیگر کسی برای وی وساطت نمی‌کند و این روند روزبه‌روز که از حبس زندانی می‌گذرد قوی‌تر می‌شود.

نحوه و چگونگی راه‌اندازی شورای تخصصی یاور

شورای تخصصی یاور توسط یاوران قضائی که از بین حقوقدانان جهادگر که به‌صورت خودجوش و بدون ادعا و چشمداشتی به‌صورت داوطلبانه جهت ارائه کلیه خدمات حقوقی به زندانیان و خانواده آنان قدم به عرصه جهادی گذاشته و نقش آموزش، گزینش، سازمان‌دهی و نظارت مدد جویان برای پیاده‌سازی طرح و برنامه را دارند.

این جهادگران با بررسی صلاحیت مددجویان نیروی جهادی لازم را انتخاب و با آموزش آنان نسبت به عملیاتی طرح اقدامات لازم را به عمل آورده و پس از شروع به فعالیت شورای مراحل پشتیبانی را به عمل آورده و نظارت لازم را نیز صورت خواهند داد.

استفاده بهینه از جلسات محدود حضور مقامات قضایی در زندان:

یکی از کارهای ایده‌آل و مؤثر دادگستری استان حضور مقامات قضایی در زندان‌ها بوده که این روند موجب رفع مشکلات زیادی را برای زندانیان فراهم ساخته اما ازآنجایی‌که بتوانیم از این فرصت محدود بیشترین بهره‌برداری را داشته باشیم و مهم‌تر اینکه امکان طرح خواسته برای تمامی مددجویانی فراهم باشد و مددجویانی که ناتوان و از ارائه خواسته و صحبت با مقامات قضائی عاجز واهمه داشته از این فرصت برخوردار باشند و از انحصار مددجویان که فرصت‌طلب و یا قدیمی و در کار خدماتی و انضباطی فعال بوده و از فرصت برتری بودن برخوردار بوده خارج شود و یا مددجویانی که در بیان مسئله و مشکلات و تحریر درخواست‌ها ضعیف بوده و نمی‌تواند خواسته‌ای درست را مطرح کند. با این اوصاف عدم انتقال صحیح به مقام قضائی ضمن اینکه خروجی مثبتی نخواهد داشت بلکه موجب اتلاف زمان محدود نیز خواهد شد که برای رفع این موضوع برابر طرح ارائه شده بدوا یاوران قضائی نسبت به دریافت درخواست مددجویان مبادرت می‌نمایند سپس برابر خواسته مستندات و دلایل لازم را جمع‌آوری و تکمیل می‌نمایند و خواسته مختصر و مفیدی را تنظیم و آماده نموده که با ایجاد فرصت لازم و حضور مقام قضائی به ترتیب و با نظم کافی یاوران قضائی خواسته مددجو را در حضور مددجو به مقام قضائی منعکس و به دفاعیات آن پرداخته و به دنبال آن مراتب پیگیری خارج از زندان را تا حصول نتیجه صورت می‌دهند که با این روند ضمن اینکه از زمان محدود می‌توان استفاده بهتر و بیشتری را نمود و حق مددجویان ناتوان و عاجز نیز رعایت خواهد شد.

ساماندهی و تشکیل تیم‌هایی از بین زندانیان جهت مبارزه با جرائم داخل زندان

مسئولین محترم زندان‌ها هرچند که زحمات و تلاش‌های فراوانی جهت اصلاح و تربیت زندانیان را صورت می‌دهند و اقدامات زیادی در خصوص جلوگیری از وارد کردن مواد مخدر و درگیری و اخاذی و سایر جرائم را به عمل آورده با این وجود موضوع این جرائم ازجمله مواد مخدر نزاع و درگیری و اخاذی و شرارت در زندان مسئله عادی بوده و ارتکاب آن بی‌شک از بیرون زندان آسان‌تر و سریع‌تر هست بدون هیچ‌گونه شک و شبهه‌ای با تحقیقاتی که به عمل آمده، به‌عنوان‌مثال روزانه چند ۱۰۰ میلیون تومان در داخل زندان صرف مواد مخدر شده و به همین راحتی دود شده و به هوا می‌رود و ضمن اینکه این هزینه هیچ‌گونه آورده و ثمری نداشته بلکه جان و مال و ابروی مجموعه‌ای از خانواده را نیز با خود می‌برد بطوریکه خسارات آن به حدی وحشتناک بوده که حتی یک لحظه غفلت و سکوت در قبال این درد و مکافات منصفانه نخواهد بود

با نگاهی عمقی موضوع مواد مخدر در پشت میله‌های زندان

۱- ماهانه چند صد میلیون در داخل زندان صرف هزینه مواد مخدر می‌شود که با این رقم هرماه امکان ایجاد بیش از ۱۰ نفر شغل ثابت امکان‌پذیر بوده که بی‌جهت دود می‌شود

۲ - ۷۰ درصد از دلیل افزایش حبس محکومان و افزایش تعداد پرونده‌ها چه داخل زندان و چه خارج صرفاً ناشی از همین مواد مخدر بوده که به زندان وارد می‌شود بطوریکه جهت تهیه و استعمال مواد مخدر تن به هر کاری داده می‌شود که درنهایت خطم به جرم و محکومیت می‌شود

۳- سایر ...

شرح ایده:

طی تحقیقات به عمل آمده کاملاً واضح هست که زندانیانی با تشکیل باند و شبکه توانسته‌اند کسب‌وکار پررونقی را به جریان انداخته که این کار تیمی به‌نوعی زمینه

آموزش و ساماندهی اعمال مجرمانه و متعاقباً گسترش و توسعه آن در خارج از زندان می‌شود
و غیر آن، اخاذی باج‌گیری ایجاد مزاحمت قماربازی و رباخواری و چندین مورد دیگر نیز به همین شرایط در داخل زندان شروع و سازمان‌دهی و ترویج آن در خارج منتهی می‌شود

ضرورت ایده و مسئله

اهداف و نتایج مورد انتظار: ایجاد انگیزه و با در نظر گرفتن پاداش و مشوق‌هایی نسبت به شناسایی زندانیان مستعد نسبت با آموزش و سازمان‌دهی آنان در قالب تیم‌های مبارزه با جرائم داخل زندان ضمن ترویج مبارزه با جرائم به دست خود مجرمان مانع از گسترش جرائم شد به بیانی چنانکه خود مجرمان مبارزه با جرائم را عهده‌دار باشند بی‌شک کاری راحت و آسان‌تر خواهد بود و چنانکه طرح مذکور عملیاتی شود بی‌شک در کاهش آمار زندانیان نیز مؤثر باشد

اردوی جهادی سلامت قضائی

این اردو برای حقظ سلامت و پاکی مجموعه سیستم قضائی که در کنار نظارت قضائی پیاده‌سازی خواهد شد به‌نوعی که بعد از اقدامات روشنگری، فرهنگی، آموزشی پیشگیرانه و نظارتی و مبارزه با فساد خروجی کار و موقعیتی مؤثر و رضایت‌بخش که فراهم می‌شود را بر تکیه به اردوی جهادی سلامت قضائی حفظ و برای دوام آن برنامه‌ریزی و تلاش خواهد شد یعنی هرکجا با نتایجی مثبت و موفقیتی حاصل شود را تثبیت و برای استمرار آن و جلوگیری از پس روی آن فعالیت خواهد شد تا به دنبال آن پیشروی‌هایی نیز به دست آید.

خوش‌رویی و احترام به یکدیگر

اخلاق و رفتار نیک و مؤدبانه، شفافیت، پاسخگویی و کارایی و به فکر مردم بودن و احترام به اصحاب دعوا نظم دهی به زمان رسیدگی به پرونده‌ها، ارتقاء کیفیت مدیریت اداری و مالی قضائی از سوی دیگر احترامات قوی و متقابل مجموعه قضات، وکلا و کارشناسان و هر فرد و اشخاص مرتبط با پرونده‌ها به یکدیگر اولویت اهداف این اردو است

تثبیت فرهنگ

- فساد را بشناسید: این امر تبهکاری نیست بلکه سوءاستفاده از موقعیت، تأخیر بی‌مورد در کار، درز اطلاعات، عدم ارائه اطلاعات و...
- از فساد حمایت نکنید.: به‌عنوان یک فرد، اگر مشمول رشوه شوید و پرداخت کنید، به این معنی است که از فساد حمایت می‌کنید. اگر متوجه غیبت شدید و کاملاً ادامه دهید، از فساد حمایت می‌کنید.
- به فساد نه بگویید: وقتی از شما رشوه می‌خواهند، نه بگویید. صبر داشته باشید، منتظر نوبت خود باشید و فرهنگ‌سازی کنید. هرگز انتظار کار غیرقانونی برای خود را با پرداخت تشریفات اداری نداشته باشید، این کار به‌نوعی به خودتان آسیب می‌رساند. فقط صبر داشته باشید و خوش‌اخلاق باشید.
- با فساد مبارزه کنید: وقتی متوجه فساد شدید، آن را پنهان نکنید. افشای عمومی، مفسدان را به عدالت بسپارید صدای خود را بلند کنید و احساس تنهایی نکنید. مردم برای شما جمع خواهند شد تمام تلاش خود را بکنید و نترسید که مفسدان فوراً به محاکمه نرسند، شما پایه را بسازید و دیگران آن‌ها را تکمیل خواهند کرد.

ساختار اردوی جهادی سلامت قضائی

- واحد جهادی پیشگیری از صدور احکام ناعادلانه
- واحد جهادی همیار آن قضائی

- واحد جهادی نظارت بر اعمال استانداردهای یکسان در صدور احکام، راستی آزمایی و اعتبار سنجی احکام صادره
- واحد جهادی انتشارات و مستندسازی احکام صادره- فعالیت فرهنگی و ترویج انصاف در رسیدگی قضایی (تهیه و تنظیم آگهی هشدار فساد، عواقب و مضرات آن)
- واحد جهادی حقیقت‌یاب و ارزیابی و آمار و اطلاعات کیفیت عملکرد کارکنان قضایی

واحد جهادی پیشگیری از صدور احکام ناعادلانه

واحد جهادی پیشگیری از صدور احکام ناعادلانه متشکل از جهادگران حقوقدان که از بین وکلا، کارشناسان، کارآموزان، بازنشستگان دستگاه قضایی و تحصیل‌کردگان حقوق و معتمدین منتخب و علاقه‌مند بوده که به‌صورت داوطلبانه و بدون دریافت دستمزدی برای کاهش صدور احکام ناعادلانه در دادگستری‌ها زیر نظر مستقیم دادستان و ریاست کل دادگستری‌ها سازمان‌دهی و مستقر می‌شود.

همان‌طور که برای پیشگیری از وقوع جرم اقدامات مؤثر و گسترده‌ای صورت پذیرفته می‌توانیم چنین فرایندی را متوجه شعبات دادگستری‌ها نموده بطوریکه امکانی برای دریافت اخبار و شکایات وجود تخلف را قبل از صدور حکم را از طریق مختلف حضوری، مجازی – تلفنی و یا ارسال مکتوب جمع‌آوری و بلافاصله با مداخله و نظارت قاطع مورد تحقیق و بررسی قرار داده و در صورت انحراف با مذاکرات و جلساتی زمینه را برای اصلاح اقدامات و تصمیمات اتخاذی فراهم سازیم در صورت عدم حصول نتیجه با ارسال گزارشی به مقام قضائی مسئول امکان جلوگیری از تصمیمات ناعادلانه را فراهم ساخته و به دنبال آن پیگیری لازم جهت اطمینان از سلامت اقدامات و تصمیمات نیز صورت خواهد گرفت.

ساختار واحد جهادی پیشگیری از صدور حکم ناعادلانه

واحد جمع‌آوری اخبار، گزارشات و شکایات مردمی

واحد طبقه‌بندی اخبار، گزارشات و شکایات مردمی
واحد تخصصی صحت سنجی اخبار، گزارشات و شکایات مردمی
واحد تخصصی مداخله و بازرسی از فرایند رسیدگی ناعادلانه
واحد تخصصی نظارت بر فرایند رسیدگی
واحد تخصصی پاسخگویی و شفاف‌سازی

واحد جهادی همیاران قضائی

این واحد جهادی متشکل از جهادگران متخصص و حقوقدان و اشخاص معتمد و صاحب‌نظر بوده که در قسمت‌های ذیل مستقر و برای خاتمه دعوا و حصول سازش و مختومه شدن پرونده‌ها متمرکز خواهند بود.

- اجرای احکام‌ها: نسبت به تعیین تکلیف پرونده‌های اجرایی معوق با دادورزان همکاری خواهند نمود بطوریکه با دعوت از اصحاب دعوی مراتب حصول سازش را دستور کار خود خواهند داشت.
- سمت ارجاع پرونده‌ها: قبل از ارجاع پرونده‌ها مراتب به اطلاع واحد جهادی مستقر ارجاع تا اقدامات لازم را جهت حصول سازش و مختومه شدن پرونده را به عمل آورند.
- سیار در دادسراها و شوراهای حل اختلاف و دادگاه‌ها: واحدهای جهادی متخصص و معتمد به‌صورت سیار و با ارجاع موضوع از جانب شعبات وارد عمل و تلاش بر حصول سازش و خاتمه موضوع را به عمل خواهند آورد.
- دفاتر خدمات الکترونیک قضائی: قبل از ثبت دعوی و شکایات مراتب توسط مسئول دفاتر به واحدهای مستقر اطلاع داده شده تا اقدامات لازم را جهت حصول سازش و مختومه شدن پرونده را به عمل آورند
- کلانتری‌ها: واحدهای جهادی متخصص و معتمد مستقر خواهند شد و فعالیت صلح و سازش را در دستور کار خود خواهند داشت

- پاسگاه‌ها: واحدهای جهادی متخصص و معتمد مستقر خواهند شد و فعالیت صلح و سازش را در دستور کار خود خواهند داشت

واحد جهادی ارزیابی و آمار و اطلاعات کیفیت عملکرد کارکنان قضایی

این واحد جهادی متشکل از جهادگران متخصص در علم حقوق هست که آراء صادره، اخلاق و رفتار کارکنان دستگاه قضایی و عملکرد آنان را مرتباً بر حسب اسناد و مدارک اقدامات مورد رصد قرار داده و نیز، اخبار و شکایات واصله و نیز از طریق فنون بکار گرفته ذیل به شکل منظم و مستمر ورد رصد و ارزیابی قرار داده و آمار به روزی از کیفیت خدمات هریک از کارکنان را آماده و ارائه می‌دهند.

چک لیست ارزیابی از وقوع فساد و احکام صادره ناعادلانه

نظرسنجی از عملکرد دستگاه قضایی

فرم ارائه پیشنهاد و راهکارهای سلامت قضایی

واحد جهادی انتشارات و مستندسازی احکام صادره، فعالیت فرهنگی و ترویج انصاف در رسیدگی قضایی

این واحد جهادی متشکل از جهادگران متخصص در علم حقوق هست که به تهیه و تنظیم آگهی هشدار فساد، عواقب و مضرات آن فعالیت خواهد کرد و به‌نوعی کار فرهنگی برای ترویج دادن اخلاق نیک و منصفانه را در دستور کار خواهد داشت

واحد جهادی حقیقت‌یاب و ارزیابی و آمار و اطلاعات کیفیت عملکرد کارکنان قضایی

این واحد جهادی متشکل از جهادگران متخصص در علم حقوق هست که برابر داده‌های واحدهای جهادی در امر کشف حقایق و بروز رسانی آمار و اطلاعات عملکرد کارکنان فعالیت خواهد داشت

نتیجه کار: با این اردوی جهادی ما می‌توانیم بسیاری از پرونده‌ها که در اجراهای احکام ازدحام یافته و در آمار جزء پرونده در جریان قرار داشته را با بهره‌گیری از ظرفیت حقوقدانان و معتمدین علاقه‌مند با حمایت و همکاری دادورزان فعال نموده

و با دعوت از طرفین دعوی تلاش خواهد شد تا سازش حاصل شود و هستند پرونده‌هایی که با یک حرکت کوچک و حتی با تماس تلفنی نیز منجر به سازش شود که پیش‌بینی می‌شود چنانکه حمایت قاطعی از سوی مسئولین دادگستری صورت پذیرد ۱۵– ۲۵ درصد از پرونده‌ها را تعیین تکلیف و مختومه نماییم و نیز می‌توانیم بسیاری از پرونده‌ها را در همان ابتدای امر یا در حین رسیدگی خاتمه دهیم و پیش‌بینی می‌شود که در ابتدای کار ۱۰ الی ۱۵ درصد از حجم پرونده‌ها از این طریق کاهش یابد و با مرور زمان نیز نتیجه‌ای بهتر از این نیز می‌تواند به دست آید که در صورت پیاده‌سازی و حصول آن موفقیت ایدئالی می‌تواند باشد و کمک بزرگی برای سیستم قضائی خواهد بود

٤. پیامد

با این اردوی جهادی ما می‌توانیم هم فرهنگ‌سازی کنیم هم اساسی‌ترین مشکل جامعه که جایگاه عدالت بوده را تقویت ببخشیم این طرح شناسایی و به‌کارگیری ظرفیت‌های مردمی در اقدامات جهادی شده و از طرفی گسترش گفتمان جهادی در بین آحاد مردم خواهد شد

اردوی جهادی معرفت قضائی

در عین حال، ما جبهه جهادی صنا با قاطعیت و به‌طورجدی و مستمر برای تغییرات مثبت در سیستم قضایی ایران تلاش می‌کنیم. ما از قوه قضائیه مطالبه گری می‌کنیم و می‌خواهیم به‌گونه‌ای عمل کنند که هر تماسی با آن‌ها باعث اعتماد شود. هدف ما ایجاد یک باور مشترک و موجه است که در کشور همه بتوانند روی محاکمه عادلانه پرونده خود در دادگاه حساب کنند.

یکی از بزرگ‌ترین مشکلاتی که ایران مقتدر با آن مواجه است، سطح پایین اعتماد مردم به سیستم قضایی این کشور است. درحالی‌که در کشورهایی مانند جمهوری چک، فرانسه، آلمان یا سوئد، اعتماد به قوه قضائیه همیشه کمی بالاتر از اعتماد به سایر افراد است، اعتماد به دادگاه‌ها در ایران حتی از سطح پایین‌تر اعتماد به هم‌وطنان ما در حال حاضر پایین‌تر است.

مأموریت و اهداف اردوی جهادی معرفت قضائی:

مأموریت و اهداف جبه جهادی صنا مشارکت در امورات قوه قضاییه کشور به سمت بهتر شدن است

ما در تلاشیم رویه‌ای را تعریف و جریان سازی کنیم تا اطمینان حاصل کنیم که هر فردی که وارد دادگاه می‌شود احساس اطمینان کند که با آن‌ها منصفانه رفتار خواهد شد. ما به دنبال ایجاد جایگاهی در سیستم قضایی هستیم که در آن مرتباً شفاف‌سازی و امکان حضور ناظران از هر قشری در دادگاه‌ها فراهم باشد تا اخلاق و کار حرفه‌ای دادگاه‌ها در معرض دید باشد و اخلاق و کردار شایسته را تشویق و هر ناملایماتی و ایرادی را جهت داده و با بهره‌مندی از اردوی جهادی ناظر بسترسازی نموده تا به همراه ناظرین به طور مؤثر قضات را متقاعد کنیم که رفتار خود را تغییر دهند و به آن‌ها راهنمایی می‌کنیم که چه کاری انجام دهند تا همه حتی بازنده پرونده بتوانند با این اعتقاد که به آن‌ها قضاوت عادلانه شده است دادگاه را ترک کنند ما در این اردوی جهادی می‌توانیم** به‌عنوان‌مثال اعضای خانواده یا خواهر، برادر همسر، پدر و مادری که از اعدام و یا اینکه حبس طولانی‌مدت به جهت ارتکاب به جرم مثلاً آدم‌ربایی، قاچاق، توزیع مواد مخدر، سرقت مسلحانه، تجاوز، کلاهبرداری و ... فرزند یا عضو خانواده خشمگین و ناراضی بوده و به زمین و زمان کفر و گلایه می‌کند ** امکان حضورش را در جلسات رسیدگی در یک پرونده‌های مشابه و در همان شعبه‌ای که حکم محکومیت عضو خانواده آن‌ها را صادر کرده را فراهم کنیم تا به چشم خودت نحوه رسیدگی و حرف و ادعا و گلایه‌های طرف قربانی و یا بزه

دیده و یا زیان‌دیده و مشکلات و صدماتی که به خانواده‌ها وارد شده و نیز اظهارات مجرمین را دیده و بشنود در این صورت قطعاً به ناشایستگی عمل عضو خانواده پی برده و کینه‌ای که از قاضی صادرکننده محکومیت بدل داشته رفع و دیدگاه مثبتی را رقم خواهد زد این شفاف‌سازی هرچند هم به‌ندرت عملی شود تأثیر هر یک مورد از آن قطعاً بیشتر از آزادی ۱۰۰۰ زندانی تأثیرگذار خواهد بود زیرا واقعیت امر این هست مردم تصور می‌کنند آزادی زندانیان بر مبنا و اثر عدالت نمی‌باشد به جهت هزینه‌های هنگفت و عدم وجود امکانات و تأسیسات لازم بوده که تصمیم به آزادی آنان می‌کند و شاید تصوری بجا باشد و هرچند به قاطعیت نمی‌توان بر این امر استدلال داشت ولی می‌تواند موردی از علت‌ها باشد

ما در این اردو امکان پرسش و پاسخ به ناظرین را از مقام قضایی بعد از پایان جلسه فراهم می‌کنیم تا آنچه در جلسه دادگاه اتفاق افتاده را نقد و بررسی نموده تا با این روال به یک جمع‌بندی مؤثر برسیم

ما در این اردو جهادی همچنان بحث احترام و ارزش نهادن به قضات را نیز مدنظر داریم و بر آن اصرار و تأکید داشته و در آموزش آن کمک خواهیم نمود و درنهایت گزارشی از یافته‌های خود را تهیه و تنظیم می‌کنیم و از آن برای رفع چالش‌ها و آموزش‌ها بهره‌برداری می‌کنیم

و در ادامه آن سالیانه همایش‌ها و کنفرانس‌ها و سخنرانی‌ها را با دعوت از قضات و مقامات قضائی و دکترین ترتیب می‌دهیم با این کنفرانس‌ها فرصتی برای ارائه و بحث در مورد نتایج با قضات، نخبگان، داوران، دانشمندان و کارشناسان است این روال به‌نوعی به چالش کشیدن یک سیاست تصمیم‌گیری هست که با وقوع آن یک قاضی هوشیار خواهد شد و در تصمیمات خود همه جوانب را در نظر خواهد گرفت

ما صرفاً بر این اهداف بسنده نکرده بلکه ما اهداف چندجانبه داشته و از دیگر موارد آن بحث آموزش بوده لیکن با تمرکز به آموزش و در فعالیت‌های آموزشی خود، ما

دانشجویان و کار آموزان حقوق را به‌عنوان معلم خصوصی درگیر می‌کنیم تا فعالیت‌های حرفه‌ای را در میان آن‌ها تشویق کنیم و به آن‌ها در توسعه مهارت‌های نرم کمک کنیم.

اهداف چندجانبه از اردوی جهادی معرفت قضائی:

نظارت بر عملکرد قضات، آموزش، تقویت باورها و اعتماد مردمی، اصلاح شیوه و افزایش سلامت تصمیمات قضایی، شیوه‌های رفتاری صحیح، ترویج و توسعه فرهنگ شفاف‌سازی، ارتقاء جایگاه عدالت، سلامت و شکوه دستگاه قضائی،

عدم اعتماد به دادگاه‌ها مانعی بر سر راه توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... است

عدم اعتماد به این معنی است که بسیاری از مردم در استفاده از سیستم قضایی در صورت نیاز تردید دارند. از یک سو، بسیاری از هم‌وطنان هنگام درگیری با دولت احساس ناتوانی می‌کنند، اما از سوی دیگر، اغلب، احضار دادگاه را نادیده می‌گیرند و از دستورات دادگاه پیروی نمی‌کنند و به قضاوت آن‌ها احترام نمی‌گذارند. از نقطه نظر اقتصادی، دادگاه‌های غیرقابل‌اعتماد به معنای هزینه‌های معاملاتی بالاتر، ناامنی تجاری و حمایت ضعیف از حقوق مالکیت است. این منجر به جریان کمتر سرمایه‌گذاری می‌شود و جاه‌طلبی‌ها و فعالیت‌های کارآفرینی را مختل می‌کند. بی‌دلیل نیست که ارزیابی سیستم قضایی یک کشور یکی از شاخص‌هایی است که مثلاً گزارش «انجام کسب‌وکار» از آن استفاده می‌کند.

شهروندان به یک شاخه سوم قابل‌اعتماد از جنس خود نیاز دارند

داوطلبانی که در اردوی جهادی ناظر شرکت می‌کنند، می‌توانند خودشان ببینند که سیستم قضایی کشور واقعاً چگونه است و می‌توانند با کلیشه‌های رایج با واقعیت مقابله کنند. آن‌ها در طول شرکت در جلسه رسیدگی با بسیاری از قضات محترم و شایسته چه از نظر حرفه‌ای و چه از نظر شخصیتی مواجه می‌شوند. ما به‌عنوان یک نهاد مردمی می‌بینیم که چگونه ارتباط با قضات و مشاهده نحوه تصمیم‌گیری آن‌ها

باعث تقویت اعتماد اعضاء ما به قوه قضاییه می‌شود. این اعضاء به‌نوبه خود می‌توانند با به اشتراک گذاشتن تجربیات خود و آنچه در دادگاه می‌بینند و می‌شنوند با دوستان و خانواده، ایمان و باور کلی کشور را به سیستم قضایی تقویت کنند.

البته برعکس این نیز ممکن هست اتفاق بیفتد و زمانی که یک شهروند نظاره‌گر موضوع و جلسه رسیدگی بوده احساس جانب‌داری از یک طرف و یا عدم تسلط به موضوع و شاید رفتار و اخلاقی ناشایست به اصحاب دعوا را لمس و احساس کند که این نوع رفتار با رسالت عمیق حرفه آن‌ها و شأن قضاوت در تضاد باشد که. این تجربیات همچنین می‌تواند تصویر قوه قضاییه را در نزد ناظران دادگاه با ابهامی روبرو کند. با این حال، چنین روندی باز دارای عواید و منافعی به شکل دیگری دارد زیرا تعریف و توصیف و افشای چنین رفتارها می‌تواند از وقوع و تکرار آن در دادگاه‌ها بکاهد. بخصوص با فراهم بودن پرسش و پاسخ از قاضی دادگاه می‌تواند در درک مسائل مفید باشد و قاضی را به این باور که باید اصلاحاتی در خود داشته باشد را برساند

تصویر دادگاه در نظر اکثر هم‌وطنان از طریق تجربه شخصی ساخته نمی‌شود. بلکه، با اظهارات افراد دیگر و دوستان و آشنایان و حتی خانواده آن‌ها شکل می‌گیرد و هر چه نقل و قول رفتار قضائی و بحث‌های عدالت در دادگاه‌ها احساسات و عواطف شنونده را برانگیزد، به افراد بیشتر تکثیر و انتقال و سرایت داده می‌شود.

این احساسات در سمت‌وسوی منفی باعث خلق تصوراتی در ذهن می‌شود که موجب ترس، عصبانیت، بی‌اعتمادی می‌شود و ازآنجایی‌که آزادی و معیشت افراد معمولاً هنگام ورود به دادگاه محدود و سلب می‌شود گمان می‌کند در خطر است. با این اوصاف چنین درکی از سیستم قضائی ضمن اینکه حس بد و تنفر را پدیدار می‌کند لازمه فرار از خطر را و اینکه روبرو شدن و تکرار و تجربه مجدد را برای شخص سنگین و غیر خوشایند می‌کند لیکن این توهم، تصویری از سخت و پیچیده بودن احقاق حقوق را القاء می‌کند بنابراین قطعاً موجب ناتعادلی و رفتاری، گریزانه

و به دنبال خلاصی از شرایط و به دنبال جلب حمایت اشخاصی و به‌نوعی اعمال نفوذ با تصور اینکه روزنه‌ای برای فرار از این خطر باشد گزینه‌های در اولویت اول شخص خواهد بود که این موجب تضییع حقوق هم می‌تواند باشد که به معنای دور شدن از عدالت در ذهن‌ها خواهد بود که بسیار جریانی دردناکی هست.

افرادی اولویت شرکت در اردوی جهادی معرفت قضایی

افرادی که در این اردوها شرکت داده خواهند شد با عنایت به اهداف و برنامه‌های چندجانبه بایستی از چند دسته انتخاب شوند که در کل آنچه نظر نگارنده هست گروه اول افزایش اعتماد و باورهای مردمی: انتخاب اشخاص در درجه اول از بین شهروندانی که تصورات منفی با احتمال بالا را دارند مطلوب‌تر و مؤثرتر می‌تواند باشد که از جمله می‌توانند از اعضای خانواده زندانیان، قربانیان، ورشکستگان، متواریان از چنگال عدالت و ... باشد و در درجه دوم شهروندان عادی خواهد بود

گروه دوم آموزش و افزایش سطح علمی: دانشجویان رشته‌های مرتبط و کارآموزان و نیز از بین دانش‌آموختگانی که در مرحله انتخاب رشته تحصیلی بوده

گروه سوم نظارت بر عملکرد قضات: از بین دکترین، اساتید، نام‌آوران علم حقوق، وکلا، کارشناسان و کارکنان بازنشسته محاکم قضائی

گروه چهارم تحقیقاتی پژوهشی: اشخاصی در کار تحقیقی و پژوهشی فعالیت داشته یا مقاله و ارائه دانشگاهی و پایان‌نامه دارند

پایان سخن و کلام آخر

بنابراین ازآنجایی‌که هم‌وطنان مستحق یک محکمه قابل‌اعتماد از قوه قضائیه هستند ما معتقدیم که حضور آن‌ها در دادگاه‌های سراسر کشور و تشویق علاقه آن‌ها به سیستم قضایی، فرصتی عالی برای بهبود سیستم قضایی کشور خواهد بود لیکن جریان سازی اردوی جهادی ناظر را برای فراهم ساختن این موقعیت پیشنهاد می‌کند.